

تحلیل
تکنیکال
در بازار سرمایه

John.J.Murphy

ترجمه انحصاری ایمن داک



فصل اول

فلسفه تحلیل تکنیکال

مقدمه

فلسفه یا منطق

تحلیل تکنیکال در برابر پیش بینی های فاندamental

انعطاف پذیری و سازگاری تحلیل تکنیکال

تحلیل تکنیکال و کارایی آن در بازه های زمانی مختلف

پیش بینی های اقتصادی

تحلیل گر تکنیکی یا چارتیست؟

برخی انتقادات در مورد تحلیل تکنیکال

نظریه ورود تصادفی (Random Walk)

اصول کلی

فصل دوم

نظریه داو

مقدمه

اصول مقدماتی

استفاده از قیمت های پایانی و خطوط

چند انتقاد به نظریه داو

بازار سرمایه به عنوان یک شاخص اقتصادی

نتیجه

فصل سوم

ساختار نمودار

مقدمه

انواع نمودارهای موجود

نمودارهای شمعی

نمودارهای حسابی در مقابل نمودارهای لگاریتمی

ساختار نمودار میله ای روزانه

حجم معاملات

نمودار هفتگی و ماهانه

نتیجه گیری

فصل چهارم

مفاهیم مقدماتی روند

تعریف روند

روند سه جهت دارد

روند به سه دسته تقسیم می شوند

حمایت و مقاومت

خطوط روند

اصل بادبزن

اهمیت عدد سه

شیب نسبی خط روند

خط کانال

درصد تصحیح یا برگشت

خطوط بادبزن گان (Gann) و فیبوناچی

خطوط روند داخلی

شکاف های قیمت

نتیجه

فصل پنجم

الگوهای مهم برگشتی

مقدمه

الگوهای قیمت

دو نوع الگو:

الگوهای برگشتی و الگوهای ادامه دهنده

الگوی برگشتی سر و شانه ها

اهمیت حجم معامله

پیدا کردن هدف قیمت

سر و شانه های کف یا معکوس

الگوهای سر و شانه های مرکب

سقف ها و کف های سه قلو

سقف ها و کف های دوقلو

تغییرات در الگوی ایده آل

نعلبکی ها و اسپایک ها

نتیجه

فصل ششم

الگوهای ادامه دهنده

مقدمه

مثلث

مثلث متقارن

مثلث افزایشی

مثلث کاهششی

الگوی (مثلث) پهن شونده

پرچم های مثلث و پرچم های چهارگوش

کنج ها

تشکیل الگوهای مستطیل

حرکت موزون

الگوی ادامه دهنده سر و شانه ها

تایید و واگرایی

نتیجه گیری

فصل هفتم

حجم معاملات

مقدمه

حجم معاملات به عنوان یک شاخص ثانویه

جمع بندی اصول حجم معامله

فصل هشتم

نمودارهای بلند مدت

معرفی

اهمیت دوره های بلند مدت

روندهای بلند مدت تصادفی بودن را انکار می کنند

از نمودارهای بلند مدت تانمودارهای کوتاه مدت

آیا می بایست نمودارهای بلند مدت را باترخ تورم تنظیم کرد؟

نمودارهای بلند مدت برای اهداف معاملاتی مناسب نیستند.

مثال هایی از نمودارهای بلندمدت

فصل نهم

میانگین های متحرک

مقدمه

میانگین متحرک: ابزاری انعطاف پذیر با تاخیر زمانی

توسعه میانگین متحرک

باندهای بولینگر

استفاده از باندهای بولینگر برای تعیین هدف قیمت

اندازه گیری تغییرات با پهنای باند

ارتباط میانگین متحرک و چرخه زمانی
کاربرد اعداد فیبوناچی در میانگین های متحرک
کاربرد میانگین متحرک در نمودارهای بلند مدت
قانون هفتگی

بهینه سازی لازم است یا نه؟

خلاصه

میانگین متحرک تطبیق پذیر (A.M.A)

جایگزین های میانگین متحرک

فصل دهم

اسیلاتورها

مقدمه

کاربرد اسیلاتورها در رابطه با روند

اندازه گیری جنبش

اندازه گیری درجه تغییرات (ROC)

ساخت یک اسیلاتور با استفاده از دو میانگین متحرک

شاخص کانال کالا (CCI)

اندیکاتور قدرت نسبی (RSI)

استفاده از سطوح ۳۰ و ۷۰ به عنوان اخطارهای عمومی

استوکاستیک ها (K%D)

%R لری ویلیامز

اهمیت روند

چه زمانی اسیلاتورها مفیدترین کاربرد را دارند

میانگین متحرک همگرایی / واگرایی (MACD)

هیستوگرام MACD

ترکیب هفته ها و روزها

تاثیر اخبار فاندamental رابر بازار بررسی کنید

فصل یازدهم

نمودار نقطه ورقم

مقدمه

نمودار نقطه ورقم درمقابل نمودار میله ای

ساختار نمودار میان روزه نقطه و رقم

شمارش افقی

الگوی قیمت

نمودارهای سه واحد برگشتی نقطه ورقم

ساختار نمودار سه واحد برگشتی نقطه ورقم

رسم خطوط روند

تکنیک اندازه گیری

تاکتیک های معامله

فواید نمودارهای نقطه ورقم

شاخص های تکنیکی نمودارهای نقطه ورقم

رسم کامپیوتری نمودار نقطه ورقم

میانگین متحرک های نمودارهای نقطه ورقم

نتیجه

فصل دوازدهم

نمودارهای شمعی ژاپنی

مقدمه

نمودارهای شمعی

نمودارهای شمعی مقدماتی

تحلیل الگوهای شمعی

الگوهای دنباله دار

الگوهای شمعی فیلتر شده

نتیجه

فصل سیزدهم

نظریه موج الیوت

تاریخچه

اصول اولیه امواج الیوت

ارتباط بین موج الیوت و نظریه داو

موج های تصحیح گر

قانون تناوبی

کانالیزه شدن (کانال بندی)

موج چهارم مانند یک سطح حمایت

اعداد فیبوناچی پایه و اساس اصل موج

نسبت های فیبوناچی بازگشت ها

هدف های زمانی فیبوناچی

ترکیب سه جنبه نظریه موج

جمع بندی و نتیجه گیری

فصل چهاردهم

چرخه های زمانی

مقدمه

چرخه ها

چگونه مفاهیم چرخه به درک تکنیک های نموداری کمک می کنند

چرخه های حاکم

ترکیب طول دوره چرخه ها

اهمیت روند

حرکت انتقالی به چپ و راست

چگونه چرخه ها را مجزا کنیم

چرخه های موسمی

چرخه ریاست جمهوری

ترکیب چرخه ها با دیگر ابزارهای تکنیکی

تحلیل بیشترین بی نظمی طیفی

فصل پانزدهم

کامپیوترها و سیستم های داد و ستد

مقدمه

بعضی نیازهای کامپیوتر

گروه بندی ابزارها و شاخص ها

استفاده از ابزارها و شاخص ها

سیستم های سهمی وار و حرکت هدایتی ولس ویلدر

مزایا و معایب سیستم های داد و ستد

نتیجه گیری

فصل شانزدهم

مدیریت مالی و تاکتیک های معامله

مقدمه

سه عنصر اساسی برای معامله موفق

مدیریت مالی

معاملات متوالی: باقی ماندن در روند یا تگرار معاملات

بعد از دوره های سود و یا ضرر چه باید کرد

تاکتیک های معامله

ترکیب عوامل تکنیکی و مدیریت مالی

انواع دستورات معاملاتی

از نمودارهای روزانه تا نمودارهای تغییرات میان روز قیمت

استفاده از نقاط محوری نمودارهای میان روز

خلاصه ای از مدیریت مالی و اصول راهنمای معامله

استفاده در بازار سهام
تخصیص وجه (تقسیم بندی سرمایه)
مدیریت حساب مالی و شرکت های سرمایه گذاری سهام
فصل هفدهم
شاخص های بازار سرمایه
اندازه گیری پهنای بازار (measuring market breadth)
مقایسه شاخص های بازار
خط پیشرفت - پسرفت (AD)
واگرایی خط پیشرفت - پسرفت (AD)
خط AD هفتگی و خط AD روزانه
تغییرات در خط AD
اسیلاتور مک للان
شاخص مجموع مک للان
بالاهای جدید و پایین های جدید
شاخص بالاهای جدید - پایین های جدید
حجم معامله صعودی در مقابل حجم معامله نزولی
شاخص آرمز (THE ARMS INDEX)
شاخص TRIN در مقابل TICK
صاف کردن شاخص آرمز
آرمز باز (OPEN ARMS)
نمودار حجم تعادلی
نتیجه گیری
فصل هجدهم
جمع بندی مباحث : خلاصه مطالب
خلاصه مباحث تکنیکال
چگونه تحلیل های تکنیکی وفاندامنتالی (پایه ای) را با هم هماهنگ کنیم؟
تحلیل گر تکنیکی مجاز بازار
نام های مختلف تحلیل تکنیکال
نتیجه گیری
پیوست ها
پیوست الف. اندیکاتورهای پیشرفته تکنیکی
اندیکاتور تقاضا (DI)
باندهای استارک و کانال های کلتبر
فرمول شاخص تقاضا DI

پیوست ب

ضروریات ایجاد سیستم معاملاتی (نوشته فرد شاتزمن)

برنامه ۵ مرحله ای

قدم اول: شروع با یک ایده کلی

مرحله دوم: ایده خود را در قالب قانون های علمی در آورید

مرحله سوم: بررسی ظاهری بر روی نمودارها

مرحله چهارم: امتحان رسمی با استفاده از کامپیوتر

مرحله پنجم: ارزیابی نتایج

مدیریت سرمایه

نتیجه

جان ج. مورفی برای سه دهه تحلیل تکنیکال انجام داده است. او قبلاً مدیر تحقیقات تکنیکال آتی و مشاور ارشد تجاری مریل لینچ بود. آقای مورفی برای مدت هفت سال تحلیلگر تکنیکال شبکه تلویزیونی CNBC بود. او نویسنده سه کتاب از جمله تحلیل تکنیکال بازارهای آتی، که پیش نیاز این کتاب است. کتاب دوم او، تحلیل تکنیکال بین بازار، شاخه جدیدی از تحلیل را باز کرد. کتاب سوم او، سرمایه گذار دیداری، کار تکنیکال را به صندوق های سرمایه گذاری مشترک اعمال می کند.

در سال ۱۹۹۶، آقای مورفی، MURPHYMORRIS را همراه با توسعه دهنده نرم افزار گرگ موریس تاسیس کرد تا محصولات آموزشی تعاملی و تحلیل آنلاین برای سرمایه گذاران ایجاد کند. آدرس وب سایت آنها این است:

www.murphymorris.com

او همچنین رئیس شرکت مشاوره مخصوص خود، JJM مشاوران تکنیکال، واقع در Oradell، نیوجرسی است.

توماس ای. (ضمیمه a) یک تحلیل گر بازار سرمایه با مسئولیت محدود موسسه اقتصادی پرینستون است.، واقع در پرینستون، نیوجرسی. بازارهای تجاری از دهه ۱۹۹۰ بازارهای تجاری داشته‌اند. بسیاری از تکنیک‌هایی که او در اوایل دهه ۱۹۹۰ پیشگام بود اکنون توسط دیگر تاجران حرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دنیس سی. هینز (ضمیمه B) مدیر و مؤسس شرکت R.W. Pressprich &، یک تاجر درآمد ثابت در شهر نیویورک است. او همچنین به عنوان استراتژیست بازار اصلی شرکت خدمت می‌کند. آقای هینز معامله گر بازار آتی و CTA (مشاوره بازرگانی کالا) است. او مدرک MBA در امور مالی از دانشگاه هیوستون دارد.

گرگ موریس (فصل ۱۲ و پیوست D) در حال توسعه سیستم‌های تجاری و شاخص‌های به مدت ۲۰ سال برای سرمایه گذاران و تجار است تا با برنامه‌های اصلی نرم‌افزار تحلیل تکنیکی مورد استفاده قرار گیرند. او نویسنده دو کتاب در نمودار شمعدانی است (مراجعه به فصل ۱۲). در آگوست سال ۱۹۹۶، آقای موریس با جان مورفی برای بنیانگذاری شرکت MURPHYMORRIS، یک شرکت مستقر در دالاس که به آموزش سرمایه گذاران اختصاص داشت، همکاری کرد.

فرد جی. Schutzman CMT (ضمیمه ج) رئیس و رئیس اجرایی
ارشد مدیریت سرمایه Briarwood، یک مشاور تجارت کالا در نیویورک است.
او همچنین مسئول تحقیقات تکنیکال و توسعه سیستم تجارت در شرکت
مدیریت Eurocurrency Emcor، یک شرکت مشاوره مدیریت ریسک است.
آقای Schutzman عضو انجمن Technicians بازار است و در حال حاضر در
هیات مدیره آنها خدمت می کند.

زمانی که تحلیل تکنیکال بازارهای آتی در سال ۱۹۸۶ منتشر شد هیچ ایده‌ای نداشتم که چنین تاثیری بر صنعت ایجاد کند. بسیاری در این حوزه به عنوان "کتاب مقدس" از تحلیل تکنیکال به آن اشاره کرده اند. انجمن تکنیکال های بازار از آن به عنوان یک منبع اولیه در فرآیند آزمون خود برای برنامه تکنسین بازار چارتر استفاده می‌کند. بانک مرکزی فدرال این تحقیق را در مطالعات تحقیقاتی که ارزش رویکرد تکنیکال را مورد بررسی قرار می‌دهد، ذکر کرده‌است. علاوه بر این، به هشت زبان خارجی ترجمه شده‌است. همچنین برای عمر طولانی کتاب آماده نبودم. این کتاب ده سال پس از انتشار آن به همان اندازه که در چند سال اول منتشر شد، به فروش رفت.

با این حال، روشن شد که مطالب بسیاری در دهه گذشته به حوزه تجزیه و تحلیل تکنیکال افزوده شده‌است. من خودم قسمتی از آن را به خودم اضافه کردم. کتاب دوم من، تحلیل تکنیکال بین بازار (Wiley، ۱۹۹۱)، به ایجاد این شاخه جدید از تجزیه و تحلیل تکنیکال کمک کرد که امروزه به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. تکنیک‌های قدیمی مانند الگوی شمعدانی ژاپنی و نمونه‌های جدیدتر مانند مجموعه تنظیمات بازار بخشی از چشم‌انداز تکنیکال شده‌اند. واضح است که این کار جدید

لازم است در هر کتابی که تلاش می‌کند تصویری جامع از تحلیل تکنیکال ارائه دهد، گنجانده شود. تمرکز کار من هم تغییر کرد.

در حالی که علاقه اصلی من ده سال پیش در بازارهای آتی بود، کار اخیر من بیشتر به بازار سهام مرتبط است. این موضوع باعث شد که من دایره کامل داشته باشم، زیرا من سی سال پیش حرفه خود را به عنوان یک تحلیل گر سهام آغاز کردم. این همچنین یکی از اثرات جانبی تحلیلگر تکنیکال ام سی بی سی برای مدت هفت سال است. این تمرکز بر آنچه که عموم مردم انجام می‌دادند، منجر به کتاب سوم من، سرمایه‌گذار دیداری (ویلی، ۱۹۹۶) شد. این کتاب بر استفاده از ابزارهای تکنیکال برای بخش‌های بازار، در درجه اول از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری متمرکز بود که در دهه ۱۹۹۰ به شدت محبوب شد.

بسیاری از شاخص‌های تکنیکال که حدود ده سال پیش نوشتم، که در درجه اول در بازارهای آتی مورد استفاده قرار گرفت، در بازار سهام گنجانده شده‌است. وقت آن رسیده بود که نشان دهم این کار چگونه انجام می‌شود. در نهایت، مانند هر رشته یا رشته، نویسندگان نیز تکامل می‌یابند. بعضی چیزها که ده سال پیش برای من خیلی مهم به نظر می‌رسید، امروز به همان اندازه مهم بود. از آنجا که کار من به یک کاربرد وسیع‌تر از اصول تکنیکال برای همه بازارهای مالی تبدیل شده‌است، به نظر می‌رسد که هر بازنگری در کار قبلی باید منعکس‌کننده این سیر تکاملی باشد.

من سعی کردم ساختار کتاب اصلی را حفظ کنم. بنابراین، بسیاری از فصل‌های اصلی باقی می‌مانند. با این حال، آن‌ها با مطالب جدید مورد بازبینی قرار گرفته‌اند و با گرافیک جدید به روز شده‌اند. از آنجا که اصول تجزیه و تحلیل تکنیکال جهانی هستند، گسترش تمرکز بر روی همه بازارهای مالی دشوار است. با این حال، از آنجا که تمرکز اصلی بر بازار آتی است، مقدار زیادی از موارد بازار سهام اضافه شده‌است.

سه فصل جدید اضافه شده‌است. دو بخش قبلی در مورد نقطه و شکل (فصل‌های ۱۱ و ۱۲) به یک فصل تبدیل شده‌اند. یک فصل جدید ۱۲ در مورد نمودار شمعدانی وارد شده‌است. دو فصل اضافی نیز در پایان کتاب اضافه شده‌است. فصل ۱۷ مقدمه‌ای بر کار من در مورد تحلیل بین بازار است. فصل ۱۸ با شاخص‌های بازار سهام سر و کار دارد. ما افزونه‌های قبلی را با موارد جدید جایگزین کرده ایم. مجموعه تنظیمات بازار در ضمیمه B معرفی شده‌است. پیوست‌ها دیگر برخی از شاخص‌های فنی پیشرفته‌تر را نشان می‌دهند و توضیح می‌دهند که چگونه یک سیستم تجاری فنی ایجاد کنیم. واژه نامه ای نیز در انتهای کتاب گنجانده شده است.

با ترس و لرز به این تجدید نظر نزدیک شدم. مطمئن نبودم که کتابی که به عنوان "کلاسیک" در نظر گرفته می‌شد، ایده خوبی بود. امیدوارم موفق شده باشم. کنمن از دیدگاه یک نویسنده و تحلیلگر بیشتر به این کار نزدیک شدم. و در سراسر کتاب سعی کردم احترامی را که همیشه برای نظم تجزیه و تحلیل تکنیکال و برای بسیاری از تحلیلگران با استعداد که آن را تمرین می‌کنند، نشان دهم. موفقیت کار آن‌ها و نیز فداکاری آن‌ها در این زمینه، همیشه منبع آسایش و الهامی برای من بوده‌است. فقط امیدوارم که این کار را برای آن‌ها انجام داده باشم.

جان مورفی

فردی که بیشترین اعتبار را برای ویرایش دوم این کتاب دارد، الن Schneid کلمن، سردبیر اجرایی در سیمون & شوستر است. او مرا متقاعد کرد که زمان آن رسیده است که تحلیل تکنیکال بازارهای آتی را مورد بازبینی قرار داده و دامنه آن را افزایش دهیم. خیلی خوشحالم که او این قدر اصرار داشت. تشکر ویژه برای افرادی که در تحقیقات امگا ۳ که من به آنها نیاز داشتم و همچنین در ticular، گاستون سانچز که زمان زیادی را با من صرف کرده بودند، دارم. نویسندگان شرکت کننده - تام Aspray، دنیس هینز، و فرد Schutzman تخصص ویژه خود را در جایی که مورد نیاز بود اضافه کردند. علاوه بر این، چندین تحلیل گران شامل مایکل برک، استن Ehrlich، جری Toepke، کن Tower و نیک ون نیس نقش داشتند. تجدید نظر فصل ۲ در نظریه داو یک تلاش مشترک با Picciotti Elyce، یک نویسنده تکنیکال مستقل و مشاور بازار در نیواورلئان، لوئیانا بود. گرگ موریس باید مورد توجه خاصی باشد. او فصلی را بر روی نمودار شمعی نوشت، مقاله ضمیمه D را تهیه کرد، و بیشتر کارهای گرافیکی را انجام داد. فرد دال از خدمات انتشارات inkwell (NY, Fishkill)، که اولین ویرایش این کتاب را انجام داد، به خوبی از عهده این کار برآمد. دوباره کار کردن با او عالی بود.

مقدمه

قبل از شروع یک مطالعه از تکنیک‌های واقعی و ابزار مورد استفاده در تحلیل تکنیکال، لازم است ابتدا تعریف کنیم که تحلیل تکنیکال چیست، برای بحث در مورد نظریه‌های فلسفی که بر مبنای آن قرار دارد، تا برخی از انتقادات صریح بین تحلیل تکنیکال و بنیادی را مورد بحث قرار دهد.

عقیده قوی این است که درک کامل از رویکرد تکنیکال باید با درک روشنی از آنچه تحلیل تکنیکال می‌تواند انجام دهد، و شاید مهم‌تر از آن، فلسفه و منطق که آن ادعاها را براساس آن انجام می‌دهد، آغاز شود.

اول، موضوع را تعریف کنیم. تحلیل تکنیکال، مطالعه اقدام بازار، در درجه اول از طریق استفاده از جدول‌ها برای پیش‌بینی روند قیمت آینده است. واژه "اقدام بازار" شامل سه منبع اصلی اطلاعات تکنسین می‌باشد:

قیمت، حجم، و علاقه باز. (علاقه باز تنها در بازار آتی و اختیار معامله مورد استفاده قرار می‌گیرد) عبارت "اقدام قیمت" که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد، بسیار محدود به نظر می‌رسد زیرا بیشتر متخصصان حجم و بهره را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر تحلیل بازار خود می‌دانند. با این تمایز، اصطلاح "اقدام قیمت" و "اقدام بازار" به جای یکدیگر در بقیه این بحث مورد استفاده قرار می‌گیرند.

فلسفه یا منطق

سه اصل وجود دارد که رویکرد تکنیکال بر آن استوار است:

1. اقدام بازار همه چیز را تعیین می‌کند
2. قیمت‌ها در روندها حرکت می‌کنند.
3. تاریخ تکرار می‌شود.

اقدام بازار همه چیز را تعیین می‌کند

عبارت "اقدام بازار" همه چیز را تعیین می‌دهد "چیزی که احتمالاً سنگ بنای تحلیل تکنیکال است. مگر اینکه اهمیت کامل این فرضیه اول به طور کامل درک شده و پذیرفته شود، هیچ چیز دیگری که در پی داشته باشد منطقی به نظر نمی‌رسد. تکنسین بر این باور است که هر چیزی که می‌تواند بر قیمت - بنیادی، سیاسی، روانی و غیره - تاثیر بگذارد در واقع در قیمت آن بازار منعکس می‌شود. بنابراین، به دنبال آن هستیم که یک مطالعه از اقدام قیمت تمام چیزی است که لازم است. در حالی که این ادعا ممکن است گستاخانه به نظر برسد، اما مخالفت با این که آیا برای کسی زمان می‌برد تا معنای واقعی آن را در نظر بگیرد، سخت است.

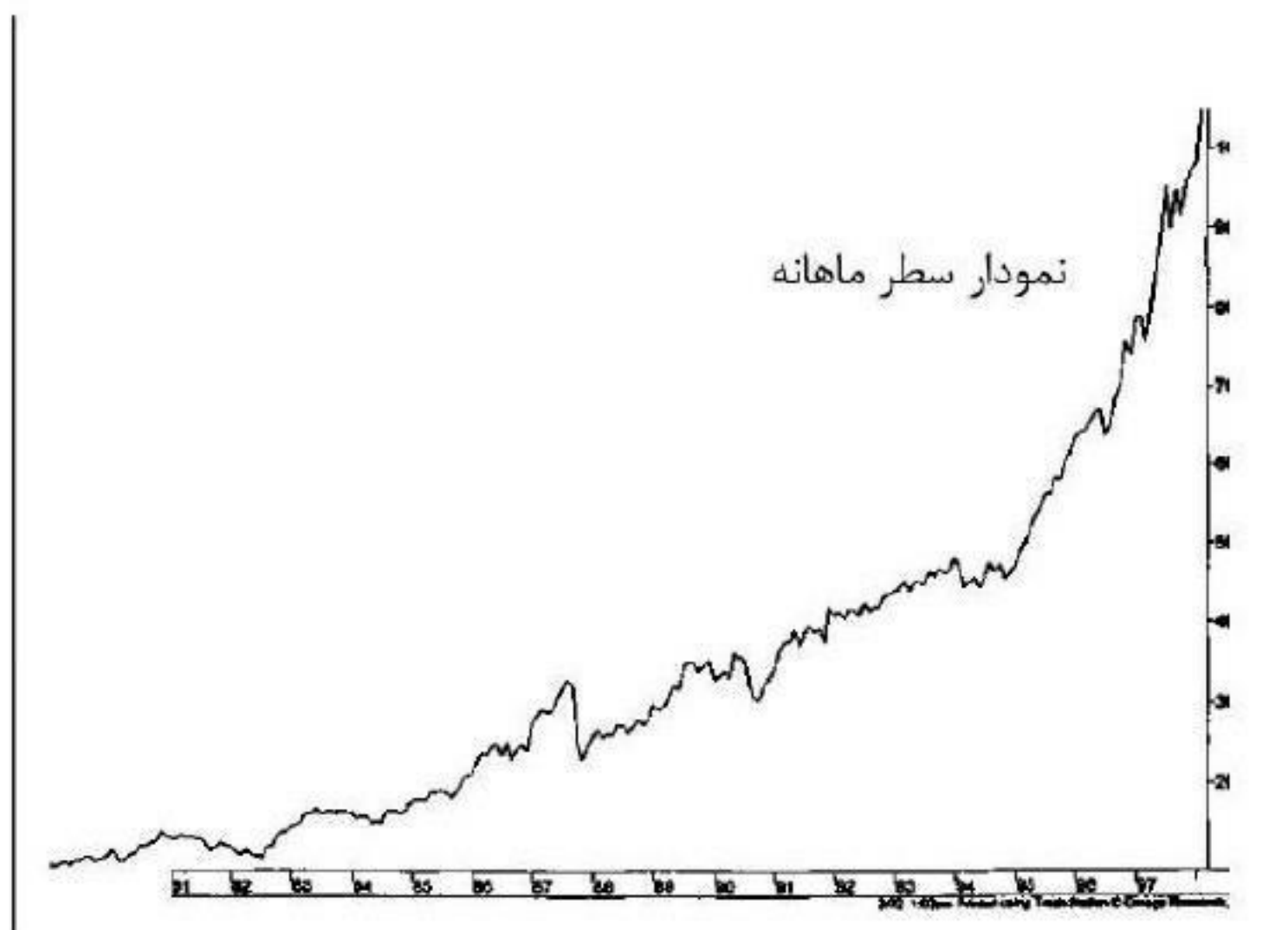
تمام چیزی که تکنسین ادعا می‌کند این است که اقدام قیمت باید منعکس‌کننده تغییر در عرضه و تقاضا باشد. اگر تقاضا از عرضه بیشتر شود، قیمت‌ها باید افزایش یابند. اگر عرضه بیش از تقاضا باشد، قیمت‌ها باید کاهش یابند. این عبارت اساس همه پیش‌بینی‌های اقتصادی و بنیادی است. تکنسین سپس، این جمله را به این نتیجه می‌رساند که اگر قیمت‌ها در حال بالا رفتن هستند، به هر دلیلی، تقاضا باید از عرضه بیشتر شود و اصول باید صعودی باشد. اگر قیمت‌ها کاهش یابند، اصول می‌بایست نزولی باشند.

اگر این سوال آخر درباره اصول در متن بحث تحلیل تکنیکال، شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، نباید وارد تحلیل تکنیکال شد. بعد از همه اینها، تکنسین به طور غیر مستقیم اصول را مطالعه می‌کند. بیشتر تکنسین‌ها احتمالاً اتفاق نظر دارند که این نیروی بنیادی عرضه و تقاضا، اصول اقتصادی یک بازار است که باعث ایجاد بازار صعودی و نزولی می‌شود. این نمودارها به خودی خود باعث نمی‌شوند که بازارها بالا یا پایین بروند. آن‌ها صرفاً منعکس‌کننده روانشناسی صعودی یا نزولی بازار هستند.

به عنوان یک قاعده، چارتیست‌ها به دلایل افزایش قیمت‌ها یا افتادن اهمیت نمی‌دهند. در مراحل اولیه یک روند قیمت یا نقطه عطف بحرانی، به نظر می‌رسد که هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند که چرا یک بازار یک روش خاص را انجام می‌دهد. درحالی‌که ممکن است رویکرد تکنیکال در ادعاهای خود بیش از حد ساده به نظر برسد، منطق پشت این فرضیه اول - که بازار همه چیز را تعیین می‌کند - برای کسی که تجربه بیشتری در بازار دارد، متقاعد کننده می‌شود. هر چیزی که بر قیمت بازار تاثیر بگذارد در نهایت در قیمت بازار منعکس می‌شود، سپس مطالعه آن قیمت بازار تمام آن چیزی است که لازم است. با مطالعه نمودار قیمت و یک میزبان از شاخص‌های تکنیکال پشتیبان، چارتیست اجازه می‌دهد که بازار به او بگوید که به چه شکل ممکن است پیش برود. چارتیست لزوماً تلاش نمی‌کند که از بازار پیشی بگیرد یا از آن استفاده کند. تمام ابزارهای تکنیکال که بعدها در مورد آن‌ها بحث شد، به سادگی تکنیک‌های مورد استفاده برای کمک به چارتیست در فرایند مطالعه عمل بازار است. چارتیست می‌داند که دلایلی وجود دارد که چرا بازارها بالا یا پایین می‌روند. او فقط معتقد نیست که دانستن این دلایل در فرایند پیش بینی ضروری است

قیمت‌ها در روندها حرکت می‌کنند

مفهوم روند کاملاً برای رویکرد تکنیکال ضروری است. در اینجا، اگر کسی فرض را بپذیرد که بازارها در حقیقت روند دارند، دیگر نیازی به خواندن بیشتر ندارد. هدف کلی از ترسیم نمودارهای قیمت یک بازار، شناسایی روندها در مراحل اولیه توسعه آن‌ها به منظور تجارت در جهت این روندها است. در حقیقت، بیشتر تکنیک‌های مورد استفاده در این رویکرد روند - پیروی از طبیعت هستند، به این معنی که هدف آن‌ها شناسایی و پیروی از روند موجود است. (مراجعه به شکل ۱.۱)



شکل ۱.۱ نمونه یک روند صعودی. تحلیل تکنیکال مبتنی بر این فرض است که بازار روند دارد و این روندها ادامه دارند.

یک نتیجه منطقی برای این فرض وجود دارد که قیمت‌ها در روندها حرکت می‌کنند - یک روند در حرکت احتمال دارد که ادامه یابد تا اینکه معکوس شود. این استنباط از استنباط اولین قانون حرکت است. یک راه دیگر برای بیان این استنباط این است که یک روند در حرکت به همان جهت تا زمانی که آن معکوس شود ادامه خواهد داد. این یکی دیگر از ادعاهای تکنیکی است که تقریباً گرد و مدور به نظر می‌رسد. اما کل روند، روند به پیروی از یک روند موجود، تا زمانی که نشانه‌هایی از معکوس شدن را نشان دهد، پیش‌بینی می‌شود.

تاریخ تکرار می‌شود

بیشتر بدنه تحلیل تکنیکال و مطالعه اقدام بازار باید با مطالعه روان‌شناسی انسان انجام شود. الگوهای چارت، برای مثال، که طی صد سال گذشته شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند، عکس‌های خاصی را نشان می‌دهند که روی نمودارهای قیمت ظاهر می‌شوند. این تصاویر روان‌شناسی صعودی یا نزولی بازار را نشان می‌دهند.

از آنجا که این الگوها در گذشته بخوبی جواب داده‌اند، فرض بر این است که آن‌ها در آینده به خوبی کار خواهند کرد. آن‌ها براساس مطالعه روان‌شناسی انسان هستند که تمایل به تغییر ندارد. یک راه دیگر برای گفتن این فرضیه آخر - که تاریخ خود را تکرار می‌کند - این است که کلید درک آینده در مطالعه گذشته نهفته است، یا اینکه آینده فقط تکرار گذشته است.

پیش بینی تکنیکال در برابر اصول بنیادی

در حالی که تحلیل تکنیکال بر روی مطالعه اقدام بازار متمرکز است، تحلیل بنیادی بر نیروهای اقتصادی عرضه و تقاضا تمرکز دارد که باعث می‌شود قیمت‌ها بالاتر، پایین‌تر، و یا ثابت بمانند. رویکرد بنیادی، تمام عوامل مرتبطی که بر قیمت یک بازار تاثیرگذار هستند را مورد بررسی قرار می‌دهد تا ارزش ذاتی آن بازار را تعیین کند. ارزش ذاتی همان چیزی است که اصول نشان می‌دهند چیزی در واقع ارزش براساس قانون عرضه و تقاضا دارد. اگر این ارزش ذاتی تحت قیمت بازار فعلی باشد، بازار گران است و باید فروخته شود. اگر قیمت بازار کم‌تر از ارزش ذاتی باشد، آنگاه بازار ارزش کم دارد و باید خریداری شود.

هر دوی این رویکردها به پیش‌بینی بازار تلاش می‌کنند همان مشکل را حل کنند، یعنی، تعیین اینکه قیمت‌ها احتمالاً حرکت می‌کنند. آن‌ها فقط از جهات مختلف به مساله نزدیک می‌شوند. مطالعات بنیادگرایانه دلیل حرکت بازار هستند، در حالی که تکنسین اثر را مطالعه می‌کند. البته تکنسین، معتقد است که این اثر تنها چیزی است که او می‌خواهد یا نیاز دارد بداند و دلایل، غیر ضروری هستند. همیشه باید بداند که چرا.

بسیاری از تجار خود را به عنوان تکنیکال یا بنیادگرا دسته‌بندی می‌کنند. در واقعیت هم پوشانی زیادی وجود دارد. بسیاری از بنیادگرایان دانش عملی از اصول اولیه تحلیل چارت دارند. در عین حال، بسیاری از تکنسین‌ها، حداقل یک آگاهی گذرا از اصول را دارند. مشکل این است که نمودارها و اصول اغلب در تضاد با یکدیگر هستند. معمولاً در ابتدای حرکت مهم بازار، اصول

نه توضیح دهید و نه از آنچه که بازار انجام می‌دهد، پشتیبانی کنید. در این دوران بحرانی در این روند است که به نظر می‌رسد این دو رویکرد با هم تفاوت دارند. معمولاً آن‌ها در برخی موارد همگام می‌شوند، اما اغلب برای کار تاجر دیر هستند.

یک توضیح برای این اختلافات ظاهری این است که قیمت بازار تمایل دارد اصول شناخته‌شده را رهبری کند. به بیان دیگر، قیمت بازار به عنوان یک شاخص اصلی از اصول و یا خرد متعارف لحظه عمل می‌کند. در حالی که اصول شناخته‌شده پیش از این مورد انتقاد قرار گرفته و در حال حاضر در بازار هستند، " اکنون قیمت‌ها به اصول ناشناخته واکنش نشان می‌دهند. بعضی از صعودی ترین و نزولی ترین بازار های تاریخ با تغییر اندک یا بدون تغییر در اصول آغاز شده اند. زمانی که این تغییرات مشخص شد، روند جدید در حال انجام بود.

بعد از مدتی، تکنسین، اعتماد به نفس بیشتر در توانایی اش برای خواندن نمودارها را افزایش می‌دهد. تکنسین، در شرایطی که حرکت بازار با عقل سلیم به اصطلاح متعارف مخالف است، یاد می‌گیرد که راحت باشد. یک تکنسین، شروع به لذت بردن از بودن در اقلیت می‌کند. او می‌داند که در نهایت دلایل اقدام بازار مشترک خواهد شد. موضوع این است که تکنسین تمایل به انتظار تایید اضافه را ندارد.

در پذیرش مقدمات تحلیل تکنیکال، می‌توان دید که چرا متخصصان معتقدند که رویکرد آن‌ها نسبت به بنیادگرایان برتری دارد. اگر یک تاجر باید تنها یکی از دو رویکرد استفاده را انتخاب کند، انتخاب منطقی باید تکنیکال باشد. از آنجا که، طبق تعریف، رویکرد تکنیکال شامل اصول بنیادین است. اگر اصول در قیمت بازار منعکس شوند، آنگاه مطالعه آن اصول ضروری می‌شود. خواندن جدول تبدیل به یک شکل میان‌بر از تجزیه و تحلیل بنیادی تبدیل می‌شود. با این حال، عکس این درست نیست. تجزیه و تحلیل بنیادین شامل یک مطالعه از اقدام قیمت نمی‌شود. امکان تجارت بازارهای مالی فقط با استفاده از رویکرد تکنیکال وجود دارد. جای تردید است که کسی بتواند بدون توجه به جنبه فنی بازار، با اصول به تنهایی تجارت کند.

تجزیه و تحلیل درمقابل زمان بندی

نکته آخر وقتی واضح‌تر می‌شود که فرایند تصمیم‌گیری به دو مرحله تجزیه و تحلیل و زمان‌بندی تقسیم شود.

به دلیل عامل اهرم بالا در بازارهای آتی، زمانبندی به خصوص در آن حوزه حیاتی است. کاملاً امکان دارد که در روند کلی بازار صحیح باشد و هنوز هم پول خود را از دست بدهید. از آنجا که الزامات حاشیه در معاملات آتی کم است (معمولاً کمتر از ۱۰ درصد)، یک حرکت قیمت نسبتاً کوچک در جهت اشتباه می‌تواند فروشنده را از بازار خارج کند و باعث از دست دادن همه یا بیشتر آن حاشیه سود شود. در مقابل، در معاملات بازار سهام، معامله‌گری که در سمت اشتباه بازار است، می‌تواند به سادگی تصمیم بگیرد که سهام خود را حفظ کند، به این امید که دوباره به صحنه بازگردد.

معامله‌گران بازار آینده این نعمت را ندارند. استراتژی خرید و نگهداری در عرصه آتی اعمال نمی‌شود. هر دو رویکرد تکنیکال و بنیادی می‌توانند در مرحله اول - فرآیند پیش‌بینی - مورد استفاده قرار گیرند. با این حال، مساله زمان‌بندی، تعیین نقاط ورود و خروج خاص، تقریباً کاملاً تکنیکال است. بنابراین، با توجه به اقداماتی که تاجر باید قبل از ایجاد تعهد به بازار انجام دهد، می‌توان مشاهده کرد که کاربرد صحیح اصول تکنیکال در برخی از نقاط فرآیند ضروری می‌شود، حتی اگر تحلیل بنیادی در مراحل قبلی این تصمیم اعمال شود. زمان‌بندی همچنین در انتخاب سهام و خرید و فروش بخش بازار سهام و گروه‌های صنعتی مهم است.

انعطاف‌پذیری و سازگاری تحلیل تکنیکال

یکی از نقاط قوت تحلیل تکنیکی، سازگاری آن با تقریباً هر رسانه تجاری و بعد زمان است. هیچ حوزه‌ای از تجارت در سهام یا بازارهای آتی وجود ندارد که در آن این اصول کاربرد نداشته باشند. چارتیست به راحتی می‌تواند بسیاری از بازارها را دنبال کند، که به طور کلی برای همتای بنیادی او صدق نمی‌کند. به دلیل حجم عظیمی از داده‌ها که مورد اخیر باید با آن مقابله کند، بیشتر بنیادگرایان به تخصصی شدن تمایل دارند. مزیت‌های این جا نباید نادیده گرفته شود.

برای یک چیز، بازارها از طریق مراحل فعال و غیرفعال، رو به روند و بدون روند حرکت می‌کنند. تکنسین می‌تواند

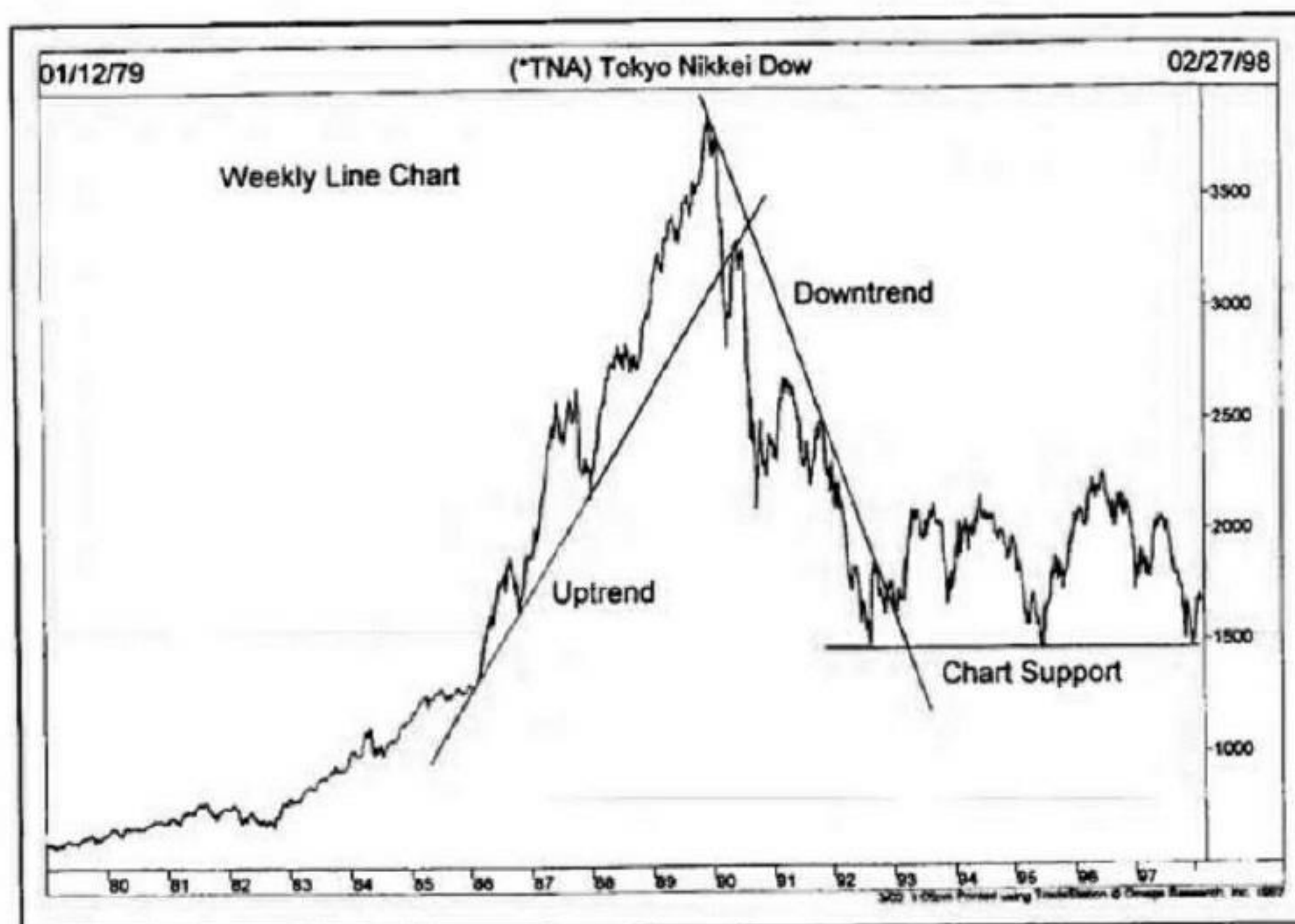
توجه خود و منابع خود را در آن بازارها متمرکز کند که تمایلات روند قوی را نشان می‌دهند و بقیه را نادیده بگیرد. در نتیجه، چارتیست می‌تواند توجه خود و سرمایه خود را به سمت استفاده از ماهیت چرخشی بازارها بچرخاند. در زمان‌های مختلف، بازارها "داغ" می‌شوند و روند مهمی را تجربه می‌کنند. معمولاً، این دوره‌های دارای روند با شرایط آرام و نسبتاً بدون روند بازار دنبال می‌شوند، در حالی که بازار یا گروه دیگر دارای روند هستند. تاجر تکنیکال برای انتخاب آزاد است. اما بنیادگراها که تنها در یک زمینه تخصص دارد، آن نوع انعطاف‌پذیری را ندارند. حتی اگر آزاد بودند که زمینه‌شان را تغییر دهند، در انجام این کار زمان بسیار دشواری تری نسبت به چارتیست‌ها نیاز دارند. مزیت دیگر تکنسین، "تصویر بزرگ" است، با دنبال کردن تمام بازارها، او احساس عالی برای آنچه که بازارها به طور کلی انجام می‌دهند، و از "چشم‌انداز تونل" که می‌تواند ناشی از تنها یک گروه از بازارها باشد، اجتناب می‌کند. همچنین، چون بسیاری از بازارها با یکدیگر رابطه اقتصادی دارند و به عوامل اقتصادی مشابه واکنش نشان می‌دهند، اقدام قیمت در یک بازار یا گروه ممکن است اشارات ارزشمندی به جهت آینده بازار یا گروهی از بازارها کند.

تحلیل تکنیکال مورد استفاده در محیط‌های تجاری مختلف

اصول آنالیز نمودار هم برای سهام و هم در آتی اعمال می‌شوند. در واقع، تحلیل تکنیکال برای اولین بار در بازار سهام اعمال شد و بعدها با بازار آتی تطبیق داده شد. با معرفی شاخص آتی سهام، خط جداکننده بین این دو منطقه به سرعت از بین می‌رود. بازارهای سهام بین‌المللی نیز طبق اصول تکنیکال مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. (مراجعه به شکل ۲.۱).

بازارهای آتی مالی، از جمله بازارهای نرخ بهره و ارز خارجی، در طی دهه گذشته بسیار محبوب شده‌است و ثابت شده‌است که موضوعات بسیار خوبی برای تحلیل چارت هستند.

اصول تکنیکال نقش مهمی در تجارت اختیار معامله ایفا می‌کنند. همچنین می‌توان از پیش‌بینی تکنیکال در فرآیند پوشش ریسک استفاده کرد.



شکل ۱ - ۲.۱ نمودارهای بازار سهام ژاپن را به خوبی اکثر بازارهای بورس در سراسر جهان نشان می‌دهد.

تحلیل تکنیکال مربوط به ابعاد زمانی مختلف

قدرت دیگر روش ترسیم نمودار توانایی آن برای رسیدگی به ابعاد مختلف زمانی است. این که آیا کاربر با تغییرات روزانه لحظه ای در جهت اهداف تجاری روز و یا روند تجارت روند متوسط تجارت می‌کند یا نه، همین اصول کاربرد دارند. بعد زمانی که اغلب نادیده گرفته می‌شود، پیش‌بینی تکنیکال دامنه طولانی‌تر است؟ این نظر در برخی از قسمت ها که نشان می‌دهد ترسیم نمودار تنها در کوتاه‌مدت مفید است، درست نیست. پیشنهاد شده است که برخی از تحلیل‌های بنیادی برای پیش‌بینی بلند مدت با فاکتورهای تکنیکال محدود به زمان‌بندی کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار گیرند. واقعیت این است که پیش‌بینی دامنه

طولانی‌تر با استفاده از نمودارهای هفتگی و ماهانه و گذشته، کاربرد بسیار مفید این تکنیک‌ها می‌باشد.

هنگامی که اصول تکنیکال مورد بحث در این کتاب به طور کامل درک می‌شوند، آن‌ها را با انعطاف‌پذیری بسیار زیادی در چگونگی بکارگیری آن‌ها، هم از نقطه‌نظر رسانه، و هم بعد زمانی که باید مورد مطالعه قرار گیرند، فراهم خواهند کرد.

پیش بینی اقتصادی

تحلیل تکنیکال می‌تواند در پیش‌بینی اقتصادی نقشی ایفا کند. برای مثال، جهت قیمت کالاها چیزی در مورد مسیر تورم به ما می‌گوید. آن‌ها همچنین به ما سرنخ‌هایی در مورد قدرت یا ضعف اقتصاد می‌دهند. افزایش قیمت کالاها به طور کلی به اقتصاد قوی‌تر اشاره می‌کند و فشار تورم را افزایش می‌دهد. کاهش قیمت کالاها معمولاً هشدار می‌دهد که اقتصاد به همراه تورم، کند شده‌است. مسیر نرخ بهره تحت‌تأثیر روند کالاها قرار می‌گیرد. در نتیجه، نمودارهای بازارهای کالا مثل طلا و نفت، همراه با اوراق قرضه خزانه‌داری، می‌توانند چیزهای زیادی در مورد قدرت یا ضعف اقتصاد و انتظارات تورمی به ما بگویند. جهت دلار آمریکا و آینده ارز خارجی نیز راهنمایی اولیه در مورد قدرت یا ضعف اقتصاد جهانی مربوطه را فراهم می‌کنند. حتی جالب‌تر این واقعیت است که روندها در این بازارهای آتی معمولاً قبل از این که در شاخص‌های اقتصادی سنتی که بصورت ماهانه یا فصلی منتشر می‌شوند نشان داده می‌شوند، معمولاً به ما می‌گویند که چه اتفاقی افتاده‌است. همانطور که نام آن‌ها نشان می‌دهد، بازارهای آتی معمولاً به ما بینشی نسبت به آینده می‌دهند. شاخص بازار سهام P/S ۵۰۰ به عنوان یک شاخص اقتصادی پیشرو شناخته شده‌است. یک کتاب از سوی یکی از متخصصان برتر کشور در چرخه کسب و کار، شاخص‌های پیشرو در دهه ۱۹۹۰ (Moore)، مورد مهمی را برای اهمیت کالاها، اوراق قرضه و سهام به عنوان شاخص‌های اقتصادی می‌دهد. هر سه بازار را می‌توان با استفاده از تحلیل تکنیکال مورد بررسی قرار داد. ما بیشتر درباره این موضوع در فصل ۱۷ صحبت خواهیم کرد، "پیوند بین سهام و بازارهای آتی."

تکنیسین یا چارتیست؟

چندین عنوان مختلف برای متخصصان رویکرد فنی وجود دارد: تحلیل گر فنی (technical analyst)، چارتیست (chartist)، تحلیل گر بازار (market analyst)، و تحلیل گر بصری (analyst visual). تا این اواخر همه آن‌ها مثل هم بودند. با این حال، با افزایش تخصص در این زمینه، لازم است که تمایزهایی را بیشتر قائل شویم و اصطلاحات را کمی دقیق‌تر تعریف کنیم. چون عملاً تمام تحلیل‌های فنی مبتنی بر استفاده از نمودارها تا دهه گذشته

بود، عبارت " تکنسین " و " چارتیست " یک معنی را می دادند که دیگر الزاما صحیح نیست .

حوزه وسیع تری از تجزیه و تحلیل تکنیکال به طور فزاینده‌ای به دو نوع از شاغلان، چارتیست های سنتی و متخصصان آماری تقسیم می شود. در حقیقت، همپوشانی زیادی در اینجا وجود دارد و بیشتر متخصصان هر دو حوزه را تا حدودی ترکیب می کنند. همانطور که در مورد تکنیکال ها در مقابل بنیادگرایان به نظر می رسد که بیشتر در یک رده قرار می گیرند..

این که آیا چارتیست سنتی از کار کمی برای تکمیل تحلیل خود استفاده می کند یا نه، نمودار ابزار اصلی کار باقی می ماند. همه چیز دیگر ثانویه است. ترسم نمودار، به ضرورت، تا حدودی شخصی باقی می ماند. موفقیت این رویکرد، در بیشتر بخش ها، به مهارت فرد چارتیست بستگی دارد. اصطلاح "هنر نمودار" به این شیوه اعمال شده است زیرا خواندن نمودار تا حد زیادی یک هنر است.

. در مقابل، تحلیلگر آماری یا کمی، از این اصول ذهنی استفاده کرده و اندازه گیری، آزمایشات و بهینه سازی آنها را با هدف توسعه سیستم های تجاری مکانیکی انجام می دهد. سپس این سیستم ها یا مدل های تجاری در کامپیوتری که سیگنال های خرید و فروش تولید می کند برنامه نویسی می شوند. این سیستم ها از رده ساده تا بسیار پیچیده هستند. به هر حال، هدف، کاهش یا حذف کامل عنصر ذهنی انسانی در تجارت است تا آن را بیشتر علمی کند. این آمارشناسان ممکن است از نمودارهای قیمت در کار خود استفاده نکنند، اما تا زمانی که کار آن ها محدود به مطالعه عملکرد بازار باشد، تکنسین در نظر گرفته می شوند.

حتی تکنسین های کامپیوتر می توانند به کسانی که از سیستم های مکانیکی خوششان می آید یا رویکرد "جعبه سیاه" و کسانی که از تکنولوژی کامپیوتر برای توسعه شاخص های تکنیکال بهتر استفاده می کنند، تقسیم شوند. گروه اخیر کنترل بر روی تفسیر این شاخص ها و نیز فرآیند تصمیم گیری را حفظ می کنند.

یک راه برای تشخیص بین چار تیست و آمار شناس این است که بگوییم همه چار تیست ها تکنیکال هستند ، ولی همه تکنیکال ها چار تیست نیستند. اگر چه این واژه ها در طول این کتاب به جای هم به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند، باید به خاطر داشت که رسم نمودار تنها یک حوزه در موضوع گسترده تر تجزیه و تحلیل تکنیکال است.

مقایسه مختصری از تحلیل تکنیکال در سهام و بازار آتی

سوالی که اغلب پرسیده می شود این است که آیا تجزیه و تحلیل تکنیکال در بازار آتی همانند بازار سهام است یا نه. پاسخ هم بله است و هم خیر. اصول پایه ای یکسان هستند، اما تفاوت های قابل توجهی وجود دارد. اصول تجزیه و تحلیل تکنیکال برای اولین بار در پیش بینی بازار سهام به کار گرفته شد و تنها پس از آن برای بازار آتی تطبیق داده شد. به عنوان مثال اکثر ابزارهای اصلی نمودار میله ای، نمودار نقطه و شکل، الگوهای قیمت، حجم، میانگین متحرک، خطوط روند، و نوسانگرها در هر دو حوزه مورد استفاده قرار می گیرند. هر کس که این مفاهیم را در سهام یا آتی آموخته باشد دچار مشکل زیادی نخواهد شد. با این حال، برخی عرصه های کلی تفاوت وجود دارد که ارتباط بیشتری با ماهیت متفاوت سهام و بازار آتی دارند تا خود ابزارهای واقعی.

ساختار قیمت گذاری

ساختار قیمت گذاری در بازار آتی بسیار پیچیده تر از سهام است. هر کالا در واحدهای و سودهای متفاوت مورد استفاده قرار می گیرد. به عنوان مثال، بازارهای گندم در ازای هر پیمانه، بازارهای دام به ازای هر پوند، طلا و نقره به ازای هر اونس طلا و نقره به ازای هر اونس و نرخ بهره در هر اونس گزارش می شوند. تاجر باید جزئیات قرارداد هر بازار را یاد بگیرد: چه در آن مبادله می شود، که چگونه هر قرارداد با آن معامله می شود، حداقل و حداکثر افزایش قیمت، و این افزایش های قیمت چه ارزشی دارند.

طول عمر محدود

بر خلاف سهام، قراردادهای آتی تاریخ های انقضا دارند. مثلاً قرارداد اوراق قرضه خزانه مارس ۱۹۹۹، در ماه مارس ۱۹۹۹ به پایان می رسد.

قرارداد آتی برای حدود یک سال و نیم پیش از انقضا معتبر است. بنابراین، در هر زمان حداقل شش ماه قرارداد مختلف در همان زمان در یک کالا معامله می‌شود. تاجر باید بداند که کدام قرارداد برای تجارت انتخاب و از کدام یک اجتناب ورزد. (این موضوع بعداً در این کتاب توضیح داده خواهد شد) این ویژگی طول عمر محدود باعث برخی از مشکلات برای پیش‌بینی قیمت در دامنه طولانی‌تر می‌شود. این امر مستلزم ادامه نیاز به اخذ نمودارهای جدید زمانی است که قراردادهای قدیمی تجارت را متوقف می‌کنند. نمودار یک قرارداد منقضی شده استفاده زیادی ندارد. نمودارهای جدید باید برای قراردادهای جدیدتر مطابق با شاخص‌های تکنیکال خودشان به دست آیند. این چرخش ثابت نگه داری یک کتابخانه نمودار در حال انجام را بسیار دشوارتر می‌سازد. برای کاربران کامپیوتر، همچنین مستلزم زمان و هزینه بیشتر است تا اینکه به طور مداوم اطلاعات تاریخی جدیدی را در حالی که قراردادهای قدیمی منسوخ می‌شوند، به دست آورد.

الزامات حاشیه پایین

این احتمالاً مهم‌ترین تفاوت بین سهام و بازار آتی است. همه بازارهای آتی در حاشیه مبادله می‌شوند، که معمولاً کم‌تر از ۱۰٪ ارزش قرارداد است. نتیجه این الزامات حاشیه پایین، اهرم بسیار بالایی است. قیمت‌های نسبتاً کوچک در هر جهت روند دارند تا در تاثیر آنها بر روی نتایج کلی تجارت بزرگ شوند. به همین دلیل امکان ایجاد یا از دست دادن مبالغ هنگفت پول در مدت زمان بسیار کم در آتی وجود دارد. از آنجا که یک تاجر تنها ۱۰ درصد از ارزش قرارداد را به عنوان حاشیه سود قرار می‌دهد، یک حرکت ۱۰ درصدی در هر جهت دو برابر خواهد بود یا پول را دو برابر خواهد کرد یا آن را از بین خواهد برد. با ذره‌بین گذاشتن تاثیر حتی یک بازار کوچک، اهرم فشار بالا گاهی اوقات باعث می‌شود که بازارهای آتی بیشتر از آنچه که واقعاً هستند، متغیر به نظر برسند. به طور مثال وقتی کسی می‌گوید که او در بازار آتی "نابود" می‌شود، به یاد داشته باشید که او تنها در وهله اول فقط ۱۰ درصد متعهد بوده است.

از دیدگاه تحلیل تکنیکال، فاکتور اهرم بالا زمان‌بندی را در بازارهای آتی بسیار بحرانی‌تر از سهام می‌سازد. زمان‌بندی صحیح نقاط ورودی و خروجی در معاملات آتی حیاتی و بسیار دشوارتر از تحلیل بازار است. تا حد زیادی به همین دلیل، مهارت‌های بازرگانی تکنیکال برای یک برنامه معامله آتی موفق اجتناب‌ناپذیر است.

چارچوب زمانی خیلی کوتاه تر است

به دلیل بالا بودن ضریب نفوذ و نیاز به نظارت نزدیک بر موقعیت بازار، افق زمانی تاجر کالا بسیار کوتاه تر از نیاز است. تکنسین های بازار بورس تمایل دارند بیشتر به تصویر برد طولانی تر نگاه کنند و در چارچوب های زمانی صحبت کنند که فراتر از نگرانی تاجران متوسط است. تکنسین های سهام ممکن است در مورد جایی که بازار در سه یا شش ماه است صحبت کنند. دلالتان پیش خرید می خواهند بدانند که قیمت هفته آتی، فردا، یا حتی بعد از ظهر خواهد بود. این امر نیازمند پالایش ابزارهای زمان بندی کوتاه مدت است. یک مثال میانگین متحرک است. رایج ترین میانگین ها در سهام، چند روز است. در کالاهای بیشتر میانگین های متحرک کم تر از ۳ روز هستند. برای مثال، یک ترکیب متوسط متحرک در آتی، چند روز است.

تکیه بیشتر بر زمان بندی

زمان بندی همه چیز در معاملات آتی است. تعیین جهت صحیح بازار تنها بخشی از مشکل تجاری را حل می کند. اگر زمان ورودی یک روز باشد، یا حتی گاهی اوقات حتی چند دقیقه، می تواند به معنای تفاوت بین یک برنده یا بازنده باشد. به اندازه کافی بد است که در سمت غلط بازار باشید و پول خود را از دست بدهید. بودن در سمت صحیح بازار و از دست دادن پول یکی از اعصاب خردکننده ترین جنبه های تجارت آتی است. نیاز به ذکر این مطلب نیست که زمان بندی یک امر تکنیکال است، چرا که اصول به ندرت در یک روز تغییر می کنند.

اتکاء کمتر به میانگین ها و شاخص های بازار

تحلیل بازار بورس به شدت بر حرکت میانگین های بازار گسترده مانند میانگین صنعتی داو جونز یا P & S ۵۰۰ استوار است. علاوه بر این، شاخص های تکنیکال که قدرت یا ضعف بازار گسترده تر را اندازه گیری می کنند - مانند خط کاهش پیشرفت NYSE - یا لیست جدید بالایی های جدید پایین (highs-new lows list) - به شدت به کار گرفته می شوند. در حالی که بازارهای کالا را می توان با استفاده از معیارهایی مانند شاخص بازار تحقیقات کالا ردیابی کرد، تاکید کمتری بر روی رویکرد بازار گسترده قرار دارد.

تحلیل بازار کالا بیشتر بر اقدام بازار فردی متمرکز است. به عبارت دیگر، شاخص‌های تکنیکال که روند وسیع‌تر کالا را اندازه‌گیری می‌کنند، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. با تنها ۲۰ یا بیشتر بازارهای کالای فعال، نیاز چندانی وجود ندارد.

ابزارهای تکنیکال خاص

در حالی که بیشتر ابزارهای تکنیکال که در اصل در بازار سهام توسعه یافته‌اند، در بازارهای کالا کاربرد دارند، اما به همان روش مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. به عنوان مثال، الگوهای چارت در بازار آتی اغلب به شکل کامل که در سهام مورد استفاده قرار می‌گیرند، نیستند.

تجار آتی به شدت بر شاخص‌های بلند مدت تکیه می‌کنند که بر سیگنال‌های تجاری دقیق تاکید دارند. این نقاط تفاوت و بسیاری دیگر بعداً در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرند.

در نهایت، یک حوزه دیگر از تفاوت عمده بین سهام و آتی وجود دارد. تحلیل تکنیکال در سهام به شدت متکی به استفاده از شاخص‌های احساسی و جریان تجزیه و تحلیل سرمایه است. شاخص‌های احساسی بر عملکرد گروه‌های مختلف از جمله قرعه کشی های فردی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، و متخصصان کف نظارت دارند. .. اهمیت بسیار زیادی بر روی شاخص‌های احساسی قرار داده می‌شود که بازار کلی را اندازه‌گیری می‌کند و براساس این نظریه که اکثریت مردم معمولاً اشتباه می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است. جریان تجزیه و تحلیل بودجه به موقعیت نقدی گروه‌های مختلف از قبیل وجوه متقابل و یا حساب‌های سازمانی بزرگ اشاره دارد. تفکر در اینجا این است که هر چه موقعیت نقدینگی بیشتر باشد، وجوه بیشتری برای خرید سهام وجود دارد. تحلیل تکنیکال در بازارهای آتی شکلی خالص‌تر از آنالیز قیمت است. در حالی که نظریه نظرات مخالف تا حدودی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تاکید بیشتری بر روی تحلیل روند پایه و کاربرد شاخص‌های تکنیکال سنتی قرار می‌گیرد.

مروری بر رویکرد تکنیکال

پرسش‌های کمی عموماً در مورد رویکرد تکنیکال مطرح می‌شوند. یکی از این نگرانی‌ها، پیشگویی خود محقق (self-fulfilling) است.

مساله ديگر اين است كه آيا داده‌هاي قيمت گذشته را ميتوان براي پيش‌بيني جهت قيمت آينده مورد استفاده قرار داد يا خير. منتقدان معمولاً چيزي مانند اين را مي‌گويند: "چارت به ما نشان مي‌دهد كه بازار كجا بوده‌است، اما نمي‌تواند به ما بگويد كه كجا مي‌رود." تيوري پياده‌روي تصادفي اين سوال را مطرح مي‌كند كه آيا قيمت‌ها در كل روند يكساني دارند يا خير و شك دارد كه هر تكنيك پيش‌بيني مي‌تواند استراتژي ساده "بخر و نگه دار" را شكست دهد. اين سوالات سزاوار پاسخ هستند.

پيشگويي خود محقق

اين سوال كه آيا يك پيشگويي خود محقق در كار وجود دارد به نظر مي‌رسد بيشتر مردم را اذيت مي‌كند، چرا كه اغلب اين امر مطرح مي‌شود. اين يك نگراني معتبر است، اما بسيار كم‌تر از آن چيزي است كه اكثر مردم آن را درك مي‌كنند. شايد بهترين راه براي پرداختن به اين سوال، نقل قول از متني است كه برخي از مضرات استفاده از الگوهاي چارت را مورد بحث قرار مي‌دهد:

- a. استفاده از بيشتر الگوهاي چارت در چند سال گذشته به طور گسترده‌اي عموميت پيدا کرده‌است. بسياري از بازرگانان كاملاً با اين الگوها آشنا هستند و اغلب هماهنگ با آنها عمل مي‌كنند. اين يك پيش‌بيني "خود تحقق" ايجاد مي‌كند، همانطور كه امواج خريد يا فروش در پاسخ به الگوهاي صعودي يا نزولي ايجاد مي‌شوند.
- b. الگوهاي چارت تقريباً به طور كامل ذهني هستند. هيچ مطالعه‌اي در نظر رياضي براي هر کدام از آنها موفق نبوده است. آنها به معنای واقعي در ذهن بيننده هستند.
(Teweles و همكاران)

اين دو انتقاد متناقض با هم هستند و نکته دوم در واقع اولين نکته را حذف مي‌كند. اگر الگوهاي چارت به طور كامل "ذهني" و "در ذهن بيننده است"، به سختي مي‌توان تصور كرد كه چطور همه مي‌توانند يك چيز را در همان زمان ببينند، كه خود اساس پيشگويي خود-محقق است. منتقدان رسم نمودار نمي‌توانند هر دو مسير را داشته باشند. آنها از يك سو نمي‌توانند از چارت سازماني براي عيني و آشكار بودن انتقاد كنند كه همه در يك زمان يكسان عمل مي‌كنند (به اين ترتيب موجب مي‌شود الگوي قيمت‌ها برآورده شود)، و سپس آن را مورد انتقاد قرار دهد كه بيش از حد ذهني است.

حقیقت امر این است که ترسیم آن بسیار ذهنی است. خواندن نمودار یک هنر است. (احتمالا کلمه "مهارت" بیشتر منظور را خواهد رساند) الگوهای چارت به ندرت واضح هستند که حتی چارتیست باتجربه در تفسیر آنها توافق داشته باشند. همیشه یک عنصر شک و عدم توافق وجود دارد. همانطور که این کتاب نشان می‌دهد، رویکردهای مختلفی برای تحلیل تکنیکال وجود دارد که اغلب با یکدیگر مخالف هستند.

حتی اگر بیشتر تکنسین‌ها در مورد پیش‌بینی بازار توافق کردند، آنها الزاما در یک زمان و به یک روش وارد بازار نمی‌شوند. برخی سعی خواهند کرد تا سیگنال چارت را پیش‌بینی کرده و زودتر وارد بازار شوند. برخی دیگر "شکست" از یک الگوی یا شاخص مشخص را خریداری می‌کنند. با این حال دیگران قبل از این که اقدام به عمل کنند، منتظر عقب نشینی شکست خواهند بود. برخی تجار پرخاشگر هستند؛ برخی دیگر محافظه‌کار هستند. برخی از آنها برای ورود به بازار متوقف می‌شوند، در حالی که برخی دیگر دوست دارند از دستور بازار و یا دستور حد مجاز استفاده کنند. برخی از آنها برای مدت طولانی معامله می‌کنند، در حالی که برخی دیگر تجارت روز هستند. بنابراین، احتمال اینکه تمام تکنیکال‌ها در یک زمان و در یک جهت فعالیت کنند، به دور از ذهن است.

حتی اگر پیشگویی خود-محقق نگرانی عمده باشد، احتمالا به طور طبیعی "خود - اصلاح" خواهد بود. به عبارت دیگر، بازرگانان به شدت به نمودار تکیه می‌کنند تا زمانی که اقدامات هماهنگ آنها شروع به تاثیرگذاری یا تحریف بازارها کند. زمانی که تجار متوجه شدند که این اتفاق می‌افتد، آنها یا استفاده از جدول را متوقف کرده یا تاکتیک‌های تجارت خود را تنظیم می‌کنند. برای مثال، آنها یا سعی می‌کنند قبل از جمعیت عمل کنند یا منتظر تایید بیشتر بمانند. بنابراین، حتی اگر پیشگویی خود-محقق در طول مدت نزدیک به یک مشکل تبدیل شود، تمایل به اصلاح خود دارد.

باید به خاطر داشته باشد که بازار گاو و خرس تنها زمانی رخ می‌دهند که با قانون عرضه و تقاضا توجیه شوند. متخصصین نمی‌توانستند باعث شوند که یک بازار بزرگ تنها با قدرت محض خرید و فروش آنها حرکت کند. اگر این مورد صدق می‌کرد، همگی خیلی زود ثروتمند می‌شدند.

نگرانی بسیار بیشتر از چارتیست رشد عظیم استفاده از سیستم‌های تجاری تکنیکال کامپیوتری در بازار آتی است. این سیستم‌ها اساسا به دنبال روند هستند، به این معنی که همه آنها برنامه‌ریزی شده‌اند تا روندهای اصلی را

شناسایی و معامله کنند. با رشد سریع پول مدیریت شده در صنعت آینده و ازدیاد بودجه چند میلیون دلاری دولتی و خصوصی که بیشتر آن‌ها از این سیستم‌های فنی استفاده می‌کنند، تمرکز عظیم پول تنها مشتی از روندهای موجود است.

از آنجا که دنیای بازارهای آتی هنوز کاملاً کوچک است، پتانسیل این سیستم‌ها که عملکرد کوتاه مدت قیمت را تحریف می‌کنند، در حال افزایش است. با این حال، حتی در مواردی که تحریف‌ها رخ می‌دهند، معمولاً کوتاه مدت هستند و باعث حرکت عمده نمی‌شوند.

در اینجا نیز، حتی مشکل مبالغ قابل توجه پول با استفاده از سیستم‌های تکنیکال، خود اصلاح است. اگر همه سیستم‌ها همان کار را در همان زمان شروع کنند، تجار با ایجاد سیستم‌های خود یا کم‌تر یا بیشتر، تغییرات ایجاد خواهند کرد.

به طور کلی، پیش‌گویی خود محقق به عنوان انتقاد از نمودار در لیست قرار می‌گیرد. ممکن است مناسب‌تر باشد که آن را به عنوان یک تعریف برچسب بزنید. هر چه باشد، برای هر تکنیک پیش‌بینی تا بتواند آنقدر محبوب شود که بتواند بر وقایع تاثیر بگذارد، باید بسیار خوب باشد. ما فقط می‌توانیم تصور کنیم که چرا این نگرانی به ندرت در مورد استفاده از تحلیل بنیادی مطرح می‌شود.

آیا گذشته می‌تواند برای پیش‌بینی آینده استفاده شود؟

پرسش دیگری که اغلب مطرح می‌شود، اعتبار استفاده از داده‌های قیمت گذشته برای پیش‌بینی آینده است. تعجب‌آور است که اغلب منتقدان رویکرد تکنیکال این نکته را مطرح می‌کنند چون هر روش شناخته شده پیش‌بینی، از پیش‌بینی آب و هوا گرفته تا تحلیل بنیادی، کاملاً بر مطالعه داده‌های گذشته استوار است. چه نوع اطلاعات دیگری برای کار کردن با آن وجود دارد؟

زمینه آمار، بین آمار توصیفی و آمار استنباطی، تمایز قایل می‌شود. آمار توصیفی به آرایه گرافیکی داده‌ها از جمله داده‌های قیمت در نمودار میله‌ای استاندارد اشاره دارد. آمار استنتاجی به کلیت، پیش‌بینی‌ها و یا استخراج‌ها اشاره دارد که از آن داده‌ها استنباط می‌شود. بنابراین، نمودار قیمت تحت عنوان نوع توصیفی قرار می‌گیرد، در حالی که متخصصان تجزیه و تحلیل بر روی داده‌های قیمتی عمل می‌کنند که در محدوده استقرایی قرار می‌گیرد.

همان طور که یک متن آماری بیان می‌کند، "اولین گام در پیش‌بینی آینده کسب و کار یا اقتصاد شامل جمع‌آوری مشاهدات گذشته می‌باشد. (Williams و Freund)"

تحلیل نمودار تنها شکل دیگری از تحلیل سری‌های زمانی است که براساس مطالعه گذشته، که دقیقا همان چیزی است که در همه فرم‌های تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی انجام می‌شود. تنها نوع داده‌هایی که هر کسی باید به آن بپردازد، داده‌های گذشته می‌باشد. ما تنها می‌توانیم آینده را با برنامه‌ریزی تجربیات گذشته تخمین بزنیم.

بنابراین به نظر می‌رسد که استفاده از داده‌های قیمت گذشته برای پیش‌بینی آینده در تحلیل تکنیکال، در مفاهیم آماری انجام شده‌است. اگر کسی به طور جدی این جنبه از پیش‌بینی تکنیکال را زیر سوال ببرد، باید اعتبار هر نوع پیش‌بینی دیگری را براساس داده‌های تاریخی، که شامل تمام تحلیل‌های اقتصادی و بنیادی است، مورد سوال قرار دهد.

تیوری پیاده روی تصادفی

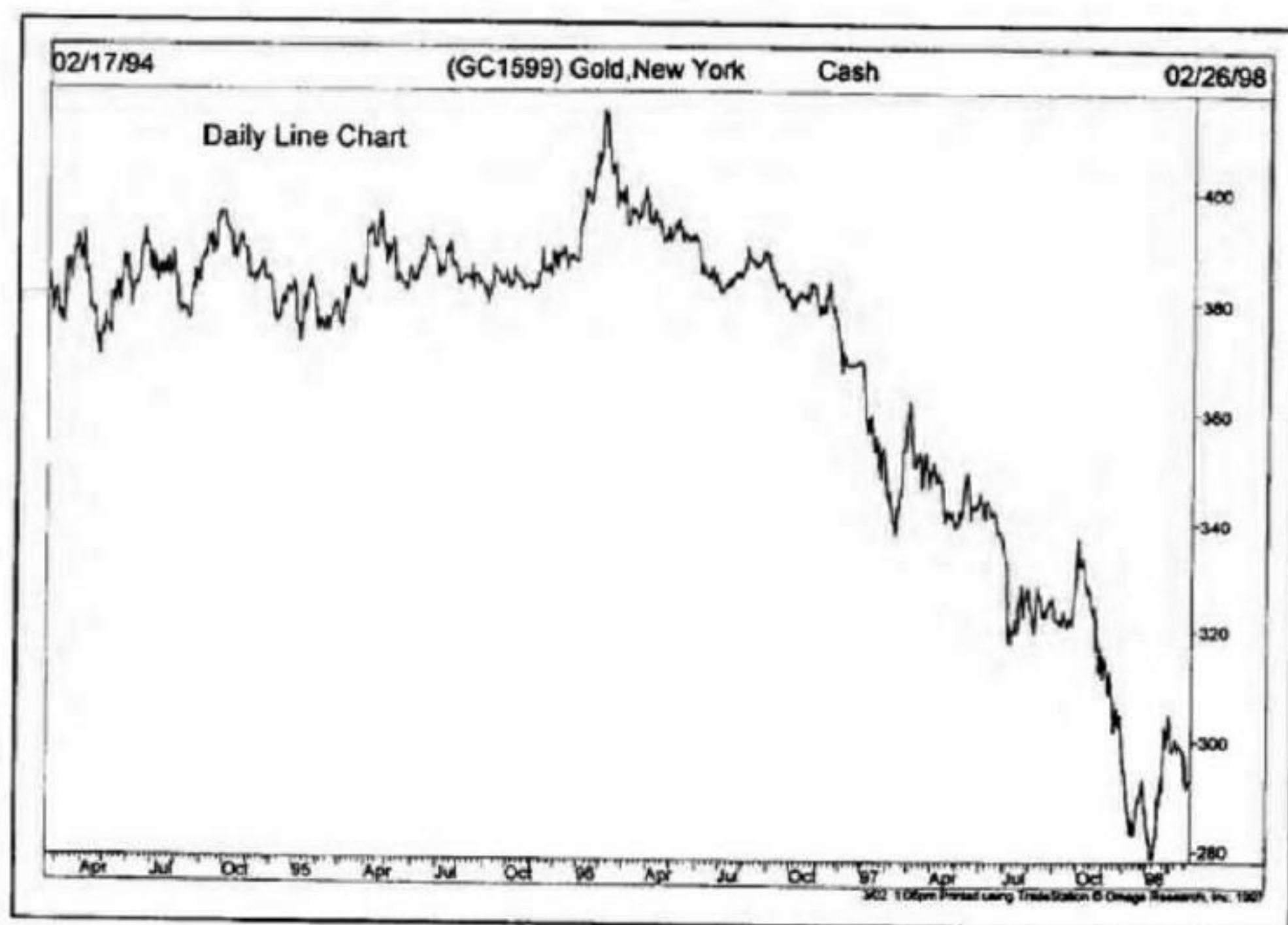
تیوری پیاده‌روی تصادفی که در جامعه آکادمیک توسعه یافته است، ادعا می‌کند که تغییرات قیمت "به صورت سریالی مستقل" هستند و سابقه قیمت، یک شاخص قابل‌اعتماد برای قیمت آینده نیست. به طور خلاصه، حرکت قیمت، تصادفی و غیرقابل‌پیش‌بینی است. این نظریه مبتنی بر فرضیه بازار کارآمد است، که نشان می‌دهد قیمت‌ها به طور تصادفی در مورد ارزش ذاتی خود نوسان می‌کنند. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که بهترین استراتژی بازار برای پیروی، یک استراتژی ساده "خرید و نگهداری" در مقابل هر گونه تلاش برای "شکست دادن به بازار" خواهد بود.

در حالی که هیچ شکی وجود ندارد که مقدار مشخصی از اتفاقات تصادفی و یا "سر و صدا" در تمام بازارها وجود داشته باشد، غیر واقعی است که بتوان باور کرد که همه حرکت قیمت‌ها تصادفی است. این ممکن است یکی از حوزه‌هایی باشد که مشاهدات تجربی و تجربیات عملی بیش از تکنیک‌های آماری پیچیده مفید هستند، که به نظر می‌رسد قادر به اثبات هر چیزی است که کاربر در ذهن داشته باشد و یا قادر به رد هر چیزی است. ممکن است مفید باشد که به خاطر داشته باشید که تصادفی بودن را فقط می‌توان به معنای نفی ناتوانی در آشکار کردن الگوهای سیستماتیک در اقدام قیمت تعریف کرد. این حقیقت که بسیاری از دانشگاہیان قادر به کشف حضور این الگوها نیستند ثابت نمی‌کند که این الگوها وجود ندارند.

بحث آکادمیک این است که آیا گرایش بازار به تحلیل گر بازار متوسط یا تاجر که مجبور به معامله در دنیای واقعی است که در آن گرایش‌ها بازار به وضوح قابل‌مشاهده است، می‌باشد.

اگر خواننده در این مورد شک داشته باشد، یک نگاه تصادفی از طریق هر کتاب چارت (به طور تصادفی انتخاب شود) حضور گرایش‌ها را به شیوه‌ای بسیار گرافیکی نشان خواهد داد. چگونه "پیاده‌های تصادفی" تداوم این روند را در صورتی که قیمت‌ها به صورت سریال مستقل باشند را توضیح می‌دهند، به این معنی که آنچه که دیروز یا هفته گذشته اتفاق افتاد، تاثیری بر روی آنچه که امروز یا فردا اتفاق می‌افتد ندارد؟ آن‌ها چگونه رکوردهای "زندگی واقعی" سودآور بسیاری از سیستم‌های پی‌گیر روند را توضیح می‌دهند؟

به عنوان مثال، یک استراتژی "خرید و نگهداری" در بازارهای آتی کالا که زمان‌بندی بسیار حیاتی چگونه خواهد بود؟ آیا این موقعیت‌های طولانی در بازارهای نزولی برگزار می‌شود؟ حتی اگر قیمت‌ها غیرقابل پیش‌بینی بوده و روند غیرقابل پیش‌بینی داشته باشند، چگونه تجار می‌توانند تفاوت بین بازار نزولی و صعودی را بدانند؟ در حقیقت، چطور ممکن است یک بازار نزولی در وهله اول وجود داشته باشد چرا که این نشان دهنده یک روند است؟ (مراجعه به شکل ۳.۱)



شکل ۱،۳: "واکر تصادفی" زمان سختی را برای متقاعد کردن یک دارنده شمش‌های طلا خواهد داشت که هیچ گرایش واقعی در این نمودار ندارد .

به نظر می‌رسد که شواهد آماری کاملاً نظریه پیاده‌روی تصادفی را اثبات یا رد می‌کنند. با این حال، این ایده که بازارها تصادفی هستند کاملاً توسط جامعه تکنیکال رد شده‌است. اگر بازارها واقعاً تصادفی بودند، هیچ تکنیک پیش‌بینی کار نمی‌کرد. دور از تکذیب اعتبار رویکرد تکنیکال، فرضیه بازار کارآمد بسیار نزدیک به این فرضیه تکنیکال است که بازارها همه چیز را تعیین می‌کنند. این حال، دانشجویان احساس می‌کنند که چون بازارها به سرعت تمام اطلاعات را تنزیل می‌دهند، هیچ راهی برای استفاده از آن اطلاعات وجود ندارد. اساس پیش‌بینی فنی که قبلاً به آن اشاره شد این است که اطلاعات مهم بازار قبل از اینکه مشخص شود با قیمت بازار تنزیل داده می‌شوند. بدون توجه به این موضوع، دانشجویان به وضوح نیاز به نظارت دقیق قیمت و بهبودگی تلاش برای سود بردن از اطلاعات بنیادی حداقل در کوتاه‌مدت را بیان کرده‌اند.

در نهایت، به نظر می‌رسد منصفانه است که مشاهده کنیم که هر فرآیند تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به کسانی می‌رسد که قوانینی را که تحت آن فرآیند عمل می‌کند درک نمی‌کنند. به عنوان مثال، یک نسخه چاپی از نوار قلب ممکن است مانند تعداد زیادی از نویز تصادفی برای یک فرد عادی به نظر برسد. اما برای یک پزشک آموزش‌دیده، تمام آن خطوط کوچک بسیار حساس هستند و قطعاً تصادفی نیستند. کار بازارها ممکن است برای کسانی که فرصت مطالعه قوانین رفتار بازار را نداشته باشند، تصادفی به نظر برسد. به تدریج که مهارت خواندن نمودار بهبود می‌یابد، توهم تصادف به تدریج ناپدید می‌شود. خوشبختانه، این دقیقاً همان چیزی است که خواننده در بخش‌های مختلف این کتاب پیش می‌رود.

حتی ممکن است امیدی به دنیای آکادمیک داشته باشیم. تعدادی از دانشگاه‌های برجسته آمریکایی شروع به بررسی امور مالی رفتاری کرده‌اند که معتقد است که روانشناسی انسانی و قیمت‌گذاری اوراق بهادار به هم گره خورده‌اند. البته این اساس تحلیل تکنیکال است.

اصول جهان شمول

زمانی که نسخه اولیه این کتاب دوازده سال پیش منتشر شد، بسیاری از ابزارهای زمان‌بندی تکنیکال که توضیح داده شدند عمدتاً در بازارهای آتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با این حال، طی دهه گذشته، این ابزارها به طور گسترده در تحلیل بازار سهام به کار گرفته شده‌اند.

اصول تکنیکال که در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرند را میتوان به طور جهانی به همه بازارها - حتی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک اعمال کرد. یکی از ویژگی‌های دیگر معاملات بازار سهام که در دهه گذشته محبوبیت زیادی به دست آورده‌است، سرمایه‌گذاری بخش بوده‌است که عمدتاً از طریق اختیار معامله ی شاخص و صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. بعدها در این کتاب نشان خواهیم داد که چگونه تعیین کنیم کدام بخش‌ها داغ هستند و در کدام یک استفاده از ابزارهای زمان‌بندی تکنیکی مناسب نیست.

نظریه داو

مقدمه

چارلز داو و همکارش ادوارد جونز در سال ۱۸۸۲ شرکت داو جونز را تأسیس کردند. بسیاری از تکنسین‌ها و دانشجویان بازار بر این باورند که امروزه بسیاری از آنچه که ما تحلیل تکنیکال می‌نامیم، ریشه در تئوری‌هایی دارد که در ابتدای قرن توسط داو پیشنهاد شده‌است. داو ایده‌های خود را در مجموعه‌ای از سرمقاله‌هایی که وی برای وال استریت ژورنال نوشت، منتشر کرد. بسیاری از متخصصان امروزه ایده‌های اصلی داو را تشخیص و جذب می‌کنند، چه آن‌ها منبع را تشخیص دهند یا خیر. نظریه داو همچنان سنگ بنای مطالعه تحلیل تکنیکال، حتی در مواجهه با تکنولوژی پیشرفته رایانه‌ای، و تکثیر شاخص‌های تکنیکال جدیدتر بهتر را تشکیل می‌دهد.

در ۳ جولای سال ۱۸۸۴، داو اولین بورس سهام را که از قیمت‌های پایانی یازده سهام تشکیل شده بود، منتشر کرد: ۹ شرکت راه‌آهن و دو شرکت تولیدی.. داو احساس می‌کرد که این یازده سهم نشانه خوبی از سلامت اقتصادی کشور است. در سال ۱۸۹۷، داو مشخص کرد که دو شاخص جداگانه بهتر این سلامت را نشان می‌دهند، و یک شاخص ۱۲ سهمی صنعتی و ۲۰ شاخص سهام راه‌آهن را ایجاد کرد.. تا سال ۱۹۲۸ شاخص صنعتی رشد کرد تا شامل ۳۰ سهام شود، عددی که امروز در آن قرار دارد.

ویراستاران مجله وال استریت در سال‌های پس از آن چندین بار این لیست را به روز کرده‌اند و یک شاخص سودمندی را در سال ۱۹۲۹ اضافه کردند. در سال ۱۹۸۴، همان سال که مصادف با صدمین سالگرد اولین انتشار داو بود، انجمن تکنیکال های بازار یک کاسه نقره‌ای به نام داو جونز & را به شرکت ام تی ای جونز داد که این جایزه "سهم دیرپای چارلز داو" را به حوزه تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری اعطا کرد. شاخص او، پیشگویی از آنچه که امروزه به عنوان شاخص پیشرو در فعالیت بازار سهام شناخته می‌شود، یک ابزار حیاتی برای تکنسین های بازار است که ۸۰ سال پس از مرگ وی باقی مانده است."

متأسفانه، داو هرگز یک کتاب در مورد نظریه خود ننوشته است. در عوض، او ایده‌های خود در رابطه با رفتار بازار سهام را در یک سری سرمقاله نوشت که مجله وال استریت در حدود اواخر قرن منتشر کرد. در سال ۱۹۰۳، سال بعد از مرگ داو، اس‌ای نلسون این مقالات را در کتابی به نام الفبای سفته بازی سهام گردآوری کرد. در آن کار، نلسون اولین واژه "نظریه داو" را ابداع کرد. ریچارد راسل که مقدمه‌ای را برای تجدید چاپ سال ۱۹۷۸ نوشت، سهم داو را در تئوری بازار سهام با سهم فروید در روان‌پزشکی مقایسه می‌کنند. در سال ۱۹۲۲، ویلیام پیتز همیلتون (دستیار و جانشین او در ژورنال) اصول داو را در کتابی به نام بازار بورس اوراق بهادار منتشر کرد. رابرت رئا نظریه ای را بیشتر در نظریه داو (نیویورک: Barron's) توسعه که در سال ۱۹۳۲ منتشر شد.

داو کار نظری خود را به میانگین بازار سهام که ایجاد کرده بود (صنایع و خطوط)، اعمال کرد. با این حال، اغلب ایده‌های تحلیلی او به طور مساوی در تمام متوسط بازار به کار برده می‌شوند. این فصل شش اصل بنیادی نظریه داو را شرح می‌دهد و در مورد چگونگی تطابق این ایده‌ها با یک مطالعه مدرن از تحلیل تکنیکال بحث و گفتگو خواهد کرد. ما درباره پیامدهای این ایده‌ها در فصل‌های بعدی بحث خواهیم کرد.

اصول پایه

۱. میانگین ها همه چیز را تنزیل می دهند

مجموع و تمایل معاملات بورس اوراق بهادار نشان‌دهنده مجموع تمام دانش وال استریت از گذشته، فوری و از راه دور است که به تنزیل آینده اعمال می‌شود.

نیازی به اضافه کردن به میانگین‌ها نیست، همانطور که برخی از آمارها نشان می‌دهند که در ازای مبادله، حجم معاملات داخلی و خارجی و یا هر چیز دیگر، تعداد خطوط شاخص قیمت کالا، صاف کردن بانک، و غیره وجود ندارد. وال استریت تمام این چیزها را در نظر می‌گیرد (همیلتون، pp. ۱).

به نظر آشنا می‌رسید؟ این ایده که بازارها هر عامل قابل فهمی را منعکس می‌کنند که بر عرضه کلی و تقاضا تاثیر می‌گذارد یکی از اصول بنیادی تیوری تکنیکال است، همانطور که در فصل ۱ گفته شد. در حالی که بازارها نمی‌توانند رویدادهایی مانند زلزله و سایر فجایع طبیعی را پیش‌بینی کنند، آن‌ها به سرعت چنین رویدادهایی را تخفیف می‌دهند و تقریباً بلافاصله تاثیر آن‌ها را در عمل قیمت جذب می‌کنند.

2. بازار سه روند دارد.

قبل از بحث در مورد نحوه رفتار و نحوه رفتار، ما باید توضیح دهیم که داو بعنوان یک روند در نظر گرفته می‌شود. داو یک uptrend را به عنوان وضعیتی تعریف کرد که در آن هر تجمع متوالی بالاتر از تجمع قبلی بود، و هر تجمع متوالی پایین نیز بالاتر از تجمع قبلی بود. به عبارت دیگر، uptrend الگوی قله‌ها و troughs را دارد. موقعیت مخالف، با قله‌های بسیار پایین و troughs، یک روند نزولی را تعریف می‌کند. تعریف Dow's آزمون زمان را تحمل کرده و همچنان سنگ بنای تحلیل روند را شکل می‌دهد.

داو بر این باور است که قوانین عمل و واکنش در بازارها درست مانند دنیای فیزیکی اعمال می‌شوند. او نوشت: "سوابق معاملات نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد زمانی که سهام به بالا می‌رسد کاهش متوسط خواهد داشت و سپس دوباره به بالاترین رقم برمی‌گردد. اگر پس از چنین حرکتی دوباره قیمت کاهش می‌یابد، ممکن است کمی فاصله کاهش یابد (نلسون، صفحه ۴۳).

داو تمایلی به داشتن سه بخش، اولیه، ثانیه و جزئی، که در مقایسه با موج، امواج و امواج دریا داشت، در نظر گرفت. روند اولیه نشان‌دهنده جزر و مد است، روند ثانویه یا میانی نشان‌دهنده امواجی است که جزر و مد را تشکیل می‌دهند و روندهای جزئی مانند موج بر روی امواج هستند.

یک ناظر می‌تواند جهت جزر و مد را با توجه به بلندترین نقطه در ساحل به دست امواج متوالی تعیین کند. اگر هر موج متوالی به سطح داخلی بیشتری نسبت به قبل برسد، جزر و مد در جریان است. وقتی که نقطه اوج هر موج متوالی عقب می‌رود، جزر خاموش می‌شود و در حال فروکش کردن است. بر خلاف جزر و مد واقعی اقیانوس، که در طول ساعت‌ها طول می‌کشد، دایو tides به شکل مد برای بیش از یک سال و احتمالاً برای چند سال به وجود می‌آید.

روند، یا میانی، نشان‌دهنده اصلاحات در روند اولیه است و معمولاً سه هفته تا سه ماه طول می‌کشد. این تصحیحات میانی به طور کلی بین یک سوم و دو سوم جنبش روند قبلی و اغلب در حدود نیمی یا بیشتر از حرکت قبلی است. به گفته دایو، روند کوچک (یا نزدیک) معمولاً کمتر از سه هفته طول می‌کشد. این روند نزدیک نشان‌دهنده tuations - fluc در روند میانی است. ما مفاهیم روند را با جزییات بیشتر در فصل ۴ بحث خواهیم کرد، "مفاهیم اولیه روندها"، که در آن شما خواهید دید که ما به استفاده از همان مفاهیم و اصطلاحات ابتدایی امروزه ادامه می‌دهیم.

3. روندها عمده سه مرحله دارند.

دایو توجه خود را به روندهای اصلی یا عمده معطوف کرد که معمولاً در سه مرحله مجزا انجام می‌شود: مرحله تجمع، مرحله مشارکت عمومی، و یک فاز توزیع. مرحله جمع‌آوری حاکی از خرید آگاهانه توسط the سرمایه گذاران است. اگر روند قبلی پایین بود، پس در این نقطه، این سرمایه گذاران زیرک می‌دانند که بازار همه چیز به اصطلاح "بد" را جذب کرده‌است. مرحله مشارکت عمومی، جایی که اکثر پیرو تمایلات تکنیکی شروع به مشارکت می‌کنند، زمانی رخ می‌دهد که قیمت‌ها به سرعت پیشرفت کنند و اخبار کسب‌وکار بهبود پیدا کند. مرحله توزیع زمانی رخ می‌دهد که روزنامه‌ها شروع به چاپ داستان صعودی می‌کنند؛ زمانی که خبرهای اقتصادی بهتر از همیشه است؛ و زمانی که حجم نظری و مشارکت عمومی افزایش می‌یابد. در طول این مرحله آخر، همان سرمایه گذاران مطلع که شروع به "انباشته شدن" در نزدیکی بازار خرس کردند (زمانی که هیچ‌کس دیگر مایل به خرید نبود) قبل از شروع به فروش "توزیع" را شروع کنند.

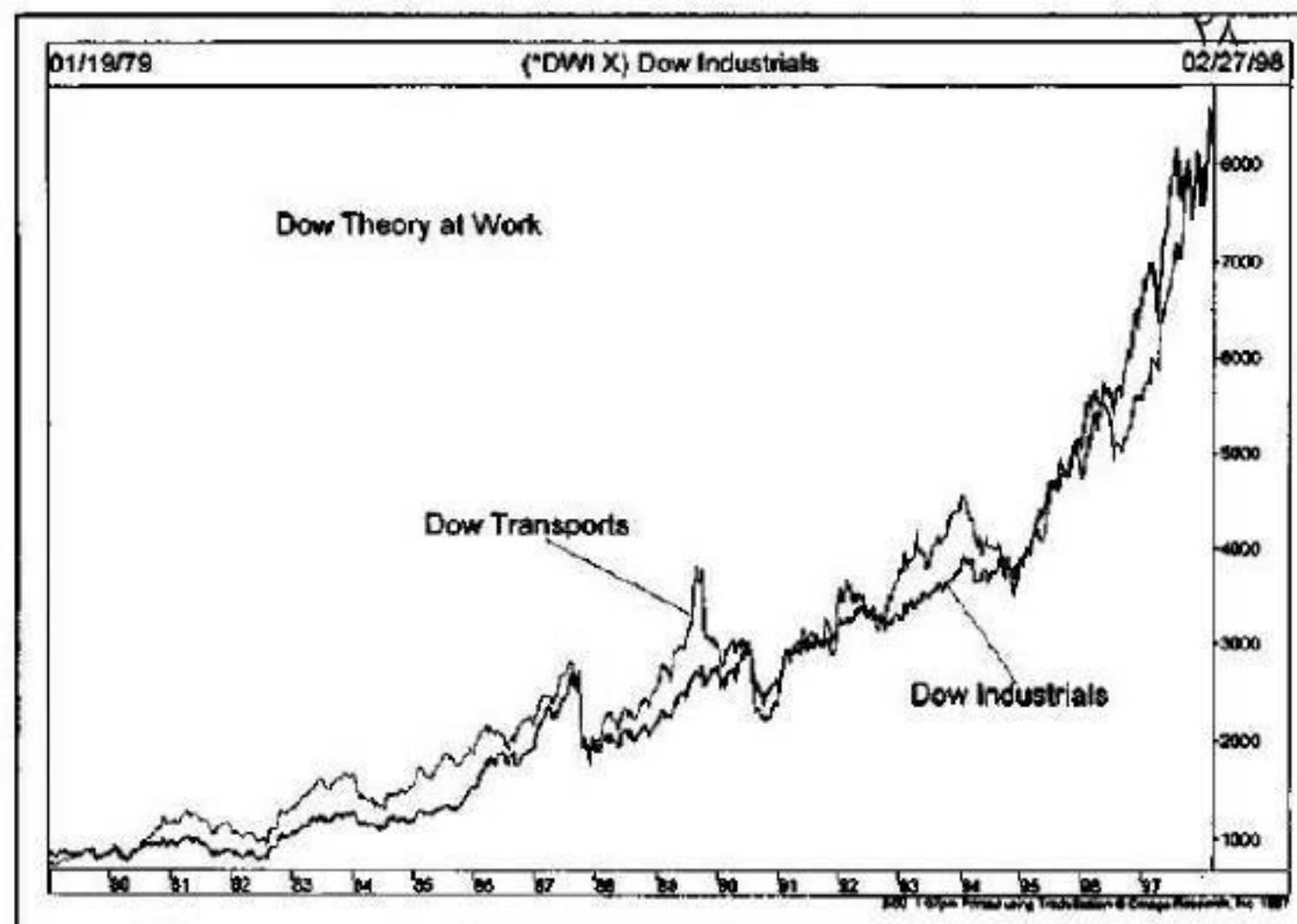
دانشجویان تیوری موج الیوت این تقسیم یک بازار بزرگ را به سه مرحله مجزا تشخیص خواهند داد. ر. ان. الیوت درباره کار Rhea's در نظریه داو به تفصیل شرح داد تا تشخیص دهد که یک بازار گاو سه حرکت عمده و رو به رو دارد. در فصل ۱۳، "تیوری موج الیوت"، "شبهات نزدیکی بین سه مرحله بازار گاو و توالی پنج موجی" الیوت "را نشان خواهیم داد.

4. میانگین ها باید باید یکدیگر را تایید کنند.

داو، با اشاره به Averages صنعتی و ریلی، به این معنا بود که هیچ علامت بازار مهمی وجود ندارد مگر اینکه هر دو به طور متوسط سیگنال یکسانی داشته باشند و در نتیجه یکدیگر را تایید کنند. او احساس می کرد که هر دو میانگین باید از اوج ثانویه قبلی خود فراتر بروند تا شروع یا تداوم بازار گاو را تایید کنند. او باور نداشت که سیگنال های باید به طور همزمان اتفاق بیفتند، اما تشخیص دادند که طول کوتاه تر زمان بین دو سیگنال تایید قوی تری دارد. هنگامی که دو میانگین از یکدیگر جدا شدند، داو فرض کرد که روند قبلی هنوز حفظ شده است. (الیوت موج تنها نیازمند این است که سیگنال ها به طور متوسط تولید شوند) فصل ۶، "الگوهای ادامه"، مفاهیم کلیدی تایید و واگرایی را پوشش خواهند داد. (به شکل های ۱.۲ و ۲.۲ مراجعه کنید)

5. حجم باید روند را تایید کند.

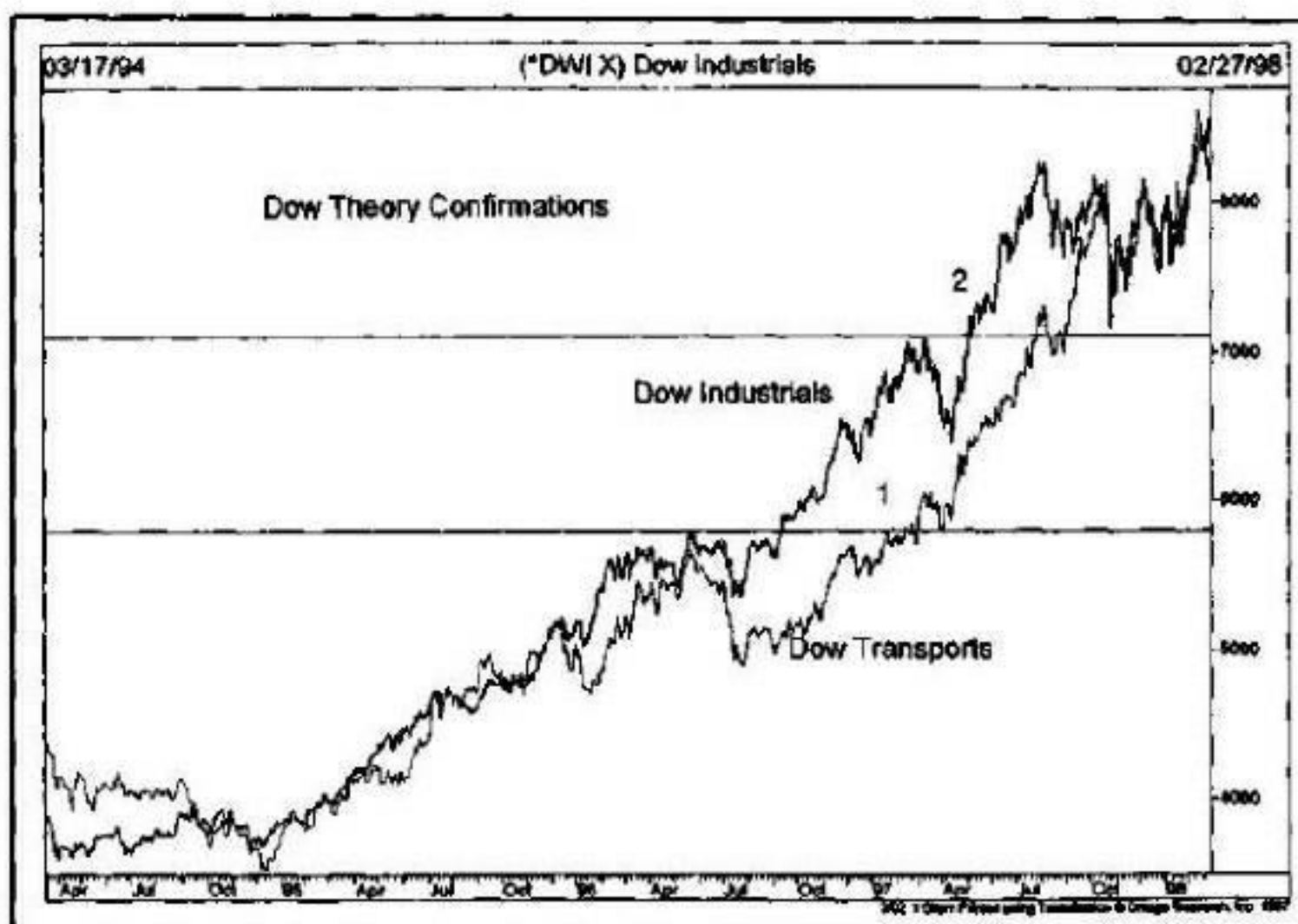
حجم شناخته شده داو به عنوان دومین عامل مهم در تایید سیگنال های قیمت شناخته شده است. به بیان ساده، حجم باید گسترش یابد یا در جهت روند اصلی افزایش یابد. با افزایش قیمت، افزایش قیمت ها افزایش می یابد و کاهش قیمت ها کاهش می یابد. در یک روند نزولی حجم باید با افزایش قیمت افزایش یابد و همانطور که تظاهرات می کنند کاهش یابد. داو به حجم یک شاخص ثانویه اشاره می کند. او سیگنال های خرید و فروش واقعی خود را کاملاً بسته به قیمت بستن قرارداد. در فصل ۱، "حجم و علاقه باز" موضوع حجم و ساخت ایده های داو را پوشش خواهیم داد. شاخص های حجم پیچیده امروزی به تعیین میزان افزایش یا کاهش حجم کمک می کنند. سپس تجار دانا این اطلاعات را با اقدام قیمت مقایسه می کنند تا ببینند آیا این دو یکدیگر را تایید می کنند یا خیر.



شکل ۱.۲ یک دیدگاه بلند مدت از نظریه داو در کار. برای ادامه روند گاوبازی، هم داو داو و هم داو خود باید با هم پیشرفت کنند.

۶. یک روند به صورت تاثیر است تا زمانی که به سیگنال‌های Definite می‌دهد که Has دارد.

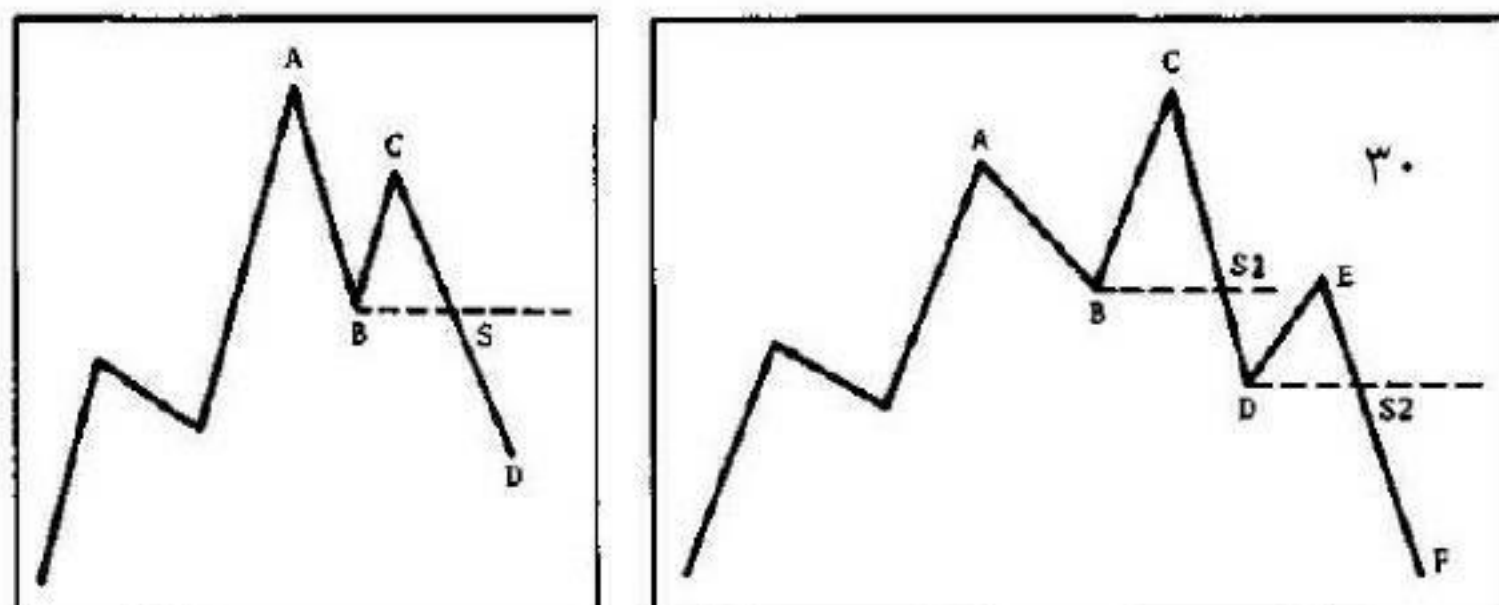
این اصل، که ما در فصل ۱ به آن دست یافتیم، بیشتر بنیان رویکردهای مدرن را شکل می‌دهد. این قانون یک قانون فیزیکی را به جنبش بازار مرتبط می‌سازد که بیان می‌کند که یک شی در حرکت (در این مورد یک روند) تمایل دارد به حرکت ادامه دهد تا اینکه برخی نیروی خارجی باعث تغییر مسیر شود. تعدادی از ابزارهای تکنیکال برای کمک به کار دشوار شناسایی سیگنال‌های برگشت، از جمله مطالعه سطوح مقاومت و مقاومت، الگوهای قیمت، trendlines و میانگین متحرک در دسترس بازرگانان قرار دارند. برخی از شاخص‌ها حتی سیگنال‌های هشدار قبلی از دست دادن تکانه را فراهم می‌کنند. همه اینها مقاومت نمی‌کنند، احتمالات معمولاً موافق هستند که روند موجود ادامه خواهد یافت.



شکل ۲.۲ مثال‌هایی از دو نوع نظریه Dow را تایید می‌کند. در آغاز سال ۱۹۹۷ (نکته ۱)، داو transports شکست قبلی را در the تایید کرد. در ماه می (نکته ۲)، داو داو Dow high جدید را در transports تایید کرد.

دشوارترین کار برای یک نظریه‌پرداز و یا هر روند مربوط به آن، قادر به تمایز بین یک تصحیح ثانویه طبیعی در یک روند موجود و اولین پایه یک روند جدید در جهت مخالف است. نظریه‌پردازان داو اغلب به اندازه زمانی که بازار یک سیگنال معکوس واقعی می‌دهد، مخالف هستند. اشکال a و b نشان می‌دهند که چگونه این اختلاف ظاهر می‌شود.

شکل‌های ۲ و ۳ a دو بازار متفاوت را نشان می‌دهند - narios. در شکل ۳.۲ a، توجه داشته باشید که تجمع در نقطه C کمتر از پیک قبلی در A است. سپس قیمت پایین‌تر از نقطه B کاهش می‌یابد. حضور این دو قله پایین و دو troughs کمتر به یک سیگنال فروش روشن در نقطه‌ای دست می‌دهد که نقطه پایین B شکسته باشد (نقطه S). این الگوی برگشت گاهی اوقات به عنوان "نوسان شکست" یاد می‌شود.



شکل ۳.۲ یک Swing شکست را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد. شکست پیک در C برای غلبه بر A، پس از آن، نقض قانون پایین B، con، علامت "فروش" در S.

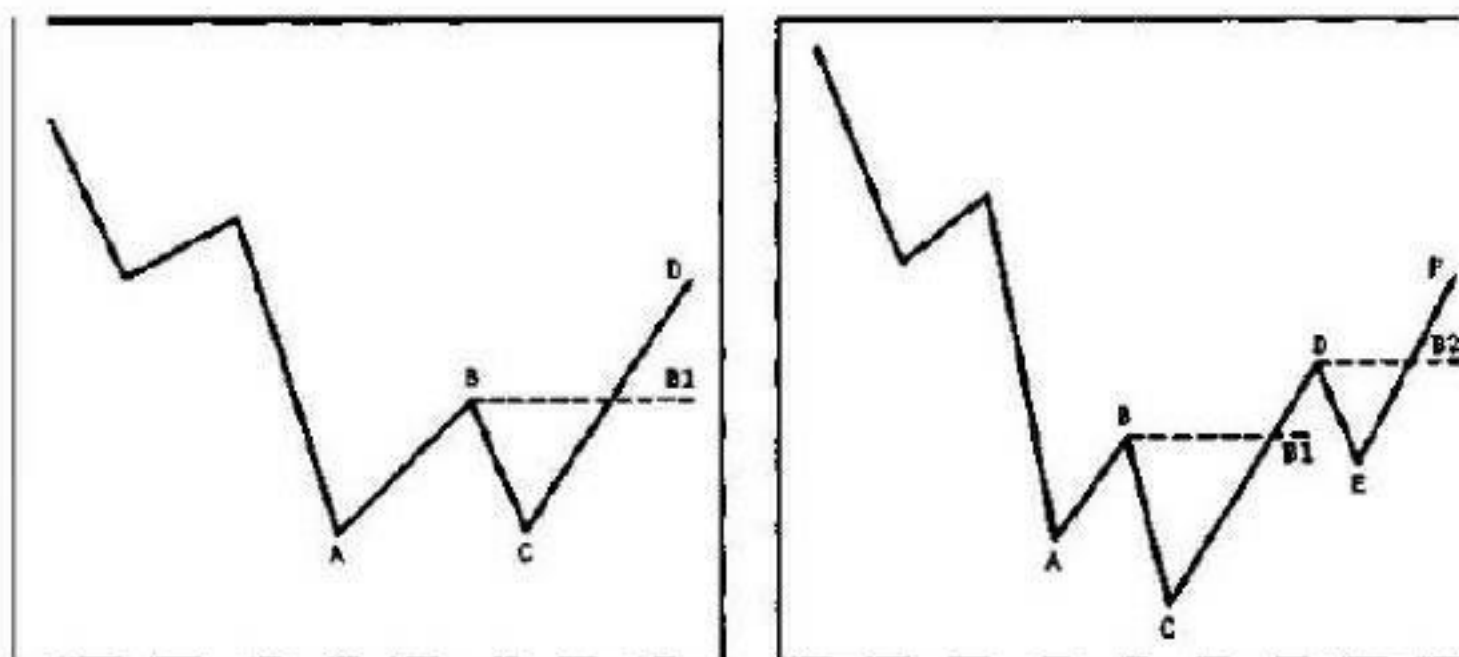
شکل ۳.۲ (۲) Swing Nonfailure را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که C قبل از سقوط پایین‌تر از B از A تجاوز می‌کند. برخی از نظریه پردازان داو یک "فروش" را در SI می‌بینند، در حالی که برخی دیگر نیاز به دیدن پایین پایین‌تر در E قبل از turning در ۲S دارند.

در شکل ۳.۲ b، بالا در C بالاتر از پیک قبلی در A است. سپس قیمت پایین‌تر از نقطه B کاهش می‌یابد. برخی از نظریه پردازان Dow نقض آشکار حمایت، در واحد SI برای فروش یک سیگنال فروش واقعی را در نظر نمی‌گیرند. آن‌ها به این نکته اشاره می‌کنند که تنها پایین‌ترین پایین در این مورد وجود دارند، اما ارتفاع پایین‌تر بالایی ندارند. آن‌ها ترجیح می‌دهند که یک تجمع به نقطه E را که کم‌تر از نقطه C است ببینند. در این صورت به دنبال نقطه جدید دیگری به نام D خواهند بود. برای آن‌ها، ۲S، سیگنال فروش واقعی با دو سطح بالاتر و دو سطح پایین‌تر را نشان می‌دهد.

الگوی برگشت نشان داده شده در شکل ۳.۲ b به عنوان "نوسان nonfailure" نامیده می‌شود (که در شکل ۳.۲ نشان داده شده) یک الگوی بسیار ضعیف‌تر از نوسان nonfailure در شکل ۳.۲ b است. شکل‌های ۴.۲ a و ۴.۲ b سناریوی مشابهی را در پایین بازار نشان می‌دهند.

استفاده از قیمت CLOSING و حضور خطوط

داو تنها متکی به بسته شدن قیمت‌ها بود. او معتقد بود که متوسط باید بالاتر از پیک قبلی یا کمتر از یک آبشخور قبلی باشد تا اهمیت داشته باشد. داو در نظر نداشت که pene روی روزی معتبر باشد.



شکل ۴.۲ a نوسان شکست شکل ۴.۲ b Swing Nonfailure پایین. علامت "خرید" به صورت پایین رخ می‌دهد و زمانی که نقطه B از حد مجاز تجاوز کند، سیگنال‌های "بخر" در نقاط رخ می‌دهد. B1 یا B2.

هنگامی که معامله کنندگان از خطوط در میانگین صحبت می‌کنند، به الگوهای افقی اشاره می‌کنند که گاهی روی نمودارها می‌افتد. این معاملات از پهلوی معمولاً نقش فازهای اصلاحی ایفا می‌کنند و معمولاً به عنوان consolidations اشاره می‌شوند. در شرایط مدرن، ما ممکن است به چنین الگوهای جانبی بعنوان "مستطیل" اشاره کنیم.

که در تئوری تئوری‌های dow

نظریه داو به خوبی در طول سال‌ها در شناسایی گاو و بازارهای بزرگ انجام شده‌است، اما از انتقاد جان سالم به در نبرده‌است. به طور متوسط، نظریه داو تنها ۲۰ تا ۲۵٪ از حرکت را قبل از تولید سیگنال از دست می‌دهد. بسیاری از تجار این موضوع را خیلی دیر می‌دانند. یک تیوری شاخص داو معمولاً در فاز دوم of رخ می‌دهد که قیمت به اوج میانی قبلی نفوذ می‌کند. همچنین، این امر همچنین، در مورد جایی است که بیشتر سیستم‌های تکنیکی زیر، شروع به شناسایی و مشارکت در روندهای موجود می‌کنند.

در پاسخ به این انتقادات، تجار باید به خاطر داشته باشند که داو هرگز قصد پیش‌بینی روندها را ندارد بلکه به دنبال تشخیص ظهور یک گاو و بازار بزرگ بوده و بخش عمده‌ای از حرکت مهم بازار را به دست می‌آورد.

سوابق موجود حاکی از آن است که نظریه Dow's عملکرد منطقی ای را به خوبی انجام داده است. از ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۵، سیگنال‌های تیوری داو ۶۸٪ از حرکات Averages صنعتی و حمل و نقل را ثبت کردند و ۶۷٪ از آن‌ها در شاخص P & S ۵۰۰ شرکت کردند (منبع: Barron's). کسانی که نظریه داو را به دلیل ناکامی در گرفتن برتری بازار واقعی مورد انتقاد قرار می‌دهند، درک بنیادی از فلسفه زیر را ندارند.

سهام به عنوان INDICATORS اقتصادی

ظاهراً داو هرگز قصد نداشت از تیوری خود برای پیش‌بینی جهت بازار سهام استفاده کند. او احساس می‌کرد که ارزش واقعی آن، استفاده از جهت بازار سهام به عنوان یک مطالعه جوی از con تجاری عمومی است. ما فقط می‌توانیم از دید Dow's و نبوغ حیرت‌زده شویم. علاوه بر تدوین یک روش پیش‌بینی قیمت today's، او در میان اولین کسانی بود که کارآیی بازار سهام را به عنوان یک شاخص اقتصادی پیشرو تشخیص داد.

نظریه DOW برای TRADING futures اعمال شد.

کار داو رفتار میانگین‌های سهام را مد نظر قرار می‌دهد. در حالی که اکثر این کاره‌ای اصلی کاربرد قابل‌توجهی در قراردادهای آتی کالا دارند، تمایزهای مهمی بین معاملات بورس و معاملات وجود دارد. برای یک چیز، داو فرض کرد که بیشتر سرمایه‌گذاران تنها از روندهای اصلی پیروی می‌کنند و فقط برای اهداف زمان‌بندی از تصحیحات متوسط استفاده می‌کنند. داو جریان‌های کوچک یا نزدیک را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند. بدیهی است که این مورد در معاملات آتی وجود ندارد که در آن بیشتر بازرگانان به جای روند اصلی، روند تجارت را دنبال می‌کنند. این تجار باید توجه زیادی به نوسانات جزئی برای اهداف زمان‌بندی بپردازند. اگر یکی از دلایل پیش‌خرید انتظار می‌رفت که یک هواپیمای متوسط تا چند ماه به طول انجامد، به دنبال کاهش کوتاه‌مدت قیمت‌ها خواهد بود. در یک روند نزولی متوسط، معامله‌گر از انعکاس جزئی برای فروش کوتاه سیگنال استفاده می‌کند. بنابراین روند کوچک در معاملات آتی، بسیار مهم می‌شود.

راه جدید برای تجارت با DOW

برای ۱۰۰ سال اول موجودیت خود، میانگین صنعتی داو جونز تنها می‌تواند بعنوان شاخص بازار استفاده شود. در ششم اکتبر ۱۹۹۷ زمانی که futures و اختیار معاملی آتی به طور متوسط به طور متوسط برای اولین بار شروع به خرید و فروش کردند، همه چیز تغییر کرد. هیات‌مدیره شیکاگو قرارداد futures را در میانگین صنعتی داو جونز آغاز کرد، در حالی که اختیار معاملی داو (نماد: DJX) تجارت در بورس اوراق بهادار شیکاگو را آغاز کردند. علاوه بر این، اختیار معامله نیز بر مبنای میانگین حمل و نقل داو جونز (نماد: DJTA) و شاخص مطلوبیت جونز (نماد: DJUA) راه‌اندازی شد. در ژانویه ۱۹۹۸، بورس سهام آمریکا تجارت الماس را آغاز کرد، یک تراست سرمایه‌گذاری واحد که از ۳۰ داو Dow تقلید می‌کند. به علاوه، دو وجه مشترک براساس معیار ۳۰ داو ارائه شد. احتمالاً آقای داو خوشحال خواهد بود که بداند که یک قرن پس از آفرینش آن‌ها، می‌توان میانگین داو خود را به کار برد و در حقیقت نظریه داو خود را به عمل آورد.

نتیجه‌گیری

در این فصل یک بررسی نسبتاً سریع از جنبه‌های مهم‌تری از نظریه داو ارائه شد. همانطور که در این کتاب ادامه می‌دهید، واضح خواهد شد که درک و قدردانی از تیوری داو، مبنایی محکم برای هر گونه مطالعه تحلیل تکنیکال فراهم می‌کند. بیشتر آنچه در فصل‌های بعد مورد بحث قرار می‌گیرد، بیانگر انطباق نظریه اصلی Dow's است. تعریف استاندارد یک روند، طبقه‌بندی یک روند به سه مقوله و فازها، اصول تایید و واگرایی، تفسیر حجم، و استفاده از درصد retracements (به نام چند)، همه به یک طریق از نظریه داو به دست می‌آیند.

علاوه بر منابع ذکر شده در این فصل، بررسی عالی اصول تیوری داو را می‌توان در تحلیل تکنیکال روندهای بورس یافت (ادواردز & مگی).

ساخت نمودار

مقدمه

این بخش در درجه اول برای آن دسته از خوانندگان طراحی شده است که unfa miliar - با ساختار نمودار میله‌ای هستند. ما با بحث در مورد انواع مختلف نمودارها شروع می‌کنیم و سپس تمرکز خود را بر روی most نمودار میله‌ای روزانه تبدیل می‌کنیم. نگاهی می‌اندازیم به این که چگونه داده‌های قیمت خوانده می‌شوند و در نمودار ترسیم می‌شوند. نرخ باز و باز هم به علاوه قیمت نیز در نظر گرفته می‌شوند. سپس به انواع دیگر نمودار بار نگاه خواهیم کرد، از جمله چارت هفتگی و ماهانه. هنگامی که این کار تکمیل شد، ما آماده ایم نگاهی به برخی از ابزارهای تحلیلی که در این نمودار در فصل بعد اعمال می‌شوند بیندازیم. آن‌هایی که خود با این نمودارها آشنا هستند ممکن است این فصل را خیلی ابتدایی بیابند. برای حرکت به بخش بعدی آزاد باشید.

فصل ۳

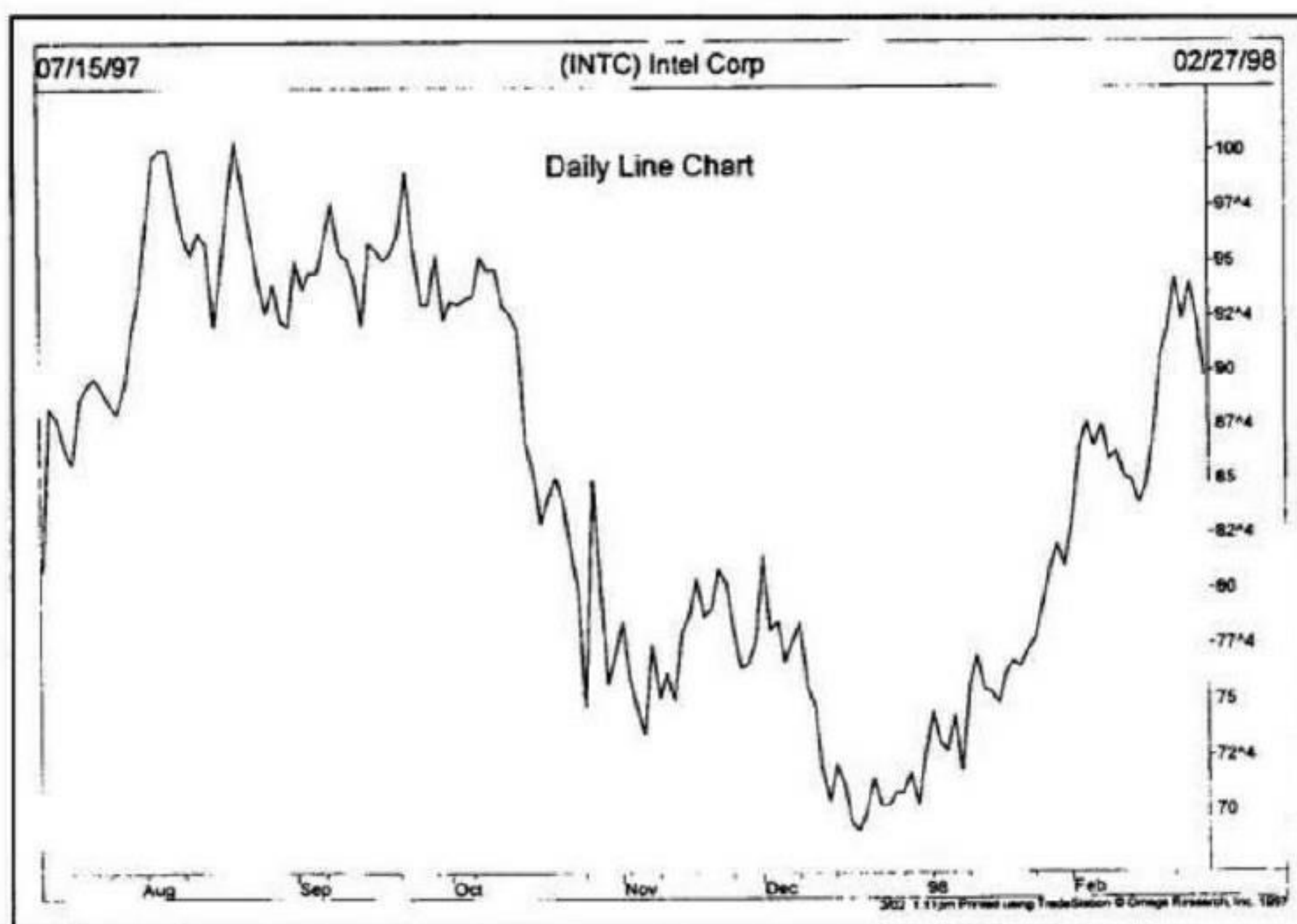
انواع چارت های موجود

نمودار بار روزانه به عنوان گسترده ترین نوع نمودار در تحلیل تکنیکال پذیرفته شده است. با این حال، انواع دیگر نمودارها نیز توسط تکنیسین ها به کار گرفته شده اند مانند نمودارهای خط، نمودارهای نقطه ای و شکل، و اخیراً شمعدان ها. شکل ۱ نمودار میله ای روزانه استاندارد را نشان می دهد. این نمودار میله ای نامیده می شود چون هر روز با یک میله عمودی نمایش داده می شود. نمودار میله ای قیمت های باز، بالا، پایین و بسته را نشان می دهد. تیک در سمت راست میله عمودی، قیمت نهایی است. قیمت باز تیک به سمت چپ میله است.

شکل ۲.۳ نشان می دهد که همان بازار شبیه به نمودار خط است. در نمودار خط، تنها قیمت بسته برای هر روز متوالی ترسیم می شود. بسیاری از chartists بر این باورند که چون قیمت بسته مهم ترین قیمت روز تجاری است، یک چارت (یا فقط) یک معیار more از فعالیت قیمت است.



شکل ۱.۳ یک نمودار میله‌ای روزانه از اینتل. هر نوار عمودی نشان‌دهنده یک اقدام day's است.

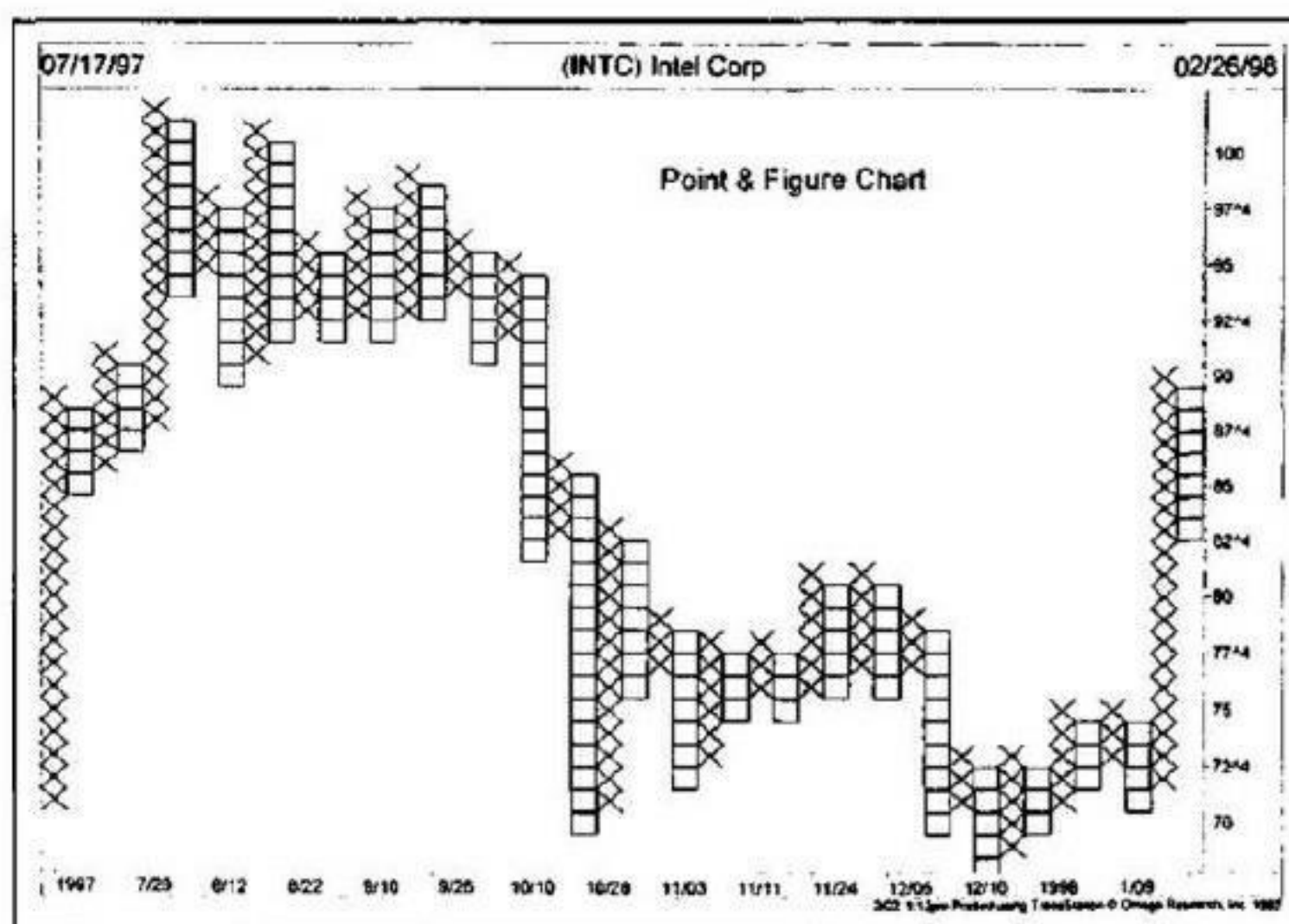


شکل ۲-۳ یک نمودار خطی از اینتل. این نوع چارت با اتصال قیمت‌های بسته پی‌درپی، یک خط ثابت تولید می‌کند.

یک نوع سوم نمودار، نقطه و نمودار شکل، در شکل ۳.۳ نشان داده شده در اینجا توجه داشته باشید که نمودار شکل و شکل یک عمل قیمت یکسان را نشان می‌دهد اما با فرمت فشرده‌تری. به ستون متناوب X'S و O'S توجه کنید. ستون‌های X قیمت‌های رو به افزایش و قیمت‌های رو به کاهش را نشان می‌دهند. سیگنال‌های فروش و فروش دقیق‌تر و راحت‌تر از نمودار میله‌ای هستند. این نوع نمودار همچنین انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. شکل ۱۱ نمودار نقطه‌ای و شکل را پوشش می‌دهد.

candlesticks

جداول candlestick نسخه ژاپنی از bar هستند که در سال‌های اخیر در میان chartists غربی بسیار محبوب شده‌اند. شمعدان ژاپنی همان چهار قیمت را به عنوان نمودار میله‌ای سنتی ثبت می‌کند - فضای باز، بسته، بالا و ...



شکل ۳.۳ یک نقطه و نمودار شکل از اینتل. به ستون‌های متناوب ofx's و o's توجه کنید. ستون X قیمت‌ها را نشان می‌دهد. این ستون قیمت‌ها را نشان می‌دهد. خرید و فروش sigiwl's در این نوع نمودار دقیق‌تر هستند.

آهسته. با این حال، ارائه تصویری متفاوت است. در نمودار شمعی، یک خط نازک (که سایه نامیده می‌شود) دامنه قیمت day's را از بالا به پایین نشان می‌دهد. قسمت پهن‌تر (که بدنه اصلی نامیده می‌شود) فاصله بین باز و بسته را اندازه‌گیری می‌کند. اگر فاصله نزدیک از فضای باز باشد، بدن واقعی سفید است (مثبت). اگر فاصله کم‌تر از فضای باز باشد، بدن واقعی سیاه است (منفی). (شکل ۴.۳ را ببینید)

کلید طرح‌های شمعدانی رابطه بین باز و بسته است. احتمالاً به خاطر محبوبیت رو به رشد شمعدان، chartists غربی حالا توجه بیشتری به پرش به روی نمودارهای میله‌ای خود می‌کنند. شما می‌توانید هر کاری را با یک نمودار شمعی انجام دهید که شما می‌توانید با یک نمودار میله‌ای انجام دهید. به عبارت دیگر، تمام ابزارهای تکنیکال و شاخص‌هایی که در نمودار میله‌ای به شما نشان خواهیم داد نیز می‌تواند در شمعدان به کار رود. کمی بعد در این بخش به شما نشان خواهیم داد که چگونه نمودارهای میله‌ای را برای هر هفته بسازید.

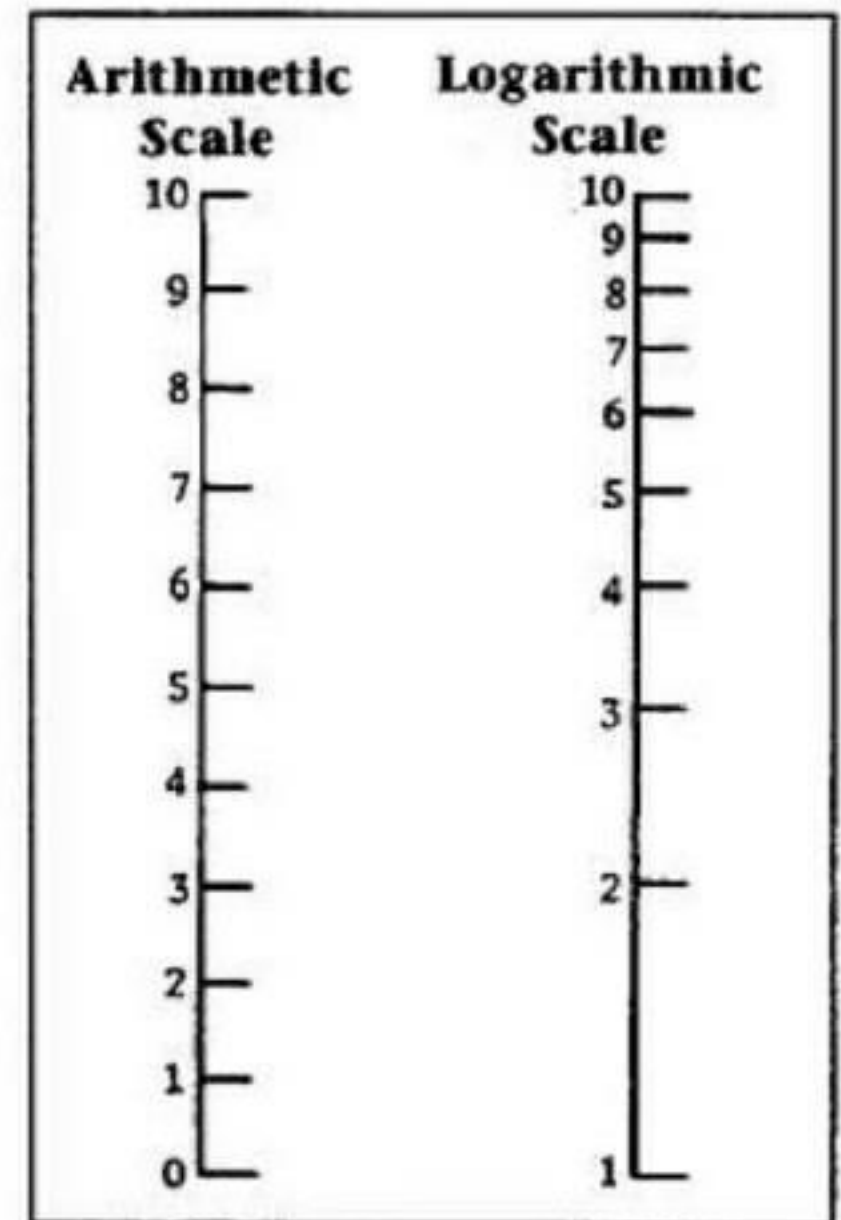


شکل ۴.۳ یک نمودار شمعی از اینتل. رنگ شمعدانی با رابطه بین فضای باز و بسته تعیین می‌شود. سفید می‌تواند مثبت باشد، در حالی که شمعدان‌های سیاه منفی هستند.

و دوره‌های ماهانه. می‌توانید با شمعدان هم همین کار را بکنید. فصل ۱۲، "candlesticks ژاپنی"، توضیح کامل‌تری از نمودار شمعدانی ارائه می‌دهد.

ARITHMETIC logarithmic در مقابل مقیاس

چارت را می‌توان با استفاده از محاسبات ریاضی یا لگاریتمی رسم کرد. برای برخی از انواع آنالیز، به خصوص برای تحلیل روند بسیار طولانی، ممکن است مزیتی برای استفاده از نمودارهای لگاریتمی وجود داشته باشد. (شکل‌های ۵.۳ و ۵.۴ را ببینید) شکل ۵.۳ نشان می‌دهد که چه مقیاس‌های مختلف چگونه به نظر می‌رسند. در مقیاس حساب، معیار قیمت عمودی فاصله برابر برای هر واحد قیمت تغییر را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که در این مثال هر نقطه در مقیاس حساب در یک فاصله است. با این حال، در مقیاس لگاریتمی، توجه داشته باشید که درصد



شکل ۵.۳ مقایسه‌ای از یک مقیاس ریاضی و لگاریتمی. به فاصله برابر در مقیاس سمت چپ توجه کنید. مقیاس لگاریتمی تغییرات درصد (مقیاس صحیح) را نشان می‌دهد.

با افزایش مقیاس قیمت، افزایش‌ها کوچک‌تر می‌شوند. فاصله از نقاط ۱ تا ۲ برابر با فاصله بین ۵ تا ۱۰ است زیرا هر دوی آن‌ها همان دو برابر قیمت را نشان می‌دهند. برای مثال، حرکت از ۵ تا ۱۰ در یک مقیاس ریاضی همان فاصله بین ۵۰ تا ۵۵ است، حتی اگر اولی نشان‌دهنده دو برابر شدن قیمت باشد، در حالی که دومی یک افزایش قیمت تنها ۱۰٪ است. قیمت براساس نسبت یا مقیاس‌های لگاریتمی رسم می‌شود و فواصل مساوی برای درصد مشابه حرکت را نشان می‌دهند. برای مثال، حرکت از ۱۰ تا ۲۰ (۱۰۰٪ افزایش) همان فاصله بر روی نمودار میله‌ای به عنوان یک حرکت از ۲۰ تا ۴۰ یا ۴۰ تا ۸۰ است. بسیاری از خدمات چارت بازار سهام از نمودارهای \log استفاده می‌کنند، در حالی که خدمات چارت futures از حساب کاربری استفاده می‌کنند. تعیین بسته‌های نرم‌افزاری به هر دو نوع مقیاس بندی، همانطور که در شکل ۶.۳ نشان داده شده است.

ساخت‌وساز روزانه صدر جدول پرفروش‌ترین‌های آمریکا

ساخت نمودار میله‌ای روزانه به شدت ساده است. نمودار میله‌ای هر دو یک نمودار زمان و یک نمودار زمان است. محور عمودی (محور Y) یک مقیاس را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده قیمت قرارداد می‌باشد. محور افقی (محور X) گذر زمان را ثبت می‌کند. تاریخ‌ها در انتهای چارت مشخص شده‌اند. تمام کاری که کاربر باید انجام دهد این است که یک نوار عمودی در روز مناسب از the به سطح پایین (به نام دامنه) رسم کند. یک پرش افقی به سمت راست نوار عمودی که قیمت بسته روزانه را مشخص می‌کند، قرار دهید. (مراجعه به شکل ۷.۳). دلیل قرار دادن تیک در سمت راست نوار آن است که آن را از قیمت دهانه، که رکورد chartists را ثبت می‌کند، متمایز نماید.

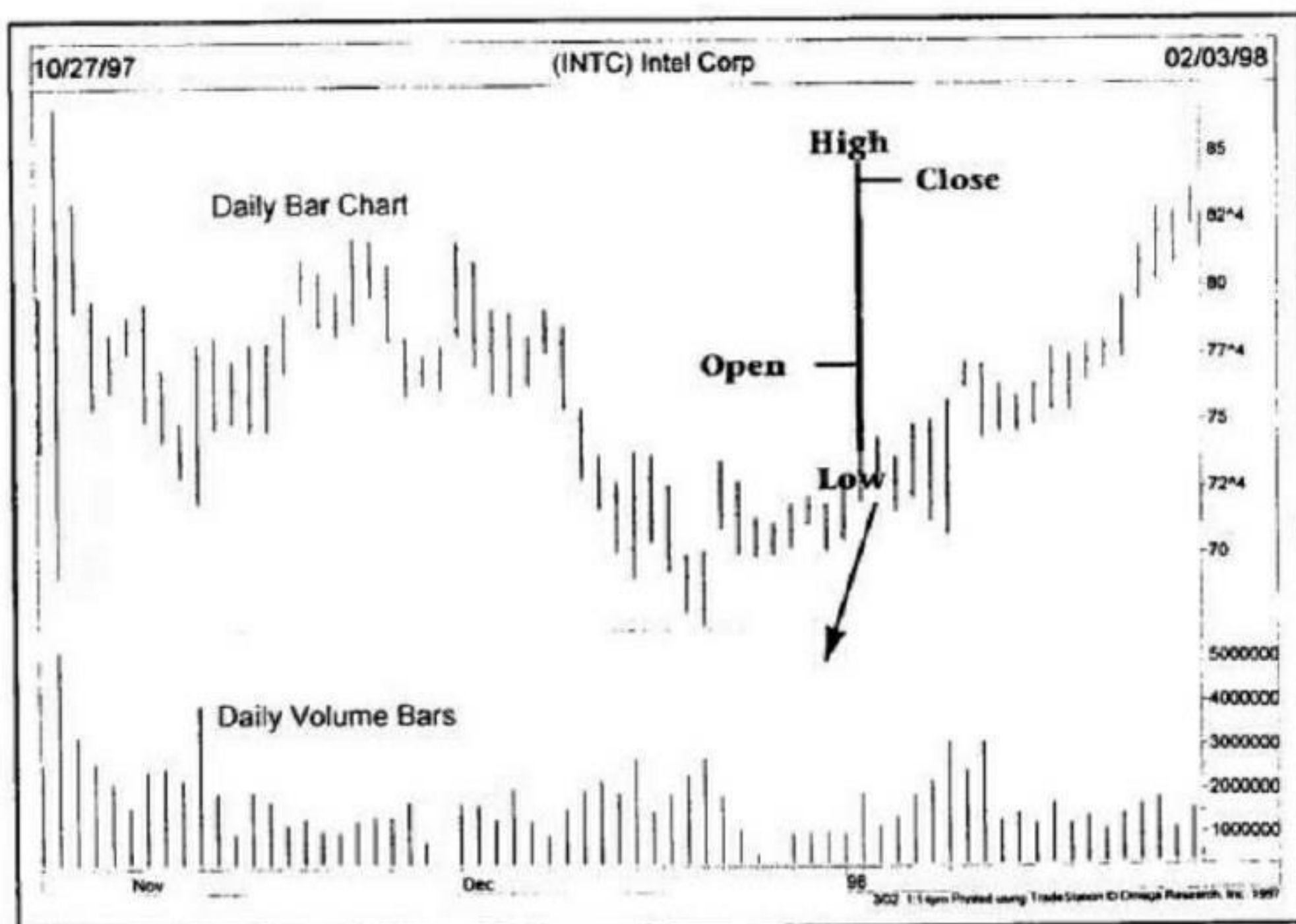


شکل ۶.۳ - نمای طولانی‌تر از اینتل با استفاده از دو مقیاس قیمت متفاوت. نمودار سمت چپ مقیاس حساب سنتی را نشان می‌دهد. نمودار سمت راست، مقیاس لگاریتمی را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که خط روند سه ساله در نمودار log بهتر عمل کرده‌است.

سمت چپ بار زمانی که فعالیت day's رسم شده‌است، کاربر یک روز به سمت راست حرکت می‌کند تا اقدام بعدی را طرح‌ریزی کند. بیشتر خدمات چارت از پنج هفته استفاده می‌کنند. آخر هفته‌ها در نمودار نمایش داده نمی‌شود. هر زمان که یک تبادل در طول هفته معاملات بسته می‌شود، فضای day's خالی باقی می‌ماند. میله‌های در کف صفحه اندازه‌گیری نمودار. (مراجعه به شکل ۷.۳).

بخش اول

یک بخش دیگر از اطلاعات مهم باید در نمودار میله‌ای نمایش داده شود. حجم کل فعالیت‌های تجاری در آن روز را نشان می‌دهد. این تعداد کل قراردادهای آتی معاملات آتی در طول روز یا تعداد سهام سهامی عام است که در روز معین در بازار سهام دست به دست می‌دهند. این حجم توسط یک نوار عمودی در پایین نمودار زیر بار قیمت day's ثبت می‌شود. یک نوار حجم بالاتر به این معنی است که

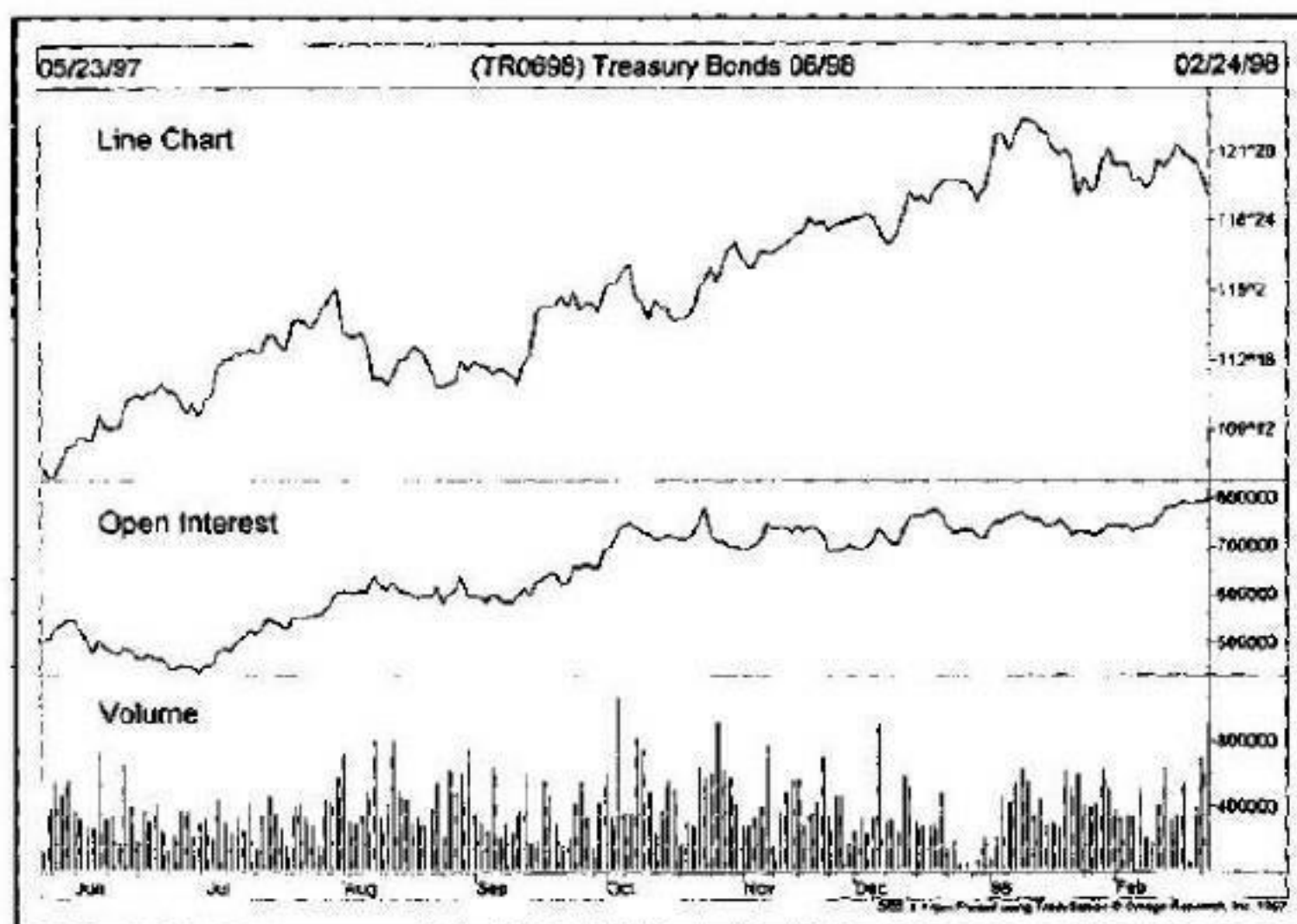


شکل ۷.۳ یک نگاه نزدیک‌تر به نمودار میله‌ای روزانه اینتل. هر نوار محدوده قیمت day's را اندازه‌گیری می‌کند. قیمت باز با تیک کوچک سمت چپ هر بار مشخص می‌شود. پرش پایانی در سمت راست است. میله‌های در انتهای کف هر حجم day's را اندازه‌گیری می‌کنند.

حجم آن روز به مراتب سنگین‌تر می‌شد. یک نوار کوچک‌تر نشان‌دهنده حجم سبک‌تر است. یک مقیاس عمودی در امتداد کف نمودار برای کمک به نمودار داده‌ها، همانطور که در شکل ۷.۳ نشان داده شده‌است، ارایه شده‌است.

futures بهره باز

سود باز تعداد کلی قراردادهای آتی است که در پایان روز توسط شرکت کنندگان در بازار برگزار می‌شود. علاقه باز تعداد قراردادهای برجسته است که به وسیله شورت و یا شورت‌ها برگزار می‌شود، نه مجموع هر دو. به خاطر داشته باشید، چون ما با قراردادهای آتی سر و کار داریم، برای هر مدت زمانی باید کوتاه باشد. بنابراین، ما فقط باید مجموع آن‌ها را در یک طرف بدانیم. علاقه باز روی نمودار با یک خط توپر در امتداد کف، معمولاً درست بالای حجم، اما پایین‌تر از قیمت مشخص می‌شود. (مراجعه به شکل ۸.۳).



شکل ۸.۳ یک نمودار خط روزانه از قرارداد آتی اسناد خزانه‌داری. میله‌های عمودی در امتداد کف کل حجم روزانه را اندازه‌گیری می‌کنند. خط توپر در امتداد میانه نشان‌دهنده علاقه آشکار به بازار بورس اوراق خزانه است.

در مقابل حجم منحصر به فرد و اعداد با توجه باز در آتی.

خدمات چارت Futures همراه با بسیاری از تکنسین‌ها، تنها از حجم کلی و ارقام سود باز استفاده کنید. اگرچه ارقام برای هر ماه تحویل هر فرد در دسترس هستند، اما ارقام کلی برای هر بازار کالا، آن‌هایی هستند که برای اهداف پیش‌بینی مورد استفاده قرار می‌گیرند. دلیل خوبی برای این کار وجود دارد. در مراحل اولیه زندگی contract's، حجم و منافع باز معمولاً بسیار کوچک هستند. این ارقام زمانی که این قرارداد به مرحله بلوغ می‌رسد، تشکیل می‌شوند. با این حال، در چند ماه گذشته، این اعداد دوباره شروع به افت کرده‌اند. واضح است که تجار باید موقعیت باز را به عنوان کلاه از بین ببرند

بعد از انقضای دوره، این قطعه به پایان می‌رسد. بنابراین، افزایش تعداد در چند ماه اول زندگی و کاهش در نزدیکی پایان داد و ستد هیچ ارتباطی با مسیر بازار ندارد و تنها تابعی از ویژگی عمر محدود قرارداد آتی کالا می‌باشد. برای فراهم نمودن تداوم لازم در حجم و اعداد با سود باز، و برای دادن ارزش پیش‌بینی، کل اعداد به طور کلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (نمودار Stock نمودارهای حجم کلی را ترسیم می‌کند، اما شامل منافع باز نمی‌شود).

علاقه به حجم و علاقه باز یک روز در ماه آتی را نشان داد.

حجم Futures و اعداد علاقه باز یک روز دیر گزارش می‌شوند. بنابراین، the باید با تاخیر day's در کسب و تفسیر ارقام راضی باشند. این ارقام معمولاً در طی چند ساعت بعد از خرید گزارش می‌شوند، اما برای انتشار در روزنامه‌های مالی day's خیلی دیر شده‌است. نمودارهای حجم تخمین زده‌شده در دسترس هستند، با این حال، بعد از بسته شدن بازارها و در مقاله زیر چاپ می‌شوند. تخمین تعداد تقریبی تعداد آن‌ها فقط این است، اما حداقل این تعداد را می‌دهند. تکنسین آتی، ایده‌ای در مورد این که آیا فعالیت تجاری روز قبل سنگین‌تر یا روشن‌تر بود، به دست آورد. بنابراین، در مقاله صبح، چیزی که خواننده دریافت می‌کند آخرین قیمت‌های آتی day's همراه با رقم برآورد شده برآورد شده‌است. با این حال، حجم رسمی و ارقام سود باز برای روز قبل از آن داده شده‌است. Stock don't chartists این مشکل را دارند. حجم حجم برای سهام بلافاصله در دسترس است.

ارزش حجم فردی و اعداد علاقه باز در آتی.

اعداد مورد علاقه افراد در آتی اطلاعات ارزشمندی را فراهم می‌کنند. آن‌ها به ما می‌گویند که کدام قراردادها مناسب‌ترین روش برای اهداف تجاری هستند. به عنوان یک قاعده کلی، فعالیت تجاری باید محدود به آن ماهه‌ای تحویل با بالاترین سود باز باشد. ماه‌ها با نرخ بهره باز پایین باید از آن‌ها اجتناب کرد. همان طور که این عبارت اشاره می‌کند، منافع باز بیشتر به این معنی است که در ماهه‌ای تحویل خاص، علاقه بیشتری وجود دارد.

نمودار ساخت نمودار

کارنامه هفتگی و هفتگی BAR CHARTS

ما تاکنون بر روی نمودار میله‌ای روزانه تمرکز کرده‌ایم. با این حال، آگاه باشید که نمودار میله‌ای می‌تواند برای هر دوره زمانی ساخته شود. نمودار میله‌ای درون روز، قیمت‌های بالا، پایین و آخرین قیمت‌های برای دوره‌های کوتاه‌مدت تا پنج دقیقه را اندازه‌گیری می‌کند. نمودار میله‌ای روزانه از شش تا نه ماه اقدام قیمت را پوشش می‌دهد. با این حال، برای تحلیل روند دامنه طولانی‌تر، نمودارهای هفتگی و ماهانه باید مورد استفاده قرار گیرند. مقدار استفاده از این نمودارهای دامنه طولانی‌تر در فصل ۸ تحت پوشش قرار گرفته‌است. اما روش ایجاد و به روز رسانی نمودارها لزوماً یک‌سان است. (به شکل‌های ۹.۳ و ۱۰.۳ مراجعه کنید)

در نمودار هفتگی، یک نوار نشان‌دهنده فعالیت قیمت برای کل هفته است. در نمودار ماهانه، هر نوار نشان می‌دهد که



شکل ۹.۳ - ۳ یک نمودار میله‌ای در شاخص دلار آمریکا. هر بار یک داده قیمت week's را نشان می‌دهد. با فشردن سازی اطلاعات قیمت، چارت هفتگی اجازه تجزیه و تحلیل نمودار محدوده طولانی‌تر قیمت، معمولاً در مجاورت پنج سال را می‌دهد.



شکل ۱۰.۳ یک نمودار بار ماهانه از شاخص دلار آمریکا. هر نماینده بار از داده‌های قیمت یک month's عصبانی است. با فشردن سازی اطلاعات حتی بیشتر، نمودار ماهانه به تحلیل چارت برای دوره‌های زمانی بیست سال اجازه می‌دهد.

کل عملیات قیمت month's به طور واضح، نمودارهای هفتگی و ماهانه، اقدام قیمت را فشرده می‌سازند تا تحلیل روند دامنه طولانی‌تر را امکان پذیر سازد. یک نمودار هفتگی می‌تواند به پنج سال و یک نمودار ماهانه تا ۲۰ سال برگردد. استفاده از یک تکنیک ساده که به the کمک می‌کند تا بازارها را از دیدگاه دامنه‌ای بلند مطالعه کنند - یک دیدگاه valu که اغلب با اتکا به نمودارهای روزانه از دست می‌رود.

حالا که ما می‌دانیم چگونه یک نمودار میله‌ای را رسم کنیم، و سه منبع اصلی اطلاعات - قیمت، حجم، و علاقه باز را معرفی کردیم - آماده ایم نگاهی به چگونگی تفسیر این داده‌ها بیندازیم. به یاد داشته باشید که نمودار فقط داده‌ها را ثبت می‌کند. در خود، روشن است -

ارزش کراوات. خیلی شبیه قلم‌مو و بوم نقاشی است. خودشان هم ارزشی ندارند. با این حال، آن‌ها می‌توانند به خلق تصاویر زیبا کمک کنند. شاید مقایسه بهتر یک چاقوی جراحی باشد. در دستان یک جراح با استعداد، می‌تواند به نجات زندگی کمک کند. چاقوی جراحی نه تنها بی‌فایده است، بلکه ممکن است خطرناک باشد. زمانی که قوانین درک شوند، یک نمودار می‌تواند یک ابزار بسیار مفید در هنر یا مهارت پیش‌بینی بازار باشد. بیایید این روند را آغاز کنیم. در فصل بعد به برخی از مفاهیم بنیادی روند و آنچه در نظر دارم بلوک‌های سازنده تحلیل نمودار است می‌پردازیم.

تعریف روند

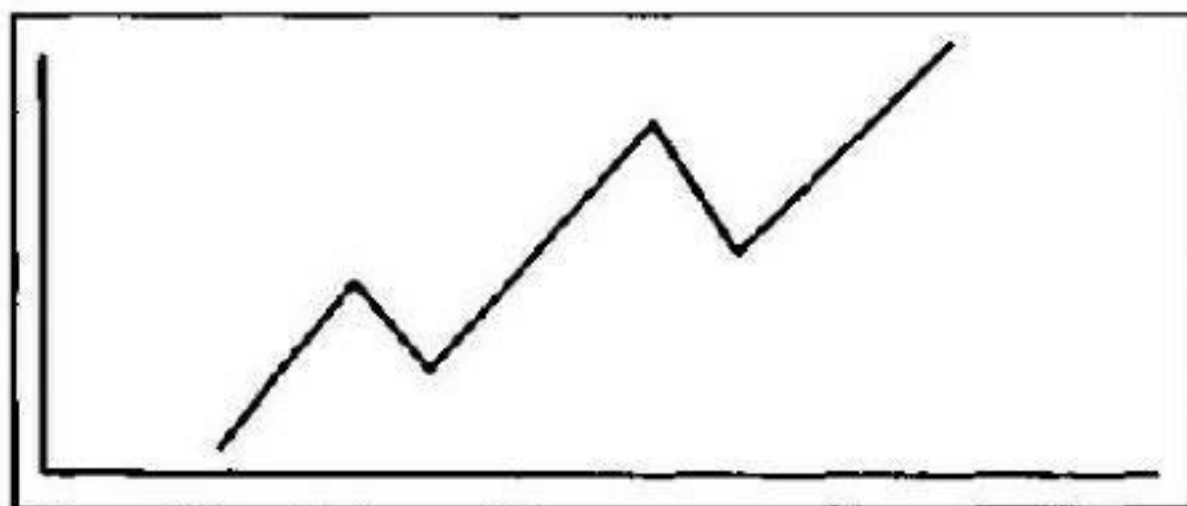
مفهوم روند کاملاً برای رویکرد تکنیکال تحلیل بازار ضروری است. تمامی ابزارهای مورد استفاده توسط سطوح مقاومت و مقاومت، الگوهای قیمت، میانگین متحرک، trendlines و غیره - تنها هدف کمک به اندازه‌گیری روند بازار به منظور مشارکت در این روند هستند. ما اغلب چنین عبارات مشابهی را می‌شنویم که "همیشه در جهت روند کار می‌کنند"، "هرگز این روند را buck"، یا "روند دوست شما است". بنابراین let's کمی وقت صرف تعریف کردن اینکه چه روندی است و آن را به چند دسته تقسیم می‌کند، اختصاص می‌دهیم.

به طور کلی، این روند به سادگی مسیر بازار است، که به سمت حرکت حرکت می‌کند. اما ما به تعریفی دقیق‌تر از آن نیاز داریم. اول از همه، بازارها معمولاً در مسیری مستقیم به هر جهت حرکت می‌کنند. حرکات بازار با مجموعه‌ای از zigzags zigzags مشخص می‌شوند. این zigzags به مجموعه‌ای از امواج متوالی با قله‌های کاملاً مشهود و troughs شباهت دارند. این مسیر آن قله‌ها و troughs است که روند بازار را تشکیل می‌دهد. این که آیا این قله‌ها و troughs به سمت بالا حرکت می‌کنند یا نه،

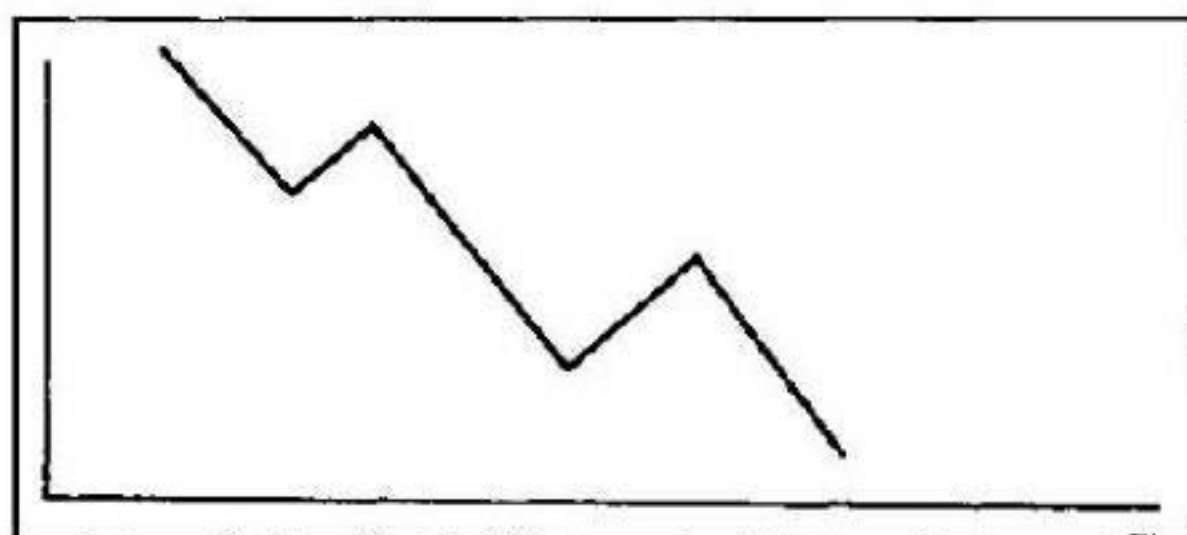
فصل چهارم

راه‌هایی برای ما روند بازار را نشان می‌دهد. یک روند نزولی به صورت یک سری از قله‌های سربه‌فلک‌کشیده و فرورفتگی‌ها تعریف می‌شود؛ یک روند نزولی درست برعکس، یک سری از قله‌های رو به کاهش و فرورفتگی‌ها؛ قله‌های افقی و فرورفتگی‌ها، یک روند قیمت جانبی را شناسایی می‌کند. (اشکال a - d را

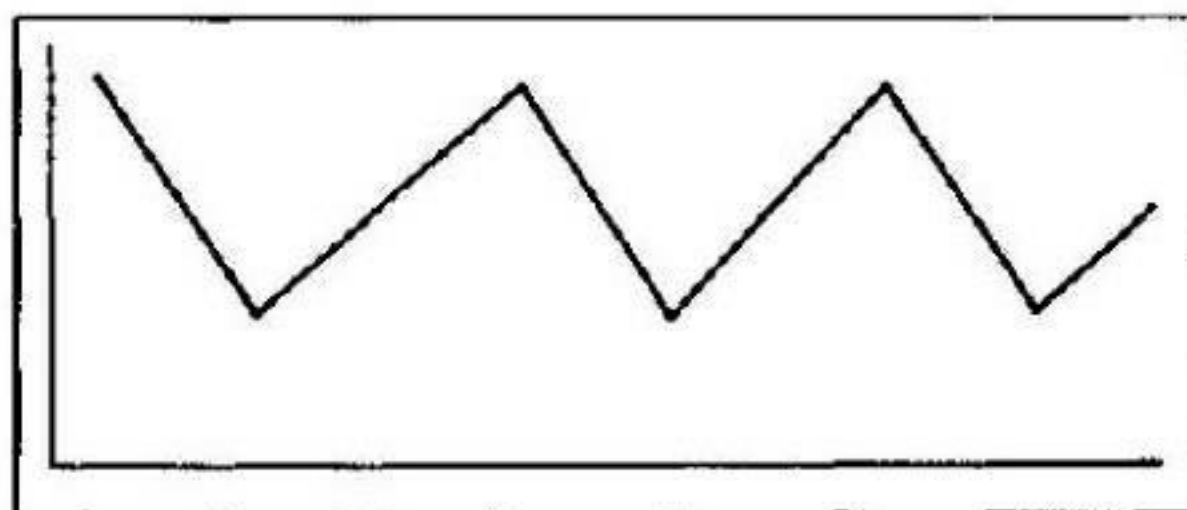
ببینید.)



شکل ۱ - ۴ مثالی از یک uptrend با اوج صعودی و troughs را نشان می‌دهد.



شکل ۱.۵ مثال یک روند نزولی با peaks نزولی و troughs.



شکل ۱.۶ - مثالی از یک روند جانبی با قله‌های افقی و troughs. این نوع از بازار اغلب به عنوان "trendless" یاد می‌شود.



شکل ۴. ۱ مثالی از روند نزولی تبدیل به یک uptrend. بخش اول سمت چپ یک روند نزولی را نشان می‌دهد. از آوریل ۱۹۹۶ تا آوریل ۱۹۹۷ بازار از پهلوی عوض شد. در تابستان سال ۱۹۹۷، این روند رو به افزایش گذاشت.

روند سه مسیر دارد

ما یک روند نزولی، روند نزولی و روند به یک دلیل بسیار خوب را ذکر کرده‌ایم. اغلب افراد تمایل به فکر کردن به بازارها مثل همیشه در یک uptrend یا یک روند نزولی دارند. واقعیت این است که بازارها در واقع در سه جهت حرکت می‌کنند - بالا، پایین و از پهلوی. مهم است که از این تمایز آگاه باشیم زیرا حداقل یک سوم از زمان، با یک تخمین محافظه کارانه، قیمت‌ها در یک الگوی افقی و صاف حرکت می‌کنند که به عنوان یک محدوده تجاری اشاره می‌شود. این نوع اقدام از پهلوی نشان‌دهنده یک دوره تعادل در سطح قیمت است که نیروهای عرضه و تقاضا در حالت تعادل نسبی هستند. (اگر به یاد داشته باشید، نظریه داو به این نوع از الگو به عنوان یک خط اشاره دارد، اگر چه ما یک بازار مسطح را به عنوان داشتن یک روند sideways تعریف کردیم، معمولاً به عنوان trendless شناخته می‌شود.

بیشتر ابزارهای تکنیکال و سیستم‌ها دارای روند به پیروی از طبیعت هستند، که به این معنی است که آن‌ها در درجه اول برای بازارها طراحی شده‌اند که بالا یا پایین حرکت می‌کنند. آن‌ها معمولاً خیلی ضعیف کار می‌کنند، یا اصلاً، وقتی بازارها وارد این مرحله می‌شوند یا "trendless" وارد می‌شوند. این در طول این دوره از حرکت بازار است که تجار تکنیکال بزرگ‌ترین ناامیدی خود را تجربه می‌کنند و سیستم‌ها بزرگ‌ترین ضرر را به تجار تحمیل می‌کنند. یک سیستم مبتنی بر روند، طبق تعریف خود، نیاز به یک روند دارد تا کارهای خود را انجام دهد. شکست در اینجا با سیستم نیست. در عوض، شکست با تاجری است که تلاش می‌کند یک سیستم طراحی شده برای بازارهای درحالی‌که در حال ظهور را به یک محیط بازاری nontrending اعمال کند.

سه تصمیم برای مواجهه با تاجر وجود دارد - چه برای خرید یک بازار (به مدت طولانی)، فروش یک بازار (کوتاه رفتن)، یا انجام هیچ کاری (کنار ایستادن). زمانی که یک بازار در حال ترقی است، استراتژی خرید ترجیح داده می‌شود. وقتی سقوط می‌کند، رویکرد دوم درست خواهد بود. با این حال، زمانی که بازار به سمت چپ حرکت می‌کند، سومین انتخاب - برای بیرون ماندن از بازار - معمولاً خردمندترین است.

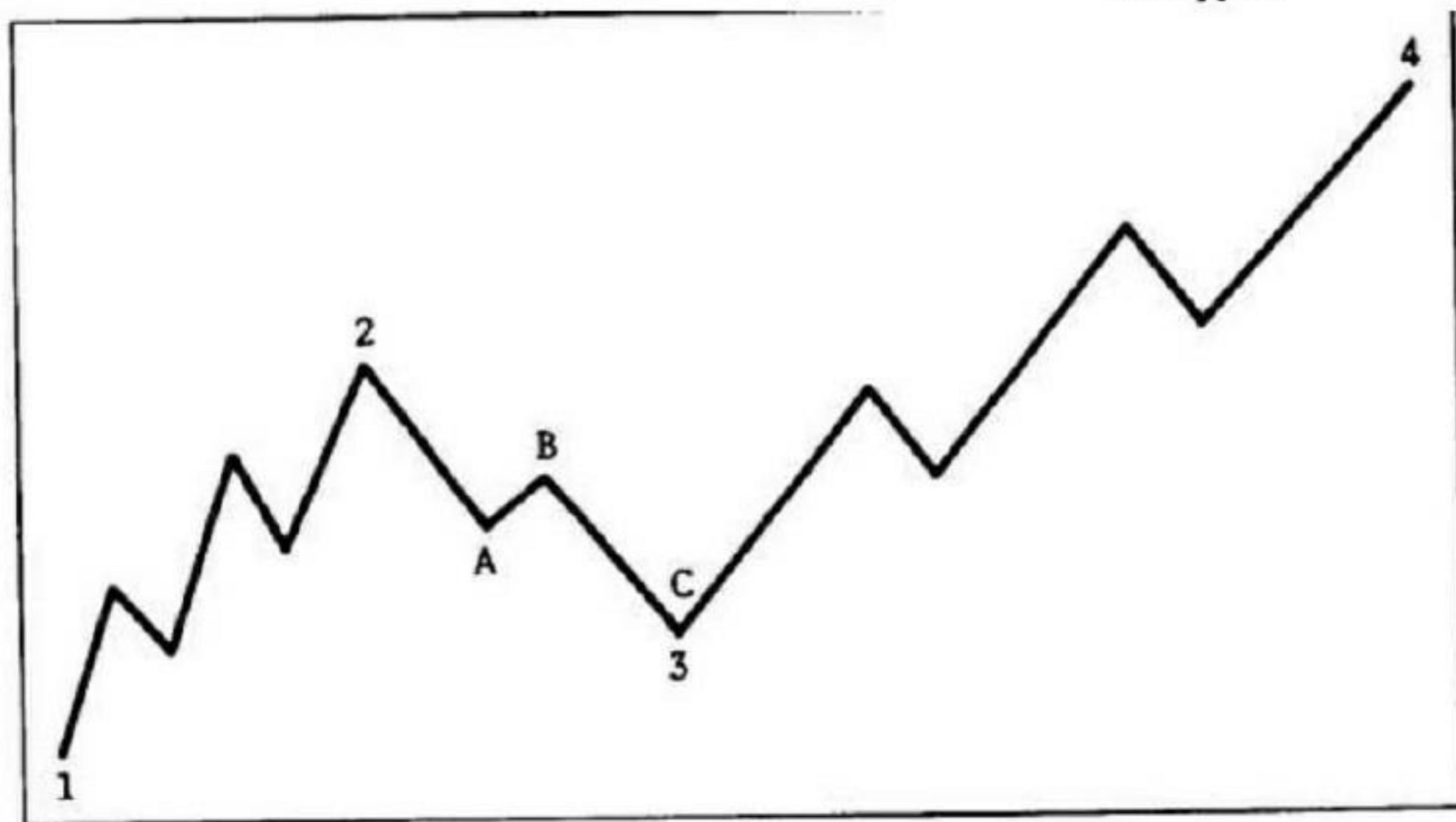
گروه سه classifications دارد.

علاوه بر سه جهت، روند معمولاً در سه مقوله ذکر شده در فصل قبل شکسته می‌شود. این سه مقوله اصلی، متوسط و نزدیک هستند. در واقع، تقریباً تعداد نامحدودی از روندها در تعامل با یکدیگر وجود دارند، از جمله روندهای بسیار کوتاه که چند دقیقه و چند ساعت را پوشش می‌دهند. اکثر کارشناسان، طبقه‌بندی روند را به سه دسته محدود می‌کنند. با این حال، در مورد چگونگی تعریف تحلیلگران مختلف یک مقدار ابهام وجود دارد.

برای مثال نظریه داو روند اصلی را به عنوان تاثیر بیشتر از یک سال طبقه‌بندی می‌کند. از آنجا که دلالتان پیش‌خرید در بعد زمانی کوتاه‌تر نسبت به سرمایه گذاران سهام فعالیت می‌کنند، تمایل دارم روند اصلی را به هر چیزی بیش از شش ماه در بازارهای کالا کوتاه کنم. داو به عنوان واسطه، یا دومین روند به عنوان سه هفته تا چند ماه تعریف کرد، که همچنین در مورد حق بازارهای آتی نیز صادق است. روند کوتاه‌مدت معمولاً به صورت هر چیزی کمتر از دو یا سه هفته تعریف می‌شود.

هر روند بخشی از روند بعدی بعدی اش می‌شود. برای مثال، روند میانی در روند اصلی تصحیح خواهد شد. در دراز مدت، بازار چند ماه قبل از اینکه مسیر رو به بالا را از سر بگیرد، مکث می‌کند. این تصحیح ثانویه می‌تواند شامل امواج کوتاه‌تر باشد که می‌توان آن‌ها را به عنوان dips و rallies معرفی کرد. این موضوع چندین بار تکرار می‌شود - که هر روند بخشی از روند بزرگ بعدی است و خود از روندهای کوچک‌تر تشکیل شده‌است. (شکل ۲.۴ a و b را ببینید).

در شکل ۲.۴ a، روند اصلی به صورت بازتاب شده توسط قله‌های نزدیک و troughs است (نقاط ۱، ۲، ۳، ۴). فاز اصلاحی (۲ - ۳) نشان‌دهنده یک تصحیح میانی در درون uptrend اصلی است. اما توجه داشته باشید که موج ۲ - ۳ نیز به سه موج کوچک‌تر تقسیم می‌شود (A، B، C). در نقطه C، تحلیل‌گر خواهد گفت که روند اصلی هنوز بالا است، اما روند میانی و نزدیک به پایین کاهش یافت. در مرحله ۴، هر سه روند افزایش خواهند یافت. مهم است که تمایز بین درجات مختلف روند را درک کنیم. زمانی که فردی از این روند در یک بازار مشخص سوال می‌کند، اگر غیر ممکن نباشد، تا زمانی که می‌دانید، پاسخ دادن دشوار است.



شکل ۲ - ۴ مثالی از سه درجه روند: مهم، ثانویه و نزدیک. نکات ۱، ۲، ۳ و ۴ نشان‌دهنده uptrend اصلی هستند. موج ۲ - ۳ نشان‌دهنده یک تصحیح ثانویه در درون uptrend اصلی است. هر موج ثانویه به نوبه خود به روندهای near تقسیم می‌شود. برای مثال، موج ثانویه ۲ - ۳ به امواج کوچک A - B - C تقسیم می‌شود.



شکل ۲.۴ b روند اصلی (در طول یک سال) در طول سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. یک تصحیح کوتاه‌مدت در ماه مارس رخ داد. یک تصحیح میانی از ماه اوت تا نوامبر (سه ماه) به طول انجامید. تصحیح واسطه، به سه روند کوتاه‌مدت تقسیم شد.

که فرد از آن پرس و جو می‌کند. شما ممکن است مجبور شوید به شیوه‌ای که قبلاً با تعریف سه طبقه‌بندی روندها مختلف بحث شد، پاسخ دهید. به دلیل ادراک تاجران مختلف از آنچه که از طریق یک روند به معنی آن است، یک کمی سوءتفاهم پیش می‌آید. برای تاجران موقعیت بلند مدت، چند روز تا چند هفته ممکن است ناچیز باشد. برای یک تاجر روز، دو یا سه روز قبل ممکن است یک uptrend بزرگ را تشکیل دهند. پس مهم است که درجات متفاوتی از روند را درک کنیم و اطمینان حاصل کنیم که همه درگیر یک معامله در مورد همان موارد صحبت می‌کنند.

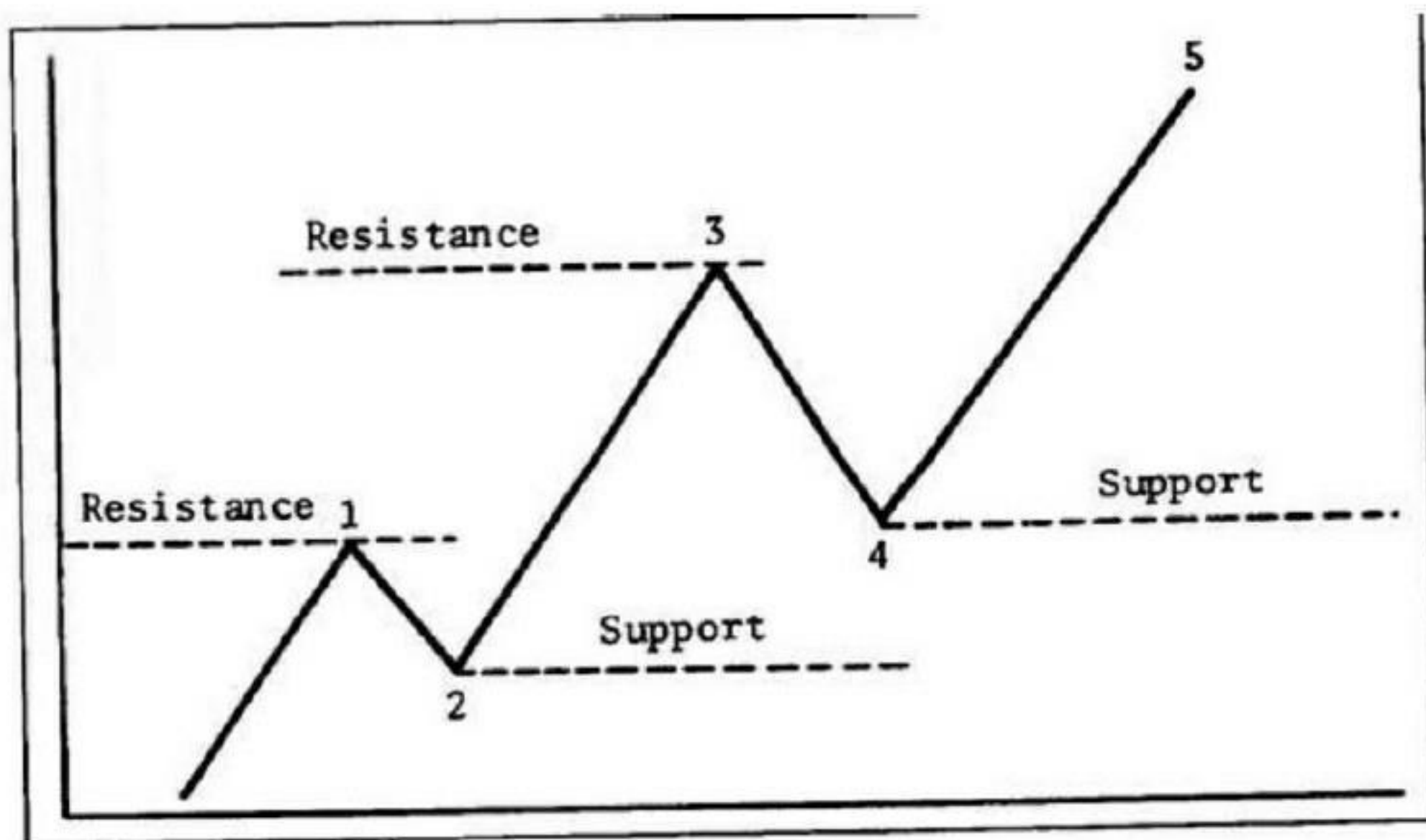
به عنوان یک بیانیه کلی، بیشتر رویکردهای زیر بر روند میانی متمرکز هستند که ممکن است ماه‌ها طول بکشد. روند بلندمدت در درجه اول برای اهداف زمان‌بندی استفاده می‌شود. در حد واسطه، عقب‌نشینی کوتاه‌مدت برای آغاز موقعیت‌های طولانی به کار می‌رود.

حمایت و مقاومت

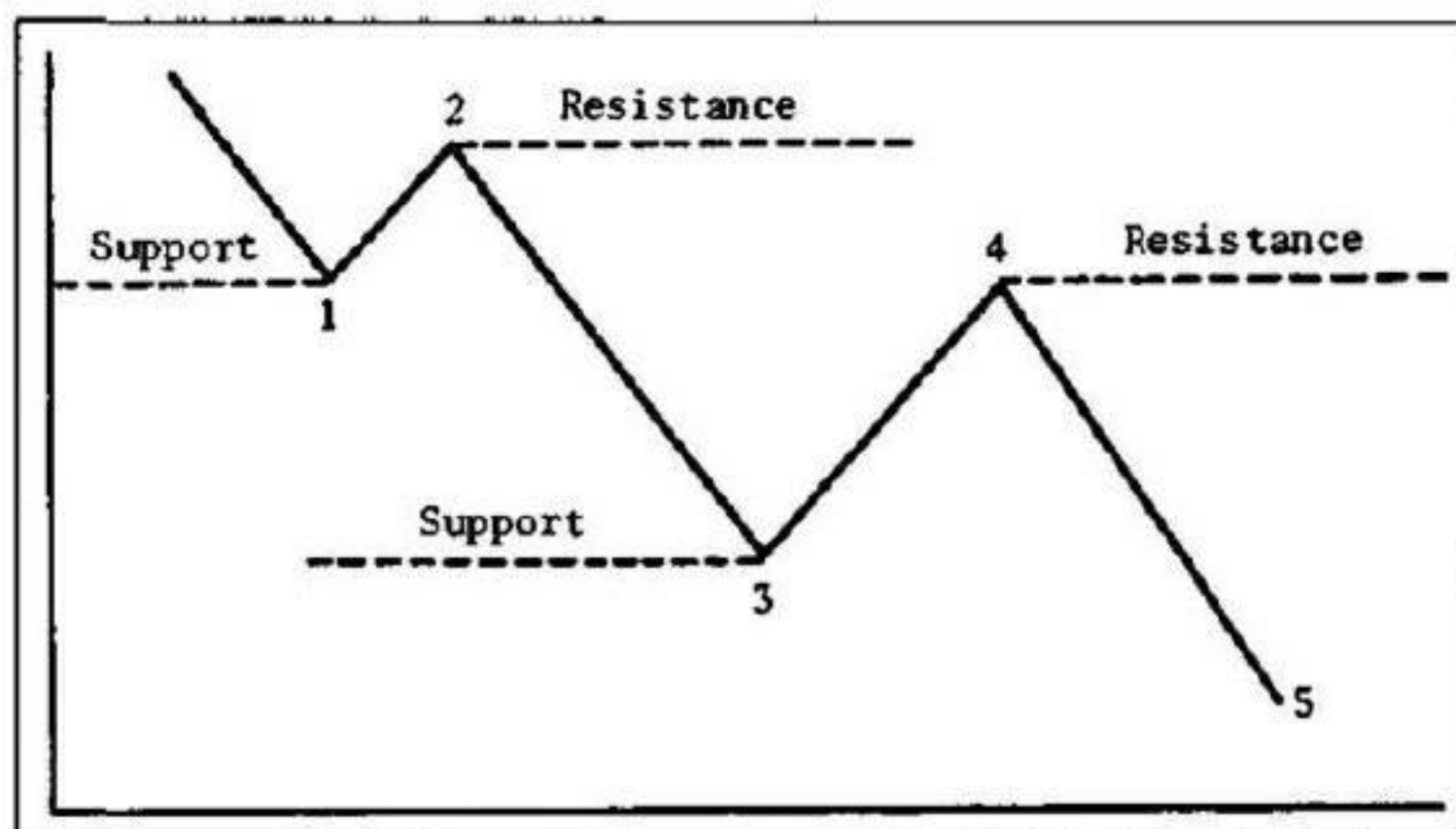
در بحث‌های پیشین این روند، بیان شد که قیمت‌ها در مجموعه‌ای از قله‌ها و troughs حرکت می‌کنند و مسیر آن قله‌ها و troughs روند بازار را تعیین می‌کند. Let's ها هم اکنون این قله‌ها را رها کرده و نام‌های مناسب خود را troughs و همزمان مفاهیم حمایت و مقاومت را معرفی می‌کنند.

این واژه " خود توضیحی " نامیده می‌شود و نشان می‌دهد که حمایت یک سطح یا سطح در نمودار زیر بازار است که در آن تمایل خرید به اندازه کافی قوی برای غلبه بر فشار فروش است. در نتیجه، کاهش متوقف می‌شود و قیمت‌ها باز می‌گردند. معمولاً سطح حمایتی قبل از واکنش قبلی مشخص می‌شود. در شکل ۵ - ۲، نقاط نشان داده می‌شوند. (شکل a و b را ببینید).

مقاومت برابر با پشتیبانی است و نشان‌دهنده سطح یا سطح قیمت در بازار است که در آن فشار فروش بر فشار خرید غلبه می‌کند و پیشرفت قیمت برگردانده می‌شود. معمولاً یک مقاومت



شکل ۳.۴ یک نمایش پشتیبانی از سطوح مقاومت و مقاومت در uptrend را نشان می‌دهد. نقاط ۲ و ۴ سطوح پشتیبانی هستند که معمولاً lows واکنش قبلی هستند. نقاط ۱ و ۳ سطوح مقاومت هستند که معمولاً با پیک‌های قبلی مشخص می‌شوند.



شکل ۳.۴ b پشتیبانی و مقاومت را در روند نزولی نشان می‌دهد.

سطح فاصله با پیک قبلی مشخص می‌شود. در شکل ۲ - ۵، نقاط حساس و مقاوم هستند. شکل a: نشان می‌دهد. علاوه بر این، سطوح پشتیبانی و مقاومت الگوی صعودی را نشان می‌دهند. شکل ۲ - ۲ یک روند نزولی را با فراز و فرود آمدن نشان می‌دهد. در روند نزولی، نقاطی که عبارتند از سطوح پشتیبانی زیر بازار و نقاط قوت و ضعف سطوح مقاومت در بازار هستند.

در یک uptrend، سطوح مقاومت نشان‌دهنده مکث در این uptrend هستند و معمولاً در برخی موارد از حد تجاوز می‌کنند. در یک روند نزولی، سطوح پشتیبانی برای متوقف کردن دائماً افت کافی نیستند، اما حداقل به طور موقت قادر به بررسی آن هستند.

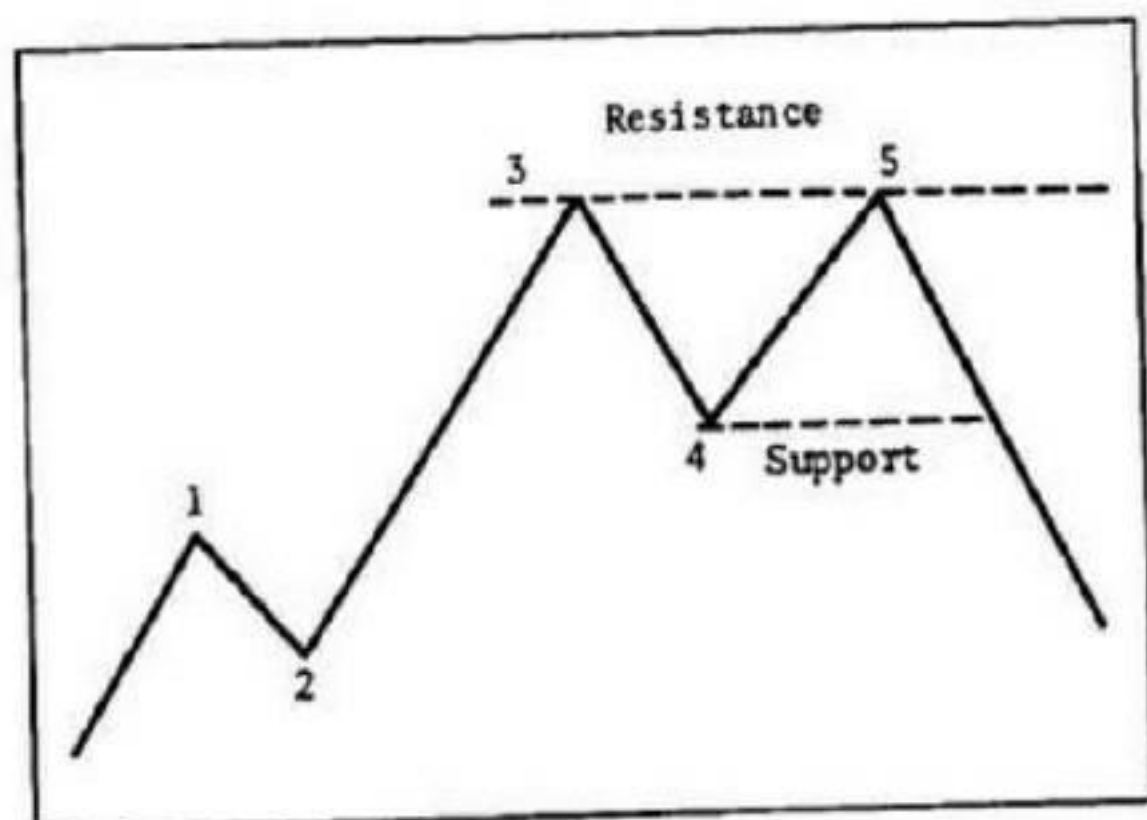
درک کامل مفاهیم حمایت و مقاومت برای درک کامل مفهوم روند ضروری است. برای ادامه، هر سطح پایین (سطح پشتیبانی) باید بالاتر از قبل باشد. هر تجمع بالاتر (سطح مقاومت) باید بالاتر از قبل باشد. اگر شیب اصلاحی در یک uptrend به پایین بیاید، ممکن است هشدار اولیه باشد که the حداقل می‌رسد یا حداقل از یک uptrend به یک روند جانبی حرکت می‌کند. اگر سطح پشتیبانی نقض شود، آنگاه روند برگشت از بالا به پایین محتمل است.

هر زمان اوج مقاومت قبلی مورد آزمایش قرار می‌گیرد، the در مرحله بحرانی ویژه‌ای قرار دارد. عدم موفقیت در افزایش پیک قبلی در یک uptrend یا توانایی قیمت‌ها برای بالا بردن حمایت قبلی پایین در روند نزولی، معمولاً اولین هشدار است که روند موجود در حال تغییر است. فصل‌های ۵ و ۶ بر روی الگوهای قیمت نشان می‌دهند که چگونه آزمون این پشتیبانی و سطوح مقاومت تصاویری را بر روی نمودارها شکل می‌دهند که یا روند روند پیشرفت را نشان می‌دهند یا صرفاً یک وقفه در روند موجود هستند. اما بلوک‌های سازنده پایه که آن الگوهای قیمت براساس آن هستند، پشتیبانی و سطوح مقاومت هستند.

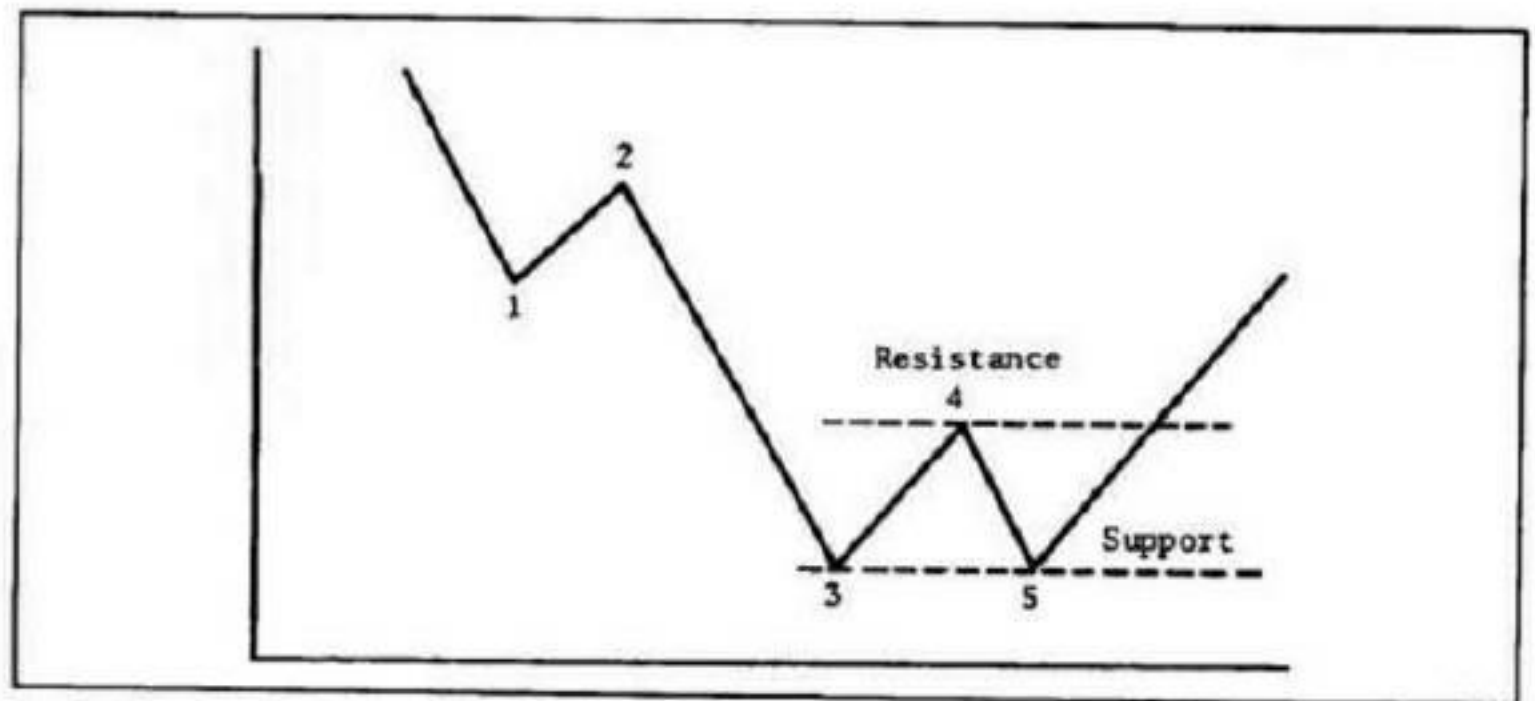
اشکال a - c نمونه‌هایی از یک روند کلاسیک معکوس هستند. توجه داشته باشید که در شکل ۲ - ۱۱ a نشان می‌دهد که در نقطه صفر قیمت قبل از پایین رفتن از نقطه اوج قبلی شکست خورد (نقطه صفر). این تغییر روند به سادگی با مشاهده سطوح پشتیبانی و مقاومت شناسایی شده‌است. در پوشش ما از الگوهای قیمتی، این نوع الگوی معکوس به عنوان یک بالا شناخته می‌شود.

چگونه سطوح مقاومت و مقاومت نقش‌ها را معکوس کنید:

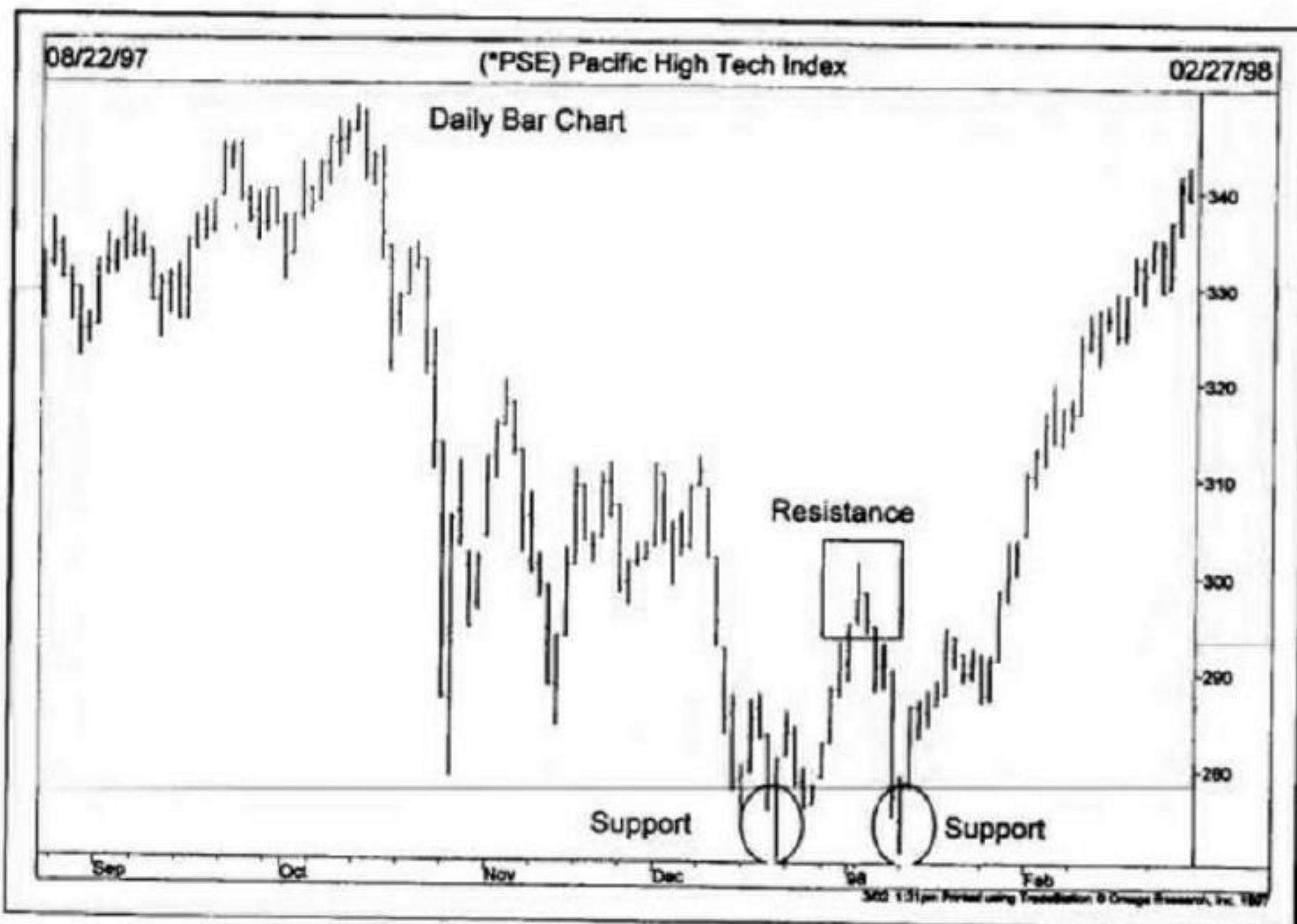
تا کنون، "حمایت" را به عنوان یک "مقاومت" پایین و "مقاومت" به عنوان یک "مقاومت" قبلی تعریف کرده‌ایم. با این حال، این همیشه مورد نیست. این امر ما را به یکی از جنبه‌های جالب‌تر و کمتر شناخته‌شده حمایت و مقاومت - آن‌ها هدایت می‌کند. هر زمان که یک پشتیبان



شکل ۴ - ۴ مثالی از برگشت روند را نشان می‌دهد. شکست قیمت‌ها در نقطه S باید از اوج قبلی در نقطه ۳ تجاوز کند و پس از آن تخطی نزولی از پایین پایین در نقطه ۴، یک معکوس روند نزولی را تشکیل می‌دهد. این نوع الگو دو برابر نامیده می‌شود.



شکل ۴ - ۴ b مثالی از الگوی برگشت پایین را نشان می‌دهد. معمولاً نشانه اول پایین، توانایی قیمت‌ها در نقطه ۵ تا بالا نگه داشتن در بالا در نقطه ۳ است. پایینی زمانی تایید می‌شود که پیک در ساعت ۴ مغلوب می‌شود.



شکل ۴ - ۴ - مثالی از برگشت پایین. در طول ژانویه سال ۱۹۹۸، قیمت support ماه دسامبر پایین آمد و از آن بالا رفت و یک سطح sup دوم را شکل داد. نفوذ وارونه قله مقاومت میانی یک uptrend جدید را نشان می‌دهد.

سطح مقاومت با مقدار قابل توجهی به دست می‌آید، آن‌ها نقش‌های خود را معکوس می‌کنند و برعکس می‌شوند. به عبارت دیگر، یک سطح مقاومت به یک سطح پشتیبانی تبدیل می‌شود و حمایت تبدیل می‌شود. برای درک این که چرا این اتفاق می‌افتد، شاید برای بحث در مورد برخی از روان‌شناسی در پشت ایجاد پشتیبانی و سطوح مقاومت مفید باشد.

روان‌شناسی حمایت و مقاومت:

برای نشان دادن، let's کنندگان بازار را به سه cate تقسیم می‌کند - gories the - the. شلوارک، و The uncommitted کسانی هستند که قراردادهای را خریداری کرده‌اند؛ شلوارک آن‌هایی هستند که خود را به فروش می‌رسانند؛ the کسانی هستند که یا از بازار خارج شده‌اند یا بدون تردید باقی مانده‌اند که کدام طرف باید وارد شود.

Let's فرض می‌کنند که بازار شروع به حرکت بالاتر از منطقه‌ای پشتیبانی می‌کند که در آن قیمت‌ها برای مدتی در نوسان بوده‌اند. The (آن‌هایی که نزدیک منطقه حمایت خریداری شده‌اند) خوشحال هستند، اما از خرید بیشتر متأسف هستند. اگر بازار مجدداً به این منطقه پشتیبان عقب‌نشینی کند، آن‌ها می‌توانند به موقعیت طولانی خود بیفزایند. این شلوارک اکنون درک می‌کند (یا به شدت مشکوک) که در سمت نادرستی از بازار قرار دارند. (چقدر بازار از آن منطقه پشتیبانی دور شده‌است تا حد زیادی بر این تصمیمات تأثیر خواهد گذاشت)، اما ما کمی بعد به آن نقطه خواهیم برگشت) شلوارک به امید اینکه بتوانند از بازار خارج شوند تا بتوانند از بازار بیرون بروند، جایی که آن‌ها در آن سوار شدند (حتی نقطه شکست آن‌ها).

کسانی که در حاشیه نشسته‌اند می‌توانند به دو گروه تقسیم شوند - کسانی که هرگز موقعیتی نداشته‌اند و آن‌هایی که به دلیل یک دلیل یا دلیل دیگری که قبلاً منحل شده‌اند پست‌های زیادی در منطقه پشتیبانی داشته باشند. البته گروه دوم از خود برای از بین بردن زودرس their عصبانی هستند و امیدوارند که شانس دیگری برای بازگرداندن آن‌ها به جایی که آن‌ها را فروخته‌اند، باشد.

گروه نهایی، وضعیت نامشخص، اکنون درک می‌کند که قیمت‌ها بالا می‌روند و تصمیم به ورود به بازار در کنار فرصت خرید خوب بعدی را دارند. هر چهار گروه تصمیم به خرید دیپ بعدی گرفتند. همه آن‌ها به صرف غذا علاقه زیادی دارند

فصل چهارم

__ ناحیه بندری در زیر بازار. طبیعتاً، اگر قیمت نزدیک به این حمایت کاهش یابد، خرید مجدد توسط هر چهار گروه تحقق خواهد یافت تا قیمت‌ها را بالا ببرد.

هر چه تجارت بیشتر در آن منطقه پشتیبانی رخ دهد، اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا شرکت کنندگان بیشتر علاقه خود را به آن حوزه دارند. مقدار تجارت در یک پشتیبانی یا منطقه مقاومت می‌تواند به سه طریق تعیین شود: میزان زمان صرف‌شده در آنجا، حجم، و چگونگی انجام معاملات.

هر چه مدت زمانی طولانی‌تر باشد که قیمت‌ها در یک منطقه حمایت یا مقاومت افزایش یابد، آن منطقه بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. به عنوان مثال، اگر قیمت کم‌تر از سه هفته در منطقه تراکم قبل از حرکت بالاتر باشد، این منطقه پشتیبانی مهم‌تر از آن خواهد بود که تنها سه روز معاملات رخ داده باشد.

حجم راه دیگری برای اندازه‌گیری اهمیت پشتیبانی و مقاومت است. اگر یک سطح حمایتی در حجم زیاد شکل بگیرد، این نشان می‌دهد که تعداد زیادی از واحدها دست به دست هم داده‌اند، و نشان می‌دهند که سطح پشتیبانی مهم‌تر از آن است که تجارت بسیار کوچک رخ داده‌است. نمودارهای نقطه‌ای و شکل که فعالیت‌های تجاری روزانه را اندازه‌گیری می‌کنند به خصوص در شناسایی این سطوح قیمت بسیار مفید هستند که در آن بیشتر معاملات رخ می‌دهند و در نتیجه، جایی که پشتیبانی و مقاومت به احتمال زیاد تابع آن هستند.

یک راه سوم برای تعیین اهمیت پشتیبانی یک منطقه مهم و مهم این است که چگونه این تجارت به تازگی رخ داده‌است. از آنجا که ما با واکنش تاجران به جنبش بازار و موقعیت‌هایی که پیش از این در نظر گرفته یا شکست‌خورده‌اند، روبرو هستیم، به همین دلیل است که هر چه فعالیت بیشتر باشد، هر چه بیشتر باشد، قوی‌تر می‌شود.

اکنون let's میزها را عوض می‌کنند و تصور می‌کنند که به جای آن که بالاتر بروند، قیمت‌ها پایین می‌آیند. در مثال قبلی، از آنجا که قیمت‌ها پیش رفتند، واکنش ترکیبی شرکت کنندگان در بازار باعث شد که هر واکنش منفی با خرید بیشتر مواجه شود (در نتیجه پشتیبانی جدید ایجاد شود). با این حال، اگر قیمت‌ها شروع به افت و حرکت زیر منطقه حمایت قبلی کنند، واکنش درست برعکس می‌شود. همه آن‌هایی که در منطقه حمایت خریداری شده‌اند حالا می‌دانند که اشتباه کرده‌اند. برای دلالتان پیش‌خرید، دلالتان آن‌ها در حال حاضر دیوانه‌وار درخواست پول بیشتری می‌کنند.

به دلیل ماهیت بسیار اهرمی معاملات آتی، تجار نمی‌توانند مدت زیادی با زیان کنار بیایند. آن‌ها باید پول حاشیه اضافی را کنار بگذارند و یا مواضع خود را از دست بدهند.

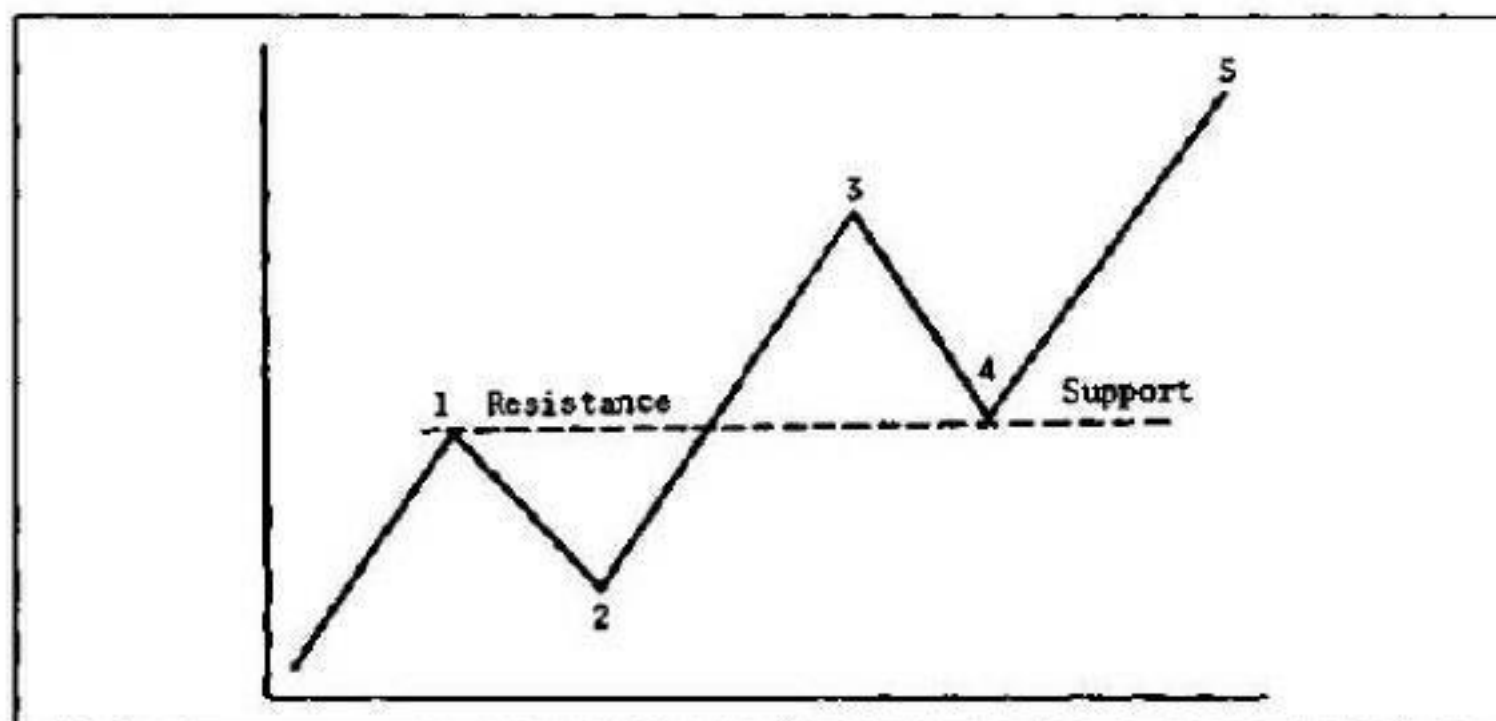
چیزی که حمایت قبلی را در وهله اول ایجاد کرد، برتری سفارشات خرید در بازار بود. با این حال، اکنون همه سفارشات خرید قبلی در بازار سفارشات به بازار را به فروش رسانده‌اند. حمایت تبدیل شده‌است. و مهم‌تر اینکه منطقه حمایت قبلی - یعنی، هرچه جدیدتر و and که در آنجا رخ می‌دهد - به عنوان یک منطقه مقاومت تبدیل می‌شود - - - - -

----- تمام عواملی که پشتیبانی از سه دسته از شرکت کنندگان را ایجاد می‌کنند - the، شلوارک، و the - اکنون برای قرار دادن سقفی بالای قیمت‌ها یا bounces بعدی عملکرد خواهند داشت.

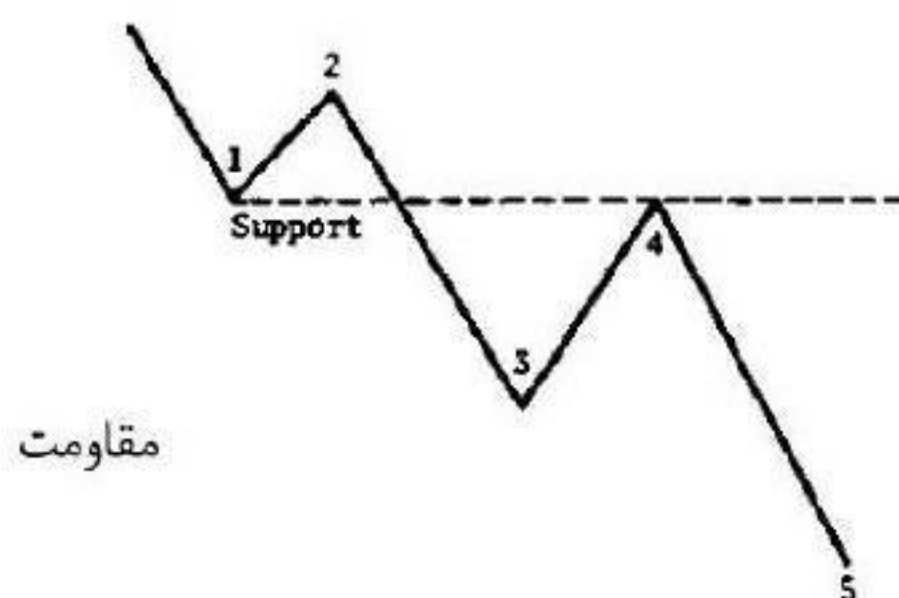
زمانی برای مکث و تامل در مورد اینکه چرا الگوهای قیمتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند و مفاهیمی مانند پشتیبانی و مقاومت در واقع کار می‌کنند، مفید است. این به این خاطر نیست که بعضی از جادو تولید شده توسط نمودارها یا خطوط ترسیم‌شده بر روی آن نمودارها. این الگوها کار می‌کنند چون تصویری از آنچه شرکت کنندگان بازار در واقع انجام می‌دهند ارائه می‌دهند و ما را قادر می‌سازند تا واکنش‌های خود را به رویدادهای بازار مشخص کنیم. تحلیل نمودار در واقع مطالعه روانشناسی انسانی و واکنش تجار به تغییر شرایط بازار است. متأسفانه، چون ما در دنیای پرسرعت بازارهای مالی زندگی می‌کنیم، تمایل داریم به شدت به اصطلاحات چارت و عبارات میان‌بر اتکا کنیم که نیروهای زیربنایی را که تصاویر را در رتبه اول ایجاد کرده‌اند، نادیده می‌گیرند. دلایل روان‌شناختی صدا وجود دارد که چرا سطوح پشتیبانی و مقاومت را میتوان در نمودارهای قیمت شناسایی کرد و اینکه چرا آن‌ها می‌توانند برای کمک به پیش‌بینی حرکت‌های بازار استفاده شوند.

حمایت از مقاومت و Vice: درجه نفوذ

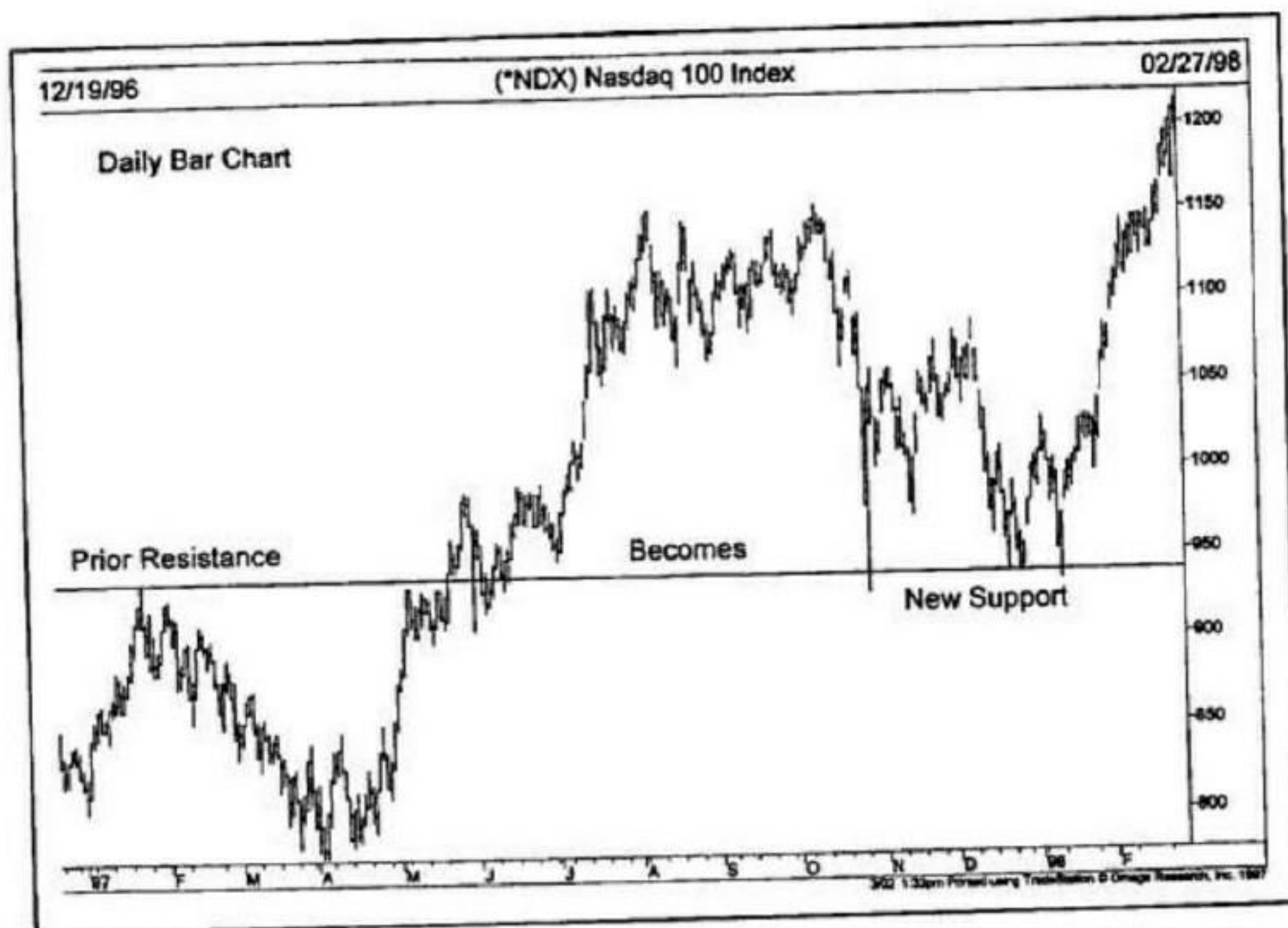
یک سطح حمایتی، که با حاشیه قابل توجه نفوذ می‌کند، به یک سطح مقاومت تبدیل می‌شود و بالعکس. شکل‌های ۵.۴ a - c شبیه شکل‌های ۳.۴ a و b هستند اما دارای یک پالایش اضافی هستند. توجه داشته باشید که با افزایش قیمت‌ها در شکل ۵.۴ یک واکنش در نقطه ۴ در نقطه اوج در نقطه ۱ متوقف می‌شود. آن پیک قبلی در نقطه ۱ یک سطح مقاومت بود. ولی وقتی که به طور قطعی به آن وارد شد،



شکل ۵.۴ a در یک سطح مقاومت سطحی که با یک حاشیه قابل توجه شکسته شده است، به سطوح پشتیبانی تبدیل شده است. توجه داشته باشید که زمانی که مقاومت در نقطه ۱ افزایش یافت، از نقطه ۴ پشتیبانی می‌کند. peaks قبلی به عنوان sup - پورت بر روی اصلاحات بعدی عمل می‌کند.



شکل ۵.۴ b در یک روند نزولی، سطوح پشتیبانی شده به سطوح مقاومت در مورد bounces بعدی تبدیل شده است. توجه کنید که چگونه حمایت قبلی در نقطه ۱ در نقطه ۴ مقاومت شد.



شکل ۵.۴ reversal c در بازی. هنگامی که اوج مقاومت سال ۱۹۹۷ شکسته شد، نقش‌های معکوس برای تبدیل شدن به یک سطح حمایتی معکوس شد. یک سال بعد، کاهش قیمت میان میانجیگری درست در اوج مقاومت قبلی که به حمایت جدید تبدیل شده بود، یافت شد.

موج سوم، که اوج مقاومت پیشین به یک سطح پشتیبانی تبدیل شد. همه فروش قبلی نزدیک موج اول (ایجاد سطح مقاومت) اکنون در حال خرید در بازار است. در شکل ۵.۴، نشان دادن قیمت رو به کاهش، نقطه ۱ (که در سطح حمایت قبلی زیر بازار بوده است) اکنون به یک سطح مقاومت بالای بازار تبدیل شده است که به عنوان یک سقف در نقطه ۴ عمل می‌کند.

قبلاً ذکر شد که قیمت دور از پشتیبانی یا مقاومت، اهمیت این حمایت یا مقاومت را افزایش می‌دهد. این امر به خصوص زمانی درست است که سطوح مقاومت و مقاومت نفوذ کرده و نقش‌های معکوس داشته باشند. به عنوان مثال، بیان شد که حمایت و مقاومت سطوح را فقط بعد از نفوذ قابل توجه تغییر می‌دهند. اما چه چیزی قابل توجه است؟ در اینجا کمی ذهنیت در این مورد وجود دارد که آیا یک نفوذ قابل توجه است یا خیر. به عنوان یک معیار، برخی

chartists از نفوذ ۳٪ به عنوان یک معیار استفاده می‌کنند، به خصوص برای سطوح مقاومت و مقاومت عمده. پشتیبانی کوتاه‌مدت و مناطق مقاومت احتمالاً به تعداد بسیار کمتری نیاز دارند، مانند ۱٪. در واقع، هر تحلیل‌گر باید برای خود یا خودش تصمیم بگیرد که چه چیزی نفوذ قابل‌توجهی دارد. با این حال، مهم است که به خاطر داشته باشید که پشتیبانی و مناطق مقاومتی تنها زمانی نقش معکوس را ایفا می‌کنند که بازار به اندازه کافی دور شود تا شرکت‌کنندگان بازار را متقاعد کند که مرتکب اشتباه شده‌اند. هرچه جلوتر برود، هرچه بیشتر حرکت کند، بیشتر متقاعد می‌شود.

اهمیت اعداد گرد به عنوان حمایت و مقاومت

تمایل به اعداد گرد برای توقف پیشرفت یا کاهش وجود دارد. تاجر تمایل به فکر کردن از نظر اعداد گرد مهم دارند، از جمله: ۱. بنابراین این اعداد دور اغلب به عنوان سطوح حمایت روانی یا مقاومت عمل می‌کنند. یک تاجر می‌تواند از این اطلاعات برای شروع سود به عنوان یک عدد round مهم استفاده کند.

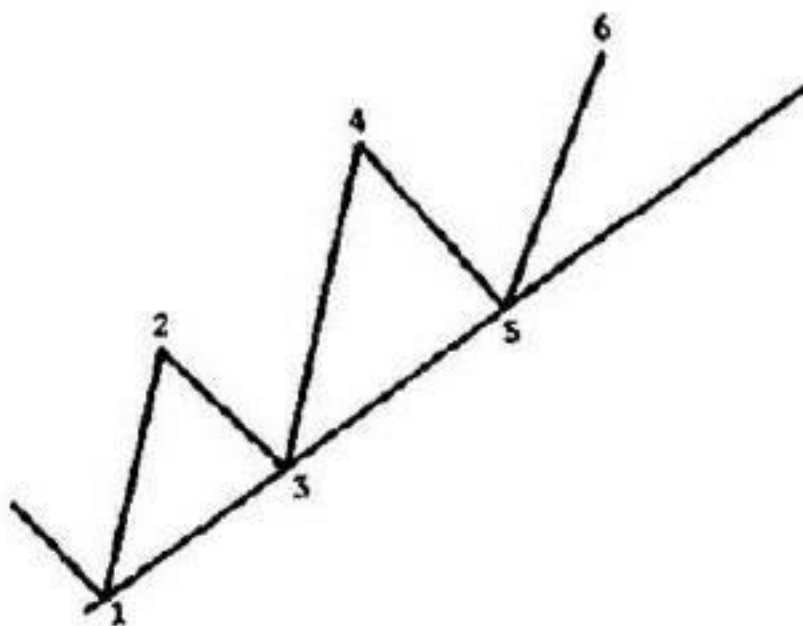
بازار طلا نمونه‌ای عالی از این پدیده است. بازار خرس ۱۹۸۲ در سال ۱۹۸۲ تقریباً ۳۰۰ دلار بود. پس از آن بازار بیش از ۵۰۰ دلار در ربع اول سال ۱۹۸۳ پیش از اینکه به ۴۰۰ دلار سقوط کند، جمع شد. یک رالی طلایی در سال ۱۹۸۷ دوباره ۵۰۰ دلار متوقف شد. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷، طلا در هر تلاشی برای شکستن ۴۰۰ دلار شکست خورد. میانگین صنعتی داو جونز یک روند به stall در مضر ۱۰۰۰ نشان داده‌است.

یکی از کاربردهای تجاری این اصل، اجتناب از قرار دادن سفارشات تجاری در این اعداد گرد واضح است. به عنوان مثال، اگر تاجر در تلاش برای خرید یک شیب بازار کوتاه در یک uptrend باشد، منطقی است که سفارشات را درست بالای یک عدد دور مهم انجام دهد. از آنجا که دیگران سعی دارند بازار را با شماره دور خریداری کنند، ممکن است بازار هرگز به آنجا نرسد. تاجرانی که به دنبال فروش در یک بازتاب هستند باید سفارشات را فقط پایین‌تر از اعداد به فروش برسانند. این عکس زمانی درست خواهد بود که در موقعیت فعلی توقف کنید. به عنوان یک قاعده کلی، از قرار دادن توقف محافظ در اعداد گرد واضح اجتناب کنید.

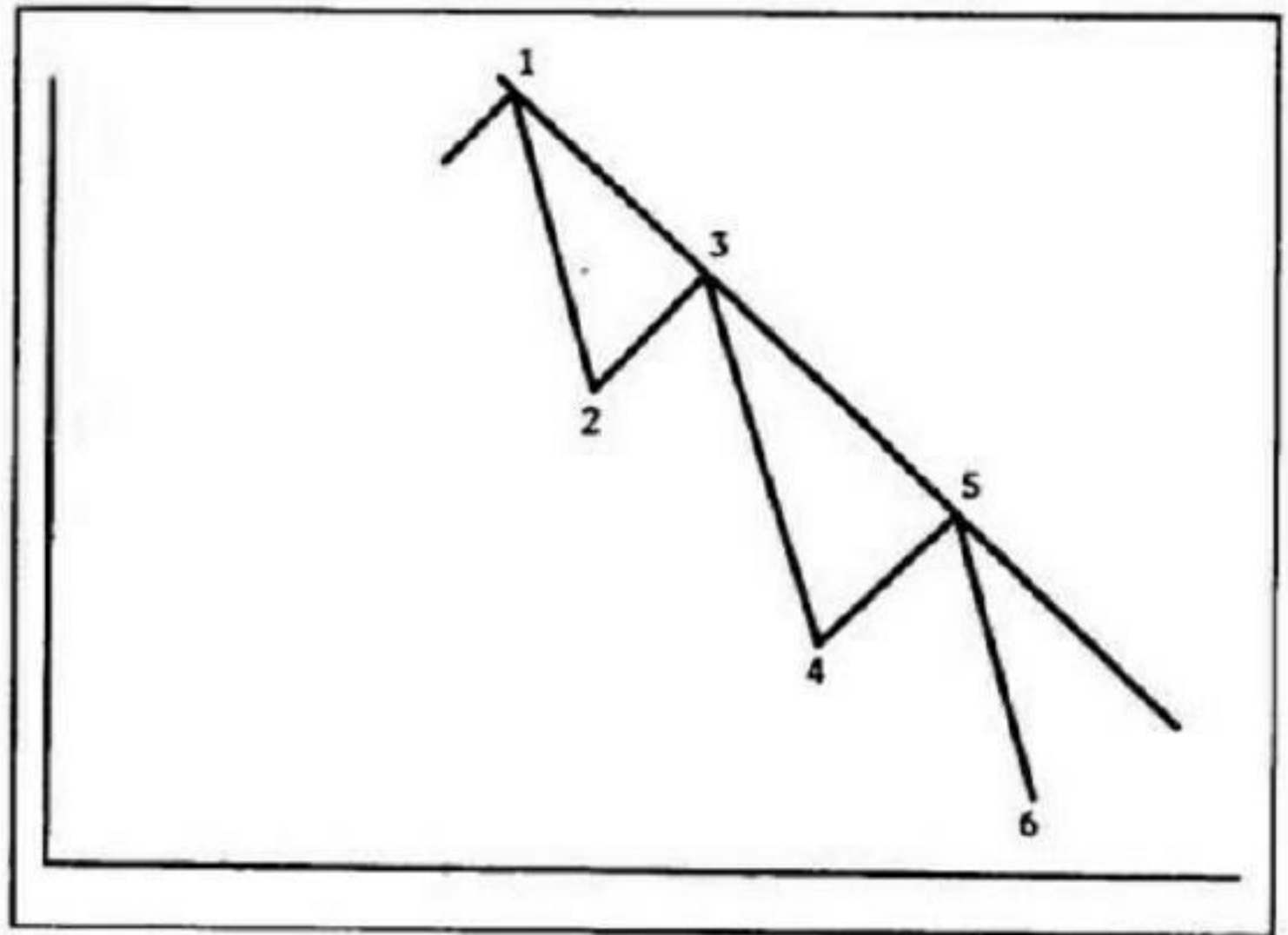
به عبارت دیگر، توقف‌های حمایتی در موقعیت‌های طولانی باید در پایین اعداد و در موقعیت‌های کوتاه، بالاتر از این اعداد قرار گیرند. تمایل به بازارها برای احترام به اعداد و به خصوص تعداد بسیار مهمی که پیش از این به آن اشاره شده بود، یکی از ویژگی‌های خاص بازار است که می‌تواند بسیار مفید باشد و باید توسط تاجر از لحاظ تکنیکال در نظر گرفته شود.

TRENDLINES

اکنون که پشتیبانی و مقاومت را درک می‌کنیم، let's یک بلوک ساختمانی دیگر را به ابزار تکنیکال ما اضافه می‌کند - خط روند. خط روند اولیه یکی از ساده‌ترین ابزار تکنیکال بکار گرفته شده توسط the است، اما یکی از ارزشمندترین ابزار تکنیکال است. خط روند صعودی یک خط مستقیم است که به سمت راست به سمت راست در امتداد سطوح واکنش متوالی کشیده می‌شود، همانطور که در شکل ۶.۴ نشان داده شده است. خط روند پایین به سمت راست در امتداد قله‌ها پس از تجمع متوالی کشیده شده که در شکل ۶ - ۶ b نشان داده شده است.



شکل ۶، ۴
مثال یک روند رو به بالا. خط روند بالاتر در زیر سطح واکنش در حال بالا کشیده می‌شود. خط روند tenta، ابتدا تحت دو succes بالاتر (نقاط ۱ و ۳) کشیده می‌شود، اما نیاز به یک تست سوم برای تأیید اعتبار خط روند (نقطه ۵) دارد.



شکل ۴ - ۶ b یک روند نزولی کشیده شده است بالای **the - sively rally** پایین تر. خط روند ده - به دو نقطه نیاز دارد (۱ و ۳) باید کشیده شود و یک تست سوم (۵) برای تایید اعتبار آن.



شکل ۴-۶- نمودار خط روند بلند مدت در کار. خط روند بالا به سمت بالا کشیده شد و سمت راست در طول دو پایین واکنش نشان داد (فلش‌ها را ببینید). سومین پایین در شروع پرواز، درست از روند رو به رشد بالا رفت و بدین وسیله پرنده را دست‌نخورده نگه داشت.

نقاشی یک trendline

نقاشی صحیح of بسیار شبیه به هر جنبه از کشیدن آن است و برخی آزمایش با خطوط مختلف معمولاً برای یافتن راه حل صحیح ضروری است. گاهی یک خط روند که به نظر صحیح می‌رسد ممکن است مجدداً ترسیم شود. اما دستورالعمل‌های مفیدی در جستجو برای این خط درست وجود دارد.

اول از همه، باید مدرکی دال بر یک روند وجود داشته باشد. این به این معنی است که، برای یک خط روند بالاتر که باید کشیده شود، باید حداقل دو واکنش با کمی بالاتر از اولی وجود داشته باشد. البته، همیشه دو نقطه برای کشیدن خط مستقیم طول می‌کشد. به عنوان مثال، در شکل ۶.۴ یک، تنها بعد از اینکه قیمت‌ها شروع به بالاتر از نقطه ۳ کرده‌اند، chartist به طور منطقی مطمئن است که یک واکنش پایین شکل گرفته‌است، و تنها بعد می‌تواند خط روند آزمایشی را تحت نکات ۱ و ۳ تنظیم کند.

برخی از chartists نیاز دارند که پیک در نقطه ۲ برای تایید the قبل از کشیدن خط روند نفوذ کند. بقیه فقط نیاز به یک موج ۵۰ درصدی موج ۲ - ۳ دارند، یا این که قیمت‌ها به بالای موج ۲ نزدیک می‌شوند. در حالی که این معیارها ممکن است متفاوت باشند، نکته اصلی که باید به خاطر داشته باشید این است که the می‌خواهد به طور منطقی اطمینان حاصل کند که واکنش کمی قبل از شناسایی یک واکنش معتبر شکل گرفته است. هنگامی که دو lows صعودی شناسایی شدند، یک خط مستقیم به پایین کشیده می‌شود و به سمت راست و به سمت راست کشیده می‌شود.

Tentative در مقابل the مجاز

تا کنون، تنها چیزی که ما داریم خط روند آزمایشی است. به منظور تایید اعتبار خط روند، با این حال، این خط باید برای سومین بار با قیمت‌های بالا از آن تماس گرفته شود. بنابراین، در شکل ۶.۴ یک، آزمون موفق خط روند صعودی در نقطه ۵ اعتبار این خط را تایید کرد. شکل ۶ - ۶ b یک روند نزولی را نشان می‌دهد، اما قوانین مشابه هستند. آزمون موفق خط روند در مرحله ۵ روی می‌دهد. به طور خلاصه، دو نقطه لازم است که خط روند را ترسیم کرده، و یک نکته سوم که آن را یک خط روند معتبر می‌سازد.

چگونه از خط روند استفاده کنیم

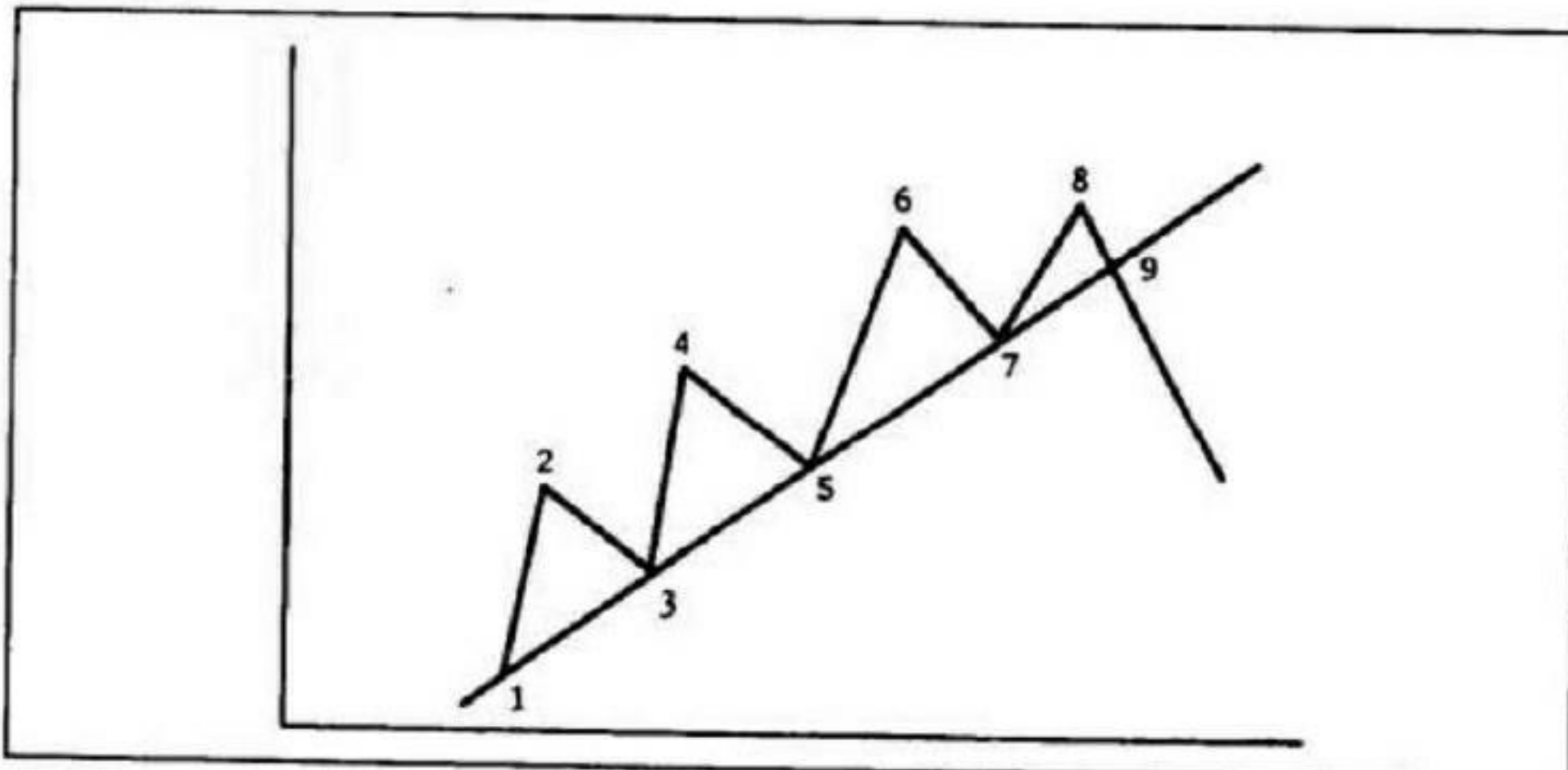
هنگامی که نقطه سوم تایید شد و روند در مسیر اصلی خود ادامه می‌یابد، خط روند در a بسیار مفید خواهد شد.

فصل ۴

روش‌های گوناگون. یکی از مفاهیم بنیادی این روند این است که روند به حرکت در حرکت باقی خواهد ماند. به عنوان استنباطی از آن، زمانی که یک روند یک شیب یا نرخ خاص را فرض می‌کند، همانطور که در خط روند شناسایی شد، معمولاً همان شیب را حفظ خواهد کرد. خط روند سپس نه تنها به تعیین مراحل مراحل اصلاحی کمک می‌کند، بلکه شاید مهم‌تر از آن وقتی که این روند در حال تغییر است به ما می‌گوید.

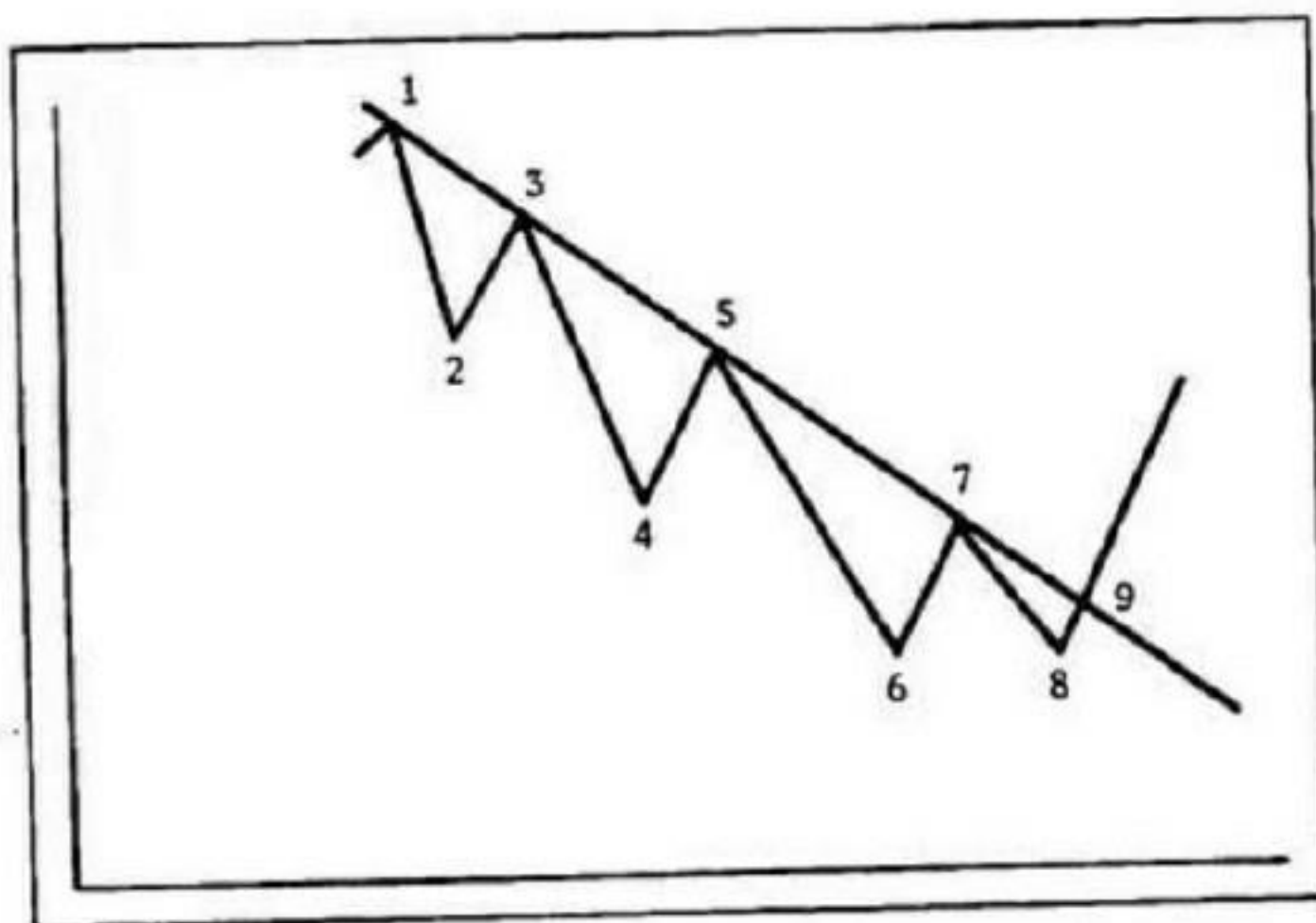
برای مثال، در یک uptrend، شیب اصلاحی اجتناب‌ناپذیر اغلب به خط روند نزدیک یا نزدیک خواهد رسید. از آنجا که هدف این تاجر خرید dips در an است، خط روند یک مرز حمایتی را در زیر بازار فراهم می‌کند که می‌تواند به عنوان یک منطقه خرید به کار رود. خط روند پایین می‌تواند به عنوان یک ناحیه مقاومت برای اهداف فروش مورد استفاده قرار گیرد. (شکل ۷.۴ a و b را ببینید).

تا زمانی که خط روند نقض نشود، می‌توان از آن برای تعیین خرید و فروش مناطق استفاده کرد. با این حال، در مرحله ۹ در شکل‌های ۷ - ۴، نقض خط روند یک تغییر روند را نشان می‌دهد و خواستار از بین رفتن همه موقعیت‌ها در جهت روند قبلی می‌شود. اغلب، شکستن خط روند یکی از بهترین هشدارها در روند تغییر در روند است.



شکل ۴ - ۱۱ - زمانی که خط روند راه‌اندازی شده‌است، شیب بعدی نزدیک خط می‌تواند به عنوان مناطق خرید استفاده شود. نکاتی که در این مثال مورد استفاده قرار می‌گیرند ممکن است برای آرزوی جدید یا اضافی مورد استفاده

قرار گیرند. شکست خط روند در نقطه آغازین برای انحلال همه آرزو با علامت
دهی یک روند نزولی معکوس نامیده می‌شود.



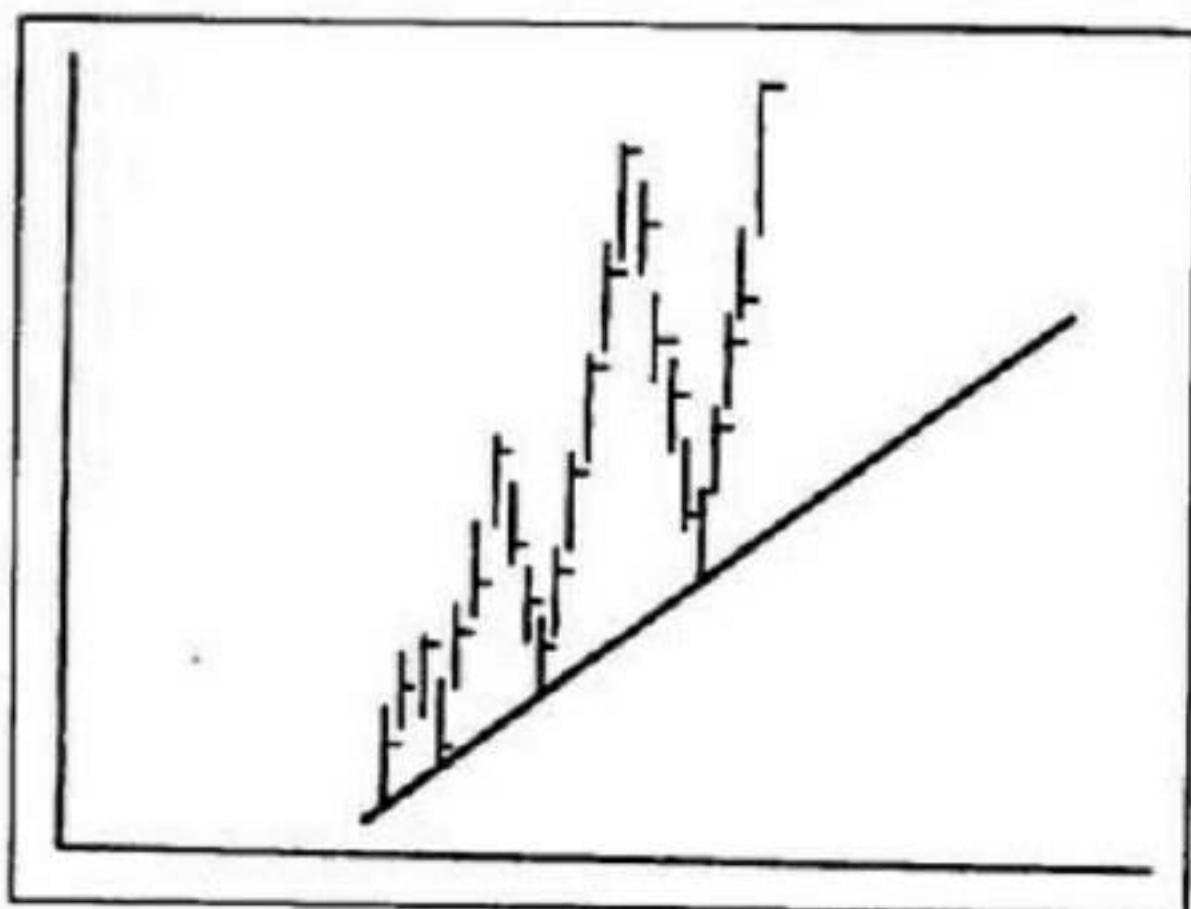
شکل ۴،۷ امتیاز ۵ و ۷ را میتوان به عنوان مناطق فروش مورد استفاده قرار داد. شکستن خط روند در نقطه ۹ یک معکوس روند
معکوس را نشان می‌دهد.

چگونه اهمیت یک trendline را مشخص کنیم

Let's برخی از the روند خط روند را مورد بحث قرار می‌دهند. اول، چه چیزی اهمیت خط روند را مشخص می‌کند؟ پاسخ به این سوال دوگانه است - مدت زمانی که سالم بوده و تعداد دفعاتی که امتحان شده‌است، مورد آزمایش قرار گرفته‌است. خط روند که به طور پیوسته هشت بار مورد آزمایش قرار گرفته‌است، به عنوان مثال، که پیوسته اعتبار خود را به اثبات می‌رساند، واضح است که خط روند بسیار قابل توجه تری نسبت به چیزی است که تنها سه بار به دست آمده‌است. همچنین، خط روند که به مدت نه ماه اجرا شده‌است از اهمیت بیشتری برخوردار است نسبت به آنچه که به مدت نه هفته یا نه روز در حال اجرا بوده‌است. هر چه روند روند بیشتر باشد، اعتماد به نفس بیشتر و مهم‌تر نفوذ آن است.

trendlines باید تمام اقدام به عمل را شامل شود

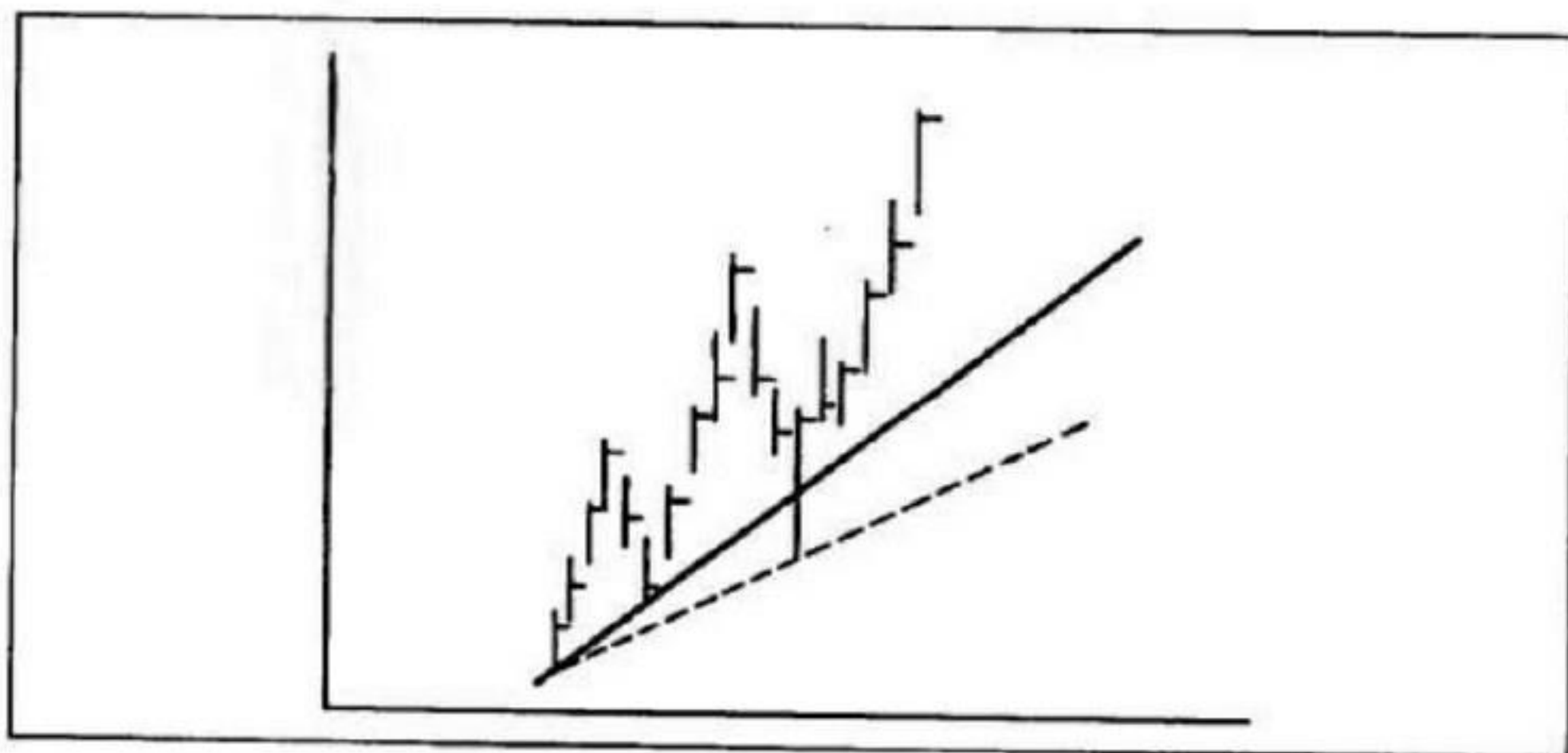
نمودارهای میله‌ای در جداول بار باید به صورت کامل یا زیر مجموعه کامل قیمت day's)) کشیده شوند. برخی chartists ترجیح می‌دهند خط روند را با اتصال تنها قیمت‌های بسته، ترسیم کنند، اما این روش استاندارد تری نیست. قیمت بسته ممکن است مهم‌ترین قیمت روز باشد، اما هنوز تنها یک نمونه کوچک از آن فعالیت day's را نشان می‌دهد. تکنیکی که شامل دامنه قیمت day's می‌شود تمام فعالیت‌ها را در نظر می‌گیرد و کاربرد رایجی است. (مراجعه به شکل ۴.۸)



شکل ۸.۴ طرح صحیح
خط روند باید شامل کل
محدوده تجاری day's
باشد.

چگونه trendline trendline کوچک را بررسی کنیم؟

گاهی اوقات قیمت‌ها یک خط روند بر روی یک مبنای روزانه را نقض می‌کنند، اما سپس به جهت روند اصلی نزدیک می‌شوند و تحلیلگر را در برخی تردید به جای اینکه خط روند واقعاً شکسته باشد، ترک می‌کنند. شکل ۴.۹ نشان می‌دهد که چگونه چنین وضعیتی ممکن است به نظر برسد. قیمت‌ها در طول روز زیر خط روند افت کردند، اما در بالای خط روند بالاتر بسته شدند. آیا خط روند مجدداً ترسیم شود؟



شکل ۹.۴ برخی اوقات یک نقض روزی یک خط روند، chartist را در شک ترک خواهد کرد تا اینکه آیا خط روند اصلی هنوز معتبر است یا اگر یک خط جدید باید کشیده شود. یک مصالحه، حفظ خط روند اصلی است، اما یک خط نقطه چین جدید بکشید تا زمانی که بهتر شود که این خط حقیقی تر باشد.

متأسفانه، هیچ قانون سخت و سریعی برای پی‌گیری چنین موقعیتی وجود ندارد. گاهی اوقات بهتر است که این نقض فرعی را نادیده بگیریم، به خصوص اگر اقدام بازار بعدی ثابت کند که خط اصلی هنوز معتبر است.

چه چیزی یک شکست معتبر خط روند را می‌سازد؟

به عنوان یک قاعده کلی، یک نزدیک به خط روند بیش از یک نفوذ روزانه قابل توجه است. فراتر رفتن از یک گام، گاهی اوقات حتی یک نفوذ محدود کافی نیست. اکثر technicians در تلاش برای مجزا کردن نفوذهای خط روند معتبر و حذف سیگنال‌های بد و یا "whipsaws" از انواع مختلف زمان و قیمت استفاده می‌کنند. یک مثال از یک فیلتر قیمت، معیار نفوذ ۳ درصد است. این فیلتر قیمت به طور عمده برای شکستن دوره تناوب کوتاه‌مدت استفاده می‌شود، اما نیاز دارد که خط روند در یک پایه بسته، با حداقل ۳٪ شکسته شود. (قانون ۳٪ rule برای برخی از futures مالی مانند بازارهای نرخ سود بکار می‌رود). برای مثال، اگر قیمت طلا یک خط روند بزرگ اصلی را شکست دهد ۴۰۰ دلار، قیمت باید زیر این خط تا ۳٪ از سطح قیمت که در آن خط شکسته است (در این مورد قیمت باید ۱۲ دلار زیر خط روند، یا در ۳۸۸ میلیون دلار) بسته شود. بدیهی است که یک معیار نفوذ ۱۲ دلاری برای مبادله کوتاه‌مدت مناسب نیست. شاید یک معیار ۱٪ در چنین مواردی بهتر عمل کند. قانون ۱٪ تنها یک نوع فیلتر قیمت را نشان می‌دهد. برای مثال، chartists استاک ممکن است نیازمند نفوذ کامل نقطه و نادیده گرفتن حرکات کسری باشد. در استفاده از هر نوع فیلتر tradeoff وجود دارد. اگر فیلتر خیلی کوچک باشد، می‌تواند در کاهش تاثیر of بسیار مفید باشد. اگر it's خیلی بزرگ باشد، قبل از این که یک سیگنال معتبر داده شود، مقدار زیادی از حرکت اولیه از دست خواهد رفت. در اینجا، تاجر باید مشخص کند که نوع فیلتر برای درجه روند به بهترین نحو مناسب است، همیشه در حال ایجاد کمک‌هزینه برای تفاوت در بازارهای افراد است.

یک جایگزین برای یک فیلتر قیمت (مستلزم آن است که خط روند با چند افزایش قیمت از پیش تعیین‌شده و یا مقدار درصد) یک فیلتر زمان باشد. یک فیلتر زمان مشترک قانون دو روزه است. به عبارت دیگر، برای داشتن یک شکست معتبر یک خط روند، قیمت‌ها باید فراتر از خط روند برای دو روز متوالی نزدیک شوند. برای شکستن

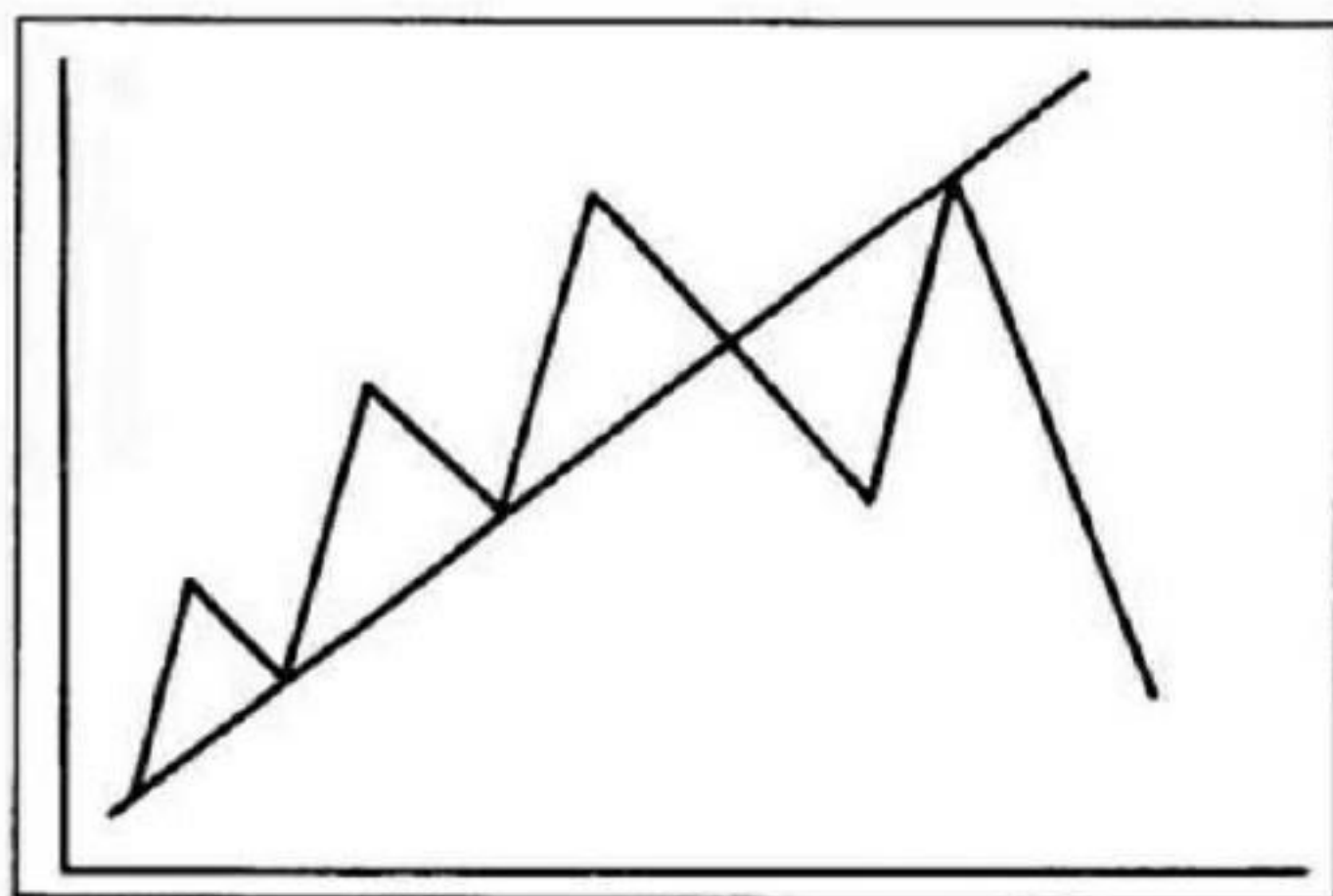
بنابراین، خط روند صعودی، بنابراین، قیمت‌ها باید زیر خط روند دو روز در یک ردیف بسته شوند. نقض یک روز به حساب نمی‌آید. قانون ۱ - ۳٪ و قانون دو روزه همچنین برای شکستن حمایت مهم و سطوح مقاومت به کار گرفته می‌شوند، نه فقط برای یک روند بزرگ. فیلتر دیگر نیاز به جمعه نزدیک نقطه شکست اصلی برای اطمینان از سیگنال هفتگی دارد.

چگونه نقش‌ها را معکوس کنیم

قبل از این ذکر شد که سطوح پشتیبانی و مقاومت در مقابل تجاوز قرار گرفتند. همین اصل در مورد trendlines صادق است. (به شکل‌های ۱۱ - ۴ مراجعه کنید) به عبارت دیگر، خط روند بالا (خط پشتیبانی) معمولاً به یک خط مقاومت تبدیل می‌شود که به طور قطعی شکسته شود. خط روند پایین (یک خط مقاومت) اغلب به یک خط پشتیبانی تبدیل خواهد شد که به طور قطعی شکسته شود. به همین دلیل است که it's معمولاً ایده خوبی برای پروژه کردن تمام trendlines تا جایی که ممکن است، حتی پس از شکسته شدن آن‌ها. تعجب‌آور اینکه اغلب trendlines قدیمی به عنوان پشتیبان و خطوط مقاومت در آتی عمل می‌کنند، اما در نقش مخالف.

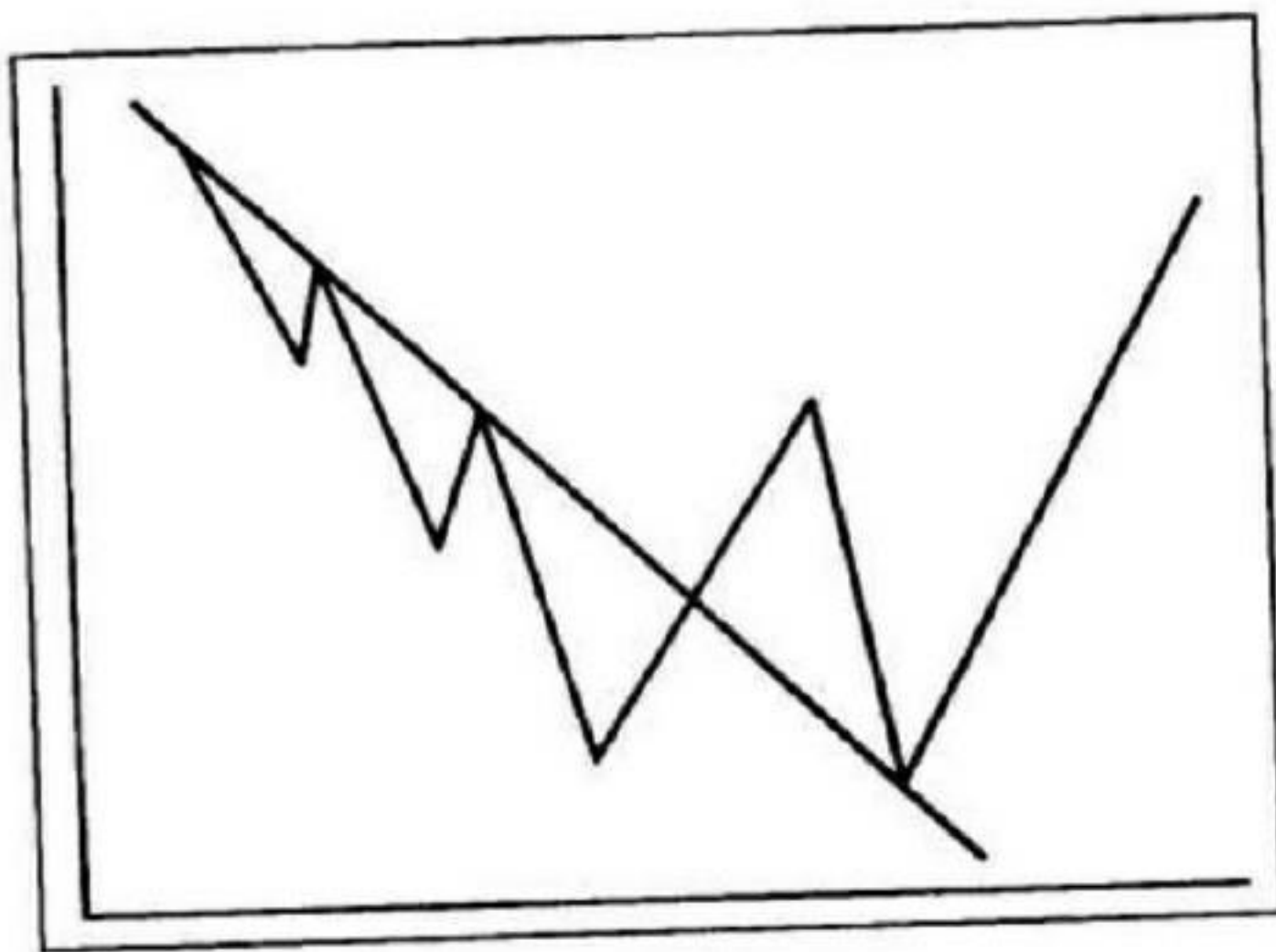
اندازه‌گیری مفاهیم ضمنی trendlines

trendlines می‌تواند برای کمک به تعیین اهداف قیمت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ما چیزهای زیادی برای گفتن درباره اهداف قیمت در دو نفر بعدی خواهیم داشت -

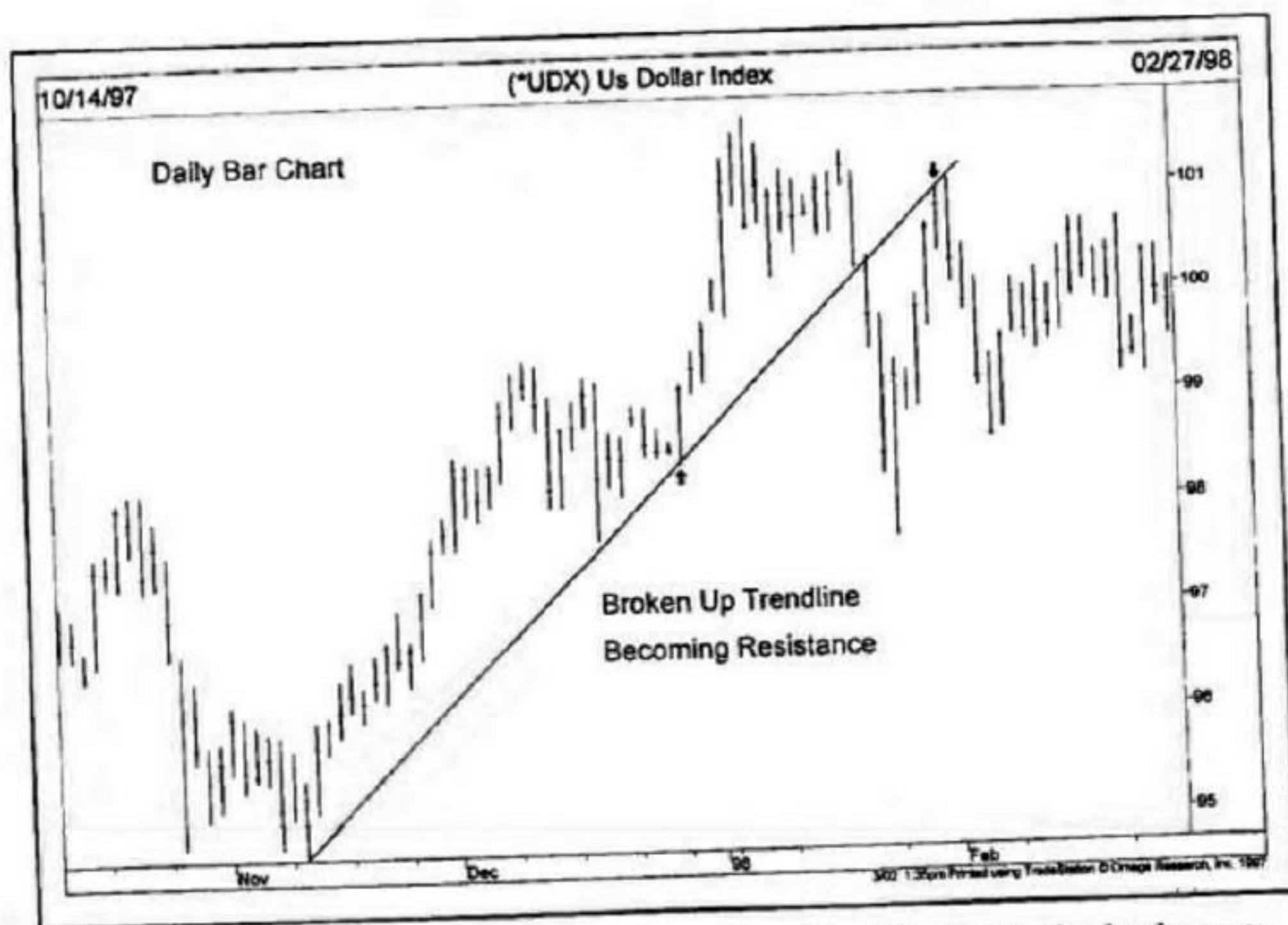


شکل ۱۰ - ۴ مثالی از یک مقاومت در حال افزایش مقاومت را نشان می‌دهد.
 بعدی عمل می‌کند، بعد از آن که روی عیب شکسته شده است *ral* معمولاً یک خط پشتیبانی به عنوان یک مانع مقاومت بر روی

مفاهیم پایه‌ای روند ۷۳



شکل ۱۰ - ۱۰ ب اغلب یک خط روند پایین، زمانی تبدیل به خط پشتیبانی خواهد شد که زمانی که در حالت وارونه شکست می‌خورد، تبدیل به خط پشتیبانی خواهد شد.



On this chart, the broken up

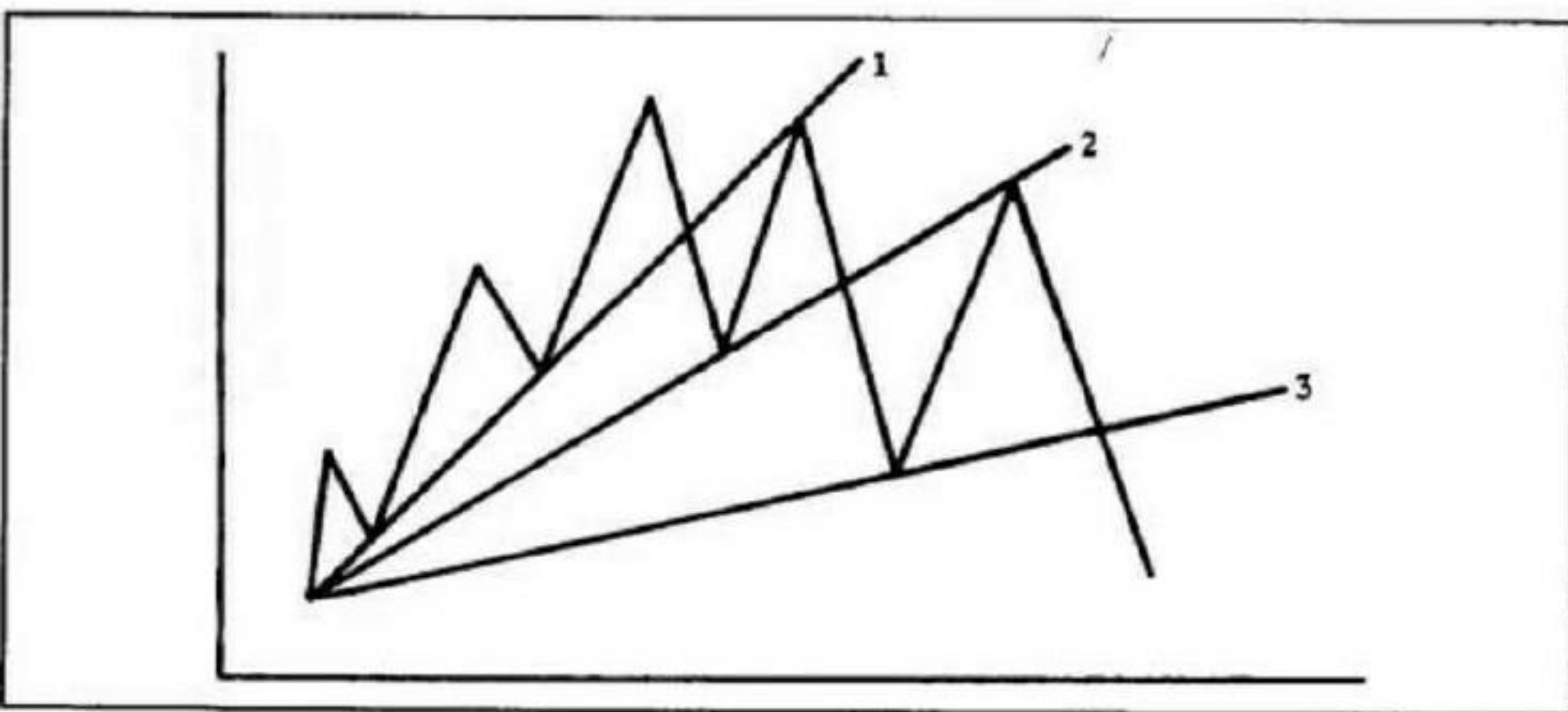
شکل ۱۰ - ۴ نیز نقش‌های معکوس را معکوس می‌کند. در این نمودار، خط روند درهم شکسته، مانع مقاومت در تلاش برای حرکت بعدی شد.

از الگوهای قیمتی است. در واقع، برخی از اهداف قیمت مورد توجه قرار می‌گیرند که از الگوهای قیمتی مختلف به دست می‌آیند. زمانی که یک خط روند شکسته می‌شود، قیمت‌ها معمولاً فاصله را از خط روند برابر با فاصله عمودی که قیمت در طرف دیگر خط به دست می‌آید، پیش از برگشت روند، حرکت می‌دهد.

به عبارت دیگر، اگر در the قبلی قیمت ۵۰ دلار بالاتر از خط روند بالاتر (اندازه‌گیری شده به صورت عمودی اندازه‌گیری شد)، انتظار می‌رود که قیمت همان ۵۰ دلار زیر خط روند پس از شکسته شدن it's کاهش یابد. در بخش بعدی، برای مثال، خواهیم دید که این قاعده اندازه‌گیری با استفاده از خط روند مشابه آن است که برای الگوی شناخته‌شده سر و شانه معروف استفاده می‌شود، که در آن فاصله از "سر" تا "neckline" فراتر از آن خط زمانی شکسته می‌شود.

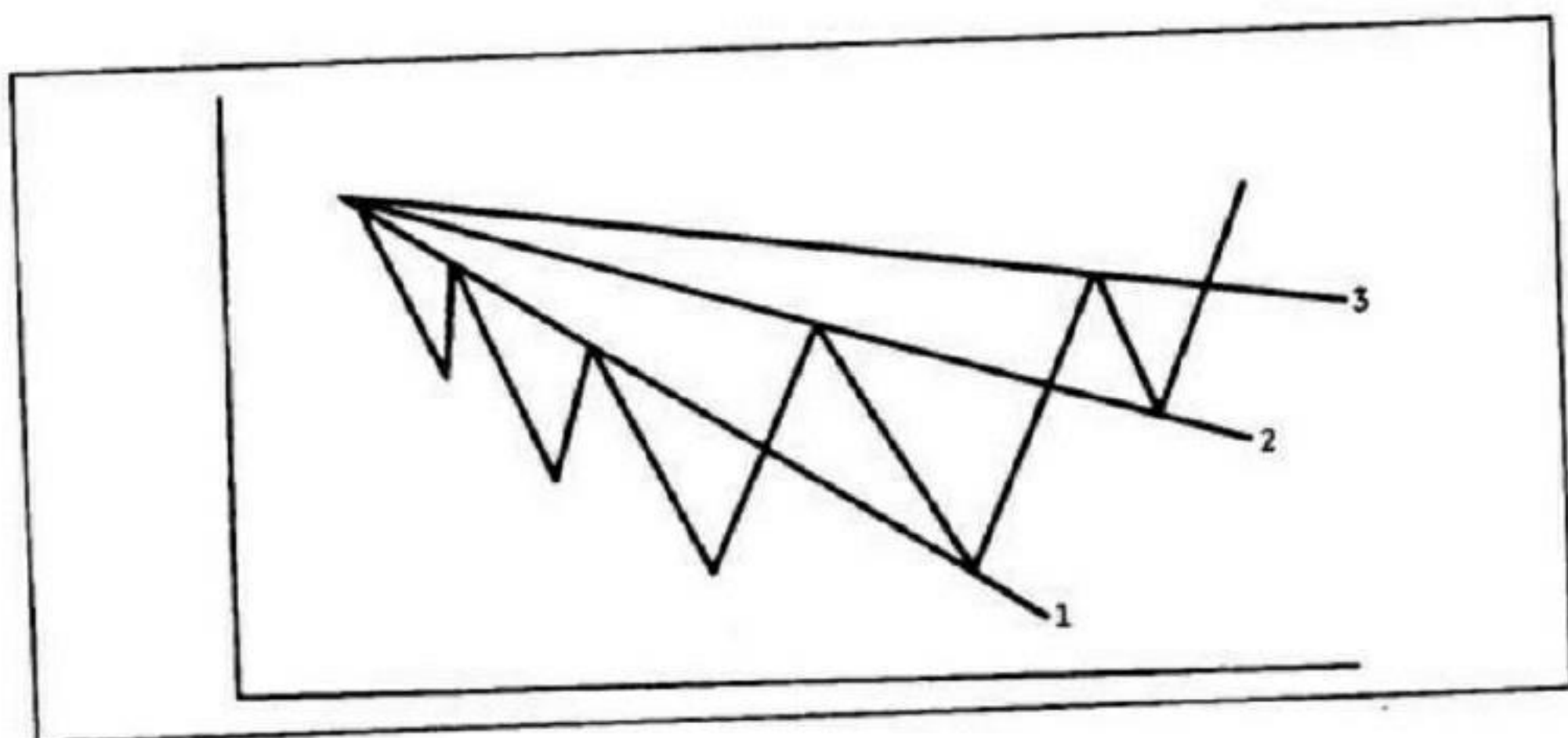
اصل: FAN

این امر ما را به استفاده جالب دیگر از خط روند - اصل طرفدار می‌برد. (مراجعه به شکل‌های ۱۱ - C) گاهی بعد از نقض خط روند صعودی، قیمت کمی قبل از اینکه به پایین خط روند قدیمی قدیمی برگردد (در حال حاضر یک خط مقاومت) کاهش خواهد یافت. در شکل ۱۱ - ۱۱، توجه کنید که چگونه قیمت‌ها باعث شدند که قیمت‌ها در خط ۱ نفوذ کنند. الف



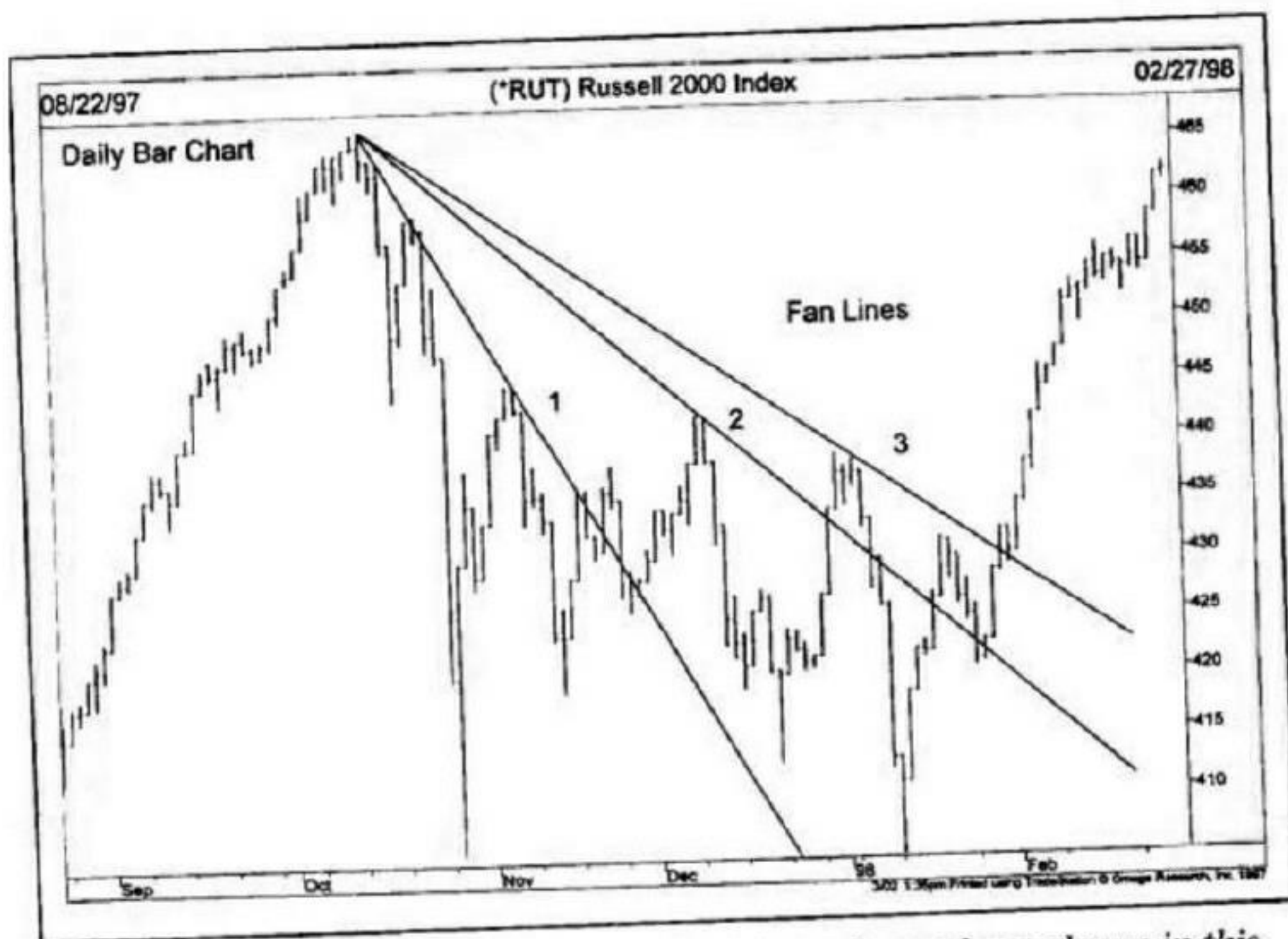
شکل ۳ - ۱۷ - مثالی از اصل فن - شکست خط روند سوم برگشت یک روند را نشان می‌دهد. همچنین توجه داشته باشید که خطوط شکسته - خطوط شکسته، اغلب خطوط مقاومت هستند.

مفاهیم پایه‌ای روند ۷۵



شکل ۴ - ۴ - اصل فن در پایین. شکستن خط روند سوم، روند معکوس را معکوس می‌کند. The شکسته قبلی (۱ و ۲) اغلب به سطوح پشتیبانی تبدیل

می شوند.



... successive peaks as shown in this

در این نمودار قله‌های متوالی نشان داده شده است. شکستن خط سومین طرفدار معمولاً علامت شروع of است.

فصل چهارم

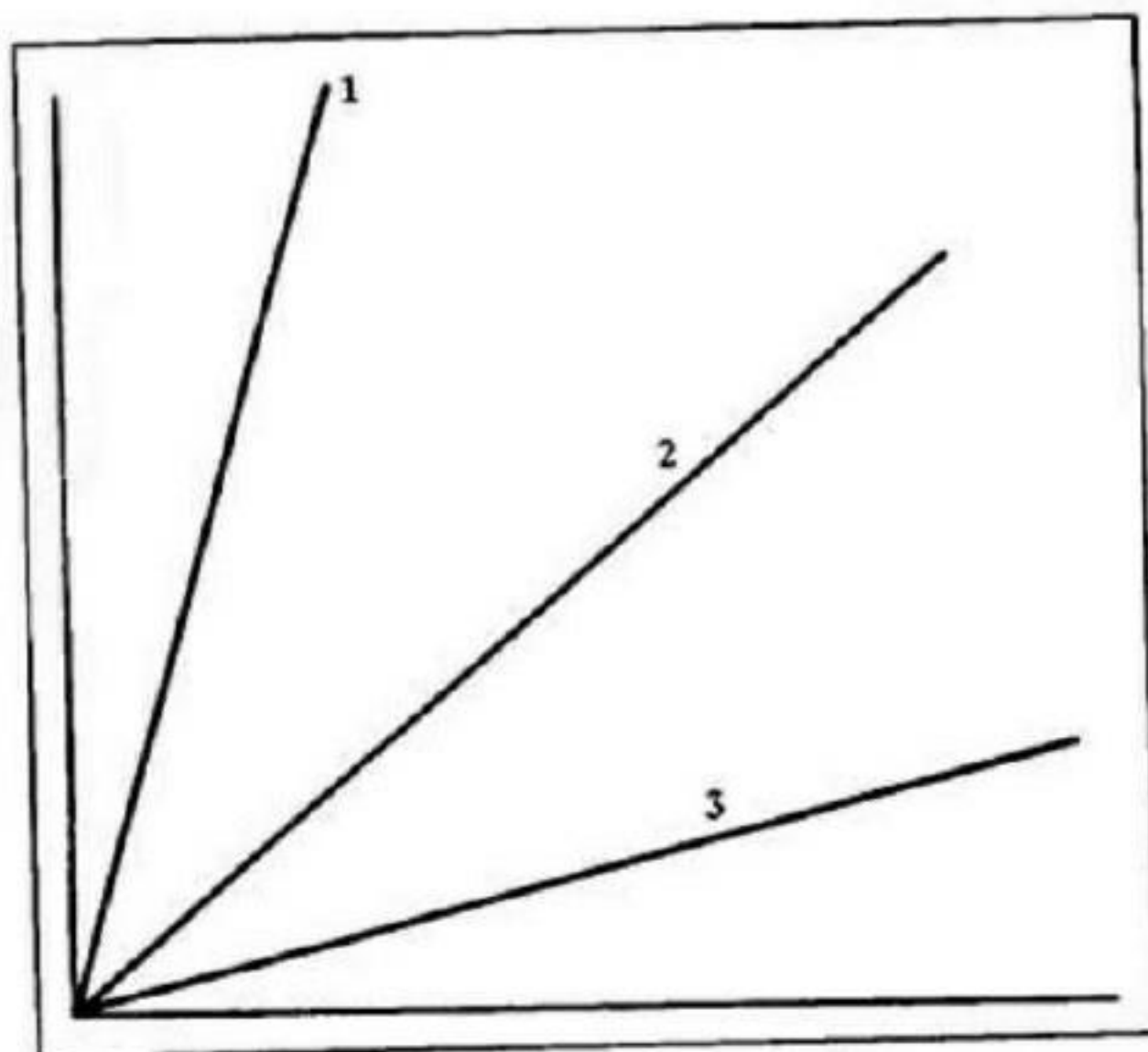
خط روند دوم (خط ۲) اکنون می‌تواند کشیده شود، که همچنین شکسته شده‌است. بعد از یک تلاش نافرجام دیگر، خط سوم کشیده می‌شود (خط ۳). شکستن خط روند سوم معمولاً نشانه آن است که قیمت‌ها پایین می‌رود. در شکل ۱۱.۴ b، شکست خط روند سوم پایین (خط ۳) یک سیگنال uptrend جدید را تشکیل می‌دهد. توجه داشته باشید که چگونه خطوط پشتیبانی شکسته قبلی به مقاومت تبدیل شدند و خطوط مقاومت مورد حمایت قرار گرفتند. عبارت "اصل طرفدار" از ظاهر خطوط ناشی می‌شود که به تدریج به پهنه شبیه می‌شوند. نکته مهم که در اینجا به یاد داشته باشید این است که شکستن خط سوم سیگنال بازگشتی روند معتبر است.

اهمیت شماره سه

در بررسی سه خط در اصل فن، جالب است که توجه داشته باشید که عدد سه اغلب در مطالعه تحلیل تکنیکال و نقش مهم آن در بسیاری از رویکردهای تکنیکی نمایش داده می‌شود. برای مثال، اصل فن سه خط را استفاده می‌کند؛ سه نوع شکاف عمده وجود دارد (کوتاه، فرعی و فرعی)؛ سه نوع مختلف روند وجود دارد (بالا، پایین و فرعی)؛ سه نوع متفاوت از روند وجود دارد (بالا، پایین و فرعی)؛ در میان الگوهای تداوم پذیرفته، سه نوع مثلث وجود دارد: سه منبع اصلی اطلاعات - قیمت، حجم، و بهره باز. به هر دلیلی، عدد سه نقش بسیار مهمی در کل حوزه تحلیل تکنیکال بازی می‌کند.

(همسر) همسر (همسر):

تقسیم نسبی خط روند نیز مهم است. به طور کلی، اکثر trendlines ها تمایل دارند شیب متوسط ۴۵ درجه را تخمین بزنند. بعضی از chartists به سادگی ۴۵ درجه را می‌کشند



شکل ۱۲ - ۱۲ بیشتر *trendlines* معتبر در یک زاویه نزدیک به ۴۵ درجه هستند (خط ۲ را ببینید). اگر خط روند بسیار شیب‌دار باشد (خط ۱)، معمولاً نشان می‌دهد که نرخ صعود پایدار نیست. مسیری که بسیار مسطح است (خط ۳) نشان می‌دهد که *the* بسیار ضعیف و احتمالاً مظلون است. بسیاری از متخصصان ۴۵ خط درجه را از نوک یا *bottoms* های قبلی به عنوان *trendlines* اصلی استفاده می‌کنند.

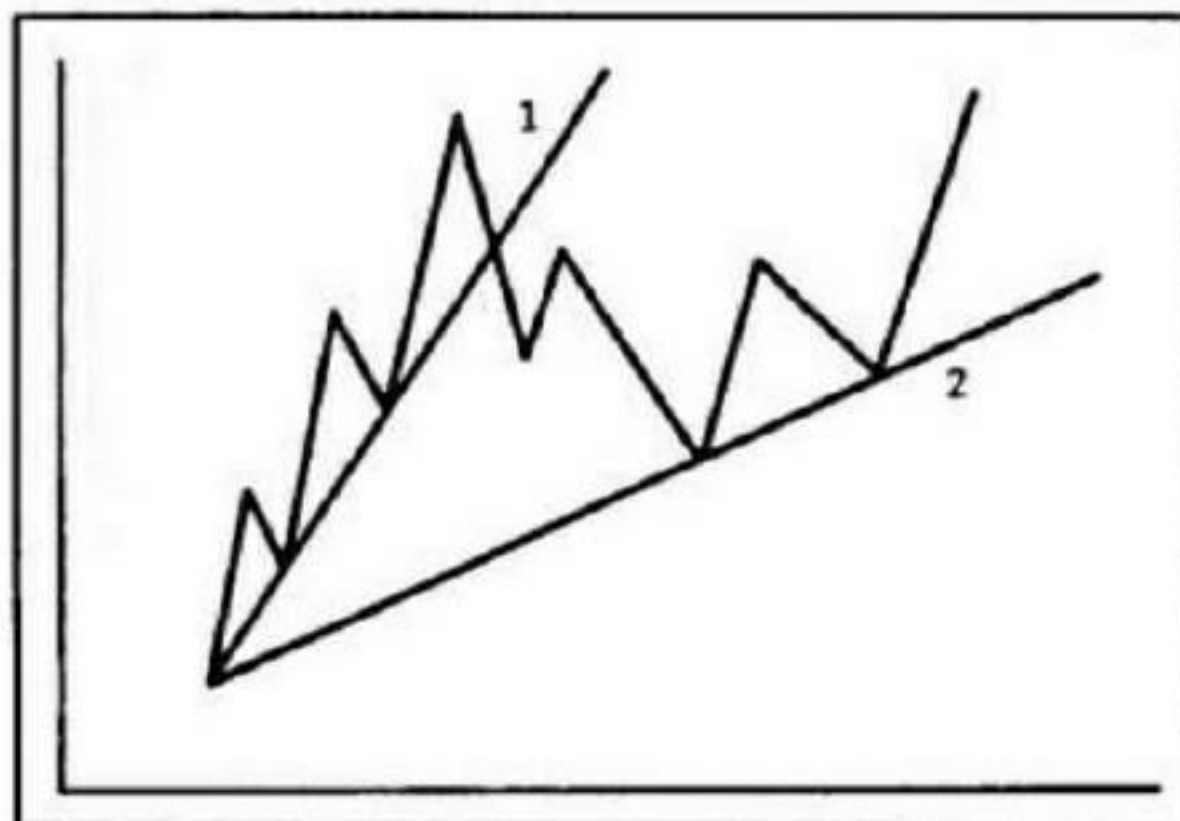
خط را بر روی نمودار از بالا یا پایین قرار دهید و از این به عنوان خط روند اصلی استفاده کنید. خط ۴۵ درجه یکی از تکنیک‌هایی بود که مورد علاقه آن‌ها بود. W. D. م. چنین خطی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن قیمت‌ها در حال پیشرفت یا کاهش در چنین نرخ‌ی است که قیمت و زمان در تعادل کامل هستند.

اگر خط روند بیش از حد شیب‌دار باشد (خط ۱ را در شکل ۱۲.۴ ببینید)، معمولاً نشان می‌دهد که قیمت‌ها به سرعت در حال پیشرفت هستند و صعود سریع فعلی پایدار نخواهد بود. شکستن خط روند شیب‌دار ممکن است فقط واکنشی به یک شیب پایدار بیشتر به خط ۴۵ درجه باشد (خط ۲). اگر خط روند بسیار مسطح باشد (خط ۳ را ببینید)، ممکن است نشان دهد که uptrend بسیار ضعیف است و قابل اعتماد نیست.

چگونه *trendlines* را تنظیم کنیم

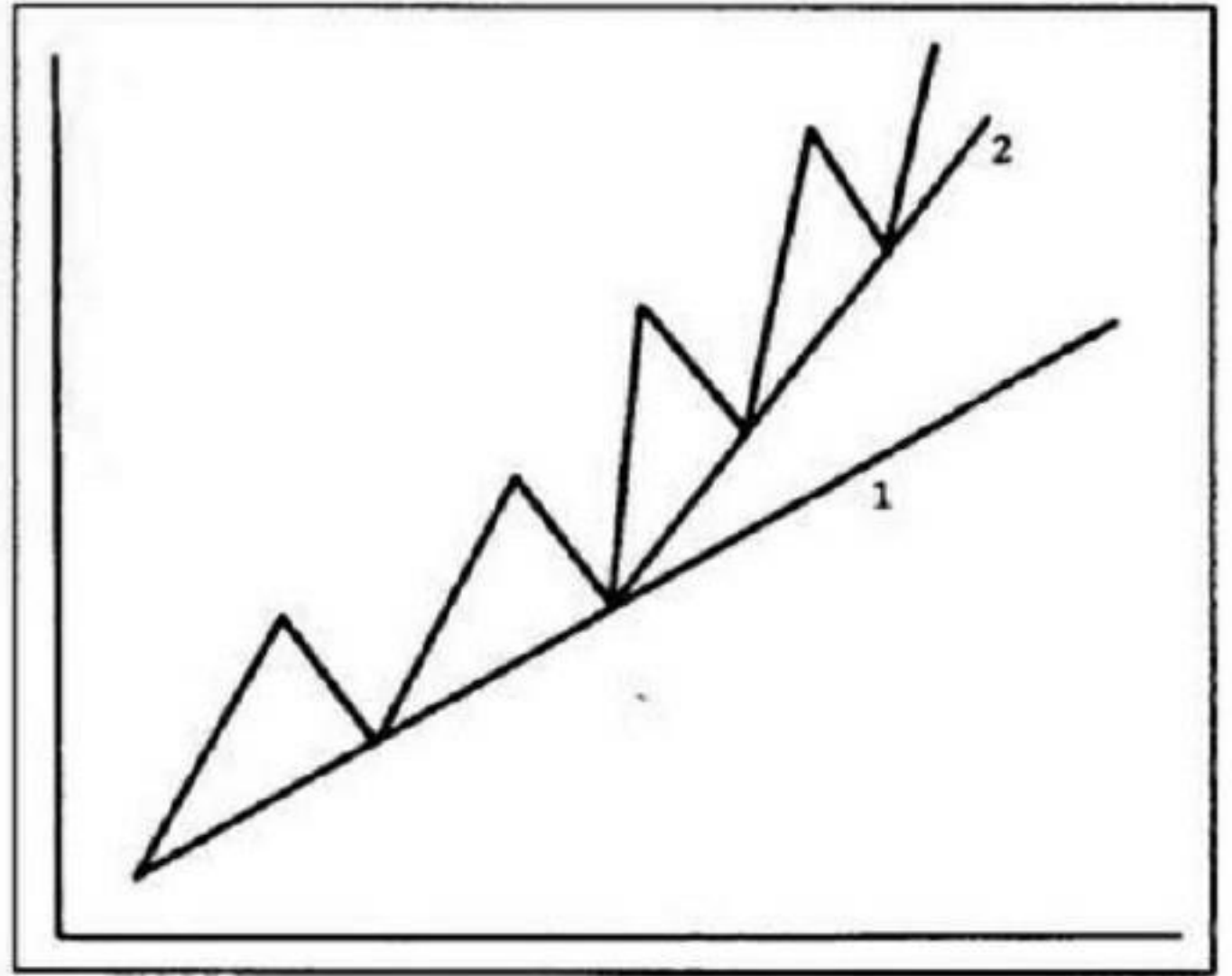
گاهی اوقات *trendlines* باید طوری تنظیم شوند که با سرعت یا سرعت فزآتی‌ای هماهنگ شوند. (شکل ۴ - ۴ و شکل‌های ۱۴.۴ a و b را ببینید) برای

مثال، همانطور که در مورد قبلی نشان داده شد، اگر خط روند شیب‌دار شکسته باشد، خط روند آهسته‌تر ممکن است کشیده شود. اگر خط روند اصلی بسیار مسطح باشد، ممکن است باید با زاویه steeper مجدداً کشیده شود. شکل ۴ - ۴ وضعیتی را نشان می‌دهد که در آن شکستن خط روند تندتر (خط ۱) مستلزم کشیدن خط آهسته‌تر است (خط ۲).

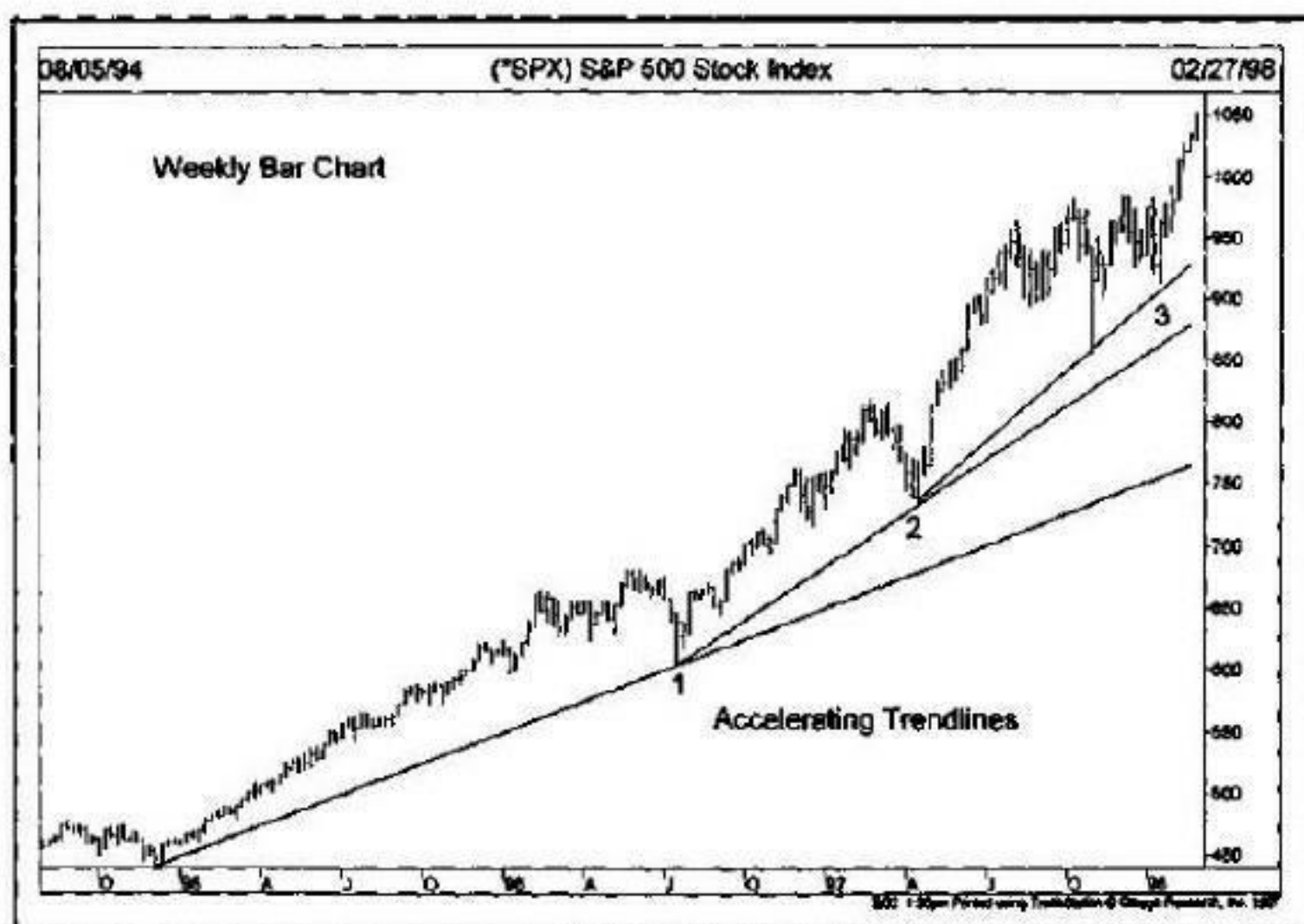


شکل ۴ - ۱۳ مثال خط روند که بسیار شیب‌دار است (خط ۱). خط روند اصلی اصلی بسیار شیب‌دار شد. اغلب شکستن خط روند شیب‌دار تنها یک سازگاری با یک روند پیشرفت کندتر و پایدارتر است (خط ۲).

در شکل ۱۴ - ۴، خط روند اصلی (خط ۱) بسیار مسطح است و باید با زاویه *steeper* مجدداً ترسیم شود (خط ۲). سرعت به سرعت افزایش یافت و نیازمند یک خط تندتر شد. خط روند که بسیار دور از عمل قیمت است به طور بدیهی از کاربرد کمی در ردیابی روند استفاده می‌کند. در مورد یک روند شتاب، گاهی ممکن است برخی از *trendlines* به طور فزآتی‌ای به سمت زاویه *steeper* کشیده شوند. با این حال، در تجربه من، جایی که *trendlines* تندتر می‌شود، بهتر است به ابزار دیگری متوسل شویم - میانگین متحرک - که مشابه خط روند منحنی است. یکی از مزایای



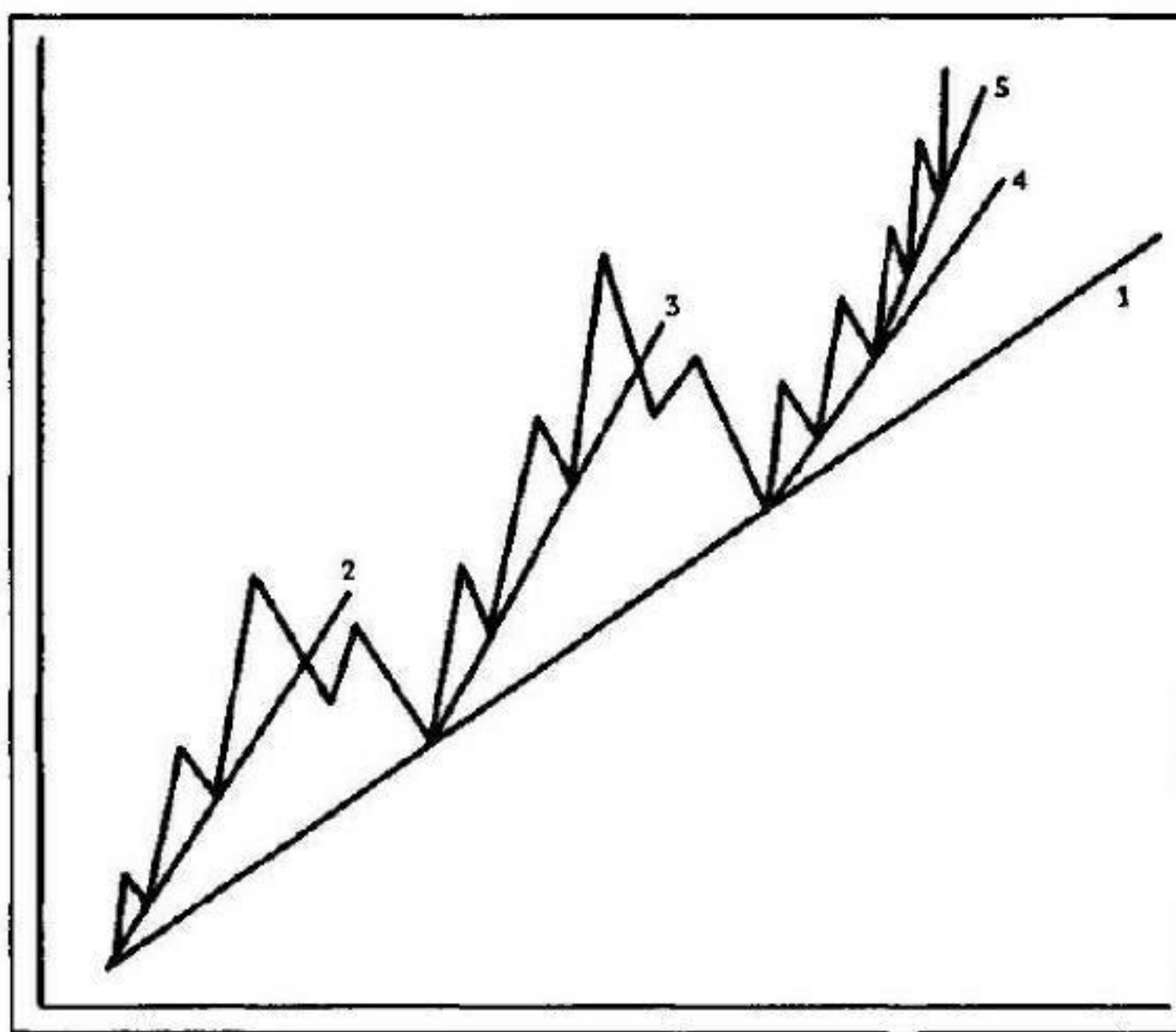
شکل ۱۴ - ۴ نمونه‌ای از روند خط روند بالاتر است که بسیار مسطح است (خط ۱). خط ۱ بسیار کند به نظر می‌رسد. در این حالت، خط روند دوم و *steeper* (خط ۲) باید برای ردیابی بیشتر روند صعودی کشیده شود.



شکل ۱۴ - ۴ b تسریع accelerating مستلزم کشش steeper است که در این نمودار نشان داده شده است. The خط روند مهم‌ترین روند است.

دسترسی به انواع مختلف شاخص‌های تکنیکال می‌تواند مناسب‌ترین گزینه را برای یک موقعیت معین انتخاب کند. همه تکنیک‌هایی که در این کتاب تحت پوشش قرار می‌گیرند به خوبی کار می‌کنند. با داشتن یک زرادخانه از ابزارها برای عقب افتادن، تکنسین می‌تواند به سرعت از یک ابزار به ابزار دیگر منتقل شود که ممکن است در وضعیت معین بهتر عمل کند. روند شتاب یکی از مواردی است که در آن میانگین متحرک بیشتر از یک سری تندتر و تندتر عمل می‌کند.

همان طور که چندین درجه متفاوت از روند در هر زمان وجود دارد، بنابراین نیاز به trendlines مختلف برای اندازه‌گیری این روندها مختلف وجود دارد. یک خط روند بزرگ اصلی، برای مثال، نقاط کم of اصلی را به هم متصل می‌کند، در حالی که یک خط حساس و حساس‌تر ممکن است برای نوسان ثانویه مورد استفاده قرار گیرد. حتی یک خط کوتاه‌تر می‌تواند حرکات کوتاه‌مدت را اندازه‌گیری کند. (مراجعه به شکل ۱۵.۴).



شکل ۱۵ - ۱۵ trendlines مختلف برای تعریف درجات مختلفی از روند مورد استفاده قرار می‌گیرند. خط ۱ در مثال بالا خط روند اصلی است که the اصلی را تعریف می‌کند. خطوط ۲، ۳ و ۴، uptrends میانی را تعریف می‌کنند. در نهایت، خط ۵ یک پیشرفت عبارت کوتاه‌تر در آخرین مرحله میانی را تعریف می‌کند.

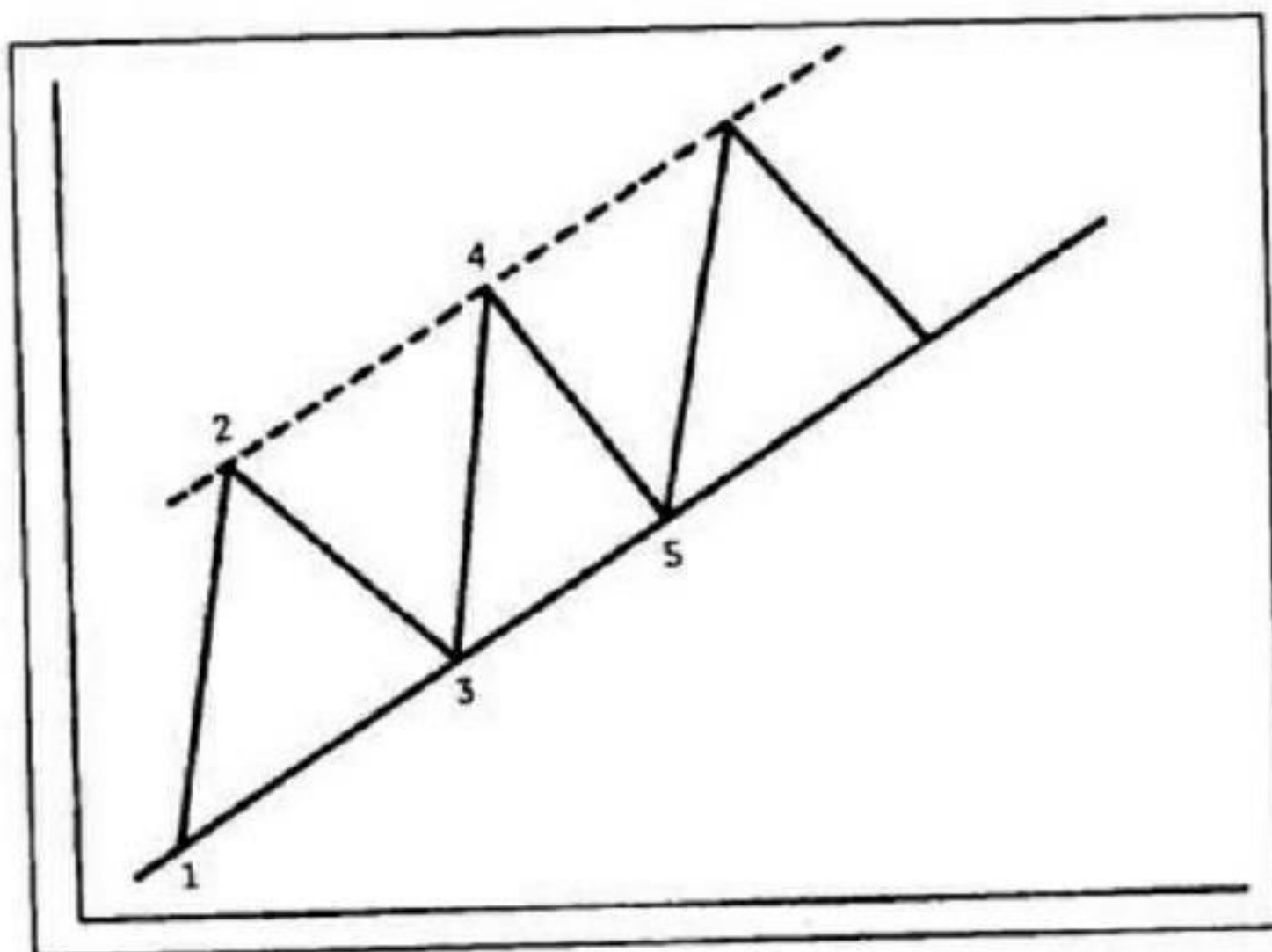
Technicians از بسیاری از trendlines های مختلف در نقشه یک‌سان استفاده می‌کنند.

خط کانال

خط کانال، یا خط بازگشت به صورتی که گاهی اوقات نامیده می‌شود، یک تغییر مفید دیگر از تکنیک خط روند است. گاهی اوقات، روند بین دو خط موازی - خط روند اصلی و خط کانال. بدیهی است، هنگامی که این مورد صدق می‌کند و زمانی که تحلیلگر تشخیص می‌دهد که یک کانال وجود دارد، این دانش می‌تواند به سود سودآوری مورد استفاده قرار گیرد.

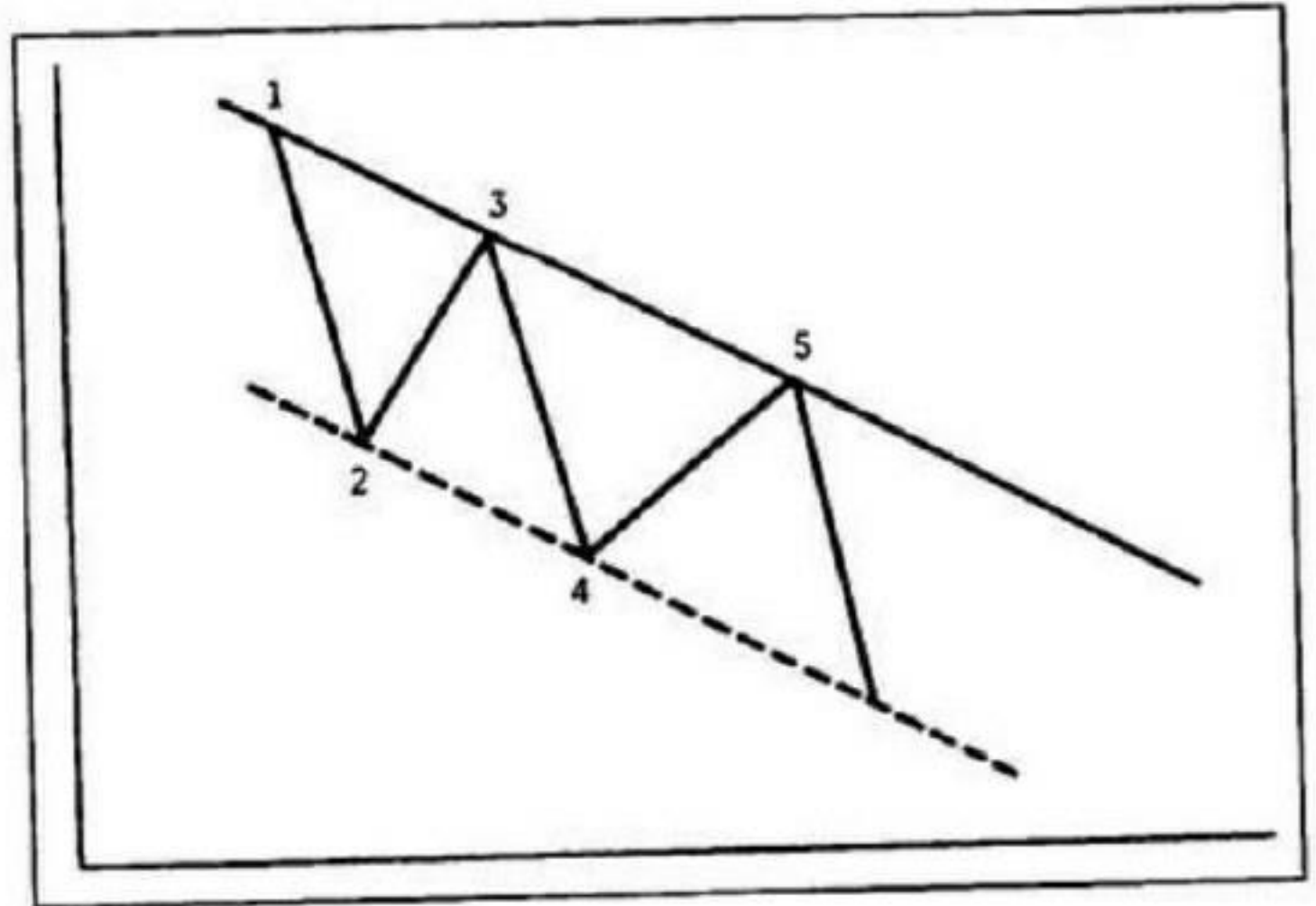
طراحی مسیر کانال نسبتاً ساده است. در یک uptrend (شکل ۱۶)

۴- را ببینید)، ابتدا خط روند اولیه پایه را کنار بکشید.

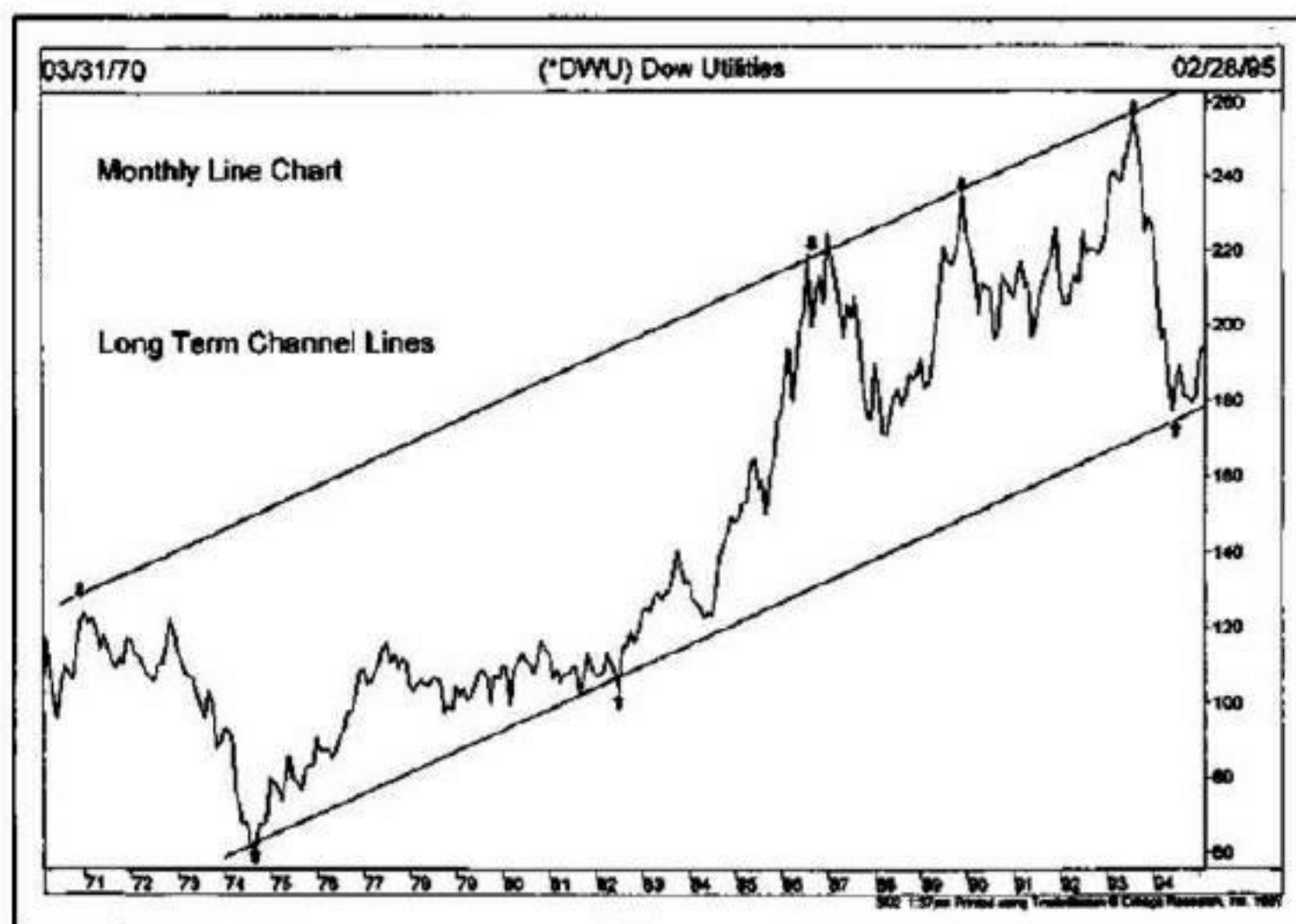


شکل ۱۶ - ۱۶ مثالی از یک کانال روند را نشان می‌دهد. هنگامی که خط روند اولیه پایه کشیده شود (زیر نکات ۱ و ۳) یک کانال، یا بازگشت، خط (نقطه چین) را میتوان بر روی قله اولین در ۲ نشان داد، که *parallel* به خط روند اولیه پایه است.

the. سپس یک خط نقطه چین از نقطه اوج برجسته (نقطه ۲) رسم کنید، که موازی با خط روند پایه پایه است. هر دو خط به سمت راست حرکت می‌کنند و کانالی تشکیل می‌دهند. اگر تجمع بعدی به خط کانال برسد (در نقطه ۴)، یک کانال ممکن است وجود داشته باشد. اگر قیمت پس از آن به خط روند اصلی برگردد (در نقطه ۵)، پس یک کانال احتمالاً وجود دارد. همین امر برای یک روند نزولی (شکل ۴ - ۴b) صادق است، اما در جهت مخالف نیز صادق است.



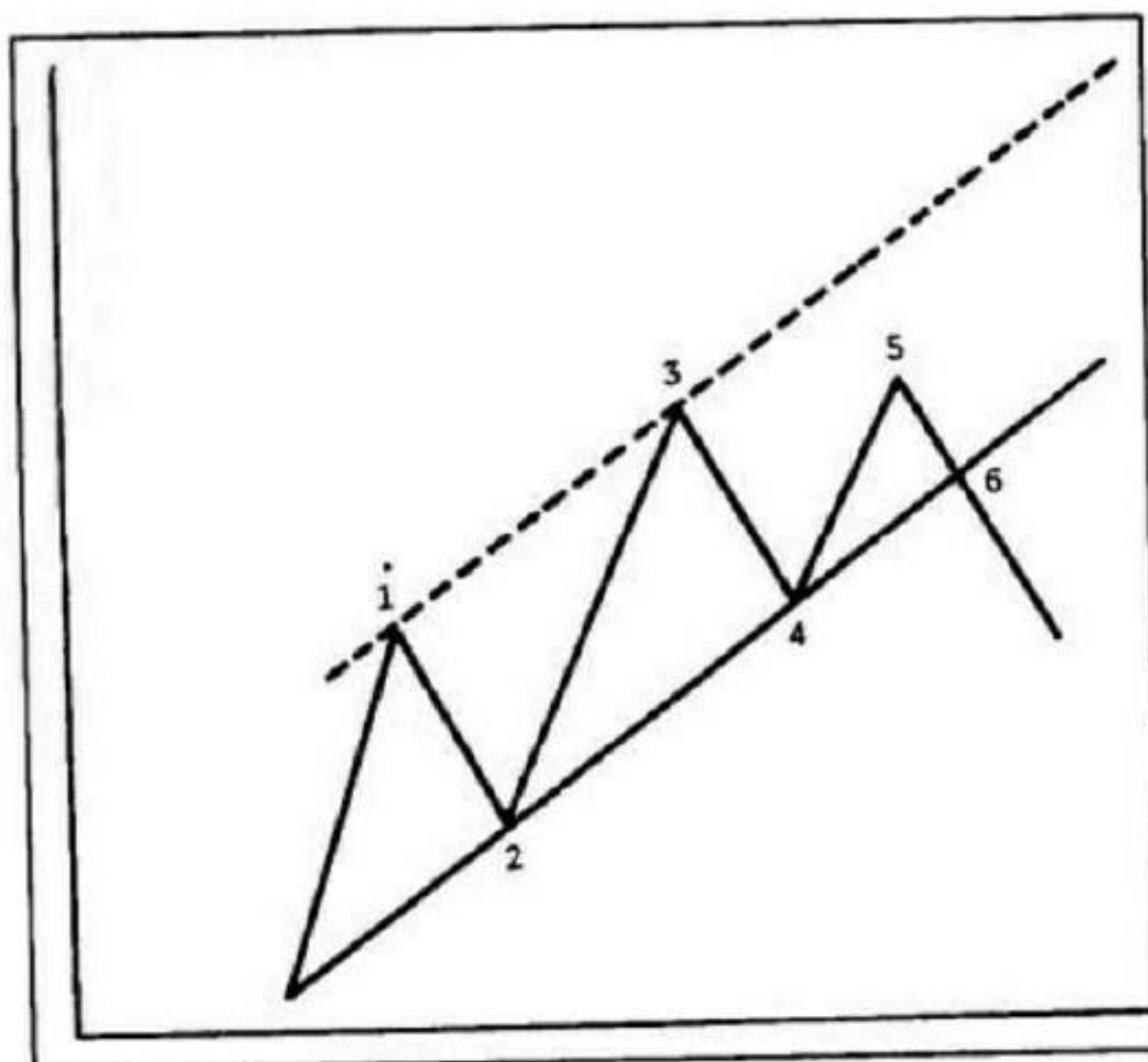
شکل ۴-۴ یک روند روند در روند نزولی. این کانال از اولین نقطه پایین در نقطه ۲، موازی با خط روند پایین پیش‌بینی شده‌است. در امتداد قله ۱ و ۳. قیمت‌ها اغلب در چنین کانالی باقی خواهند ماند.



شکل ۱۶ - ۴ نشان می‌دهد که چگونه قیمت‌ها در طول ۲۵ سال بین کانال‌های موازی بالا و پایین نوسان دارند. در ۱۹۸۷، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ در قسمت بالایی کانال رخ داد. پایین سال ۱۹۹۴ از خط روند پایین بالا رفت.

خواننده باید فوراً ارزش چنین نشستن را ببیند. خط روند اولیه پایه می‌تواند برای شروع موقعیت جدید جدید مورد استفاده قرار گیرد. این خط کانال را میتوان برای سود کوتاه‌مدت بکار برد. تجار پرخاشگر بیشتری ممکن است حتی از خط کانال برای آغاز یک موقعیت کوتاه‌مدت استفاده کنند، اگرچه تجارت در جهت مخالف روند رایج می‌تواند یک تاکتیک خطرناک و معمولاً پرهزینه باشد. همانطور که در خط روند اولیه، دیگر کانال دست‌نخورده باقی می‌ماند و بیشتر آن با موفقیت مورد آزمایش قرار می‌گیرد، مهم‌تر و قابل‌اعتمادتر می‌شود.

شکست خط روند اصلی نشان‌دهنده یک تغییر مهم در روند است. اما شکست خط کانال رو به افزایش دقیقاً دارای معنای متضاد است و به شتاب روند موجود را نشان می‌دهد. برخی تجار، پاک‌سازی خط بالایی را به عنوان دلیلی برای اضافه کردن به موقعیت‌های طولانی می‌بینند.

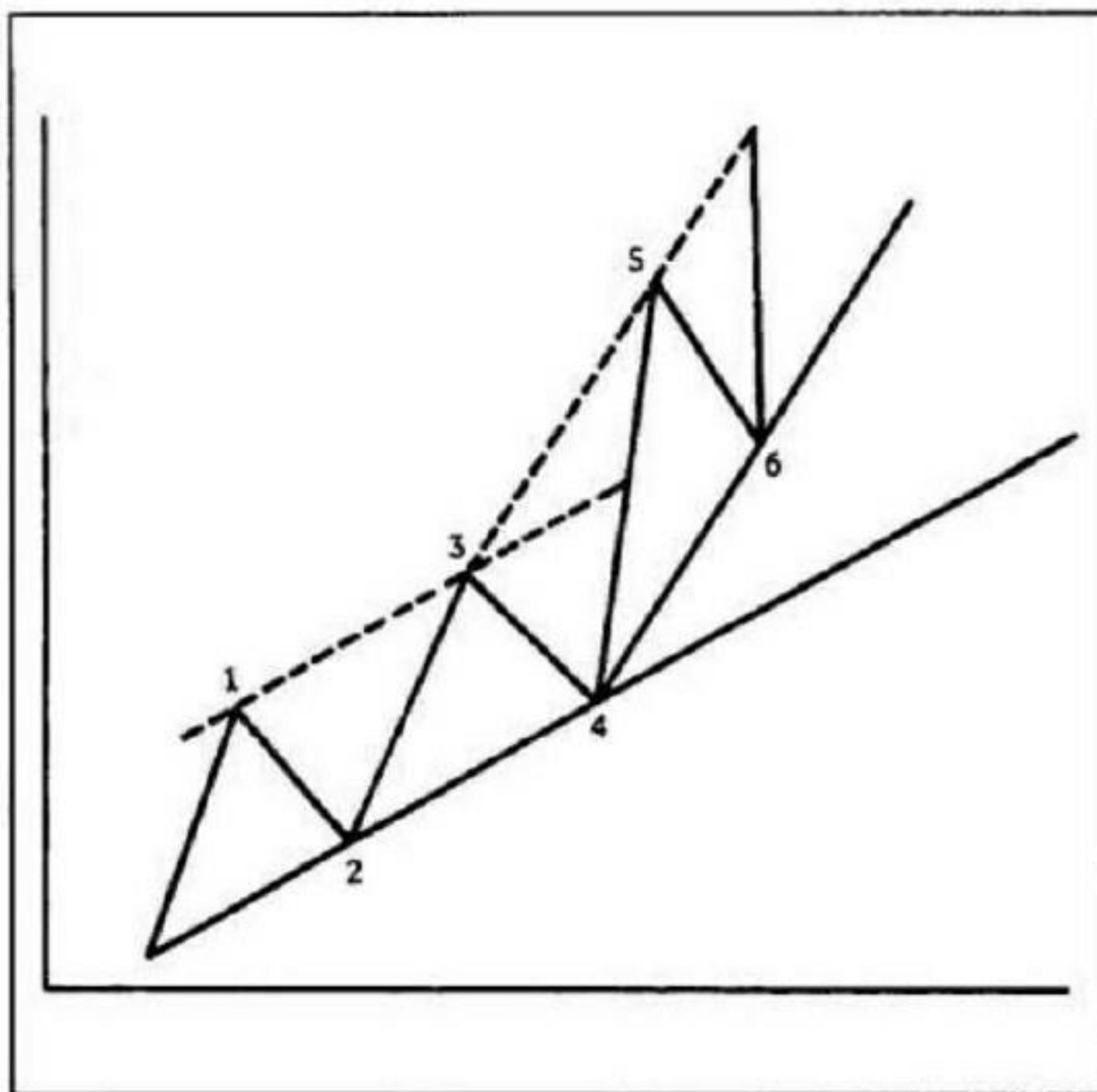


شکل ۴،۱۷ عدم موفقیت در رسیدن به انتهای فوقانی کانال اغلب هشدار اولیه است که خط پایین شکسته خواهد شد. توجه داشته باشید که شکست در رسیدن به خط بالا در نقطه ۵ با شکستن خط سیر پایه در نقطه ۶ دنبال می‌شود.

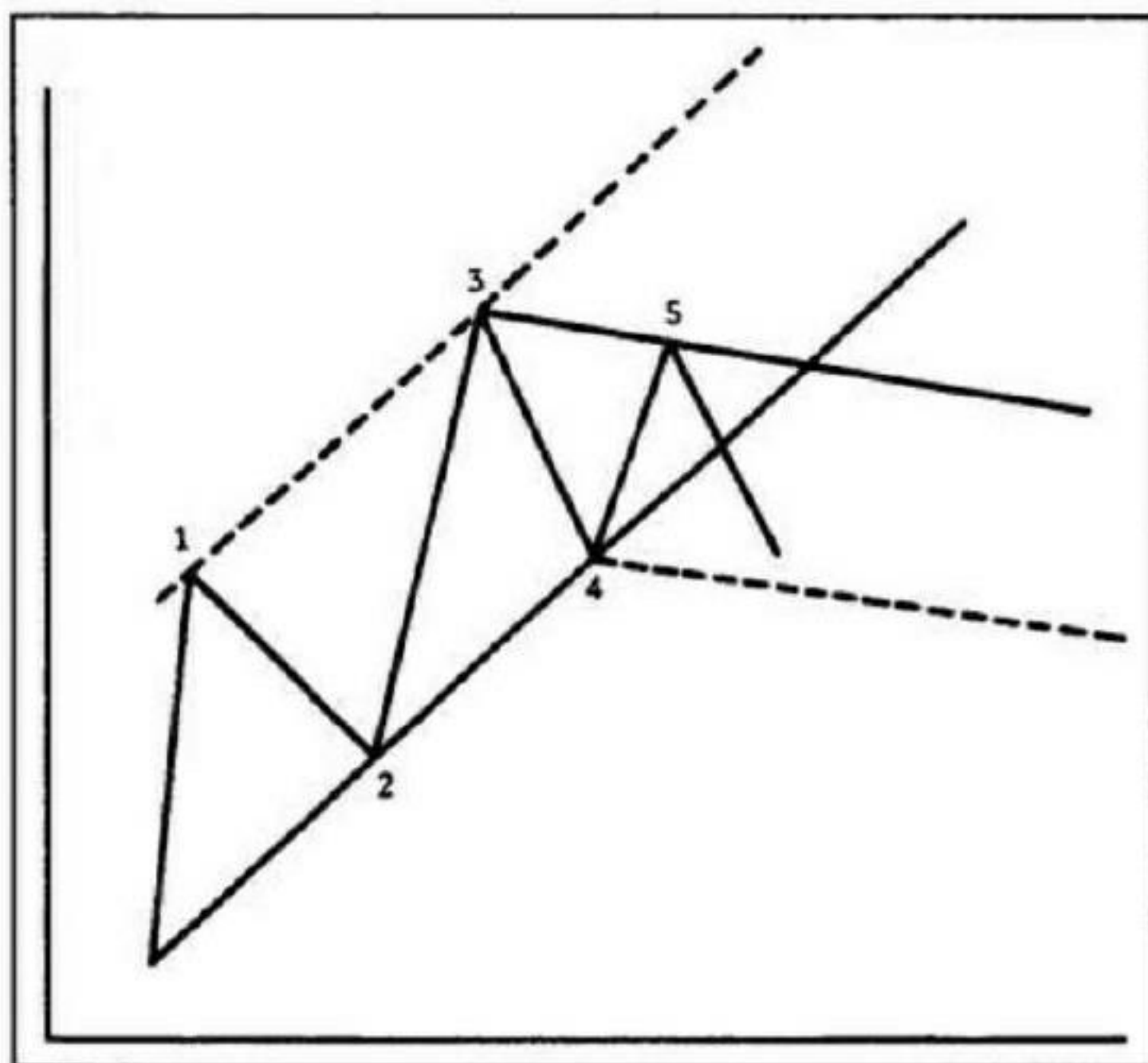
یک راه دیگر برای استفاده از تکنیک کانال این است که شکست‌ها را تشخیص دهید تا به خط کانال برسند، که معمولاً نشانه یک روند ضعیف است. در شکل ۴،۱۷، شکست قیمت‌ها برای رسیدن به بالای کانال (در نقطه ۵) ممکن است یک هشدار اولیه باشد که روند رو به افزایش است، و احتمال شکست خط دیگر را افزایش می‌دهد (خط روند پایه اصلی) شکسته خواهد شد. به عنوان یک قاعده کلی سرانگشتی، شکست هر حرکت در یک کانال قیمتی ثابت برای رسیدن به یک طرف کانال معمولاً نشان می‌دهد که این روند در حال تغییر است و احتمال شکست طرف دیگر کانال را افزایش می‌دهد.

همچنین از کانال می‌تواند برای تنظیم خط روند اولیه استفاده شود. اگر قیمت‌ها بالاتر از یک خط کانال در حال افزایش پیش‌بینی شده با مقدار قابل توجهی حرکت کنند، معمولاً روند تقویت را نشان می‌دهد. سپس برخی chartists خط روند اولیه steeper را از آخرین واکنش به موازات خط کانال جدید ترسیم می‌کنند (همانطور که در شکل ۴ - ۴ نشان داده شده). اغلب، خط پشتیبانی steeper جدید بهتر از خط flatter قدیمی است. به طور مشابه،

شکست یک uptrend برای رسیدن به انتهای فوقانی یک کانال، طراحی یک خط پشتیبانی جدید را زیر آخرین واکنش به موازات خط مقاومت جدید در دو قله قبلی توجیه می‌کند (همانطور که در شکل ۱۹.۴ نشان داده شده است).



شکل ۴ - ۴ هنگامی که خط کانال بالا شکسته شود (مانند موج ۵)، بسیاری از *chartists* خط روند خط روند اولیه را مجدداً برای خط کانال بالاتر جدید ترسیم خواهند کرد. به عبارت دیگر، خط ۴ - ۴ به موازات خط ۳ - ۳ کشیده شده است. از آنجا که *the* در حال شتاب گرفتن است، به همین دلیل است که خط روند پایه اصلی نیز همین کار را انجام خواهد داد.



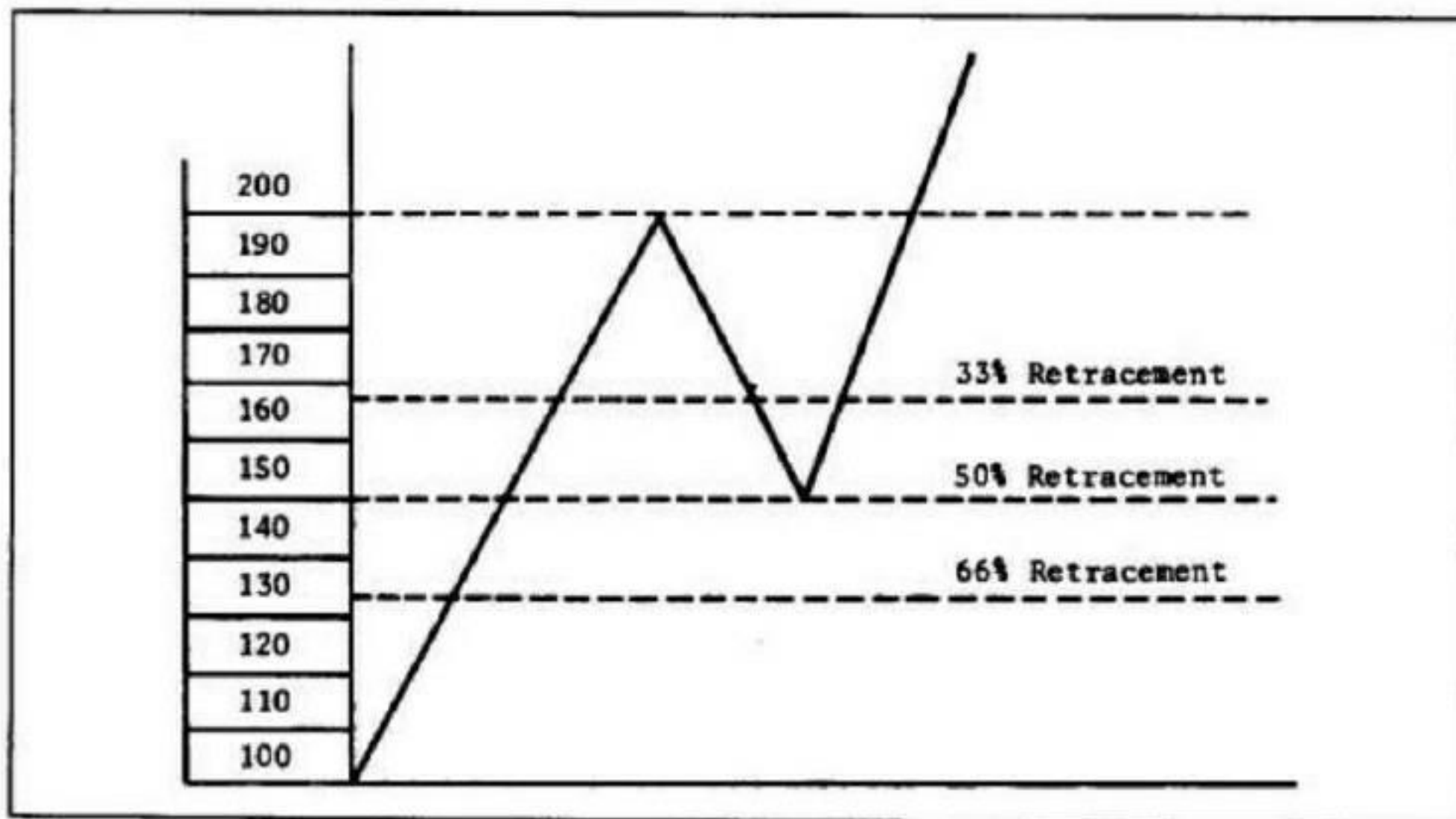
شکل ۴، ۱۹ زمانی که قیمت‌ها نتوانند به خط کانال بالا برسند، خط روند نزولی بر روی دو قله در حال کاهش (خط ۳ - ۳) کشیده می‌شود، یک خط کانال آزمایشی می‌تواند از پایین در نقطه ۴ موازی با خط ۳ - ۵ کشیده شود. خط پایین کانال گاهی نشان می‌دهد که در کجا حمایت اولیه مشهود خواهد بود.

خطوط کانال مفاهیم را اندازه‌گیری می‌کنند. زمانی که یک شکست از یک کانال قیمتی موجود رخ می‌دهد، قیمت‌ها معمولاً فاصله برابر با عرض کانال را طی می‌کنند. بنابراین، کاربر باید به سادگی عرض کانال را اندازه‌گیری کند و سپس پروژه را از نقطه‌ای که در آن خط روند شکسته‌است، اندازه‌گیری کند. با این حال، همیشه باید در ذهن نگه‌داشته شود، با این حال، خط روند اولیه بسیار مهم‌تر و قابل‌اعتمادتر است. خط کانال استفاده ثانویه از تکنیک خط روند است. اما استفاده از خطوط کانال اغلب برای توجیه گنجاندن آن در جعبه‌ابزار chartist's کافی است.

RETRACEMENTS "percentage"

در تمامی نمونه‌های قبلی uptrends و downtrends، خواننده بدون شک متوجه شده‌است که بعد از یک حرکت بازار خاص، قیمت‌ها بخشی از روند قبلی را پیش از ازسرگیری حرکت در جهت اصلی باز می‌کنند. این حرکات countertrend تمایل دارند تا به پارامترهای درصد قابل‌پیش‌بینی خاصی برسند. بهترین کاربرد شناخته‌شده این پدیده ۵۰٪ retracement است. به عنوان مثال، Let's می‌گوید که یک بازار روند بیشتری دارد و از ۱۰۰٪ سطح به ۲۰۰٪ حرکت می‌کند. در اغلب موارد، واکنش بعدی در حدود نیمی از حرکت قبلی است، تا حدود ۱۵۰٪ سطح قبل از این که مومنتوم به سمت بالا دوباره بدست آید. این یک روند بازار معروف است و اغلب اتفاق می‌افتد. همچنین، این درصد retracements در هر درجه‌ای از روند - مهم، ثانویه، و نزدیک اعمال می‌شوند.

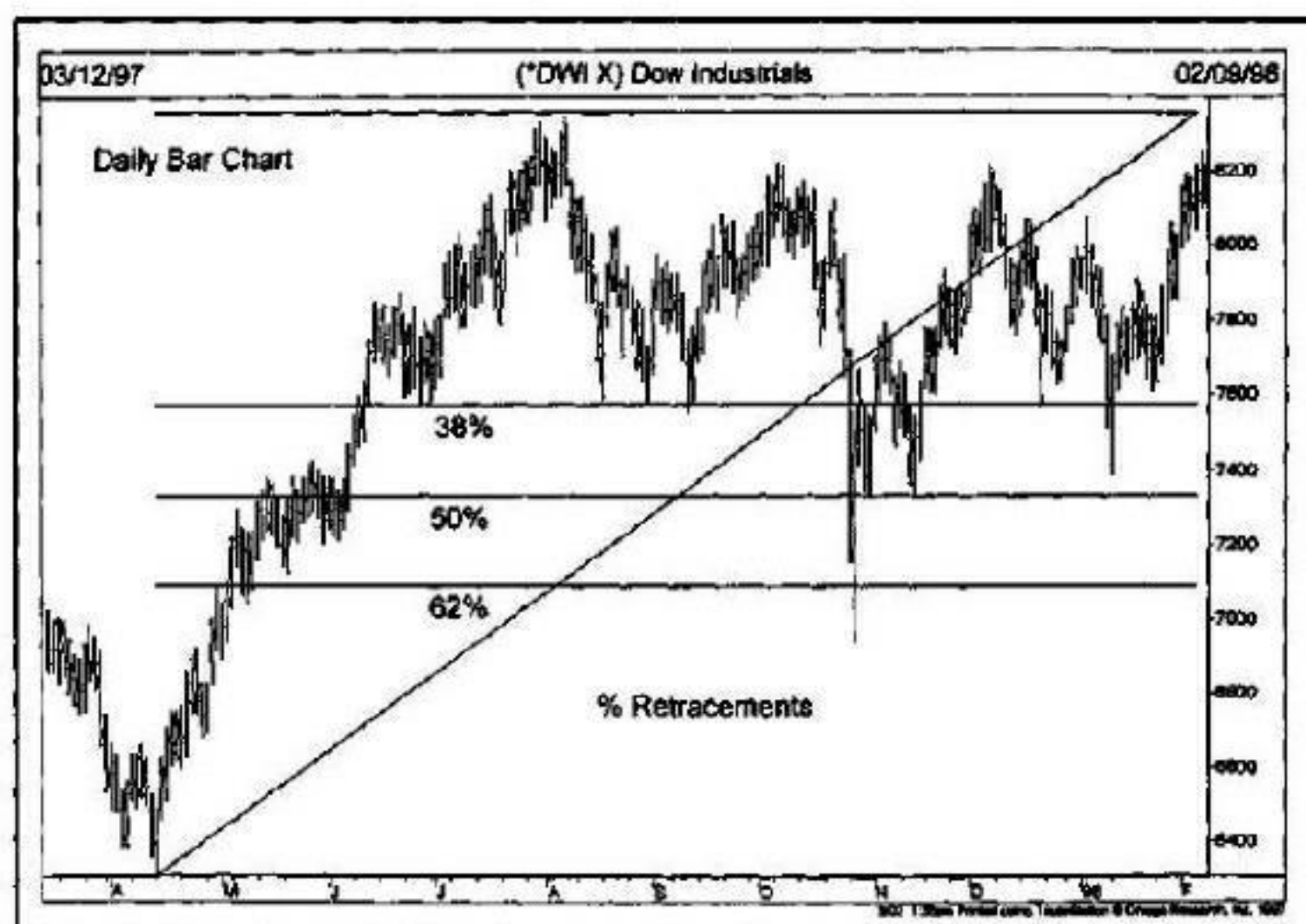
علاوه بر ۵۰٪ retracement، حداقل و imum - max وجود دارند که به طور گسترده شناخته‌شده هستند - یک سوم و دو سوم retracements. به عبارت دیگر، روند قیمت می‌تواند به دو بخش تقسیم شود. معمولاً حداقل retracement در حدود ۳۳٪ درصد و حداکثر حدود ۶۶٪ درصد است. آنچه این بدان معنی است این است که، در اصلاح یک روند قوی، بازار معمولاً دست‌کم یک سوم از حرکت قبلی را به خود اختصاص می‌دهد. این اطلاعات بسیار مفید برای چند دلیل است. اگر یک تاجر به دنبال یک منطقه خرید در بازار است، می‌تواند تنها یک منطقه ۳۳٪ - ۵۰٪ را در نمودار محاسبه کند و از آن منطقه قیمت به عنوان چارچوب کلی مرجع برای خرید فرصت‌ها استفاده کند. (به شکل‌های ۲۰.۴ a و b نگاه کنید).



شکل ۲۰.۴ یک قیمت اغلب قبل از از سر گیری در جهت اصلی تقریبانی می از روند قبلی را طی می کند. این نمونه ۵۰٪ retracement را نشان می دهد. حداقل retracement یک سوم و حداکثر، دو سوم از روند قبلی است.

این پارامتر به صورت یک ناحیه بحرانی تبدیل می شود. اگر روند قبلی حفظ شود، اصلاح باید در دو سوم متوقف شود. این سپس به یک منطقه خرید ریسک نسبتاً پایین در یک منطقه فروش یا فروش در یک روند نزولی تبدیل می شود. اگر قیمت ها فراتر از نقطه دو سوم حرکت کنند، احتمال این است که احتمالات تبدیل به یک روند معکوس شوند. این حرکت معمولاً در کل ٪٪ از روند قبلی را نشان می دهد.

شما ممکن است توجه داشته باشید که سه درصد پارامترهای retracement که تاکنون ذکر کرده ایم - ۵۰٪، ۳۳٪، و ۶۶٪ - از تئوری داو اصلی گرفته شده اند. وقتی به تیوری موج الیوت و نسبت های فیبوناچی رسیدیم، خواهیم دید که پیروان این رویکرد از درصد retracements ۳۸٪ و ۶۲٪ استفاده می کنند. من ترجیح می دهم هر دو رویکرد را برای محدوده حداقل retracement ۳۳ - ۳۸٪ و یک محدوده حداکثر ۶۲ - ۶۶٪ ترکیب کنم. برخی از متخصصان این اعداد را حتی بیشتر به منطقه ۴۰ - ۶۰٪ retracement ارسال می کنند.



شکل ۲۰.۴ b سه خط افقی نشان‌دهنده ۳۸٪، ۵۰٪ و ۶۲ درصد سطوح retracement اندازه‌گیری شده از آوریل ۱۹۹۷ تا بالا است. اولین کاهش به خط ۳۸٪ افت کرد، دومین کاهش به خط ۶۲٪ و سومی نزدیک خط ۵۰٪. بیشتر اصلاحات از ۳۸ درصد به ۵۰ درصد مناطق retracement پشتیبانی خواهند کرد. این ۳۸ درصد و ۶۲٪ خطوط دنباله فیبوناچی هستند و با chartists ها محبوب هستند.

دانش آموزان W. د. آگاه هستند که او ساختار روند را با ۸/۸، ۸/۷، ۸/۶، ۸/۵، ۸/۴، ۸/۳، ۸/۲، ۱/۱ با این حال، حتی Gann اهمیت ویژه‌ای به ۸/۳ (۳۸٪)، ۸/۴ (۵۰٪)، و ۸/۵ (۶۲٪) داشت و همچنین احساس کرد که تقسیم کردن روند به یک سوم - ۳/۱ (۳۳٪) و ۳/۲ (۶۶٪) مهم است.

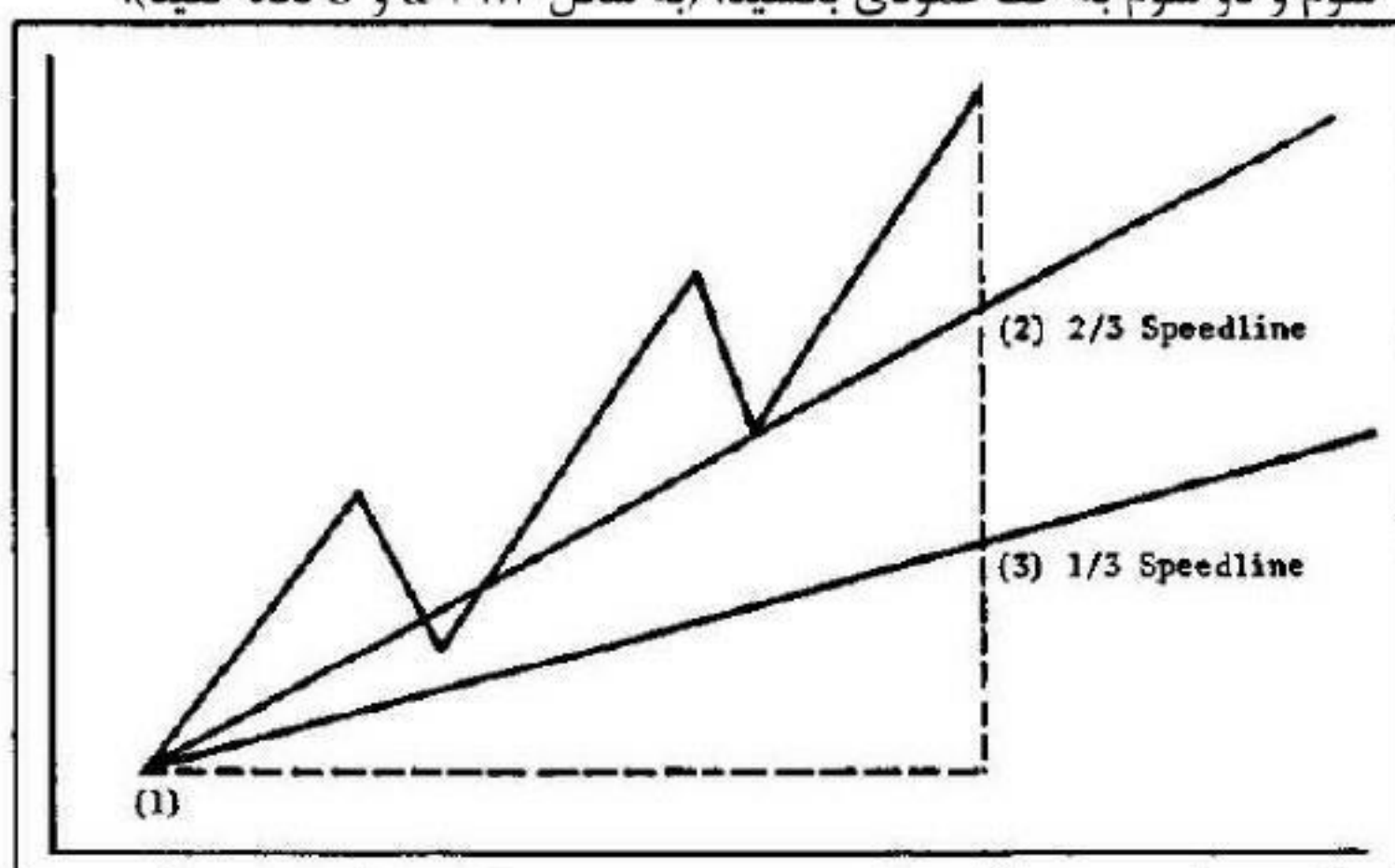
خطوط مقاومت کم

let's که از یک سوم صحبت می‌کند، به تکنیکی دیگر دست می‌یابد که خط روند را با درصد speedlines - retracements ترکیب می‌کند. این تکنیک که توسط Edson گولد طراحی شده است در واقع یک سازگاری است

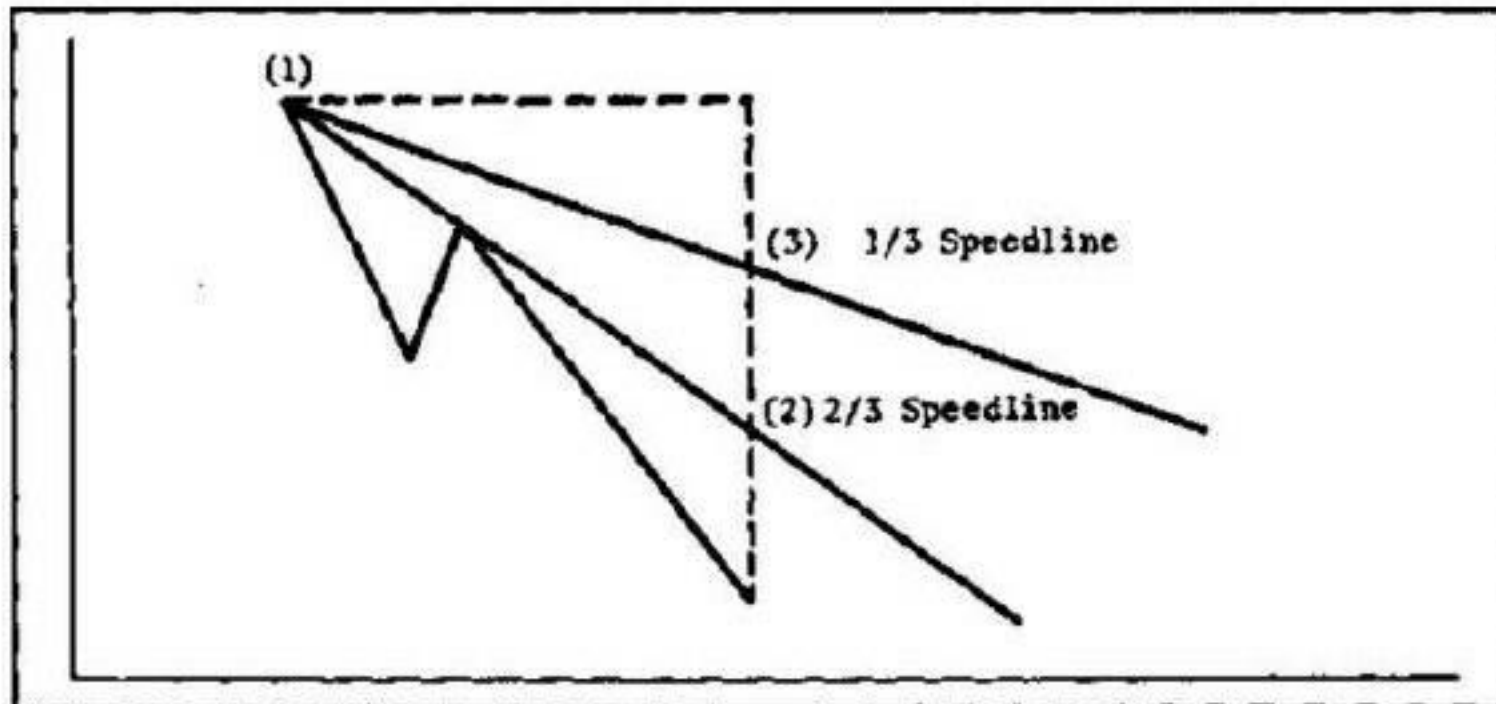
فصل ۴

ایده تقسیم روند به یک سوم. تفاوت اصلی از درصد وزنی این است که خطوط مقاومت سرعت، سرعت صعود یا نزول یک روند (به عبارت دیگر، سرعت آن) را اندازه می‌گیرند.

برای ساخت a صعودی، بالاترین نقطه در uptrend فعلی را بیابید. (مراجعه به شکل ۴ - ۴) از نقطه بالایی در نمودار، یک خط عمودی به سمت پایین نمودار کشیده می‌شود تا جایی که روند شروع شد. سپس این خط عمودی به دو بخش تقسیم می‌شود. سپس خط روند از آغاز روند از طریق دو نقطه مشخص شده در خط عمودی، که نشان‌دهنده یک سوم و دو سوم است، کشیده می‌شود. در روند نزولی، این روند را معکوس کنید. فاصله عمودی از نقطه پایین در روند نزولی تا شروع روند را اندازه بگیرید، و دو خط از آغاز روند از طریق یک سوم و دو سوم به خط عمودی بکشید. (به شکل ۴.۲۱ a و b نگاه کنید).



شکل ۴ - ۲۱ نمونه‌هایی از خطوط مقاومت با سرعت در یک uptrend را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. فاصله عمودی از قله تا ابتدای این روند به دو بخش تقسیم می‌شود. سپس دو trendlines از نقطه ۱ به نقاط ۲ و ۳ کشیده می‌شوند. خط بالایی ۳ / ۲ speedline و قسمت پایین آن ۳ / ۱ است. این خطوط باید به عنوان پشتیبان در طول اصلاحات بازار عمل کنند. زمانی که آن‌ها شکسته می‌شوند، به خطوط مقاومت در برابر bounces برمی‌گردند. گاهی اوقات این speedlines اقدام قیمت را قطع می‌کنند.



شکل ب.

هر زمان که یک ارتفاع جدید در یک خط راست یا پایین در یک روند نزولی ایجاد می‌شود، مجموعه جدیدی از خطوط باید کشیده شوند (چون در حال حاضر یک نقطه جدید یا پایین وجود دارد). از آنجا که the از ابتدای روند به دو سوم و دو سوم کشیده‌شده، آن trendlines گاهی ممکن است برخی از اقدامات قیمت را انجام دهند. این موردی است که در آن خطوط روند کم‌تر یا بیش از حد بالایی تنظیم نمی‌شوند، اما در واقع از طریق عمل قیمت.

اگر یک uptrend در فرآیند تصحیح خود باشد، تصحیح نزولی معمولاً در speedline بالاتر (۳ / ۲ speedline) متوقف می‌شود. اگر نه، قیمت به the (۳V speedline) کاهش خواهد یافت. اگر خط پایین نیز شکسته باشد، قیمت‌ها احتمالاً تا شروع روند قبلی ادامه خواهند یافت. در روند نزولی، شکستن خط پایین نشان‌دهنده یک تجمع احتمالی برای خط بالاتر است. اگر آن شکست بخورد، تظاهرات به بالای روند قبلی نشان داده خواهد شد.

همانند تمامی trendlines، هنگامی که آن‌ها شکسته شوند، speedlines نقش‌های معکوس را معکوس می‌کنند. بنابراین، در طول اصلاح یک uptrend، اگر خط بالایی (۳ / ۲) شکسته باشد و قیمت‌ها به خط ۳ / ۱ کاهش یابند و از آنجا تجمع کنند، خط بالایی به یک مانع مقاومت تبدیل می‌شود. تنها زمانی که خط بالایی شکسته می‌شود، سیگنال داده می‌شود که the قدیمی احتمالاً به چالش کشیده خواهد شد. همین اصل در downtrends صادق است.

خطوط gann FAN و fibonacci

نرم افزار Charting همچنین اجازه طراحی of و خطوط هوادار فیبوناچی را می دهد. خطوط هوادار فیبوناچی به همین شکل به سبک the کشیده می شوند. بجز این خطوط فیبوناچی در ۳۸ درصد و ۶۲٪ زاویه کشیده شده اند. (ما توضیح خواهیم داد که در جایی که این ۳۸٪ و ۶۲٪ از فصل ۱۳ آمده اند، خطوط Gann (که بعد از تاجر معروف کالا، Gann W.D.) نامگذاری شده اند، trendlines هستند که از نوک یا bottoms برجسته در زوایای مختلف هندسی کشیده شده اند. مهم ترین خط Gann در زاویه ۴۵ درجه از پیک یا ناوه کشیده می شود. خطوط Gann می توانند در طی یک دوره uptrend در برابر ۶۳۳ / ۴ درجه و ۷۵ درجه تنظیم شوند. خطوط Gann می توانند در ۲۶ / ۴۷ و ۱۵ درجه کشیده شوند. It's ممکن است به اندازه ۹ خط Gann مختلف رسم شود.

خطوط Fibonacci و فیبوناچی به همین روش به عنوان speedlines استفاده می شوند. قرار است آن ها در طی اصلاحات رو به پایین حمایت کنند. زمانی که یک خط شکسته شود، قیمت ها معمولاً به خط پایین بعدی تنزل خواهند یافت. خطوط Gann تا حدی بحث برانگیز هستند. حتی اگر یکی از آن ها کار کند، باید از قبل مطمئن شوید که یکی از آن ها خواهد بود. برخی از chartists اعتبار رسم trendlines هندسی را زیر سوال می برند.

trendlines داخلی

اینها تغییراتی از خط روند هستند که don't بر فراز highs شدید یا lows تکیه دارند. در عوض، trendlines داخلی از طریق عمل قیمت کشیده می شوند و تا جایی که ممکن است به بسیاری از پیک های داخلی یا troughs متصل می شوند. برخی از chartists چشم خوبی برای این نوع از روند ایجاد می کنند و آن ها را مفید می یابند. مشکل trendlines داخلی این است که نقاشی آن ها بسیار ذهنی است؛ در حالی که قوانین مربوط به طراحی trendlines سنتی در امتداد بالاترین سطح بالایی و پایینی دقیق تر هستند. (به شکل ۴ - ۴ مراجعه کنید).

روز سختی بود.

یک بلوک مهم دیگر، روز معکوس است. این تشکیل نمودار خاص بسیاری از اسامی را تشکیل می دهد - روز برگشت بالا،



شکل ۴,۲۱- این خط روند داخلی در اوایل سال ۱۹۹۶ به اوج خود رسید که از یک سال بعد در طول بهار سال ۱۹۹۷ پشتیبانی می کرد.

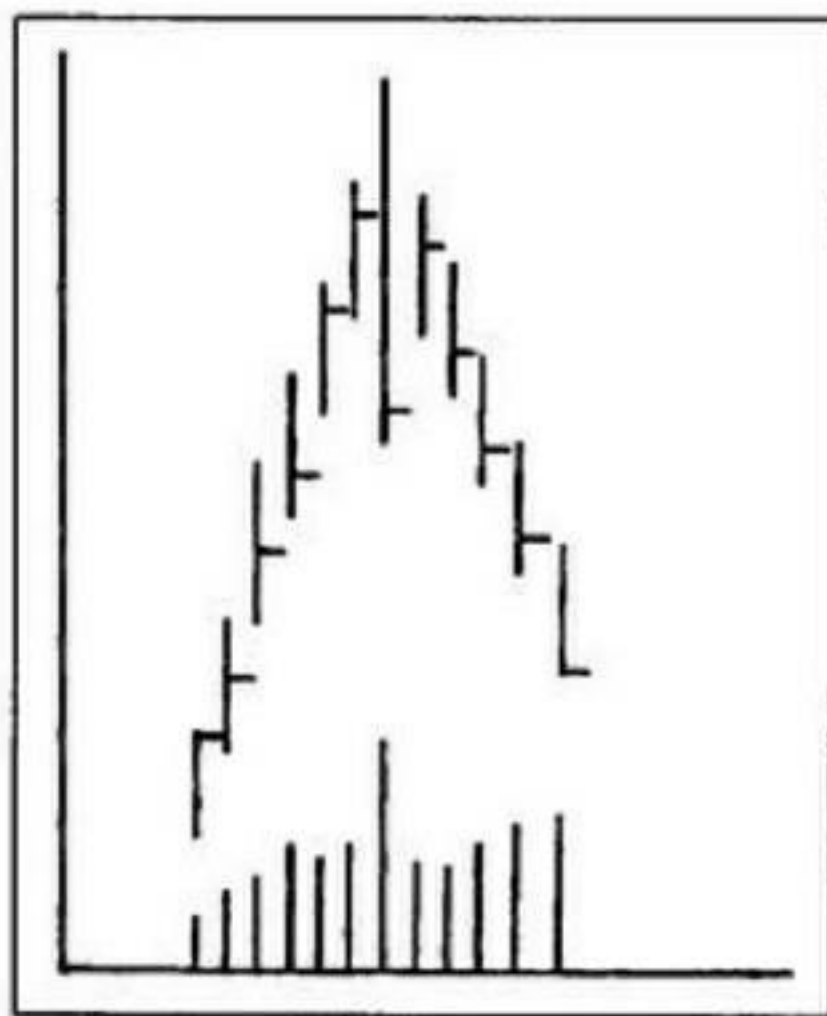
روز برگشت پایین، خرید یا فروش اوج و روز تغییر کلید. این سازند به خودی خود از اهمیت خاصی برخوردار نیست. اما در زمینه سایر اطلاعات تکنیکال، گاهی اوقات می تواند مهم باشد. بگذارید اول تعریف روز معکوس را تعریف کنیم. یک روز برگشت در بالا یا پایین رخ می دهد. تعریف کلی پذیرفته شده از یک روز برگشت بالا، تنظیم یک سطح جدید در یک uptrend است که بعد از آن یک روز پایین تر در همان روز قرار دارد. به عبارت دیگر، قیمت برای یک upmove داده شده در برخی از نقاط در طول روز (معمولا در یا نزدیک دهانه) باعث ضعیف شدن و در واقع کم تر از بسته شدن day's قبلی می شود. یک روز برگشت پایین در طول روز کمی جدید خواهد بود و بعد از آن یک روز بالاتر خواهد بود.

هرچه دامنه در روز بزرگ تر باشد و حجم آن سنگین تر باشد، سیگنال برای مدت زمانی نزدیک مهم تر است.

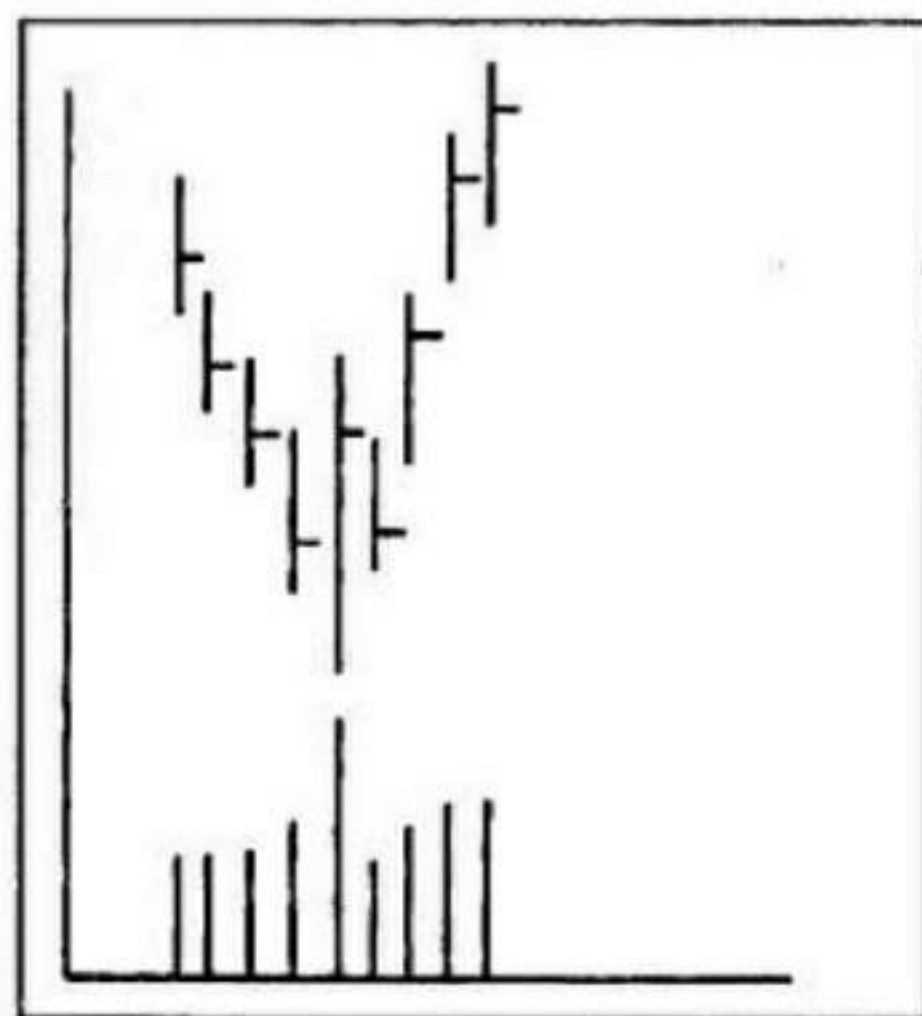
فصل چهارم

برگشت روند. شکل‌های ۲۲.۴ a - b نشان می‌دهند که هر دو به نمودار میله‌ای شکل خواهند داد. به حجم سنگین‌تر در روز معکوس توجه داشته باشید. همچنین توجه داشته باشید که هر دو سطح بالا و پایین در روز معکوس از محدوده روز قبل بیشتر است، که یک روز بیرون تشکیل می‌دهند. در حالی که یک روز بیرون یک الزام برای یک روز معکوس نیست، اهمیت بیشتری دارد. (مراجعه به شکل ۲۲.۴ c)

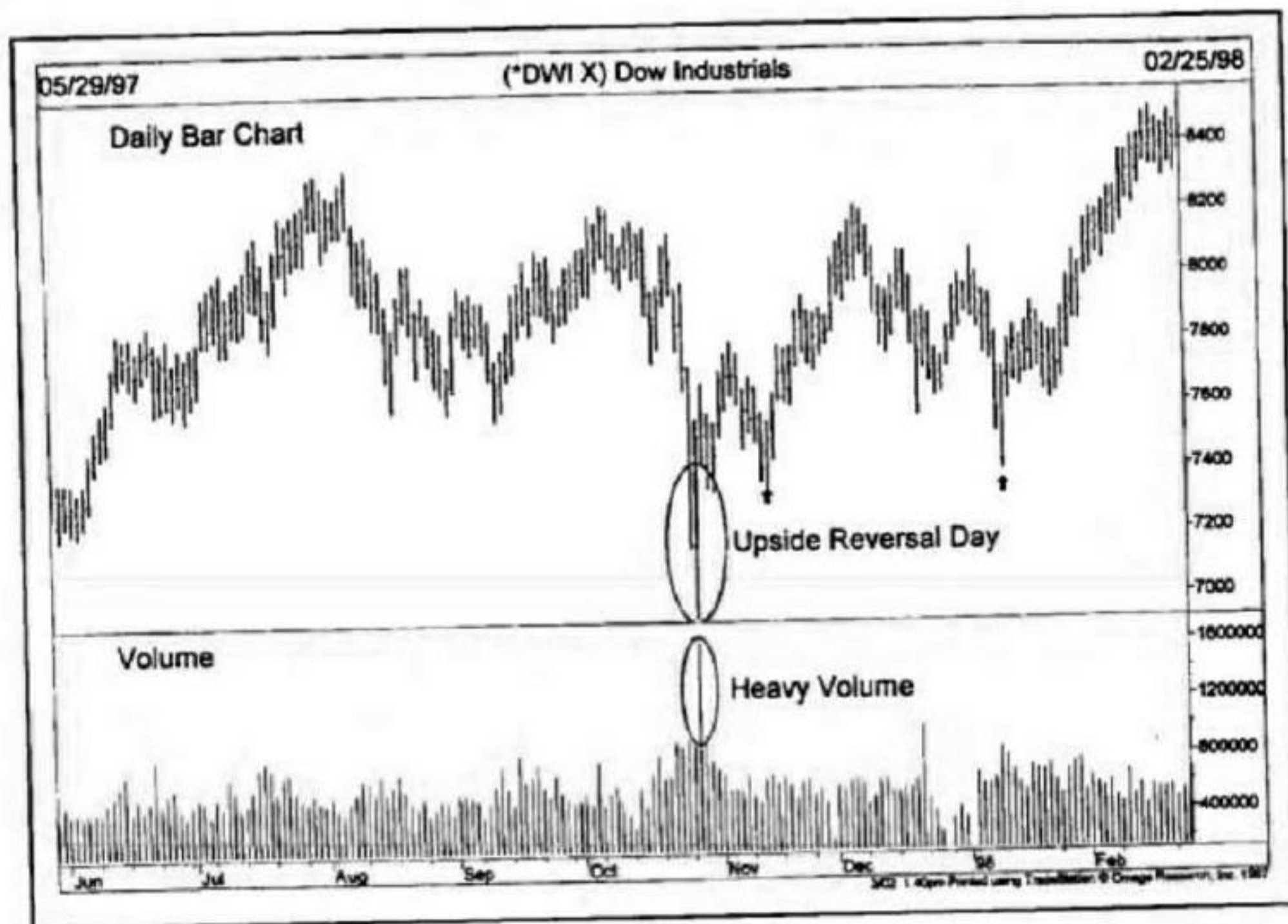
روز برگشت به پایین گاهی به عنوان نقطه اوج فروش یاد می‌شود. این معمولاً یک تغییر چشمگیر در پایین یک حرکت پایین است که در آن تمام افراد مایوس، در نهایت مجبور به خروج از بازار با حجم سنگین شده‌اند. عدم وجود فشار فروش، خلا را در بازار ایجاد می‌کند که قیمت‌ها به سرعت در حال پر شدن هستند. نقطه اوج فروش یکی از نمونه‌های بارز آن روز معکوس است و در حالی که ممکن است انتهای نهایی یک بازار سقوط را نشان ندهد، معمولاً نشان می‌دهد که یک کم قابل توجه دیده شده است.



شکل ۲۲.۴ b مثال یک روز برگشت پایین را نشان می‌دهد. اگر حجم به طور خاص سنگین باشد، reversals پایین اغلب به عنوان "fروش climaxes" نامیده می‌شوند.



شکل ۲۲.۴ نمونه‌ای از یک روز برگشت بالا را نشان می‌دهد. هرچه حجم در روز معکوس و دامنه وسیع‌تر باشد، مهم‌تر می‌شود.



... October 28, 1997 was a classic exam-

شکل ۴.۲۲ c نمودار عملکرد نمودار ۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ یک نمونه کلاسیک از یک روز معکوس معکوس یا "اوج فروش" بود. قیمت‌ها به شدت پایین و به شدت بسته شدند. بار سنگین و غیر معمول آن روز به اهمیت آن افزوده شد. دو روز معکوس معکوس (معکوس) کمتر (arrows را ببینید) نیز bottoms قیمت را نشان می‌دهد.

این نوع الگوی معکوس، نمودارهای میله‌ای هفتگی و ماهانه را نشان می‌دهد. در یک چارت هفتگی، هر بار نماینده کل هفته است که در روز جمعه ثبت شده‌است. به همین دلیل، یک تغییر هفتگی وارونه زمانی رخ خواهد داد که معاملات بازار در طول هفته کمتر شود، اما در روز جمعه بیشتر از روز جمعه گذشته بسته می‌شود.

reversals هفتگی بسیار مهم‌تر از معکوس روزمره به دلایل واضح هستند و از نزدیک با chartists به عنوان نقطه عطفی مهم زیر نظر گرفته می‌شوند. به همین ترتیب، reversals ماهانه مهم‌تر است.

قیمت قیمت

شکاف‌های قیمت به سادگی بر روی نمودار میله‌ای هستند که در آن هیچ تجارت صورت نگرفته است. برای مثال، در یک uptrend، قیمت بالای بالاترین قیمت روز قبل باز می‌شود، یک شکاف یا فضای باز بر روی نمودار که در طول روز پر نمی‌شود را ترک می‌کند. در روند نزولی، بالاترین قیمت day's پایین day's قبلی است. شکاف‌های سر و ته نشانه‌ای از قدرت بازار هستند در حالی که شکاف نزولی معمولاً نشانه ضعف هستند. شکاف‌ها می‌توانند در جدول‌های زمانی بلند و ماهانه ظاهر شوند و، هنگامی که آن‌ها انجام می‌دهند، معمولاً بسیار قابل توجه هستند. اما آن‌ها معمولاً در نمودارهای میله‌ای روزانه دیده می‌شوند. چندین افسانه در مورد تفسیر of وجود دارد. یکی از اصولی که اغلب شنیده می‌شود این است که "شکاف‌ها همیشه پر می‌شوند" این درست نیست. برخی باید پر شوند و برخی دیگر shouldn't شوند. همچنین خواهیم دید که فاصله‌های پیش‌بینی متفاوتی بسته به این که چه نوع از آن‌ها هستند و در کجا رخ می‌دهند، دارند.

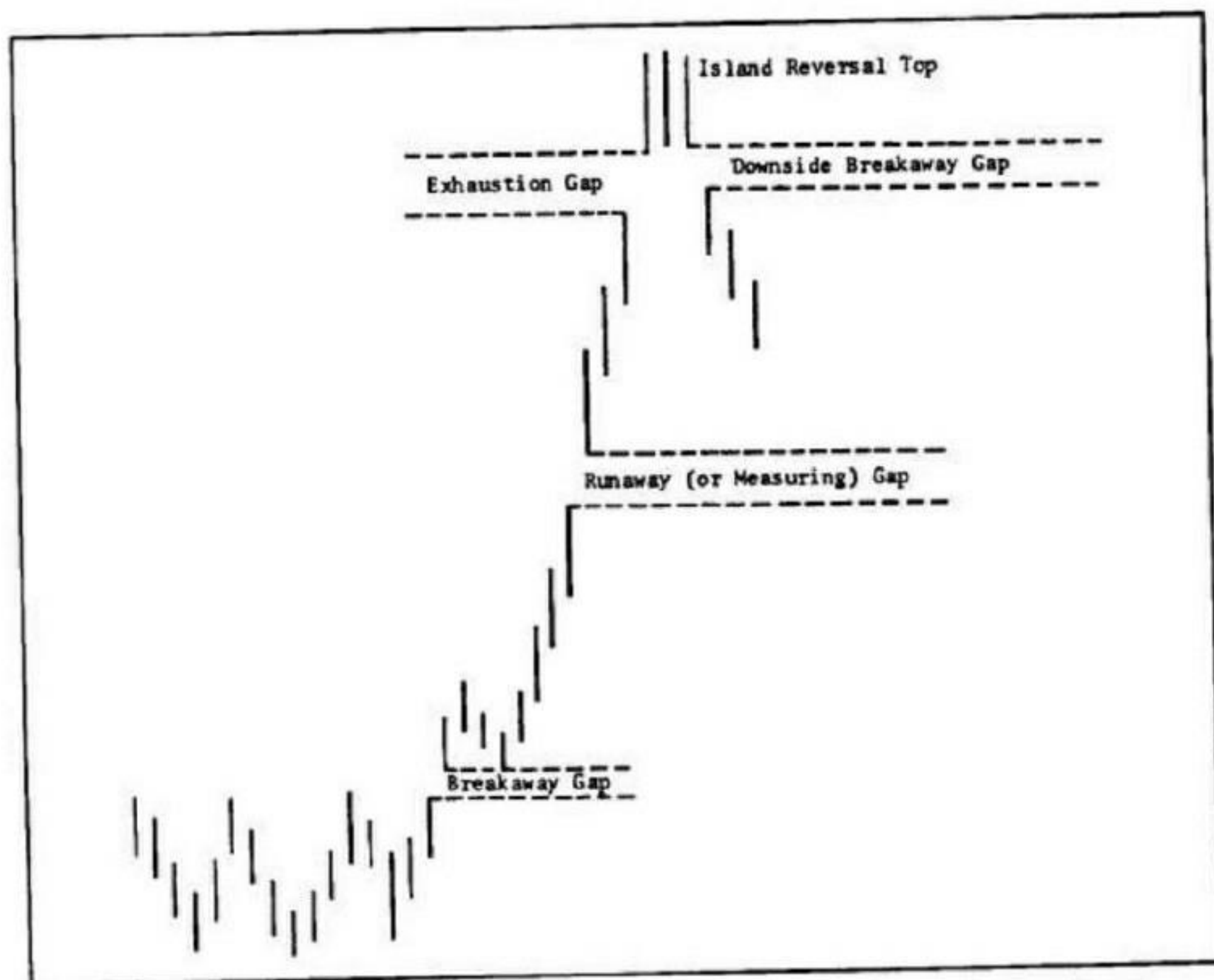
سه نوع شکاف‌ها

سه نوع کلی شکاف وجود دارد: جدایی، فراری (یا اندازه‌گیری)، و gaps خستگی.

گپ breakaway. شکاف جدایی معمولاً در تکمیل یک الگوی قیمت مهم رخ می‌دهد و معمولاً نشان‌دهنده آغاز یک حرکت بازار مهم است. پس از آنکه یک بازار دارای الگوی اصلی مبنا است، شکستن مقاومت اغلب در شکاف جدایی رخ می‌دهد. به دلیل این نوع خلا، حمله بزرگ از topping یا basing مناطق، زمینه‌ای برای تولید این نوع شکاف است. شکستن خط روند اصلی، سیگنال دهی روند معکوس، ممکن است شکاف جدایی را نیز ببیند.

شکاف‌های breakaway معمولاً در حجم سنگین ایجاد می‌شوند. بیشتر از نه، شکاف جدایی پر نمی‌شود. قیمت ممکن است به انتهای فوقانی شکاف (در مورد شکست صعودی) برگردد و حتی ممکن است قسمتی از فاصله را ببندد، اما بخشی از این فاصله اغلب پر نشده است. به عنوان یک قاعده، هرچه حجم آن پس از چنین فاصله‌ای طولانی‌تر باشد، کم‌تر پر می‌شود. فواصل وارونه معمولاً به عنوان مناطق حمایتی در اصلاحات متعاقب بازار عمل می‌کنند. It's مهم این است که قیمت‌ها پایین‌تر از gaps در طول یک uptrend قرار نمی‌گیرند. در تمام موارد a، نزدیک به شکاف رو به بالا نشانه ضعف است. (به شکل‌های ۲۳.۴ a و b نگاه کنید.)

مفاهیم پایه روند ۹۵



فاصله گریز در نقطه میانی رخ می‌دهد (به همین دلیل است که آن خلا اندازه‌گیری نامیده می‌شود). شکاف تولید به صورت وارونه و پس از آن در عرض یک هفته پس از یک شکاف جدایی به قسمت نزولی، یک وارونگی معکوس جزیره را ترک کرد. توجه داشته باشید که شکاف خالی و دور در طول راه پر نشده است، که اغلب اینطور است.

واگن برقی فراری یا فراری. پس از این که این حرکت مدتی در حال انجام است، جایی در اطراف نقطه شروع، قیمت‌ها به جلو بپرند تا نوع دوم فاصله (یا مجموعه‌ای از شکاف‌ها) به نام شکاف فراری را شکل دهند. این نوع شکاف، وضعیتی را نشان می‌دهد که در آن بازار بدون زحمت در حجم متوسط حرکت می‌کند. در یک uptrend، نشانه قدرت بازار است؛ در یک روند نزولی، نشانه ضعف است. در اینجا دوباره، فضاهای خالی به عنوان حمایت از بازار بر روی اصلاحات بعدی عمل می‌کنند و اغلب پر نمی‌شوند. همانطور که در مورد جدایی، کمی پایین‌تر از فاصله فراری یک علامت منفی در یک uptrend است.



شکل ۲۳.۴ b / ۷۷ e اولین شکاف "خستگی" نزدیک پایان تجمع را نشان می‌دهد. قیمت‌های پایین‌تر از آن شکاف به بالا نشان داده می‌شود. جعبه دوم یک خلا "اندازه‌گیری" در نیمه میانی از طریق روند نزولی است. جعبه سوم یک شکاف "خستگی" دیگر در پایین است. این حرکت در بالا از این فاصله با قیمت بالاتر همراه است.

این تنوع از شکاف نیز یک فاصله اندازه‌گیری نامیده می‌شود زیرا معمولاً در نیمه میانی یک روند رخ می‌دهد. با اندازه‌گیری فاصله در حال حاضر از سیگنال جریان اصلی یا شکست، یک تخمین از میزان احتمال حرکت باقی مانده را میتوان با دو برابر کردن مقدار بدست‌آمده تعیین کرد.

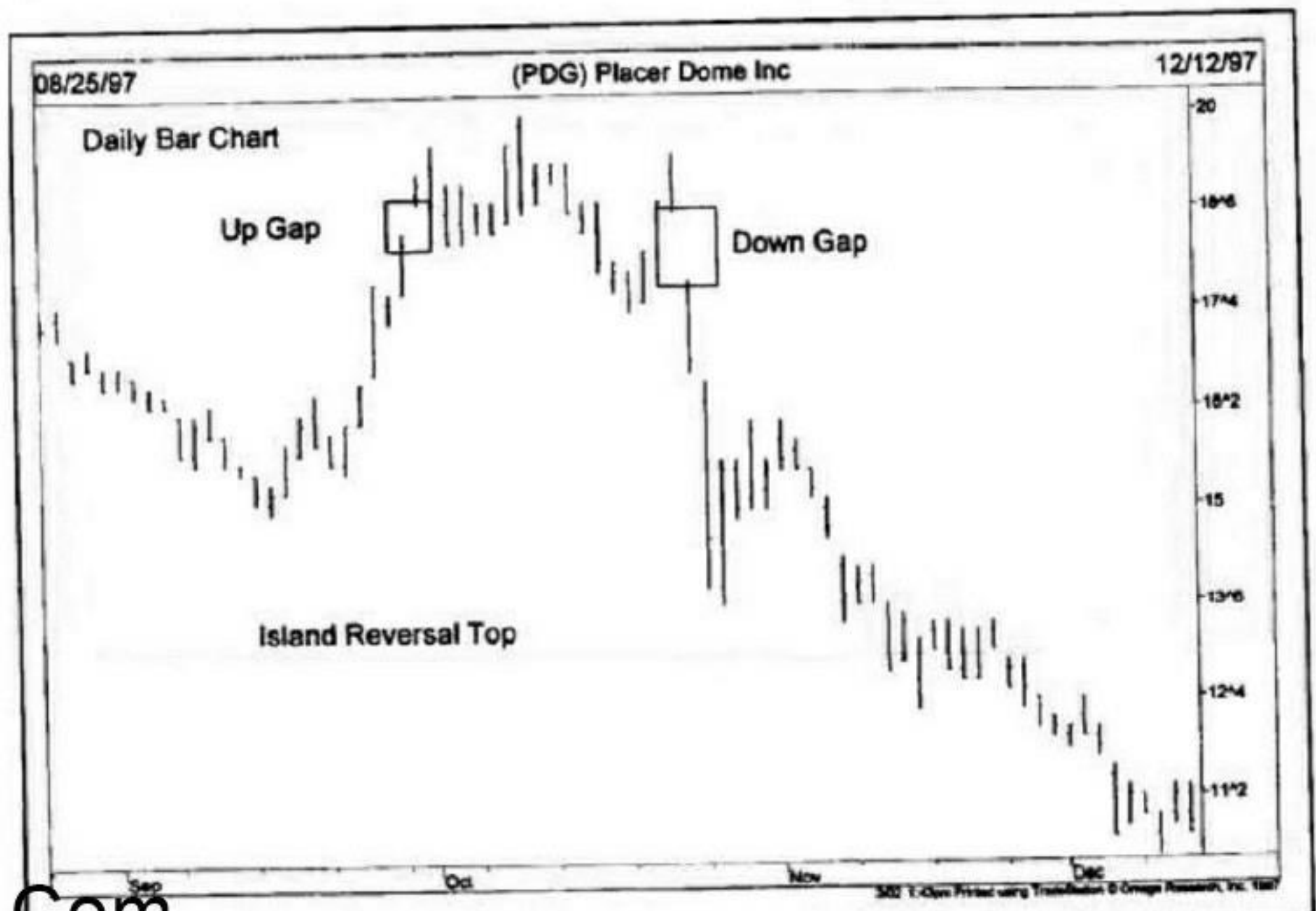
شکاف فرسودگی. آخرین نوع شکاف نزدیک به پایان یک حرکت بازار دیده می‌شود. بعد از این که همه اهداف بدست آمدند و دو نوع شکاف (جداشده و فراری) شناسایی شدند، تحلیلگر باید انتظار فاصله فرسودگی را داشته باشد. نزدیک انتهای یک uptrend، قیمت‌ها در آخرین نفس به جلو خیز بر می‌دارند تا صحبت کنند. با این حال، جهش رو به رشد به سرعت محو می‌شود و قیمت‌ها در عرض چند روز یا در عرض یک هفته کاهش می‌یابند. زمانی که قیمت‌ها نزدیک می‌شوند

در این فاصله آخری، معمولاً نشانه dead است که شکاف ناشی از آن ظاهر خود را به دست آورده است. این یک نمونه کلاسیک است که در آن سقوط پایین تر از یک شکاف در an دارای مفاهیم رفتاری خشن است.

جزیره Island

این امر ما را به الگوی معکوس جزیره می برد. گاهی اوقات پس از این که شکاف رو به بالا شکل می گیرد، قیمت ها در یک محدوده باریک برای چند روز یا چند هفته قبل از رسیدن به عیب کار خواهند کرد. چنین وضعیتی چند روز عمل قیمت را ترک می کند که شبیه به "جزیره" احاطه شده توسط فضا یا آب است. شکاف ایجاد شده تا معکوس و پس از آن خلا جدایی طلبانه الگوی برگشت جزیره را کامل می کند و معمولاً نشان دهنده معکوس کردن یک روند است. البته، اهمیت اصلی برگشت به جایی بستگی دارد که قیمت ها در ساختار روند کلی هستند. (مراجعه به شکل ۲۳.۴ C)

این
است:



شکل ۲۳.۴ c دو شکاف در این نمودار روزانه یک "برگشت جزیره‌ای" را شکل می‌دهد. اولین جعبه یک شکاف بالا را بعد از تجمع نشان می‌دهد. جعبه دوم یک شکاف را سه هفته بعد نشان می‌دهد. این ترکیب شکاف معمولاً نشان‌دهنده یک بالا مهم است.

نتیجه‌گیری

این فصل ابزارهای تکنیکال مقدماتی را معرفی کرد که من در نظر دارم بلوک‌های سازنده آنالیز نمودار - پشتیبانی و مقاومت، trendlines و کانال‌ها، درصد retracements، خطوط مقاومت سرعت، روز معکوس، و شکاف‌ها را معرفی کنم. هر رویکرد تکنیکال که در بخش‌های بعدی پوشش داده می‌شود از این مفاهیم و ابزارها به شکلی دیگر استفاده می‌کند. ما با درک بهتر این مفاهیم، اکنون آماده ایم تا مطالعه الگوهای قیمت را آغاز کنیم.

مقدمه

تا کنون به تیوری داو، که مبنای بسیاری از روند مورد استفاده امروز است، دست یافته‌ایم. ما مفاهیم بنیادی روند، مانند حمایت، مقاومت و trendlines را بررسی کرده‌ایم. و ما حجم و منافع باز را معرفی کردیم. ما اکنون آماده پذیرش گام بعدی هستیم که مطالعه الگوهای نمودار است. شما سریع متوجه خواهید شد که این الگوها بر روی مفاهیم قبلی بنا شده‌اند.

در فصل ۴ تعریفی از یک روند به عنوان یک سری از قله‌ها و troughs صعودی ارائه شد. تا زمانی که آن‌ها در حرکت بودند، این روند افزایش یافت؛ اگر آن‌ها پایین می‌رفتند، روند کاهش پیدا می‌کرد. با این حال، تاکید شده‌است که بازارها نیز برای بخش خاصی از زمان حرکت می‌کنند. این دوره از یک حرکت بازار است که بیشتر در دو فصل آتی به ما مربوط خواهد شد.

این یک اشتباه است که فرض کنیم اغلب تغییرات در روند بسیار مشکل هستند. واقعیت این است که تغییرات مهم در روند معمولاً نیازمند یک دوره گذار هستند. مشکل این است که

فصل پنجم

این دوره‌های گذار همیشه نشان‌دهنده برگشت روند نیستند. گاهی اوقات این دوره‌های زیرچشمی فقط نشان‌دهنده مکث یا consol در روند موجود است که بعد از آن روند اصلی از سر گرفته می‌شود.

قیمت قیمت

مطالعه این دوره‌های انتقالی و پیش‌بینی آن‌ها منجر به پرسش الگوهای قیمت می‌شود. اول از همه، الگوهای قیمت چیست؟ الگوهای قیمت، تصاویر یا اشکال هستند، که بر روی نمودارهای قیمت سهام یا کالا ظاهر می‌شوند، که می‌تواند به مقوله‌های مختلف تقسیم شود، و این امر دارای ارزش پیش‌بینی‌کننده است.

دو نوع PATTERNS: reversal و CONTINUATION

دو مقوله اصلی از الگوهای قیمت وجود دارد - برگشت و ادامه. همانطور که این نام‌ها نشان می‌دهند، الگوهای برگشت نشان می‌دهند که یک برگشت مهم در روند در حال رخ دادن است. از سوی دیگر، الگوهای تداوم پیشنهاد می‌کنند که بازار فقط برای مدتی متوقف می‌شود، احتمالاً برای درست کردن شرایط نزدیک به شرایط overbought یا oversold، که پس از آن روند موجود از سر گرفته خواهد شد. ترفند این است که بین دو نوع الگو تا حد امکان در طول تشکیل الگو تمایز قایل شویم.

در این بخش پنج الگوی معکوس اصلی مورد استفاده را بررسی خواهیم کرد: سر و شانه‌ها، tops سه‌گانه و bottoms، بالا و پایین، بالا (یا V)، بالا (یا V) الگوی گرد کردن (یا saucer). ما خود تشکیل قیمت را بررسی خواهیم کرد، نحوه تشکیل آن در نمودار و نحوه شناسایی آن را بررسی خواهیم کرد. سپس به ملاحظات مهم دیگر - الگوی حجم همراه و مفاهیم اندازه‌گیری نگاه خواهیم کرد.

حجم بازی نقش مهمی در تایید همه این الگوهای قیمت ایفا می‌کند. در زمان‌های تردید (و تعداد زیادی از آن‌ها وجود دارند)، مطالعه الگوی حجم همراه با داده‌های قیمت می‌تواند عامل تعیین‌کننده این باشد که آیا این الگو می‌تواند مورد اعتماد باشد یا خیر.

اغلب الگوهای قیمت نیز تکنیک‌های سنجش مشخصی دارند که به تحلیلگر برای تعیین حداقل اهداف قیمت کمک می‌کند. در حالی که این اهداف تنها تقریبی از اندازه حرکت بعدی هستند، آن‌ها در کمک به تاجر برای مشخص کردن پاداش خود به نسبت ریسک مفید هستند.

در فصل ۵، ما به مقوله دوم از الگوها - یعنی تنوع ادامه خواهیم داد. در آنجا ما مثلث‌ها، پرچم‌ها، پرچم‌ها، wedge و rectangles را بررسی خواهیم کرد. این الگوها معمولاً منعکس‌کننده مکث در روند موجود هستند و نه معکوس، و معمولاً به عنوان واسطه و فرعی به عنوان مخالف طبقه‌بندی می‌شوند.

نکات مقدماتی مشترک برای همه الگوهای

Reversal

قبل از شروع بحث ما از الگوهای برگشت اصلی منفرد، چند نکته مقدماتی وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند که در همه این الگوهای بازگشتی مشترک هستند.

1. یک پیش‌نیاز برای هر الگوی برگشت وجود یک روند قبلی است.
2. اولین سیگنال از برگشت یک روند، اغلب شکستن خط روند مهم است.
3. هر چه الگوی بزرگ‌تر باشد، حرکت بعدی بیشتر خواهد بود.
4. الگوهای بیشتر معمولاً کوتاه‌تر و more از bottoms هستند.
5. آن‌ها معمولاً دامنه قیمت کوچکتری دارند و بیشتر طول می‌کشند.
6. حجم معمولاً در حالت وارونه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نیاز به یک روند قبلی. وجود یک روند بزرگ قبلی پیش‌نیاز مهم هر الگوی معکوس است. بازار باید حتماً چیزی برای معکوس داشته باشد. شکل‌گیری گاهی روی نمودارها که شبیه یکی از الگوهای بازگشتی است ظاهر می‌شود. با این حال، اگر این الگو از یک روند پیروی نکرده باشد، هیچ چیزی برای معکوس کردن وجود ندارد و الگو مظلون است. دانستن اینکه در کجا الگوهای خاصی در ساختار روند پیدا می‌شوند، یکی از عناصر کلیدی در تشخیص الگو است.

نتیجه منطقی این نکته داشتن یک روند قبلی برای معکوس کردن موضوع اندازه‌گیری مفاهیم است. پیش‌تر بیان شد که اغلب تکنیک‌های اندازه‌گیری تنها به حداقل اهداف قیمت می‌رسند. حداکثر هدف، میزان کلی حرکت قبلی خواهد بود. اگر یک بازار اصلی در حال رخ دادن باشد و یک الگوی اصلی در حال شکل‌گیری است، حداکثر مفهوم حرکت پتانسیل به نزولی یک ۱۰۰٪ تخفیف در بازار گاو یا نقطه شروع همه آن است.

شکستن trendlines مهم. اولین نشانه از برگشت یک روند، اغلب شکستن خط روند مهم است. با این حال به خاطر داشته باشید که تخطی از خط روند اصلی لزوماً نشان‌دهنده برگشت روند نیست. چیزی که نشان داده می‌شود تغییر در روند است. شکستن خط روند بزرگ ممکن است نشان‌دهنده آغاز یک الگوی قیمت یک جانبه باشد، که بعداً به عنوان یک نوع برگشت یا ادغام معرفی خواهد شد. گاهی شکستن خط روند اصلی با تکمیل الگوی قیمت همزمان است.

هر چه این الگو بزرگ‌تر باشد پتانسیل آن بزرگ‌تر خواهد بود. هنگامی که از عبارت "بزرگ‌تر" استفاده می‌کنیم، به ارتفاع و عرض الگوی قیمت اشاره می‌کنیم. ارتفاع، نوسانات الگوی را اندازه‌گیری می‌کند. عرض آن مقدار زمان مورد نیاز برای ساخت و تکمیل الگو است. هرچه اندازه الگو بزرگ‌تر باشد - یعنی، نوسان قیمت در الگو (نوسان) بزرگ‌تر می‌شود - هرچه الگوی بیشتر باشد، الگو بیشتر می‌شود و پتانسیل برای حرکت قیمت بعدی بیشتر می‌شود.

تقریباً تمام تکنیک‌های اندازه‌گیری در این دو فصل براساس ارتفاع الگو هستند. این روش در درجه اول برای نمودارهای میله‌ای بکار می‌رود که از یک اندازه‌گیری عمودی teria - cri استفاده می‌کند. استفاده از اندازه‌گیری عرض افقی یک قلم بر قیمت معمولاً برای نقطه و تصویر تعیین می‌شود. این روش رسم شده از دستگاهی به نام کنت استفاده می‌کند که رابطه نزدیکی بین عرض یک یا پایین و هدف قیمت بعدی فرض می‌کند.

تفاوت بین نوک و پایین. الگوهای نفوذ به طور معمول در طول مدت کوتاه‌تر هستند و بیشتر فرار می‌کنند. نوسان قیمت در بالا پهن‌تر و شدیدتر است. معمولاً زمان کمتری می‌گیرد. کف کف معمولاً محدوده‌های قیمت کوچکتری دارند،

اما زمان بیشتری برای ساخت آن صرف کنید. به همین دلیل، این کار معمولاً آسان تر و کم هزینه تر است تا bottoms تجاری را شناسایی کند تا اینکه به بالای بازار برسد. یکی از عوامل تسلی دهنده، که باعث می شود که الگوهای treacherous ارزش بیشتری داشته باشند، این است که قیمت ها سریع تر از بالا رفتن کاهش پیدا می کنند. بنابراین، تاجر معمولاً می تواند با گرفتن بخش کمی از بازار خرس، نسبت به خرید یک بازار گاو، پول بیشتری کسب کند. همه چیز در زندگی یک تعادل بین پاداش و ریسک است. خطرات بزرگ تر با پاداش بیشتر جبران می شود و بالعکس. گرفتن الگوهای بیشتر برای گرفتن سخت تر است، اما ارزش آن ها را دارد.

حجم مهم تر است. حجم باید به طور کلی در جهت روند بازار افزایش یابد و عامل تاییدی مهمی در تکمیل تمام الگوهای قیمتی است. تکمیل هر الگو باید با افزایش قابل توجهی در حجم همراه باشد. با این حال، در مراحل اولیه تغییر روند، حجم در راس بازار مهم نیست. بازارها راهی برای کاهش وزن خود دارند. تمایل به دیدن افزایش فعالیت تجاری به عنوان افت قیمت ها، اما حیاتی نیست. اما در پایین، برداشت حجمی کاملاً ضروری است. اگر الگوی حجمی افزایش قابل توجهی در طول شکست صعودی قیمت نشان ندهد، باید کل الگوی قیمت مورد پرسش قرار گیرد. ما یک نگاه عمیق تری به حجم در فصل ۳۴ خواهیم داشت.

سر و کله reversal reversal

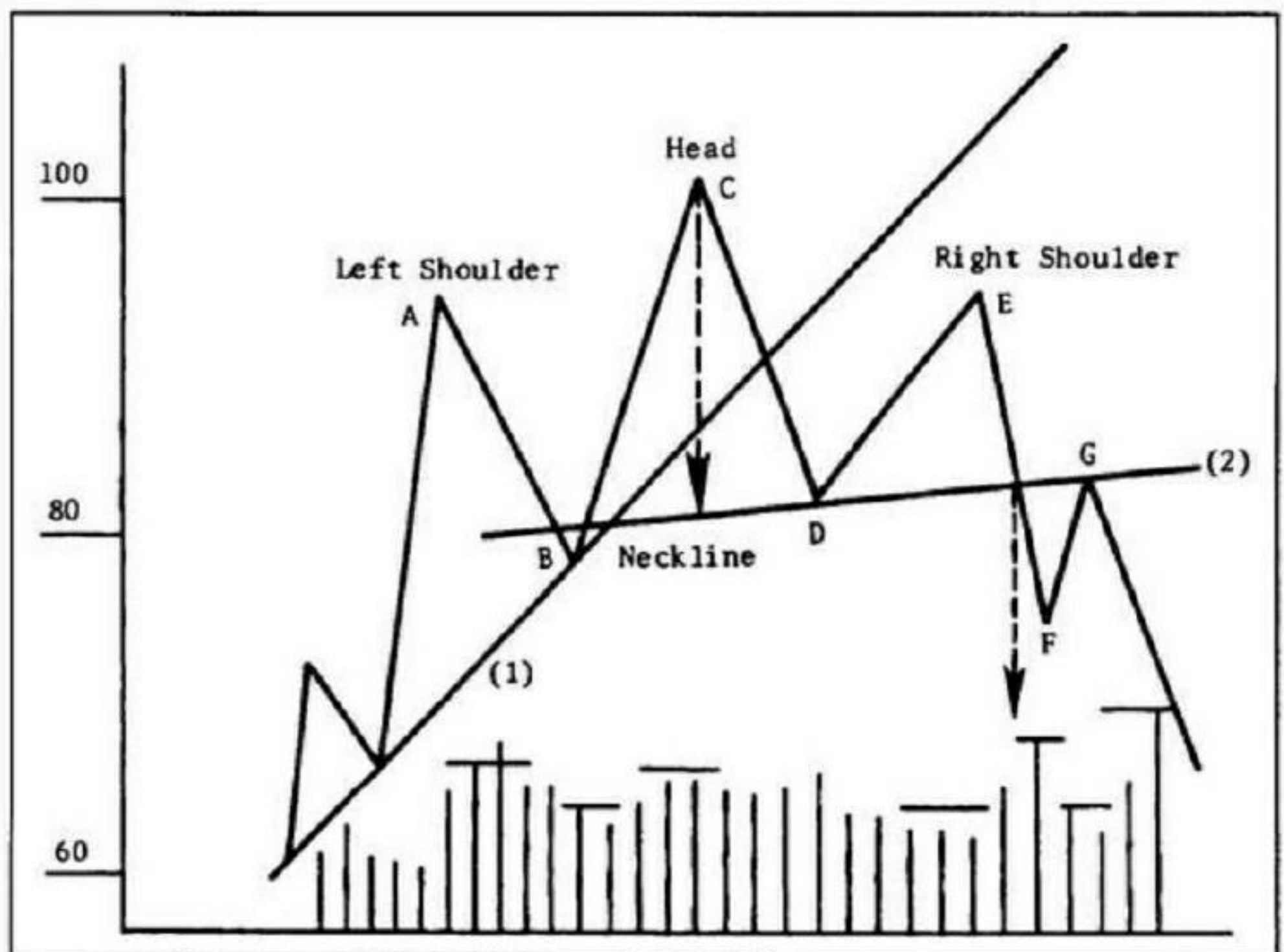
Let's یک نگاه نزدیک به چیزی که احتمالاً بهترین و most از همه الگوهای برگشت اصلی - یعنی سر و شانه هستند را در نظر بگیرید. ما زمان بیشتری را برای این الگو صرف خواهیم کرد چون مهم است و همچنین تمام نکات دقیق مربوط به آن را توضیح می دهیم. اکثر الگوهای معکوس دیگر فقط انواع سر و شانه هستند و نیاز به یک درمان گسترده ندارند.

این الگوی برگشت اصلی، مانند همه دیگر، فقط یک پالایش بیشتر از مفاهیم روند تحت پوشش در فصل ۴ است. وضعیتی را در یک uptrend بزرگ تصور کنید که در آن یک سری از قله ها و troughs صعودی به تدریج سرعت خود را از دست می دهند. the The of the The of

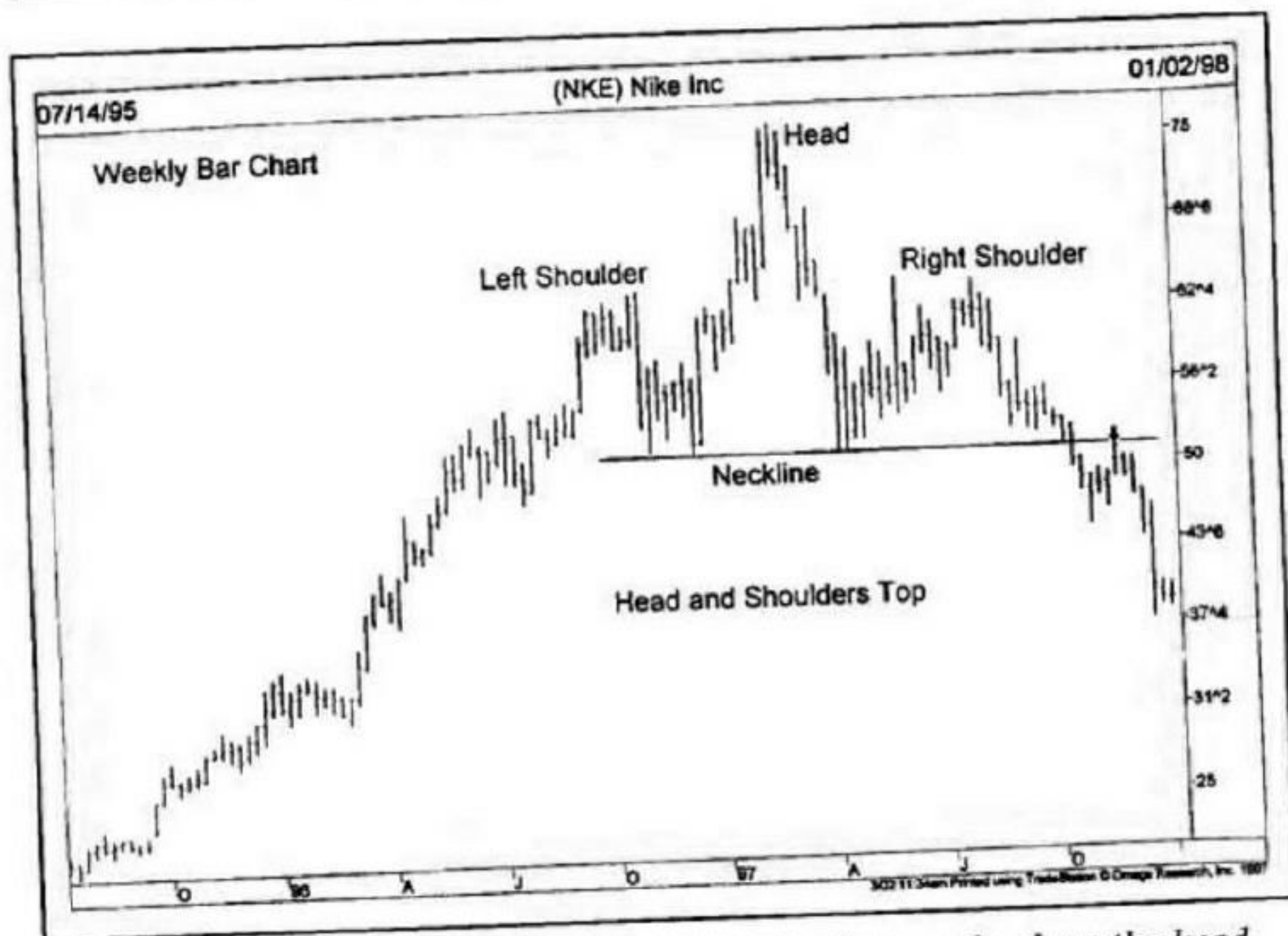
فصل پنجم

سپس آن را برای مدتی خاموش می‌کند. در طول این مدت، نیروهای عرضه و تقاضا در موازنه نسبی هستند. هنگامی که این مرحله توزیع تکمیل شد، سطوح پشتیبانی در امتداد پایین محدوده تجاری افقی شکسته و روند نزولی جدیدی ایجاد شده‌است. این روند نزولی جدید اکنون قله‌ها و troughs را پایین آورده‌است.

ببینیم که این سناریو چگونه به سر یک سر و چه در بالای آن نگاه خواهد کرد. (به شکل‌های ۵-۱ a و b) در نقطه A مراجعه کنید، uptrend همانطور که انتظار می‌رود دارای هیچ نشانه‌ای از بالا نیست. حجم نسبت به حرکت قیمت به سطح بالایی جدید افزایش می‌یابد که نرمال است. اصلاحی



شکل ۵-۵ مثالی از یک سر و شانه بالا. شانه‌های چپ و راست (A و E) در حدود یک ارتفاع هستند. سر (C) بالاتر از هر دو شانه است. به حجم سبک‌تر در هر قله توجه کنید. این الگو در یک بسته در زیر the (خط ۲) تکمیل می‌شود. حداقل هدف فاصله عمودی از سر تا یقه projected است که به پایین تراز یقه باز می‌شود. یک حرکت بازگشتی اغلب به خط گردن مربوط می‌شود که زمانی که آن را می‌شکند، نباید یقه را باز کند.



شکل ۵ - ۵ (ب) سر و شانه بالا. سه قله، سر بالاتر از هر کدام از شانه را نشان می‌دهند. حرکت بازگشتی (فلش) به یقه در برنامه زمانبندی روی می‌دهد.

شیب به نقطه B در حجم سبک‌تر است و انتظار می‌رود که مورد انتظار نیز باشد. با این حال در نقطه C، chartist ممکن است متوجه شود که حجم در شکست در نقطه A کمی روشن‌تر از تجمع قبلی است. این تغییر به خودی خود اهمیت زیادی ندارد، اما یک چراغ احتیاط زرد کوچک در پشت سر analyst's حرکت می‌کند.

سپس قیمت‌ها به تدریج کاهش پیدا می‌کنند و چیزی حتی آزاردهنده نیز اتفاق می‌افتد. این کاهش در پایین قله قبلی در نقطه A قرار دارد. به یاد داشته باشید که در یک نقطه اوج، قله نفوذ باید به عنوان پشتیبان اصلاحات بعدی عمل کند. کاهش در نقطه A، نزدیک به واکنش قبلی در نقطه B، یک هشدار دیگر است که ممکن است اتفاقی با the رخ دهد.

بازار دوباره برای نقطه e، این بار در حجم سبک‌تر، و قادر به رسیدن به بالاترین سطح قبلی نیست.

نقطه اوج در نقطه C. (آخرین تظاهرات در نقطه E اغلب به دو سوم کاهش از نقاط C به D برمی گردد) تا به uptrend ادامه دهد، هر نقطه بالا باید از نقطه اوج تظاهرات قبل از آن تجاوز کند. شکست تجمع در نقطه E برای رسیدن به قله قبلی در نقطه C نیمی از نیاز را برای یک روند نزولی جدید - یعنی، پایین رفتن از قله انجام می دهد.

در این زمان، خط روند بزرگ اصلی (خط ۱) قبلاً شکسته شده است، معمولاً در نقطه D. یک سیگنال خطر دیگر را تشکیل می دهد. اما علی رغم همه این هشدارها، تنها چیزی که ما در این نقطه می دانیم این است که این روند از یک سو به سمت دیگر تغییر کرده است. این ممکن است برای انحلال مواضع طولانی کافی باشد، اما لزوماً برای توجیه فروش کوتاه جدید کافی نیست.

تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی این الگو

در این زمان، خط روند تملق می تواند زیر دو حالت واکنش آخر (نقاط B و D) کشیده شود، که آن را neckline می نامند (خط ۲ را ببینید). این خط به طور کلی شیب رو به بالا در نوک دارد (اگرچه گاهی اوقات it's افقی است و کم تر به سمت پایین متمایل می شود). فاکتور تصمیم گیری در رزولوشن بالای سر و شانه ها، نقض قطعی پایانی این یقه است. در حال حاضر بازار خط روند در امتداد نقاط B و D را نقض کرده است، تحت حمایت از نقطه D شکسته شده است، و نیاز را برای یک اوج روند نزولی جدید و troughs تکمیل کرده است. روند نزولی جدید در حال حاضر با کاهش سطح بالایی و پایینی در نقاط C، D، E و R شناسایی می شود. با این حال، افزایش شدید حجم ضرر در مراحل اولیه یک بازار مهم نیست.

بازگشت حرکت

معمولاً حرکت بازگشتی (به نقطه G)، که هر دو در حال حاضر مقاومت بالای سر هستند، به ته یقه باز می گردد (نقطه G را ببینید). حرکت بازگشتی همیشه رخ نمی دهد و گاهی تنها یک بازتاب بسیار کوچک است. حجم ممکن است به تعیین اندازه جهش کمک کند. اگر شروع اولیه یقه در معاملات بسیار سنگینی باشد، شانس حرکت بازگشتی به این دلیل کاهش می یابد که

افزایش فعالیت نشان‌دهنده فشار منفی بیشتر است. سطح سبک‌تر - ume بر روی شکستگی اولیه یقه، احتمال حرکت بازگشتی را افزایش می‌دهد. با این حال، این بازتاب باید در سبک D - ume باشد و از سرگیری روند نزولی جدید باید با فعالیت تجاری سنگین‌تر همراه باشد.

خلاصه

Let's مواد اولیه را برای یک سر و شانه‌ها بررسی می‌کنند.

1. یک uptrend قبلی.
2. شانه چپ بر روی حجم سنگین‌تر (نقطه A) پس از آن شیب اصلاحی تا نقطه B دنبال می‌شود.
3. یک تجمع به highs جدید اما در حجم سبک‌تر (نقطه C).
4. کاهشی که در زیر اوج قبلی (در a) حرکت می‌کند و به واکنش قبلی پایین (نقطه d) نزدیک می‌شود.
5. سومین تجمع (نقطه E) در حجم نور به طور قابل‌توجهی که نمی‌تواند به بالای سر برسد (در نقطه C).
6. در زیر the.
7. بازگشت به the (نقطه G) به دنبال lows جدید است.

چیزی که مشخص شده‌است سه قله کاملاً مشخص است. قله میانی (سر) کمی بالاتر از دو شانه (نقطه A و E) است. با این حال، این الگو تا زمانی تکمیل نخواهد شد که یقه باز به طور قطعی بر روی یک پایه بسته شکسته شود. در اینجا نیز معیار نفوذ ۱ - ۳٪ (یا کمی تغییر آن) یا نیاز به دو بسته متوالی زیر the (قانون دو روزه) را میتوان برای تایید اضافه مورد استفاده قرار داد. با این حال، تا زمانی که این تخطی نزولی رخ می‌دهد، بدیهی است که این الگو همیشه یک سر و شانه نیست و the ممکن است در برخی موارد رزومه خود را از سر بگیرند.

بخش اول بخش

الگوی حجم همراه نقش مهمی در توسعه سر و شانه‌هایش بازی می‌کند، همانطور که در تمام قیمت انجام می‌شود.

الگوها. به عنوان یک قاعده کلی، پیک دوم (سر) باید روی حجم سبک‌تر از شانه چپ قرار گیرد. این یک الزام نیست، بلکه یک تمایل قوی و هشدار زودهنگام برای کاهش فشار خرید است. مهم‌ترین سیگنال حجم در طول پیک سوم (شانه راست) رخ می‌دهد. حجم باید به طور قابل توجهی روشن‌تر از دو قله قبلی باشد. حجم باید با شکست دادن یقه، کاهش در طول حرکت باز شود، و سپس یکبار دیگر که حرکت بازگشتی به پایان برسد، باز هم افزایش یابد. همان طور که قبلاً اشاره شد، حجم در طول دوره آغازین بازار کم‌تر بحرانی است. اما در برخی نقاط، اگر روند نزولی جدید ادامه یابد، حجم باید افزایش یابد. حجم نقش تعیین‌کننده‌ای در انتهای بازار ایفا می‌کند. قبل از انجام این کار، بیایید در مورد مفاهیم اندازه‌گیری الگوی سر و شانه‌ها بحث کنیم.

FINDING قیمت یک قیمت

روش رسیدن به هدف قیمت براساس ارتفاع الگو است. فاصله عمودی از سر (نقطه C) تا یقه باز کنید. سپس به پروژه ایست که در آن the شکسته می‌شود. برای مثال، فرض کنید که بالای سر در ۱۰۰ و the در ۸۰ است. بنابراین فاصله عمودی تفاوت است که ۲۰ است. این ۲۰ نقطه به پایین از سطحی که which شکسته می‌شود، اندازه‌گیری می‌شود. اگر the در شکل ۱.۵ در ۸۲ زمانی که شکسته باشد، یک هدف منفی در سطح ۶۲ قرار می‌گیرد ($۶۲ = ۲۰ - ۸۲$). تکنیک دیگری که در مورد یک کار مشابه انجام می‌دهد، اما کمی ساده‌تر است، این است که به سادگی طول موج اول کاهش (نقاط C به D) را اندازه‌گیری کرده و سپس آن را دو برابر کند. در هر دو حالت، هرچه ارتفاع و یا تغییر الگو بیشتر باشد، هدف بزرگ‌تر خواهد بود. فصل ۴ اظهار داشت که اندازه‌گیری به‌دست‌آمده از نفوذ خط روند مشابه آن است که در الگوی سر و شانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تو باید این را الان ببینی. همانطور که بالاتر از آن است، قیمت در زیر لبه شکسته نیز تقریباً یکسان است. شما در تمام مطالعه حاضر در مورد الگوهای قیمت خواهید دید که بیشتر اهداف روی نمودارهای میله‌ای براساس ارتفاع بوده یا

ناپایداری الگوهای مختلف. موضوع اندازه‌گیری ارتفاع الگو و سپس نشان دادن فاصله از نقطه شکست به طور مداوم تکرار خواهد شد.

مهم است به یاد داشته باشید که هدف رسیدن به هدف تنها یک هدف است. قیمت‌ها اغلب فراتر از هدف حرکت می‌کنند. با این حال، داشتن حداقل هدف برای کار کردن در تعیین پیش از اینکه آیا پتانسیل کافی در یک حرکت بازار برای صدور حکم وجود دارد، بسیار مفید است. اگر بازار از هدف قیمت فراتر رود، *that's* فقط روی کیک یخ زده می‌شود. حداکثر هدف اندازه حرکت قبلی است. اگر بازار گاو قبلی از ۳۰ به ۱۰۰ می‌رفت، پس حداکثر هدف منفی از یک الگوی اولیه پر کردن کل *upmove* تا ۳۰ درجه خواهد بود. الگوهای *Reversal* تنها می‌توانند انتظار داشته باشند که معکوس شوند و یا آنچه که در برابرشان گذشته را مرور کنند.

تنظیم اهداف قیمت

تعدادی از عوامل دیگر باید در حین تلاش برای رسیدن به هدف قیمت در نظر گرفته شوند. تکنیک‌های اندازه‌گیری از الگوهای قیمت، مانند آنچه که فقط برای سر و شانه‌ها ذکر شد، تنها اولین گام هستند. عوامل تکنیکال دیگری نیز وجود دارند که باید در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال، سطوح حمایتی برجسته در طول حرکت گاو در طول حرکت گاو قبلی وجود دارد؟ بازارهای خرس اغلب در این سطوح مکث می‌کنند. درصد *retracements* چطور است؟ حداکثر هدف، ۱۰۰٪ تخفیف در بازار گاو قبلی خواهد بود. اما این ۵۰ درصد و ۶۶ درصد سطوح *retracement* کجا هستند؟ این سطوح اغلب حمایت قابل‌توجهی از بازار را تامین می‌کنند. در مورد نقاط برجسته زیر چه چیزی وجود دارد؟ آن‌ها اغلب به عنوان مناطق پشتیبانی عمل می‌کنند. آیا *any* دراز مدت در زیر بازار دیده می‌شود؟

متخصص تکنیکال باید سایر داده‌های تکنیکال را در تلاش برای اشاره دقیق به اهداف قیمت‌ها که از الگوهای قیمت گرفته شده‌اند، در نظر بگیرد. اگر یک ارزیابی قیمت نزولی، برای مثال، پروژه‌ها یک هدف را به ۳۰ پروژه اختصاص دهند، و یک سطح پشتیبانی برجسته در ۳۲ وجود دارد، پس از آن *the* عاقلانه خواهد بود که اندازه‌گیری نزولی را به جای ۳۰ مورد تنظیم کند. به عنوان یک قاعده کلی، زمانی که یک اختلاف جزئی بین یک هدف قیمت پیش‌بینی شده و یک سطح مقاومت و یا سطح مقاومت وجود دارد،

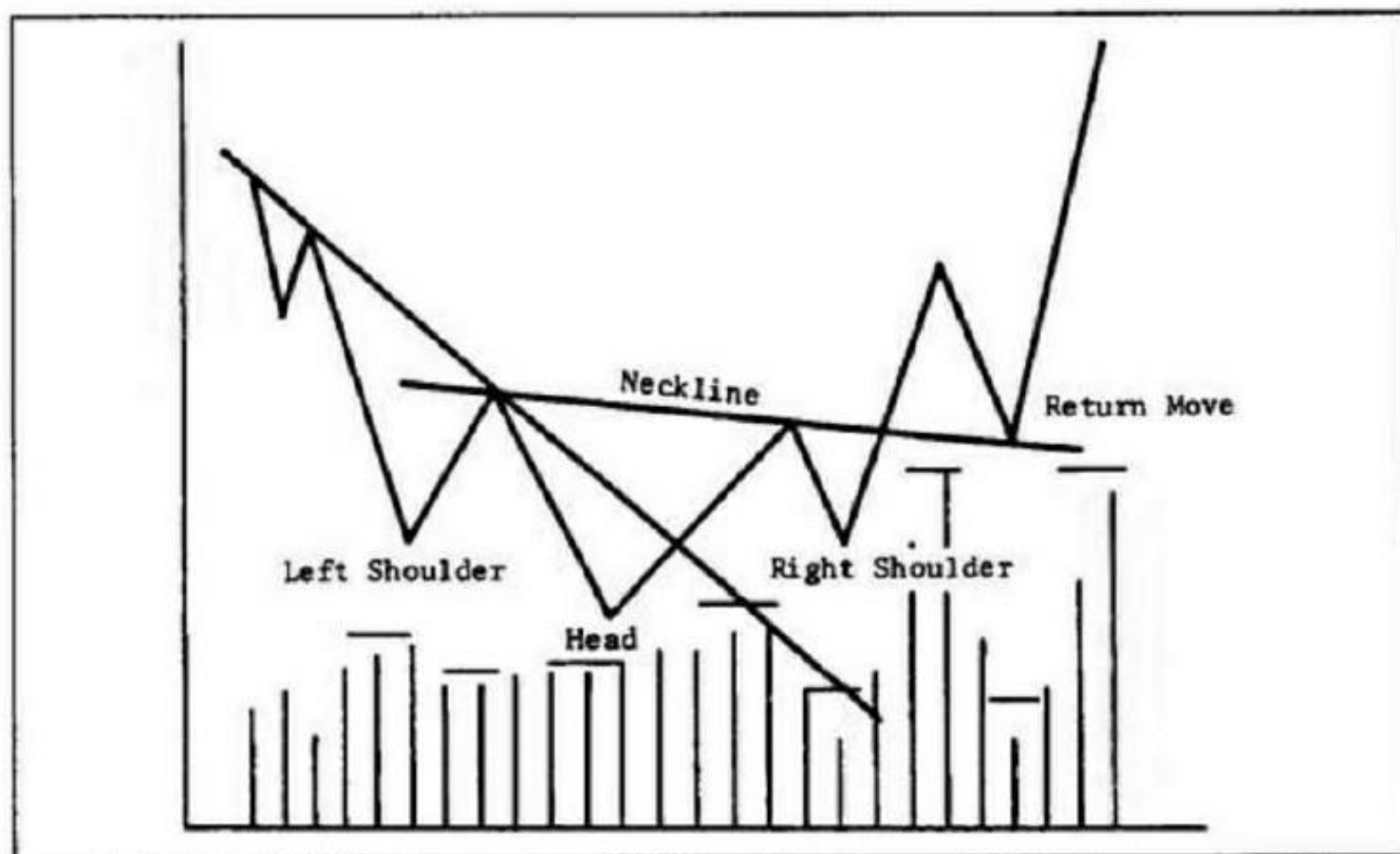
معمولاً برای تنظیم هدف قیمت به آن حمایت یا مقاومت در برابر مقاومت ایمن

است. اغلب لازم است اهداف اندازه‌گیری شده از الگوهای قیمت را تنظیم کنید

تا اطلاعات تکنیکال اضافی را در نظر بگیرید. تحلیلگر ابزارهای مختلفی را در اختیار دارد. The تحلیلگران تکنیکال کسانی هستند که یاد می‌گیرند تمام این ابزارها را به درستی با هم ترکیب کنند.

سر و کله inverse

سر و شانه و یا سر و شانه عکس آن که گاهی اوقات نامیده می‌شود، تصویر آینه‌ای از الگوی اصلی است. همانطور که شکل ۲.۵ نشان می‌دهد، سه ربات مجزا وجود دارد



شکل ۲.۵ - مثالی از یک سر و شانه عکس. ver نهایی این الگو یک تصویر آینه‌ای از بالا است. تنها تفاوت قابل توجه، الگوی حجم در نیمه دوم الگوی است. تظاهرات از روی سر باید حجم سنگین‌تر را ببینند و شکستن یقه باید شاهد انفجار یک فعالیت تجاری باشد. بازگشت دوباره به یقه در at بسیار معمول است.

زمین با سر (آبشخور میانی) کمی کمتر از هر دو شانه زمین است. همچنین برای تکمیل الگو، یک خط قاطع از طریق یقه نیز لازم است و تکنیک اندازه‌گیری یکسان است. یک تفاوت جزئی در پایین، تمایل بیشتر برای بازگشت به یقه پس از شکست صعودی است. (شکل ۵.۲ b را ببینید).

مهم‌ترین تفاوت بین الگوهای بالا و پایین توالی حجم است. حجم نقش بسیار more در شناسایی و تکمیل یک سر و شانه دارد. این نقطه به طور کلی از همه الگوهای پایین صادق است. پیش از این گفته شد که بازارها روند به "کاهش وزن خود" دارند، با این حال، این بازارها نیاز به افزایش قابل توجه در فشار خرید، منعکس کردن در حجم بیشتر، برای راه‌اندازی بازار جدید گاو دارند.



شکل ۲.۵ ب) یک سر و شانه. neckline یک انحراف کمی رو به پایین دارد که معمولاً در مورد آن صدق می‌کند. The پس از شکست (مشاهده تیر) یقه را کمی کش داد، اما پس از آن the را از سر گرفت.

یک روش تکنیکال دیگر برای نگاه کردن به این تفاوت این است که یک بازار می‌تواند تنها از رکود سقوط کند. فقدان تقاضا یا خرید علاقه به بخشی از معامله گران اغلب کافی است تا بازار را پایین تر هل دهد؛ اما یک بازار بر اینرسی صرف نظر نمی‌کند. قیمت‌ها تنها زمانی افزایش می‌یابند که تقاضا از عرضه بیشتر شود و خریداران بیش از فروشندگان aggressive.

الگوی حجم در پایین بسیار شبیه به آن در بالا برای نیمه اول الگوی است. یعنی، حجم بالای سر کمی سبک‌تر از سطح شانه سمت چپ است. با این حال، تظاهرات از روی سر باید نشان دهد که نه تنها افزایش فعالیت تجاری را نشان می‌دهد، بلکه سطح حجم اغلب از آن فراتر می‌رود که در تظاهرات از روی شانه سمت چپ ثبت شده است. شیب به شانه راست باید در حجم بسیار

باشد. نقطه بحرانی در این تجمع در یقه باز می‌شود. این سیگنال باید با یک انفجار شدید از حجم داد و ستد همراه باشد اگر شکست برای واقعیت باشد. این نقطه جایی است که در آن کف بیش‌ترین تفاوت را از بالا دارد. در پایین، حجم سنگین یک جز ضروری برای تکمیل الگوی مبنا است. حرکت بازگشتی در کف بیش‌تر از حد بالایی معمول است و باید در مورد حجم نور رخ دهد. پس از آن، uptrend جدید باید به حجم سنگین‌تر ادامه دهند. روش اندازه‌گیری نیز همانند بالا است.

دامنه of

گاهی اوقات، افقی است. در هر صورت، تفاوت زیادی ایجاد نمی‌کند. با این حال، پس از مدتی، شیب لبه بالایی به سمت پایین شیب یافت. این شیب نشانه ضعف بازار است و معمولاً با شانه راست ضعیف همراه است. اما این یک نعمت مختلط است. تحلیل‌گر که برای شروع یک موقعیت کوتاه صبر می‌کند، باید کمی بیش‌تر صبر کند، چرا که علامت از پایین شیب، بسیار دیرتر رخ می‌دهد و تنها پس از آن که بیش‌تر حرکت انجام شده‌است. برای الگوکاوای بیش‌تر شیب رو به پایین دارند. یقه باز، نشانه قدرت بازار بیش‌تر است، اما با همان اشکالات دادن به یک علامت دیرتر.

رئیس مجتمع و shoulders PATTERNS

تغییر در الگوی سر و شانه گاهی اوقات رخ می‌دهد که سری پیچیده و الگوی شانه نامیده می‌شود. اینها الگوهای هستند که در آن دو سر ممکن است ظاهر شوند یا یک شانه چپ و راست. این الگوها هم رایج نیستند، اما دارای مفاهیم پیش‌بینی یکسانی هستند. یک اشاره مفید در این رابطه تمایل شدید به تقارن در سر و الگوی شانه است. این به این معنی است که یک شانه چپ معمولاً نشان‌دهنده یک شانه راست است. شانه سمت چپ باعث افزایش احتمال شانه سمت راست می‌شود.

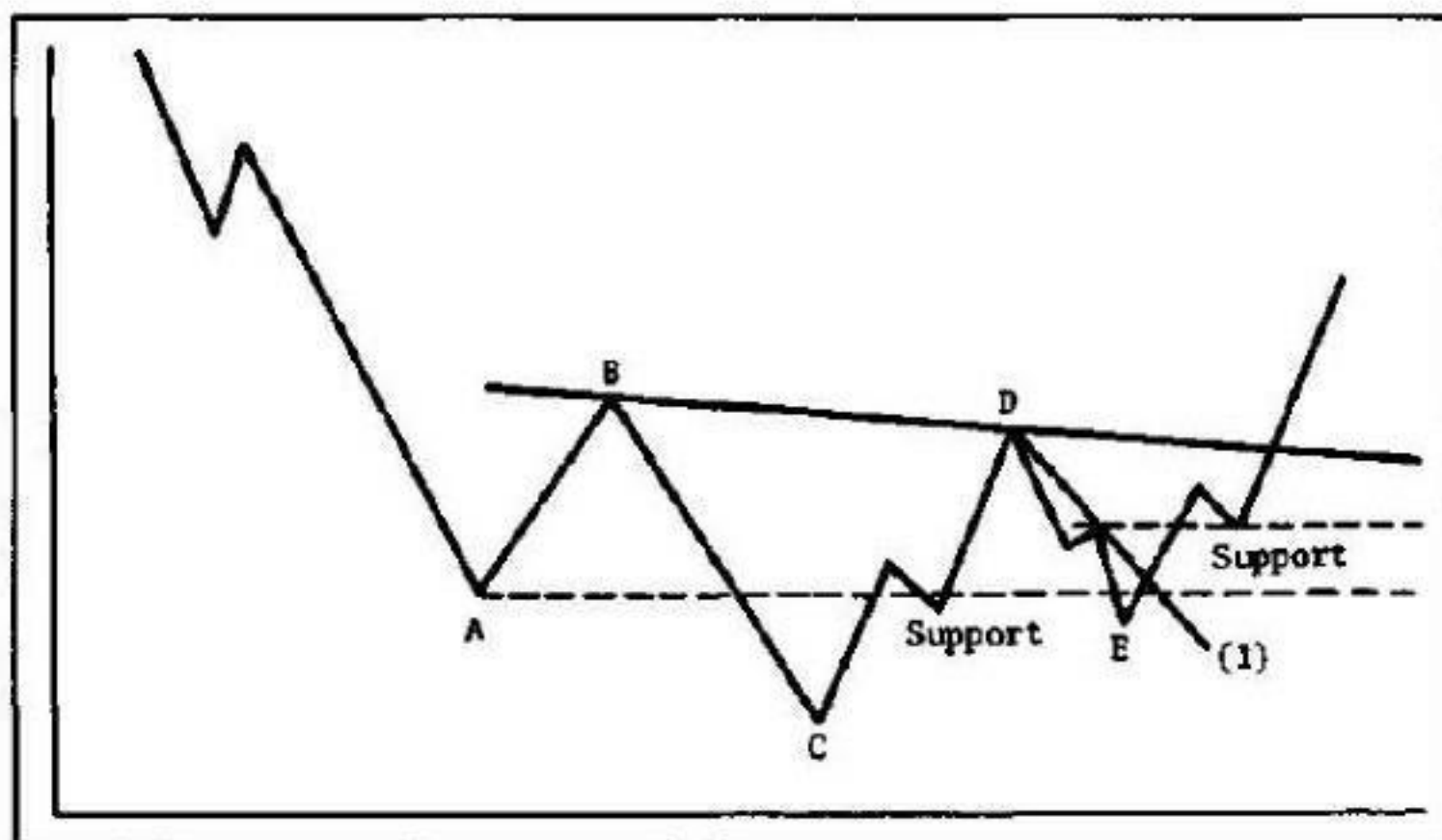
تاکتیک‌ها

تاکتیک‌های بازار نقش مهمی در همه معاملات ایفا می‌کنند. همه بازرگانان تکنیکال مایل به انتظار برای شکستن یقه قبل از آغاز یک موقعیت جدید نبودند. همانطور که شکل ۵.۳ نشان می‌دهد، تاجران aggressive، با این باور که آنها به درستی یک سر و شانه را شناسایی کرده‌اند، شروع به کاوش در طول مدت شکل‌گیری شانه راست می‌کنند. یا آنها اولین سیگنال تکنیکال را خواهند خرید که کاهش روی شانه راست به پایان رسیده‌است.

برخی از آنها فاصله تجمع را از پایین سر (نقاط c تا d) اندازه‌گیری می‌کنند و سپس یک درصد یا بیشتر از آن را خریداری می‌کنند. هنوز دیگران خط روند فشرده را در طول افت از نقاط d تا c می‌کشند و اولین شکست وارونه آن خط روند را می‌خرند. از آنجا که این الگوها متقارن هستند، برخی از آنها به شانه سمت راست خواهند رفت همانطور که به سطح پایینی شانه چپ نزدیک می‌شود. مقدار زیادی از خرید پیش‌بینی در طول تشکیل شانه راست رخ می‌دهد. اگر کاوشگر بلند مدت سودمند باشد، پس از این شکست، موقعیت‌های اضافی را می‌توان بر روی نفوذ واقعی لبه یا بازگشت مجدد به یقه باز کرد.

الگوی شکست خورد و شکست خورد

زمانی که قیمت‌ها از طریق یقه باز شده و الگوی سر و شانه را به پایان رسانده‌اند، قیمت‌ها نباید در یقه باز شوند.



شکل ۳.۵ برای یک سر و شانه. بسیاری از تجار تکنیکال شروع به شروع به کار خواهند کرد در حالی که شانه راست (E) هنوز شکل می‌گیرد. یک - نیمی از دو سوم تظاهرات از نقاط C به D، کاهش در همان سطح به عنوان شانه چپ در نقطه A، یا شکستن یک خط روند کوتاه (خط ۱) همه پیوندهای opportuni اولیه برای ورود به بازار را فراهم می‌کنند. باز کردن یقه و یا بازگشت دوباره به یقه باز می‌تواند به موقعیت‌های بیشتری اضافه شود.

دوباره. در بالا، زمانی که یقه باز می‌شود، باز هم یقه باز می‌شود، و این اخطار جدی است که فروپاشی اولیه احتمالاً علامت بدی است، و چیزی را ایجاد می‌کند که اغلب به دلایل آشکار، یک سر و شانه شکست خورده نامیده می‌شود. این نوع الگو، مانند یک سر کلاسیک و برگشت شانه‌ها به نظر می‌رسد، اما در برخی نقاط در توسعه آن (یا قبل از شکستن یقه و یا درست پس از آن)، قیمت‌ها روند اصلی خود را از سر می‌گیرند.

اینجا دو درس مهم هست. اولی این است که هیچ یک از این الگوهای چارت مصون از خطا نیستند. آن‌ها اغلب اوقات کار می‌کنند، اما نه همیشه. دومین درس این است که تجار تکنیکال باید همیشه مراقب علایم چارت باشند که آنالیز آن‌ها نادرست است. یکی از کلیدهای زنده ماندن در بازارهای مالی این است که زیان‌های تجاری را کوچک نگه دارید و با هر چه سریع‌تر تجارت خود را از دست بدهید. یکی از بزرگ‌ترین مزایای آنالیز نمودار توانایی آن است.

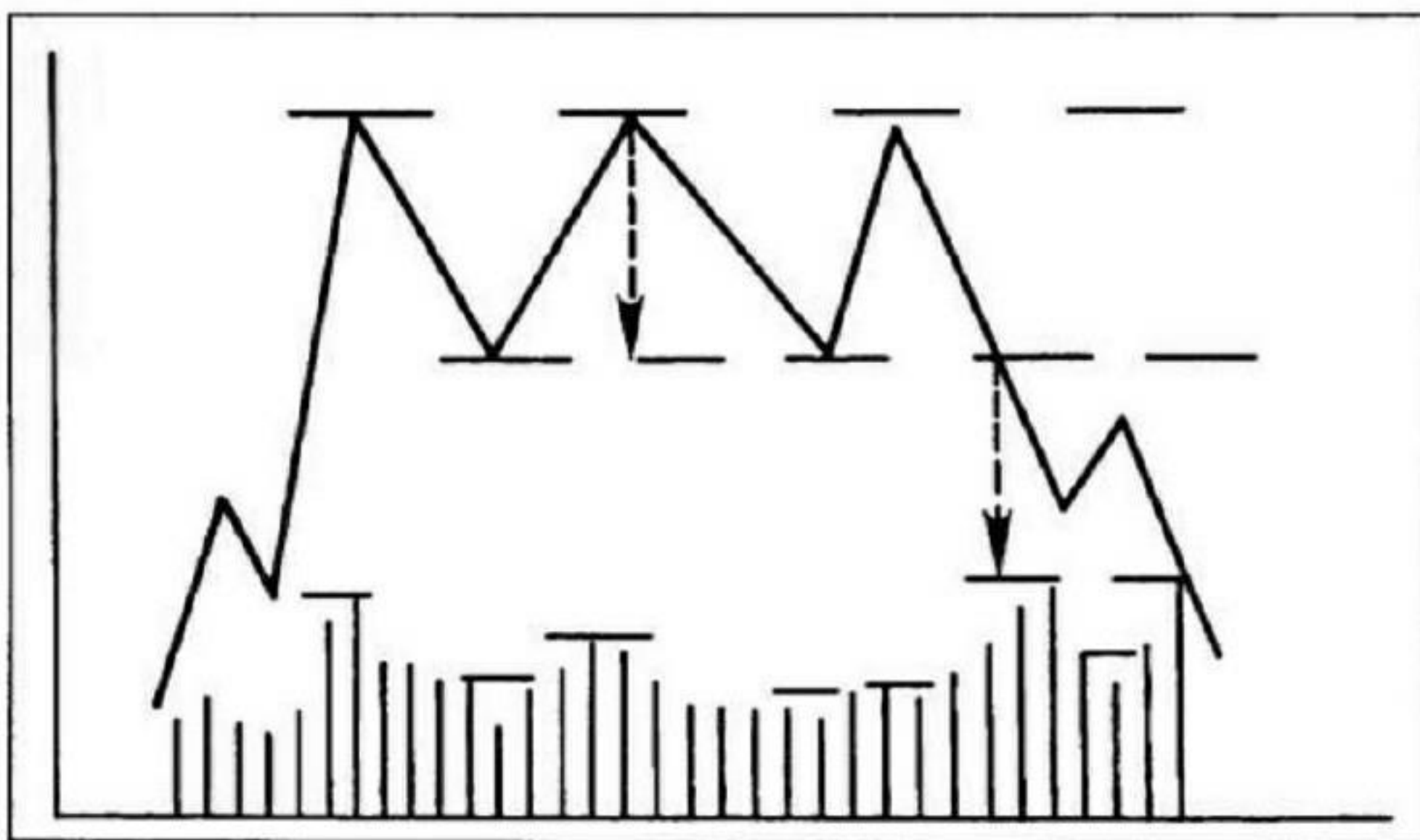
به سرعت به این تاجر هشدار داد که در سمت نادرستی از بازار است. توانایی و تمایل به تشخیص سریع اشتباهات تجاری و اتخاذ سریع اقدام دفاعی، ویژگی‌هایی هستند که به آسانی در بازارهای مالی اتخاذ نمی‌شوند.

رئیس و Shoulders به عنوان الگوی تحکیم

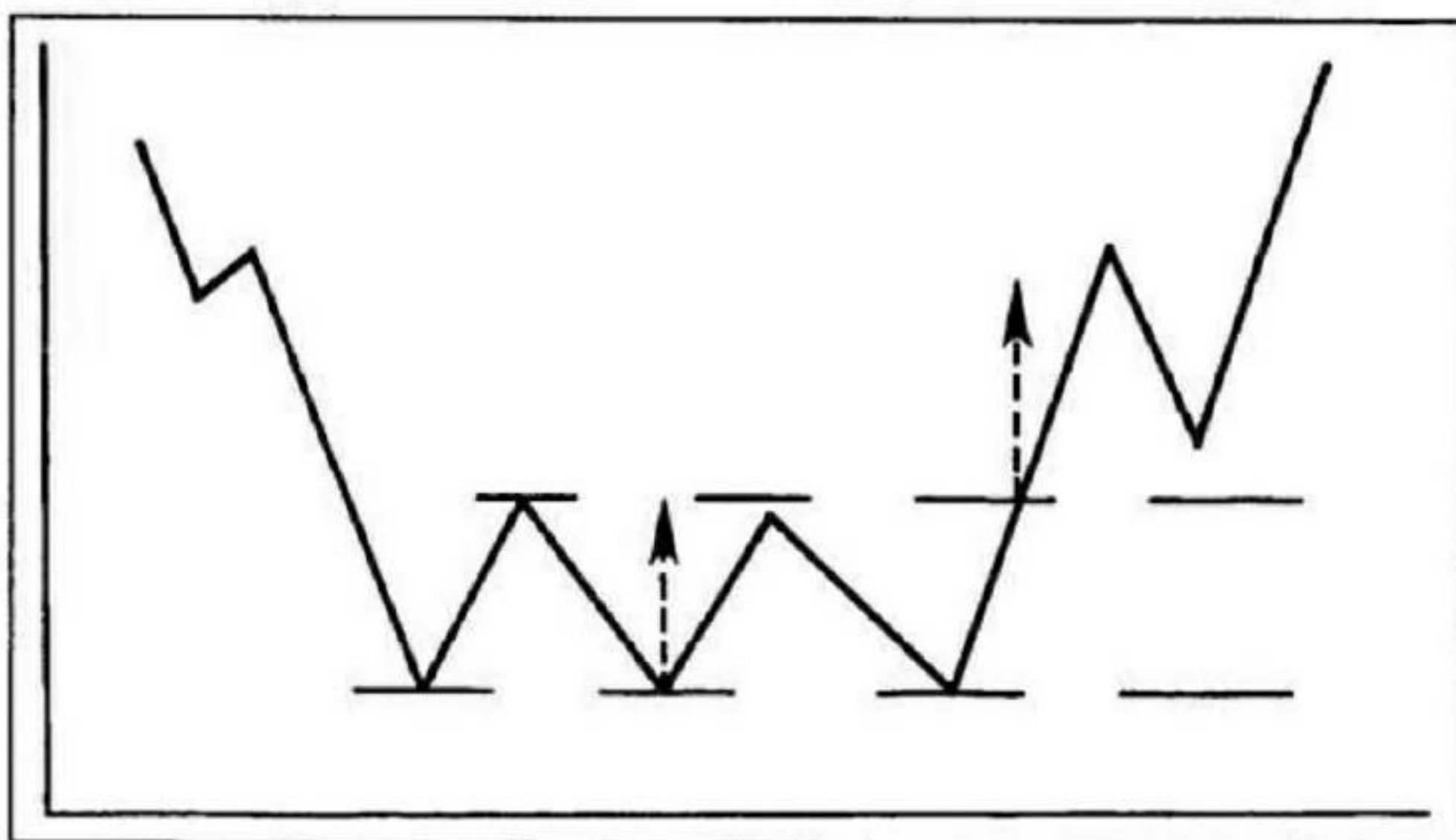
قبل از حرکت به سمت الگوی قیمت بعدی، یک نکته نهایی را در سر و شانه نشان دهید. ما این بحث را با لیست کردن آن به عنوان بهترین و most الگوهای برگشت اصلی آغاز کردیم. با این حال باید به شما هشدار داده شود که این شکل‌گیری می‌تواند به عنوان یک تثبیت به جای الگوی معکوس عمل کند. وقتی این اتفاق می‌افتد، استثنا را به جای قانون اضافه می‌کند. ما در فصل ۶ بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد.

bottoms و (TOPS) TRIPLE

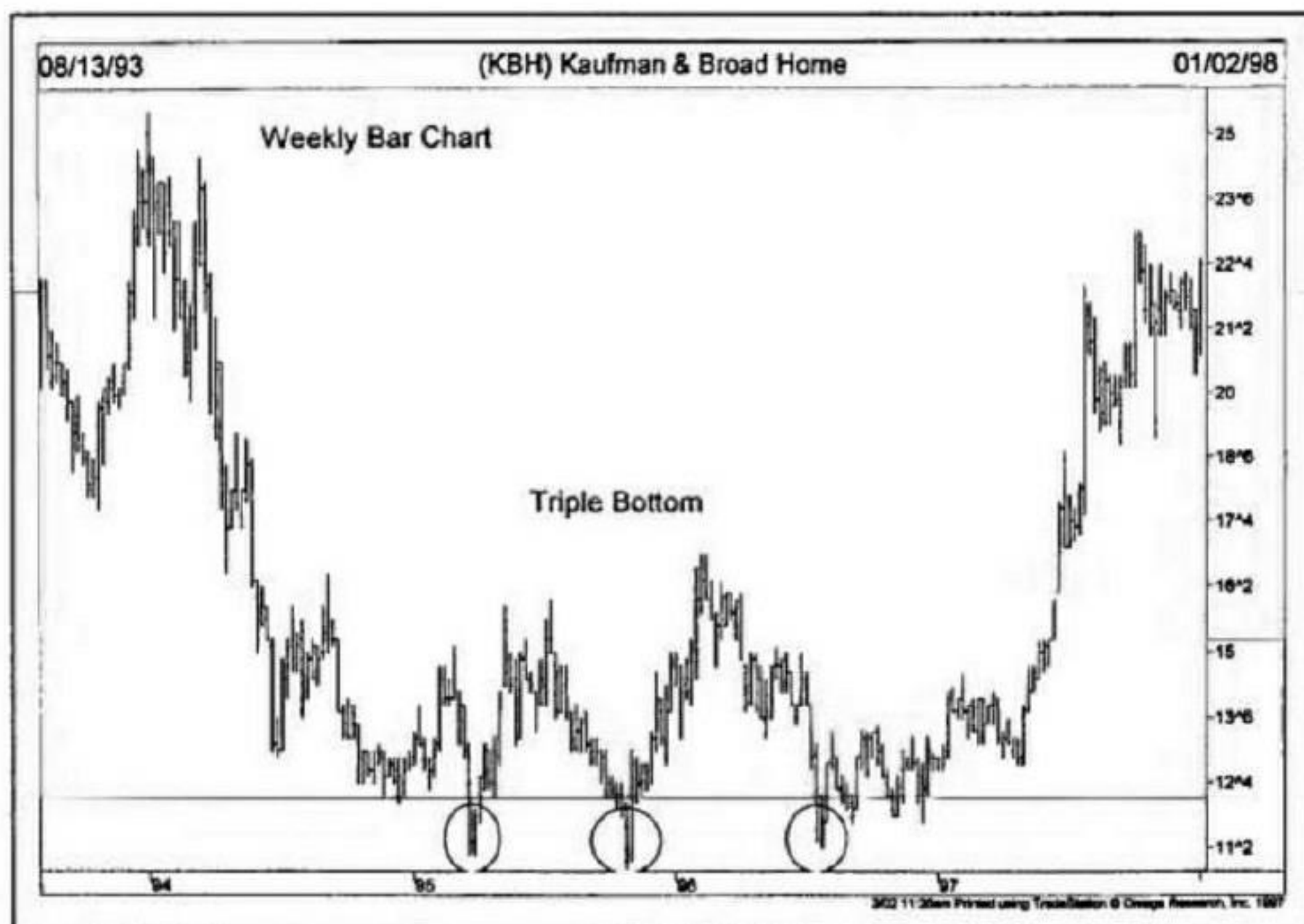
بیشتر نقاط پوشش داده‌شده در درمان سر و الگوی شانه نیز برای انواع دیگر الگوهای بازگشتی قابل استفاده هستند. (شکل ۵.۴ a - c را ببینید) سه قسمت فوقانی یا پایین، که در وقوع بسیار نادر است، تنها یک تغییر جزئی از آن الگو است. تفاوت اصلی این است که سه قله یا troughs در قله سه‌گانه یا پایین در همان سطح قرار دارند. (شکل ۵.۴ a) Chartists اغلب با این که آیا یک الگوی معکوس یک سر و شانه‌ها و یا یک سطح سه‌گانه است، مخالفت می‌کند. این استدلال دانشگاهی است، زیرا هر دو الگو دقیقاً همان چیز را نشان می‌دهند. حجم با هر پیک متوالی در بالا کاهش می‌یابد و باید در نقطه شکست افزایش یابد. سطح سه‌گانه تا زمانی کامل نیست که سطوح حمایتی در طول دو کشور قطع شده‌باشد. در مقابل، قیمت‌ها باید از طریق دو پیک در پایین برای تکمیل یک انتهای سه‌گانه نزدیک باشند. (به عنوان یک استراتژی جایگزین، شکست نزدیک‌ترین پیک یا ناوه هم می‌تواند به عنوان یک علامت معکوس استفاده شود.) حجم وارونه سنگین در تکمیل کف نیز ضروری است.



شکل ۵.۴ a سه تایی. همانند سر و شانه‌ها، به جز این که همه قله‌ها در همان سطح قرار دارند. هر قله تجمعی باید در حجم سبک‌تر باشد. این الگو زمانی کامل است که هر دو troughs با حجم سنگین‌تر شکسته شده‌اند. تکنیک اندازه‌گیری ارتفاع الگوی پیش‌بینی‌شده به پایین از نقطه شکست است. بازگشت به خط پایین غیر معمول نیست.



شکل ۵.۴ b یک قسمت سه‌گانه. مانند یک سر و شانه به جز اینکه هر پایین در همان سطح قرار دارد. یک تصویر آینه‌ای از بالای سه تایی، به جز آن حجم در شکست از اهمیت بیشتری دارد.

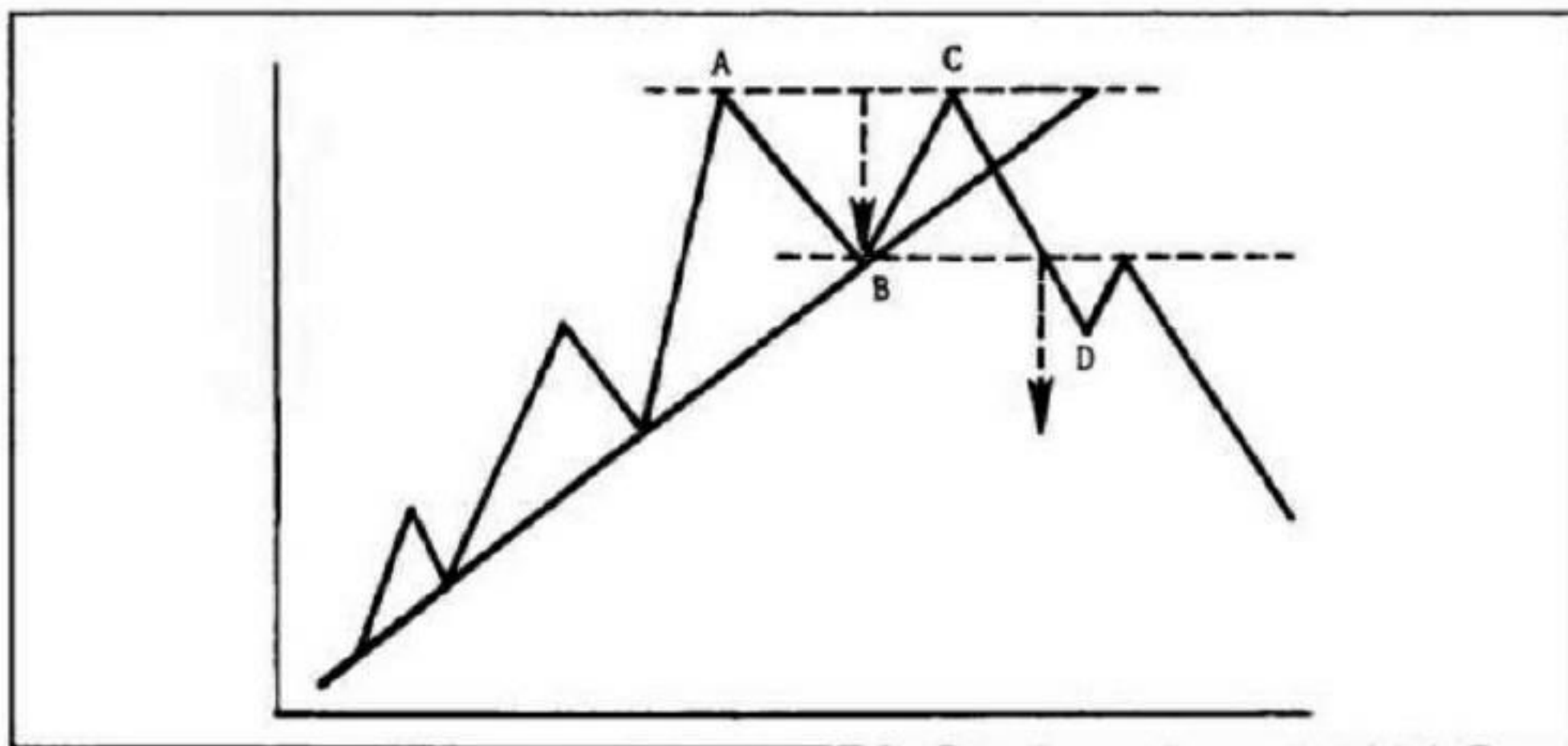


شکل ۵.۴ c یک الگوی وارونه سه گانه. افزایش قیمت‌ها در پایین ۱۲ بار در این نمودار قبل از شروع یک پیشرفت بزرگ. تشکیل زیرین در این نمودار هفتگی دو سال به طول انجامید و در نتیجه به آن اهمیت بنیادی داد.

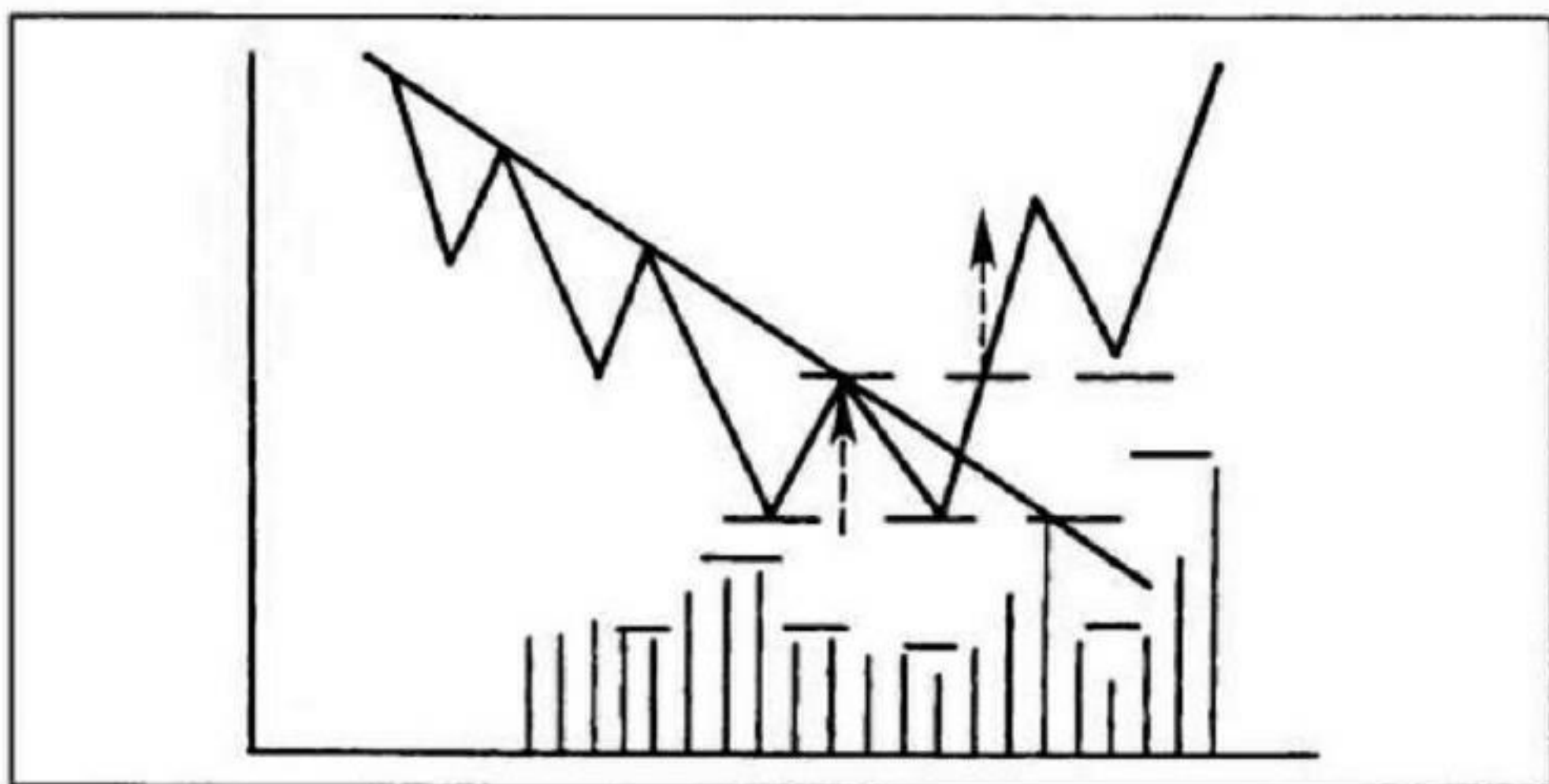
مفهوم اندازه‌گیری نیز مشابه سر و شانه است و براساس ارتفاع الگو است. قیمت‌ها معمولاً حداقل فاصله را از نقطه شکست حداقل برابر با ارتفاع الگو حرکت می‌دهند. زمانی که شکست رخ می‌دهد، حرکتی برگشت به نقطه شکست غیر معمول نیست. از آنجا که قسمت بالا یا پایین تنها نشان‌دهنده تغییر جزئی سر و الگوی شانه است، ما در اینجا چیزهای بیشتری در مورد آن خواهیم گفت.

DOUBLE (TOPS) و bottoms

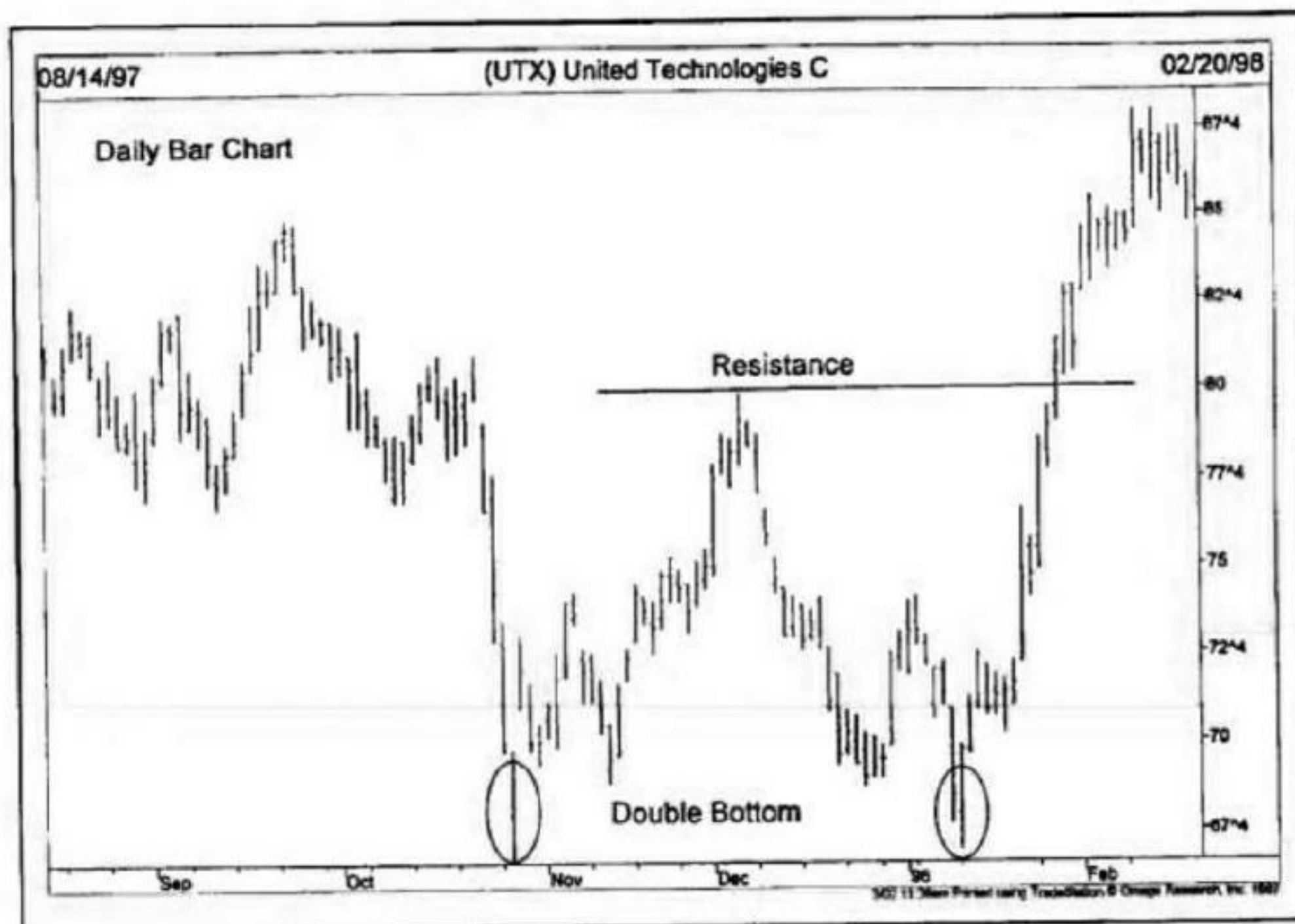
یک الگوی معکوس بسیار متداول‌تر، بالا یا پایین است. در کنار سر و شانه‌ها، اغلب دیده می‌شود و به راحتی تشخیص داده می‌شود. (اشکال a - c را ببینید.



شکل ۸ - ۲ - مثالی از یک بالا این الگو دو قله دارد a) و b) در همان سطح هستند. این الگو زمانی کامل است که آبشخور میانی در نقطه B به یک پایه بسته شکسته شود. حجم معمولاً در قله sec درجه فارنهایت (C) سبک‌تر است و بر روی تفکیک (D) فاصله دارد. بازگشت به خط پایین غیر معمول نیست. حداقل هدف اندازه‌گیری ارتفاع قله با پایین به پایین از نقطه شکست است.



شکل ۵.۵ b مثالی از یک کف دوپل می‌باشد. یک تصویر آینه‌ای از بالا. حجم در شکست وارونه اهمیت بیشتری دارد. برگشت به نقطه شکست در پایین شایع‌تر است.

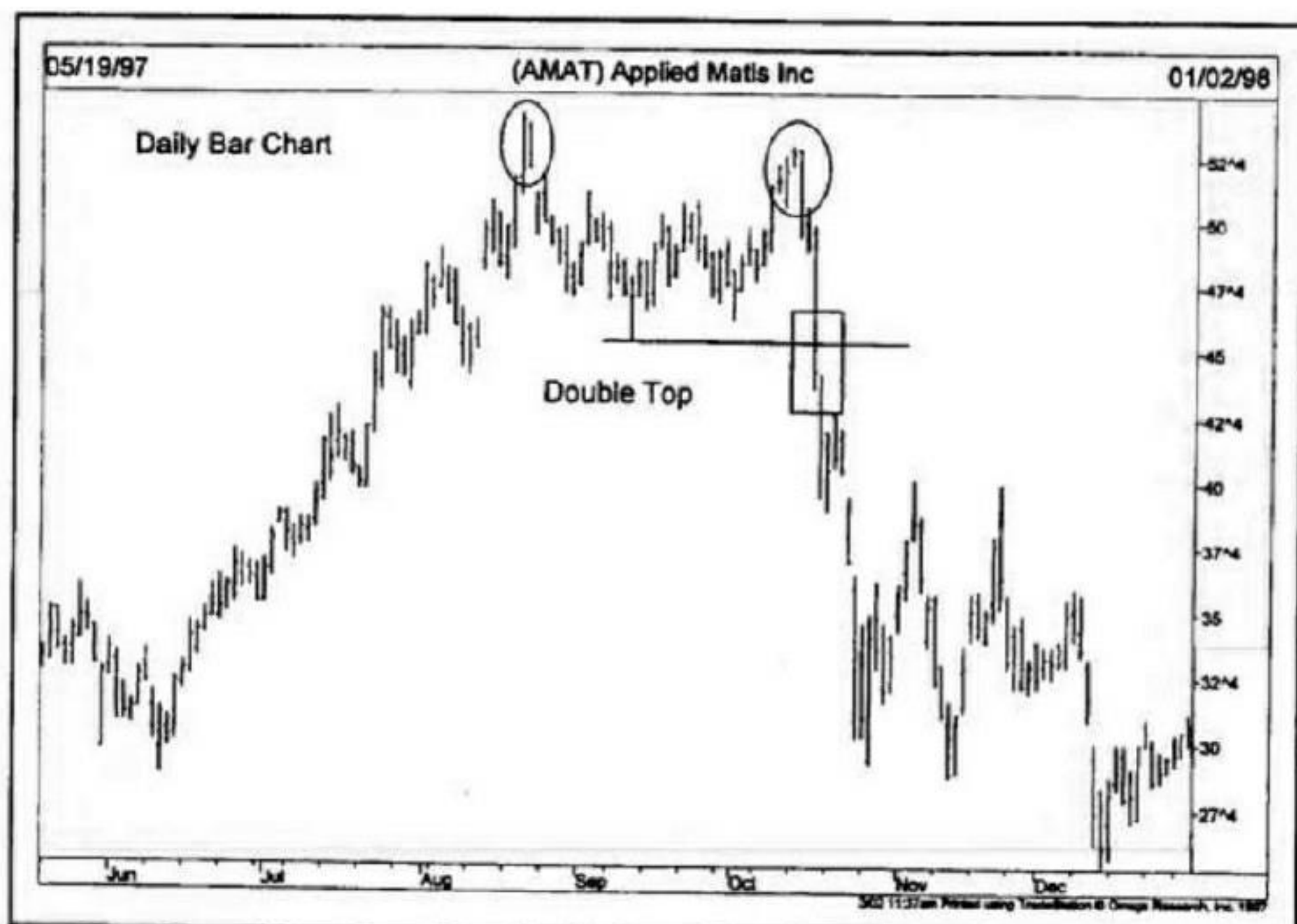


شکل C. ~~~ C. این ذخیره دو بار در طول سه ماه به سرعت پایین رفت. توجه داشته باشید که قسمت دوم نیز یک روز وارونه وارونه است. شکستن مقاومت در آغاز کار را کامل کرد.

۵. b بالا و پایین تنوع را نشان می‌دهد. به دلایل روشن، بالا اغلب به عنوان "M" و پایین به عنوان "W" یاد می‌شود. ویژگی‌های کلی یک بالای دو برابر شبیه به سر و شانه‌ها و سه قله هستند، به جز این که تنها دو قله به جای سه قله ظاهر می‌شوند. الگوی حجم شبیه قاعده اندازه‌گیری است.

در یک uptrend (همانطور که در شکل ۵.۵ نشان داده شده است)، بازار نقطه اوج جدیدی را در نقطه A، معمولاً با افزایش حجم، و سپس کاهش به نقطه B در حجم رو به کاهش قرار می‌دهد. تا کنون، همه چیز همانطور که در یک uptrend معمولی انتظار می‌رود، پیش می‌رود. با این حال، تجمع بعدی در نقطه C قادر به نفوذ در پیک قبلی در نقطه پایانی نیست و دوباره شروع به پایین رفتن می‌کند. یک قله دوگانه بالقوه راه‌اندازی شده است. من کلمه "پتانسیل" را استفاده می‌کنم چون، همان طور که با همه الگوهای بازگشتی وجود دارد، معکوس تا زمانی کامل نیست که

فصل پنجم



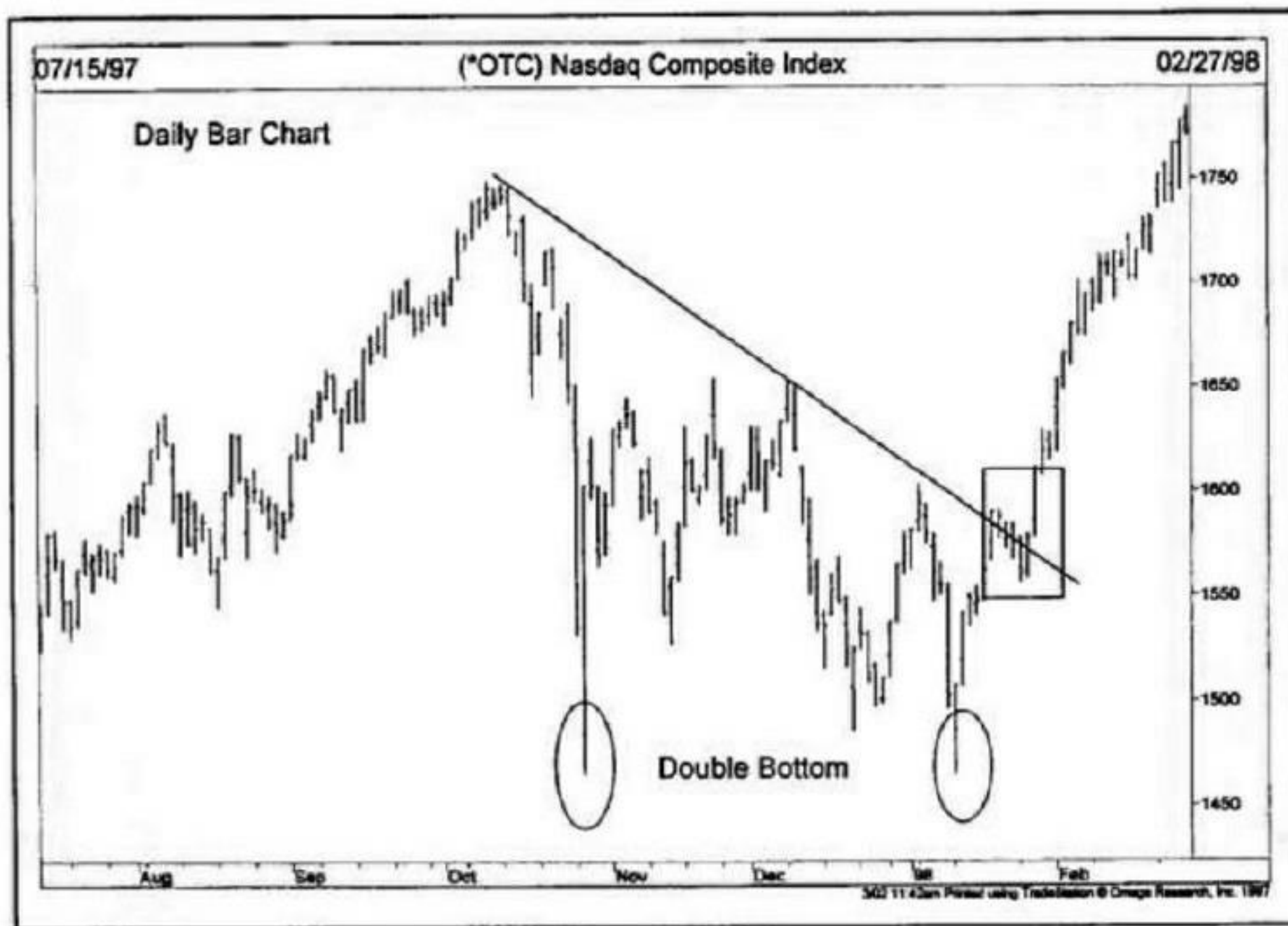
شکل ۵.۵ d را نشان می‌دهد. گاهی اوقات پیک دوم به اوج خود می‌رسد و در این مثال به اوج خود می‌رسد. در این رابطه دو ماه با هم در ارتباط هستند و یک کاهش عمده را نشان می‌دهند. سیگنال واقعی شکستن حمایت در نزدیکی ۴۶ (کادر) بود.

نقطه پشتیبانی قبلی در B بر پایه بسته شدن نقض شده است. تا زمانی که این اتفاق بیفتد، قیمت‌ها ممکن است تنها در فاز تثبیت از پهلوی باشند و برای از سرگیری of اصلی آماده شوند.

قله ایده‌آل دو قله برجسته در همان سطح قیمت دارد. حجم در طول پیک اول و سبک‌تر شدن در ثانیه سنگین‌تر می‌شود. یک بسته قاطع زیر آبشخور میانی در نقطه B بر روی حجم سنگین‌تر، الگو را کامل می‌کند و نشان‌دهنده معکوس روند به عیب است. حرکت بازگشتی به نقطه شکست قبل از سرگیری روند نزولی غیر معمول نیست.

اندازه‌گیری تکنیک برای دو برابر

تکنیک اندازه‌گیری برای بالا، ارتفاع الگو است که از نقطه شکست پیش‌بینی می‌شود.



شکل ۵ - ۵ الگوهای قیمت نشان می‌دهد که به طور منظم بر روی نمودارهای میانگین سهام اصلی نمایش داده می‌شوند. در این نمودار، شاخص Composite Nasdaq، قبل از آنکه بالاتر برود، در پایین‌ترین سطح خود قرار داشت. شکستن خط روند رو به پایین (مراجعه به جعبه) این تغییر وضعیت را تایید کرد.

مجرای میانی در نقطه B شکسته می‌شود). به عنوان یک جایگزین، ارتفاع ستون اول (A تا B) را اندازه‌گیری کرده و پروژه را به پایین از آبشخور میانی در نقطه B اندازه‌گیری کنید. اندازه‌گیری‌ها در کف هم یکسان هستند، اما در جهت دیگر.

IDEAL THE از VARIATIONS

همانطور که در بسیاری از مناطق تحلیل بازار، مثال‌های زندگی واقعی معمولاً کمی تغییر ایده‌آل هستند. برای یک چیز، گاهی دو قله دقیقاً در همان سطح قیمت نیستند. به این مناسبت، قله دوم به قله اولین قله رسید که چندان قابل پیش‌بینی نیست. چیزی که باعث بروز برخی مشکلات می‌شود این است که

قله دوم در واقع از قله اول با حاشیه اندک تجاوز می‌کند. چیزی که در ابتدا ممکن است به نظر برسد که شکست و ازسرگیری معتبری باشد و از سرگیری the ممکن است به عنوان بخشی از فرآیند پر زرق و برق باشد. برای حل این معضل، برخی از معیارهای فیلتر شده پیش از این ممکن است مفید واقع شوند.

صافی‌ها

اکثر chartists به جای تنها یک نفوذ روزانه، نیاز به یک پیک مقاومت قبلی دارند. دوم، فیلتر قیمت برخی از این نوع ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. یکی از این نمونه‌ها معیار نفوذ درصد (مانند ۱٪ یا ۳٪) است. سوم، قانون نفوذ دو روزه می‌تواند به عنوان مثالی از یک فیلتر زمانی مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، قیمت باید فراتر از قله اولین پیک برای دو روز متوالی باشد تا به یک نفوذ معتبر سیگنال بدهد. یک فیلتر زمان دیگر می‌تواند جمعه نزدیک قله قبلی باشد. ممکن است که حجم آن وارونه نیز نشانه‌ای از قابلیت اطمینان آن باشد.

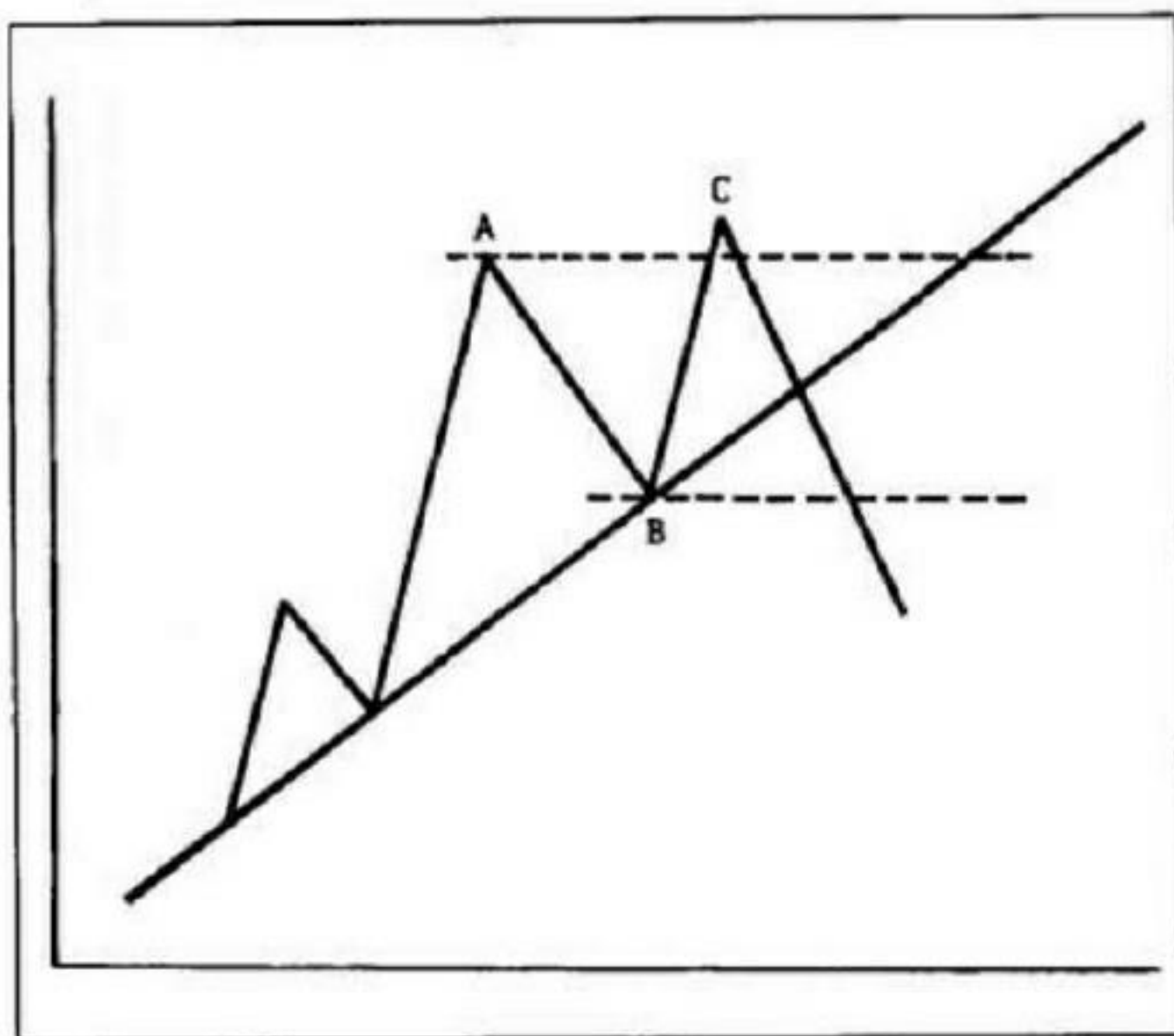
این فیلترها قطعاً عاری از خطا نیستند، بلکه به منظور کاهش تعداد سیگنال‌های کاذب (یا whipsaws) که اغلب رخ می‌دهند، عمل می‌کنند. گاهی اوقات این فیلترها مفید هستند و گاهی اوقات این فیلترها نیستند. تحلیلگر باید با درک این مساله روبرو شود که او با درصد و احتمالات سر و کار دارد و زمان‌هایی وجود خواهد داشت که سیگنال‌های بد رخ می‌دهند. That's صرفاً یک واقعیت زندگی تجاری است.

این امر غیر معمول برای پای نهایی یا موج یک بازار گاو برای تعلیم

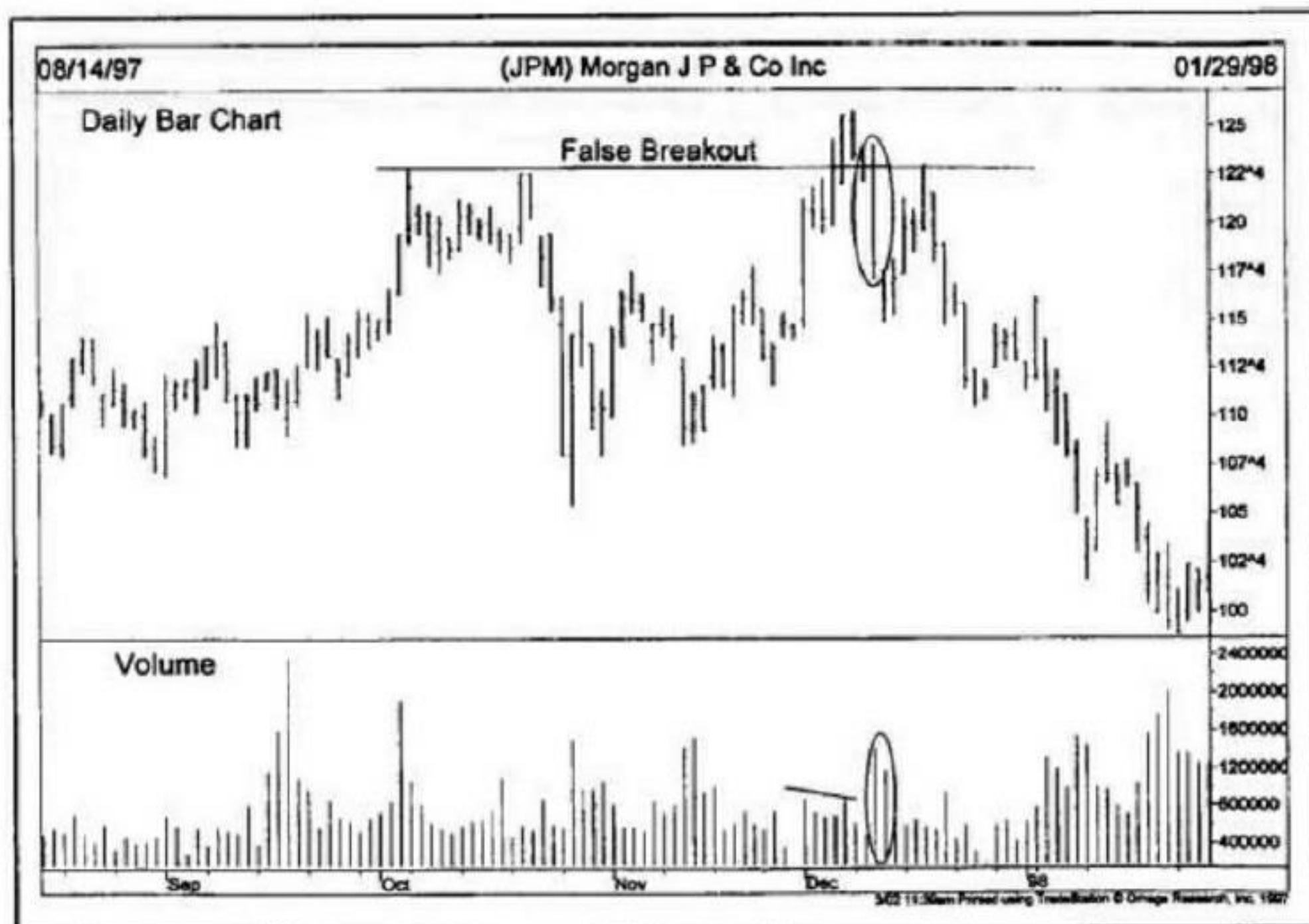
یک حرکت جدید قبل از معکوس کردن جهت معکوس نیست. در چنین حالتی، شکست نهایی به یک "تله گاو" تبدیل خواهد شد (به شکل‌های a و b مراجعه کنید) ما برخی شاخص‌ها را بعداً به شما نشان خواهیم داد که ممکن است به شما کمک کنند این حمله دروغین را تشخیص دهید.

اصطلاح "دو برابر" که به احتمال زیاد "برابر" است

عبارات "بالا و پایین" به شدت در بازارهای مالی استفاده می‌شوند. بیشتر potential های دو لبه یا bottoms با چیزی دیگر هستند. دلیل این امر این است که قیمت‌ها تمایل شدیدی به عقب‌نشینی از قله قبلی دارند و یا از بالا به پایین می‌پرند. این تغییرات قیمت یک واکنش طبیعی هستند و به خودی خود یک الگوی معکوس را تشکیل نمی‌دهند. به یاد داشته باشید که در بالا، قیمت‌ها باید در واقع واکنش قبلی را قبل از اینکه دو برابر شود، زیر پا بگذارند.

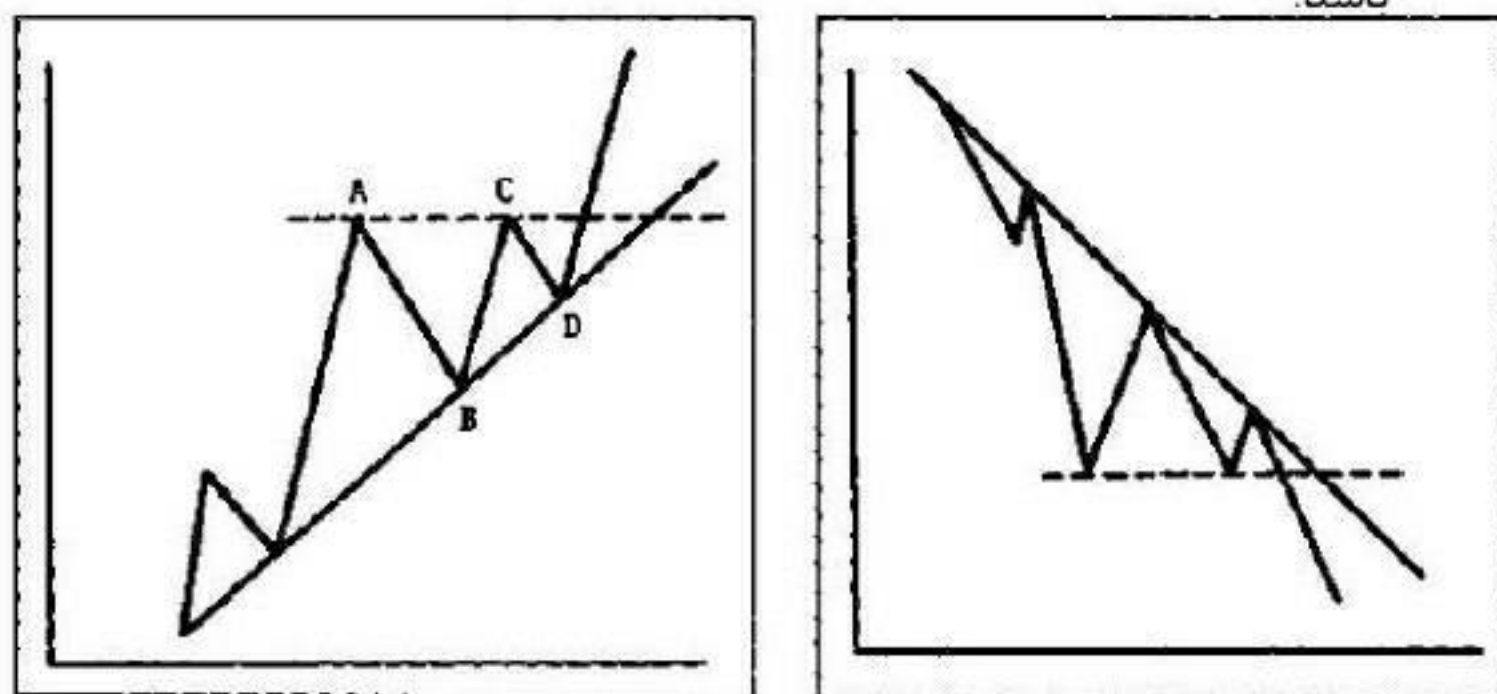


شکل ۵,۶ یک شکست کاذب که معمولاً یک تله گاو نامیده می‌شود. گاهی اوقات نزدیک به پایان یک uptrend بزرگ، قیمت قبل از خراب‌شدن از قله قبلی بیشتر خواهد شد. Chartists از زمان و فیلترهای قیمت برای کاهش چنین whipsaws استفاده می‌کنند. این الگوی پینگ - پینگ احتمالاً به عنوان یک رده دوگانه انتخاب می‌شود.



شکل ۶.۵ ب مثالی از شکست غلط را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که شکست وارونه در حجم نور بود و کاهش بعدی روی حجم سنگین - یک ترکیب نمودار منفی. نگاه کردن به حجم به اجتناب از چند حمله اشتباه کمک می‌کند، اما نه همه آن‌ها.

توجه داشته باشید که قیمت در نقطه C از پیک قبلی در نقطه A عقب است. این عمل کاملاً عادی است. با این حال، بسیاری از تجار فوراً این الگو را به محض اینکه قیمت‌ها اولین قله را در اولین تلاش خود حذف کنند، به عنوان یک قله دوگانه برچسب خواهند زد. شکل ۷.۵ b همان وضعیت را در یک روند نزولی نشان می‌دهد. برای the دشوار است که مشخص کنیم آیا the از قله قبلی یا جهش از پایین به پایین، تنها یک ضربه موقتی در روند فعلی یا شروع یک الگوی معکوس دوپل یا پایین است. از آنجا که اختلاف تکنیکال معمولاً به نفع تداوم روند حاضر است، معمولاً عاقلانه است که منتظر تکمیل الگوی قبل از اقدام باشد.



شکل ۵.۷ b مثالی از یک بازتاب معمولی از سطح پایین است. این عمل معمول بازار است و نباید با کف دو لبه اشتباه گرفته شود. قیمت‌ها به طور معمول حداقل یک بار کاهش پیدا خواهند کرد و منجر به درخواست‌های زودرس برای دو برابر می‌شوند.

شکل ۷.۵ مثالی از یک pullback نرمال از پیک قبلی قبل از سرگیری of. این اقدام بازار معمولی است و نباید با دو قسمت بالا اشتباه گرفته شود. تنها زمانی اتفاق می‌افتد که پشتیبانی در نقطه B شکسته باشد.

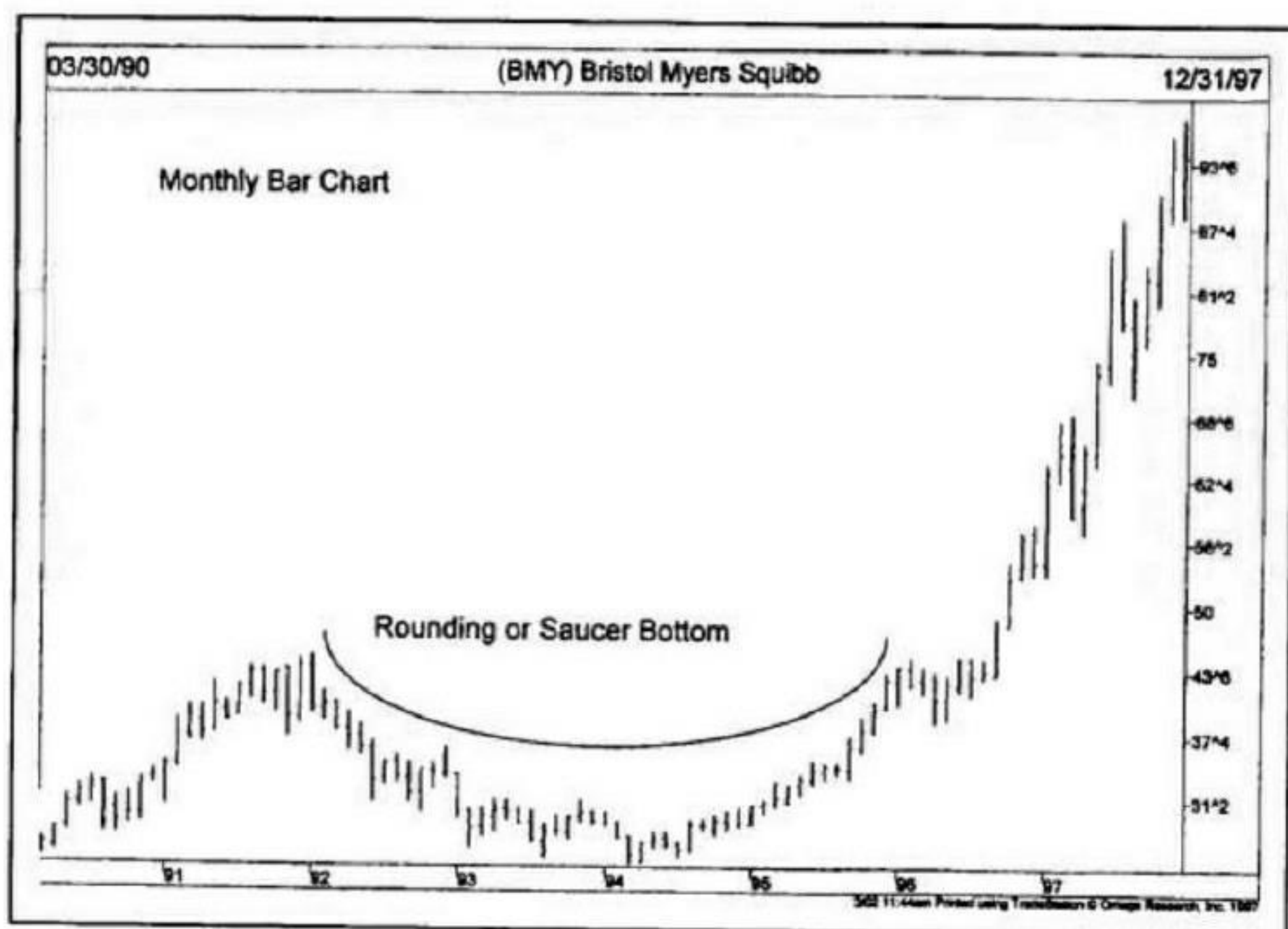
زمان بین پیک‌ها یا فرورفتگی‌ها مهم است.

در نهایت، اندازه الگو همیشه مهم است. هر چه مدت زمانی بین دو قله و ارتفاع بیشتر الگو بیشتر باشد، برگشت بالقوه محتمل بیشتر خواهد بود. این امر در مورد همه الگوهای چارت درست است. به طور کلی، اکثر این دو قله یا bottoms باید حداقل یک ماه بین دو قله یا troughs داشته باشند. برخی حتی دو یا سه ماه از هم فاصله خواهند داشت. (در نمودارهای هفتگی و هفتگی، این الگوها می‌توانند چند سال طول بکشند) اغلب مثال‌های استفاده‌شده در این بحث برتری بازار را توصیف می‌کنند. خواننده باید با این حال آگاه باشد که الگوهای bottoming، تصاویری از تارک هستند به جز برخی از تفاوت‌های کلی که در ابتدای این فصل به آن‌ها دست یافته‌اند.

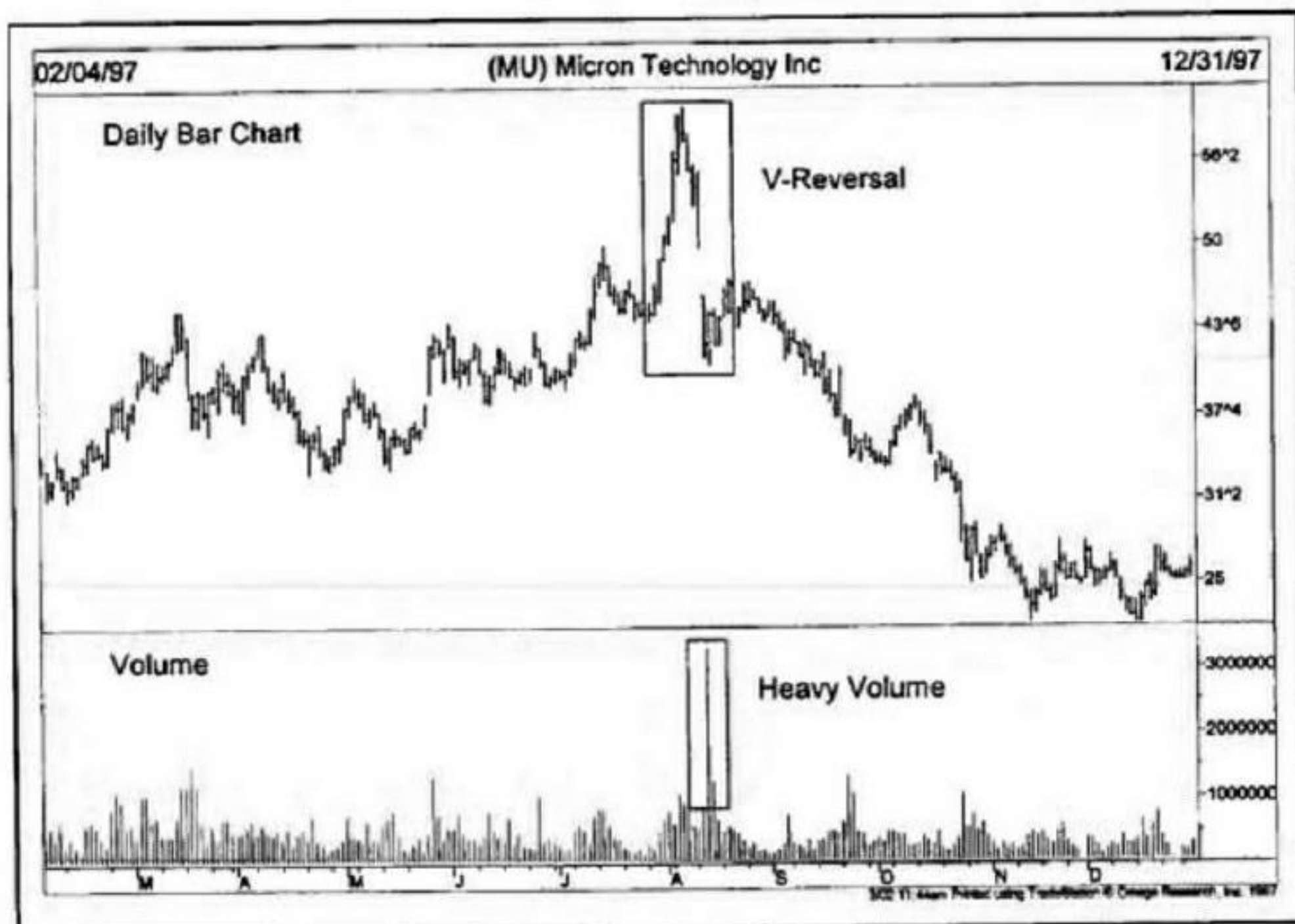
spikes و saucers

اگر چه به صورت مرتب دیده نمی‌شود، اما الگوهای برگشت گاهی شکل نعلبکی‌ها و bottoms را به خود می‌گیرند. قسمت پایین نعلبکی یک چرخش بسیار آهسته و تدریجی از سمت چپ به چپ را نشان می‌دهد. مشخص کردن دقیقاً زمانی که the تکمیل شده‌است و یا اندازه‌گیری اینکه چقدر قیمت در جهت مخالف حرکت خواهد کرد، دشوار است. کف saucer معمولاً بر روی نمودارهای هفتگی یا ماهانه شکل می‌گیرند که چندین سال طول می‌کشد. هر چه بیشتر طول بکشد، تعداد آن‌ها بیشتر خواهد بود. (مراجعه به شکل ۸.۵).

Spikes ترین بازارهای رو به رو هستند که به این دلیل سر و کار دارند چون میخ (یا الگوی V) خیلی سریع و یا بدون هیچ دوره انتقالی اتفاق می‌افتد. آن‌ها معمولاً در بازاری رخ می‌دهند که به حدی در یک جهت overextended شده‌است، که یک بخش ناگهانی از اخبار مخالف باعث می‌شود که بازار به طور ناگهانی جهت معکوس شود. یک برگشت هفتگی یا هفتگی، در حجم بسیار سنگین، گاهی تنها هشدار است که آن‌ها به ما می‌دهند. با این حال، این قضیه خیلی بیشتر از آن چیزی نیست که ما می‌توانیم در مورد آن‌ها بگوییم، به جز این که امیدواریم که شما تعداد زیادی از آن‌ها را اجرا کنید. برخی از شاخص‌های تکنیکال که در بخش‌های بعدی بحث می‌کنیم به شما کمک می‌کند مشخص کنید که چه زمانی بازارها به طور خطرناکی گسترش یافته‌اند. (مراجعه به شکل ۵.۹).



شکل ۵ - ۸ این نمودار نشان می‌دهد که یک saucer (یا گرد کردن) به پایین شبیه است. آن‌ها بسیار آهسته و تدریجی هستند، اما معمولاً نقطه عطف اصلی هستند. این ربات چهار سال طول کشید.



شکل ۵-۹ الگوی برگشت فتری را نشان می‌دهد. این reversals ناگهانی بدون هیچ هشدار ریخ می‌دهند. یک کاهش ناگهانی قیمت در حجم سنگین معمولاً تنها نشانه آن است. متأسفانه، این چرخش ناگهانی به سختی می‌تواند از قبل تشخیص داده شود.

نتیجه‌گیری

ما در مورد پنج مورد رایج که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرند مورد بحث قرار گرفته‌ایم - سیستم‌ها، سرها و شانه‌ها، tops دوتایی و سه‌گانه، toms - bot، نعلبکی و V یا سیخ. از میان آن‌ها، معمول‌ترین آن‌ها، سر و شانه‌ها و tops و bottoms است. این الگوها معمولاً به معکوس کردن روند معکوس در پیشرفت سیگنال می‌دهند و به عنوان الگوهای بازگشتی بزرگ طبقه‌بندی می‌شوند. با این حال، یک کلاس دیگر از الگوها وجود دارد که عبارت کوتاه‌تر در طبیعت هستند و معمولاً روند را به جای معکوس پیشنهاد می‌کنند. آن‌ها aptly نام دارند که تداوم نامیده می‌شوند. Let's به این نوع از الگو در فصل ۶ نگاه می‌کنند.

مقدمه

الگوهای چارت تحت پوشش در این فصل الگوهای ادامه نامیده می‌شوند. این الگوها معمولاً نشان می‌دهند که اقدام قیمت پهلوی در چارت چیزی بیش از یک وقفه در روند حاکم نیست و حرکت بعدی در جهت همان مسیری خواهد بود که قبل از شکل‌گیری قرار داشت. این موضوع، این گروه از الگوها را در فصل قبل متمایز می‌کند، که معمولاً بیانگر آن است که روند اصلی معکوس در حال پیشرفت است.

تفاوت دیگر بین الگوهای بازگشتی و تداوم زمان آن‌ها است. الگوهای Reversal معمولاً زمان زیادی را صرف ساخت و نشان دادن تغییرات عمده در روند تغییرات می‌کنند. از سوی دیگر، الگوهای "استمرار" معمولاً در طول مدت کوتاه‌تر هستند و به دقت طبقه‌بندی می‌شوند که به صورت دقیق‌تر یا نزدیک به عنوان الگوهای میانی یا متوسط طبقه‌بندی می‌شوند.

توجه داشته باشید که استفاده مداوم از عبارت "معمولاً" با روندها کلی مغایر با قوانین سخت است. همیشه استثنا وجود دارد. حتی گروه‌بندی الگوهای قیمت در مقوله‌های مختلف

فصل ششم

ضعیف می‌شود. Triangles معمولاً الگوهای ادامه‌دار هستند، اما گاهی به عنوان الگوهای بازگشتی عمل می‌کنند. اگرچه مثلث‌ها معمولاً الگوهای میانی محسوب می‌شوند، اما گاهی ممکن است در جداول بلند مدت ظاهر شوند و اهمیت روند اصلی را در نظر بگیرند. تغییر شکل مثلث - نوع وارونه - معمولاً یک بازار عمده را نشان می‌دهد. حتی الگوی شانه و شانه، که به عنوان بهترین الگوی معکوس شناخته می‌شود، به موقع به عنوان یک الگوی ادغام تلقی می‌شود.

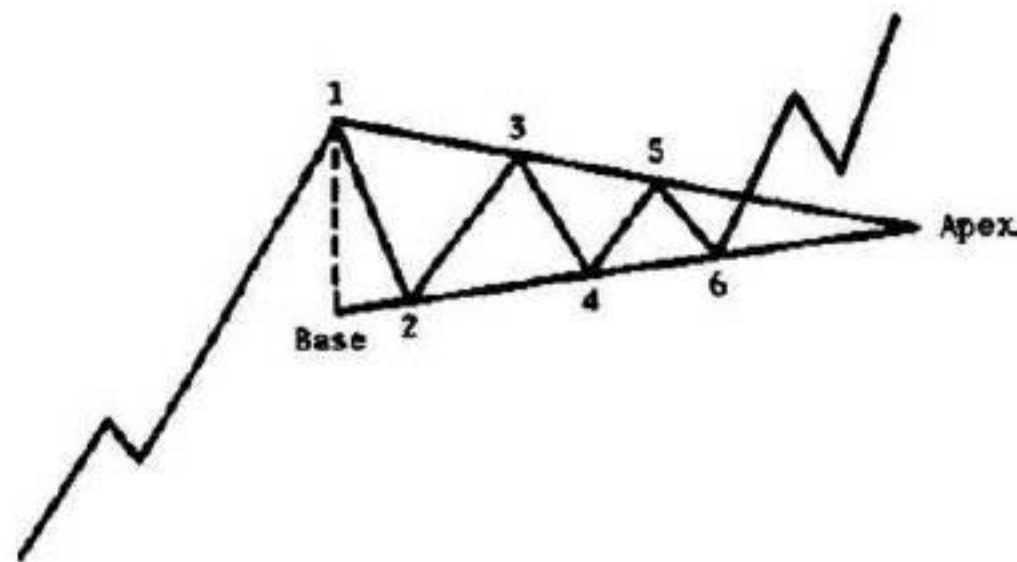
حتی با وجود میزان مشخصی از ابهام و استثنا گاه، الگوهای چارت به طور کلی در دو دسته بالا قرار می‌گیرند و اگر به درستی تفسیر شوند، می‌توانند به the کمک کنند تا تعیین کنند که احتمالاً کدام بازار بیشتر زمان را انجام خواهد داد.

triangles

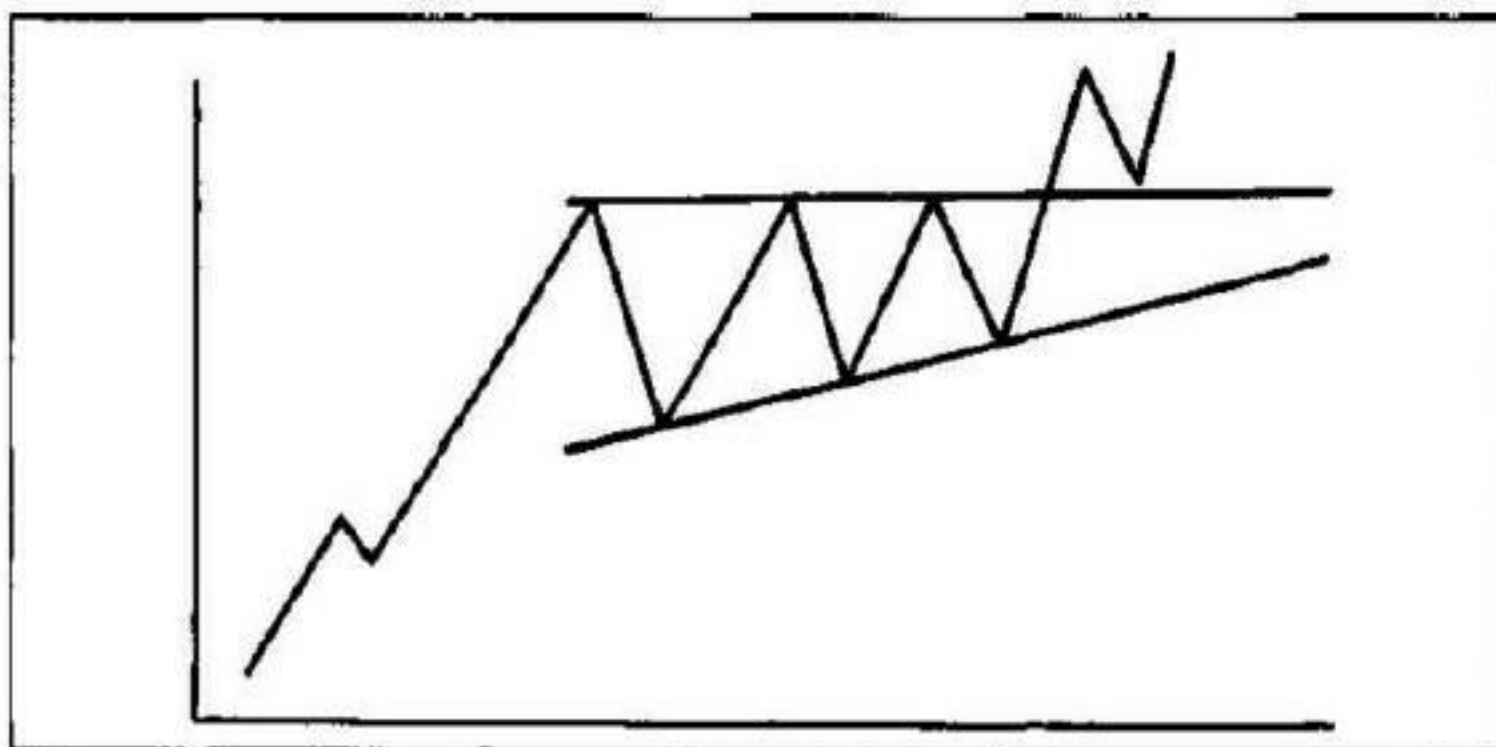
اجازه دهید با مثلث شروع کنیم. سه نوع مثلث متقارن، صعودی و نزولی وجود دارد. (چند مثال شامل یک نوع چهارم از مثلث شناخته‌شده به عنوان یک مثلث در حال گسترش یا گسترش آن است. این یک الگوی جداگانه است.) هر نوع مثلث شکلی متفاوت دارد و مفاهیم پیش‌بینی متفاوتی دارد.

شکل‌های ۱.۶ a - c نمونه‌هایی از آنچه هر مثلث به نظر می‌رسد را نشان می‌دهد. مثلث متقارن (شکل ۱.۶ a) دو خط همگرا را نشان می‌دهد، خط بالایی پایین می‌رود و خط پایینی صعود می‌کند. خط عمودی در سمت چپ، اندازه‌گیری ارتفاع الگو، پایه نامیده می‌شود. نقطه تقاطع در سمت راست، جایی که دو خط با هم تلاقی می‌کنند، راس نامیده می‌شود. به دلایل روشن، مثلث متقارن نیز یک سیم‌پیچ نامیده می‌شود.

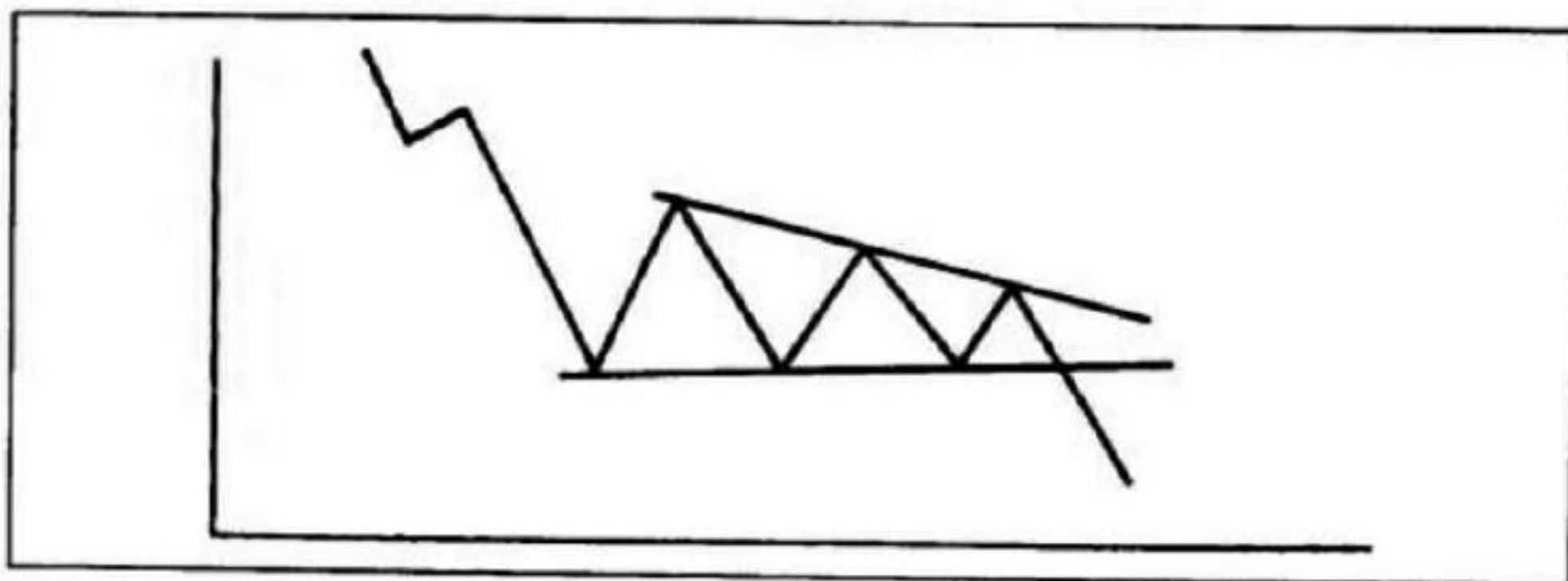
مثلث صعودی یک خط پایینی بالا با یک خط صاف یا افقی دارد (شکل ۱.۶ b را ببینید). مثلث نزولی (شکل ۱.۶ c)، با کنتراست، خط بالایی را دارد که با یک خط پایینی یا افقی در حال کاهش است. Let's نحوه تفسیر هر یک از آن‌ها را درک می‌کنند.



شکل ۱.۶ a مثال از یک مثلث متقارن صعودی. به دو طرف همگرا توجه کنید. در بیرون، یا خط روند بسته را کامل می‌کند. خط عمودی در سمت چپ پایه است. نقطه‌ای که در آن دو خط تلاقی دارند راس است.



شکل ۱.۶ - مثالی از یک مثلث صعودی. به خط بالا و خط پایین رو به بالا توجه کنید. این به طور کلی یک الگوی صعودی است.



شکل ۱۶ - مثالی از یک مثلث نزولی. به خط پایین تخت و خط پایین رو به پایین توجه کنید. این معمولاً یک الگوی خشن است.

مثلث متقارن

مثلث متقارن (یا سیم پیچ) معمولاً یک الگوی ادامه دار است. این نشان دهنده یک وقفه در روند موجود است که بعد از آن روند اصلی از سر گرفته می شود. به عنوان مثال در شکل ۱۶a، روند قبلی افزایش یافت، به طوری که درصدها در حل و فصل مثلثی بر روی آن شکل می گیرد. اگر روند نزولی داشته باشد، آنگاه مثلث متقارن دارای مفاهیم رفتاری خواهد بود.

حداقل شرط برای یک مثلث چهار نقطه برگشتی است. به یاد داشته باشید که همیشه دو نقطه طول می کشد تا خط روند را رسم کنید. بنابراین، برای کشیدن دو خط همگرا، هر خط باید حداقل دو بار مورد استفاده قرار گیرد. در شکل ۱۶a، مثلث در واقع در نقطه ۱ شروع می شود، که در آن تثبیت در the شروع می شود. قیمت ها به نقطه ۲ برمی گردند و سپس به نقطه ۳ می رسند. بالاینحال، نقطه ۳ کم تر از نقطه ۱ است. خط روند بالاتر تنها زمانی می تواند کشیده شود که قیمت از نقطه ۳ کاهش یابد.

توجه داشته باشید که نقطه ۴ بالاتر از نقطه ۲ است. تنها زمانی که قیمت ها از نقطه ۴ شروع به چرخش می کنند، خط پایین تری می تواند کشیده شود. در این نقطه است که تحلیلگر شروع به شک می کند که او با مثلث متقارن سر و کار دارد. اکنون چهار نقطه برگشتی (۱، ۲، ۳ و ۴) و دو نقطه همگرا وجود دارد.

در حالی که حداقل شرط چهار نقطه برگشتی است، بسیاری از مثلث ها شش نقطه برگشتی دارند که در شکل ۱۶a نشان داده شده است.

این به این معنی است که در واقع سه قله و سه troughs وجود دارند که با هم ترکیب می‌شوند تا پنج موج را در مثلث قبل از رزومه uptrend شکل دهند. (وقتی به تیوری موج الیوت می‌رسیم، بیشتر در مورد تمایل موج در مثلث صحبت خواهیم کرد).

محدودیت زمان برای تفکیک‌پذیری مثلث

یک محدودیت زمانی برای حل این الگو وجود دارد، و این نقطه‌ای است که دو خط در راس قرار می‌گیرند. به عنوان یک قانون کلی، قیمت‌ها باید در جهت روند قبلی بین دو سوم تا سه چهارم عرض افقی مثلث باشند. یعنی فاصله از پایه عمودی در سمت چپ الگوی سمت راست. از آنجا که این دو خط باید در نقطه‌ای ملاقات کنند، فاصله زمانی را میتوان با دو خط همگرا اندازه‌گیری کرد. یک شکست وارونه به وسیله نفوذ خط روند بالا نشان داده می‌شود. اگر قیمت‌ها در مثلث فراتر از نقطه سه چهارم باقی بمانند، مثلث شروع به از دست دادن قدرت خود می‌کند، و معمولاً به این معنی است که قیمت‌ها به سمت بالا و بالاتر می‌رود.

بنابراین مثلث، ترکیب جالبی از قیمت و زمان فراهم می‌کند. The همگرا، مرزهای این الگو را مشخص می‌کنند، و نشان می‌دهند که این الگو تکمیل شده‌است و روند با نفوذ خط روند بالاتر (در مورد of) از سر گرفته می‌شود. اما این روش‌ها همچنین یک هدف زمانی را با اندازه‌گیری عرض الگو، فراهم می‌کنند. برای مثال، اگر عرض آن ۲۰ هفته طول داشته باشد، این شکست باید زمانی بین ۱۳ و ۱۵ هفته انجام شود. (شکل ۱.۶ d را ببینید)

سیگنال روند واقعی با نزدیک کردن نفوذ یکی از the ها داده می‌شود. گاهی اوقات حرکت بازگشتی پس از شکست به خط روند در حال نفوذ تبدیل می‌شود. در an، این خط به یک خط پشتیبانی تبدیل شده‌است. در روند نزولی خط پایین به یک خط مقاومت تبدیل می‌شود که زمانی شکسته می‌شود. این راس به عنوان یک پشتیبانی مهم یا سطح مقاومت بعد از رخ دادن شکست عمل می‌کند. معیارهای نفوذ مختلف را میتوان برای شکست، مشابه آنچه در دو فصل قبل پوشش داده شد، اعمال کرد. یک معیار حداقل نفوذ ممکن است یک قیمت بسته خارج از خط روند باشد و نه تنها یک نفوذ روزانه باشد.



شکل ۶: Id دل یک مثلث متقارن صعودی را در ربع چهارم سال ۱۹۹۷ ایجاد کرده است. که از چپ به راست اندازه گیری می شود، عرض مثلث ۱۸ هفته است. قیمت ها در هفته سیزدهم شروع شدند (دایره را ببینید)، درست پشت سر دو سوم.

اهمیت حجم

حجم باید کم شود چون نوسانات قیمت در مثلث باریک می شوند. این تمایل به حجم برای قرارداد در همه الگوهای con صادق است. اما حجم باید به طور قابل توجهی با نفوذ خط روند انتخاب شود که الگو را کامل می کند. با ادامه روند، حرکت بازگشتی باید در حجم نور با فعالیت سنگین تر باشد.

دو نکته دیگر باید در مورد حجم ذکر شود. همانطور که در مورد الگوهای برگشت وجود دارد، حجم بیشتر از جنبه منفی مهم تر است. افزایش حجم برای از سرگیری یک uptrend در تمامی الگوهای ادغام ضروری است.

نکته دوم در مورد حجم این است که با وجود اینکه فعالیت تجاری در طول تشکیل الگو کاهش می یابد، بازرسی نزدیک از حجم معمولاً سرنخی به دست می دهد که

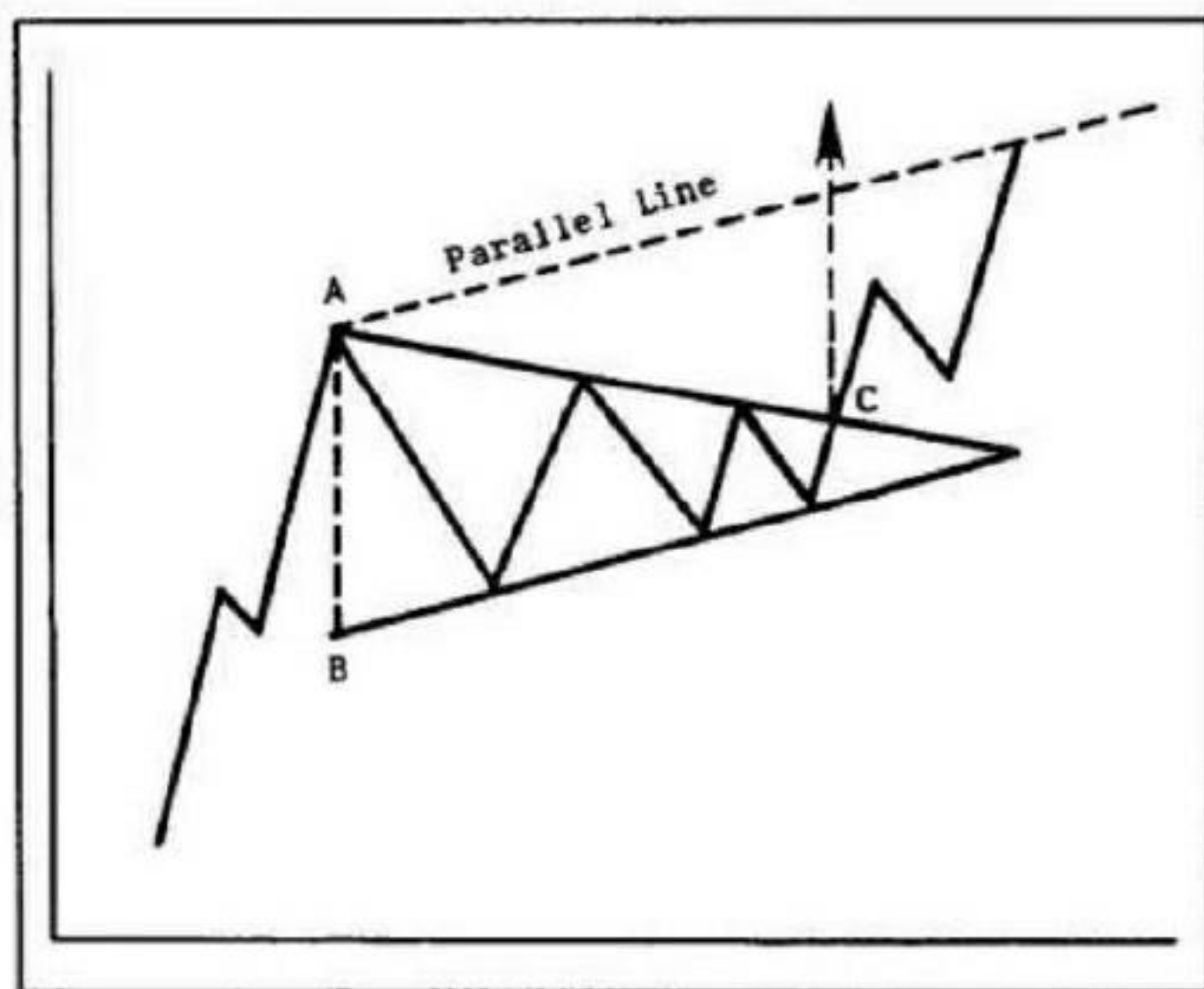
الگوهای تداوم

حجم سنگین‌تر در طول the و یا حرکت در حال حرکت رخ می‌دهد. به عنوان مثال، در یک uptrend، تمایل کمی برای افزایش حجم در طول بازتاب و سبک‌تر شدن قیمت وجود دارد.

تکنیک اندازه‌گیری

Triangles تکنیک‌های سنجش را دارند. در مورد مثلث متقارن، معمولاً چند تکنیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. ساده‌ترین تکنیک اندازه‌گیری ارتفاع خط عمودی در عریض‌ترین قسمت از مثلث (پایه) و اندازه‌گیری فاصله از نقطه شکست است. شکل ۲.۶ فاصله پیش‌بینی‌شده از نقطه شکست را نشان می‌دهد، که تکنیکی است که من ترجیح می‌دهم.

روش دوم، کشیدن خط روند از بالای پایه (در نقطه A) موازی با خط روند پایین‌تر است. این خط لوله بالا به هدف وارونه در یک uptrend تبدیل می‌شود. این امکان وجود دارد که به یک هدف زمانی سخت برای رسیدن به خط کانال بالا دست پیدا کنیم. گاهی زمانی که دو خط همگرا در راس قرار می‌گیرند، قیمت‌ها به خط کانال می‌رسند.

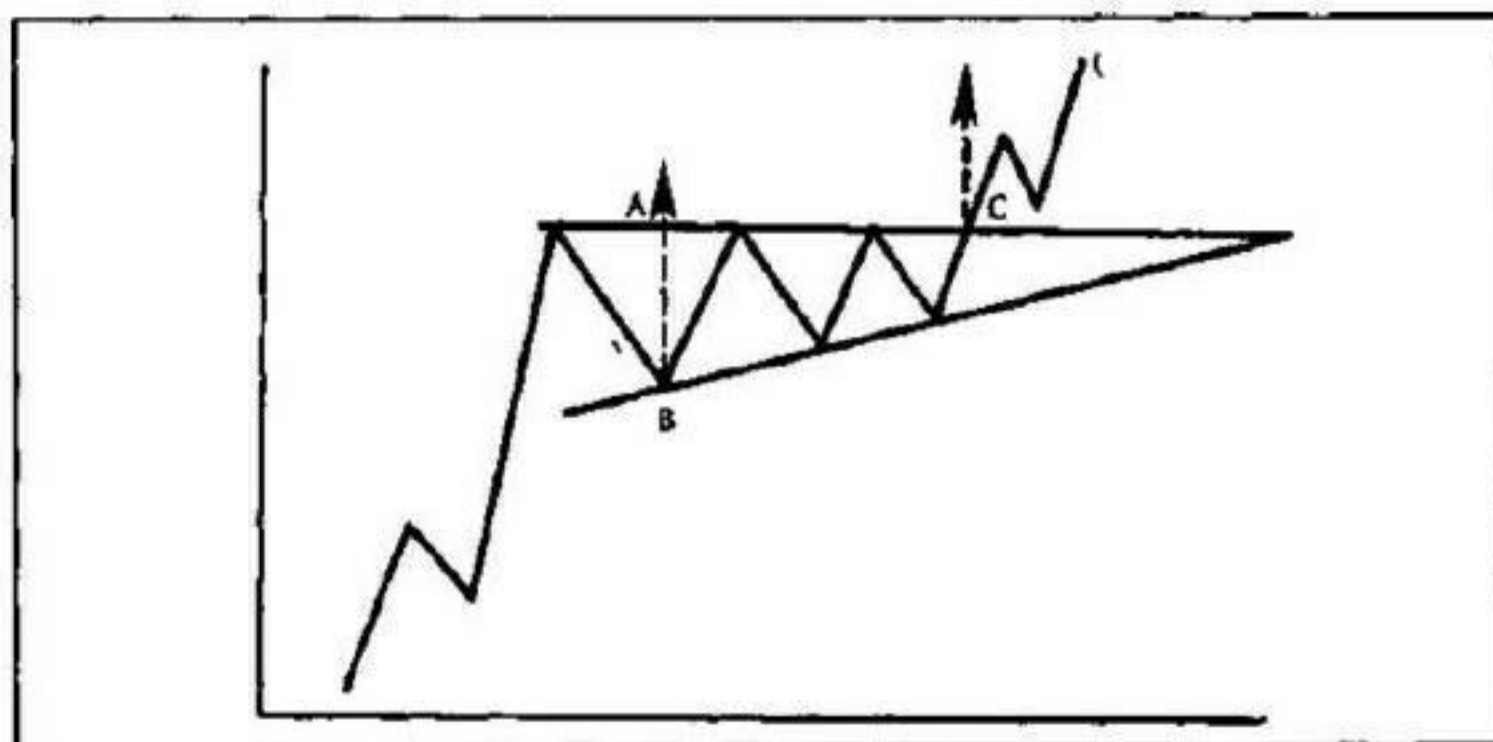


شکل ۲-۶ دو روش برای اندازه‌گیری یک اندازه‌گیری متقارن یا متقارن وجود دارد. ۱. ۱. ۱. ۱. ۱. ۱. ۱. ۱. روش دیگر رسم یک خط موازی رو به بالا از بالای خط (A) موازی با خط پایین در مثلث است.

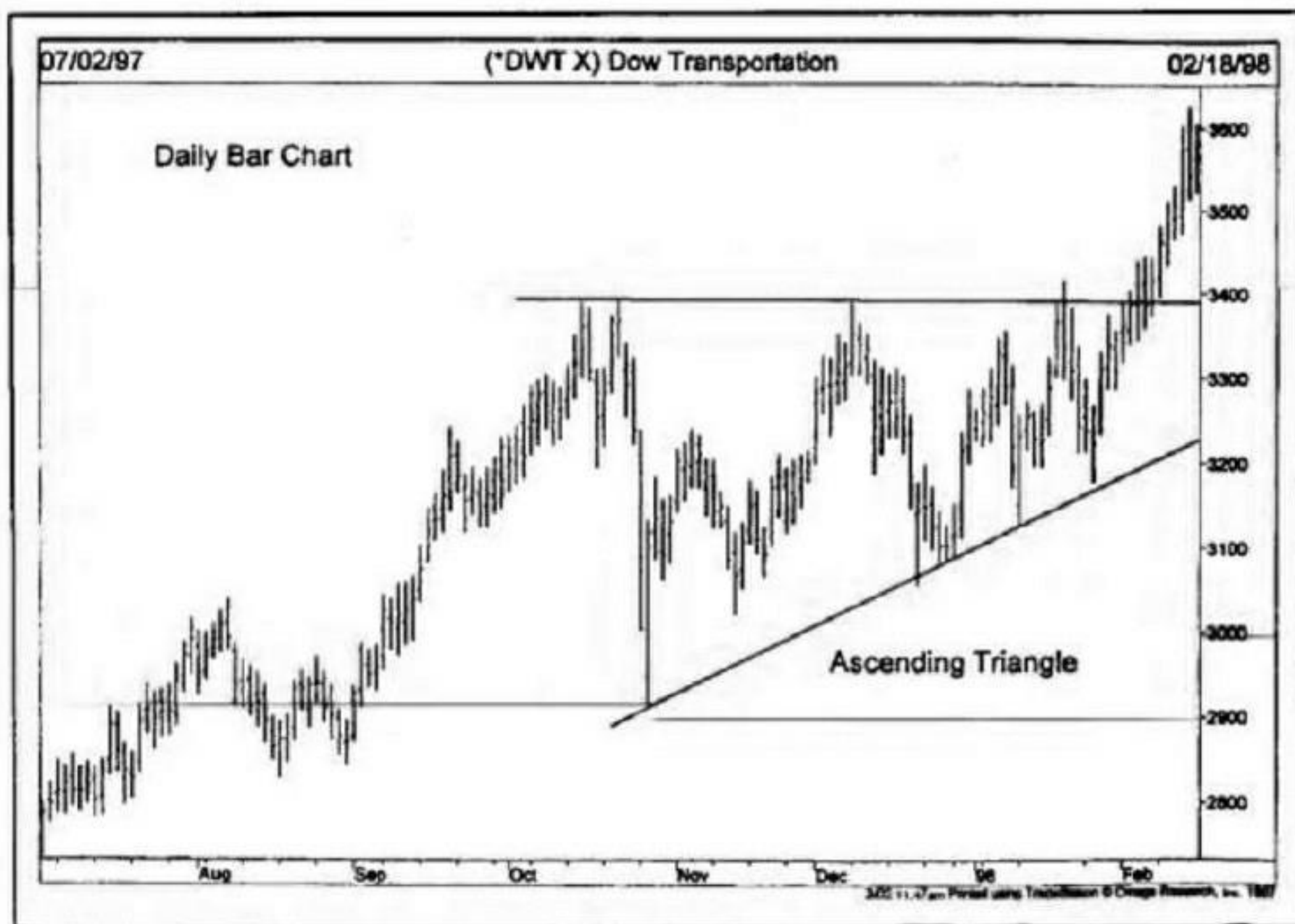
ascending THE

مثلث‌ها گاه بالا و پایین، تغییرات of - metrical هستند، اما دارای کاربردهای پیش‌بینی متفاوتی هستند. شکل‌های ۳.۶ a و b نمونه‌هایی از یک مثلث صعودی را نشان می‌دهند. توجه داشته باشید که خط روند بالایی صاف است، در حالی که خط پایین در حال بالا رفتن است. این الگو نشان می‌دهد که خریداران more از فروشندگان هستند. این یک الگوی صعودی در نظر گرفته می‌شود و معمولاً با شکست وارونه حل می‌شود.

هر دو مثلث صعودی و پایین از نظر بسیار مهمی با یکدیگر تفاوت دارند. مهم نیست که در چه نقطه از ساختار روند صعودی یا نزولی به نظر برسد، آن‌ها دارای مفاهیم پیش‌بینی بسیار قطعی هستند. مثلث صعودی صعودی است و مثلث نزولی خشن است. مثلث متقارن با کنتراست، ذاتاً یک الگوی خنثی است. با این حال، این بدان معنا نیست که مثلث متقارن مقدار پیش‌بینی ندارد. برعکس، چون متقارن بود،



شکل ۳.۶ a یک مثلث صعودی است. این الگو در یک نقطه قاطع در بالای خط بالاتر تکمیل می‌شود. این شکست باید شاهد افزایش شدید حجم باشد. این خط مقاومت بالایی باید به عنوان پشتیبان در dips بعدی بعد از شکست عمل کند. حداقل هدف قیمت با اندازه‌گیری ارتفاع مثلث (AB) بدست می‌آید و این فاصله را از نقطه شکست در C نشان می‌دهد.



شکل ۳.۶ Tfce b داو transports یک مثلث صعودی صعودی نزدیک انتهای سال ۱۹۹۷ ایجاد کرده است. به خط بالایی صاف در ۳۴۰۰ و خط پایین رو به بالا توجه کنید. این به طور معمول یک الگوی صعودی نیست، مهم نیست که در نمودار به نظر برسد.

مثلث یک الگوی ادامه دار است، تحلیلگر باید به سادگی به دنبال جهت روند قبلی باشد و سپس فرض کنید که روند قبلی ادامه خواهد داشت. Let's به مثلث ascending باز می گردند. همانطور که قبلاً گفته شد، اغلب مثلث صعودی به شکل صعودی است. شکست صعودی با یک بسته قاطع در بالای خط روند بالای مسطح نشان داده می شود. همانطور که در مورد تمام موارد حمله وارونه شده، حجم باید شاهد افزایش قابل توجه در شکست باشد. یک حرکت بازگشتی به خط پشتیبانی (خط بالا) غیرمعمول نیست و باید در حجم نور رخ دهد.

تکنیک اندازه گیری

تکنیک اندازه گیری برای مثلث صعودی نسبتاً ساده است. به سادگی ارتفاع الگو را در عریض ترین (حد) اندازه گیری کنید

نقطه شروع و نشان دادن فاصله عمودی از نقطه شکست. این یک مثال دیگر از استفاده از نوسانات الگوی قیمت برای تعیین حداقل هدف قیمت است.

مثلت صعودی به عنوان یک پایین

در حالی که مثلت صعودی اغلب در یک uptrend ظاهر می‌شود و یک الگوی ادامه‌دار در نظر گرفته می‌شود، گاهی اوقات به عنوان یک الگوی bottoming به نظر می‌رسد. در انتهای یک روند نزولی برای دیدن یک مثلت صعودی غیرمعمول نیست. با این حال، حتی در این وضعیت، تفسیر الگو صعودی است. شکستن سیگنال‌های خط بالایی پایه و یک سیگنال صعودی در نظر گرفته می‌شود. هر دو مثلت بالا و پایین نیز گاهی به عنوان مثلت قائم‌الزاویه نیز شناخته می‌شوند.

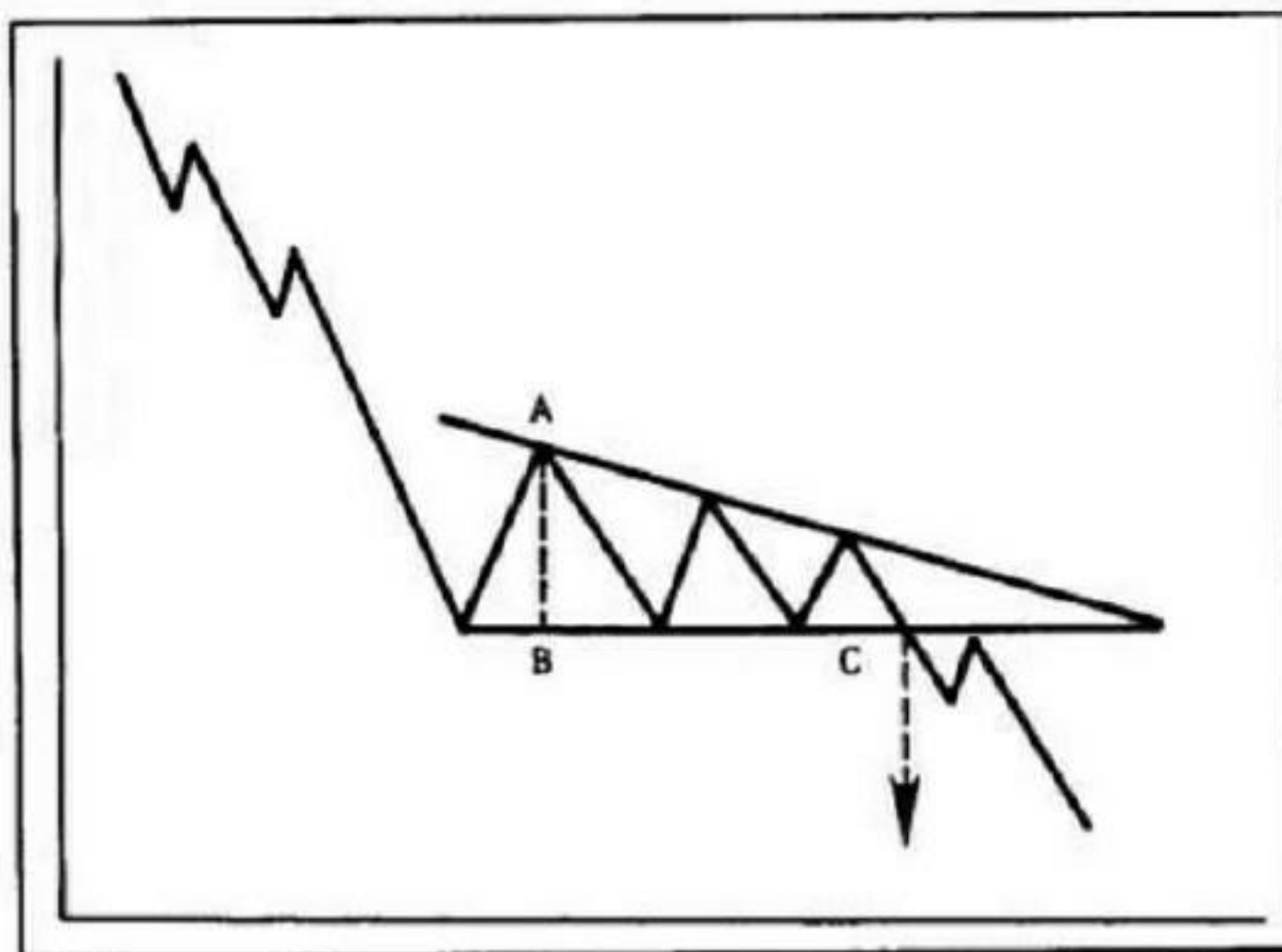
descending THE

مثلت نزولی فقط یک تصویر آینه‌ای از مرتب‌سازی صعودی است و به طور کلی یک الگوی نزولی در نظر گرفته می‌شود. به شکل‌های ۴.۶ a و b خط بالا پایین و خط پایین صاف توجه کنید. این الگو نشان می‌دهد که فروشندگان نسبت به خریداران aggressive هستند و معمولاً بر روی عیب حل می‌شوند. سیگنال نزولی توسط یک بسته قاطع زیر خط روند پایین‌تر، معمولاً بر روی حجم افزایش یافته، ثبت می‌شود. حرکت بازگشتی گاهی اتفاق می‌افتد که باید با مقاومت در خط روند پایین‌تر مواجه شود.

روش اندازه‌گیری دقیقاً مشابه مثلت صعودی در این مفهوم است که تحلیلگر باید ارتفاع الگو را در پایه چپ اندازه‌گیری کند و سپس پروژه را از نقطه شکست کاهش دهد.

مثلت نزولی به عنوان یک بالا

اگر چه مثلت نزولی یک الگوی ادامه‌دار است و معمولاً در داخل downtrends یافت می‌شود، در مورد موقعیت مثلت نزولی که در راس بازار یافت نمی‌شود، غیرمعمول نیست. این نوع الگو برای تشخیص زمانی که در تنظیمات بالا ظاهر می‌شود دشوار نیست. در این حالت، یک فاصله نزدیک خط پایین صاف، روند معکوس را به عیب تبدیل می‌کند.



شکل ۶,۴ یک **A** نزولی را نشان می‌دهد. الگوی نزولی با یک بسته قاطع در زیر خط صاف پایین مشخص می‌شود. فن‌آوری اندازه‌گیری - **nique** ارتفاع مثلث (**AB**) است که از زمان شکست در نقطه **C** نشان داده می‌شود.



شکل ۴.۶ - یک مثلث نزولی نزولی که در دو پل در طول فصل پاییز ۱۹۹۷ شکل گرفت. خط بالایی در حال پایین رفتن است در حالی که خط پایین تخت است. شکستن خط پایین در اوایل اکتبر، این الگو را به جنبه منفی سوق داد.

فصل ششم

الگوی حجم

الگوی حجم در هر دو مثلث صعودی و پایین بسیار شبیه به این است که وقتی الگوی خود را بیرون می‌دهد و سپس روی شکست افزایش می‌یابد، حجم از بین می‌رود. همانطور که در مورد مثلث متقارن، در طول تشکیل the می‌تواند تغییرات ظریف در الگوی حجم همزمان با نوسانات در عمل قیمت را تشخیص دهد. این به این معنی است که در الگوی صعودی، حجم به نظر می‌رسد که در کاهش بازتاب‌ها و سبک‌تر شدن نرم‌تر باشد. در تشکیل نزولی، حجم باید سنگین‌تر و سبک‌تر باشد در طول بازتاب.

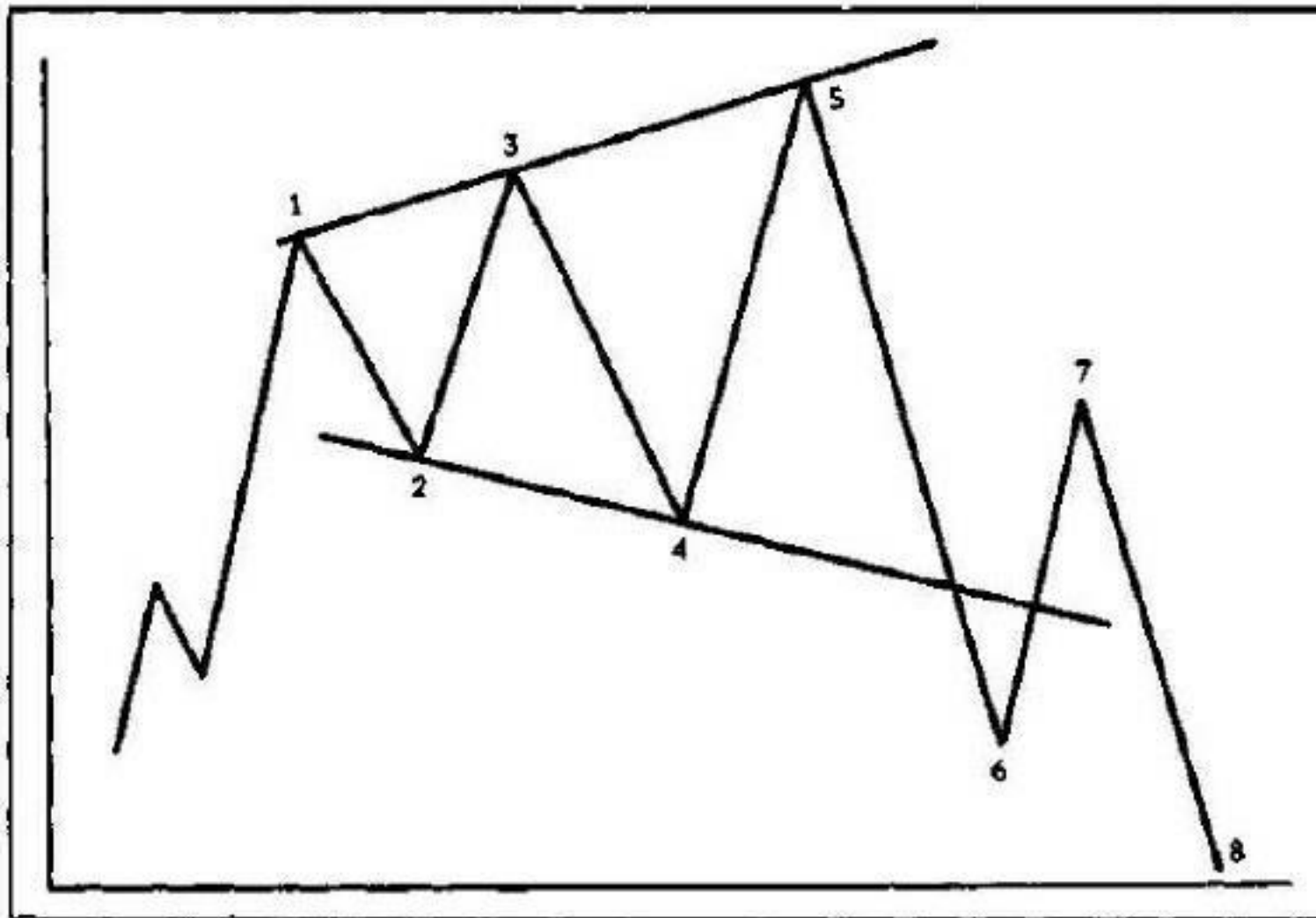
فاکتور زمان در Triangles

یک عامل نهایی که باید در مورد موضوع مثلث در نظر گرفته شود، آن بعد زمان است. مثلث یک الگوی میانی در نظر گرفته می‌شود، به این معنی که معمولاً بیش از یک ماه طول می‌کشد، اما معمولاً کم‌تر از سه ماه طول می‌کشد. یک مثلث که کم‌تر از یک ماه طول می‌کشد، احتمالاً یک الگوی متفاوت، مانند پرچم، است که به زودی پوشش داده خواهد شد. همانطور که قبلاً گفته شد، مثلث‌ها گاه روی نمودارهای قیمت بلند مدت ظاهر می‌شوند، اما معنای اصلی آن‌ها همیشه یکسان است.

broadening THE

این الگوی قیمت بعدی، یک تغییر غیر معمول از مثلث است و نسبتاً نادر است. این در واقع یک مثلث وارونه یا یک مثلث وارونه است. همه الگوهای مثلثی شکل تا اینجا مورد بررسی *converging trendlines* قرار گرفته‌اند. شکل‌گیری گسترده‌گی، همانطور که نام بر آن دلالت دارد، درست نقطه مقابل است. همانطور که در شکل ۵.۶ نشان می‌دهد، *trendlines* در شکل ۶ - ۵ از هم جدا می‌شود و تصویری را ایجاد می‌کند که شبیه به یک مثلث در حال گسترش است. همچنین یک بلندگو صدا نیز نامیده می‌شود.

الگوی حجم نیز در این شکل‌گیری تفاوت دارد. در سایر الگوهای مثلثی، حجم به تدریج کاهش می‌یابد چون نوسانات قیمت باریک‌تر می‌شوند. تنها نقطه مقابل در شکل گسترده اتفاق می‌افتد. حجم به همراه نوسانات قیمت گسترده‌تر افزایش می‌یابد. این وضعیت نشان‌دهنده بازاری است که خارج از کنترل است.



شکل ۵.۶ یک گستردگی گسترده را نشان می‌دهد. این نوع از مثلث در حال توسعه معمولاً در قله‌های اصلی رخ می‌دهد. این نشان می‌دهد که سه قله مرتفع و دو troughs در حال کاهش است. تخطی از آبشخور دوم، الگو را کامل می‌کند. این یک الگوی بسیار سخت برای تجارت است و خوشبختانه نسبتاً نادر است.

و فوق‌العاده احساساتی بود. از آنجا که این الگو همچنین نشان‌دهنده میزان غیر معمول مشارکت عمومی است، اغلب در صدر اعظم بازار اتفاق می‌افتد. بنابراین، الگوی گسترش معمولاً یک آرایش خشن است. این بیماری عموماً نزدیک به پایان یک بازار بزرگ گاو به چشم می‌خورد.

FLAGS و pennants

پرچم‌های پرچم و پرچم به طور کلی رایج هستند. آن‌ها معمولاً با هم با هم رفتار می‌شوند چون آن‌ها در ظاهر بسیار شبیه هم هستند، تمایل دارند که در یک روند موجود در همان مکان ظاهر شوند، و همان حجم و معیارهای اندازه‌گیری را داشته باشند.

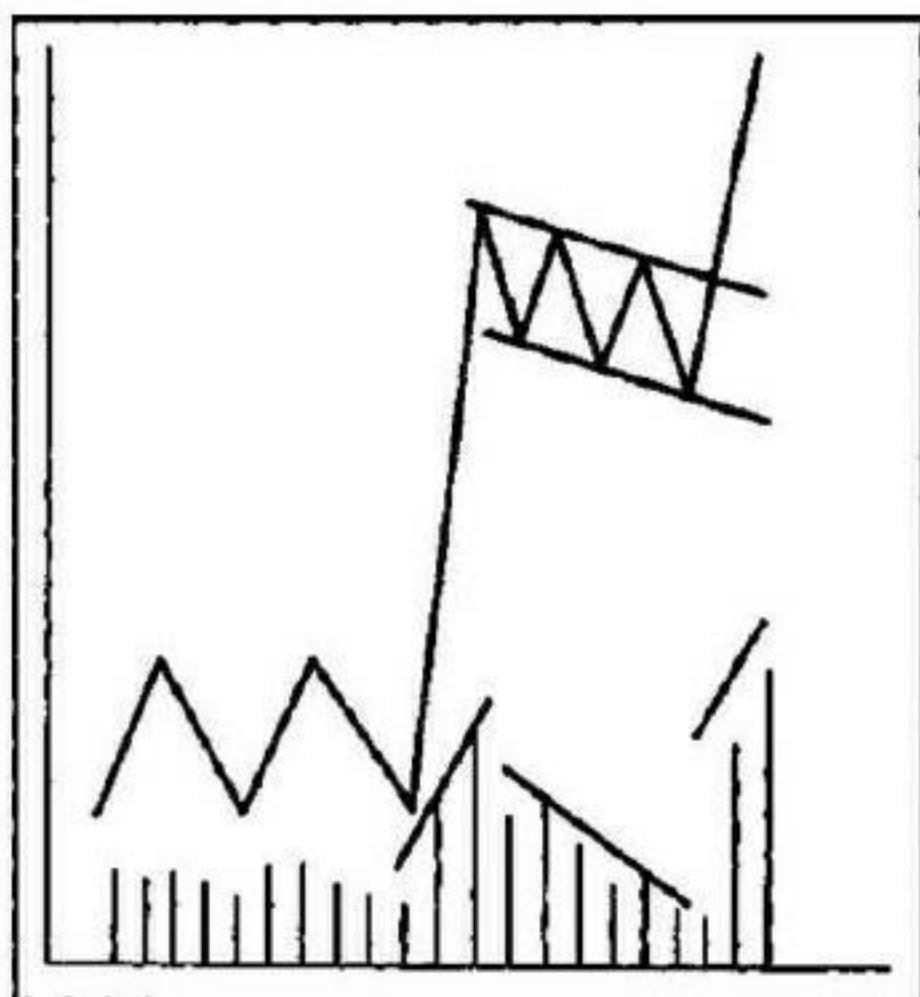
پرچم و پرچم نشان‌دهنده وقفه‌های کوتاه در حرکت بازار پویا هستند. در حقیقت، یکی از الزامات هر دو پرچم

و پرچم این است که آن‌ها قبل از حرکت خط مستقیم و تقریباً مستقیم قرار دارند. آن‌ها شرایطی را نشان می‌دهند که در آن‌ها یک پیشرفت یا کاهش شدید پیش رو بوده و در جایی که بازار به طور خلاصه مکث می‌کند تا "نفس خود را" قبل از دویدن دوباره در همان مسیر متوقف کند.

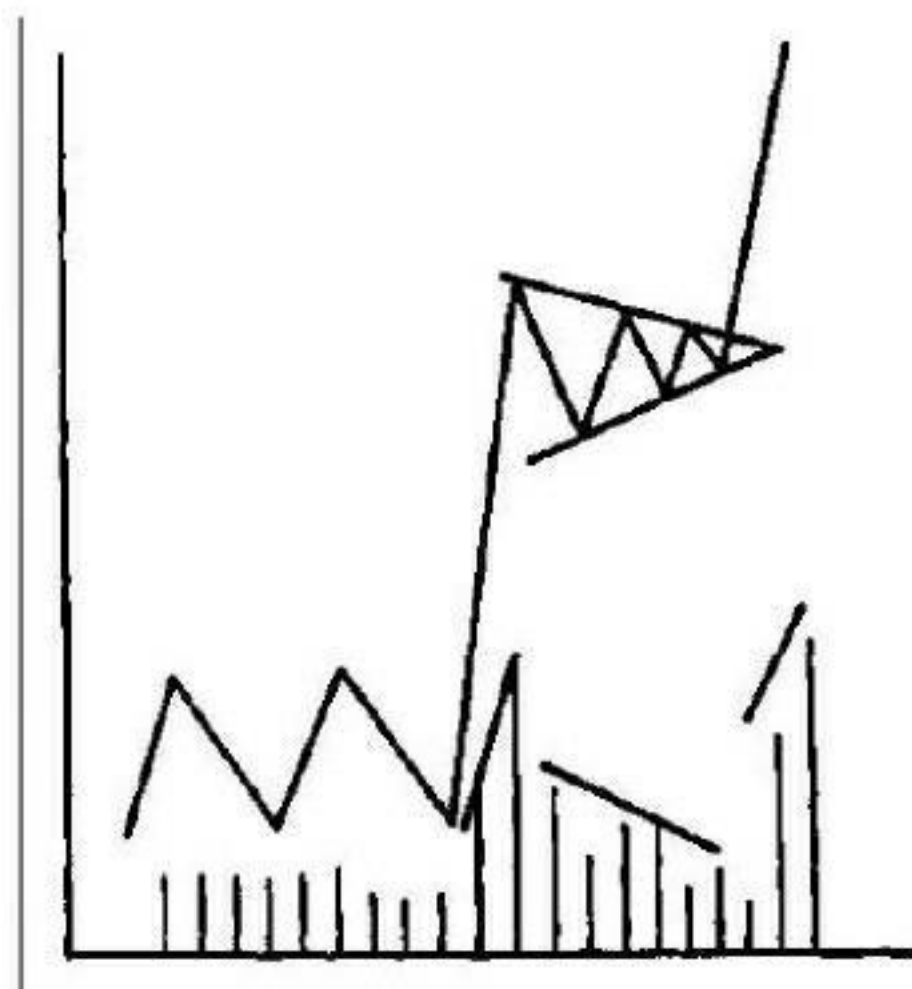
پرچم‌ها و پرچم‌ها از جمله reliable الگوهای contin هستند و تنها به ندرت یک برگشت روند ایجاد می‌کنند. شکل‌های ۶ - ۶ - a - b نشان می‌دهند که این دو الگو شبیه چه هستند. برای شروع، متوجه پیشروی شدید قیمت قبل از the در حجم سنگین باشید. توجه داشته باشید که افت چشمگیر در فعالیت به عنوان الگوی ادغام شکل می‌گیرد و سپس ظهور ناگهانی فعالیت بر روی شکست وارونه.

ساخت و Pennants

ساخت این دو الگو اندکی متفاوت است. این پرچم شبیه یک متوازی‌الاضلاع یا مستطیل است که توسط دو خط موازی علامت‌گذاری شده است که به شیب مخالف روند دارند. در روند نزولی، پرچم باید کمی شیب به سمت بالا داشته باشد.



یک مثال از یک پرچم صعودی را نشان می‌دهد. این پرچم معمولاً پس از حرکت شدید رخ می‌دهد و نشان‌دهنده مکث کوتاهی در روند است. پرچم باید مخالف روند باشد. حجم باید در طول شکل‌گیری خشک شود و دوباره روی شکست بسازد. این پرچم معمولاً در نزدیکی نقطه میانی حرکت رخ می‌دهد.



شکل ۶، ۶ - ۶ resembles یک
مثلاً متقارن کوچک است، اما معمولاً
بیش از سه هفته طول نمی‌کشد. حجم
باید در طول تشکیل آن نور باشد.
حرکت پس از تکمیل پرچم باید اندازه
حرکت قبل از آن را تکرار کند.

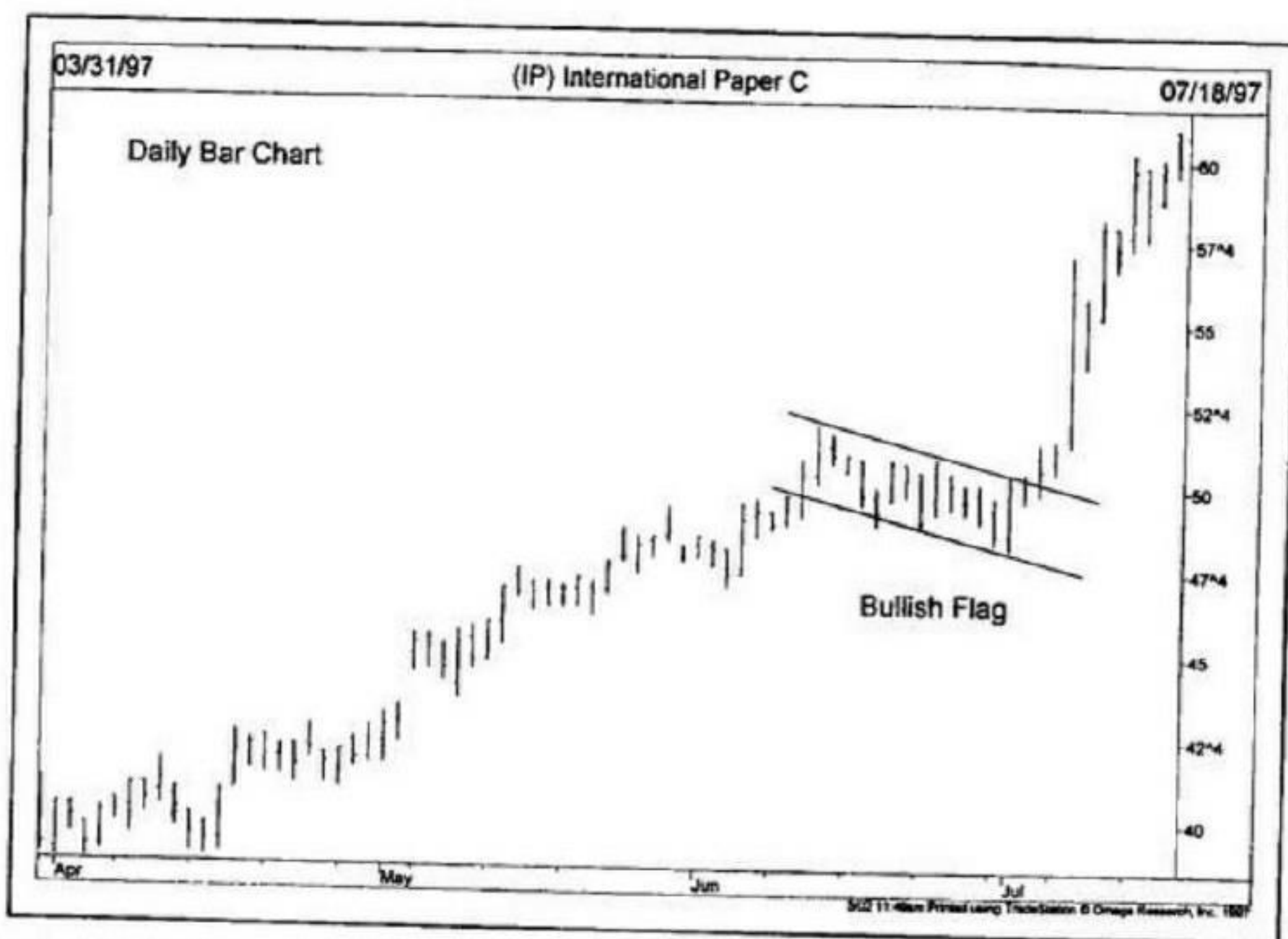
پرچم به وسیله دو خط

همگرا مشخص می‌شود و بیشتر افقی است. این شباهت بسیار شبیه به یک
مثلاً متقارن کوچک دارد. یک شرط مهم این است که حجم باید به طور
قابل توجهی خشک شود در حالی که هر یک از این الگوها در حال شکل‌گیری
هستند.

هر دو الگو نسبتاً کوتاه مدت هستند و باید در عرض یک تا سه هفته به
کار روند. Pennants و مسدود کننده‌ها در downtrends تمایل دارند که
زمان کمتری برای توسعه داشته باشند، و اغلب بیش از یک یا دو هفته طول
نمی‌کشد. هر دو الگو بر روی نفوذ خط روند بالاتر در یک uptrend کامل
شده‌اند. شکستن خط روند پایین‌تر از سرگیری downtrends خواهد بود.
شکستن آن trendlines باید بر روی حجم سنگین‌تر قرار گیرد. طبق معمول،
حجم وارونه از حجم منفی مهم‌تر است. (به شکل‌های ۶ - ۶ مراجعه کنید)

ارزیابی مفاهیم

مفاهیم اندازه‌گیری برای هر دو الگو مشابه هستند. گفته می‌شود پرچم‌ها و
پرچم‌ها از میله پرچم به سمت نصف دکل پرواز می‌کنند. میله پرچم، پیشروی یا
کاهش شدید قبلی است. اصطلاح "نیمه دکل" نشان می‌دهد که این الگوهای
تداوم جزئی تمایل دارند که



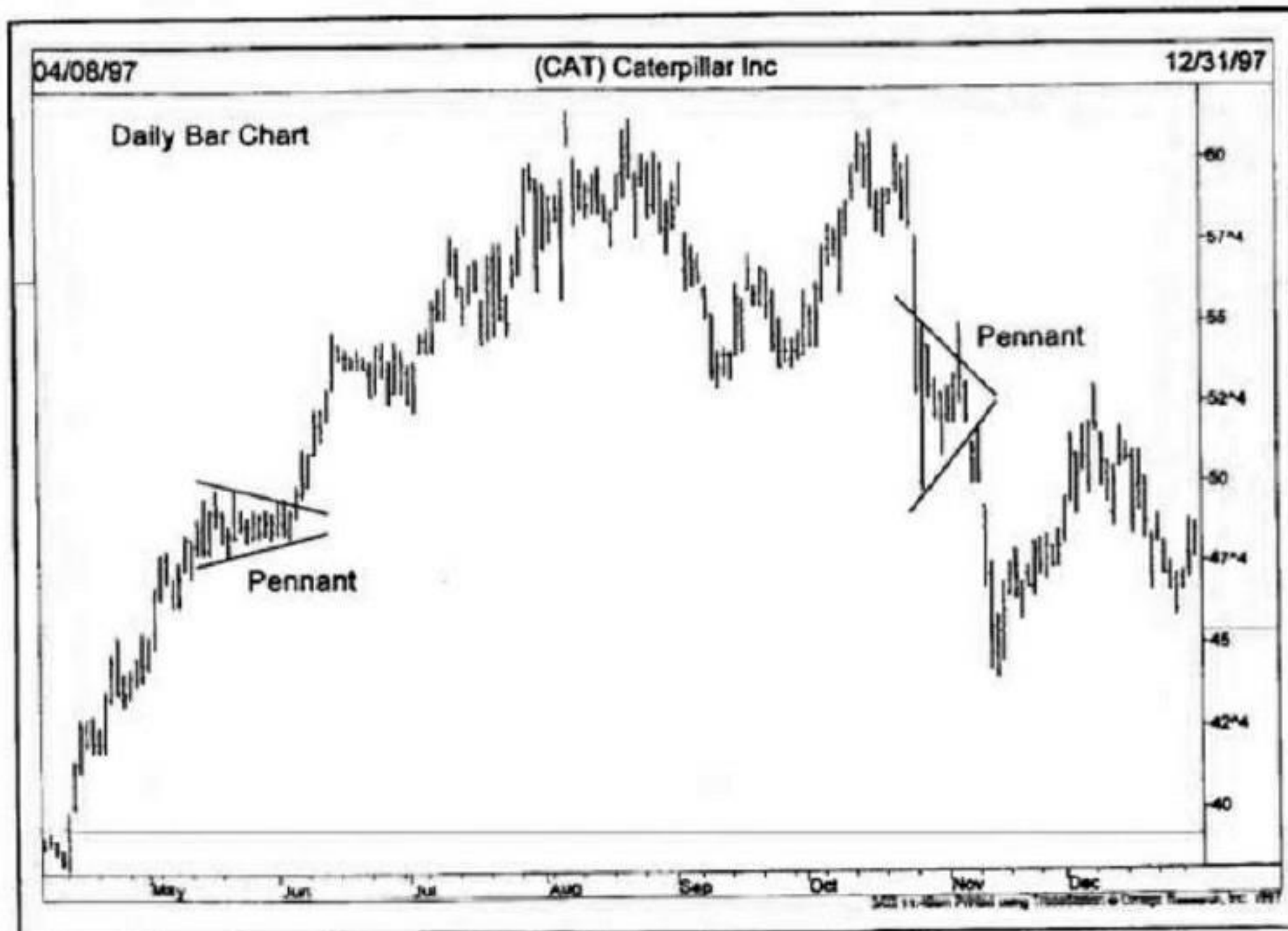
شکل ۷.۶ - یک پرچم صعودی در مقاله بین‌المللی. این پرچم یک متوازی‌الاضلاع با شیب پایین است. توجه داشته باشید که پرچم درست در نیمه راه of رخ داده است.

در نیمه راه این حرکت ظاهر می‌شوند. به طور کلی، حرکت پس از آن که این روند دوباره شروع شده است، میله یا حرکت را قبل از تشکیل این الگو تکرار خواهد کرد.

برای دقیق‌تر، اندازه‌گیری فاصله حرکت قبلی از نقطه شکست اولیه. یعنی نقطه‌ای که علامت روند اصلی با نفوذ یک سطح مقاومت یا مقاومت یا خط روند مهم داده شده است. آن فاصله عمودی از حرکت قبلی از نقطه شکست پرچم یا پرچم (پرچم) اندازه‌گیری می‌شود - یعنی نقطه‌ای که در آن خط بالایی در یک خط روند نزولی شکسته می‌شود.

خلاصه

نکات مهم هر دو الگو را خلاصه می‌کنیم.



شکل ۷.۶ - دو لوازم جانبی در این نمودار کاترپیلار در حال پرواز هستند. Pennants الگوهای تداوم کوتاه‌مدت هستند که به مثلث متقارن کوچک شباهت دارند. پرچم سمت چپ به uptrend ادامه داد، در حالی که یکی در سمت راست روند نزولی را ادامه داد.

1. هر دوی آنها قبل از حرکت خط مستقیم (به نام میله) در حجم سنگین قرار دارند.
2. سپس قیمت‌ها در حدود یک تا سه هفته در حجم بسیار نور توقف می‌کنند.
3. این روند ادامه فعالیت تجاری را از سر می‌گیرد.
4. هر دو الگو در نقطه میانی حرکت بازار رخ می‌دهند.
5. پرچم به یک مثلث متقارن افقی کوچک شباهت دارد.

6. این پرچم شبیه یک متوازی‌الاضلاع کوچک است که در برابر روند رایج شیب دارد.

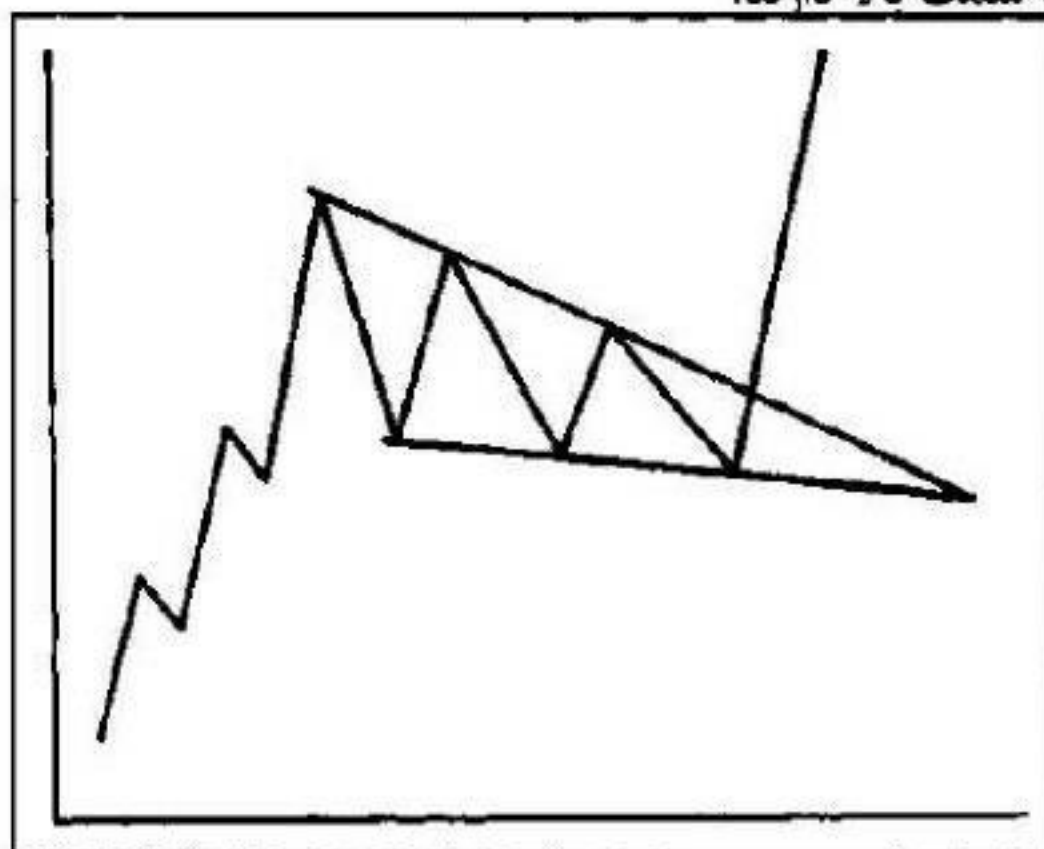
7. هر دو الگو زمان کمتری برای توسعه در downtrends دارند.

8. هر دو الگو در بازارهای مالی بسیار رایج هستند.

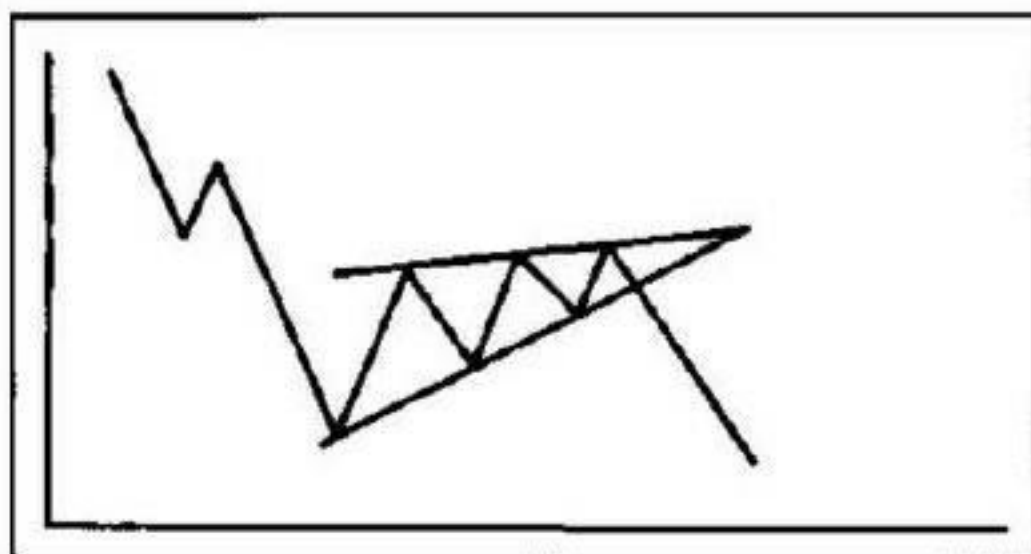
wedge THE

تشکیل گوه شبیه یک مثلث متقارن است و هم از نظر شکل و هم مقدار زمانی که شکل می‌گیرد. مانند مثلث متقارن، با دو خط روند همگرا مشخص می‌شود که در یک راس گرد هم می‌آیند. از نظر زمانی که طول می‌کشد، گوه معمولاً بیش از یک ماه طول می‌کشد، اما بیش از سه ماه طول نمی‌کشد و آن را در رده میانی قرار می‌دهد.

چیزی که گوه را متمایز می‌کند انحراف قابل توجه آن است. الگوی گوه شکل قابل توجهی دارد که به شکل وارونه و یا نزولی شکل می‌گیرد. به عنوان یک قاعده، مانند الگوی پرچم، wedge مخالف روند غالب است. بنابراین، یک گوه در حال سقوط صعودی در نظر گرفته می‌شود و گوه صعودی خشن است. توجه داشته باشید که شکل ۸.۶ نشان می‌دهد که گوه صعودی بین دو نقطه همگرا رو به پایین است. در روند نزولی در شکل ۸.۶ b، trendlines همگرا یک انحراف رو به رو به سمت بالا دارند.



یک مثال از یک گوه سقوط
صعودی. الگوی گوه دارای
دو شیب همگرا، اما
دامنه‌های مخالف روند غالب
است. گوه در حال سقوط رو
به افزایش است.



شکل ۸، ۶ - نمونه‌ای از گوه نزولی. یک گوه نزولی باید به سمت بالا در برابر روند نزولی روند داشته باشد.

الگوهای tops و Bottom

Wedges اغلب در روند موجود ظاهر می‌شوند و معمولاً الگوهای تداوم را تشکیل می‌دهند. گوه می‌تواند در نوک یا کف ظاهر شود و روند برگشت را نشان دهد. اما این نوع شرایط بسیار کم‌تر رایج است. نزدیک انتهای یک uptrend، the می‌تواند گوه rising را مشاهده کند. از آنجا که گوه ادامه‌دار در an باید مخالف روند غالب باشد، گوه صعودی یک سرخ برای the است که این نزولی است و الگوی صعودی نیست. در bottoms، یک گوه در حال افتادن به عنوان انعام دادن به انتهای ممکن یک روند حمل و نقل خواهد بود.

این که گوه در وسط یا انتهای یک حرکت بازار ظاهر شود، تحلیل گر بازار باید همواره به وسیله اصل کلی هدایت شود که گوه صعودی خشن است و گوه نزولی (نزولی) صعودی است. (شکل ۸، ۶ c را ببینید)

rectangle THE

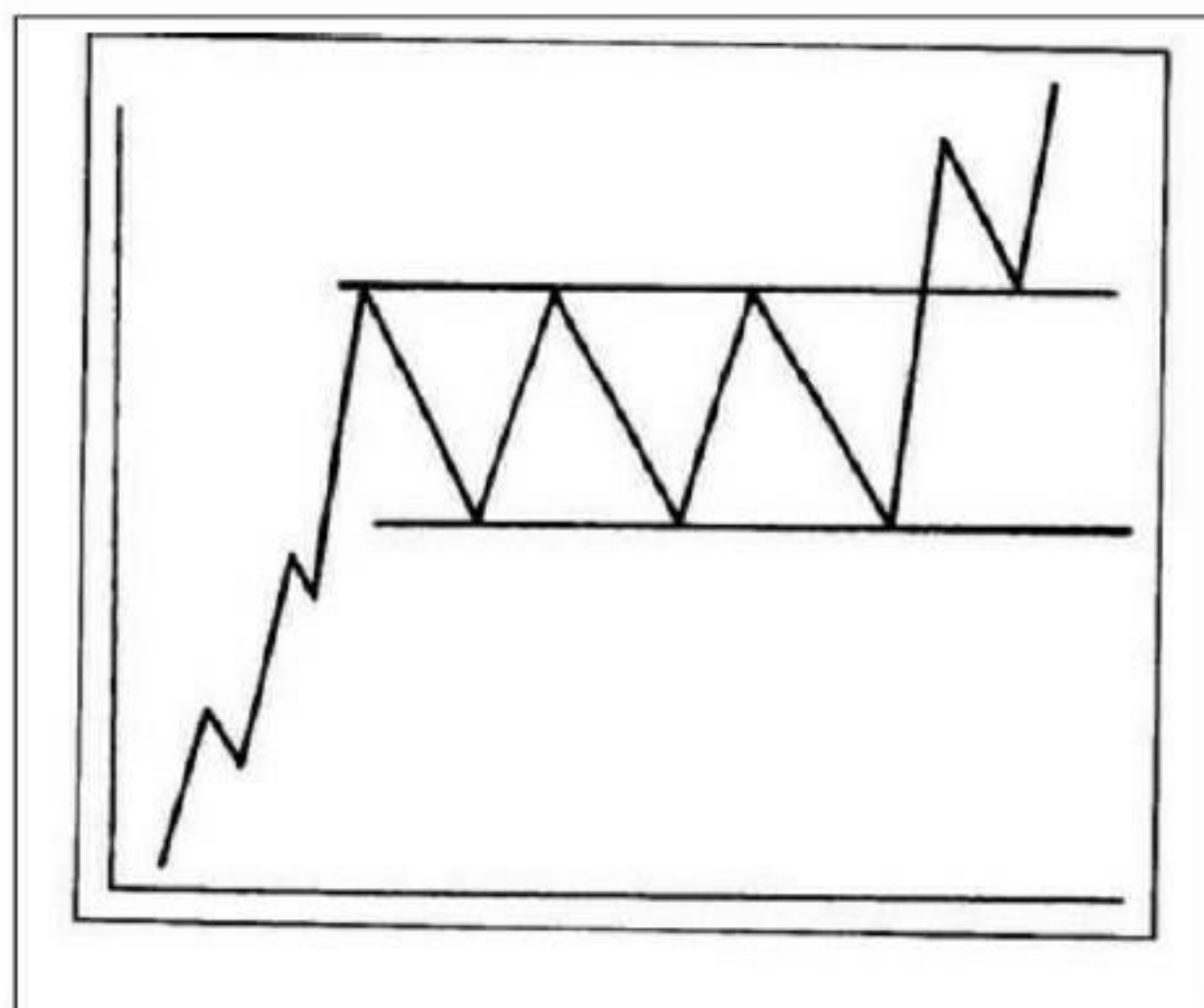
تشکیل مستطیل اغلب با نام‌های دیگر می‌رود، اما معمولاً در نمودار قیمت آسان است. این نشان‌دهنده مکث در روندی است که در طی آن قیمت‌ها از پهلوی به سمت دو خط افقی موازی حرکت می‌کنند. (شکل ۹، ۶ a - c را ببینید)

مستطیل گاهی به عنوان دامنه تجاری یا منطقه تراکم شناخته می‌شود. در زبان نظریه دایو، آن به عنوان یک خط شناخته می‌شود. هر چه که باشد، معمولاً نشان‌دهنده یک دوره تثبیت در روند فعلی است، و معمولاً در the حل می‌شود.

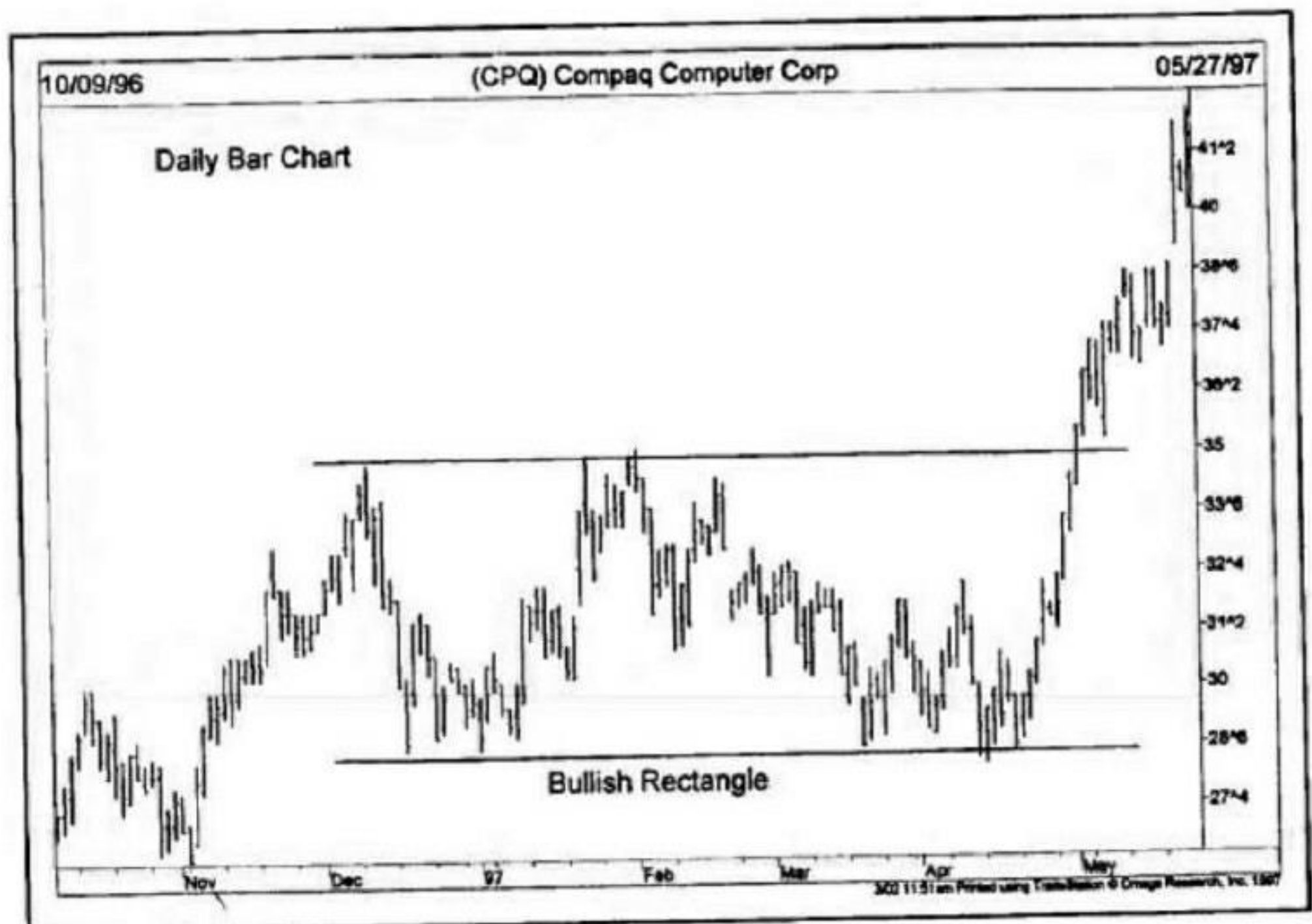
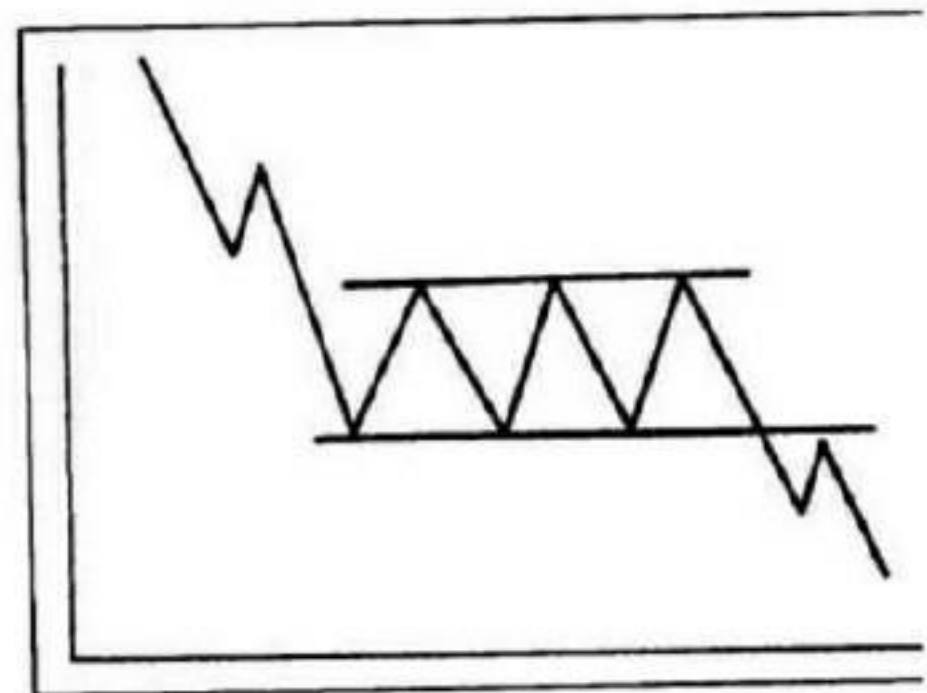


شکل ۸.۶ - مثالی از گوه برجسته صعودی. این دو خط همگرا، یک انحراف به سمت بالا دارند. The مخالف روند غالب است. بنابراین، گوه صعودی خشن است و گوه نزولی (نزولی) صعودی است.

شکل ۹.۶ یک نمونه از مستطیل bull در یک uptrend را نشان می‌دهد. این پر فروش نیز یک محدوده تجاری نامیده می‌شود و نشان‌دهنده تجارت بین دو خط افقی است. همچنین منطقه con نامیده می‌شود.



شکل ۹.۶، مثال یک
 مستطیل خشونت‌بار را
 نشان می‌دهد.
 در حالی که
 usu rectangles -
 هم‌پیمان به عنوان الگوی
 مشارکت محسوب
 می‌شوند، تاجر باید
 همواره به دنبال
 نشانه‌هایی باشد که
 ممکن است به الگوی
 معکوس تبدیل شود. مثل
 یک کف سه تایی.



پهلو تجارت می کرد. تفکیک بالای خط بالا در اوایل ماه مه این الگو را تکمیل کرد و the را از سر گرفت. rectangles معمولاً الگوهای تداوم هستند.

۱۵۰

توسعه روند بازاری که پیش از وقوع آن اتفاق افتاد. از نظر ارزش پیش‌بینی، می‌توان آن را مشابه مثلث metrical - sym دانست، اما به جای هم‌گرایی همگرا با مسطح است.

یک بسته قاطع در خارج از حد بالایی و یا پایین‌تر نشان‌دهنده تکمیل مستطیل است و جهت روند را نشان می‌دهد. با این حال، تحلیلگر بازار باید همواره گوش‌به‌زنگ باشد، با این حال، تثبیت مستطیلی به الگوی معکوس تبدیل نمی‌شود. در the نشان داده شده در شکل ۹.۶a، به عنوان مثال، توجه کنید که سه قله ممکن است در ابتدا به عنوان یک الگوی معکوس سه تایی انتخاب شوند.

اهمیت الگوی حجم

یک سرنخ مهم برای تماشا کردن، الگوی حجم است. از آنجا که نوسان قیمت در هر دو طرف نسبتاً گسترده است، تحلیلگر باید نگاه دقیقی داشته باشد که در آن حرکت حجم سنگین‌تر را داشته باشد. اگر تظاهرات سنگین‌تر و setbacks در حجم سبک‌تر باشد، پس از آن، تشکیل این تظاهرات احتمالاً ادامه خواهد داشت. اگر حجم سنگین‌تر در قسمت نزولی باشد، آنگاه می‌تواند به عنوان یک هشدار از یک روند معکوس احتمالی در کارها در نظر گرفته شود.

برخی از chartists ها نوسان درون چنین الگویی را با خریدن dips نزدیک به پایین و فروختن تظاهرات در نزدیکی دامنه آن، افزایش می‌دهند. این تکنیک تاجر کوتاه‌مدت را قادر می‌سازد تا از محدوده‌های قیمت تعریف‌شده بخوبی بهره‌برد و از یک بازار trendless دیگر سود ببرد. از آنجا که موقعیت در حد افراط از محدوده گرفته می‌شود، ریسک‌ها نسبتاً کوچک هستند و به خوبی تعریف شده‌اند. اگر محدوده تجاری دست‌نخورده باقی بماند، این رویکرد تجاری countertrend بخوبی جواب می‌دهد. وقتی یک شکست رخ می‌دهد، تاجر نه تنها از آخرین تجارت از دست رفته خارج می‌شود، بلکه می‌تواند با شروع یک تجارت جدید در جهت روند جدید، موقعیت قبلی را معکوس کند. Oscillators به خصوص در بازارهای تجاری فرعی مفید هستند، اما زمانی که شکست به دلایلی که در فصل ۱۰ مورد بحث قرار گرفت کمتر مفید است. دیگر تاجران فرض می‌کنند که مستطیل یک الگوی ادامه‌دار است و مواضع طولانی در نزدیکی انتهای پایین باند قیمت‌ها دارد.

الگوهای ادامه حیات ۱۵۱

در یک uptrend، یا موقعیت‌های کوتاه‌مدت نزدیک محدوده محدوده (downtrends) را آغاز کنید. برخی دیگر از چنین بازارهای trendless دوری می‌کنند و در انتظار شکست clearcut قبل از پرداخت وجوه خود هستند. اکثر سیستم‌های مبتنی بر روند در طول این دوره از اقدام بازار sideways و trendless بسیار ضعیف عمل می‌کنند.

شباهت‌ها و تفاوت‌های دیگر

در طول مدت، مستطیل معمولاً به یک دسته سه ماه می‌افتد که شبیه به مثلث‌ها و مثلث‌ها می‌باشد. الگوی حجم با الگوهای تداوم دیگر فرق می‌کند به این معنا که نوسانات قیمت گسترده مانع از تکرار معمول در فعالیت در چنین الگوهایی می‌شود.

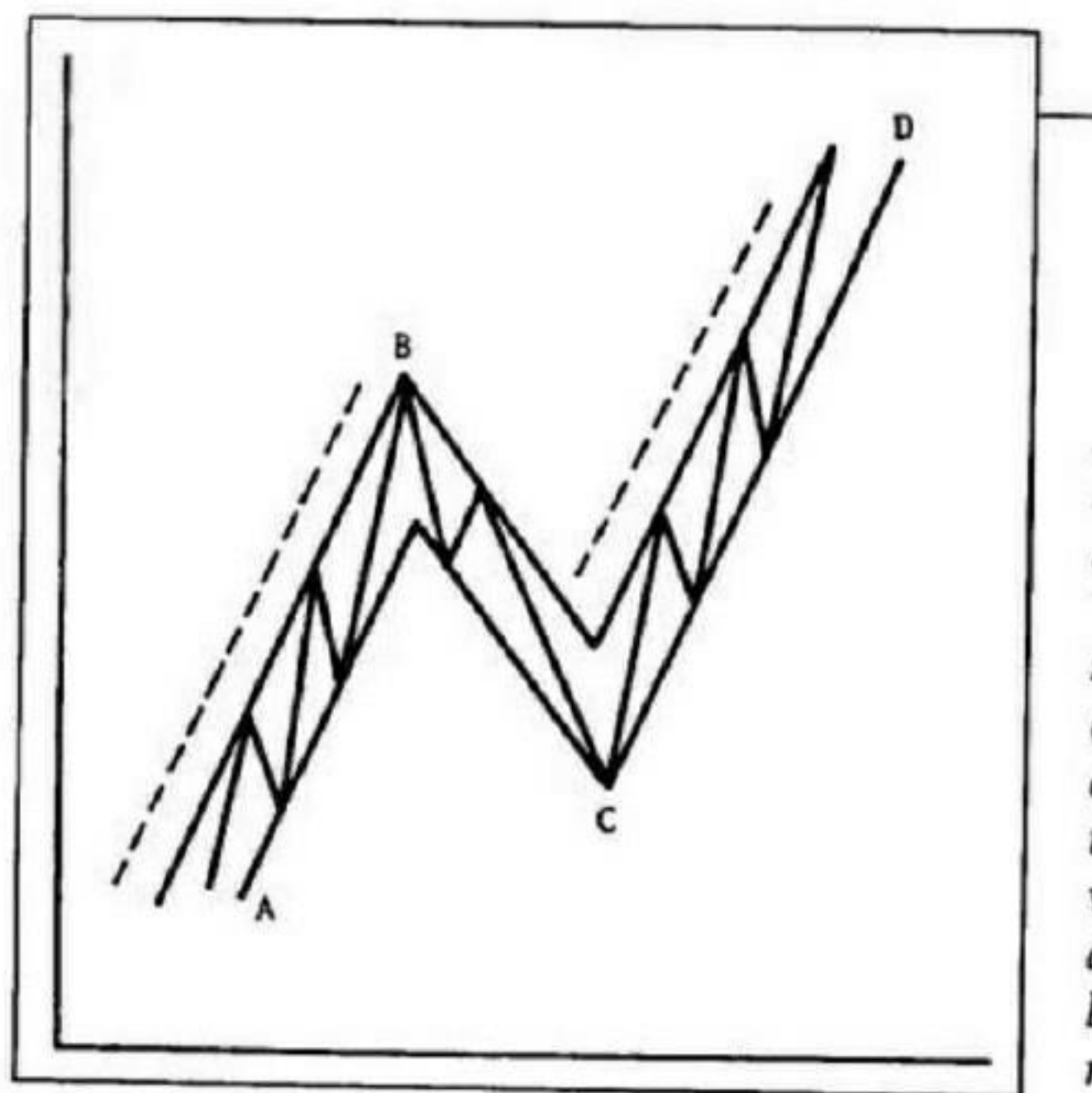
رایج‌ترین تکنیک اندازه‌گیری که در مستطیل به کار می‌رود، براساس ارتفاع دامنه قیمت است. ارتفاع محدوده تجاری از بالا تا پایین را اندازه بگیرید و سپس آن فاصله عمودی از نقطه شکست را مشخص کنید. این روش مشابه دیگر تکنیک‌های اندازه‌گیری عمودی دیگر است که قبلاً ذکر شد، و براساس نوسانات

بازار است. هنگامی که ما شمارش را در نقطه و شکل رسم می‌کنیم، بیشتر در مورد مساله اندازه‌گیری قیمت افقی خواهیم گفت.

هر چیزی که تا کنون در مورد حجم روی بروز رسانی ذکر شده‌است و احتمال حرکت بازگشتی در اینجا نیز صدق می‌کند. از آنجا که مرزهای بالایی و پایینی افقی هستند و به خوبی در مستطیل تعریف شده‌اند، حمایت و سطوح مقاومت آشکارتر است. این به این معنی است که در یک افت معکوس، در حال حاضر، بالای باند قیمت سابق باید حمایت محکمی بر روی هر گونه تبلیغ داشته باشد. پس از یک شکست نزولی در بازار، پایین دامنه تجاری (منطقه پشتیبانی قبلی) باید در حال حاضر یک سقف جامد بر روی بازار در هر تلاشی ایجاد کند.

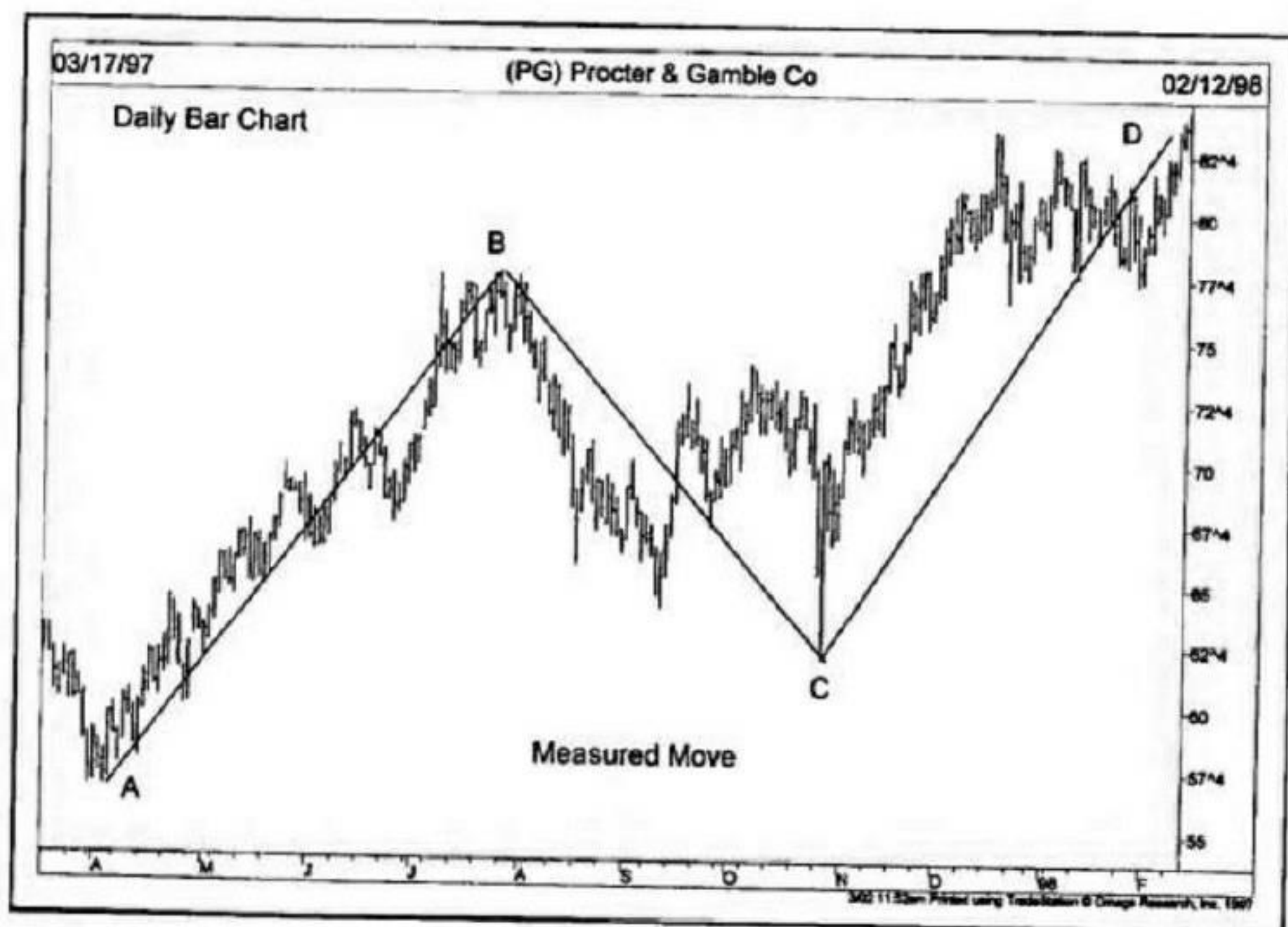
تغییر مکان

حرکت اندازه‌گیری شده، یا اندازه‌گیری نوسان که گاهی اوقات نامیده می‌شود، پدیده‌ای را توصیف می‌کند که در آن یک پیشرفت یا کاهش عمده بازار به دو حرکت برابر و موازی تقسیم می‌شود، همانطور که در شکل ۱۰.۶ نشان داده شده‌است. برای این رویکرد، بازار حرکت می‌کند



شکل ۶،۱۰

مثال یک حرکت اندازه‌گیری شده (یا نوسان در نوسان) در یک *uptrend*. این نظریه ثابت می‌کند که قسمت دوم در پیشروی (*CD*) اندازه و شیب اولین *upleg* (*AB*) را تکرار می‌کند. موج اصلاحی (پیش از میلاد) اغلب قبل از اینکه *the* دوباره تکرار شود یک سوم را به نیم از *AB* منتقل می‌کند.



شکل (ب) یک حرکت اندازه‌گیری شده قبلی (ab) را می‌گیرد و آن مقدار را به پایین تصحیح در C اضافه می‌کند. در این نمودار، خط مقدم (ab) نقطه شروعی بود. اضافه کردن آن به انبار در C. c)

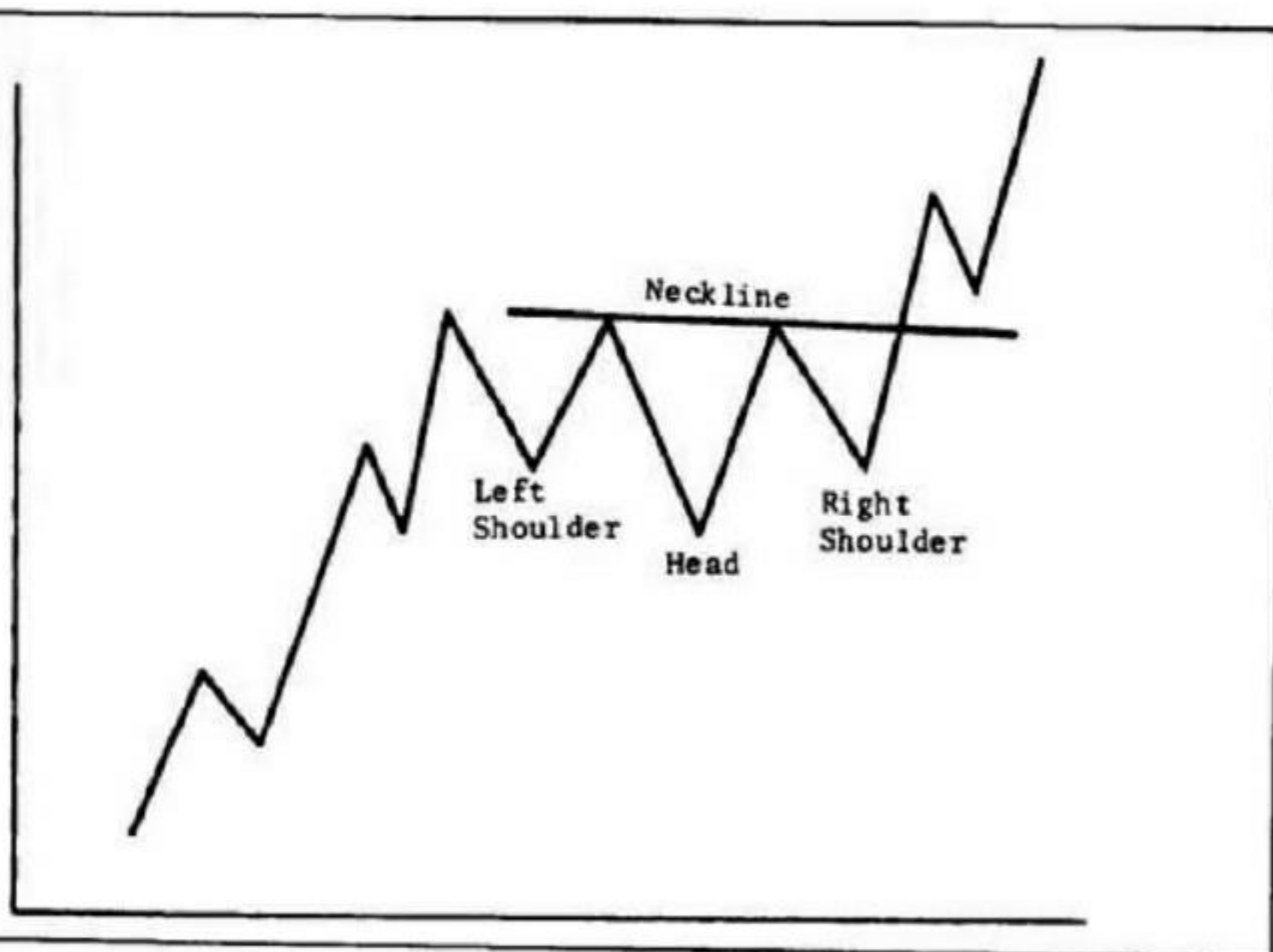
باید نسبتاً منظم و منظم باشد. حرکت اندازه‌گیری شده واقعاً تنها یک تغییر از برخی از تکنیک‌هایی است که ما قبلاً به آن دست یافته‌ایم. ما دیده‌ایم که برخی از الگوهای تثبیت، مانند پرچم‌ها و پرچم‌ها، معمولاً در نیمه راه یک حرکت بازار رخ می‌دهند. ما همچنین به تمایل بازارها برای بازگشت حدود یک سوم به نیم پیش از سرگیری این روند اشاره کردیم.

در حرکت اندازه‌گیری شده، هنگامی که the یک موقعیت خوب تعریف‌شده را مشاهده می‌کند، مانند شکل a ۱۰.۶، با یک چرخش از نقطه A به نقطه B (که یک سوم را به نیم (AB) نشان می‌دهد، فرض می‌شود که پای بعدی در the (CD) نزدیک می‌شود تا کپی اول (AB) را تکرار کند. بنابراین، ارتفاع موج (AB) به سادگی از پایین تصحیح در نقطه C اندازه‌گیری می‌شود.

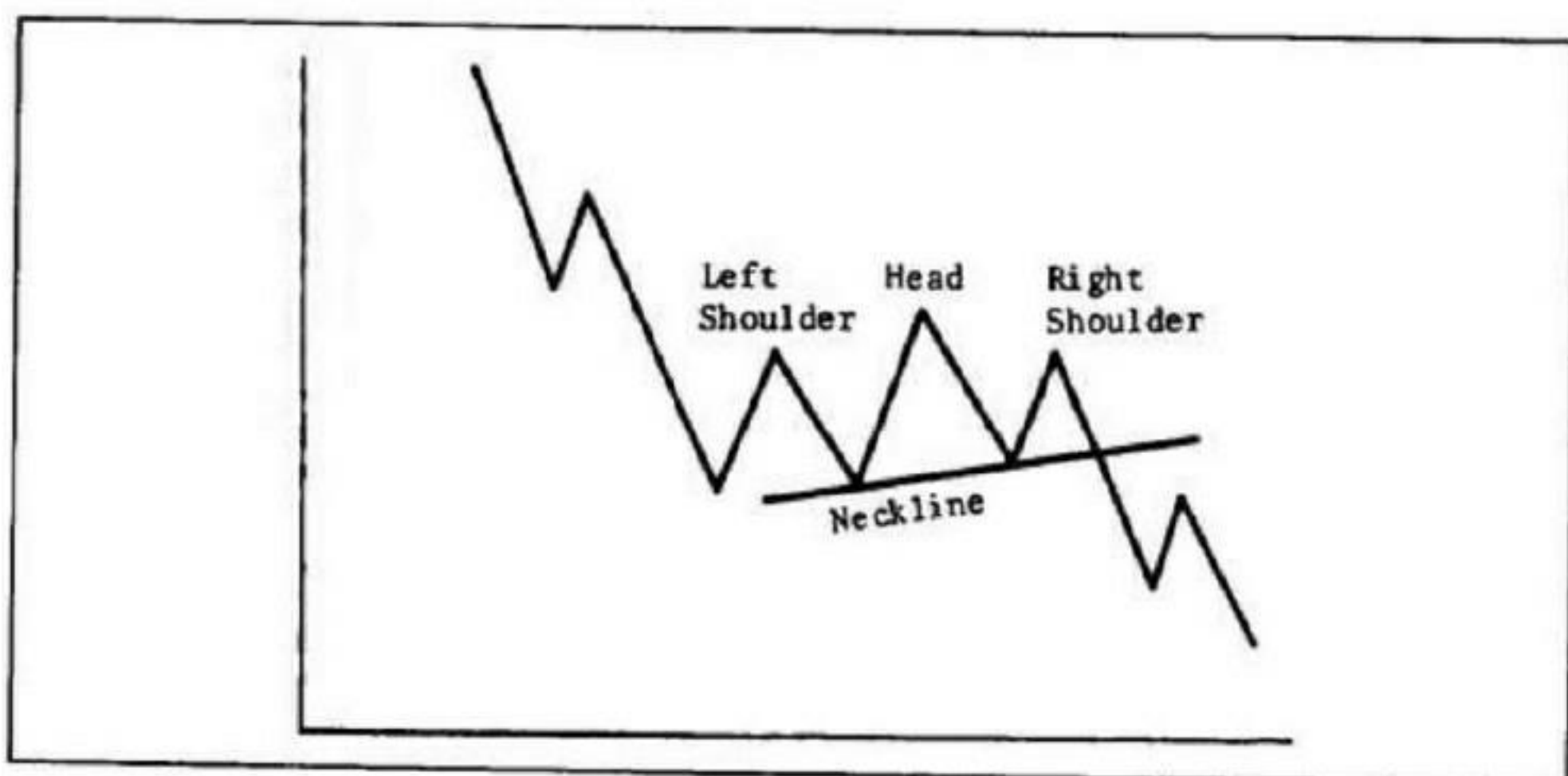
سر و کله CONTINUATION

در فصل قبل، ما الگوی سر و شانه را در برخی از طول درمان کردیم و آن را به عنوان بهترین و most الگوهای بازگشتی توصیف کردیم. الگوی سر و شانه گاهی می‌تواند به جای الگوی برگشت به ظاهر ادامه پیدا کند.

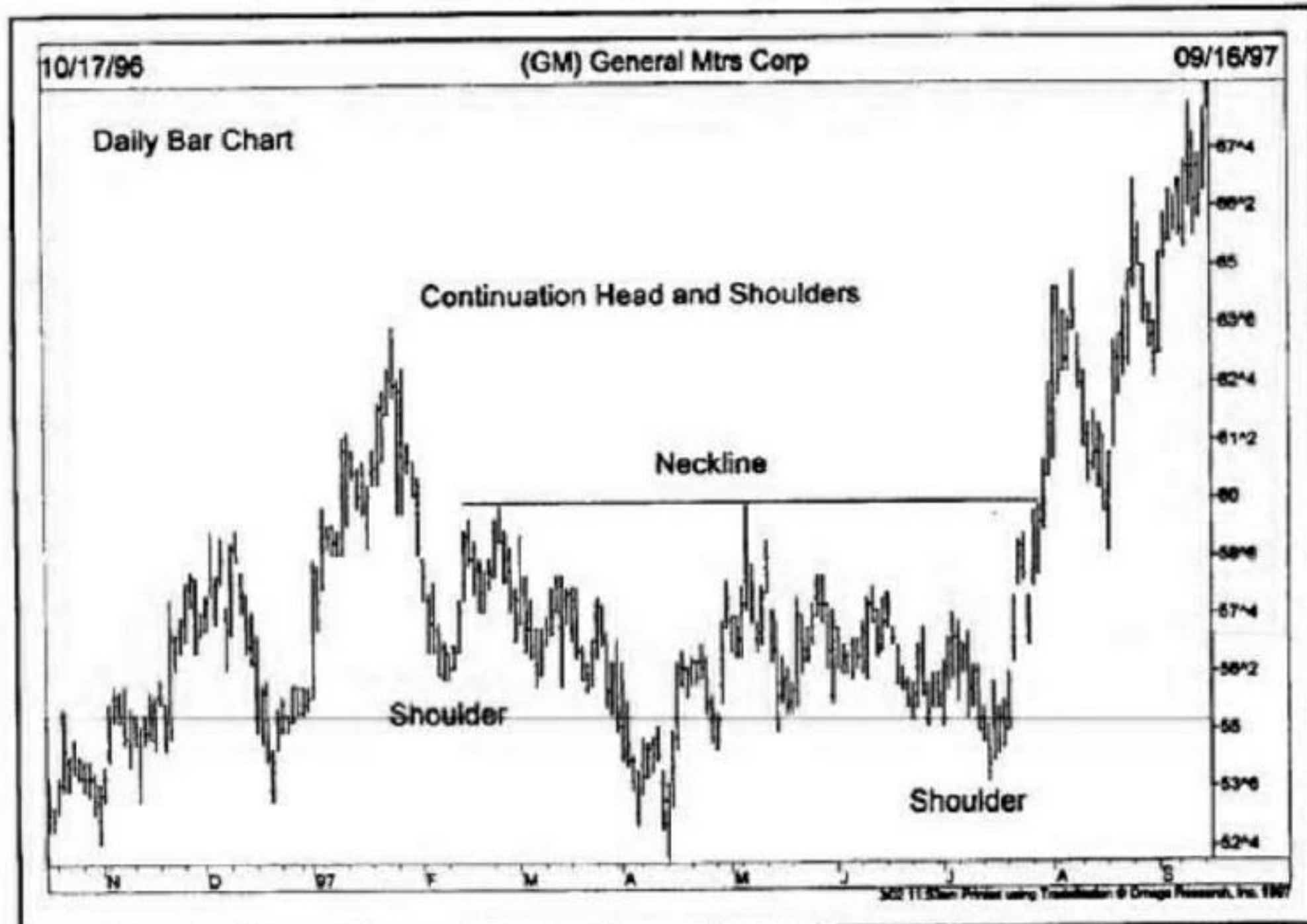
در ادامه و تنوع شانه، قیمت‌ها طرحی را نشان می‌دهند که بسیار شبیه به یک الگوی مستطیل شکلی است به جز اینکه آبشخور میانی در an (نگاه کنید به شکل a ۱۱.۶) تمایل دارد کمتر از دو شانه باشد. در یک روند نزولی (مراجعه به شکل b ۱۱.۶)، اوج میانی در ادغام بیش از دو قله دیگر است. نتیجه در هر دو مورد، یک سر و الگوی شانه به سمت پایین است. از آنجا که وارونه شده‌است، هیچ شانس برای گیج کردن آن با الگوی معکوس وجود ندارد.



شکل ۱۱.۶ نمونه‌ای از الگوی صعودی و الگوی شانه را نشان می‌دهد.



شکل ۱۱.۶ b مثال یک سر و الگوی شانه‌های نزولی را نشان می‌دهد.



شکل ۱۱۶ جنرال موتورز در نیمه اول سال ۱۹۹۷ یک الگوی سر و شانه را شکل داد. این الگو بسیار واضح است اما در یک مکان غیر معمول نشان داده می‌شود. این الگو تکمیل شد و uptrend با نزدیک نمودن above در ۶۰ ثانیه دوباره از سر گرفته شد.

تایید و واگرایی

اصل تایید یکی از موضوعات متداول در کل موضوع تحلیل بازار است و در ارتباط با واگرایی همتای خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما هر دو مفهوم را در اینجا معرفی خواهیم کرد و معنای آن‌ها را توضیح خواهیم داد، اما ما دوباره و دوباره در سراسر کتاب به آن‌ها باز خواهیم گشت، زیرا تاثیر آن‌ها بسیار مهم است. ما در اینجا در زمینه الگوهای چارت در حال بحث و بررسی هستیم، اما در مورد هر جنبه از تجزیه و تحلیل تکنیکال صدق می‌کند. تایید به مقایسه تمام علائم تکنیکال و شاخص‌ها اشاره دارد تا اطمینان حاصل شود که اغلب این شاخص‌ها به همان سمت اشاره دارند و یکدیگر را تایید می‌کنند.

Divergence نقطه مقابل تایید است و به وضعیتی اشاره دارد که در آن شاخص‌های تکنیکال مختلف نمی‌توانند یکدیگر را تایید کنند. در حالی که در اینجا به معنای منفی استفاده می‌شود، gence یک مفهوم ارزشمند در آنالیز بازار است و یکی از بهترین سیگنال‌های هشدار زود هنگام حاکی از معکوس شدن روند معکوس است. ما در فصل ۱۰ در مورد اصل واگرایی در فصل ۱۰ صحبت خواهیم کرد."

نتیجه‌گیری

این امر رفتار ما را با الگوهای قیمت به پایان می‌رساند. قبلاً ذکر کردیم که سه قطعه از داده‌های خام استفاده‌شده توسط تحلیلگر تکنیکال قیمت، حجم و بهره باز است. بیشتر آنچه که ما تاکنون گفته بودیم بر قیمت تمرکز کرده‌است. Let's در حال حاضر با دقت بیشتری به حجم و علاقه باز و نحوه تلفیق آن‌ها در فرآیند تحلیلی نگاه می‌کنند.

مقدمه

اکثر technicians در بازارهای مالی با دنبال کردن حرکت سه مجموعه ارقام، قیمت، حجم و منافع باز از رویکرد AI - multidimension برای تحلیل بازار استفاده می کنند. تحلیل حجم برای همه بازارها کاربرد دارد. علاقه باز در درجه اول به بازارهای آتی اعمال می شود. فصل ۳ ساختار نمودار میله ای روزانه را مورد بحث قرار داده و نشان داد که چگونه این سه شکل بر روی این نوع نمودار ترسیم شده اند. بعد از آن بیان شد که حتی با وجود حجم و نرخ بهره باز برای هر ماه تحویل در بازارهای آتی، ارقام کلی آن هایی هستند که به طور کلی برای اهداف پیش بینی مورد استفاده قرار می گیرند. بازار سهام به سادگی حجم کلی همراه با قیمت همراه را ترسیم می کند.

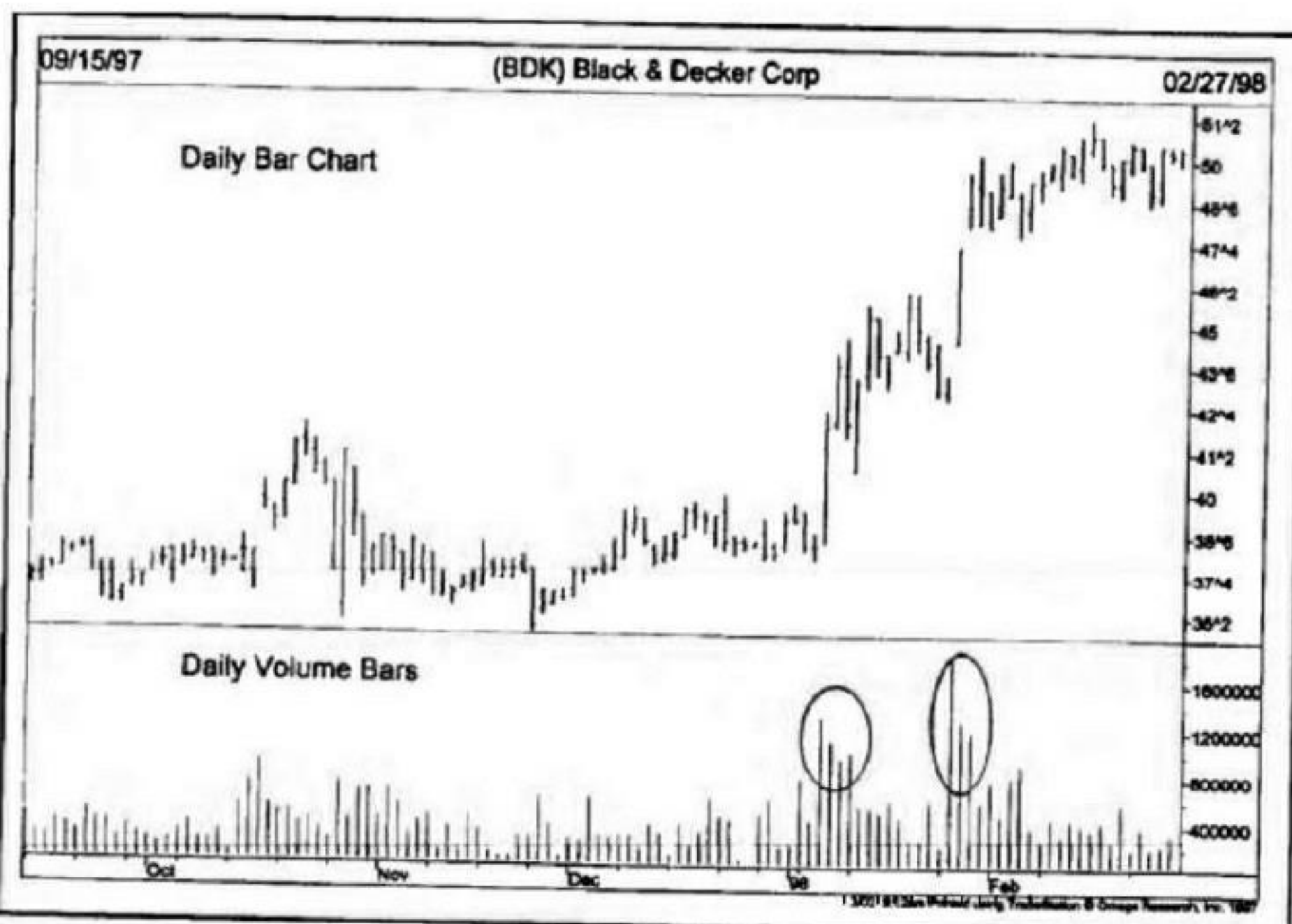
بیشتر بحث در مورد این نظریه در این نقطه به طور عمده بر روی اقدام قیمت با برخی از ume - vol متمرکز شده است. در این بخش با اتخاذ یک نگاه دقیق تر به نقش ایفا شده توسط حجم و علاقه باز در فرایند پیش بینی، رویکرد سه بعدی را بررسی خواهیم کرد.

حجم و سود باز ثانویه

Let's با قرار دادن حجم و علاقه باز به دید مناسب خود شروع می‌کنند. قیمت به مراتب از همه مهم‌تر است. حجم و علاقه باز ثانویه هستند و در درجه اول به عنوان شاخص‌های CON مورد استفاده قرار می‌گیرند. از بین این دو، حجم بسیار مهم است.

بلندی

حجم تعداد شرکت‌هایی است که در طول دوره زمانی تحت مطالعه معامله می‌شوند. از آنجا که ما در ابتدا با نمودارهای میله‌ای روزانه سر و کار داریم، نگرانی اصلی ما با حجم روزانه است. این حجم روزانه توسط یک نوار عمودی در پایین نمودار تحت عمل قیمت day's ترسیم می‌شود. (مراجعه به شکل ۱.۷).



شکل ۱.۷ توجه داشته باشید که میله‌های حجم به طور قابل توجهی بزرگ‌تر هستند چون قیمت‌ها در حال گسترش هستند (دایره را ببینید). این بدان معنی است که حجم تایید افزایش قیمت و صعودی است.

این حجم را میتوان برای نمودارهای میله‌ای هفتگی نیز رسم کرد. در این مورد حجم کلی هفته به سادگی در زیر بار ترسیم خواهد شد که نشان‌دهنده آن اقدام قیمت week's است. این حجم معمولاً در نمودارهای میله‌ای ماهانه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

علاقه به آتی ابراز علاقه کنید.

تعداد کل قراردادهای معوق یا unliquidated در پایان روز مورد توجه است. در شکل ۲.۷، سود باز خط توپر روی نمودار تحت داده‌های قیمت متناظر آن برای روز، اما بالای میله‌های بلندی است. به یاد داشته باشید که ارقام رسمی و ارقام سود باز یک روز دیر در بازارهای آتی گزارش می‌شوند و بنابراین با تاخیر یک روزه ترسیم می‌شوند. (تنها ارقام حجم برآورد شده برای آخرین روز کاری در دسترس هستند) این بدین معنی است که هر روز chartist قیمت بالا، پایین و بسته قیمت را برای آخرین روز معاملات اختصاص می‌دهد، اما حجم رسمی و ارقام جالب توجه را برای روز قبل شکل می‌دهد.

علاقه باز نشان‌دهنده تعداد کل of یا شلوارک در بازار است، نه مجموع هر دو. سود باز تعداد قراردادها است. قرارداد باید هم خریدار و هم فروشنده باشد. بنابراین، دو شرکت کنندگان بازار - خریدار و فروشنده - با هم ترکیب می‌شوند تا فقط یک قرارداد ایجاد کنند. رقم جالب توجه هر روز توسط عدد مثبت یا منفی نشان داده می‌شود که نشان‌دهنده افزایش یا کاهش تعداد قراردادها برای آن روز است. این تغییرات در سطوح علاقه آزاد، چه بالا و چه پایین، که به نشانه‌های chartist مربوط به ویژگی متغیر مشارکت بازار و دادن سود باز به ارزش پیش‌بینی آن می‌پردازد.

چگونه تغییرات در سود باز مورد توجه قرار می‌گیرند. برای درک اهمیت این که چگونه تغییرات در اعداد علاقه باز تفسیر می‌شوند، خواننده باید ابتدا درک کند که چگونه هر تجارتی یک تغییر در آن اعداد ایجاد می‌کند.

هر بار که یک تجارت در کف مبادله به اتمام می‌رسد، علاقه باز به یکی از سه روش تاثیر می‌پذیرد - آن افزایش می‌یابد، کاهش می‌یابد یا بدون تغییر باقی می‌ماند. ببینیم که این تغییرات چگونه رخ می‌دهند.

تغییر در

فروشنده سود باز فروشنده

افزایش	سلز که وارد شد،	۱. مدت طولانیتری Buys کنید.
بدون تغییر	به فروش می‌رسد	۲. نوردهی طولانی جدید
بدون تغییر	سلز که وارد شد،	خرید اتومبیل کوتاه
کاهش	سلز که وارد شد،	خرید اتومبیل کوتاه

در مورد اول، هم خریدار و هم فروشنده یک موقعیت جدید را آغاز می‌کنند و قرارداد جدیدی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال، خریدار یک موقعیت جدید را راه‌اندازی می‌کند، اما فروشنده فقط یک مدت طولانی را منحل می‌کند. یکی وارد می‌شود و دیگری از یک تجارت خارج می‌شود. نتیجه یک بن‌بست است و هیچ تغییری در تعداد قراردادهای رخ نمی‌دهد. در مورد دوم، همین اتفاق می‌افتد به جز این زمان فروشنده است که یک دوره کوتاه جدید را راه‌اندازی می‌کند که فقط یک عمر کوتاه را پوشش می‌دهد. از آنجا که یکی از تجار در حال ورود و خروج دیگر از یک تجارت است، دوباره هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود. در این مورد، هر دو معامله‌گر یک موقعیت قدیمی را از بین می‌برند و توجه باز به آن کاهش می‌یابد.

برای جمع‌بندی، اگر هر دو شرکت کنندگان در یک تجارت موقعیت جدیدی را راه‌اندازی کنند، سود باز افزایش خواهد یافت. اگر هر دو یک موقعیت قدیمی را از بین ببرند، سود باز کاهش خواهد یافت. با این حال، اگر یکی از آن‌ها شروع به تجارت جدید کند، در حالی که دیگری یک تجارت قدیمی را منحل می‌کند، سود باز بدون تغییر باقی خواهد ماند. با نگاه به تغییر خالص در کل سود باز در پایان روز، the قادر است مشخص کند که آیا پول به داخل یا خارج از بازار سرازیر می‌شود یا خیر. این اطلاعات، تحلیلگر را قادر می‌سازد تا در مورد قدرت یا ضعف روند قیمت جاری نتیجه‌گیری کند.

قوانین عمومی برای تفسیر حجم و علاقه باز

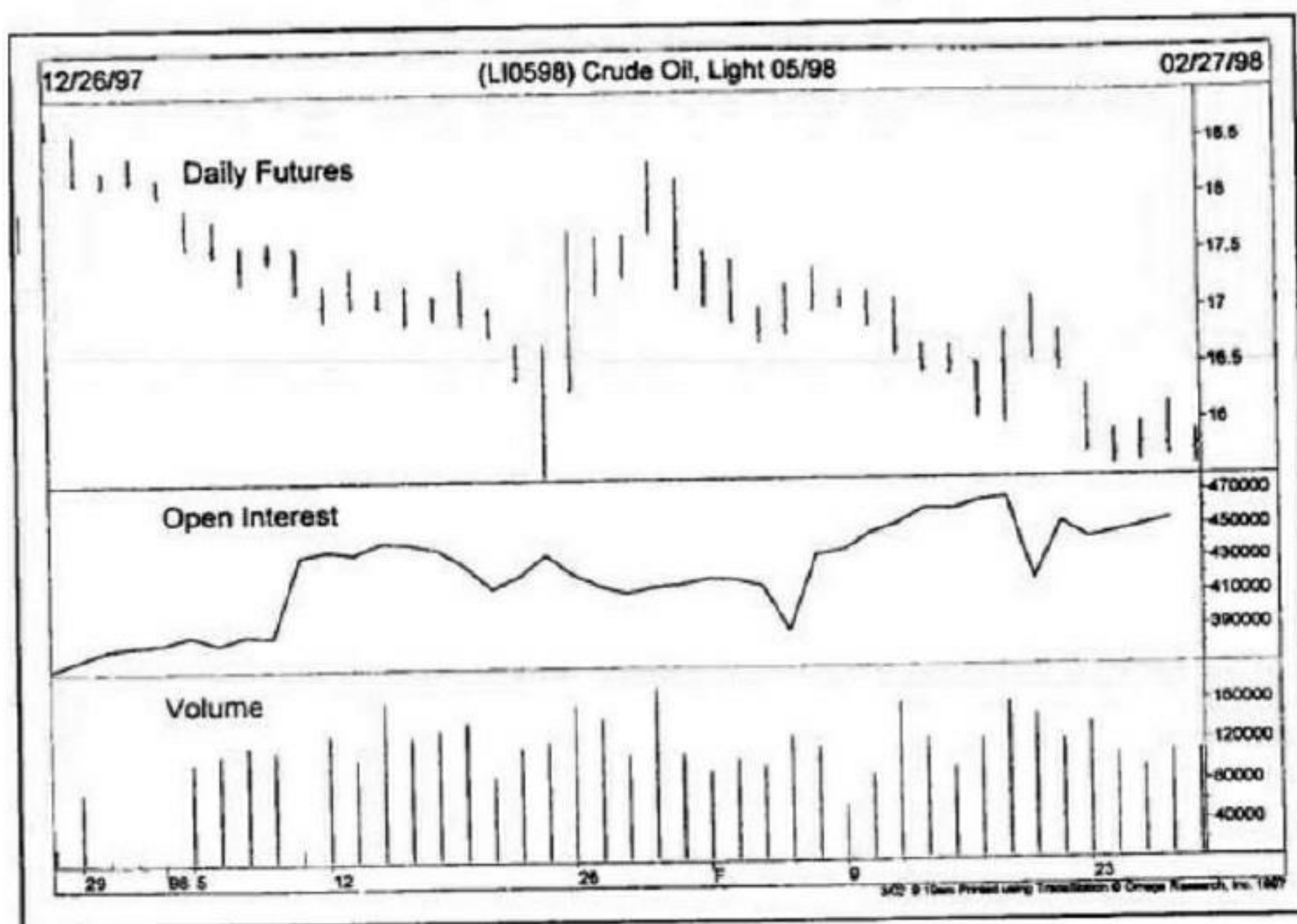
تکنیسین آتی از حجم و اطلاعات سود باز در تحلیل بازار استفاده می‌کند. قواعد تفسیر حجم و منافع باز به طور کلی با هم ترکیب می‌شوند چون آن‌ها بسیار مشابه هستند. با این حال، تفاوت‌هایی بین این دو باید مورد توجه قرار گیرد. ما در اینجا با شرح قواعد کلی هر دو شروع می‌کنیم. پس از انجام این کار، قبل از ترکیب دوباره آن‌ها در پایان، با یکدیگر به طور جداگانه رفتار خواهیم کرد.

حجم و علاقه باز

بازار سود باز حجم قیمت

قوی	بالا	بالا	فزاتی
ضعیف	پایین	پایین	فزاتی
ضعیف	بالا	بالا	Declining
قوی	پایین	پایین	Declining

اگر حجم و منافع باز هم افزایش یابد، آنگاه روند قیمت فعلی احتمالاً در جهت فعلی خود ادامه خواهد یافت (چه بالا و چه پایین). اگر، با این حال، حجم و منافع باز رو به کاهش است، این اقدام می‌تواند به عنوان یک هشدار تلقی شود که روند قیمت فعلی ممکن است نزدیک به پایان باشد. با این حال، let's در حال حاضر نگاهی به حجم و علاقه به طور جداگانه بررسی می‌کند. (مراجعه به شکل ۲.۷).

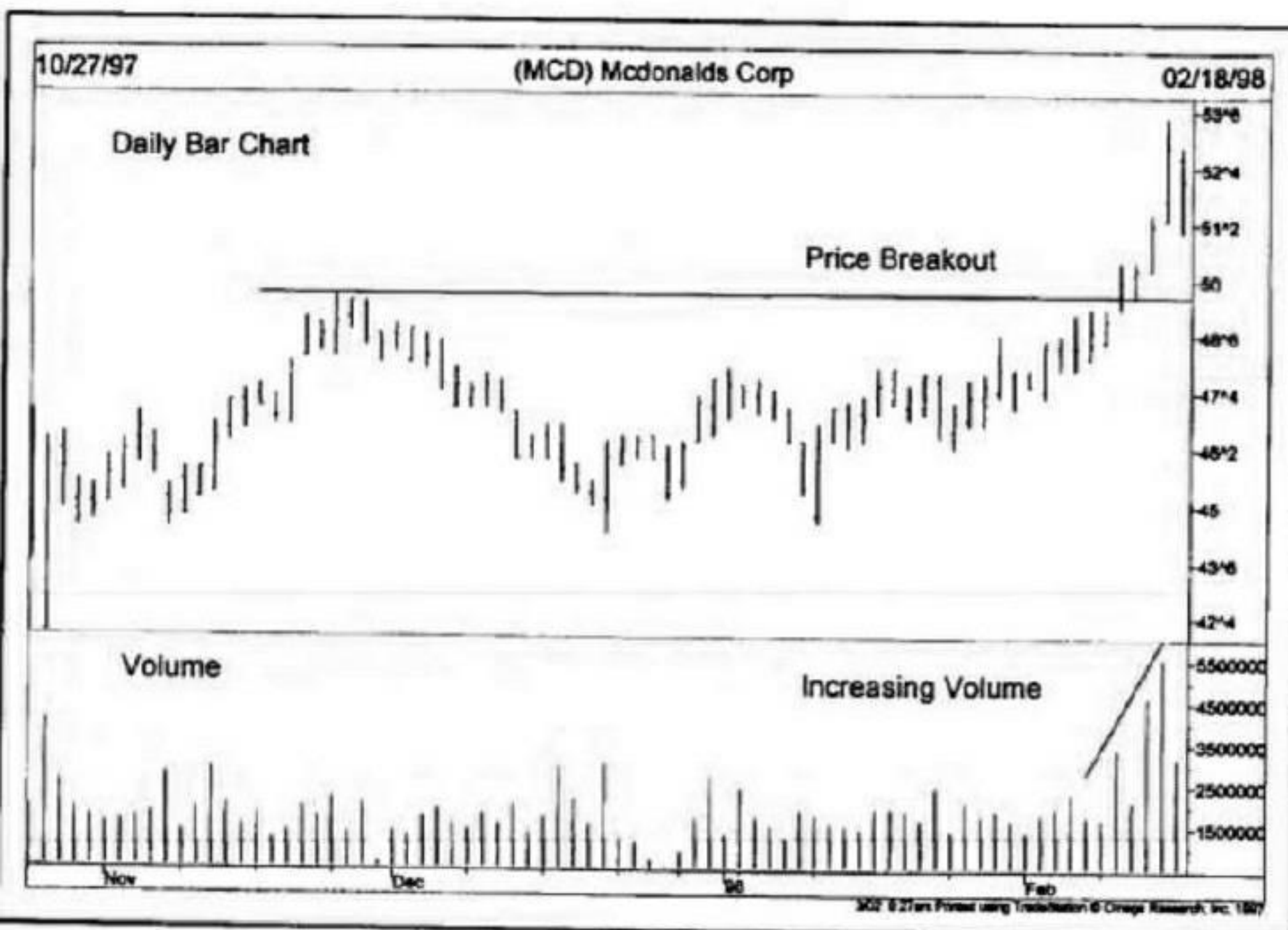


شکل ۲.۷ یک نمودار روزانه از آتی نفت خام نشان‌دهنده حجم و سود باز (خط ممتد) است. خط سود باز در حال افزایش است چون قیمت‌ها پایین می‌آیند، که خشن است.

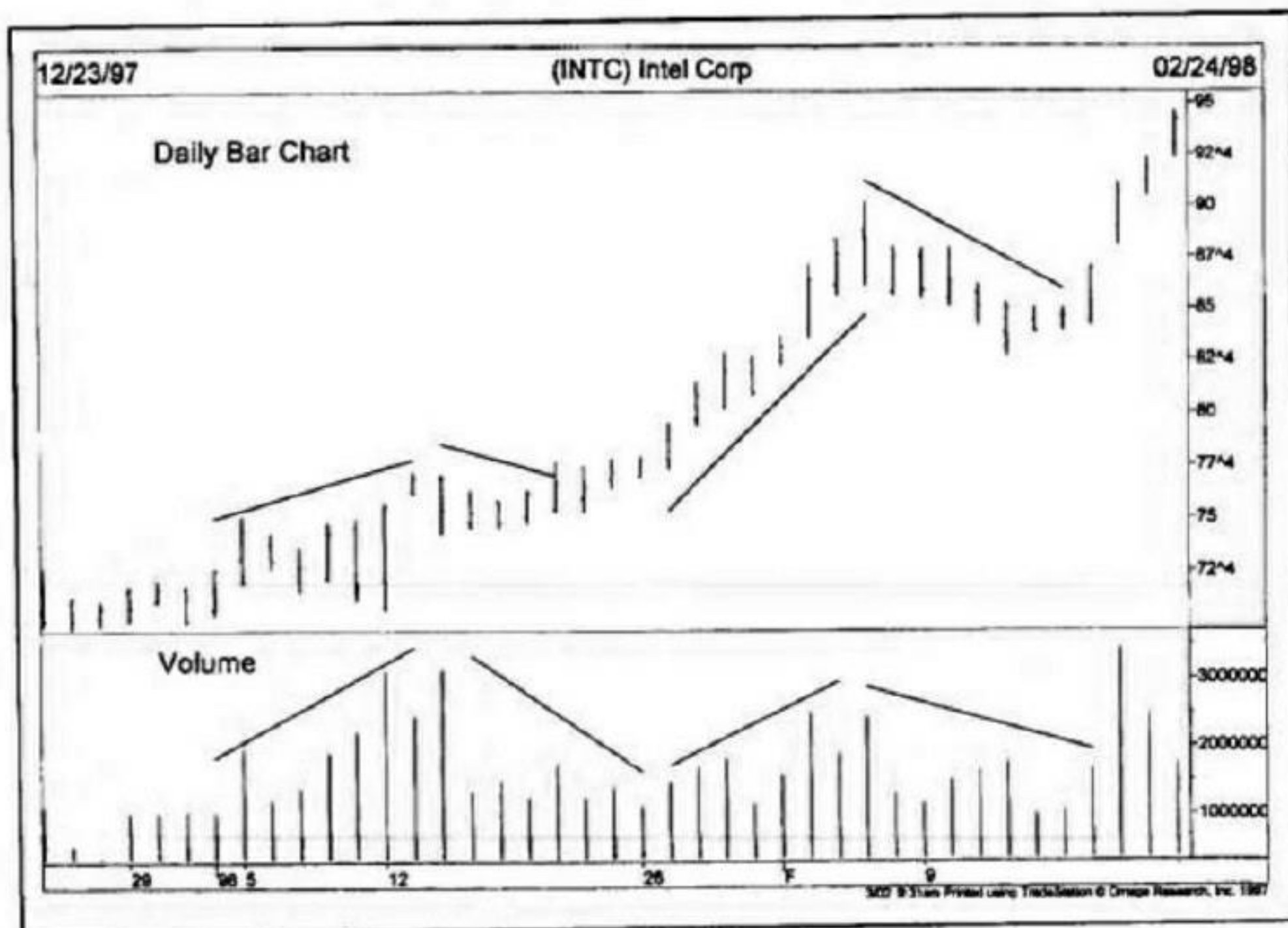
افزایش حجم برای همه بازارها

سطح حجم، شدت یا فوریت در پشت حرکت قیمت را اندازه‌گیری می‌کند. حجم سنگین‌تر نشان‌دهنده درجه بالاتر شدت و یا فشار است. تکنسین، با نظارت بر سطح حجم همراه با اقدام قیمت، بهتر است فشار خرید یا فروش را پشت حرکت بازار اندازه‌گیری کند. پس از آن می‌توان از این اطلاعات برای تایید حرکت قیمت استفاده کرد یا هشدار داد که حرکت قیمت مورد اعتماد نیست. (به شکل‌های ۳.۷ و ۴.۷ مراجعه کنید)

برای بیان دقیق‌تر قانون، حجم باید در جهت روند قیمت موجود افزایش یابد یا گسترش یابد. در یک uptrend، حجم باید سنگین‌تر باشد زیرا قیمت بالاتر می‌رود و باید به کاهش قیمت کاهش یابد. تا زمانی که این الگو ادامه یابد، گفته می‌شود که حجم در حال تایید روند قیمت است.



شکل ۳.۷ - شکست قیمت معکوس مک‌دونالد از طریق قله نوامبر ۱۹۹۷ تا اوج شکوفایی فعالیت‌های تجاری همراه بود. به شکل صعودی.



شکل ۴.۷ The حجم به دنبال uptrend قیمت Intel's هستند. حجم نسبت به افزایش قیمت‌ها سنگین‌تر است و قیمت‌ها به صورتی ضعیف می‌شوند که قیمت‌ها ضعیف می‌شوند. توجه داشته باشید که رونق فعالیت‌های تجاری طی سه روز گذشته افزایش داشته‌است.

The همچنین به دنبال نشانه‌هایی از واگرایی (there's) مجدد آن کلمه) است. Divergence در صورتی رخ می‌دهد که نفوذ یک روند بالا با نرخ رو به کاهش در حجم رو به کاهش رخ دهد. این اقدام the را برای کاهش فشار خرید هشدار می‌دهد. اگر حجم نیز نشان‌دهنده تمایل به انتخاب شدن قیمت باشد، تحلیلگر شروع به نگران شدن می‌کند که the دچار مشکل شده‌است.

حجم به عنوان تایید در الگوهای قیمت

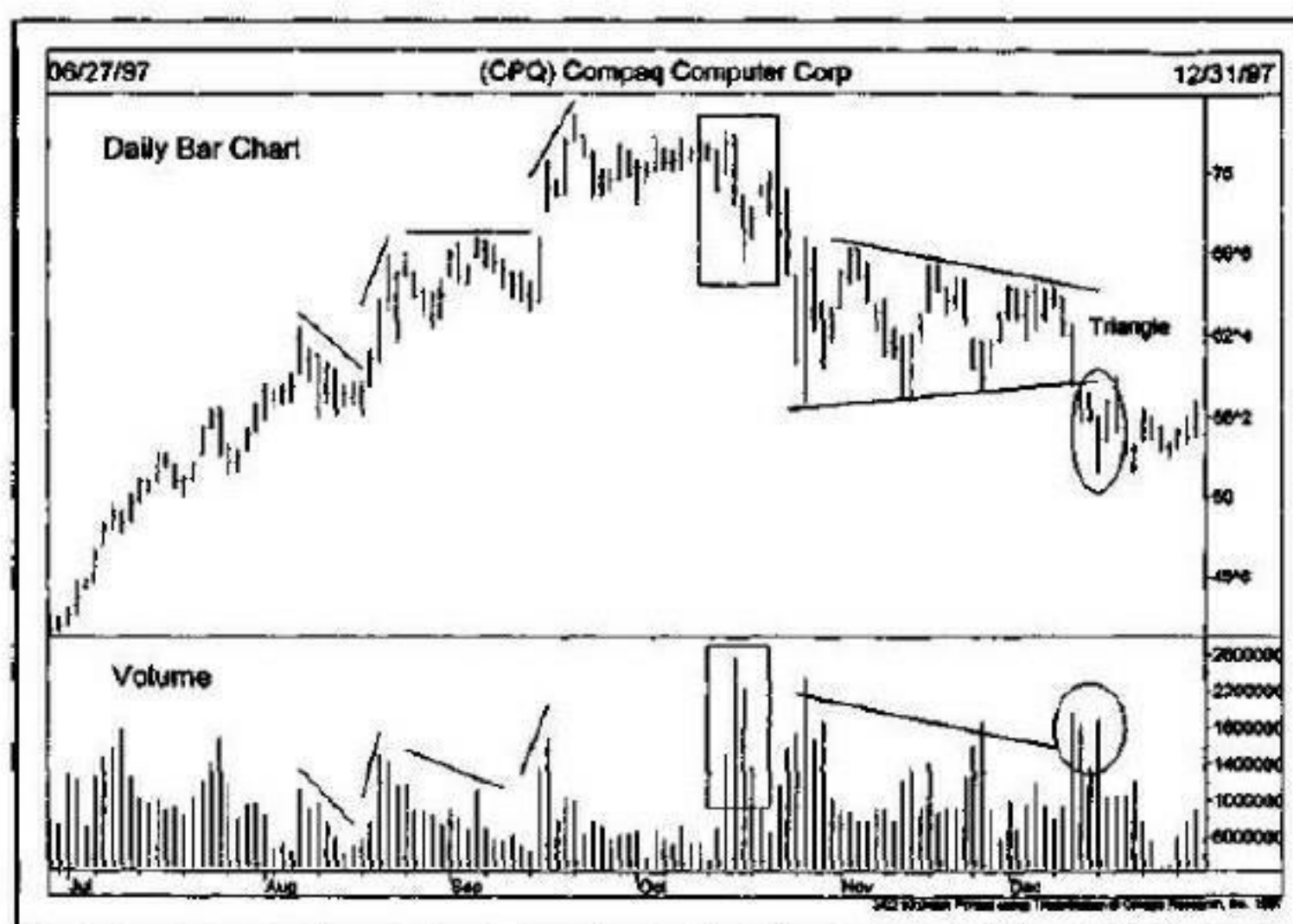
در طول درمان ما از الگوهای قیمت در فصل‌های ۵ و ۶، به عنوان یک شاخص تایید کننده مهم چندین بار ذکر شد. یکی از اولین نشانه‌های یک سر و شانه‌های بالا زمانی رخ داد که قیمت‌ها به highs جدید در طول تشکیل سر بر روی حجم نور با فعالیت سنگین‌تر در کاهش متعاقب آن به یقه باز شدند. قله‌های دوتایی و سه تایی حجم سبک‌تر را در هر قله cessive - suc مشاهده کردند که پس از آن فعالیت downside سنگین‌تر بدست آمد. Continuation

الگوها، مانند مثلث، باید با افت تدریجی در حجم همراه شوند. به عنوان یک قاعده، تفکیک تمامی الگوهای قیمت (نقطه شکست) باید با فعالیت تجاری سنگین تر همراه باشد اگر سیگنال ارایه شده توسط این شکست واقعی باشد. (مراجعه به شکل ۷.۵)

در روند نزولی، حجم باید در طول حرکات پایین و سبک تر باشد. تا زمانی که این الگو ادامه دارد، فشار فروش بیشتر از فشار خرید است و روند نزولی باید ادامه یابد. تنها زمانی که این الگو شروع به تغییر می کند، chartist شروع به جستجوی نشانه هایی از پایین می کند.

قیمت Precedes صدا

با نظارت بر قیمت و حجم با هم، ما در واقع از دو ابزار مختلف برای اندازه گیری فشار یکسان استفاده می کنیم. با



شکل ۵ - ۱۰: نیمه اول این نمودار روند مثبت را با حجم سنگین تر در روزهای بلند نشان می دهد. کادر بالا یک افت ناگهانی در حجم سنگین را نشان می دهد - یک نشانه منفی. توجه داشته باشید که افزایش در تجارت به صورت مثلی ادامه دارد.

تنها واقعیت این است که قیمت‌ها بالاتر هستند، ما می‌توانیم ببینیم که خرید بیشتر از فشار فروش وجود دارد. به همین دلیل است که حجم بیشتر باید در همان مسیر به عنوان روند غالب در نظر گرفته شود. متخصصین بر این باورند که حجم مقدم بر قیمت است، به این معنی که افت فشار معکوس در یک فشار نزولی یا منفی در یک روند نزولی در واقع نشان‌دهنده افزایش در ارقام حجم قبل از آن است که در معکوس روند قیمت نشان داده شود.

در حجم بالانس

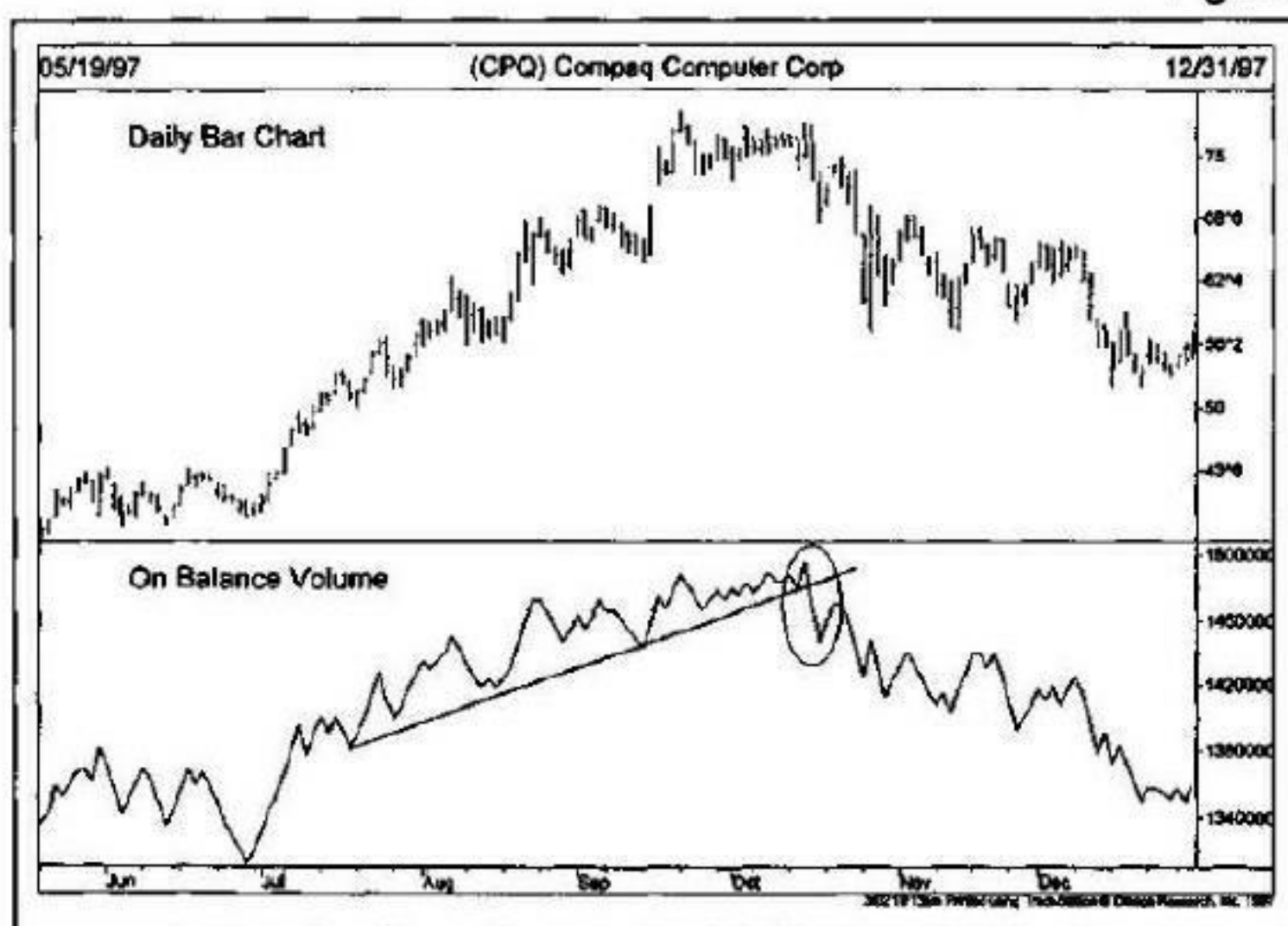
متخصصین بسیاری از شاخص‌های حجم را برای کمک به تعیین کمیت خرید یا فروش فشار تجربه کرده‌اند. تلاش برای "ایجاد چشم" در امتداد کف نمودار همیشه به اندازه کافی دقیق نیست تا تغییرات مهم در جریان حجم را تشخیص دهد. ساده‌ترین و شناخته‌شده‌ترین این شاخص‌ها در میزان تعادل یا OBV است. Developed که توسط جوزف Granville در کتاب سال ۱۹۶۳ محبوب و محبوب شد، کلید جدید را به سود بازار بورس ایجاد کرد، OBV در واقع یک خط منحنی را در نمودار قیمت تولید می‌کند. این خط می‌تواند برای تایید کیفیت روند قیمت فعلی یا هشدار از برگشت قریب‌الوقوع با diverging از اقدام قیمت استفاده شود.

شکل ۶.۷ نمودار قیمت را با خط OBV در امتداد کف نمودار به جای میله‌های بلندی نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که پیروی از روند حجم با خط OBV چقدر آسان‌تر است.

ساخت خط OBV خود سادگی است. حجم کلی برای هر روز بسته به این که آیا قیمت در آن روز بالاتر یا کمتر است، به علاوه مقدار منفی یا منفی اختصاص داده می‌شود. یک فاصله بسیار نزدیک باعث می‌شود که حجم آن روز به اضافه مقدار اضافه شود، در حالی که مقدار کمی پایین‌تر برای حجم منفی است. سپس با اضافه کردن یا کم کردن هر حجم day's براساس جهت بازار حفظ می‌شود.

این مسیر خط OBV (روند آن) است که مهم است و خود اعداد حقیقی نیستند. مقادیر واقعی OBV بسته به این که چقدر از شما عکس می‌گیرید، متفاوت خواهد بود. اجازه دهید کامپیوتر محاسبات را انجام دهد. حواستو جمع کن که روی خط جبهه OBV متمرکز کنی. خط حجم بالانس شده باید در همان مسیر حرکت کند -

با توجه به روند قیمت. اگر قیمت یک سری از قله‌های بلند را نشان دهد



شکل ۶.۷ - خط در امتداد کف نشان‌دهنده حجم تراز (OBV) برای همان نمودار Compaq " " است. توجه کنید که رسیدن به رکود اقتصادی در اکتبر ۱۹۹۷ چقدر آسان‌تر بود.

troughs (an)، خط OBV نیز باید همین کار را انجام دهد. اگر قیمت پایین‌تر باشد، باید خط OBV باشد. زمانی که خط حجم در جهت یک‌سان حرکت نمی‌کند به طوری که قیمت یک واگرایی وجود دارد و در مورد یک برگشت محتمل هشدار می‌دهد.

اختیار معاملی جانشین برای OBV

خط حجم تعادل به طور منطقی کار خود را بخوبی انجام می‌دهد، اما دارای برخی کاستی‌ها است. برای یک چیز، یک حجم کل day's را به علاوه مقدار منفی یا منفی تعیین می‌کند. فرض کنید که یک بازار با کم‌ترین مقدار مانند یک یا دو tics بسته شود. آیا انتخاب همه این فعالیت day's یک مقدار مثبت است؟ یا وضعیتی را در نظر بگیرید که در آن بازار بیشتر روز را زیر سر و ته خرج می‌کند، اما بعد کمی پایین‌تر بسته می‌شود. آیا همه این حجم day's

با توجه به ارزش منفی؟ متخصصان برای حل این سوالات، انواع مختلفی از OBV را در تلاش برای کشف حجم صحیح و معکوس واقعی تجربه کرده‌اند.

یک تغییر این است که به آن روزهایی که این روند قوی‌ترین است، وزن بیشتری بدهد. برای مثال، در یک روز بالا، حجم با مقدار افزایش قیمت ضرب می‌شود. این تکنیک همچنان ارزش‌های مثبت و منفی را تعیین می‌کند، اما وزن بیشتری را به آن روزها با حرکت قیمت بیشتر می‌دهد و تاثیر آن روزهایی را کاهش می‌دهد که تغییر واقعی قیمت در آن حداقل است.

فرمول‌های پیچیده‌تری وجود دارند که حجم (و علاقه باز) را با اقدام قیمت ترکیب می‌کنند. به عنوان مثال، شاخص تقاضا جیمز Sibbet's قیمت و حجم را به یک شاخص بازار پیشتاز با هم ترکیب می‌کند. در فهرست Herrick Herrick برای اندازه‌گیری جریان پول استفاده می‌شود. (ضمیمه A را برای توضیح هر دو شاخص ببینید).

لازم به ذکر است که گزارش حجم در بازار سهام بسیار مفیدتر از بازارهای آتی است. حجم مبادلات سهام بلافاصله گزارش شده‌است، در حالی که یک روز برای آتی گزارش شده‌است. سطوح بالا و پایین نیز برای سهام در دسترس هستند، اما نه در آتی. در دسترس بودن داده‌های حجم برای سهام در هر تغییر قیمت در طول روز، یک شاخص پیشرفته‌تر به نام جریان پول که توسط Birinyi Laszlo، جونیور توسعه داده شد، را تسهیل کرده‌است. این نسخه بلادرنگ of سطح حجم در هر تغییر قیمت را به منظور تعیین اینکه آیا پول به داخل یا خارج از سهام جریان می‌یابد را ردیابی می‌کند. با این حال، این محاسبات پیچیده نیازمند مقدار زیادی از قدرت کامپیوتری است و به آسانی برای بسیاری از بازرگانان در دسترس است.

این تغییرات پیچیده‌تر of اساساً همان هدف را دارند - برای تعیین اینکه آیا حجم سنگین‌تر در حالت وارونه (صعودی) یا نزولی (نزولی) رخ می‌دهد. حتی با سادگی آن، خط OBV هنوز هم کار خوبی برای ردیابی جریان حجم در یک بازار - هم در آتی و هم در سهام انجام می‌دهد. و OBV در بسیاری از نرم‌افزارها به آسانی در دسترس است. اغلب بسته‌ها حتی به شما این امکان را می‌دهند که خط OBV را درست روی داده‌های قیمت برای مقایسه آسان‌تر ترسیم کنید. (مراجعه به شکل‌های ۷.۷ و ۸.۷)

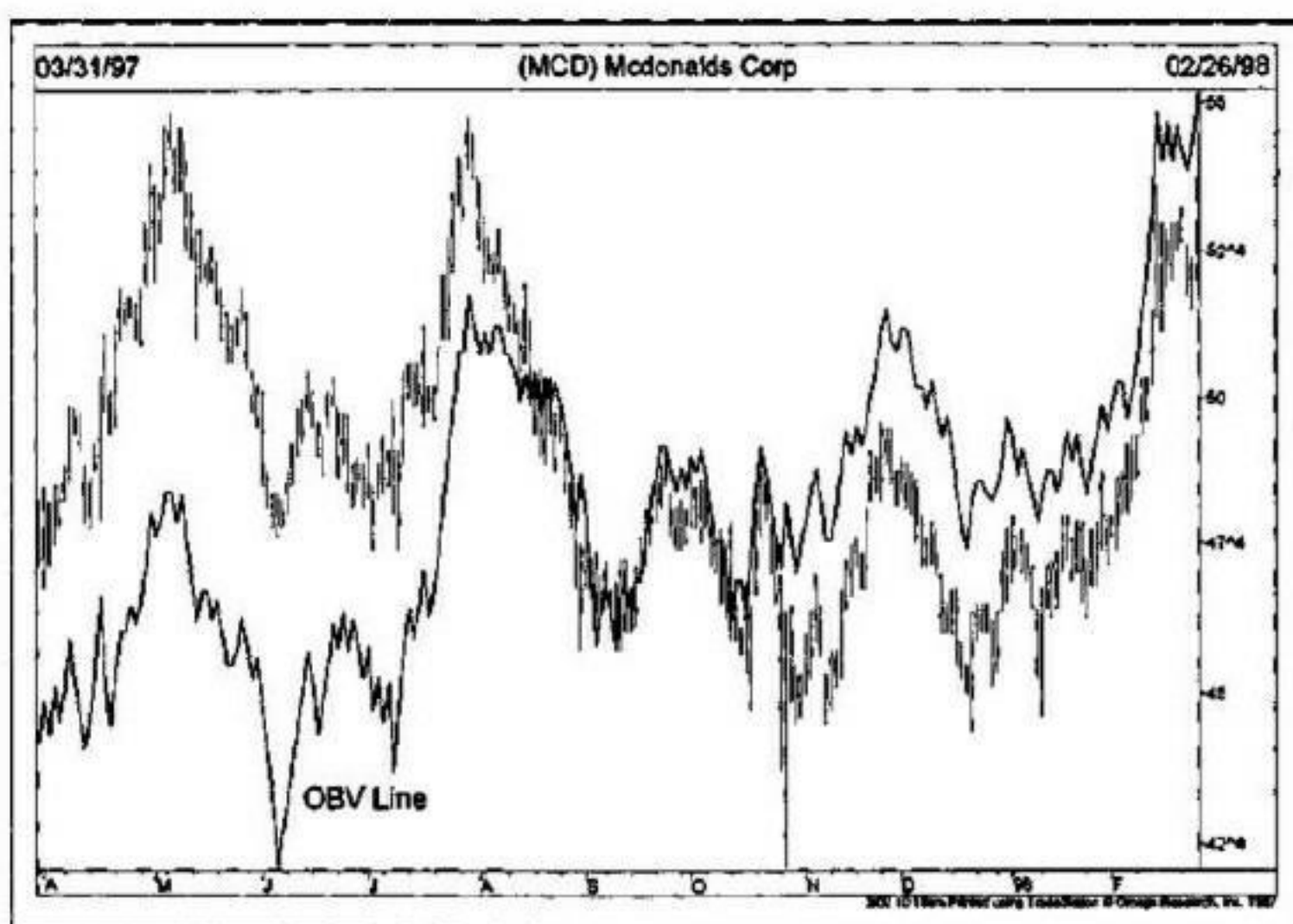


شکل ۷.۷ یک مثال عالی از این که چگونه یک واگرایی نزولی بین خط حجم تعادل (پایین) و قیمت اینتل به درستی از یک رکود بزرگ هشدار داد.

دیگر محدودیت‌های حجم در آتی

ما قبلاً به مشکل تاخیر یک روزه در گزارش حجم futures اشاره کردیم. همچنین استفاده از تعداد کل حجم برای تجزیه و تحلیل قراردادهای انفرادی به جای هر حجم واقعی contract's وجود دارد. دلایل خوبی برای استفاده از حجم کلی وجود دارد. اما چگونه یک معامله با شرایطی مواجه می‌شود که برخی از قراردادهای نزدیک و بقیه در همان بازار آتی در همان روز پایین‌تر هستند؟ روزه‌ای محدود را محدود کنید. روزهایی که بازارها محدود می‌شوند معمولاً حجم بسیار نوری تولید می‌کنند. این نشانه‌ای از قدرت به عنوان تعداد خریداران است که فروشندگان را تحت الشعاع قرار می‌دهد که قیمت‌ها به حداکثر حد تجارت می‌رسند و تجارت را متوقف می‌کنند. براساس قوانین سنتی تفسیر

حجم نور در یک تظاهرات خشن است. حجم نور در روزه‌ای محدود، تخطی از این اصل است و می‌تواند اعداد را تحریف کند.



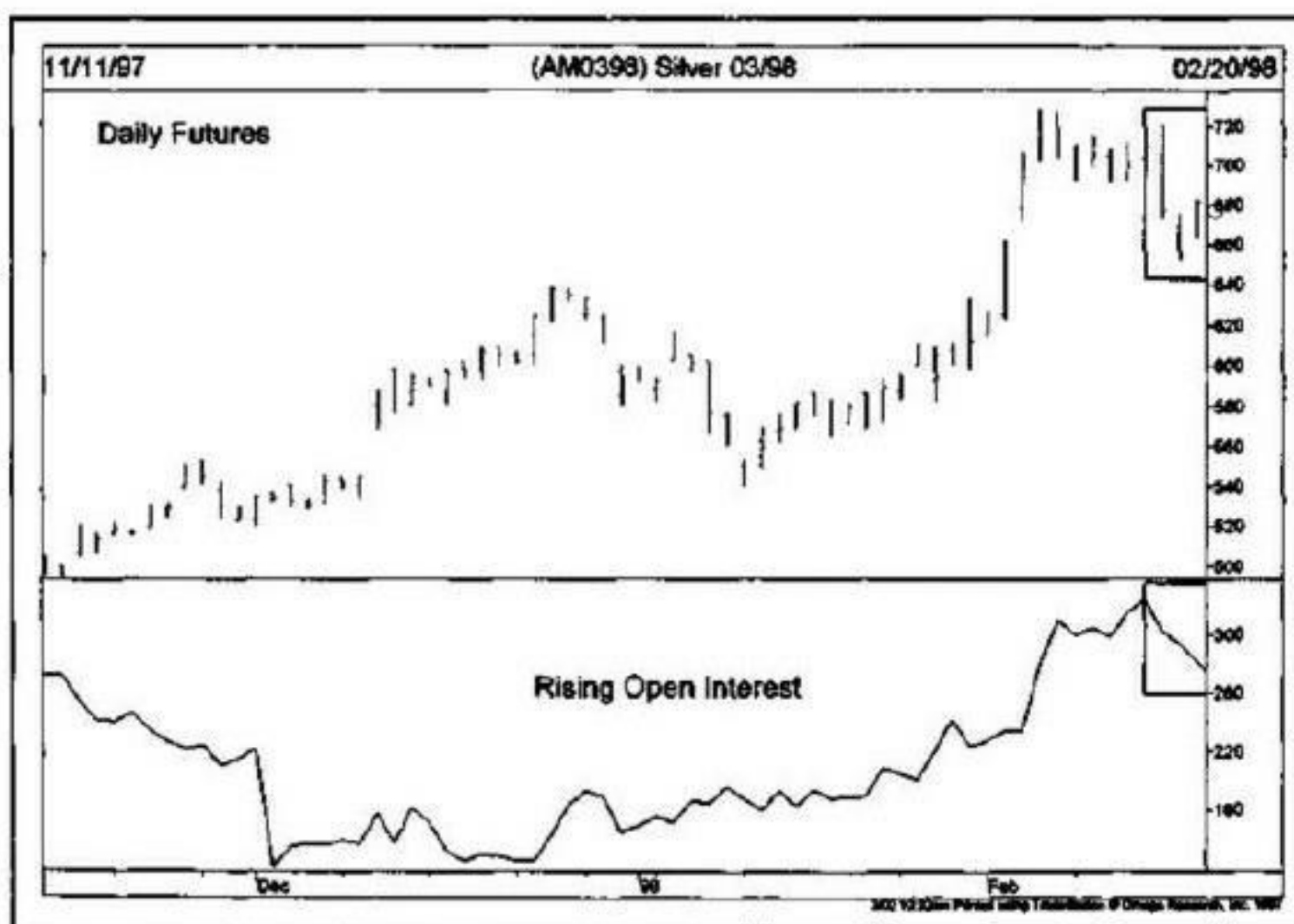
شکل ۸.۷ - OBV (خط ممتد) راست بالای میله‌های قیمت باعث مقایسه آسان‌تر بین قیمت و حجم می‌شود. این چارت مک‌دونالد، خط OBV را نشان می‌دهد که منجر به بالا رفتن قیمت و هشدار قبل از سقوط صعودی می‌شود.

با این وجود، حتی با وجود این محدودیت‌ها، تحلیل حجم هنوز هم می‌تواند در بازارهای آتی مورد استفاده قرار گیرد، و به تاجر تکنیکال توصیه می‌شود که مراقب میزان نشانه‌ها باشد.

اعطای سود باز در futures

قواعد تفسیر تغییرات سود باز شبیه به آن‌هایی است که برای حجم هستند، اما نیاز به توضیح بیشتری دارند.

۱. با افزایش قیمت در an و سود باز کل، پول جدید وارد بازار می‌شود که منعکس‌کننده خرید جدید جدی است، و صعودی در نظر گرفته می‌شود. (مراجعه به شکل ۹.۷).

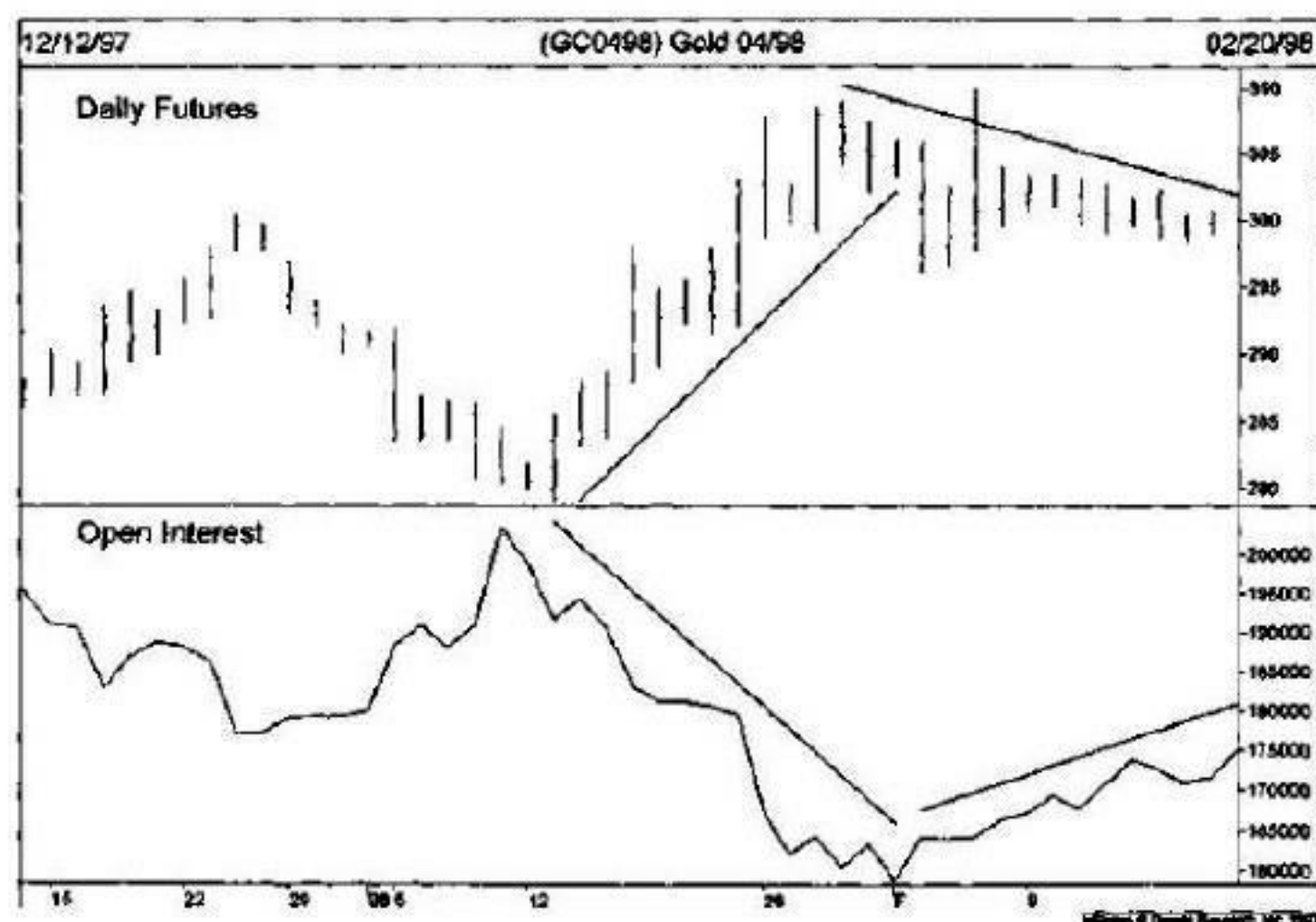


شکل ۹.۷ - شکل ۹.۷ در قیمت نقره با افزایش مشابه در خط سود باز تایید شد. جعبه‌های سمت راست برخی از انحلال طبیعی قراردادهای برجسته را نشان می‌دهند چون قیمت‌ها شروع به پایین رفتن می‌کنند.

۲. با این حال، اگر قیمت‌ها در حال افزایش و کاهش نرخ بهره باشند، تظاهرات در درجه اول با پوشش کوتاه (دارندگان پست‌های کوتاه شده مجبور به پوشش دادن این پست‌ها) ایجاد می‌شود. پول جای ورود به بازار را دارد. این اقدام سخت در نظر گرفته می‌شود چون the زمانی که پوشش کوتاه لازم تکمیل شده‌باشد، احتمالاً از بخار خارج می‌شود. (مراجعه به شکل ۷.۱۰).

۳. با توجه به قیمت‌ها در روند نزولی و بهره باز، تکنسین، می‌داند که پول جدید وارد بازار می‌شود، که منعکس‌کننده فروش کوتاه جدید است. این اقدام احتمال ادامه روند نزولی را افزایش می‌دهد و خشن در نظر گرفته می‌شود. (مراجعه به شکل ۱۱.۷).

۴. اگر با این حال، کل سود باز به همراه کاهش قیمت رو به کاهش است،
کاهش قیمت توسط discour ایجاد می‌شود.

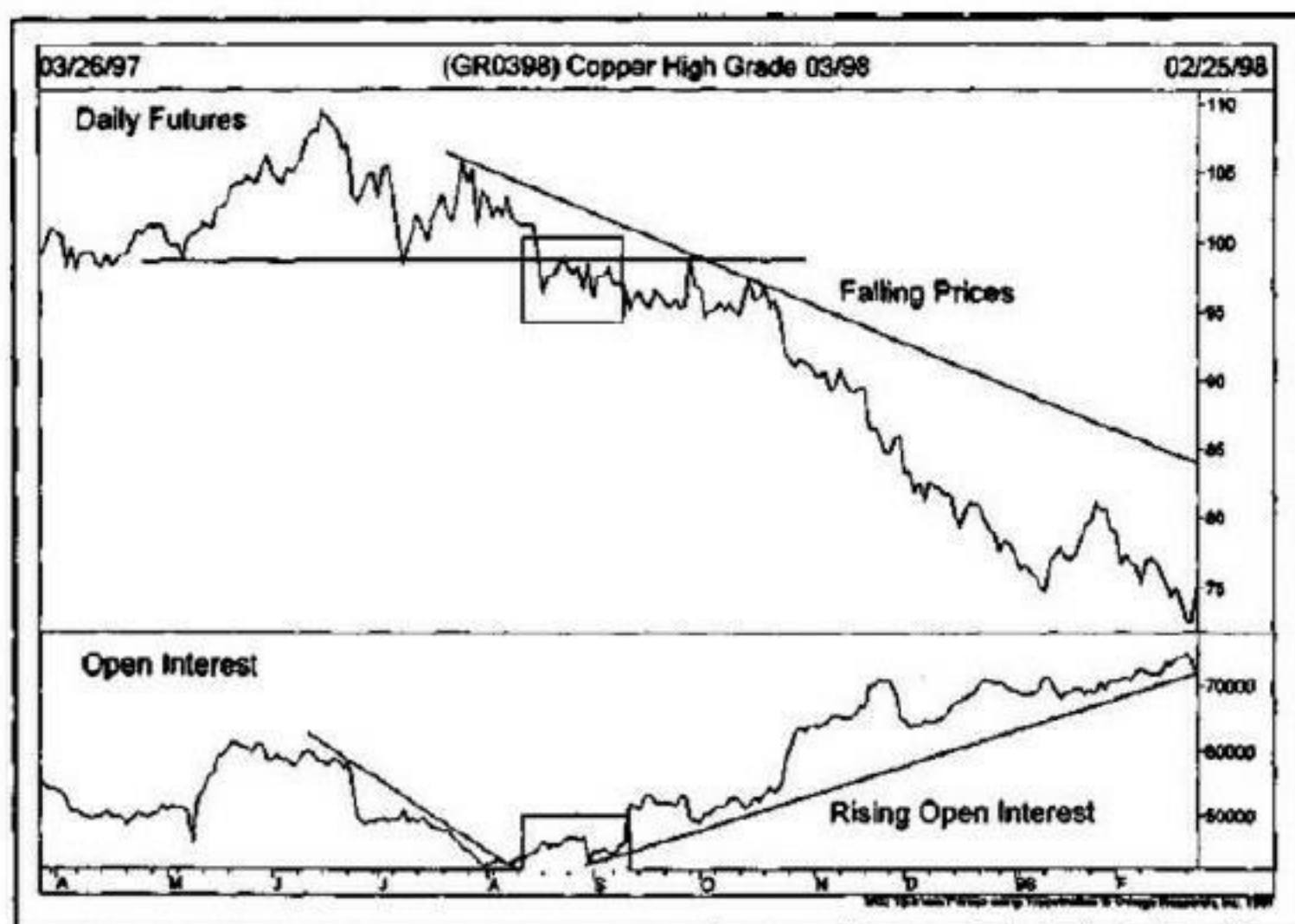


شکل ۱۰.۷ یک نمونه از کاهش قیمت ضعیف در آتی طلا را نشان می‌دهد. افزایش قیمت با کاهش نرخ سود همراه است در حالی که کاهش قیمت نشان‌دهنده افزایش بهره است. یک روند قوی، روند سود باز را با قیمت خواهد دید، نه علیه آن.

یا از دست رفته ارزش دارند که مواضع خود را از بین ببرند. این اقدام بر این باور است که نشان‌دهنده یک وضعیت تکنیکال قوی است زیرا روند نزولی ممکن است زمانی که سود باز به اندازه کافی کاهش پیدا کند تا نشان دهد که اکثر افراد در حال شکست فروش خود را به اتمام رسانده‌اند.

این چهار نکته را خلاصه می‌کنیم:

۱. افزایش علاقه علنی به an صعودی، صعودی است.
۲. سود باز در یک uptrend خشن است.
۳. افزایش علاقه باز در روند نزولی خشن است.
۴. علاقه باز به روند نزولی (نزولی) صعودی است.



شکل ۱۱.۷ رکود در مس در طول تابستان ۱۹۹۷ و کاهش قیمت بعدی با افزایش سود باز همراه بوده است. افزایش سود باز در طول کاهش قیمت، خشن است چرا که نشان دهنده فروش کوتاه پرخاشگرانه است.

سایر موقعیت‌ها در شرایطی که منافع باز مهم هستند

علاوه بر روندها قبلی، موقعیت‌های بازار دیگری نیز وجود دارند که در آن‌ها مطالعه منافع باز می‌تواند مفید واقع شود.

۱. در پایان بازار عمده، جایی که سود باز در سراسر روند قیمت رو به افزایش بوده، کاهش یا کاهش نرخ سود باز اغلب هشدار اولیه یک تغییر در روند است.

۲. اگر افت قیمت بسیار ناگهانی باشد، یک رقم جالب توجه در صدر بازار می‌تواند نزولی در نظر گرفته شود. این به این معنی است که همه کالاهای جدید نزدیک به انتهای of اکنون در حال از دست دادن موقعیت هستند. انحلال اجباری آن‌ها همچنان تحت فشار باقی خواهد ماند تا زمانی که سود باز به حد کافی کاهش یافته باشد. به عنوان یک امتحان

let's, pie فرض می کنند که یک uptrend برای مدتی موثر بوده است. در ماه گذشته، سود باز به طور قابل توجهی افزایش یافته است. به یاد داشته باشید که هر قرارداد علاقه باز جدید به مدت یک سال جدید و یک قرارداد کوتاه جدید دارد. ناگهان قیمت ها به شدت افت پیدا می کنند و پایین تر از پایین ترین قیمت در ماه گذشته است. هر واحد تازه تاسیس که در طول آن ماه تاسیس شد، اکنون دچار زیان شده است.

انحلال اجباری کسانی که مایل هستند قیمت ها را تحت فشار نگه می دارد تا زمانی که همه آن ها منحل شدند. بدتر از این، فروش اجباری آن ها اغلب به خودی خود شروع به غذا می کند و همانطور که قیمت ها حتی پایین تر هم فشار می آورند، باعث افزایش حاشیه اضافی به وسیله دیگری می شود و کاهش قیمت جدید را تشدید می کند. به عنوان استنباطی از نکته قبل، علاقه بسیار باز غیر معمول در بازار گاو به عنوان یک سیگنال خطر محسوب می شود.

۳. اگر سود باز به طور قابل توجهی در طول یک con یا محدوده تجاری افقی ایجاد شود، پس از آن که شکست رخ می دهد، قیمت متعاقب آن inten - sifies حرکت می کند. این تنها دلیل آن است. mar در یک دوره از بی تصمیمی وجود دارد. هیچ کس مطمئن نیست که کدام مسیر حرکت را هدایت می کند. با این حال، افزایش علاقه علنی به ما می گوید که بسیاری از تجار در پیش بینی فرار موقعیت خود را در دست می گیرند. زمانی که این اتفاق رخ می دهد، بسیاری از تجار در سمت نادرستی از بازار دستگیر خواهند شد.

Let's فرض می کنند که ما یک محدوده تجاری سه ماه داشتیم و اینکه بهره آزاد تا ۱۰، ۰۰۰ قرارداد افزایش داشته است. این به این معنی است که ۱۰۰۰۰ موقعیت جدید و ۱۰۰۰۰ موقعیت کوتاه جدید برداشته شده است. پس از آن قیمت ها به صورت وارونه و در سه ماه بالاتر ایجاد می شوند. از آنجا که قیمت ها در سه ماه به بالاترین نقطه می رسند، هر موقعیت کوتاه (همه ۱۰۰۰۰ نفر) که در طی سه ماه گذشته آغاز شده است، یک ضرر را نشان می دهد. تقلا برای پوشش آن هایی که شورت خود را از دست می دهند به طور طبیعی باعث افزایش فشار بیشتر بر قیمت ها و ایجاد وحشت بیشتر می شود. قیمت ها تا زمانی که همه یا بیشتر آن ۱۰۰۰۰ موقعیت کوتاه با خرید در قدرت بازار جبران شوند، همچنان قوی باقی می مانند. اگر این شکست در جای بدی قرار داشت، آن وقت آرزو می کرد که این فرار را انجام دهد.

مراحل اولیه هر روند جدید بلافاصله بعد از انحلال اجباری توسط کسانی که در سمت نادرست بازار گرفتار شده اند، تقویت می شود. هر چه تجار بیشتری در سمت نادرستی قرار بگیرند (در نرخ بهره بالا آشکار می شوند)

واکنش به یک حرکت ناگهانی در بازار، شدیدتر است. به عبارت دیگر، نکته مثبت این است که روند جدید به کمک کسانی که در سمت راست بازار کار می کنند، و در حال حاضر از سود کاغذهای انباشته برای تامین مالی موقعیت های بیشتر استفاده می کنند. می توان مشاهده کرد که چرا افزایش سود باز در طول یک محدوده تجاری (یا هر گونه تشکیل قیمت برای آن ماده)، پتانسیل برای حرکت قیمت بعدی بیشتر است.

۴. افزایش سود باز در تکمیل الگوی قیمت به عنوان تایید اضافه شده از یک سیگنال روند قابل اعتماد در نظر گرفته می شود. برای مثال شکستن یقه برای مثال، اگر شکست روی افزایش سود باز همراه با حجم سنگین تر انجام شود بیشتر قانع کننده است. تحلیلگر باید اینجا مراقب باشد. از آنجا که انگیزه به دنبال سیگنال روند اولیه اغلب توسط افراد در سمت نادرست بازار ایجاد می شود، گاهی اوقات علاقه باز کمی در ابتدای یک روند جدید کاهش می یابد. این شیب اولیه در علاقه باز می تواند خواننده نمودار بی احتیاط را گمراه کند و در مقابل تمرکز بیش از حد بر روی تغییرات جالب توجه در کوتاه مدت تمرکز می کند.

خلاصه قوانین و قواعد سود باز

Let's برخی از عناصر مهم تری از قیمت، حجم، و علاقه باز را به طور خلاصه بیان می کنند.

1. حجم در همه بازارها مورد استفاده قرار می گیرد.
2. تنها حجم کلی و بهره آزاد برای آتی مورد استفاده قرار می گیرند.
3. افزایش حجم (و علاقه باز) نشان می دهد که روند قیمت فعلی احتمالاً ادامه خواهد داشت.
4. Declining حجم (و علاقه باز) نشان می دهد که روند قیمت ممکن است در حال تغییر باشد.
5. حجم مقدم بر قیمت است. تغییرات در خرید یا فروش، اغلب در حجم قبل از قیمت ردیابی می شوند.
6. در حجم تعادل (OBV)، یا کمی تغییر از آن، میتوان از آن برای اندازه گیری دقیق تر جهت فشار حجم استفاده کرد.

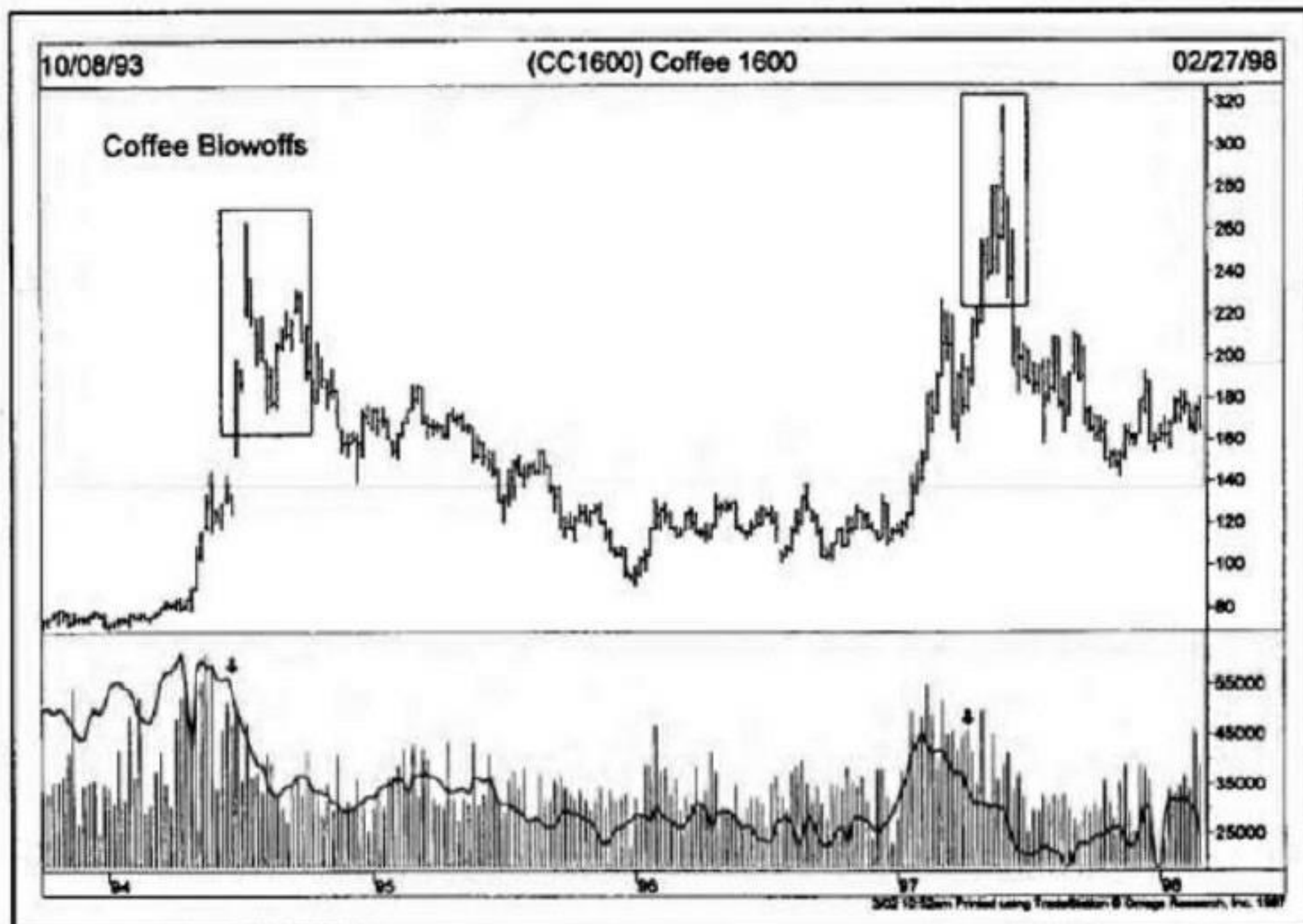
7. یک کاهش ناگهانی در علاقه باز اغلب نسبت به تغییر در روند هشدار می‌دهد. (این فقط برای آتی صادق است.)
8. علاقه شدید بسیار بالا به قله‌های بازار خطرناک است و می‌تواند فشار منفی را افزایش دهد. (این فقط برای آتی صادق است.)
9. افزایش نسبت به سود باز در طول دوره‌های تثبیت، شکست بعدی را تشدید می‌کند. (این فقط برای آتی صادق است.)
10. افزایش حجم (و علاقه باز) به تایید وضوح الگوهای قیمت یا هر گونه توسعه نمودار مهم دیگری که سرآغاز یک روند جدید را نشان می‌دهد، کمک می‌کند.

فروش و فروش climaxes

یک وضعیت نهایی که تا کنون پوشیده نشده است، نوع اقدام بازار نمایشی است که اغلب در صدر و blowoffs - bottoms و فروش climaxes رخ می‌دهد. Blowoffs در انتهای بازار اصلی رخ می‌دهند و climaxes را در کف می‌فروشند. در آتی، blowoffs اغلب با افت در علاقه آشکار در طول تظاهرات نهایی همراه هستند. در مورد a در صدر بازار، قیمت‌ها به طور ناگهانی بعد از پیشرفت طولانی، همراه با جهش بزرگ در فعالیت تجاری و سپس به سرعت اوج می‌گیرند. (مراجعه به شکل ۱۲.۷.) در یک نقطه اوج فروش، قیمت به طور ناگهانی در فعالیت‌های تجاری سنگین کاهش می‌یابد و به سرعت به حالت اول باز می‌گردد. (به شکل ۲۲.۴ مراجعه کنید).

گزارش‌ها تاجران در مورد تاجران

عملیات ما در مورد علاقه باز بدون ذکر تعهدات معامله گران (cot) کامل نخواهد بود و چگونه توسط تکنسین‌های آتی به عنوان ابزار پیش‌بینی استفاده می‌شود. این گزارش توسط کمیسیون معاملات آتی، دو بار در ماه و در پایان ماه، منتشر شده است.



شکل ۷-۱۲- یک جفت قلعه در آتی قهوه وجود دارد. در هر دو مورد، قیمت‌ها به شدت بر روی حجم سنگین تظاهرات کردند. هشدارهای منفی در طی هر دو تظاهرات، کاهش در علاقه باز (خط ممتد) را نشان می‌دهد.

گزارش ارقام مورد علاقه را به سه دسته تقسیم می‌کند: تامین‌کننده‌ها بزرگ، محتکران بزرگ و تاجران کوچک. تامین‌کننده‌ها بزرگ که تبلیغات نامیده می‌شوند، از بازارهای آتی برای اهداف مصون‌سازی استفاده می‌کنند. محتکران بزرگ شامل سرمایه‌های بزرگ کالا هستند که اصولاً به سیستم‌های پی‌گیری مکانیکی متکی هستند. دسته نهایی تجار کوچک شامل عموم مردم است که مقادیر بسیار کمتری دارند.

تماشای تجاری را تماشا کنم.

اصل راهنما در تجزیه و تحلیل تعهدات تعهداتی این باور است که شرکت‌های بزرگ تجاری معمولاً درست هستند، در حالی که معامله گران معمولاً اشتباه هستند. در این صورت ایده این است که خودتان را در موقعیت مشابه قرار بگیرید و در موقعیت مخالف دو دسته از بازرگانان قرار بگیرید. برای مثال، a

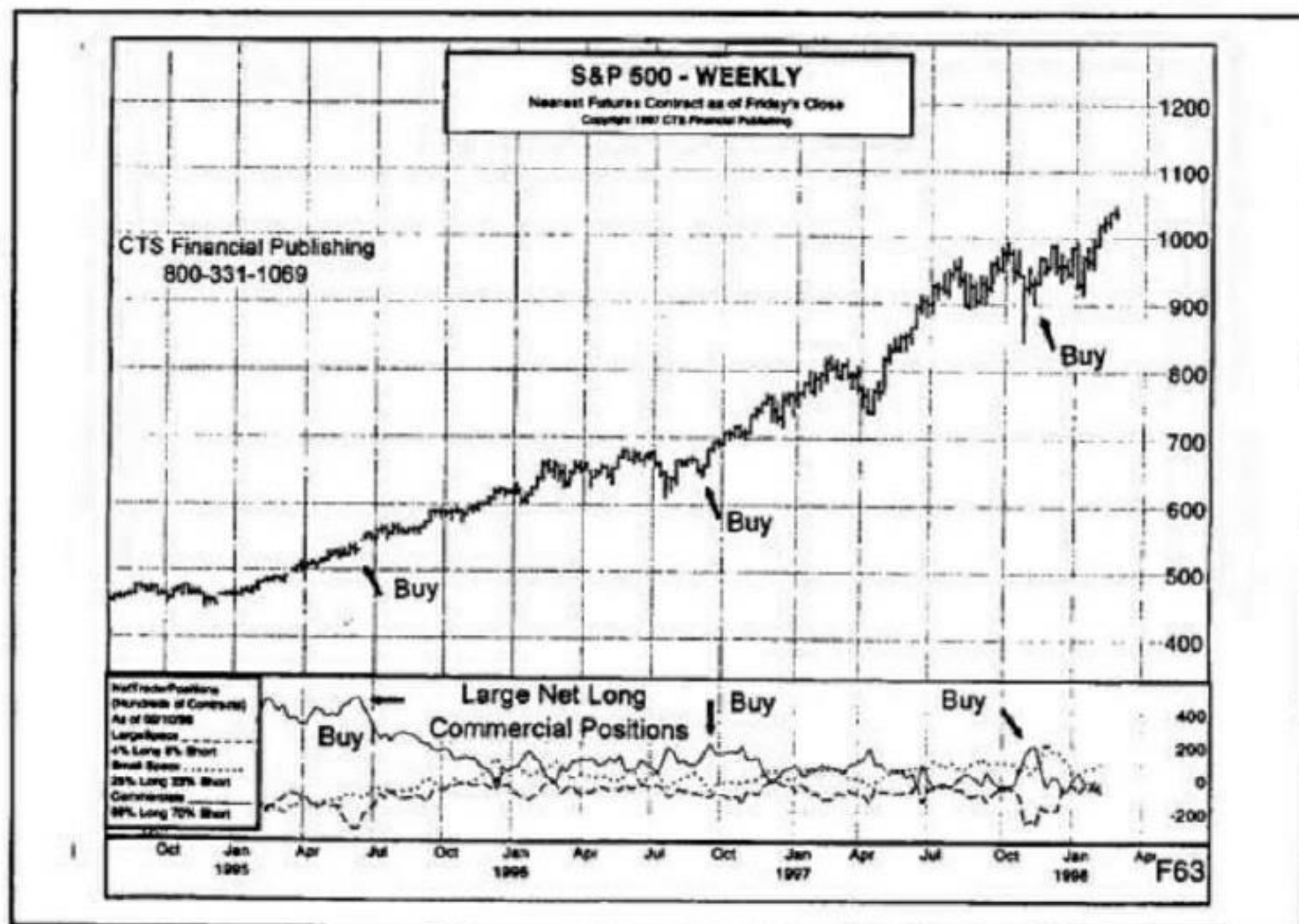
سیگنال صعودی در پایین بازار زمانی رخ می‌دهد که تبلیغات به شدت تور هستند، در حالی که بازرگانان بزرگ و بزرگ به شدت کوتاه هستند. در یک بازار رو به افزایش، یک سیگنال هشدار از بالا ممکن زمانی رخ می‌دهد که بازرگانان بزرگ و کوچک در همان زمان به شدت تور می‌کنند که تبلیغات به شدت کوتاه می‌شوند.

موقعیت خود را تنظیم کنید

این امکان وجود دارد که روند سه گروه بازار را ترسیم کرده و از آن روندها برای نقطه اوج در موقعیت خود استفاده کنیم. یک راه برای انجام این کار، مطالعه مواضع تاجر خالص منتشر شده در نمودارهای Futures (منتشر شده توسط خدمات روند کالا، کادر PO، Gardens بیچ، FL ۳۳۴۲۰) است. این نمودار خدمات شامل سه خط است که موقعیت تاجر خالص را برای هر سه گروه بر روی یک نمودار قیمت هفتگی برای هر بازار که چهار سال به عقب برمی‌گردد نشان می‌دهد. با ارایه چهار سال از داده‌ها، مقایسه‌های تاریخی به راحتی انجام می‌شوند. نیک ون نیس، ناشر این خدمات چارت، به دنبال موقعیت‌هایی است که تبلیغات در یک حد افراطی هستند و دو دسته از بازرگانان در طرف دیگر برای یافتن فرصت‌های خرید و فروش (همانطور که در شکل‌های ۱۳.۷ و ۱۴.۷ A نشان داده شده‌است). حتی اگر شما از گزارش COT به عنوان یک ورودی اولیه در تصمیمات تجاری خود استفاده کنید، ایده بدی برای نگاه داشتن به چیزی که این سه گروه در حال انجام آن هستند، نیست.

بهره باز در اختیار معامله

پوشش سود باز ما بر بازارهای آتی متمرکز شده‌است. علاقه باز نقش مهمی در تجارت اختیار معامله ایفا می‌کند. ارقام سود باز هر روز برای قرار دادن و فراخوانی اختیار معاملاتی در بازارهای آتی، میانگین سهام، شاخص‌های صنعت و سهام فردی منتشر می‌شوند. در حالی که علاقه باز به اختیار معامله ممکن است دقیقاً به همان شکل در آتی تفسیر نشود، اساساً همان چیزی را به ما می‌گوید - که در آن سود و نقدینگی وجود دارد. برخی از تجار گزینه "بهره آزاد" (سفته بازهای بورس) را به منظور اندازه‌گیری احساسات بازار مقایسه می‌کنند. دیگران از حجم گزینه استفاده می‌کنند.



شکل ۱۳.۲ نشان داده شده است که نمودار هفتگی of P S of ۵۰۰ futures سه buy را نشان می دهد (arrows را ببینید). خطوط در امتداد کف، تبلیغات (خط ممتد) را به شدت تور می کنند و سفته بازان بزرگ (خط نقطه چین) به شدت تور کوتاه را در هر سیگنال می خرند.

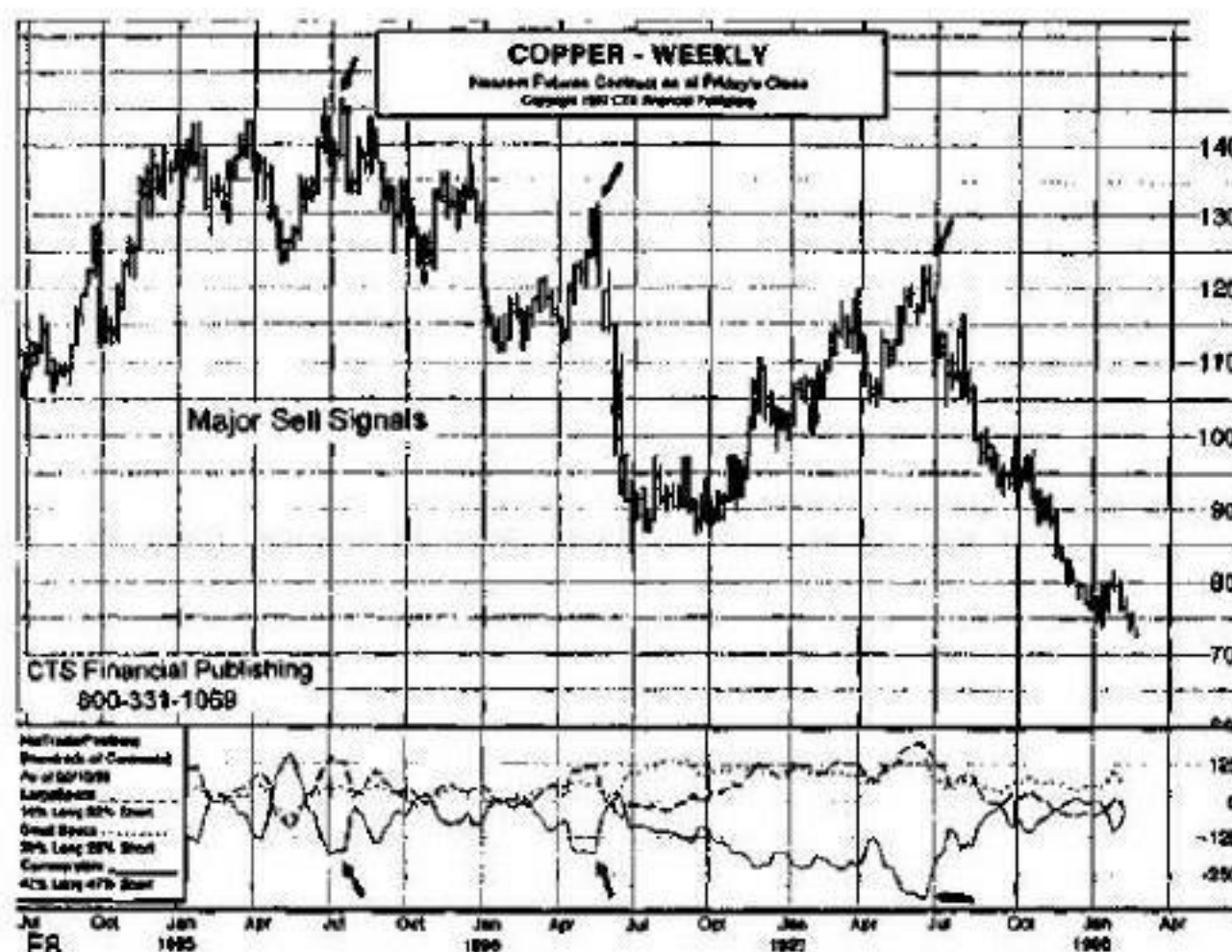
چاپ مجدد / دعوت

ارقام حجم برای بازارها در اصل به همان شکل در آتی و سهام استفاده می شوند.

این است، آن ها درجه را به ما می گویند خرید یا فروش فشار

در یک بازار معین. ارقام حجم در اختیار معامله به حجم صدا (صعودی) تقسیم می شوند و حجم (نزولی) را بیان می کنند. با نظارت بر حجم تماس ها در مقابل puts، ما می توانیم میزان bullishness یا bearishness را در یک بازار مشخص کنیم. یکی از کاربردهای اصلی حجم داده حجم در تجارت اختیار معامله، ساخت نسبت های حجم صدا / فراخوانی است. هنگامی که اختیار معامله صعودی هستند، حجم صدا از حجم گذاشته شده و نسبت فراخوانی / فراخوانی کاهش می یابد. رفتار خشن در حجم put سنگین تر و نسبت put / فراخوانی بالاتر منعکس می شود. نسبت put / فراخوانی معمولاً به عنوان یک شاخص مخالف در نظر گرفته می شود. نسبت بسیار بالایی یک بازار oversold را نشان

می‌دهد. نسبت بسیار پایین یک هشدار منفی از یک بازار overbought است.



شکل ۱۴.۷ یک نمودار هفتگی از آتی مسی نشان می‌دهد که سه سیگنال فروش مشخص توسط پیکان‌هایی بالا نشان داده شده‌است. هر سیگنال فروش موقعیت طولانی خالص را بوسیله دو دسته OF و پست کوتاه خالص توسط تبلیغات نشان می‌دهد. آگهی‌های بازرگانی درست بودند.

ترکیب احساسات گزینه با

اختیار معامله از علاقه و حجم باز استفاده می‌کنند و ارقام فراخوانی / فراخوانی برای تعیین extremes در احساسات صعودی یا نزولی استفاده می‌کنند. این احساسات در زمانی که با معیارهای تکنیکال مانند حمایت، مقاومت و روند بازار اصلی ترکیب می‌شوند بهتر عمل می‌کنند. از آنجا که زمان در اختیار معامله بسیار حیاتی است، اغلب تجار گزینه به لحاظ تکنیکال محور هستند.

نتیجه‌گیری

این امر پوشش ما از حجم و منافع باز را حداقل برای الان به پایان می‌رساند. تحلیل حجم در همه بازارهای مالی - آتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اختیار معامله و سهام. علاقه باز تنها به آتی و اختیار معامله‌ی موجود اعمال می‌شود. اما از آنجایی که futures و اختیار معامله با بسیاری از وسایل نقلیه در بازار سهام معامله می‌شوند، برخی درک این که چگونه فعالیت‌های سود باز می‌تواند در هر سه حوزه مالی مفید واقع شود. در اکثر مباحثات ما تا کنون روی نمودارهای میله‌ای روزانه متمرکز شده‌ایم. گام بعدی این است که افق زمانی خود را گسترش دهیم و یاد بگیریم چگونه این ابزار را بکار بگیریم که در جدول‌های ماهانه و ماهانه یاد گرفته‌ایم تا تحلیل روند دامنه طولانی را انجام دهیم. این کار را در بخش بعدی انجام خواهیم داد.

نمودارهای طولانی مدت

مقدمه

از میان تمام the که از تکنسین بازار برای پیش بینی و تجارت بازارهای مالی استفاده کردند، نمودار میله‌ای روزانه بسیار محبوب است. نمودار میله‌ای روزانه معمولاً یک دوره از شش تا نه ماه را پوشش می‌دهد. با این حال، از آنجا که بسیاری از معامله گران آن‌ها را به اقدام بازار نسبتاً کوتاه محدود می‌کنند، نمودارهای میله‌ای روزانه مقبولیت وسیعی را به عنوان ابزار کاری اصلی of به دست آورده‌اند.

با این حال، وابستگی متوسط تاجر به این نمودارهای روزانه، و دغدغه‌های مربوط به رفتار کوتاه مدت بازار باعث می‌شود که بسیاری از مدل‌های هفتگی و ماهانه برای تحلیل و پیش بینی روند بلندمدت استفاده کنند. نمودار میله‌ای روزانه یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه در زندگی هر بازار را پوشش می‌دهد. با این حال، تحلیل روند کامل یک بازار باید شامل برخی ملاحظات در مورد نحوه حرکت قیمت بازار روزانه در رابطه با روند بلندمدت آن باشد. برای انجام این کار، نمودارها باید به کار گرفته شوند. در حالی که در نمودار میله‌ای روزانه، هر بار یک قیمت day's را نشان می‌دهد.

۱۸۲ فصل ۸

اقدام بر روی نمودارهای هفتگی و ماهانه هر بار قیمت یک week's و یک اقدام قیمت month's را نشان می‌دهد. هدف از نمودارهای هفتگی و ماهانه، فشردن کردن اقدام قیمت در چنین روشی است که افق زمانی می‌تواند تا حد زیادی گسترش یابد و دوره‌های زمانی طولانی‌تر مورد مطالعه قرار گیرد.

اهمیت مشروعیت بخشیدن به چشم‌انداز اقتصادی

نمودارهای قیمت دامنه بلند، دیدگاهی را در مورد روند بازار ارایه می‌دهند که دستیابی به استفاده از جدول‌های روزانه به تنهایی غیر ممکن است. در طول مقدمه ما به فلسفه تکنیکال در فصل ۱، اشاره شد که یکی از مزایای تحلیل نمودار کاربرد اصول آن در هر بعد زمانی، از جمله پیش‌بینی دامنه بلند است. ما همچنین به fallacy که توسط برخی حمایت می‌شوند، اشاره کردیم که تحلیل تکنیکال باید محدود به زمان‌بندی کوتاه‌مدت " با پیش‌بینی دامنه طولانی‌تر برای تحلیل گر بنیادی باشد.

نمودارهای همراه نشان خواهند داد که اصول تجزیه و تحلیل تکنیکال - از جمله تحلیل روند، حمایت و مقاومت، trendlines، درصد retracements، و الگوهای قیمت - خود را به تحلیل جنبش‌های بلند قیمت می‌رسانند. هر کسی که با این نمودارهای دامنه طولانی‌تر مشاور نباشد، مقدار بسیار زیادی از اطلاعات قیمت گران بها را از دست می‌دهد.

ساخت‌وساز CHARTS OF futures برای

قرارداد آتی معاملات آتی در حدود یک سال و نیم پیش از تاریخ انقضا دارد. این ویژگی زندگی محدود، برخی مشکلات بدیهی را برای تکنسین که علاقه‌مند به ساخت یک نمودار محدوده طولانی چند ساله است، دارد. متخصصان بازار بورس don't این مشکل را دارند. چارت به راحتی برای سهام مشترک فردی و میانگین بازار از شروع معاملات در دسترس است. بعد از آن، تکنسین آتی چگونه جداول محدوده طولانی‌تری برای قراردادهایی که دائماً منقضی می‌شوند

می‌سازند؟

پاسخ ادامه جدول است. توجه به تاکید بر تداوم کلمه "روشی که اغلب به کار گرفته می‌شود صرفاً پیوند تعدادی از قراردادهای با یکدیگر برای تامین تداوم است. زمانی که یک قرارداد منقضی می‌شود، یکی دیگر استفاده می‌شود. برای رسیدن به این هدف، ساده‌ترین و ساده‌ترین روش، استفاده از قیمت نزدیک‌ترین قرارداد است. وقتی که نزدیک‌ترین قرارداد منقضی می‌شود، خط بعدی به نزدیک‌ترین قرارداد تبدیل می‌شود و تنها قراردادی است که رسم می‌شود.

روش‌های دیگر برای ساخت
نمودارهای "استمرار"

روش ارتباط قیمت نزدیک‌ترین قراردادهای منقضی شده نسبتاً ساده بوده و مشکل تامین تداوم قیمت را حل می‌کند. با این حال، برخی مشکلات با این روش وجود دارد. بعضی اوقات قرارداد منقضی شده ممکن است با حق بیمه یا تخفیف قابل‌توجه برای قرارداد بعدی مبادله شود، و تغییر در قرارداد جدید ممکن است باعث افت ناگهانی قیمت یا جهش در نمودار شود. اعوجاج بالقوه دیگر، نوسان شدید تجربه‌شده توسط برخی از قراردادهای نقطه‌ای قبل از انقضا آن است.

متخصصان آتی راه‌های بسیاری را برای مقابله با این distortions اتفاقی ابداع کرده‌اند. برخی از آن‌ها برای جلوگیری از نوسان در این ماه، برای جلوگیری از بی‌ثباتی در یک ماه یا دو ماه دیگر دست به توطئه خواهند زد. دیگران از استفاده از نزدیک‌ترین قرارداد به طور کلی اجتناب خواهند کرد و به جای آن قرارداد دوم یا سوم را ترسیم خواهند کرد. یک روش دیگر این است که قرارداد را با بیش‌ترین علاقه آشکار به این نظریه ترسیم کند که آن ماه تحویل، واقعی‌ترین بازنمایی از ارزش بازار است.

جداول Continuation نیز می‌تواند با پیوند دادن ماه‌ها تقویم مشخص ساخته شود. به عنوان مثال، نمودار تداوم سویا نوامبر تنها داده‌های تاریخی ارائه‌شده توسط هر یک از قراردادهای year's soybean نوامبر را با هم ترکیب می‌کند. (این تکنیک اتصال چند ماه تحویل خاص به وسیله W.D. Gann) مورد توجه قرار گرفت) برخی از chartists با متوسط بودن قیمت چندین قرارداد، یا ایجاد شاخص‌هایی که سعی بر هموار کردن تغییر با ایجاد تغییرات در حق بیمه یا تخفیف قیمت دارند، فراتر می‌روند.

perpetual THE

یک راهحل مبتکرانه برای مساله تداوم قیمت توسط رابرت Pelletier، رئیس سیستم‌های کالا، یک کالا و خدمات داده ذخیره (CSI) توسعه یافت. W ۲۰۰۰. " Palmetto پارک "، Raton Boca FL ۳۳۴۲۲ نام یک علامت تجاری دایمی این شرکت است).

هدف از the دایمی، فراهم کردن سال‌ها آتی قیمت آتی در یک سری زمانی پیوسته است. این کار با ایجاد یک سری زمانی براساس دوره زمانی پیش رو انجام می‌شود. برای مثال، این سری سه ماه یا شش ماه آتی را تعیین خواهد کرد. زمان پری od تغییر می‌کند و می‌تواند توسط کاربر انتخاب شود. سیستم دایمی با در نظر گرفتن یک میانگین وزنی از دو قسمت futures که دوره زمانی مورد نظر را در بر می‌گیرد، ساخته می‌شود.

ارزش برای ContractTM ابدی یک قیمت واقعی نیست، بلکه میانگین وزنی دو قیمت دیگر است. The اصلی of دایمی این است که نیاز به استفاده از نزدیک‌ترین قرارداد منقضی شده را حذف می‌کند و با حذف the که می‌تواند در طول انتقال بین ماه‌های تحویل رخ دهد، سری قیمت‌ها را حذف می‌کند. برای تحلیل چارت pur - ژست دهی اولیه که با استفاده از خدمات چارت به چاپ رسید، بیش از حد کافی است. یک سری قیمت پیوسته، که تا به حال، برای سیستم‌های تجاری - آزمایش و شاخص‌ها، مفیدتر است. توضیح کاملی از روش‌ها برای ساخت قراردادهای آتی پیوسته توسط گرگ موریس در ضمیمه D ارائه شده است.

مدت طولانی به جدال TRENDS خاتمه می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی‌های نمودار محدوده طولانی این است که نه تنها روندها به روشنی تعریف شده‌اند، بلکه روندها برد بلند مدت چندین سال طول می‌کشد. تصور کنید که پیش‌بینی یک پیش‌بینی براساس یکی از این دو روند طولانی، و نه نیاز به تغییر این پیش‌بینی برای چندین سال!

تداوم روندهای دامنه بلند یک سوال درونی دیگر را ایجاد می‌کند که باید ذکر شود - سوال of - domness. در حالی که تحلیلگران تکنیکال با این نظریه موافق نیستند که عمل بازار تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی است، به نظر بی‌خطر می‌رسد.

توجه داشته باشید که هر اتفاقی که در اقدام قیمت وجود دارد، احتمالاً پدیده‌ای از عبارت بسیار کوتاه است. تداوم روندهای موجود در زمان‌های طولانی، در بسیاری از موارد، در بسیاری از موارد، یک استدلال قانع‌کننده در برابر ادعاهای of های پیاده‌روی تصادفی است که قیمت‌ها به صورت سریالی مستقل هستند و عمل قیمت گذشته تاثیری بر اقدام قیمت آتی ندارد.

چشمک زدن بر روی CHARTS: مجله هفتگی و هفتگی

الگوهای قیمت در نمودارهای دامنه بلند ظاهر می‌شوند، که به شکل مشابه در جدول‌های روزانه هستند. در این نمودارها به عنوان head و bot - - reversals نیز در این نمودارها بسیار برجسته هستند. Triangles که معمولاً الگوهای تداوم هستند به کرات دیده می‌شوند.

الگوی دیگری که اغلب در این نمودارها روی می‌دهد، برگشت هفتگی و ماهانه است. به عنوان مثال، در نمودار ماهانه، یک ماه بالا و بعد از نزدیکی month's قبلی، نقطه عطف مهمی را نشان می‌دهد، به خصوص اگر در نزدیکی یک پشتیبانی بزرگ یا منطقه مقاومت رخ دهد. معکوس کردن هفتگی در چارت هفتگی بسیار رایج است. این الگوها معادل یک روز معکوس اصلی در جداول روزانه هستند، به جز آن که در جداول طولانی این reversals اهمیت بسیار بیشتری دارند.

نمودارهای بلند مدت

It's به خصوص برای درک این سفارش مهم است که در آن جداول قیمت باید در انجام تجزیه و تحلیل روند کامل مورد بررسی قرار گیرند. دستور صحیح برای پیروی از آنالیز نمودار این است که با دامنه بلند شروع کرده و به تدریج به دوره نزدیک کار کند. دلیل این امر باید به صورتی آشکار شود که یکی با ابعاد زمان متفاوت کار می‌کند. اگر تحلیلگر با تنها تصویر نزدیک شروع شود، او مجبور است به طور مداوم نتایج را به عنوان داده‌های قیمتی بیشتر مورد بازبینی قرار دهد. یک تحلیل کامل از چارت روزانه ممکن است باید بعد از نگاه کردن به نمودار محدوده طولانی مجدداً انجام شود. با شروع

با این تصویر بزرگ که تا ۲۰ سال پیش برمی گزید، تمام داده‌ها باید در چارت گنجانده شوند و یک دیدگاه مناسب به دست آید. هنگامی که تحلیلگر می‌داند که بازار از یک دیدگاه متفاوت است، او به تدریج "صفر" را در کوتاه‌مدت "صفر" می‌کند. چارت اول به عنوان نمودار ماهیانه ۲۰ ساله در نظر گرفته می‌شود. تحلیلگر به دنبال الگوهای نمودار آشکارتر، خطوط اصلی روند یا نزدیکی پشتیبانی اصلی یا سطوح مقاومت می‌باشد. سپس با پنج سال اخیر در چارت هفتگی مشورت می‌کند و همان روند را تکرار می‌کند. پس از انجام این کار، تحلیلگر تمرکز خود را به شش تا نه ماه کار بازار بر روی نمودار میله‌ای روزانه محدود می‌کند و در نتیجه از "ماکرو" به رویکرد "میکرو" می‌رود. اگر تاجر بخواهد جلوتر برود، پس از آن می‌توان جداول روزی را برای یک مطالعه دقیق‌تر از اقدام اخیر مورد مشورت قرار داد.

چرا باید این سفر طولانی برای تورم صورت بگیرد؟

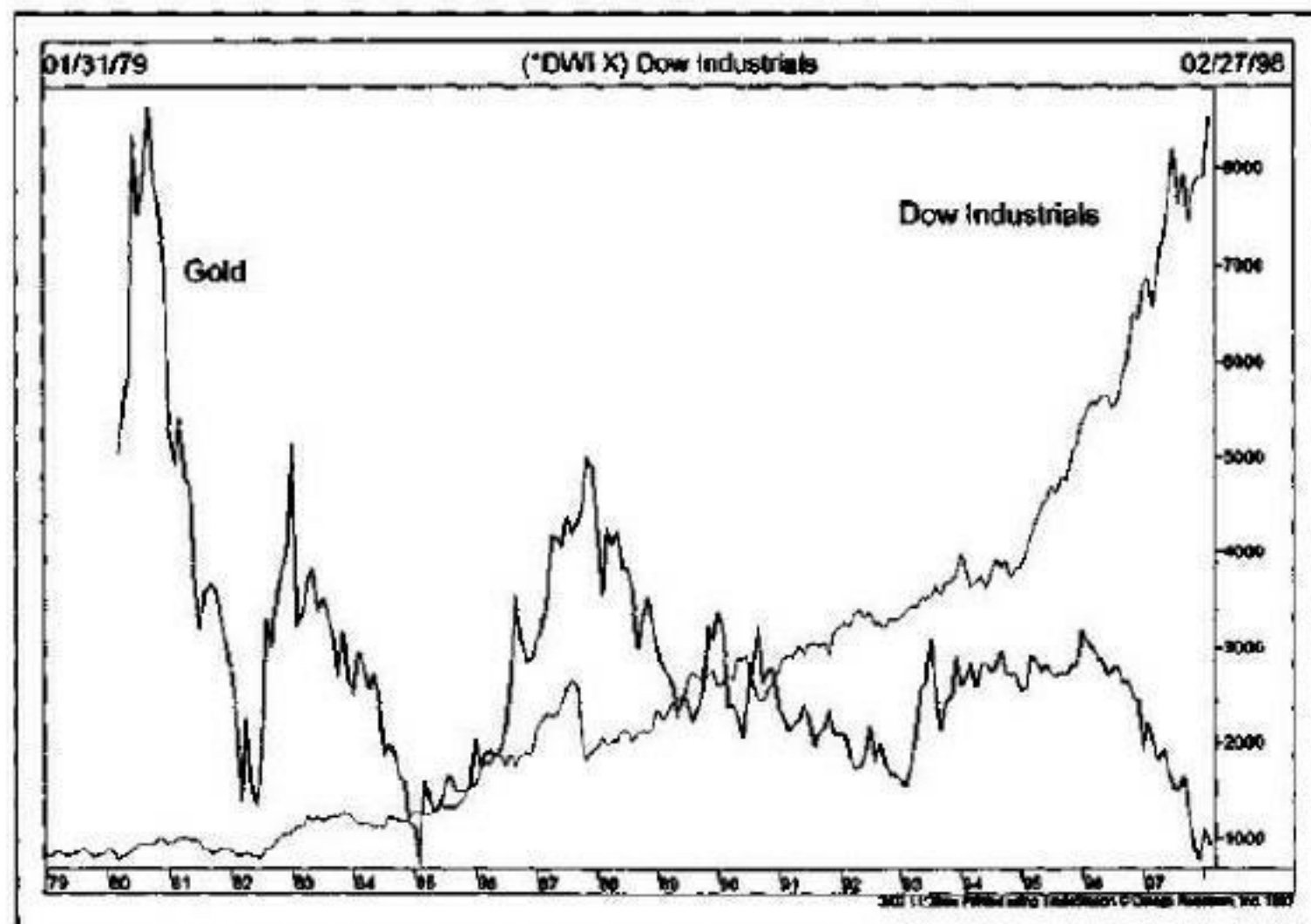
سوالی که اغلب در مورد چارت بلند مدت مطرح می‌شود این است که آیا سطح قیمت تاریخی که در نمودارها دیده می‌شود باید برای تورم تنظیم شود. پس از آن، این استدلال ادامه دارد، آیا این قله‌های برد طولانی و troughs اگر برای بازتاب تغییرات در ارزش دلار آمریکا تنظیم نشده باشند هیچ اعتبار ندارند؟ این موضوع بحث در میان تحلیلگران است.

من باور ندارم که هر گونه تنظیم در این نمودار محدوده طولانی به چند دلیل لازم باشد. دلیل اصلی این است که خود بازارها هم اکنون تنظیمات لازم را انجام داده‌اند. ارز در حال کاهش در ارزش به نقل از کالاهایی است که در آن واحد پول به ارزش افزوده می‌شود. بنابراین ارزش رو به کاهش دلار به افزایش قیمت کالاها کمک خواهد کرد. یک دلار رو به افزایش قیمت اغلب کالاها را کاهش خواهد داد.

افزایش شدید قیمت در بازارهای کالا در دهه ۱۹۷۰ و کاهش قیمت در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، نمونه‌های کلاسیک تورم در سر کار هستند. در دهه ۱۹۷۰ اشاره شد که سطح قیمت کالاها که دو برابر شده و سه برابر شده‌است، باید طوری تنظیم شود که منعکس‌کننده تورم در حال افزایش باشد. بازارهای کالا در حال ترقی، مانی - festation از آن تورم بودند. از آن زمان به بعد بازارهای کالای Declining

دهه ۱۹۸۰ یک دوره طولانی از disinflation را نشان می‌دهد. آیا ما باید قیمت طلا را که اکنون ارزش آن کم‌تر از نصف قیمت آن در سال ۱۹۸۰ است را بگیریم و آن را برای بازتاب نرخ تورم پایین‌تر تنظیم کنیم؟ بازار هم اکنون از آن مراقبت کرده‌است.

نکته نهایی در این بحث به قلب نظریه تکنیکال می‌رود، که بیان می‌کند که اقدام قیمت، همه چیز و حتی تورم را تخفیف می‌دهد. همه بازارهای مالی با دوره‌های تورم و کاهش قیمت و تغییرات در ارزش‌های واحد پول تطبیق می‌کنند. پاسخ واقعی این است که آیا نمودارهای دامنه بلند باید برای تورم در جداول خود قرار گیرند. بسیاری از بازارها در سطوح مقاومت تاریخی چند سال پیش تنظیم شده‌اند و سپس از سطوح پشتیبانی که در چند سال دیده نمی‌شوند، بازتاب می‌شوند. It's همچنین روشن کرد که کاهش تورم از اوایل دهه ۱۹۸۰ به حمایت از بازار گاو در اوراق قرضه و سهام کمک کرده‌است. به نظر می‌رسد که این بازارها هم اکنون تنظیم تورم خود را انجام داده‌اند. (مراجعه به شکل ۱.۸).



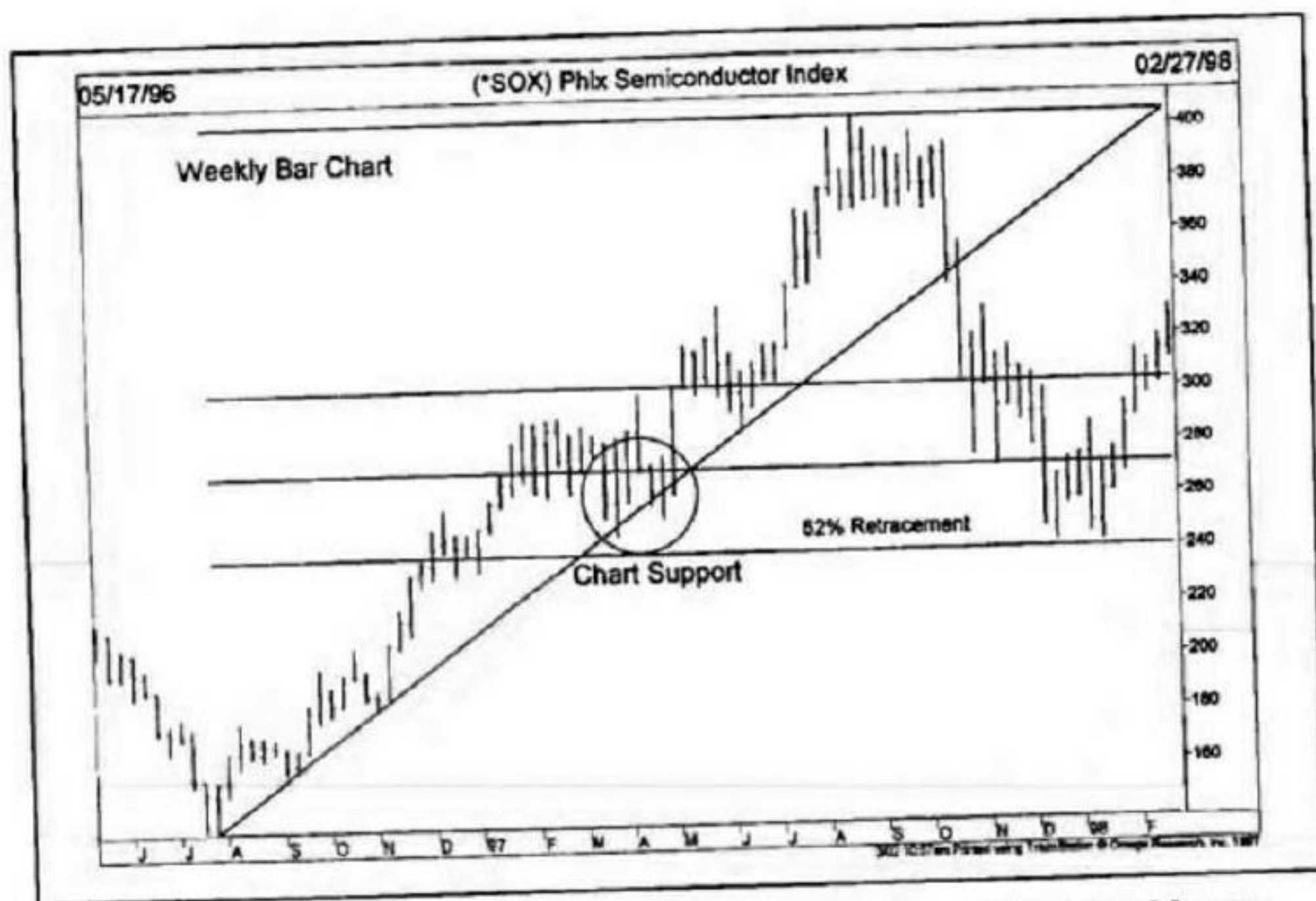
شکل ۱ - ۸ اوج قیمت طلا در ۱۹۸۰ به دو دهه تورم پایین راهنمایی شد. تورم پایین معمولاً باعث کاهش قیمت طلا و افزایش قیمت سهام به این شکل می‌شود. چرا این نمودارها دوباره برای تورم تنظیم شده‌اند؟ قبلاً این کار انجام شده‌بود.

دوره بلند مدت برای TRADING PURPOSES طراحی نشده است.

جداول بلند مدت برای اهداف تجاری طراحی نمی‌شوند. تمایزی بین تحلیل بازار برای اهداف پیش‌بینی و زمان‌بندی تعهدات بازار ایجاد می‌شود. نمودارهای بلند مدت در فرآیند تحلیلی برای کمک به تعیین روند اصلی و اهداف قیمت‌ها مفید هستند. با این حال، آن‌ها برای زمان‌بندی نقاط ورود و خروجی مناسب نیستند و نباید برای آن هدف مورد استفاده قرار گیرند. برای این کار بسیار حساس، نمودارهای روزانه و روزانه باید مورد استفاده قرار گیرند.

EXAMPLES بلند مدت طولانی

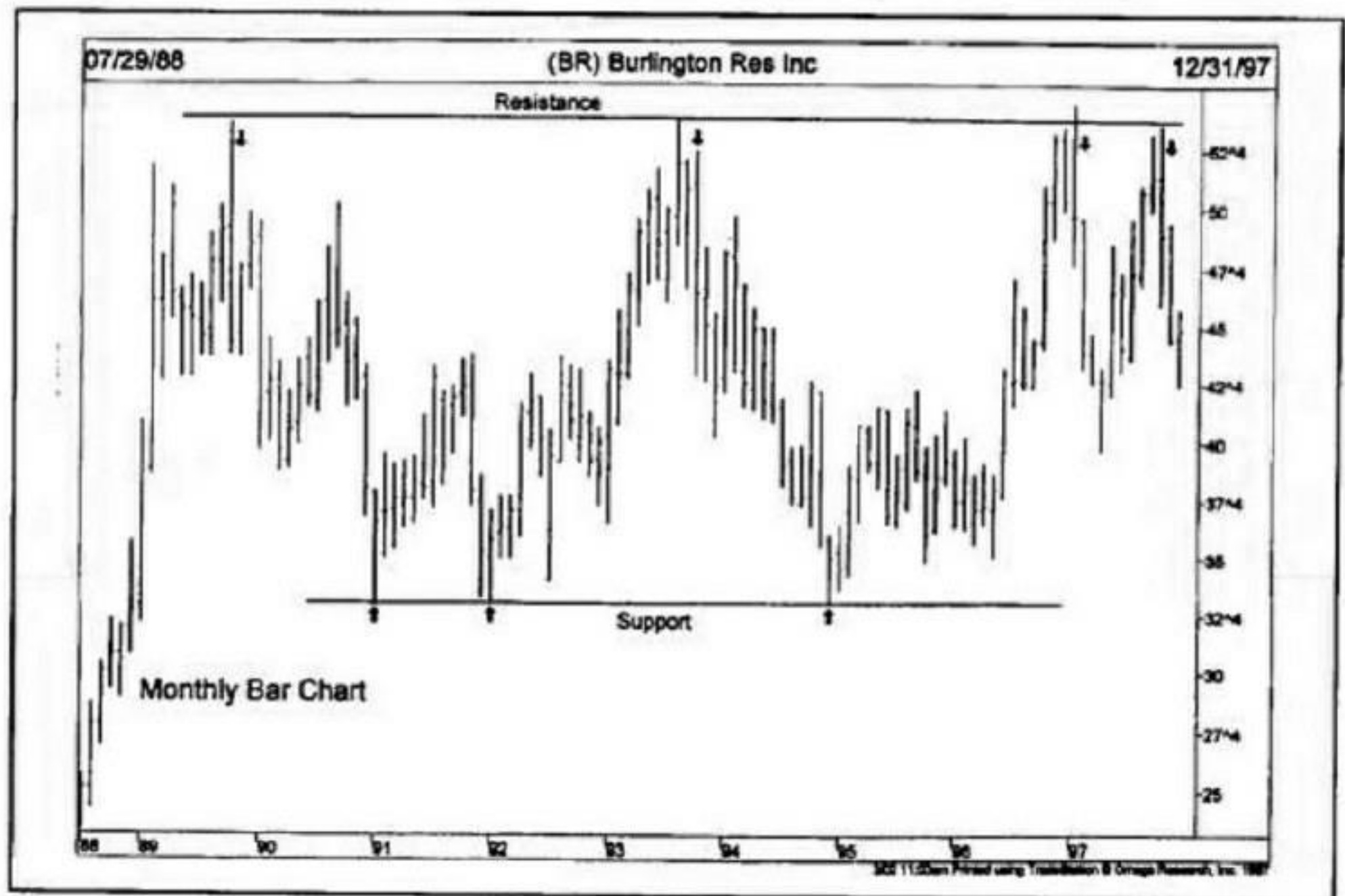
صفحات زیر شامل نمونه‌هایی از نمودارهای هفتگی و ماهانه هستند (شکل‌های ۲.۸ - ۸). نقاشی‌های روی این نمودارها محدود به حمایت بلند مدت و سطوح مقاومت، per, trendlines، - هفتگی و الگوی قیمت گاهی می‌باشد. با این حال آگاه باشید که هر چیزی که می‌تواند در چارت روزانه انجام شود می‌تواند در هر هفته یا ماهانه انجام شود. ما بعداً در این کتاب به شما نشان خواهیم داد که چگونه کاربرد شاخص‌های تکنیکی مختلف در این نمودار بلند مدت انجام می‌شود، و اینکه چگونه سیگنال‌ها در چارت هفتگی برای مدت‌زمان کوتاه‌تر به فیلترها ارزشمندی تبدیل می‌شوند. همچنین به خاطر داشته باشید که مقیاس بندی نمودار semilog در هنگام مطالعه روندهای قیمتی بسیار با ارزش تر می‌شود.



شکل ۲ - ۸ این نمودار از سهام نیمه‌هادی با ارزش در هر چارت هفتگی را نشان می‌دهد. سقوط قیمت در اواخر سال ۱۹۹۷ در سطح ۶۲٪ retracement متوقف شد و bounced نمودار پشتیبانی نمودار فنر قبلی را شکل داد (دایره را ببینید).



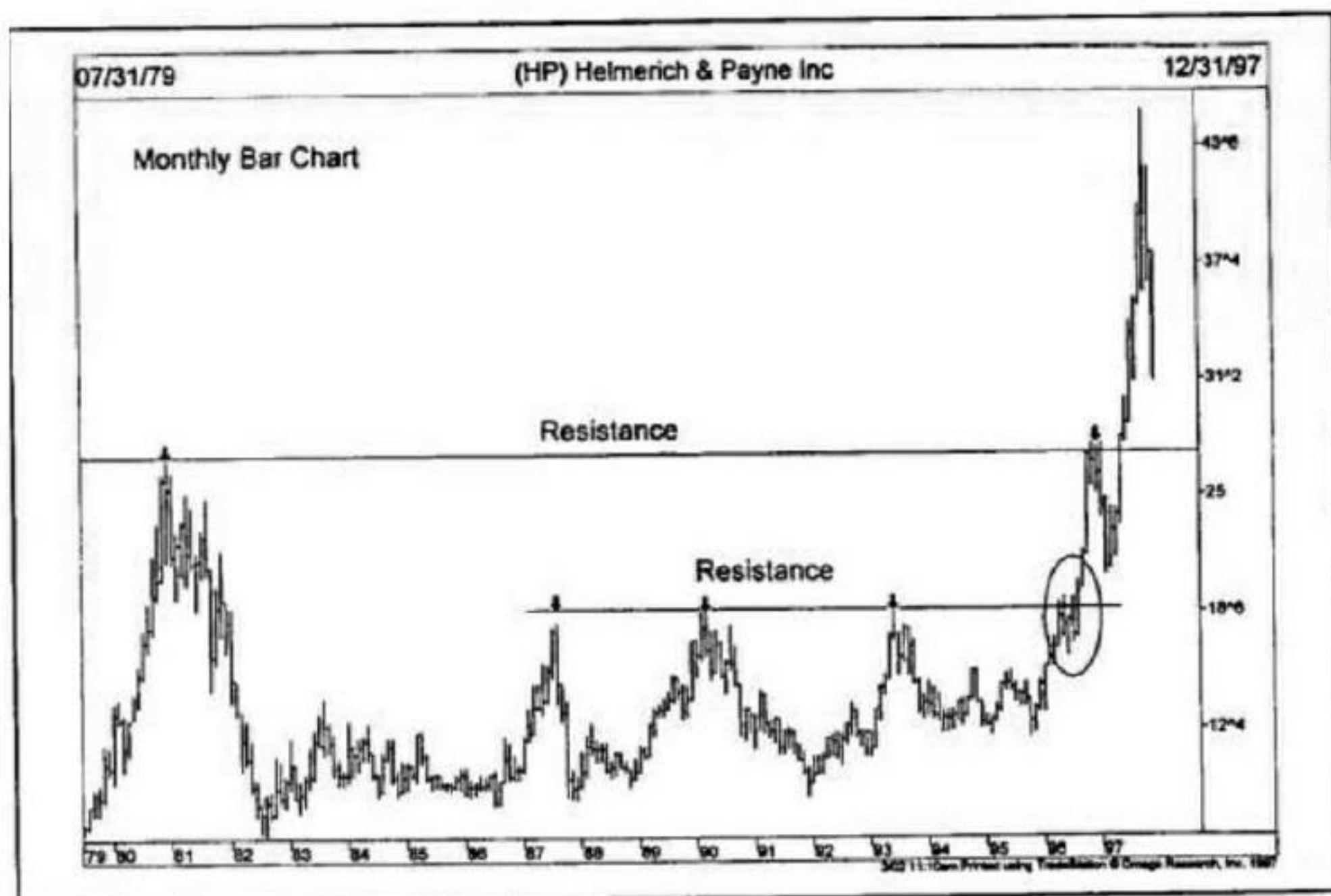
شکل ۸-۳ - در اوایل سال ۱۹۹۸ پایین در General Motors درست در
 خط روند که در طول سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۶ کشیده شد شروع شد. به همین
 دلیل یک ایده خوب برای ردیابی نمودارهای هفتگی است.



شکل ۸-۴ - این نمودار ماهانه نشان می دهد که تجمع سال ۱۹۹۷ در منابع برلینگتون به درستی متوقف شد و در همان سطح که باعث توقف تظاهرات های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ شد، نشان می دهد. پایین ترین سطح سال ۱۹۹۵ در همان سطح پایینی در سال ۱۹۹۱ بود. چه کسی می گوید نمودارها حافظه ای ندارند؟



شکل ۶ - ۸ نمودار بلند مدت را بررسی کنید؟ پایینی (۱۹۹۳) در (آی بی ام) در همان سطحی بود که ۲۰ سال قبل در سال ۱۹۷۴ شکل گرفت. شکست یک خط روند ۸ ساله (مراجعه به کادر) در سال ۱۹۹۵ the اصلی جدید را تایید کرد.



شکل ۷ - ۸ Helmerich & Payne در نهایت بعد از شکست در ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، و ۱۹۹۳ در بالای ۱۹ سال ۱۹۹۶ شروع به کار کرد. در اواخر سال ۱۹۹۶ pullback در سن ۲۸ سالگی رخ داد. که در دهه ۱۹۸۰ به اوج خود رسید.



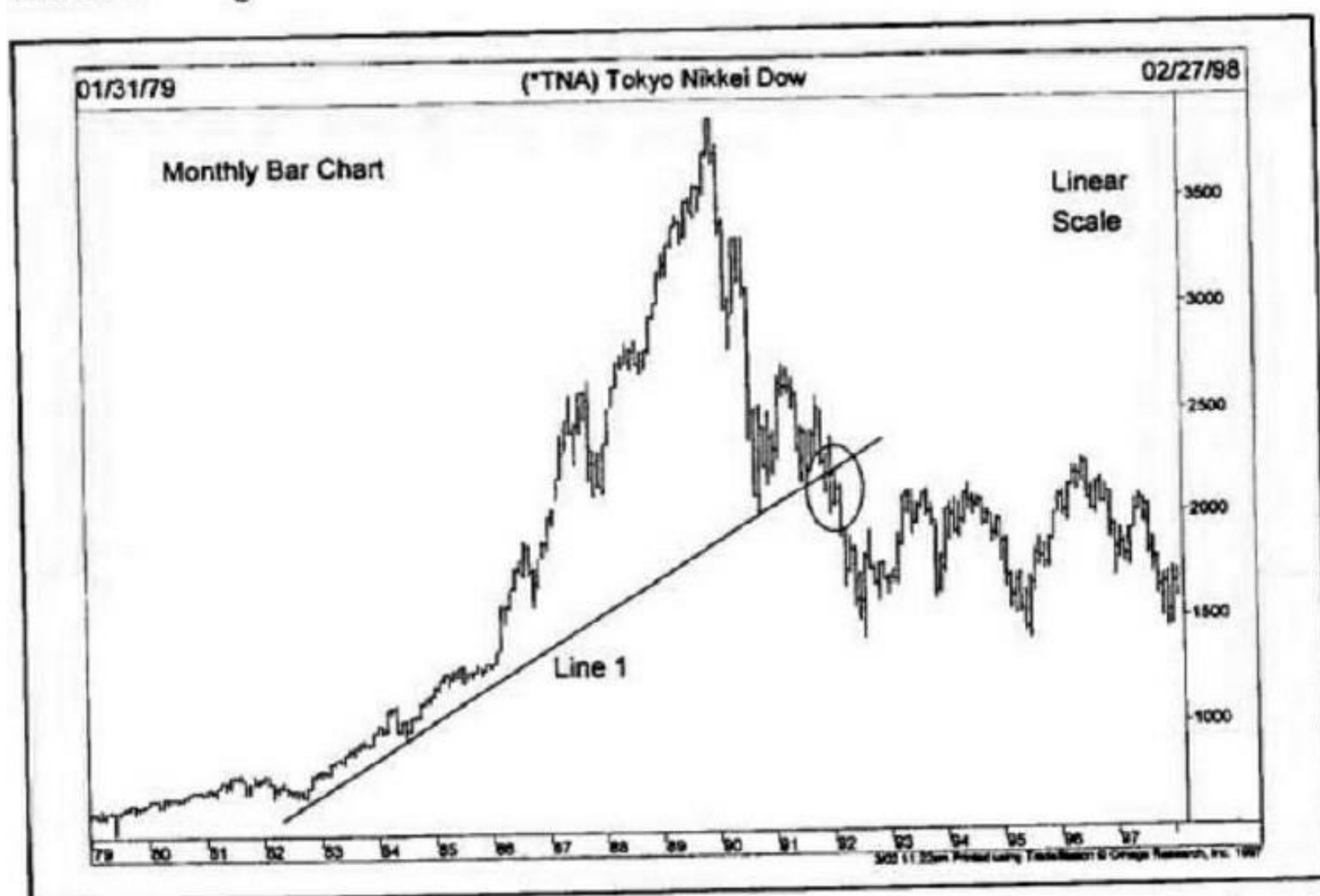
شکل ۸ - ۷۷ ماهانه داو جونز نشان‌دهنده یک سری بالا و پایین است که به مدت ۱۰ سال از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۷ تشکیل شده‌است. شانه راست نیز شکل مثلث صعودی صعودی دارد. شکست در یقه در بخش ۴۲ به پایان رسید.



شکل ۸ - ۹، ۴ مثلث متقارن صعودی در نمودار ماهانه خطوط هوایی جنوب غربی آسان بود. اما احتمالاً شما می‌توانید آن را در چارت روزانه پیدا کنید.



شکل ۸-۱۰ پایین - پایین در آب و برق داو از یک خط روند به طول می کشد. کسانی هستند که ادعا می کنند که اقدام قیمت قبلی هیچ تاثیری بر آتی ندارد. اگر هنوز باور دارید، برگردید و به این نمودار بلند مدت نگاه کنید.



شکل ۸-۱۱ در این نمودار مقیاس پذیر بازار سهام ژاپن، خط روند بلند بالا (خط افق) که تحت شرایط پایین رونده تنظیم شده است و پایین ترین خط روند در ابتدا شکسته شده است. این دو سال پس از پیک واقعی بود.



شکل ۸-۱۲ نمودار ژاپنی را با استفاده از مقیاس لگاریتمی نشان می‌دهد. خط افق خط روند از شکل قبلی است. خط شیب تندتر در میانی شکسته شده بود. این نمودار در نمودار لگاریتمی به زودی شکسته می‌شود.

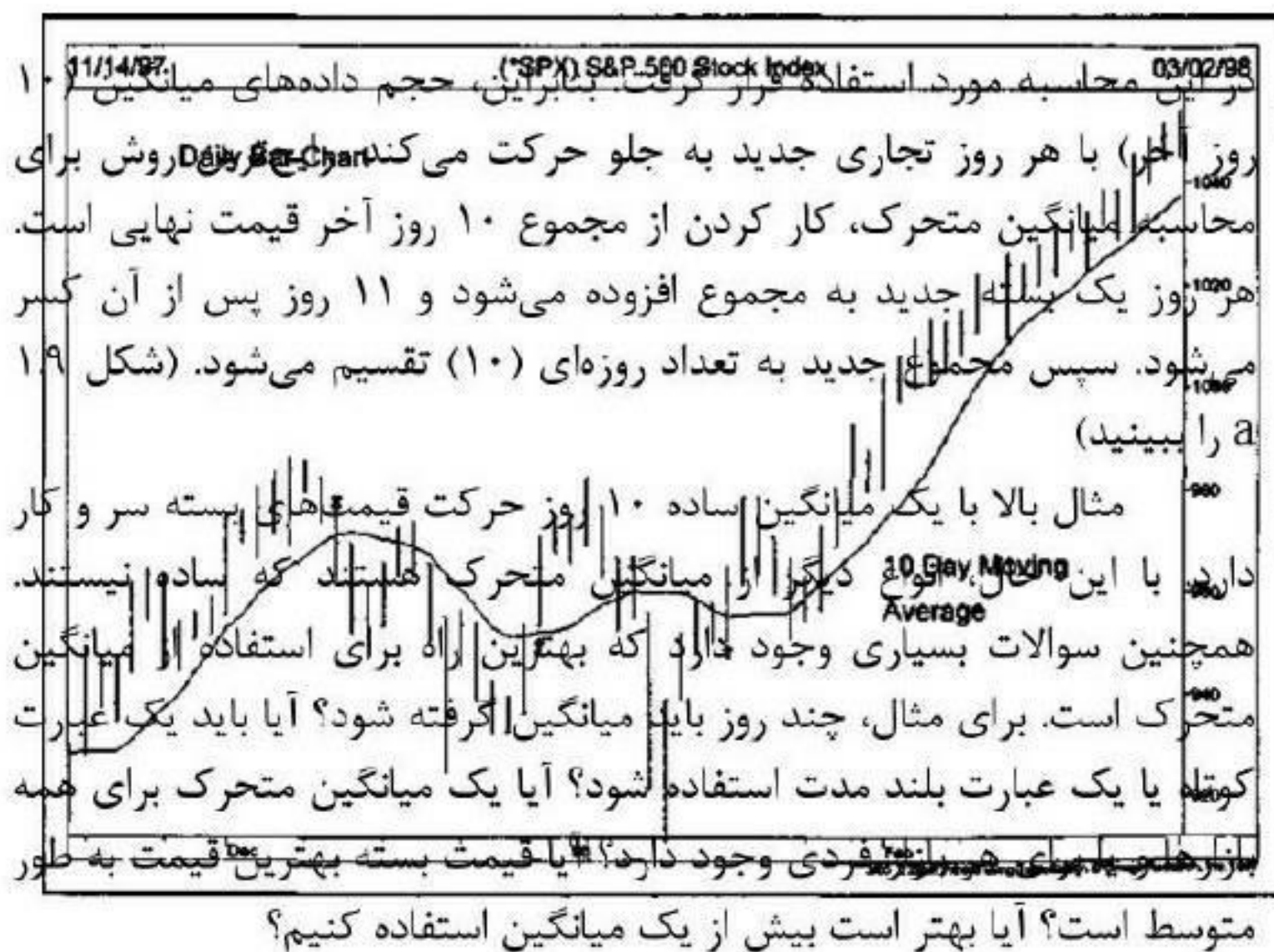
Averages متحرک

مقدمه

میانگین متحرک یکی از متنوع‌ترین و پرکاربردترین شاخص‌های تکنیکال است. به دلیل نحوه ساخته شدن آن و این واقعیت که می‌توان آن را به راحتی تعیین کرد و مورد آزمایش قرار داد، این اساس بسیاری از سیستم‌های مبتنی بر روند مکانیکی است که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل نمودار تا حد زیادی ذهنی و دشوار است. در نتیجه، تحلیل چارت به خوبی به کامپیوتری شدن کمک نمی‌کند. در عوض، قوانین میانگین متحرک می‌تواند به راحتی در یک کامپیوتر برنامه‌ریزی شود، که در آن زمان خرید و فروش خاص را ایجاد می‌کند. در حالی که دو تکنسین ممکن است با این مساله مخالفت کنند که آیا یک الگوی قیمت داده‌شده یک مثلث یا گوه است، یا اینکه الگوی حجم به نفع گاو یا خرس است، که میانگین متحرک در حال حرکت هستند و برای بحث باز نیستند.

Let's با تعریف این که میانگین متحرک چقدر است شروع می‌کنند. همانطور که واژه sec بر آن دلالت دارد، میانگین یک بدنه مشخص از داده‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، اگر یک روز ۱۰ روزه قیمت نهایی مطلوب باشد، قیمت برای ۱۰ روز اخیر افزوده می‌شود و کل آن به ۱۰ تقسیم می‌شود. اصطلاح حرکت به این دلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد که تنها ۱۰ روز اخیر قیمت



شکل ۱ - ۹ یک میانگین متحرک ۱۰ روزه برای یک نمودار میله‌ای روزانه از مدل S & ۵۰۰ به کار می‌رود. قیمت‌ها چندین بار از خط متوسط عبور کردند (arrows را ببینید) قبل از اینکه در نهایت بلندتر شوند. قیمت‌ها بالاتر از میانگین در طول تظاهرات بعدی باقی ماندند.

کدام نوع از میانگین کارکرد بهتر است - یک محاسبه ساده، به صورت خطی یا به صورت نمایی هموار شده است؟ آیا زمان‌هایی هست که میانگین متحرک از بقیه بهتر عمل می‌کند؟

هنگامی که از میانگین متحرک استفاده می‌کنید، سوالات زیادی در نظر گرفته می‌شود. در این بخش بسیاری از این پرسش‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم و نمونه‌هایی از برخی از کاربردهای متداول میانگین متحرک را نشان می‌دهیم.

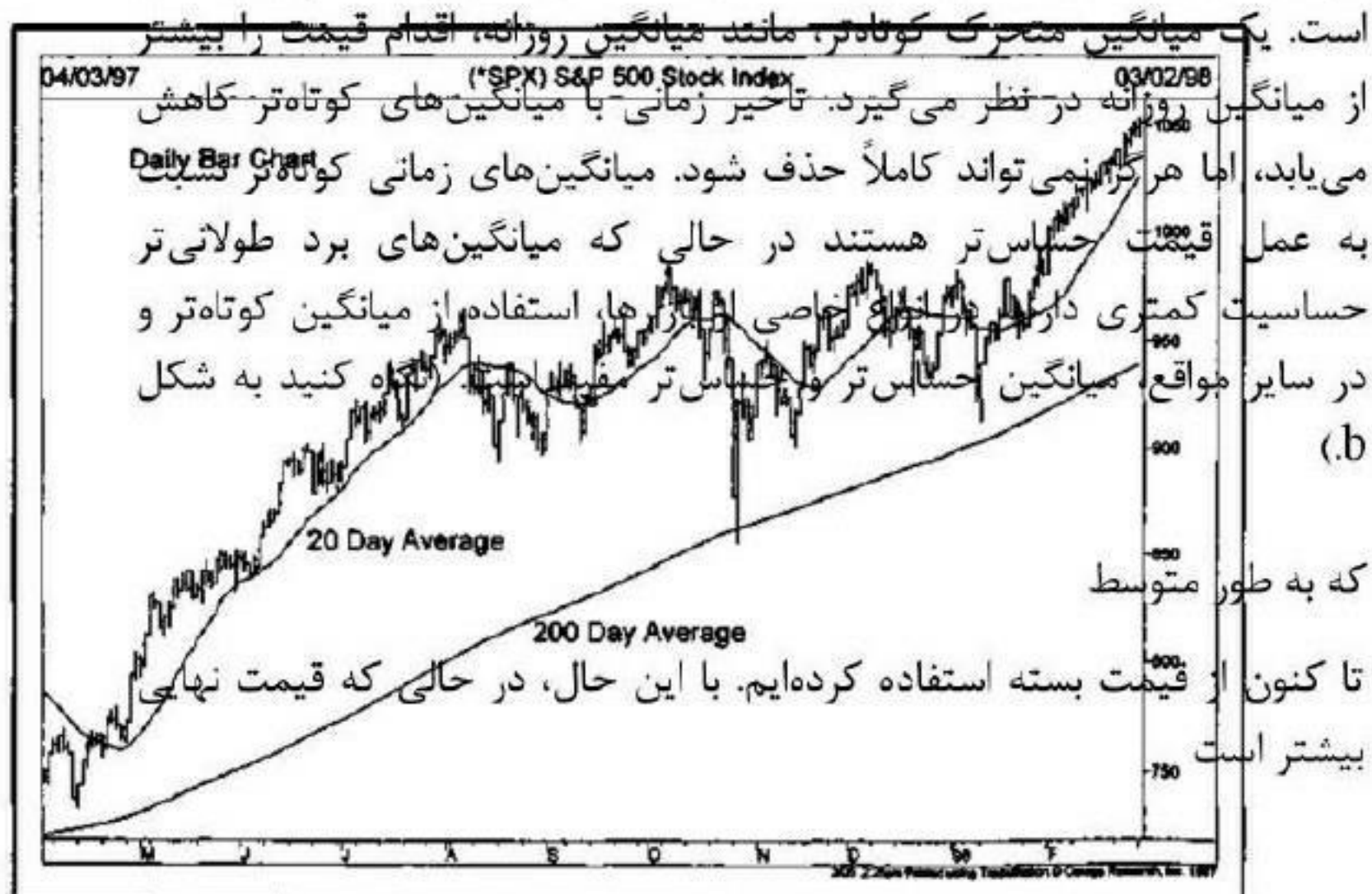
انتقال به صورت زیر:
یک دستگاه smoothing با گذر زمان

میانگین متحرک اساساً یک روند زیر است: هدف اصلی آن شناسایی یا علامتی است که روند جدید شروع شده و یا اینکه یک روند قدیمی پایان یافته و یا برعکس شده است. هدف آن پی‌گیری روند پیشرفت روند است. ممکن است به عنوان خط روند منحنی دیده شود. با این حال، پیش‌بینی اقدام بازار به همان مفهوم که تجزیه و تحلیل نمودار استاندارد انجام می‌دهد، نیست. میانگین متحرک یک پیرو است، نه یک رهبر. هرگز پیش‌بینی نمی‌کند؛ فقط واکنش می‌دهد. میانگین متحرک از یک بازار پیروی می‌کند و به ما می‌گوید که یک روند شروع شده است، اما تنها پس از آن.

میانگین متحرک یک وسیله نرم کردن است. با میانگین‌گیری داده‌های

قیمتی، یک خط نرم‌تر ایجاد می‌شود و مشاهده روند زیربنایی بسیار ساده‌تر

می‌شود. با این حال، با این حال، خط متوسط متحرک نیز از اقدام بازار عقب



شکل ۳ - ۱۸ - مقایسه یک روز با میانگین متحرک. در طول دوره جانبی از ماه اوت تا ژانویه، قیمت‌ها چندین بار از میانگین کوتاه‌تر گذشت. با این حال، آن‌ها بیش از متوسط روز در کل دوره باقی ماندند.

قیمت مهم روز معاملاتی و قیمت مورد استفاده در ساخت‌وساز میانگین متحرک، خواننده باید آگاه باشد که برخی از تکنیسین‌ها ترجیح می‌دهند از

قیمت‌های دیگر استفاده کنند. برخی ترجیح می‌دهند از مقدار میانی استفاده کنند که با تقسیم دامنه روز به دو رسیده‌است. بقیه شامل افزایش قیمت در محاسبه خود با اضافه کردن قیمت‌های بالا، پایین و بسته شدن و تقسیم مجموع به سه است. هنوز دیگران ترجیح می‌دهند که با متوسط قیمت‌های بالا و پایین به طور جداگانه، باندهای قیمتی بسازند. نتیجه دو خط انتقال جداگانه جداگانه است که به صورت نوعی of یا ناحیه خنثی عمل می‌کنند. با وجود این تنوع، قیمت بسته همچنان قیمت مورد استفاده برای آنالیز میانگین متحرک است و قیمتی است که بیشتر توجه خود را در این فصل بر آن متمرکز می‌کنیم.

متوسط متحرک

میانگین متحرک، یا میانگین حسابی، نوع مورد استفاده بیشتر تحلیلگران تکنیکال است. اما کسانی هستند که سودمندی آن را در دو مورد زیر سوال می‌برند. اولین نقد این است که تنها دوره پوشش داده‌شده توسط میانگین (واپسین روزها) در نظر گرفته می‌شود. دومین انتقاد این است که میانگین متحرک ساده وزن یکسانی را به قیمت هر روز می‌دهد. به طور متوسط، روز آخر همان وزن را به عنوان اولین روز محاسبه دریافت می‌کند. هر روز قیمت هر روز به یک وزندهی $\frac{1}{n}$ اختصاص داده می‌شود. در یک روز متوسط روزانه، هر روز برابر با $\frac{1}{50}$ درصد وزنی خواهد بود. برخی تحلیلگران معتقدند که وزندهی سنگین‌تر باید به اقدام اخیر قیمت داده شود.

میانگین متحرک حرکت گرا:

در تلاش برای اصلاح مشکل وزن دهی، برخی از تحلیلگران از یک میانگین متحرک وزن دار استفاده می‌کنند. در این محاسبه، قیمت بسته روز دهم (در مورد یک روز ۱۰ روز) در روز نهم تا نه روز هشتم تا نه روز هشتم ضرب خواهد شد و غیره. به این ترتیب، بیشتر به بسته شدن *more* بیشتر توجه می‌شود. سپس مجموع آن‌ها تقسیم بر مجموع ضرب‌کننده‌ها (۵۵) در مورد میانگین روز

$(1 + 8 + 9 + 10)$ تقسیم می‌شود. با این حال،

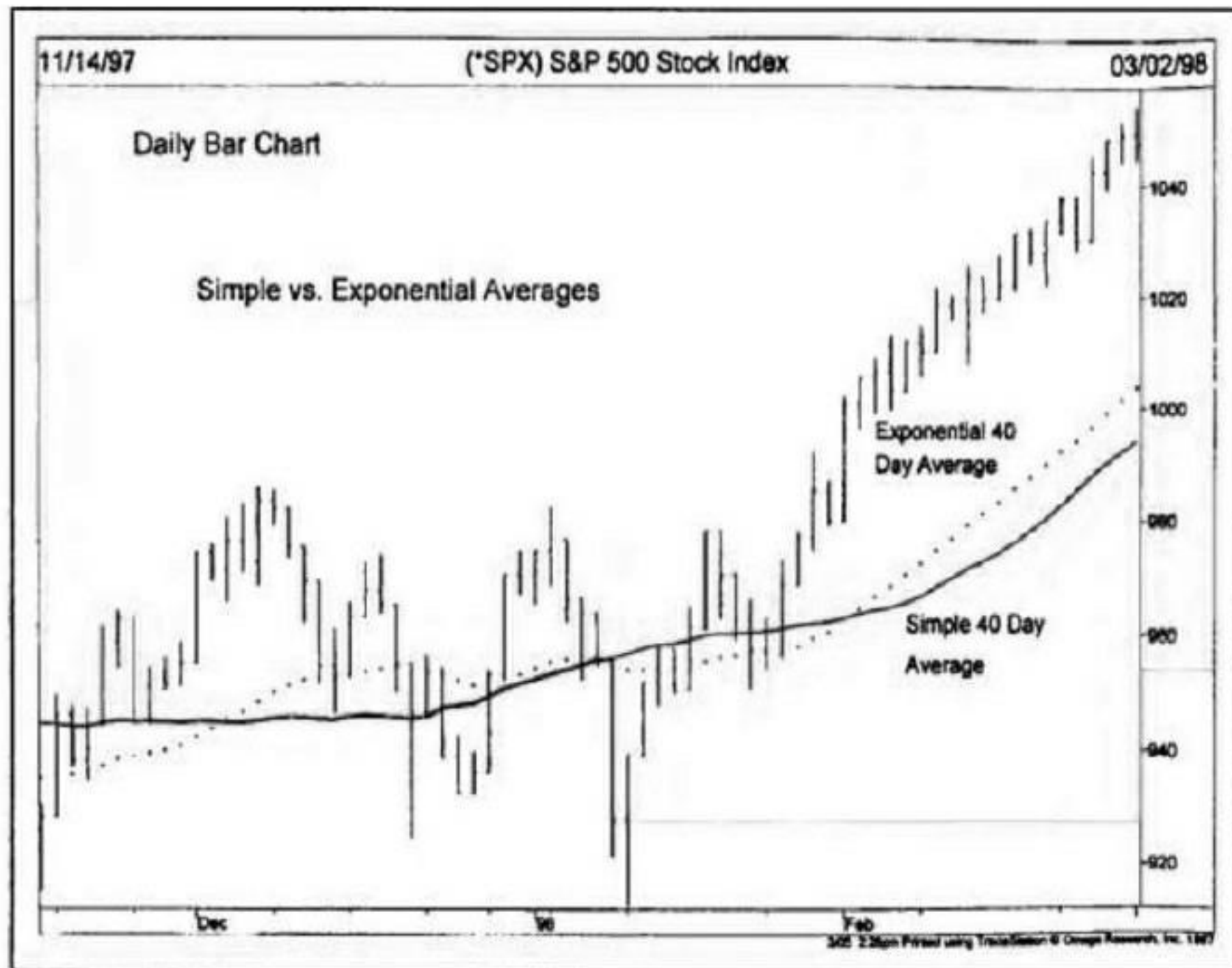
میانگین موزون وزن هنوز به مساله شامل تنها اقدام قیمت پوشیده شده با طول خود میانگین می‌پردازد.

میانگین متحرک smoothed Exponentially

این نوع از میانگین به هر دو مساله مربوط به میانگین متحرک ساده اشاره می‌کند. اول، میانگین smoothed به صورت نمایی وزن بیشتری را به داده‌های جدیدتر نسبت می‌دهد. بنابراین میانگین متحرک به طور میانگین متحرک است. اما در حالی که اهمیت کمتری نسبت به داده‌های قیمت گذشته اختصاص می‌دهد، در محاسبه آن همه داده‌ها در زندگی ابزار وجود دارد. علاوه بر این، کاربر قادر به تنظیم وزن دهی وزن کم‌تر یا کم‌تر به آخرین قیمت day's است. این کار با اختصاص یک درصد ارزش به آخرین قیمت day's انجام می‌شود، که

۲۰۰ فصل ۹

به درصدی از ارزش افزوده قبلی افزوده شد. مجموع مقادیر درصد به ۱۰۰ اضافه می‌شود. برای مثال، آخرین قیمت day's می‌تواند به مقدار ۱۰٪ اختصاص داده شود (۱۰٪)، که به مقدار day's قبلی ۹۰٪ اضافه شده است (۹۰٪). که به آخرین روز ۱۰٪ کل وزن دهی را می‌دهد. این معادل یک میانگین ۲۰ روزه خواهد بود. با دادن قیمت day's به قیمت کوچک‌تر ۵٪ (۵٪)، وزن کم‌تر به آخرین داده‌های day's داده می‌شود و میانگین کم‌تر حساس است. این معادل یک میانگین متحرک ۴۰ روزه خواهد بود. (مراجعه به شکل ۲.۹).



شکل ۲ - ۹ میانگین متحرک میانگین متحرک (نقطه چین) نسبت به میانگین متحرک روزانه ۴۰ روزه (خط ممتد) حساس تر است.

کامپیوتر این کار را برای شما خیلی آسان می کند. شما فقط باید تعداد روزهایی را که می خواهید در میانگین متحرک - ۱۰، ۲۰، ۴۰، و غیره انتخاب کنید. همچنین می توانید به تعداد میانگین که می خواهید انتخاب کنید - یک، دو، یا سه.

استفاده از یک میانگین متحرک

میانگین متحرک حرکت آن یکی است که عموماً توسط تکنسین‌ها به کار می‌رود و یکی از آن‌ها است که روی آن تمرکز خواهیم کرد. برخی از تجار تنها از یک میانگین متحرک برای تولید سیگنال‌های مد استفاده می‌کنند. میانگین متحرک در نمودار میله‌ای در روز تجاری مناسب خود همراه با آن اقدام قیمت day's ترسیم شده‌است. هنگامی که قیمت نهایی بالاتر از میانگین متحرک حرکت می‌کند، یک سیگنال خرید ایجاد می‌شود. یک سیگنال فروش زمانی داده می‌شود که قیمت‌ها پایین‌تر از میانگین متحرک حرکت می‌کنند. برای تایید اضافه، برخی از تکنسین‌ها نیز دوست دارند خط میانگین متحرک را در جهت عبور قیمت ببینند. (مراجعه به شکل ۳.۹).

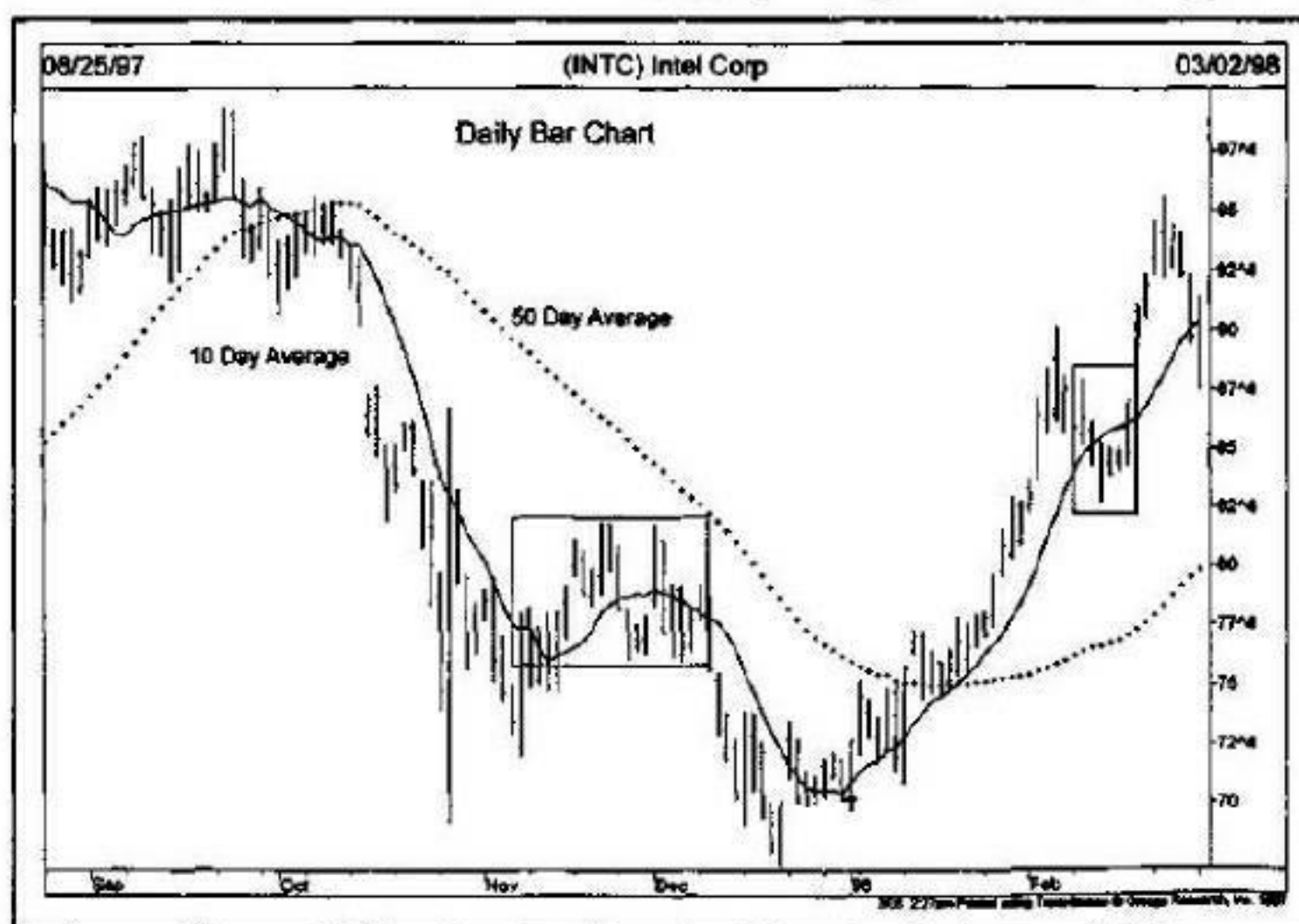
اگر یک میانگین کوتاه‌مدت به کار گرفته شود (۵ یا ۱۰ روز)،

میانگین قیمت خط سیرها بسیار نزدیک و چندین تقاطع رخ می‌دهد. این



شکل ۳-۹- در طول ماه اکتبر، قیمت‌ها پایین رفتند (به دایره چپ مراجعه کنید). سیگنال فروش زمانی قوی‌تر است که میانگین متحرک نیز پایین بیاید (فلش را ببینید). علامت خرید در طول ژانویه زمانی تایید شد که میانگین سن آن‌ها بیشتر شد.

عمل می‌تواند خوب یا بد باشد. استفاده از میانگین بسیار حساس، معاملات بیشتر (با هزینه‌های کمیسیون بالاتر) تولید می‌کند و منجر به بسیاری از سیگنال‌های اشتباه می‌شود. اگر میانگین خیلی حساس باشد، برخی از حرکت‌های کوتاه‌مدت قیمت (یا "نویز") سیگنال‌های روند بد را فعال می‌کند. در حالی که متوسط کوتاه‌تر سیگنال‌های کاذب تری را ایجاد می‌کند، اما این مزیت را دارد که سیگنال‌های trend را زودتر در حرکت ارایه دهد. به همین دلیل است که هر چه به طور متوسط حساسیت بیشتری داشته باشد، سیگنال زودتر خواهد بود. بنابراین در اینجا یک معاوضه‌ای برای کار وجود دارد. ترفند، پیدا کردن میانگین است که به اندازه کافی حساس است که سیگنال‌های اولیه تولید کند، اما به اندازه کافی غیر حساس است که از بیشتر نویزهای تصادفی اجتناب کند (شکل ۴.۹ را ببینید).



شکل ۴ - ۹ نشان می‌دهد که یک میانگین کوتاه‌تر از سیگنال‌های قبلی استفاده می‌کند. متوسط طولانی‌تر آهسته‌تر است، اما قابل اعتمادتر است. این ۱۰ روز اول در پایین شروع شد. اما یک سیگنال خرید زود هنگام در ماه نوامبر و یک سیگنال فروش نابهنگام در ماه فوریه (جعبه‌های مشاهده) را داد.

در حال جابه‌جایی Averages ۲۰۳

مقایسه بالا را یک مرحله جلوتر انجام دهیم. در حالی که میانگین بیشتر در زمانی که این روند در حال حرکت باقی می‌ماند، بهتر عمل می‌کند، "زمانی که این روند معکوس می‌شود،" زمان زیادی را پس می‌دهد. عدم حساسیت نسبت به میانگین طولانی‌تر (این واقعیت که این روند را از فاصله بیشتر حفظ می‌کند)، که آن را از گیر افتادن در تصحیح کوتاه‌مدت در طول روند حفظ می‌کند، زمانی که روند به واقع معکوس می‌شود، بر روی تاجر کار می‌کند. بنابراین، نتیجه فرعی دیگری را در اینجا اضافه می‌کنیم: میانگین کار تا زمانی که این روند در نیرو باقی بماند بهتر عمل می‌کند، اما متوسط کوتاه‌تر وقتی که روند معکوس می‌شود، بهتر است.

بنابراین، روشن می‌شود که استفاده از میانگین متحرک دارای چندین عیب است. این معمولاً *tageous - more* است که دو میانگین متحرک را بکار می‌برد.

چگونه از دو میانگین برای تولید سیگنال استفاده کنیم

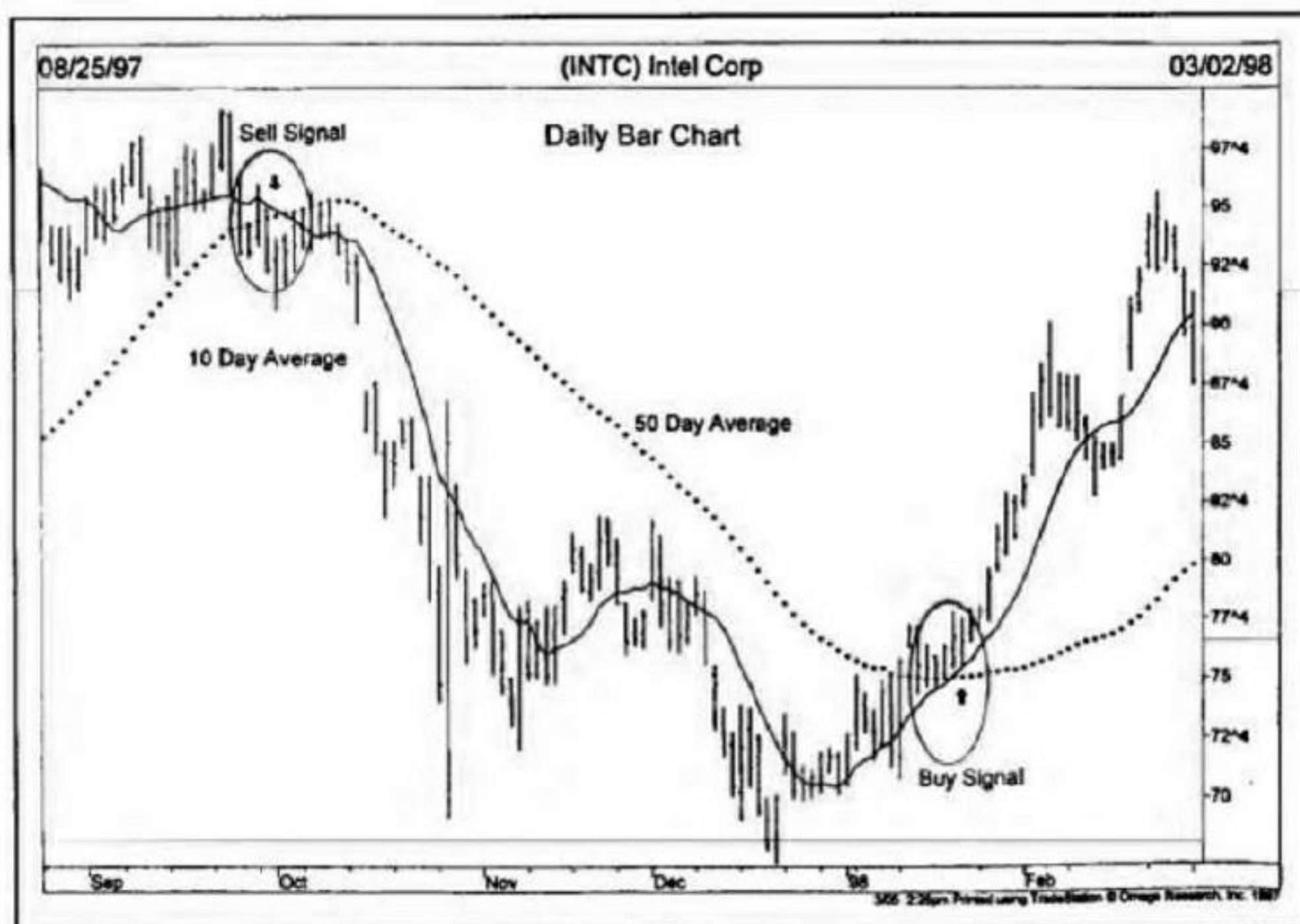
این روش روش تقاطع دوگانه نامیده می‌شود. این به این معنی است که یک سیگنال خرید در زمانی تولید می‌شود که متوسط کوتاه‌تر بیشتر از بلندتر باشد. به عنوان مثال، دو ترکیب مشهور میانگین ۵ و ۲۰ روز و میانگین ۱۰ و ۵۰ روز هستند. در اولی، یک سیگنال خرید زمانی رخ می‌دهد که میانگین روز ۵ روز بالاتر از محدوده ۲۰ است و یک سیگنال فروش هنگامی رخ می‌دهد که روز ۵ روز زیر ۲۰ حرکت می‌کند. در مثال دوم، تقاطع ۱۰ روزه بالای ۵۰ سیگنال یک uptrend و یک روند نزولی با ۱۰ لغزش زیر ۵۰ قرار می‌گیرد. این تکنیک با استفاده از دو میانگین با هم از بازار کمی بیشتر از استفاده از یک میانگین واحد عقب است، اما whipsaws کمتری تولید می‌کند. (شکل ۵.۹ و ۶.۹ را ببینید)



شکل ۵.۹ یک روش تقاطع دوگانه با دو میانگین متحرک استفاده می‌کند. این ترکیب ۵ و ۲۰ روز با دلالتان پیش‌خرید کننده محبوب است. روز ۵ اکتبر زیر ۲۰ روز در ماه اکتبر افتاد (دایره را ببینید) و کل روند نزولی در قیمت نفت خام را به دست آورد.

استفاده از سه Averages یا روش Triple Crossover

که ما را به روش crossover سه‌گانه می‌آورد. به طور گسترده از سه تقاطع سه‌گانه استفاده می‌شود که یک ترکیب میانگین ۴ - ۹ - ۱۸ روزه می‌باشد. روش ۴ - ۹ - ۱۸ عمدتاً در معاملات آتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم ابتدا توسط R.C. آلن در کتاب سال ۱۹۷۲ به چاپ رسید، چگونگی ساخت یک فورچون در کالاها و دوباره در کار سال ۱۹۷۴ توسط همان نویسنده، چگونه از تلاش ۴ روزه، ۹ روزه و ۱۸ روزه برای کسب درآمد بزرگ‌تر از کالاها استفاده کنیم. سیستم ۴ - ۹ - ۱۸ یک تغییر در ۵، ۱۰ و ۲۰ روز حرکت در حال حرکت است که به طور گسترده در حلقه‌های کالا مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از خدمات چارت تجاری، میانگین متحرک ۴ - ۹ روزه را منتشر می‌کنند. (بسیاری از بسته‌های نرم‌افزاری از ترکیب ۴ - ۹ روزه خود به عنوان مقادیر پیش‌فرض خود در هنگام طرح سه میانگین استفاده می‌کنند).



شکل ۹ - ۶ تجار بورس از میانگین متحرک ۱۰ و ۵۰ روز استفاده می کنند. ۱۰ روز کمتر از یک روز در اکتبر (حلقه چپ) سقوط کرد و سیگنال فروش به موقع را داد. تقاطع صعودی در جهت دیگر در طول ماه ژانویه (دایره پایین) انجام شد.

چگونه از سیستم میانگین متحرک ۴ - ۹ - ۱۸ استفاده کنیم

پیش از این توضیح داده شده است که هر چه میزان حرکت کوتاه تر باشد، نزدیک به روند قیمت است. به همین دلیل است که کوتاه ترین سه میانگین - یعنی ۴ روز - از روند بسیار نزدیک پیروی خواهد کرد و پس از آن ۹ روز و سپس ۱۸ خواهد بود. بنابراین در یک uptrend، هم تراز مناسب برای میانگین ۴ روز در بالای ۹ روز خواهد بود، که بالاتر از میانگین ۱۸ روز است. در روند نزولی، نظم معکوس می شود و همترازسازی دقیقاً برعکس است. یعنی، ۴ روز پایین ترین است و بعد از آن ۹ روز و بعد از آن ۱۸ روز به طور متوسط ۱۸ روز طول می کشد. (شکل ۷.۹ را ببینید)

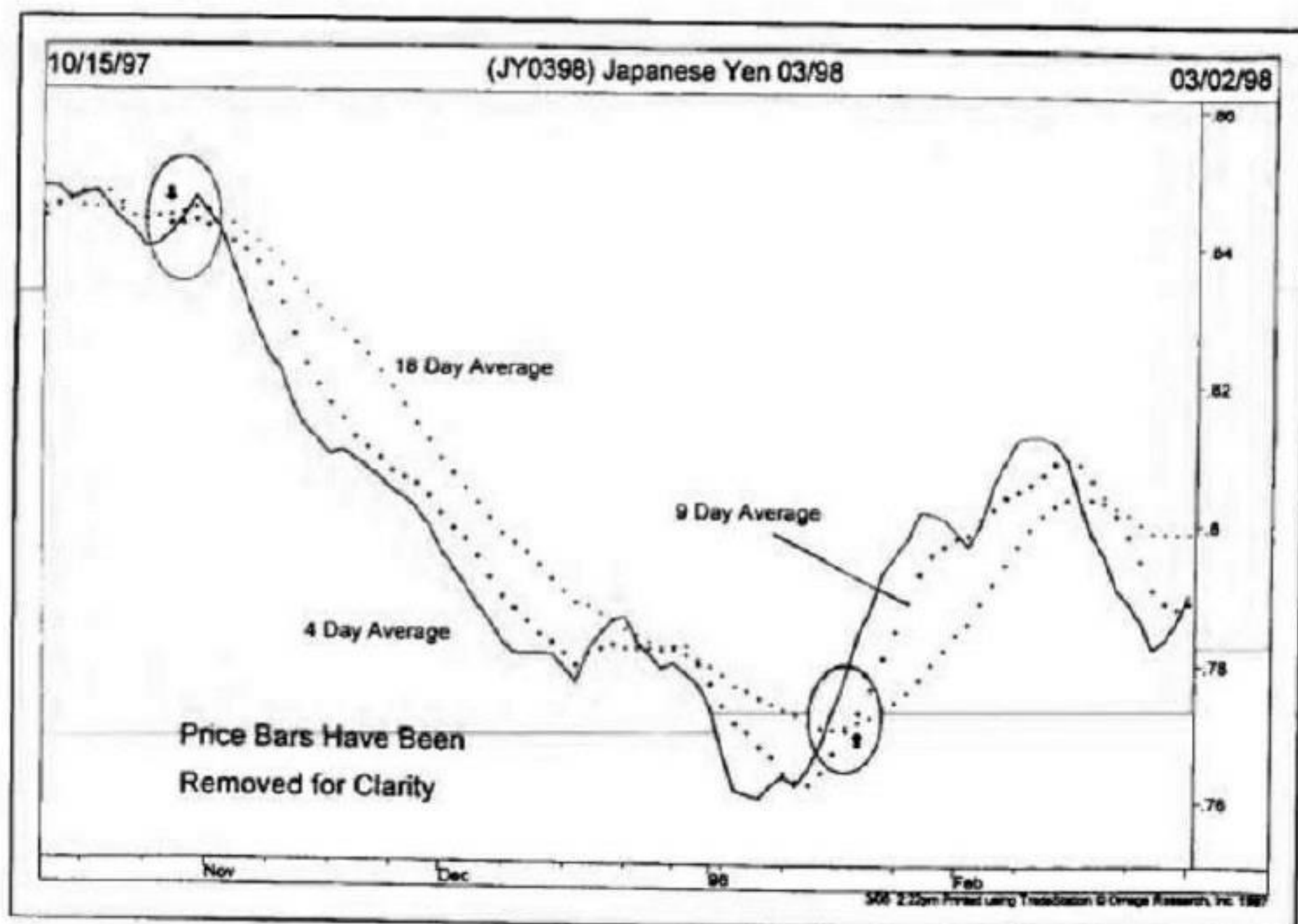
یک هشدار خرید در یک روند نزولی رخ می دهد زمانی که ۴ روز از هر دو بخش ۹ و ۱۸ می گذرد. یک سیگنال خرید تایید شده زمانی اتفاق می افتد که روز ۹ روز از بالای ۱۸ عبور می کند. این جاها



شکل ۷.۹، یک تاجر دیگر مانند روزه‌ای ۹ و ۱۸ روز به طور متوسط com - bination را نشان می‌دهد. یک سیگنال فروش در اواخر اکتبر (اولین دایره) وقتی که ۹ روز پایین‌تر از ۱۸ قرار داشت داده شد. یک سیگنال خرید در اوایل سال ۱۹۹۸ زمانی داده شد که از ۱۸ روز به بعد از ۱۸ روز گذشت.

۴ روز در طول روز ۹ روز که بیش از ۱۸ روز طول می‌کشد. برخی از intermingling ممکن است در طول اصلاحات یا consolidations اتفاق بیفتند، اما the عمومی دست‌نخورده باقی می‌ماند. برخی از تاجر ممکن است در طی فرایند intermingling سود ببرند و برخی از آنها ممکن است از آن به عنوان فرصت خرید استفاده کنند. بدیهی است که فضای زیادی برای انعطاف‌پذیری در اینجا در به‌کارگیری قوانین وجود دارد، بسته به این که چقدر به شدت خواهان تجارت است.

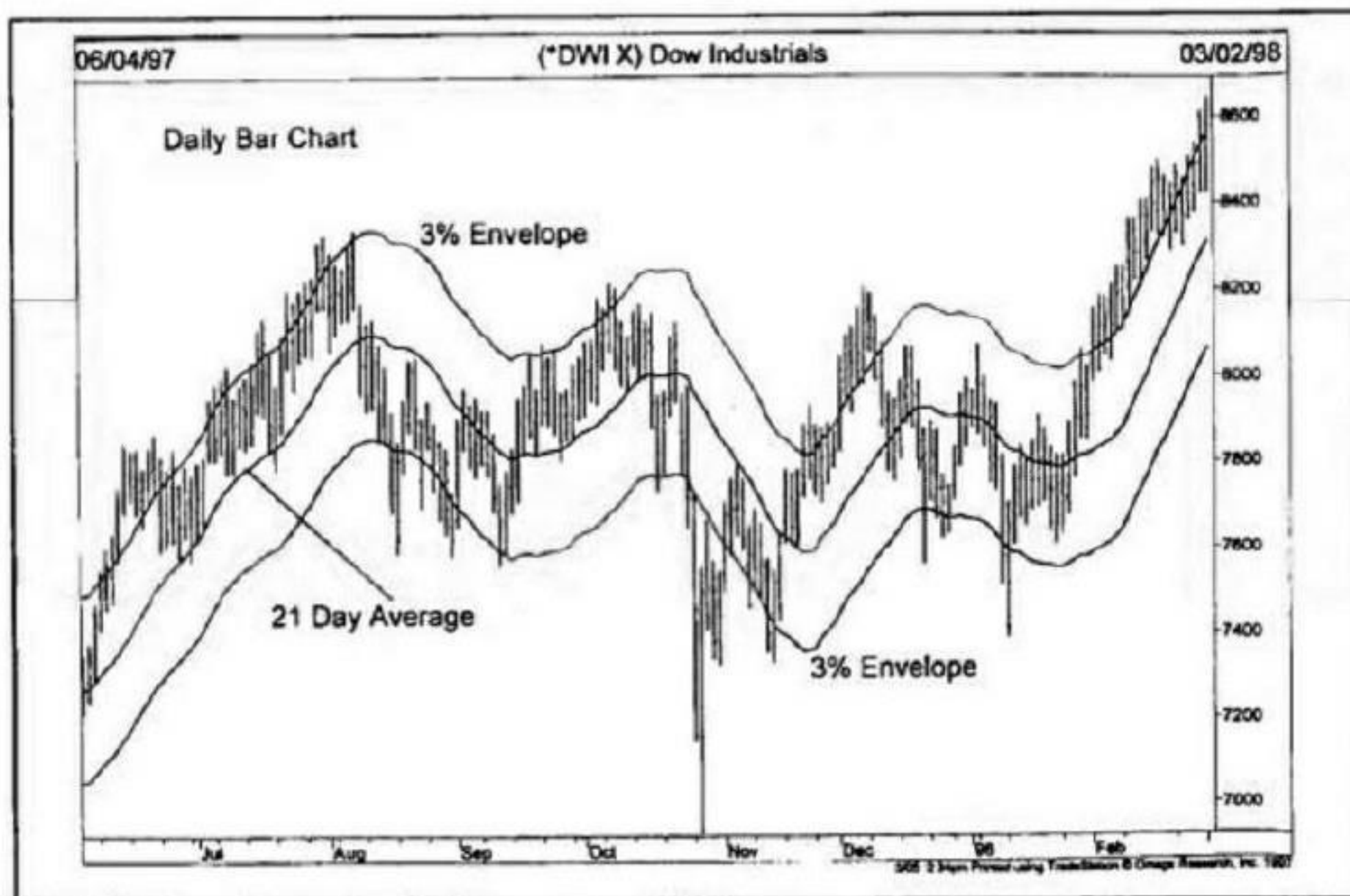
اولین چیزی که باید انجام شود این است که کوتاه‌ترین (و حساس‌ترین) میانگین - میانگین شیب روز - شیب کم‌تر از روز در روز و روز بعد از ظهر است. این فقط یک هشدار فروش است. با این حال برخی تاجر می‌توانند از این گذرگاه اولیه به عنوان دلیل کافی برای از بین بردن مواضع طولانی استفاده کنند. سپس، اگر میانگین طولانی‌تر بعدی - میانگین روزانه افت - روز کم‌تر از روزی باشد، یک سیگنال کوتاه به فروش می‌رسد.



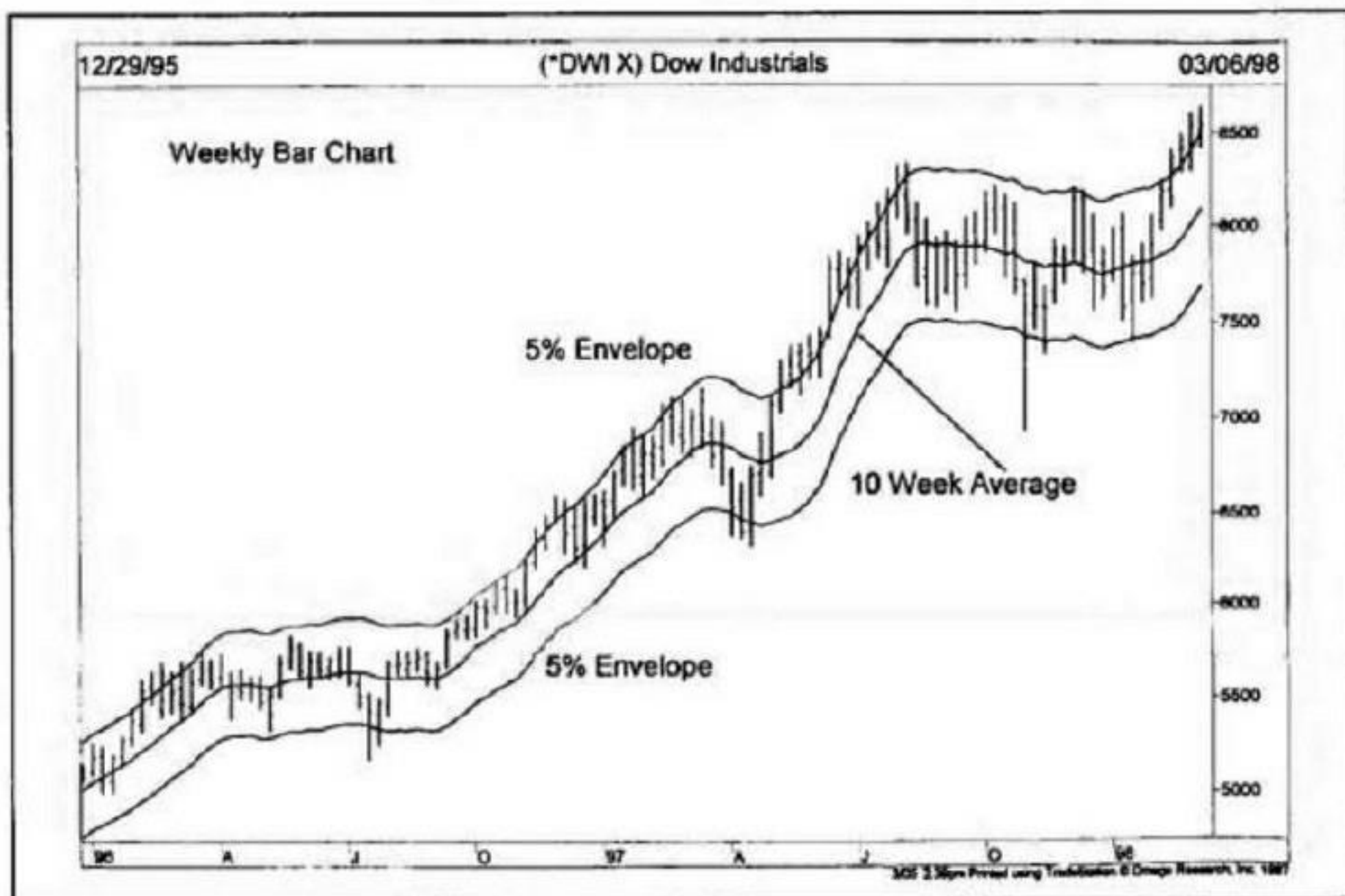
شکل ۲.۹ ب ۴ - ۹ - ۱۸ - روز حرکت به طور متوسط با دلالتان پیش خرید کننده محبوب است. در پایین، ۴ روز (خط ممتد) اول برمی گردد و از دو خط دیگر عبور می کند. سپس روز ۹ روز از بالای ۱۸ روز عبور می کند و در پایین علامت می دهد.

حرکت دادن پاکت های متوسط

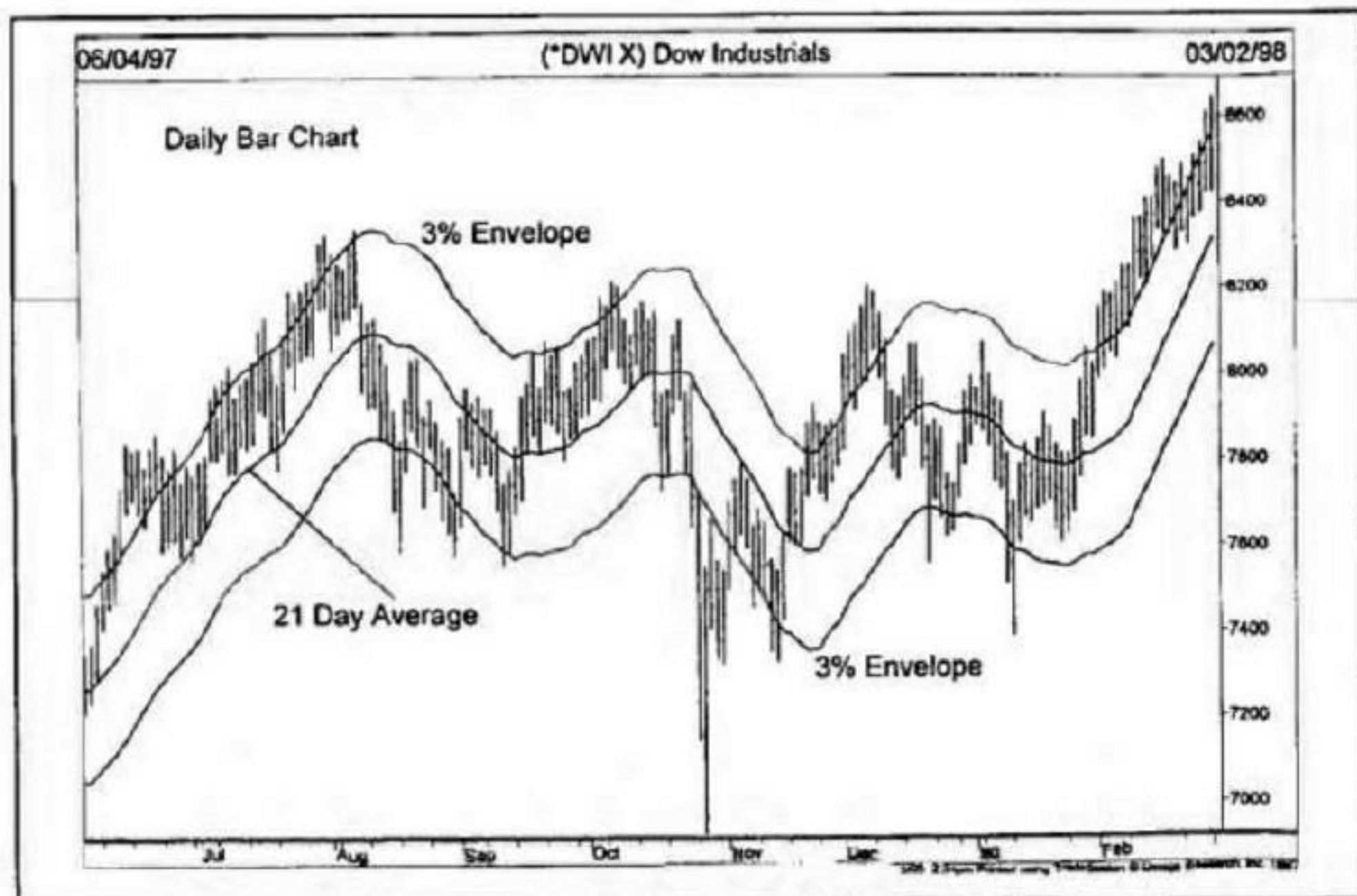
سودمندی یک میانگین متحرک می تواند با محیط اطراف آن با پاکت های نامه افزایش یابد. درصد پاکت را میتوان برای کمک به تعیین زمانی که یک بازار در هر جهت وارد عمل شد، مورد استفاده قرار داد. به عبارت دیگر، آنها به ما می گویند که چه زمانی قیمت ها از خط متوسط حرکت شان دور شده اند. برای انجام این کار، پاکت های نامه با درصدهای ثابت بالاتر و کم تر از متوسط قرار داده می شوند. برای مثال، فروشندگان کوتاه مدت اغلب از ۳٪ پاکت ها در اطراف یک میانگین متحرک ۲۱ روزه استفاده می کنند. هنگامی که قیمت ها به یکی از پاکت ها (۳٪ از متوسط) می رسد، روند کوتاه مدت در نظر گرفته می شود. برای آنالیز طیفی طولانی، برخی ترکیبات ممکن عبارتند از ۵٪ پاکت در حدود ۱۰ هفته به طور متوسط ۱۰٪ یا یک پاکت ۱۰٪ در حدود یک هفته ۴۰ هفتگی. (شکل ۹ - ۹ - ب) را ببینید)



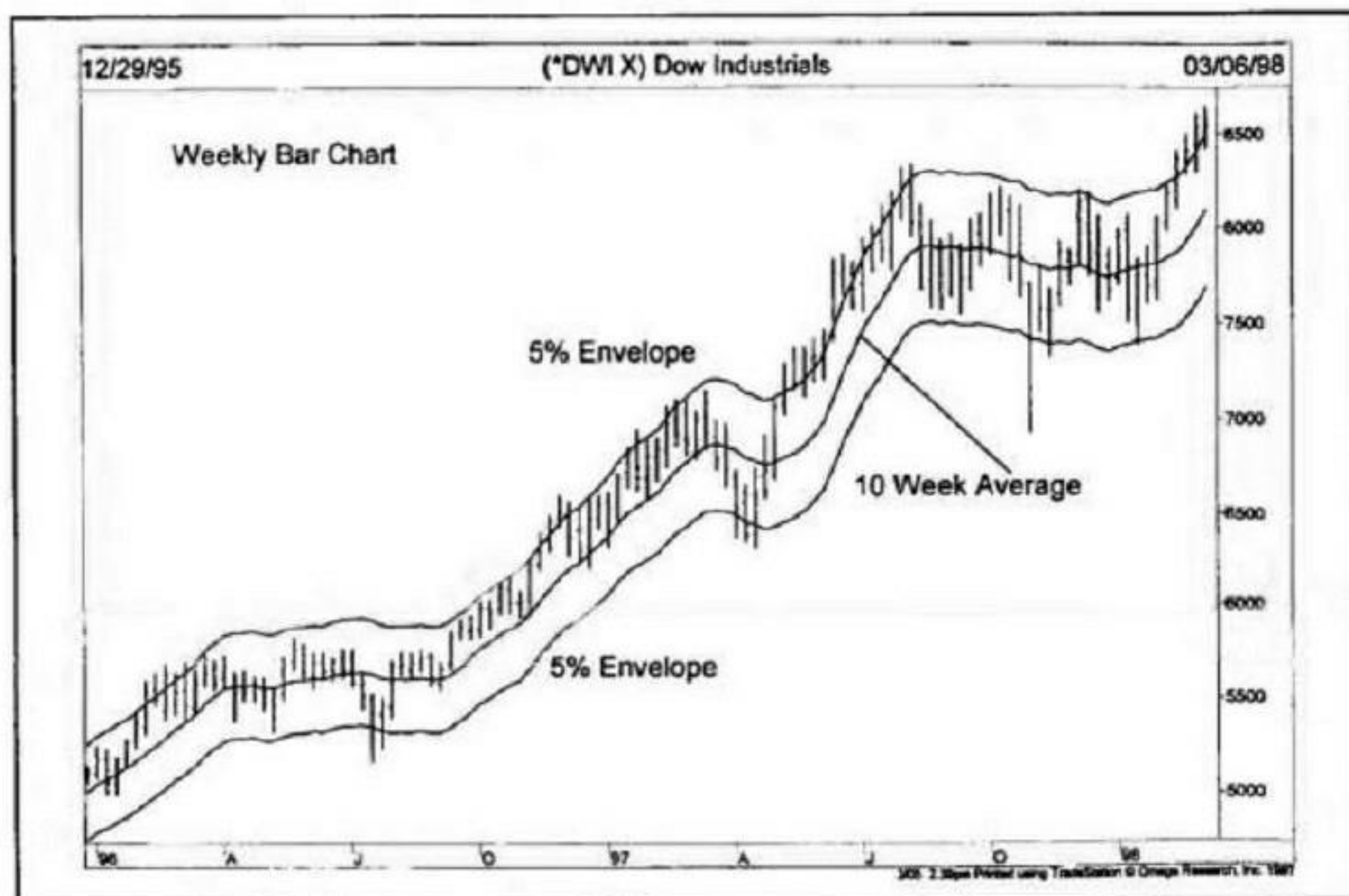
شکل ۸ - ۹ یک پاکت ۳٪ قرار داده شده در اطراف یک میانگین متحرک ۲۱ روزه داو. حرکاتی که در بیرون پاکت‌ها انجام می‌شود یک بازار سهام overextended را پیشنهاد می‌دهد.



شکل ۸ - ۹ ب برای آنالیز محدوده طولانی‌تر، ۵٪ پاکت‌ها را میتوان به طور متوسط هفته‌ای ۱۰ درصد قرار داد. اقدامات خارج از پاکت‌ها به شناسایی افراط در بازار کمک کرد.



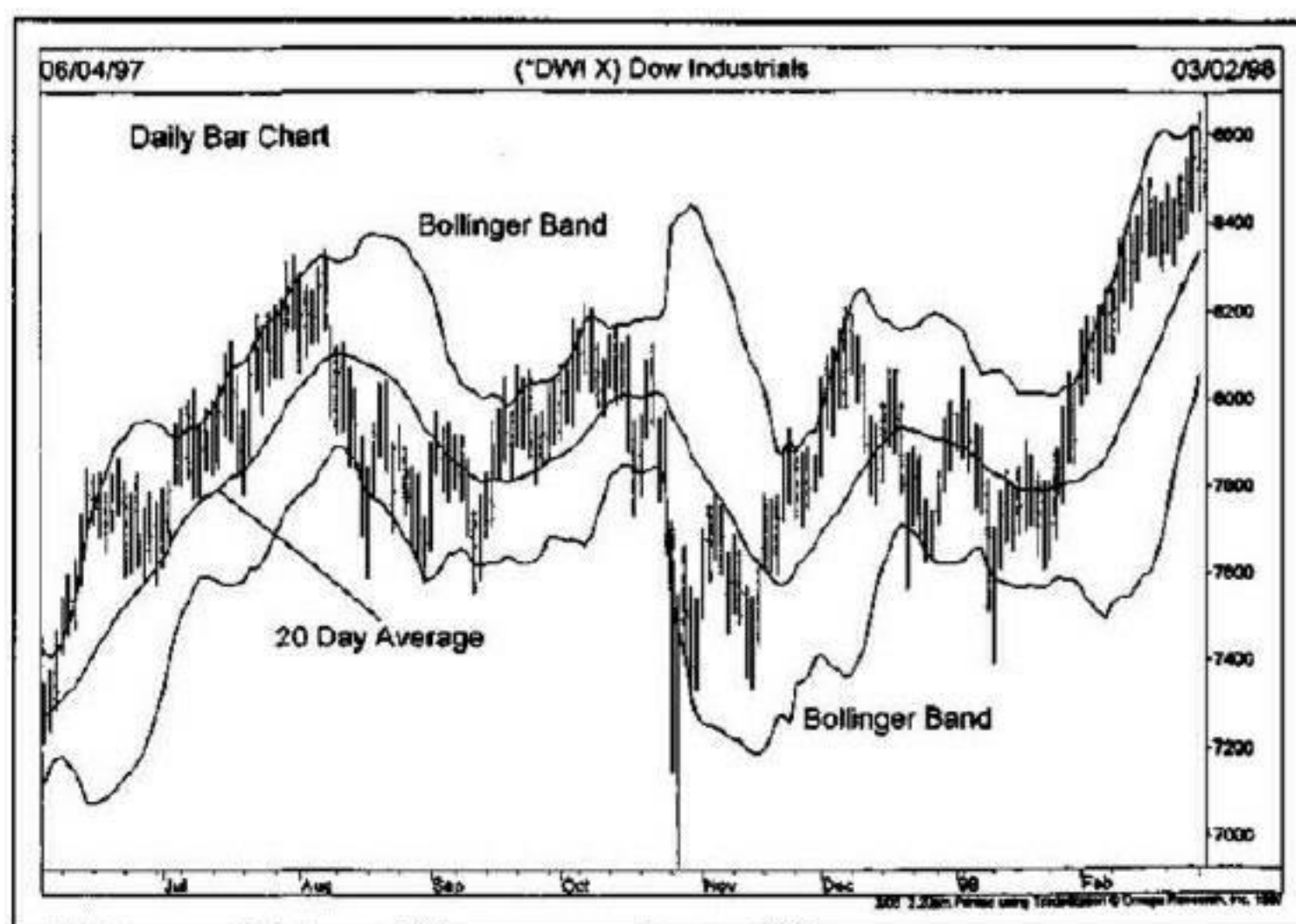
شکل ۹ - ۹ یک پاکت ۳٪ قرار داده شده در اطراف یک میانگین متحرک ۲۱ روزه داو. حرکاتی که در بیرون پاکت‌ها انجام می‌شود یک بازار سهام overextended را پیشنهاد می‌دهد.



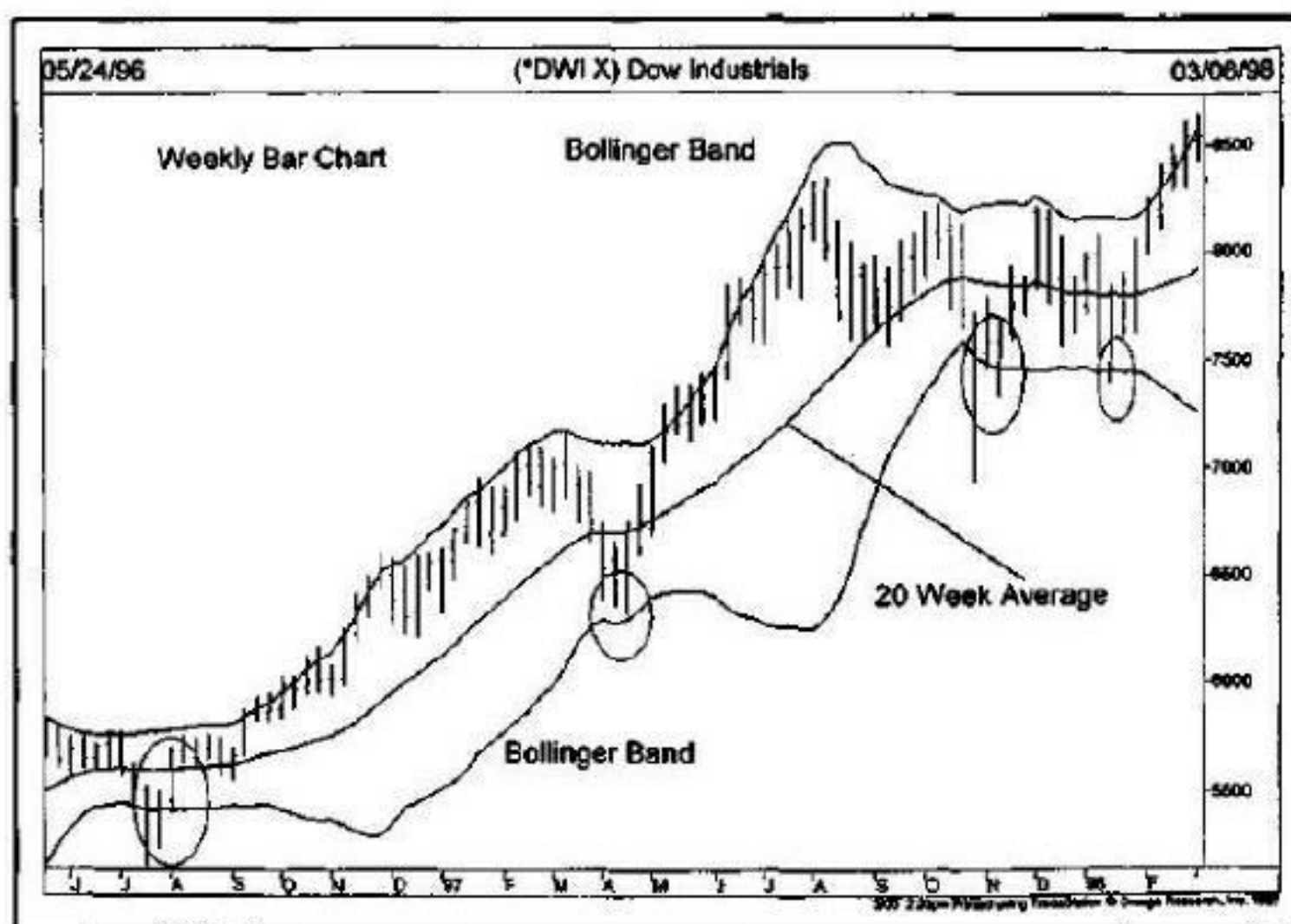
شکل ۹ - ۹ ب برای آنالیز محدوده طولانی‌تر، ۵٪ پاکت‌ها را میتوان به طور متوسط هفته‌ای ۱۰ درصد قرار داد. اقدامات خارج از پاکت‌ها به شناسایی افراط در بازار کمک کرد.

باند‌های فرکانسی

این تکنیک توسط جان استوارت ساخته شد. دو باند تجاری در اطراف یک میانگین متحرک مشابه روش پوشش قرار می‌گیرند. فقط دو انحراف استاندارد در بالا و پایین میانگین متحرک وجود دارد که معمولاً چند روز است. انحراف معیار یک مفهوم آماری است که نشان می‌دهد چگونه قیمت‌ها حول یک مقدار متوسط پراکنده می‌شوند. استفاده از دو انحراف معیار تضمین می‌کند که درصد داده‌های قیمتی بین دو باند تجاری قرار می‌گیرند. به عنوان یک قاعده، هنگامی که به باند بالا دست می‌زنند، قیمت‌ها به صورت وارونه در نظر گرفته می‌شوند. آن‌ها هنگامی که به باند پایین ضربه می‌زنند در نظر گرفته می‌شوند. (اشکال $b - a$ را ببینید.)



شکل ۹ - ۹ یک باند Bollinger حول یک میانگین متحرک ۲۰ روزه رسم شده‌است. در طول دوره زمانی از ماه اوت تا ژانویه، قیمت‌ها به گروه‌های بیرونی دست یافتند. زمانی که uptrend دوباره شروع شد، قیمت‌ها بین نوار بالایی و متوسط ۲۰ روز معامله شدند.



شکل ۹ - ۹ b باند Bollinger روی نمودارهای هفتگی و همچنین با استفاده از میانگین ۲۰ هفته به عنوان خط میانی کار می کنند. هر تماس باند پایین (دایره را ببینید) یک بازار مهم بازار و یک فرصت خرید را نشان می دهد.

استفاده از BANDS BOLLINGER به عنوان هدف

ساده ترین راه برای استفاده از گروه های Bollinger استفاده از باندهای بالایی و پایینی به عنوان اهداف قیمت است. به عبارت دیگر، اگر قیمت از باند پایین بازتاب شود و بالاتر از میانگین سنی ۲۰ روز باشد، نوار بالایی به هدف قیمت بالاتر تبدیل می شود. یک تقاطع زیر ۲۰ روز، باند پایین تر را به عنوان هدف منفی شناسایی می کند. در a قوی، قیمت ها معمولاً بین نوار بالایی و متوسط ۲۰ روز نوسان می کنند. در این مورد، یک تقاطع زیر ۲۰ روز به طور متوسط در مورد برگشت روند به عیب هشدار می دهد.

اندازه‌های پهنای باند

گروه‌های Bollinger در یک مسیر اصلی متفاوت از پاکت‌های نامه هستند. در حالی که تعداد پاکت‌ها یک درصد ثابت از هم باقی می‌مانند، گروه‌های Bollinger گروه‌ها در طول ۲۰ روز گذشته منقبض و منقبض می‌شوند. در طول دوره افزایش نوسانات قیمت، فاصله بین دو باند عریض خواهد شد. بالعکس، در طول یک دوره نوسان کم بازار، فاصله بین دو باند قرار خواهد داشت. تمایل به باند برای جایگزینی بین انبساط و انقباض وجود دارد. هنگامی که دسته‌ها بسیار دور از هم هستند، اغلب نشانه این است که روند فعلی ممکن است به پایان برسد. زمانی که فاصله بین دو باند بسیار محدود شده‌است، اغلب نشانه این است که بازار ممکن است در شرف آغاز یک روند جدید باشد. گروه‌ها می‌توانند به صورت هفتگی و ماهانه با استفاده از ۲۰ هفته و ۲۰ ماه به جای ۲۰ روز اعمال شوند. گروه‌ها در هنگام ترکیب با نوسانگرهای *oversold / overbought* که در فصل بعد توضیح داده می‌شوند بهترین کار را انجام می‌دهند. (ضمیمه A را برای تکنیک‌های دیگر باند ببینید).

centering میانگین

به لحاظ آماری بهتر این است که یک میانگین متحرک را رسم کنید تا مرکز آن شود. این به آن معنی است که آن را در میانه زمانی که پوشش می‌دهد قرار دهید. به طور مثال یک روز ۱۰ روزه به طور متوسط پنج روز پس از آن قرار خواهد گرفت. یک میانگین ۲۰ روزه ۱۰ روز پس از آن کشیده خواهد شد. با این حال، به طور متوسط، عیب اصلی تولید بیشتر سیگنال‌های تغییرات روند بعدی را دارد. بنابراین میانگین متحرک معمولاً در انتهای دوره زمانی به جای وسط قرار داده می‌شود. تکنیک اصلی تقریباً توسط تحلیل گران حلقوی برای ایزوله کردن چرخه‌های بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

انتقال به TIED به CYCLES

بسیاری از تحلیلگران بازار بر این باورند که چرخه‌های زمان نقش مهمی در حرکت بازار ایفا می‌کنند. از آنجا که این چرخه‌های زمان تکراری هستند و میتوان آن را اندازه‌گیری کرد، تعیین زمان‌های تقریبی زمانی که نوک و یا کف بازار رخ می‌دهد، امکان پذیر است. بسیاری از سیکل‌های زمانی مختلف به طور همزمان، از یک چرخه کوتاه ۵ روزه تا یک چرخه عمر ۵۴ ساله وجود دارند. در فصل ۱۴ به کاوش در این شاخه جذاب از تجزیه و تحلیل تکنیکال خواهیم پرداخت.

موضوع چرخه‌های تنها برای ایجاد این نکته مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد رابطه بین چرخه‌های اصولی که بر بازار خاصی تاثیر می‌گذارند و میانگین متحرک حرکت برای استفاده وجود دارد. به عبارت دیگر، میانگین متحرک می‌تواند متناسب با چرخه‌های غالب در هر بازار تنظیم شود.

به نظر می‌رسد رابطه مشخصی بین میانگین متحرک و چرخه‌ها وجود داشته باشد. برای مثال، چرخه ماهانه یکی از بهترین چرخه‌های شناخته‌شده در سراسر بازارهای کالا است. یک ماه ۲۰ تا ۲۱ روز تجاری دارد. چرخه‌های بالاتر و کوتاه‌تر، یا به وسیله یکی از عوامل دو، به چرخه بعدی و کوتاه‌تر مربوط می‌شوند. این بدان معنی است که چرخه بعدی دو برابر طول یک چرخه است و چرخه کوتاه بعدی نیمی از طول آن است.

بنابراین، چرخه ماهانه، ممکن است محبوبیت ۵، ۱۰، ۲۰، و ۴۰ روز حرکت را توضیح دهد. این چرخه ۲۰ روزه چرخه ماهانه را اندازه‌گیری می‌کند. به طور متوسط ۴۰ روز در روز دو برابر می‌شود. میانگین هر ۱۰ روز نصف روز است و متوسط ۵ روز نصف روز است.

بسیاری از میانگین‌های متحرک بیشتر از میانگین‌های متحرک استفاده می‌شود (شامل میانگین‌های حسابی، متوسط و غیر خطی) که به وسیله اثرات چرخه‌ای و روابط هارمونیک سیکل‌های همسایه توضیح داده می‌شوند. علاوه بر این، چرخه هفته گذشته نیز ممکن است به توضیح موفقیت قانون این هفته کمک کند که بعداً در این فصل تحت پوشش قرار گرفته و همتای کوتاه‌تر آن یعنی قانون هفته گذشته.

fibonacci مورد استفاده برای حرکت به سمت پایین

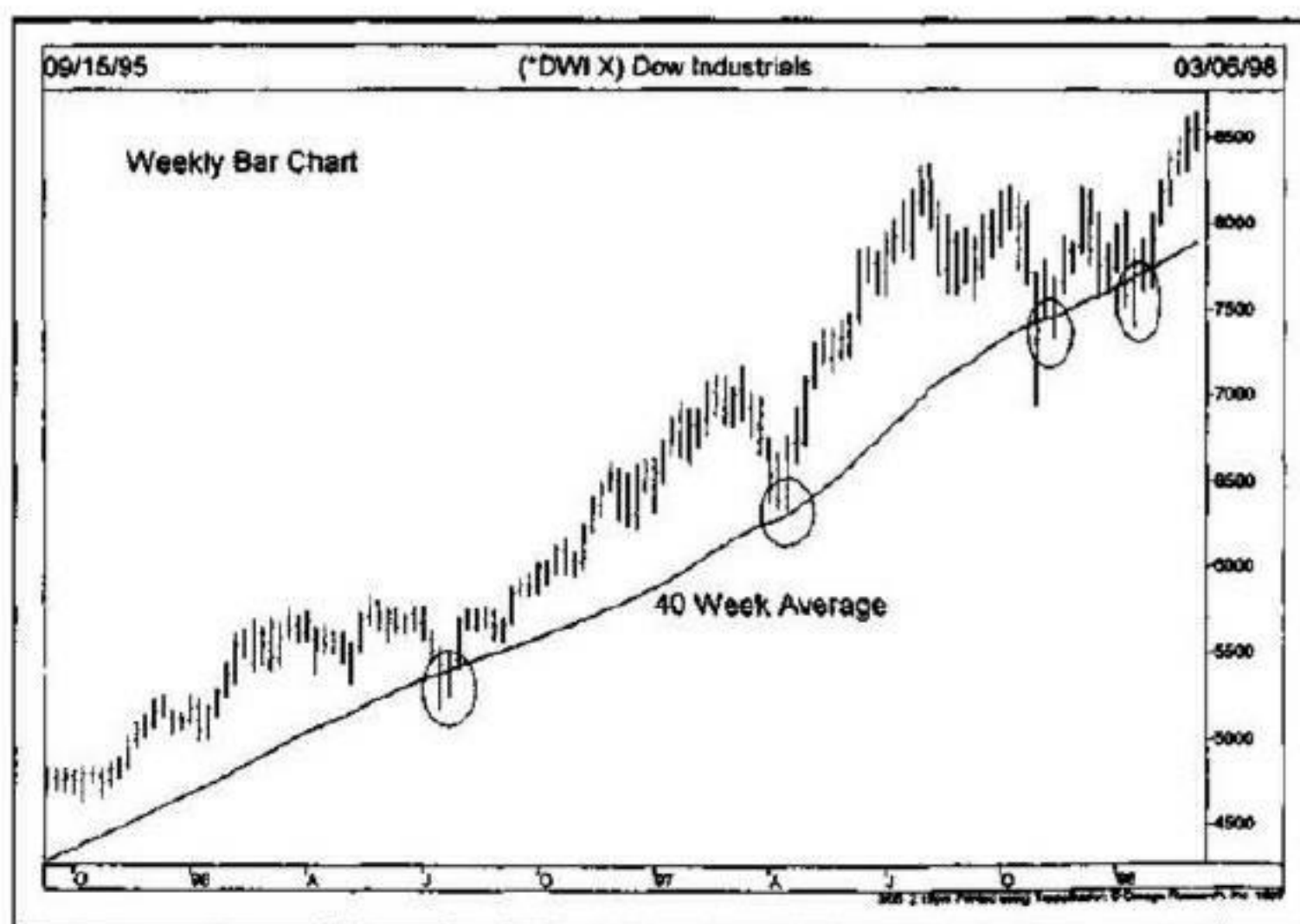
ما سری اعداد فیبوناچی را در این فصل در تیوری موج الیوت پوشش خواهیم داد. با این حال، I'd مایل به ذکر این نکته است که این مجموعه مرموز از اعداد - مانند ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، و غیره - به نظر می‌رسد که به خوبی به تحلیل میانگین متحرک می‌پردازند. این است

نه تنها برای چارت روزانه بلکه برای نمودارهای هفتگی نیز صادق است. متوسط حرکت روزانه یک عدد فیبوناچی است. در چارت هفتگی،

به طور متوسط هفته‌ای ۱۳ هفته در هر دو بورس اوراق بهادار ارزشمند بوده است. ما یک بحث عمیق‌تری از این اعداد را تا فصل ۱۳ به تعویق می‌اندازیم.

انتقال averages برای مدت طولانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خواننده نباید با استفاده از این تکنیک در تحلیل روند دامنه طولانی‌تر چشم‌پوشی کند. میانگین متحرک بازه زمانی، مانند ۱۰ یا ۱۳ هفته، در رابطه با میانگین ۳۰ یا ۴۰ هفته، مدت‌ها است که در تحلیل بازار سهام مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما در بازارهای آتی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. میانگین متحرک ۱۰ و ۴۰ هفته‌ای را میتوان برای کمک به ردیابی روند اولیه در چارت هفتگی برای آتی و سهام استفاده کرد. (مراجعه به شکل ۱۰.۹).



شکل میانگین متحرک در جدول‌های هفتگی ارزشمند است. میانگین متحرک ۴۰ هفته باید در طول اصلاحات بازار گاو در حین انجام اصلاحات در بازار، پشتیبانی کند.

برخی مزایا و معایب میانگین متحرک

یکی از مزایای بزرگ استفاده از میانگین متحرک، و یکی از دلایلی که آن‌ها به عنوان سیستم‌های مد دنبال می‌کنند، این است که آن‌ها برخی از قدیمی‌ترین اصول تجاری موفق را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در مسیر این روند تجارت می‌کنند. آن‌ها اجازه می‌دهند که سودها اجرا شوند و زیان را کوتاه کنند. سیستم میانگین متحرک کاربر را وادار به اطاعت از آن قوانین با ارائه سیگنال خرید و فروش ویژه براساس آن اصول می‌کند.

از آنجا که آن‌ها در طبیعت به دنبال روند هستند، با این حال میانگین متحرک در زمانی که بازارها در یک دوره روند هستند، بهتر کار می‌کنند. آن‌ها زمانی که بازارها برای مدتی متلاطم و متلاطم می‌شوند، خیلی ضعیف عمل می‌کنند. و این ممکن است یک سوم تا نیم زمان باشد.

این حقیقت که آن‌ها برای مدت‌زمان قابل‌توجهی کار نمی‌کنند یک دلیل بسیار قانع‌کننده است که چرا اتکا به تکنیک میانگین متحرک بسیار خطرناک است. در برخی بازارهای درحالظهور، میانگین متحرک می‌تواند مورد ضرب و شتم قرار گیرد. فقط برنامه را خاموش کنید تا اتوماتیک شود. در زمان‌های دیگر، یک روش nontrending مانند نوسانگر overbought - oversold مناسب‌تر است. (در فصل ۱۵، ما یک شاخص به نام ADX را به شما نشان خواهیم داد که وقتی یک بازار روند دارد و چه زمانی وجود ندارد و چه هوای بازار به نفع تکنیک میانگین متحرک یا رویکرد nontrending است).

انتقال Averages به عنوان Oscillators

یک راه برای ساخت یک نوسان‌ساز، مقایسه تفاوت بین دو میانگین متحرک است. بنابراین استفاده از دو میانگین متحرک در روش تقاطع دوگانه، اهمیت بیشتری دارد و به یک روش مفیدتر نیز تبدیل می‌شود. خواهیم دید که این کار چگونه در فصل ۱۰ انجام می‌شود. یک روش دو میانگین به صورت نمایی یکنواخت را مقایسه می‌کند. این روش به عنوان هم‌گرایی میانگین متحرک / Divergence (MACD) نامیده می‌شود. آن تا حدی به عنوان یک oscillator استفاده می‌شود. بنابراین، ما توضیحات خود را از این تکنیک تا زمانی که با کل موضوع of در فصل ۱۰ سروکار داشته باشیم به تعویق خواهیم انداخت.

برخی مزایا و معایب میانگین متحرک

یکی از مزایای بزرگ استفاده از میانگین متحرک، و یکی از دلایلی که آن‌ها به عنوان سیستم‌های مد دنبال می‌کنند، این است که آن‌ها برخی از قدیمی‌ترین اصول تجاری موفق را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در مسیر این روند تجارت می‌کنند. آن‌ها اجازه می‌دهند که سودها اجرا شوند و زیان را کوتاه کنند. سیستم میانگین متحرک کاربر را وادار به اطاعت از آن قوانین با ارائه سیگنال خرید و فروش ویژه براساس آن اصول می‌کند.

از آنجا که آن‌ها در طبیعت به دنبال روند هستند، با این حال میانگین متحرک در زمانی که بازارها در یک دوره روند هستند، بهتر کار می‌کنند. آن‌ها زمانی که بازارها برای مدتی متلاطم و متلاطم می‌شوند، خیلی ضعیف عمل می‌کنند. و این ممکن است یک سوم تا نیم زمان باشد.

این حقیقت که آن‌ها برای مدت زمان قابل توجهی کار نمی‌کنند یک دلیل بسیار قانع‌کننده است که چرا اتکا به تکنیک میانگین متحرک بسیار خطرناک است. در برخی بازارهای درحال‌ظهور، میانگین متحرک می‌تواند مورد ضرب و شتم قرار گیرد. فقط برنامه را خاموش کنید تا اتوماتیک شود. در زمان‌های دیگر، یک روش nontrending مانند نوسانگر overbought - oversold مناسب‌تر است. (در فصل ۱۵، ما یک شاخص به نام ADX را به شما نشان خواهیم داد که وقتی یک بازار روند دارد و چه زمانی وجود ندارد و چه هوای بازار به نفع تکنیک میانگین متحرک یا رویکرد nontrending است).

انتقال Averages به عنوان Oscillators

یک راه برای ساخت یک نوسان‌ساز، مقایسه تفاوت بین دو میانگین متحرک است. بنابراین استفاده از دو میانگین متحرک در روش تقاطع دوگانه، اهمیت بیشتری دارد و به یک روش مفیدتر نیز تبدیل می‌شود. خواهیم دید که این کار چگونه در فصل ۱۰ انجام می‌شود. یک روش دو میانگین به صورت نمایی یکنواخت را مقایسه می‌کند. این روش به عنوان هم‌گرایی میانگین متحرک / Divergence (MACD) نامیده می‌شود. آن تا حدی به عنوان یک oscillator استفاده می‌شود. بنابراین، ما توضیحات خود را از این تکنیک تا زمانی که با کل موضوع of در فصل ۱۰ سروکار داشته باشیم به تعویق خواهیم انداخت.

برخی مزایا و معایب میانگین متحرک

یکی از مزایای بزرگ استفاده از میانگین متحرک، و یکی از دلایلی که آن‌ها به عنوان سیستم‌های مد دنبال می‌کنند، این است که آن‌ها برخی از قدیمی‌ترین اصول تجاری موفق را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در مسیر این روند تجارت می‌کنند. آن‌ها اجازه می‌دهند که سودها اجرا شوند و زیان را کوتاه کنند. سیستم میانگین متحرک کاربر را وادار به اطاعت از آن قوانین با ارائه سیگنال خرید و فروش ویژه براساس آن اصول می‌کند.

از آنجا که آن‌ها در طبیعت به دنبال روند هستند، با این حال میانگین متحرک در زمانی که بازارها در یک دوره روند هستند، بهتر کار می‌کنند. آن‌ها زمانی که بازارها برای مدتی متلاطم و متلاطم می‌شوند، خیلی ضعیف عمل می‌کنند. و این ممکن است یک سوم تا نیم زمان باشد.

این حقیقت که آن‌ها برای مدت زمان قابل توجهی کار نمی‌کنند یک دلیل بسیار قانع‌کننده است که چرا اتکا به تکنیک میانگین متحرک بسیار خطرناک است. در برخی بازارهای درحال‌ظهور، میانگین متحرک می‌تواند مورد ضرب و شتم قرار گیرد. فقط برنامه را خاموش کنید تا اتوماتیک شود. در زمان‌های دیگر، یک روش nontrending مانند نوسانگر overbought - oversold مناسب‌تر است. (در فصل ۱۵، ما یک شاخص به نام ADX را به شما نشان خواهیم داد که وقتی یک بازار روند دارد و چه زمانی وجود ندارد و چه هوای بازار به نفع تکنیک میانگین متحرک یا رویکرد nontrending است).

انتقال Averages به عنوان Oscillators

یک راه برای ساخت یک نوسانگر، مقایسه تفاوت بین دو میانگین متحرک است. بنابراین استفاده از دو میانگین متحرک در روش متقاطع دوتایی اهمیت بیشتری می‌یابد و به یک تکنیک مفیدتر تبدیل می‌شود. خواهیم دید که این کار در فصل ۴ انجام شده است. یک روش دو متوسط نمایی را مقایسه می‌کند. این روش هم‌گرایی / واگرایی میانگین متحرک نامیده می‌شود. آن تا حدی به عنوان نوسانگر استفاده می‌شود. بنابراین، ما توضیح خود را از آن تکنیک به تعویق می‌اندازیم تا زمانی که به کل موضوع نوسانگرهای فصل ۴ بپردازیم.

میانگین متحرک اعمال شده به سایر داده‌های تکنیکال

میانگین متحرک می‌تواند برای هر گونه داده یا شاخص تکنیکال اعمال شود. آن می‌تواند در مورد علاقه باز و ارقام حجم، از جمله در حجم تعادل مورد استفاده قرار گیرد. میانگین متحرک می‌تواند در شاخص‌ها و نسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. آن را می‌توان برای oscillators نیز اعمال کرد.

فهرست هفتگی

اختیار معاملی دیگری نیز وجود دارند که به طور میانگین به عنوان یک ابزار lowing پیروی می‌کنند. یکی از شناخته شده‌ترین و موفق‌ترین این روش‌ها کانال قیمت هفتگی یا به سادگی قانون هفتگی نامیده می‌شود. این تکنیک بسیاری از مزایای میانگین متحرک را دارد، اما برای استفاده ساده‌تر و ساده‌تر است.

با پیشرفت تکنولوژی کامپیوتر در دهه گذشته، تحقیقات زیادی در زمینه توسعه سیستم‌های تجاری انجام شده‌است. این سیستم‌ها در طبیعت مکانیکی هستند، به این معنی که احساسات و قضاوت انسان حذف می‌شوند. این سیستم‌ها به طور فزآتی‌ای پیچیده شده‌اند. ابتدا از میانگین‌های متحرک ساده استفاده شد. سپس خوشه‌های دوتایی و سه‌گانه میانگین‌ها اضافه شد. سپس میانگین‌ها به صورت خطی وزن دهی و نمایی می‌شوند. این سیستم‌ها اساساً مبتنی بر روند هستند که بدین معنی است که هدف آن‌ها شناسایی و سپس تجارت در جهت یک روند موجود است.

با توجه به جذابیت فزآتی با سیستم‌ها و سیستم‌های پیچیده‌تر و شاخص‌ها، تمایل به نادیده گرفتن برخی از تکنیک‌های ساده‌تر وجود دارد که به طور کامل به کار خود ادامه می‌دهند و آزمون زمان را تحمل کرده‌اند. ما می‌خواهیم در مورد یکی از ساده‌ترین این روش‌ها - یعنی قانون هفتگی بحث کنیم.

در سال ۱۹۷۰، کتابچه‌ای به نام دفتر یادداشت Trader's توسط موسسه خدمات مالی دان & در لافایت، در ایالت ایندیانا باز شد. بهترین سیستم‌های تجارت کالا در روز مورد آزمایش و مقایسه قرار گرفتند. آخرین نتیجه‌گیری از تمام این تحقیقات این بود که موفق‌ترین سیستم‌های تست شده، قانون ۴ هفته‌ای بود که توسط ریچارد Donchian توسعه داده شد. آقای

یکی از پیشگامان عرصه تجارت کالا، استفاده از سیستم‌های مکانیکی است. این گزارش به عنوان اولین دریافت‌کننده جایزه بهترین بازیگر نقش اول جایزه بهترین بازیگر نقش اول را در زمینه مدیریت پول در آتی انتخاب کرد.

کاره‌ای جدیدتر توسط لوییس Lukac، مدیر تحقیقات سابق در دان & Hargitt و رئیس شرکت تجاری ساحر (شرکت CTA ماساچوست) از نتایج اولیه‌ای که سیستم‌های شکست (یا کانال) مشابه با قاعده هفتگی به نمایش نتایج برتر می‌پردازند، حمایت می‌کند. (Lukac و همکاران) *

از بین ۱۲ سیستم‌هایی که از سال ۱۹۷۵ تا ۸۴ مورد آزمایش قرار گرفتند، تنها ۴ مورد سود قابل‌توجه ایجاد کردند. از بین این ۴، ۲ سیستم شکست کانالی وجود داشت و یکی از آن‌ها یک سیستم تقاطع دو طرفه میانگین متحرک بود. یک مقاله بعدی توسط Lukac و Brorsen در نشریه اقتصادی (نوامبر ۱۹۹۰) نتایج یک مطالعه گسترده را منتشر کرد که بر روی داده‌ها از ۱۹۷۶ تا ۸۶ انجام‌شده و ۲۳ سیستم تجاری تکنیکال را مقایسه کرد. یک‌بار دیگر، ظهور کانال و سیستم‌های میانگین متحرک در بالا ظاهر شدند. Lukac در نهایت به این نتیجه رسید که سیستم شکست کانال انتخاب شخصی او به عنوان بهترین نقطه شروع برای تمام آزمایش و توسعه تکنیکال سیستم بود.

قانون ۴ هفته

قانون ۴ هفته‌ای عمدتاً برای معاملات آتی استفاده می‌شود.
سیستم مبتنی بر قاعده ۴ هفته‌ای خود سادگی است:

1. موقعیت‌های کوتاه را بپوشانید و هر زمان که قیمت بالاتر از the چهار هفته کامل است خرید کنید.
2. زمانی که قیمت پایین‌تر از پایین‌ترین درجه چهار هفته کامل قرار می‌گیرد، موقعیت‌های بلند مدت را به هم بزنید و فروش خود را کم کنید.

این سیستم، همانطور که در اینجا ارائه می‌شود، در طبیعت پیوسته‌است، که به این معنی است که تاجر همیشه یک موقعیت دارد، چه زمانی طولانی و چه کوتاه. به عنوان یک قاعده کلی، سیستم‌های پیوسته دارای ضعف بنیادی هستند. آن‌ها در بازار می‌مانند و در طول دوره‌های بازار trendless "whipsawed" می‌شوند. It's پیش از این تاکید کرده بود که سیستم‌های زیر به خوبی زمانی که بازارها در این سمت و یا فاز trendless قرار دارند کار نمی‌کنند.

قانون ۴ هفته‌ای را می‌توان اصلاح کرد تا آن را noncontinuu کند. این کار را میتوان با استفاده از یک بازه زمانی کوتاه‌تر - مانند یک یا دو هفته - برای از بین بردن اهداف، انجام داد. به عبارت دیگر "شکست" چهار هفته برای آغاز یک موقعیت جدید ضروری است، اما یک یا دو هفته سیگنال در جهت مخالف منجر به از بین رفتن موقعیت خواهد شد. سپس این تاجر تا زمانی که یک شکست چهار هفته‌ای جدید ثبت شود از بازار خارج خواهد شد.

منطق پشت این سیستم مبتنی بر اصول تکنیکال صوت است. سیگنال‌های آن مکانیکی و clearcut هستند. از آنجا که این روند به دنبال آن است، عملاً مشارکت در سمت راست هر روند مهم را تضمین می‌کند. این روش همچنین برای پیروی اغلب نقل‌قول شده از تجارت موفق - "اجازه دادن به سود، در حالی که ضرر را کوتاه می‌کنند" است، این است که این روش به طور مرتب تجاری می‌شود، بنابراین کمیسیون‌ها کم‌تر هستند. نکته دیگر این است که سیستم می‌تواند با یا بدون کمک رایانه اجرا شود.

انتقاد اصلی از قانون هفتگی یک‌سان است که بر خلاف روش‌های زیر است، یعنی، که نوک یا bottoms را نمی‌گیرد. اما سیستم دنبال کننده چه می‌کند؟ نکته مهم که باید در ذهن داشته باشید این است که قاعده چهار هفته‌ای دست‌کم به اندازه اکثر سیستم‌های دیگر - پس از آن و بهتر از بسیاری عمل می‌کند، اما سود اضافه‌شده از سادگی باور نکردنی دارد.

تطابق با قانون شماره ۴

اگرچه ما با قاعده چهار هفته‌ای در شکل اصلی خود رفتار می‌کنیم، تنظیمات و اصلاحاتی زیادی وجود دارد که می‌تواند به کار گرفته شود. برای یک چیز، قانون نباید به عنوان یک سیستم تجاری مورد استفاده قرار گیرد. سیگنال‌های هفتگی را میتوان به سادگی به عنوان یک شاخص تکنیکال دیگر برای شناسایی حمله و معکوس روند به کار برد. حمله هفتگی را میتوان به عنوان یک فیلتر تایید کننده برای دیگر تکنیک‌ها مانند انتقال میانگین متحرک مورد استفاده قرار داد. قوانین یک یا دو هفته‌ای به عنوان یک فیلتر عالی عمل می‌کنند. یک سیگنال تقاطع میانگین متحرک می‌تواند توسط یک شکست دو هفته‌ای در همان جهت برای موقعیت بازار تایید شود.

Shorten یا lengthen زمان برای حساسیت

دوره زمانی که به کار گرفته می‌شود می‌تواند به نفع مدیریت ریسک و حساسیت به کار رود. به عنوان مثال، در صورتی که مطلوب باشد که سیستم حساسیت بیشتری داشته باشد، دوره زمانی ممکن است کوتاه شود. در یک بازار با قیمت نسبتاً بالا، که در آن قیمت‌ها به شدت بالاتر می‌رود، بازه زمانی کوتاه‌تر می‌تواند برای حساس‌تر کردن سیستم انتخاب شود. برای مثال، فرض کنید که یک موقعیت طولانی در یک شکست ۴ هفته‌ای انجام می‌شود و یک توقف حفاظتی درست پایین‌تر از ۲ هفته گذشته قرار داده می‌شود. اگر بازار به شدت تحریک شود و تاجر مایل به دنبال کردن موقعیت با یک توقف حفاظتی نزدیک‌تر باشد، یک نقطه stopout می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در یک موقعیت برد تجاری، جایی که یک تاجر روند به زودی در حاشیه می‌ماند تا زمانی که یک سیگنال روند مهم داده شود، دوره زمانی می‌تواند به هشت هفته گسترش یابد. این امر مانع از اتخاذ موقعیت‌های کوتاه‌تر و سیگنال‌های مد زودرس می‌شود.

قانون ۴ هفتگی که با چرخه‌های کسب‌وکار بسته می‌شود

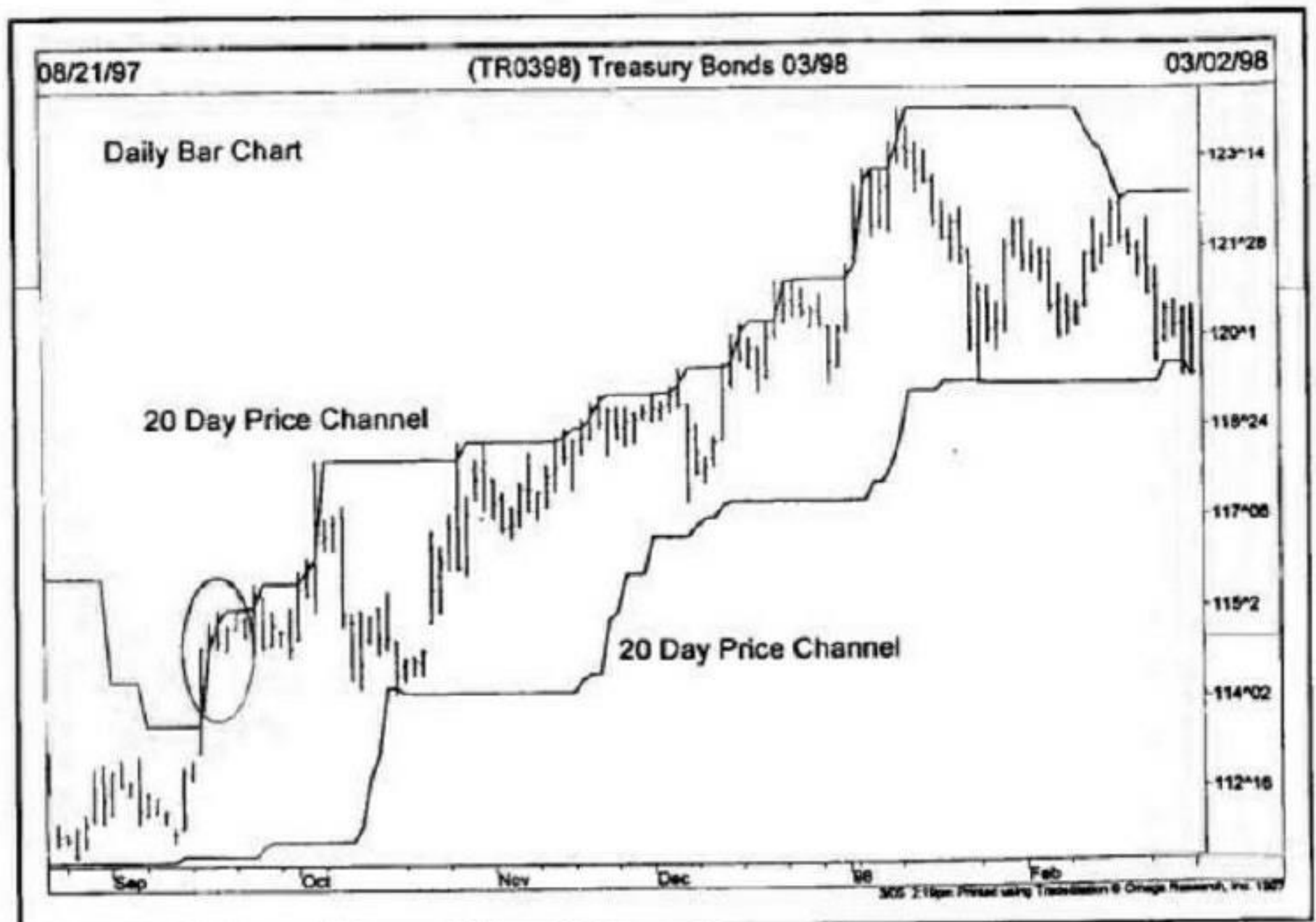
پیش‌تر در این فصل به اهمیت چرخه ماهانه در بازارهای کالا اشاره شد. طول ۴ یا ۲۰ روز، چرخه تجاری یک چرخه غالب است که بر همه بازارها تاثیر می‌گذارد. این مساله ممکن است به توضیح این موضوع کمک کند که چرا دوره زمانی ۴ هفته‌ای بسیار موفق بوده‌است. توجه داشته باشید که این اشاره از قوانین ۱، ۲ و ۸ هفته انجام شده‌است. اصل harmonics در تحلیل چرخه‌ای نشان می‌دهد که هر چرخه با چرخه‌های همسایه خود (دیگر و چرخه‌های کوتاه‌تر بعدی) با ۲ رابطه دارد.

در بحث قبلی میانگین‌های متحرک، نشان داده شد که چگونه چرخه ماهانه و هارمونیک‌ها، محبوبیت میانگین متحرک را توضیح می‌دهند. دوره زمانی مشابه در قلمرو قواعد هفتگی صادق است. این اعداد به صورت هفتگی به دوره‌های زمانی هفتگی تبدیل می‌شوند. بنابراین، به نظر می‌رسد که تنظیمات قانون هفته گذشته زمانی بهتر کار می‌کنند که عدد آغاز به طور مساوی تقسیم یا ضرب شود. برای کوتاه کردن طول زمان، به هفته‌ها و هفته‌ها سفر کنید. در صورتی که یک محدوده زمانی کوتاه‌تر مطلوب باشد، از سمت چپ به سمت چپ بروید. تا درازتر شود،

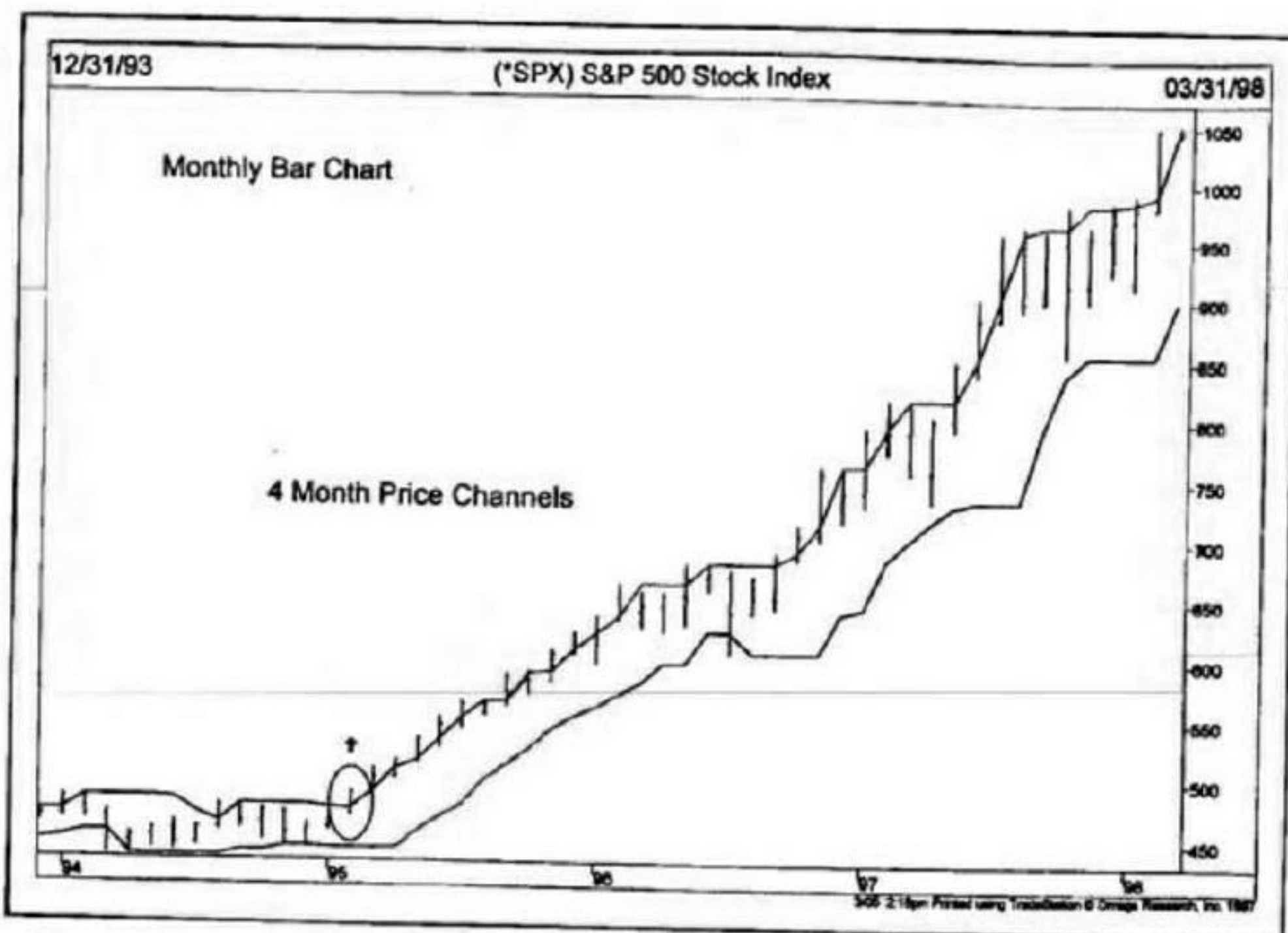
در حال حرکت (۲۱۹)

۴ تا ۸. از آنجا که این روش قیمت و زمان را با هم ترکیب می‌کند، هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا اصول چرخشی of نباید نقش مهمی ایفا کند. تاکتیک تقسیم یک پارامتر هفتگی به وسیله ۲ برای کوتاه کردن آن و یا دو برابر کردن آن، منطق چرخه را پشت آن دارد.

قانون ۴ هفته‌ای یک سیستم شکست ساده است. سیستم اصلی را میتوان با استفاده از دوره زمانی کوتاه‌تر - یک یا ۲ هفته - برای انحلال اهداف اصلاح کرد. اگر کاربر یک سیستم more را بخواهد، یک دوره ۲ هفته‌ای را میتوان برای سیگنال‌های ورودی به کار برد. از آنجا که این قانون ساده است، بهتر است در آن سطح مورد توجه قرار گیرد. قانون ۴ هفته‌ای ساده است، اما کارساز است. بسته‌های تعیین قیمت به شما این امکان را می‌دهد که کانال‌های قیمتی را بالا و پایین قیمت فعلی را برای ورود به کانال مشخص کنید. کانال‌های پرایس را میتوان در جدول‌های روزانه، هفتگی یا ماهانه استفاده کرد. شکل‌های ۱۱.۹ و ۱۲.۹ را ببینید)



شکل ۱۱.۹ یک کانال قیمت ۲۰ روزه (۴ هفته‌ای) که برای قیمت‌های آتی اوراق بهادار به کار می‌رود. یک سیگنال خرید زمانی داده شد که قیمت بالای کانال بالایی بسته شد (دایره را ببینید). قیمت‌ها باید زیر کانال پایینی بسته شوند تا سیگنال را معکوس کنند.



شکل ۱۲.۹ یک کانال قیمتی ۴ ماهه برای شاخص P & S ۵۰۰ بکار گرفته شد. قیمت‌های بالا بودن کانال در اوایل سال ۱۹۹۵ (دایره را ببینید) تا یک سیگنال خرید ارائه دهند که سه سال بعد در اثر باقی می‌ماند. یک بسته به پایین‌تر از خط پایین نیاز است تا یک سیگنال فروش به شما بدهد.

به optimize یا نه؟

اولین ویرایش این کتاب شامل نتایج تحقیقات گسترده توسط مریل لینچ است، که یک سری مطالعات درباره تکنیک‌های تجاری کامپیوتری که در بازارهای آتی از سال ۱۹۷۸ تا ۸۲ به کار گرفته شد را منتشر کرد. تست گسترده میانگین متحرک حرکت و پارامترهای شکست کانال برای یافتن بهترین ترکیبات ممکن در هر بازار آتی انجام شد. محققان مریل لینچ مجموعه متفاوتی از مقادیر شاخص بهینه برای هر بازار را تولید کردند.

بیشتر بسته‌ها به شما این امکان را می‌دهند که سیستم‌ها و شاخص‌ها را بهینه کنید. به جای استفاده از میانگین متحرک در تمام بازارها، برای مثال، می‌توانید از کامپیوتر بخواهید که میانگین متحرک یا ترکیب‌های متوسط متحرک را پیدا کند که در گذشته برای آن بازار بهتر عمل کرده‌اند. که می‌تواند

برای هر روز انجام شود

و سیستم شکست هفتگی و تقریباً تمام شاخص‌های تکنیکال موجود در این کتاب. بهینه‌سازی به پارامترهای تکنیکال اجازه می‌دهد تا با شرایط بازار در حال تغییر سازگار شوند.

برخی استدلال می‌کنند که بهینه‌سازی به نتایج تجاری آن‌ها و دیگران کمک می‌کند. قلب این مباحثات درباره نحوه بهینه‌سازی داده‌ها است. محققان بر این نکته تأکید می‌کنند که روش درست استفاده از بخشی از داده‌های قیمت برای انتخاب بهترین پارامترها و بخش دیگر برای تست واقعی نتایج است. آزمایش پارامترهای بهینه در "خارج از داده‌های قیمت نمونه" به تضمین این مساله کمک می‌کند که نتایج نهایی به چیزی که ممکن است از تجارت واقعی تجربه کند، نزدیک‌تر است.

این تصمیم برای بهینه‌سازی یا نبودن یکی از اهداف شخصی است. با این حال، بیشتر شواهد حاکی از آن است که بهینه‌سازی، جام مقدس است که برخی فکر می‌کنند آن باشد. من به طور کلی به تجار توصیه می‌کنم که فقط تعدادی از بازارها را دنبال کنند تا بهینه‌سازی را تجربه کنند. چرا باید اوراق قرضه خزانه‌داری و یا علامت آلمانی همان میانگین متحرک را به عنوان ذرت یا پنبه داشته باشند؟ تجار بازار بورس داستان متفاوتی دارند. نیاز به پیروی از هزاران سهام بر علیه بهینه‌سازی است. اگر در تعدادی از بازارها تخصص دارید، سعی کنید بهینه‌سازی کنید. اگر شما فردی هستید که تعداد زیادی از بازارها را دنبال می‌کند، از همان پارامترهای تکنیکال برای همه آن‌ها استفاده کنید.

خلاصه

ما تغییرات زیادی را در روش میانگین متحرک ارائه کرده‌ایم. بیایید سعی کنیم کمی ساده‌سازی کنیم. بیشتر تکنیسین‌ها از ترکیبی از دو میانگین متحرک استفاده می‌کنند. این دو میانگین‌ها معمولاً میانگین‌های ساده هستند. اگرچه میانگین‌های نمایی محبوب شده‌اند، اما هیچ مدرک واقعی وجود ندارد که ثابت کند آن‌ها بهتر از میانگین ساده کار می‌کنند. رایج‌ترین ترکیب‌های متوسط متحرک روزانه در بازارهای آتی عبارتند از: ۱. تاجران سهام به شدت به یک روز روشن (یا هفته گذشته) تکیه می‌کنند. برای تحلیل بازار سهام طولانی‌تر، میانگین‌های متحرک هفتگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این باندها از میانگین‌های متحرک روزانه و هفتگی استفاده می‌کنند. به طور متوسط هفته‌ای می‌توان به نمودارهای روزانه تبدیل کرد.

به طور میانگین متحرک. سیستم‌های شکست کانال در بازارهای درحال‌ظهور بسیار خوب کار می‌کنند و می‌توانند در جدول‌های روزانه، هفتگی و ماهانه استفاده شوند.

adaptive به average در حرکت است.

یکی از مشکلاتی که با میانگین متحرک مواجه می‌شود، انتخاب بین یک میانگین آهسته یا آهسته است. در حالی که ممکن است فرد در یک بازار برد تجاری بهتر کار کند، دیگری را میتوان در یک بازار روند ترجیح داد. پاسخ به مساله انتخاب بین این دو می‌تواند با رویکرد مبتکرانه ای که "میانگین متحرک حرکت" نامیده می‌شود، قرار گیرد.

پری کافمن این تکنیک را در کتاب تجارت هوشمندتر کتاب خود ارائه می‌کند. سرعت حرکت خودکار adaptive "خودکار حرکت خودکار" با سطح نویز (یا نوسان) در یک بازار تنظیم می‌شود. هنگامی که بازارها روند به سمت چپ دارند، AMA آهسته‌تر حرکت می‌کند، اما بعد از آن که بازار روند به روند دارد، سریع‌تر حرکت می‌کند. این مساله از مشکل استفاده از میانگین متحرک سریع‌تر (و گرفتن whipsawed بیشتر) در طول یک محدوده تجاری جلوگیری می‌کند، و با استفاده از میانگین آهسته‌تر که در ورای بازاری که روند دارد، فاصله زیادی دارد.

کافمن با ایجاد یک نسبت کارایی که جهت قیمت را با سطح نوسان مقایسه می‌کند، انجام می‌دهد. هنگامی که نسبت کارایی بالا باشد، جهت بیشتری نسبت به نوسانات وجود دارد (با توجه به میانگین سریع‌تر). وقتی نسبت پایین باشد، نوسانات بیشتری نسبت به جهت دارد (با میانگین کندتر). با درجه‌بندی نسبت کارایی، اما به طور خودکار با سرعت بیشتری برای بازار فعلی تنظیم می‌شود.

چایگزین میانگین متحرک

میانگین متحرک در همه زمان‌ها کار نمی‌کند. آن‌ها بهترین کار خود را زمانی انجام می‌دهند که بازار در مرحله مقدم است. آن‌ها در طول دوره‌های trendless بسیار مفید نیستند، زمانی که قیمت‌ها از پهلوی تجارت می‌کنند. خوشبختانه، یک کلاس دیگر از شاخص که بسیار بهتر از میانگین متحرک در طول دوران تجارت ناامید کننده عمل می‌کند. آن‌ها oscillators نامیده می‌شوند و ما در بخش بعدی آن‌ها را توضیح خواهیم داد.

مقدمه

در این بخش، ما می‌خواهیم در مورد یک جایگزین برای رویکردهای مبتنی بر روند - oscillator صحبت کنیم. The در بازارهای nontrending بسیار مفید است که در آن قیمت‌ها در باند قیمت افقی، یا محدوده تجاری نوسان می‌کنند، و یک موقعیت بازار را ایجاد می‌کنند که در آن اکثر سیستم‌های مبتنی بر روند به سادگی کار می‌کنند. The، یک تاجر تکنیکال را با ابزاری آرایه می‌کند که می‌تواند او را قادر سازد از این environments دوره‌ای و بازار trendless سود ببرد.

با این حال، ارزش نوسانگر به محدوده‌های تجاری افقی محدود نمی‌شود. نوسان‌ساز در ارتباط با نمودارهای قیمت در طول فازهای روند، تبدیل به یک متحد بسیار با ارزش می‌شود، با مطلع شدن فروشنده به شرایط کوتاه‌مدت بازار، که معمولاً به عنوان شرایط خاص یا غیر مستقیم شناخته می‌شود.

در خود عمل قیمت آشکار می‌شود. Oscillators می‌تواند نشان دهد که یک روند ممکن است با نمایش divergences مشخص به اتمام برسد. ابتدا توضیح می‌دهیم که یک نوسان‌ساز چیست و اساس ساخت و تفسیر آن چیست. سپس در مورد مفهوم حرکت و پیامدهای آن برای پیش‌بینی بازار بحث و گفتگو خواهیم کرد. برخی از روش‌های معمول نوسانگر از بسیار ساده تا پیچیده‌تر ارائه خواهد شد. سوال مهم واگرایی، پوشش داده خواهد شد. ما بر روی ارزش هماهنگی تحلیل نوسانگر با چرخه‌های بازار زیربنایی دست خواهیم زد. در نهایت، در مورد چگونگی استفاده از oscillators به عنوان بخشی از تحلیل تکنیکال کلی یک بازار بحث خواهیم کرد.

USAGE oscillator با روند به روند

نوسان‌ساز تنها یک شاخص ثانویه در این مفهوم است که باید تابع تحلیل روند پایه باشد. همانطور که از انواع مختلفی از oscillators که توسط تکنسین‌ها به کار گرفته شده، استفاده می‌کنیم، اهمیت تجارت در جهت روند بازار برجسته به طور مداوم مورد تاکید قرار خواهد گرفت. همچنین خواننده باید آگاه باشد که زمان‌هایی وجود دارد که oscillators از دیگران مفیدتر هستند. برای مثال، نزدیک آغاز حرکت‌های مهم، تحلیل نوسانگر پیشنهاد کمک می‌کند و حتی می‌تواند گمراه‌کننده باشد. با این حال، در پایان حرکت بازار، oscillators بسیار باارزش می‌شوند. ما با هم به این نکات توجه خواهیم کرد. در نهایت هیچ مطالعه‌ای بر سر حد افراط در بازار بدون بحث بر خلاف نظریه نهایی انجام نخواهد شد. ما در مورد نقش فلسفه contrarian و چگونگی ادغام آن در تحلیل بازار و تجارت صحبت خواهیم کرد.

تفسیر اسیلاتور

در حالی که روش‌های مختلفی برای ساخت نوسانگرهای حرکت وجود دارد، تفسیر واقعی از یک تکنیک به روش دیگر بسیار کم است. اغلب نوسانگرهای بسیار شبیه هم به نظر می‌رسند. آن‌ها در انتهای چارت قیمت ترسیم شده‌اند و شبیه به یک باند افقی تخت هستند. باند نوسانگر اساساً در حالیکه قیمت ثابت است، صاف است.

ممکن است بالا و پایین و یا به پهلو حرکت کند. با این حال، اوج و troughs در نوسانگر همزمان با اوج و troughs در نمودار قیمت می‌باشد. برخی از oscillators دارای یک مقدار میانی هستند که محدوده افقی را به دو نیمه تقسیم می‌کند، بالا و پایین. بسته به فرمول مورد استفاده، این خط میانی معمولاً یک خط صفر است. برخی از oscillators نیز دارای مرزهای بالاتر و پایینی از ۱۰۰ تا ۱۰۰ می‌باشند.

قوانین عمومی برای تفسیر

به عنوان یک قاعده کلی، زمانی که نوسانگر به مقدار حد بالایی در قسمت بالایی یا پایین باند می‌رسد، این نشان می‌دهد که حرکت قیمت فعلی ممکن است بسیار سریع رفته باشد و به دلیل اصلاح یا تثبیت یک نوع باشد. به عنوان یک قاعده کلی دیگر، این تاجر باید زمانی که خط نوسانگر در انتهای پایینی باند قرار دارد و در قسمت بالایی به فروش می‌رسد، خرید کند. تقاطع خط میانی اغلب برای تولید و فروش سیگنال مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما خواهیم دید که این قواعد کلی چگونه اعمال می‌شوند زیرا ما با انواع مختلف of سروکار داریم.

سه کاربرد مهم برای نوسان

زمانی که نوسانگر بسیار مفید است، سه موقعیت وجود دارد. خواهید دید که این سه موقعیت برای اغلب انواع of که مورد استفاده قرار می‌گیرند، رایج هستند.

1. این نوسانگر زمانی مفید است که مقدار آن به خوانش افراطی نزدیک مرز بالایی یا پایینی مرزهای آن برسد. گفته می‌شود که در زمانی که این بازار در نزدیکی حد پایینی قرار دارد، بازار در نزدیکی حد پایینی قرار دارد. این امر هشدار می‌دهد که روند قیمت‌ها ناعادلانه و آسیب‌پذیر است.
2. واگرایی بین نوسان‌ساز و عمل قیمت در زمانی که نوسانگر در حالت فوق‌العاده قرار دارد، معمولاً یک هشدار مهم است.
3. تقاطع خط صفر (یا نقطه میانی) می‌تواند سیگنال‌های تجاری مهمی را در جهت روند قیمت آرایه دهد.

صل دهم

۰۳ / - (TR ۱۶۰۰) ۹۶ / ۱۱ / ۲۰۰۱
۰۶ / خزانه داری، ۱۶۰۰
۹۸



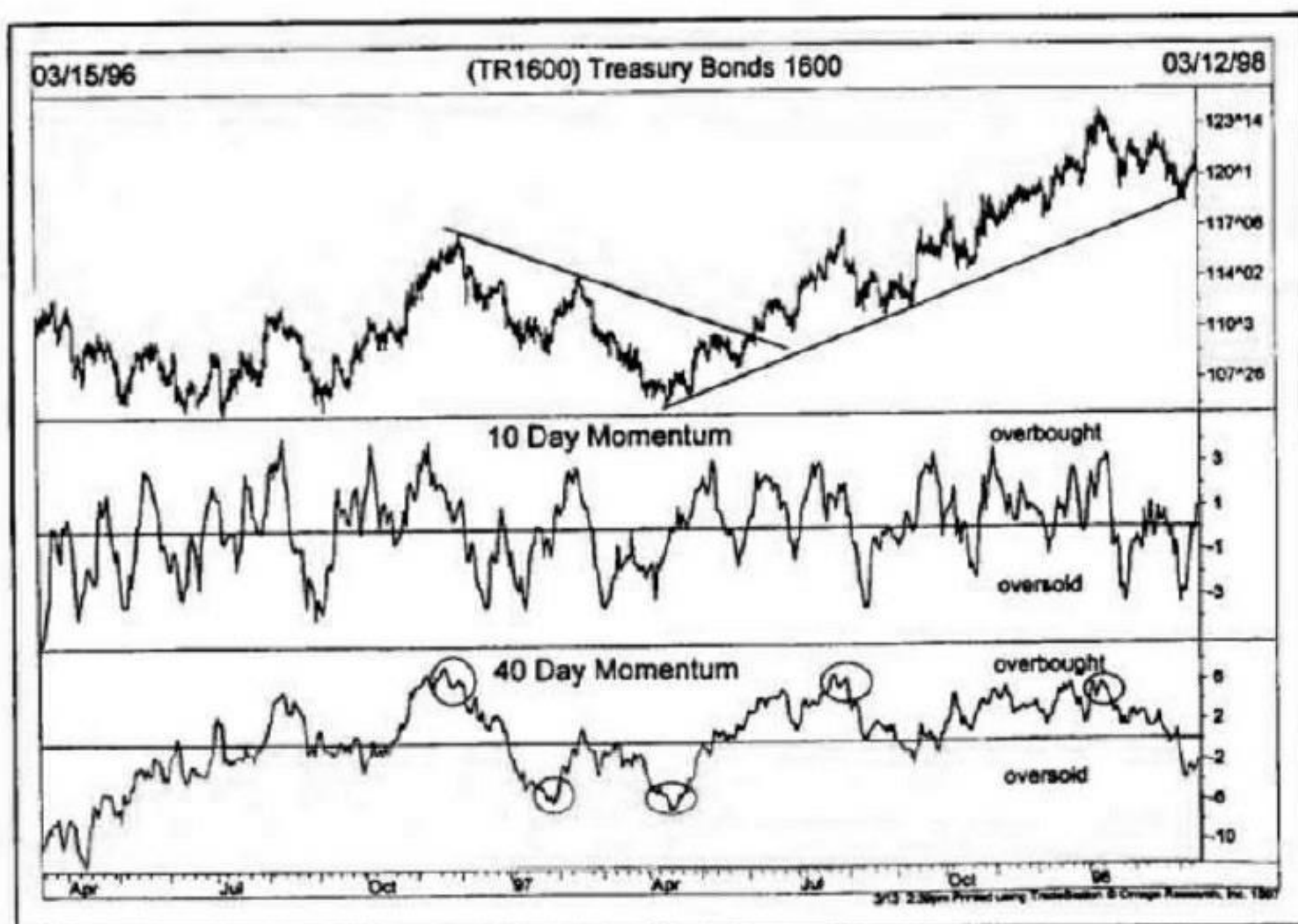
شکل ۱ - ۱۰ یک خط انتقال ۱۰ روزه در حدود یک خط صفر است. مطالعات بسیار بالاتر از خط صفر، overbought هستند، در حالی که مقادیر بسیار پایین‌تر از خط، oversold هستند. نیروی حرکت باید در رابطه با روند بازار مورد استفاده قرار گیرد.

MOMENTUM MEASURING

تغییرات قیمت را در مقابل خود سطوح واقعی قیمت اندازه‌گیری می‌کند. مومنتوم بازار با در نظر گرفتن اختلافات قیمت برای فاصله زمانی ثابت اندازه‌گیری می‌شود. برای ساخت یک خط انتقال ۱۰ روزه، قیمت پایانی را ۱۰ روز پیش از آخرین قیمت نهایی کم کنید. سپس این مقدار مثبت یا منفی حول یک خط صفر طرح‌ریزی می‌شود. فرمول برای حرکت دادن این است:

$$M = V - V^x$$

که در آن V آخرین قیمت نهایی و V^x قیمت بسته چند روز قبل است.



شکل ۱ - ۱۰ b. ۴ مقایسه خطوط انتقال ۱۰ و ۴۰ روزه. نسخه طولانی‌تر در گرفتن گردش‌های اصلی بازار مفید است (دایره را ببینید).

اگر آخرین قیمت نهایی بزرگ‌تر از ۱۰ روز پیش باشد (به عبارت دیگر قیمت‌ها بالاتر رفته‌اند)، آنگاه یک مقدار مثبت در بالای خط صفر ترسیم خواهد شد. اگر آخرین بسته کم‌تر از ۱۰ روز قبل باشد (قیمت‌ها کاهش پیدا کرده‌اند)، آنگاه یک مقدار منفی در زیر خط صفر ترسیم می‌شود.

در حالی که حرکت ۱۰ روزه معمولاً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به دلایلی مورد بحث قرار می‌گیرد، هر دوره زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (شکل ۱ - ۱۰ a) یک دوره زمانی کوتاه‌تر (مانند ۵ روز) یک خط

حساس‌تر را با نوسانات بیشتر مشخص می‌کند. تعداد کمی از روزها (مانند ۴۰ روز) به یک خط بسیار آرام‌تر منجر می‌شود که در آن نوسانات oscillator کمتر هستند. (شکل ۱ - ۱۰ b را ببینید).

Rates میزان حرکت نیروی حرکت (Ascent) یا پایین آوردن پایین (پایین)

Let's کمی بیشتر در مورد چیزی که این شاخص حرکت اندازه‌گیری می‌کند، صحبت می‌کنند. با طراحی اختلاف‌های قیمت برای یک دوره زمانی مشخص، the نرخ صعود یا نزول را مطالعه می‌کند. اگر قیمت‌ها بالا باشند و خط انتقال بالاتر از خط صفر باشد و افزایش یابد، این به این معنی است که uptrend در حال شتاب گرفتن است. اگر خط انتقال اریب شروع به تسطیح شود، این به این معنی است که دستاوردهای جدید حاصل از آخرین بسته به همان اندازه ۱۰ روز قبل است. در حالی که قیمت‌ها هنوز ممکن است پیشرفت کنند، نرخ صعود (یا سرعت) کاهش می‌یابد. هنگامی که خط انتقال به سمت خط صفر شروع می‌شود، کاهش قیمت هنوز هم در فشار است، اما در نرخ کاهش یابنده. The در حال از دست دادن حرکت است.

هنگامی که خط انتقال زیر خط صفر حرکت می‌کند، آخرین روز نزدیک نزدیک به ۱۰ روز قبل و یک روند نزولی کوتاه‌مدت در حال اجرا است. (و به طور اتفاقی، میانگین متحرک ۱۰ روز نیز شروع به کاهش کرده‌است) همانطور که حرکت ادامه می‌یابد تا پایین‌تر از خط صفر پایین بیفتد، روند نزولی شتاب می‌گیرد. تنها زمانی که این خط شروع به پیشروی می‌کند، تحلیلگر متوجه می‌شود که روند نزولی decelerating است.

حایز اهمیت است که به خاطر داشته باشید که سرعت حرکت تفاوت بین قیمت‌ها را در فواصل زمانی دو بار اندازه‌گیری می‌کند. برای خط پیشرفت، دستاوردهای قیمت برای آخرین day's نزدیک باید بیشتر از ده روز پیش باشد. اگر قیمت‌ها به اندازه ۱۰ روز پیش افزایش یابند، خط انتقال صاف خواهد بود. اگر آخرین افزایش قیمت کمتر از ۱۰ روز پیش باشد، سرعت حرکت رو به کاهش است، اگرچه قیمت‌ها هنوز در حال افزایش هستند. این روشی است که سرعت یا شتاب در پیشرفت یا کاهش جریان در روند قیمت را اندازه‌گیری می‌کند.

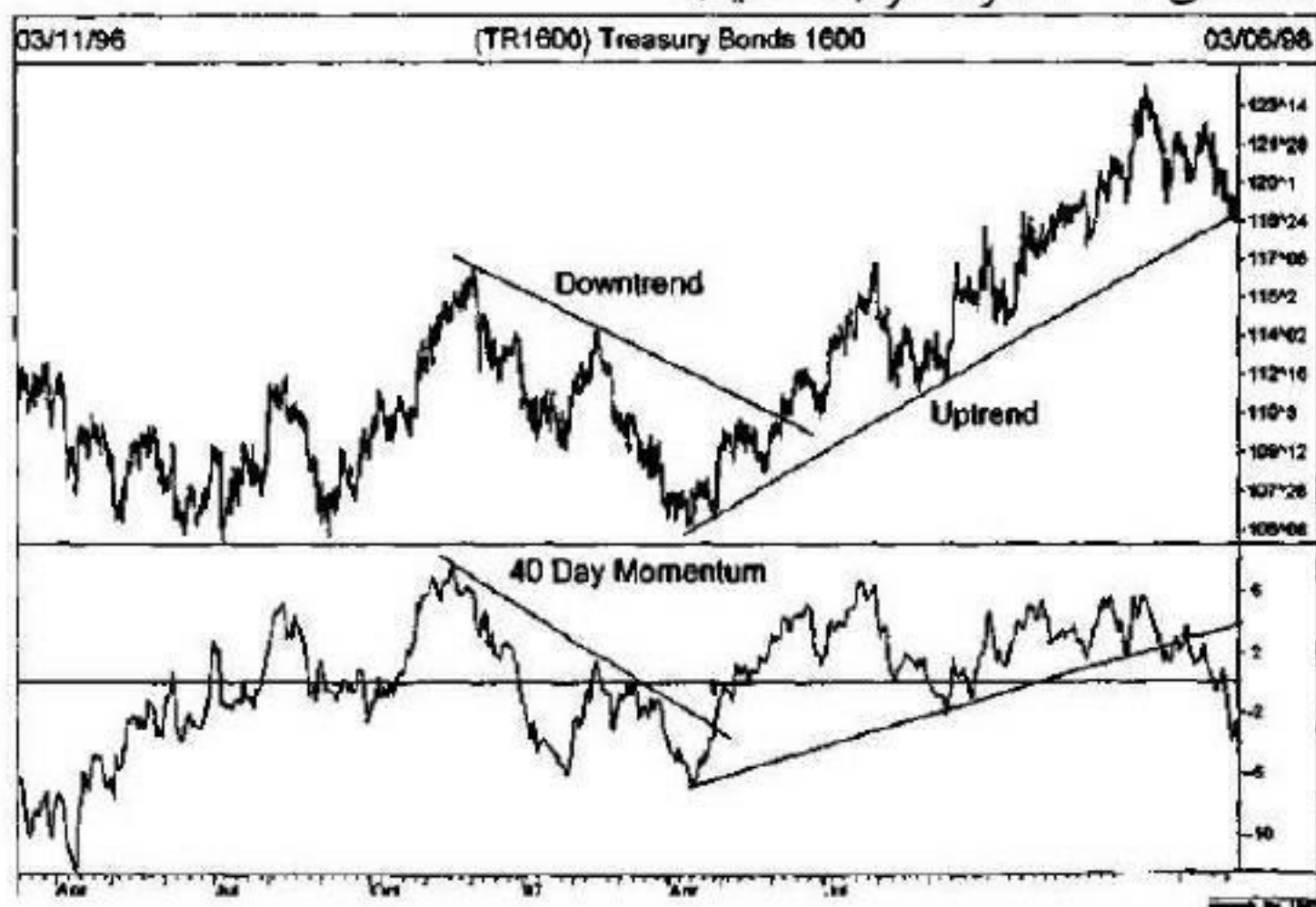
خط نیروی حرکت نیروی حرکت قیمت را هدایت می‌کند

به دلیل اینکه این روش ساخته شده‌است، خط انتقال همیشه یک گام جلوتر از حرکت قیمت است. این امر باعث پیشرفت یا کاهش قیمت‌ها می‌شود، در حالی که روند قیمت فعلی هنوز در حال اجرا است. سپس آن شروع به حرکت در جهت مخالف می‌کند چون قیمت‌ها شروع به پایین آمدن می‌کنند.

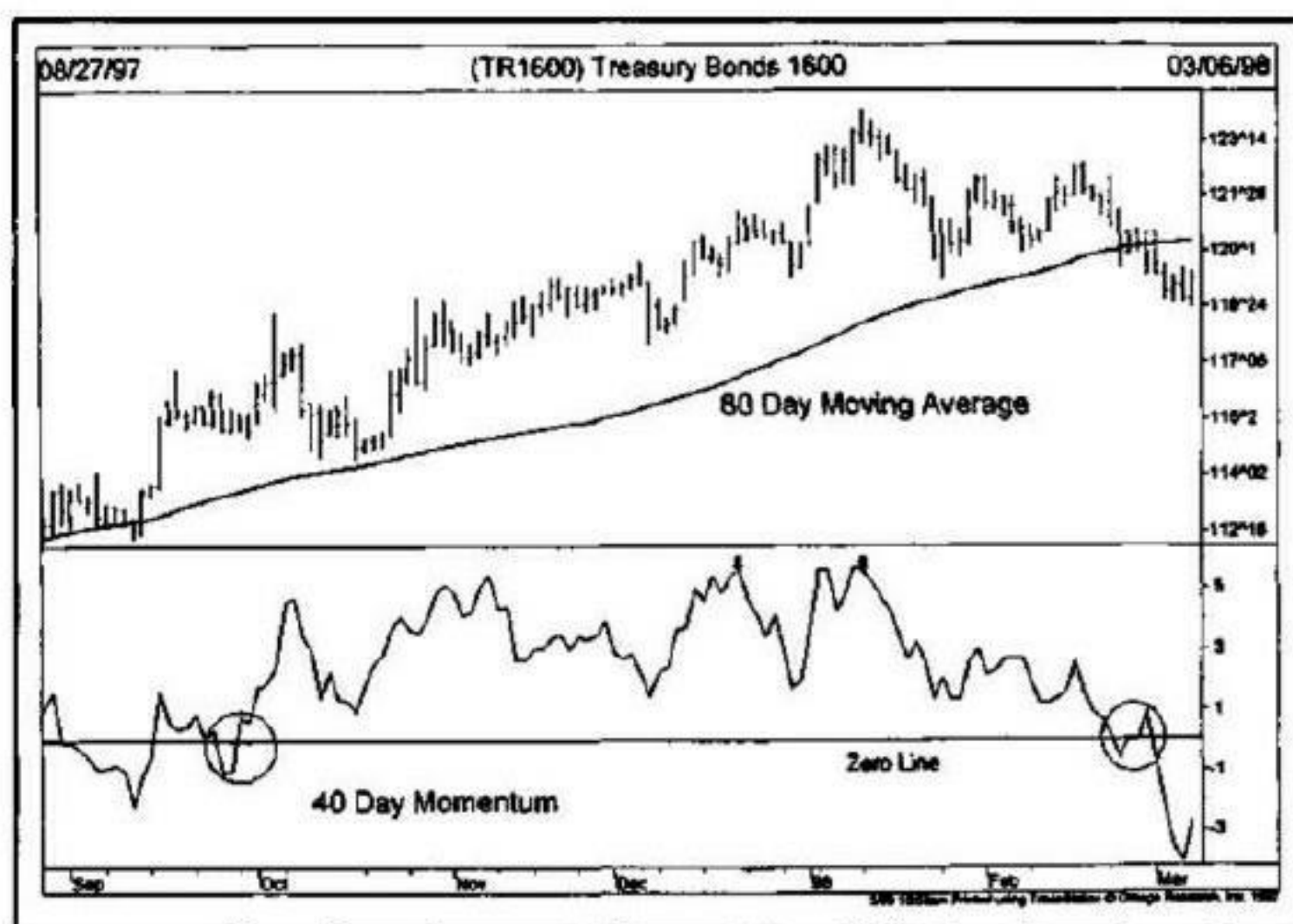
Opinion Contrary و Oscillators

عبور از خط صفر به عنوان سیگنال تجاری

نمودار مومنتوم یک خط صفر دارد. بسیاری از تکنسین‌ها از عبور خط صفر برای تولید و فروش سیگنال‌ها استفاده می‌کنند. یک تقاطع بالاتر از خط صفر، یک سیگنال خرید و یک تقاطع زیر خط صفر، یک سیگنال فروش است. با این حال، در اینجا باید مجدداً تأکید شود که تحلیل روند پایه هنوز مورد توجه است. از تحلیل نوسان توان به عنوان بهانه‌ای برای تجارت در برابر روند حاکم بر بازار استفاده کرد. در صورتی که روند بازار بالا رود، تنها در صورتی که روند بازار بالا باشد، تنها باید از روی خط صفر عبور کرد. اگر روند قیمت پایین باشد، تنها در صورتی که روند قیمت پایین باشد، مواضع کوتاه باید در زیر خط صفر در نظر گرفته شوند. (به شکلهای ۲ - ۲ a و b مراجعه کنید).



شکل ۱۰ - ۱۰ الف نمودار trendlines در نمودار شتاب زودتر از نمودار قیمت شکسته می‌شود. ارزش شاخص حرکت این است که این شاخص زودتر از خود بازار می‌چرخد و آن را یک شاخص پیشرو می‌سازد.



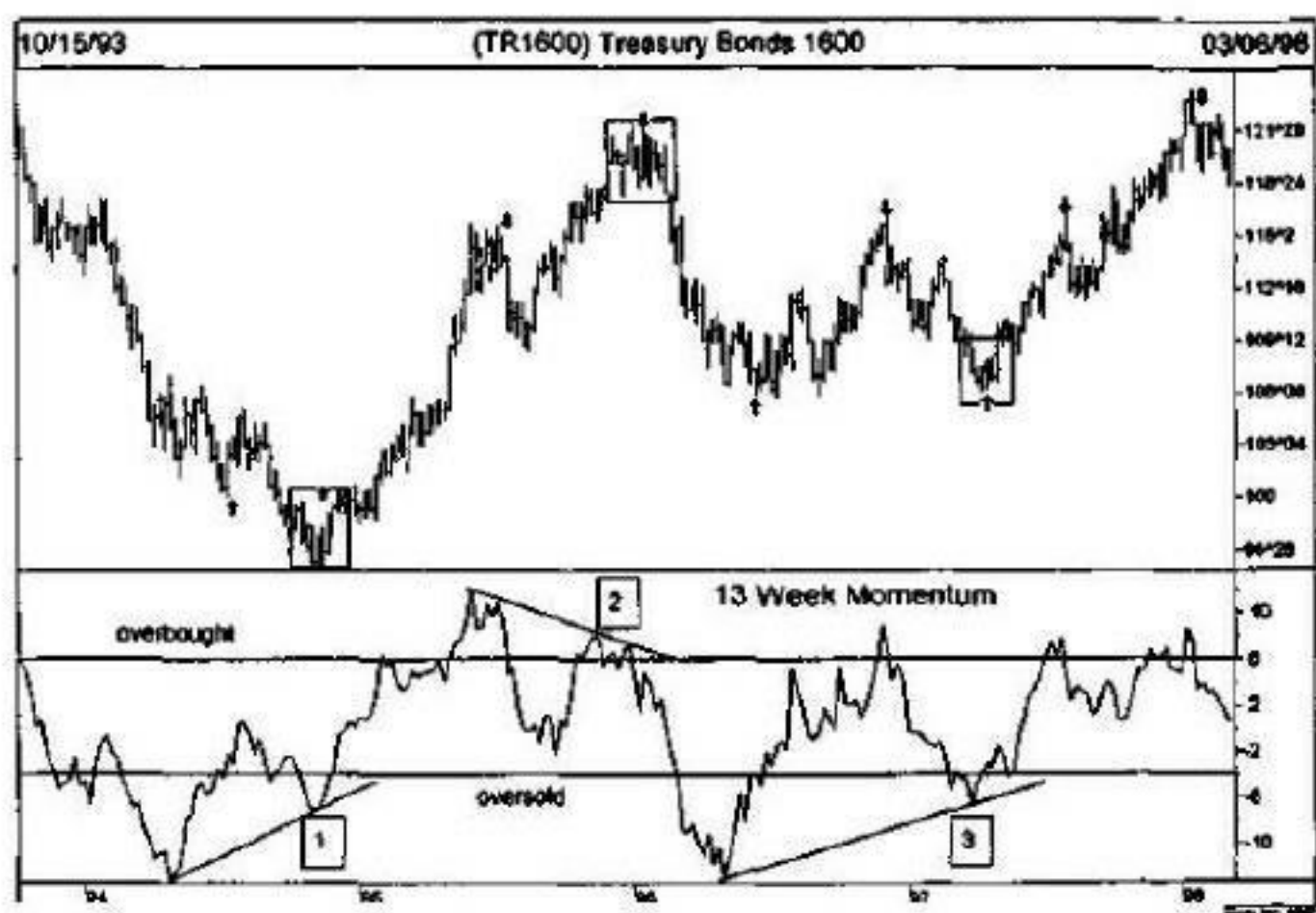
شکل ۲ - ۲ برخی از بازرگانان یک تقاطع بالاتر از خط صفر را به عنوان یک سیگنال خرید و عبور زیر خط به عنوان علامت فروش به عنوان یک سیگنال فروش در نظر می‌گیرند (دایره را ببینید). میانگین متحرک برای تایید تغییرات روند مفید است. خط انتقال قبل از قیمت به اوج خود رسید (تیر را ببینید).

نیاز به مرز بالا و پایین

یک مشکل با خط انتقال، همانطور که در اینجا توصیف می‌شود، عدم وجود مرز ثابت و پایینی است. پیش از این گفته شد که یکی از مقادیر عمده تحلیل نوسانگر می‌تواند مشخص کند که چه زمانی بازارها در مناطق شدید هستند. اما، چقدر بالا است و چقدر پایین در خط انتقال کم است؟ ساده‌ترین راه برای حل این مشکل بازرسی دیداری است. تاریخچه پشت خط حرکت در نمودار را بررسی کرده و خطوط افقی را در امتداد مرزهای بالاتر و پایین‌تر آن رسم کنید. این خطوط باید به صورت دوره‌ای تنظیم شوند، به خصوص پس از تغییرات مهم در روند. اما ساده‌ترین و احتمالاً موثرترین راه تشخیص قسمت‌های انتهایی بیرونی است. (مراجعه به شکل‌های ۱۰ - ۳ و ۱۰.۴).



شکل ۱۰ - ۳ با بازرسی دیداری، تحلیل گر می‌تواند مرزهای حرکتی بالایی و پایینی را که برای هر بازار مناسب هستند، پیدا کند (خطوط افقی را ببینید).



شکل ۱۰ - ۴ یک خط انتقال ۱۳ هفته‌ای بر چارت هفتگی اوراق قرضه خزانه‌داری. فلش‌ها نشان‌دهنده نقاط عطف از extremes حرکت هستند. خط انتقال مسیر را قبل از قیمت در هر چرخش اصلی تغییر داد (نقاط ۱، ۲ و ۳).

نرخ تغییر نرخ (ROC)

برای اندازه‌گیری نرخ تغییر، نسبت اخیر به قیمت چند روز در گذشته، یک نسبت به قیمت تمام‌شده اخیر ایجاد شده‌است. برای ساخت یک نرخ ۱۰ روزه نوسان‌ساز تغییر، آخرین قیمت بسته به ۱۰ روز قبل تقسیم می‌شود. فرمول زیر به شرح زیر است:

$$\text{نرخ تغییرات } (V / V) *$$

که در آن V آخرین نقطه نزدیک و Vx قیمت بسته چند روز قبل است. در این حالت، خط ۱۰۰ نقطه میانی می‌شود. اگر آخرین قیمت بالاتر از قیمت ۱۰ روز قبل باشد (قیمت‌ها در حال افزایش هستند)، نرخ سود حاصل از ۱۰۰ روز بالاتر خواهد بود. اگر آخرین بسته کم‌تر از ۱۰ روز پیش باشد، نسبت زیر ۱۰۰ خواهد بود. (تعیین نرم‌افزار گاهی از تغییرات فرمول‌های قبلی برای حرکت و نرخ تغییر استفاده می‌کند. در حالی که تکنیک‌های ساخت‌وساز ممکن است متفاوت باشند، اما تفسیر به همان شکل باقی می‌ماند).

استفاده از دو averages با استفاده از دو MOVING

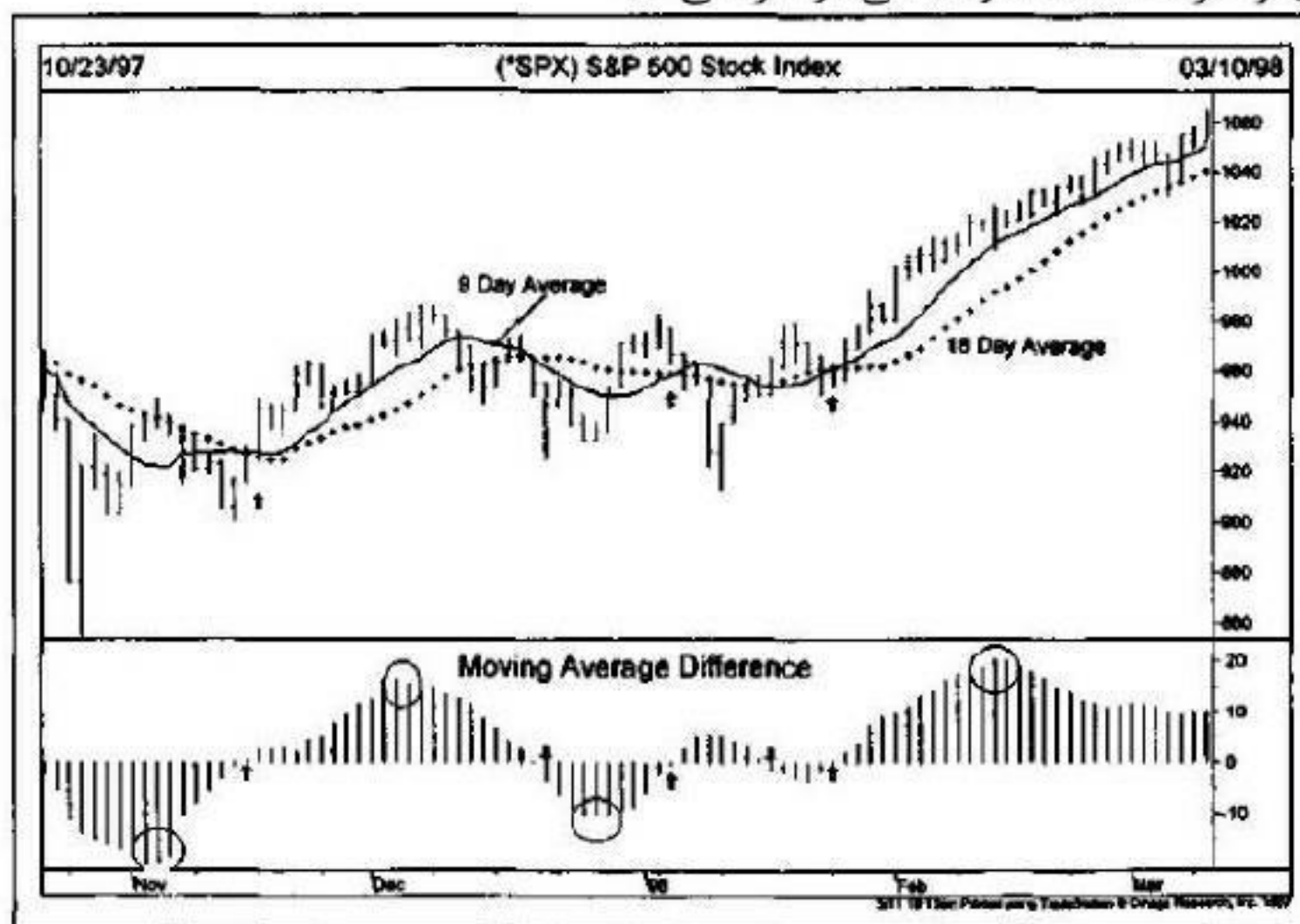
در فصل ۹ به بحث در مورد دو میانگین متحرک می‌پردازیم که برای تولید و فروش سیگنال مورد استفاده قرار می‌گیرند. عبور میانگین کوتاه‌تر در بالا یا پایین‌تر از متوسط طولانی‌تر خرید و فروش سیگنال است. در آن زمان ذکر شد که این ترکیبات میانگین متحرک می‌تواند برای ساخت نمودارهای نوسانگر به کار رود. این کار را میتوان با ترسیم اختلاف بین دو میانگین به عنوان نمودار هیستوگرام انجام داد. این نمودار هیستوگرام به صورت یک مقدار مثبت یا منفی در حول یک خط صفر متمرکز به نظر می‌رسد. این نوع of دارای سه کاربرد است:

1. برای کمک به محل divergences

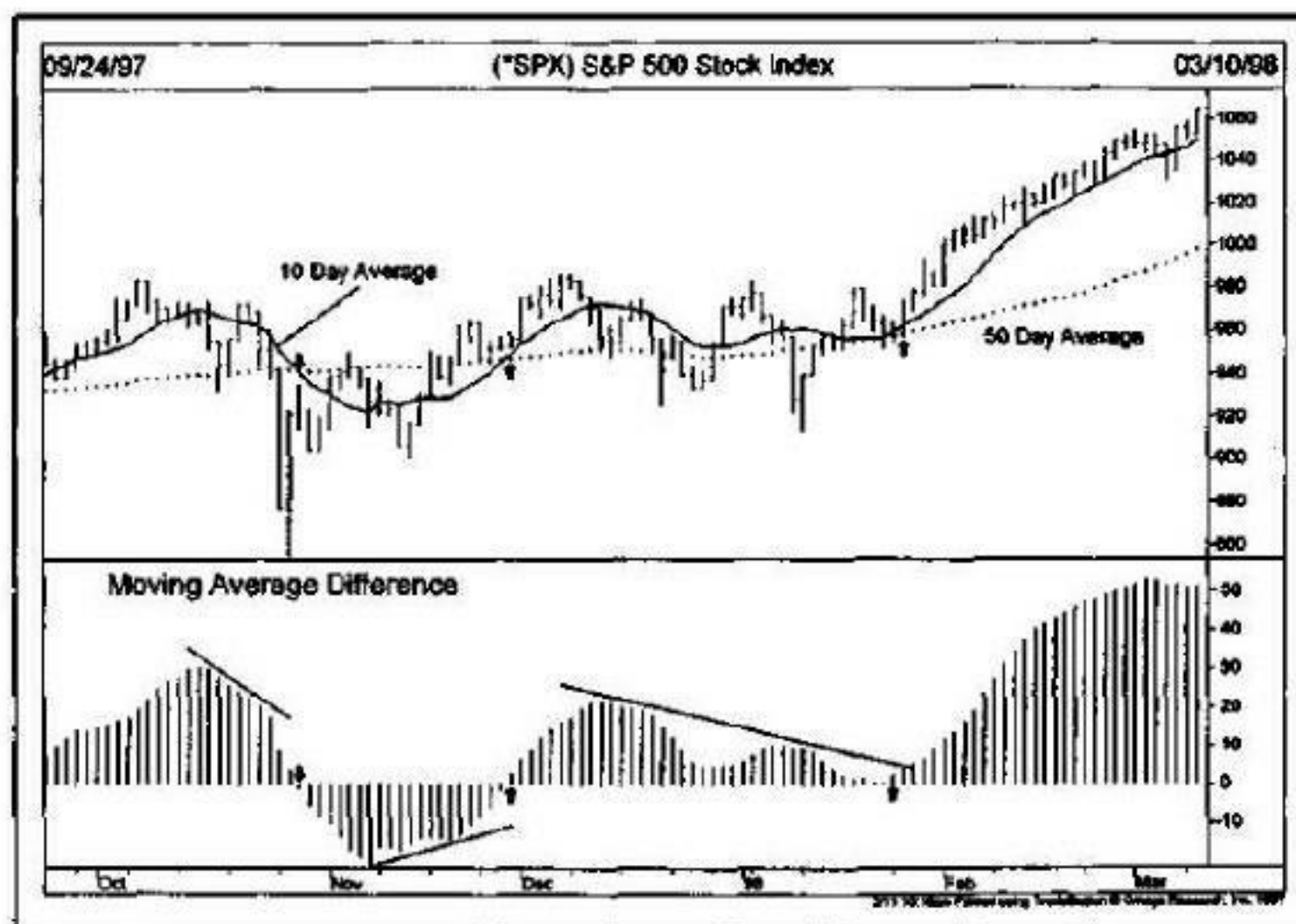
2. برای کمک به شناسایی تغییرات کوتاه‌مدت از روند بلند مدت زمانی که متوسط کوتاه‌تر بیش از حد بالاتر یا پایین‌تر از میانگین طولانی‌تر حرکت می‌کند.

3. برای مشخص کردن تقاطع دو میانگین متحرک، که زمانی روی می‌دهد که نوسانگر از خط صفر عبور می‌کند.

4. متوسط کوتاه‌تر به طور متوسط به دو قسمت تقسیم می‌شود. در هر دو مورد، متوسط کوتاه‌تر در اطراف میانگین طولانی‌تر نوسان دارد، که در واقع خط صفر است. اگر متوسط کوتاه‌تر بیشتر از زمان طولانی‌تر باشد، oscillator مثبت خواهد بود. یک مطالعه منفی در صورتی که متوسط کوتاه‌تر تحت شرایط طولانی‌تر باشد، وجود خواهد داشت. (مراجعه به اعداد ۵ - ۵) هنگامی که دو خط متوسط در حال حرکت بیش از حد از هم فاصله می‌گیرند، بازار به شدت بازار ایجاد می‌شود و خواستار توقف در این روند می‌شود. (مراجعه به شکل ۱۰.۶). اغلب، این روند تا زمانی که خط متوسط کوتاه‌تر به سمت دیگر حرکت کند، متوقف می‌شود. زمانی که



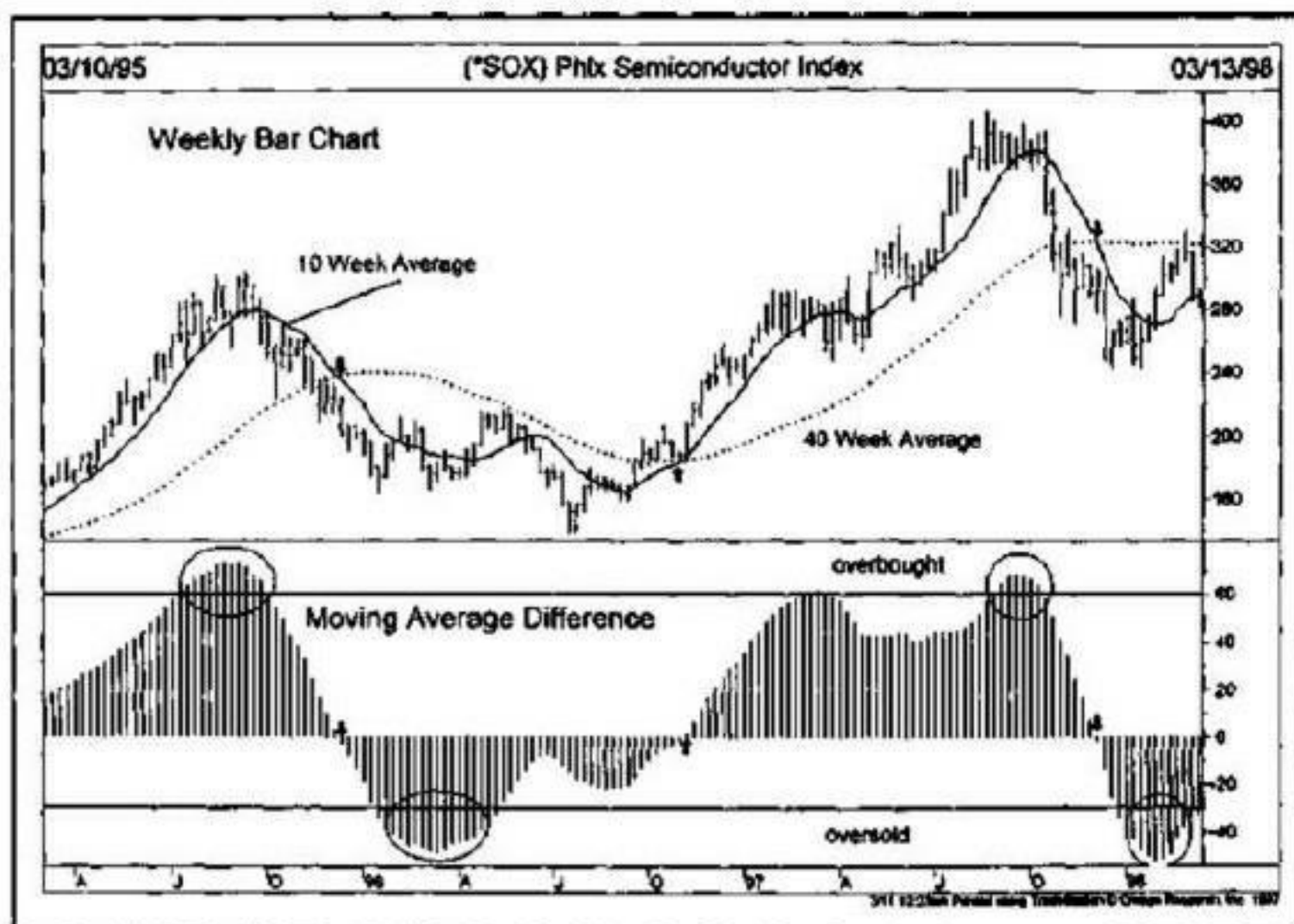
شکل ۱۰.۵ خطوط هیستوگرام تفاوت بین دو میانگین متحرک را اندازه‌گیری می‌کنند. عبور از بالا و پایین خط صفر باعث خرید و فروش سیگنال (دیدن تیر) می‌شود. توجه داشته باشید که هیستوگرام‌ها قبل از سیگنال‌های واقعی خوب به نظر می‌رسند (دایره را ببینید).



شکل ۶ - ۱۰ یک هیستوگرام را اندازه‌گیری می‌کند که تفاوت بین میانگین ۱۰ و ۵۰ روز را اندازه‌گیری می‌کند. نمودار همیشه قبل از تقاطع خط صفر به خوبی تغییر می‌کند. در یک uptrend هیستوگرام پشتیبان در خط صفر پیدا خواهد شد و دوباره (تیر سوم) بالا خواهد رفت.

با نزدیک شدن به یک نقطه بحرانی، یک نقطه بحرانی به دست می‌آید. به عنوان مثال، در یک uptrend کوتاه‌تر، سرعت کوتاه‌تر به میانگین طولانی‌تر کاهش می‌یابد، اما باید از آن بازتاب شود. این معمولاً نشان‌دهنده یک منطقه خرید ایده‌آل است. به اندازه کافی شبیه به آزمایش خط روند بالا است. اگر متوسط کوتاه‌تر از متوسط طولانی‌تر باشد، برگشت روند نشان داده می‌شود.

در روند نزولی، افزایش در میانگین کوتاه‌تر نسبت به زمان طولانی‌تر معمولاً نشان‌دهنده یک ناحیه فروش ایده‌آل است مگر اینکه خط طولانی‌تر عبور کند، که در این صورت سیگنال برگشت روند ثبت خواهد شد. بنابراین، روابط بین دو میانگین را میتوان مورد استفاده قرار داد، بنابراین نه تنها به عنوان یک سیستم مبتنی بر روند عالی، بلکه برای کمک به شناسایی شرایط کوتاه‌مدت و شرایط oversold.



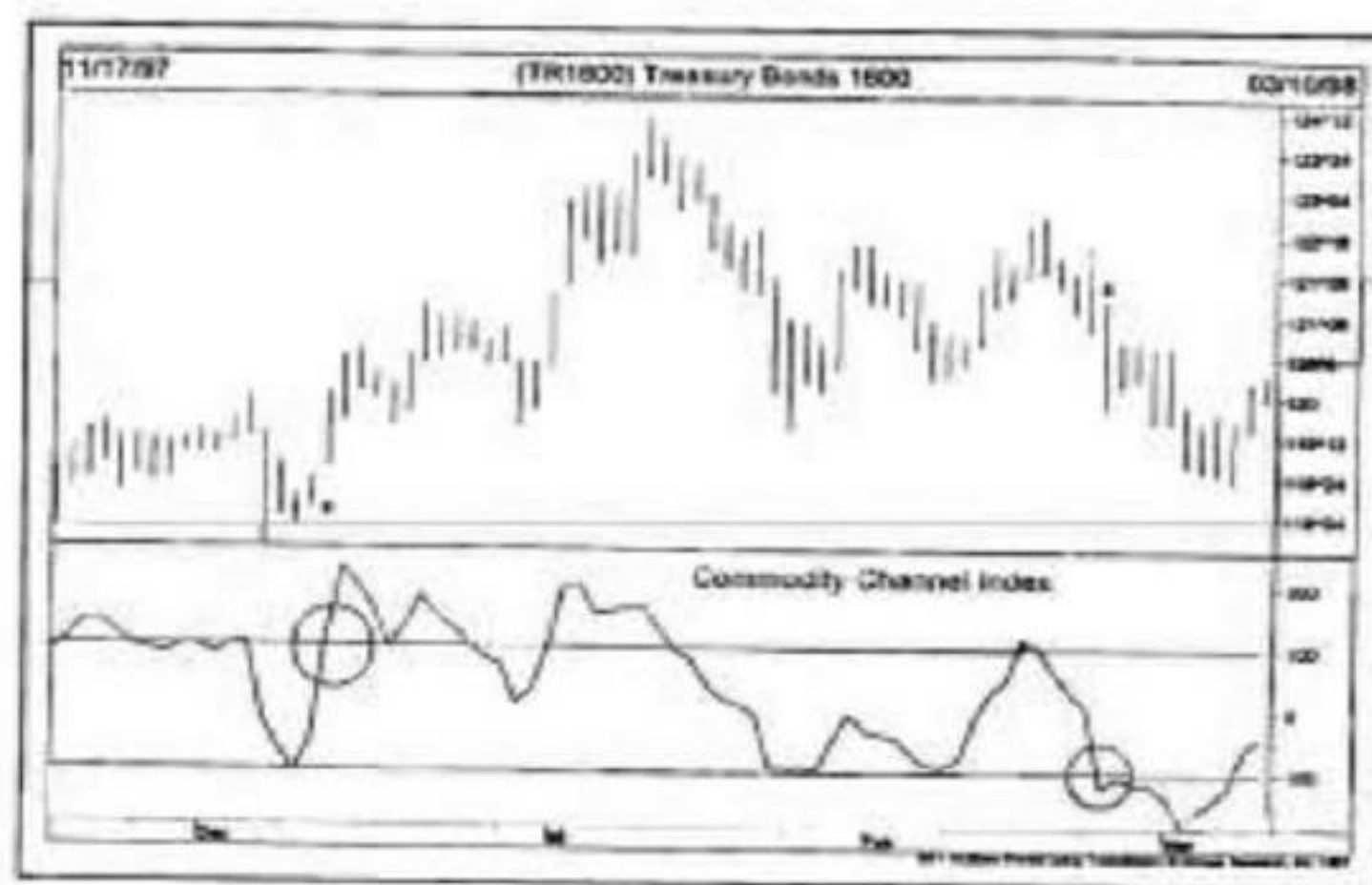
شکل ۱۰ - ۷ یک نمودار هیستوگرام برای تفاوت بین میانگین ۲ هفتگی. نمودار هیستوگرام‌ها در جهت روند قیمت جدید هفته‌ها قبل از عبور خط صفر واقعی بر نمودار هیستوگرام تغییر کرد. توجه کنید که چقدر به راحتی سطوح oversold و overbought دیده می‌شوند.

شاخص کانال کالا

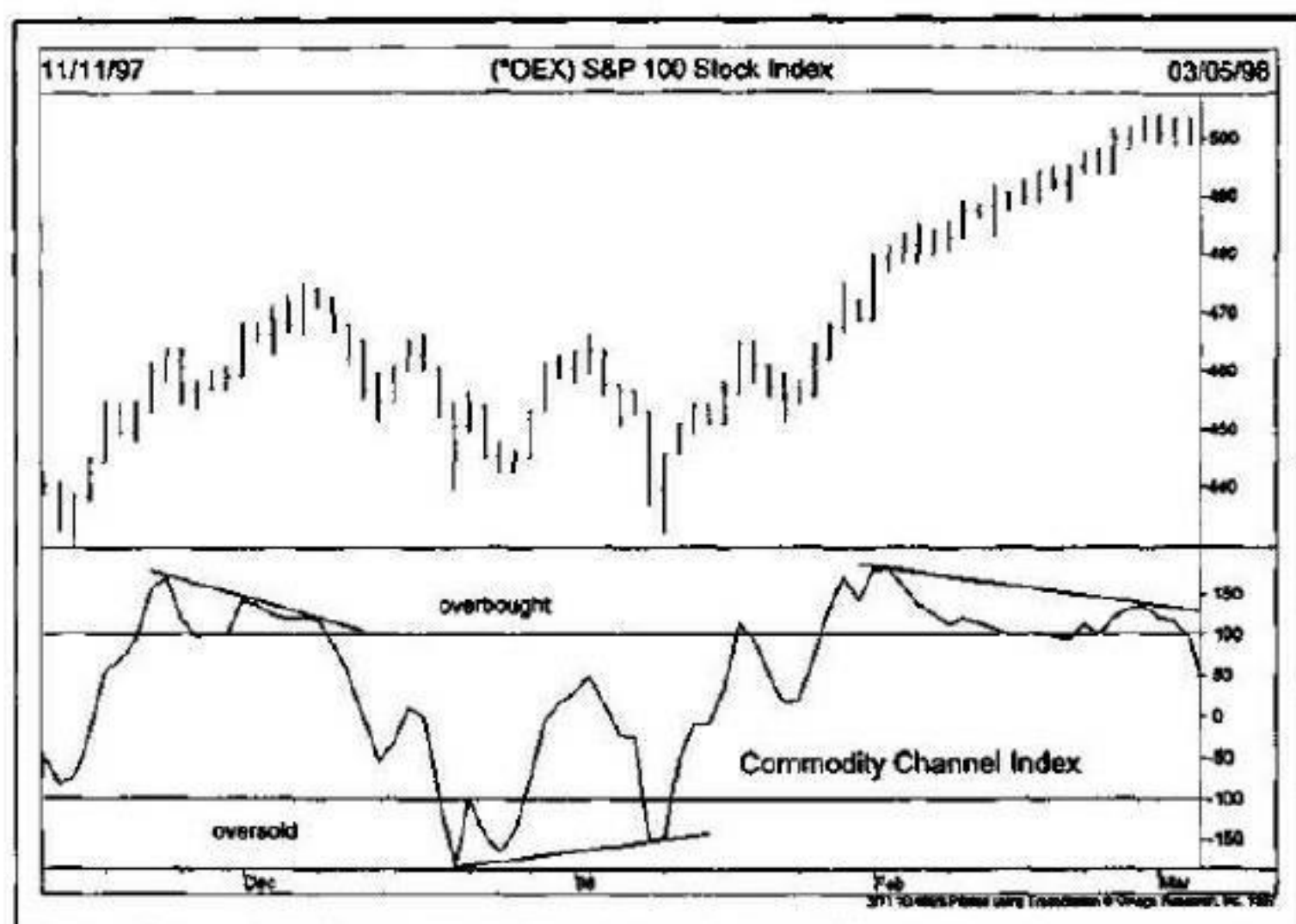
[illegible]

با این حال، به نظر می‌رسد که اغلب chartists به سادگی به عنوان یک نوسانگر oversold / overbought استفاده می‌کنند. مورد استفاده در این readings مد

+۱۰۰ در نظر گرفته می‌شوند و زیر ۱۰۰ oversold هستند. در حالی که شاخص کانال کالا در اصل برای کالاها توسعه یافته است، همچنین برای آتی شاخص سهام بازار و اختیار معاملاتی مانند P & S ۱۰۰ (OEX) مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند که ۲۰ روز مقدار پیش‌فرض مشترک برای اتاق بازرگانی و صنایع است، کاربر می‌تواند برای تنظیم حساسیت آن تعداد زیادی را تغییر دهد. (مراجعه به شکل‌های ۸.۱۰ و ۱۰.۹).



شکل ۱۰ - ۸ شاخص کانال کالای ۲۰ روز. هدف اصلی این شاخص خرید حرکت‌های بالاتر از +۱۰۰ و فروش زیر ۱۰۰ در همان نقطه نشان داده شده در اینجا است.



شکل ۱۰ - ۹ شاخص کانال کالا می‌تواند برای شاخص‌های سهام مانند این مورد استفاده قرار گیرد و همچنین می‌تواند مانند هر نوسانگر دیگر برای اندازه‌گیری افراط در بازار مورد استفاده قرار گیرد. توجه داشته باشید که اتاق بازرگانی و صنایع قبل از قیمت‌ها در بالا و پایین می‌چرخد. طول پیش‌فرض ۲۰ روز است.

اندازه قدرت (RSI):

The توسط جی. ولس، جی. و در کتاب ۱۹۷۸، مفاهیم جدید در سیستم‌های بازرگانی تکنیکال ارائه شد. ما فقط نکات اصلی را در اینجا تحت پوشش قرار می‌دهیم. مطالعه کار اصلی به وسیله وایلدن برای درمان عمق بیشتری توصیه می‌شود. از آنجا که این نوسان‌ساز خاص در میان بازرگانان مشهور است، ما از آن برای نشان دادن بیشتر اصول تحلیل نوسانگر استفاده خواهیم کرد. همانطور که وایلدن اشاره می‌کند، یکی از دو مشکل اصلی ایجاد یک خط انتقال (با استفاده از تفاوت قیمت) حرکت نامنظم است که اغلب با تغییرات شدید در مقادیر حذف می‌شود. یک پیشرفت شدید یا کاهش ۱۰ روز پیش (در مورد خط انتقال ۱۰ روزه) می‌تواند باعث تغییر ناگهانی شود.

حتی اگر قیمت فعلی تغییر کمی داشته باشد. بنابراین، برای به حداقل رساندن این distortions لازم است. مشکل دوم این است که نیاز به دامنه ثابت برای اهداف مقایسه وجود دارد. فرمول RSI نه تنها هموارسازی لازم را ارائه می‌دهد، بلکه مشکل دوم را با ایجاد یک محدوده عمودی ثابت ۰ تا ۱۰۰ حل می‌کند.

اصطلاح "قدرت نسبی"، نامی است و اغلب باعث سردرگمی در میان کسانی می‌شود که با آن اصطلاح آشنا هستند چون در تحلیل بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد. قدرت نسبی به طور کلی به معنای یک خط نسبت به مقایسه دو موجودیت مختلف است. نسبت سهام یا گروه صنعتی به شاخص ۵۰۰ P یک روش اندازه‌گیری قدرت نسبی سهام شرکت‌های مختلف یا گروه‌های صنعتی در برابر یک معیار عینی است. ما بعداً در این کتاب به شما نشان خواهیم داد که چقدر قدرت نسبی و یا تحلیل نسبت می‌تواند مفید باشد. Wilder's شاخص قدرت نسبی doesn't واقعاً قدرت نسبی بین هویت‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند و به این معنا، نام تا حدودی گمراه‌کننده است. با این حال، RSI مشکل حرکت نامنظم و نیاز به مرز بالا و پایین را حل می‌کند. فرمول واقعی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$RSI = 100 - \frac{100}{1 + RS}$$

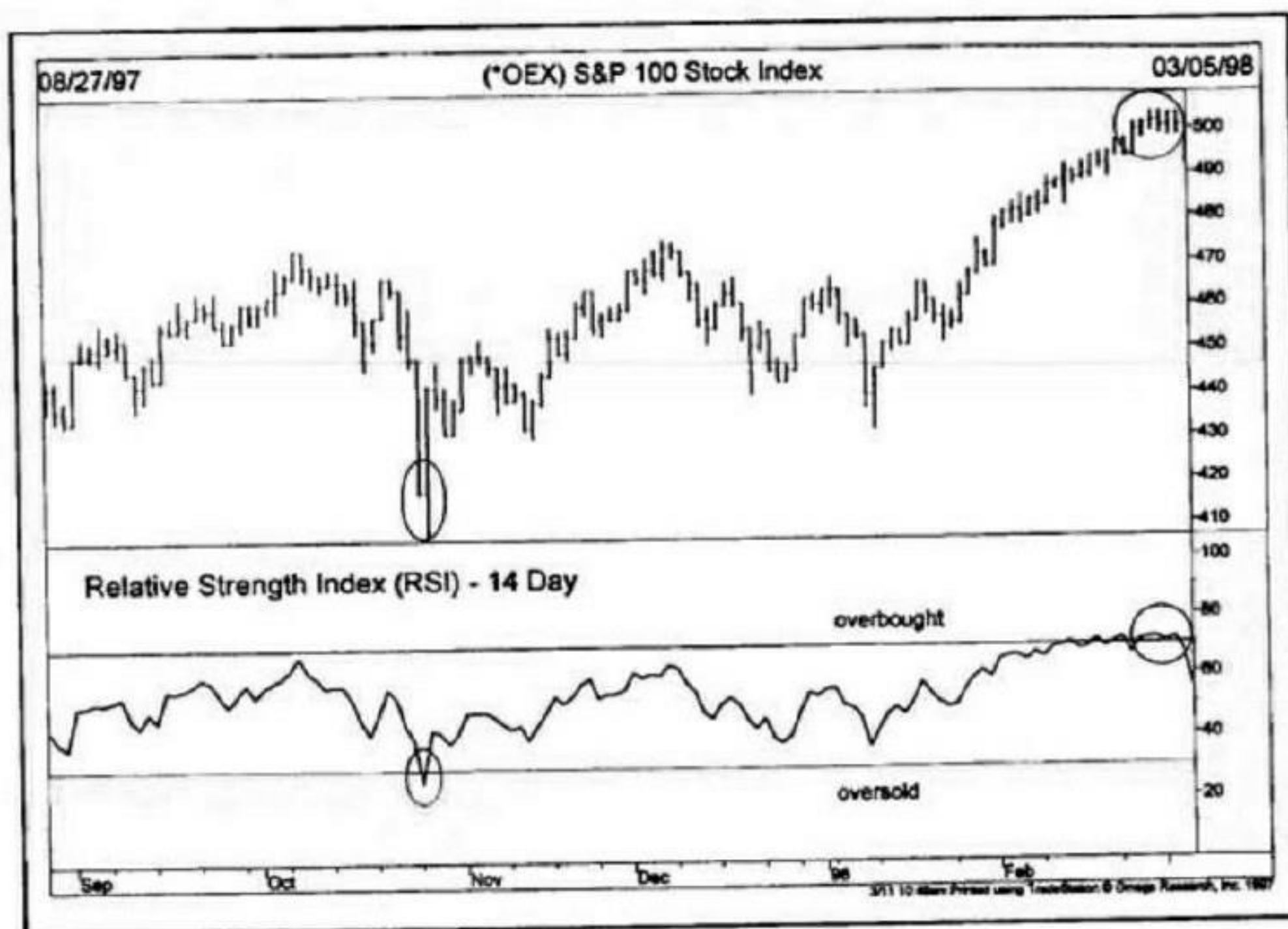
$$RS = \frac{\text{Average of } x \text{ days' up closes}}{\text{Average of } x \text{ days' down closes}}$$

چهارده روز در این محاسبه استفاده می‌شود؛ ۱۴ هفته برای چارت هفتگی استفاده می‌شود. برای پیدا کردن مقدار میانگین، مجموع امتیازات بدست‌آمده در طی ۱۴ روز و تقسیم کل آن در ۱۴ روز را اضافه کنید. برای پیدا کردن میانگین پایین، تعداد کل نقاط شکست شده در طول روزه‌ای پایین را اضافه کرده و آن را به ۱۴ عدد تقسیم کنید. سپس توان نسبی (RS) با تقسیم میانگین به طور متوسط به طور متوسط تعیین می‌شود. سپس این RS در فرمول for وارد فرمول می‌شود. تعداد روزها می‌تواند با تغییر ساده مقدار X متفاوت باشد.

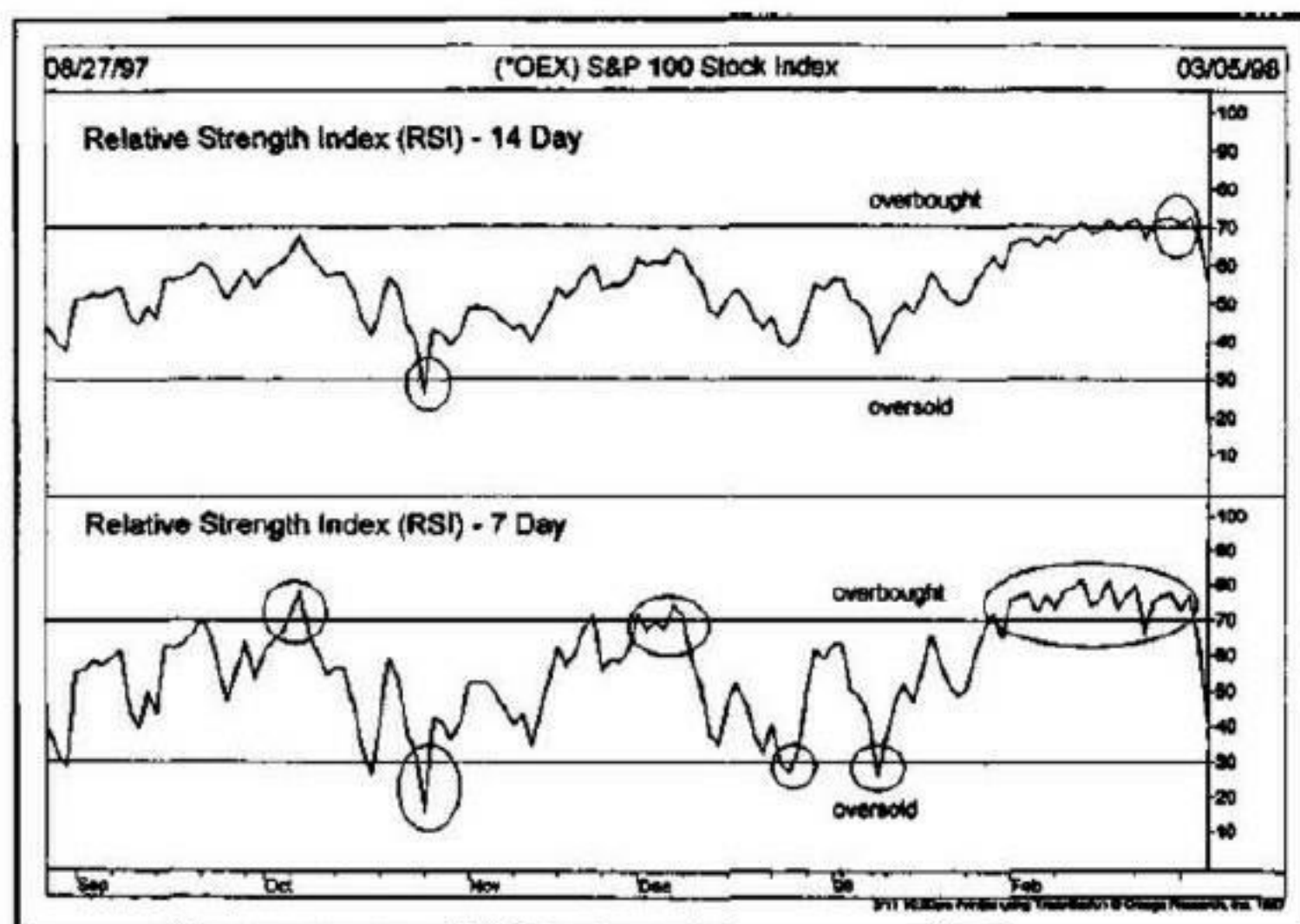
وایلدر در ابتدا یک دوره ۱۴ روزه استخدام کرده‌است. هر چه زمان کوتاه‌تر باشد، oscillator بیشتر می‌شود و دامنه آن گسترده‌تر می‌شود. زمانی که نوسانات آن به حد بالایی می‌رسد بهتر عمل می‌کند

Oscillators و بر خلاف نظر ۲۴۱

و افراط در تفریط. بنابراین، اگر کاربر بر پایه بلند مدت معامله کند و می‌خواهد نوسان oscillator مشخص‌تر شود، دوره زمانی را میتوان کوتاه‌تر کرد. دوره زمانی طولانی‌تر می‌شود تا the نرم‌تر و باریک‌تر شود. بنابراین دامنه در the ۹ روز بزرگ‌تر از ۱۴ روز اصلی است. در حالی که spans ۹ و ۱۴ روز رایج‌ترین مقادیر مورد استفاده هستند، تکنسین‌ها با دوره‌های دیگر آزمایش می‌شوند. برخی از طول کوتاه‌تر، مانند ۵ یا ۷ روز، برای افزایش نوسانات خط RSI استفاده می‌کنند. برخی دیگر از ۲۱ یا ۲۸ روز برای صاف کردن سیگنال‌های RSI استفاده می‌کنند. (مراجعه به شکل‌های ۱۰.۱۰ و ۱۱.۱۰).



شکل ۱۰ - ۱۰ شاخص مقاومت نسبی ۱۴ روز به بیش از ۷۰ و oversold زیر ۳۰ می‌رسد. این نمودار نشان می‌دهد که P & S ۱۰۰ در اکتبر و overbought در طول فوریه برنامه‌ریزی شده‌است.



شکل ۱۱.۱۰ - ۱۱.۱۰ دامنه خط RSI را میتوان با کوتاه کردن دوره زمانی گسترش داد. توجه داشته باشید که the ۷ روزه بیش از ۱۴ روز طول می کشد. این امر باعث می شود که این ۷ روز برای تجار کوتاه مدت مفیدتر باشد.

تفسیر RSI

روش ترکیبی به صورت عمودی رسم شده است. حرکات بالا در بالا به عنوان حرکتی در نظر گرفته می شوند، در حالی که یک شرط مرزی می تواند حرکتی تحت کنترل باشد. به دلیل تغییر در وضعیت موجود در بازار گاو و گاو، سطح آب و هوا معمولاً به سطح قابل قبولی در بازارهای بورس و سطح قابل تقسیم در بازارهای مالی تبدیل می شود.

همانطور که وایلد به آن ها می گوید، "نوسانات شکست" زمانی رخ می دهد که the بالای ۷۰ یا کمتر از ۳۰ سال است. نوسان بالای شکست زمانی رخ می دهد که یک پیک در the (بیش از ۷۰) از اوج قبلی در یک uptrend تجاوز نکند و پس از آن یک شکاف نزولی از آبشخور قبلی ایجاد می شود. نوسان شکست کف وقتی رخ می دهد که the در یک روند نزولی (زیر ۳۰) قرار داشته باشد، یک پایین جدید را تنظیم کند، و سپس پیش می رود تا از قله قبلی تجاوز کند. (به شکل های ۱۲.۱۰ a - b نگاه کنید).

۹۷ / ۲۶ / ۳۳

برنامه‌های

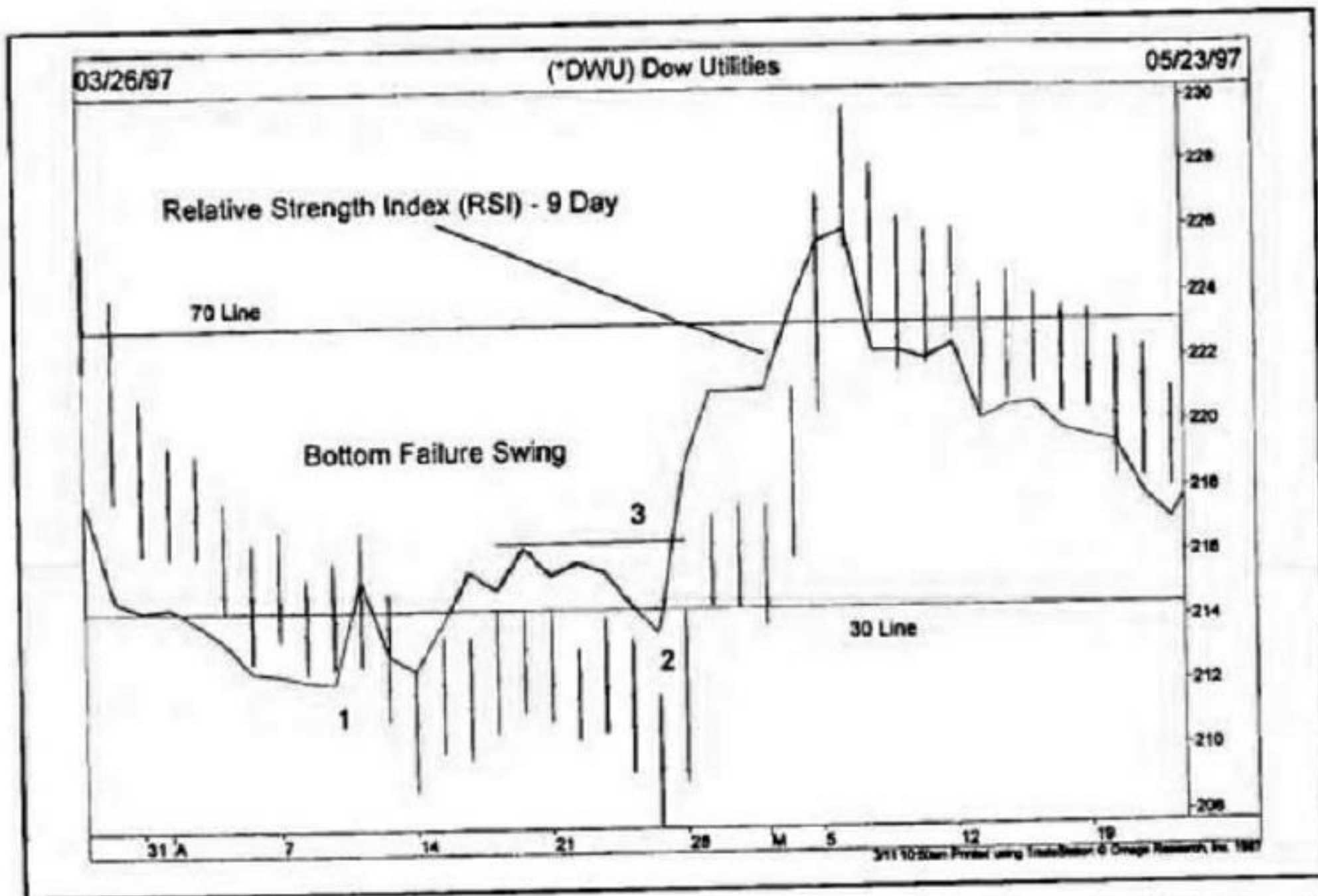
/ ۰۵

سودمند داو

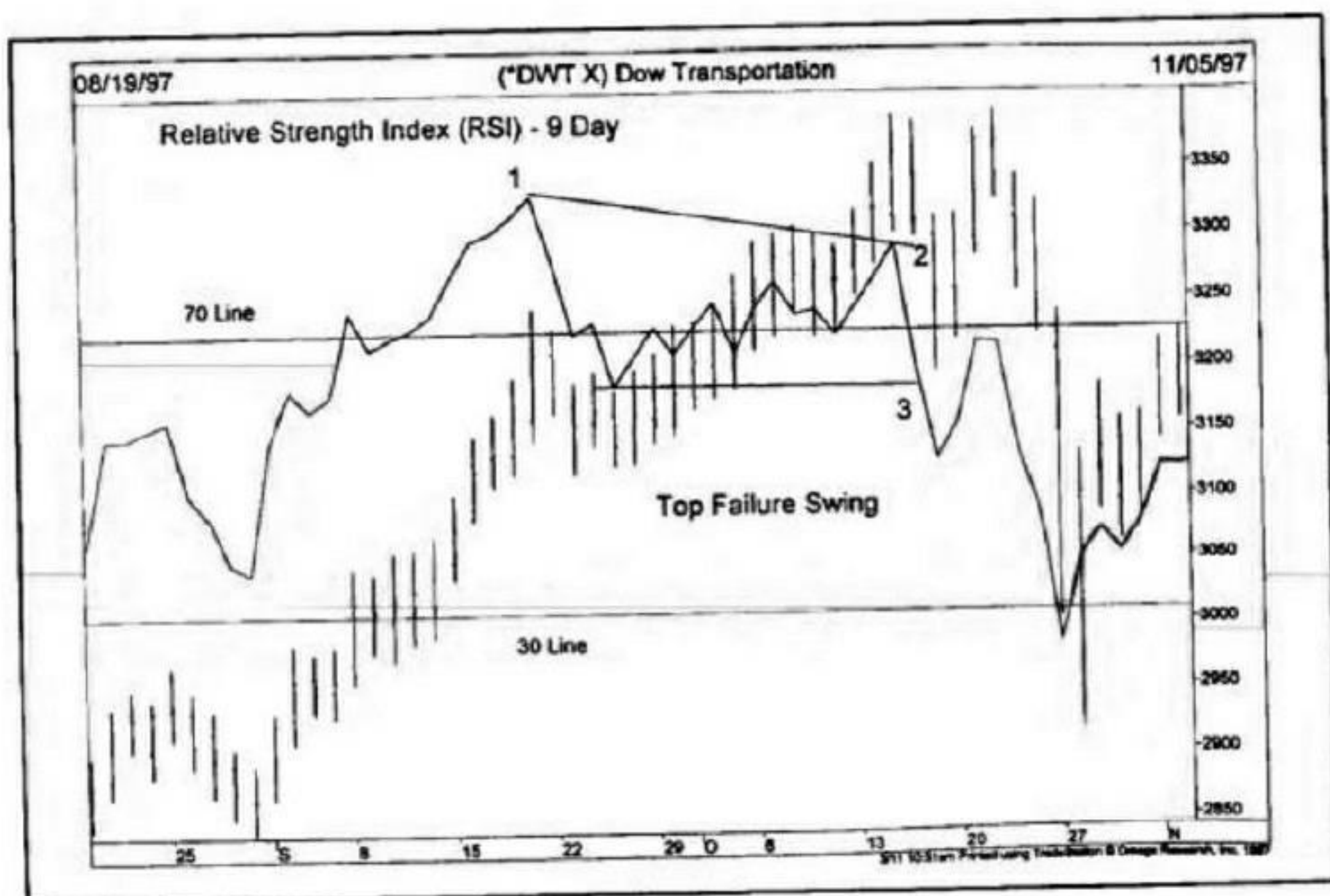
/ ۲۳

۹۷

شاخص قدرت نسبی (RSI) - ۹ روز



شکل ۱۲.۱۰ یک نوسان پایین شکست در خط RSI را نشان می‌دهد. دومین ناوه RSI (نقطه ۲) بالاتر از اولی است (نقطه ۱) در حالی که زیر ۳۰ سال است و قیمت‌ها هنوز در حال کاهش هستند. نفوذ وارونه قله RSI (نقطه ۳) نشان‌دهنده پایین است.



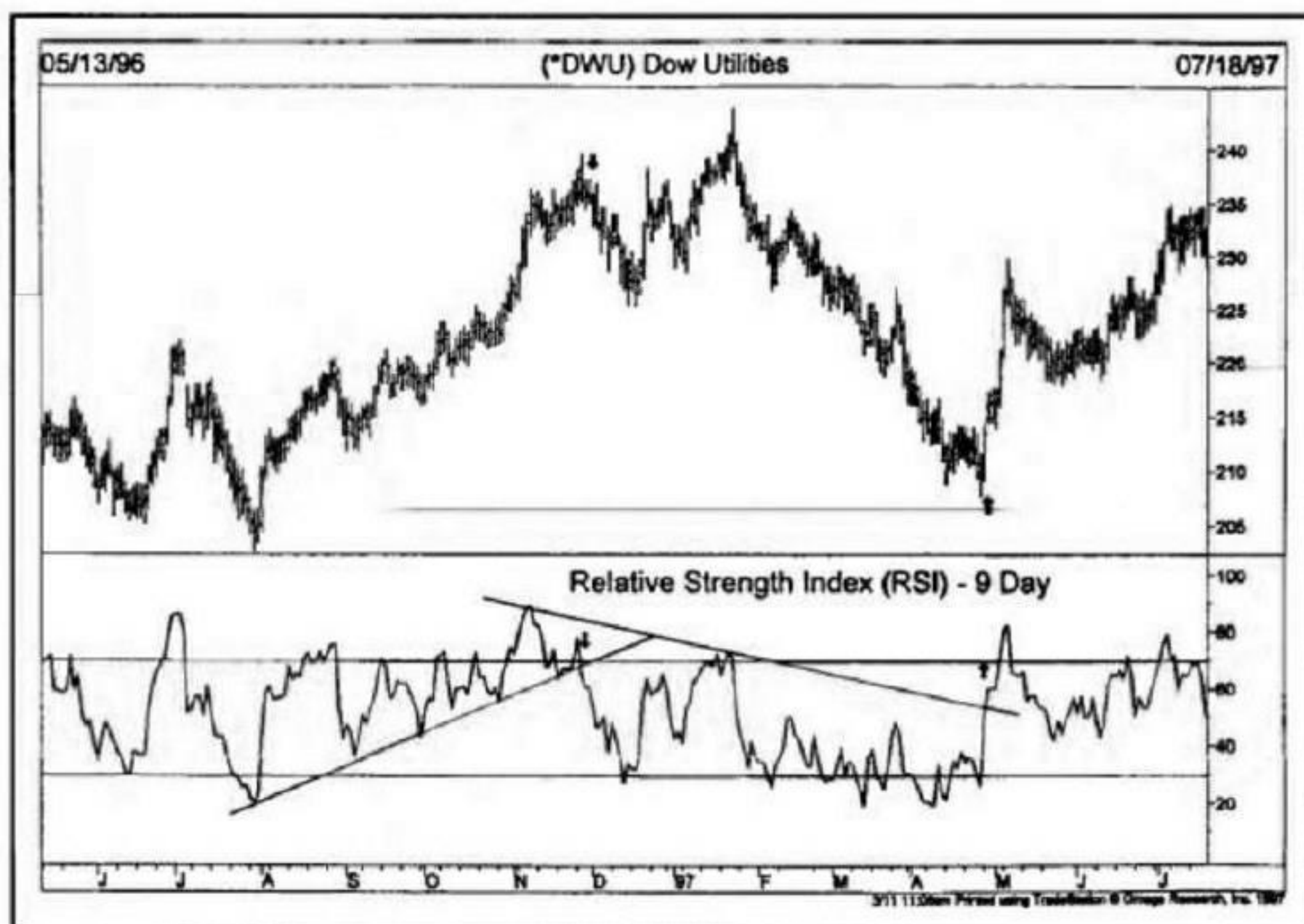
... the second peak (2) is lower than

شکل ۱۲.۱۰ b نشان دهنده نوسان بالای شکست است. دومین قله (۲) کمتر از اولی است (۱) در حالی که خط RSI بیش از ۷۰ است و قیمت‌ها هنوز در حال توسعه هستند. شکستن خط RSI در زیر آبشخور میانی (نقطه ۳) سیگنال‌های بالا را نشان می‌دهد.

Divergence بین the و خط قیمت، زمانی که the بالای ۷۰ یا کم‌تر از ۳۰ است، یک هشدار جدی است که باید به آن توجه شود. وایلدِر خود واگرایی "شاخص مقاومت نسبی" [وایلدِر را در نظر می‌گیرد. ۷۰].

آنالیز trendline می‌تواند برای تشخیص تغییرات در روند of بکار گرفته شود. میانگین متحرک می‌تواند برای همین منظور مورد استفاده قرار گیرد. (مراجعه به شکل ۱۳.۱۰).

دبلیو.



شکل ۱۳.۱۰ trendlines به طور موثر بر روی خط RSI کار می‌کند. شکستن دو RSI به موقع خرید و فروش سیگنال‌ها در این نمودار را داد (arrows را ببینید).

در تجربه شخصی من با RSI the، بزرگ‌ترین مقدار آن در نوسان شکست و یا divergences رخ می‌دهد که زمانی رخ می‌دهد که the بیش از ۷۰ یا کم‌تر است. Let's نکته مهم دیگری را در مورد استفاده از oscillators بیان می‌کنند. هر روند قدرتمند، چه بالا و چه پایین، معمولاً یک خوانش شدید نوسانگر را ایجاد می‌کند.

خیلی وقت است. در چنین مواردی، ادعا می‌شود که بازار is یا oversold معمولاً زود زود است و می‌تواند منجر به خروج زودرس از یک روند سودآور شود. در uptrends قوی، بازارهای overbought می‌توانند برای مدتی کوتاه بمانند. تنها به این دلیل که نوسان‌ساز به منطقه بالایی منتقل شده‌است، به اندازه کافی منطقی نیست که موقعیت طولانی را از بین ببرد (یا، حتی بدتر، کوتاه در the قوی).

اولین حرکت در منطقه overbought یا منطقه oversold معمولاً

یک هشدار است. سیگنال برای توجه نزدیک به حرکت دوم نوسان‌ساز به منطقه

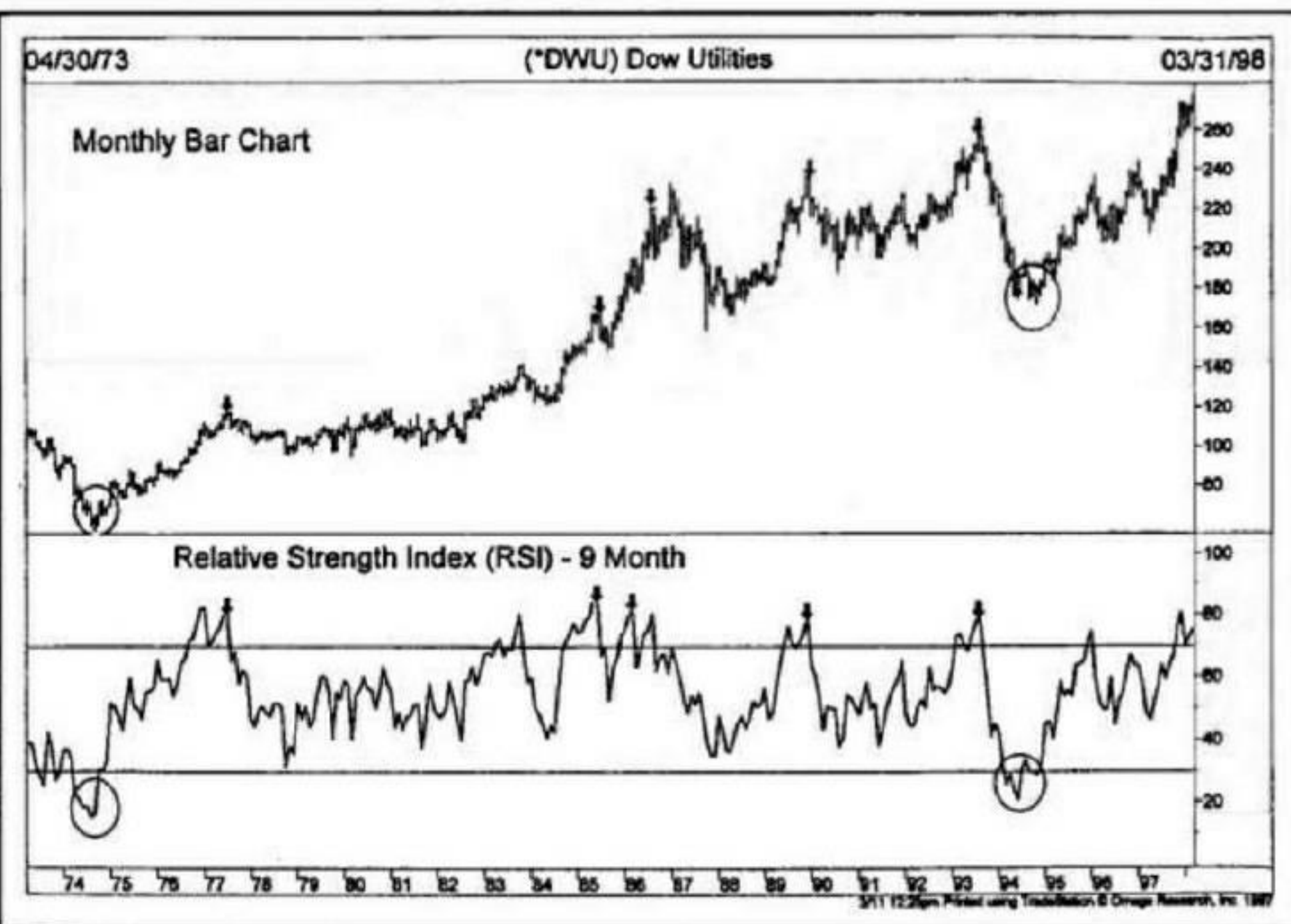
خطر است. اگر حرکت دوم موفق به تایید حرکت قیمت به سطوح بالاتر یا پایین (شکل بالا یا پایین بر روی the) شود، واگرایی ممکن وجود دارد. در این نقطه، برخی اقدام دفاعی را میتوان برای حفاظت از موقعیت‌های موجود انجام داد. اگر نوسانگر در جهت مخالف حرکت می‌کند، بالا یا پایین می‌رود، پس یک واگرایی یا نوسان شکست تایید می‌شود.

سطح ۵۰ نقطه میانی RSI است، و اغلب به عنوان پشتیبان در طول pullbacks و مقاومت در طول بازتاب عمل می‌کند. برخی از تجار به ترتیب عبور RSI از بالا و زیر ۵۰ سطح را به عنوان خرید و فروش به ترتیب انجام می‌دهند.

استفاده از خطوط ۷۰ و ۳۰ به GENERATE signals

خطوط افقی در نمودار نوسانگر در ۷۰ و ۳۰ مقدار ظاهر می‌شوند. تاجران اغلب از آن خطوط برای تولید و فروش سیگنال‌ها استفاده می‌کنند. ما از قبل می‌دانیم که یک حرکت زیر ۳۰ سال در مورد شرایط اضطراری هشدار می‌دهد. فرض کنید تاجر فکر می‌کند که بازار در حال پایین رفتن است و به دنبال یک فرصت خرید است. او یا با آن شیب oscillator را زیر نظر دارد.

علاوه بر این، ممکن است یک نوع واگرایی یا پایین دوگانه در the در این منطقه oversold ایجاد شود. بسیاری از بازرگانان به عنوان تاییدی بر این باورند که روند در oscillator افزایش یافته است. بر این اساس، در یک بازار overbought، عبوری از زیر خط ۷۰ می‌تواند به عنوان یک سیگنال فروش مورد استفاده قرار گیرد. (مراجعه به شکل ۱۴.۱۰).



شکل ۱۴.۱۰ نوسان‌ساز RSI را میتوان در جداول ماهیانه مورد استفاده قرار داد. توجه داشته باشید که دو سیگنال خرید بزرگ در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۹۴ به فروش می‌رسند. قله‌های overbought در خط RSI کار بسیار خوبی برای اشاره به قله‌های مهم در تاسیسات انجام دادند.

(D % K) STOCHASTICS

oscillator تصادفی توسط جورج لین (رئیس مربیان سرمایه‌گذاری، شرکت، Watseka، IL) مورد استقبال قرار گرفت. این امر بر پایه مشاهداتی است که با افزایش قیمت‌ها، قیمت بسته تمایل به نزدیک شدن به انتهای بالایی محدوده قیمت دارد. بالعکس، در downtrends قیمت پایانی نزدیک به انتهای پایینی محدوده است. دو خط در فرآیند تصادفی استفاده می‌شوند - خط % K و خط % D. خط % D مهم‌تر است و همانی است که سیگنال‌های اصلی را ارائه می‌دهد. هدف تعیین جایی است که آخرین قیمت نهایی در رابطه با محدوده قیمت برای یک دوره زمانی انتخاب شده می‌باشد. چهارده سال معمول‌ترین دوره زمانی است که برای این نوسانگر استفاده می‌شود. برای تعیین خط % D،

از این دو است، فرمول این است:

$$\%K = 100 [(C - L14) / (H14 - L14)]$$

Opinion Contrary و Oscillators

که در آن C آخرین نقطه است، ۱۴L در ۱۴ دوره زمانی پایینی قرار دارد و ۱۴H بالاترین میزان برای ۱۴ دوره زمانی است (۱۴ دوره می‌تواند به روزها، هفته‌ها و یا ماه‌ها اشاره کند).

این فرمول صرفاً براساس درصد ۰ تا ۱۰۰ است، که در آن قیمت بسته در رابطه با دامنه کل قیمت برای یک دوره زمانی انتخاب شده می‌باشد. یک مطالعه بسیار بالا (بیش از ۸۰) قیمت بسته را در بالای محدوده قرار می‌دهد، در حالی که یک مطالعه پایین (زیر ۲۰) نزدیک به پایین محدوده است.

خط دوم (D %) یک میانگین متحرک از خط K % است. این فرمول یک نسخه به نام *stochastics* سریع تولید می‌کند. با گرفتن یک دوره ۳ دوره دیگر به طور متوسط D %، نسخه هموارتر به نام *stochastics* آهسته محاسبه می‌شود. بسیاری از تجار به دلیل سیگنال‌های قابل اطمینان تری از the آهسته استفاده می‌کنند. *

این فرمول‌ها دو خط تولید می‌کنند که بین یک مقیاس عمودی از صفر تا ۱۰۰ نوسان می‌کنند. خط K یک خط سریع‌تر است در حالی که خط D یک خط کندتر است. سیگنال اصلی برای نظارت بر این امر، واگرایی بین خط D و قیمت بازار زیربنایی در زمانی است که خط D در منطقه‌ای *overbought* یا *oversold* قرار دارد. حد افراط در بالا و پایین، ۸۰ و ۲۰ مقدار هستند. (مراجعه به شکل ۱۵.۱۰).

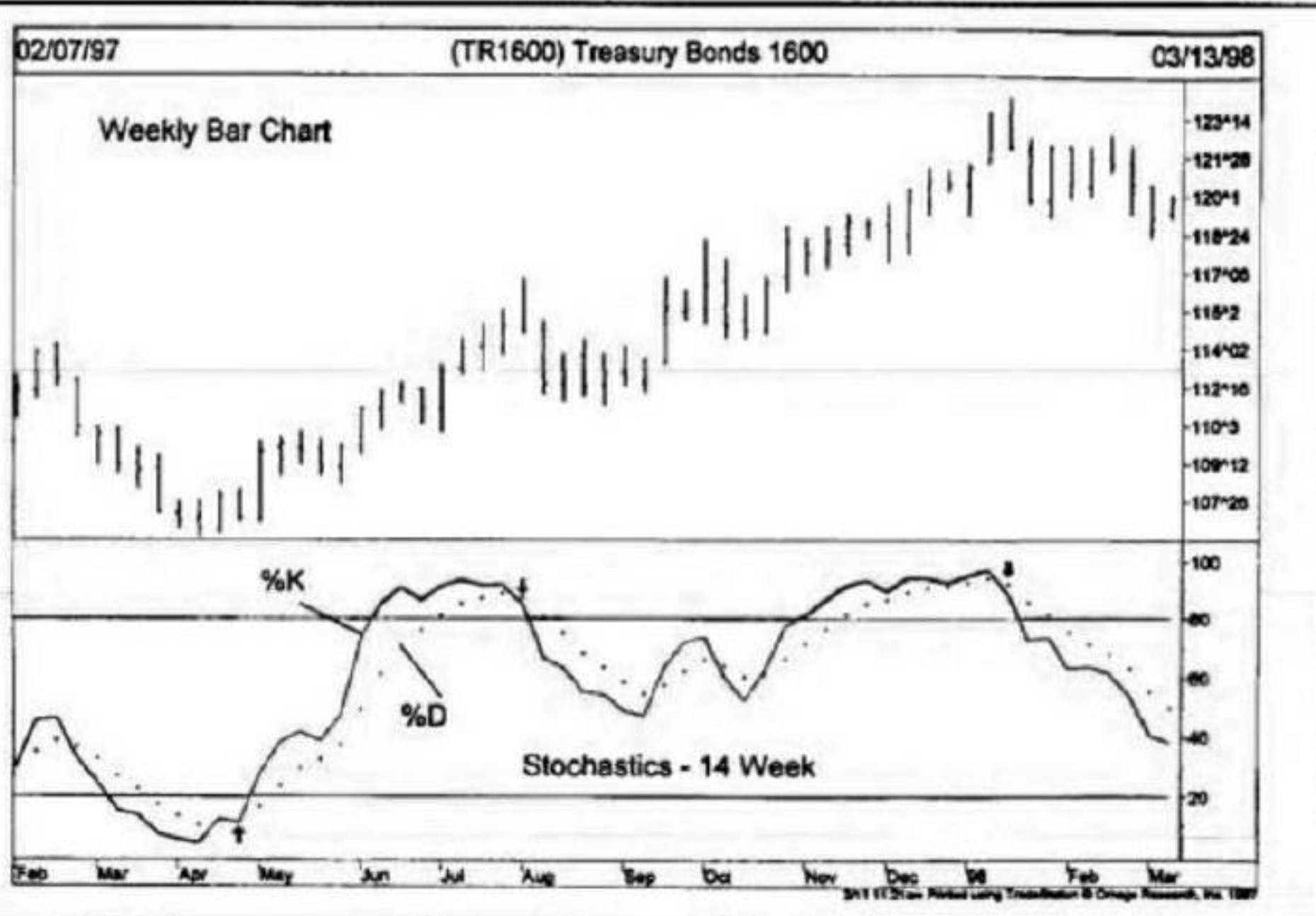
یک واگرایی نزولی زمانی رخ می‌دهد که خط D بالای ۸۰ است و دو قله رو به کاهش را شکل می‌دهد در حالیکه قیمت همچنان بالاتر می‌رود. هنگامی که خط D زیر ۲۰ سال است، یک واگرایی صعودی در حال حاضر وجود دارد و دو *bottoms* بالا را شکل می‌دهد در حالی که قیمت‌ها به پایین حرکت می‌کنند. با فرض این که تمام این فاکتورها به صورت محلی هستند، سیگنال خرید یا فروش واقعی زمانی ایجاد می‌شود که خط سریع‌تر K از خط آهسته‌تر عبور کند.

در استفاده از *Stochastics* اصلاحات دیگری وجود دارد، اما این توضیح نکات بنیادی‌تری را پوشش می‌دهد. با وجود سطح بالاتر پیچیدگی، تفسیر اولیه نوسانگر به همان شکل باقی می‌ماند. زمانی که خط D % در یک منطقه بسیار افراطی قرار دارد و از اقدام قیمت واگرا می‌شود، یک هشدار یا تنظیم شده وجود دارد. سیگنال واقعی زمانی رخ می‌دهد که خط D از خط سریع‌تر K عبور کند.

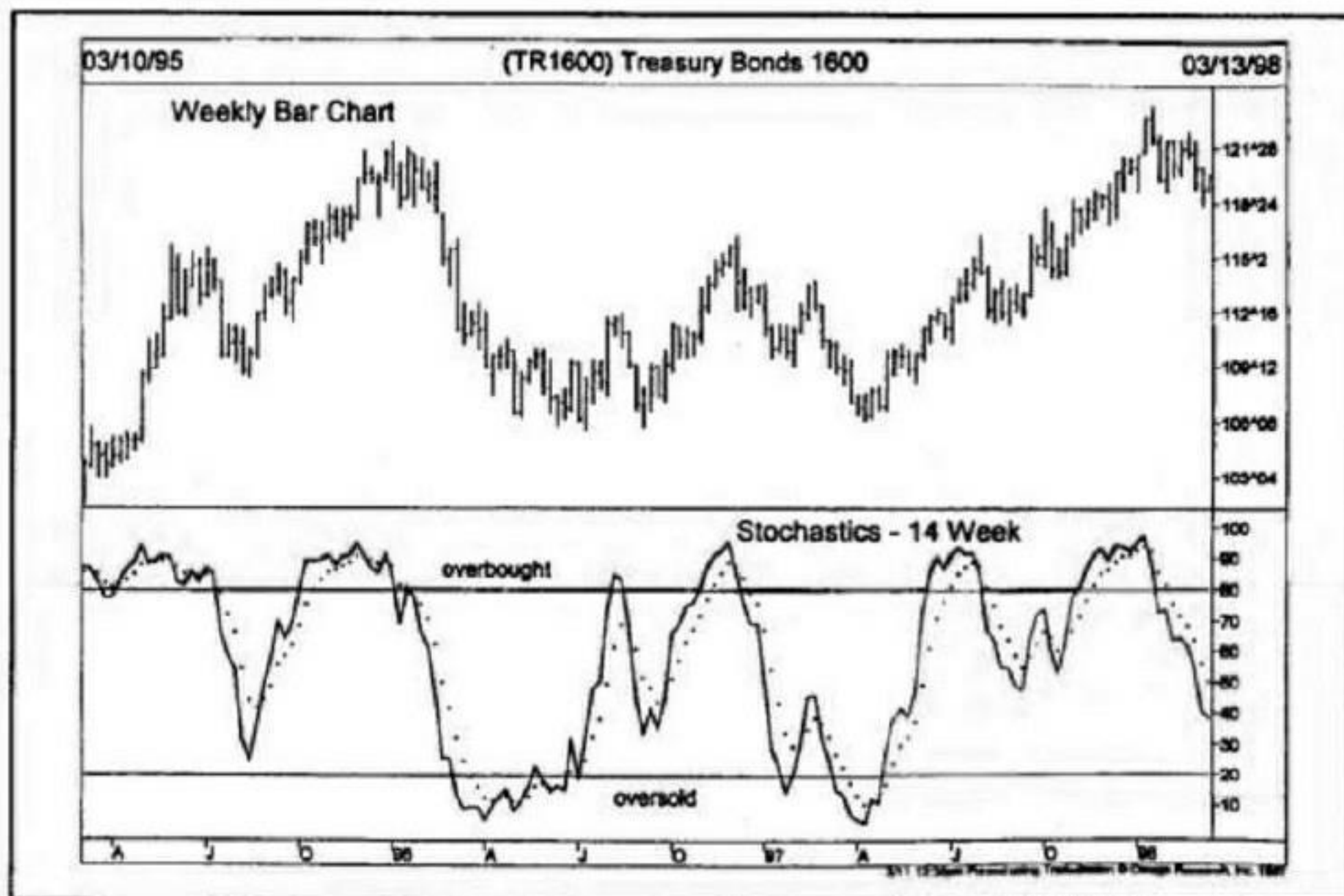
The تصادفی را میتوان در جدول‌های هفتگی و ماهانه برای چشم‌انداز برد طولانی‌تر مورد استفاده قرار داد. همچنین می‌تواند به طور موثر بر روی نمودارهای روزی برای مدت کوتاه تجاری استفاده شود. (مراجعه به شکل

یک راه برای ترکیب *stochastics* روزانه و هفتگی استفاده از سیگنال‌های هفتگی برای تعیین جهت بازار و سیگنال‌های روزانه برای زمان‌بندی است. It's همچنین یک ایده خوب برای ترکیب *stochastics* با RSI است. (مراجعه به شکل ۱۷.۱۰)

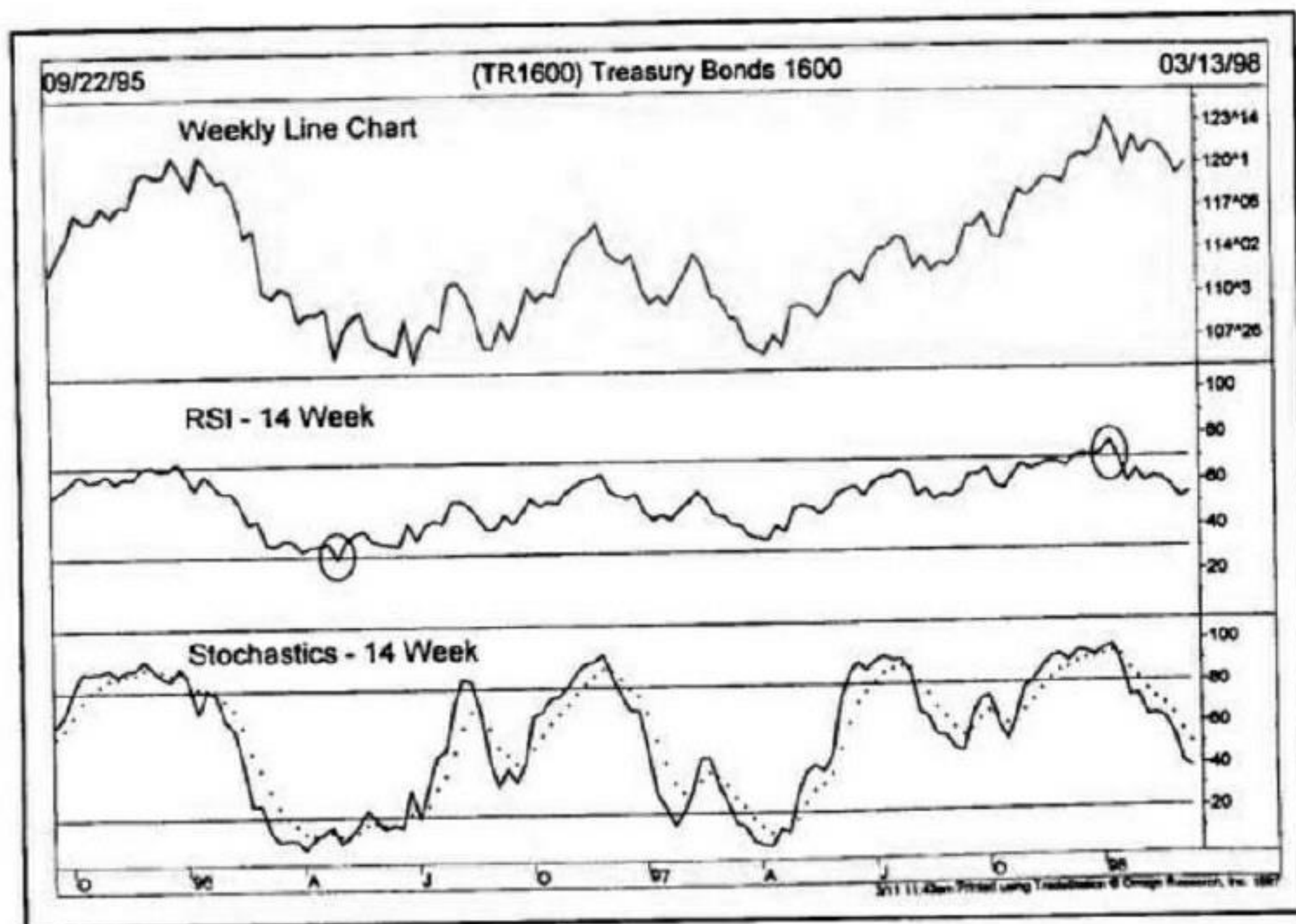
دومین هموار کردن، ۳ خط تولید می‌کند. *stochastics* سریع از دو خط اول استفاده می‌کند. *stochastics* کند از دو خط آخر استفاده می‌کند.



شکل ۱۵.۱۰ فلش‌های پایین‌تر، دو سیگنال فروش را نشان می‌دهد که زمانی رخ می‌دهد که خط سریع‌تر $\%K$ از پایین‌تر از خط پایین‌تر از سطح ۸۰ عبور می‌کند. The of the The of می‌کند. خط $\%K$ که بالاتر از خط $\%D$ در زیر ۲۰ قرار دارد سیگنال خرید (فلش) است.



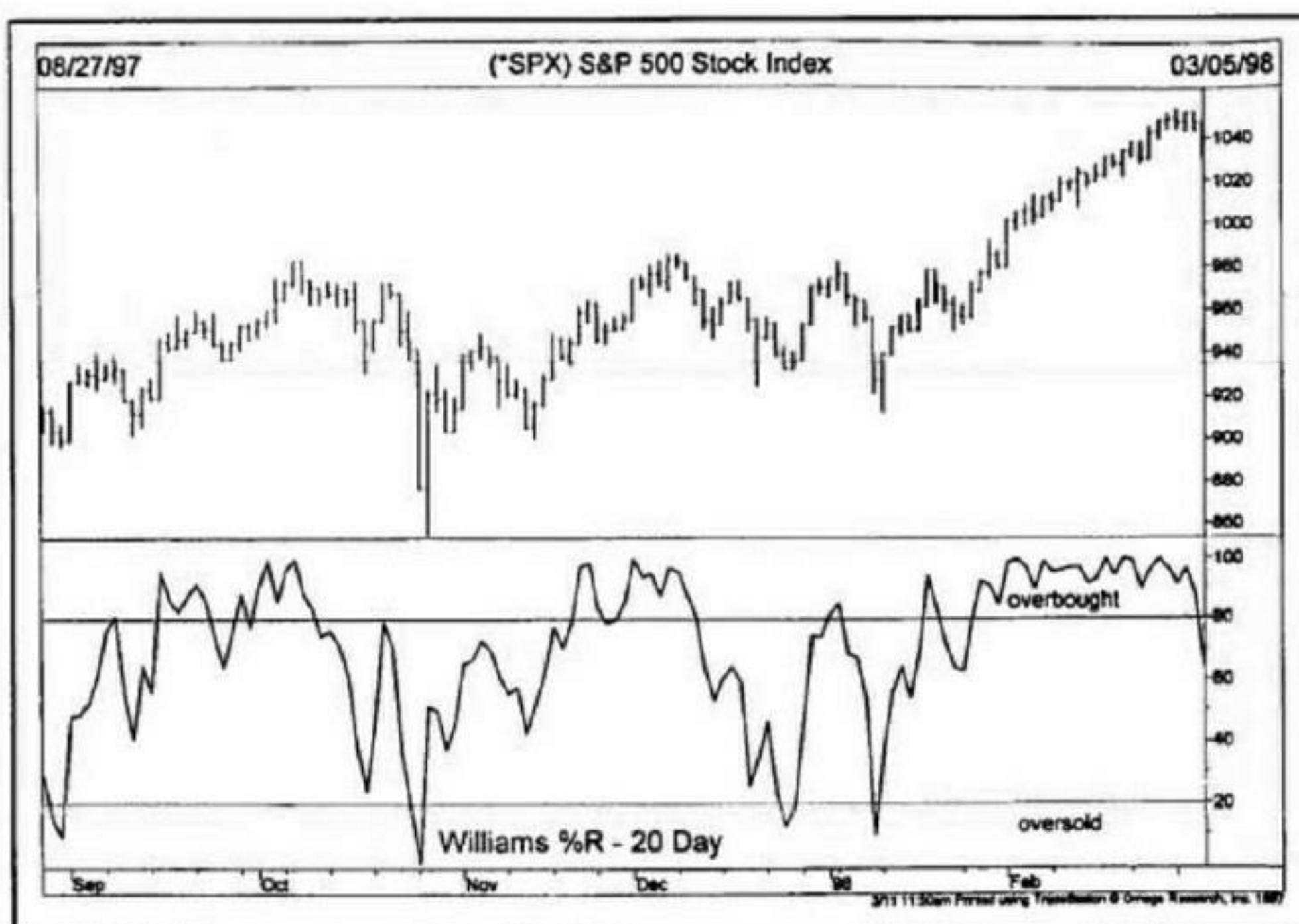
شکل ۱۰-۱۶- تبدیل شدن به اشتباهات ۱۴ هفته ای از بالای ۸۰ و کمتر از ۲۰، کار خوبی در پیش بینی چرخش های عمده در بازار اوراق قرضه بود . نمودار وقایع ممکن است برای ۱۴ روز، ۱۴ هفته یا ۱۴ ماه ساخته شود.



شکل ۱۷.۱۰ A مقایسه ۱۴ هفته RSI و stochastics را نشان می‌دهد. خط RSI کم‌تر متغیر است و کم‌تر از stochastics به حد افراط می‌رسد. بهترین سیگنال‌ها در زمانی رخ می‌دهند که هر دو oscillators در قلمرو oversold یا overbought باشند.

"ویلیامز" R %

لری ویلیامز R % براساس مفهوم مشابهی از اندازه‌گیری آخرین بسته در رابطه با محدوده قیمت آن طی چند روز است. Today's نزدیک از قیمت بالای محدوده برای چند روز مشخص می‌شود و تفاوت بین دامنه کلی برای مدت مشابه تقسیم می‌شود. مفاهیمی که پیش از این برای تفسیر نوسانگر به بحث گذاشته شده‌اند، به R % و همچنین عوامل اصلی حضور of در مناطق overbought یا oversold اعمال می‌شوند. (شکل ۱۸.۱۰ را ببینید) از آنجا که R % از بالا کسر می‌شود، شبیه یک وارونه است. برای تصحیح این، این بسته‌ها یک نسخه معکوس از R % را رسم می‌کنند.



شکل ۱۸.۱۰ لری ویلیامز $R\%$ به روش مشابه as دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعات بیش از ۸۰ یا کم‌تر از ۲۰ حد بازار را شناسایی می‌کنند.

انتخاب دوره زمانی Tied تا دوره

طول نوسان را میتوان به چرخه‌های بازار مرتبط دانست. یک دوره زمانی of طول چرخه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ورودی‌های زمان مردمی ۵، ۱۰ و ۲۰ روز براساس دوره‌های زمانی ۱۴، ۲۸ و ۵۶ روز هستند. RSI Wilder's از ۱۴ روز که نیمی از آن ۲۸ است استفاده می‌کند. در فصل قبل به چند دلیل بحث کردیم که چرا اعداد ۵، ۱۰ و ۲۰ به طور متوسط در سطح متحرک و فرمول‌های oscillator رشد می‌کنند، بنابراین ما می‌توانیم آن‌ها را در اینجا تکرار کنیم. همین قدر کافی است که در اینجا ذکر کنیم که ۲۸ روز تقویمی (۲۰ روز تجاری) یک چرخه تجاری مهم و مهم را نشان می‌دهد و ارقام دیگر مربوط به آن چرخه ماهانه هستند. محبوبیت روز ۱۰ روزه و طول ۱۴ روزه RSI عمدتاً مبتنی بر چرخه تجارت ۲۸ روزه و سنجش ۲۷ از ارزش آن چرخه تجاری غالب هستند. ما به اهمیت چرخه‌های در فصل ۱۴ برمی‌گردیم.

اهمیت روند

در این فصل، ما در مورد استفاده از the در تحلیل بازار بحث کردیم تا به تعیین شرایط near و oversold کمک کنیم و به بازرگانان هشدار دهیم که divergences احتمالی را ممکن سازند. ما با سرعت حرکت شروع کردیم. ما در مورد روش دیگری برای اندازه‌گیری نرخ تغییر (ROC) با استفاده از نسبت‌های قیمت به جای تفاوت‌ها بحث کردیم. سپس نشان دادیم که چگونه دو میانگین متحرک می‌تواند در مقایسه با spot کوتاه‌مدت و crossovers مقایسه شود. در نهایت، ما به RSI و Stochastics نگاه کردیم و در نظر گرفتیم که چگونه oscillators باید با چرخه‌های هماهنگ شوند.

انالیز Divergence بیش‌ترین ارزش را برای ما فراهم می‌کند. با این حال، خواننده نسبت به قرار دادن بیش از حد بر تجزیه و تحلیل واگرایی نسبت به نقطه‌ای که تحلیل روند پایه یا نادیده گرفته یا نادیده گرفته می‌شود، هشدار داده می‌شود. اکثر سیگنال‌های خرید oscillator در uptrends و سیگنال‌های فروش نوسانگر در downtrends بسیار سودآور هستند. مکانی که تحلیل بازار شما را شروع می‌کند همیشه با تعیین روند کلی بازار است. اگر این روند بالا رود، پس یک استراتژی خرید نامیده می‌شود. پس از آن می‌توان از Oscillators برای کمک به ورود به بازار زمان استفاده کرد. زمانی که بازار در یک uptrend قرار می‌گیرد خرید کنید. زمانی که بازار به روند نزولی تبدیل شود، بفروشید. یا، زمانی که حرکت نوسان‌ساز شتاب بالاتر از خط صفر باشد، هنگامی که روند اصلی صعودی است و عبوری زیر خط صفر در بازار خرس را به فروش می‌رساند. اهمیت تجارت در جهت روند اصلی را نمیتوان اغراق کرد. خطر قرار دادن بیش از حد بر روی oscillators توسط خود، وسوسه استفاده از واگرایی به عنوان یک بهانه برای آغاز معاملات بر خلاف روند کلی است. این عمل به طور کلی یک ورزش پر هزینه و پر هزینه را ثابت می‌کند. نوسان‌ساز، به همان اندازه که مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها یک ابزار در میان بسیاری از افراد دیگر است و باید همواره به عنوان یک کمک، نه یک جایگزین، برای تحلیل روند پایه مورد استفاده قرار گیرد.

هنگامی که **MOST oscillators** است،

وقت‌هایی هست که نوسانگرهای بیشتر از بقیه مفیدتر هستند. در طول دوره‌های بازار متلاطم، همزمان با حرکت قیمت‌ها به مدت چند هفته یا ماه، نوسانگرهای حرکت قیمت را خیلی نزدیک پی‌گیری می‌کنند

ly. The و troughs بر روی نمودار قیمت تقریباً به طور دقیق و با peaks و troughs روی the همزمان شده‌اند. چون هم قیمت و هم oscillator به سمت چپ حرکت می‌کنند، خیلی شبیه هم هستند. با این حال، در برخی موارد شکست قیمت رخ می‌دهد و یک uptrend جدید یا روند نزولی شروع می‌شود. با ماهیت بسیار، the در حال حاضر در موقعیت شدیدی قرار دارد که شکست در حال رخ دادن است. اگر شکست به صورت وارونه باشد، oscillator در حال حاضر overbought است. خواندن oversold معمولاً همراه با یک شکست منفی همراه است. تاجر با یک معضل مواجه است. آیا او این شکست صعودی را در مواجهه با خواندن oscillator overbought خریداری می‌کند؟ آیا این شکست می‌تواند به یک بازار oversold فروخته شود؟

در چنین مواردی، نوسان‌ساز به بهترین نحو در زمانی که موجود بوده و موقعیت گرفته‌شده، نادیده گرفته می‌شود. دلیل این امر این است که در مراحل اولیه یک روند جدید، به دنبال یک شکست مهم، oscillators اغلب به سرعت به extremes می‌رسند و مدتی در آنجا می‌مانند. تحلیل روند پایه باید در چنین مواقعی ملاحظات اصلی باشد، با oscillators که نقش کمتری دارند. بعداً وقتی که روند به بلوغ می‌رسد، the باید وزن بیشتری داده شود. (ما در فصل ۱۳ می‌بینیم، که پنجمین و آخرین موج در آنالیز موج الیوت اغلب توسط بازرگانان خشن مورد تایید قرار می‌گیرد)، اما بسیاری از حرکات پویای bull توسط بازرگانان نادیده گرفته شده‌است، اما تصمیم گرفتند قبل از خرید به یک وضعیت oversold بروند. به طور خلاصه، توجه کمتری به نوسانگر در مراحل اولیه یک حرکت مهم، اما به سیگنال‌های آن به عنوان حرکت به بلوغ توجه کنید.

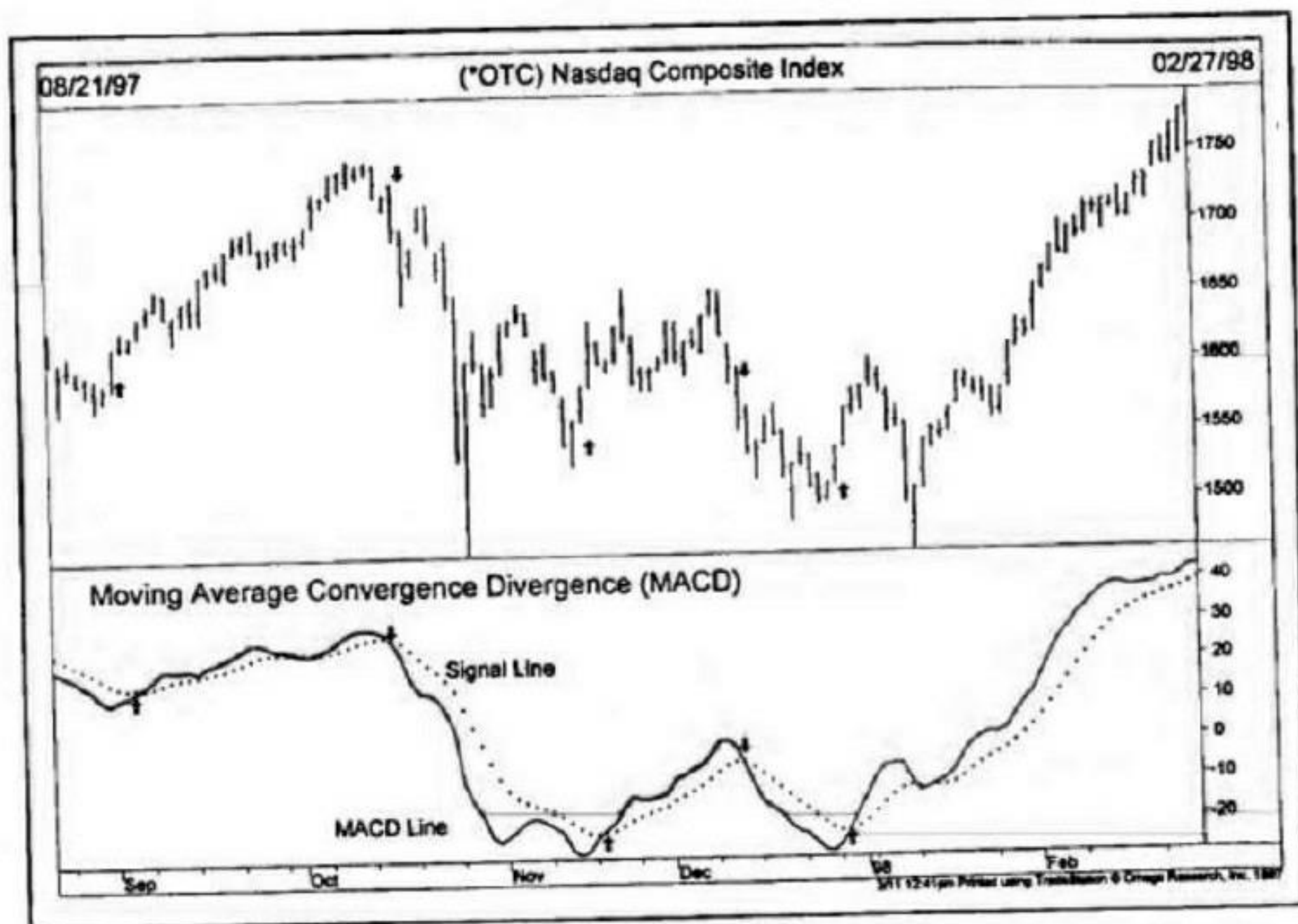
انتقال به **divergence / CONVERGENCE (MACD)**

ما در فصل قبل یک تکنیک نوسانگر که از دو میانگین متحرک نمایی استفاده می‌کند و در اینجا وجود دارد، اشاره کردیم. معیار هم‌گرایی میانگین متحرک، یا به سادگی MACD، توسط جرال د ایل توسعه داده شد. چیزی که این شاخص را اینقدر مفید می‌سازد این است که برخی از اصول نوسانگر را که قبلاً با یک روش تقاطع میانگین متحرک دوگانه توضیح دادیم، ترکیب می‌کند. شما تنها دو خط در صفحه کامپیوتر خود خواهید دید اگر چه سه خط در محاسبات خود به کار می‌رود. تندتر

Opinion Contrary و Oscillators

خط (خط MACD) تفاوت بین دو نمایشگاه است - nentially میانگین متحرک قیمت‌های بسته (معمولاً روزه‌ای ۱۲ و ۲۶ روز یا هفته) را هموار می‌کند. خط آهسته‌تر (که خط سیگنال نامیده می‌شود) معمولاً یک دوره ۹ است که به صورت نمایی به طور متوسط از خط MACD عبور می‌کند. اپل در ابتدا یک مجموعه از اعداد برای خرید سیگنال‌ها و دیگر سیگنال‌های فروش را توصیه می‌کرد. بالاینحال، اکثر تاجران از مقادیر پیش‌فرض ۱۲، ۲۶ و ۹ در همه نمونه‌ها استفاده می‌کنند. این شامل مقادیر هفتگی و هفتگی می‌شود. (به شکل ۱۹.۱۰ a نگاه کنید.)

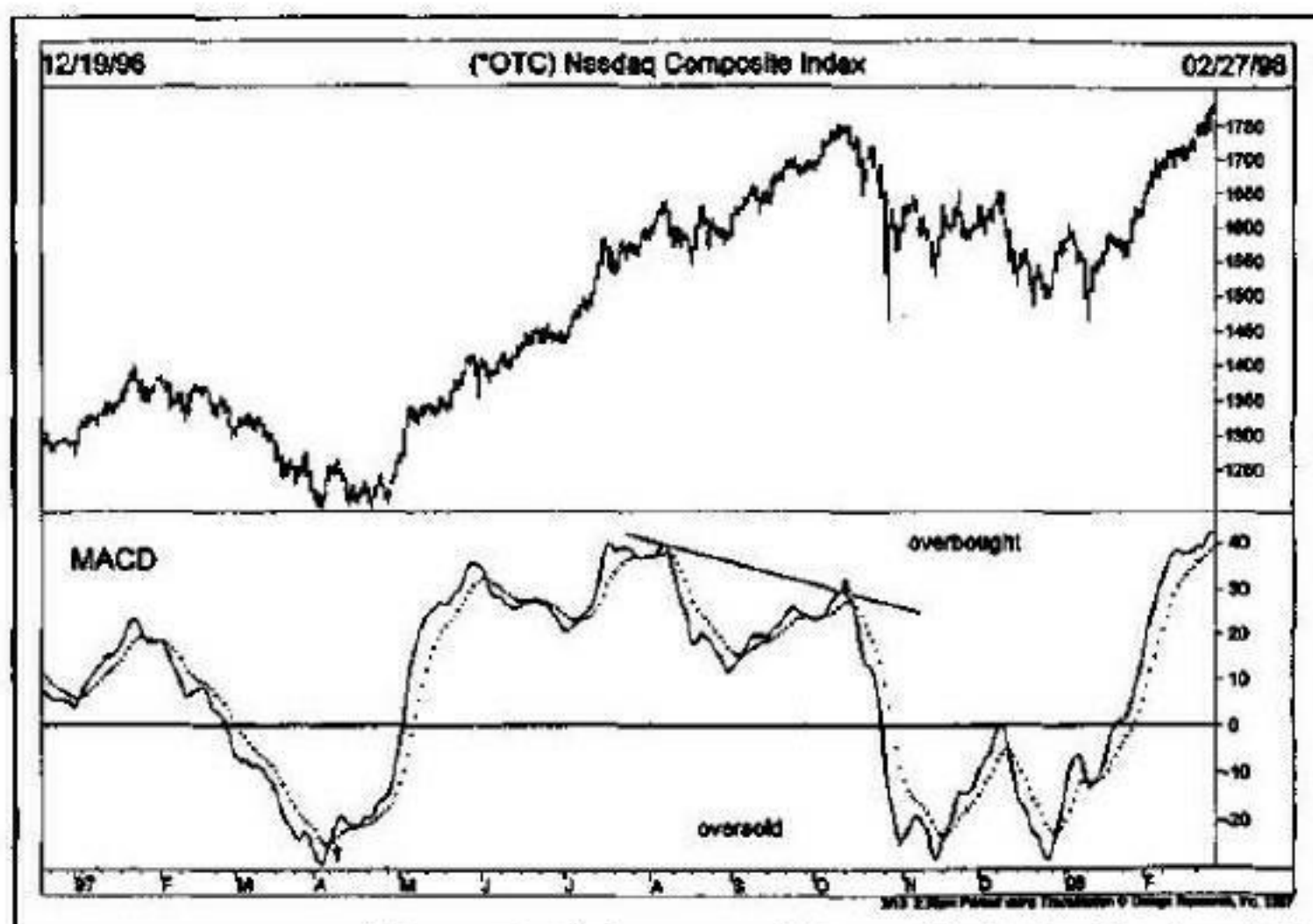
وقتی دو خط عبور می‌کنند، سیگنال خرید و فروش واقعی داده می‌شود. عبور از خط MACD سریع‌تر بالای خط سیگنال کندتر یک سیگنال خرید است. عبور از خط سریع‌تر در زیر کندتر یک سیگنال فروش است. به این معنا، MACD به روش تقاطع میانگین متحرک دوگانه شباهت دارد. با این حال، مقادیر MACD نیز در بالا و زیر یک خط صفر قرار دارند. That's که در آن شروع به شبیه به یک oscillator می‌کند. یک شرط overbought در زمان حاضر وجود دارد که



شکل ۱۹.۱۰ یک سیستم همگرا میانگین متحرک دو خط را نشان می‌دهد. یک سیگنال زمانی داده می‌شود که خط MACD سریع‌تر از خط سیگنال کندتر عبور می‌کند. این فلش‌ها پنج سیگنال تجاری را در این نمودار از شاخص Nasdaq Composite نشان می‌دهند.

خطوط بیش از حد از خط صفر فاصله دارند. یک شرط oversold زمانی وجود دارد که خطوط خیلی پایین‌تر از خط صفر قرار دارند. بهترین سیگنال خرید زمانی داده می‌شود که قیمت پایین‌تر از خط صفر باشد (oversold). Crossings بالا و زیر خط صفر به ترتیب راهی دیگر برای تولید و فروش سیگنال‌ها هستند، مشابه تکنیک تکانه که قبلاً بحث کردیم.

divergences بین روند خطوط MACD و خط قیمت ظاهر می‌شوند. هنگامی که خطوط MACD بخوبی بالاتر از خط صفر هستند (overbought) و شروع به ضعیف شدن در حالی که قیمت‌ها به روند بالاتر ادامه می‌دهند، واگرایی وجود دارد. این اغلب هشدار از بالا بودن بازار است. یک نقطه مثبت یا صعودی، واگرایی زمانی وجود دارد که خطوط MACD به خوبی زیر خط صفر قرار دارند (oversold) و شروع به بالا رفتن از خط قیمت می‌کنند. این اغلب نشانه اولیه یک بازار است. trendlines ساده را میتوان بر روی خطوط MACD رسم کرد تا به شناسایی تغییرات مهم روند کمک کند. (به شکل ۱۹.۱۰ b نگاه کنید).

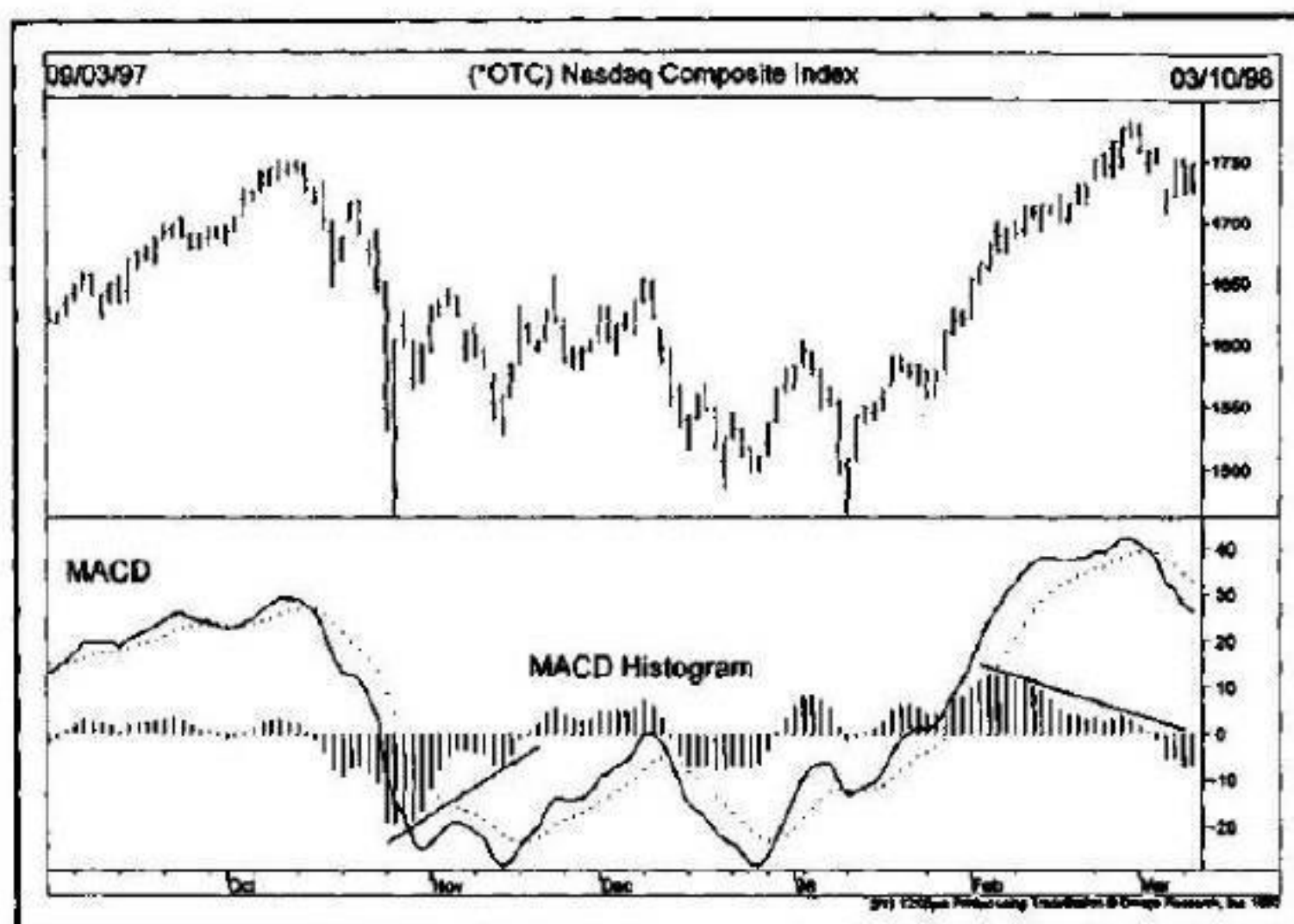


شکل ۱۹.۱۰ ب خطوط MACD حول یک خط صفر نوسان می‌کند و به آن کیفیت یک نوسان‌ساز را می‌دهد. بهترین سیگنال خرید در زیر خط صفر رخ می‌دهد. بهترین سیگنال‌ها از بالا می‌آیند. توجه کنید که واگرایی منفی در ماه اکتبر داده‌شده (فلش را ببینید).

HISTOGRAM" "MACD

ما قبلاً در این فصل به شما نشان دادیم که چگونه یک هیستوگرام می‌تواند ایجاد شود که تفاوت بین دو خط میانگین متحرک را ترسیم کند. با استفاده از همان تکنیک، دو خط MACD را میتوان به نمودار هیستوگرام MACD تبدیل کرد. هیستوگرام‌ها شامل میله‌های عمودی هستند که تفاوت بین دو خط MACD را نشان می‌دهند. نمودار هیستوگرام یک خط صفر از خودش دارد. هنگامی که خطوط MACD در هم‌ترازی مثبت (خط سریع‌تر بالای کندتر) قرار دارند، هیستوگرام بالای خط صفر آن قرار می‌گیرد. نمودار هیستوگرام‌ها با نمودار هیستوگرام بالا و زیر خط صفر با تقاطع واقعی با تقاطع واقعی و خرید و فروش سیگنال مطابقت دارد.

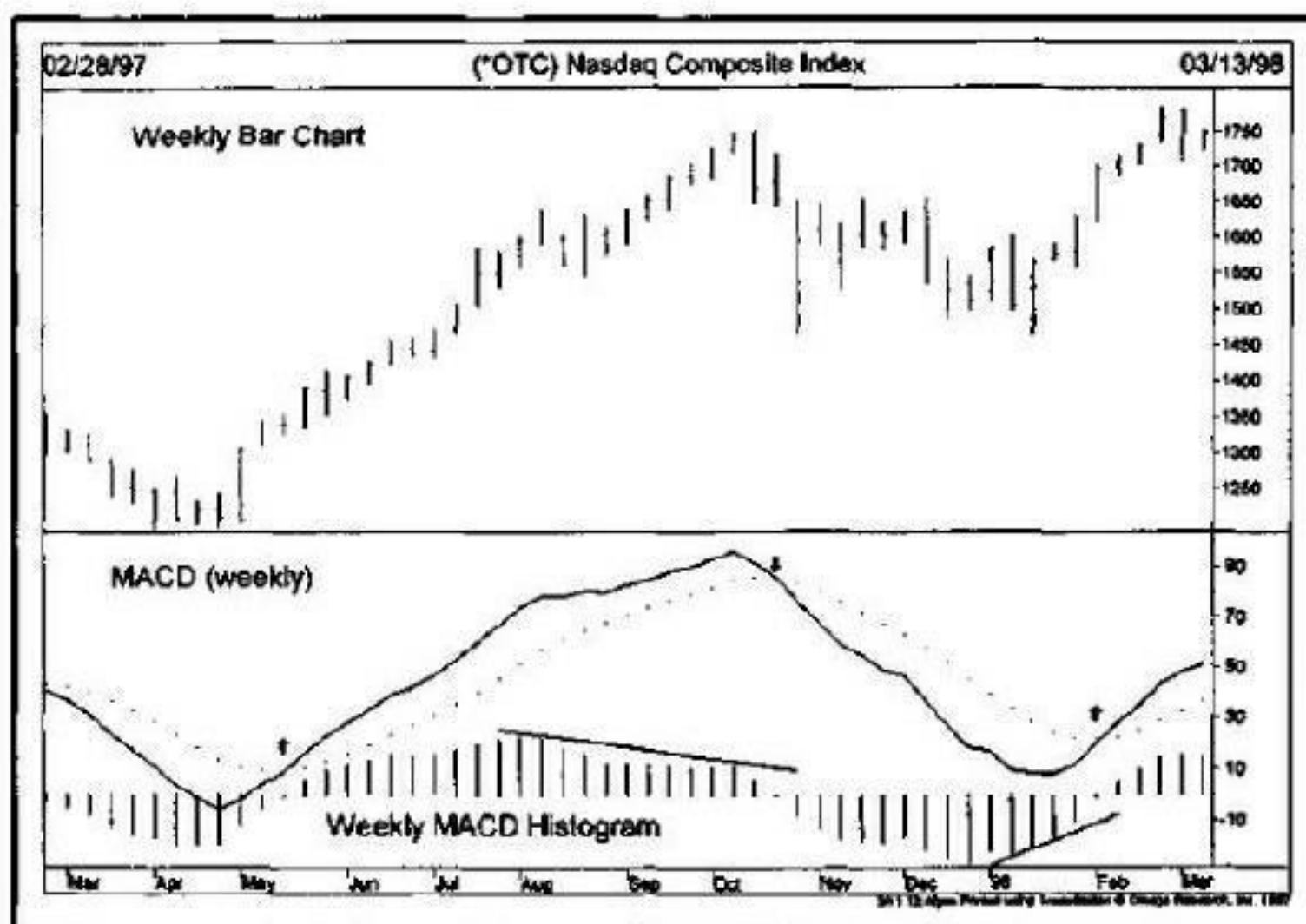
ارزش واقعی هیستوگرام نشان می‌دهد زمانی که گسترش بین دو خط گسترش یا محدود می‌شود. هنگامی که هیستوگرام بر روی خط صفر قرار می‌گیرد (مثبت) اما شروع به پایین رفتن به سمت خط صفر می‌کند، the ضعیف می‌شود. بالعکس، هنگامی که هیستوگرام زیر خط صفر آن باشد (منفی) و شروع به بالا رفتن به سمت خط صفر می‌کند، روند نزولی حرکت خود را از دست می‌دهد. اگر چه هیچ سیگنال خرید یا فروش واقعی وجود ندارد تا زمانی که هیستوگرام از خط صفر آن عبور کند، نمودار هیستوگرام‌ها هشدارهای اولیه را ارائه می‌دهد که روند فعلی در حال از دست دادن حرکت است. بر روی نمودار برگشت به سمت خط صفر، همیشه از سیگنال‌های تقاطع واقعی پیشی می‌گیرد. به نوبت برای تشخیص سیگنال‌های خروجی اولیه از موقعیت‌های موجود استفاده می‌شود. استفاده از هیستوگرام به عنوان بهانه‌ای برای شروع موقعیت جدید در برابر روند رایج بسیار خطرناک‌تر است. (به شکل ۲۰.۱۰ a نگاه کنید.)



شکل ۲۰.۱۰ یک نمودار هیستوگرام MACD تفاوت بین دو خط MACD را نشان می‌دهد. سیگنال در تقاطع خط صفر داده می‌شود. توجه داشته باشید که هیستوگرام زودتر از سیگنال‌های تقاطع تبدیل می‌شود و به تاجر هشدار پیشرفته می‌دهد.

weeklies COMBINE dailies و

همانند تمام شاخص‌های تکنیکال، سیگنال‌ها در چارت هفتگی همیشه مهم‌تر از نمودارهای روزانه هستند. بهترین راه برای ترکیب آن‌ها استفاده از سیگنال‌های هفتگی برای تعیین جهت بازار و سیگنال‌های روزانه به نقاط ورودی و خروجی مناسب است. یک سیگنال روزانه تنها زمانی دنبال می‌شود که با سیگنال هفتگی موافق باشد. با استفاده از این روش، سیگنال‌های هفتگی برای سیگنال‌های روزانه تبدیل به فیلترها می‌شوند. این امر از استفاده از سیگنال‌های روزانه برای تجارت در برابر روند رایج جلوگیری می‌کند. دو سیستم تقاطع که در آن این اصل به طور خاص صادق است عبارتند از MACD : و Stochastics. (به شکل ۲۰.۱۰ b نگاه کنید).



نمودار هیستوگرام تصویر در جدول‌های هفتگی به خوبی عمل می‌کند. در قله میانی، هیستوگرام‌ها ۱۰ هفته قبل از فروش سیگنال (فلش) کاهش پیدا کرد. در دو طرف هیستوگرام‌ها، هیستوگرام‌ها ۲ و ۴ هفته قبل از سیگنال‌های خرید (فلش‌های بالا) رو به بالا بود.

اصل عقیده CONTRARY در futures

آنالیز نوسان، مطالعه افراط در بازار است. یکی از the تئوری‌های ارائه‌شده در اندازه‌گیری those بازار اصل نظریه است. در ابتدای این کتاب، دو فلسفه اصلی تحلیل بازار شناسایی شدند - تحلیل تکنیکال و تکنیکال. برخلاف نظر، گرچه عموماً تحت طبقه‌بندی تحلیل تکنیکال قرار می‌گیرد، اما به صورت یک شکل از آنالیز روانشناختی توضیح داده می‌شود. بر خلاف نظر، بعد سوم مهم تحلیل بازار - روانشناسی - با تعیین درجه of یا bearishness در میان شرکت کنندگان در بازارهای مالی مختلف است.

اصل نظرات این است که وقتی اکثریت قریب به اتفاق مردم در مورد هر چیزی اتفاق نظر دارند، به طور کلی اشتباه هستند. بنابراین یک contrarian واقعی ابتدا تلاش خواهد کرد تا مشخص کند که اکثریت چه می‌کنند و سپس در جهت مخالف عمل خواهند کرد.

هم فری بی. نیل به عنوان رئیس تفکر مخالف در نظر گرفته شد و تئوری‌های خود را در کتابی در سال ۱۹۵۴ با عنوان "هنر تفکر مخالف" توصیف کرد. ده سال بعد، در سال ۱۹۶۴، جیمز اچ. Sibbet شروع به استفاده از اصول Neill's برای معاملات آتی، از طریق ایجاد خدمات مشاوره‌ای Vane، که شامل شماره‌های اجماع عام (بازار بازار)، صندوق پستی ۹۰۴۹۰، پاسادنا، CA (۹۱۱۰۹) می‌شود، آغاز به کار کرد. هر هفته یک نظرسنجی از حروف بازار برای تعیین میزان of یا bearishness در میان متخصصان کالا گرفته می‌شود. هدف از این نظرسنجی، تعیین کمیت احساسات بازار به مجموعه‌ای از اعداد است که می‌توان آن‌ها را تحلیل و در فرآیند پیش‌بینی بازار مورد استفاده قرار داد. منطق پشت این رویکرد این است که اکثر تاجران آتی تا حد زیادی تحت تاثیر خدمات مشاوره‌ای بازار قرار دارند. بنابراین، با نظارت بر دیدگاه‌های مربوط به نامه‌های بازار حرفه‌ای، یک سنجش صحیح دقیق از نگرش‌های عمومی تجاری را می‌توان به دست آورد.

یک سرویس دیگر که نشانه‌ای از sen بازار ارایه می‌کند، "شاخص اجماع نظر بازار Bullish" است که توسط هفته‌نامه کالای ملی کالای عمومی (اجماع، ۱۷۳۵، خیابان گی، کانزاس سیتی، روند بازار MO) ایجاد شده است. این اعداد هر جمعه منتشر می‌شوند و از ۷۵٪ به عنوان یک سنجش over و ۲۵٪ به عنوان سنجش oversold استفاده می‌کنند.

تفسیر اعداد با تعبیر غلط

به نظر می‌رسد اکثر تاجران یک روش نسبتاً ساده برای تحلیل این اعداد هفتگی به کار می‌گیرند. اگر اعداد بالای ۷۵٪ باشند، بازار به عنوان overbought در نظر گرفته می‌شود و به این معنی است که ممکن است بالا باشد. یک مطالعه زیر ۲۵٪ برای هشدار دادن به شرایط oversold و احتمال افزایش احتمال اینکه یک بازار نزدیک باشد تفسیر می‌شود.

انتظارات منفی: خرید یا فروش قدرت

رسیدگی به پرونده یک فرد را در نظر بگیرید. فرض کنید که speculator خبرنامه‌های مورد علاقه خود را می‌خواند و متقاعد می‌شود که یک بازار در حال حرکت به میزان قابل توجهی بالاتر است. هر چه این پیش‌بینی بیشتر باشد، به شدت آن تاجر به بازار نزدیک می‌شود. با این حال، زمانی که وجوه اشتراک فردی به طور کامل به آن بازار خاص متعهد باشد، او Or است - به این معنی که هیچ پولی برای متعهد شدن به این بازار وجود ندارد.

توسعه این وضعیت که همه شرکت کنندگان در بازار را در بر می‌گیرد، اگر ۸۰ تا ۹۰ درصد از بازرگانان در بازار صعودی هستند، فرض بر این است که آن‌ها پیش از این موقعیت بازار خود را اتخاذ کرده‌اند. چه کسی باقی می‌ماند تا بازار را بالاتر ببرد؟ پس این یکی از کلیدهای درک نظریه است. اگر احساس شدید تاجران بازار در یک طرف بازار باشد، به سادگی خرید یا فروش کافی برای ادامه روند فعلی وجود دارد.

بر خلاف عقیده برخلاف دست‌های ضعیف

ویژگی دوم این فلسفه توانایی آن برای مقایسه قدرت قوی در برابر دستان ضعیف است. معاملات آتی، یک بازی مجموع صفر است. برای هر مدت کوتاه مدتی کوتاه است. اگر ۸۰ درصد از بازرگانان در قسمت بلند بازار قرار دارند، ۲۰ درصد باقی مانده (که پست‌های خود را در دست دارند) باید به اندازه کافی تامین مالی شوند تا این مبلغ متعلق به ۸۰ درصد دیگر باشد. بنابراین، شورت، باید موقعیت‌های بسیار بزرگتری را نسبت به the داشته باشد (در این مورد، ۴ تا ۱). این به این معنی است که شلوارک باید به خوبی بزرگ شود و دست‌های قوی در نظر گرفته می‌شود. ۸۰ درصد کسانی که موقعیت‌های بسیار کمتری را برای هر تاجر در دست دارند، به عنوان دستانی ضعیف در نظر گرفته می‌شوند که مجبور به انحلال این افراد هستند که به هر تغییر ناگهانی قیمت‌ها تمایل دارند.

برخی ویژگی‌های دیگر از جمله اعداد مورد توافق
عمومی

بیایید چند نکته اضافی را در نظر بگیریم که باید در هنگام استفاده از این اعداد در نظر گرفته شوند. نرم یا نقطه تعادل در سطح ۱٪ است. این امر باعث ایجاد انحراف صعودی در بخش عمومی می‌شود. حد بالایی در نظر گرفته می‌شود. در اینجا، اعداد اندکی به سمت بالا حرکت می‌کنند تا تعصب صعودی را ایجاد کنند. یک موقعیت contrarian معمولاً زمانی در نظر گرفته می‌شود که اعداد اجماع صعودی بیش از ۹۰٪ یا کم‌تر از ۲۰٪ باشند. مطالعات بیش از ۷۵٪ یا زیر ۲۵٪ همچنین مناطق هشدار در نظر گرفته می‌شوند و نشان می‌دهند که یک تغییر ممکن است نزدیک باشد. با این حال، توصیه می‌شود که در انتظار تغییر در روند اعداد قبل از اقدام علیه این روند باشیم. تغییر در جهت تعداد اجماع نظر سنجی جمعی، به خصوص اگر از یکی از مناطق خطر رخ دهد، باید با دقت مراقب باشد.

اهمیت علاقه باز (آتی)

علاقه باز هم نقش مهمی در استفاده از اجماع نظر دارد. به طور کلی هرچه ارقام مورد علاقه بیشتر باشد، شانس موفقیت موقعیت‌های معکوس بهتر خواهد بود. با این حال، موضع ایان - ایان نباید گرفته شود در حالی که علاقه باز همچنان در حال افزایش است. افزایش مداوم تعداد سودها، احتمال ادامه روند فعلی را افزایش می‌دهد. منتظر بمانید تا شماره‌های مورد نظر شروع به تسطیح یا کاهش قبل از اقدام کنند.

بررسی تعهدات تاجران برای اطمینان از اینکه تامین‌کننده‌ها کم‌تر از ۸۵٪ منافع باز را نگه می‌دارند. بر خلاف عقیده زمانی بهتر کار می‌کند که بیشتر منافع باز توسط محتکران پذیرفته‌شده که دست ضعیف‌تری دارند. توصیه نمی‌شود در مقابل منافع بزرگ مصون‌سازی، تجارت کنید.

واکنش Market's به اخبار بنیادی را
تماشا کنید.

واکنش market's را به اخبار بنیادی بسیار نزدیک تماشا کنید. شکست قیمت‌ها در واکنش به اخبار صعودی در یک overbought

منطقه هشدار آشکار است که ممکن است نزدیک باشد. اولین خبر نامطلوب معمولاً برای سرعت بخشیدن به قیمت‌ها در جهت دیگر کافی است. به همین نسبت، شکست قیمت‌ها در یک منطقه تحت پوشش (تحت ۳۸ / ۵۷٪) برای واکنش به اخبار خشن را میتوان هشدار داد که تمام اخبار بد به طور کامل در قیمت پایین جاری تنزیل شده‌است. هر خبر صعودی قیمت‌ها را بالا می‌برد.

ترکیب نظر Contrarian با دیگر ابزارهای تکنیکال

به عنوان یک قاعده کلی، تجارت در جهت یک‌سان به عنوان روند تعداد اجماع تا زمانی که به حد زیادی برسد، که در آن زمان باید برای نشانه‌ای از تغییر در روند نظارت شود. لازم به ذکر است که ابزارهای تحلیلی تکنیکال استاندارد می‌توانند و همچنین باید برای کمک به شناسایی تغییرات بازار در این زمان‌های بحرانی به کار گرفته شوند. تجزیه و تحلیل حمایت یا سطوح مقاومت، trendlines، یا میانگین متحرک می‌تواند برای کمک به تایید این که این روند در واقع تغییر می‌کند، بکار رود. زمانی که اعداد بزرگ مورد توافق overbought یا oversold باشند، divergences روی نمودار نوسانگر بسیار مفید هستند.

سرمایه‌گذار به نام readings SENTIMENT

هر تعطیلات آخر هفته شامل بخش آزمایشگاه بازار خود مجموعه‌ای از اعداد تحت عنوان "احساسات سرمایه‌گذار" است. در آن فضا، چهار پای سرمایه‌گذاری مختلف برای اندازه‌گیری درجه bullishness و bearishness در بازار سهام گنجانده شده‌است. ارقام برای آخرین هفته و دوره دو و سه هفته برای مقایسه با اهداف مقایسه داده می‌شود. یک نمونه تصادفی از آنچه که آخرین آمار week's ممکن است به نظر برسد را مشخص کنید. به یاد داشته باشید که این اعداد طبیعی هستند. خیلی بد است. Too خیلی زیاده.

بولز *
خرس ها!
تصحیح
فهرست
راهنمای
اجماع
عمومی
ضمیمه Mil
(انجمن سرمایه گذاران
شخصی ۶۲۵ LE)
خیابان Michigan
خیابان Michigan
شیکاگو، IL ۶۰۶۱۱)
bullish
bearish
بی طرف
Vane بازار
اجماع عمومی

سرمایه گذاران اطلاعاتی را جاسوسی می کنند.

هوش سرمایه گذاران (۳۰ کلیسای رسمی، Rochelle نیویورک، نیویورک (۱۰۸۰۱) یک نظرسنجی هفتگی از مشاوران سرمایه گذاری را انجام می دهد و سه عدد را تولید می کند - درصد مشاوران سرمایه گذاری که صعودی هستند، آن هایی که نزولی هستند، و آن هایی که انتظار اصلاح بازار را دارند. Bullish readings بیش از ۵۵ درصد از خوشبینی زیاد را هشدار داد و به طور بالقوه برای بازار منفی است. مطالعات Bullish زیر ۳۵ درصد بدبینی بسیار زیادی را نشان می دهند و برای بازار مثبت در نظر گرفته می شوند. این رقم تصحیح

مشاوران را نشان می‌دهد که صعودی هستند اما انتظار ضعف کوتاه‌مدت دارند.
اطلاعات سرمایه‌گذاران همچنین ارقام را هر هفته که تعداد سهام
آنها را اندازه‌گیری می‌کند، منتشر می‌کند.

به طور متوسط در حال حرکت هستند. این اعداد را می‌توان به روش دیگری مورد استفاده قرار داد. مطالعات بیش از ۷۰ درصد بازار سهام overbought را پیشنهاد می‌کنند. مطالعات زیر ۳۰٪ یک بازار oversold را پیشنهاد می‌کنند. مطالعات هفته‌ای ۱۰ هفته‌ای برای اندازه‌گیری کوتاه‌مدت بازار متوسط مفید هستند. اعداد ۳۰ هفته‌ای برای اندازه‌گیری تبدیل اصلی بازار مفید هستند. سیگنال واقعی یک تغییر بالقوه در روند زمانی رخ می‌دهد که اعداد بالاتر از ۳۰ یا پایین‌تر از ۷۰ قرار می‌گیرند.

نقطه و شکل ۹

مقدمه

اولین تکنیکی که پیش از آغاز قرن توسط بازرگانان بازار بورس مورد استفاده قرار می‌گرفت، نقطه و شکل آن بود. نام واقعی "نقطه و شکل" به ویکتور de Villiers در سال ۱۹۳۳ او نسبت داده می‌شود، نقطه و روش پیش‌بینی حرکات قیمت سهام. این تکنیک در طول سالیان نام‌های مختلفی داشته‌است. در دهه ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰، این نام به عنوان "روش کتاب" شناخته می‌شد، و این نامی بود که چارلز داو در ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۱ در مجله وال استریت به آن داد. داو اشاره کرد که این روش برای حدود ۱۵ سال به کار رفته‌است و تاریخ شروع سال ۱۸۸۶ را به آن اختصاص داده‌است. نام این نمودارها از دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳ استفاده شد که در آن "نقطه و شکل" به عنوان نامی پذیرفته‌شده برای این تکنیک ردیابی حرکت بازار شناخته شد. Wyckoff R.D. همچنین چندین اثر را در اوایل دهه ۱۹۳۰ با موضوع و روش شکل منتشر کرد.

روزنامه وال استریت شروع به انتشار قیمت‌های سهام بالا، پایین و بسته شدن قیمت سهام در ۱۸۹۶ کرد که اولین اشاره به نمودار میله‌ای more است. بنابراین، به نظر می‌رسد که روش و روش پیش از کشیدن bar به حداقل ۱۰ سال.

ما می‌خواهیم به نقطه نزدیک شویم و تصویر را در دو مرحله ترسیم کنیم. ما به روش اصلی که بر حرکات قیمت روزانه متکی است نگاهی می‌اندازیم. سپس یک نسخه ساده‌تر از نقطه و تصویر را نشان خواهیم داد که می‌تواند با استفاده از قیمت‌های بالا و پایین برای هر بازاری ایجاد شود.

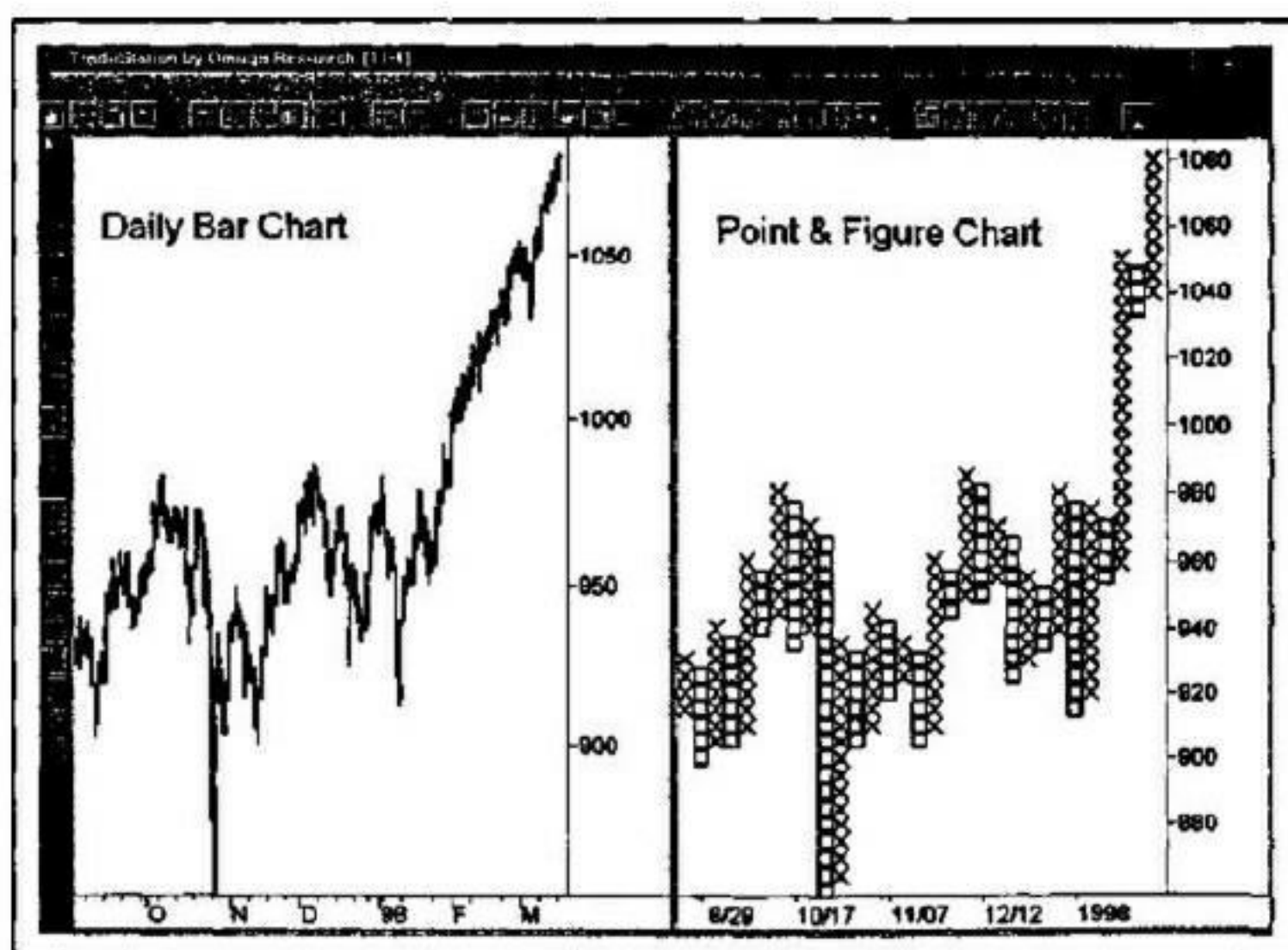
نقطه عطفی در صدر جدول پرفروش‌ترین‌های

Let's با برخی از تفاوت‌های بنیادی بین نقطه و نمودار و نمودار میله‌ای شروع می‌کنند و به چند مثال چارت نگاه می‌کنند.

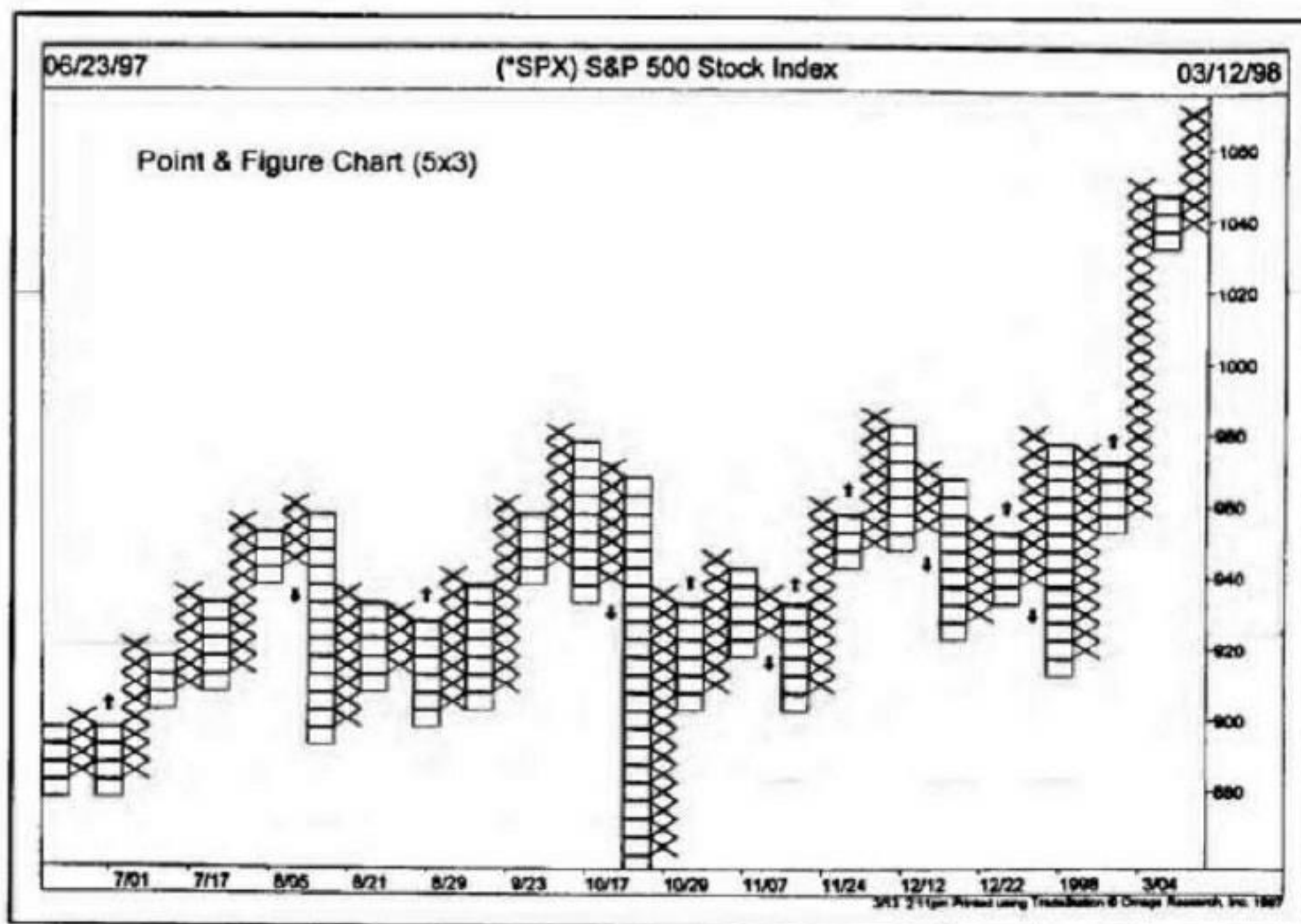
نمودار نقطه‌ای و شکل یک مطالعه از حرکت قیمت خالص است. به عبارت دیگر، زمان رسیدگی به طرح اقدام قیمت را در نظر نمی‌گیرد. نمودار میله‌ای، با کنتراست، هر دو قیمت و زمان را ترکیب می‌کند. به دلیل نحوه ایجاد نمودار میله‌ای، محور عمودی مقیاس قیمت و محور افقی، یک مقیاس زمانی است. برای مثال در یک نمودار روزانه، هر اقدام قیمت day's متوالی یک فضا یا بار را به سمت راست حرکت می‌دهد. این اتفاق می‌افتد حتی اگر قیمت‌ها برای آن روز کمی تغییر کنند یا تغییر نکنند. یک چیز باید همیشه در فضای بعد قرار گیرد. در نمودار نقطه‌ای و شکل، تنها تغییرات قیمت ثبت می‌شوند. اگر تغییر قیمت رخ ندهد، چارت دست‌نخورده باقی می‌ماند. در طول دوره‌های فعال بازار، ممکن است مقدار قابل‌توجهی از طرح مورد نیاز باشد. در شرایط بازار آرام، کمی یا عدم وجود توطئه مورد نیاز است.

یک تفاوت مهم، درمان حجم است. نمودارهای میله‌ای فشار را تحت عمل قیمت روز ثبت می‌کنند. نمودارهای نقطه و شکل اعداد حجمی را به عنوان یک موجودیت مجزا نادیده می‌گیرند. عبارت آخر "به عنوان یک نهاد مجزا" یکی از اجزای مهم است. اگر چه تعداد حجم بر روی نقطه و نمودار ثبت نمی‌شوند، اما لزوماً از آن حجم یا فعالیت تجاری پیروی نمی‌کنند. برعکس، چون نقطه طی روز و نمودارهای شکل تمام فعالیت‌های تغییر قیمت را ثبت می‌کنند، حجم سنگین و یا سبک‌تر در مقدار تغییرات قیمت ثبت‌شده در جدول منعکس می‌شود.

چارت. از آنجا که حجم یکی از اجزای مهم در تعیین توان پشتیبانی و مقاومت در برابر سطوح مقاومت می‌باشد، نمودارهای نقطه‌ای و شکل به خصوص در تعیین سطوح قیمت در اکثر فعالیت‌های تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. شکل ۱ - ۱۱ یک نمودار میله‌ای و یک نمودار نقطه‌ای و نمودار را با طول زمان مقایسه می‌کند. در یک حس، نمودارها شبیه هم هستند، اما به معنای دیگری، کاملاً متفاوت هستند. قیمت کلی و تصویر روند در هر دو نمودار ثبت شده‌است، اما روش ثبت قیمت‌ها متفاوت است. توجه داشته باشید که در شکل ۲ - ۱۱ ستون‌های متناوب of و o's را ببینید. ستون‌های X افزایش قیمت را نشان می‌دهند در حالی که ستون‌های 0 قیمت‌های رو به کاهش را نشان می‌دهند. هر بار یک ستون از X's یک جعبه را بالاتر از ستون قبلی of حرکت می‌دهد که یک شکست وارونه روی می‌دهد. (arrows را در شکل ۲.۱۱ ببینید)



شکل ۷ - ۹ - مقایسه نمودار میله‌ای برای شاخص $p \& s$ (چپ) و یک نمودار نقطه‌ای و نمودار (راست) برای دوره زمانی مشابه. نمودار نقطه‌ای و نمودار از ستون‌های X برای افزایش قیمت‌ها و ستون‌های برای کاهش قیمت‌ها استفاده می‌کند.



شکل ۲.۱۱ یک سیگنال خرید زمانی داده می‌شود که یک ستون X از بالای ستون X قبلی بالا می‌رود (فلش‌های بالا را ببینید). یک سیگنال فروش در زمانی داده می‌شود که یک ستون O's زیر ستون قبلی سقوط می‌کند (فلش‌های پایین را ببینید). سیگنال‌های دقیق‌تر در نمودار نقطه‌ای و شکل هستند.

هنگامی که ستونی از O's یک جعبه را زیر ستون قبلی O's کاهش می‌دهد، شکست منفی رخ می‌دهد. توجه داشته باشید که این آسیب‌ها چقدر دقیق‌تر از نمودار میله‌ای هستند. این برخورد ممکن است به عنوان خرید و فروش سیگنال مورد استفاده قرار گیرد. کمی بعد، بیشتر به خرید و فروش سیگنال خواهیم پرداخت. اما این نمودارها نشان می‌دهند که یکی از مزایای این نمودار و نمودار شکل، به طور عمده دقت و سهولت بیشتری در تشخیص سیگنال‌های روند است.

شکل‌های ۱۱ - ۱۱ و ۴.۱۱ یک مزیت بزرگ دیگر از نقطه‌ای

شکل را نشان می‌دهند: انعطاف‌پذیری. در حالی که هر سه نمودار $f p$ همان اقدام قیمت را پوشش می‌دهند، ما می‌توانیم آن‌ها را بسیار متفاوت کنیم تا به اهداف مختلف خدمت کنیم. یک راه برای تغییر چارت $f p$ ، تغییر معیار برگشت (let's از یک برگشت سه جعبه به یک برگشت ۵ جعبه) است. هرچه تعداد of که برای برگشت لازم است بزرگ‌تر است،

۹۷ / ۱۹ / ۸

* شاخص بورس

اوراق بهادار تهران

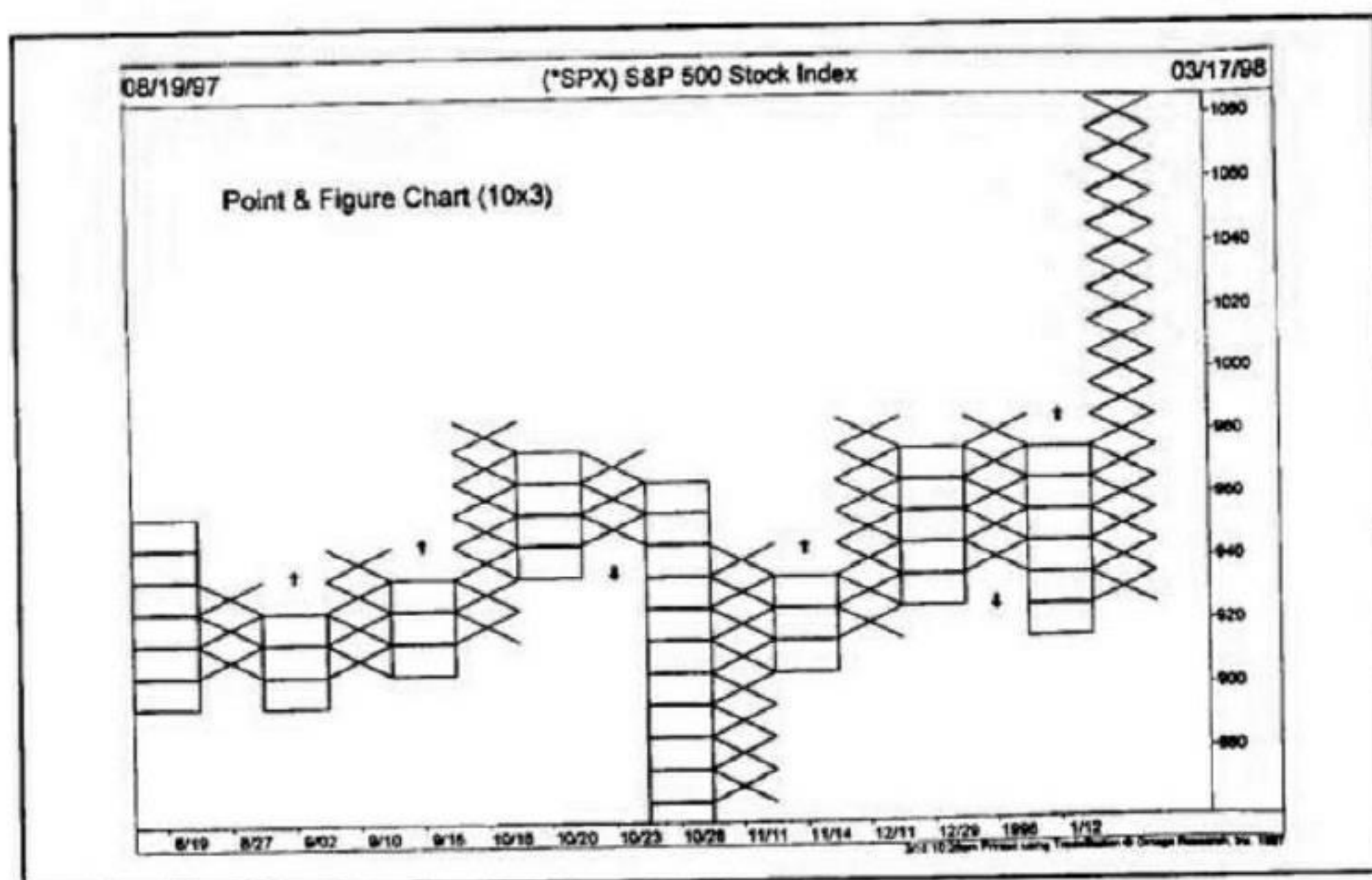
و p.

۹۸ / ۱۷ / ۰۳

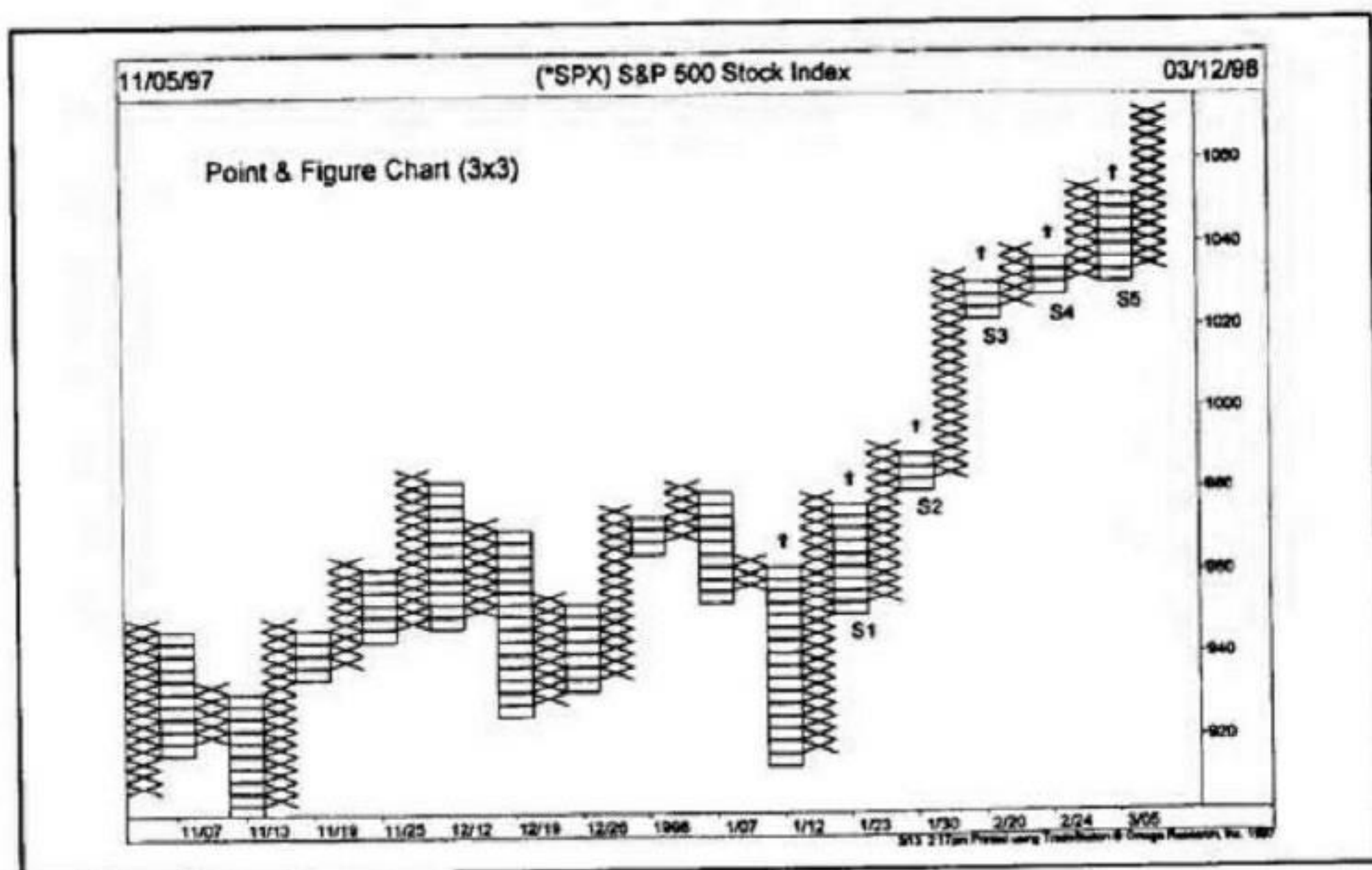
W ۱۰

شکل & شکل
(۱۰x۳)

۱ m.



شکل ۱۱ - ۳ افزایش اندازه جعبه از ۵ نقطه به ۱۰ باعث می‌شود که نمودار نقطه و شکل کم‌تر حساس باشند و سیگنال‌های کمتری داده شوند. این برای یک سرمایه‌گذار طولانی‌مدت مناسب‌تر است.



شکل ۱۱ - ۴ کاهش اندازه جعبه به ۳ نقطه سیگنال‌های بیشتری را تولید می‌کند. این برای تجارت کوتاه‌مدت بهتر است. آخرین تظاهرات از ۹۲۰ به ۱۰۶۰ دارای علامت خرید متفاوت است. فروش Protective را میتوان تحت بالاترین ستون ofo's قرار داد (به S ۱ - ۵ مراجعه کنید).

حساسیت کمتری نسبت به نمودار دارد. روش دوم برای تغییر نمودار این است که اندازه جعبه را تغییر دهید. شکل ۲ از یک اندازه جعبه ۵ امتیاز استفاده می‌کند. شکل

۳.۱۱ اندازه جعبه را از ۵ نقطه به ۱۰ نقطه تغییر می‌دهد. تعداد ستون‌ها از ۴۴ در نمودار ۵x۳ در شکل ۲.۱۱ به تنها ۱۶ ستون در شکل ۱۱-۱۱ کاهش یافته و با استفاده از اندازه جعبه بزرگ‌تر در شکل ۳.۱۱، سیگنال‌های کمتری داده شده‌است. این به سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد تا با اجتناب از تمام سیگنال‌های فروش کوتاه‌مدت که از نمودار حساسیت کم‌تر حذف شده‌اند، بر روند اصلی یک بازار متمرکز شود.

شکل ۴.۱۱، اندازه جعبه را از ۵ به ۳ کاهش می‌دهد. که حساسیت نمودار را افزایش می‌دهد. چرا کسی باید این کار را بکند؟ به این دلیل که it's برای معاملات کوتاه‌مدت بهتر است. آخرین تظاهرات را از ۹۲۰ به ۱۰۶۰ در هر سه نمودار مقایسه کنید. نمودار ۱۰x3 (شکل ۱۱.۳) آخرین ستون را به صورت یک سری از x's با هیچ ستون نشان می‌دهد. نمودار ۵x3 (شکل ۱۱.۲) آخرین upleg را در ۵ ستون - ۳x و ۲ ستون نشان می‌دهد. نمودار سه‌بعدی (شکل ۱۱.۴) آخرین upleg را به ۱۱ ستون - ۶* ستون و ۵ ستون تقسیم می‌کند. با افزایش تعداد تصحیحات در طول the (با افزایش تعداد ستون‌ها)، سیگنال‌های خرید تکراری برای ورود بعدی یا افزودن به موقعیت‌های برد ارایه می‌شوند. همچنین به تاجر اجازه می‌دهد تا فروش محافظ را زیر آخرین ستون‌های of افزایش دهد. خط پایین این است که شما می‌توانید ظاهر نقطه و چارت را تغییر دهید تا حساسیت خود را متناسب با نیازهای خود تنظیم کنید.

ساخت نقطه عطف روز و جدول پرفروش‌ترین‌های

ما قبلاً گفته بودیم که چارت روزانه از نوع اصلی مورد استفاده در نقطه و شکل chartists است. این تکنیک در اصل برای ردیابی حرکت بازار سهام به کار می‌رفت. هدف ثبت و ثبت بر روی کاغذ هر نقطه از سهام تحت بررسی بود. مشاهده شد که تجمع (خرید) و توزیع (فروش) را می‌توان در این روش بهتر تشخیص داد. فقط تمام اعداد و ارقام به کار گرفته شد. هر جعبه یک مقدار از یک نقطه داده شد و هر نقطه به یک نقطه در هر جهت ثبت شد. Fractions تا حد زیادی نادیده گرفته شدند. هنگامی که این تکنیک بعداً در بازارهای کالا مورد استفاده قرار گرفت، ارزش جعبه باید متناسب با هر بازار کالا متفاوت تنظیم شود. Let's با استفاده از داده‌های قیمت واقعی یک نمودار روزانه را می‌سازند.

اعداد زیر ۹ روز واقعی مبادله را در قرارداد آتی فرانک سوئیس توضیح می‌دهند. اندازه جعبه ۵ امتیاز است. بنابراین، هر ۵ نقطه نوسان در هر جهت رسم شده‌است. ما با یک نمودار برگشت ۱ جعبه شروع می‌کنیم.

4/29 4875 4880 4860 4865 4850 4860 4855
 5/2 4870 4860 4865 4855 4860 4855 4860 4855 4860 4855 4865 4855
 5/3 4870 4865 4870 4860 4865 4860 4870 4865
 5/4 4885 4880 4890 4885 4890 4875
 5/5 4905 4900 4905 4900 4905
 5/6 4885 4900 4890 4930 4920 4930 4925 4930 4925
 5/9 4950 4925 4930 4925 4930 4925 4935 4925 4930 4925 4935 4930 4940 4935
 5/10 4940 4915 4920 4905 4925 4920 4930 4925 4935 4930 4940 4935 4940
 5/11 4935 4950 4945 4950 4935 4940 4935 4945 4940 4965 4960 4965 4955 4960 4955 4965 4960 4970

شکل ۵.۱۱ a چیزی است که ارقام فهرست‌شده قبلی شبیه به نمودار است. Let's در سمت چپ نمودار شروع می‌شوند. ابتدا نمودار برای نشان دادن یک افزایش ۵ امتیازی برای هر جعبه مقیاس بندی شده‌است.

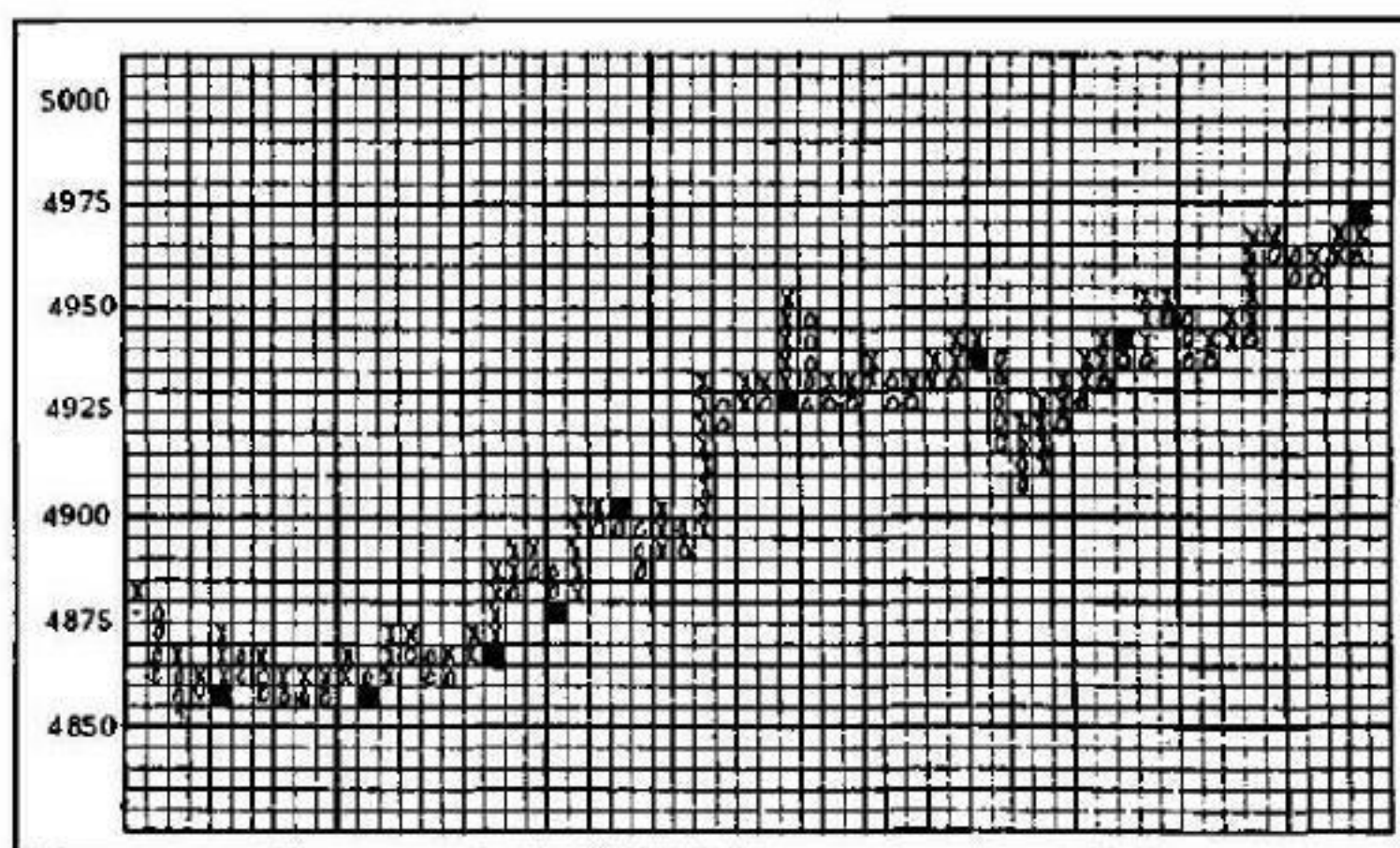
ستون ۱: یک نقطه در ۴۸۷۵ قرار دهید. از آنجا که شماره بعد - ۴۸۸۰ - بالاتر است، جعبه بعدی را تا ۴۸۸۰ پر کنید.

ستون ۲: عدد بعدی ۴۸۶۰ است. یک ستون به سمت راست حرکت دهید، ۱ جعبه را پایین ببرید، و تمام the را تا ۴۸۶۰ پر کنید.

ستون سوم: عدد بعدی ۴۸۶۵ است. یک ستون به سمت راست حرکت دهید، ۱ جعبه را بردارید و یک X را در ۴۸۶۵ قرار دهید. این جا توقف کن. تا کنون تنها ۱ X در ستون ۳ علامت‌گذاری شده‌است چون قیمت‌ها تنها ۱ جعبه را جابه‌جا کرده‌اند. در نمودار برگشت یک جعبه، همیشه باید حداقل ۲ جعبه پر شده در هر ستون باشد. توجه داشته باشید که شماره بعدی ۴۸۵۰ است، و فراخوانی برای O'S به آن عدد است. آیا شما به ستون بعدی می‌روید تا ستون of رو به کاهش را ثبت کنید؟ پاسخ نه به این دلیل است که تنها یک علامت، X، در ستون باقی می‌ماند

۳. بنابراین، در ستون با تک X (ستون ۳) پر کردن در O'S به

۴۸۵۰.



شکل ۵.۱۱ یک نقطه ۵ X ۱ و نمودار شکل یک قرارداد مارک آلمان در نمودار بالا نشان داده شده است. جعبه‌های سیاه شده انتهای هر معامله day's را نشان می‌دهند. شکل ۵.۱۱ b داده‌های قیمت یک‌سان با یک برگشت ۳ جعبه را نشان می‌دهد. به فشردسازی توجه کنید. شکل ۵.۱۱ c یک برگشت ۵ جعبه را نشان می‌دهد.

ستون دوم: عدد بعدی برابر است با: به سمت ستون بعدی حرکت کنید، جعبه را بالا ببرید و در حلقه X به سمت بالا قرار دهید.

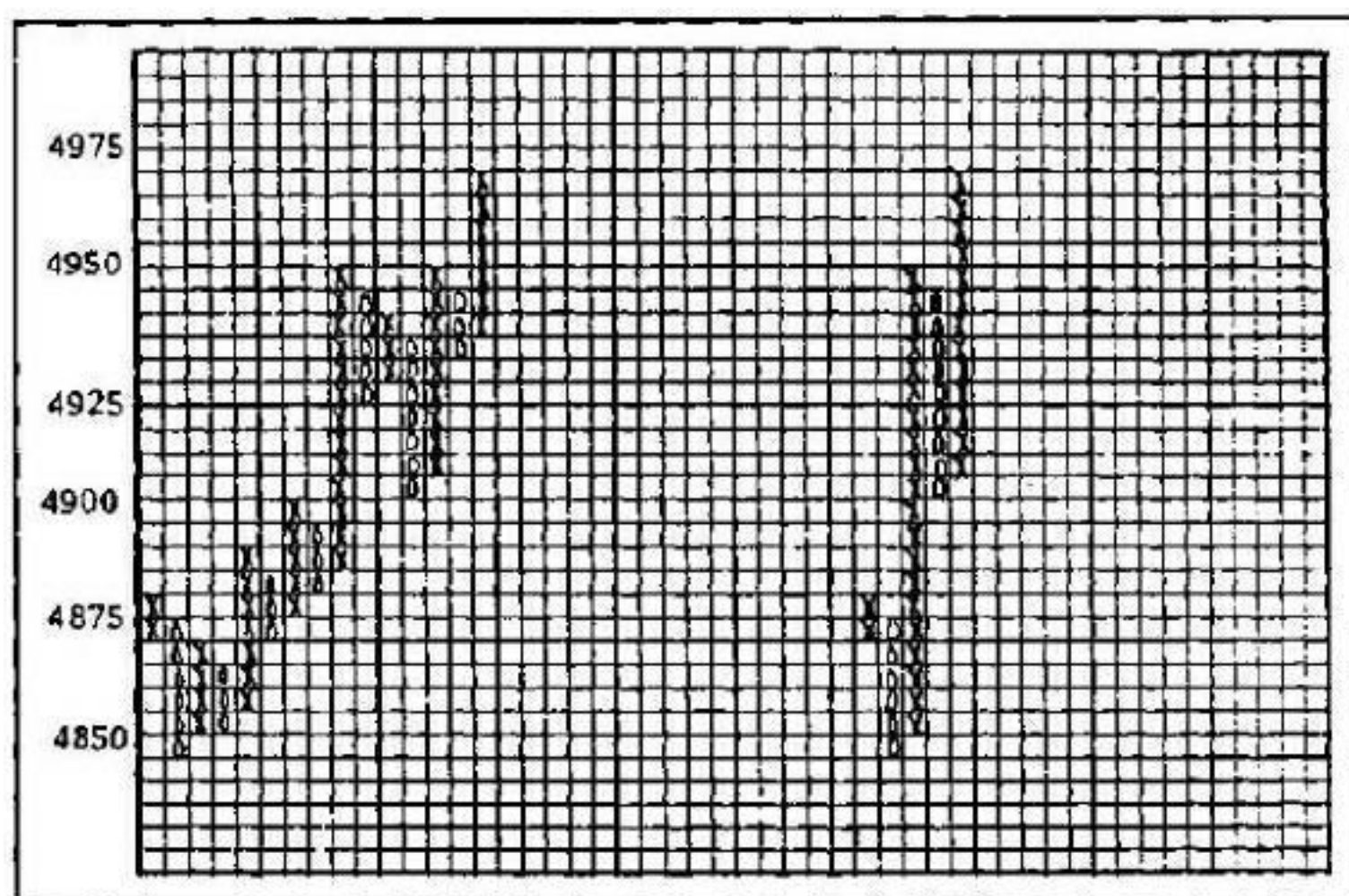
ستون پنجم: عدد بعدی ۴۸۵۵ است. از آنجا که این یک حرکت به سمت پایین است، به ستون بعدی بروید، یک کادر را حرکت دهید، و ساعت 0 را پر کنید. توجه کنید که این آخرین قیمت روز است. Let's یک کار دیگر می‌کنند.

ستون ششم: اولین شماره در ۵ / ۲ ۴۸۷۰ است. تا کنون، شما تنها یک درجه در ستون ۵ دارید. شما باید حداقل ۲ علامت در هر ستون داشته باشید. بنابراین، پر کردن (چون قیمت‌ها در حال پیشرفت هستند) تا ۴۸۷۰. اما توجه کنید که آخرین قیمت روز گذشته سیاه شده است. این کار به حفظ زمان کمک می‌کند. با blacking در آخرین قیمت هر روز، ردیابی و پی‌گیری معاملات چند روز مجزا آسان‌تر است.

برای ادامه درک خود از فرآیند طراحی، احساس آزادی کنید. توجه کنید که

این نمودار ستونی دارد که در آن هر دو ماتریس X و O وجود دارند. این وضعیت تنها در نمودار برگشت نقطه شروع می‌شود و به دلیل ضرورت داشتن حداقل جعبه‌های پر شده در هر ستون ایجاد می‌شود. برخی ممکن است با ترکیب X و O استدلال کنند. تجربه نشان می‌دهد که این روش از طراحی قیمت‌ها، پی‌گیری ترتیب معاملات را بسیار ساده‌تر می‌کند.

شکل ۵.۱۱ b داده‌های مشابهی را از شکل ۵.۱۱ a و trans می‌گیرد - آن را به چارت معکوس سه‌بعدی تبدیل می‌کند. توجه داشته باشید که نمودار متراکم شده‌است و بسیاری از داده‌ها از بین رفته‌است. شکل ۵.۱۱ c یک برگشت ۵ جعبه را نشان می‌دهد. اینها سه معیار معکوس هستند که به طور سنتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند - ۱، ۳ و ۵ برگشت. برگشت یک جعبه به طور کلی برای فعالیت کوتاه‌مدت کوتاه‌مدت و جعبه ۳ برای مطالعه روند میانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برگشت ۵ جعبه به دلیل انقباض شدید آن به طور کلی برای مطالعه روندهای بلند مدت استفاده می‌شود. دستور صحیح برای استفاده همان چیزی است که در اینجا نشان داده شده، یعنی با نمودار برگشت ۱ نقطه شروع می‌شود. سپس معکوس ۵ و ۵ معکوس می‌تواند درست از نمودار اول ساخته شود. به دلایل آشکار، نمودار برگشت یک نقطه را نمی‌توان از یک برگشت سه یا ۵ به دست آورد.



شکل ۵.۱۱ - ۵.۱۱ c

HORIZONTAL THE

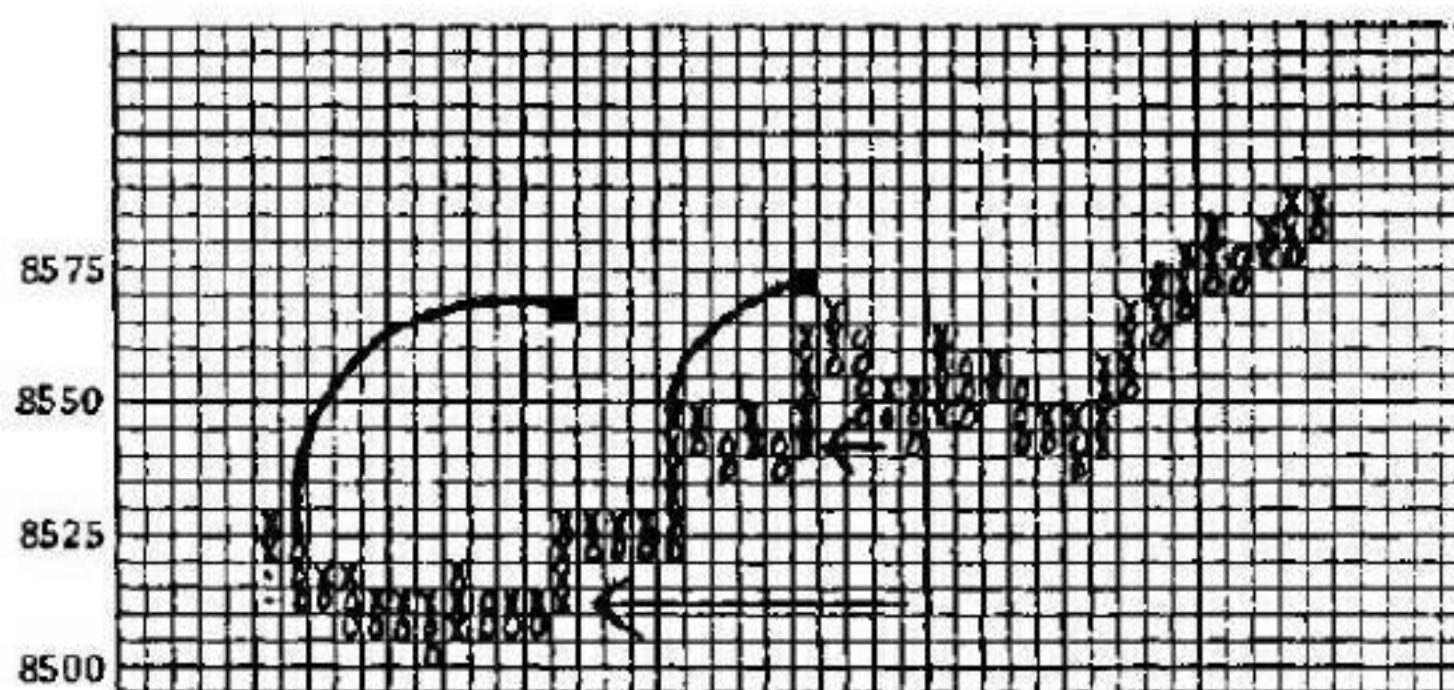
یکی از مزیت‌های اصلی نمودار برگشت یک طرفه روز ۱، توانایی به دست آوردن اهداف قیمت از طریق استفاده از شمارش افقی است. اگر به پوشش ما از نمودار میله‌ای و الگوهای قیمت فکر کنید، مساله اهداف قیمت مورد بحث قرار گرفت. با این حال، عملاً تمام روش‌های دستیابی به اهداف قیمت از جداول نوار مبتنی بر آنچه که ما اندازه‌گیری عمودی می‌نامیم وجود داشت. این به معنای اندازه‌گیری ارتفاع یک الگو (نوسان) و پیش‌بینی فاصله رو به بالا یا پایین است. برای مثال، الگوی سر و شانه‌ها، فاصله را با یقه تا یقه اندازه‌گیری کرده و آن هدف را از the یقه باز کردند.

نمودارهای نقطه‌ای و شکل برای اندازه‌گیری افقی

اصل شمارش افقی براساس این فرض است که یک رابطه مستقیم بین عرض ناحیه تراکم و حرکت بعدی زمانی که شکست رخ می‌دهد وجود دارد. اگر ناحیه تراکم نشان‌دهنده الگوی مبنا باشد، می‌توان برآورد کرد که زمانی که پایگاه کامل شود، می‌توان برآوردی از پتانسیل ته به دست آورد. هنگامی که uptrend شروع شد، مناطق تراکم متعاقب را می‌توان برای به دست آوردن تعداد اضافی مورد استفاده قرار داد که می‌توان از آن‌ها برای تایید شمارش اصلی از پایه استفاده کرد. (مراجعه به شکل ۶.۱۱)

هدف اندازه‌گیری پهنای الگو است. به یاد داشته باشید که ما در اینجا در مورد نمودارهای بازگشت طی روز صحبت می‌کنیم. این تکنیک نیازمند تغییراتی برای انواع دیگر نمودارها است که بعداً به آن‌ها خواهیم پرداخت. زمانی که یک یا مبنا قرار داده شد، تعداد ستون‌های آن بالا یا پایین را بشمارید. برای مثال اگر ستون‌های گروهی وجود داشته باشند، هدف وارونه یا منفی جعبه‌ها از نقطه اندازه‌گیری است. کلید این است که تعیین کنیم کدام خط باید از آن اندازه‌گیری شود. گاهی اوقات این کار آسان و گاهی دشوار است.

معمولاً خط افقی برای شمارش کل در نزدیکی مرکز تراکم است. یک قانون دقیق‌تر، استفاده از خط است که حداقل تعداد جعبه‌های خالی در آن را دارد. یا به عبارت دیگر، خط با بیش‌ترین تعداد پر شده در X's و O's زمانی که خط صحیح را برای شمارش پیدا کردید، بسیار مهم است که هر ستون را در شمارش خود بگنجانید، حتی آن‌هایی که

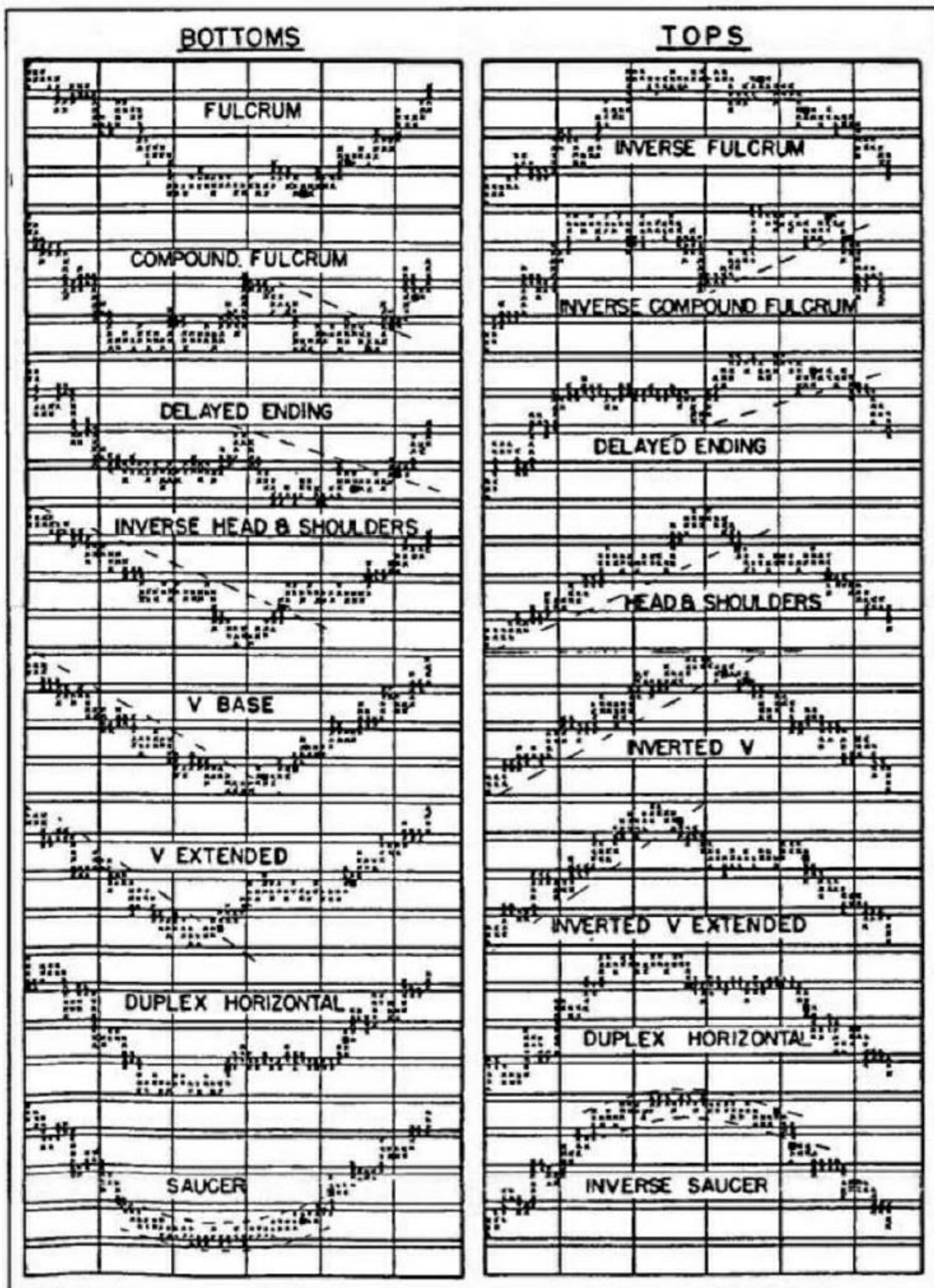


شکل ۱۱ - ۶ با شمارش تعداد ستون‌ها در طول ناحیه تراکم افقی، اهداف قیمت را میتوان تعیین کرد. هر چه منطقه تراکم گسترده‌تر باشد، هدف بزرگ‌تر خواهد بود.

خالی است. تعداد ستون‌ها را در ناحیه ازدحام بشمارید و سپس پروژه را از خط که برای شمارش به کار می‌رفت حذف کنید.

قیمت قیمت

شناسایی الگو نیز بر روی نمودارهای نقطه‌ای و شکل نیز امکان پذیر است. شکل ۷.۱۱ انواع رایج را نشان می‌دهد. همان طور که می‌بینید، آن‌ها از آن‌هایی که قبلاً در مورد کشیدن آن‌ها بحث کرده‌اند تفاوت چندانی ندارند. بیشتر این الگوها بر روی قله‌های دوتایی و سه‌گانه، سرها و شانه‌ها، $V'S$ و $V'S$ وارونه و نعلبکی‌ها متمرکز شده‌اند. عبارت "نقطه اتکا"، کمی در این نقطه نشان داده می‌شود و ادبیات را شکل می‌دهد. در اصل، نقطه اتکا، منطقه تراکم تعریف شده خوبی است که بعد از یک پیشرفت یا کاهش قابل توجه، که یک پایه انباشت و یا یک توزیع توزیع را تشکیل می‌دهد، رخ می‌دهد. برای مثال، در یک پایه، کف ناحیه تحت آزمایش‌ها مکرر قرار می‌گیرد که با تلاش‌های نوبتی وقفه ایجاد می‌شود. در اغلب موارد، نقطه اتکا، ظاهر یک یا سه تایی را می‌گیرد. الگوی basing زمانی تکمیل می‌شود که یک شکست (تیرکمان) در بالای منطقه تراکم رخ می‌دهد.



شکل ۱۱ - ۱۱ الگوهای Reversal (منبع: الکساندر H. Wheelan، به نقطه و شکل تکنیک انیویورک، NY: مورگان، راجرز و رابرتس، Inc. ۱۹۵۴، p. ۲۵) چاپ مجدد در سال ۱۹۹۰ توسط انتشارات تاجران، صندوق پستی ۶۲۰۶، گرینویل، SC.

شکل و رسم نمودار

آن الگوهای برگشت با the محدوده‌های افقی به طور مشخص خود را کاملاً با استفاده از اندازه‌گیری‌های شمارش به خوبی قرض می‌دهند. نقطه V در مقابل، به دلیل عدم وجود یک منطقه قیمت افقی قابل توجه، متمایل به گرفتن یک حساب افقی نیست. جعبه‌های سیاه شده در نمونه‌های چارت در شکل ۷.۱۱ نشان‌دهنده خرید و فروش نقاط هستند. توجه داشته باشید که این نقاط ورودی به طور کلی با retesting مناطق پشتیبانی در نقاط قوت یا مقاومت در بالا، نقاط شکست و شکستن of منطبق می‌شوند.

تجزیه و تحلیل روند

الگوهای قیمت در شکل ۷.۱۱ trendlines trendlines را به عنوان بخشی از این الگوها نشان می‌دهند. آنالیز trendline بر روی نمودارهای روزی روی روزی همان کاری است که برای نمودارهای میله‌ای اعمال شده است. trendlines بالا و پایین کشیده می‌شوند و trendlines به قله‌های پی‌درپی کشیده می‌شوند. این درست درباره نمودار ساده و نمودار شکل نیست، که ما قصد داریم بعد از آن درس بخوانیم. این شاخه از ۴۵ درجه استفاده می‌کند و آن‌ها را متفاوت می‌سازد.

کادر ۳ کادر "کادر" و "شکل charting"

در سال ۱۹۴۷، یک کتاب در مورد نقطه و شکل توسط A.W. کوهن با عنوان زمان‌بندی بازار بورس نوشته شد. سال بعد، هنگامی که خدمات هفتگی Chartercraft آغاز شد، نام book's به روش Chartercraft نقطه of اشاره شد. چندین نسخه اصلاح شده از آن زمان منتشر شده‌اند تا کالاها و اختیار معامله را در بر گیرند. در سال ۱۹۹۰، مایکل Burke نوشت تمام راهنمای جدید برای روش Three نقطه of نقطه & و (Chartercraft) Formations Rochelle. (NY، نو).

روش معکوس ۱ جعبه برای طراحی بازارها مستلزم قیمت روزانه بود. برگشت سه جعبه یک چگالش از جعبه ۱ بود و برای تحلیل روند میانی بود. کوهن استدلال کرد که به دلیل این که تعداد اندکی معکوس در سهام در طول روز رخ داد که لازم نبود از قیمت‌های روز بر روزی استفاده شود.

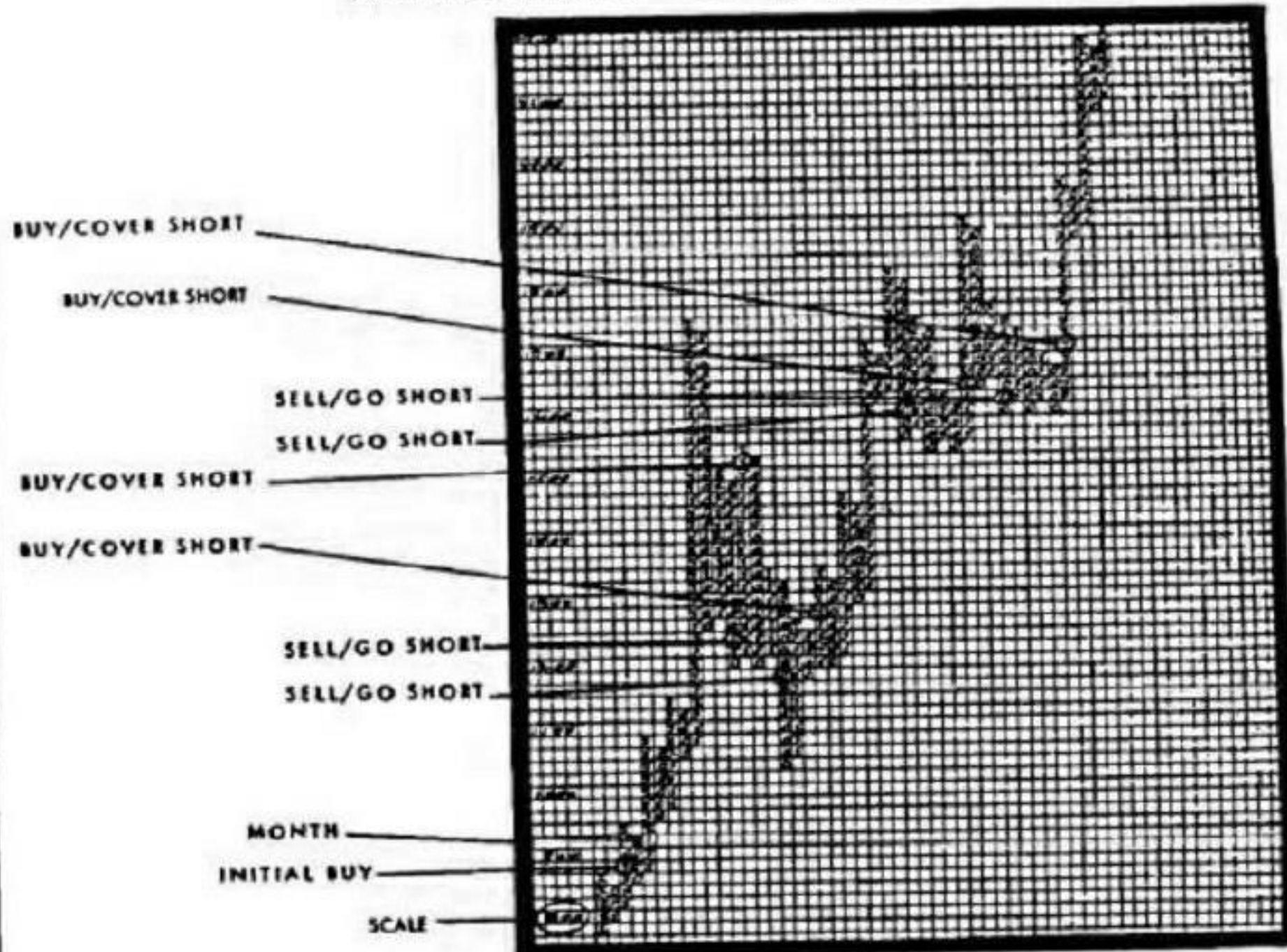
نمودار برگشت سه جعبه را بسازید. از این رو، تصمیم برای استفاده از قیمت‌های بالا و پایین، که در اغلب روزنامه‌های مالی به راحتی در دسترس بود. این تکنیک اصلاح‌شده، که اساس خدمات Chartercraft است، نقطه بسیار ساده شده و تصویر را ترسیم کرده و آن را برای یک تاجر متوسط در دسترس قرار داد.

ساختار صدر جدول ۳ امتیازی برتر

ساخت نمودار نسبتاً ساده است. اول، نمودار باید به همان شکل چارت روز درجه‌بندی شود. یک مقدار باید به هر جعبه تخصیص داده شود. این وظایف برای مشترکین رومینگ انجام می‌شوند زیرا نمودارها در حال حاضر ساخته شده‌اند و مقادیر کادر مشخص شده‌اند. نمودار یک سری ستون‌های متناوب با قیمت رو به بالا و ستون‌های 0 نشان می‌دهد که قیمت‌ها را نشان می‌دهند. (ر. طراحی واقعی of و o's تنها به قیمت‌های بالا و پایین برای روز نیاز دارد. اگر آخرین ستون یک ستون X باشد (نشان دادن قیمت رو به افزایش)، سپس به قیمت بالای روز نگاه کنید. اگر the روزانه به مقدار ۱ یا بیشتر اجازه داده شود، آن جعبه‌ها را پر کنید و توقف کنید. تمام کارها را برای آن روز انجام دهید. به یاد داشته باشید که کل مقدار کادر باید پر شود. پر کردن یا پر کردن جزیی جعبه don't. همان روند را روز بعد تکرار کنید و تنها به قیمت بالای آن نگاه کنید. تا زمانی که قیمت‌ها بالا می‌رود، اجازه دادن به طرح حداقل یک X، به پر کردن جعبه‌ها با X's ها و نادیده گرفتن قیمت پایین ادامه می‌دهد.

روز نهایتاً زمانی می‌رسد که قیمت بالای روزانه به اندازه کافی بالا نیست که جعبه X بعدی را پر کند. در این نقطه، به قیمت پایین نگاه کنید تا مشخص شود آیا یک برگشت ۳ در جهت دیگر رخ داده‌است یا نه. اگر این کار را بکنید، یک ستون را به سمت راست حرکت دهید، یک کادر را حرکت دهید، و سه جعبه دیگر را با o's پر کنید تا یک ستون جدید را نشان دهند. برای اینکه شما در حال حاضر در ستون پایین هستید، روز بعد با قیمت پایین مشورت کنید تا ببینید آیا این ستون of می‌تواند ادامه یابد یا نه. اگر یک یا چند o's را می‌توان در آن پر کرد، پس آن را انجام دهید. تنها زمانی که پایین روزانه اجازه ورود به هیچ کدام از o's را نمی‌دهد، به سطح بالا نگاه می‌کنید تا ببینید آیا برگشت یک بسته به وارونه روی داده‌است یا نه. اگر اینطور است، یک ستون را به سمت راست حرکت دهید و ستون X جدیدی را شروع کنید.

EXPLANATION of CHARTS



POINT & FIGURE TECHNIQUES

BUY SIGNAL - Occurs when a column of Xs rises one box higher than the highest X of the prior X column. Since this point can be anticipated, a stop order to enter the position can be placed at the buy point.

SELL SIGNAL - Occurs when a column of Os declines one box below the lowest O on the prior O column.

COVER POINT FOR A SHORT - Exactly the same point as the buy signal. Since this point can be determined in advance, a stop-loss order to cover should be in the market.

CLOSEOUT OF A LONG - Exactly the same point as the sell signal.

ORDERS - Since all entry and stop-loss points can be determined prior to the occurrence, entry and closeout stop orders can be placed beforehand in the market. But remember, these signal points change and all orders should be periodically reviewed and adjusted.

TRADITIONAL ENTRY SIGNALS - The first buy signal following one or more sell-short signals and the first sell-short signal following one or more buy signals.

BULLISH - If the most recent signal was a buy signal, the position is bullish and remains bullish until a sell-short signal occurs.

BEARISH - If the most recent signal was a sell-short signal, the position is bearish and remains bearish until a buy signal occurs.

PULLBACKS - Rather than taking an immediate entry on a signal, if a reversal is anticipated after a signal, a strategy involving less risk is to take the position after the signal but at a price closer to the stop.

DAILY CHART UPDATING

IF THE CURRENT COLUMN IS AN X COLUMN - Look first at the daily high. If the daily high permits the drawing of one or more X's, draw them and ignore the daily low. If, and only if, no new Xs can be drawn, look at the daily low and determine whether a reversal has occurred. If a reversal has not occurred, make no entries at all.

IF THE CURRENT COLUMN IS AN O COLUMN - Look first at the daily low. If the daily low permits the drawing of one or more Os, draw them and ignore the daily high. If, and only if, no new Os can be drawn, look at the daily high to determine whether a reversal has occurred. If a reversal has occurred draw the appropriate number of Xs. If a reversal has not occurred, make no entries at all.

There can never be Xs and Os drawn on the same day. On a daily basis there is either a continuation of the current column, a reversal, or no new entries are made.

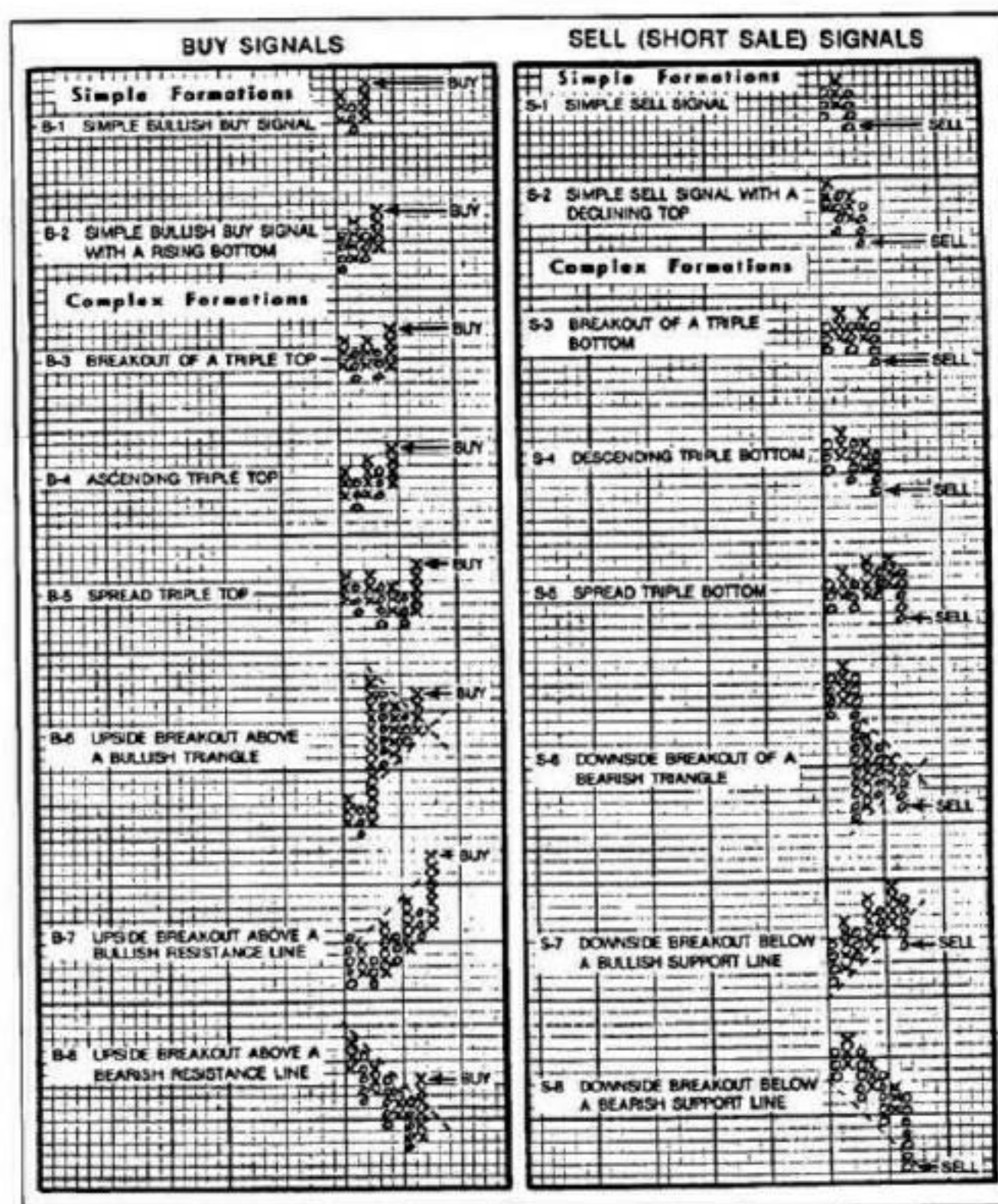
الگوهای چارت

شکل ۱۱ - ۱۱ نشان می‌دهد که ۱۶ الگوی قیمت در این نوع از نقطه و شکل ۸ - ۸ سیگنال خرید و ۸ سیگنال فروش را نشان می‌دهد.

Let's نگاهی به الگوها دارند. از آنجا که ستون ۲، سیگنال‌های $1 - S$ را از طریق $8 - S$ نشان می‌دهد، فقط یک تصویر آینه‌ای از ستون ۱ است، ما روی قسمت خرید تمرکز خواهیم کرد. دو سیگنال اول، $1 - B$ و $2 - B$ ، آرایش ساده‌ای هستند. تمام آنچه که برای سیگنال خرید صعودی ساده لازم است ۳ ستون است با ستون دوم of که ۱ جعبه را بالاتر از ستون قبلی of حرکت می‌دهد. $2 - B$ مشابه با یک اختلاف جزئی است - در حال حاضر ۴ ستون وجود دارد که در پایین ستون دوم بالاتر از اولی قرار دارد. $1 - B$ یک شکست ساده را از طریق مقاومت نشان می‌دهد. $2 - B$ همان شکست صعودی را نشان می‌دهد اما با ویژگی صعودی افزایشی of بالا. $2 - B$ یک الگوی کمی قوی‌تر از $1 - B$ برای آن دلیل است.

الگوی سوم ($3 - B$)، شکست یک راس سه‌گانه، آرایش پیچیده را آغاز می‌کند. توجه داشته باشید که سیگنال خرید صعودی ساده بخشی از هر ترکیب پیچیده است. هم چنین هنگامی که ما از صفحه پایین می‌رویم، این شکل‌ها به طور فزاینده‌ای قوی‌تر می‌شوند. این شکست سه‌گانه قوی‌تر است چون ۵ ستون درگیر وجود دارند و ۲ ستون $X'S$ نفوذ کرده‌اند. به یاد داشته باشید که هر چه پایه بزرگ‌تر باشد، پتانسیل معکوس بیشتر خواهد بود. الگوی بعدی ($4 - B$)، که در راس سه‌گانه است، قوی‌تر از $3 - B$ است زیرا نوک و کف هر دو صعودی هستند. تقسیم سه تایی ($5 - B$) حتی قوی‌تر است چون ۷ ستون درگیر وجود دارد و سه ستون of از آن تجاوز می‌کنند.

شکست وارونه بالای یک مثلث صعودی ($6 - B$) دو سیگنال را ترکیب می‌کند. اول، یک سیگنال خرید ساده باید وجود داشته باشد. سپس خط روند بالاتر باید پاک‌سازی شود. (ما رسم of را در این نمودارها در بخش بعدی پوشش خواهیم داد). سیگنال $7 - B$ ، شکست وارونه بالای خط مقاومت صعودی، خود - توضیحی است. دوباره، دو چیز باید وجود داشته باشد. یک سیگنال خرید باید قبلاً داده شده باشد؛ و خط بالایی کانال باید کاملاً پاک‌سازی شود. الگوی نهایی، شکست وارونه بالای خط مقاومت نزولی ($8 - B$) نیز به دو عنصر نیاز دارد. یک سیگنال خرید ساده باید با یک پاک‌سازی از خط روند پایین ترکیب شود. البته، هر چیزی که ما در مورد الگوهای $1 - B$ از طریق $8 - B$ اعمال کردیم به همان اندازه برای الگوهای $1 - S$ از طریق $8 - S$ اعمال می‌شود، به جز آن، در مورد دوم، قیمت‌ها به جای بالا رفتن سر می‌شوند.



شکل ۹.۱۱ منبع: Zieg K.C., جونیور، کافمن، Point

و تکنیک‌های بازرگانی کالا (Rochele، نیویورک: اطلاعات سرمایه گذاران) p.
۷۳.

تفاوت بین چگونگی اعمال این الگوها در بازارهای کالا به عنوان نقطه مقابل سهام مشترک وجود دارد. به طور کلی، همه ۱۶ سیگنال را میتوان در تجارت بازار سهام مورد استفاده قرار داد. با این حال، به دلیل حرکت سریع و مشخصه بازارهای آتی، الگوهای پیچیده در بازارهای کالا رایج نیستند. بنابراین تاکید بیشتری بر روی سیگنالهای ساده قرار داده می‌شود. بسیاری از دلالتان پیش‌خرید کننده تنها از سیگنالهای ساده استفاده می‌کنند. اگر تاجر بخواهد برای الگوهای پیچیده و قوی‌تر منتظر بماند، بسیاری از فرصت‌های تجاری سودآور از دست خواهند رفت.

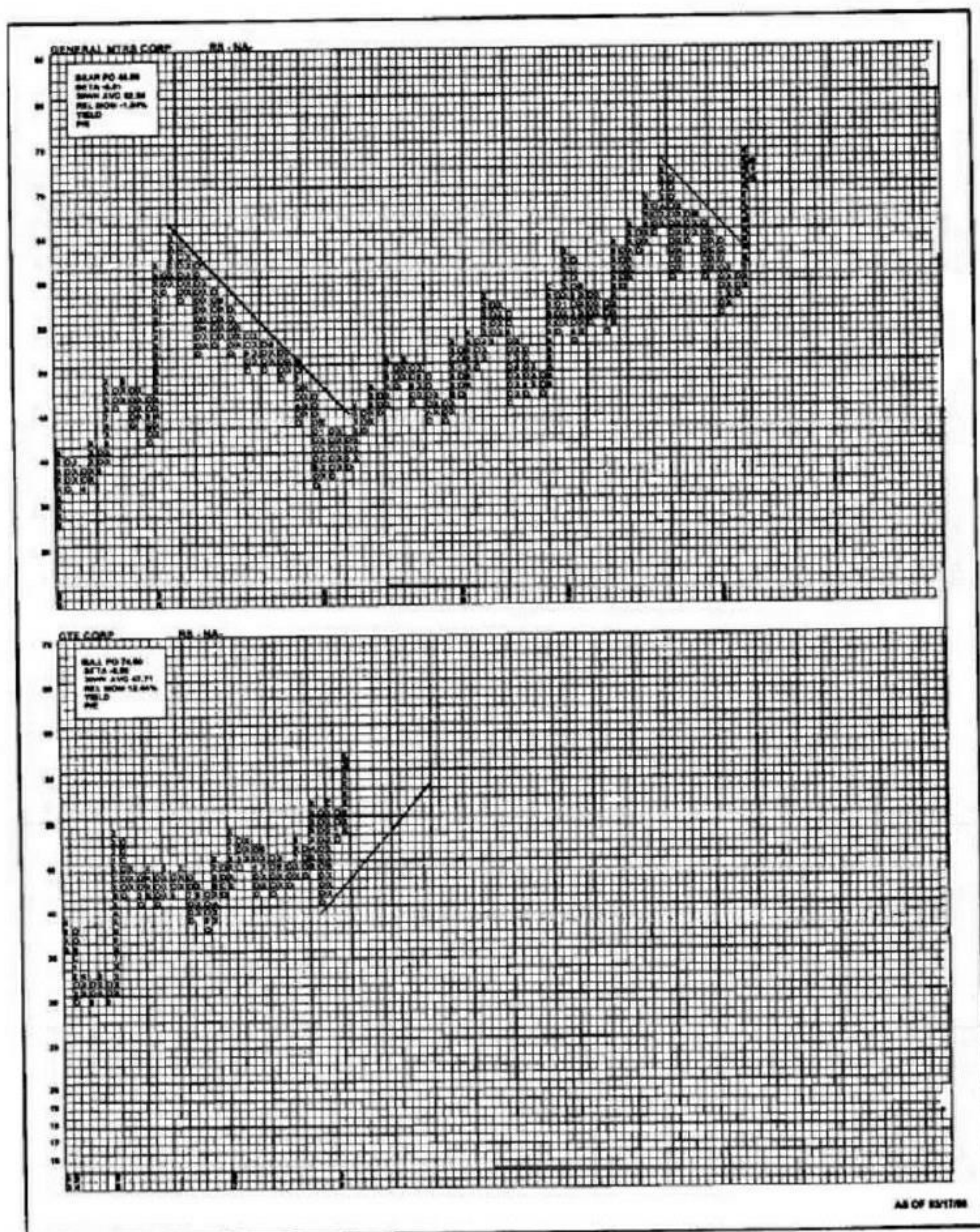
تجدید حیات وحش:

در بحث ما در مورد نمودارهای روزی، نشان داده شد که خطوط روند به روش مرسوم کشیده شده‌اند. این مورد روی نمودارهای برگشت سه نقطه‌ای نیست. این نمودارها با زاویه ۴۵ درجه کشیده شده‌اند. هم چنین، لزوماً مجبور نیستند نوک یا bottoms قبلی را به هم متصل کنند.

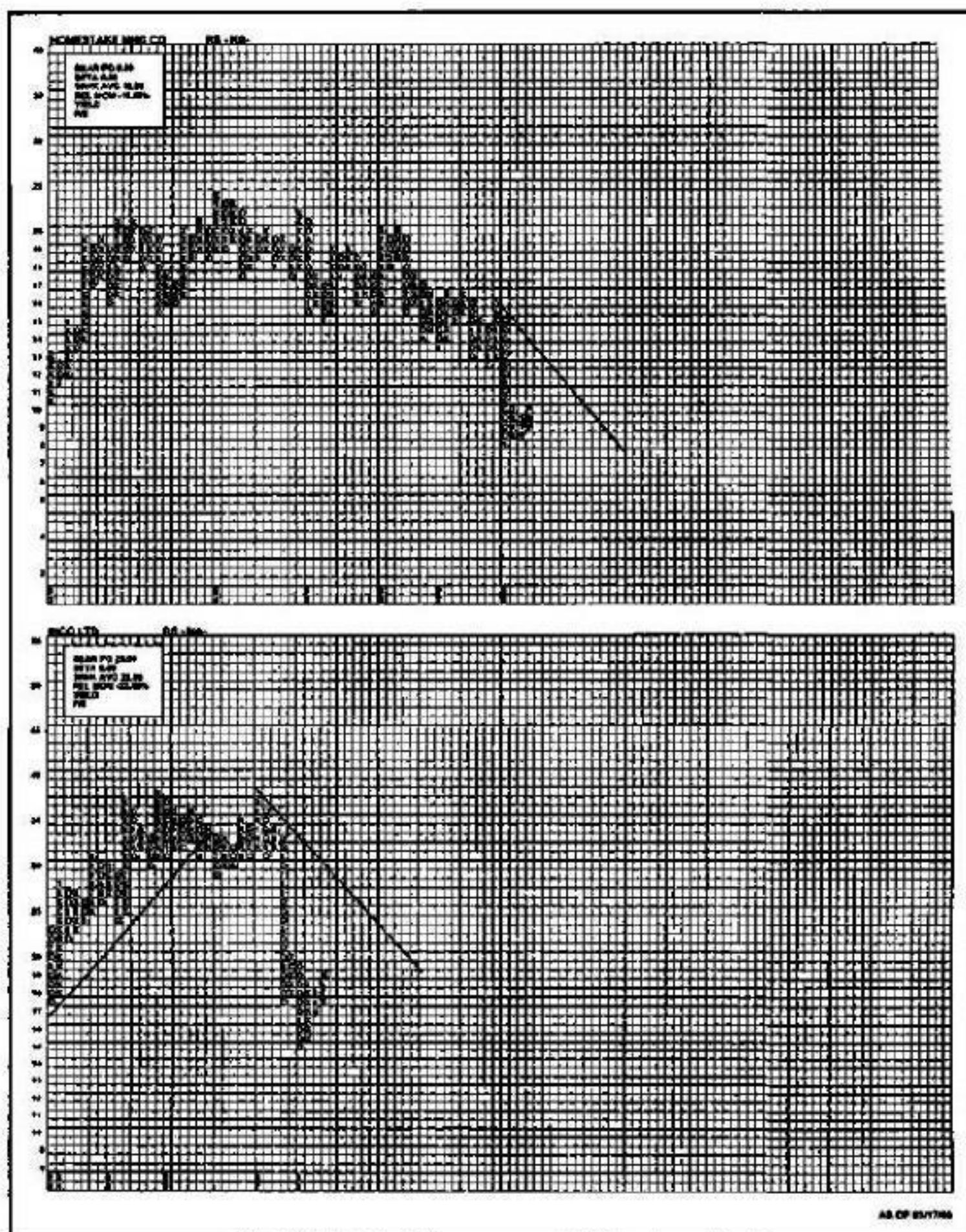
خط پشتیبانی Bullish پایه و خط مقاومت Bearish

اینها اصول اولیه و بنیادی شما هستند. به دلیل چگالش شدید در این نمودارها، تلاش برای اتصال بالا و یا واکنش پایین غیر عملی است. بنابراین، خط ۴۵ درجه استفاده می‌شود. در یک uptrend، خط پشتیبانی صعودی با زاویه ۴۵ درجه به سمت راست از زیر پایین‌ترین ستون of کشیده می‌شود. تا زمانی که قیمت‌ها بالاتر از این خط باشند، روند اصلی صعودی در نظر گرفته می‌شود. در روند نزولی، خط مقاومت نزولی در زاویه ۴۵ درجه رو به پایین به سمت راست از بالای بالاترین ستون of کشیده می‌شود. تا زمانی که قیمت‌ها پایین‌تر از خط روند پایین باقی بمانند، روند نزولی است. (مراجعه به شکل‌های ۱۰.۱۱ - ۱۲.۱۱)

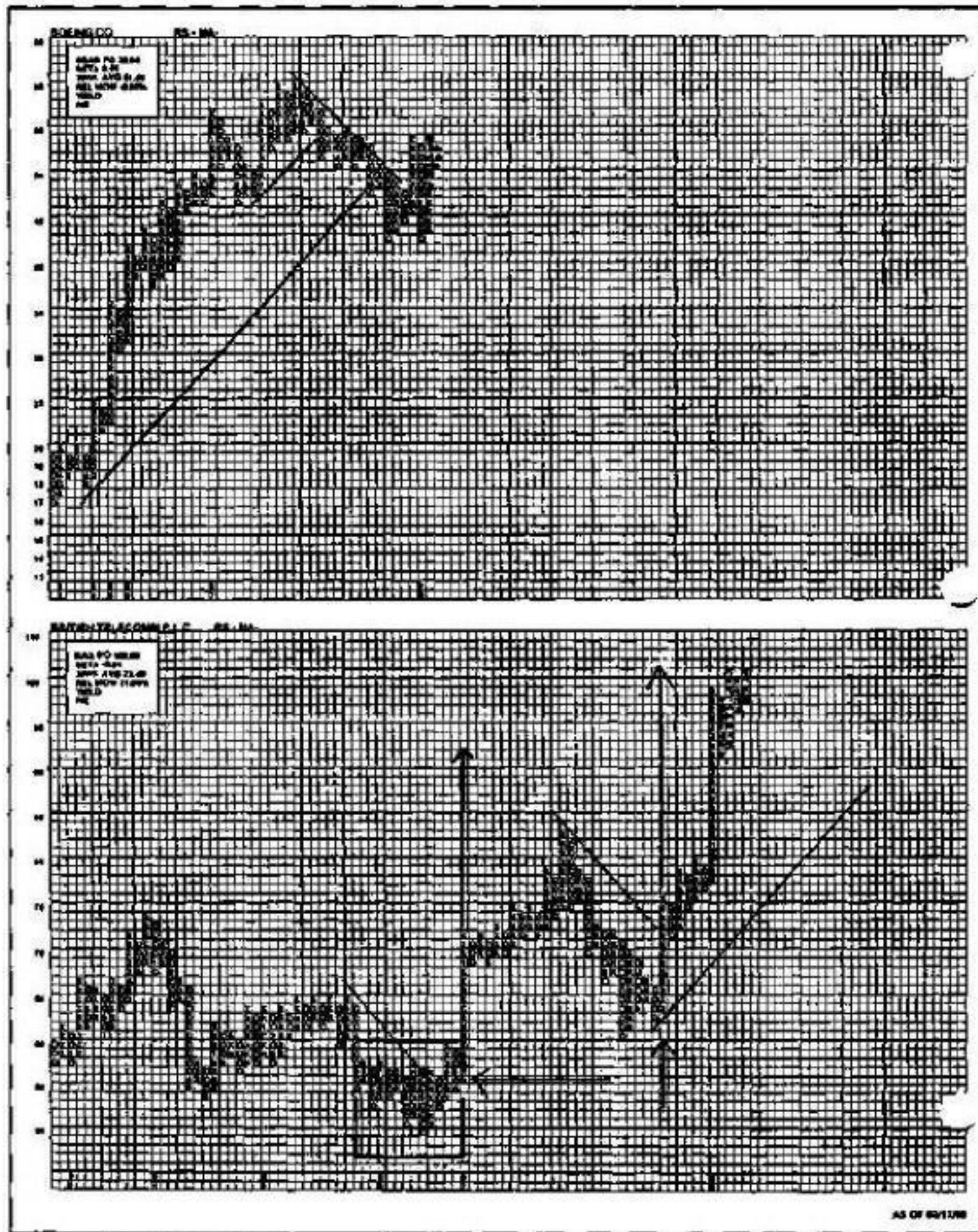
گاهی ممکن است این خطوط تنظیم شوند. برای مثال، گاهی اوقات یک تصحیح در یک uptrend در زیر خط پشتیبانی رو به افزایش است که بعد از آن رزومه‌ها از سر گرفته می‌شوند. در چنین مواردی، یک خط حمایتی جدید باید با زاویه ۴۵ درجه از پایین آن واکنش باشد. بعضی اوقات یک روند به حدی قوی است که the -



شکل ۱۰.۱۱ مثال‌هایی از نمودار بلوکی سهام معکوس را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که trendlines با زاویه ۴۵ درجه کشیده شده‌اند. (منبع: با کسب اجازه از Rochelle, Chartcraft, نیویورک).



شکل ۱۱ - ۱۱ - دو مثال دیگر از روش معکوس نقطه برگشت نقطه و شکل.
این نمودارها در زاویه ۹۰ درجه تنظیم شده‌اند. (منبع)



شکل ۱۲.۱۱ جعبه سمت چپ یک هدف افقی را نشان می‌دهد که در آن ۹۲ در
 Telecom PLC انگلیس با سه برابر کردن پایه رسید و به ۵۰ رسید. در
 سمت راست، یک هدف عمودی تا ۱۰۲ با سه برابر شدن ستون X و افزودن به
 ۶۳ (منبع: با کسب اجازه از Rochelle, Chartcraft, نیویورک).

خط روند صعودی به سادگی بسیار دور از اقدام قیمت است. در این حالت، خط روند فشرده باید در تلاش برای رسیدن به بهترین خط پشتیبانی "مناسب" کشیده شود.

تکنیک‌های MEASURING

سه نمودار برگشت مرحله‌ای اجازه استفاده از دو تکنیک اندازه‌گیری مختلف را می‌دهد - افقی و عمودی. برای افقی، تعداد ستون‌ها در یک الگوی پایین یا پر از topping را بشمارید. سپس تعداد ستون‌ها باید با مقدار برگشت یا تعداد جعبه‌های مورد نیاز برای برگشت ضرب شود. برای مثال، let's یک \$ value ۰.۱ به چارت با یک برگشت ۳ جعبه. تعداد جعبه‌ها را روی یک پایه شمارش کرده و با ۱۰ عدد افزایش پیدا کردیم. از آنجا که ما از یک برگشت ۳ جعبه استفاده می‌کنیم، مقدار آن معکوس ۳ دلار ($3 \times \$1.00$) است. ۱۰ ستون را با ۳ دلار برای کل ۳۰ دلار ضرب کنید. سپس این عدد به پایین الگوی اولیه اضافه شده و یا از بالای الگوی topping کم می‌شود تا به هدف قیمت برسد.

شمارش عمودی کمی ساده‌تر است. تعداد جعبه‌ها در ستون اول روند جدید را اندازه بگیرید. در یک uptrend، اولین ستون از x's را اندازه‌گیری کنید. در روند نزولی، اولین ستون پایین of را اندازه‌گیری کنید. این مقدار را با ۳ ضرب کنید و آن را به ته ستون اضافه کنید و یا آن را از بالای ستون کم کنید. کاری که شما با یک نمودار برگشت سه باکس انجام می‌دهید سه برابر اندازه پای اول است. اگر یک قسمت بالا یا پایین روی نمودار رخ دهد، از ستون دوم O's یا X's برای شمارش عمودی استفاده کنید. (مراجعه به شکل ۱۲.۱۱).

تاکتیک‌های معامله

- Let's به روش‌های مختلف نگاه می‌کنند که این نقطه و نمودار را میتوان برای تعیین نقاط ورودی و خروجی خاص مورد استفاده قرار داد.
1. یک سیگنال خرید ساده می‌تواند برای پوشش شلوارک‌های قدیمی و / یا آغاز آرزوی جدید استفاده شود.
 2. یک سیگنال فروش ساده می‌تواند برای انحلال of قدیمی و یا شروع شلوارک جدید مورد استفاده قرار گیرد.

قطه و شکل ۹

3. سیگنال ساده می‌تواند تنها برای نابود کردن اهداف با تشکیل کمپلکس مورد نیاز برای یک تعهد جدید استفاده شود.

4. خط روند می‌تواند به عنوان فیلتر استفاده شود. موقعیت‌های طولانی بالای خط روند و موقعیت‌های کوتاه زیر خط روند گرفته می‌شوند.

5. برای جلوگیری از حفاظت، همیشه در زیر ستون آخر of در یک uptrend و در آخرین ستون of در یک روند نزولی ریسک کنید.

6. نقطه ورود واقعی می‌تواند به صورت زیر تغییر کند:

a. شکست واقعی را در یک uptrend بخرید.

b. پس از این که شکست برای به دست آوردن نقطه ورودی کم‌تر رخ می‌دهد، یک برگشت ۳ جعبه را بخرید.

c. پس از اینکه اصلاح رخ می‌دهد یک برگشت ۳ جعبه را در جهت شکست اصلی بخرید. این کار نه تنها به تایید اضافه‌شده از برگشت مثبت در جهت درست نیاز دارد، بلکه یک نقطه توقف نزدیک‌تر می‌تواند در آخرین ستون of مورد استفاده قرار گیرد.

d. یک شکست دوم را در همان مسیر با سیگنال شکست orig بخرید.

همانطور که می‌توانید به آسانی از این لیست ببینید، راه‌های مختلفی وجود دارد که نمودار نقطه‌ای و شکل را میتوان مورد استفاده قرار داد. هنگامی که تکنیک اصلی درک شد، انعطاف‌پذیری نامحدودی وجود دارد که چگونه میتوان با استفاده از این روش به بهترین شکل وارد و خارج از بازار شد.

آن را مرتب می‌کنیم.

سیگنال فروش واقعی یا فروش در سیگنال اول رخ می‌دهد. با این حال، همچنان که این حرکت ادامه دارد، چندین سیگنال دیگر در نمودار ظاهر می‌شوند. این repeat تکرار یا فروش را میتوان برای موقعیت‌های بیشتر مورد استفاده قرار داد. این که این کار انجام شود یا نه، نقطه توقف حفاظتی را می‌توان درست زیر آخرین ستون در یک uptrend بالا برد و به آخرین ستون X در یک روند نزولی کاهش داد. این استفاده از توقف دنباله به تاجر اجازه می‌دهد تا در موقعیت باقی

بماند و در همان زمان از سودهای انباشته محافظت کند.

خط روند صعودی به سادگی بسیار دور از اقدام قیمت است. در این حالت، خط روند فشرده باید در تلاش برای رسیدن به بهترین خط پشتیبانی "مناسب" کشیده شود.

تکنیک‌های MEASURING

سه نمودار برگشت مرحله‌ای اجازه استفاده از دو تکنیک اندازه‌گیری مختلف را می‌دهد - افقی و عمودی. برای افقی، تعداد ستون‌ها در یک الگوی پایین یا پر از topping را بشمارید. سپس تعداد ستون‌ها باید با مقدار برگشت یا تعداد جعبه‌های مورد نیاز برای برگشت ضرب شود. برای مثال، let's یک \$ value ۰.۱ به چارت با یک برگشت ۳ جعبه. تعداد جعبه‌ها را روی یک پایه شمارش کرده و با ۱۰ عدد افزایش پیدا کردیم. از آنجا که ما از یک برگشت ۳ جعبه استفاده می‌کنیم، مقدار آن معکوس ۳ دلار ($3 \times \$1.00$) است. ۱۰ ستون را با ۳ دلار برای کل ۳۰ دلار ضرب کنید. سپس این عدد به پایین الگوی اولیه اضافه شده و یا از بالای الگوی topping کم می‌شود تا به هدف قیمت برسد.

شمارش عمودی کمی ساده‌تر است. تعداد جعبه‌ها در ستون اول روند جدید را اندازه بگیرید. در یک uptrend، اولین ستون از X's را اندازه‌گیری کنید. در روند نزولی، اولین ستون پایین of را اندازه‌گیری کنید. این مقدار را با ۳ ضرب کنید و آن را به ته ستون اضافه کنید و یا آن را از بالای ستون کم کنید. کاری که شما با یک نمودار برگشت سه باکس انجام می‌دهید سه برابر اندازه پای اول است. اگر یک قسمت بالا یا پایین روی نمودار رخ دهد، از ستون دوم O's یا X's برای شمارش عمودی استفاده کنید. (مراجعه به شکل ۱۲.۱۱).

"TRADING" TACTICS

Let's به روش‌های مختلف نگاه می‌کنند که این نقطه و نمودار را میتوان برای تعیین نقاط ورودی و خروجی خاص مورد استفاده قرار داد.

1. یک سیگنال خرید ساده می‌تواند برای پوشش شلوارک‌های قدیمی و / یا آغاز آرزوی جدید استفاده شود.

2. یک سیگنال فروش ساده می‌تواند برای انحلال of قدیمی و یا شروع شلوارک جدید مورد استفاده قرار گیرد.

نقطه و شکل ۹

3. سیگنال ساده را میتوان تنها برای انحلال اهداف با یک شکل‌گیری پیچیده مورد نیاز برای تعهد جدید استفاده کرد.

4. خط روند می‌تواند به عنوان یک فیلتر استفاده شود. پست‌های طولانی بالاتر از خط روند و موقعیت‌های کوتاه‌مدت زیر خط روند گرفته می‌شوند.

5. برای جلوگیری از حفاظت، همیشه در زیر ستون آخر of در یک uptrend و در آخرین ستون of در یک روند نزولی ریسک کنید.

6. نقطه ورود واقعی می‌تواند به صورت زیر تغییر کند:

a. یک شکست واقعی را در یک لیست خرید کن.

b. پس از این که شکست برای به دست آوردن نقطه ورودی کم‌تر رخ می‌دهد، یک برگشت ۳ جعبه را بخرید.

c. پس از اینکه اصلاح رخ می‌دهد یک برگشت ۳ جعبه را در جهت شکست اصلی بخرید. این کار نه تنها به تایید اضافه‌شده از برگشت مثبت در جهت درست نیاز دارد، بلکه یک نقطه توقف نزدیک‌تر می‌تواند در آخرین ستون of مورد استفاده قرار گیرد.

d. یک شکست دیگر را در یک جهت به عنوان سیگنال شکست نهایی خریداری کنید.

همانطور که می‌توانید به آسانی از این لیست ببینید، راه‌های مختلفی وجود دارد که نمودار نقطه‌ای و شکل را میتوان مورد استفاده قرار داد. هنگامی که تکنیک اصلی درک شد، انعطاف‌پذیری نامحدودی وجود دارد که چگونه میتوان با استفاده از این روش به بهترین شکل وارد و خارج از بازار شد.

آن را مرتب می‌کنیم.

سیگنال فروش واقعی یا فروش در سیگنال اول رخ می‌دهد. با این حال، همچنان که این حرکت ادامه دارد، چندین سیگنال دیگر در نمودار ظاهر می‌شوند. این repeat تکرار یا فروش را میتوان برای موقعیت‌های بیشتر مورد استفاده قرار داد. این که این کار انجام شود یا نه، نقطه توقف حفاظتی را می‌توان درست زیر آخرین ستون در یک uptrend بالا برد و به آخرین ستون X در یک روند نزولی کاهش داد. این استفاده از توقف دنباله به تاجر اجازه می‌دهد تا در موقعیت باقی بماند و در همان زمان از سودهای انباشته محافظت کند.

کارهایی که بعد از انتقال Prolonged انجام دهید

اصلاحات Intermittent علیه این روند به تاجر اجازه می‌دهد تا زمانی که این روند ادامه دارد، توقف کند. با این حال، این کار چگونه انجام می‌شود اگر در طی این روند هیچ معکوس box رخ ندهد؟ سپس تاجر با ستون طویلی از X's در یک روند نزولی مواجه شده‌است. این نوع از موقعیت بازار، چیزی را ایجاد می‌کند که قطب نامیده می‌شود، یعنی ستون طویلی از X's و O's بدون اصلاح. این تاجر می‌خواهد با این روند بماند، اما خواهان آن است که تکنیکی برای حفاظت از سودها باشد. حداقل یک راه برای انجام این کار وجود دارد. پس از یک حرکت بدون وقفه ۱۰ یا چند جعبه، یک توقف حفاظتی در نقطه‌ای که برگشت سه جعبه رخ می‌دهد، قرار دهید. اگر موقعیت متوقف شود، reentry می‌تواند در جهت معکوس سه‌بعدی دیگری در جهت روند اصلی انجام شود. در این حالت، یک مزیت اضافه کردن محل توقف جدید تحت آخرین ستون recent در یک uptrend یا بیش از آخرین ستون of در یک روند نزولی است.

مزایای نقطه و شکل

Let's به طور خلاصه برخی از مزایای ذکر شده را مورد بررسی قرار داده و ترسیم می‌کند.

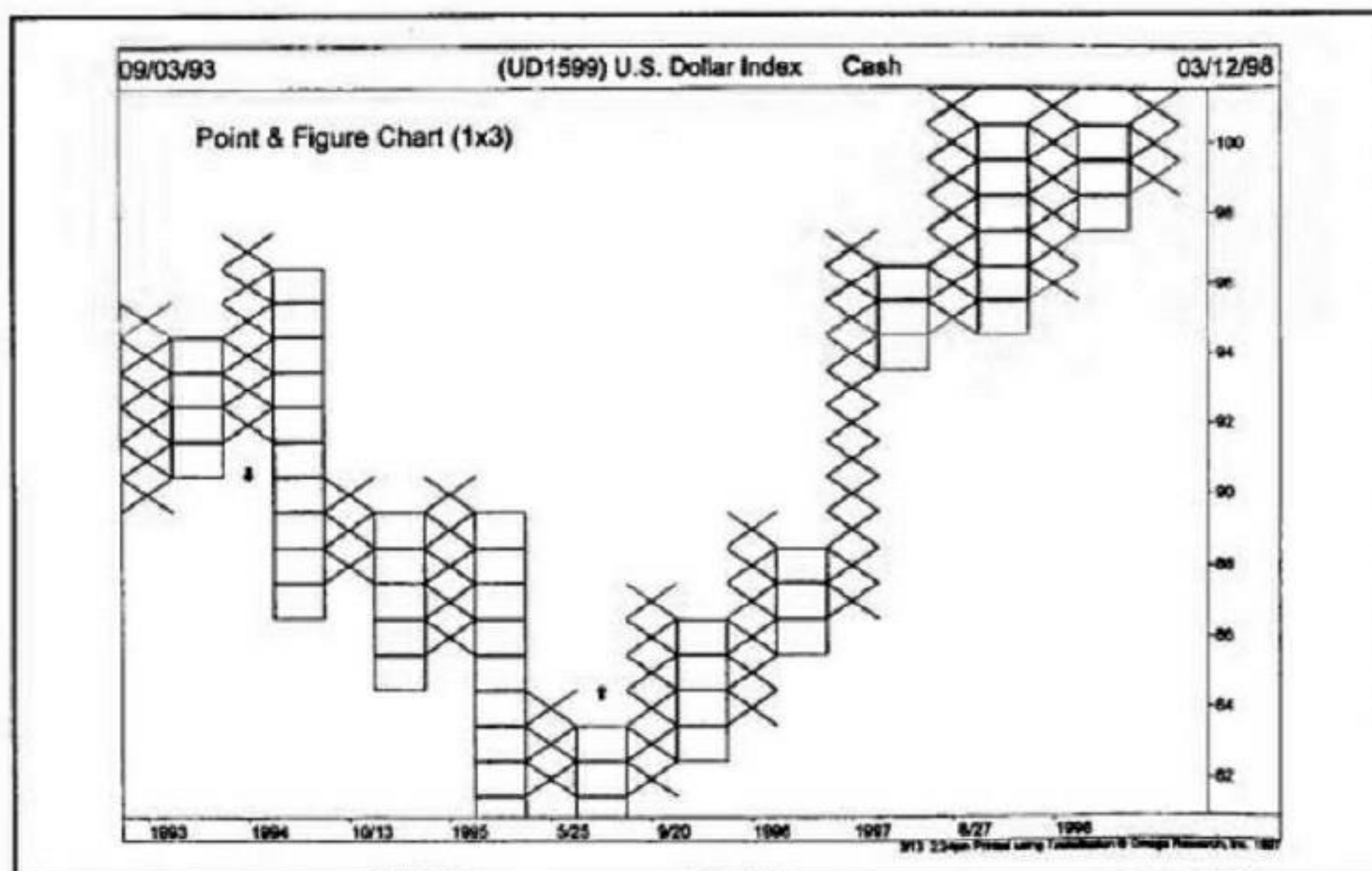
1. با تغییر جعبه و اندازه‌های معکوس، این نمودارها می‌توانند با هر نیاز سازگار شوند. همچنین راه‌های مختلفی برای این نمودارها وجود دارد که می‌تواند برای نقاط ورود و خروجی مورد استفاده قرار گیرد.
2. سیگنال‌های تجاری در جدول‌های نقطه‌ای و شکل دقیق‌تر هستند تا روی نمودارهای میله‌ای.
3. با پیروی از این نقاط و سیگنال‌های خاص، نظم تجاری بهتری حاصل می‌شود. (آمار را ببینید)



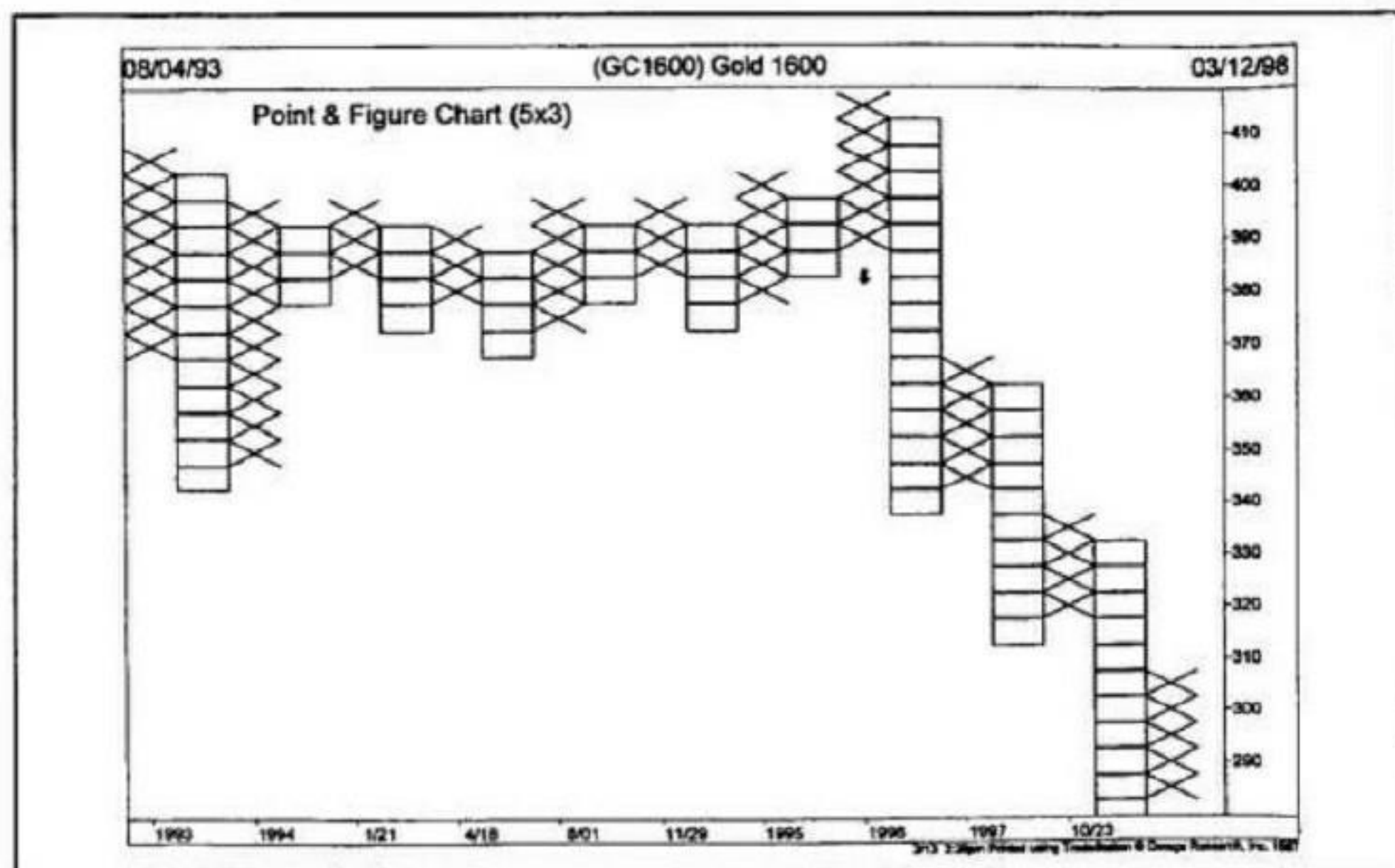
شکل ۱۳.۱۱ این نمودار قیمت‌های آتی اسناد خزانه بیش از دو سال را پوشش می‌دهد. فلش‌ها نشانه خرید و فروش سیگنال هستند. اغلب این سیگنال‌ها روند بازار را به خوبی اشغال کرده‌اند. حتی زمانی که یک سیگنال بد داده می‌شود، چارت به سرعت خود را اصلاح می‌کند.



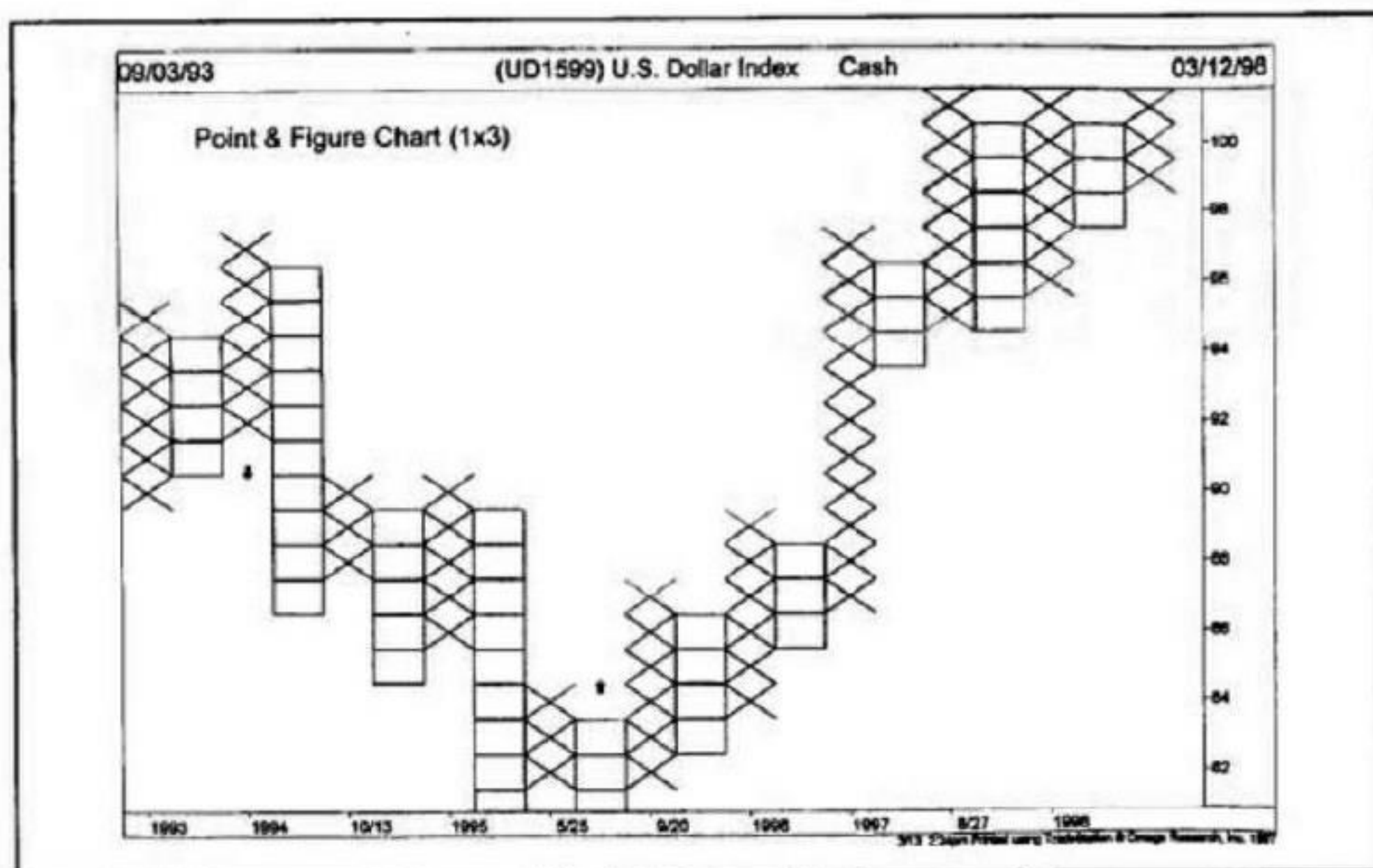
شکل ۱۴.۱۱ نشان می‌دهد که سیگنال فروش اولیه ۱۹۹۴ تا سال ۱۹۹۴ طول کشید. علامت خرید در آغاز سال ۱۹۹۵ (تیر اول) تا سال ۱۹۹۷ به مدت دو سال به طول انجامید. یک سیگنال فروش در اواسط سال ۱۹۹۷ به خرید در آغاز سال ۱۹۹۸ تبدیل شد.



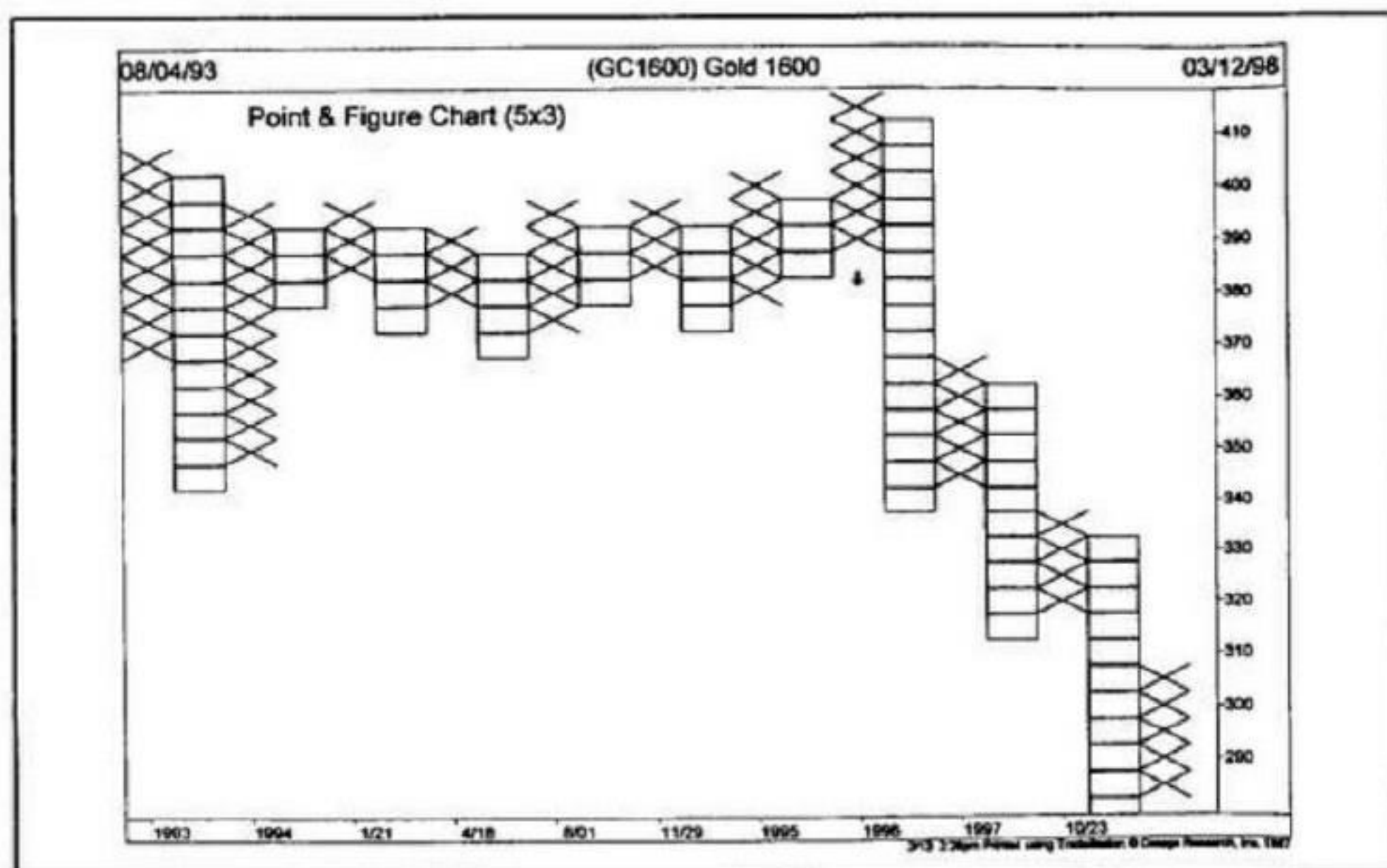
شکل ۱۵.۱۱ این نمودار نمودار دلار قبلی را با دو برابر کردن اندازه جعبه نشان می‌دهد. تنها دو سیگنال در این نسخه کمتر حساس داده می‌شود. آخرین سیگنال خرید (پیکان) در اواسط سال ۱۹۹۵ در نزدیکی ۸۵ است، که تقریباً سه سال طول کشیده‌است.



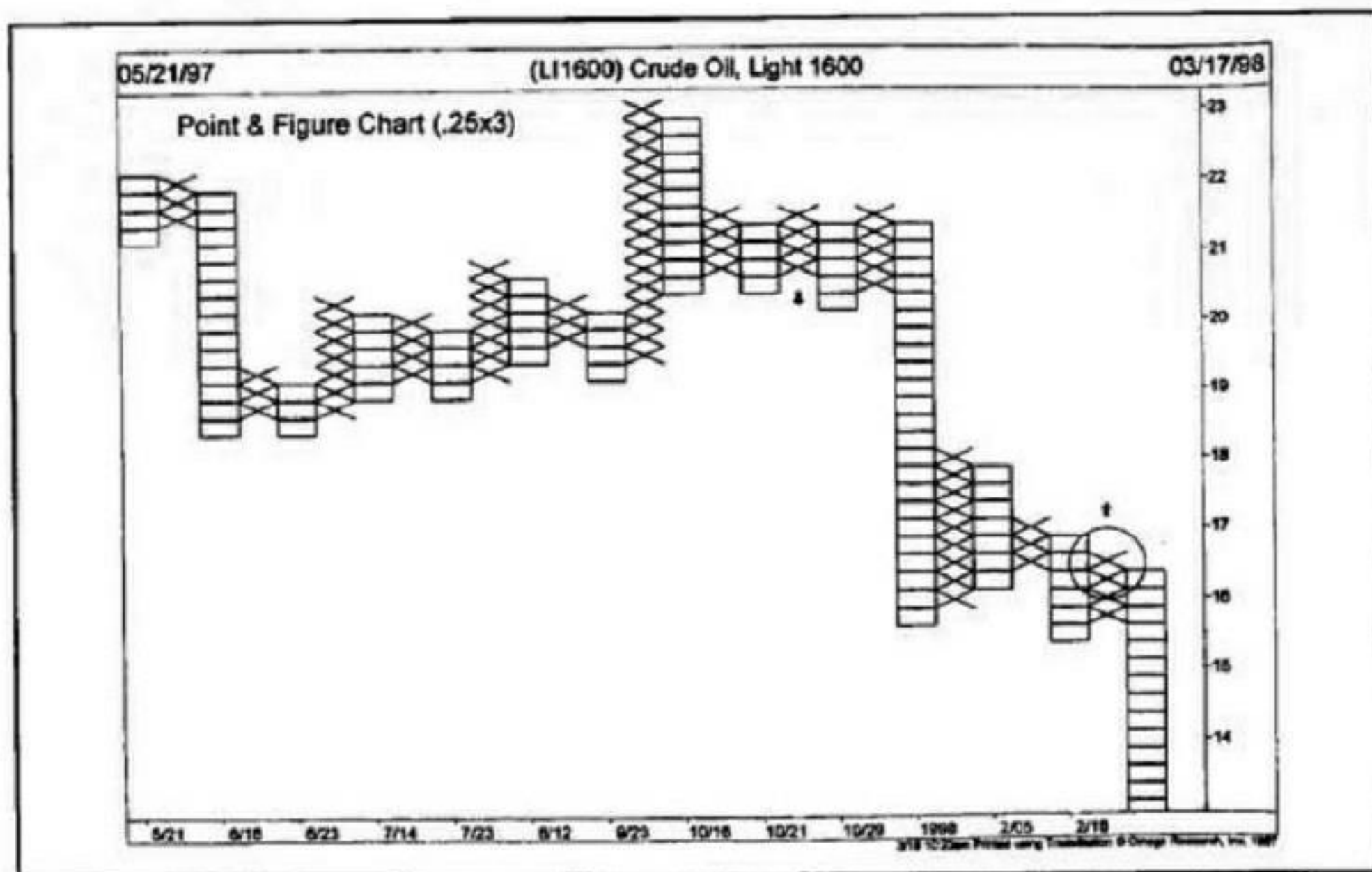
شکل ۱۶.۱۱ این نقطه و نمودار شکل طلا علامت فروش را در حدود ۳۸۰ دلار در سال ۱۹۹۶ به دست می‌دهد. قیمت طلا در دو سال آتی ۱۰۰ دلار دیگر کاهش یافت.



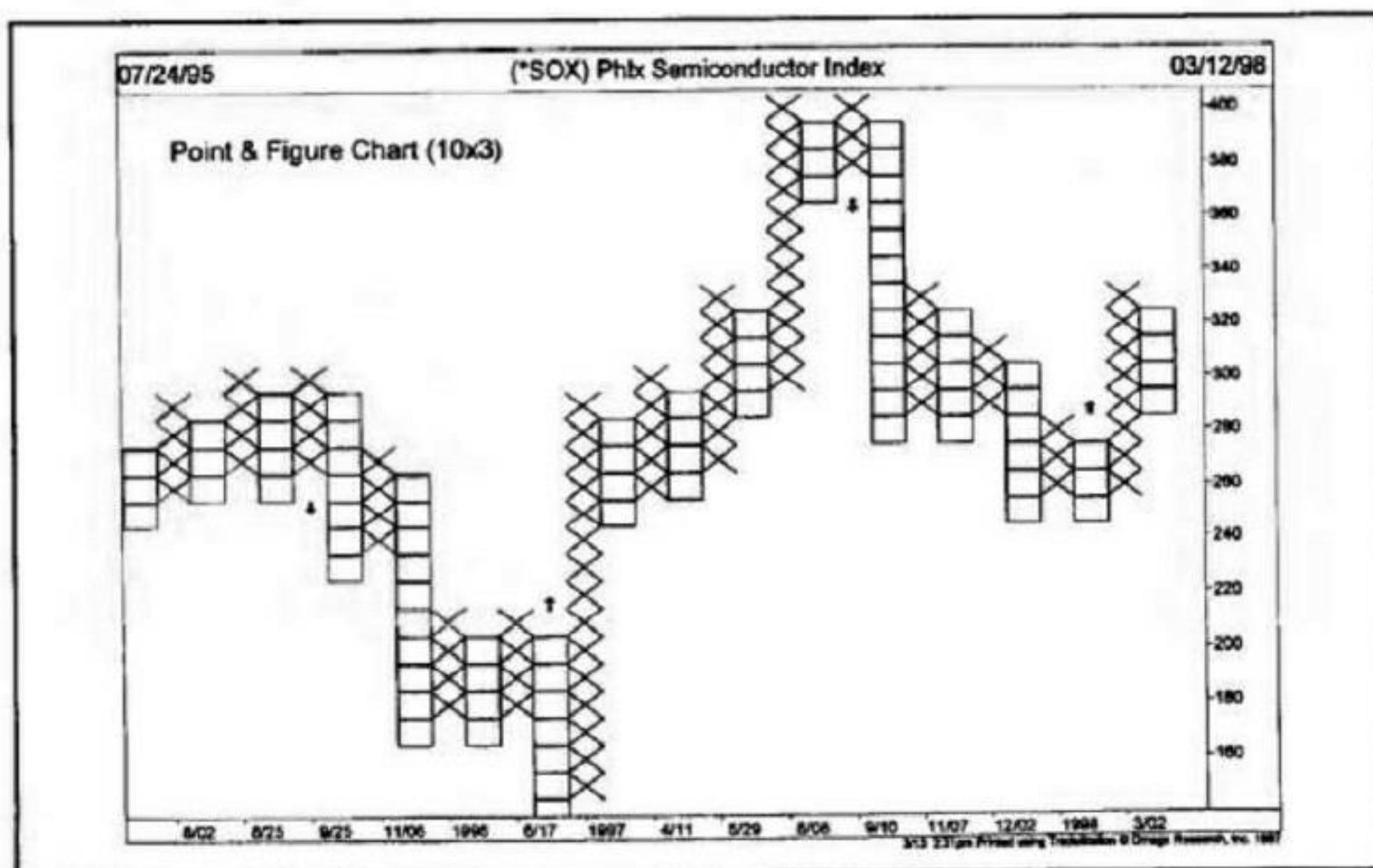
شکل ۱۵.۱۱ این نمودار نمودار دلار قبلی را با دو برابر کردن اندازه جعبه نشان می‌دهد. تنها دو سیگنال در این نسخه کمتر حساس داده می‌شود. آخرین سیگنال خرید (پیکان) در اواسط سال ۱۹۹۵ در نزدیکی ۸۵ است، که تقریباً سه سال طول کشیده‌است.



شکل ۱۶.۱۱ این نقطه و نمودار شکل طلا علامت فروش را در حدود ۳۸۰ دلار در سال ۱۹۹۶ به دست می‌دهد. قیمت طلا در دو سال آتی ۱۰۰ دلار دیگر کاهش یافت.



شکل ۱۷.۱۱ نقطه نفت خام و نمودار شکل نشان دهنده یک سیگنال فروش (فلش) نزدیک به ۲۰ دلار در طول اکتبر ۱۹۹۷ بود و ۶ میلیارد دلار بعدی قرار گرفت. قیمت نفت خام باید بالاتر از آخرین ستون X در ۵۰.۱۶ بالا رود تا روند نزولی را معکوس کند.



شکل ۱۸.۱۱ این نقطه و نمودار شکل شاخص Semiconductor چهار سیگنال را در طول یک دوره دو و نیم ارائه دادند. فلش‌های پایین دو سیگنال فروش به موقع در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ را نشان می‌دهند. سیگنال خرید در طی سال ۱۹۹۶ (اولین پیکان) بیشتر تظاهرات بعدی را گرفت.

پی. اف. اف. اف. اف.

در کتاب ۱۹۹۵، نقطه & شکل ۹ را نشان می‌دهد (جان ویلی & پسران)، توماس جی. دورسی از روش Chartercraft به رسم ۳ نقطه برگشت معکوس کننده سهام پشتیبانی می‌کند. او همچنین در مورد نقطه و شکل کاربرد در تجارت کالا و اختیار معامله صحبت می‌کند. دورسی علاوه بر توضیح نحوه ساخت و خواندن نمودارها، نشان می‌دهد که چگونه تکنیک P & می‌تواند برای تحلیل توان نسبی، تحلیل بخش، و در ساخت شاخص درصد NYSE درصد بکار رود. او نشان می‌دهد که چگونه نمودارها می‌توانند برای خط کاهش پیشرفت NYSE، شاخص پایین - پایین NYSE و درصد سهام بالای ۱۰ و ۳۰ هفته شان ساخته شوند. دورسی برک، ناشر انتشارات Chartercraft، (Chartercraft, Intelligence, Inc., New Rochelle) را با توسعه واقعی شاخص‌های نوآورانه ای که در این نمودار در دسترس هستند، اعتبار می‌دهد.

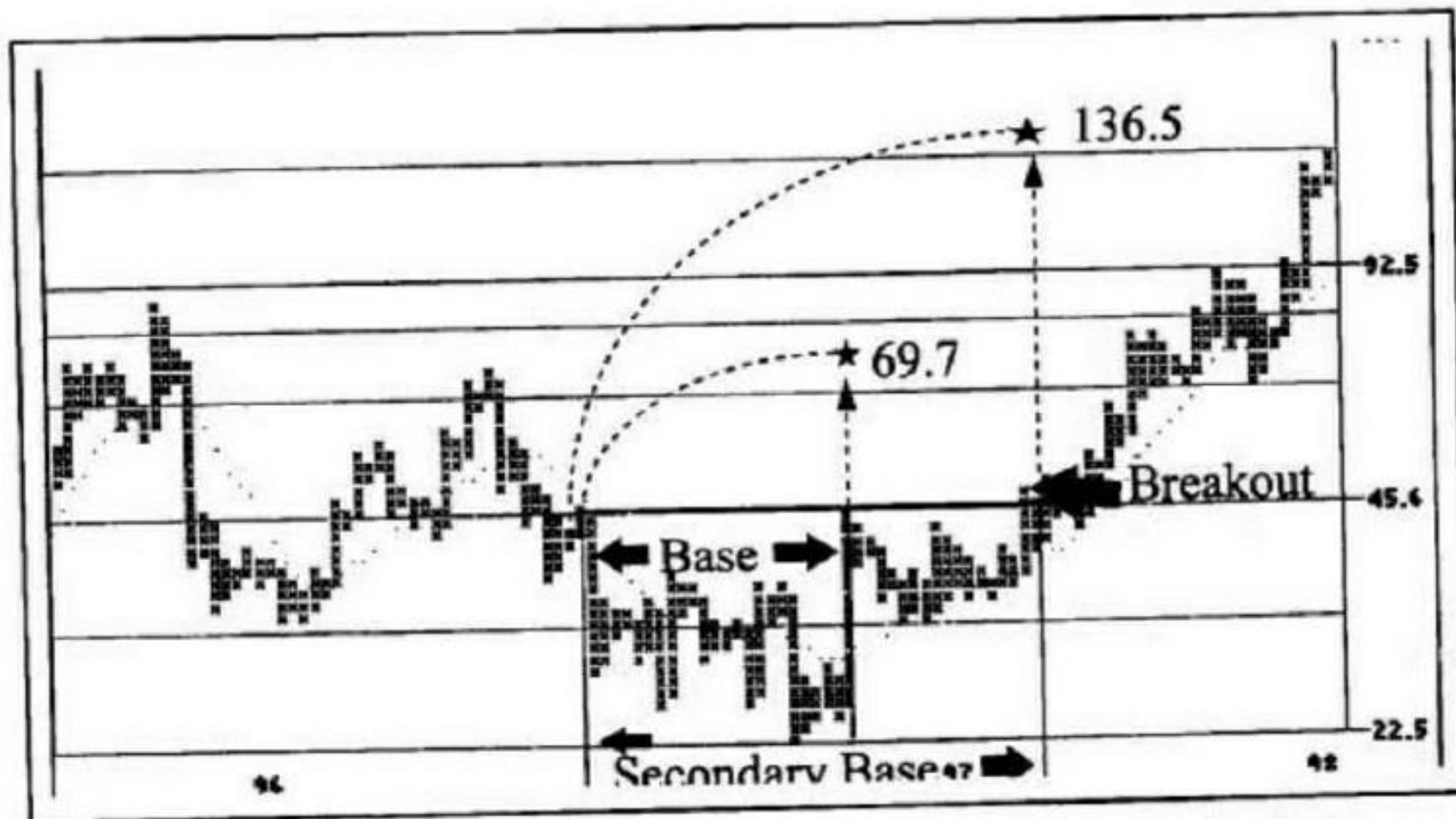
computerized پی. اف. charting

کامپیوترها کارهای طاقت‌فرسا را از نوک پا بیرون کشیده و ترسیم می‌کنند. روزه‌ای سخت ساخت ستون‌های of و o's از بین رفته‌است. بیشتر بسته‌های نرم‌افزاری این نمودار را برای شما رسم می‌کنند. علاوه بر این، شما می‌توانید جعبه و اندازه‌های معکوس را با یک keystroke تغییر دهید تا نمودار را برای تحلیل کوتاه‌مدت یا طولانی‌تر تنظیم کنید. شما می‌توانید نمودارهای f & f را از زمان واقعی (روزانه) و پایان دادن به داده‌های روز بسازید، و شما می‌توانید آن‌ها را به هر بازاری که می‌خواهید، اعمال کنید. اما شما می‌توانید کارهای زیادی با یک کامپیوتر انجام دهید.

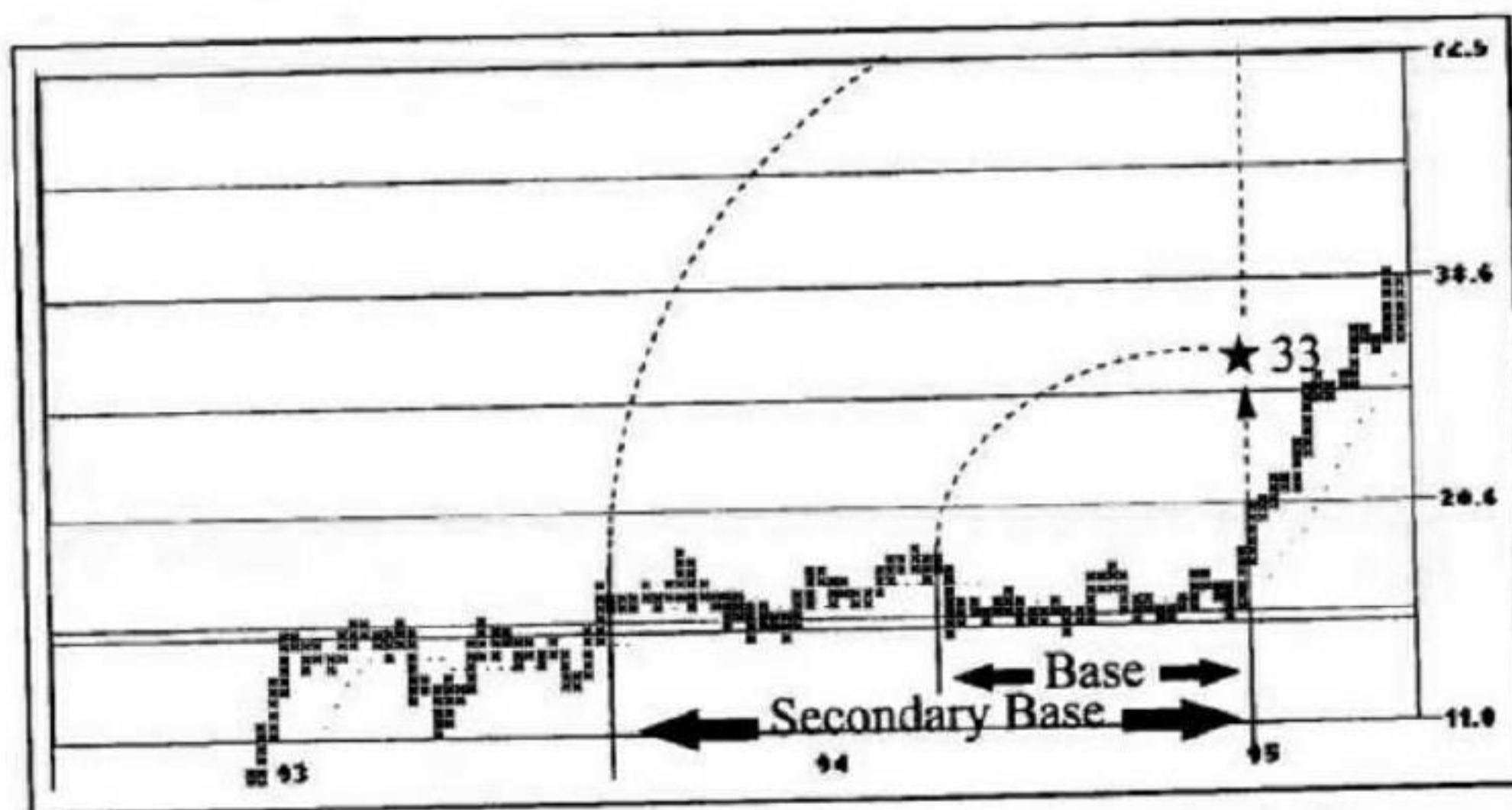
کنت برج (cmt)، تحلیلگر تکنیکال برای شرکت اوراق بهادار اوست که از روش لگاریتمی از نقطه و شکل استفاده می‌کند. یک فرآیند غربالگری که نوسانات یک سهام را طی چند سال گذشته اندازه‌گیری می‌کند تعیین‌کننده اندازه جعبه برای هر سهام است. ارقام

مثال‌هایی از نمودارهای لگاریتمی f & p برج مربوط به آمریکا و اینتل هستند. اندازه جعبه در شکل aol

11.19 ۶.۳٪ است. بنابراین برگشت یک بسته به یک برگشت ۶.۳٪ نیاز خواهد داشت. از آنجا که این نمودار برگشت به نمودار معکوس است، قیمت‌ها باید ۲.۷٪ را طی کنند تا یک ستون جدید را راه‌اندازی کنند. هر اندازه کادر برای نمودار اینتل که در شکل ۲۰.۱۱ نشان داده شده‌است، ۲.۳ درصد است.



شکل ۱۹.۱۱ یک نمودار لگاریتمی و نمودار شکل آمریکا آنلاین است. معیار برگشت براساس درصد است. هر جعبه ۶.۳٪ است. از آنجا که این یک نمودار برگشت معکوس دو نفره است، برگشت به ۲.۷٪ است. به شمارش افقی افقی برای ۷.۶۹ و ۵.۱۳۶ توجه کنید (arcs را ببینید). (Chart Exchange Data / Securities Corp.)



شکل ۲۰.۱۱ یک نقطه برگشت یک جعبه و نمودار شکل با استفاده از centages را نشان می‌دهد. برگشت ۲.۳٪ باید به ستون بعدی منتقل شود. اندازه‌گیری افقی از راست به چپ در امتداد پایه، شمارش معکوس را میتوان به ۳۳ و سپس به ۶.۸۲ (arcs ببینید). (Securities Corp. / Chart Exchange Data)

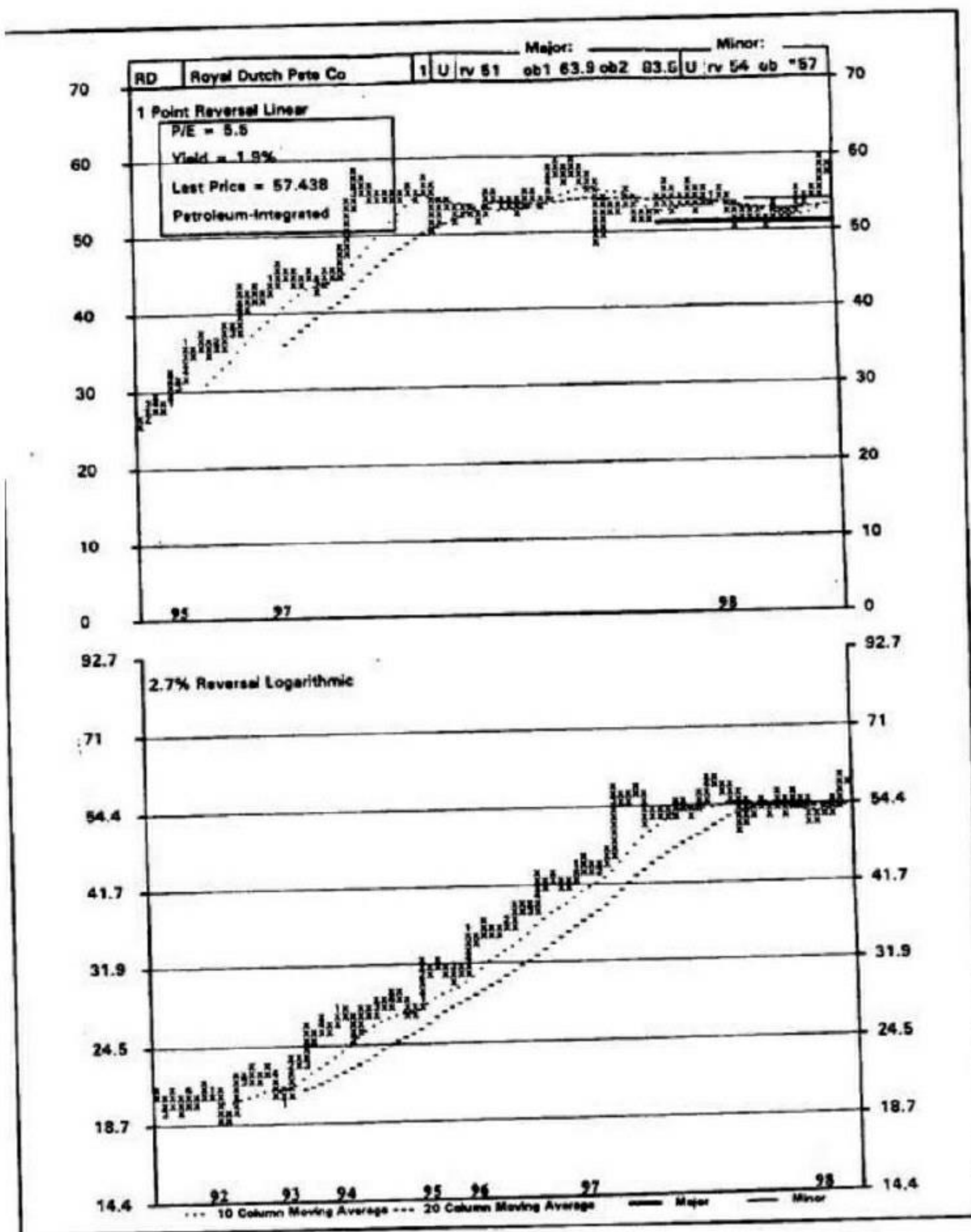
arcs که در هر دو نمودار می‌بینید نمونه‌هایی از محاسبه قیمت hor - izontal در یک مبنای قیمت برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و بلند مدت هستند. برای مثال، نمودار اینتل، یک هدف کوتاه‌مدت ۳۳ را نشان می‌دهد، که با اندازه‌گیری نیمه در سطح قیمت (کمان پایین) وارد می‌شود. قوس بزرگ‌تر، که برای ۶.۸۷ اندازه‌گیری می‌شود، با اندازه‌گیری تمام پایه قیمت و طرح‌ریزی آن فاصله به سمت بالا، وارد می‌شود. اگر با دقت به شکل‌های ۱۹.۱۱ و ۱۱.۲۰ نگاه کنید، متوجه خواهید شد که نقطه‌های قیمتی روی قیمت را دنبال می‌کنند. این نقطه‌ها به طور متوسط در حال حرکت هستند.

تغییر مسیر حرکت به سمت راست

میانگین‌های متحرک معمولاً برای نمودارهای میله‌ای اعمال می‌شوند. اما اینجا در مورد نمودارهای نقطه‌ای و شکل، با کسب اجازه از کن برج و اوراق بهادار اوست. دکل به طور متوسط از دو میانگین متحرک در نمودارهای خود استفاده می‌کند. نقاطی که در شکل‌ها می‌بینید، میانگین ستونی هستند. این میانگین‌های متحرک با یافتن قیمت متوسط برای هر ستون ساخته می‌شوند. این کار با اضافه کردن قیمت‌ها در هر ستون و تقسیم کل به تعداد در آن ستون انجام می‌شود. سپس اعداد حاصل به صورت میانگین بر روی ستون‌ها و ستون‌ها متوسط گیری می‌شوند. از میانگین‌های متحرک مشابه نمودارهای میله‌ای استفاده می‌شود.

شکل ۲۱.۱۱ نشان می‌دهد که دو نمودار نقطه‌ای و شکل با میانگین ۱۰ ستون (نقطه نقطه) و میانگین ستونی ۲۰ ستون (خط فاصله) را نشان می‌دهد. نمودار پایین ۷.۲٪ از نمودار لگاریتمی برای نفت سلطنتی هلند است که به سال ۱۹۹۲ باز می‌گردد. توجه داشته باشید که میانگین متحرک سریع‌تر از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ در طول چهار سال uptrend مانده بود. شما می‌توانید این دو میانگین متحرک را در نیمه دوم سال ۱۹۹۷ مشاهده کنید که در آن سال یک سال تثبیت برای آن سهام بود. تا کنون می‌توانید ببینید که رویال داچ شل ممکن است در آستانه از سرگیری uptrend اصلی خود باشد. یک نگاه دقیق‌تر به آن شکست بالقوه در نمودار بالا در شکل ۲۱.۱۱ دیده می‌شود.

نمودار بالاتر یک نمودار (نمودار خطی معکوس) یک نمودار خطی از همان سهام است. چارچوب زمانی که در نمودار خطی پوشش داده می‌شود بسیار کوتاه‌تر از نمودار بلند است. اما شما نگاهی دقیق‌تر به اواخر سال ۱۹۹۷ و اوایل سال ۱۹۹۸ می‌اندازیم و می‌توانید آن را ببینید.



شکل ۲۱.۱۱ دو نقطه و نسخه‌های خطی از نفت سلطنتی هلند را نشان می‌دهد. نمودار پایین یک نمودار لگاریتمی برای چند سال است. نمودار فوقانی یک نمودار خطی برای یک سال است. نقاط و خط فاصله به ترتیب ۱۰ و ۲۰ ستون متحرک را نشان می‌دهند. (تهیه شده توسط شرکت اوراق بهادار UST در ۲۶ مارس ۱۹۹۸ به روزرسانی شد).

این شکست در آغاز سال ۱۹۹۸ آغاز شد. سهام هنوز نیاز به نزدیک شدن از ۶۰ تا تایید یک شکست اصلی صعودی دارد. میانگین متحرک سازی در طول محدوده تجاری بسیار کمک کرده است (آن‌ها هرگز نیستند)، اما اگر این شکست منجر به شکست صعودی شود باید دوباره شروع به روند بیشتری کند. "کن" با اضافه کردن میانگین متحرک به جدول و نمودار شکل، یک شاخص تکنیکال با ارزش دیگر را به تصویر می‌کشد. استفاده از نمودارهای لگاریتمی همچنین یک چین جدید و چروک جدید را به این روش ترسیم می‌کند.

نتیجه‌گیری

شکل و شکل oldest قدیمی‌ترین تکنیک در جهان را ترسیم می‌کند. این اعتبار به نمودار شمعدانی ژاپن می‌رود، که برای قرن‌ها در این کشور مورد استفاده قرار گرفته است. در فصل بعدی، گرگ موریس، نویسنده دو کتاب در مورد شمعدان، این تکنیک باستانی را معرفی خواهد کرد که در سال‌های اخیر در میان تحلیلگران تکنیکال غربی محبوبیت جدیدی پیدا کرده است.

مقدمه

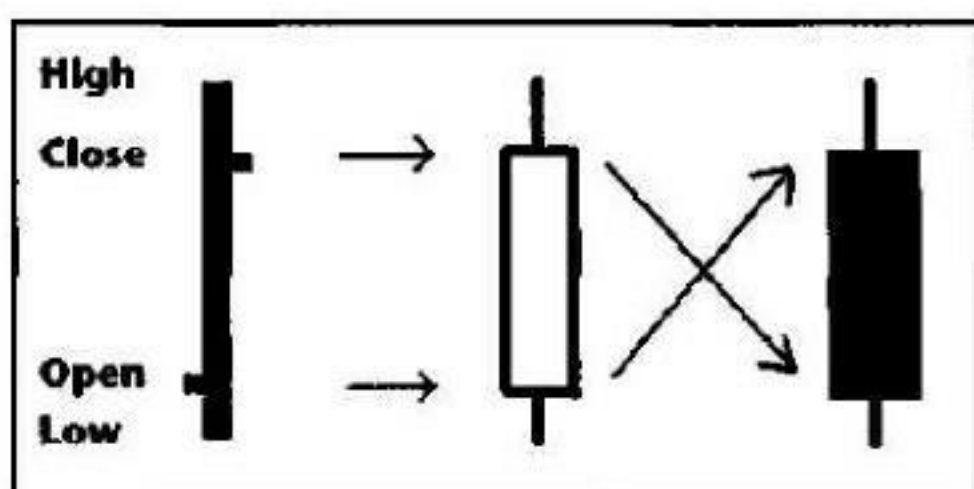
در حالی که ژاپنی‌ها از این نمودار و تجزیه و تحلیل تکنولوژی برای قرن‌ها استفاده کرده‌اند، تنها در سال‌های اخیر در غرب محبوب شده‌است. واژه، شمعدان، در واقع به دو موضوع متفاوت اما مرتبط اشاره می‌کند. اول، و احتمالاً محبوب‌تر، روشی برای نمایش داده‌های سهام و آتی برای آنالیز نمودار است. دوم، این هنر شناسایی ترکیبات مشخصی از ترکیبات می‌تواند در ترکیبات مشخص و تایید شده باشد. خوشبختانه هر دوی این روش‌ها را میتوان به طور مستقل و یا در ترکیب مورد استفاده قرار داد.

"candlestick" charting

تعیین داده‌های بازار در شکل شمعدانی با استفاده از همان داده‌های موجود برای نمودارهای میله‌ای استاندارد؛ باز، بالا، پایین، و قیمت‌های نزدیک استفاده می‌کند. در حالی که با استفاده از داده‌های مشابه دقیق، نمودارهای شمعدانی چیز زیادی را آرایه می‌دهند.

این بخش توسط گرگوری L تهیه شده‌است. موریس.

نمودار بصری more. به نظر می‌رسد که اطلاعات از صفحه خارج می‌شوند (صفحه کامپیوتر). اطلاعات نمایش داده‌شده به راحتی تفسیر و تحلیل می‌شوند. جعبه زیر یک نمایش از یک روز از قیمت‌ها است که تفاوت بین بار (چپ) و شمعدان (های) را نشان می‌دهد. (مراجعه به شکل ۱.۱۲).

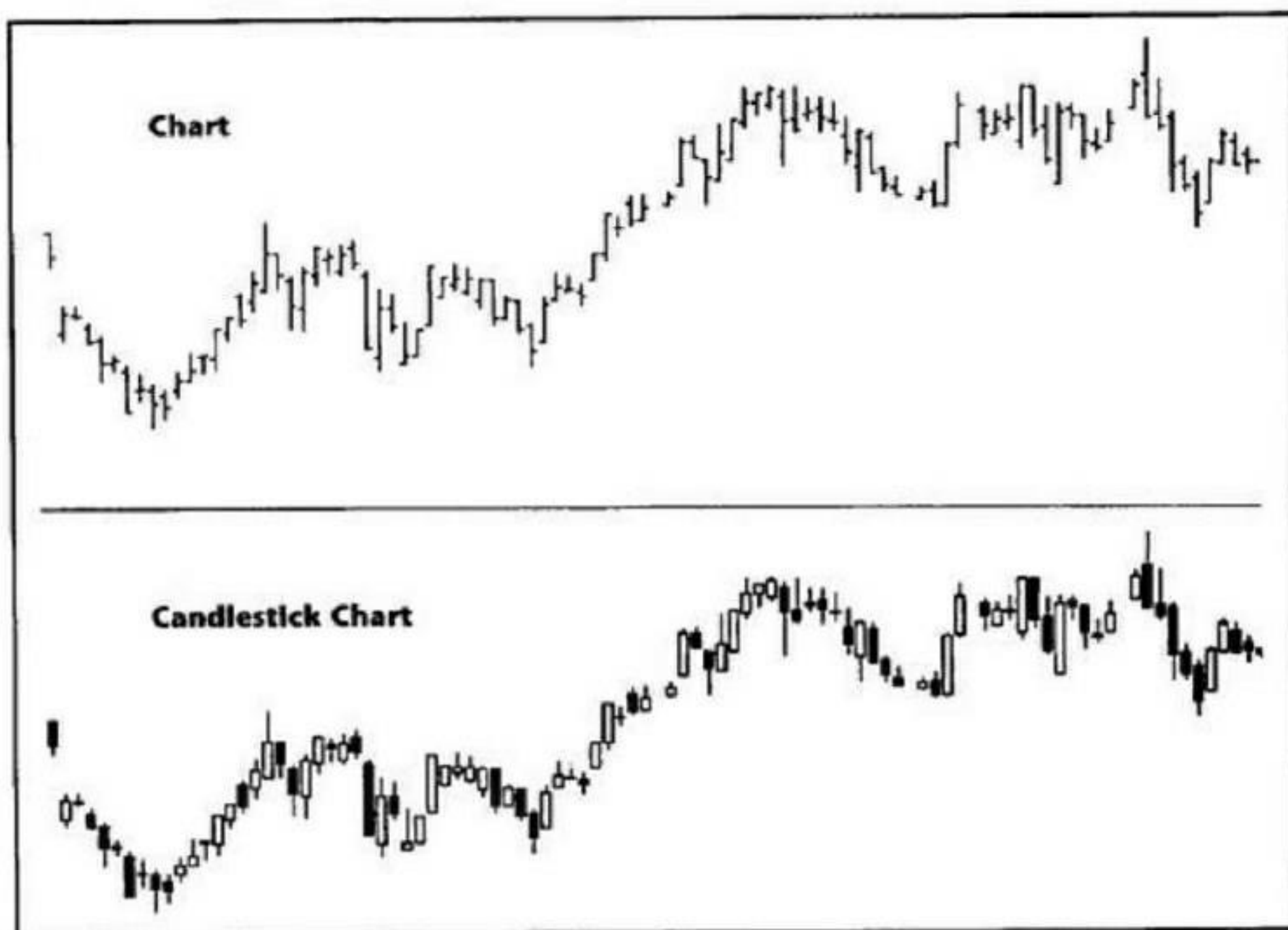


شکل ۱.۱۲

می‌توانید ببینید که این دو شمعدان به چه شکل است. آن‌ها تا حدی شبیه به شمع با فتیله به نظر می‌رسند. مستطیل نمایانگر تفاوت بین قیمت باز و بسته برای روز است و بدن نامیده می‌شود. توجه داشته باشید که بدن می‌تواند سیاه یا سفید باشد. یک بدنه سفید به این معنی است که قیمت نزدیک (بالتر) بالاتر از قیمت باز است. در واقع، بدن سفید نیست، اما باز است (پر نشده)، که باعث می‌شود کار با کامپیوترها بهتر عمل کند. این به گونه‌ای است که هنگام چاپ روی یک کامپیوتر به درستی چاپ می‌شود. این یکی از the است که در غرب اتفاق افتاده است؛ ژاپنی‌ها از قرمز برای بدن باز استفاده می‌کنند. بدنه سیاه به این معنی است که قیمت نزدیک کمتر از قیمت آزاد است. قیمت‌های باز و بسته در شمعدان‌های ژاپنی اهمیت زیادی دارد. خطوط کوچک بالا و پایین بدن به عنوان wicks یا موها یا سایه منسوب هستند. بسیاری از نام‌های مختلف برای این خطوط در ادبیات مرجع ژاپنی ظاهر می‌شوند، که عجیب است زیرا آن‌ها قیمت‌های بالا و پایین را برای روز نشان می‌دهند و معمولاً در آنالیز توسط ژاپنی‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند. (مراجعه به شکل ۲.۱۲).

شکل ۲.۱۲ داده‌های مشابهی را در هر دو نمودار بار عمومی و در یک قالب شمعدانی ژاپنی نشان می‌دهد. شما می‌توانید به سرعت ببینید که اطلاعات در نمودار میله‌ای به آسانی در دسترس نیست، به نظر می‌رسد که از صفحه (صفحه) در نمودار شمعدانی پرش می‌کند. در ابتدا کمی طول می‌کشد تا از آن استفاده کنید، اما بعد از مدتی ممکن است آن را ترجیح دهید.

اشکال مختلف شمعدان معانی مختلفی دارند. ژاپنی‌ها شمعدان‌های اصلی دیگری را که براساس رابطه با قیمت‌های باز، بالا، پایین و بسته بوده‌است، تعریف کرده‌اند. درک این شمعدان‌های بنیادی سرآغاز تجزیه و تحلیل candlestick است.



شکل ۲-۱۲

candlesticks های پایه

ترکیب‌های مختلف بدن / سایه معانی متفاوتی دارند. روزهایی که تفاوت بین قیمت‌های باز و بسته بزرگ است، روزهای طولانی نامیده می‌شود. به همین ترتیب، روزهایی که در آن تفاوت بین قیمت آزاد و نزدیک کوچک است روزهای کوتاه نامیده می‌شود. به یاد داشته باشید که ما فقط در مورد اندازه بدن صحبت می‌کنیم و هیچ مرجعی برای کاهش قیمت بالا و پایین یا پایین ایجاد نمی‌شود. (به شکل ۳.۱۲ مراجعه کنید) Spinning tops هستند که در آن شمعدان‌های کوچک با سایه‌های بالا و پایین که از طول بزرگ‌تر هستند، دارای اجسام کوچک هستند.

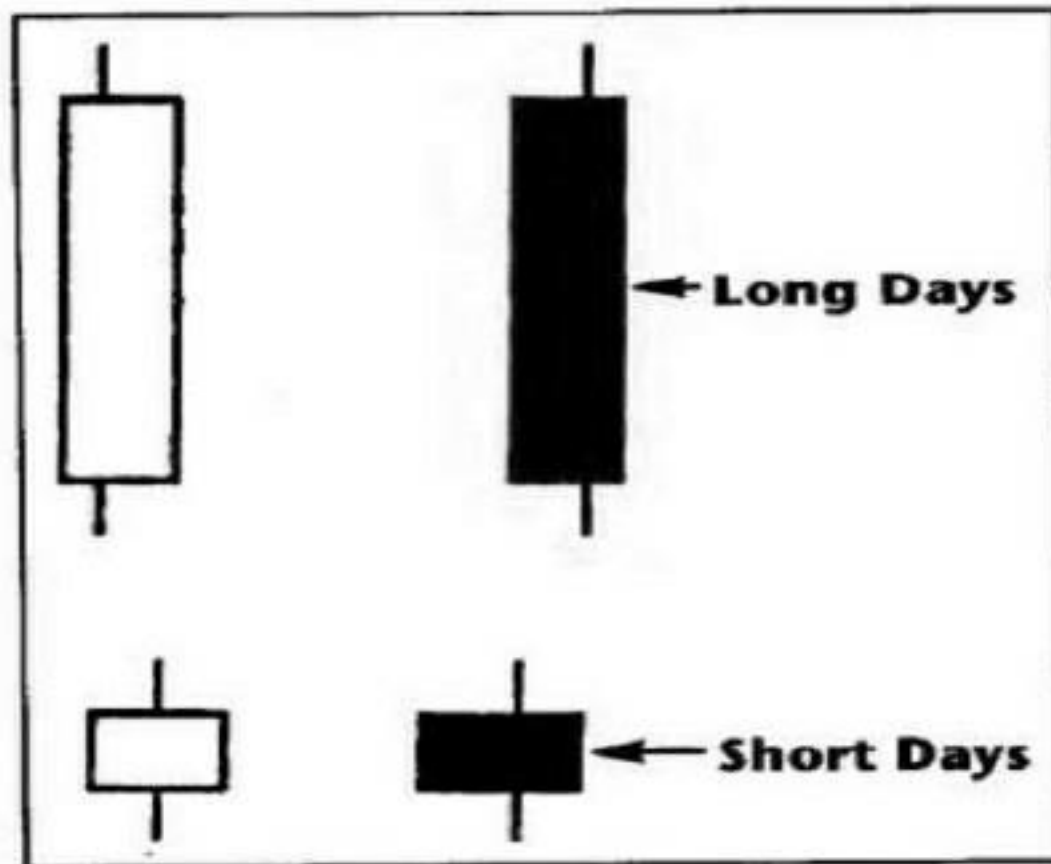


Figure 12.3

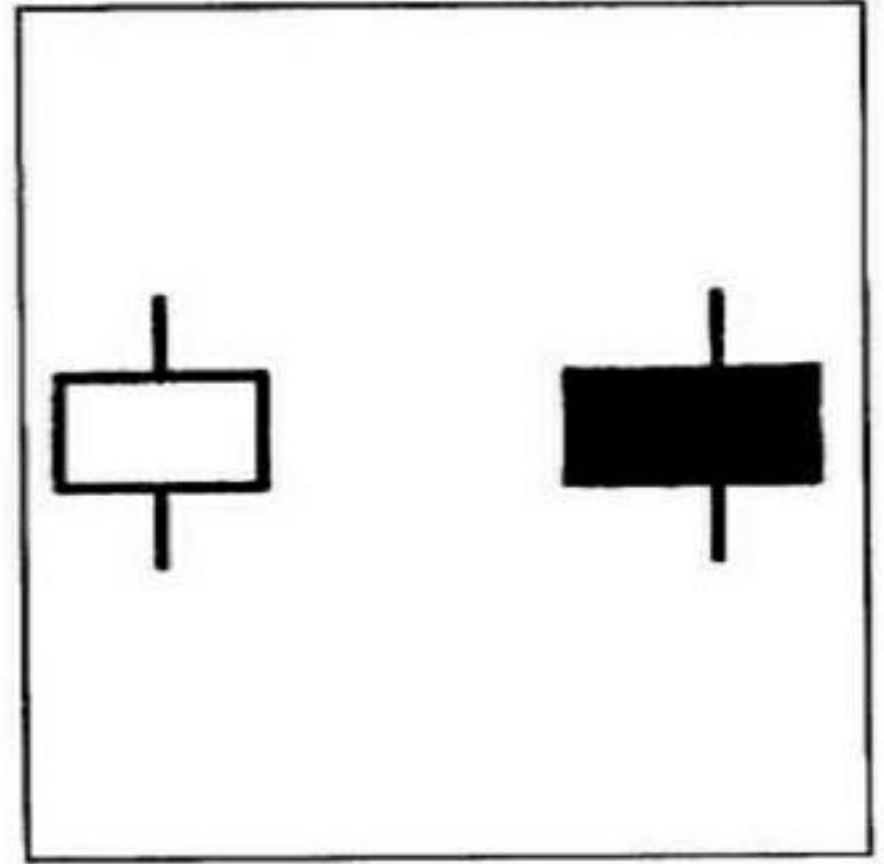


Figure 12.4 Spinning tops.

بیشتر از بدن است. رنگ بدن در شمعدان‌های بلند چرخان نسبتاً بی‌اهمیت است. این شمعدان‌ها به عنوان روزه‌ای بلا تکلیفی در نظر گرفته می‌شوند. (مراجعه به شکل ۴.۱۲)

زمانی که قیمت آزاد و قیمت نزدیک برابر است، آن‌ها خطوط doji نامیده می‌شوند. شمعدان‌های doji می‌توانند سایه‌های بلندی داشته باشند. هنگام اشاره به شمعدان‌های doji، eration - consid وجود دارد که به این معناست که آیا قیمت باز و بسته باید دقیقاً برابر باشد. این زمانی است که قیمت‌ها باید تقریباً برابر باشند، به خصوص زمانی که با حرکات بزرگ قیمت سر و کار دارید.

دو شمعدان مخصوص هم هست که مهم هستند. The دراز دارای سایه‌های بلند بالا و پایین است و نشان‌دهنده تردید قابل توجه در بخشی از شرکت کنندگان در بازار است. The gravestone تنها یک سایه بلند بالایی دارد و سایه پایینی ندارد. هرچه سایه بلندتر باشد، تفسیر دشوارتر خواهد بود.

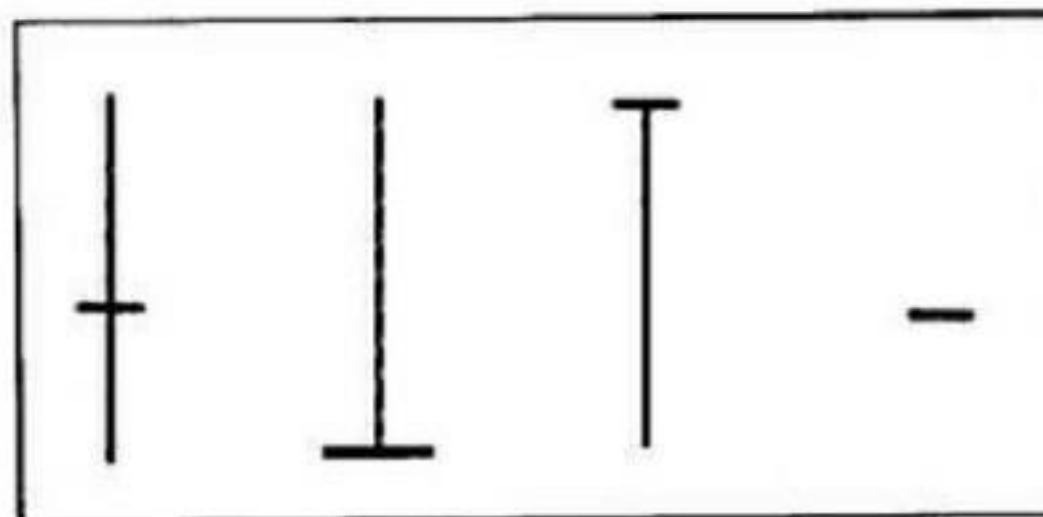


Figure 12.5 Doji candlesticks.

The doji نقطه مقابل doji of است، سایه پایین‌تر بلند است و هیچ سایه بالایی وجود ندارد. آن معمولاً بسیار صعودی در نظر گرفته می‌شود. (مراجعه به شکل ۵.۱۲).

خطوط شمعی منفرد برای تجزیه و تحلیل can ژاپنی ضروری هستند. خواهید دید که همه الگوهای شمع ژاپن از ترکیبات این شمعدان‌های بنیادی ساخته شده‌اند.

تحلیل candle candle

الگوی شمع ژاپن یک نمایش روان‌شناختی از ذهنیت تجار در آن زمان است. آن به روشنی اعمال تجار را به عنوان زمان آشکار در بازار نشان می‌دهد. تنها واقعیت این است که انسان‌ها tently - consis را در طول شرایط مشابه واکنش می‌دهند و باعث تجزیه و تحلیل الگوی شمع می‌شوند. یک الگوی شمع ژاپنی می‌تواند شامل یک خط شمعی باشد یا ترکیبی از خطوط چندگانه باشد، که معمولاً بیش از پنج عدد نیست. در حالی که اغلب الگوهای شمع برای تعیین نقاط برگشت در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعداد کمی وجود دارند که برای تعیین تداوم روند به کار می‌روند. آن‌ها به "الگوهای برگشت و تفسیر" منسوب هستند. هر زمان که یک الگوی معکوس دارای implica صعودی است، یک الگوی ارتباط معکوس معنای نزولی دارد. به طور مشابه، هر زمان که یک الگوی ادامه‌دار دارای مفاهیم صعودی است، یک الگوی متضاد معنای خشن می‌دهد. زمانی که یک جفت الگو وجود دارد که در هر دو شرایط صعودی و سخت کار می‌کنند، آن‌ها هم متحد هستند. با این حال، در چند مورد، وزنه‌برداری صعودی و همتای خشن آن، نام‌های کاملاً متفاوتی دارند.

الگوهای Reversal

الگوی شمع معکوس ترکیبی از شمعدان‌های ژاپنی است که به طور معمول معکوس روند را نشان می‌دهد. یک con جدی که باید برای کمک به شناسایی الگوها مورد استفاده قرار گیرد، روند بازار قبل از این الگو است. شما نمی‌توانید الگوی بازگشتی صعودی در یک uptrend داشته باشید. شما می‌توانید یک سری از شمعدان را داشته باشید که شبیه پر کردن پوشک است، اما اگر این روند بالا رود، آن یک سبد شمع به شکل ساده ژاپنی نیست. به همین ترتیب، شما نمی‌توانید الگوی شمع وارونه را در یک روند نزولی داشته باشید.

این مساله یکی از مشکلات قدیمی هنگام تحلیل بازارها را نشان می‌دهد: روند چیست؟ شما باید این روند را قبل از اینکه بتوانید از الگوهای شمع ژاپن به طور موثر استفاده کنید مشخص کنید. در حالی که حجم در مورد تعیین روند نوشته شده‌است، استفاده از میانگین متحرک بسیار خوب با الگوهای شمع ژاپنی کار خواهد کرد. هنگامی که عبارت کوتاه (۱۰ دوره یا بیشتر) تعیین شد، الگوهای شمع ژاپن به طور قابل توجهی به شناسایی برگشت این روند کمک خواهند کرد.

ادبیات ژاپنی به طور پیوسته به حدود چهل الگوی شمع معکوس اشاره دارد. این ها از خطوط شمعی منفرد به الگوهای پیچیده‌تری از پنج سطر شمع تغییر می‌کنند. منابع خوبی در مورد شمعدان وجود دارد، بنابراین تنها چند مورد از الگوهای رایج در اینجا مورد بحث قرار خواهند گرفت.

پوشش تیره ابر سیاه. امروز دو روز است. الگوی معکوس که تنها دارای مفاهیم خشن است. (شکل ۶.۱۲ را ببینید) این نیز یکی از زمان‌هایی است که طرف مقابل pattern's وجود دارد اما نام دیگری دارد (خط Piercing را ببینید). اولین روز این الگو یک شمعدانی سفید بلند است. این نشان‌دهنده روند فعلی بازار است و به تایید هویت بازرگانان کمک می‌کند. روز بعد از قیمت بالای روز قبل باز می‌شود و دوباره به the اضافه می‌شود. با این حال،

معامله می‌کنیم
شکل ۶ - ۶ تیره و تاریک بقیه the با a کم‌تر است.
پوشش. حداقل در زیر نقطه میانی بدنه اولین روز. این ضربه‌ای قابل توجه به ذهنیت صعودی است و بسیاری را مجبور به خروج از بازار می‌کند. از آنجا که قیمت نزدیک زیر قیمت آزاد در روز دوم است،

سیاه. این ابر سیاهی است که به نام خوانده می‌شود.
خط Piercing. نقطه مقابل پوشش تیره ابر، خط Piercing، دارای مفاهیم صعودی می‌باشد. (شکل ۷.۱۲ را ببینید) این سناریو کاملاً شبیه هم است، اما برعکس. یک روند نزولی در مکان است،

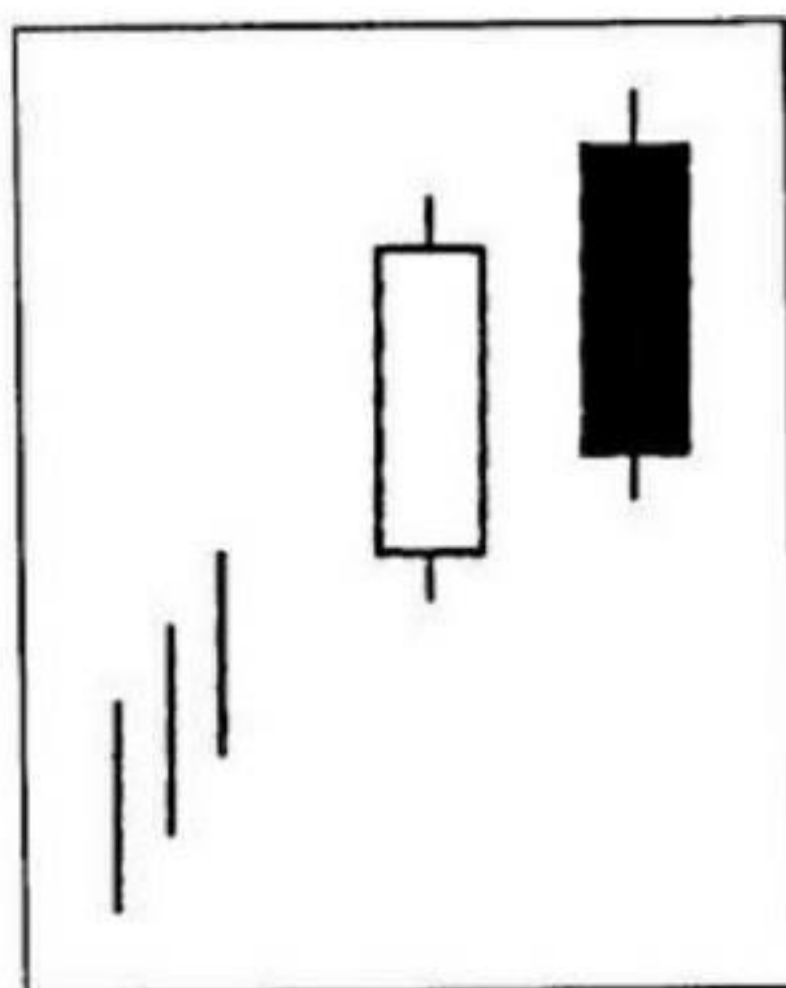


Figure 12.6 *Dark cloud cover -.*

اولین شمعدان یک روز سیاه بلند است که اعتماد تجار را در روند نزولی قطعی می‌کند. روز بعد، قیمت‌ها به سمت پایین جدید باز می‌شوند و سپس تمام روز بالاتر و بالاتر از نقطه میانی اولین شمع هستند. جسد تکه‌تکه شده. این یک پیشنهاد significant تغییر تفکر نزولی P-L و بسیاری از آن‌ها معکوس خواهند شد یا خارج می‌شوند. پست‌ها. ستاره شب و ستاره صبح. ستاره شب و پسر عمویش، ستاره صبح، دو الگوی کاملاً معکوس شمع هستند. این‌ها هر دو عبارتند از: طرح‌هایی که فوق‌العاده خوب کار می‌کنند. سناریو برای درک شکل ۱۲ - ۱۲ Piercing +. تغییر در روانشناسی تاجر برای بحث‌های مربوط به ستاره شب به طور کامل مورد بحث قرار خواهد گرفت. اینجا از نقطه مقابل می‌توان برای ستاره صبح گفت. (به شکل‌های ۸.۱۲ و ۹.۱۲ مراجعه کنید)

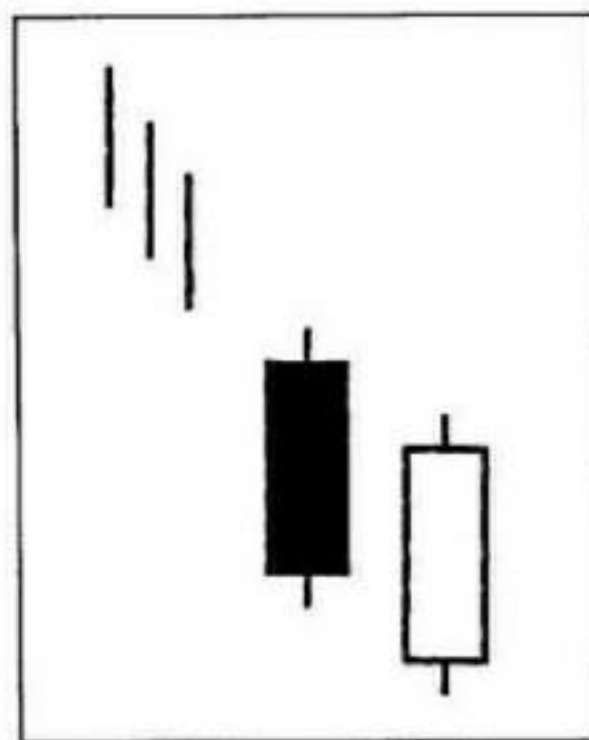


Figure 12.7 *Piercing line +.*

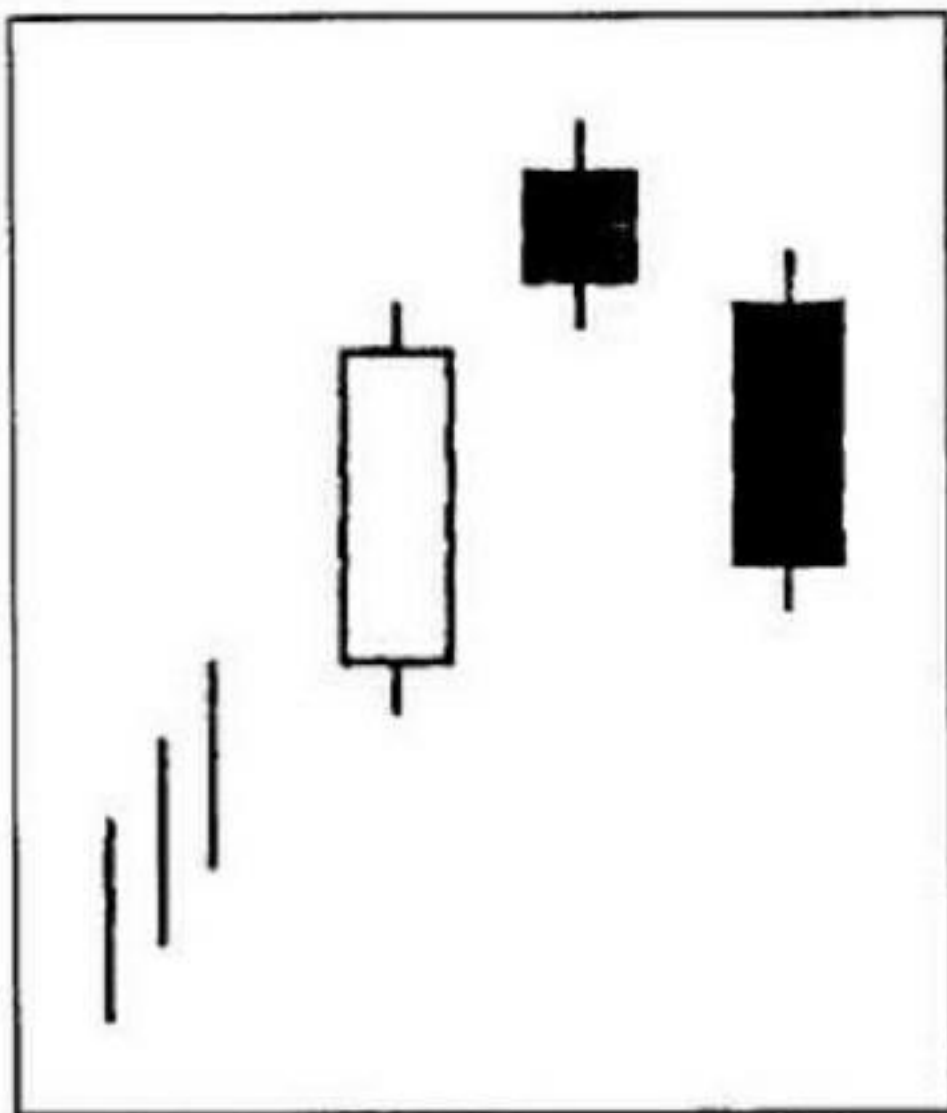


Figure 12.8 *Evening star -.*

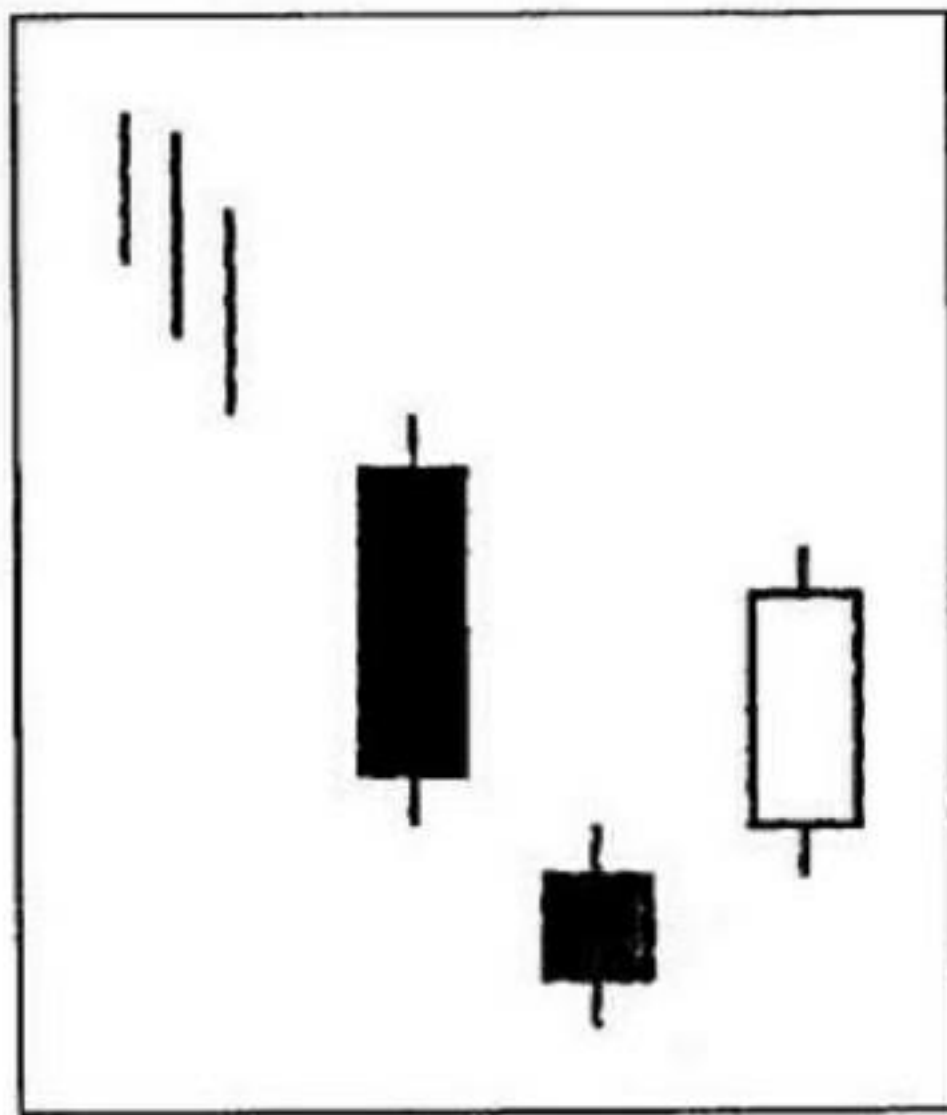


Figure 12.9 *Morning star +.*

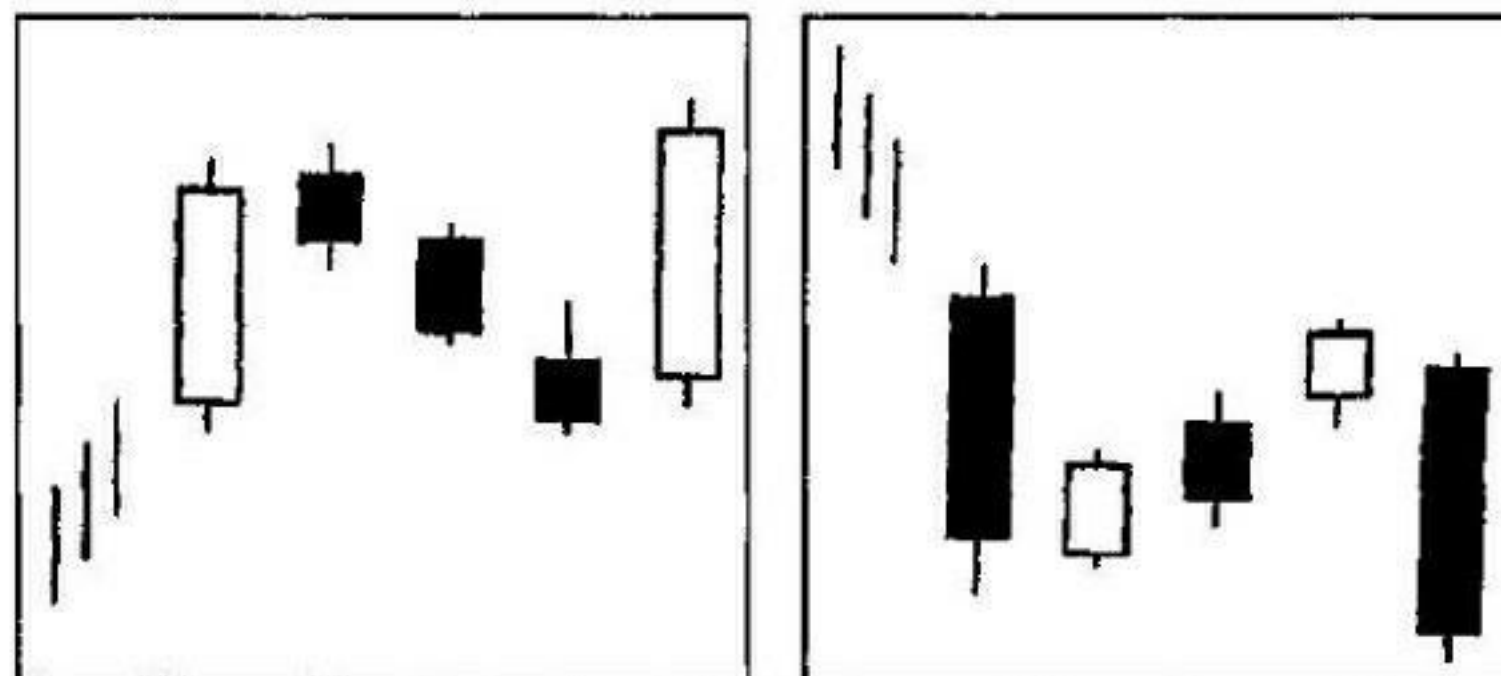
ستاره شب یک الگوی شمع وارونه است، همان طور که از اسمش پیداست. اولین روز این الگو یک شمع سفید رنگ است که به طور کامل the فعلی را مشخص می‌کند. در باز روز دوم، قیمت بالای بدنه اولین روز افزایش می‌یابد. تجارت در این روز دوم تا حدی محدود است و قیمت بسته نزدیک به قیمت آزاد است در حالی که در بالای بدنه اولین روز باقی می‌ماند. بدنه روز دوم کوچک است. این نوع روز پس از یک روز طولانی به عنوان الگوی ستاره یاد می‌شود. یک ستاره یک روز بدن کوچک است که فاصله را از یک روز طولانی بدن جدا می‌کند. سومین و آخرین روز این الگو با شکافی در زیر بدنه ستاره باز می‌شود و با نزدیک شدن پایین‌تر از نقطه میانی روز اول بسته می‌شود.

توضیح قبلی یک سناریوی کامل بود. بسیاری از ارجاعات آن را معتبر می‌دانند، یک ستاره عصر که به طور دقیق با هم مطابقت ندارند. برای مثال، روز سوم ممکن است فاصله نداشته باشد و یا ممکن است در روز سوم کاملاً پایین‌تر از نقطه میانی اولین جسم day's نباشد. این جزییات زمانی ذهنی هستند که یک نمودار شمعی را مشاهده می‌کنید، اما نه زمانی که از یک برنامه کامپیوتری برای شناسایی خودکار الگوها استفاده می‌کنید. به این دلیل است که برنامه‌های کامپیوتری نیاز به دستورالعمل‌های صریح برای خواندن نمودار شمع دارند و don't اجازه تفسیر ذهنی را می‌دهد.

الگوهای ادامه

هر روز معاملاتی، تصمیم‌گیری باید انجام شود، چه در راه خروج از یک تجارت، ورود به یک تجارت، یا در یک تجارت باقی بماند. الگوی شمعی که به شناسایی این حقیقت کمک می‌کند که روند فعلی ادامه دارد، ارزشمندتر از اولین بار است. این کار به پاسخ به این سوال که آیا شما باید در یک تجارت بمانید یا خیر، کمک می‌کند. ادبیات ژاپنی به ۱۶ الگوی شمع تداوم اشاره دارد. یک الگوی ادامه‌دار و cousin مخالف وابسته به آن، به خصوص در شناسایی ادامه روند، خوب هستند.

افزایش و پایین افتادن سه روش، افزایش سه روش پوشش شمعی صعودی، نقطه مقابل صعودی در این دو است و موضوع ساختمان سناریو خواهد بود. یک الگوی تداوم صعودی تنها می‌تواند در یک الگوی نزولی رخ دهد و الگوی ادامه نزولی فقط می‌تواند در روند نزولی رخ دهد. این امر رابطه مورد نیاز را با روندی که در تحلیل الگوی شمع لازم است فراهم می‌کند. (به شکل‌های ۱۰.۱۲ و ۱۱.۱۲. مراجعه کنید)



شکل ۱۱.۱۲ - سه روش -

شکل ۱۰-۱۲ از سه روش
بالا می‌رود.

اولین روز قیام سه روش یک روز طولانی سفید است که به طور کامل از بازار uptrending حمایت می‌کند. با این حال طی سه دوره تجاری بعدی، روزه‌ای کوچک بدن اتفاق می‌افتد که به عنوان یک گروه، روند رو به پایین است. همه آن‌ها در محدوده اولین جسد سفید و سفید باقی می‌مانند و حداقل دو تن از این سه روز کوچک بدنی، بدن‌های سیاه دارند. این دوره زمانی است که به نظر می‌رسد که بازار به هیچ وجه به عنوان یک "دوره استراحت" در نظر گرفته نشده است، در روز پنجم این الگو، یک روز طولانی سفید دیگر رشد می‌کند که در سطح جدیدی بسته می‌شود. قیمت‌ها در نهایت از محدوده تجاری کوتاه خارج شده و uptrend ادامه خواهند یافت.

یک الگوی پنج‌روزه مانند افزایش سه روش نیاز به جزئیات زیادی در تعریف آن دارد. سناریوی مذکور نمونه کامل الگوی سه روش است. انعطاف‌پذیری می‌تواند با موفقیت به کار گرفته شود و این تنها با تجربه حاصل می‌شود. برای مثال، سه روز واکنش کوچک می‌تواند در محدوده بالا - پایین روز به جای دامنه بدن باقی بماند. روزه‌ای واکنش کوچک همیشه سیاه نیستند و در نهایت، مفهوم "دوره استراحت" می‌تواند شامل بیش از سه روز واکنش باشد. نادیده گرفتن الگوی سه روش را نادیده نگیرید؛ زمانی که نگران حفاظت از سود در یک تجارت هستید، می‌تواند احساس راحتی به شما بدهد.

* فصل دوازدهم *

استفاده از کامپیوتر برای شناسایی الگوی شمع

یک کامپیوتر شخصی با نرم‌افزاری که برای تشخیص الگوهای شمع طراحی شده است، راه زیادی برای حذف احساسات به خصوص در طول یک تجارت است. با این حال، در هنگام دیدن شمعدان‌های روی یک صفحه کامپیوتر، دو چیز وجود دارد که باید به خاطر داشته باشید. صفحه کامپیوتر از عناصر نوری کوچک به نام پیکسل تشکیل شده است. تعداد پیکسل‌های بسیار زیادی در صفحه کامپیوتر شما وجود دارد و این مقدار براساس وضوح ترکیب کارت تصویر / نمایشگر شما بستگی دارد. اگر شما داده‌های قیمت را مشاهده می‌کنید که دامنه وسیعی از قیمت‌ها را در مدت زمان کوتاهی دارد، ممکن است فکر کنید که شما شاهد بسیاری از روزه‌ای doji (باز و نزدیک) هستید وقتی که در واقع، شما نیستید. با طیف وسیعی از قیمت‌ها بر روی صفحه، هر عنصر پیکسل محدوده قیمت خود را خواهد داشت. یک برنامه نرم‌افزاری کامپیوتری که الگوهای مبتنی بر رابطه ریاضی را شناسایی می‌کند، بر این بی‌قاعدگی بصری غلبه خواهد کرد. خوشبختانه، توضیحات فوق، شما را از فکر کردن به اینکه نرم‌افزار شما کار می‌کند، حفظ خواهد کرد.

PATTERNS candle filtered

یک مفهوم انقلابی توسعه یافته توسط گرگ موريس در سال ۱۹۹۱، با نام فیلتر الگوی شمع، روشی ساده برای بهبود قابلیت اطمینان کلی الگوهای شمع ارائه می‌دهد. در حالی که روند کوتاه مدت بازار باید قبل از وجود الگوی شمع شناسایی شود، تعیین بازارهای overbought و oversold با استفاده از آنالیز تکنیکی سنتی، قابلیت پیش‌بینی شمع را افزایش خواهد داد. در همان زمان، این تکنیک به حذف الگوهای بد و یا زود شمع کمک می‌کند.

اول باید درک کنیم که یک شاخص تکنیکال سنتی چگونه به داده‌های قیمت پاسخ می‌دهد. در این مثال، Stochastics % D استفاده خواهد شد. شاخص تصادفی بین ۰ تا ۱۰۰ است، با ۲۰ being و ۸۰ overbought. تفسیر اولیه برای این شاخص زمانی است که % D بالای ۸۰ افزایش می‌یابد و سپس پایین‌تر از ۸۰ قرار می‌گیرد، یک سیگنال فروش تولید شده است. به طور مشابه، زمانی که زیر ۲۰ قرار می‌گیرد و سپس بالای ۲۰ بالا می‌رود، یک سیگنال خرید ارائه می‌شود. (برای بیشتر در مورد Stochastics به فصل ۱۰ مراجعه کنید.)

این چیزی است که ما در مورد D % stochastics می‌دانیم: وقتی وارد حوزه بالای ۸۰ یا زیر ۲۰ می‌شود، در نهایت یک سیگنال تولید خواهد کرد. به عبارت دیگر، این فقط یک مساله زمان است تا زمانی که سیگنال داده شود. مساحت بالای ۸۰ و زیر ۲۰ ناحیه presignal نامیده می‌شود و مساحتی را نشان می‌دهد که D % باید قبل از اینکه بتواند سیگنال تجاری خود را بدهد، به آن برسد. (مراجعه به شکل ۱۲.۱۲).



شکل ۱۲.۱۲

مفهوم الگوی شمع فیلتر شده از این ناحیه presignal استفاده می‌کند. الگوهای شمع فقط زمانی در نظر گرفته می‌شوند که D % در ناحیه presignal باشد. اگر یک الگوی شمع زمانی رخ می‌دهد که D % stochastics در سن ۶۵ سالگی باشد، الگو نادیده گرفته می‌شود. همچنین، تنها الگوی شمع معکوس با استفاده از این مفهوم در نظر گرفته می‌شوند. فیلتر الگوی شمع محدود به استفاده از D % stochastics نیست. هر نوسان‌ساز technical که ممکن است به طور معمول برای تحلیل استفاده شود، می‌تواند برای فیلتر کردن الگوهای شمع به کار رود. RSI Wilder's، CCI Lambert's و ویلیامز' R % تعداد کمی هستند که به طور مساوی کار خواهند کرد. (این oscillators در فصل ۱۰ توضیح داده می‌شوند).

نتیجه‌گیری

الگوی شمعدانی ژاپنی و آنالیز الگوی شمع ابزارهای ضروری برای تصمیم‌گیری در زمان بازار هستند. یکی باید از الگوهای شمع ژاپن به همان روش به عنوان هر ابزار یا تکنیک تکنیکال دیگر استفاده کند؛ یعنی، مطالعه روان‌شناسی شرکت کنندگان بازار. زمانی که به دیدن نمودار قیمت خود با استفاده از شمعدان عادت کردید، ممکن است نمی‌خواهید مجدداً از نمودارهای میله‌ای استفاده کنید. الگوهای شمع ژاپن که در ارتباط با دیگر شاخص‌های تکنیکال موجود در مفهوم فیلترینگ استفاده می‌شوند، تقریباً همیشه یک سیگنال تجاری را پیش از استفاده از دیگر شاخص‌های مبتنی بر قیمت عرضه می‌کنند.

PATTERNS "candle"

الگوی شمع که در زیر آورده شده است شامل کتابخانه‌ای است که برای تشخیص سیگنال‌های شمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. عدد داخل پرانتز در انتهای هر نام نشان‌دهنده تعداد شمع است که برای تعریف آن الگوی خاص استفاده می‌شود. الگوهای صعودی و نزولی به دو گروه تقسیم می‌شوند که یا تغییر یا الگوی ادامه‌دار هستند.

تقسیم‌بندی مداوم خطوط (۲) شکاف نزولی سه روش
(۳) طرف شکاف تاسوکی (۳) شکاف نزولی سه روش
(۳) در خط گردن (۲) در خط گردن (۲) در خط گردن (۲).

چکش بدنی بلند

مدت (۱) چکش

(۱) چکش (۱)

چکش Inverted (۱)

کمر بند کمر بند (۱)

الگوی engulfing (۲)

Harami (۲)

کراس کراس (۲)

خط Piercing (۲)

ستاره دوتایی (۲)

خطوط جلسه (۲) سه

سرباز سفید (۳) صبح

(۳) صبح استار (۳)

استار Abandoned

(۳)، کوچ نوزاد (۳)

تری استار (۳)

breakaway

(۵) ۳ در داخل

(۳)

سه بیرون بالا (۳)

راه‌اندازی (۲)

سه ستاره پایین رودخانه (۳)

سه ستاره در جنوب (۳)

پنهان کردن پرستو (۴)

ساندویچ بچسبید (۳)

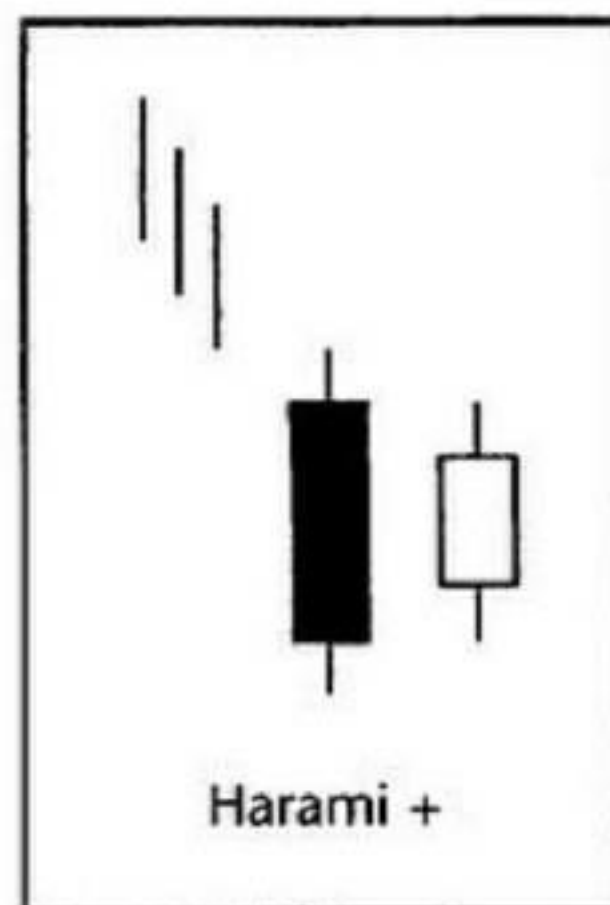
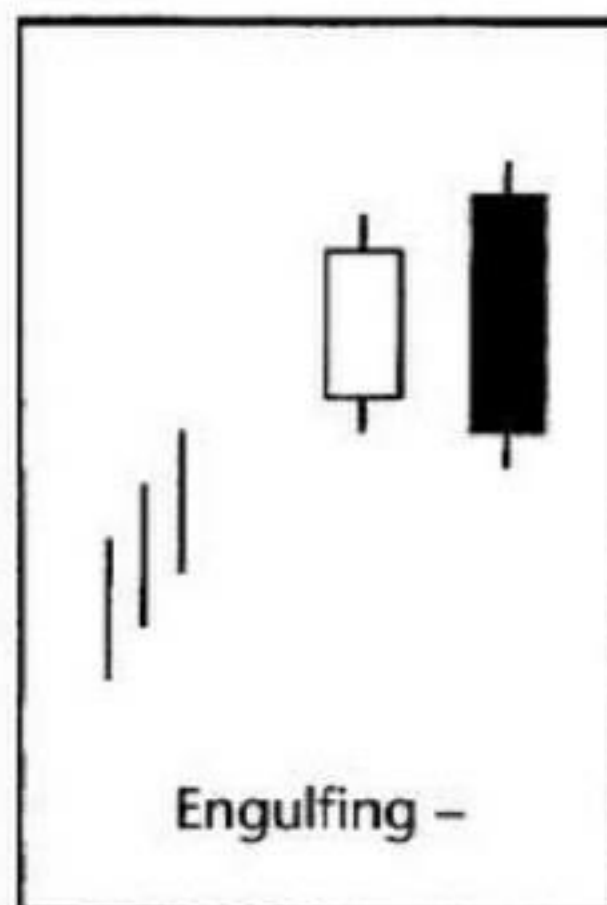
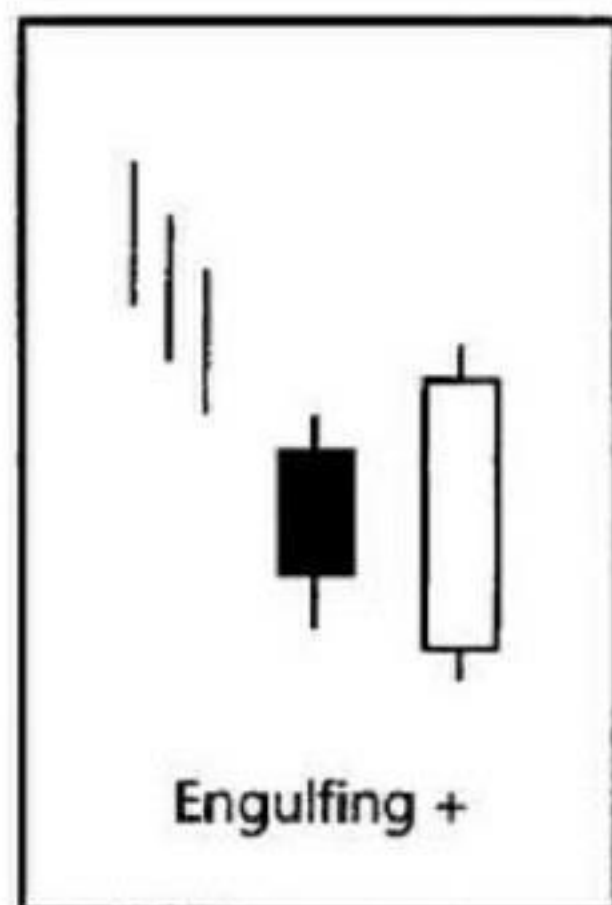
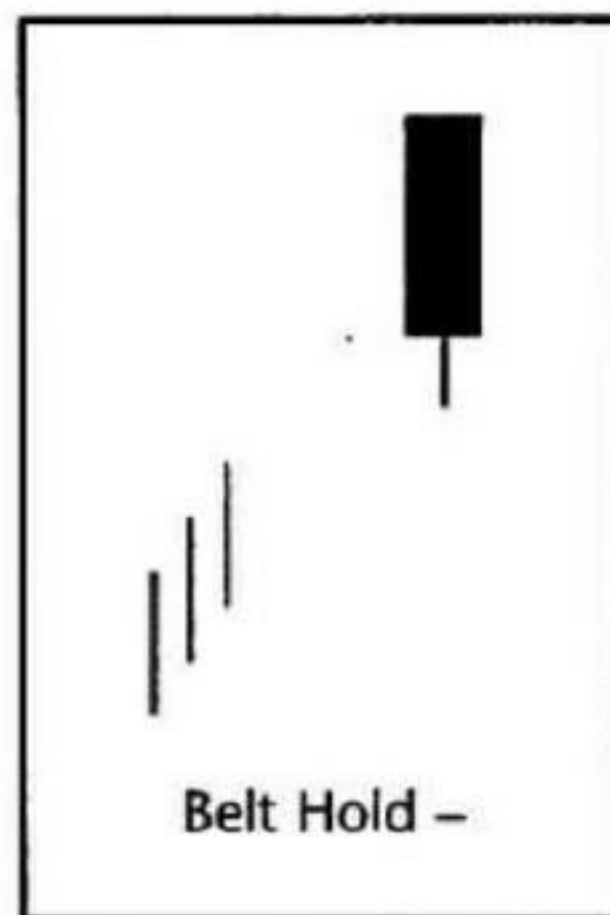
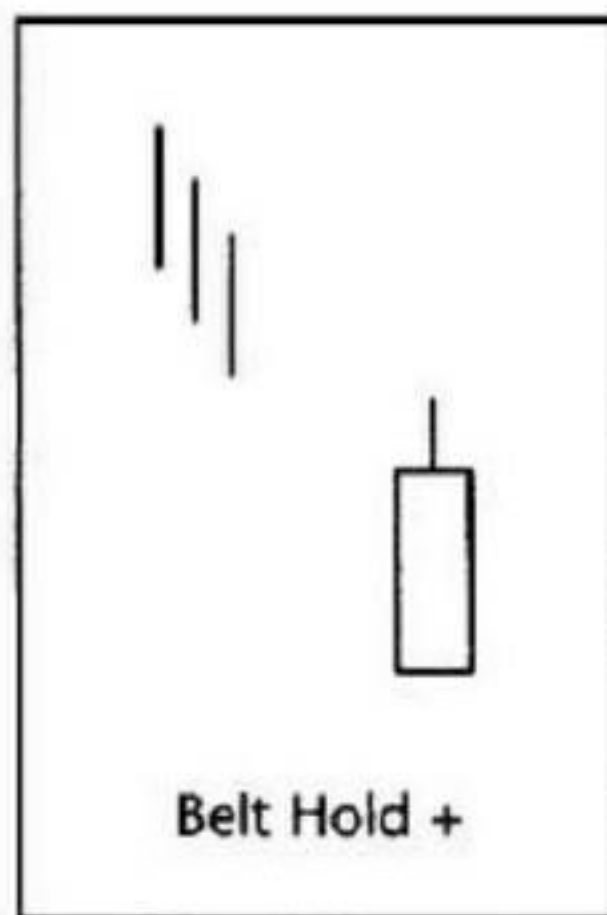
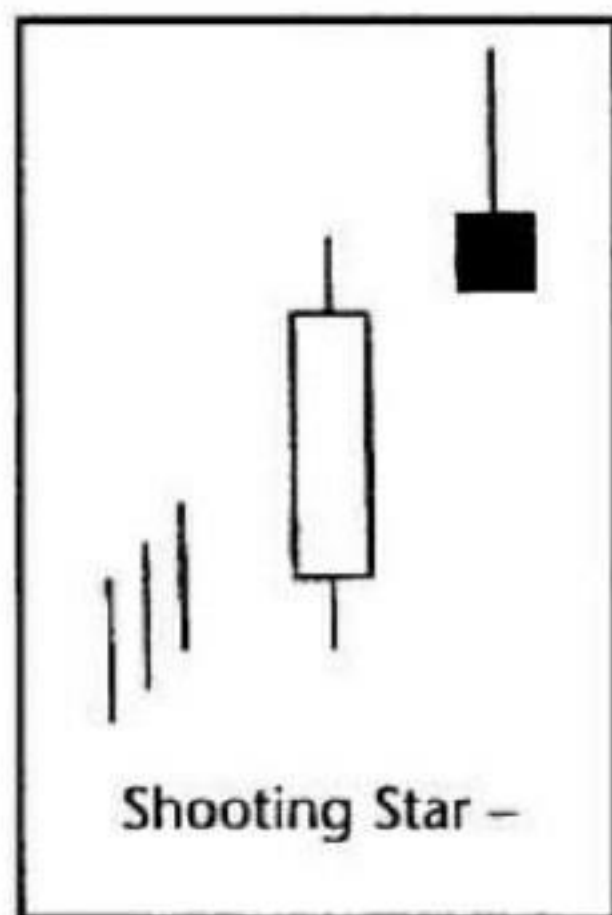
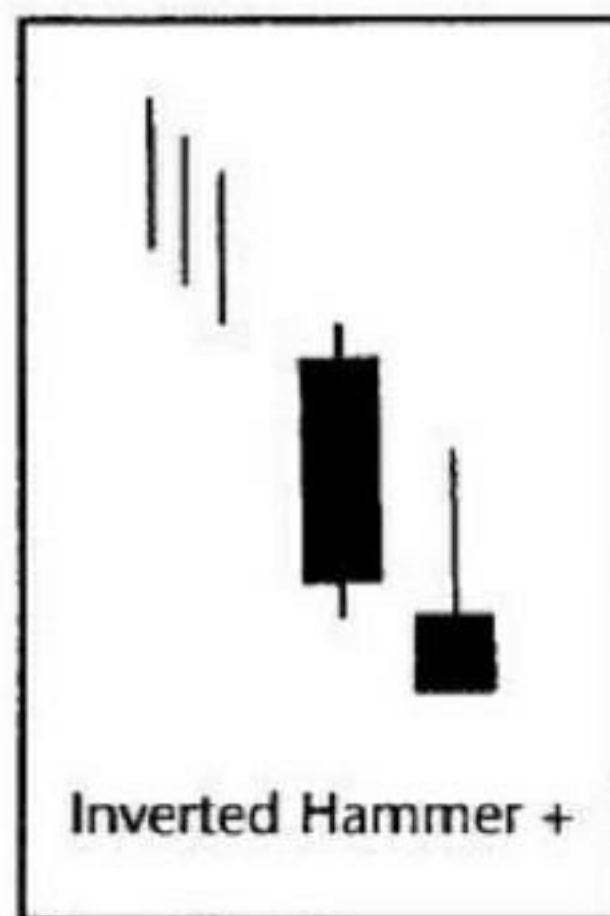
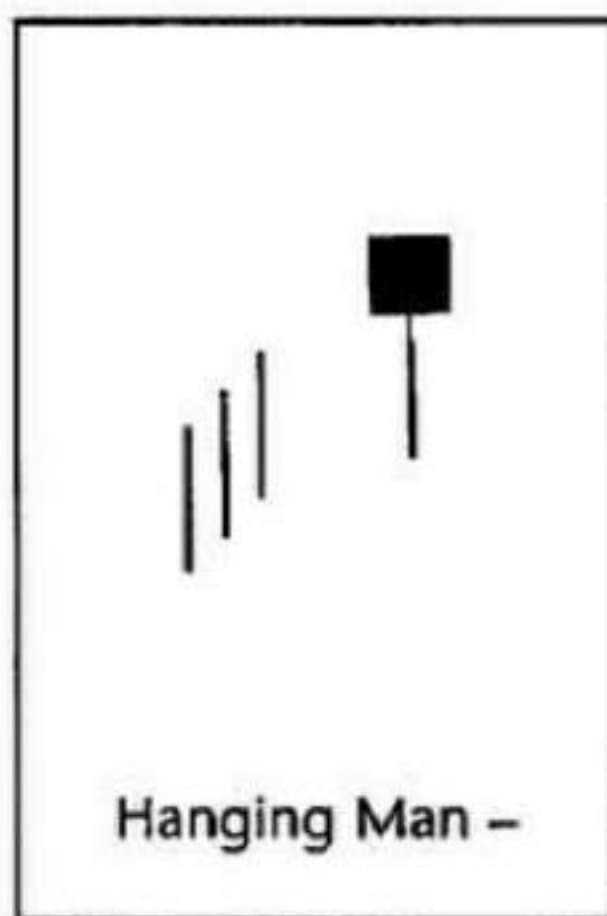
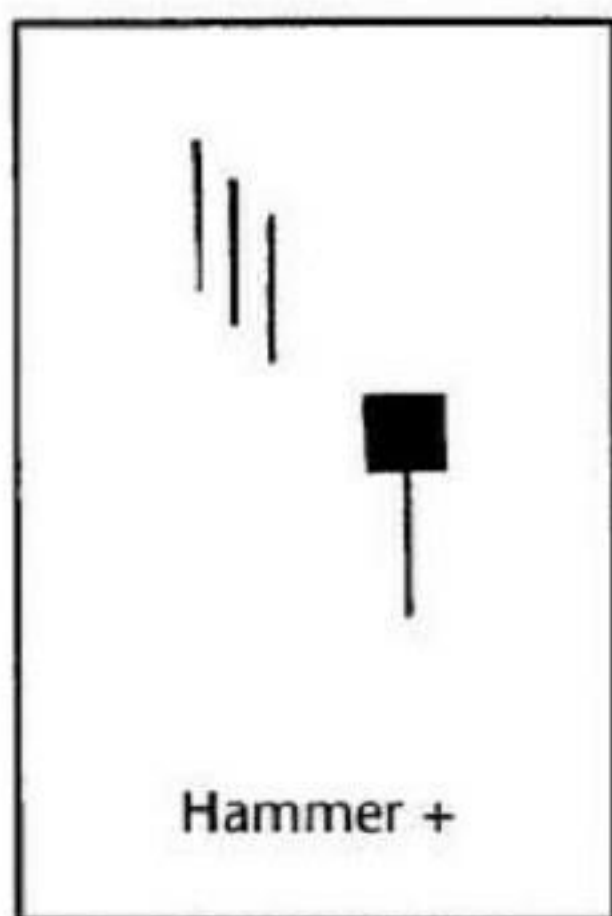
کبوتر Homing (۲)

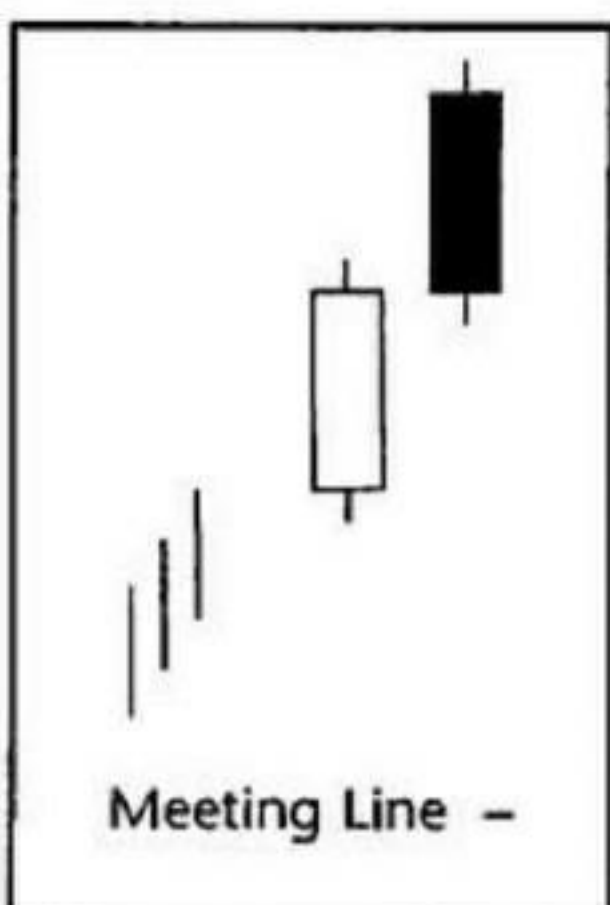
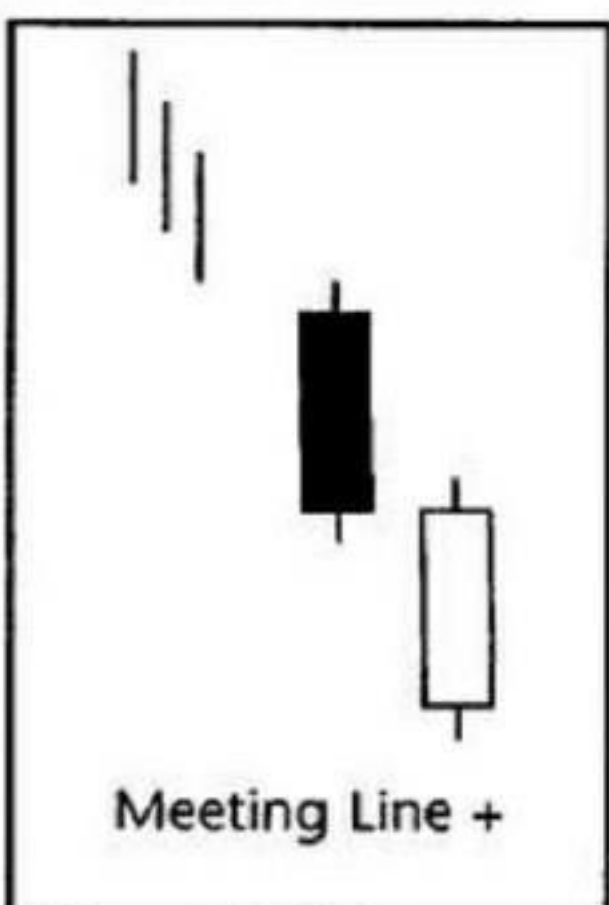
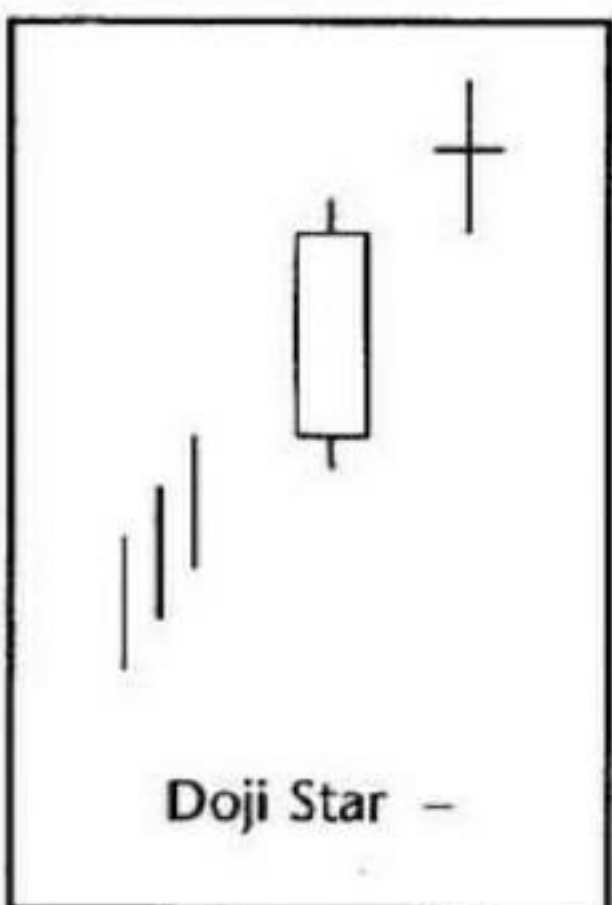
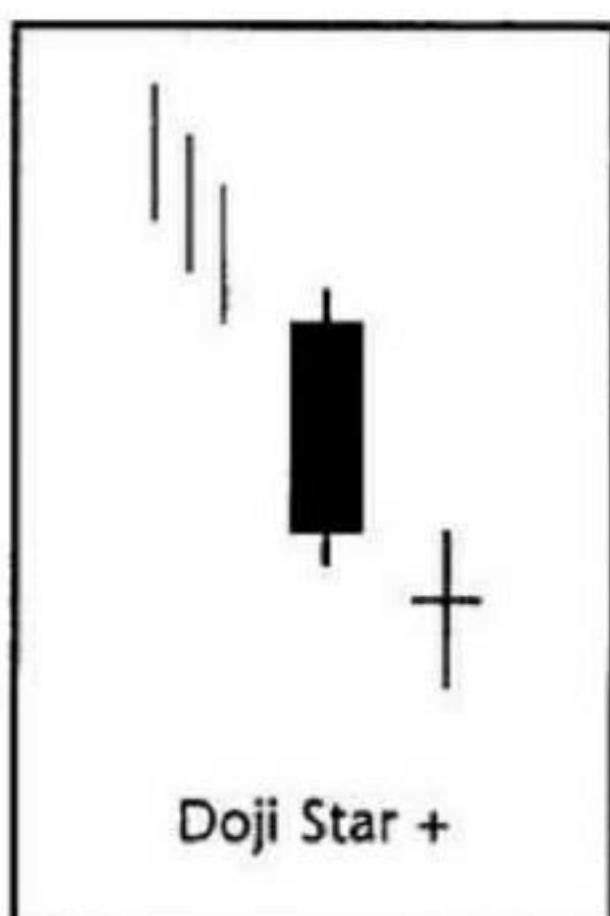
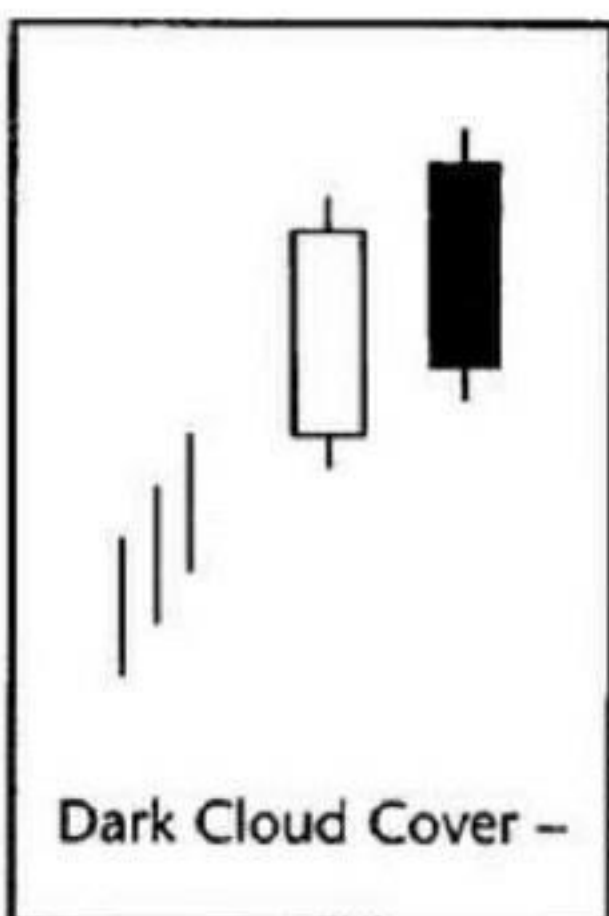
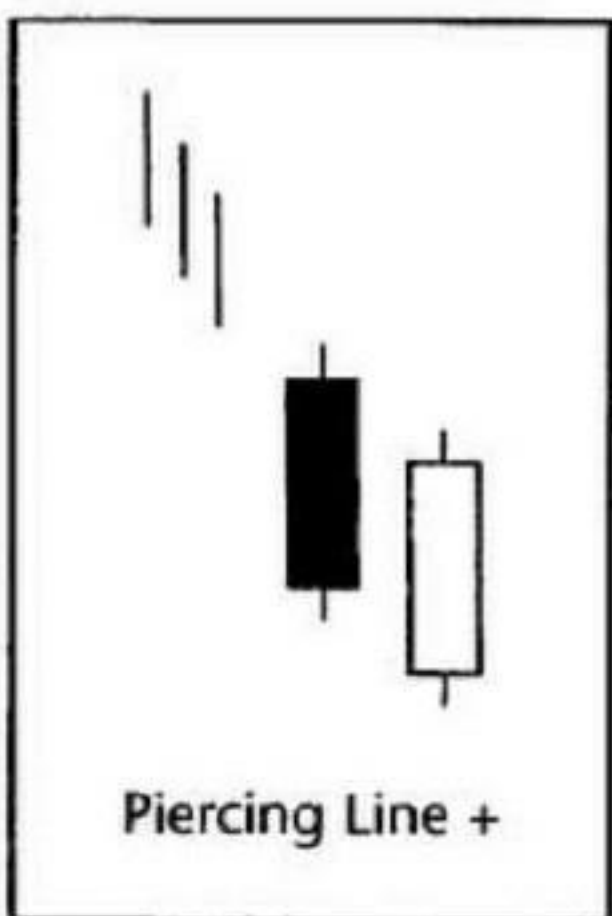
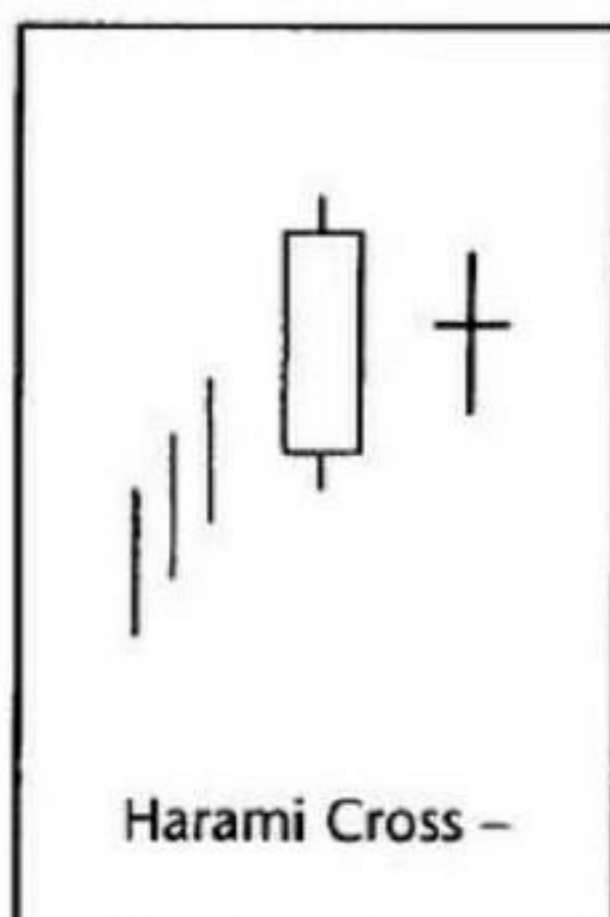
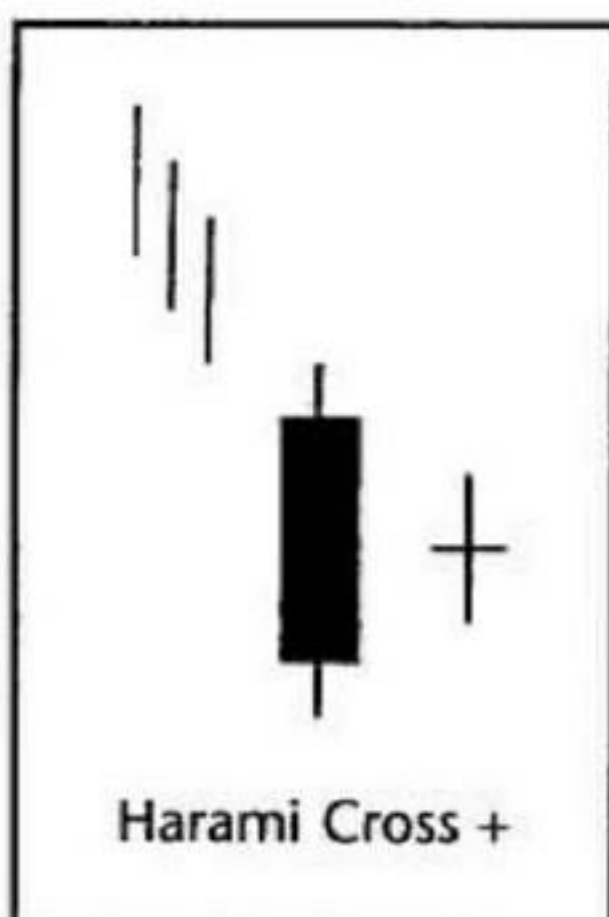
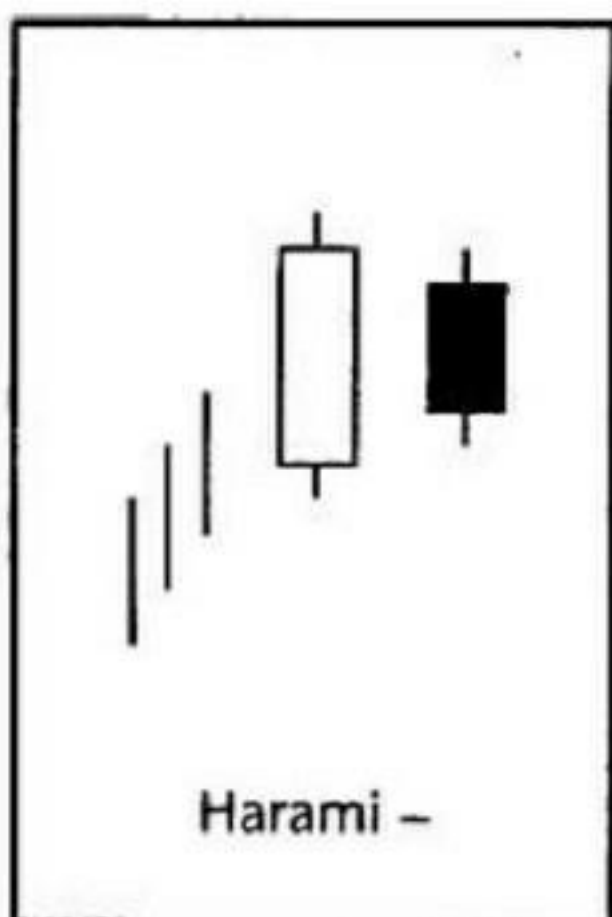
Ladder پایین (۵)

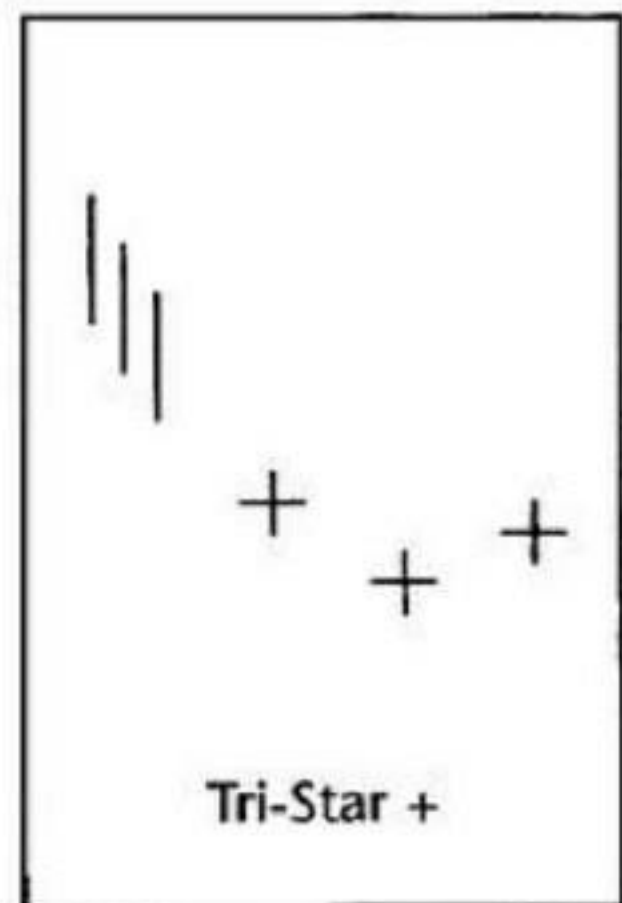
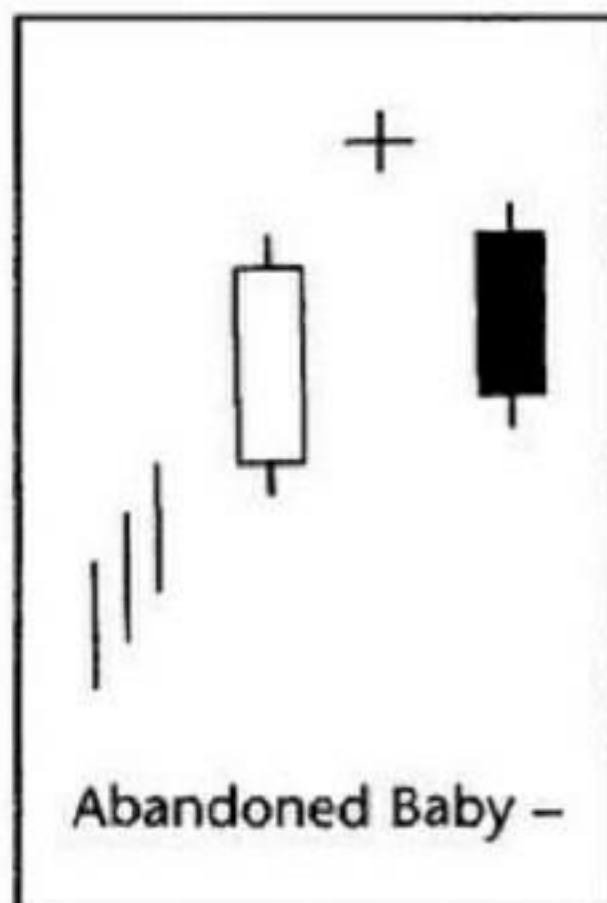
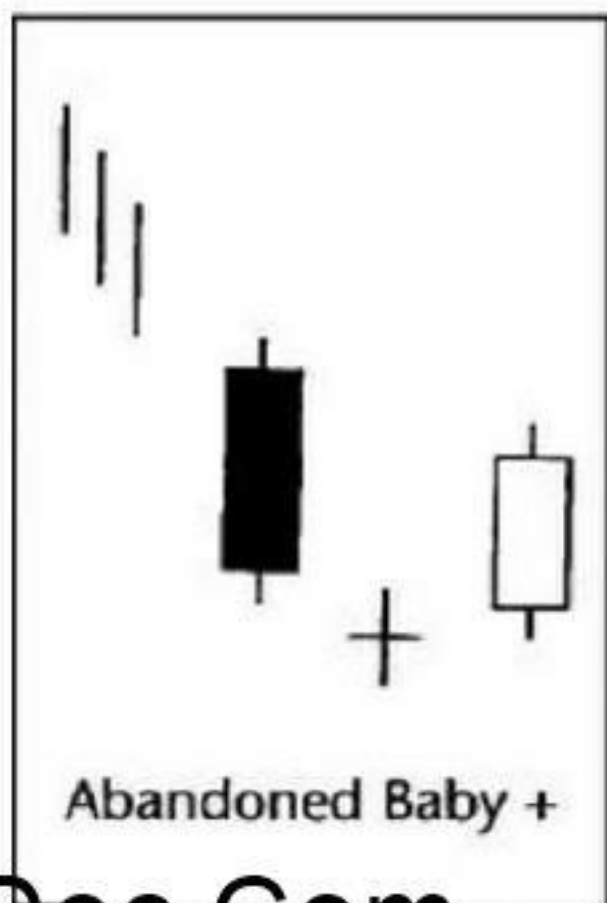
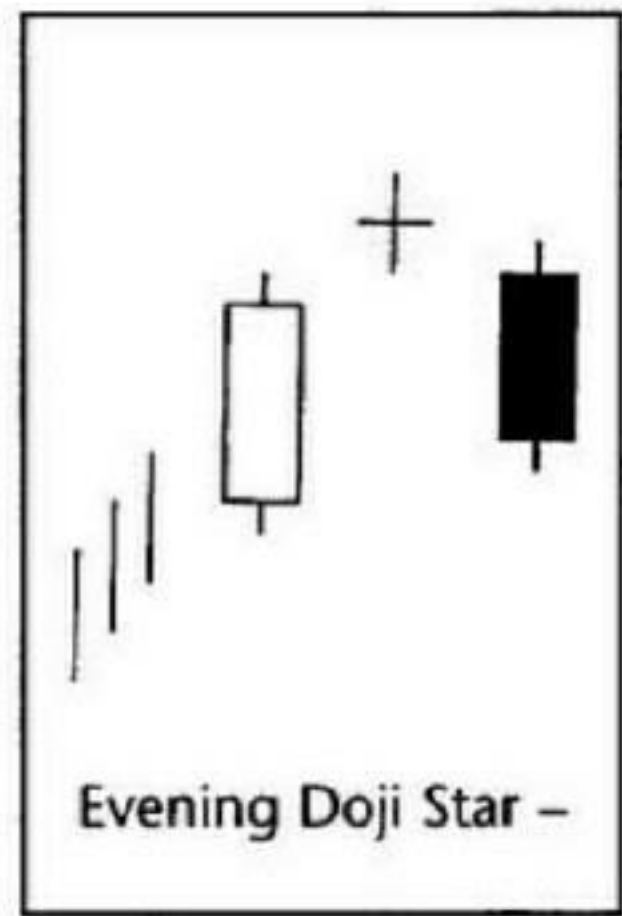
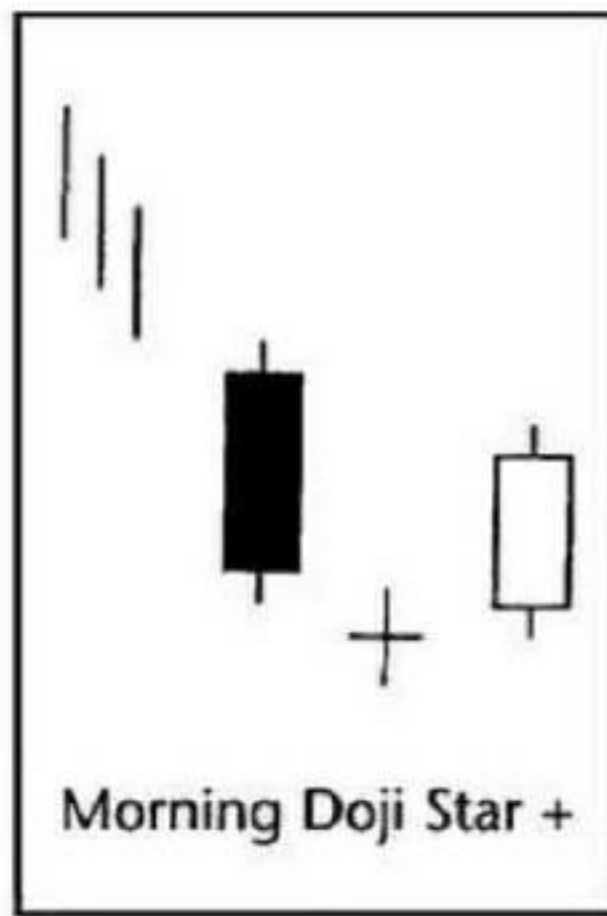
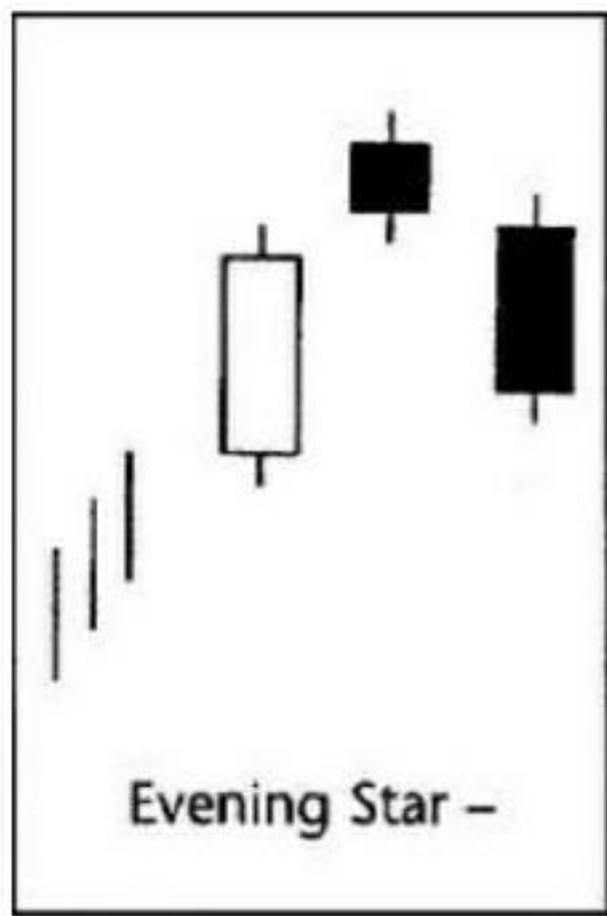
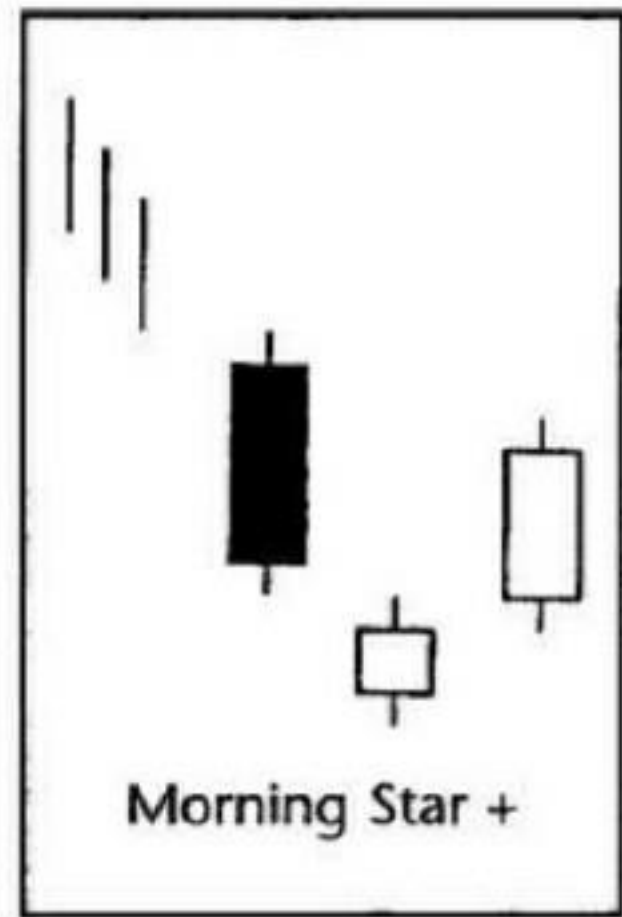
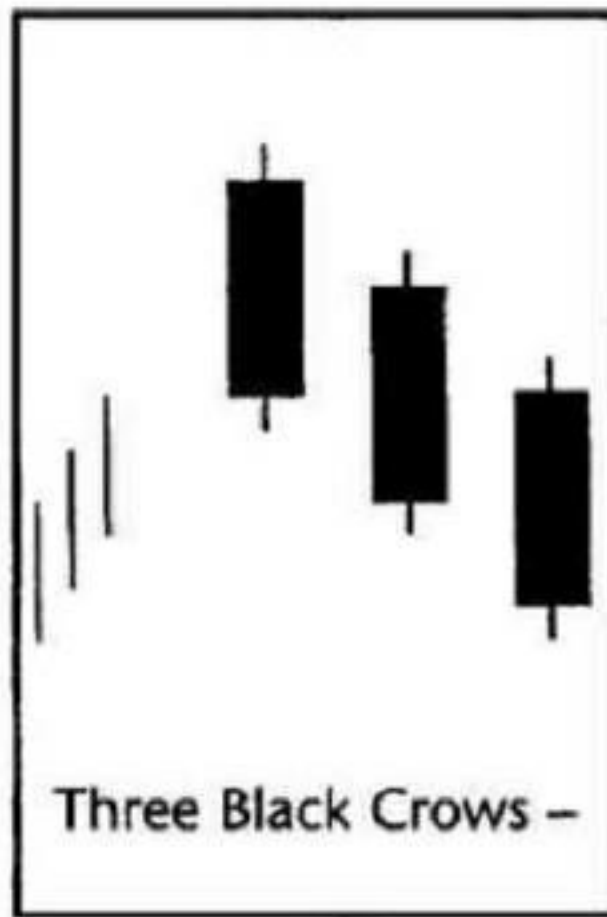
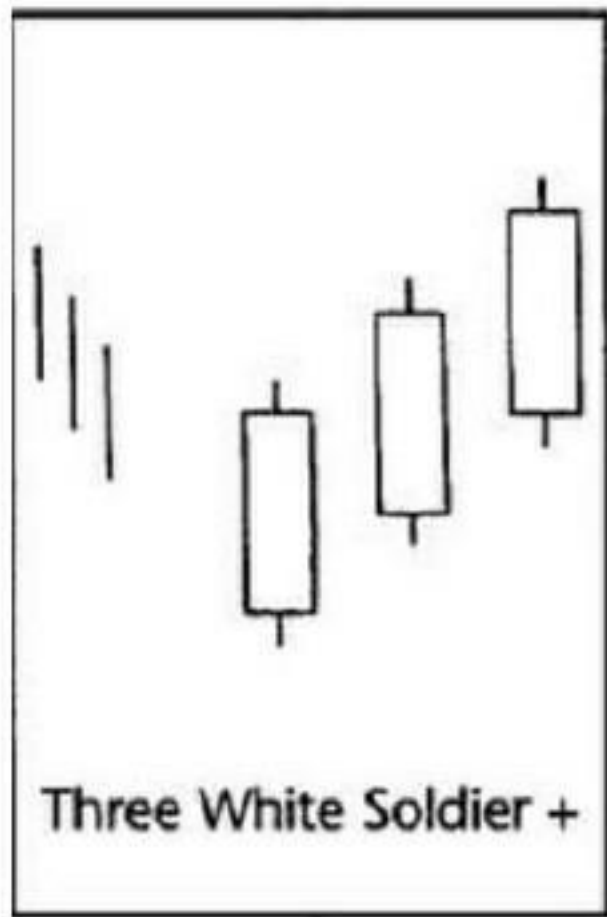
تطبیق پایین

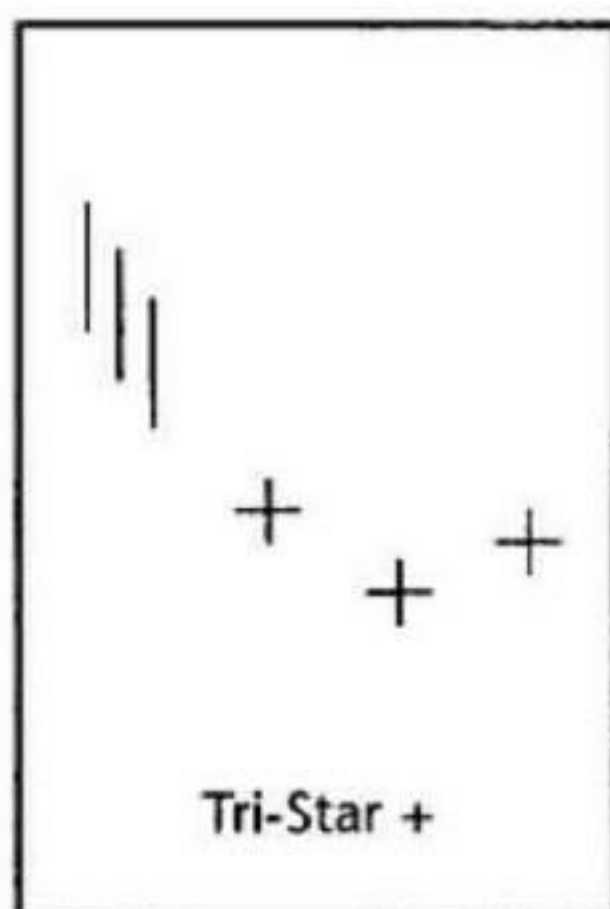
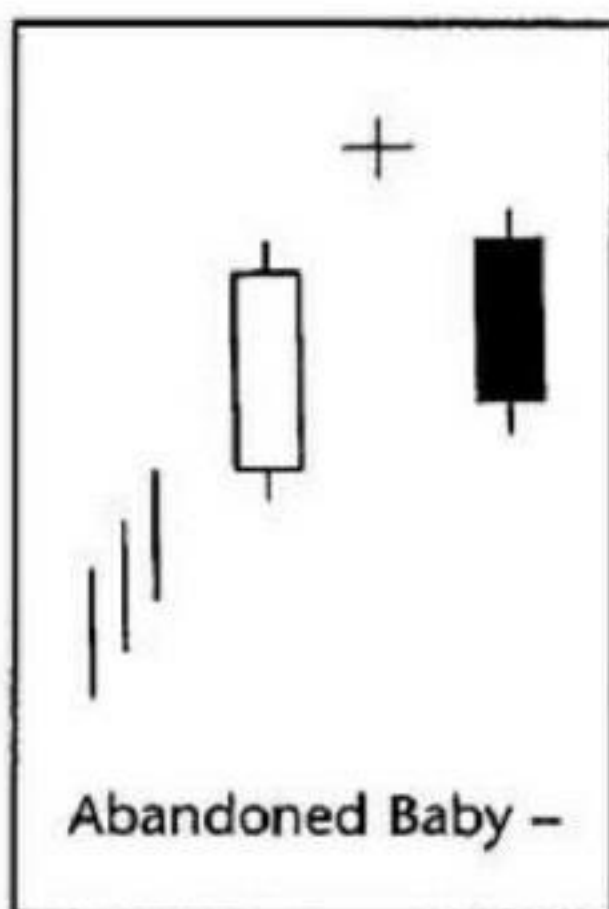
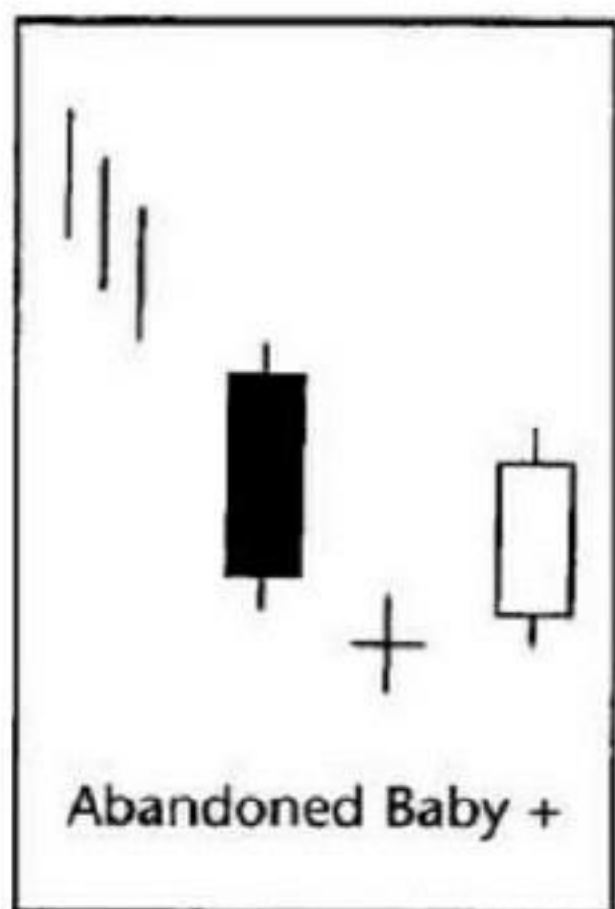
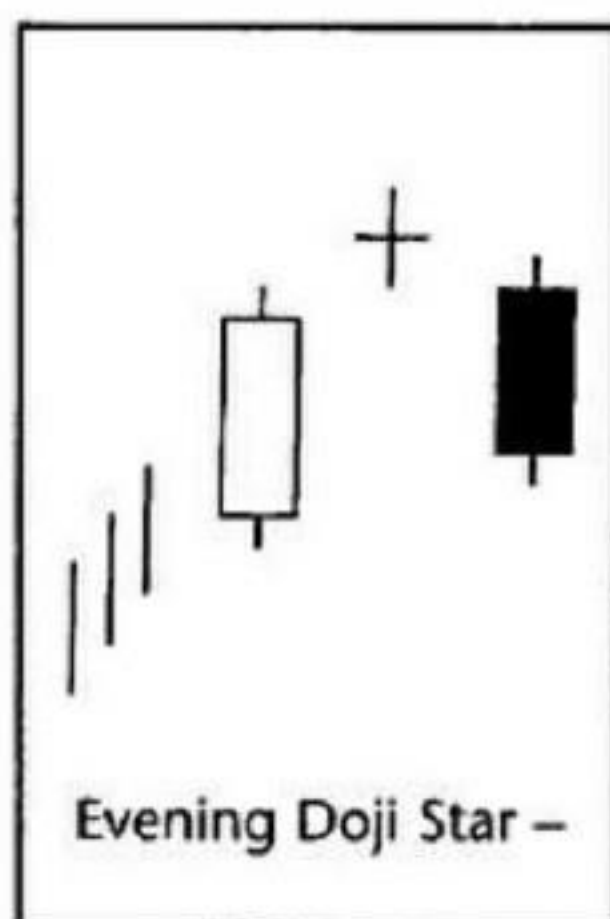
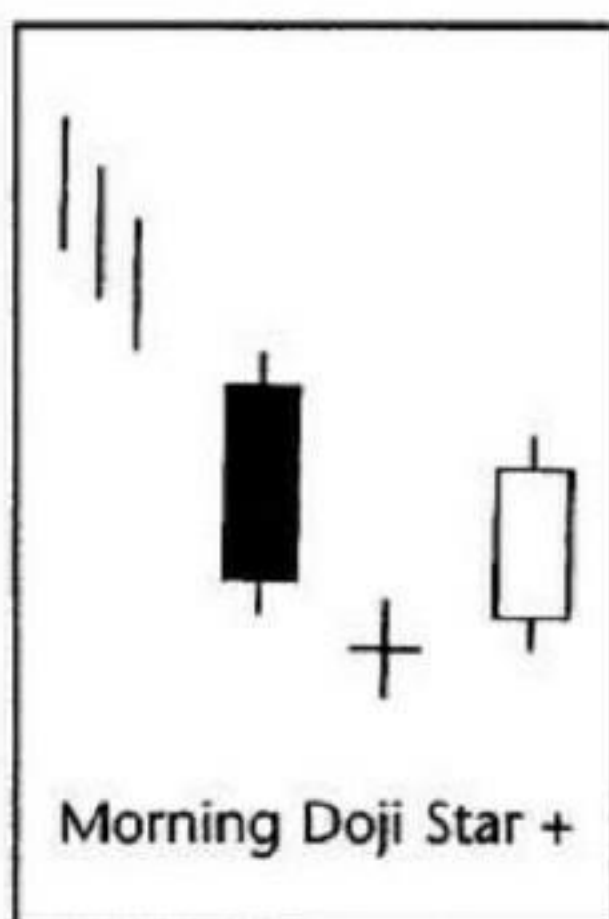
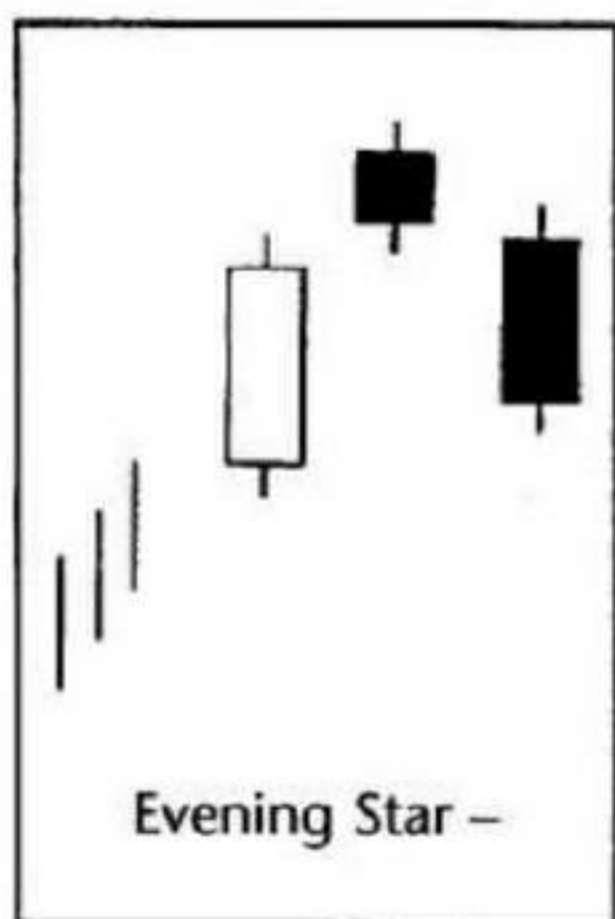
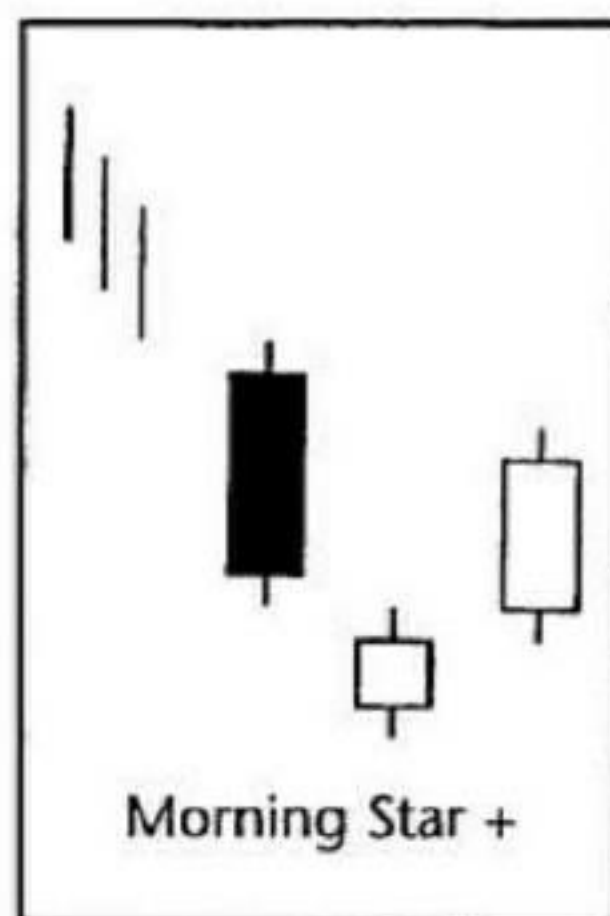
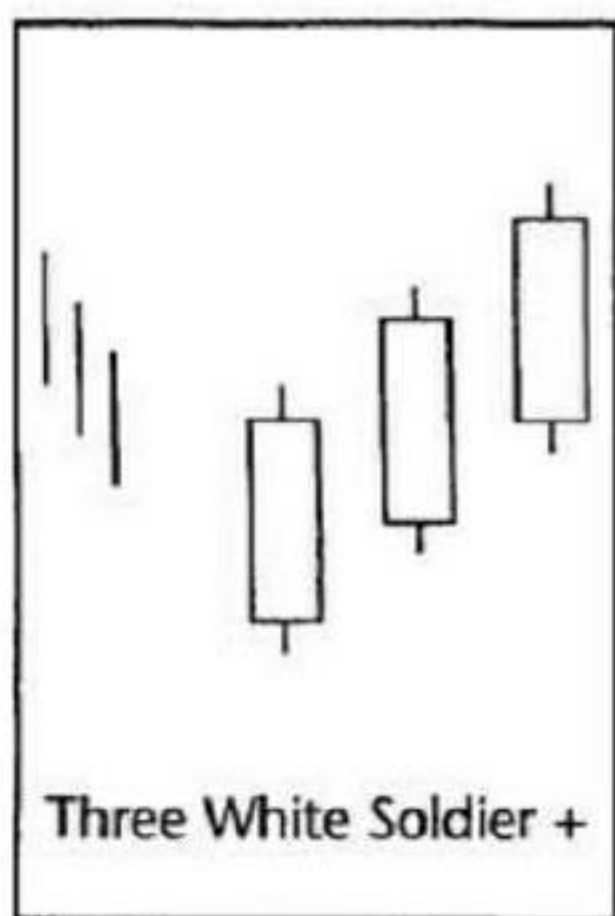
- (۱) Hanging (۱)
 Belt (۱) Hanging
 (۲) Cross Harami (۲)
 (۲) Cross Harami
 Meeting (۲) استار doji
 (۲) استار (۲) سه کلاغ سیاه
 Crows (۲) استار (۲) ستاره
 شب (۳) ستاره شب
 (۳) شامگاه doji استار (۳)
 Abandoned نوزاد (۳)
 سه ستاره
 (۳) breakaway (۵) ۳
 در پایین (۳) سه (۳)
 Kicking (۲) Latter
 Matching (۵) Top بالا
 (۲) دو کلاغ: دو کلاغ
 (۳) سه کلاغ سیاه یکی از
 دو کلاغ، دو کلاغ.

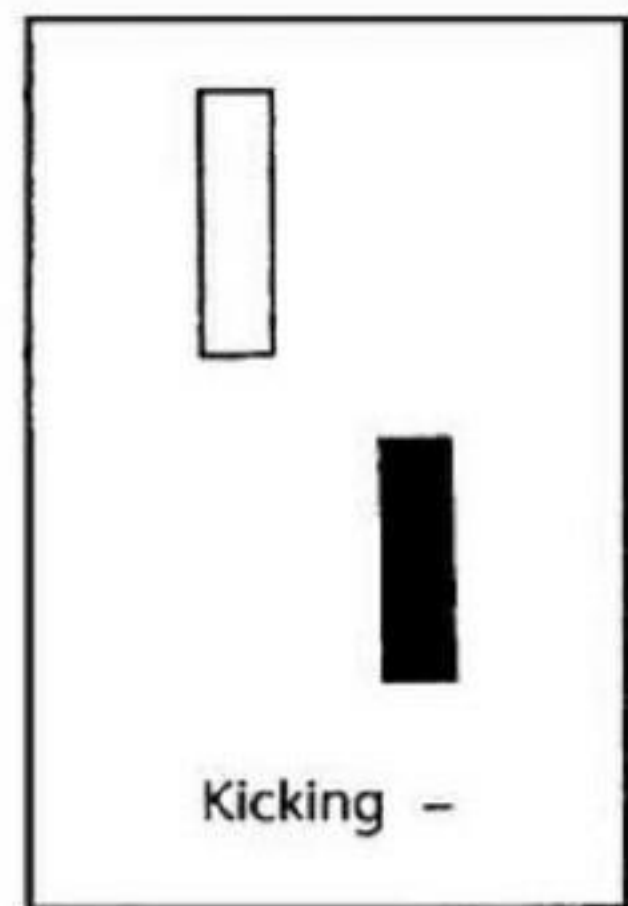
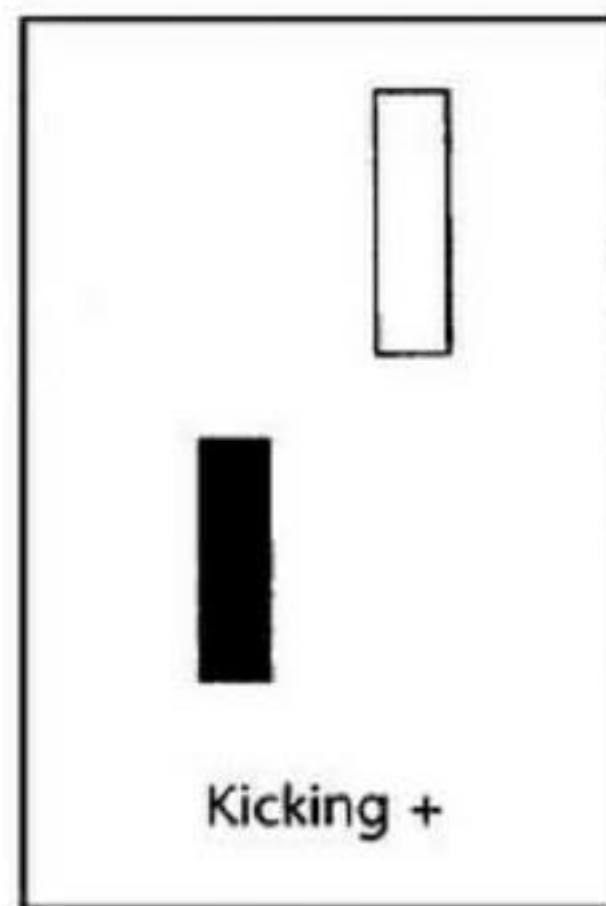
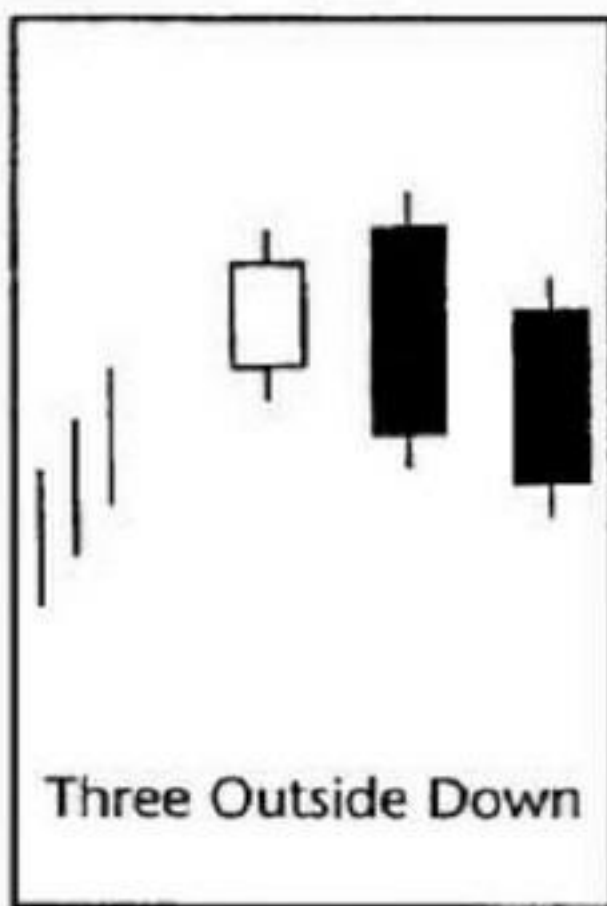
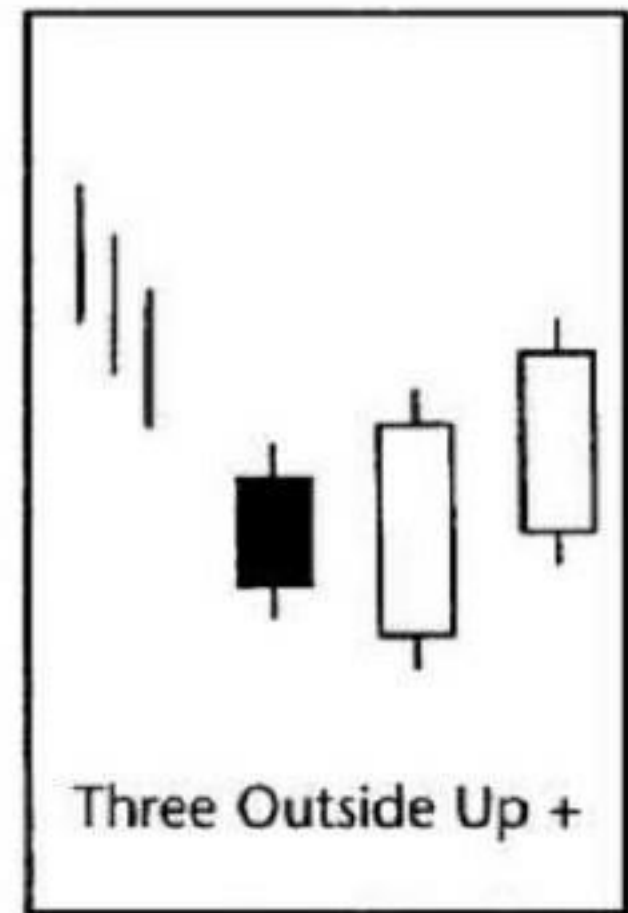
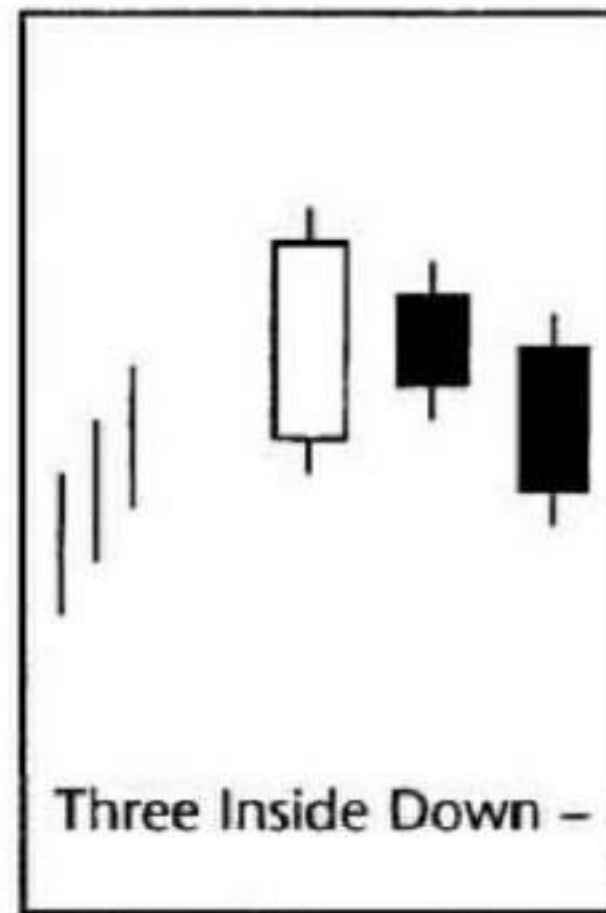
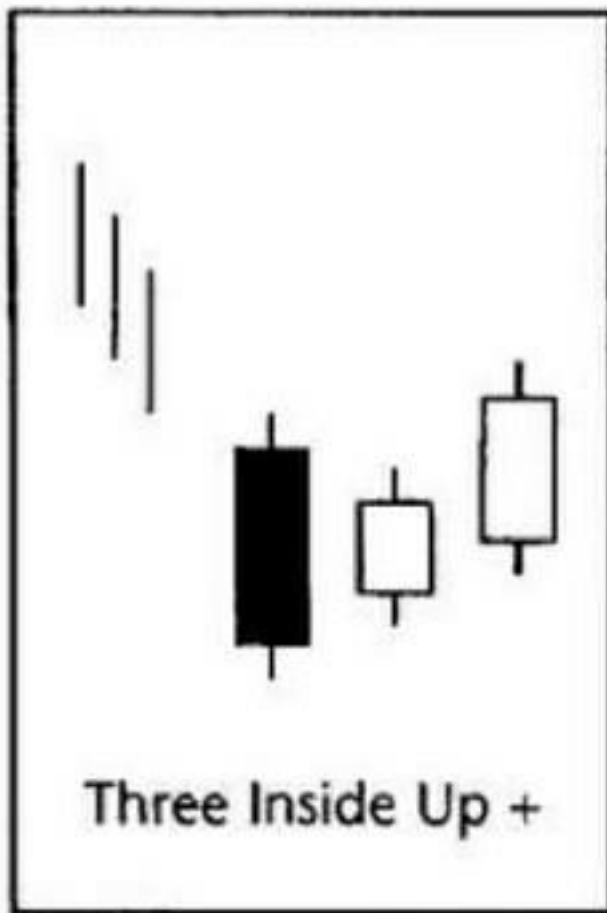
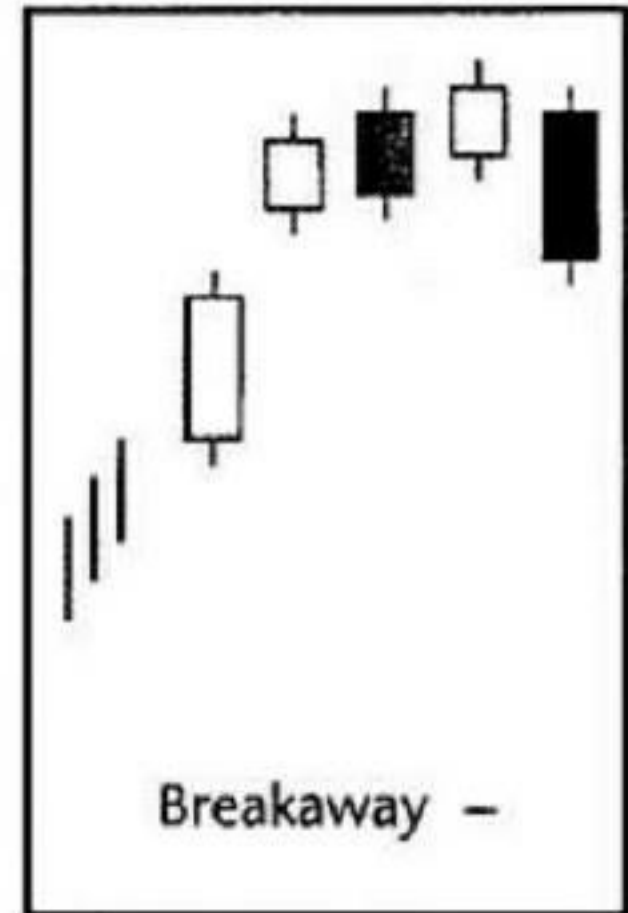
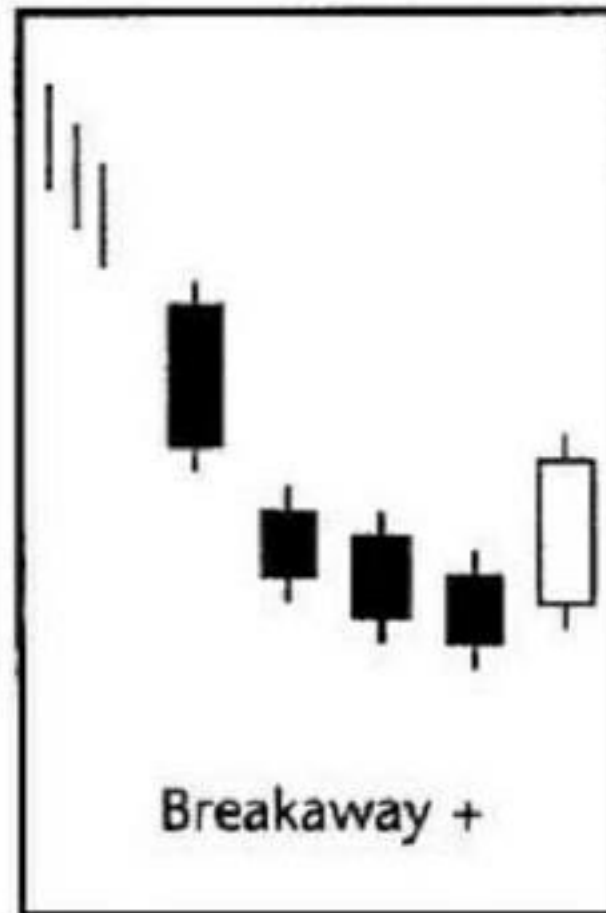
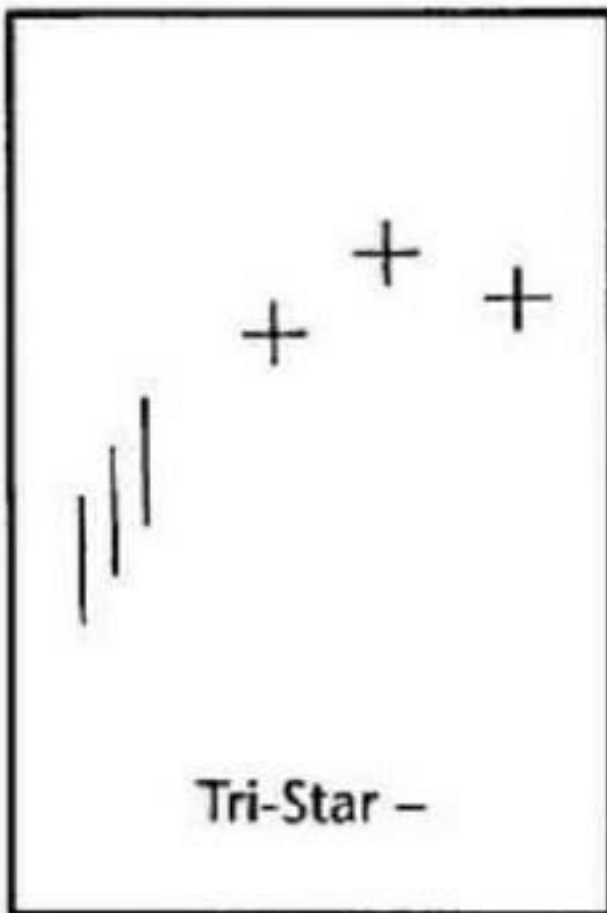
- تقسیم Continuation
 خطوط (۲) Falling شکاف
 تاسوکی (۳) Downside
 شکاف تاسوکی (۳) سه روش
 Downside (۳) شکاف سه
 روش (۳) در خط گردن (۲) در
 خط گردن (۲).

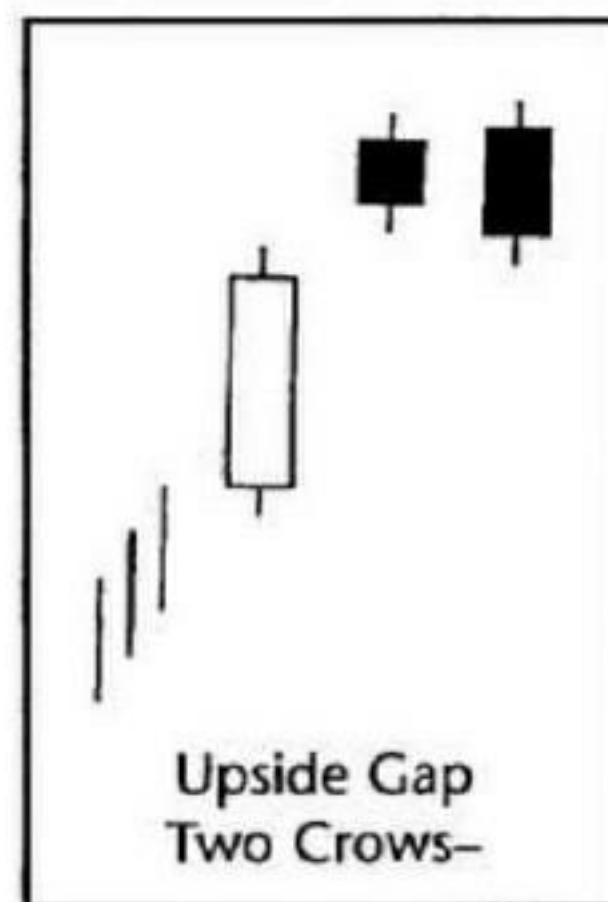
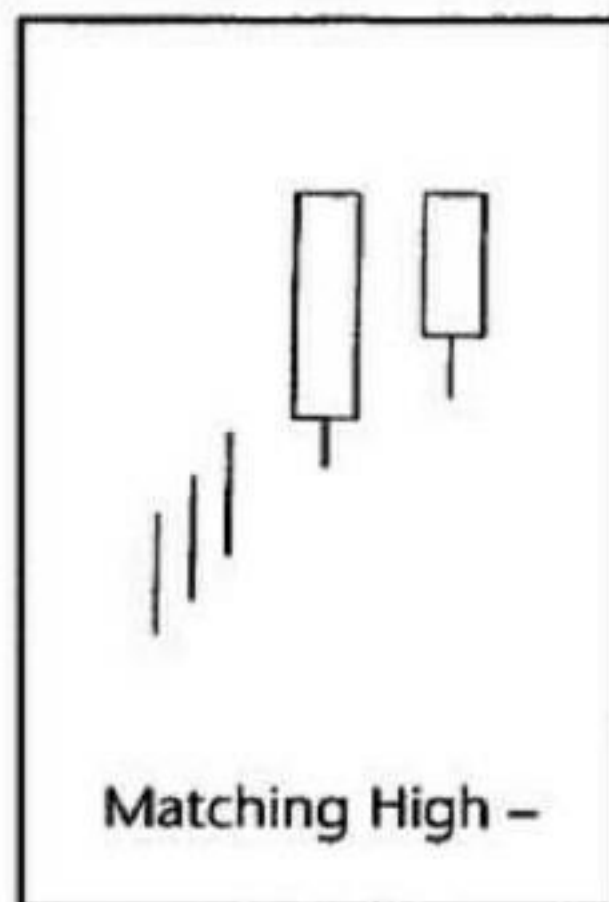
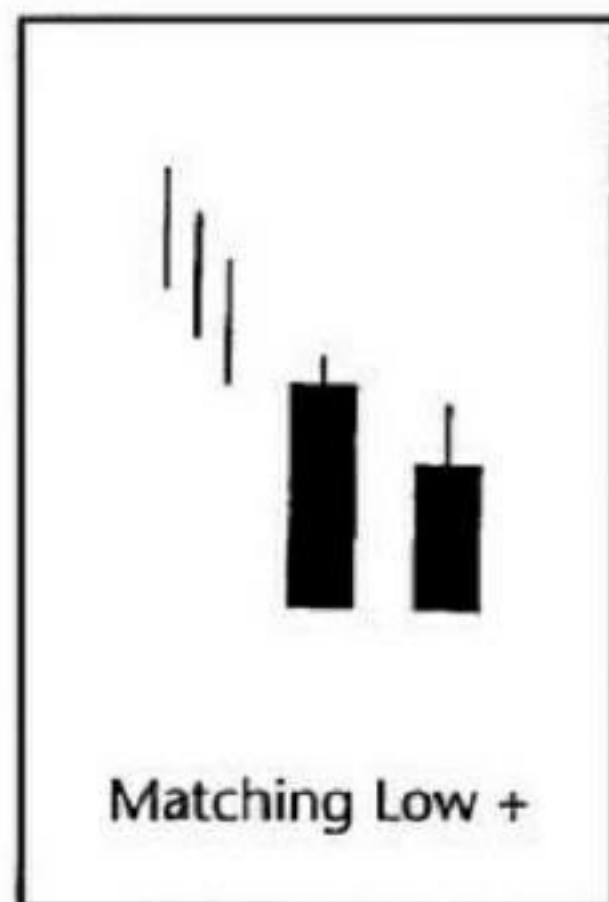
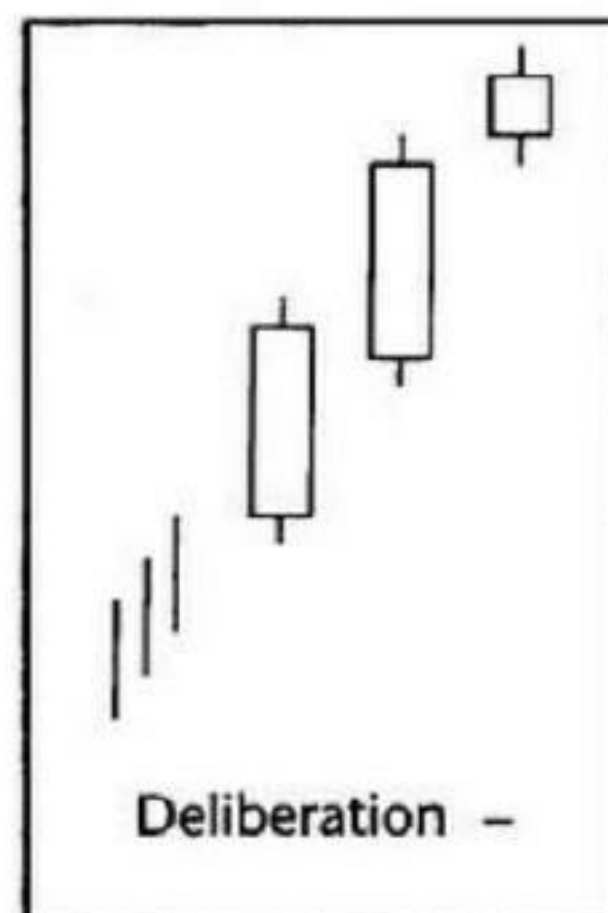
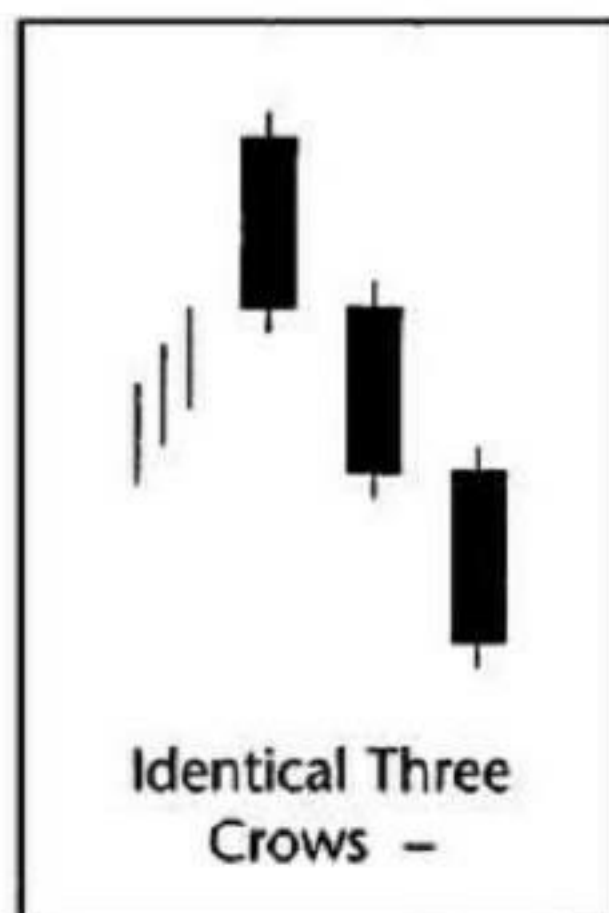
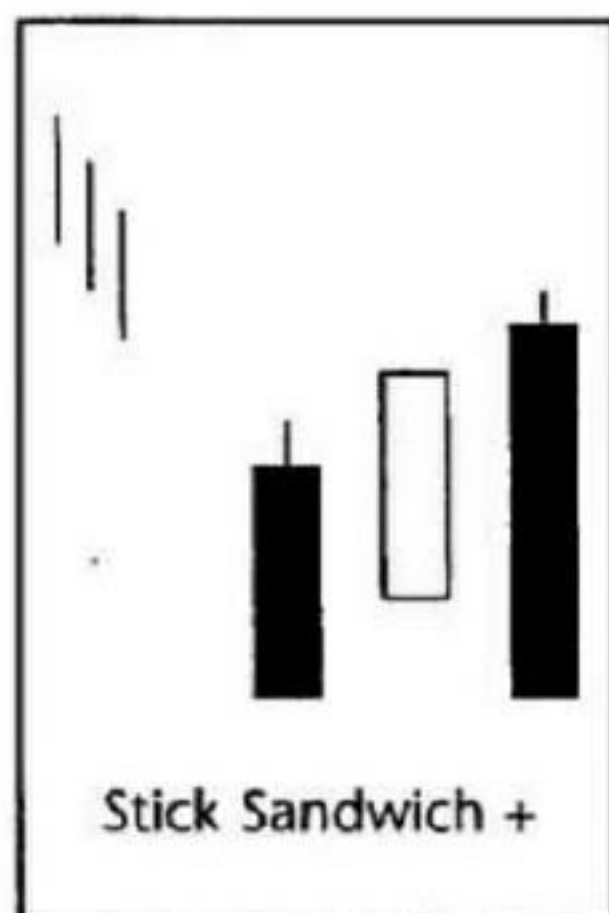
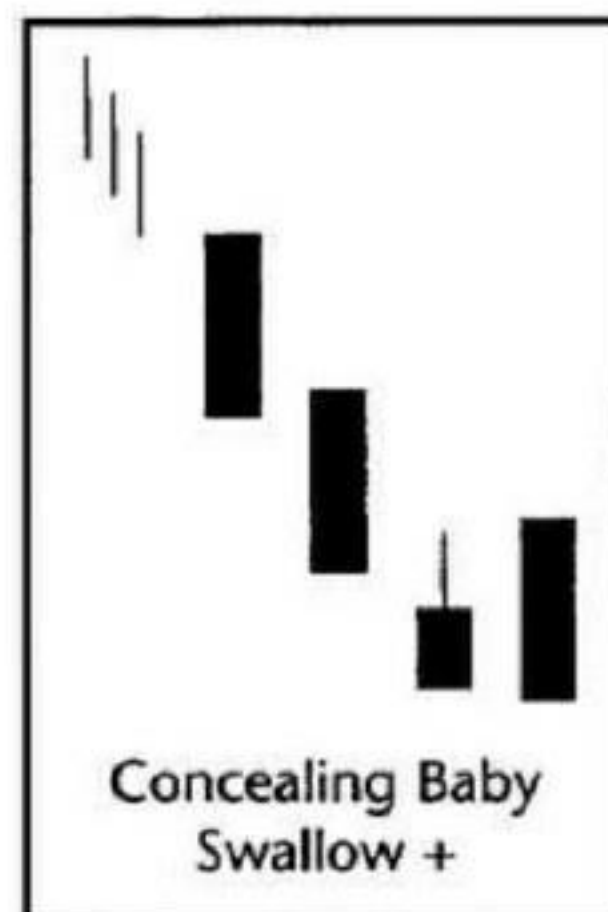
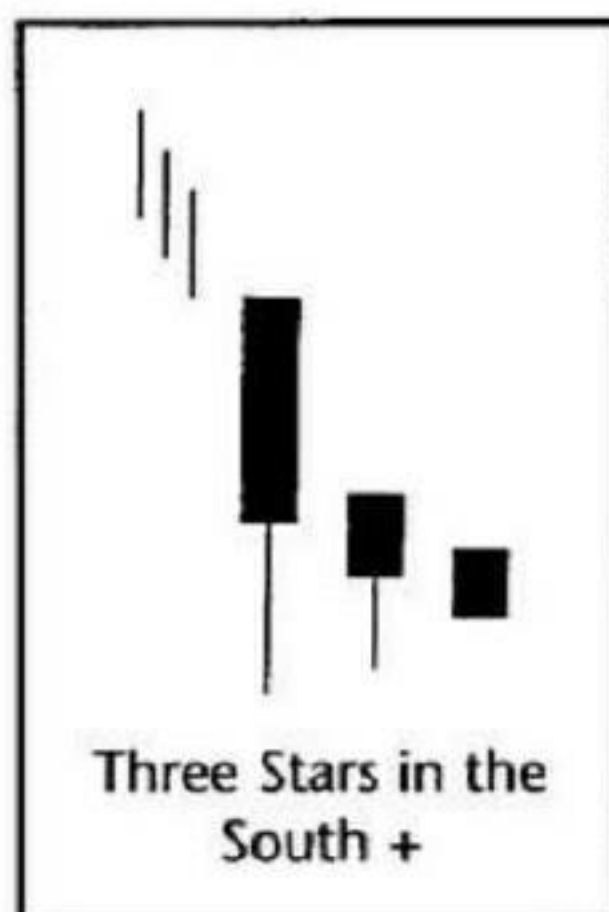
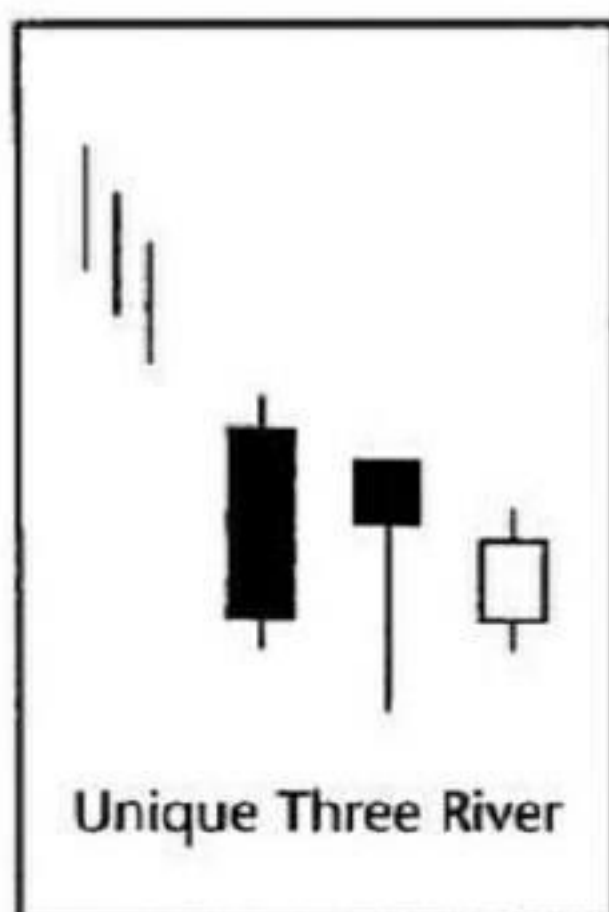


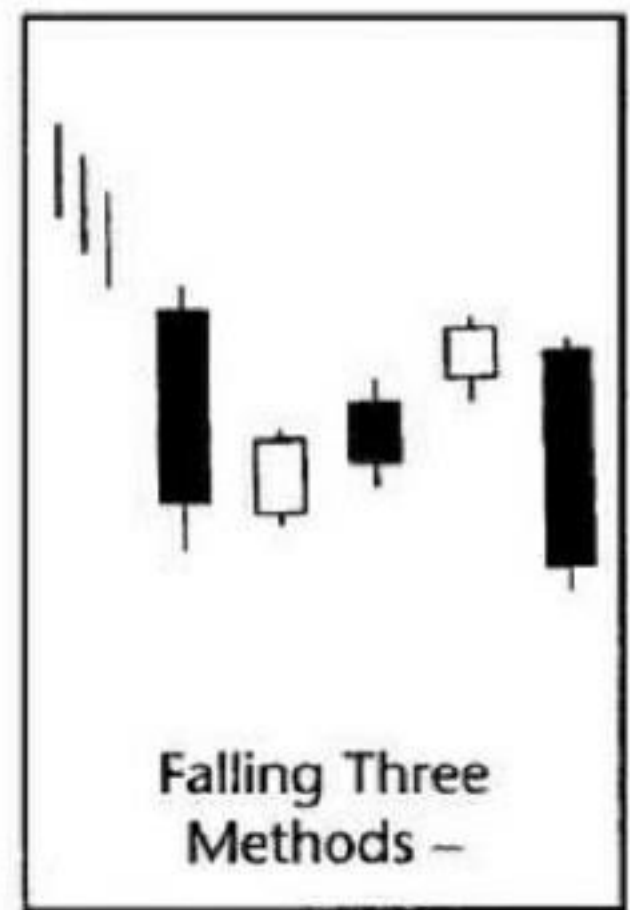
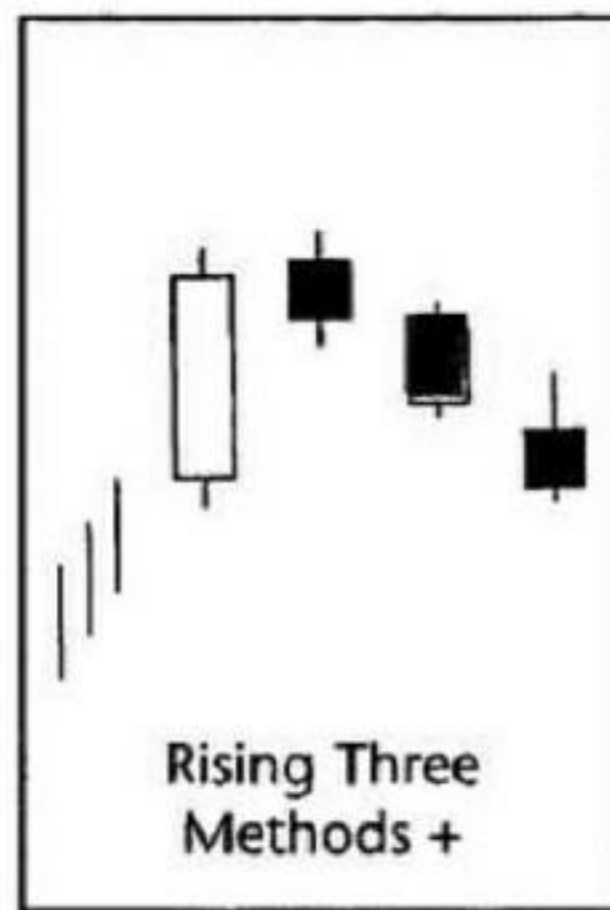
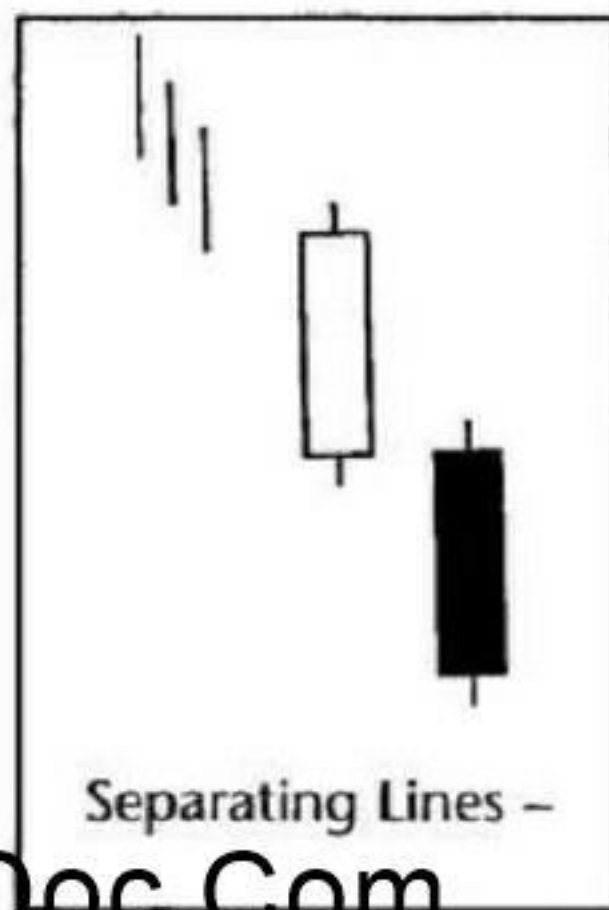
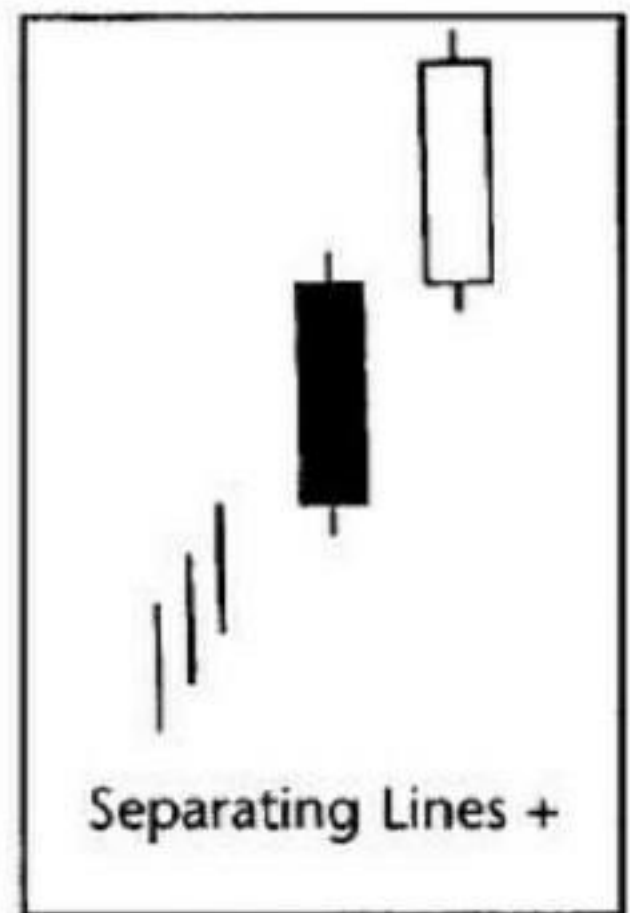
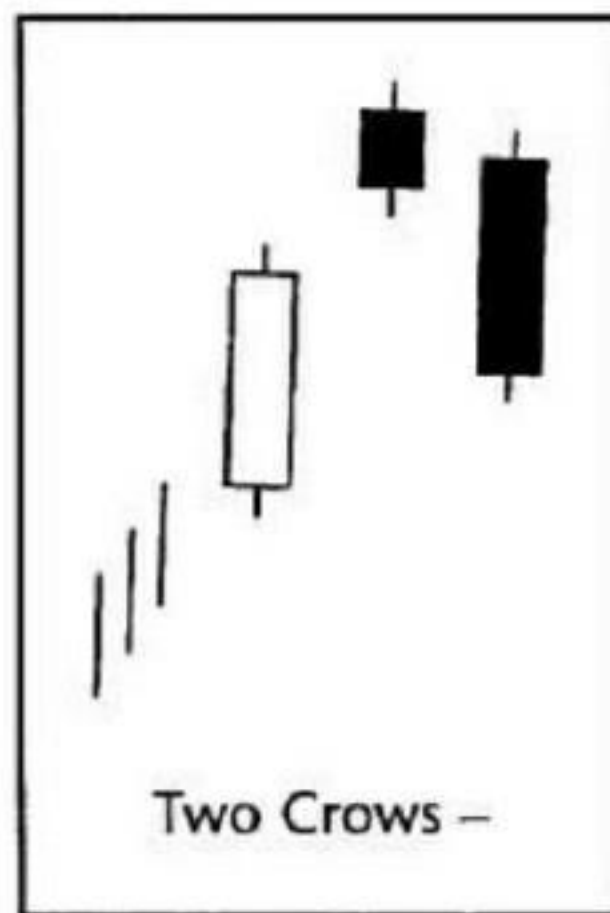
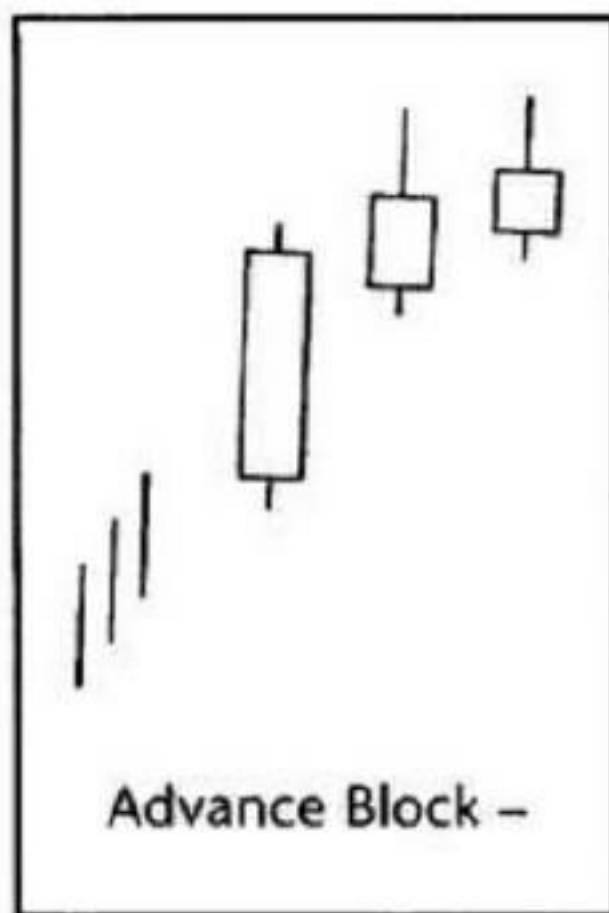
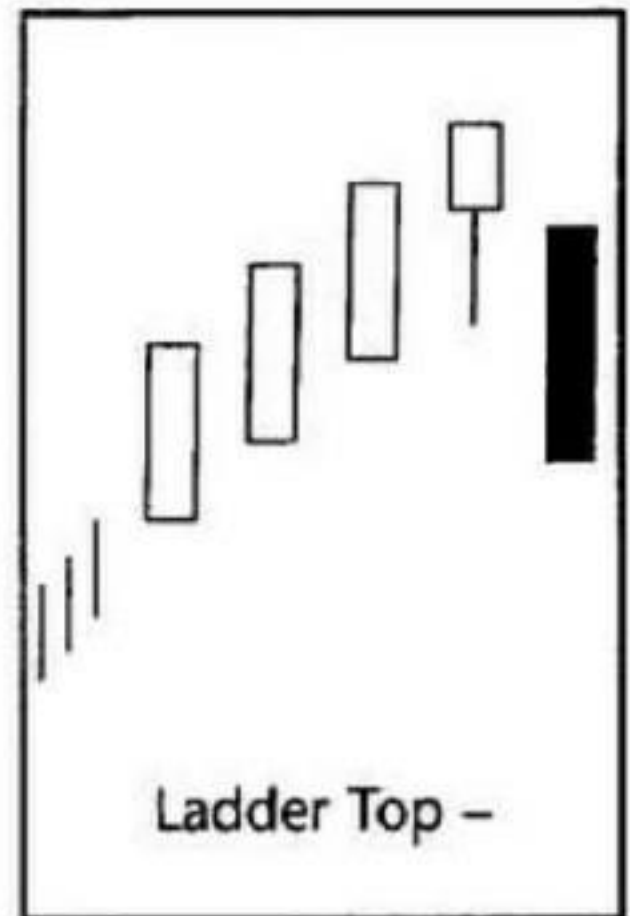
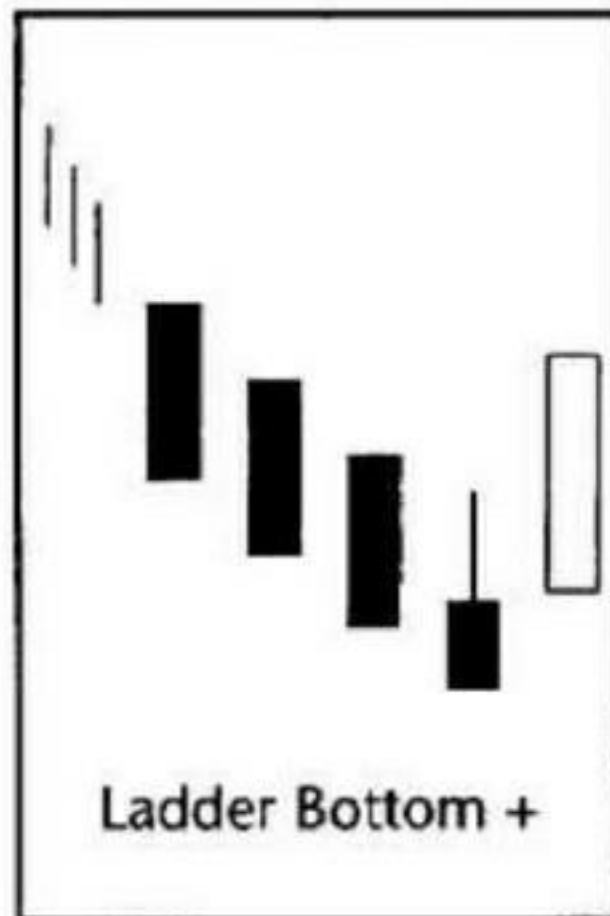
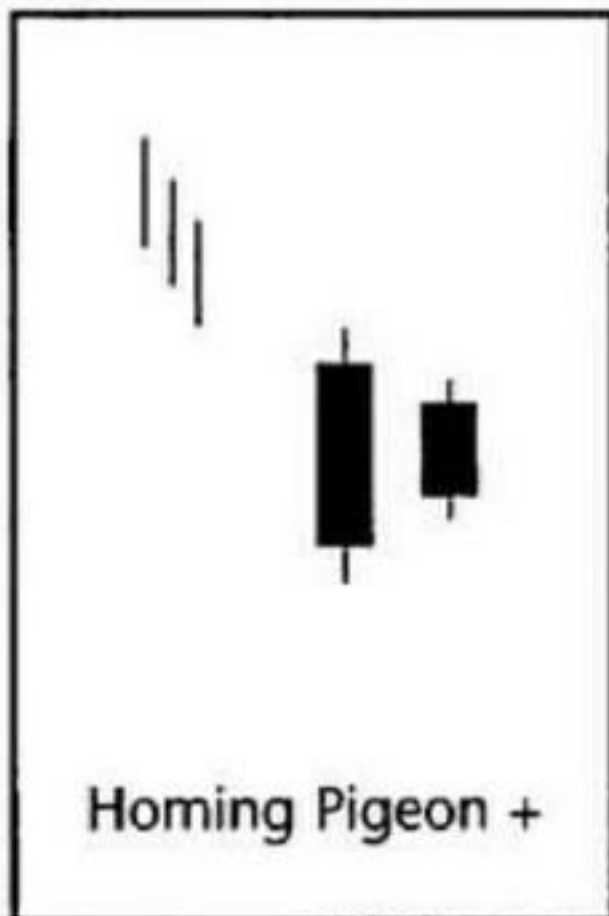


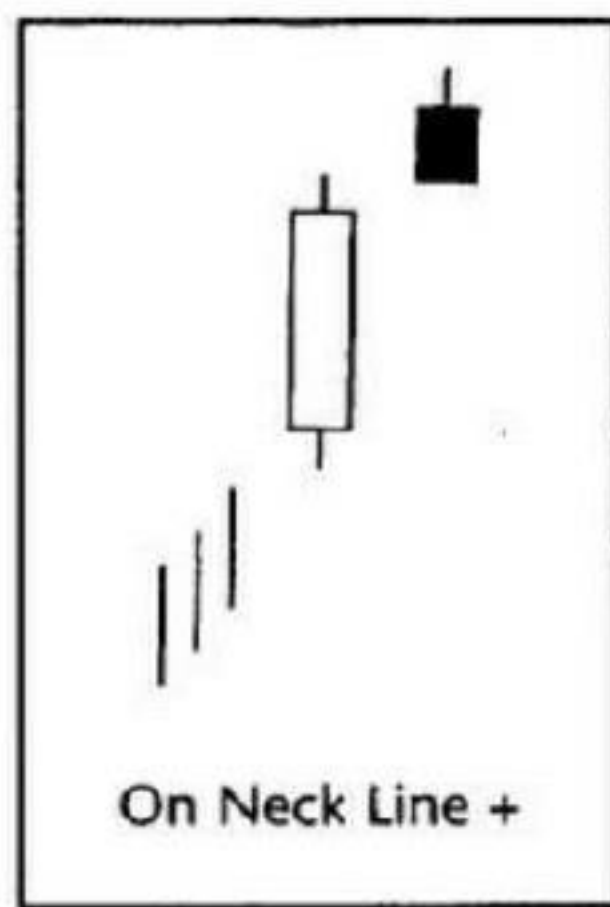
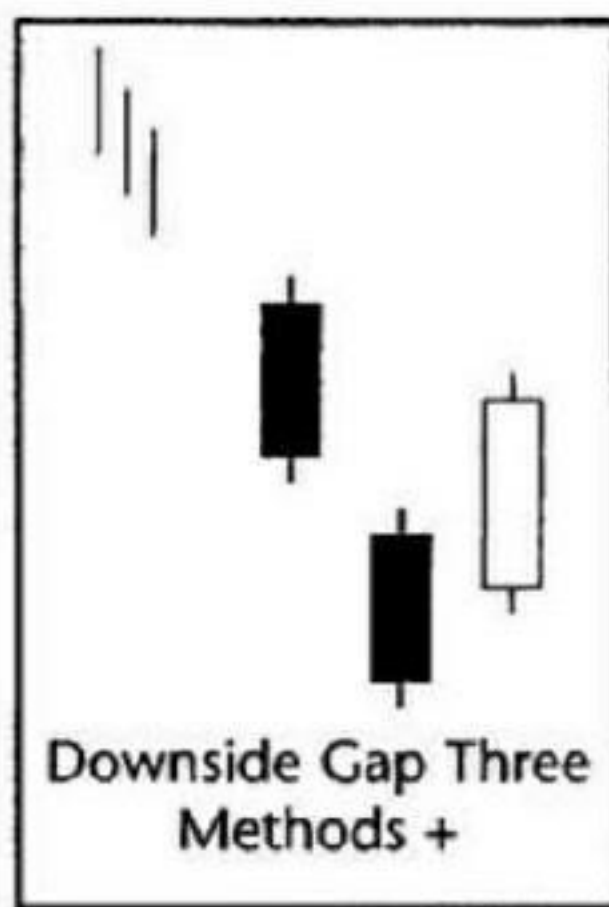
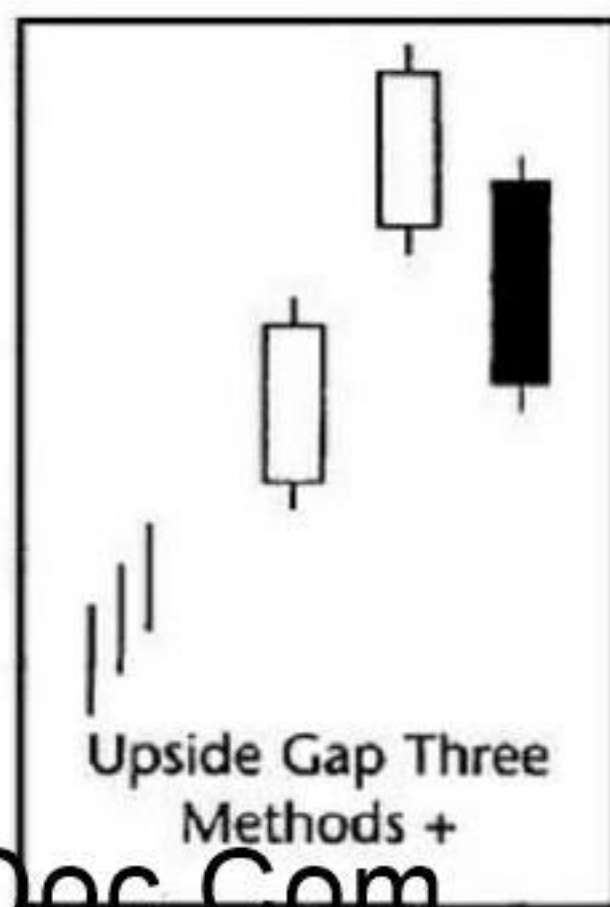
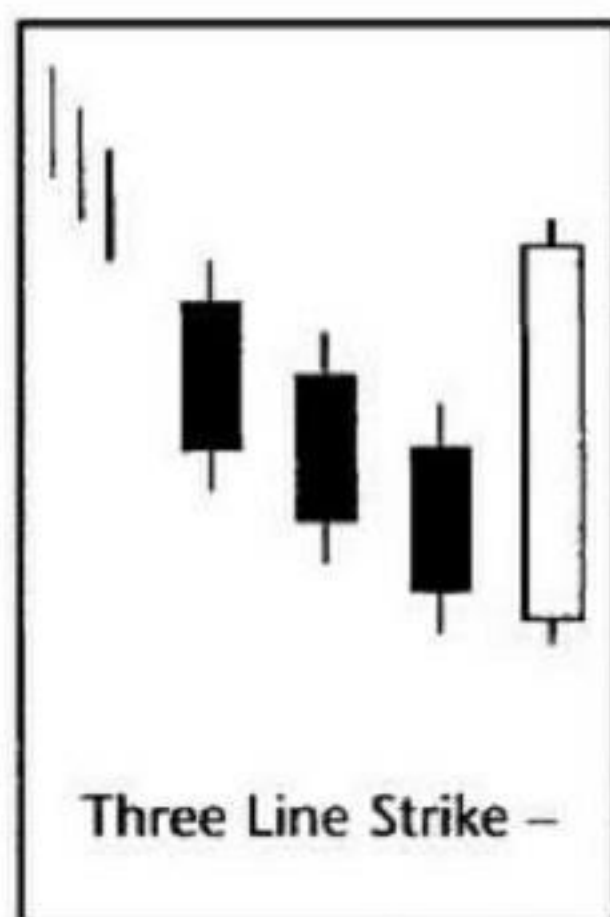
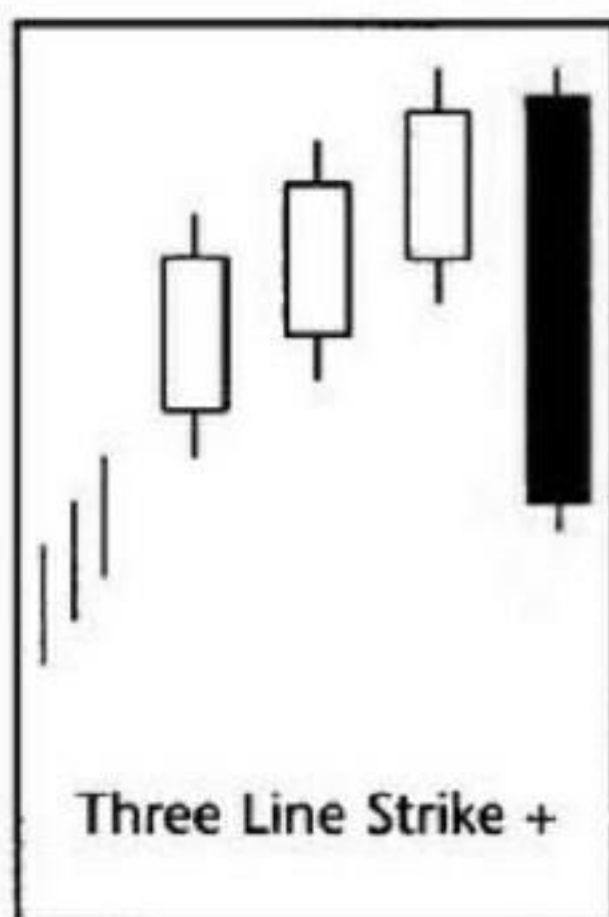
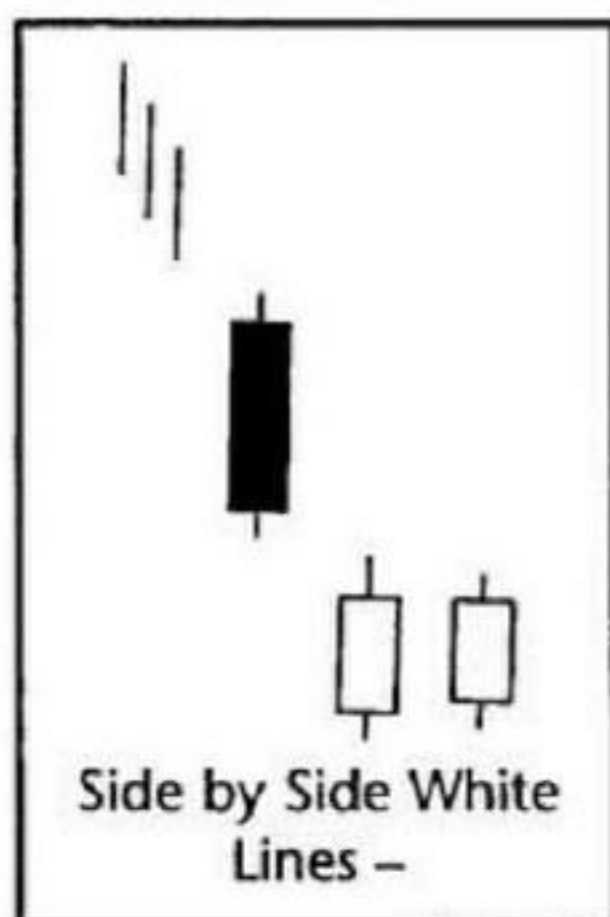
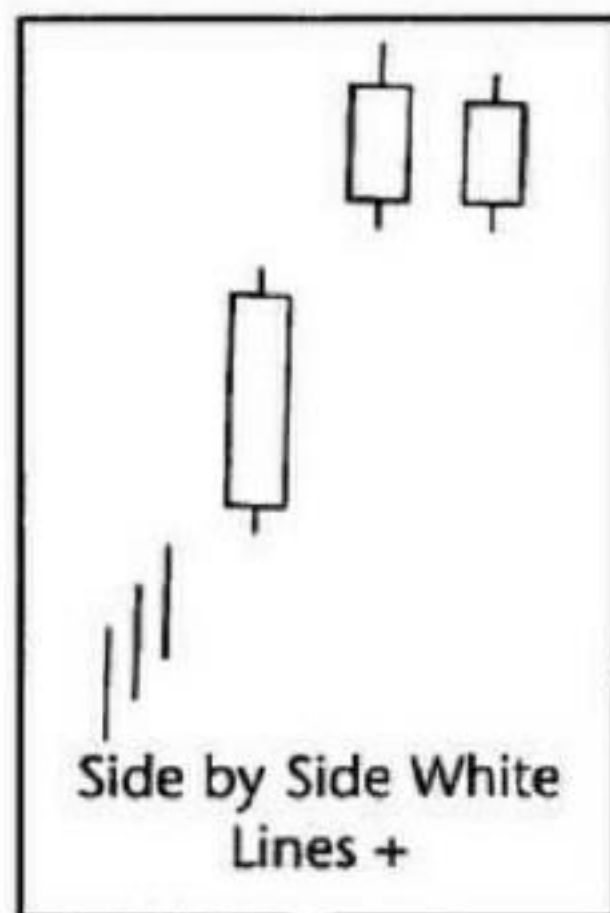
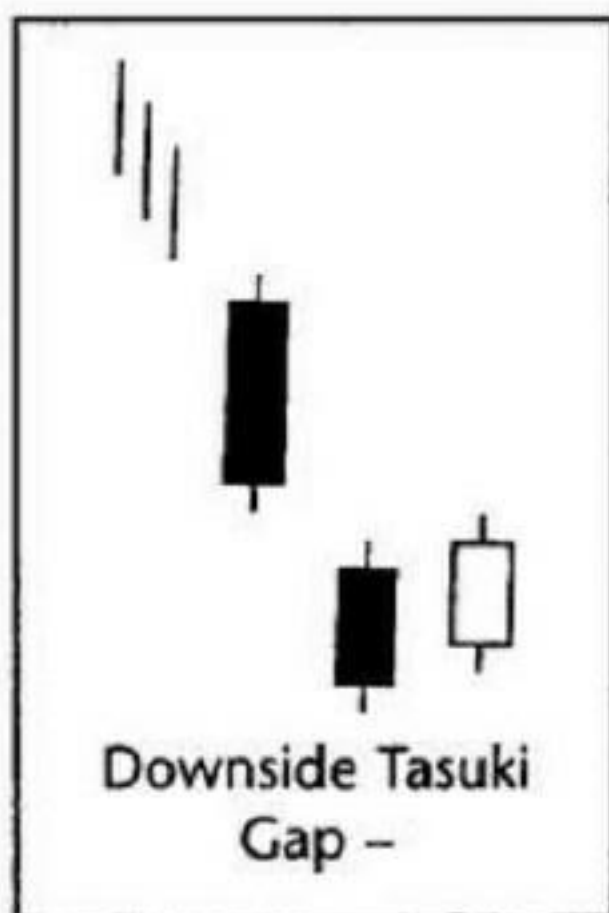
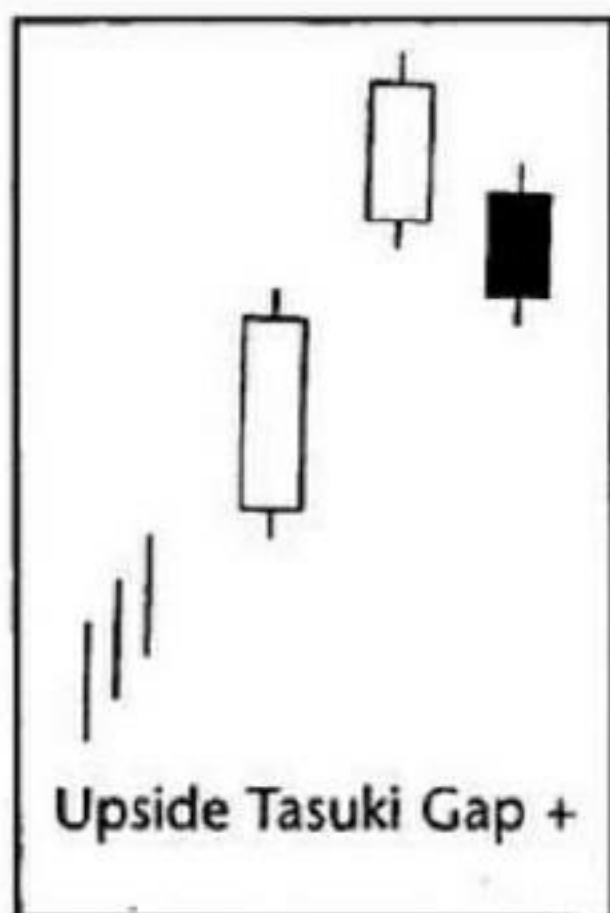


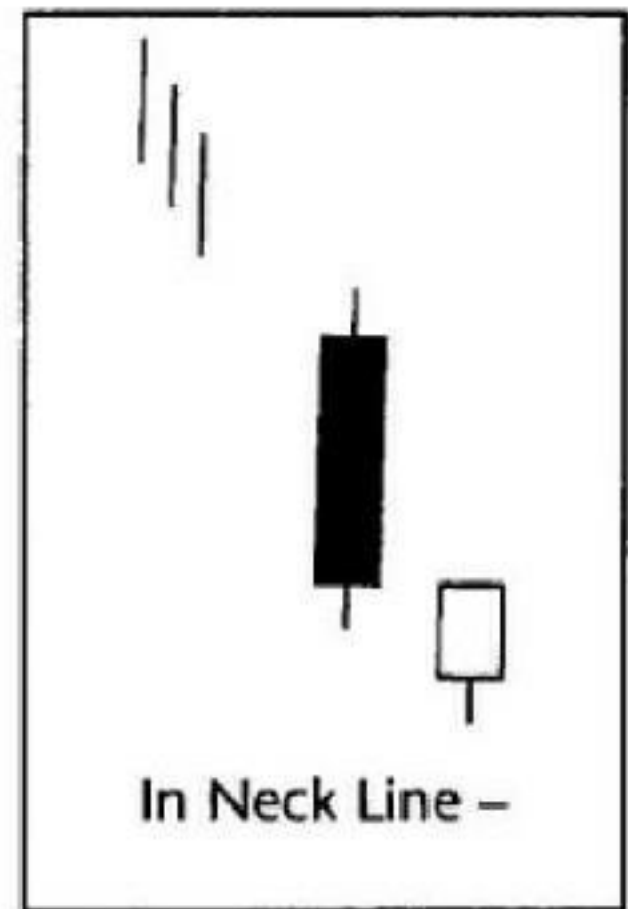
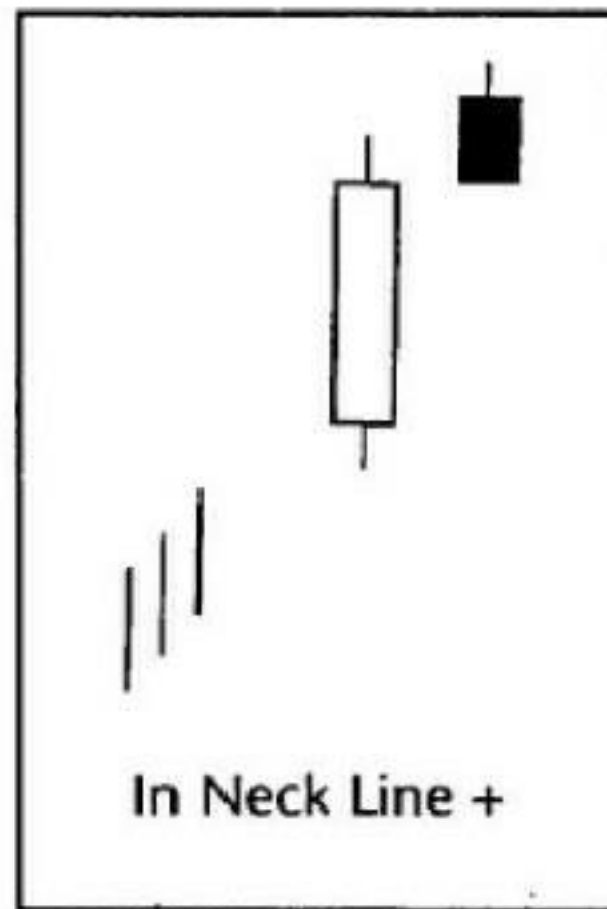
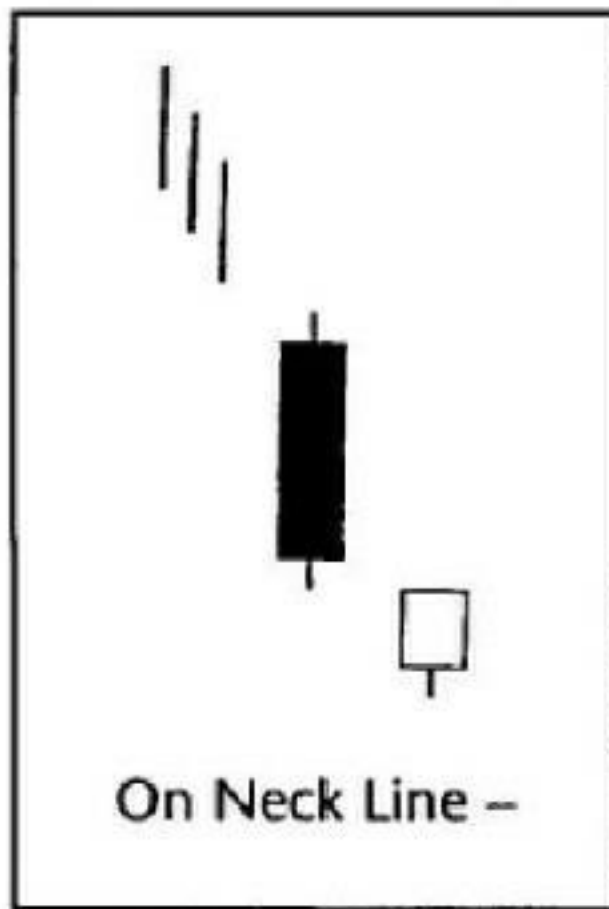












سابقه تاریخی

در سال ۱۹۳۸، یک جزوه با عنوان اصل موج اولین مرجع انتشار یافته به چیزی است که به عنوان اصل موج الیوت شناخته شده است. این کتاب توسط چارلز جی منتشر شد. کالینز و براساس کار اصلی که توسط بنیانگذار اصل موج، رالف نلسون (R.N.) به او ارائه شد.

الیوت خیلی تحت تاثیر تیوری داو قرار داشت، که بسیار رایج با اصل موج است. الیوت در نامه ۱۹۳۴ به کالینز گفت که او مشترک خدمات بازار سهام رابرت Rhea's بوده است و با کتاب Rhea's در نظریه داو آشنا بوده است. الیوت در ادامه گفت که اصل موج "یک مکمل بسیار مورد نیاز برای نظریه داو بود". در ۱۹۴۶، تنها دو سال قبل از مرگش الیوت اثر قطعی خود را بر روی اصل موج، قانون Nature's نوشت: راز جهان.

در صورت الف، ممکن است ایده های Elliott's از حافظه محو شوند. همیلتون hadn't Bolton در سال ۱۹۵۳ تصمیم گرفت تا نقش Elliott Wave را به تحلیلگر اعتبار بانک که سالانه انجام داد، منتشر کند.

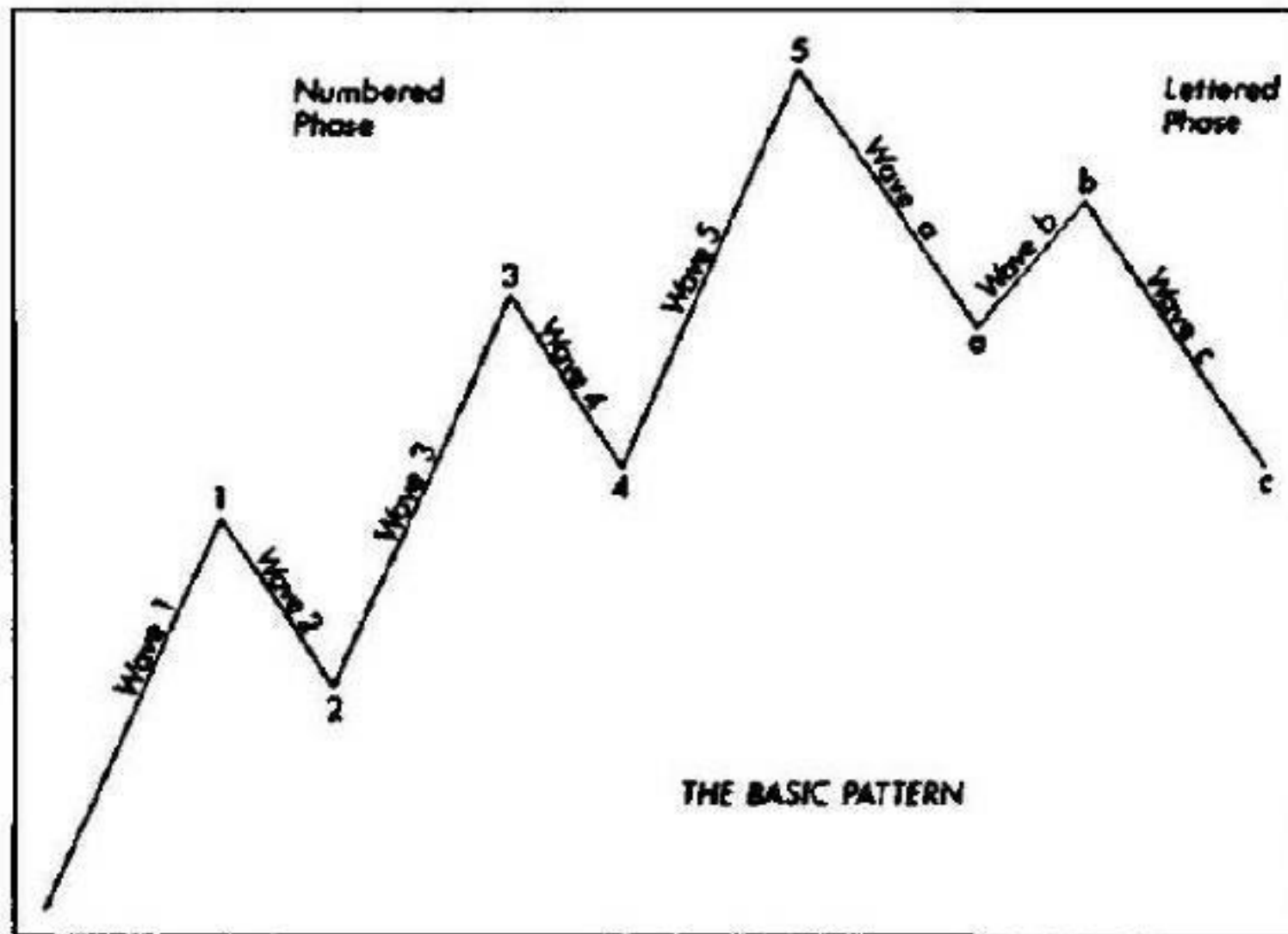
به مدت سه سال، تا زمان مرگش، سرمای شدید بر روی مکمل‌های الیوت تاکید کرده و با رابرت بوت در رابطه با اصل موج الیوت هم‌کاری کرد. بیشتر نمودارهای این فصل از کتاب "فراست و کتاب" گرفته شده‌است. او یک قدم جلوتر رفت و در آن آثار بزرگ الیوت را منتشر کرد و نوشته‌های اصلی الیوت را در دسترس قرار داد که مدت‌ها از چاپ خارج شده‌بود.

اصول بنیادی اصل WAVE:

سه جنبه مهم تیوری موج - الگو، نسبت و زمان - در آن درجه اهمیت وجود دارد. الگو به الگوهای موج یا اشکال اشاره دارد که مهم‌ترین عنصر نظریه را تشکیل می‌دهند. آنالیز نسبت در تعیین نقاط retracement و اهداف قیمت با اندازه‌گیری روابط بین موج‌های مختلف مفید است. در نهایت، روابط زمانی نیز وجود دارد و می‌تواند برای تایید الگوهای موج و نسبت‌ها مورد استفاده قرار گیرد، اما توسط برخی Elliotticians در پیش‌بینی بازار کم‌تر قابل‌اعتماد در نظر گرفته می‌شوند.

تیوری موج الیوت در اصل برای میانگین بازار سهام به ویژه میانگین صنعتی داو جونز بکار گرفته شد. در بنیادی‌ترین شکل خود، نظریه می‌گوید که بازار سهام بدنبال یک ریتم تکراری از یک پیشروی موج است که پس از آن یک کاهش موج در پی دارد. شکل ۱.۱۳ یک چرخه کامل را نشان می‌دهد. اگر امواج را بشمارید، خواهید دید که یک چرخه کامل هشت موج دارد - ۵ تا ۳. در بخش پیشروی این چرخه، توجه کنید که هر یک از این پنج موج شماره‌گذاری می‌شوند. امواج ۱، ۳ و ۵ - به نام امواج ضربه‌ای - امواج رو به بالا هستند در حالی که امواج ۲ و ۴ در برابر the حرکت می‌کنند. امواج ۲ و ۴ امواج اصلاحی نامیده می‌شوند چون امواج ۱ و ۳ را اصلاح می‌کنند. پس از تکمیل این پنج موج، یک اصلاح سه موج آغاز می‌شود. سه موج اصلاحی توسط حروف a، b، c قابل تشخیص هستند.

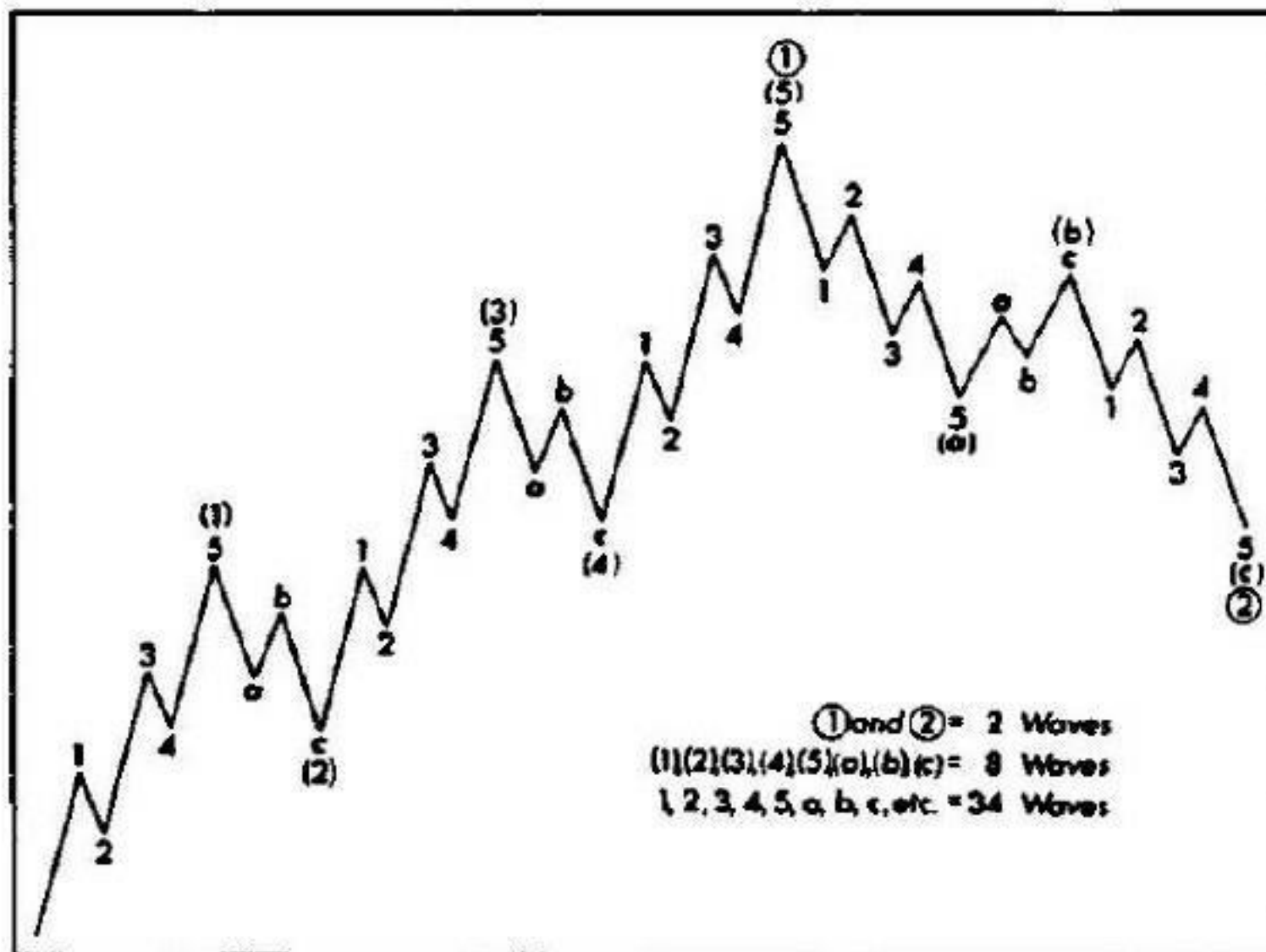
همراه با شکل ثابت امواج مختلف، ملاحظه مهم درجه است. درجات مختلفی از این روند وجود دارد. الیوت در واقع نه درجه متفاوت از روند (یا بزرگی) را در محدوده وسیعی از Supercycle طبقه‌بندی کرد



شکل ۱.۱۳ طرح اصلی. (A.J. فراسست و رابرت Prechter، اصل موج الیوت [GA, Gainesville]: کتابخانه کلاسیک جدید، ۱۹۷۸، ص. ۲۰.

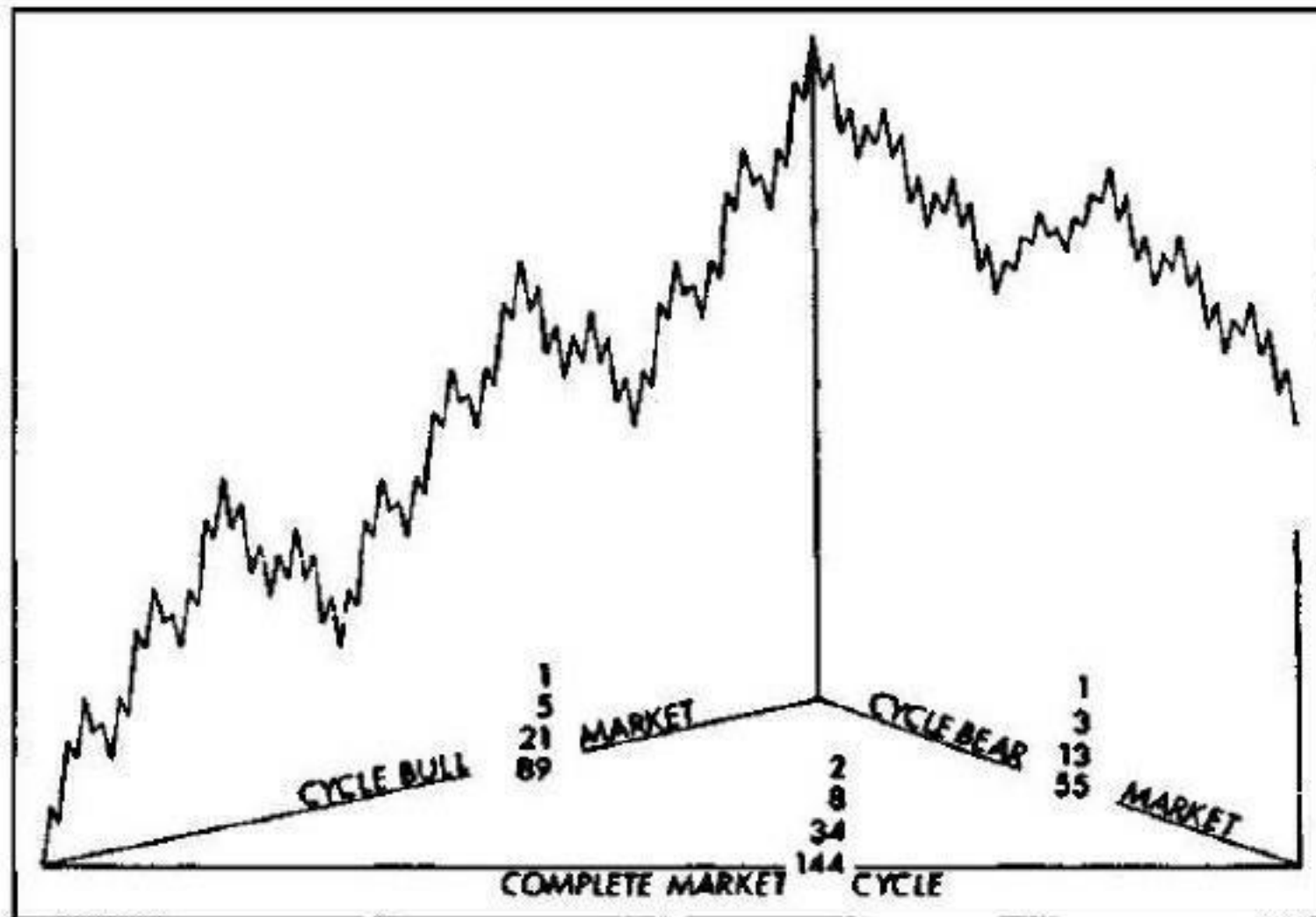
© Copyright ۱۹۷۸ توسط فراسست و Prechter)

حدود دویست سال طول کشید تا فقط چند ساعت طول بکشد. نکته‌ای که باید به یاد داشته باشیم این است که چرخه اصلی هشت موج ثابت باقی می‌ماند. هر موج به امواج یک درجه پایین‌تر تبدیل می‌شود که به نوبه خود می‌تواند به امواج حتی درجه کم‌تر نیز تقسیم شود. همچنین به دنبال آن است که هر موج خود بخشی از موج بعدی بالاتر است. شکل ۲.۱۳ این روابط را نشان می‌دهد. دو موج بزرگ - ۱ و ۲ - می‌تواند به هشت موج کوچک‌تر تقسیم شود که به نوبه خود می‌تواند به ۳۴ امواج کوچک‌تر تقسیم شود. دو موج بزرگ - ۱ و ۲ - تنها دو موج اول در یک پیشروی موج بزرگ‌تر هستند. موج سوم این درجه بالاتر در شرف آغاز است. ۳۴ موج در شکل ۲.۱۳ به درجه کوچک‌تر بعدی در شکل ۳.۱۳ تقسیم شده‌اند که منجر به ۱۴۴ موج می‌شود.



شکل ۱۳-۲ - SCI. حق چاپ توسط فراست و فراست.

اعداد نشان داده شده تا کنون ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۳، ۱۳، ۳۴، ۳۴، ۸۹، ۱۴۴ - تنها اعداد تصادفی نیستند. آن‌ها بخشی از دنباله فیبوناچی هستند که اساس ریاضی تیوری موج الیوت را تشکیل می‌دهند. کمی بعد برگردیم سر آن‌ها. اکنون، به ارقام ۱.۱۳ - ۳.۱۳ و توجه به ویژگی‌های بسیار قابل توجه امواج نگاه کنید. این که یک موج معین به پنج موج تقسیم می‌شود یا سه موج توسط جهت موج بعدی تعیین می‌شود. برای مثال در شکل ۲.۱۳، امواج (۱)، (۳) و (۵) به پنج موج تقسیم می‌شوند زیرا موج بزرگ‌تر بعدی که آن‌ها بخشی از موج ۱ هستند موج پیشروی است. از آنجا که امواج (۲) و (۴) در حال حرکت در برابر این روند هستند، تنها به سه موج تقسیم می‌شوند. به دقت بیشتر به امواج اصلاحی (a)، (b) و (c) نگاه کنید که شامل موج اصلاحی بزرگ‌تر ۲ است. توجه داشته باشید که هر دو موج رو به کاهش (a) و (c) - هر یک به پنج موج تقسیم می‌شوند. این است



شکل ۱۳-۳- (فراسٲ و Prechter، ص. ۲۲. © Copyright ۱۹۷۸ توسط فراسٲ و فراسٲ (Prechter)

به این دلیل که آن‌ها در همان مسیر حرکت می‌کنند و موج بزرگ‌تر بعدی ۲. موج (b) با کنتراست تنها سه موج دارد، زیرا در حال حرکت در برابر موج بزرگ‌تر بعدی ۲ است.

توانایی تعیین بین سه تا از سه تایی و تقسیم کردن به طور بدیهی از اهمیت فوق‌العاده در استفاده از این روش است. این اطلاعات به تحلیلگر می‌گوید که چه انتظاری از آتی داشته باشد. برای مثال، یک حرکت پنج موج کامل، معمولاً به این معنی است که تنها بخشی از یک موج بزرگ‌تر تکمیل شده است و این حرکت بیش از پیش رخ می‌دهد (مگر آنکه یک پنجم یا پنجم باشد). یکی از مهم‌ترین قوانینی که باید به یاد داشته باشید این است که اصلاح هرگز نمی‌تواند در پنج موج انجام شود. برای مثال، در یک بازار گاو، اگر یک کاهش موج دیده شود، این به این معنی است که احتمالاً تنها موج اول یک موج سه موج (a - b - c) کاهش می‌یابد و بیش از پیش روی نزولی قرار می‌گیرد. در یک بازار خرس، سه پیشروی موج باید با از سرگیری روند نزولی دنبال شود. یک رالی پنج موج به یک حرکت بنیادی بیشتر به سوی وارونه هشدار می‌دهد و ممکن است حتی اولین موج روند جدید گاو باشد.

اتصال بین WAVE Elliott و نظریه DOW

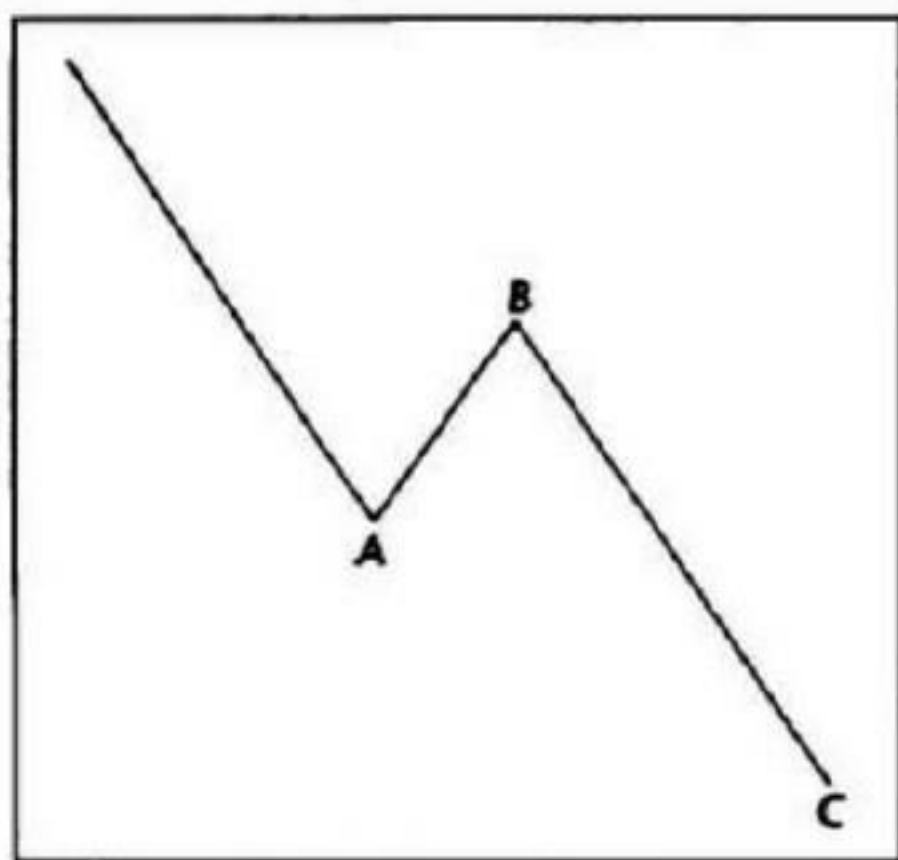
Let's یک دقیقه طول می کشد تا ارتباط واضح بین ایده پنج موج پیشروی و سه مرحله پیشروی یک بازار گاو را نشان دهد. به نظر می رسد که ایده Elliott's از سه موج، با دو تصحیح مداخله، متناسب با نظریه داو می باشد. در حالی که الیوت هیچ شکی در تجزیه و تحلیل Dow's نداشت، اما به نظر می رسد که الیوت معتقد بود که او فراتر از تئوری Dow's رفته است و در واقع بهبود یافته بود. همچنین جالب توجه است که تاثیر دریا بر دو مرد در تدوین تئوری ها وجود دارد. داو با موج های بزرگ، متوسط و کوچک در بازار با جزر و مد، امواج و موج های دریا در اقیانوس مقایسه می شود. الیوت به "ebbs و جریان ها" در نوشته های خود اشاره کرد و نظریه او را اصل "موج" نامید.

"corrective" waves

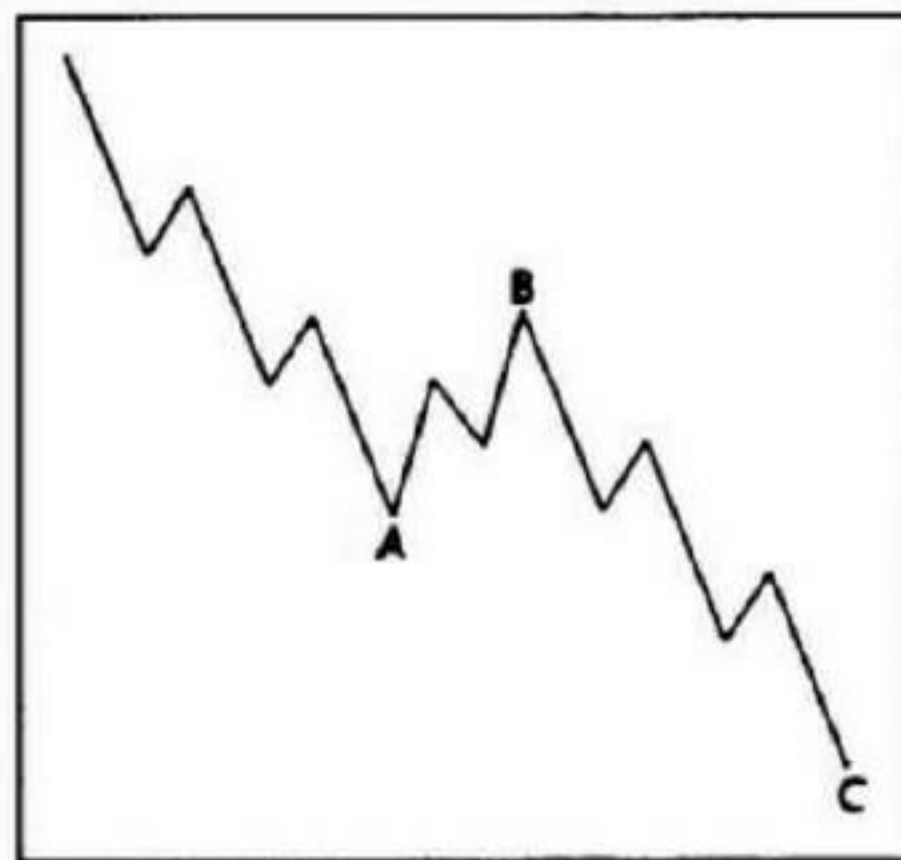
تا کنون، ما بیشتر در مورد امواج ضربه ای در جهت روند اصلی صحبت کرده ایم. بیایید توجه خود را به امواج اصلاحی معطوف کنیم. به طور کلی، امواج اصلاحی به وضوح تعریف نشده اند و در نتیجه، شناسایی و پیش بینی آنها دشوارتر است. نکته ای که به وضوح تعریف نشده است این است که امواج اصلاحی هرگز نمی توانند در پنج موج رخ دهند. امواج اصلاحی به سه گروه تقسیم می شوند (به استثنای مثلث ها). ما به سه طبقه بندی از امواج اصلاحی - زیگ - له، آپارتمان و مثلث ها می پردازیم.

زیگ - zags

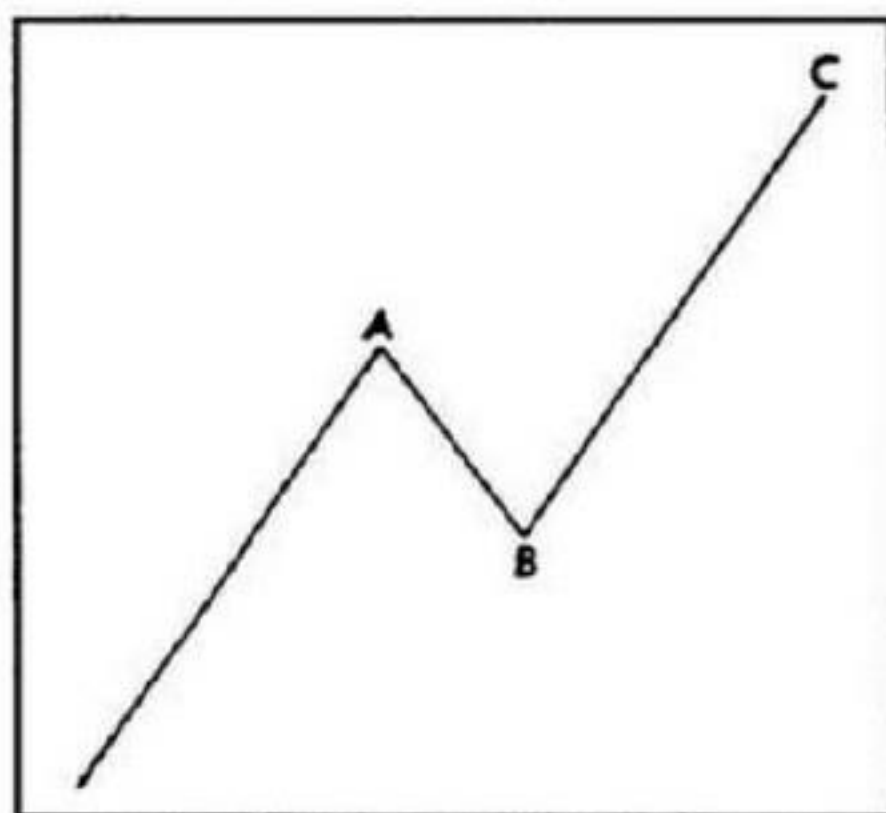
A یک الگوی اصلاحی سه موج است که بر خلاف روند اصلی است که به یک ترتیب ۵ - ۳ - ۵ تجزیه می شود. شکل های ۴.۱۳ و ۵.۱۳ یک correction بازار bull را نشان می دهند در حالی که یک تظاهرات در بازار خرس در شکل های ۶.۱۳ و ۷.۱۳ نشان داده شده است که موج میانی B در ابتدای موج A قرار می گیرد و موج C به خوبی از انتهای موج A حرکت می کند. در شکل ۸.۱۳ این تغییر گاهی در الگوهای اصلاحی بزرگ تر رخ می دهد. این در واقع دو الگوی مارپیچی ۵ - ۳ - zag متصل به یک الگوی یک b - c می باشد.



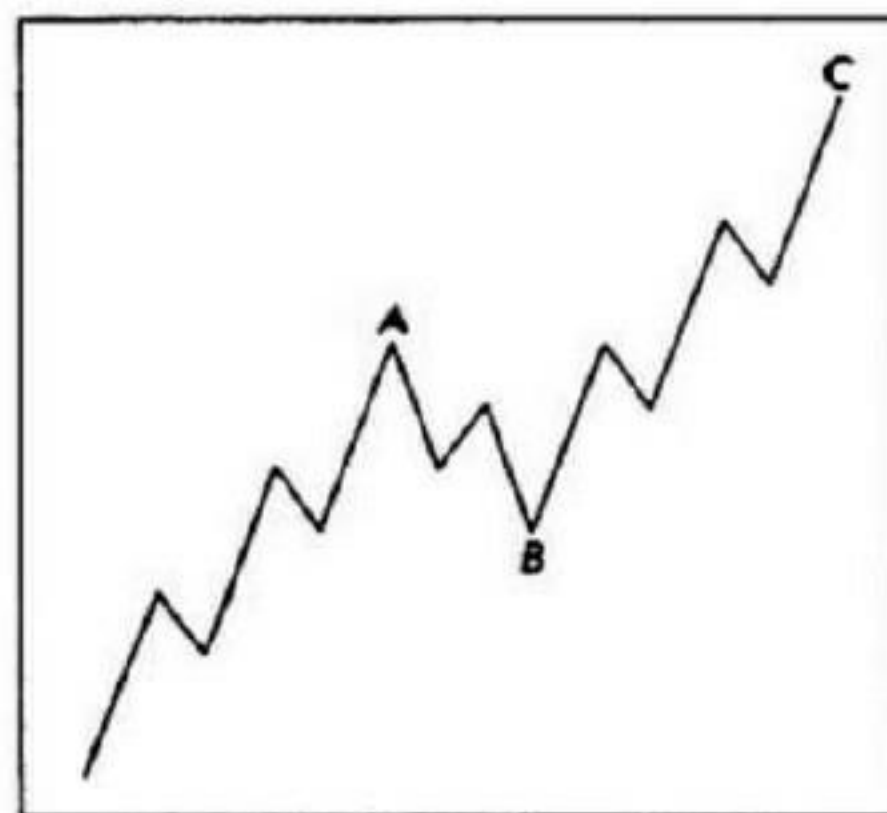
شکل ۱۳-۵ بازار گاوی زیگ زاگ (۵-۳-۵)
(فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright
© ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



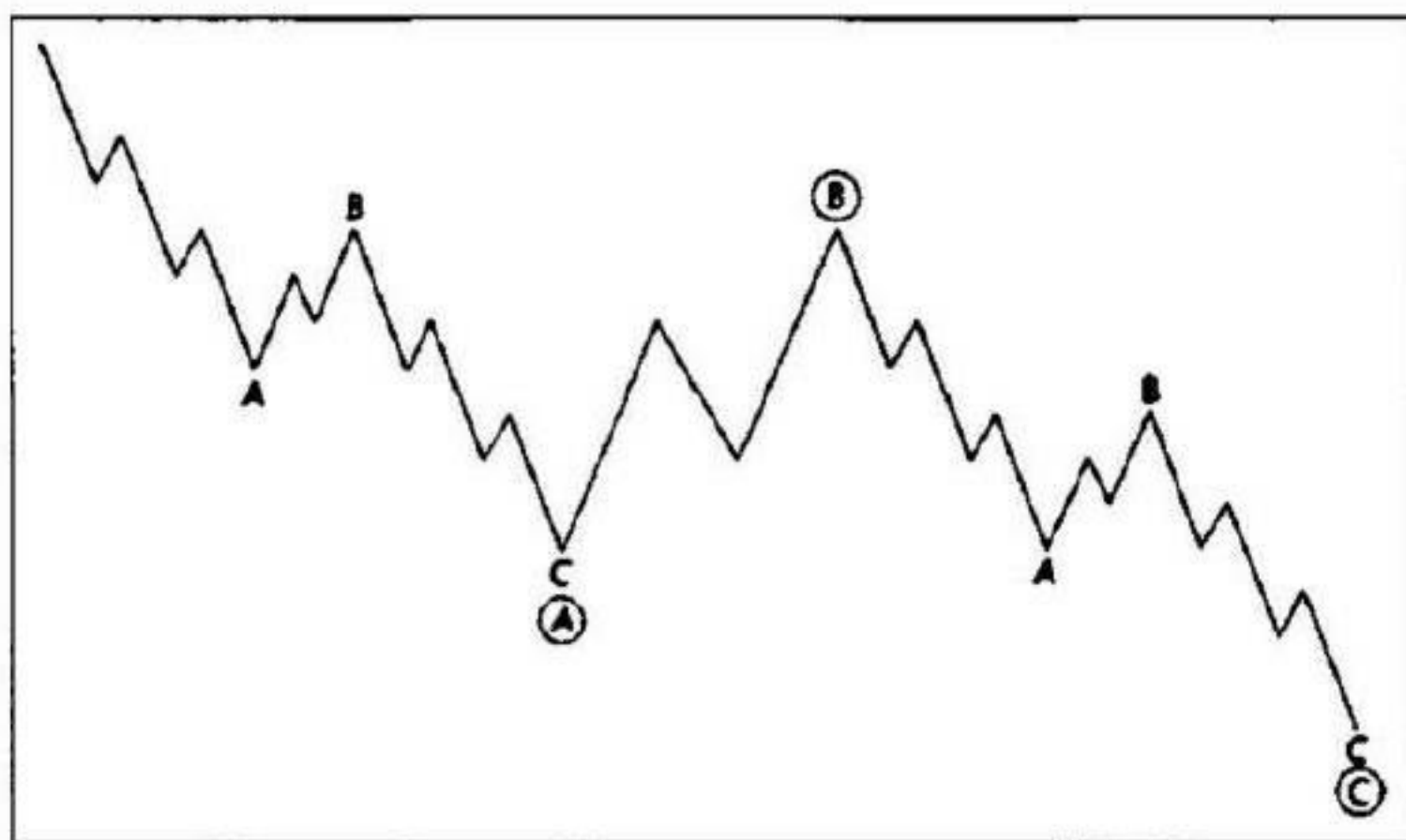
شکل ۱۳-۴ بازار گاوی زیگ زاگ (۵-۳-۵)
(فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright
© ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



شکل ۱۳-۷ بازار خرسی زیگ زاگ (۵-۳-۵)
(فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright
© ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



شکل ۱۳-۶ بازار خرسی زیگ زاگ (۵-۳-۵)
(فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright
© ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)

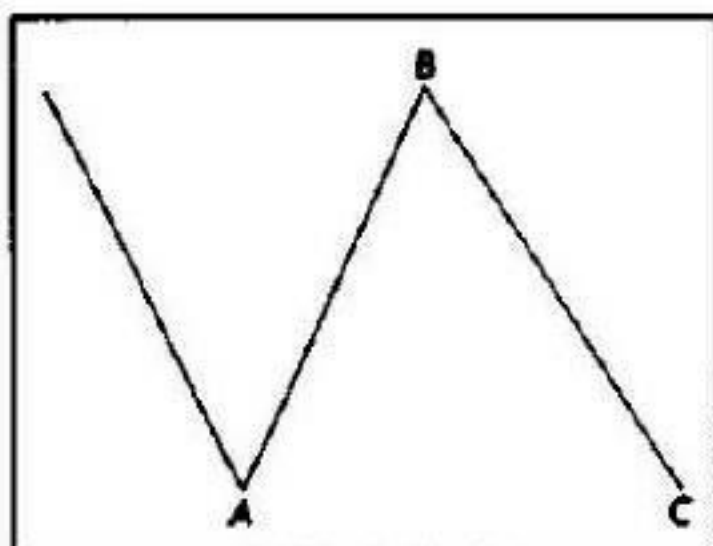


شکل ۸.۱۳. شکل ۸.۱۳ - zag (فراست و Prechter، ص. ۳۷. حق نسخه‌برداری ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)

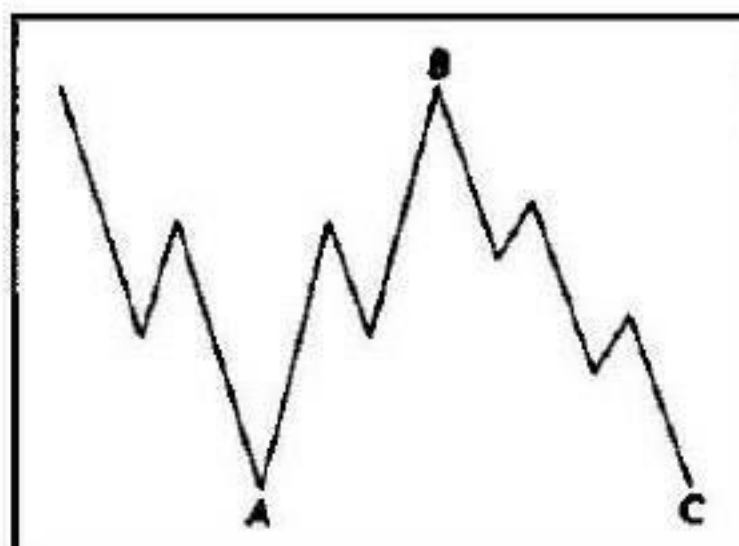
چیزی که تصحیح مسطح را از تصحیح زیگ زاگ نشان می‌دهد این است که این صافی از الگوی ۳ - ۳ - ۳ پیروی می‌کند. به شکل‌های ۱۰.۱۳ توجه کنید و به این معنی که موج یک موج مربعی است. به طور کلی، مسطح بودن بیش از یک اصلاح است و نشانه قدرت در بازار گاو است. شکل ۱۱ - ۱ مثال‌هایی از آپارتمان‌های معمولی را نشان می‌دهد. برای مثال در بازار گاو روش موج b تمام راه را به بالای موج a نشان می‌دهد و قدرت بازاری بیشتری را نشان می‌دهد. موج نهایی C به انتهای موج a در مقایسه با زیگ - زیگ پایان می‌یابد که در این نقطه به خوبی حرکت می‌کند.

دو متغیر "نامنظم" از یکنواخت معمولی وجود دارد. شکل‌های ۱۳.۱۳ - ۱۶.۱۳ اولین نوع تغییر را نشان می‌دهند. توجه داشته باشید که در مثال بازار گاو (شکل‌های ۱۳.۱۳ و ۱۴.۱۳) که بالای موج B از بالای A تجاوز می‌کند و موج C پایین A را نقض می‌کند.

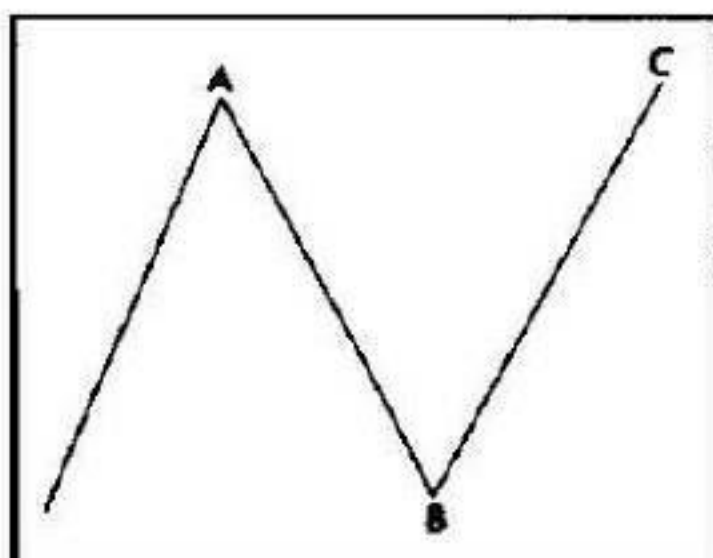
یک تغییر دیگر زمانی رخ می‌دهد که موج B به بالای A می‌رسد، اما موج C به انتهای A نمی‌رسد. طبیعتاً، این الگوی قبلی نشان‌دهنده قدرت بازار بیشتر در بازار گاو است. این تغییرات در شکل‌های ۱۷.۱۳ - ۲۰.۱۳ برای گاو و بازارهای خرس نشان داده شده‌است.



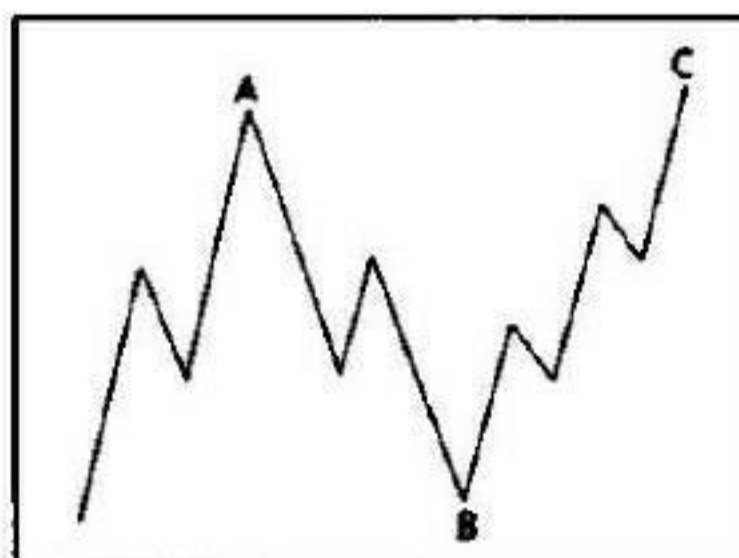
شکل ۱۳، ۹ بازار صعودی مسطح (۳ - ۲ - ۵)، تصحیح عادی. (فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



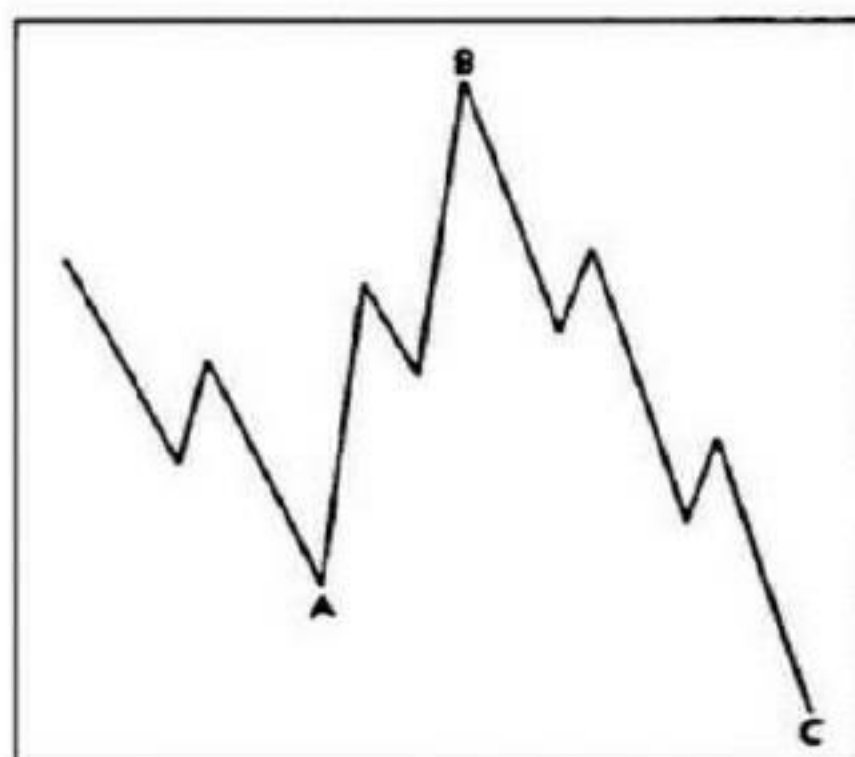
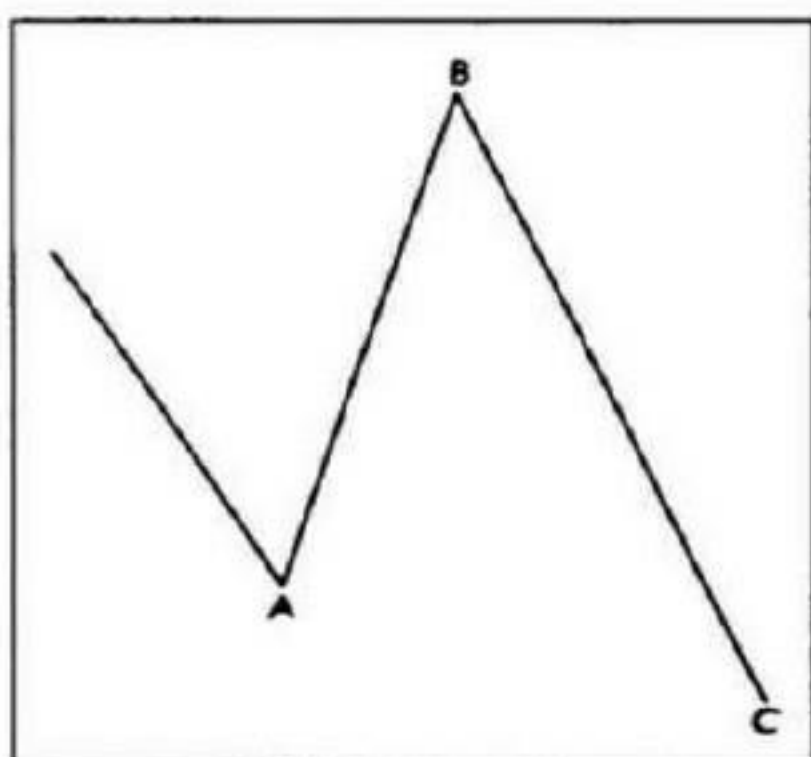
شکل ۱۳-۱۰ بازار صعودی مسطح (۳ - ۳ - ۵ - ۳)، تصحیح عادی. (فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



شکل ۱۳-۱۱ بازار نزولی مسطح (۳ - ۲ - ۵)، تصحیح عادی. (فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)

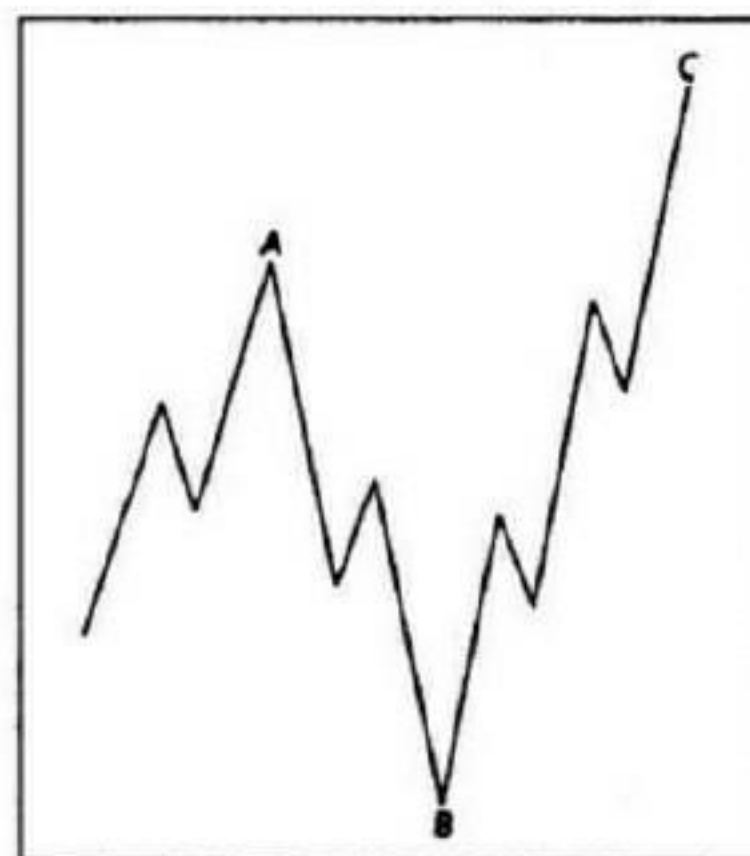
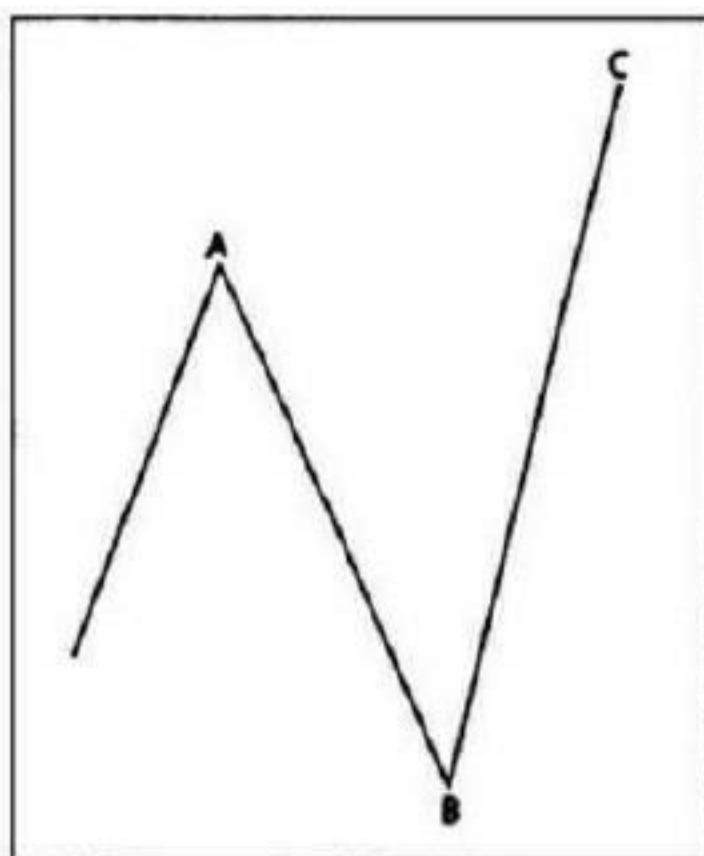


شکل ۱۳-۱۲ بازار نزولی مسطح (۳ - ۳ - ۵)، تصحیح عادی. (فراست و Prechter، ص. ۳۸. Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



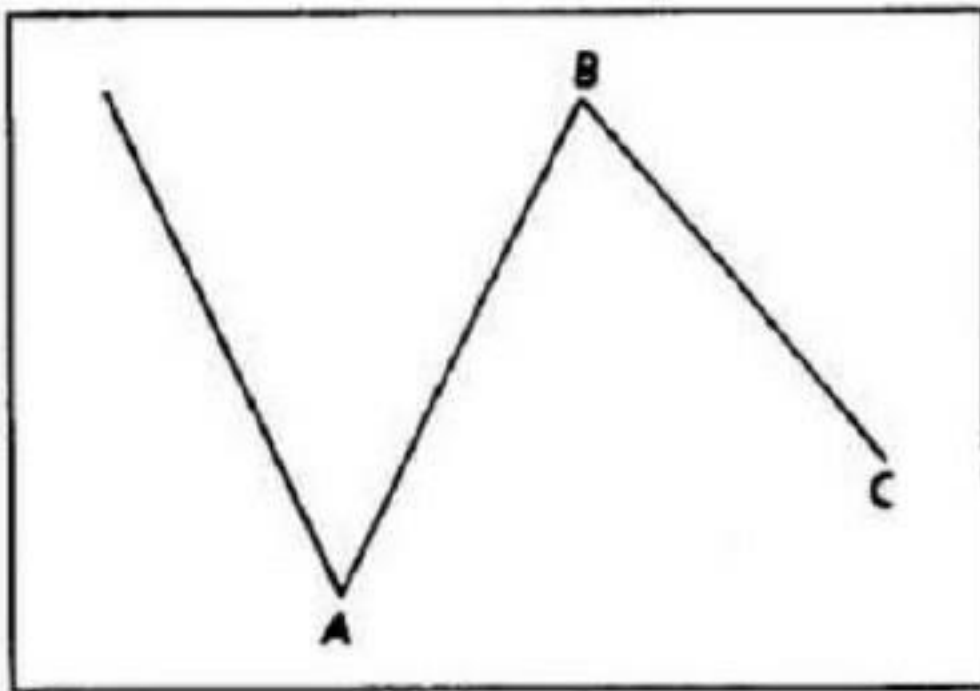
شکل ۱۳-۱۳ بازار صعودی مسطح
(۳ - ۳ - ۵)، تصحیح نامنظم.
(فراست و Prechter، ص. ۳۹.
© Copyright ۱۹۱۸ توسط
فراست و Prechter)

شکل ۱۴-۱۳ بازار صعودی مسطح (۳ -
۳ - ۵)، تصحیح نامنظم. (فراست و
Prechter، ص. ۳۹. © Copyright
۱۹۱۸ توسط فراست و Prechter)

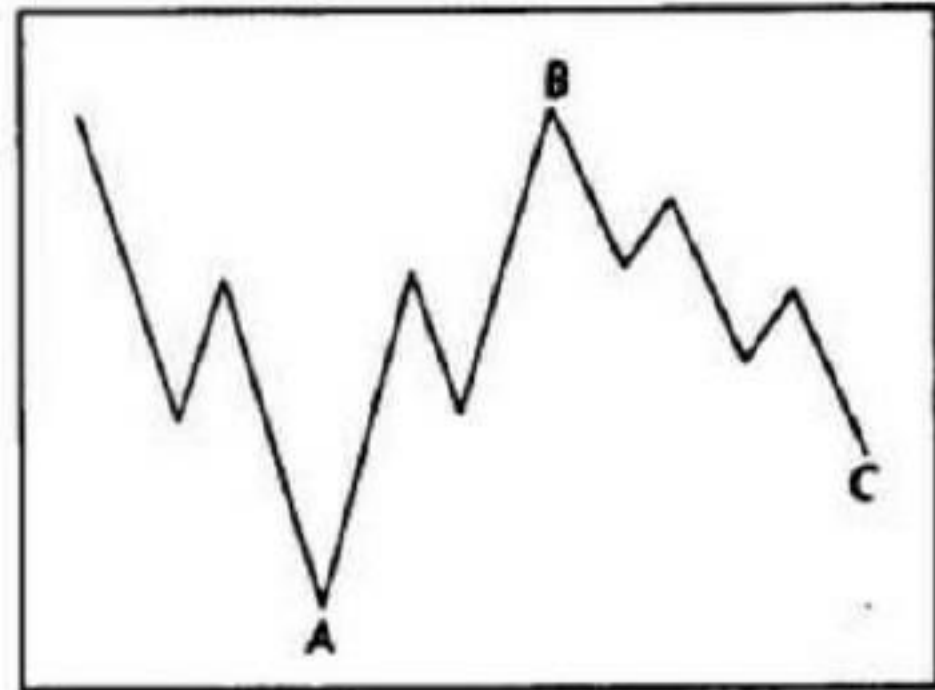


شکل ۱۵-۱۳ بازار نزولی مسطح (۳ - ۳ -
۵)، تصحیح نامنظم. (فراست و
Prechter، ص. ۳۹. © Copyright
۱۹۱۸ توسط فراست و Prechter)

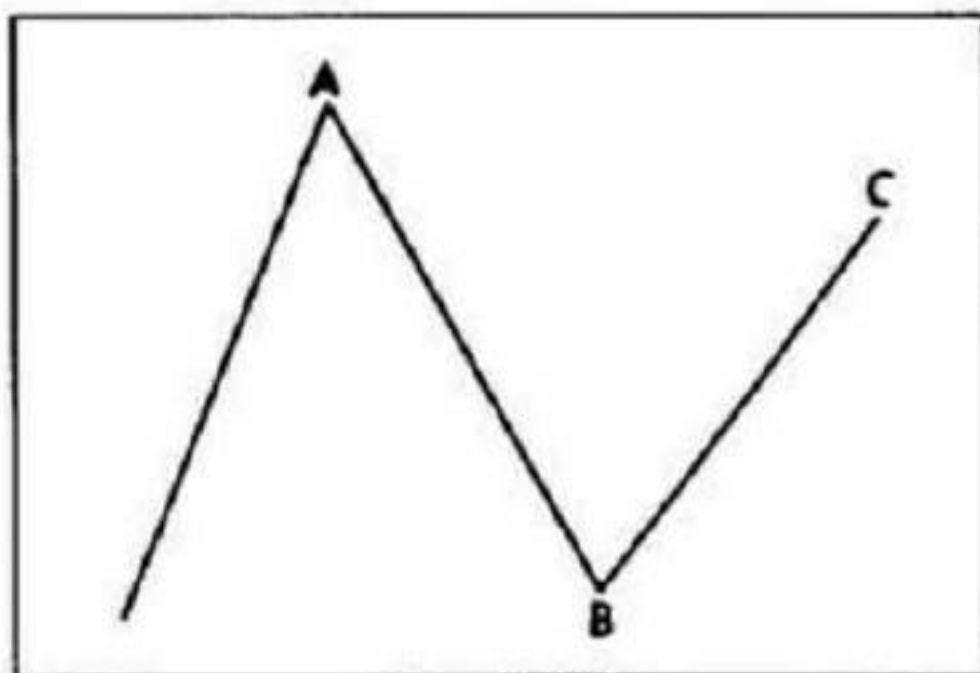
شکل ۱۶-۱۳ بازار نزولی مسطح (۳ - ۳ -
۵)، تصحیح نامنظم. (فراست و
Prechter، ص. ۳۹. © Copyright
۱۹۱۸ توسط فراست و Prechter)



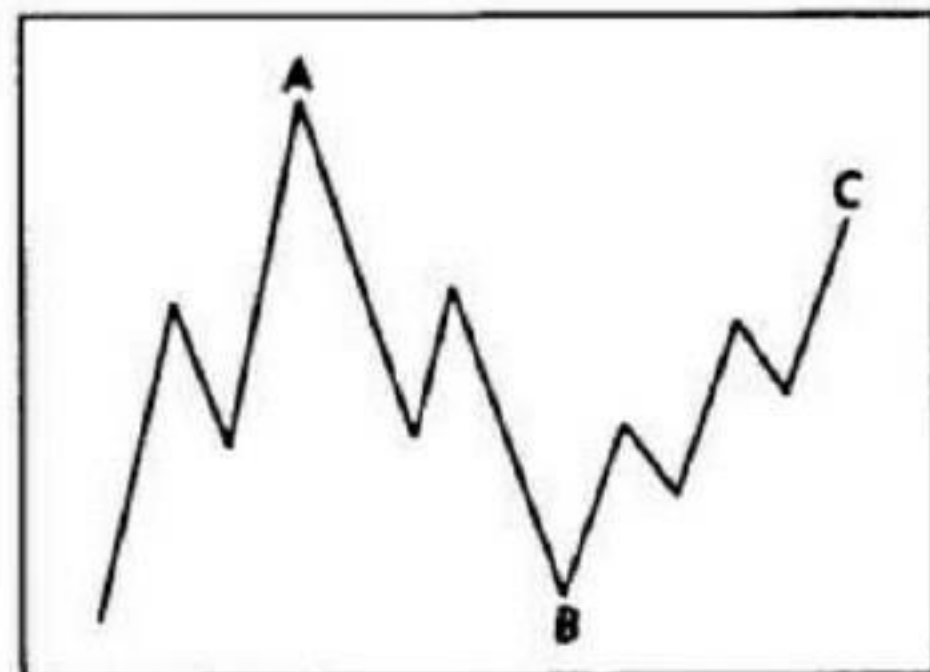
شکل ۱۳-۱۷ بازار صعودی مسطح (۵ - ۳ - ۳)،
تصحیح نامنظم. Inverted فراست و Prechter،
ص. ۴۰. کپی رایت
۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



شکل ۱۳، ۱۸ بازار صعودی مسطح (۵ - ۳ - ۳)،
تصحیح نامنظم. Inverted فراست و Prechter،
ص. ۴۰. کپی رایت
۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



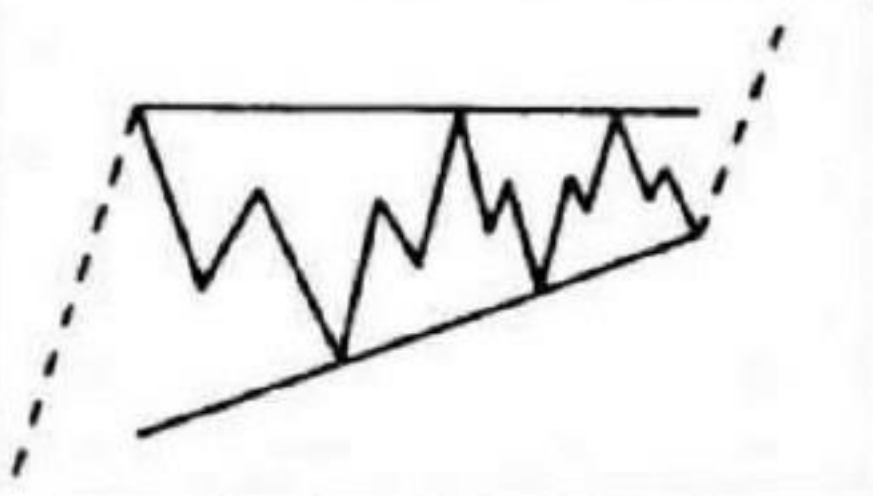
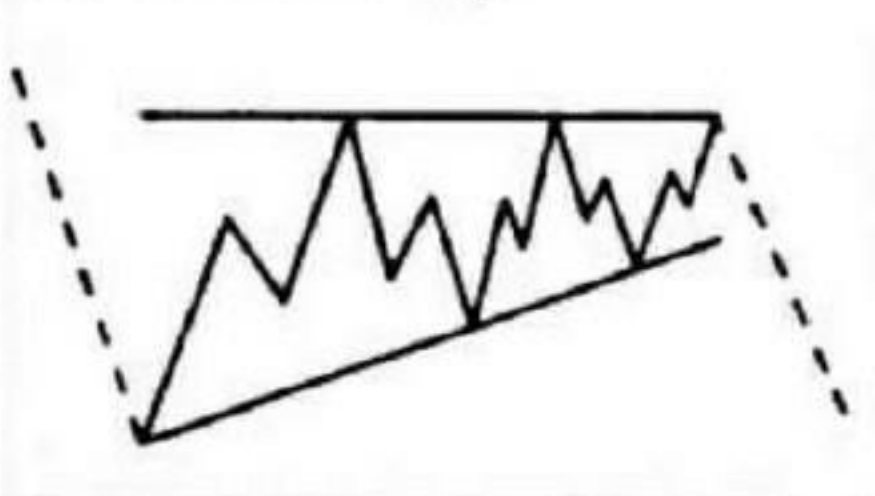
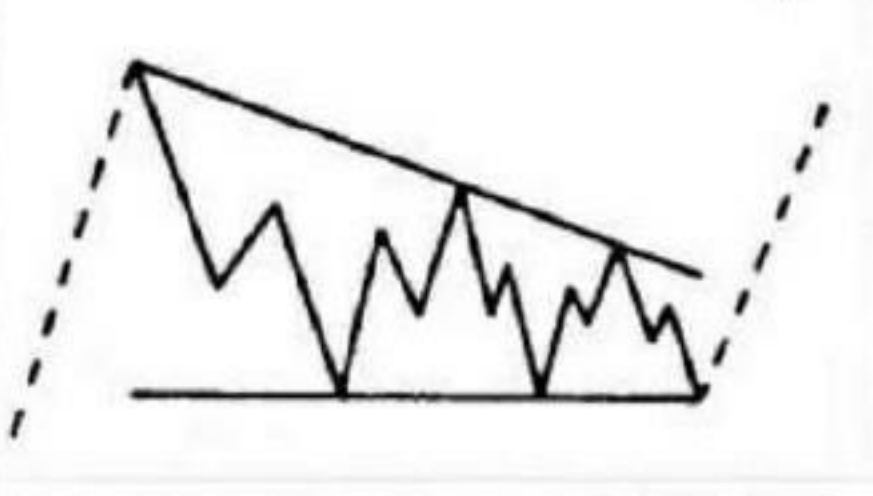
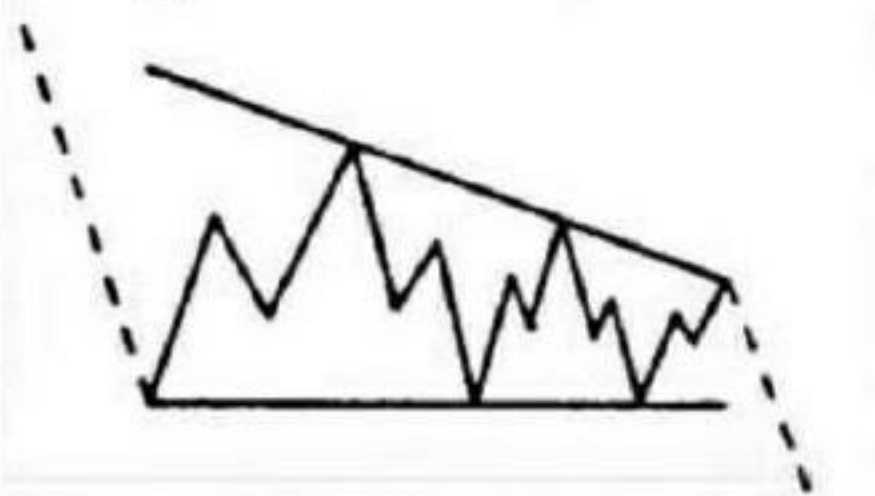
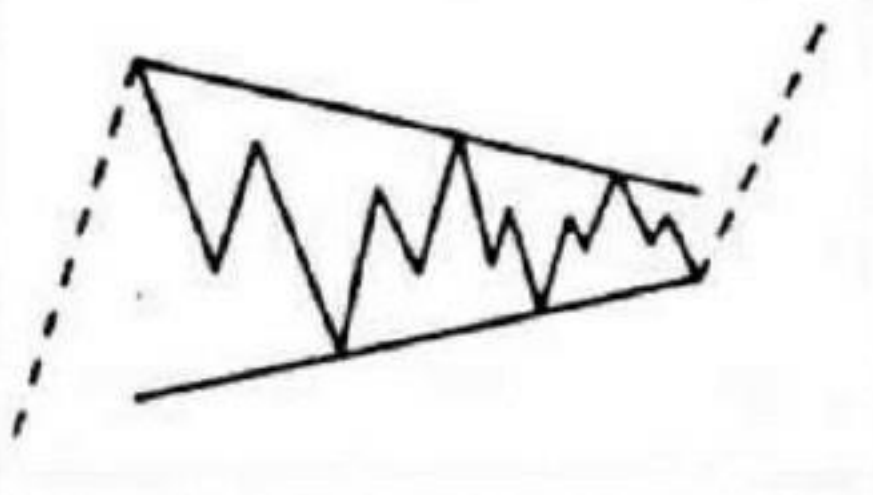
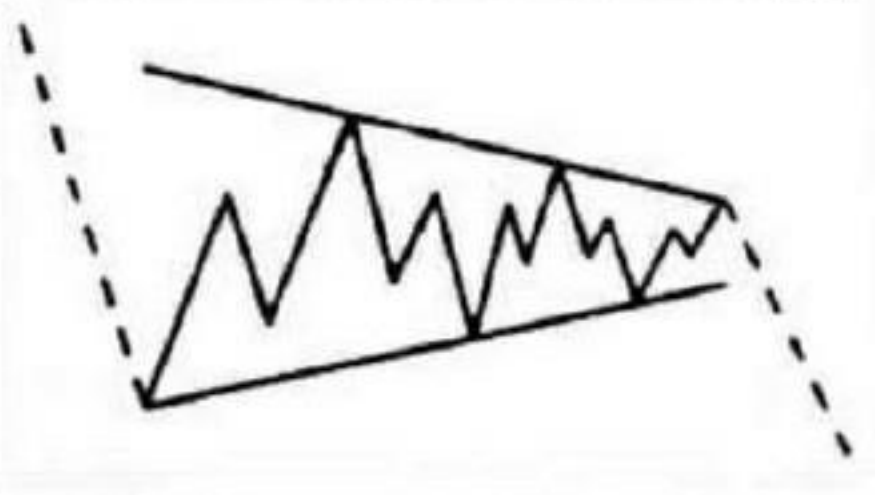
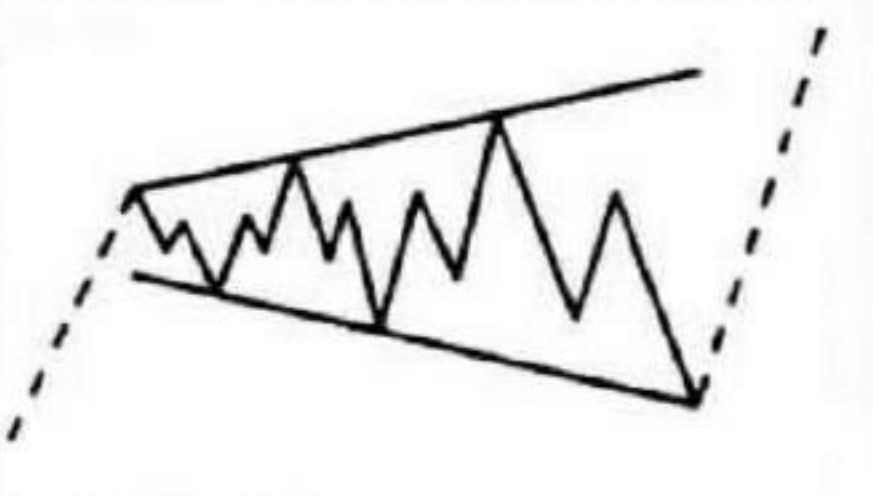
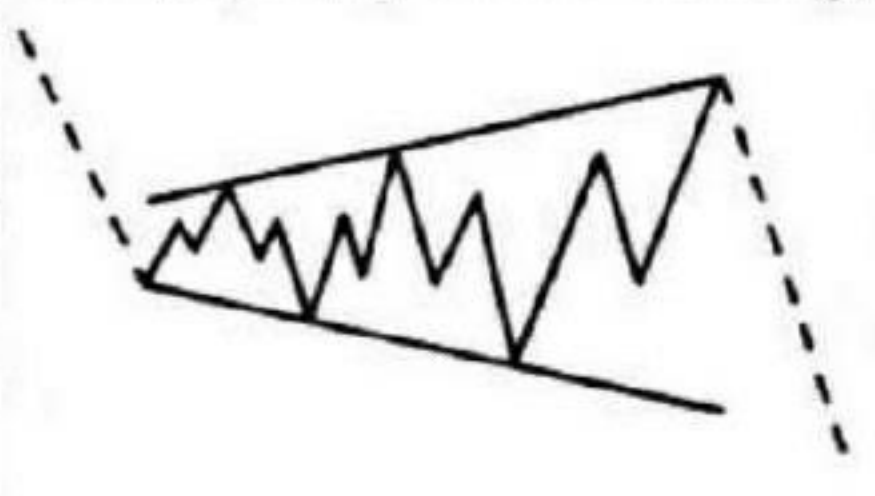
شکل ۱۳-۱۹ بازار نزولی مسطح (۵ - ۳ - ۳)،
تصحیح نامنظم. Inverted فراست و Prechter،
ص. ۴۰. کپی رایت
۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)



شکل ۱۳-۲۰ بازار نزولی مسطح (۵ - ۳ - ۳)،
تصحیح نامنظم. Inverted فراست و Prechter،
ص. ۴۰. کپی رایت
۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)

Triangles

Triangles معمولاً در موج چهارم رخ می دهد و قبل از حرکت نهایی در جهت روند اصلی پیش می رود. (آنها همچنین می توانند در موج b (c - b - a) در یک uptrend ظاهر شوند، بنابراین می توان گفت که مثلث ها هر دو صعودی و نزولی هستند. آنها به این معنا هستند که از سرگیری of آنها را نشان می دهند. آنها خشن هستند چون آنها همچنین نشان می دهند که بعد از یک موج دیگر قیمت ها احتمالاً اوج خواهند داشت. (مراجعه به شکل ۲۱.۱۳).

BULL MARKET	BEAR MARKET
<p data-bbox="409 599 1250 663">ASCENDING (Top flat, bottom rising)</p> 	
<p data-bbox="323 1104 1336 1168">DESCENDING (Top declining, bottom flat)</p> 	
<p data-bbox="150 1609 1541 1672">CONTRACTING or SYMMETRICAL (Top declining, bottom rising)</p> 	
<p data-bbox="97 2113 1563 2177">EXPANDING or REVERSE SYMMETRICAL (Top rising, bottom declining)</p> 	

شکل ۲۱.۱۳ موج اصلاحی (افقی) Triangles (فراست و Prechter, ص. ۴۳).

Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter

تفسیر Elliott's از مثلث مشابه استفاده کلاسیک از الگو است، اما با دقت اضافه معمول خود. از فصل ۶ به یاد داشته باشید که مثلث معمولاً یک الگوی ادامه‌دار است، که دقیقاً همان چیزی است که الیوت گفت. مثلث متساوی‌الساقین یک الگوی ترکیب کناری است که به پنج موج تبدیل می‌شود و هر موج به نوبه خود دارای سه موج است. الیوت همچنین چهار نوع مختلف از مثلث‌ها را دسته‌بندی کرد - صعودی، نزولی، متقارن، و گسترش - که همه آن‌ها در فصل ۶ دیده شدند. شکل ۲۱.۱۳ چهار گونه را در هر دو uptrends و downtrends نشان می‌دهد.

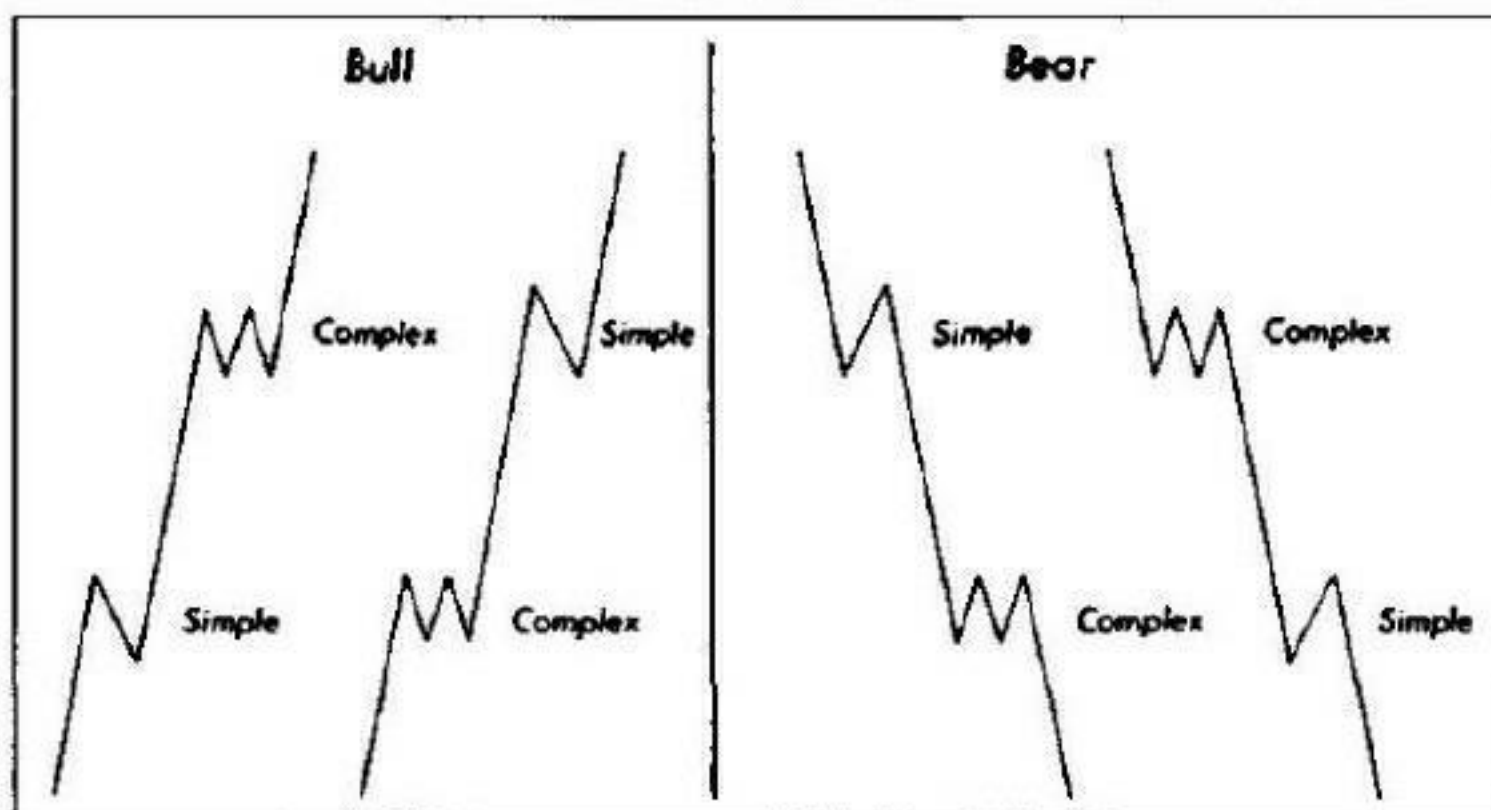
از آنجا که الگوهای نمودار در قراردادهای آتی کالا، گاهی اوقات به صورت کامل شکل می‌گیرند، همانطور که در بازار سهام انجام می‌دهند، برای مثلث‌ها در بازارهای آتی غیر معمول نیست که تنها سه موج به جای ۵ موج داشته باشند. (با این حال، به خاطر داشته باشید که حداقل نیاز برای یک مثلث هنوز چهار نقطه است - دو قسمت بالاتر و دو قسمت پایین - که اجازه می‌دهد که موج آخر و آخر در مثلث گاهی خط روند خود را می‌شکند، و قبل از شروع "فشار" در جهت اصلی، سیگنال کاذب می‌دهد.

اندازه‌گیری Elliott's برای پنجمین و آخرین موج پس از تکمیل مثلث اساساً مشابه رسم کلاسیک است - یعنی، انتظار می‌رود که بازار فاصله را با عریض‌ترین قسمت مثلث (ارتفاع آن) حرکت دهد. نکته دیگری هم هست که باید در مورد زمانبندی بالا یا پایین اشاره کرد. به گفته Prechter، راس مثلث (نقطه‌ای که دو طرف همگرا با یکدیگر تلاقی می‌کنند) اغلب زمان تکمیل موج پنجم نهایی را مشخص می‌کنند.

THE RULE OF ALTERNATION

در کاربرد کلی‌تر، این قانون یا اصل ادعا می‌کند که بازار معمولاً دو بار در یک ردیف به همان شکل عمل می‌کند. اگر یک نوع مشخص از بالا یا پایین آخرین بار روی دهد، احتمالاً این بار دیگر این کار را نخواهد کرد. قوانین تناوبی دقیقاً به ما می‌گویند چه اتفاقی خواهد افتاد، اما به ما می‌گویند که احتمالاً چه اتفاقی خواهد افتاد. در کاربرد خاص‌تر، معمولاً به ما می‌گویند که چه نوع الگوی اصلاحی باید انتظار داشته باشیم. الگوهای اصلاحی تمایل به جایگزین کردن دارند. به عبارت دیگر اگر اصلاحی انجام شود

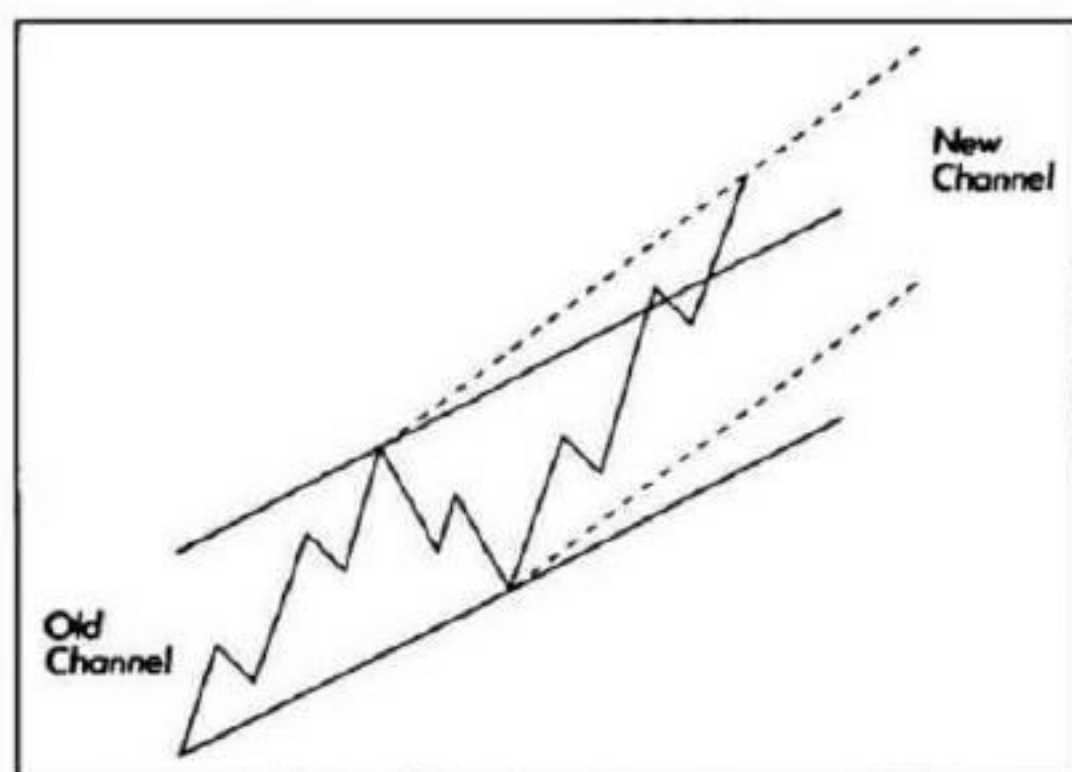
موج ۲ یک الگوی ساده - b - c است، و شکل ۴ احتمالاً الگوی plex - com مانند یک مثلث است. بالعکس، اگر موج ۲ پیچیده باشد، موج ۴ احتمالاً ساده خواهد بود. شکل ۲۲.۱۳ مثال‌هایی را ارائه می‌دهد.



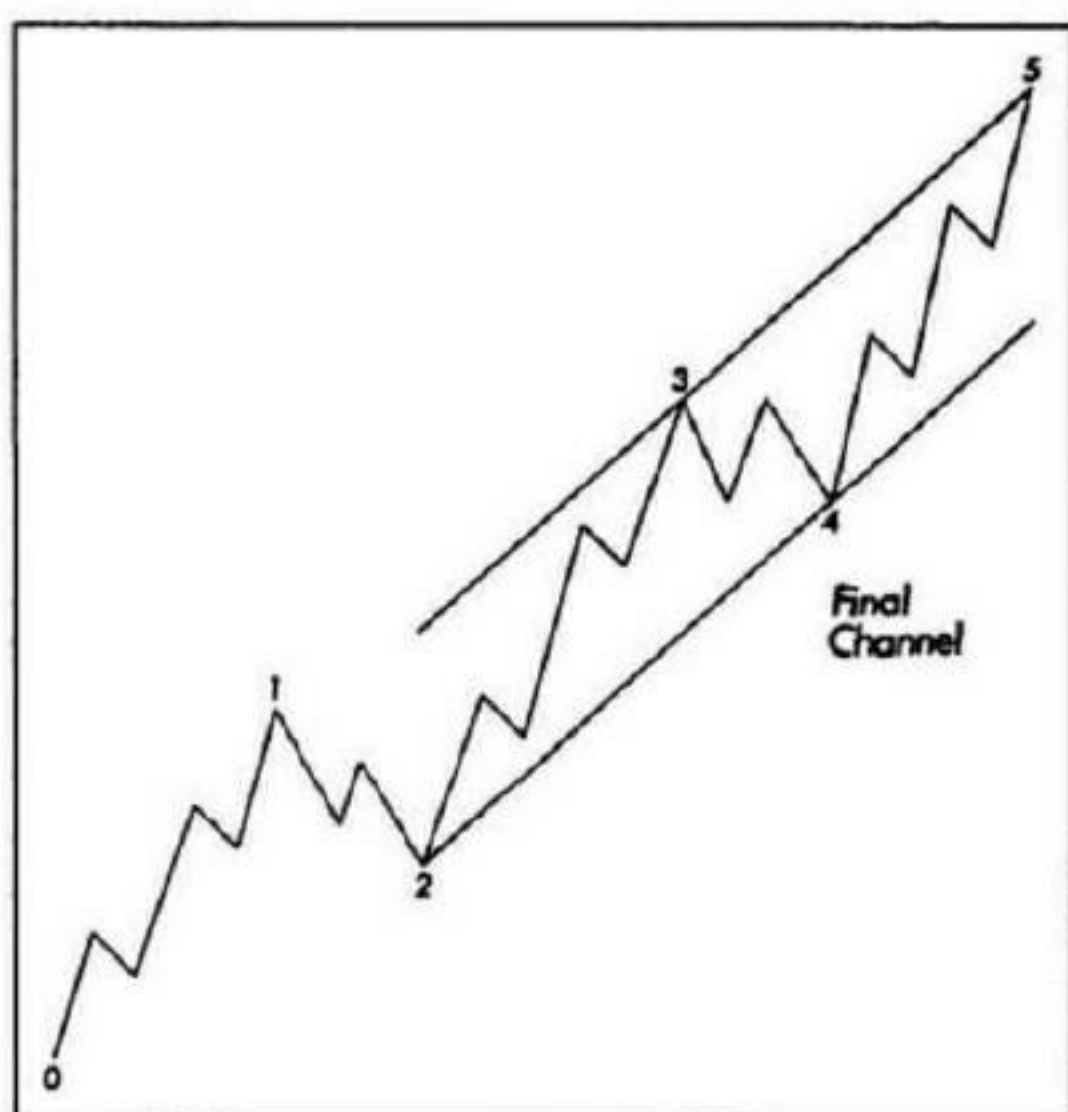
شکل ۲۲.۱۳ قانون of (فراست و Prechter، ص. ۵۰. Copyright © ۱۹۷۸ توسط فراست و Prechter)

channeling

یکی دیگر از جنبه‌های مهم تیوری موج استفاده از کانال‌های قیمت است. شما به یاد خواهید داشت که مسیر channeling را در فصل ۴ تحت پوشش قرار داده‌ایم. الیوت از کانال‌های قیمتی به عنوان روشی برای رسیدن به اهداف قیمت‌ها و همچنین کمک به تایید تکمیل شمارش موج استفاده کرد. هنگامی که یک uptrend تاسیس شد، یک کانال روند اولیه با کشیدن خط روند اولیه پایه در امتداد کف امواج ۱ و ۲ ساخته می‌شود. یک خط موازی کانال در بالای موج ۱ کشیده شده و در شکل ۲۳.۱۳ نشان داده شده است. اگر موج سوم به نقطه‌ای برسد که از خط کانال بالاتر تجاوز کند، خطوط باید در امتداد موج ۱ و پایین موج ۲ ترسیم شوند همانطور که در شکل ۲۳.۱۳ نشان داده شده است.



کانال‌های قدیمی و قدیمی.
(فراست و Prechter، ص.
۶۲. Copyright ۱۹۷۸ توسط
فراست و Prechter)



شکل ۱۳، ۲۴
کانال نهایی. (فراست و
Prechter، ص. ۶۳.
© Copyright ۱۹۷۸
توسط فراست و
Prechter)

موج، خط بالایی ممکن است بایستی در بالای موج ۱ رسم شود. موج پنجم باید قبل از پایان دادن به خط کانال بالا بیاید. برای طراحی خطوط کانال بر روی روندهای بلند مدت، it's توصیه کرد که نمودارهای semilog همراه با نمودارهای ریاضی به کار گرفته شوند.

WAVE ۴ به عنوان یک منطقه پشتیبانی

در خاتمه بحث ما از آرایش موج و دستورالعمل، یک نکته مهم باقی می ماند که باید ذکر شود، و این اهمیت موج ۴ به عنوان یک منطقه حمایتی در بازارهای آتی حمل و نقل است. هنگامی که پنج موج بلند شد و روند تحمل شروع شد، بازار خرس معمولاً پایین تر از موج چهارم قبلی یک درجه پایین تر حرکت نمی کند؛ یعنی آخرین موج چهارم که در طول پیشرفت گاو قبلی شکل گرفت. استثناهایی برای این قانون وجود دارد، اما معمولاً پایین موج چهارم شامل بازار خرس است. این بخش از اطلاعات می تواند در رسیدن به هدف نزولی قیمت نزولی بسیار مفید واقع شود.

NUMBERS fibonacci به عنوان اصل اصل نهم

الیوت در قانون Nature's بیان کرد که اساس ریاضی برای اصل موج او عددی است که توسط لیوناردو فیبوناچی در قرن سیزدهم کشف شده است. این دنباله با کشف آن شناخته می شود و عموماً به عنوان اعداد فیبوناچی شناخته می شود. توالی اعداد ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴، و تا بی نهایت. این توالی دارای تعدادی ویژگی های جالب است، نه حداقل یک رابطه ثابت بین اعداد.

1. مجموع هر دو عدد متوالی برابر با عدد بالاتر بعدی است. برای مثال، ۳ و ۵ برابر است با ۸، ۵ و ۸ برابر با ۱۳، و غیره.
2. نسبت هر عددی به تعداد بالاتر بعدی آن پس از چهار شماره اول برای مثال،

(p & ۰.۰۵). ۱. ۱. ۱. وک

، ۱۳ / ۲۱ است. و غیره و غیره. توجه کنید که چگونه این مقادیر نسبت اولیه در بالا و پایین نوسان دارند. ۶۱۸ در محدود کردن دامنه. همچنین، توجه به مقادیر ۰.۰۱ و نیز توجه داشته باشید. ۵۰ سال. ۶۷ وقتی در مورد این مقادیر بیشتر در مورد تحلیل نسبت و درصد retracements صحبت می‌کنیم، بیشتر در مورد این مقادیر اظهار نظر خواهیم کرد.

3. نسبت هر عددی به عدد کم‌تر بعدی آن حدود - ۶۱۸.۱ یا معکوس است. بی‌هوش شد. به عنوان مثال، ۱۳، ۸، ۲۱، ۶۱۵.۱، ۳۴، ۳۴، ۲۱، ۶۱۹.۱، ۶۱۹.۱، closer، values، the، closer، values، the، of the ۶۱۸ و ۶۱۸.۱.

4. نسبت اعداد متناوب به ۶۱۸.۲ یا معکوس آن، ۳۸۲. برای مثال ۱۳ / ۳۴ دقیقه است. ۳۸۲، ۱۳ / ۳۴ ۶۱۵.۲ است.

ratios fibonacci و retracements

قبلاً گفته شد که نظریه موج متشکل از سه شکل موج، نسبت، و زمان است. ما قبلاً به شکل موج بحث کرده‌ایم که مهم‌ترین آن سه مورد است. در حال حاضر Let's در مورد کاربرد نسبت of ها و retracements ها صحبت می‌کنند. این روابط می‌تواند هم برای هر دو قیمت و هم زمان اعمال شود، اگر چه اولی قابل‌اعتمادتر است. بعداً به جنبه زمان بر می‌گردیم.

اول از همه، یک نگاه به شخصیت‌ها نشان می‌دهد که شکل موج اصلی همیشه به اعداد فیبوناچی تجزیه می‌شود. یک چرخه کامل شامل هشت موج، پنج و سه عدد فیبوناچی است. دو بخش دیگر از اعداد فیبوناچی نیز استفاده خواهند کرد. اساس ریاضی نظریه موجی در دنباله فیبوناچی بسیار فراتر از شمارش موج است. همچنین رابطه نسبی بین امواج مختلف وجود دارد. در زیر یکی از متداول‌ترین نسبت‌های فیبوناچی است:

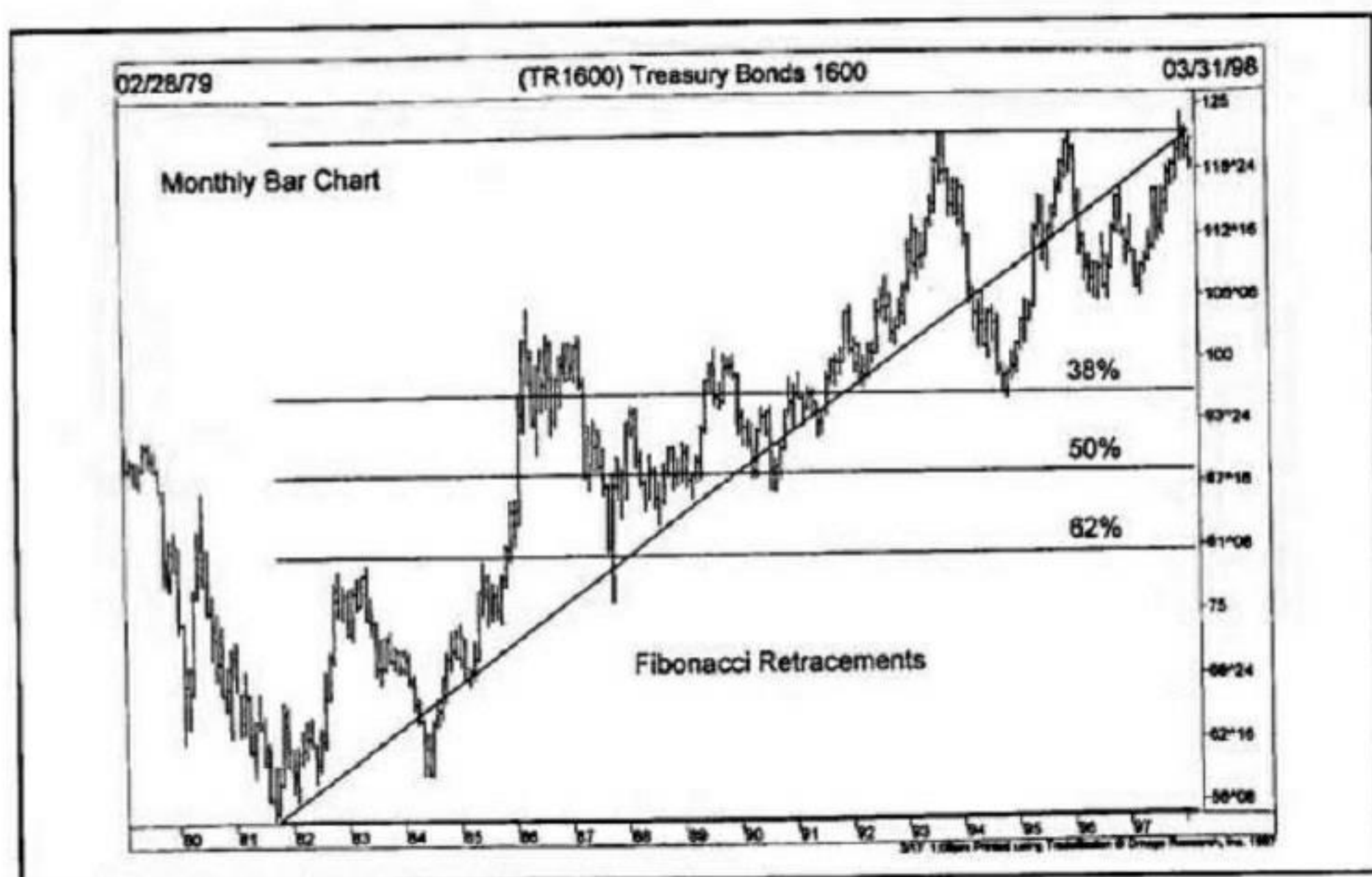
۱. یکی از سه موج ضربه‌ای گاهی اوقات گسترده می‌شود. دو تای دیگر برابر با زمان و اندازه هستند. اگر موج ۵ گسترش یابد، امواج ۱ و ۳ باید برابر باشند. اگر موج ۳ گسترش یابد، امواج ۱ و ۵ به سمت برابری متمایل می‌شوند.

۲. یک حداقل هدف برای بالای موج ۳ را میتوان با ضرب کردن طول موج ۱ به وسیله ۶۱۸.۱ بدست آورد و اضافه کرد که مجموع به کف ۲.
۳. موج ۵ می‌تواند با ضرب موج ۱ به وسیله ۲۳۶.۳ (۲X ۱)، تقریب زده شود. (ب) و افزودن این مقدار به بالا یا پایین موج ۱ برای حداکثر و حداقل اهداف.
۴. جایی که امواج ۱ و ۳ در حدود برابر هستند و موج ۵ انتظار می‌رود که گسترش یابد، یک هدف قیمت می‌تواند با اندازه‌گیری فاصله از پایین موج ۱ تا بالای موج ۳ بدست آید، ضرب در ۶۱۸.۱ و اضافه کردن نتیجه به پایین ۴.
۵. برای امواج اصلاحی، موج C اغلب تقریباً برابر با طول موج a است.
۶. یک راه دیگر برای اندازه‌گیری طول ممکن موج C ضرب کردن است. میزان پردازش موج از پایین موج و کم کردن آن از پایین موج به ۶۱۸ مورد استفاده قرار گرفت.
۷. در مورد تصحیح سطح ۳ - ۳ - ۳، که در آن موج b به بالای موج می‌رود، موج C در حدود ۶۱۸.۱ طول a خواهد بود.
۸. در یک مثلث متقارن، هر موج بعدی مربوط به موج قبلی آن است. بی‌هوش شد.

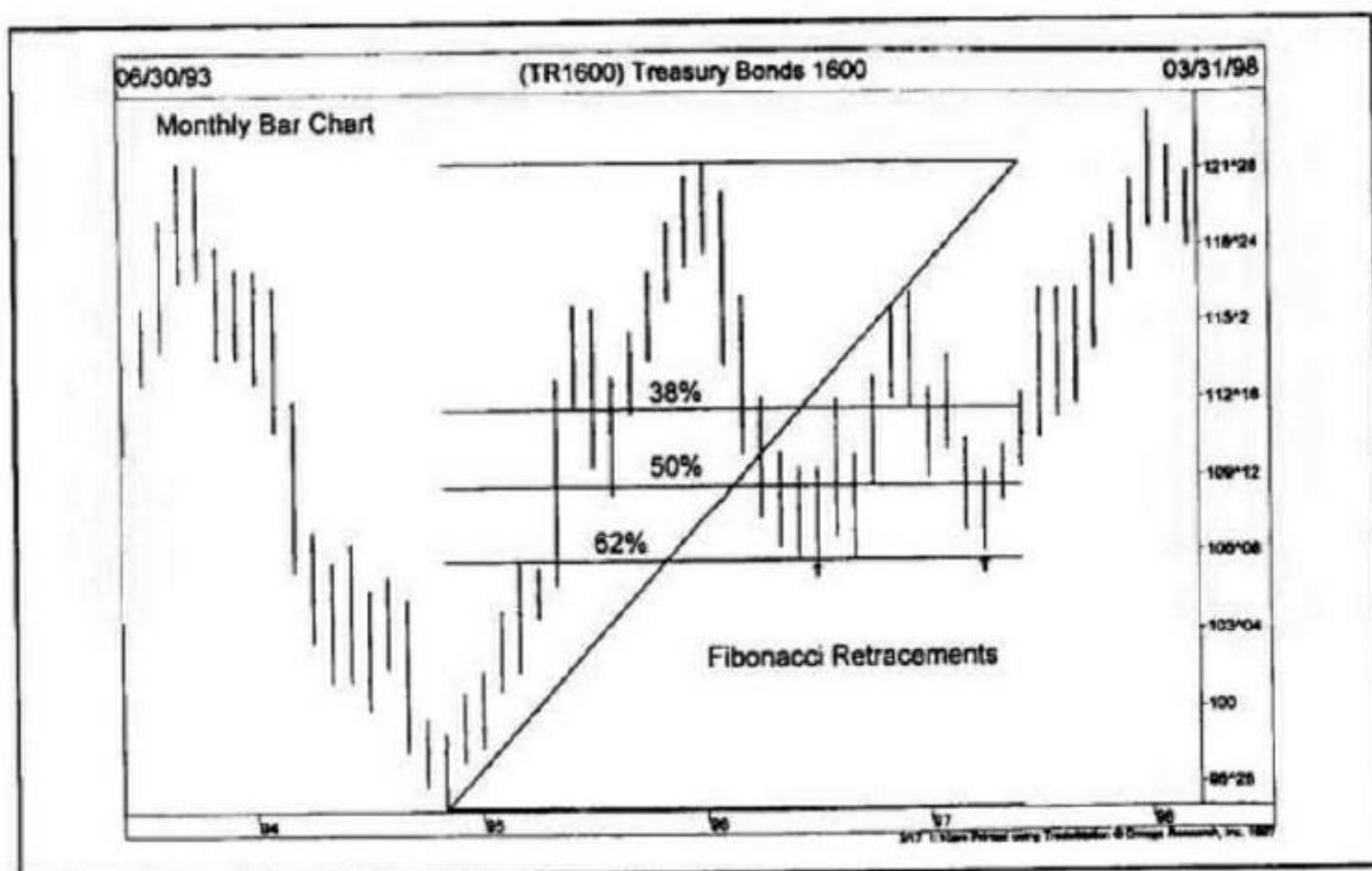
درصد دنباله فیبوناچی

نسبت‌های قبلی به تعیین اهداف قیمت در هر دو امواج ضربه و اصلاحی کمک می‌کنند. یک راه دیگر برای تعیین اهداف قیمت با استفاده از درصد retracements است. most های مورد استفاده در آنالیز retracement ۸.۶۱٪ هستند (معمولاً به ۶۲٪)، ۳۸٪ و ۵۰٪. از فصل ۴ به یاد داشته باشید که بازارها معمولاً مسیرهای قبلی را با درصد قابل پیش‌بینی خاصی مرور می‌کنند - بهترین آن‌ها ۳۳٪، ۵۰٪ و ۶۷٪ هستند. دنباله فیبوناچی این اعداد را کمی بیشتر شکل می‌دهد. در یک روند قوی، حداقل retracement معمولاً حدود ۳۸٪ است. در یک روند ضعیف، حداکثر درصد retracement معمولاً ۶۲٪ است. (به شکل‌های ۲۵.۱۳ و ۲۶.۱۳ مراجعه کنید)

جدول بار ماهانه



شکل ۲۵.۱۳ سه خط افقی نشان می‌دهد که lev retracement Fibonnaci els - ۳۸٪، ۵۰٪ و ۶۲٪ از پایین تا ۱۹۹۳ تا اوج ۱۹۹۳ در اوراق قرضه خزانه‌داری اندازه‌گیری شدند. اصلاح ۱۹۹۴ در قیمت اوراق قرضه دقیقاً در خط ۳۸٪ retracement متوقف شد.



شکل ۲۶.۱۳ - سه خط درصد فیبوناچی از پایین در سال ۱۹۹۴ در قیمت
اوراق قرضه تا اوایل ۱۹۹۶ اندازه گیری شده اند. قیمت اوراق قرضه به خط ۶۲٪
اصلاح شد.

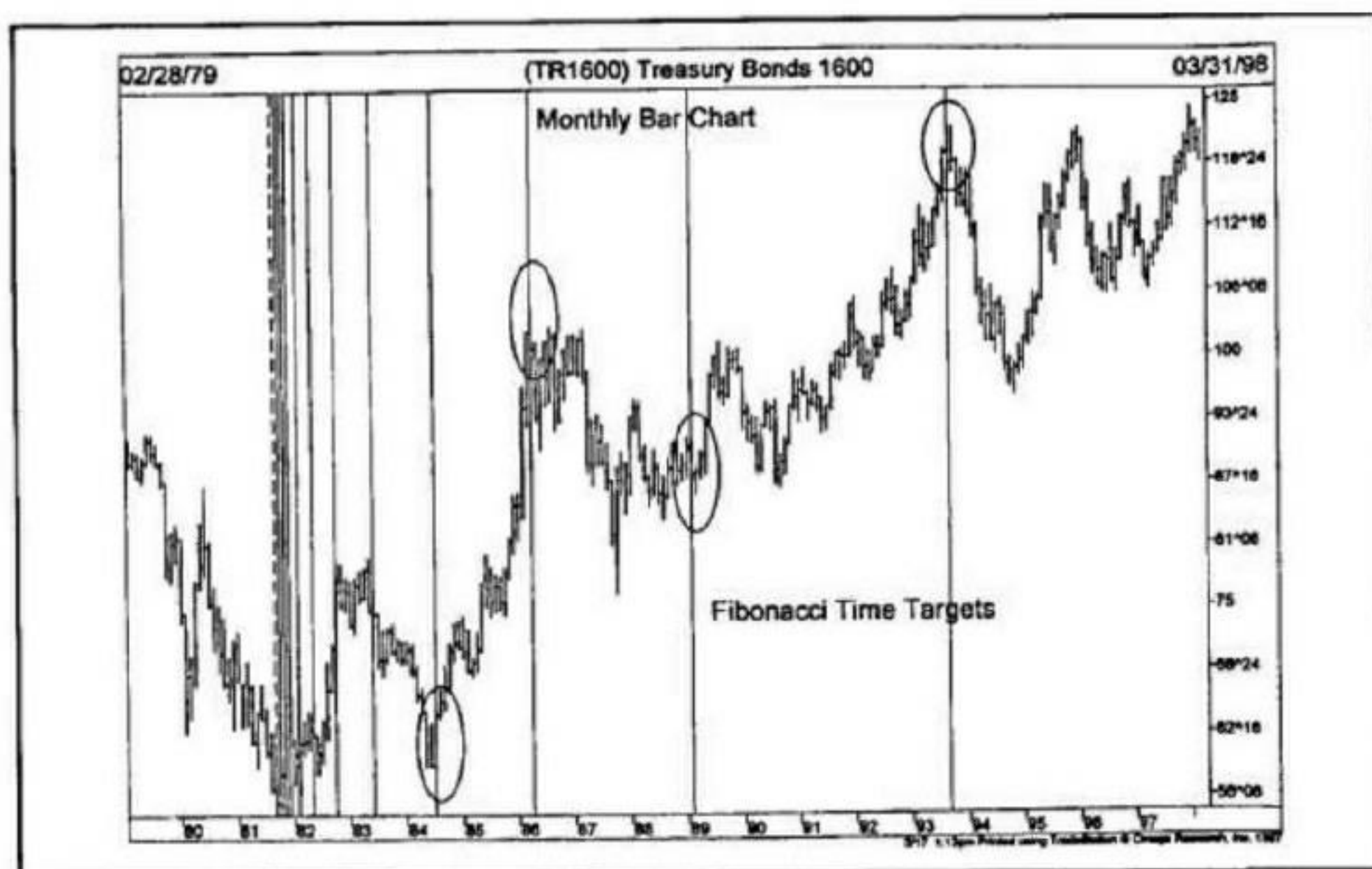
در ابتدا به این موضوع اشاره شد که رویکرد ارزش‌های فیبوناچی که تنها پس از چهار شماره اول نصب شد. سه نسبت اول ۱/۱ (۱۰۰٪)، ۲/۱ (۵۰٪) و ۳/۲ (۶۶٪) هستند. بسیاری از دانش‌آموزان الیوت ممکن است بدانند که ۵۰٪ retracement مشهور در واقع یک نسبت فیبوناچی هستند، که دو سوم آن دو سوم است. یک retracement کامل (۱۰۰٪) یک گاو یا بازار خرس قبلی نیز باید یک پشتیبان مهم یا منطقه مقاومت را نشان دهد.

اهداف زمانی fibonacci

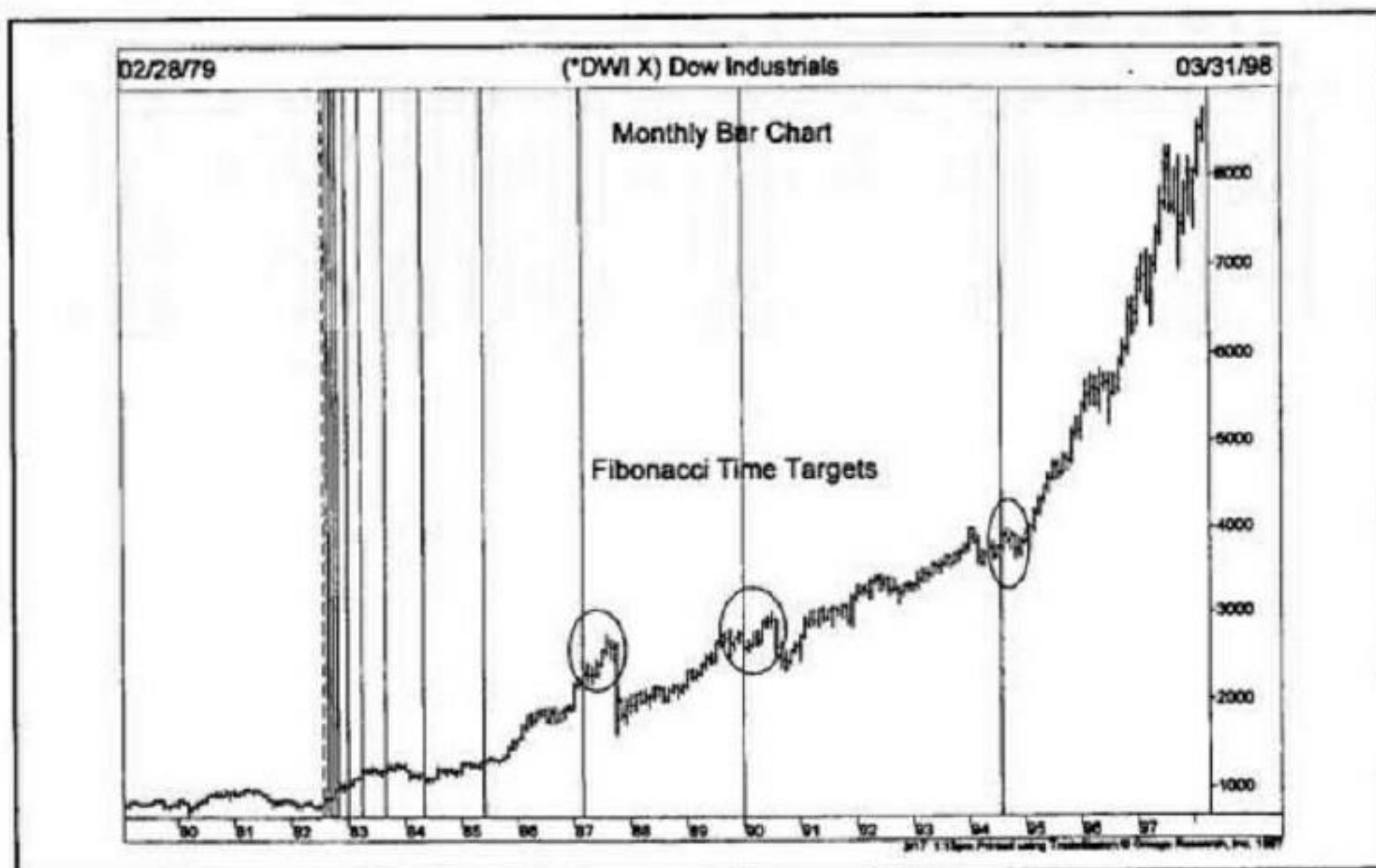
ما بیش از حد در مورد جنبه زمان در تحلیل موج صحبت کردیم. روابط زمان فیبوناچی وجود دارد. پیش‌بینی اینکه پیش‌بینی کردن آن‌ها سخت‌تر است و توسط برخی Elliotticians در نظر گرفته می‌شوند، حداقل از سه جنبه تئوری است. اهداف زمانی فیبوناچی با شمارش روی جلو و bottoms بدست می‌آیند. در یک نمودار روزانه، تحلیل گر تعداد روزه‌ای داد و ستد از نقطه عطف مهم را با این امید که در روزه‌ای ۱۷، ۲۱، بیست و یکم، سی و یکم، سی و یکم، یا ۸۹ روز تجارت در آتی رخ می‌دهد، مطرح می‌کند. این روش می‌تواند در چارت هفتگی، ماهانه یا حتی سالانه مورد استفاده قرار گیرد. در چارت هفتگی، تحلیلگر یک بالا یا پایین را انتخاب می‌کند و به دنبال اهداف زمانی هفتگی است که بر روی اعداد فیبوناچی قرار می‌گیرند. (به شکل‌های ۲۷.۱۳ و ۲۸.۱۳ مراجعه کنید)

COMBINING هر سه نظریه نظریه WAVE

موقعیت ایده‌آل زمانی اتفاق می‌افتد که شکل موج، تحلیل نسبت و اهداف زمانی به هم می‌رسند. فرض کنید که یک مطالعه امواج نشان می‌دهد که موج پنجم تکمیل شده‌است، موج ۵ برابر با فاصله موج ۱ تا بالا موج ۳ بوده و زمان از ابتدای این روند ۱۳ هفته از بالا و ۳۴ هفته قبلی بوده‌است. فرض کنیم که موج پنجم ۲۱ روز به طول انجامیده باشد. احتمال خیلی خوب است که یک قله مهم نزدیک باشد.



شکل ۲۷.۱۳: اهداف زمانی فیبوناچی در ماه از پایین سال ۱۹۸۱ در اوراق قرضه خزانه‌داری اندازه‌گیری شدند. این امر ممکن است تصادفی باشد، اما چهار هدف چهار دنباله فیبوناچی (میله‌های عمودی) با چرخش مهم در قیمت اوراق قرضه همزمان شده‌اند.



شکل ۴ - ۸ اهداف زمانی فیبوناچی را در ماه‌های ۱۹۸۲ از پایین به عنوان داو هدف قرار داد. سه میله عمودی در بورس سهام - ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، و ۱۹۹۴ همزمان شده‌اند. اوج سال ۱۹۸۷ ۱۳ سال از سال ۱۹۸۲ - یک عدد فیبوناچی بود.

مطالعه نمودار قیمت در هر دو بازار سهام و آتی نشان‌دهنده تعدادی از روابط زمانی فیبوناچی است. با این حال بخشی از این مساله، انواع روابط ممکن است. اهداف زمانی فیبوناچی را می‌توان از بالا به بالا، بالا به پایین، پایین به پایین و پایین تا بالا برد. این روابط همیشه می‌تواند بعد از این واقعیت پیدا شود. It's همیشه روشن نیستند که کدام یک از روابط ممکن مربوط به روند فعلی هستند.

موج الیوت به سهام در مقابل کالا

تفاوت‌هایی در اعمال تیوری موج برای سهام و کالاها وجود دارد. برای مثال موج سوم تمایل به گسترش در سهام و موج ۵ در کالا دارد. قانون غیرقابل شکستن که موج ۴ هرگز نمی‌تواند با موج ۱ در سهام همپوشانی داشته باشد، به همان اندازه انعطاف‌ناپذیر در کالا نیست. (penetrations intraday می‌تواند در چارت futures رخ دهد)، گاهی اوقات چارت بازار نقدی در کالا، الگوی الیوت تری نسبت به بازار آتی می‌دهد. استفاده از چارت ادامه در بازارهای آتی کالا همچنین distortions را تولید می‌کند که ممکن است بر الگوهای گذشته الیوت اثر بگذارند.

احتمالاً مهم‌ترین تفاوت بین این دو حوزه این است که بازارهای بزرگ گاو در کالاها را می‌توان "محتوی" دانست، به این معنی که بالاترین حد بازار گاو هر همیشه از دماهای بالای بازار بول گاو تجاوز نمی‌کند. این امکان در بازارهای کالا برای یک بازار پنج موجی کامل برای سقوط کوتاه بازار قبلی گاو وجود دارد. در بسیاری از بازارهای کالا، در بسیاری از بازارهای کالا، دوره زمانی به طول انجامید. به عنوان مقایسه نهایی بین این دو حوزه، به نظر می‌رسد که بهترین الگوهای الیوت در بازارهای کالا ناشی از شکست‌ها از بازه‌ای طولانی مدت است.

مهم است که به خاطر داشته باشید که نظریه موج nally - origi به معنی استفاده از میانگین بازار سهام است. هم چنین می‌تواند در سهام عمومی فردی موثر واقع شود. It's کاملاً امکان پذیر است که در برخی از بازارهای آتی thinly آتی نیز به خوبی کار کند چون روانشناسی جمعی یکی از بنیان‌های مهمی است که تیوری بر آن استوار است. طلا به عنوان مثال، یک وسیله عالی برای تحلیل موج به دلیل گستردگی آن است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

Let's به طور خلاصه عناصر مهم تیوری موج را خلاصه می‌کنند و سپس سعی می‌کنند آن را به یک دیدگاه مناسب تبدیل کنند.

1. یک چرخه کامل بازار گاو از هشت موج تشکیل شده‌است، که پنج موج با سه موج پایین دنبال می‌شود.
2. یک روند به پنج موج در جهت روند بعدی بعدی تقسیم می‌شود.
3. همیشه توی سه تا موج با اسم مستعار کار می‌کردن
4. دو نوع اصلاحات ساده zig (۵ - ۳ - ۵) و آپارتمان‌های (۳ - ۳ - ۵) هستند.
5. Triangles معمولاً موج چهارم هستند و همیشه بر موج نهایی پیشی می‌گیرند. Triangles می‌تواند B امواج اصلاحی باشد.
6. امواج می‌توانند به امواج بلندتر گسترش یابند و به امواج کوتاه‌تر تقسیم شوند.
7. گاهی اوقات یکی از امواج ضربه‌ای گسترده می‌شود. دو مورد دیگر باید در زمان و اندازه برابر باشند.
8. دنباله فیبوناچی اساس ریاضی تیوری موج الیوت است.
9. تعداد امواج از دنباله فیبوناچی پیروی می‌کنند.
10. نسبت‌های فیبوناچی و retracements برای تعیین اهداف قیمت‌ها به کار می‌روند. رایج‌ترین retracements ۶۲٪، ۵۰٪ و ۳۸٪ است.
11. قانون جایگزینی هشدار می‌دهد که در جانشینی دو بار انتظار چنین چیزی را نداشته باشد.
12. بازارهای خرس نباید پایین‌تر از موج چهارم پیش از vious قرار بگیرند.
13. موج ۴ نباید با موج ۱ همپوشانی داشته باشد (نه به همان اندازه که در آتی سخت باشد).
14. تیوری موج الیوت متشکل از اشکال موج، نسبت‌ها، و زمان، در آن درجه اهمیت است.
15. این نظریه در اصل برای میانگین بازار سهام بکار گرفته شد و به اندازه سهام افراد کار نمی‌کند.
16. این تیوری در آن بازارهای کالا با بزرگ‌ترین بخش عمومی مانند طلا کار می‌کند.

۱۷. تفاوت اصلی در محصولات وجود بازار گاو است.

اصل موج الیوت براساس رویکردهای کلاسیک، مانند نظریه داو و الگوهای چارت سنتی، ساخته شده است. اغلب این الگوهای قیمت را میتوان به عنوان بخشی از ساختار موج الیوت توضیح داد. این روش براساس مفهوم "اهداف نوسان" با استفاده از پیش‌بینی نسبت فیبوناچی و درصد retracements ساخته شده است. اصل موج الیوت همه این عوامل را در نظر می‌گیرد، اما با دادن نظم بیشتر و افزایش قابلیت پیش‌بینی فراتر از آنها می‌رود.

تیوری موج باید در conjunction با دیگر ابزارهای تکنیکال مورد استفاده قرار گیرد.

زمان‌هایی هست که الیوت تصاویر واضح و دیگر مواقعی است که آنها نیستند. تلاش برای وادار کردن عمل بازار نامشخص به یک قالب الیوت و چشم‌پوشی از دیگر ابزارهای تکنیکال در این فرآیند، سو استفاده از این نظریه است. کلید نمایش تیوری موج الیوت به عنوان پاسخ جزئی به معمای پیش‌بینی بازار است. استفاده از آن در ارتباط با دیگر نظریه‌های تکنیکال دیگر در این کتاب، ارزش خود را افزایش داده و شانس موفقیت شما را افزایش خواهد داد.

ارجاع متقابل متریکال

دو مورد از بهترین منابع اطلاعات در مورد تیوری موج الیوت و اعداد فیبوناچی کارهای اصلی of الیوت، (Jr, Prechter) و اصل موج EUiott (فراست و Prechter) هستند. همه نمودارهای مورد استفاده در شکل‌های ۱.۱۳ - ۲۴.۱۳ از اصل موج الیوت هستند و در این فصل از طریق ادب کتابخانه کلاسیک جدید بازتولید می‌شوند.

یک دفترچه راهنمای برای اعداد فیبوناچی، درک اعداد فیبوناچی توسط ادوارد D. دابسون، از P.O. ۶۲۰۶، گرینویل، S.C. ۲۹۶۰۶ (۸۰۰ - ۹۲۷ - ۸۲۲۲) در دسترس است.

مقدمه

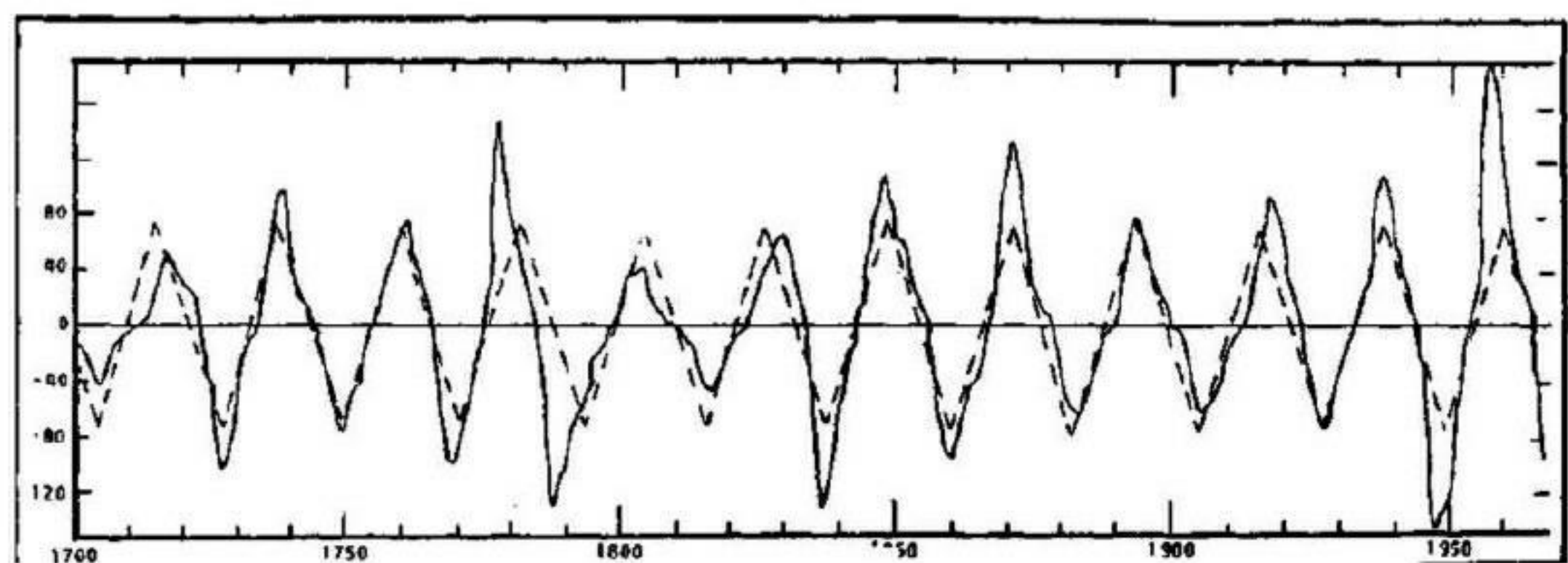
تمرکز اصلی ما تا این نقطه بر روی حرکت قیمت بوده‌است، و در مورد اهمیت زمان در حل معمای پیش‌بینی چندان صحبتی نشده است. مساله زمان به طور ضمنی در کل پوشش تحلیل تکنیکال ما ارائه شده‌است، اما به طور کلی به عنوان ثانویه مورد توجه قرار گرفته‌است. در این بخش، ما قصد داریم مشکل پیش‌بینی را از طریق چشم تحلیلگران حلقوی که بر این باورند که چرخه‌های زمان کلید نهایی را برای درک این که چرا بازارها بالا و پایین می‌روند، نگاه دارند. در این فرآیند، ما قصد داریم بعد مهم زمان را به لیست رو به افزایشی از ابزارهای تحلیلی اضافه کنیم. به جای این که از خودمان بپرسیم که کدام مسیر و چقدر راه دور است، شروع می‌کنیم که بپرسیم چه زمانی به آنجا خواهد رسید یا حتی اگر این حرکت آغاز شود. نمودار میله‌ای روزانه را در نظر بگیرید. محور عمودی مقیاس قیمت را می‌دهد. اما *that's* تنها نیمی از داده‌های مرتبط را تشکیل می‌دهند. مقیاس افقی به افق زمانی می‌دهد. بنابراین، نمودار میله‌ای واقعاً یک نمودار زمان و قیمت است. با این وجود، بسیاری از بازرگانان صرفاً بر روی داده‌های قیمت به استثنای ملاحظات زمان تمرکز می‌کنند. وقتی ما

با توجه به الگوهای نمودار مطالعه، ما می‌دانیم که بین مقدار زمانی که طول می‌کشد تا این الگوها شکل بگیرند و پتانسیل برای حرکت بعدی بازار وجود دارد. هر چه یک خط روند طولانی‌تر یا یک سطح مقاومت یا مقاومت باقی بماند، آن بیشتر معتبر خواهد بود. میانگین متحرک نیازمند ورودی در زمان مناسب برای استفاده است. حتی oscillators نیز به تصمیم‌گیری در مورد چند روز برای اندازه‌گیری نیاز دارند. در فصل قبل ما سودمندی اهداف زمانی فیبوناچی را در نظر گرفتیم.

به نظر می‌رسد که تمام مراحل تجزیه و تحلیل تکنیکال تا حدودی به ملاحظات زمانی بستگی دارد. با این حال آن‌هایی که در نظر گرفته می‌شوند واقعاً به روش ثابت و قابل‌اعتماد اعمال نمی‌شوند. زمانی که چرخه‌های زمان وارد بازی می‌شوند. به جای بازی کردن نقش ثانویه یا پشتیبان در جنبش بازار، تحلیلگران حلقوی ثابت می‌کنند که چرخه‌های زمان عامل تعیین‌کننده در بازار گاو و خرس هستند. نه تنها عامل غالب است، بلکه تمام ابزارهای تکنیکال دیگر را میتوان با ترکیب چرخه بهبود بخشید. برای مثال، میانگین‌ها و نوسانگرهای متحرک می‌تواند با گره زدن آن‌ها به چرخه‌های غالب بهینه‌سازی شود. آنالیز trendline را میتوان با آنالیز حلقوی با تعیین اینکه کدامیک از آن‌ها معتبر هستند و کدام یک از آن‌ها معتبر نیستند، دقیق‌تر کرد. تحلیل الگوی قیمت را میتوان در صورتی که با پیک‌های حلقوی و troughs ترکیب شود، افزایش داد. با استفاده از "پنجره‌های زمانی"، "حرکت قیمت" می‌تواند به گونه‌ای فیلتر شود که اقدام فرعی می‌تواند نادیده گرفته شود و تاکید اولیه تنها در زمانی قرار می‌گیرد که در این موارد بالا و تحتانی چرخه به خاطر رخ دادن است.

cycles

The کتابی که من تا به حال خوانده‌ام توسط ادوارد آر نوشته شده است. دیویی یکی از پیشگامان تحلیل دوره‌ای، با Mandino Og تحت عنوان چرخه‌های فرعی: نیروهای مرموزی که رویدادهای Trigger را هدایت می‌کنند. هزاران چرخه به ظاهر بی‌ربط، در طول صدها سال و در برخی موارد، هزاران سال منزوی بودند. همه چیز از چرخه سال ۶۰۹ در اقیانوس اطلس به فراوانی به چرخه سال ۲۰۲۲ در جنگ‌های بین‌المللی از سال ۱۴۱۵ تا ۱۹۳۰ مورد پی‌گیری قرار گرفت. از سال به بعد، یک چرخه متوسط از فعالیت sunspot به طول انجامید. چندین چرخه اقتصادی از جمله چرخه سال ۳۳۰۱۸ در فعالیت‌های املاک و مستغلات و یک سیکل بازار سهام ۲۰۹ سال ارائه شده است. (به شکل‌های ۱.۱۴ و ۲.۱۴ مراجعه کنید)



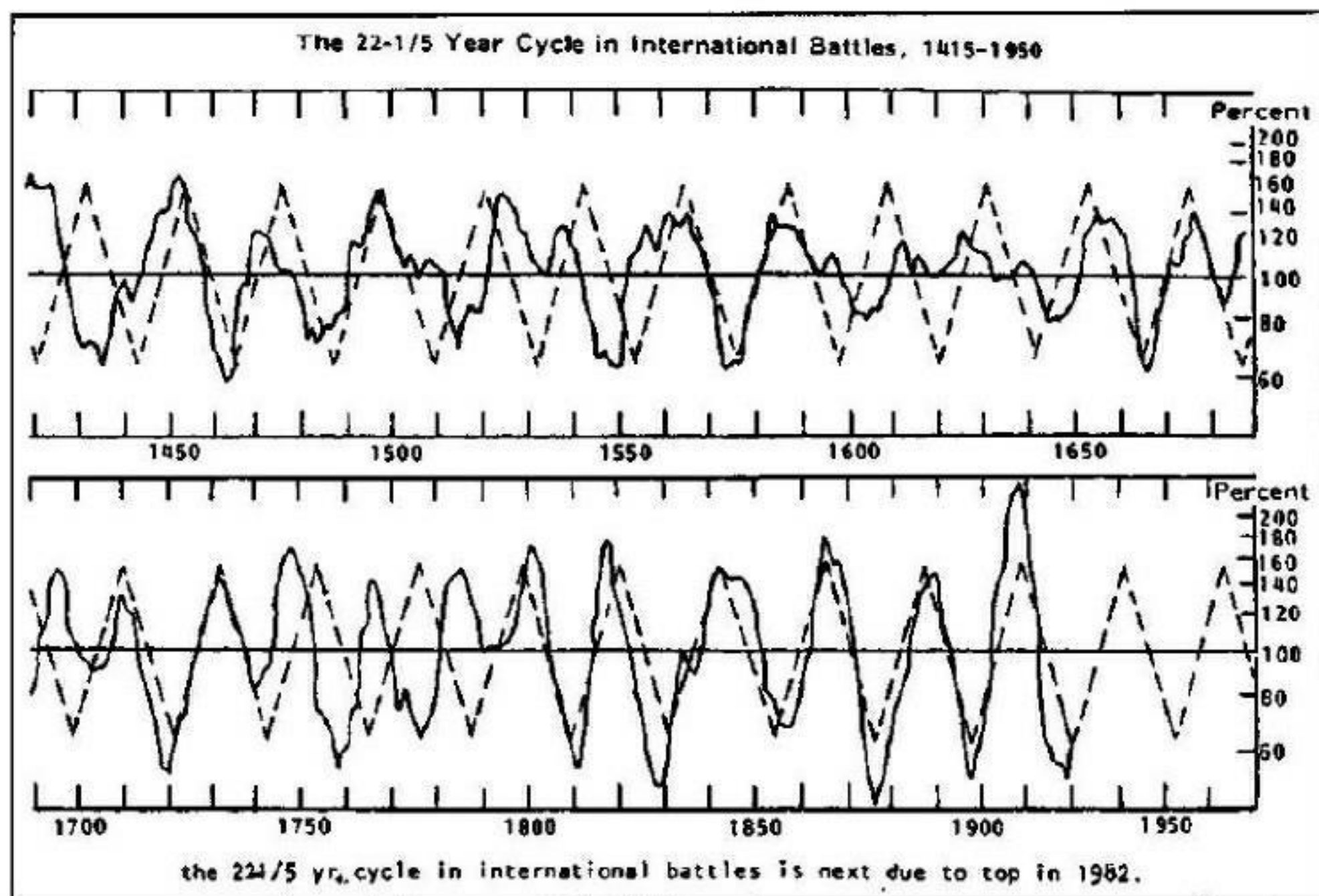
Time cycles

ساله موارد وقوع رویداد را نشان می‌دهد. خشکسالی اغلب بعد از دو سال بعد از the
 ۱۹۷۰ اتفاق افتاد ادامه دارد و در اواسط دهه ۱۹۹۰ دوباره قرار دارد. در نمودار،
 "است، و خط توپر داده‌های واقعی detrended است. (با کسب اجازه از بنیاد

(PA

<https://www.file4.ir>

ImenDoc.Com



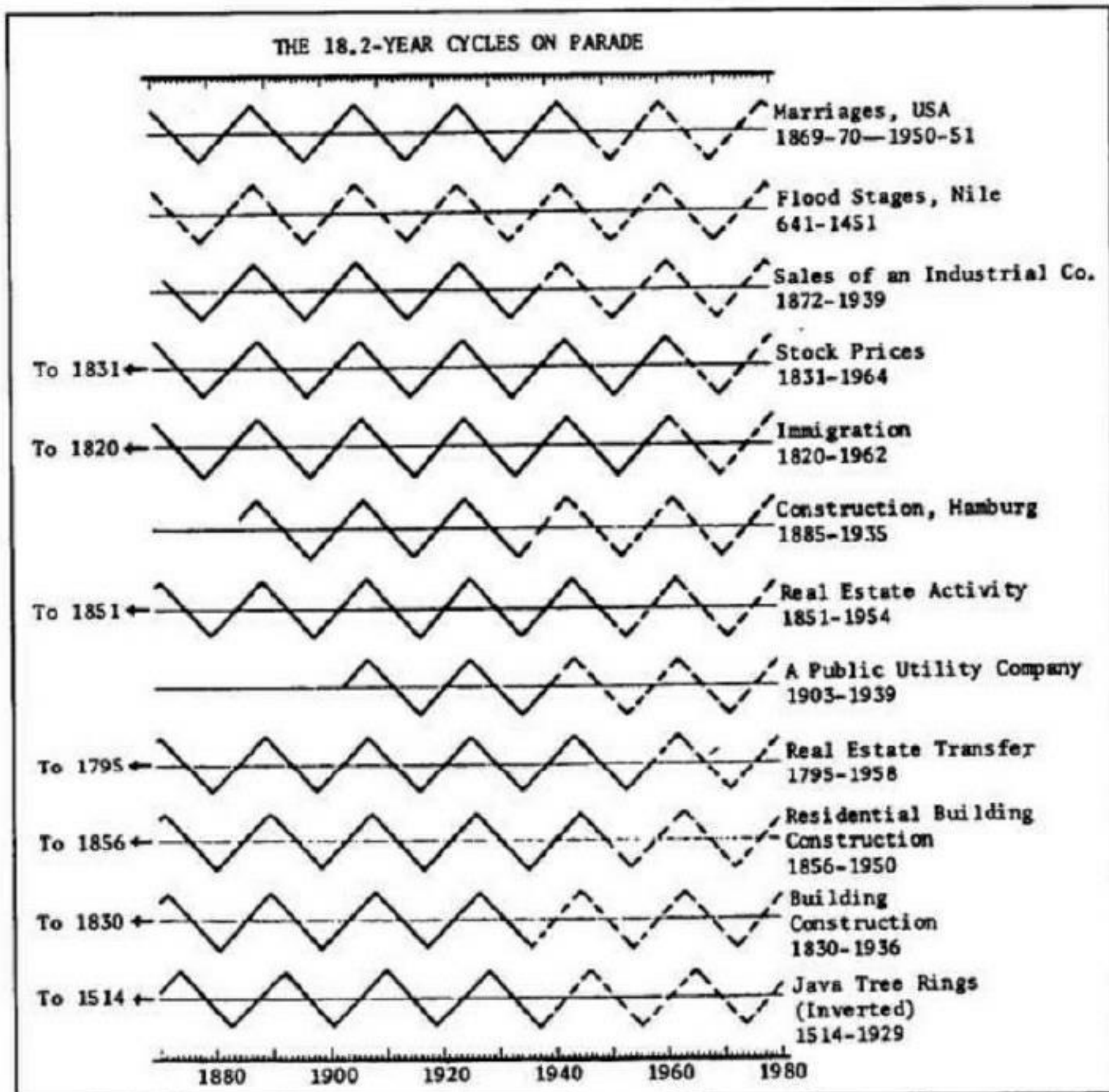
سال ۲۰۲۲ در جنگ‌های بین‌المللی به دلیل بالا بودن در سال ۱۹۸۲ بود. در خط نقطه‌چین، یک چرخه "ایده‌آل" وجود دارد، و detrend است. (با کسب اجازه از بنیاد مطالعات of، وین، PA).

<https://www.file4.ir>

ImenDoc.Com

چرخه‌های زمان

دو نتیجه حیرت‌انگیز توسط "دویی" مورد بحث قرار گرفتند. اول اینکه، بسیاری از چرخه‌های پدیده‌های به ظاهر بی‌ربط به دور هم جمع شده‌اند. روی صفحه. او در سال ۱۸۸ تعداد ۳۷ نمونه متفاوت از چرخه ۶.۹ را فهرست کرد، از جمله فراوانی کرم در نیو جرسی، کشت گندم در کانادا، کشت گندم در آمریکا، و قیمت پنبه در ایالات متحده چرا باید چنین فعالیت‌های نامربوط را نشان دهند؟ دومین کشف این بود که این چرخه‌های مشابه با همزمانی هماهنگ شدند، یعنی، آن‌ها همزمان تغییر کردند. شکل ۳ - ۱۴



شکل ۱۴ - ۳.۱۴ چرخه‌های هجده ماهه در رژه. (منبع: دیویی، ادوارد آر.، نیروهای مرموزی که رویدادهای Trigger (نیویورک: انتشارات کتاب‌ها، ۱۹۷۳)

این نشان می‌دهد که چیزی "بیرون" در جهان باید این چرخه‌ها را ایجاد کند؛ به نظر می‌رسد که یک نوع پالس به جهان وجود دارد که حضور فراگیر این چرخه‌ها را در سراسر جهان به حساب می‌آورد.

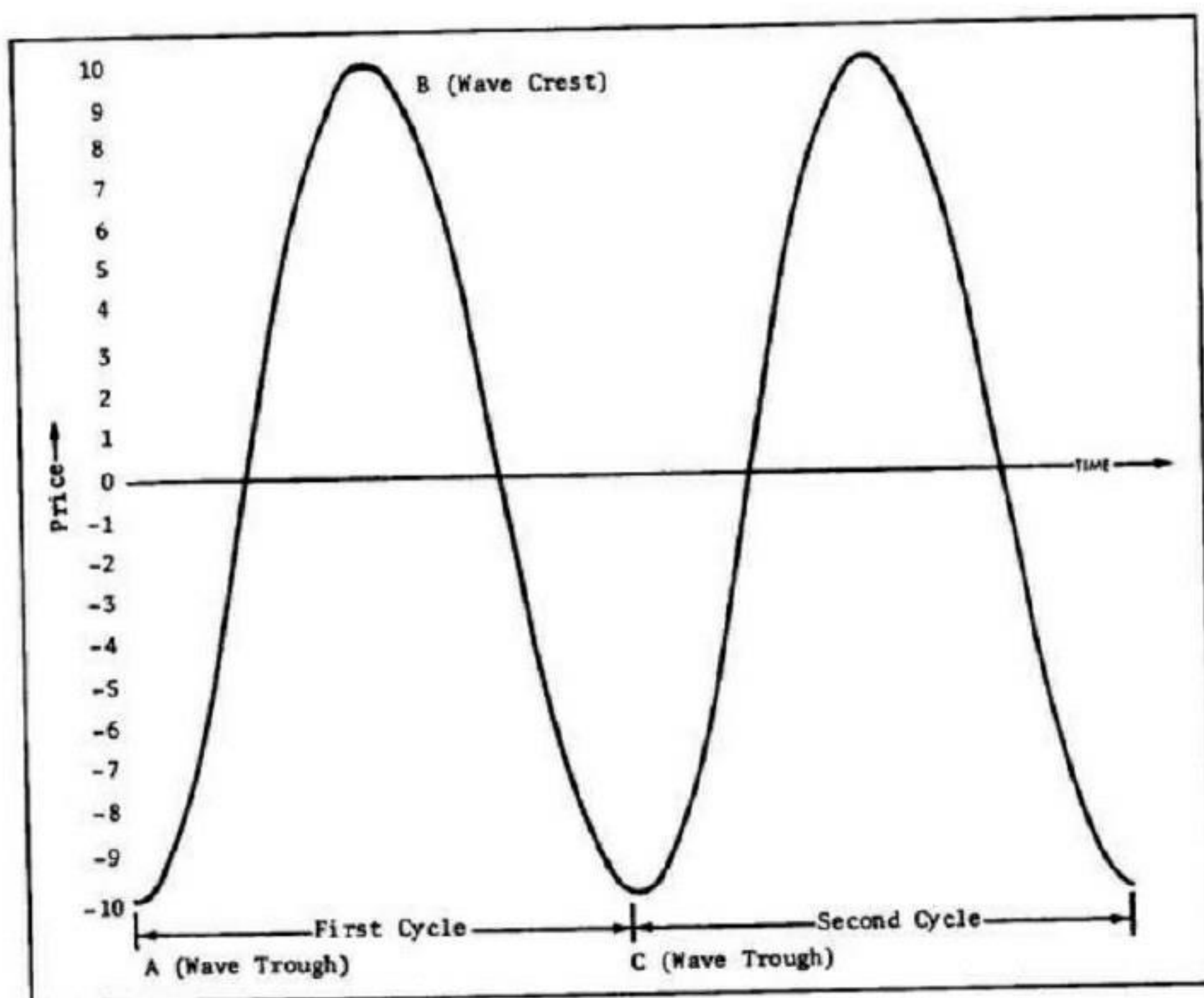
در سال ۱۹۴۱، دیویی این بنیاد را برای مطالعه دوره دوره‌ها (W ۹۰۰) سازماندهی کرد. جاده دره، سوئیت ۵۰۲، وین، PA. این قدیمی‌ترین سازمان درگیر در چرخه‌های تحقیق و رهبر شناخته‌شده در این زمینه است. بنیاد Cycles را منتشر می‌کند که در بسیاری از زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و کسب‌وکار تحقیق می‌کند. همچنین یک گزارش ماهانه، پیش‌بینی چرخه، که شامل تجزیه و تحلیل دوره‌ای برای سهام، کالا، املاک و مستغلات و اقتصاد است را منتشر می‌کند.

مفاهیم پایه‌ای پایه

در ۱۹۷۰، J.M. هرست به عنوان The سود معاملات معاملات سهام شرکت کرد. اگرچه این کتاب عمدتاً با چرخه‌های بازار سهام سروکار دارد، اما این کتاب یکی از بهترین توضیحات تیوری چرخه موجود در چاپ را نشان می‌دهد و به شدت خواندن را توصیه می‌کند. نمودار زیر از کار اصلی Hurst's مشتق شده است.

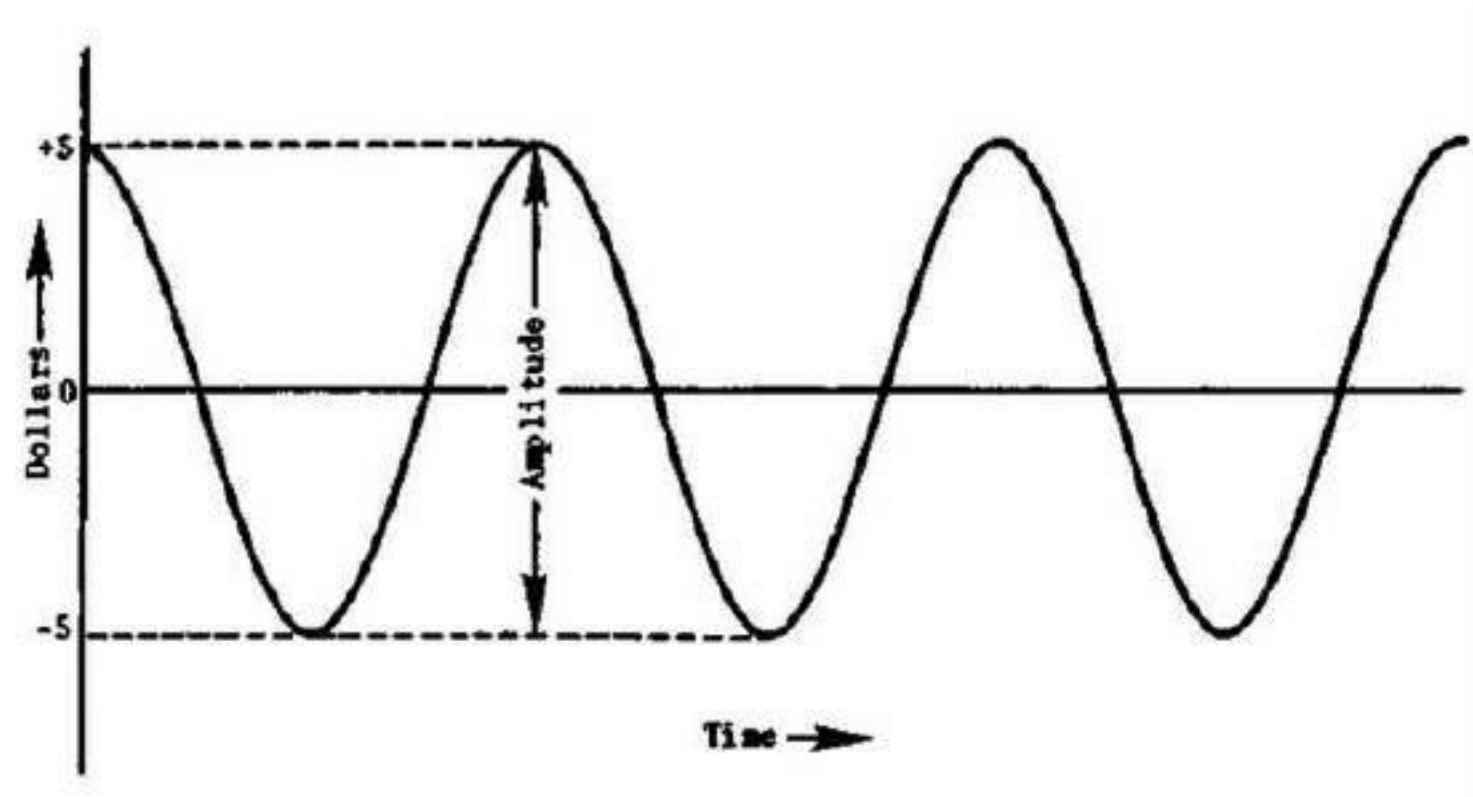
اول، let's ببینید که یک چرخه چگونه به نظر می‌رسد و سه ویژگی اصلی آن را مورد بحث قرار می‌دهد. شکل ۴.۱۴ دو بار تکرار یک چرخه قیمت را نشان می‌دهد. کف این چرخه troughs نامیده می‌شود و نوک آن به عنوان crests منسوب است. توجه داشته باشید که دو موج نشان داده‌شده در اینجا از آبشخور به آبشخور اندازه‌گیری می‌شوند. تحلیل گران ترجیح می‌دهند طول چرخه را از پایین به پایین اندازه‌گیری کنند. اندازه‌گیری‌ها را می‌توان بین crests انجام داد اما در نظر گرفته نشده اند که به اندازه those که بین the گرفته‌اند ثابت یا قابل اطمینان باشند. بنابراین، روال معمول اندازه‌گیری شروع و پایان یک موج حلقوی در نقطه پایین است، همانطور که در این مثال نشان داده می‌شود.

سه ویژگی یک چرخه، دامنه، دوره و فاز هستند. Amplitude، ارتفاع موج را همانطور که در شکل ۵.۱۴ نشان داده‌شده و به دلار، سنت یا نقاط نشان داده می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. دوره موج، همانطور که در شکل ۶.۱۴ نشان داده‌شده، زمان بین troughs است. در این مثال، دوره ۲۰ روز است. این فاز یک معیار زمان زمان آبشخور موج است. در شکل ۷.۱۴، تفاوت فاز بین دو موج نشان داده شده است. به این دلیل که چند مورد متفاوت وجود دارد

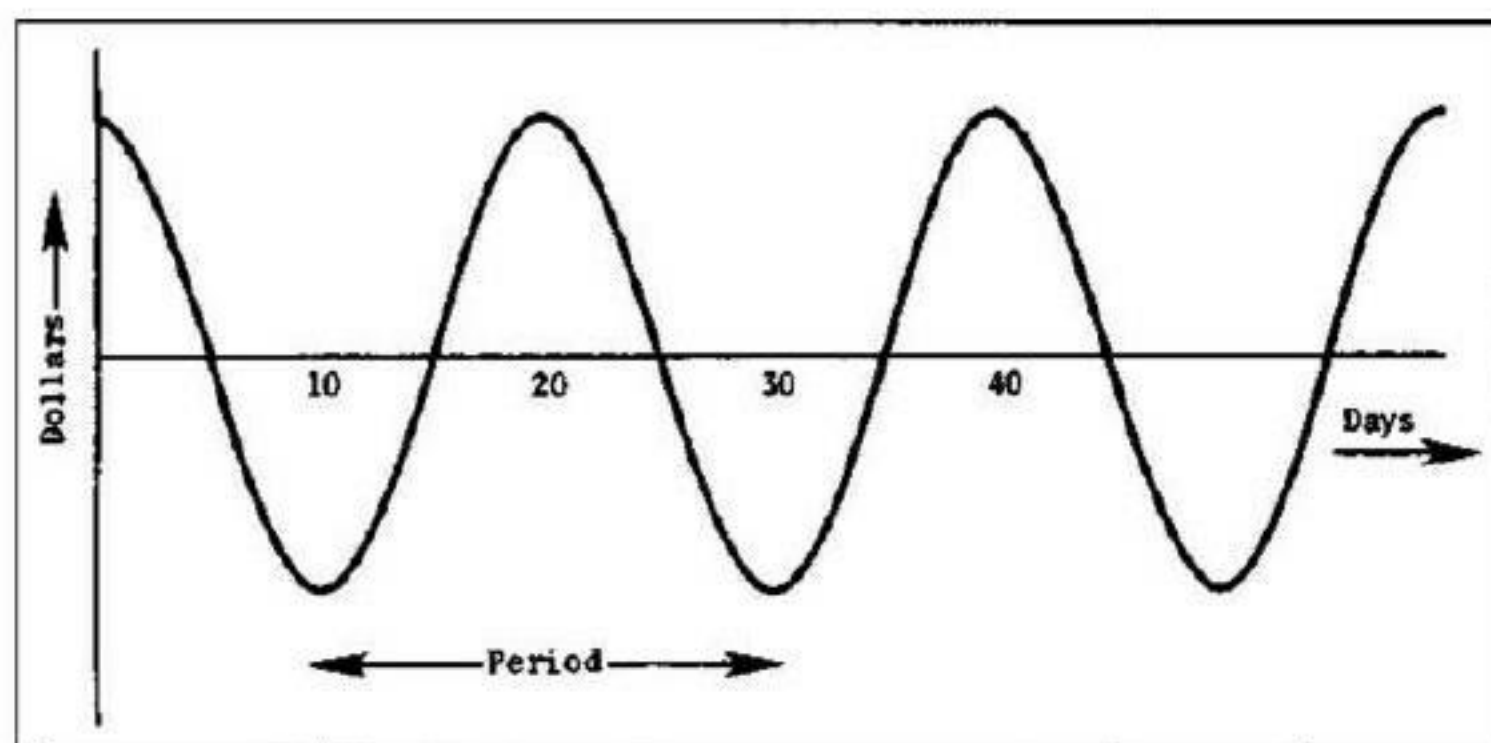


شکل ۴.۱۴ دو چرخه یک موج قیمت. یک موج قیمت ساده و ساده از نوع که برای فرم قیمت سهام و کالا ترکیب می‌شود. تنها دو چرخه از این موج نشان داده شده، اما خود موج تا بی‌نهایت تا سمت چپ و سمت راست گسترش می‌یابد. چنین امواجی، خود چرخه را بعد از سیکل تکرار می‌کنند. در نتیجه، زمانی که موج شناسایی شد، ارزش آن را میتوان در هر زمان و یا آتی تعیین کرد. این ویژگی امواجی است که قابلیت پیش‌بینی برای اقدام قیمت سهام را فراهم می‌کند.

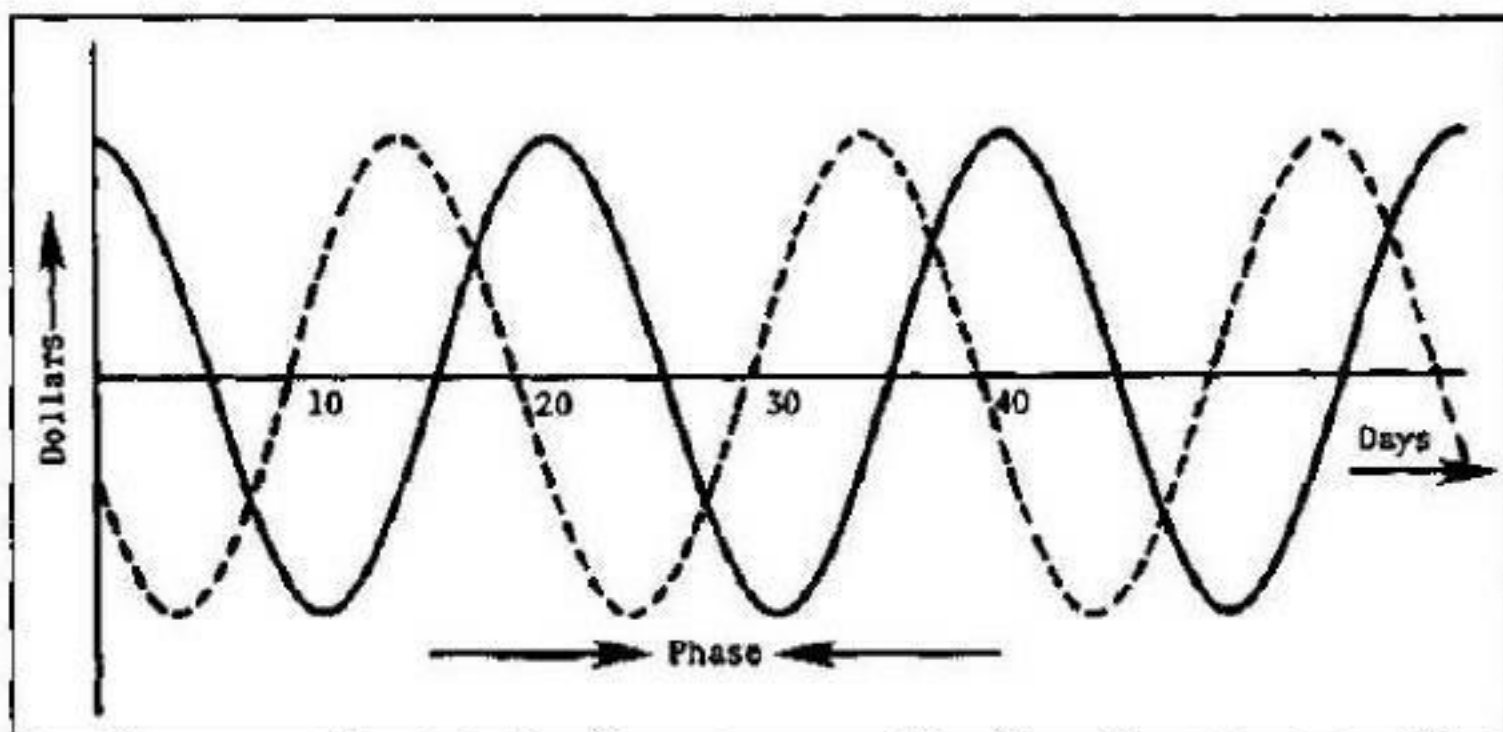
فازی که در همان زمان اتفاق می‌افتند، به تحلیلگر حلقوی اجازه می‌دهد تا روابط بین طول چرخه مختلف را مورد مطالعه قرار دهد. Phasing همچنین برای شناسایی تاریخ آخرین چرخه عمر مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، برای مثال، یک چرخه ۲۰ روزه، ۱۰ روز قبل، تاریخ چرخه بعدی را میتوان تعیین کرد. زمانی که دامنه، دوره و فاز یک چرخه مشخص می‌شوند، چرخه می‌تواند از لحاظ نظری در آتی پیش‌بینی شود. با فرض اینکه این چرخه نسبتاً ثابت باقی بماند، آنگاه می‌تواند برای تخمین پیک آتی و troughs استفاده شود. این اساس رویکرد چرخه‌ای به ساده‌ترین شکل آن است.



شکل ۵.۱۴ دامنه یک موج را نشان می‌دهد. در این شکل موج اغلب دلار (از منهای پنج دلار به علاوه پنج دلار) دارد. **Amplitude** همواره از دامنه‌های موج تا تاج موج اندازه‌گیری می‌شود.



شکل ۶.۱۴ دوره یک موج. در این شکل، این موج دارای یک دوره ۲۰ روزه است که نشان داده می‌شود که بین دو troughs موج متوالی اندازه‌گیری شده‌است. این دوره زمانی می‌تواند بین قله‌های موج اندازه‌گیری شود. اما در مورد امواج قیمت، troughs موج معمولاً به طور واضح‌تری نسبت به قله‌های موج برای دلایلی که بعداً مورد بحث قرار می‌گیرند، تعریف می‌شوند. در نتیجه، دوره‌های موج قیمت‌ها اغلب از ناوه به آبشخور اندازه‌گیری می‌شوند.

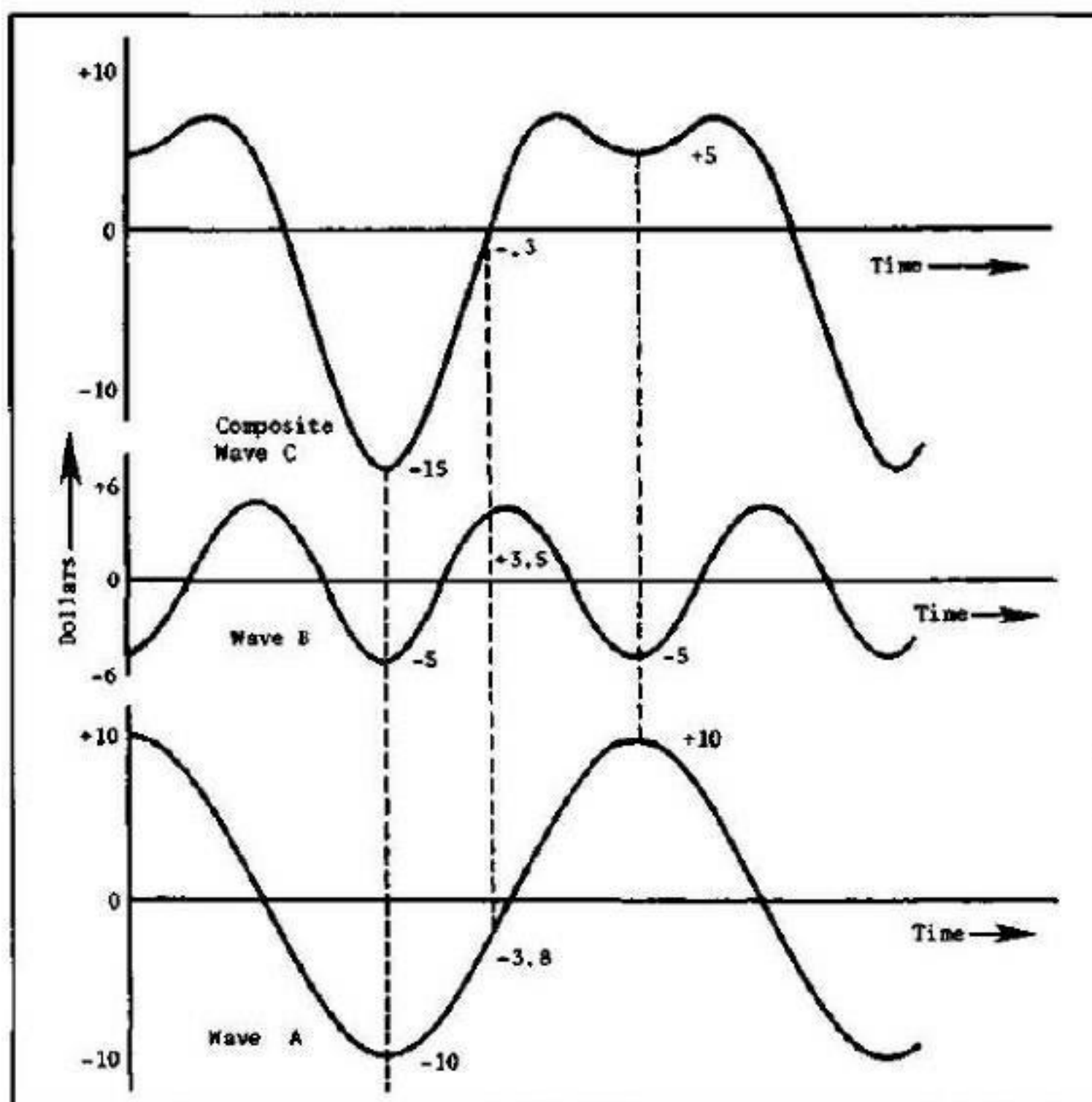


شکل ۱۴ - ۱۴ تفاوت فاز بین دو موج. تفاوت فاز بین دو موج نشان داده شده ۶ روز است. این تفاوت فاز بین the دو موج اندازه گیری می شود زیرا دوباره، troughs نقطه مناسبی برای شناسایی در مورد امواج قیمت هستند.

اصول Cyclic

Let's اکنون نگاهی به برخی از اصولی که بر فلسفه حلقوی قرار دارند، می اندازیم. چهار نکته مهم عبارتند از اصول of Harmonicity، Synchronicity و Proportionality.

اصل جمع نگه می دارد که تمام حرکت قیمت، افزودن ساده تمام سیکل های فعال است. نمودار نشان می دهد که چگونه الگوی قیمت در بالا با اضافه کردن دو چرخه متفاوت در پایین نمودار شکل می گیرد. به ویژه، ظاهر دو قله در موج ترکیبی C. نظریه چرخه های ثابت می کند که همه الگوهای قیمتی با تعامل دو یا چند چرخه متفاوت تشکیل می شوند. دوباره به این نقطه بر می گردیم. اصل خلاصه یک بینش مهم در منطق پیش بینی چرخه های به ما می دهد. فرض کنیم که تمام عملیات قیمت فقط مجموع طول چرخه های مختلف است. فرض کنید که هر یک از این چرخه ها باید ایزوله و اندازه گیری شوند. همچنین فرض کنید که هر یک از این چرخه ها به نوسان در آتی ادامه خواهند داد. سپس با ادامه هر چرخه به آتی و جمع بندی آنها دوباره، روند قیمت آتی باید نتیجه شود. یا



شکل ۸.۱۴: جمع دو موج. خطوط نقطه چین نشان می‌دهند که چگونه در هر نقطه زمانی، مقدار موج A به مقدار موج B اضافه می‌شود تا مقدار موج مرکب C را تولید کند.

اصل of به سادگی به این معنی است که امواج مجاور معمولاً با یک عدد کل کوچک مرتبط هستند. این عدد معمولاً دو عدد است. برای مثال، اگر یک سیکل ۲۰ روزه وجود داشته باشد، چرخه کوتاه بعدی معمولاً نصف طول یا ۱۰ روز طول خواهد داشت. چرخه بعدی بعدی ۴۰ روز خواهد بود. اگر به بحث در مورد قانون ۴ هفته‌ای رجوع کنید (فصل ۹)، اصل هارمونیک‌ها به منظور توضیح اعتبار استفاده از یک قانون ۲ هفته‌ای و طول ۸ هفته بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

ادوار چرخه‌های زمان

اصل of به تمایل شدید امواج با طول متفاوت به پایین در همان زمان اشاره می‌کند. شکل ۱۴ - ۱۴ به معنای نشان دادن هر دو harmonicity و انطباق است. موج B در پایین نمودار نصف طول موج A است. موج A شامل دو دوره از موج کوچک‌تر B است که harmonicity بین دو موج را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که در هنگام موج A، موج B تمایل دارد که همان کار را انجام دهد و هماهنگی بین دو را نشان می‌دهد. Synchronicity همچنین به این معنی است که طول چرخه مشابه بازارهای مختلف تمایل به بازگشت به هم دارد.

اصل Proportionality رابطه بین دوره تناوب و دامنه را توصیف می‌کند. دوره‌های طولانی‌تر (طول) باید به نسبت دامنه وسیع‌تری داشته باشند. برای مثال دامنه یا ارتفاع یک سیکل ۴۰ روزه باید حدود دو برابر یک سیکل ۲۰ روزه باشد.

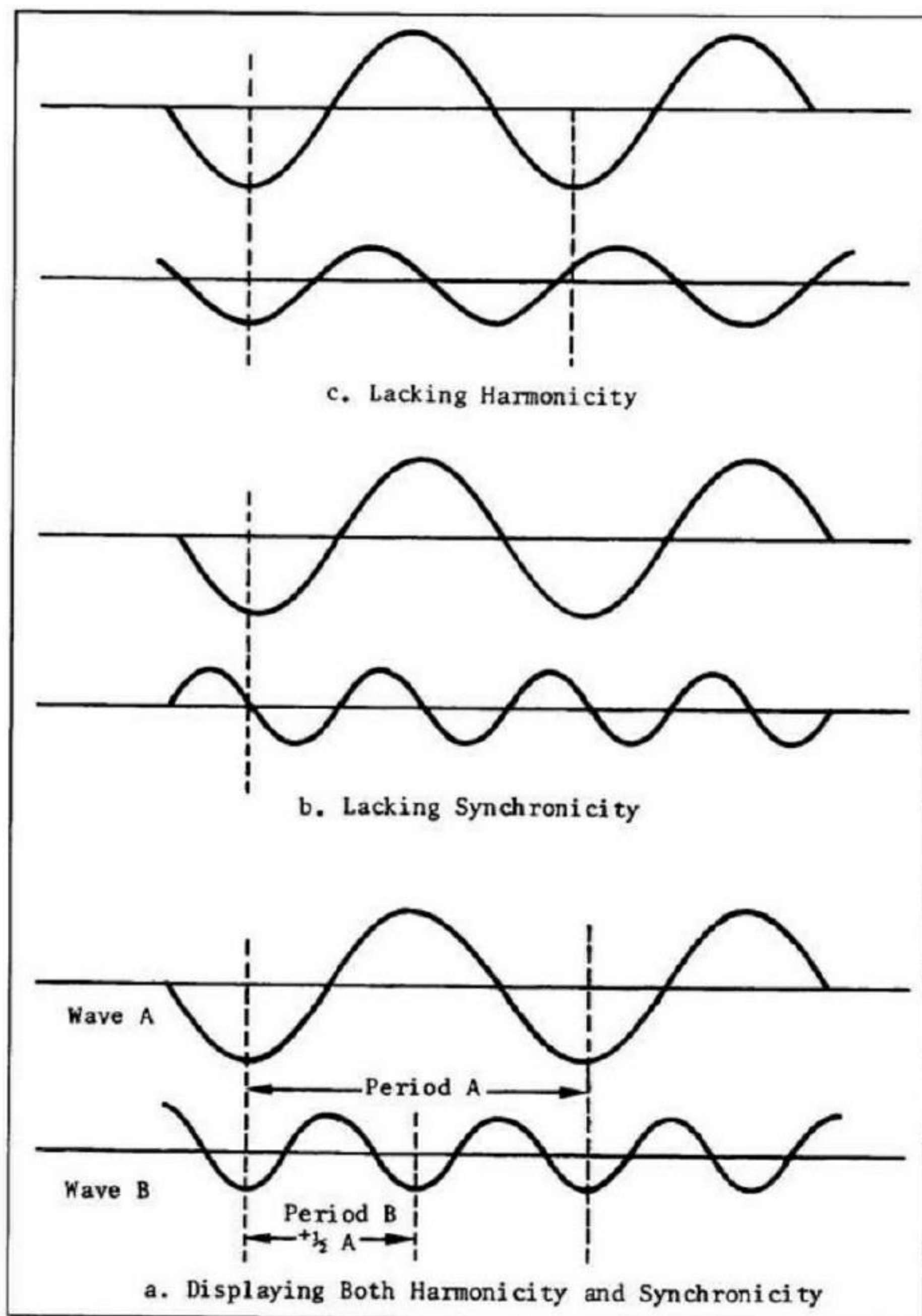
اصول تنوع و تنوع زیستی

دو اصل چرخه‌ای دیگر وجود دارند که رفتار چرخه را به طور کلی‌تر توصیف می‌کنند - اصول تنوع و Nominality.

اصل تنوع، همانطور که این نام نشان می‌دهد، یک تعریف recog از این حقیقت است که همه اصول چرخه‌ای دیگر قبلاً ذکر شده، summation، synchronicity، و proportionality - فقط روندها قوی دارند و نه قوانین سخت و سریع. برخی تغییرات می‌توانند و معمولاً در دنیای واقعی رخ می‌دهند.

اصل of بر این فرض استوار است که، با وجود تفاوت‌هایی که در بازارهای مختلف وجود دارد و امکان تغییر در اجرای اصول چرخه‌ای وجود دارد، به نظر می‌رسد مجموعه اسمی از چرخه‌های مربوط به harmonically وجود داشته باشد که بر همه بازارها تاثیر می‌گذارند. و این مدل اسمی از طول چرخه می‌تواند به عنوان نقطه شروع در تحلیل هر بازاری استفاده شود. شکل ۱۴.۱۰ نسخه ساده شده این مدل اسمی را نشان می‌دهد. این مدل با یک چرخه ۱۸ ساله شروع می‌شود و برای هر چرخه به ترتیب کم‌تر از طول خود پیش می‌رود. تنها استثنا، رابطه بین ۵۴ تا ۱۸ ماه است که به جای نیم، یک سوم است.

هنگامی که ما طول چرخه مختلف را در بازارهای منفرد بررسی می‌کنیم، خواهیم دید که این مدل اسمی بیش‌ترین فعالیت چرخه‌ای را در نظر می‌گیرد. اکنون، به ستون "روزها" نگاه کنید. توجه



شكل ١٤ - ١٤ Harmonicity و انطباق.

Years	Months	Weeks	Days
18			
9			
	54		
	18		
		40	
		20	
			80
			40
			20
			10
			5

شکل ۱۴-۱۰ مدل اسمی ساده شده.

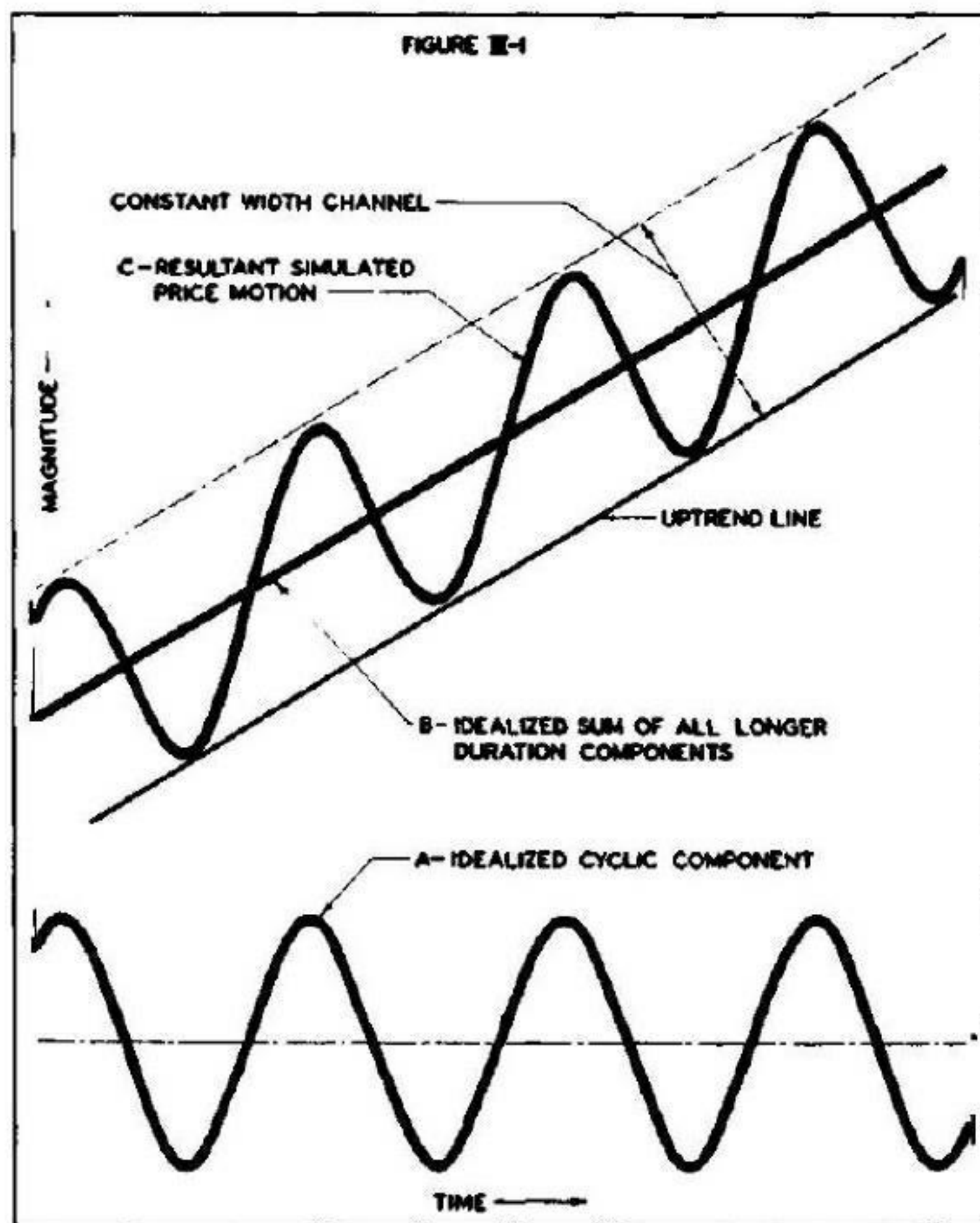
۴۰، ۲۰، ۱۰ و ۵ روز. شما بلافاصله متوجه خواهید شد که این اعداد بیشتر طول میانگین متحرک را محاسبه می‌کنند. حتی the شناخته‌شده ۴، ۹ و ۱۸ روز به طور میانگین یک تغییر از اعداد ۵، ۱۰ و ۲۰ روز است. بسیاری از oscillators از ۵، ۱۰ و ۲۰ روز استفاده می‌کنند. حمله قاعده هفتگی از اعداد یک‌سان به ۲، ۴ و ۸ هفته استفاده می‌کند.

چگونه میتوان از تکنیک‌های charting استفاده کرد؟

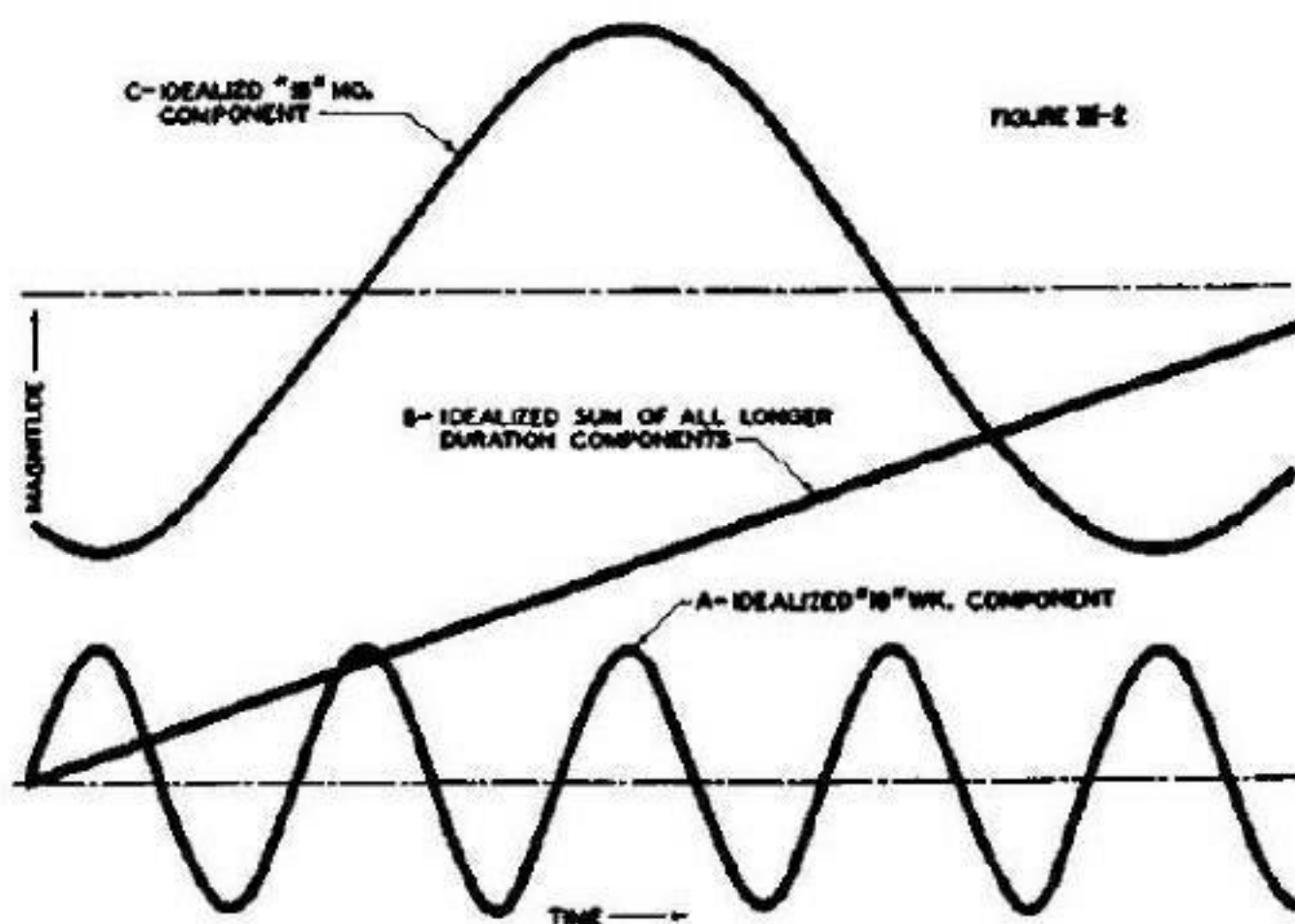
فصل ۳ در کتاب Hurst's جزئیات بسیار زیادی را توضیح می‌دهد که چگونه استاندارد و کانال‌ها، الگوهای چارت، و میانگین متحرک - می‌تواند بهتر درک شده و برای مزیت بیشتر زمانی که هماهنگ با cyclical باشد، استفاده شود. شکل ۱۱.۱۴ به توضیح وجود کانال‌ها و کانال‌ها کمک می‌کند. موج مسطح در امتداد کف به یک کانال قیمت رو به بالا تبدیل می‌شود که با یک خط رو به بالا بیان می‌شود که نشان‌دهنده دوره بلند مدت است. توجه داشته باشید که چه میزان طول چرخه افقی در پایین نمودار شبیه یک نوسان‌ساز است.

شکل ۱ - ۲ نشان می‌دهد که چگونه یک الگو با ترکیب دو چرخه

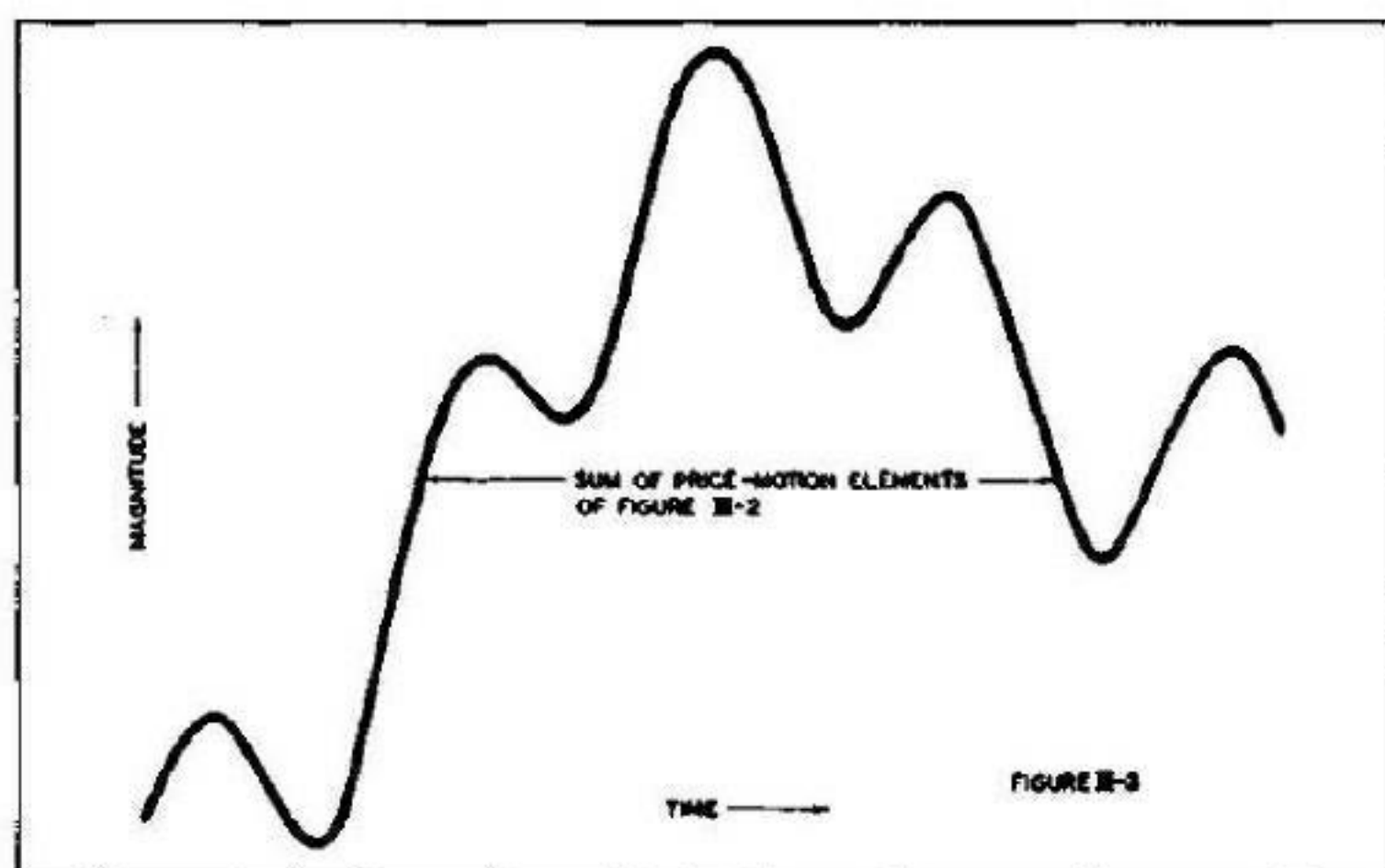
شکل می‌گیرد



شکل ۱۱.۱۴ تشکیل کانال. (منبع: هرست، J.M.، The سود معاملات
معاملات سهام [Cliffs Englewood، نیوجرسی]: پرنٹیس هال، Inc.
۱۹۷۰).



شکل ۱۴، ۱۲ یک مولفه دیگر را اضافه می‌کند. (منبع: هرست، J.M، مجیک سود of Stock
 Stock، نیوجرسی: انتشارات پرنفیس هال، Inc.، ۱۹۷۰)



شکل ۱۴، ۱۲ b اصل summation اعمال شده است. (منبع: هرست، J.M، مجیک سود of
 Stock، نیوجرسی: انتشارات پرنفیس هال، Inc.، ۱۹۷۰)

طول مدت با افزایش قیمت قیمت: "طول مدت":
 اجزا. هرست ادامه می دهد تا دو قله، مثلث ها، پرچم های افراشته را توضیح دهد. برای مثال "V" بالا یا پایین، برای مثال، زمانی رخ می دهد که یک چرخه میانی همزمان به زمان طولانی تر و چرخه های کوتاه مدت بعدی تبدیل شود.

هرست نیز به این مساله می پردازد که چگونه میانگین متحرک می تواند مفید باشد اگر طول آن ها با طول چرخه غالب همگام سازی شود. دانش آموزان از تکنیک های ترسیم سنتی باید بینش بیشتری در مورد این که چگونه این تصاویر چارت معروف شکل می گیرند و شاید هم این که چرا با خواندن این فصل کار می کنند، با عنوان "تایید الگوهای چارت شما"، کسب کنند.

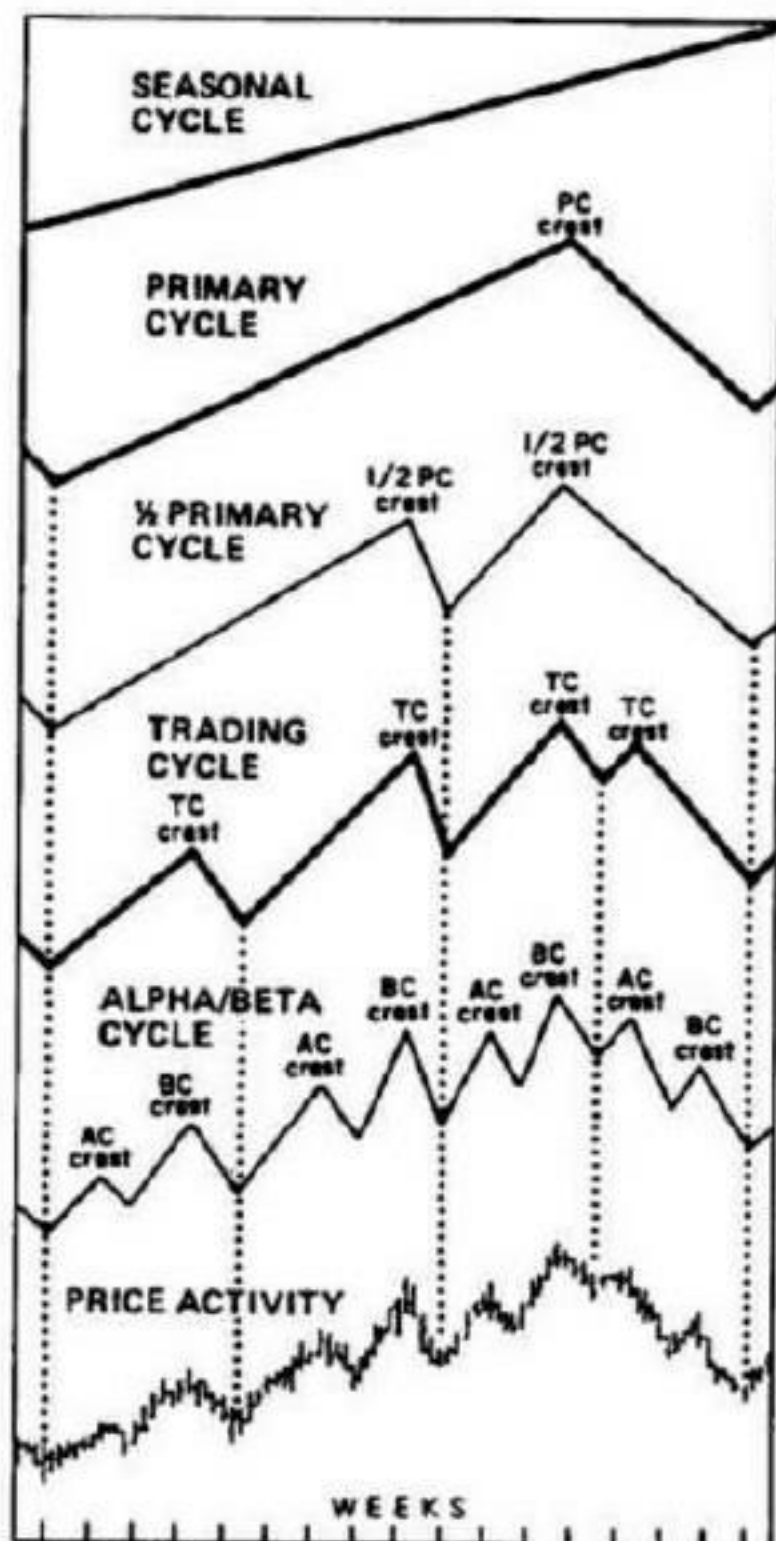


Figure 14.13 (Source: *The Power of Oscillator/Cycle Combinations* by

چرخه های مختلفی وجود دارند که بر بازارهای مالی تاثیر می گذارند. تنها موارد ارزش واقعی برای اهداف پیش بینی چرخه غالب هستند. چرخه های غالب آن هایی هستند که به طور مداوم بر قیمت ها تاثیر می گذارند و می توانند به وضوح مشخص شوند. اکثر بازارهای آتی حداقل پنج چرخه غالب دارند. در فصل قبل در مورد استفاده از جداول بلند مدت، تاکید شد که تحلیل تکنیکال باید با تصویر بلند مدت شروع شود، به تدریج به سمت دوره کوتاه تر کار کند. این اصل در مطالعه چرخه های صادق است. روش صحیح شروع است

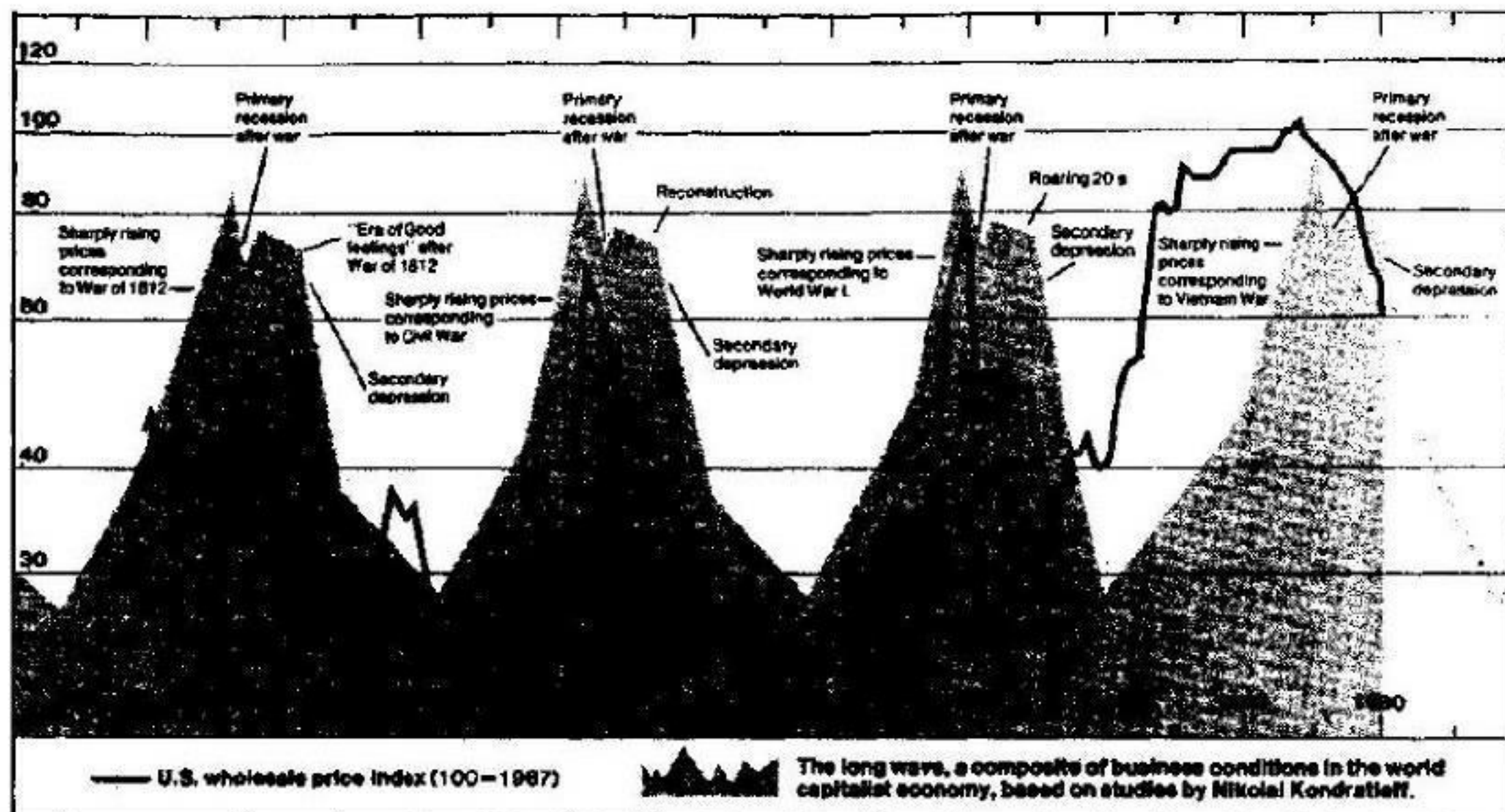
تحلیل با یک مطالعه از چرخه‌های بلند مدت، که می‌تواند چندین سال طول بکشد، سپس به سمت میانی حرکت می‌کند که می‌تواند چندین هفته تا چند روز طول بکشد؛ در نهایت، مدت‌زمان بسیار کوتاه، از چندین ساعت تا چند روز، می‌تواند برای زمان‌بندی نقاط ورود و خروجی و کمک به تایید نقاط عطف چرخه‌های طولانی‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

دسته‌بندی دوره‌ها

دسته‌های کلی عبارتند از: چرخه‌های بلند مدت (۲ یا چند سال طول)، چرخه فصلی (۱ تا ۲۶ هفته)، و چرخه تجاری (۴ هفته). این چرخه تجاری به دو چرخه آلفا و بتا کوتاه‌تر تقسیم می‌شود که به طور متوسط ۲ هفته به طول می‌انجامد. (برچسب‌های اولیه، بازرگانی، Alpha و بتا توسط والت Bressert برای توصیف طول چرخه مختلف استفاده می‌شوند) (مراجعه به شکل ۱۳.۱۴).

موج Kondratieff

حتی چرخه‌های طولانی‌تری در محل کار وجود دارد. شاید شناخته‌شده‌ترین چرخه عمر ۵۴ ساله باشد. این چرخه طولانی فعالیت اقتصادی، اولین بار توسط یک اقتصاددان روس در دهه ۱۹۲۰ توسط نام نیکولای D کشف شد. به نظر می‌رسد که Kondratieff تاثیر عمده‌ای بر تمام قیمت کالاها و کالاها داشته باشد. به طور خاص، یک چرخه ۵۴ ساله با نرخ بهره، مس، پنبه، گندم، سهام و قیمت عمده‌فروشی کالا شناسایی شده‌است. Kondratieff "موج بلند" خود را از سال ۱۷۸۹ با استفاده از چنین عواملی چون قیمت کالاها، تولید آهن خوک و دست‌مزد کارگران کشاورزی در انگلستان دنبال کرد. (مراجعه به شکل ۱۴.۱۴). چرخه Kondratieff در سال‌های اخیر به یک موضوع محبوب تبدیل شده‌است، در وهله اول به خاطر این واقعیت که آخرین مرحله آن در دهه ۱۹۲۰ رخ داده‌است، و تاپ بعدی آن مدت‌ها است که به تعویق افتاده‌است. خود Kondratieff برای دیدگاه چرخه‌ای خود از اقتصادهای سرمایه‌داری یک قیمت سنگین پرداخت کرد. اعتقاد بر این است که او در یک اردوگاه کار سیبری کشته شده‌است. برای اطلاعات بیشتر، چرخه موج بلند (Kondratieff) را ببینید که به وسیله گی دانیلز ترجمه شده‌است. (دو کتاب دیگر در مورد این موضوع عبارتند از موج کی بار دیوید بارکر و چرخه بزرگ توسط دیک Stoken).



۱. نشان می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر، چرخه موج بلند توسط نیکولای
 توسط گای دانیلز (نیویورک: ریچاردسون و اسنایدر، ۱۹۸۴) ترجمه شده‌است.
 روسی است. © Copyright ۱۹۸۴ توسط شرکت نیویورک تایمز. چاپ
 ، ۱۹۸۴، p. Fl (جی)

<https://www.file4.ir>

ImenDoc.Com

lengths چرخه عمر

به عنوان یک قاعده کلی، دوره‌های بلند مدت و فصلی، روند اصلی بازار را تعیین می‌کنند. بدیهی است که اگر یک چرخه دو ساله مناسب باشد، می‌توان انتظار داشت که حداقل یک سال پیشرفت کند و از ناوه خود به تاج خود اندازه‌گیری شود. بنابراین، چرخه طولانی‌مدت تاثیر عمده‌ای در جهت بازار وارد می‌کند. بازارها همچنین دارای الگوهای فصلی سالانه هستند که به این معنی است که آن‌ها در زمان‌های خاصی از سال به اوج یا ناوه تمایل دارند. برای مثال، بازارهای گندم معمولاً نقطه کم خود را در زمان برداشت و تجمع از آنجا هدف قرار می‌دهند. حرکت‌های فصلی معمولاً چند ماه طول می‌کشد.

برای اهداف تجاری، چرخه اولیه هفتگی the است. چرخه ۳ تا ۶ ماهه معادل روند میانی است و به طور کلی تعیین می‌کند که کدام طرف یک بازار برای تجارت است. چرخه کوتاه بعدی، چرخه تجاری ۴ هفته‌ای، برای ایجاد نقاط ورود و خروج در جهت روند اولیه استفاده می‌شود. اگر روند اولیه بالا باشد، troughs در چرخه تجاری برای خرید استفاده می‌شود. اگر روند اولیه پایین باشد، crests های تجاری باید کوتاه فروخته شوند. هر ۱۰ سیکل آلفا و بتا می‌تواند برای تنظیم دقیق‌تر بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. (مراجعه به شکل ۱۳.۱۴).

اهمیت روند

مفهوم تجارت در جهت این روند در سراسر بدن تحلیل تکنیکال مورد تاکید قرار گرفته است. در فصل قبل، پیشنهاد شد که در صورت بالا بودن روند میانی، برای خرید استفاده شود، و آن کوتاه‌مدت در downtrends فروخته خواهد شد. در فصلی در تیوری موج الیوت، اشاره شد که پنج حرکت موج تنها در جهت روند بعدی بعدی رخ می‌دهد. بنابراین، ضروری است که از هر روش کوتاه‌مدت برای اهداف زمانبندی برای اولین بار جهت تعیین مسیر بعدی بعدی و سپس تجارت در جهت آن روند طولانی‌تر استفاده کنیم. این مفهوم در چرخه‌های صادق است. روند هر چرخه با جهت چرخه بعدی خود تعیین می‌شود. یا به عبارت دیگر، زمانی که روند چرخه طولانی‌تر ایجاد می‌شود، روند چرخه بعدی کوتاه‌تر شناخته می‌شود.

چرخه تجاری ۲۸ روزه در کالاها

یک چرخه کوتاه مهم وجود دارد که تمایل دارد بیشتر بازارهای کالا را تحت تاثیر قرار دهد - چرخه تجاری ۲۸ روزه. به عبارت دیگر، اغلب بازارها تمایل به تشکیل چرخه تجاری در هر ۴ هفته دارند. یک توضیح ممکن برای این تمایل حلقوی قوی در همه بازارهای کالا، چرخه ماه است. برتون Pugh در دوره ۲۸ روزه در بازار گندم در دهه ۱۹۳۰ (علم و اسرار تجارت گندم، لمبرت - Gann, WA Pomeroy, ۱۹۷۸, orig) مطالعه کرد. (۱۹۳۳) و نتیجه گیری کرد که ماه تاثیر زیادی بر روی نقاط عطف بازار داشته است. نظریه او این بود که گندم باید در ماه کامل خریداری شود و در ماه نو به فروش برسد. با این حال، Pugh اذعان کرد که تاثیرات ماه ملایم بوده و می توان اثر چرخه های طولانی تر یا رویدادهای مهم خبری را نادیده گرفت.

این که آیا ماه چیزی برای انجام این کار دارد یا نه، یک چرخه روز ۲۸ روزه وجود دارد و بسیاری از اعداد مورد استفاده در توسعه شاخص های بلند مدت و سیستم های تجاری را توضیح می دهد. اول از همه، چرخه روز ۲۸ روزه براساس روزه ای تقویمی انجام می شود. این که به روز معاملات واقعی ترجمه شود، به ۲۰ عدد تبدیل می شود. ما قبلاً در مورد این که چه تعداد از میانگین ها، oscillators، و قوانین هفتگی بر پایه تعداد ۲۰ و harmonically مربوط به چرخه های کوتاه تر، ۱۰ و ۵ قرار دارند، نظر کرده ایم. میانگین متحرک ۵، ۱۰ و ۲۰ روز به طور گسترده همراه با مشتقات آنها، ۴، ۹ و ۱۸ استفاده می شود. بسیاری از بازرگانان از میانگین حرکت روزانه ۱۰ و ۴۰ روز استفاده می کنند، که تعداد ۴۰ نفر بعدی مربوط به چرخه طولانی تر است که دو برابر طول ۲۰ است.

در فصل ۹، ما در مورد سوددهی قاعده ۴ هفته ای که توسط ریچارد Donchian توسعه یافت بحث کردیم. زمانی که یک بازار highs ۴ هفته جدید و یک سیگنال فروش را در زمانی که یک هفته پایین برقرار شد، یک علامت فروش را تعیین کرد، سیگنال خرید ایجاد شد. آگاهی از وجود یک چرخه تجاری ۴ هفته ای، بینش بهتری را در اهمیت این شماره ایجاد می کند و به ما کمک می کند درک کنیم که چرا قانون ۴ هفته ای در طول سال ها به خوبی کار کرده است. هنگامی که یک بازار از حجم بالای ۴ هفته قبلی تجاوز می کند، منطق چرخه به ما می گوید که حداقل یک چرخه طولانی تر (چرخه ۸ هفته ای) یک پایه دارد و بالا می رود.

چپ و راست

مفهوم ترجمه می تواند بسیار مفید و بسیار مفید آنالیز چرخه باشد. ترجمه چپ

و راست به ترجمه گفته می شود

انتقال قله‌های دور به سمت چپ یا راست نقطه میانی چرخه ایده‌آل. برای مثال، یک چرخه تجاری ۲۰ روزه از پایین تا پایین اندازه‌گیری می‌شود. پیک ایده‌آل باید ۱۰ روز در چرخه، یا در نیمه راه رخ دهد. این کار یک پیشرفت ۱۰ روزه و یک کاهش ۱۰ روزه خواهد بود. با این حال، قله‌های دور ایده‌آل به ندرت اتفاق می‌افتد. بیشتر تغییرات در چرخه‌ها در قله‌ها (یا crests) و نه در the رخ می‌دهد. به همین دلیل troughs برای اندازه‌گیری طول چرخه قابل‌اعتمادتر هستند و برای اندازه‌گیری طول چرخه به کار می‌روند.

The چرخه بسته به روند چرخه بعدی بعدی متفاوت عمل می‌کنند. اگر این روند بالا باشد، تاج چرخه به سمت راست نقطه میانی ایده‌آل منتقل می‌شود و باعث ترجمه درست می‌شود. اگر روند طولانی‌تر باشد، تاج چرخه به سمت چپ نقطه میانی تغییر می‌کند و باعث می‌شود که ترجمه شود. بنابراین ترجمه صحیح صعودی و چپ خشن است. باید در این باره فکر کنید. تنها چیزی که ما در اینجا می‌گوییم این است که در روند گاوبازی، قیمت‌ها زمان بیشتری را صرف بالا رفتن از پایین می‌کنند. در روند حمل و نقل، قیمت‌ها زمان بیشتری را صرف پایین رفتن از بالا می‌کنند. آیا این تعریف اصلی یک روند است؟ فقط در این مورد، ما در مورد زمان به جای قیمت صحبت می‌کنیم. (مراجعه به شکل ۱۵.۱۴)

چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟

به منظور مطالعه چرخه‌های مختلف موثر بر هر بازار معین، لازم است که ابتدا هر چرخه حاکم را جدا کنیم. راه‌های مختلفی برای انجام این کار وجود دارد. ساده‌ترین راه برای بازدید بصری است. برای مثال، با مطالعه نمودارهای میله‌ای روزانه، شناسایی قله‌های واضح و bottoms در یک بازار ممکن است. با در نظر گرفتن دوره‌های زمانی متوسط بین those و bottoms، فواصل متوسط مشخصی را می‌توان یافت.

ابزارهایی وجود دارند که این کار را کمی آسان‌تر می‌کنند. یکی از این ابزارها Cycle Finder is است که نام آن برگرفته از مخترع آن استان استن Ehrlich (ECF ۱۱۲، Vida)، Novato، CA ۹۴۹۴۷ می‌باشد. The Cycle وسیله‌ای شبیه accordion است که می‌تواند در نمودار قیمت برای بازرسی دیداری قرار داده شود. فاصله بین نقاط همیشه یک نقطه است و می‌توان آن را گسترش داد و یا برای تناسب با هر طول چرخه منقبض شد. با طراحی فاصله بین هر دو چرخه واضح ممکن است به سرعت تعیین شود اگر چرخه دیگر پایین باشد.

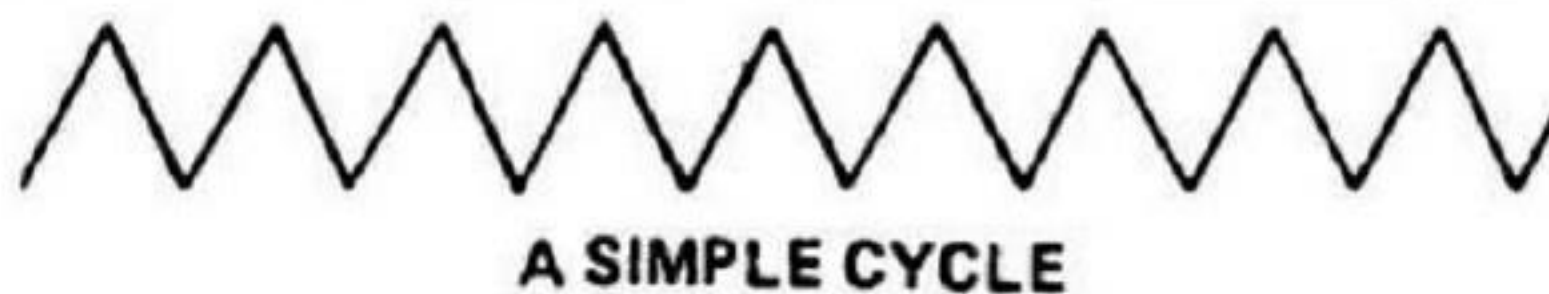
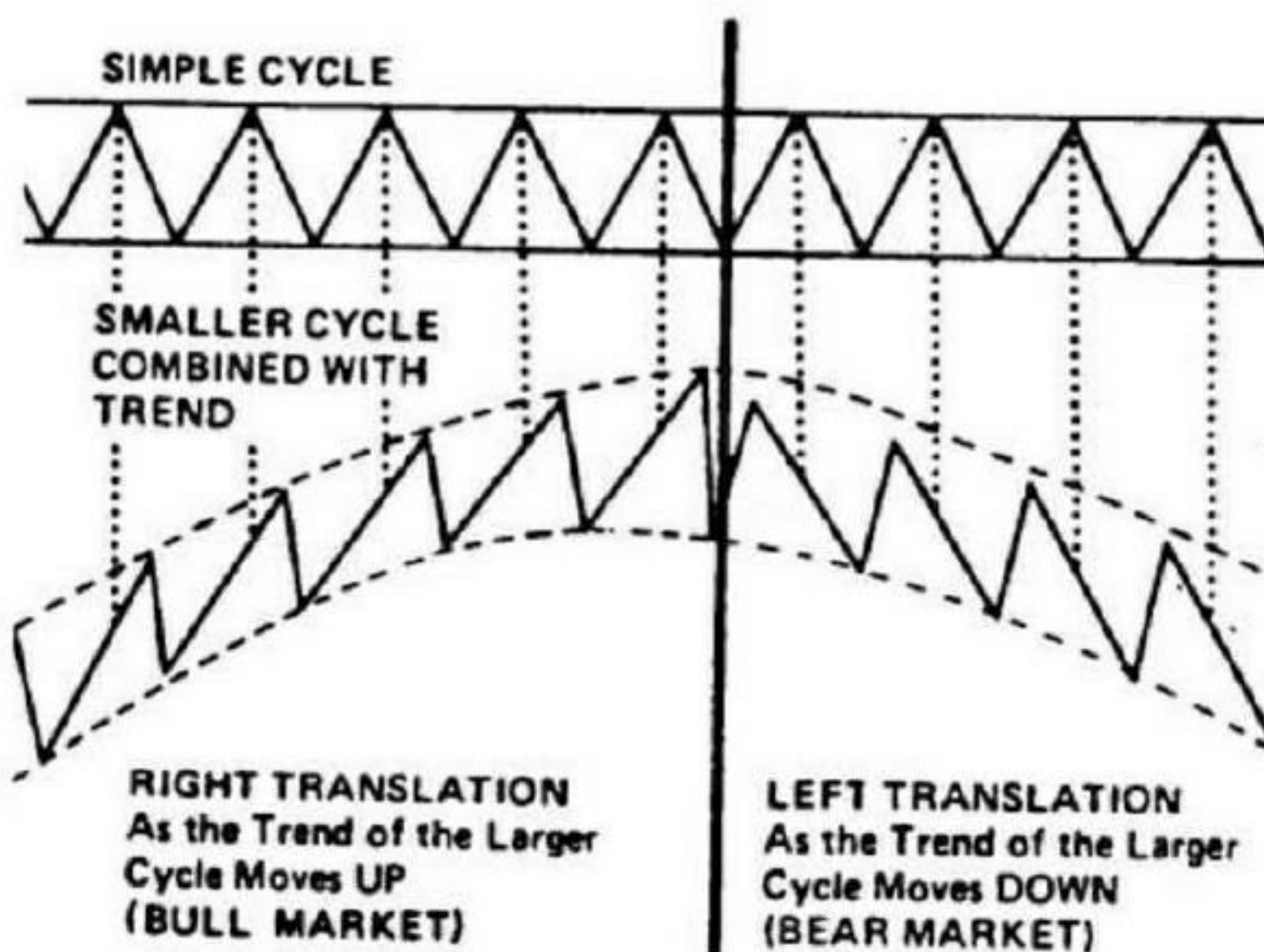


FIGURE A



FIGURE B

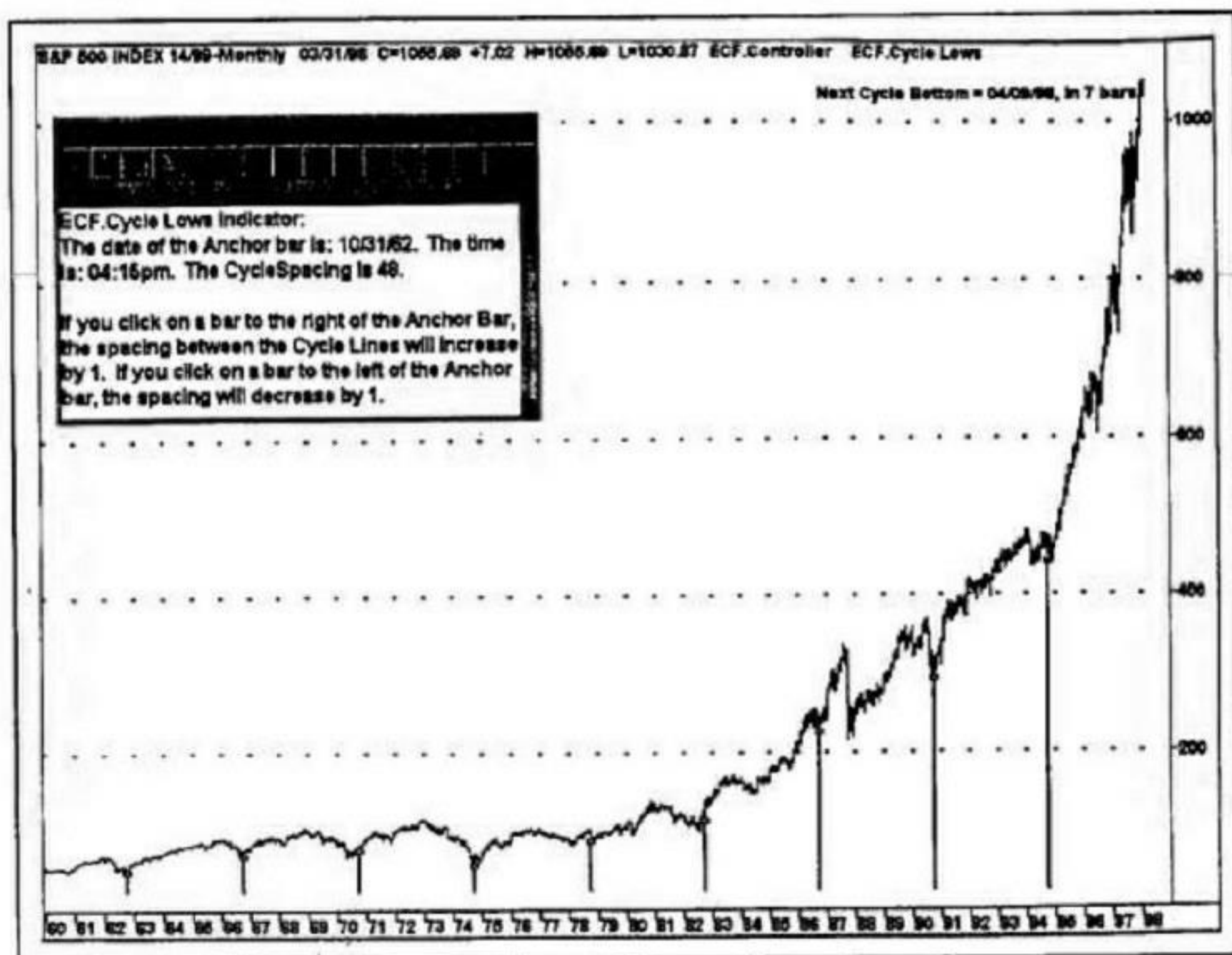


شکل ۱۵.۱۴ از ترجمه چپ و راست. شکل الف یک چرخه ساده را نشان می‌دهد. شکل B روند چرخه بزرگ‌تر را نشان می‌دهد. شکل C اثر ترکیبی را نشان می‌دهد. هنگامی که روند طولانی‌تر افزایش می‌یابد، midpeak به سمت راست تغییر می‌کند. وقتی که روند طولانی‌تر باشد، midpeak به سمت چپ تغییر می‌کند. حق transla صعودی، صعودی است، ترجمه چپ خشن است. (منبع: نیروی نوسان توان نوسان / چرخه توسط والت Bressert)

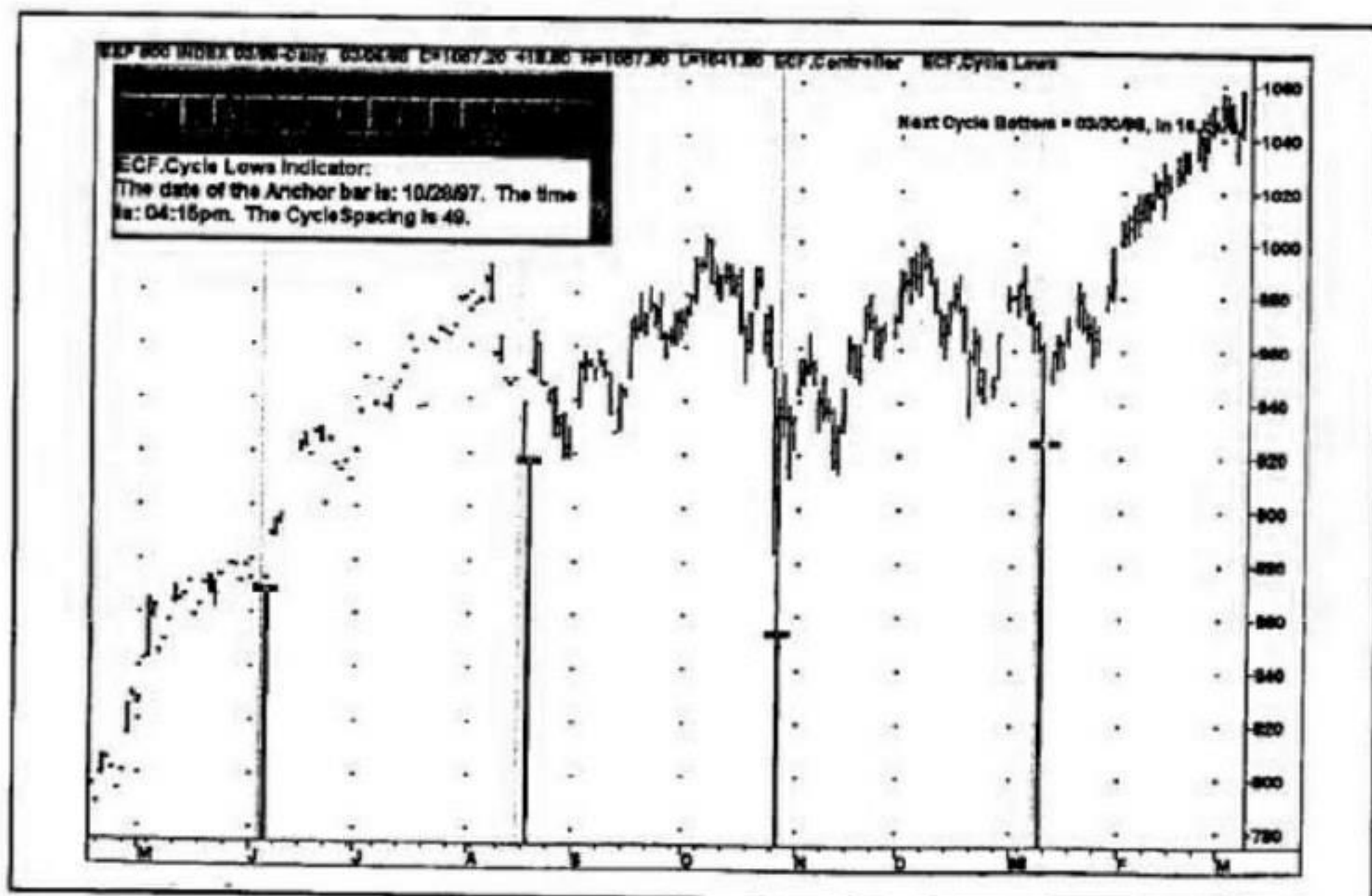
همان بلندی نیز وجود دارد. نسخه الکترونیکی این دستگاه که چرخه Ehrlich نامیده می‌شود در حال حاضر به عنوان تکنیک تحلیلی در ایستگاه تجاری Omega Research's و سوپر Charts (#۳ Research, خیابان Flagler غربی، سوئیت ۲۵۰، میامی، FL ۳۳۱۷۴) موجود است.

[۳۰۵] ۵۵۱ - ۹۹۹۱). (به شکل‌های ۱۶.۱۴ مراجعه کنید) - www.omegaresearch.com

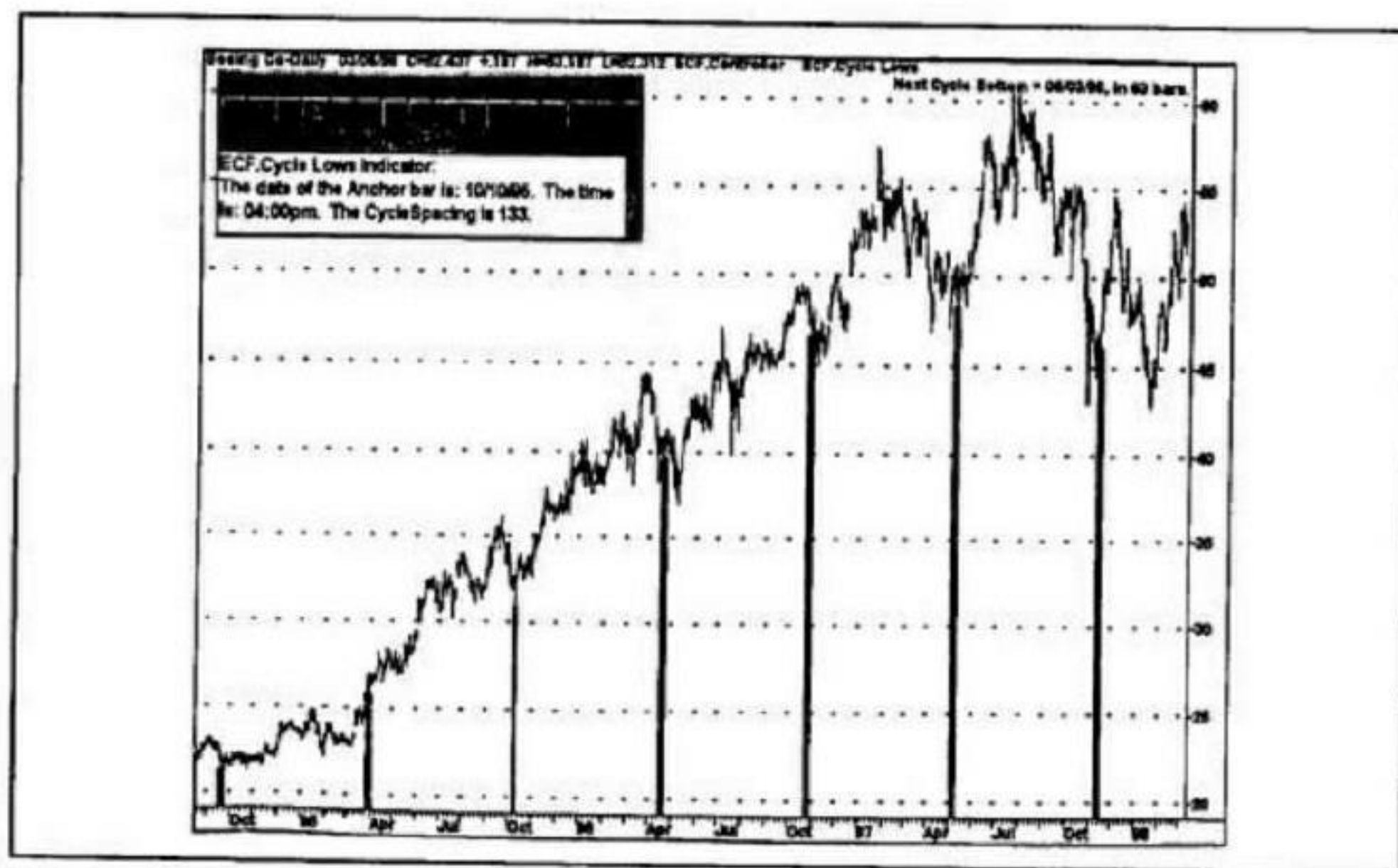
کامپیوترها می‌توانند به شما کمک کنند چرخه‌های بازرسی دیداری را پیدا کنید. کاربر ابتدا یک نمودار قیمتی روی صفحه نمایش می‌دهد. گام بعدی انتخاب یک پایین برجسته در چارت به عنوان نقطه شروع است. هنگامی که این کار انجام شود، خطوط عمودی (یا arcs) هر ۱۰ روز (مقدار پیش‌فرض) ظاهر می‌شوند. دوره‌های چرخه را میتوان طولانی‌تر و کوتاه کرد، یا به سمت چپ یا راست حرکت کرد تا چرخه مناسب را در نمودار پیدا کند. (به شکل‌های ۱۶.۱۴ و ۲۰.۱۴ مراجعه کنید)



شکل ۴ - ۴ چرخه ریاست جمهوری ۴ ساله به وضوح با چرخه Ehrlich
 چرخه Ehrlich (مراجعه به خطوط عمودی) مشخص می شود. اگر این
 چرخه هنوز کار کند، انتظار می رود که در طول سال ۱۹۹۸، مرحله بعدی
 پایین رخ دهد.

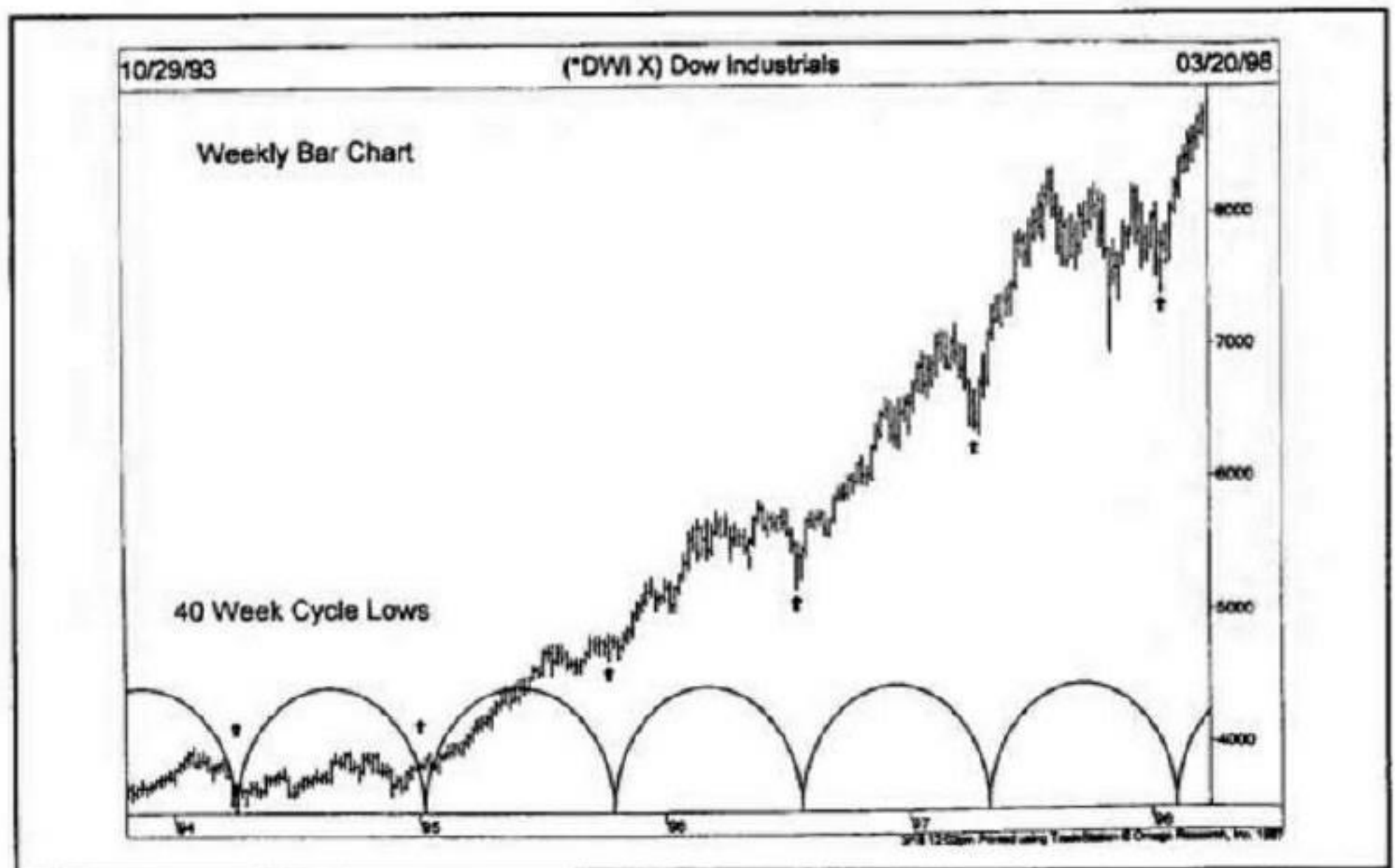


شکل ۱۷.۱۴ چرخه حیات Forecaster یک سیکل ۴۹ روزه را در قیمت & P P ۵۰۰ شناسایی کرده است (خطوط عمودی را مشاهده کنید). ECF تخمین می‌زند که سیکل بعدی کم‌تر از ۴۹ روز از آخرین سیکل تشکیل خواهد شد، که در ۳۰ مارس ۱۹۹۸ خواهد بود.

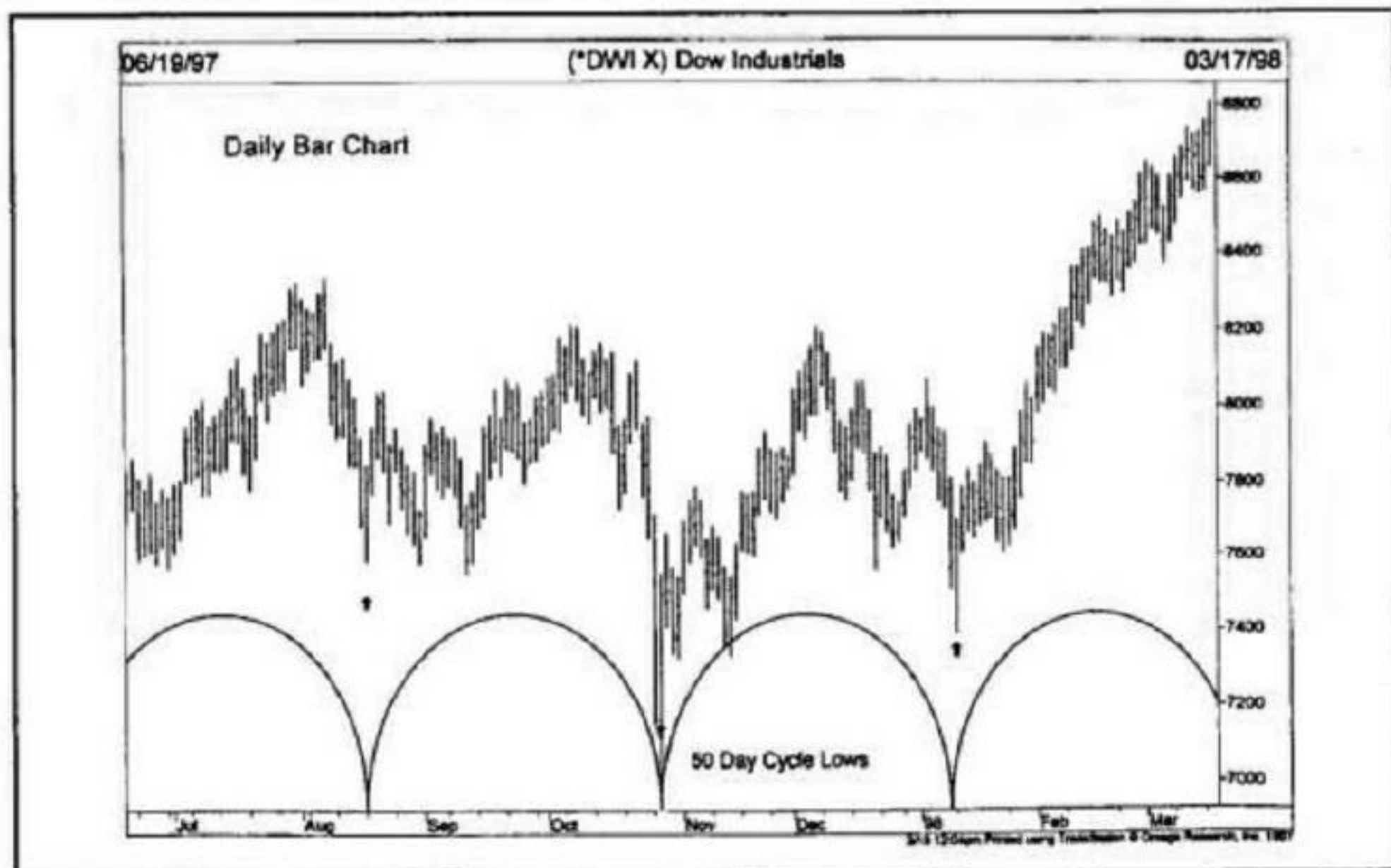


شکل ۱۸.۱۴ The یک سیکل ۱۳۳ روزه را در بوئینگ کشف کرده‌است
(خطوط verti را ببینید). از آنجاییکه آخرین چرخه در طول ماهه‌ای نوامبر
۱۹۹۷ رخ داد، the تخمین می‌زند که چرخه بعدی پایین قرار است ۱۳۳ روز
بعد در سوم ژوئن ۱۹۹۸ رخ دهد.

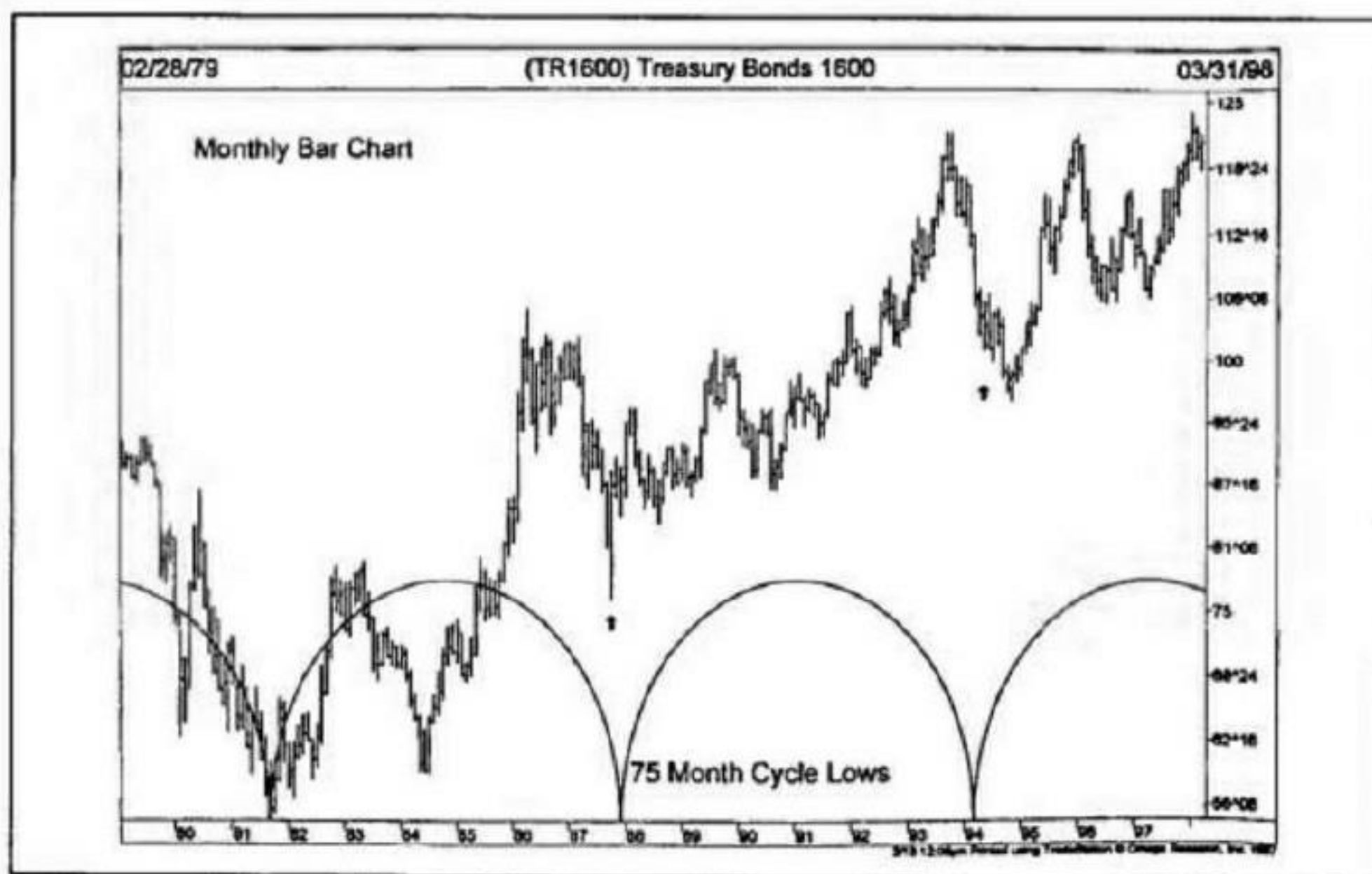
چارت بار هفتگی



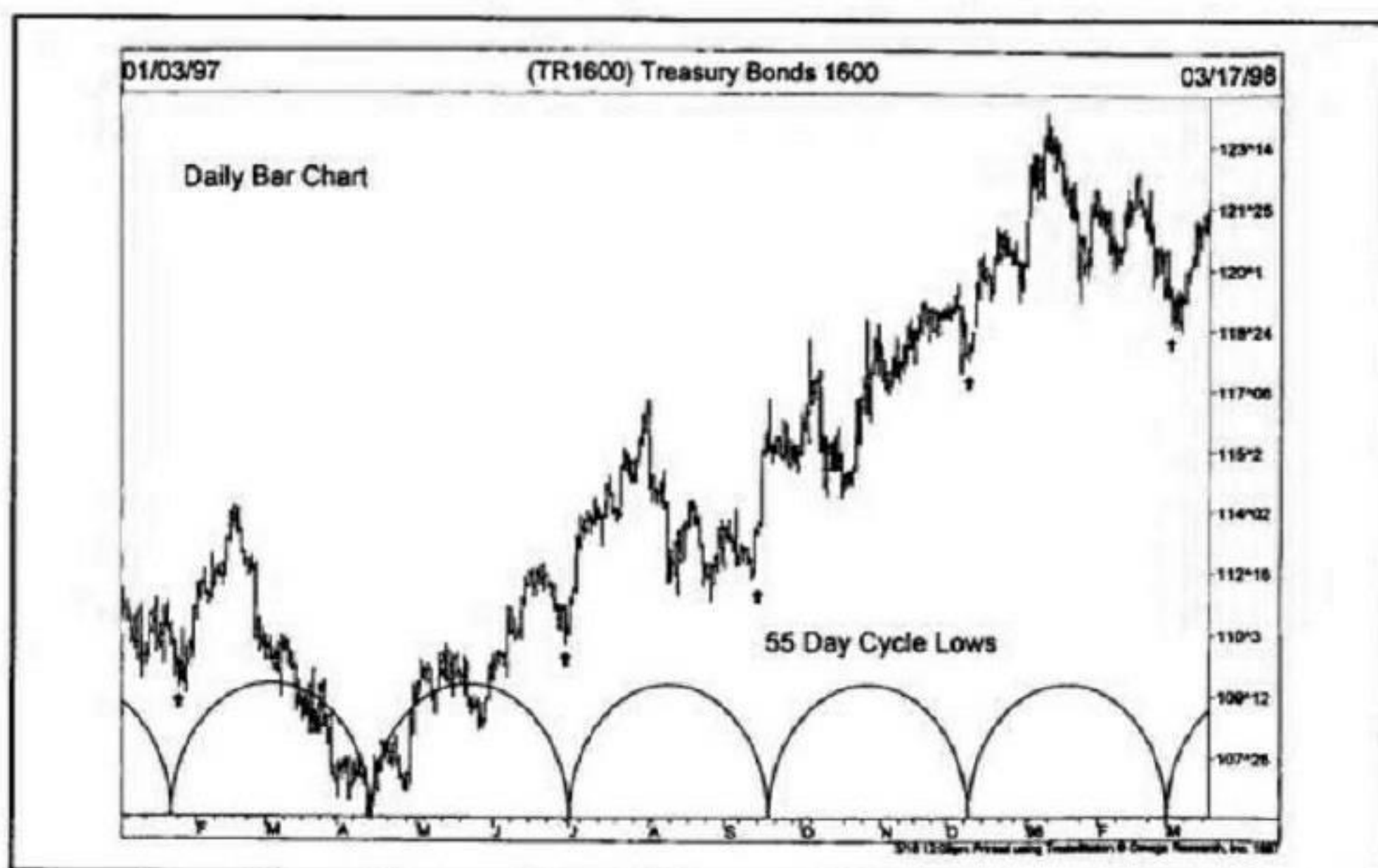
شکل ۹-۱۴ الف - انتهای این چرخه همزمان با شرایط واکنش مهم در داو زمانی که فاصله ۴۰ هفته از هم فاصله دارد، همزمان شده است. به این ترتیب یک چرخه ۴۰ هفته‌ای در داو وجود دارد. The دو چرخه آخر در بهار ۱۹۹۷ و آغاز سال ۱۹۹۸ بود (تیر را ببینید).



شکل ۱۴-۱۹ ب- در نیمه دوم ۱۹۹۷ و آغاز سال ۱۹۹۸، حضوری ۵۰ ساله در داو داو وجود دارد. ایده این است که قوس‌های خود را تغییر دهید تا زمانی که پایین آن‌ها با تعدادی از tion در نمودار قیمت مطابقت داشته باشد.



شکل ۲۰.۱۴ یک شروع با پایین اصلی در سال ۱۹۸۱ را نشان می‌دهد، حلقه یاب زنگ نشان می‌دهد که این اوراق تمایل به تشکیل bottoms مهم را در هر ۷۵ ماه (۲۵.۶٪) نشان داده‌اند. این اعداد ممکن است با زمان تغییر کنند، اما هنوز اطلاعات تجاری مفیدی را فراهم می‌کنند.



شکل ۲۰.۱۴ b در این نمودار روزانه نشان می‌دهد که برای هر ۵۵ روز معاملاتی در طول این دوره زمانی به ازای هر ۵۵ روز معاملاتی به ازای هر ۵۵ روز معاملاتی به پایین نشان داده می‌شود.

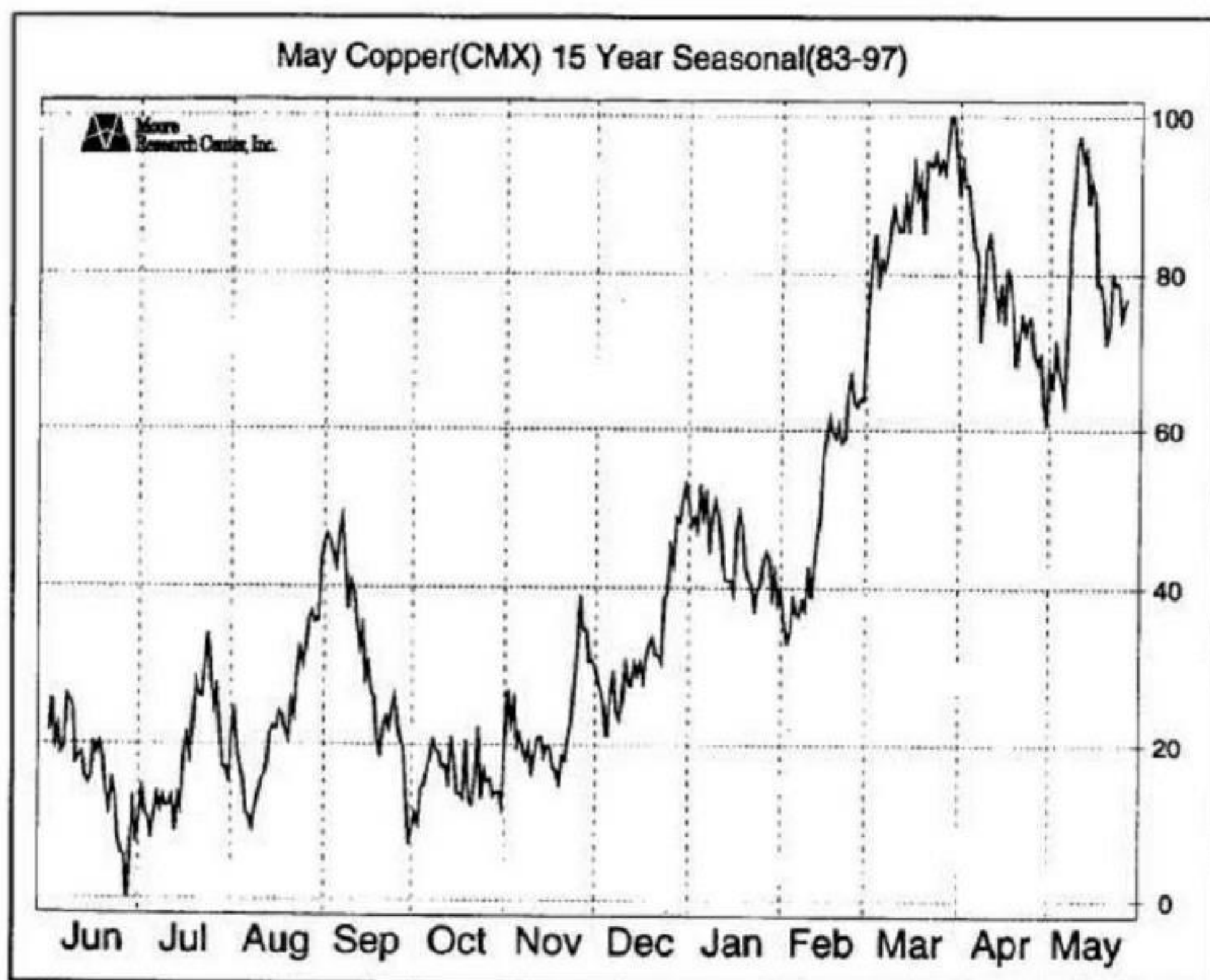
seasonal "cycles"

همه بازارها تا حدودی تحت تاثیر یک چرخه سالانه فصلی قرار دارند. چرخه فصلی به تمایل بازارها برای حرکت در جهت معین در بعضی اوقات سال اشاره دارد. The obvious شامل بازارهای گندم هستند که در آن کاهش فصلی معمولاً در زمان برداشت رخ می دهد زمانی که عرضه فراوان است. برای مثال، در سویا بیشترین فصلی بین ماههای آوریل و ژوئن با bottoms فصلی بین ماههای آگوست و اکتبر رخ می دهد. (مراجعه به شکل ۲۱.۱۴). یک الگوی فصلی شناخته شده، "وقفه در ماه فوریه" است که در آن قیمت دانه و سویا معمولاً از اواخر دسامبر یا اوایل ژانویه تا فوریه کاهش پیدا می کند.

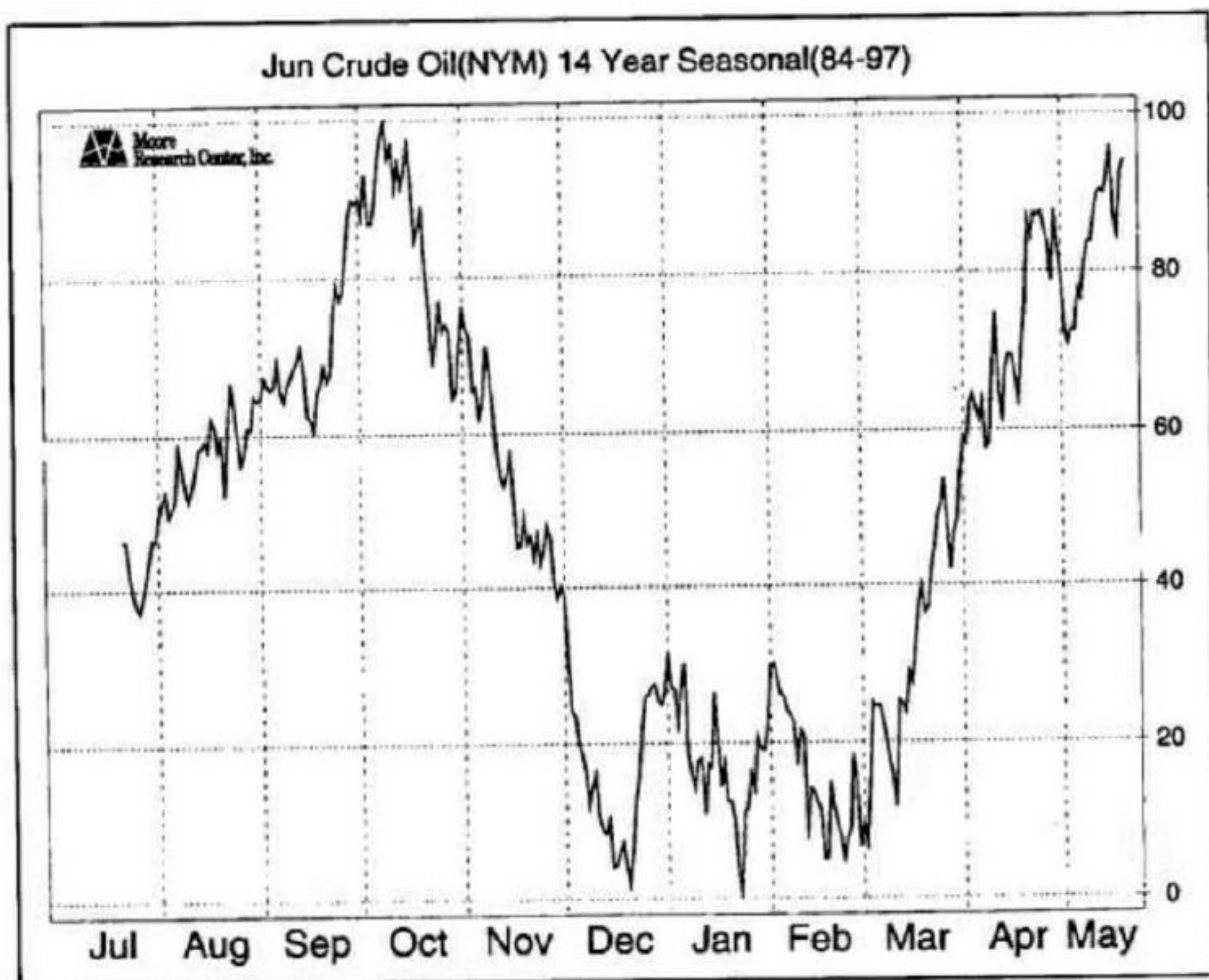


شکل ۲۱.۱۴ معمولاً در ماه مه و پایین در اکتبر اوج می گیرد.

هر چند که دلایل قله‌های فصلی و پایین در بازارهای کشاورزی مشهود است، اما همه بازارها الگوهای فصلی را تجربه می‌کنند. برای مثال، مس فصلی قوی فصلی از دوره ژانویه و فوریه را با تمایل به بالا در ماه مارس یا آوریل نشان می‌دهد. (مراجعه به شکل ۱۴.۲۲). نقره در ژانویه با قیمت‌های بالاتر در ماه مارس پایین است. طلا روند به پایین در ماه آگوست را نشان می‌دهد. محصولات نفتی در اکتبر و معمولاً تا پایان زمستان به اوج خود می‌رسند. (مراجعه به شکل ۱۴.۲۳). بازارهای مالی نیز الگوهای فصلی دارند.

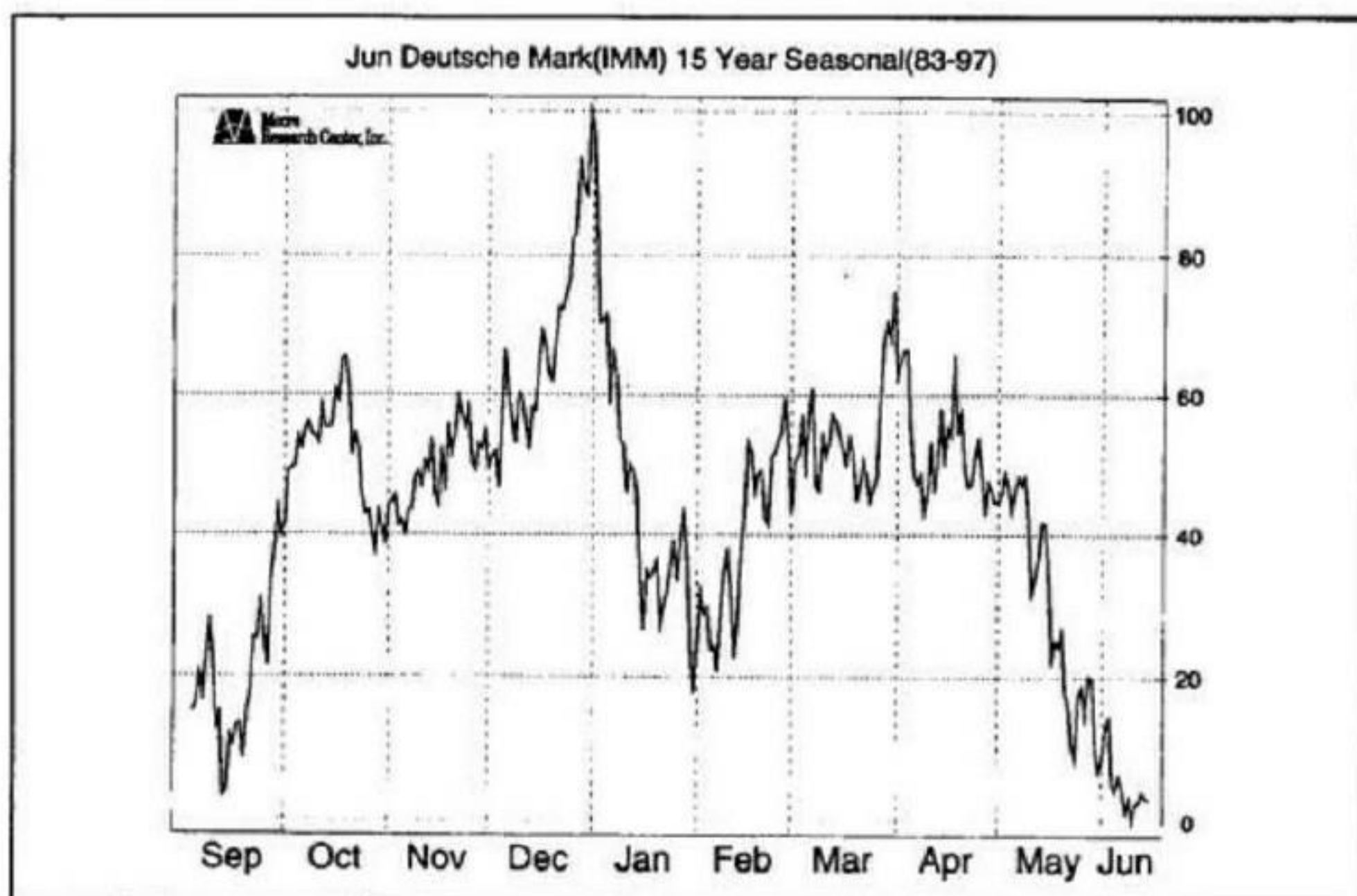


شکل ۲۲.۱۴ مس معمولاً در طول ماه‌های اکتبر و فوریه به bottoms می‌رسد، اما قله‌ها در طول ماه‌های آوریل تا مه.

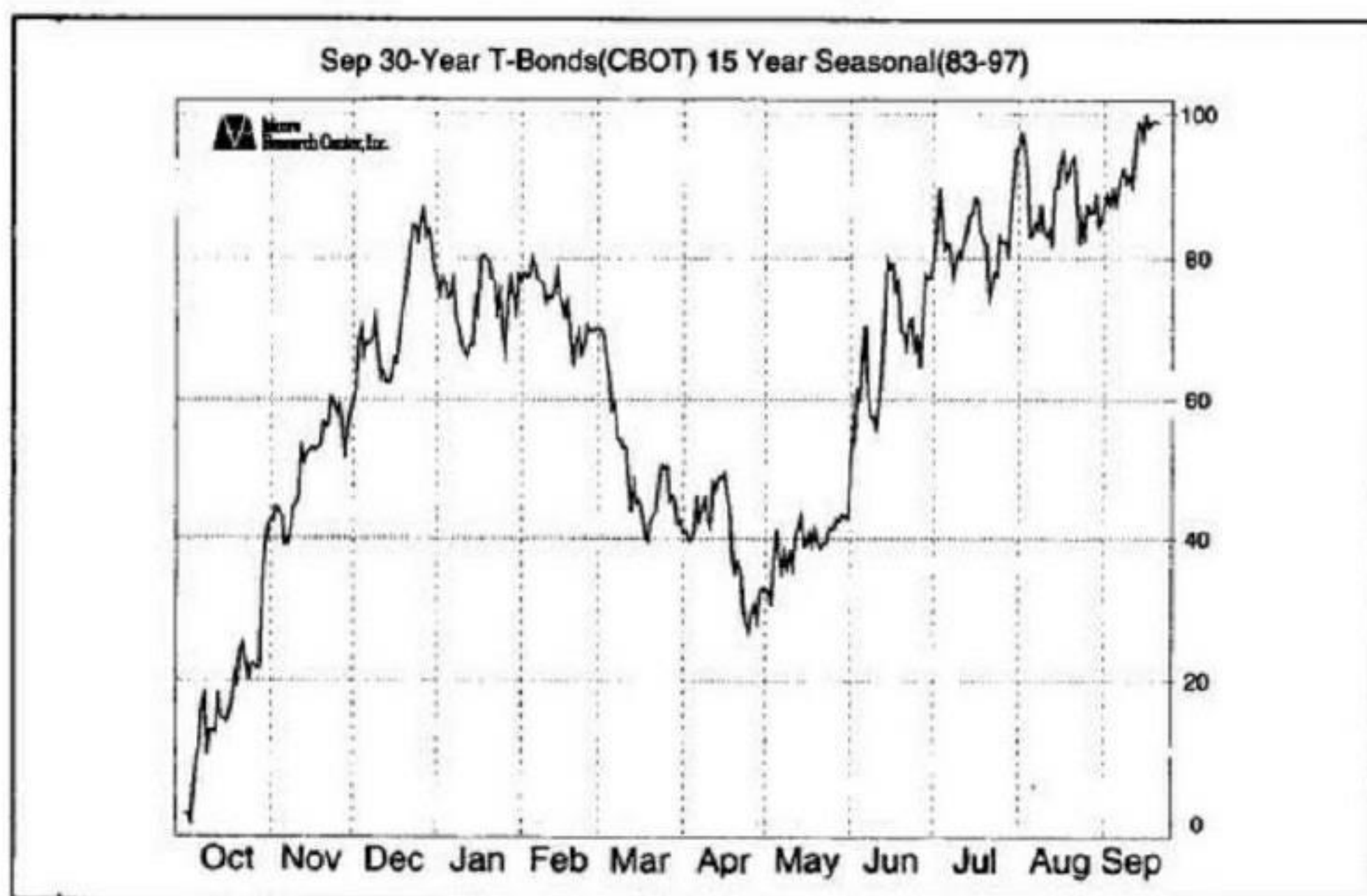


شکل ۲۳.۱۴ قیمت‌های نفت خام در طول اکتبر و در طی ماه مارس افزایش می‌یابد.

دلار آمریکا در ماه ژانویه به پایین روند دارد. (مراجعه به شکل ۱۴.۲۴).
 قیمت اوراق خزانه معمولاً به **highs** های مهم در طول ژانویه می‌رسد. طی کل سال، قیمت اوراق قرضه خزانه‌داری معمولاً در نیمه اول سال ضعیف‌تر و در نیمه دوم قوی‌تر است. (مراجعه به شکل ۱۴.۲۵). نمونه‌هایی از نمودارهای فصلی توسط مرکز تحقیقات مور (مرکز تحقیقات مور، ۳۲۱، خیابان ۱۳ غربی، اوژن، یا ۹۷۴۰۱، (۸۰۰) ۹۲۷ - ۷۲۵۹ رایه شده‌است که در آنالیز فصلی بازارهای آتی تخصص دارد.



شکل ۲۴.۱۴ نقطه اوج در علامت آلمانی در طول ژانویه با یک lowpoint در دلار آمریکا مصادف شد که معمولاً در ابتدای سال نو رخ می‌دهد.



شکل ۲۵.۱۴ اوراق خزانه معمولاً در حدود سال جدید به اوج خود می‌رسد و پس از آن برای اکثر نیمه اول ضعیف باقی می‌ماند. نیمه دوم سال برای سفته بازهای بورس بهتر است.

بازار سهام CYCLES

آیا می‌دانستید که قوی‌ترین سه ماه برای بازار سهام از ماه ژانویه تا ژانویه است؟ فوریه ضعیف‌تر است، اما مارس و آوریل قوی دنبال می‌شود. بعد از ماه ژوئن، بازار در طی ماه ژوئیه (شروع تظاهرات سنتی تابستانی) قوی می‌شود. ضعیف‌ترین ماه سال در ماه سپتامبر است. قوی‌ترین ماه دسامبر (پایان) به گردهمایی معروف سانتا کلاوس درست بعد از کریسمس است. این اطلاعات و اطلاعات بیشتر در مورد چرخه‌های بازار سهام را میتوان در Almanac اوراق بهادار سالیانه ییل (سازمان هرش، ۱۸۴ خیابان مرکزی، Tappen قدیم) یافت.

> - ژانویه > - -

طبق گفته هرش: "همان طور که ژانویه می‌رود، سال ادامه دارد." The معروف است که آنچه که P & ۵۰۰ در ماه ژانویه انجام می‌دهد مشخص خواهد کرد که بازار چه نوع از سال خواهد داشت. یک تغییر دیگر در این موضوع این باور است که مسیر the ۵۰۰ P ۵۰۰ طی ۵ روز اول سال جاری نشانه‌ای از what's را برای سال به دست می‌دهد. ژانویه Barometer ممکن است با اثر ژانویه اشتباه گرفته شود، که این روند برای سهام کوچک‌تر است تا بهتر از سهام بزرگ‌تر در طول ماه ژانویه عملکرد بهتری داشته باشد.

چرخه ریاست‌جمهوری

چرخه شناخته‌شده دیگری که رفتار بازار سهام را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد چرخه ۴ ساله است، همچنین چرخه ریاست‌جمهوری نامیده می‌شود، زیرا همزمان با دوره ریاست‌جمهوری رئیس‌جمهور همزمان شده‌است. هر یک از چهار سال یک بازگشت تاریخی متفاوت دارد. سال انتخابات معمولاً قوی است. The و midyears (۲ و ۳) معمولاً ضعیف هستند. سال preelection (۴) معمولاً قوی است. طبق Trader's Trader's to، ساله‌ای انتخابات از سال ۱۹۰۴ به میزان ۲۲۴٪، postelection سال، سود ۷۲ درصد، سود ۶۳٪ و preelection سال سود ۲۱۷٪ را شاهد بوده‌است. (مراجعه به شکل ۱۶.۱۴).

CYCLES COMBINING با دیگر ابزارهای تکنیکال

دو مورد از most مناطق همپوشانی بین چرخه‌ها و شاخص‌های تکنیکال سنتی در استفاده از میانگین‌ها و نوسانگرهای متحرک هستند. باور بر این است که اگر دوره‌های زمانی مورد استفاده برای هر چرخه غالب market's گره خورده‌اند، کارآیی هر دو شاخص را میتوان افزایش داد. Let's فرض می‌کنند که یک بازار دارای یک چرخه تجاری ۲۰ روزه غالب می‌باشد. به طور معمول، زمانی که یک نوسانگر را ایجاد می‌کند، بهتر است نیمی از طول چرخه را به کار ببرید. در این حالت، دوره نوسان‌ساز ۱۰ روز خواهد بود. برای تجارت یک سیکل ۴۰ روزه، از یک نوسان‌ساز ۲۰ روزه استفاده کنید. والت Bressert در کتاب خود، نیروی ترکیبی نوسان / چرخه، چگونگی استفاده از چرخه زمان برای تنظیم زمان برای شاخص کانال کالا، شاخص مقاومت نسبی، Stochastics و انحراف میانگین متحرک (MACD) بحث می‌کند.

میانگین متحرک می‌تواند به چرخه متصل شود. شما می‌توانید از میانگین متحرک حرکت برای ردیابی طول چرخه مختلف استفاده کنید. برای gen یک سیستم متقاطع در حال حرکت برای یک سیکل ۴۰ روزه می‌توانید از یک میانگین متحرک ۴۰ روزه در رابطه با میانگین روز ۲۰ روزه یا متوسط ۱۰ روز (یک چهارم از سیکل ۴۰ روزه) استفاده کنید. مشکل اصلی این روش تعیین این است که چرخه‌های غالب در یک نقطه خاص در زمان هستند.

تجزیه و تحلیل بیشینه بیشینه

جستجو برای چرخه‌های اصلی راست در هر بازار با این باور پیچیده است که طول چرخه ایستا است؛ به عبارت دیگر، آن‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند. چیزی که یک ماه پیش کار می‌کرد ممکن است یک ماه از الان شروع نشود. جان Ehlers در کتاب خود با استفاده از یک رویکرد آماری به نام حداکثر آنتروپی طیفی (MESA) از یک رویکرد آماری استفاده می‌کند. Ehlers توضیح می‌دهد که یکی از مزایای اصلی of، سنجش تفکیک پذیری با رزولوشن بالای چرخه با دوره‌های زمانی نسبتاً کوچکی است که برای تجارت طولانی‌مدت بسیار مهم است. Ehlers همچنین توضیح می‌دهد که چگونه چرخه می‌تواند برای بهینه‌سازی طول میانگین متحرک و بسیاری از آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

شاخص‌های نوع نوسانگر که قبلاً ذکر کردیم. عریان کردن چرخه اجازه تطبیق پویا شاخص‌های تکنیکال برای متناسب با شرایط بازار فعلی را می‌دهد. Ehlers همچنین به مساله تمایز بین یک بازار در حالت چرخه در مقابل فردی که در حالت روند است می‌پردازد. هنگامی که یک بازار در حالت روند قرار می‌گیرد، یک شاخص روند به دنبال میانگین متحرک برای اجرای معاملات مورد نیاز است. یک حالت چرخه به نفع استفاده از شاخص‌های نوع نوسانگر است. اندازه‌گیری چرخه می‌تواند به تعیین این مساله کمک کند که کدام مد روز در حال حاضر در آن قرار دارد، و کدام نوع شاخص تکنیکال برای استفاده از استراتژی‌های تجاری مناسب‌تر است.

مطالعه و نرم‌افزار

اکثر کتاب‌های مربوط به این فصل را میتوان از طریق شرکت‌های سفارش پستی مانند انتشارات بازرگانان (مراجعه به بخش قبلی) یا کتابخانه تاجران، صندوق پستی ۲۴۶۶، Ellicott سیتی، MD ۲۱۰۴۱، I، ۸۰۰، ۲۸۵۵ دریافت کرد. There's همچنین نرم‌افزار بسیار بیشتری برای کمک به شما در انجام آنالیز چرخه با کامپیوتر خود دارد. The چرخه Ehrlich و والت Bressert's CycleTrader هر دو در دسترس هستند. CycleTrader Bressert's مفاهیمی را که در کتابش توصیف می‌کند، ادغام می‌کند. (گروه بازاریابی Bressert، ۱۰۰ شرق والتون، سوئیت ۲۰۰، شیکاگو، IL ۶۰۶۱۱ (۳۱۲) ۸۶۷ - ۸۷۰۱). اطلاعات بیشتر در مورد برنامه کامپیوتری MESA می‌تواند از جان Ehlers گرفته شود (کادر ۱۸۰۱، Goleta، CA ۹۳۱۱۶ (۸۰۵) ۹۶۹ - ۶۴۷۸). برای تحقیق و تحلیل چرخه مداوم، don't موسسه را برای مطالعه چرخه‌ها فراموش می‌کند.

کامپیوترها و سیستم‌های تجاری

مقدمه

کامپیوتر نقش فزآتیای در زمینه تحلیل تکنیکال بازی کرده‌است. در این بخش خواهیم دید که چگونه کامپیوتر می‌تواند کار تجار تکنیکال را با فراهم کردن دسترسی سریع و آسان به زرادخانه از ابزار و مطالعات تکنیکال آسان‌تر کند. البته این فرض بر این است که فروشنده می‌داند چگونه از این ابزارها استفاده کند، که ما را به یکی از معایب کامپیوتر می‌رساند.

این تاجر به درستی در مفاهیمی که زمینه شاخص‌های مختلف را تحت‌تاثیر قرار داده و با چگونگی تفسیر هر شاخص موافق نیست، ممکن است او را پیدا کند - یا خود را با مجموعه وسیعی از نرم‌افزارهای رایانه‌ای که در حال حاضر موجود هستند، پیدا کند. حتی بدتر اینکه، مقدار داده‌های تکنیکال قابل‌توجه در نوک انگشتان one's گاهی حس کاذب امنیت و صلاحیت را پرورش می‌دهد. تاجران به اشتباه فرض می‌کنند که آن‌ها به طور خودکار بهتر هستند چون دسترسی به چنین قدرت کامپیوتری زیادی دارند.

موضوعی که در این بحث مورد تاکید قرار گرفت این است که کامپیوتر ابزار بسیار ارزشمندی در دستان یک تاجر تکنیکال گرا است که قبلاً تکالیف ابتدایی خود را انجام داده‌است. هنگامی که بسیاری از روال‌های موجود در کامپیوتر را مرور می‌کنیم، خواهید دید که تعداد زیادی از ابزارها و شاخص‌ها کاملاً ابتدایی هستند و قبلاً در بخش‌های قبلی پوشش داده شده‌اند. البته، ابزارهای پیچیده‌تری وجود دارند که به charting charting بیشتری نیاز دارند.

بیشتر کارهای دخیل در آنالیز تکنیکی را میتوان بدون کامپیوتر انجام داد. توابع خاص می‌توانند به راحتی با یک چارت و خط‌کش ساده انجام شوند تا با نسخه چاپی. برخی انواع آنالیز طیفی طولانی نیاز به یک کامپیوتر دارند. تا آنجا که هست، کامپیوتر فقط یک ابزار است. می‌تواند یک تحلیلگر تکنیکال خوب را حتی بهتر کند. با این حال، این کار یک تکنسین ضعیف را به یک متخصص خوب تبدیل می‌کند.

نرم‌افزار Charting

بسیاری از کارهای تکنیکال موجود در این نرم‌افزار در بخش‌های قبلی پوشش داده شده‌اند. ما تعدادی از ابزارها و شاخص‌های موجود در حال حاضر را بررسی خواهیم کرد. سپس به برخی ویژگی‌های دیگری از قبیل توانایی خودکار کردن توابع مختلف انتخاب‌شده توسط کاربر می‌پردازیم. علاوه بر ارایه مطالعات تکنیکال مختلف، کامپیوتر به ما این امکان را می‌دهد که مطالعات مختلف را برای سودآوری مورد آزمایش قرار دهیم، که ممکن است ارزشمندترین ویژگی برنامه باشد. برخی از نرم‌افزارها به کاربر اجازه می‌دهد که با پس‌زمینه کمی یا بدون هیچ زمینه برنامه‌نویسی، شاخص‌ها و سیستم‌ها را بسازد.

ولس Directional Wilder's و سیستم‌های Parabolic

ما نگاهی به دو سیستم محبوب ولس، سیستم حرکتی Directional و سیستم Parabolic می‌اندازیم. ما از آن دو سیستم در بحث درباره مزایای نسبی تکیه کردن بر سیستم‌های تجارت مکانیکی استفاده خواهیم کرد. ثابت خواهد شد که روند مکانیکی به دنبال سیستم‌ها تنها در انواع خاصی از محیط‌های بازار کار می‌کند. همچنین نشان داده خواهد شد که چگونه یک سیستم مکانیکی می‌تواند در تحلیل بازار one's ادغام شود و به سادگی به عنوان یک شاخص

تکنیکال تایید شده بکار رود.

کامپیوترها و سیستم‌های تجاری ۳۷۹ بخش

خیلی بیشتر از یه چیز خوب

ممکن است به شما نشان دهد که شاخص‌های زیادی وجود دارند که باید انتخاب کنید. به جای ساده‌سازی زندگی ما، کامپیوتر تنها برای پیچیده کردن چیزها با دادن چیزهای بیشتری به ما کار می‌کند؟ بسته‌ها ۸۰ مورد مختلف را ارائه می‌دهند که برای تکنسین در دسترس هستند. چگونه ممکن است به هر نتیجه‌ای برسد (و زمان را برای تجارت پیدا کند) با این همه اطلاعات برای مقابله با آن؟ ما چند کلمه‌ای در مورد کارهایی که در این مسیر انجام می‌شود می‌گوییم.

یه سری COMPUTER

استفاده از نرم‌افزار را میتوان برای هر بازار مالی اعمال کرد. اکثر نرم‌افزارها، کاربر پسند هستند، به این معنی که این نرم‌افزار می‌تواند به راحتی با انتخاب لیست‌های متوالی از روال‌های موجود اجرا شود. جایی که باید شروع شود یک بسته نرم‌افزاری است که برای کامپیوتر کار می‌کند و یا قصد خرید آن را دارد. به خاطر داشته باشید که اغلب این نرم‌افزارها برای کامپیوترهای سازگار با IBM نوشته شده‌اند.

تعیین بسته‌ها، داده‌های بازار روزانه را تامین نمی‌کنند. کاربر باید این داده‌ها را در جای دیگری بدست آورد. داده‌ها می‌توانند به طور خودکار از یک سرویس داده بر روی خطوط تلفن (نیاز به مودم تلفن) جمع‌آوری شوند. بسته‌هایی که نام فروشندگان مختلف داده را از آن‌ها انتخاب می‌کنند. این فروشندگان داده‌ها تمام نرم‌افزارها و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای ایجاد و جمع‌آوری فایل‌های داده را فراهم می‌کنند.

در ابتدا، کاربر باید داده‌های تاریخی را جمع‌آوری کند که حداقل برای چند ماه بر می‌گردد تا چیزی برای کار کردن داشته باشد. پس از آن، داده‌ها باید هر روز جمع‌آوری شوند. این امکان وجود دارد که داده‌های "خط" را در طول روز تجاری با قلاب کردن به یک سرویس نقل‌قول تجزیه و تحلیل کنیم. با این حال، در استفاده ما از داده‌های روزانه، ما به داده‌های پایان روز اشاره خواهیم کرد، که پس از بسته شدن بازارها در دسترس است. قطعه نهایی تجهیزاتی که ممکن است بخواهید یک چاپگر برای بدست آوردن یک کپی از هر چیزی که روی صفحه پایانه نمایان می‌شود، است. قابلیت Rom - CD به شدت توصیه می‌شود زیرا برخی از فروشندگان نرم‌افزار چند سال اطلاعات تاریخی را روی

دیسک Rom - CD برای شما فراهم می کنند.

۱۵ - ۳۸۰

زودتر شروع کن. برخی از فروشندگان داده وجود دارند که قابلیت ترسیم آنها را نیز فراهم می کنند، که کار شما را حتی بیشتر تسهیل می کند. یکی از این خدمات Telescan (۵۹۵۹ Corporate)، سوئیت شماره ۲۰۰۰، Houston, TX, TX ۷۷۰۳۶، (۸۰۰) ۳۲۴ - ۳۲۴ - ۸۲۴۶ است. www.telescan.com

ابزار و ابزار برقی

فهرست زیر برخی از اختیار معاملاتی شاخص و شاخص را تشکیل می دهد.

- نمودارهای اصلی: بار، سطر، نقطه و شکل، و شمعدان
- مقیاس نقشه: حساب و حساب
- جدول بار: قیمت، حجم، و علاقه باز (برای آتی)
- حجم: بارها، روی تعادل، و شاخص تقاضا
- ابزارهای پایه: trendlines و کانال ها، درصد retrace، میانگین متحرک، و oscillators
- انتقال Averages: پاکت های نامه، Bollinger گروه ها
- Oscillators: شاخص کانال کالا، مومنتوم، نرخ تغییر، MACD، تصادفی، ویلیامز %R، RSI
- چرخه: Cycle Finder
- ابزار فیبوناچی: خطوط فن، arcs، مناطق زمانی و retracements
- وایلد

استفاده از ابزار و ابزار

چگونه می توان آن قدر با آن مقابله کرد؟ A - gestion برای اولین بار از ابزارهای پایه مانند قیمت، حجم، روند - خطوط، درصد retracements، میانگین متحرک، و نوسان استفاده می کند. توجه کنید که تعداد زیادی of موجود هستند. یک یا دو نفر را انتخاب کنید که با آنها راحت تر باشید و همراه آنها بروید. از این چیزها به عنوان چرخه و ابزار فیبوناچی به عنوان برده های

ثانویه استفاده کنید مگر اینکه علاقه ویژه‌ای به آن مناطق داشته باشید.
Cycles می‌تواند مفید باشد.

کامپیوترها و سیستم‌های تجاری ۳۸۱.

به طور متوسط سرعت حرکت و طول نوسانگر را تنظیم کنید، اما نیاز به مطالعه و تمرین دارد. برای سیستم‌های تجاری مکانیکی، Parabolic Wilder's و DMI به طور خاص قابل توجه هستند.

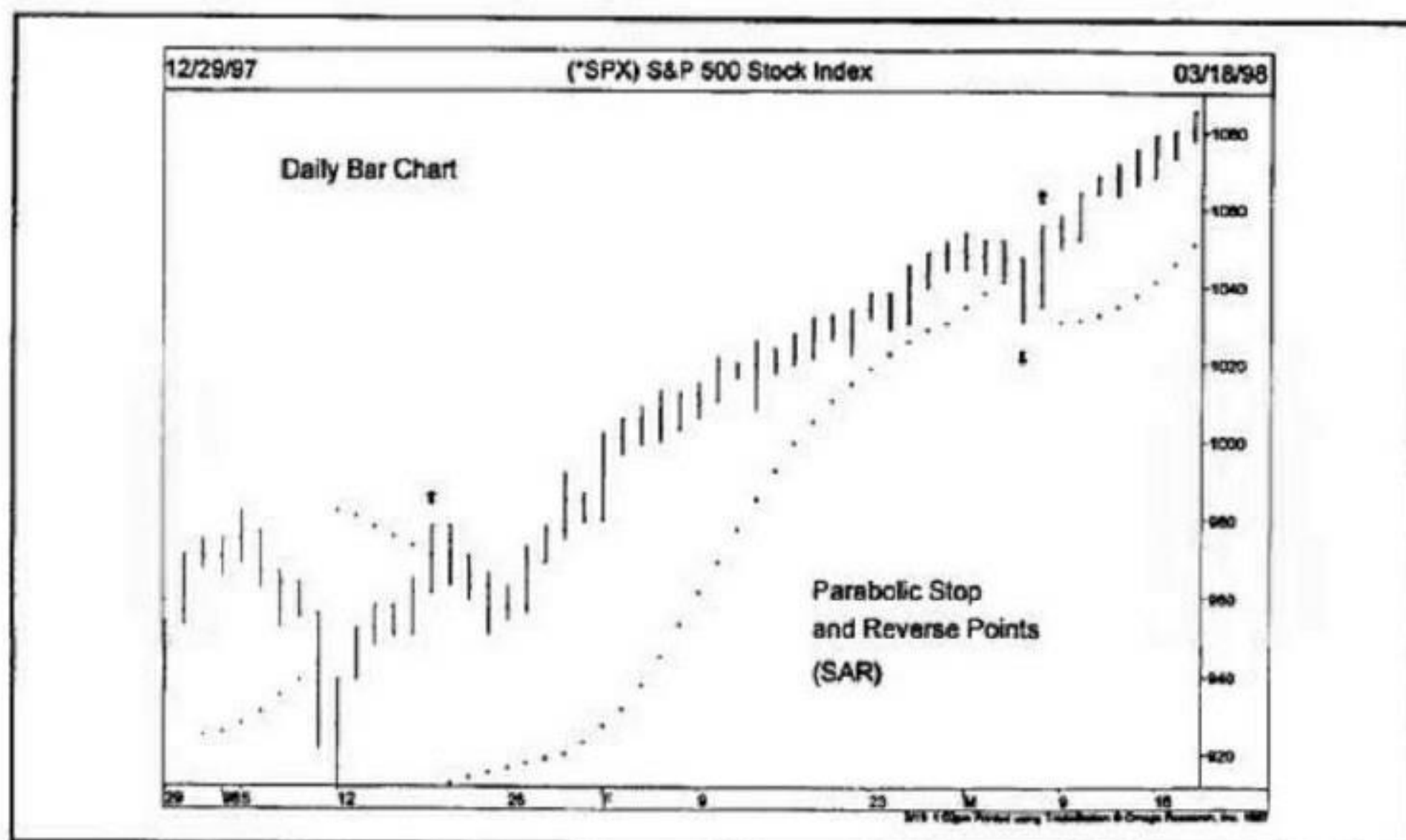
سیستم‌های حرکت parabolic و Welles S

ما می‌خواهیم زمانی را صرف دو مطالعه کنیم که به خصوص مفید هستند. هر دوی این مطالعات توسط جی. Welles وایلدر جی آر. و dis در کتابش، مفاهیم جدید در سیستم‌های بازرگانی تکنیکال. سه مورد از مطالعات دیگر در فهرست راهنمای انتخاب محصول - محصولات، شاخص مقاومت نسبی، و شاخص Swing - نیز در همان کتاب گنجانده شده‌اند.

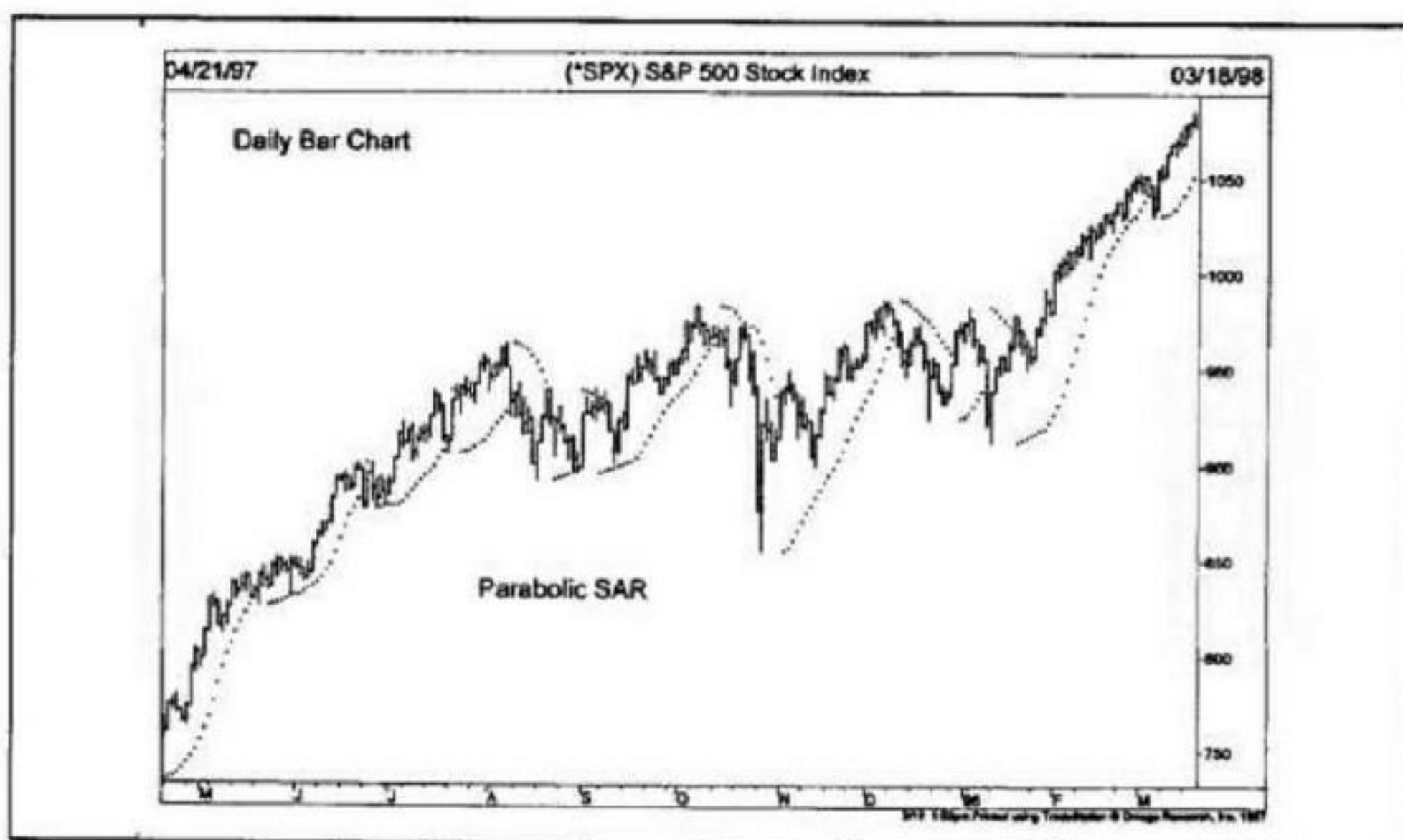
سیستم Parabolic (SAR)

سیستم Wilder's Parabolic (SAR) یک سیستم برگشت زمان / قیمت است که همیشه در بازار است. حروف " SAR " برای " توقف و معکوس " هستند، به این معنی که موقعیت زمانی معکوس می‌شود که توقف حفاظتی مورد اصابت قرار می‌گیرد. این یک سیستم مبتنی بر روند است. آن نام خود را از شکل می‌گیرد که توسط توقف‌های trailing که تمایل دارند مانند یک سهمی شکل بگیرند، گرفته می‌شود. (مراجعه به شکل‌های ۱.۱۵ - ۱.۴. توجه داشته باشید که با افزایش قیمت، نقطه‌های بالا در پایین عمل قیمت (نقاط توقف و معکوس) تمایل دارند آهسته‌تر شوند و سپس با این روند شتاب کنند. در روند نزولی، یک چیز مشابه اتفاق می‌افتد اما در جهت مخالف (نقطه‌ها بالاتر از عمل قیمت هستند). اعداد SAR محاسبه و برای روز بعد برای کاربر در دسترس هستند. وایلدر عامل تسریع در این سیستم را بنا کرد. هر روز استاپ در جهت روند جدید حرکت می‌کند. در ابتدا، حرکت توقف نسبتاً کند است تا به روند روند تبدیل شود. وقتی عامل تسریع افزایش می‌یابد SAR شروع به حرکت سریع‌تر می‌کند و در نهایت منجر به اقدام قیمت می‌شود. اگر این روند متزلزل شود، یا تحقق یابد، نتیجه معمولاً یک توقف و سیگنال معکوس است. همانطور که نمودار همراه نشان می‌دهد، سیستم Parabolic در بازارهای درحال‌ظهور بسیار خوب عمل می‌کند. توجه داشته باشید که در حالی که بخش‌های trending بخوبی ثبت می‌شوند، سیستم به طور مداوم در طول دوره‌های sideways

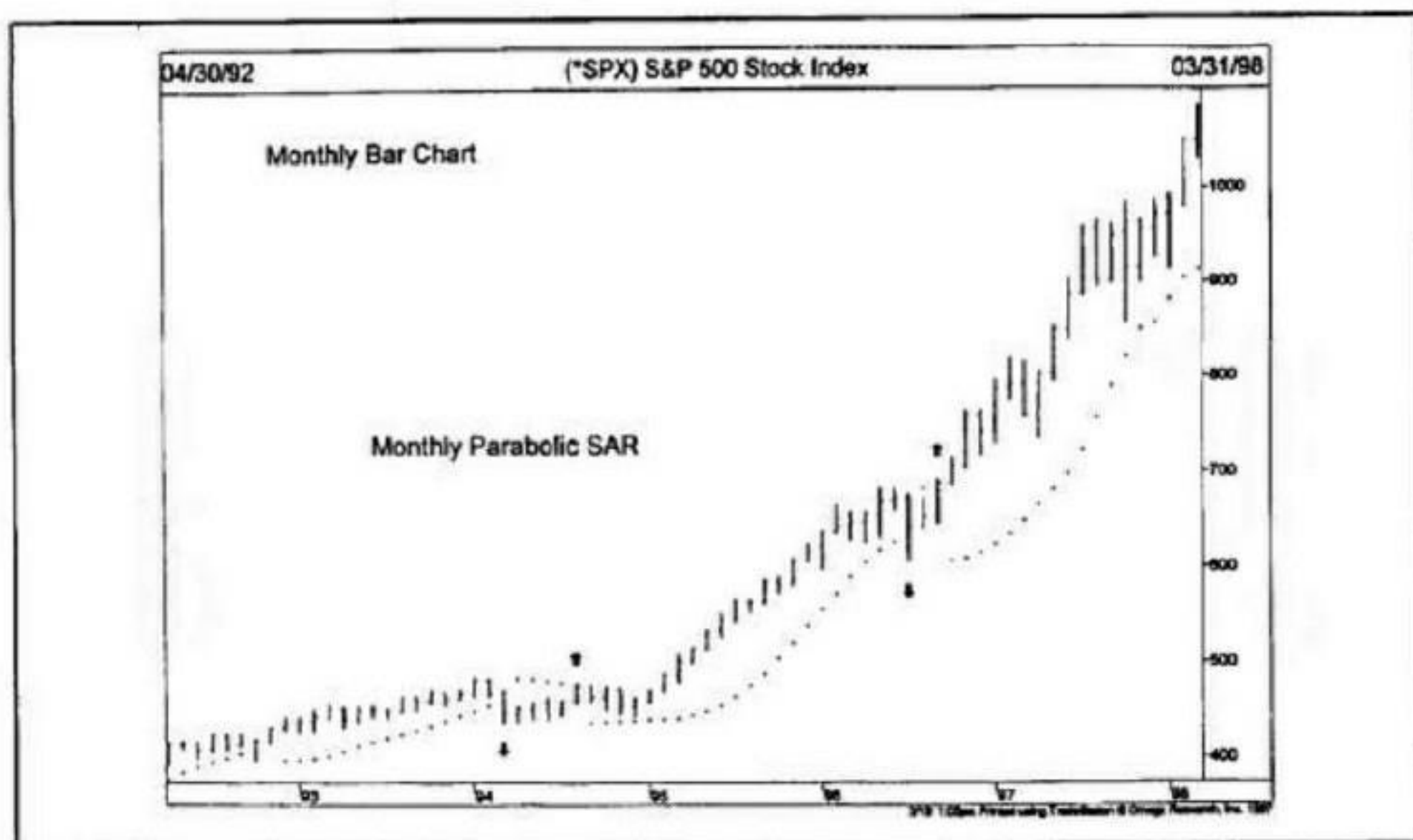
nontrending حرکت می کند.



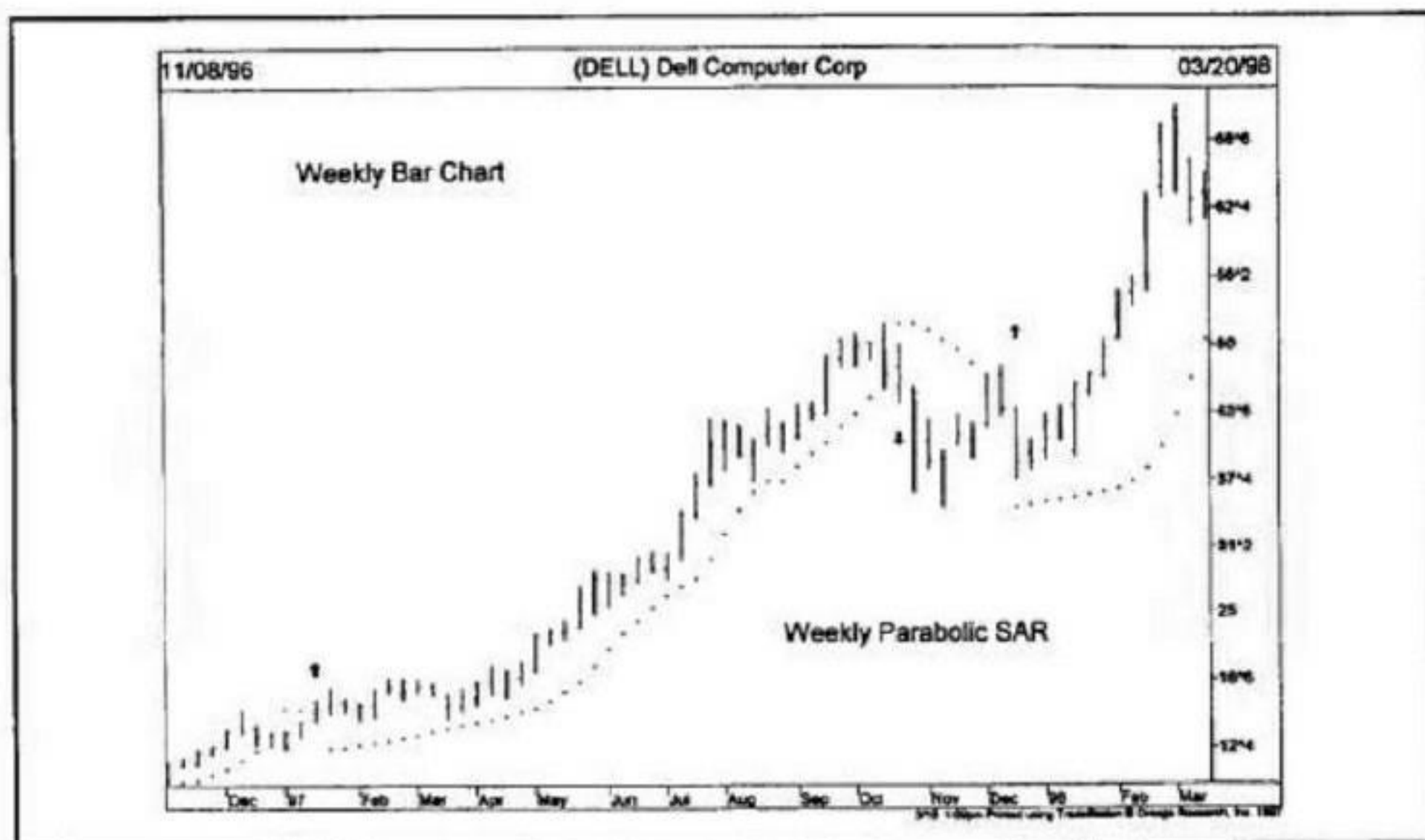
شکل ۱۵.۱) ظاهر Parabolic مثل نقاط روی نمودار به نظر می رسد. هنگامی که SAR بالای مورد اصابت قرار گرفت، یک سیگنال خرید داده شد (تیر اول). توجه کنید که چگونه the در طول تظاهرات به سمت بالا شتاب گرفت و بیشتر of را گرفت. A کوچک به سمت راست بالایی که به سرعت تصحیح شده بود، روی داد. این سیستم زمانی که یک روند وجود دارد کار می کند.



شکل ۲.۱۵ یک نسخه دیگر از نمودار قبلی جنبه‌های خوب و بد of Parabolics و هر سیستم مبتنی بر روند را نشان می‌دهد. آن‌ها در طول دوره‌های روند (به چپ و راست جدول) کار می‌کنند. اما در طول این نوع معاملات تجاری که از ماه اوت تا ژانویه رخ داد بی‌فایده است.



شکل ۳.۱۵ - ۱۵ Parabolics را میتوان در یک نمودار ماهانه جهت پی گیری روند pri مورد استفاده قرار داد. یک سیگنال فروش در اوایل سال ۱۹۹۴ با خرید یک mer در اواخر سال ۱۹۹۴ صورت گرفت. به جز یک whipsaw در طول سال ۱۹۹۶، این سیستم حدود چهار سال به طور مثبت باقی مانده است.

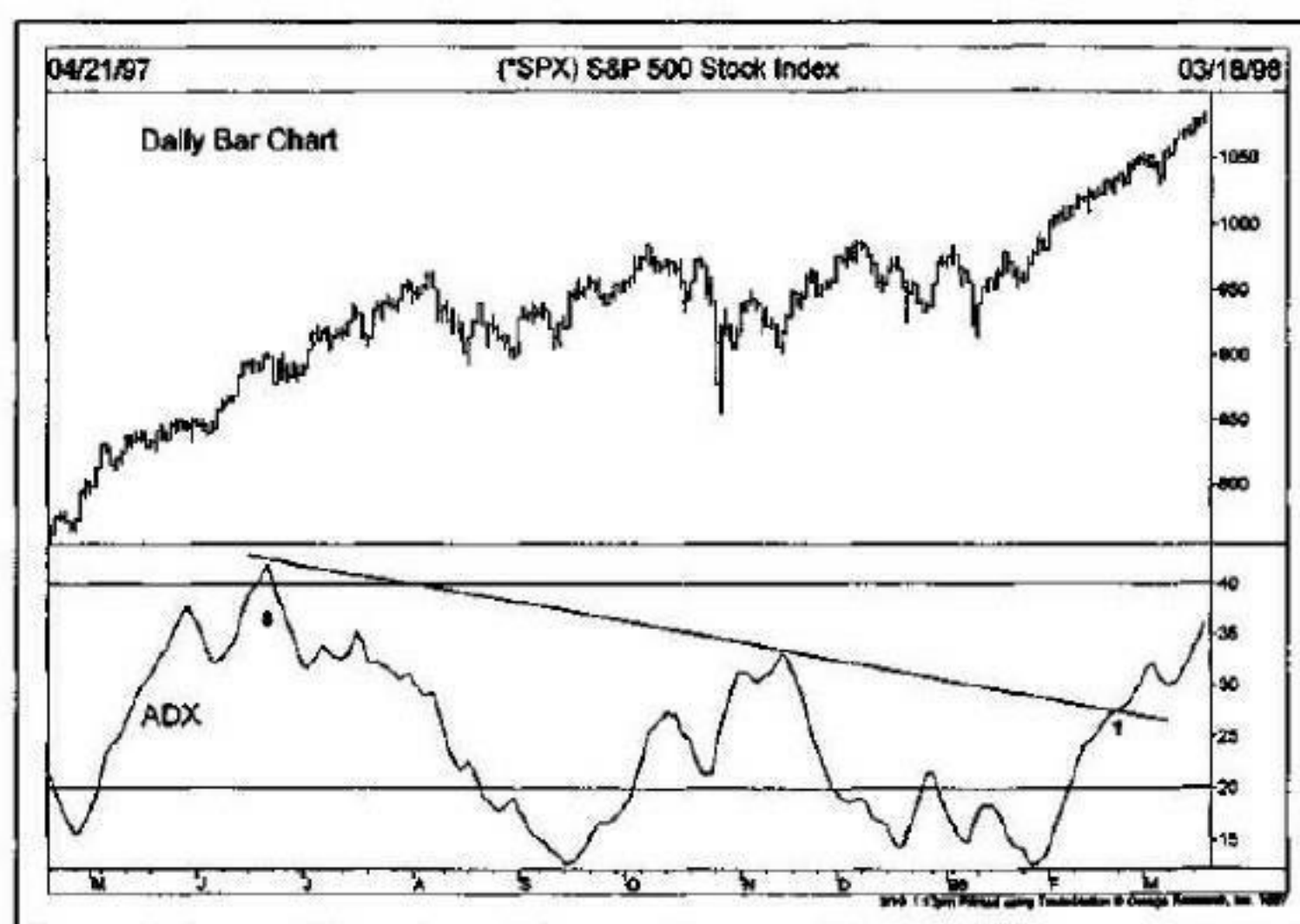


شکل ۴.۱۵ - ۱ به نمودار هفتگی کامپیوتر دل اعمال شده است. پس از مثبت ماندن در بیشتر سال ۱۹۹۷، یک سیگنال فروش در ماه اکتبر داده شد. که سیگنال فروش معکوس شده است و یک سیگنال خرید داده شده در سال ۱۹۹۷ به پایان رسیده است.

این مساله هم قدرت و هم ضعف بسیاری از سیستم‌های زیر را نشان می‌دهد. آن‌ها در دوره‌های قوی‌تری کار می‌کنند و وایلدِر تنها حدود ۳۰ درصد از زمان را تخمین می‌زند. اگر این تخمین حتی نزدیک به واقعیت هم باشد، پس یک سیستم مبتنی بر روند حدود ۷۰ درصد زمان کار نخواهد کرد. پس چگونه یک معامله با این مشکل انجام می‌شود؟

ADX و DMI

یک راه‌حل ممکن استفاده از نوعی فیلتر یا وسیله‌ای برای تعیین اینکه آیا بازار در یک حالت روند است، استفاده می‌شود. خط تیره وحشی‌تر، حرکت جهت‌دار بازارهای مختلف را در مقیاسی از یک مقیاس در مقیاس بندی می‌کند. یک خط سیر صعودی به معنی بازار است و یک نامزد بهتر برای یک سیستم پی‌گیری روند است. یک خط پایین رونده نشان‌دهنده یک محیط ثابت است که برای یک رویکرد پی‌گیری روند مناسب نخواهد بود. (ر).



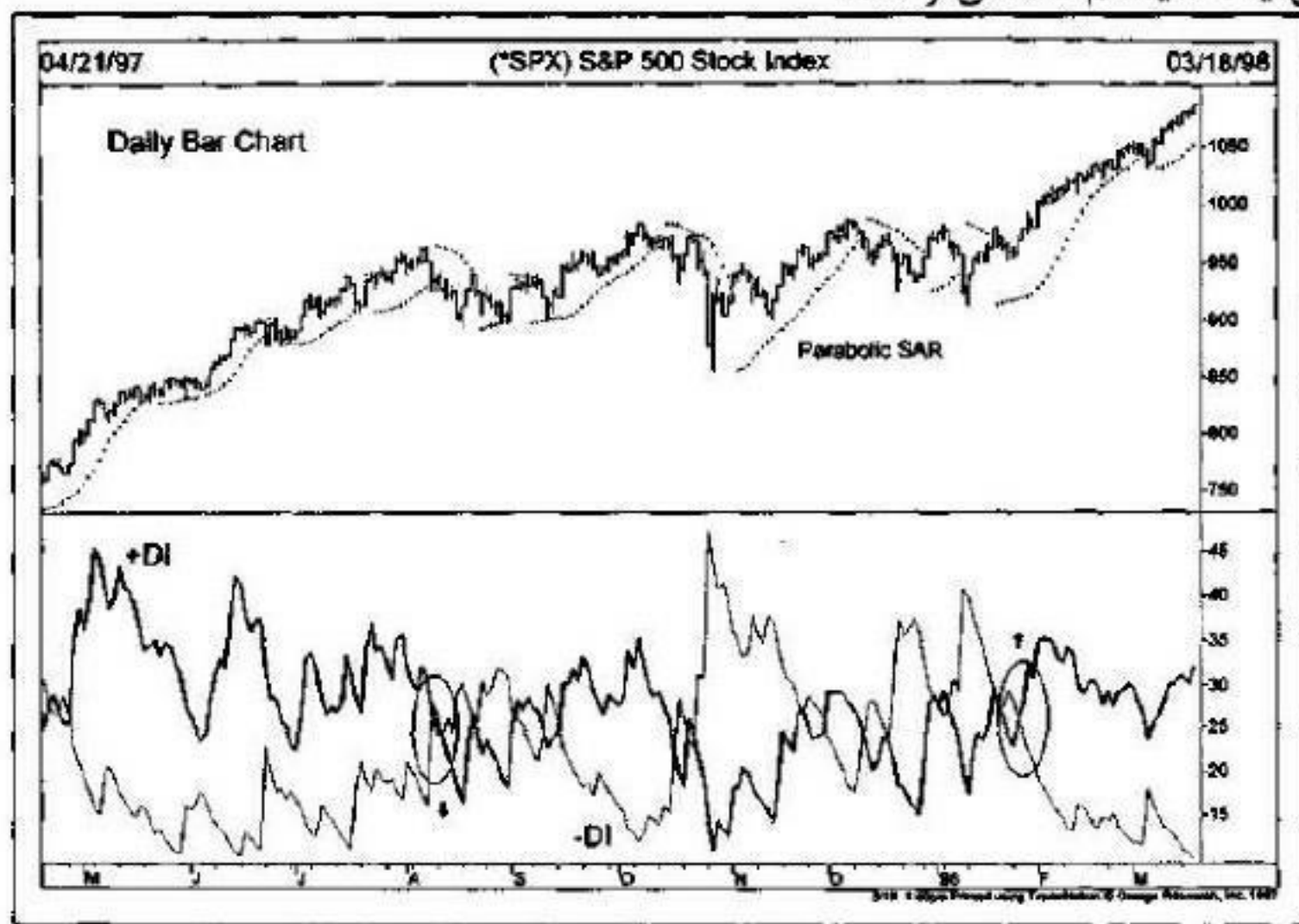
شکل ۵.۱۵ خط ADX درجه حرکت هدایتی را اندازه‌گیری می‌کند. افت بالاتر از ۴۰ (پیکان چپ) نشان‌دهنده آغاز یک محدوده تجاری است. تبدیل احسن از زیر ۲۰ (فلش راست) از سرگیری فاز روند اشاره دارد.

از آنجا که خط ADX در یک مقیاس از صفر تا ۱۰۰ قرار دارد، تاجر روند می‌تواند به سادگی آن بازارها را با بالاترین درجه روند تجارت کند. سیستم‌های Nontrending (oscillators) به عنوان مثال) را میتوان در بازارها با حرکت جهت‌دار کم مورد استفاده قرار داد.

جنبش Directional می‌تواند به عنوان یک سیستم بر روی خود یا به عنوان فیلتر روی the یا هر روش دیگر - زیر استفاده شود. دو خط در مطالعه DMI، دره اسماعیل‌خان و دره اسماعیل‌خان تولید می‌شوند. اولین خط، حرکت مثبت (رو به بالا) و شماره دوم (حرکت رو به پایین) را اندازه‌گیری می‌کند. شکل ۶.۱۵ دو خط را نشان می‌دهد. خط تاریک‌تر به دره اسماعیل‌خان و دهانه روشن‌تر دره اسماعیل‌خان می‌رسد. یک سیگنال خرید در زمانی داده می‌شود که خط دره اسماعیل‌خان از خط دره اسماعیل‌خان عبور می‌کند و سیگنال فروش را هنگام عبور از خط دره اسماعیل‌خان به فروش می‌رساند.

شکل (۱ - ۲) هم سیستم‌های حرکت و حرکت را نشان می‌دهد.

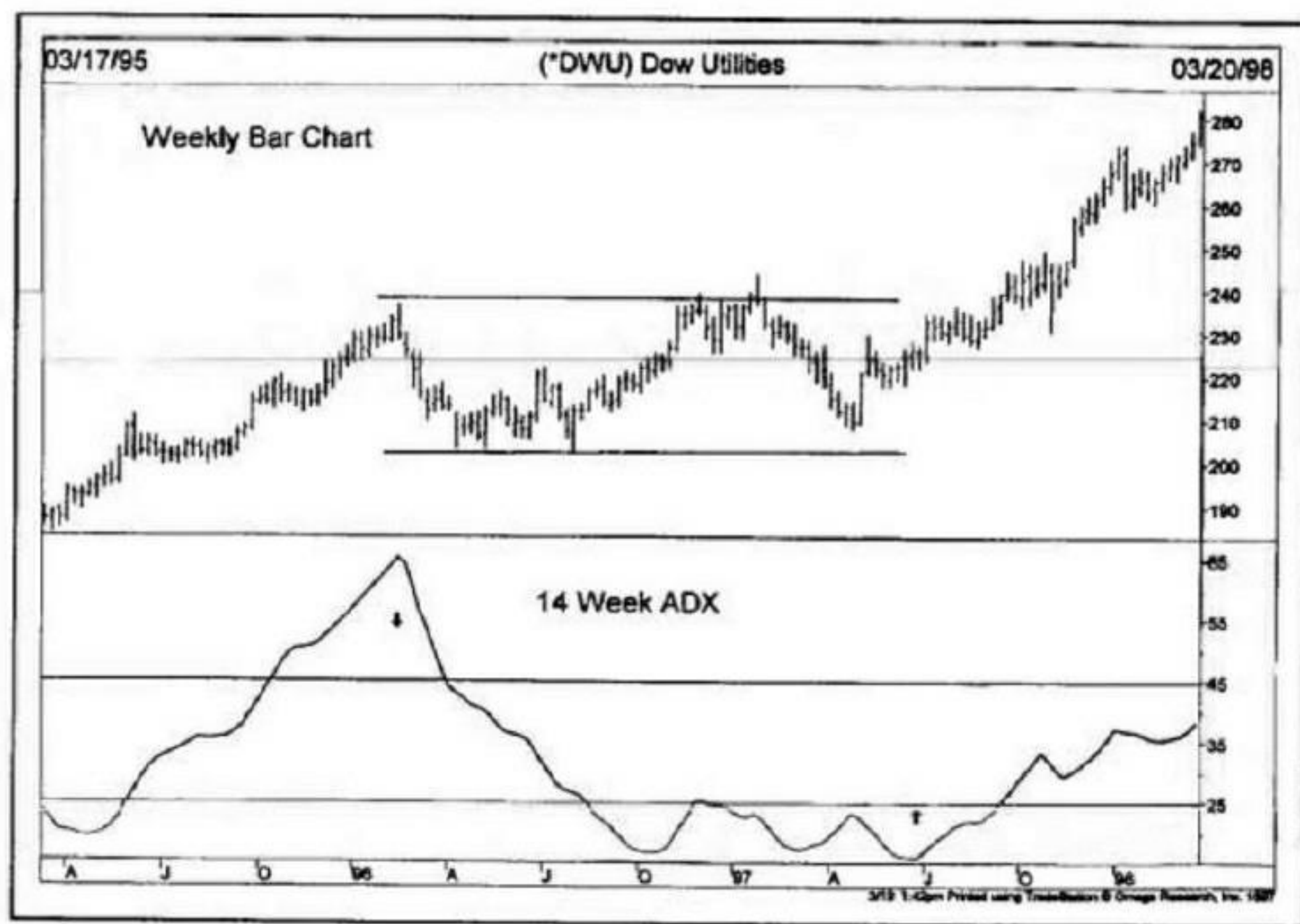
پارابولیک به وضوح یک سیستم حساس‌تر است -



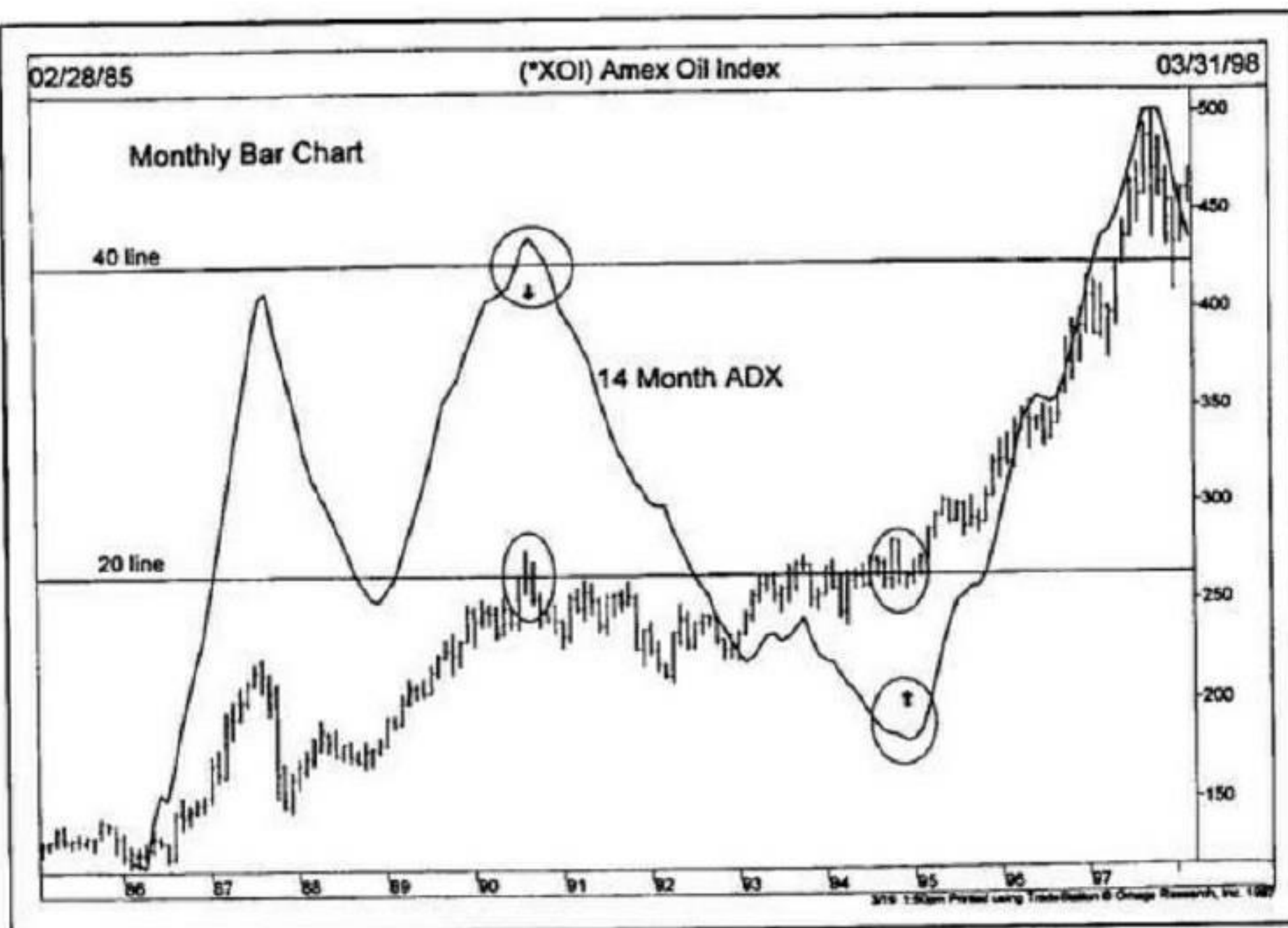
خطوط حرکت جهت‌دار در امتداد پایین جدول را می‌توان به صورت یک فیلتر بر روی نمودار (نمودار بالا) به کار برد. هنگامی که خط +d بالای خط d (سمت چپ و راست نمودار) باشد، تمام سیگنال‌های سهمی سهموی را میتوان نادیده گرفت. که طی فازهای رالی چندین بار حذف می‌شدند.

اما این بدان معناست که سیگنال‌های مکرر و مکرر ارایه می‌شوند. با این حال، با استفاده از جنبش Directional به عنوان یک فیلتر، چندین سیگنال بد در the می‌تواند با دنبال کردن تنها سیگنال‌های موجود در همان مسیر به عنوان خطوط حرکتی Directional اجتناب شود. سپس به نظر می‌رسد که سیستم‌های حرکتی Parabolic و Directional باید با هم به کار گرفته شوند و حرکت Directional به عنوان یک صفحه نمایش یا فیلتر بر روی the حساس‌تر عمل کند.

بهترین زمان برای استفاده از یک سیستم با روند رو به افزایش است. (به آمار و ارقام مراجعه کنید)، با این حال، هنگامی که خط تولید کننده شروع به کاهش از بالا به بالا می‌کند، این نشانه اولیه تضعیف روند است. بازگشت به بالا، اغلب نشانه آغاز یک روند جدید است. (خط میانی اساساً یک تفاوت هموار بین دو خط است).



شکل ۷.۱۵ خط ۱۴ هفته‌ای ADX در اوایل سال ۱۹۹۶ از بالای ۴۰ به اوج خود رسید و یک محدوده تجاری ۱۸ ماهه در برنامه‌های کاربردی را آغاز کرد. تغییر وضع احسن در تابستان سال ۱۹۹۷ از زیر ۲۰ نشان داد که این تاسیسات شروع به روند کرده‌اند.



شکل ۸ - ۱۵ یک خط ADX بر روی نمودار ماهانه شاخص نفت AMEX (XOI) The در سال ۱۹۹۰ به اوج خود رسید و به تجمع سهام نفت پایان داد. این تغییر در خط ADX از زیر ۲۰ سال در آغاز سال ۱۹۹۵ پایان دوره ۴ ساله در ذخایر نفتی را نشان داد و به درستی شروع یک upleg جدید را تشخیص داد.

pros و cons سیستم TRADING

مزایای سیستم‌های مکانیکی:

1. احساسات انسانی حذف شده است.
2. انضباط بیشتر حاصل می‌شود.
3. ثبات بیشتر ممکن است.
4. بادهای استوایی در مسیر این روند قرار دارند.
5. مشارکت عملاً در جهت هر روند مهم تضمین شده است.
6. سودها مجاز به اجرا هستند.
7. زیان‌ها به حداقل می‌رسند.

معایب سیستم‌های مکانیکی:

1. اکثر سیستم‌های مکانیکی از این روند پیروی می‌کنند.
2. سیستم‌های زیر به روندهای اصلی تکیه دارند تا سوددهی داشته باشند.
3. سیستم‌های زیر به طور کلی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که بازارها روند نیستند.
4. دوره‌های طولانی مدتی هستند که بازارها روند ندارند و بنابراین برای یک رویکرد روند مناسب نیستند.

مشکل اصلی، شکست سیستم برای تشخیص زمانی است که بازار با روند نیست و ناتوانی آن برای خاموش کردن آن. معیار یک سیستم خوب نه تنها توانایی آن در ایجاد پول در بازارهای رو به رو است، بلکه توانایی آن برای حفظ سرمایه در دوره‌های زمانی خاص است. این ناتوانی سیستم برای نظارت بر خود است که بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن است. این جایی است که برخی از دستگاه‌های فیلتر کردن مهم، مانند سیستم حرکت جهت‌دار (ولس) یا خط انشعابی می‌تواند مفید باشد.

یک عیب دیگر این است که به طور کلی هیچ allowance برای پیش‌بینی برگشت بازار انجام نمی‌شود. سیستم‌های زیر با روند رو به رو می‌شوند تا اینکه به چرخش در آید. زمانی که یک بازار به حمایت بلند مدت یا مقاومت دست یافته‌است، زمانی که oscillator divergences داده می‌شود، یا هنگامی که الگوی الیوت موج fifth به وضوح قابل مشاهده است. اغلب تجار در این نقطه نظرات دفاعی بیشتری کسب می‌کنند و شروع به کسب مقداری سود می‌کنند. با این حال، این سیستم تا زمانی که بازار جهت تغییر مسیر خود را تغییر دهد، در جایگاه باقی خواهد ماند. بنابراین، برای تعیین چگونگی استفاده از این سیستم به تاجر مراجعه کنید. یعنی، آیا باید کورکورانه دنبال شود و یا باید در یک برنامه تجاری با سایر عوامل تکنیکی تلفیق شود. این مساله ما را به بخش بعدی این مساله می‌رساند که چگونه یک سیستم مکانیکی می‌تواند به عنوان یک ورودی تکنیکال دیگر در فرآیند پیش‌بینی و تجارت مورد استفاده قرار گیرد.

استفاده از سیگنال‌های سیستم
به عنوان دستگاه
Disciplining

سیگنال‌های سیستم را میتوان به سادگی به عنوان یک تایید مکانیکی همراه با سایر عوامل تکنیکال مورد استفاده قرار داد. حتی اگر سیستم به طور خودکار معامله نشود، و دیگر عوامل تکنیکال مورد استفاده قرار می‌گیرند، سیگنال‌ها را میتوان به عنوان روشی منظم برای حفظ تاجر در سمت راست روند اصلی مورد استفاده قرار داد. تا زمانی که روند کامپیوتر بالا رفته‌است، هیچ موضع کوتاهی اتخاذ نخواهد شد. هیچ تمایلی در روند نزولی کامپیوتری انجام نخواهد شد. (این یک روش ساده برای تاجر اساساً محور برای استفاده از یک دستگاه تکنیکال به عنوان یک فیلتر یا تریگر کردن در ایده‌های تجاری خود است)، جهت روند می‌تواند یک مساله قضاوت باشد. سیگنال‌های کامپیوتری تاجر را از عدم اطمینان آزاد می‌کنند. آن‌ها می‌توانند از افتادن به دام "بالا و پایین" او جلوگیری کنند.

استفاده از سیگنال‌ها به عنوان هشدارها

سیگنال‌های سیستم را می‌توان به عنوان یک دستگاه غربالگری عالی برای هشدار دادن به تغییرات در روند اخیر مورد استفاده قرار داد. تاجر می‌تواند به سادگی به علائم روند نگاه کند و فوراً چندین نامزد تجاری دارد. اطلاعات مشابهی را میتوان با مطالعه تمام نمودارها مشاهده کرد. کامپیوتر فقط این کار را سریع‌تر، آسان‌تر و more می‌سازد. توانایی کامپیوتر برای خودکار کردن سیگنال‌های سیستم و سپس هشدار دادن به تاجر زمانی که سیگنال‌های راه‌اندازی می‌شوند، یک دارایی بسیار بزرگ است، به خصوص زمانی که دنیای بازارهای مالی به این اندازه بزرگ شده‌است.

به نیروی کمکی احتیاج داری؟

یکی از محصولات ارائه شده توسط شرکت Omega به نام TradeStation، انواعی از ویژگی‌های تخصصی (امگا، میامی، FL ۳۳۱۷۴)، (۳۰۵) ۵۵۱ - ۵۵۱ را ارائه می‌دهد. شما می‌توانید تفسیر متخصص خود را مطرح کنید، که شاخص‌هایی را برای شما براساس شرایط بازار فعلی تفسیر می‌کند. تحلیلگر متخصص بی‌هوشی تعیین خواهد کرد

فصل پانزدهم

کدام شاخص باید در بازار فعلی بهتر کار کند و آن‌ها را برای شما تفسیر کند. بعلاوه، دو ابزار تخصصی دارد. نشانه خودکار trendlines واقعاً trendlines را برای شما جذب می‌کند. الگوی الگوهای candlestick الگوهای الگوی شمعی رایج را می‌خواند.

سیستم‌های تست را امتحان کنید و یا خودتان را ایجاد کنید

تحقیق امگا همچنین شامل کتابخانه‌ای از محبوب‌ترین سیستم‌های تجاری مورد استفاده تجار است. می‌توانید آن‌ها را امتحان کنید، آن‌ها را تغییر دهید، یا اگر می‌خواهید خودتان را بسازید. همه of ها، شاخص‌ها، و سیستم‌های تجاری در یک زبان نسبتاً ساده به نام EasyLanguage نوشته می‌شوند. EasyLanguage ایده‌هایی را می‌گیرد که شما در زبان ساده توصیف کرده‌اید و آن‌ها را به کد ماشین مورد نیاز برای اجرای برنامه تبدیل می‌کند. سخت است که ارزش قادر بودن برای توسعه، تست، بهینه‌سازی، اگر می‌خواهید را برآورد کنید، و سپس ایده‌های تجاری خود را اتوماتیک کنید - بدون اینکه یک برنامه‌نویس کامپیوتر باشید. کامپیوتر حتی دستورهای تجاری مناسب برای شما را ایجاد می‌کند و شما را از طریق alphanumeric pager به شما هشدار می‌دهد که سیگنال‌ها راه‌اندازی شده‌اند. (در ضمیمه ج) ما از Omega Research's و TradeStation استفاده خواهیم کرد تا به شما نشان دهیم چگونه یک سیستم تجاری برای خود ایجاد کنید.)

نتیجه‌گیری

در این فصل تعدادی از سیستم‌های ولس به شما - Parabolics و Directional (DMI) معرفی شد. Parabolics می‌تواند سیگنال‌های تجاری مفیدی ایجاد کند، اما احتمالاً به تنهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو خط dl را میتوان به عنوان یک فیلتر بر روی Parabolics یا هر روش حساس دیگر - بعد از سیستم داد و ستد مورد استفاده قرار داد. خط ADX، که بخشی از سیستم DMI است، یک راه برای تعیین نوع بازار که شما با آن سروکار دارید - یک روند یا یک بازار تجاری را ارائه می‌دهد. خطی که در حال حاضر است

نشان‌دهنده تمایل به میانگین متحرک است. یک خط سیر نزولی نشان می‌دهد
که یک دامنه تجاری و نوسان سود به نفع خود عمل می‌کند. ما همچنین از
مثال‌های Parabolic برای نشان دادن

جنبه‌های خوب و بد اکثر سیستم‌های مبتنی بر روند رو به رو هستند. آن‌ها زمانی خوب کار می‌کنند که یک روند در حال حاضر باشد. آن‌ها در طول یک برد تجاری بی‌مصرف هستند. شما باید بتوانید تفاوت را بیان کنید. ما همچنین به مزایای سیستم‌های تجارت مکانیکی دست یافته‌ایم. این سیستم‌ها احساسات انسانی را حذف می‌کنند و می‌توانند در شرایط بازار مناسب بسیار مفید باشند. آن‌ها همچنین می‌توانند به عنوان هشدارهای تکنیکال مورد استفاده قرار گیرند و در ارتباط با آنالیز بنیادی به کار روند. (برای بیشتر در زمینه تجارت سیستم ضمیمه ج را ببینید).

شکی نیست که کامپیوتر در تحلیل بازار مالی و تجارت انقلابی ایجاد کرده‌است. در حالی که علاقه ما اصولاً در تحلیل تکنیکال است، برنامه‌های نرم‌افزاری همچنین به شما این امکان را می‌دهد که تحلیل بنیادی را با تکنیکی ترکیب کنید. وقتی اولین ویرایش این کتاب در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، حدود ۵۰۰۰ دلار هزینه داشت تا خود را با سخت‌افزار کامپیوتر مورد نیاز برای انجام تجزیه و تحلیل تکنیکال جدی تجهیز کند. بسته نرم‌افزاری هدایت‌کننده هزینه روز نزدیک به

۲۰۰۰ دلار. اوضاع چگونه تغییر کرده‌است. در حال حاضر شما می‌توانید برای کم‌تر از ۲۰۰۰ دلار کامپیوترهای فوق‌العاده قدرتمند به دست آورید. بیشتر بسته‌های نرم‌افزاری می‌توانند کم‌تر از ۳۰۰ دلار داشته باشند. موارد بهتر، شما را تا ۲۰ سال از داده‌های قیمت تاریخی روی دیسک CD - Rom با هزینه کم و یا بدون هیچ هزینه اضافی فراهم می‌کنند.

مزیت بزرگ دیگر میزان کمک آموزشی است که شما می‌توانید با آن بسته‌های نرم‌افزاری به دست آورید. راهنماهای کاربری تنها اندازه یک کتاب هستند و شامل فرمول‌های تکنیکال و انواع توضیحات مفید هستند. قابلیت‌های غربالگری و هشدار رایانه‌های امروزی به ویژه برای کسانی که ارتباط جهانی و بازار سهام و هزاران سهام عادی را بررسی می‌کنند، بسیار مفید است. در فصل دوم، ما در مورد استفاده پیچیده‌تر از تکنولوژی کامپیوتر برای توسعه شبکه‌های عصبی صحبت خواهیم کرد. اما پیام روشن است. اگر درباره سرمایه‌گذاری و یا تجارت بازارهای مالی جدی هستید، یک کامپیوتر بگیرید و یاد بگیرید که چگونه از آن استفاده کنید. خوشحال می‌شوی.

مدیریت پول و تاکتیک‌های تجاری

مقدمه

فصل‌های قبلی روش‌های تکنیکال اصلی مورد استفاده برای پیش‌بینی و تجارت بازارهای مالی را ارائه کردند. در این فصل، ما فرآیند تجارت را با افزودن به کار بازار و عوامل حیاتی تاکتیک‌های تجاری (و یا زمان‌بندی) و اغلب جنبه‌های نادیده گرفته مدیریت پول، دور می‌اندازیم. هیچ گرم تجاری بدون هیچ سه عنصر کامل نمی‌شود.

سه عنصر TRADING SUCCESSFUL

هر برنامه تجاری موفق باید سه عامل مهم را در نظر بگیرد: پیش‌بینی قیمت، زمان‌بندی، و مدیریت پول.

1. پیش‌بینی قیمت نشان می‌دهد که انتظار می‌رود بازار به کدام سمت روند پیدا کند. این اولین قدم در تصمیم‌گیری است. فرآیند پیش‌بینی مشخص می‌کند که آیا تاجر صعودی است یا صعودی. پاسخ به سوال بنیادی این است که آیا از طرف بلند یا کوتاه وارد بازار می‌شود یا خیر. اگر پیش‌بینی قیمت اشتباه باشد، هیچ چیز دیگری نیز کارساز نخواهد بود.

2. تاکتیک‌های تجاری، یا زمان‌بندی، نقاط ورود و خروج خاص را مشخص می‌کند. در معاملات آتی، زمان‌بندی بسیار حیاتی است. به دلیل نیاز حاشیه پایین و اهرم فشار بالا، فضای زیادی برای خطا وجود دارد. It's کاملاً ممکن است در مسیر بازار درست باشد، اما اگر زمان‌بندی خاموش باشد، هنوز پول خود را در یک تجارت از دست می‌دهد. در طبیعت زمان‌بندی تقریباً کاملاً تکنیکال است. بنابراین، حتی اگر تاجر اساساً محور باشد، ابزارهای تکنیکال باید در این نقطه به کار گرفته شوند تا نقاط ورودی و خروجی خاص مشخص شوند.

3. مدیریت پول تخصیص بودجه را پوشش می‌دهد. این شامل حوزه‌هایی مانند آرایش پورتفولیو، تنوع، چه میزان پول برای سرمایه‌گذاری یا ریسک در هر بازار، استفاده از نسبت‌های ریسک به ریسک، و چه باید بعد از دوره‌های موفقیت یا بدبختی، و چه به طور محافظه کارانه و یا به شدت عمل کند.

ساده‌ترین راه برای خلاصه کردن سه عنصر مختلف این است که پیش‌بینی قیمت به فروشنده می‌گوید چه کار کند (خرید یا فروش)، زمان به تصمیم‌گیری در زمان انجام آن کمک می‌کند، و مدیریت پول تعیین می‌کند که چقدر باید به تجارت متعهد شود. موضوع پیش‌بینی قیمت در فصل‌های قبل تحت پوشش قرار گرفته است. ما با دو جنبه دیگر در اینجا سر و کار داریم. ما ابتدا درباره مدیریت پول بحث و گفتگو خواهیم کرد، زیرا این موضوع باید در هنگام تصمیم‌گیری در مورد تاکتیک‌های تجاری مناسب مورد توجه قرار گیرد.

مدیریت پول

پس از گذراندن چندین سال در بخش تحقیقات یک شرکت بزرگ کارگزاری، من تغییر اجتناب‌ناپذیر را به مدیریت پول تبدیل کردم؛ من به سرعت تفاوت اصلی را بین توصیه استراتژی‌های تجاری به دیگران و اجرای آن‌ها کشف کردم.

خودم. چیزی که باعث تعجب من شد این بود که دشوارترین بخش این انتقال ربطی به استراتژی‌های بازار نداشت. روشی که من برای تحلیل بازارها و تعیین نقاط ورود و خروجی برای تغییر زیاد رفتم. چیزی که تغییر کرد درک من از اهمیت مدیریت پول بود. من از تاثیر چنین چیزهایی به اندازه حساب، ترکیب پورتفولیو، و مقدار پولی که به هر تجارت متعهد است، در نتایج نهایی شگفت‌زده شدم.

نیازی به گفتن نیست که من معتقد به اهمیت مدیریت پول هستم. این صنعت پر از مشاوران و خدمات مشاوره‌ای است که به مشتری‌ها می‌گویند چه چیزی بخرند یا بفروشند و چه زمانی این کار را انجام دهند. در مورد این که چقدر سرمایه one's باید به هر تجارت متعهد باشد، بسیار کم گفته می‌شود. برخی معامله‌گران معتقدند که مدیریت پول مهم‌ترین جز در یک برنامه تجاری، حتی مهم‌تر از خود رویکرد تجاری است. مطمئن نیستم که این کار را تا به حال انجام بدهم، اما من فکر می‌کنم امکان زنده ماندن برای مدت طولانی بدون آن وجود دارد. مدیریت پول با مساله بقا سر و کار دارد. این کار به تاجر می‌گوید که چگونه پول خود را اداره کند. هر تاجر خوبی باید در دراز مدت برنده شود. مدیریت پول شانس این که تاجر برای رسیدن به دراز مدت زنده بماند را افزایش می‌دهد.

راهنمای مدیریت پول عمومی

مسلماً، سوال مدیریت پورتفولیو می‌تواند بسیار پیچیده باشد، که مستلزم استفاده از معیارهای آماری پیشرفته است. ما در اینجا در یک سطح نسبتاً ساده به آن نزدیک می‌شویم. موارد زیر دستورالعمل‌های کلی هستند که می‌توانند در تخصیص بودجه one's و تعیین اندازه تعهدات تجاری one's مفید باشند. این رهنمودها در درجه اول به معاملات آتی اشاره دارد.

1. کل وجوه سرمایه‌گذاری شده باید محدود به ۵۰٪ کل سرمایه باشد. این تعادل در لوایح خزانه‌داری قرار دارد. این بدان معنی است که در هر زمان، بیش از نیمی از سرمایه trader's باید به بازارها متعهد باشد. نیمه دیگر به عنوان یک ذخیره در طول دوره‌های مصیبت و عقب‌نشینی عمل می‌کند. اگر، برای مثال، اندازه حساب ۱۰۰۰۰۰ دلار است، تنها ۵۰،۰۰۰ دلار برای اهداف تجاری در دسترس خواهد بود.

2. تعهد کلی در هر یک از این بازارها باید محدود به ۱۰ تا ۱۵ درصد کل دارایی خالص باشد. بنابراین، تنها در یک حساب ۱۰۰۰۰۰ دلار، در هر بازار ۱۰،۰۰۰ تا ۱۵،۰۰۰ دلار برای سپرده حاشیه در دسترس خواهد بود. این امر باید مانع از آن شود که تاجر بتواند سرمایه زیادی را در هر تجارتی قرار دهد.

3. کل میزان ریسک در هر یک از بازارها باید محدود به ۵٪ کل دارایی خالص باشد. این ۵ درصد به این موضوع اشاره دارد که اگر معامله doesn't تجارت انجام شود، این تاجر به چه مقدار تمایل دارد از دست بدهد. این یک بررسی مهم در تصمیم‌گیری درباره این است که چه تعداد از قراردادهای تجارت و چه دور از یک توقف حفاظتی باید قرار داده شود. بنابراین یک حساب ۱۰۰۰۰۰ دلاری نباید بیش از ۵۰۰۰ دلار در یک تجارت واحد به خطر بیاندازد.

4. حاشیه کل در هر گروه بازاری باید محدود به ۲۰ تا ۲۵ درصد کل دارایی خالص باشد. هدف از این معیار محافظت در برابر بیش از حد درگیر شدن در هر گروه بازار است. بازارها در درون گروه‌ها با هم حرکت می‌کنند. طلا و نقره بخشی از گروه فلزات گرانبها هستند و معمولاً در جهت یک‌سان روند دارند. قرار دادن موقعیت کامل در هر بازار در یک گروه، اصل تنوع را بی‌اثر خواهد کرد. تعهدات بازار در یک گروه باید کنترل شوند.

این رهنمودها در صنعت پیش‌خرید، نسبتاً استاندارد هستند، اما می‌توانند به نیازهای trader's تغییر یابند. برخی از تجار نسبت به بقیه aggressive و موقعیت‌های بزرگتری دارند. برخی دیگر محافظه‌کارتر بودند. نکته مهم این است که نوعی از تنوع به کار گرفته می‌شود که اجازه حفظ سرمایه و برخی از معیارهای حفاظت در طول دوره‌های از دست دادن دوره‌ها را می‌دهد. (اگر چه این رهنمودها مربوط به معاملات آتی، اصول کلی مدیریت پول و تخصیص دارایی را میتوان به همه اشکال سرمایه‌گذاری اعمال کرد).

غلظت در مقابل تمرکز

در حالی که تنوع یک راه برای محدود کردن مواجهه با ریسک است، ممکن است اغراق‌آمیز باشد. اگر یک تاجر در همان زمان تعهدات تجاری در بسیاری از بازارها داشته باشد، ممکن است چند معامله سود آور با تعداد بیشتری از تجارت‌های از دست دادن رقیق شود. یک معامله صحیح و مناسب وجود دارد

مربوط به مدیریت پول و تاکتیک‌ها

تعادل را باید یافت. برخی تجار موفق تجارت خود را در مشتی از بازارها متمرکز می‌کنند. That's تا زمانی که این بازارها the هستند که در آن زمان روند دارند. هر چه همبستگی منفی بیشتری بین بازارها وجود داشته باشد، تنوع بیشتری به دست می‌آید. نگه داشتن پست‌های طولانی در چهار بازار ارز خارجی در عین حال مثال خوبی از تنوع نیست، زیرا ارزهای خارجی معمولاً در مسیر مشابه با دلار آمریکا روند دارند.

با استفاده از Protective

من قویاً استفاده از stops محافظ را توصیه می‌کنم. به هر حال، محل توقف یک هنر است. این تاجر باید عوامل تکنیکال را در چارت قیمت با ملاحظات مدیریت پول ترکیب کند. ما نشان خواهیم داد که چگونه این کار بعداً در بخش مربوط به تاکتیک‌ها انجام می‌شود. این تاجر باید نوسانات بازار را مد نظر داشته باشد. هرچه بازار volatile باشد، دست ایست که باید بکار رود. در اینجا، یک معامله وجود دارد. این تاجر می‌خواهد توقف حفاظتی به اندازه کافی نزدیک باشد تا از دست دادن معاملات به اندازه امکان کوچک باشد. توقف حفاظتی بیش از حد نزدیک است، با این حال ممکن است منجر به از بین رفتن ناخواسته در نوسانات کوتاه‌مدت بازار شود (یا "سر و صدا"). اقدامات حفاظتی که بسیار دورتر قرار می‌گیرند ممکن است از عامل نویز اجتناب کنند، اما منجر به زیان‌های بزرگتری می‌شود. ترفند این است که زمین میانی درست را پیدا کنید.

تهدید به ریسک کردن ریسک

بهترین دلالتان پیش‌خرید کننده تنها ۴۰ درصد از تجارت‌های خود را کسب می‌کنند. بسیار خوب. اغلب بادهای تجارتی losers می‌شوند. پس آیا معامله کنندگان پول را در صورتی که بیشتر اوقات اشتباه می‌کنند، انجام می‌دهند؟ از آنجا که قراردادهای آتی نیازمند حاشیه کوچکی هستند، حتی حرکت جزئی در مسیر نادرست منجر به انحلال اجباری می‌شود. بنابراین، ممکن است برای یک تاجر برای بررسی یک بازار چند بار قبل از گرفتن حرکت او و یا به دنبال آن باشد، لازم باشد.

این مساله ما را به نسبت نسبت‌های ریسک به ریسک به ارمغان می‌آورد. از آنجا که بسیاری از حرفه‌ها، بازنندگان هستند، تنها راه خروج از جلو این است که اطمینان حاصل شود که مقدار ارز برنده بیشتر است.

بهتر از این است که تجارت از دست رفته باشد. برای انجام این کار، اغلب تجارت نسبت به نسبت ریسک به ریسک استفاده می‌کنند. برای هر تجارت بالقوه یک هدف سود تعیین می‌شود. سپس آن هدف سود (پاداش) در برابر ضرر احتمالی اگر معامله غلط برود متعادل می‌شود (ریسک). معیار مورد استفاده یک نسبت ۳ به ۱ پاداش به ریسک است. اگر قرار است یک تجارت در نظر گرفته شود، پتانسیل سود باید حداقل سه برابر از دست دادن احتمالی باشد.

"اجازه دادن به سود و کاهش تلفات" یکی از قدیمی‌ترین maxims معاملات است. سود زیاد در تجارت با ماندن با روندهای پایدار به دست می‌آید. از آنجا که تنها یک تعداد نسبی از معاملات در طول یک سال سود بزرگی را تولید می‌کند، it's برای به حداکثر رساندن تعداد کمی از برندگان بزرگ لازم است. اجازه دادن به سود، روشی است که انجام می‌شود. طرف دیگر سکه این است که معاملات خود را تا جایی که ممکن است کم نگه دارد. You'd از این که بسیاری از بازرگانان این کار را برعکس انجام می‌دهند، شگفت‌زده خواهند شد.

تنظیم موقعیت چندگانه چندگانه: trending در برابر واحدهای TRADING

اجازه دادن به سود، به همان آسانی که به نظر می‌رسد، اجرا می‌شود. تصویری را تصویر کنید که در آن بازار شروع به روند می‌کند، و سود زیادی را در مدت‌زمان نسبتاً کوتاهی تولید می‌کند. ناگهان، در غرفه‌های این روند، the وضعیت overbought را نشان می‌دهند و برخی مقاومت را در نمودار نشان می‌دهند. چه باید کرد؟ شما باور دارید که بازار دارای پتانسیل بالاتری است، اما اگر بازار شکست بخورد شما نگران از دست دادن سود روزنامه تان هستید. آیا شما سود می‌برید یا یک تصحیح احتمالی را انجام می‌دهید؟

یک راه برای حل این مشکل همیشه تجارت در واحدهای مختلف است. این واحدها را میتوان به تجارت و موقعیت‌های روند تقسیم کرد. بخش trending موقعیت برای کشش طولانی نگه‌داشته می‌شود. اقدامات حفاظتی سست به کار گرفته می‌شوند و بازار به وفور فضا برای تحکیم و یا اصلاح خودش به بازار داده می‌شود. اینها موقعیت‌هایی هستند که بیش‌ترین سود را در طولانی‌مدت تولید می‌کنند.

بخش تجاری این پورترفولیو برای فروش کوتاه و خارج از بازار اختصاص داده شده‌است. اگر بازار به اولین هدف برسد،

نزدیک به مقاومت و *overbought* است، برخی از سودها را میتوان به دست آورد یا توقف حفاظتی سخت مورد استفاده قرار گرفت. هدف این است که از سود خود دفاع کرده یا از آن محافظت کنید. اگر این روند ادامه پیدا کند، هر یک از پست‌های *liquidated* را میتوان دوباره به کار برد. بهترین راه برای اجتناب از تجارت تنها یک واحد در یک زمان است. انعطاف‌پذیری افزایش‌یافته که از واحدهای مختلف تجاری حاصل می‌شود، تفاوت بزرگی در نتایج کلی تجارت ایجاد می‌کند.

بعد از موفقیت موفقیت و موفقیت، چه باید کرد؟

یک تاجر بعد از باخت یا برنده شدن چه کار می‌کند؟ فرض کنید سهام تجاری تان تا ۵۰٪ پایین است. آیا سبک زندگی خود را تغییر می‌دهید؟ اگر نیمی از پول خود را از دست داده‌اید، حالا باید دو برابر آنچه باقی مانده تا به جایی که در مکان اول هستید را دو برابر کنید. آیا انتخاب شغل را انتخاب می‌کنید و یا همان کارهایی را که قبلاً انجام می‌دهید، انجام می‌دهید؟ اگر محافظه‌کارتر شده این است که برد شما بسیار سخت‌تر خواهد بود.

یک مشکل تر بعد از برنده شدن رخ می‌دهد. با *winnings* چه کار می‌کنید؟ فرض کنید پولتان را دو برابر کرده‌اید. یک راه دیگر قرار دادن پول تان به حداکثر استفاده از دوبل کردن اندازه موقعیت خود است. با این حال، اگر این کار را انجام دهید، چه اتفاقی خواهد افتاد که در طی یک دوره از دست دادن غیرقابل‌اجتناب چه اتفاقی خواهد افتاد؟ به جای این که ۵۰ درصد برده‌ای خود را پس دهید، تمام آن را پس خواهید داد. بنابراین پاسخ این دو پرسش به همان سادگی و بدیهی است که ممکن است به نظر برسد.

هر رکورد *trader's* یک سری از قله‌ها و *troughs* است که بسیار شبیه به نمودار قیمت است. روند نمودار دارایی باید به سمت بالا باشد اگر تاجر پول را در رابطه با تعادل ایجاد کند. بدترین زمان برای افزایش اندازه تعهدات *one's* بعد از برنده شدن است. مثل خریدن یک بازار *overbought* در یک *uptrend*. کار عاقلانه‌ای که باید انجام دهید (که مخالف طبیعت اولیه انسان است) این است که تعهدات خود را بعد از افت در سهام شروع کنیم. این باعث افزایش احتمال وقوع تعهدات سنگین‌تر در نزدیکی *troughs* به جای قله‌ها خواهد شد.

TACTICS "TRADING"

به محض تکمیل تحلیل بازار، تاجر باید بداند که آیا او قصد خرید یا فروش این بازار را دارد یا نه. در این زمان ملاحظات مدیریت پول باید سطح مشارکت را دیکته کند. آخرین مرحله خرید یا فروش واقعی است. این می‌تواند دشوارترین بخش این فرآیند باشد. تصمیم نهایی در مورد چگونگی و چگونگی ورود به بازار براساس ترکیبی از عوامل تکنیکال، پارامترهای مدیریت پول و نوع سفارش تجاری است. Let's به این ترتیب آن‌ها را در نظر بگیرید.

استفاده از تحلیل تکنیکی در زمان‌بندی

هیچ چیز واقعاً جدیدی در استفاده از اصول تکنیکال مورد بحث در فصل‌های قبلی به فرآیند زمان‌بندی وجود ندارد. تنها تفاوت اصلی این است که زمان‌بندی مدت بسیار کوتاهی را پوشش می‌دهد. چارچوب زمانی که در اینجا به ما مربوط می‌شود، در روزها، ساعات و دقایق با هفته‌ها و ماه‌ها سنجیده می‌شود. اما ابزارهای تکنیکال که به کار گرفته می‌شوند، یک‌سان باقی می‌مانند. به جای رفتن به تمام روش‌های تکنیکال، بحث خود را با برخی مفاهیم کلی محدود خواهیم کرد.

1. تاکتیک‌ها در مورد حمله

2. شکستن of

3. استفاده از پشتیبانی و مقاومت

4. استفاده از درصدی از

5. استفاده از شکاف‌ها

تاکتیک‌ها بر روی breakouts: پیش‌بینی یا واکنش؟

این تاجر برای همیشه با معضل اتخاذ موضعی در پیش‌بینی شکست مواجه می‌شود و موقعیت خود را در زمان شکست و یا انتظار برای واکنش و یا واکنش بعد از رخ دادن شکست مواجه می‌شود. بحث‌هایی به نفع هر رویکرد یا هر سه با هم ترکیب می‌شوند. اگر این تاجر چندین واحد تجاری داشته باشد، یک واحد می‌تواند در هر مورد در نظر گرفته شود. اگر موقعیت در antici گرفته شود - -

اگر شکست پیش‌بینی شده رخ دهد، بازدهی یک قیمت بهتر (کم‌تر) است. با این حال، شانس ایجاد یک تجارت بد افزایش می‌یابد. انتظار برای شکست واقعی شانس موفقیت را افزایش می‌دهد، اما جریمه یک قیمت نهایی (بالا‌تر) است. انتظار برای the پس از شکست یک مصالحه منطقی است و the رخ می‌دهد. متأسفانه، بسیاری از بازارهای پویا (معمولاً the) همیشه به تاجر بیمار فرصت دیگری می‌دهند. ریسک درگیر در انتظار برای the، افزایش شانس از دست دادن بازار است.

این موقعیت نمونه‌ای از نحوه تسهیل موقعیت چند گانه است. تاجر می‌تواند موقعیت کوچکی را در پیش‌بینی فرار بگیرد، مقداری بیشتر در زمان شکست بخرد و کمی بیشتر روی شیب اصلاحی پس از شکست اضافه کند.

شکستن trendlines

این یکی از مهم‌ترین سیگنال‌های ورودی یا خروجی است. اگر تاجر به دنبال وارد شدن یک موقعیت جدید به نشانه تکنیکال تغییر روند باشد یا دلیلی برای خروج از یک موقعیت قدیمی باشد، شکستن خط روند فشرده اغلب یک سیگنال اقدام عالی است. البته عوامل تکنیکال دیگری نیز باید در نظر گرفته شوند. همچنین زمانی که به عنوان پشتیبان یا مقاومت عمل می‌کنند، trendlines می‌تواند برای نقاط ورود به کار رود. خرید در برابر خط روند بزرگ یا فروش در برابر خط روند پایین می‌تواند یک استراتژی زمان‌بندی موثر باشد.

استفاده از پشتیبانی و مقاومت

پشتیبانی و مقاومت کارآمدترین ابزار chart برای استفاده در نقاط ورودی و خروجی هستند. شکستن مقاومت می‌تواند علامتی برای یک موقعیت جدید باشد. سپس توقف محافظ می‌تواند تحت نزدیک‌ترین نقطه پشتیبانی قرار گیرد. یک توقف حفاظتی نزدیک‌تر می‌تواند درست در زیر نقطه شکست واقعی قرار گیرد که باید به صورت پشتیبان عمل کند. تظاهرات برای مقاومت در یک روند نزولی یا کاهش حمایت در یک استراتژی می‌تواند برای آغاز موقعیت‌های جدید یا اضافه کردن به شرکت‌های سودآور قدیمی مورد استفاده قرار گیرد. به منظور ایجاد توقف حمایتی، حمایت و سطوح مقاومت ارزشمندتر است.

استفاده از درصد retracements

در یک uptrend، pullbacks که ۴۰ - ۶۰٪ از پیشرفت قبلی را طی می‌کند، می‌تواند برای موقعیت‌های جدید یا اضافی مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که در ابتدا در مورد زمان‌بندی صحبت می‌کنیم، درصد retracements را میتوان برای اقدام کوتاه‌مدت بکار برد. برای مثال، ۴۰٪ pullback پس از شکست صعودی ممکن است یک نقطه خرید بسیار عالی را ارائه دهد. ۴۰ Bounces - ۶۰٪ معمولاً فرصت‌های shorting عالی در downtrends فراهم می‌کنند. درصد retracements را میتوان در چارت روزانه نیز به کار برد.

استفاده از شکاف‌ها

فاصله‌های قیمت بر روی نمودارهای میله‌ای می‌توانند به طور موثر در زمان خرید یا فروش به کار روند. برای مثال، بعد از یک upmove، شکاف‌ها معمولاً به عنوان سطوح پشتیبانی عمل می‌کنند. یک شیب را تا انتهای فوقانی شکاف یا شیب به خود شکاف بخريد. یک توقف حفاظتی را میتوان در زیر شکاف قرار داد. در یک حرکت خرس، تجمع خود را به قسمت پایین شکاف یا خود شکاف می‌فروشید. یک توقف حفاظتی می‌تواند روی این شکاف نگهداری شود.

ترکیب مفاهیم تکنیکال

موثرترین راه برای استفاده از این مفاهیم تکنیکال ترکیب آن‌ها است. به یاد داشته باشید که زمانی که در حال بحث و بررسی زمان هستیم، تصمیم اولیه برای خرید یا فروش از قبل صورت گرفته است. تمام کاری که اینجا انجام می‌دهیم این است که نقطه ورودی یا خروجی را تنظیم کنیم. اگر یک سیگنال خرید داده شود، تاجر می‌خواهد بهترین قیمت ممکن را دریافت کند. فرض کنید که قیمت‌ها در منطقه خرید ۴۰ - ۶۰ درصد افت پیدا کنند، یک سطح حمایتی برجسته در آن منطقه نشان دهند، و / یا یک شکاف پشتیبانی بالقوه داشته باشند. فرض کنید که خط روند صعودی قابل توجهی نزدیک است.

تمام این عوامل به کار رفته در کنار هم، زمان‌بندی تجارت را بهبود می‌بخشد. ایده خرید در نزدیکی پشتیبانی است، اما اگر آن پشتیبانی شکسته شود، باید به سرعت خارج شود. تخطی از خط روند سخت پایین کشیده شده بالاتر از بالاترین سطح یک واکنش عیب نیز می‌تواند به عنوان یک سیگنال خرید به کار رود. در طی یک جهش در روند نزولی، شکستن خط روند فشرده می‌تواند یک فرصت shorting باشد.

COMBINING عوامل تکنیکال و مدیریت پول

علاوه بر استفاده از نقاط چارت، دستورالعمل‌های مدیریت پول باید در نحوه تنظیم توقف حفاظت نقش داشته باشند. با فرض یک اندازه حساب \$ ۱۰۰۰۰۰ و استفاده از ۱۰٪ معیار برای حداکثر تعهد، تنها ۱۰۰۰۰ دلار برای تجارت موجود است. حداکثر ریسک ۵٪ است، یا ۵۰۰۰ دلار. بنابراین، توقف حفاظتی در کل موقعیت باید به گونه‌ای قرار داده شود که اگر تجارت doesn't کار کند، بیش از ۵۰۰۰ دلار از دست نخواهد رفت. یک توقف حفاظتی نزدیک‌تر اجازه استفاده از موقعیت‌های بزرگ‌تر را می‌دهد. توقف looser اندازه موقعیت را کاهش می‌دهد. برخی تجار تنها از عوامل مدیریت پول در تعیین محل توقف حفاظت استفاده می‌کنند. با این حال، It's بسیار مهم است که توقف حفاظتی در یک نقطه مقاومت معتبر برای یک موقعیت کوتاه یا پایین‌تر از نقطه پشتیبانی معتبر برای یک موقعیت طولانی قرار داده شود. استفاده از چارت روزانه می‌تواند به ویژه در پیدا کردن پشتیبانی نزدیک‌تر یا سطوح مقاومت موثر باشد که دارای اعتبار هستند.

انواع دستورها TRADING

انتخاب نوع مناسب از سفارش تجاری یک جز ضروری در فرآیند تاکتیکی است. ما تنها با برخی از انواع متداول سفارشات به خود توجه خواهیم کرد: بازار، محدودیت، توقف، محدودیت، و بازار - اگر تحت تاثیر قرار گیرد (M.I.T.).

1. ترتیب بازار به سادگی به واسطه شما برای خرید یا فروش در قیمت فعلی بازار سفارش می‌دهد. این معمولاً در شرایط بازار سریع ارجح است و یا زمانی که فروشنده می‌خواهد مطمئن شود که یک موقعیت گرفته می‌شود و از دست دادن یک حرکت بالقوه پویا محافظت می‌کند.
2. حکم محدودیت قیمت را مشخص می‌کند که تاجر مایل به پرداخت یا پذیرش آن است. یک سفارش حد خرید پایین‌تر از قیمت بازار فعلی قرار داده می‌شود و بالاترین قیمت را دارد که تاجر مایل به پرداخت هزینه خرید است. یک سفارش محدودیت فروش بر قیمت بازار فعلی و پایین‌ترین قیمت فروشنده قرار داده می‌شود.

حاضر است قبول کند. این نوع از نظم استراحت پس از یک شکست صعودی در زمانی که خریدار می‌خواهد واکنش منفی را به حمایت نزدیک‌تر کند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

3. یک دستور توقف می‌تواند برای ایجاد یک موقعیت جدید، از دست دادن یک موقعیت موجود، یا حفاظت از یک سود استفاده شود. یک دستور توقف قیمتی را مشخص می‌کند که در آن سفارش باید اجرا شود. یک توقف خرید در بازار و یک توقف فروش در بازار (که نقطه مقابل سفارش محدود است) قرار داده می‌شود. هنگامی که قیمت متوقف می‌شود، سفارش یک سفارش بازار می‌شود و در بهترین قیمت ممکن اجرا می‌شود. در یک موقعیت طولانی، یک توقف فروش در پایین بازار قرار داده می‌شود تا ضرر را محدود کند. بعد از اینکه بازار بالاتر می‌رود، توقف را میتوان برای حفاظت از سود (یک توقف دنباله) بالا برد. توقف خرید می‌تواند بالاتر از مقاومت برای شروع موقعیت طولانی در شکست صعودی قرار گیرد. از آنجا که دستور توقف تبدیل به سفارش بازار می‌شود، قیمت واقعی "پر کننده" ممکن است فراتر از قیمت تمام‌شده، به خصوص در یک بازار سریع باشد.

4. یک دستور حد توقف، هم یک توقف و هم یک دستور محدود را ترکیب می‌کند. این نوع ترتیب هر دو قیمت استاپ را مشخص می‌کند که در آن تجارت فعال می‌شود و قیمت را محدود می‌کند. هنگامی که توقف انتخاب می‌شود، سفارش یک حکم محدود می‌شود. این نوع سفارش وقتی مفید است که تاجر می‌خواهد یک شکست بخرد یا بفروشد، اما می‌خواهد قیمت پرداختی یا دریافتی را کنترل کند.

5. بازار - اگر به سفارش (M.I.T.) دست یابد، شبیه به یک سفارش محدود است، به جز اینکه زمانی که قیمت محدودیت به دست می‌آید، به یک سفارش بازار تبدیل می‌شود. یک سفارش M.I.T. برای خرید در بازار مثل یک حکم حد مجاز قرار خواهد گرفت. زمانی که قیمت محدود مورد اصابت قرار می‌گیرد، تجارت در بازار انجام می‌شود. این نوع از تجارت دارای یک مزیت عمده بر روی نظم محدود است. سفارش حد خرید در بازار، حتی اگر قیمت محدود مورد لمس قرار گیرد، یک پر کننده را تضمین نمی‌کند. قیمت‌ها ممکن است به شدت از قیمت محدودیت بالا بروند و یا غیر پر را ترک کنند. یک سفارش M.I.T. زمانی بسیار مفید است که تاجر بخواهد شیب را خریداری کند، اما doesn't خواهان آن هستند که بازار را بعد از اینکه قیمت محدود مورد اصابت قرار می‌گیرد، از دست بدهند.

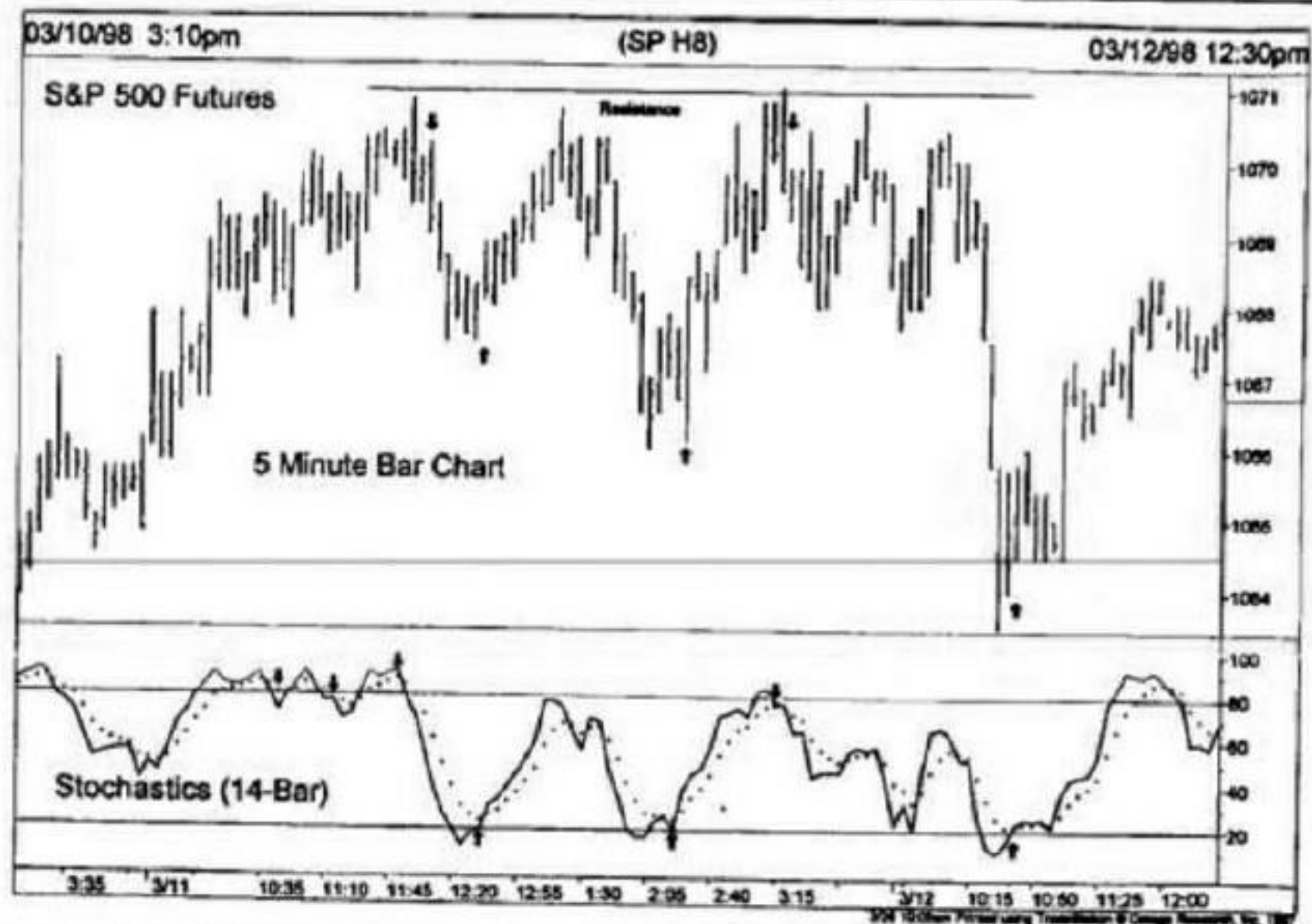
مدیریت پول و تاکتیک‌های تجاری ۴۰۵

هر یک از این فرمان‌ها در زمان‌های خاصی مناسب هستند. هر کدام نقاط قوت و ضعف خود را دارند. دستور بازار یک موقعیت را تضمین می‌کند، اما ممکن است منجر به "پی‌گیری" بازار شود. دستورهای لازم برای کنترل بیشتر و قیمت‌های بهتر را محدود کنید، اما ریسک از دست دادن بازار را محدود کنید. همچنین اگر شکاف قیمت فراتر از قیمت حد مجاز باشد، دستور محدود کردن بازار را نیز از دست بدهید. افزایش قیمت‌ها به شدت توصیه می‌شود که زیان‌ها را محدود کرده و از سود محافظت کنید. با این حال، استفاده از خرید یا فروش برای شروع مشاغل جدید ممکن است منجر به پر شدن اوضاع شود. بازار - اگر سفارش به آن دست زده باشد، بسیار مفید است، اما در برخی مبادلات مجاز نیست. خود را با انواع مختلف دستورهای تطبیق دهید و نقاط قوت و ضعف خود را یاد بگیرید. هر کدام از آن‌ها در برنامه کاری شما جایگاهی دارند. دقت کنید بفهمید که کدام نوع دستور در تبادلات مالی مختلف مجاز هستند.

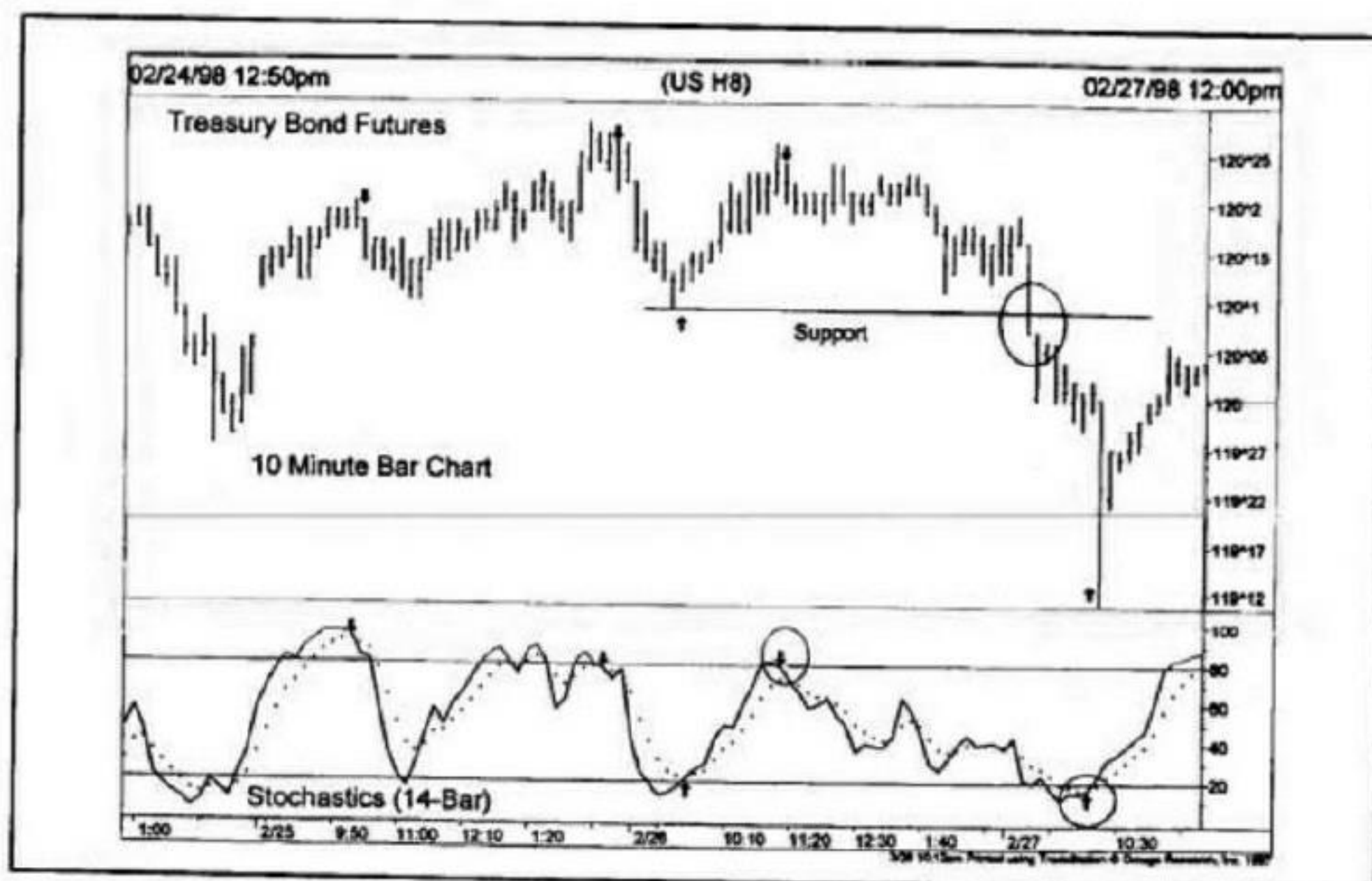
روزانه از DAILY تا intraday قیمت افزایش یافته است.

از آنجا که زمانبندی با اقدام بازار بسیار کوتاه سر و کار دارد، نمودارهای قیمت روزانه به طور خاص مفید هستند. جداول intraday برای اهداف تجاری روزانه ضروری هستند، اگرچه تمرکز ما در اینجا نیست. ما عمدتاً به این موضوع علاقه‌مند هستیم که چگونه فعالیت روزانه می‌تواند برای کمک به تاجر در زمان خرید و فروش در زمانی که تصمیم اصلی برای ورود یا خروج از بازار ایجاد شده است، به کار رود.

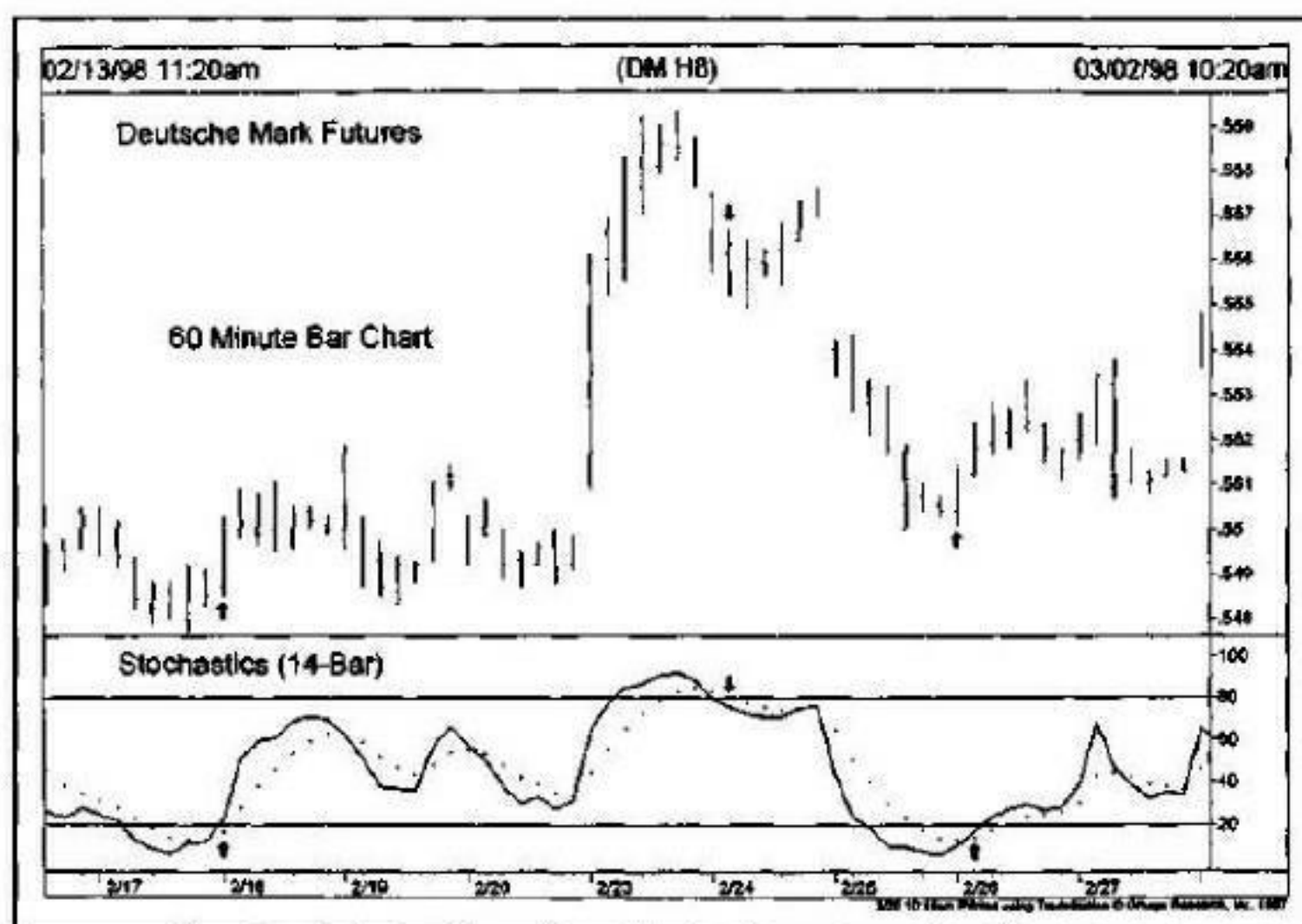
این امر تکرار می‌کند که فرآیند تجارت باید با دید وسیعی شروع شود و سپس به تدریج به سمت دوره کوتاه‌تر کار کند. تحلیل با نمودارهای ماهانه و هفتگی برای چشم‌انداز بلند مدت شروع می‌شود. سپس چارت روزانه مورد مشورت قرار می‌گیرد، که اساس تصمیم تجاری واقعی است. چارت روزانه آخرین مورد است که برای دقت بیشتر مشاهده می‌شود. نمودار بلند مدت یک دیدگاه تلسکوپی از یک بازار را ارائه می‌دهد. چارت روزانه به مطالعه میکروسکوپی بیشتر امکان می‌دهد. اصول تکنیکی پیش از این در این نمودار بسیار حساس به وضوح قابل مشاهده هستند. (شکل ۱.۱۶ - ۱.۱۶ را ببینید)



شکل ۱۶. ۱ یک نمودار میله‌ای ۵ دقیقه‌ای از قرارداد P & futures ۵۰۰ که یک روز و نیم داد و ستد را نشان می‌دهد. پنج سیگنال تصادفی آخر (arrows) را ببینید) به خوبی کار کردند. نمودارها برای اهداف تجاری کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرند.



شکل ۲.۱۶ یک نمودار میله‌ای ۱۰ دقیقه‌ای از قرارداد آتی اسناد خزانه‌داری که سه روز معاملات را نشان می‌دهد. دو سیگنال تصادفی آخر فقط بعد از ساعت ۱۰:۱۰ صبح روز ۲۶ / ۲ و بعد از آن یک سیگنال خرید در صبح روز بعد را نشان می‌دهند.



شکل ۱۶. ۳ یک نمودار میله‌ای یک قرارداد Deutsche mark futures نشان می‌دهد که ۱۰ روز تجاری را نشان می‌دهد. سه سیگنال تصادفی نشان داده می‌شوند (arrows را ببینید). یک سیگنال خرید در ۱۷ / ۲ به فروش ۲۴ / ۲ و سپس خرید دیگری در ۲۶ / ۲ رسید.

استفاده از نقاط عطف intraday

به منظور دستیابی به ورود اولیه با توقف‌های محافظ محکم‌تر، برخی از تجار تلاش می‌کنند تا پیش‌بینی کنند که بازار با استفاده از نقاط محور بسته خواهد شد. این تکنیک هفت سطح قیمت اصلی را با چهار دوره زمانی ترکیب می‌کند. هفت نقطه محور قبلی، بالا، پایین، و نزدیک به هم باز، بالا، پایین و نزدیک هستند. این چهار دوره زمانی برای روز تجاری فعلی اعمال می‌شوند. آن‌ها ۳۰ دقیقه بعد از ظهر باز هستند (حدود ۱۲:۳۰ دقیقه در نیویورک) و ۳۵ دقیقه قبل از پایان.

این‌ها متوسط زمان هستند و میتوان آن‌ها را با بازارهای منفرد تطبیق داد. ایده استفاده از نقاط محور تنها به عنوان یک وسیله زمان‌بندی زمانی است که تاجر معتقد است که بازار پر از topping یا bottoming است. سیگنال خرید یا فروش به صورت نقاط محوری در طول روز داده می‌شود. بعداً در روزی که سیگنال داده می‌شود، قوی‌تر است.

به عنوان مثال از یک سیگنال خرید، اگر بازار بالاتر از the قبلی باز شود، اما پایین‌تر از the قبلی است، یک توقف خرید بالاتر از day's بالا قرار داده می‌شود. اگر توقف خرید انتخاب شود، یک توقف فروش محافظ در پایین the فعلی قرار داده می‌شود. در ۳۵ دقیقه قبل از پایان، اگر هیچ موقعیتی گرفته نشده است، توقف خرید در بالای the فعلی قرار داده می‌شود و یک توقف محافظ در زیر today's باز می‌شود. در طول ۳۰ دقیقه اول معاملات هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد. همانطور که روز پیشرفت می‌کند، نقاط محور به عنوان توقف محافظ محدود می‌شوند. به عنوان شرط نهایی در مورد یک سیگنال خرید، قیمت‌ها باید در بالای هر دو قیمت بسته قبلی و قیمت باز today's بسته شوند.

خلاصه مدیریت پول و مدیریت بحران

لیست زیر بیشتر عناصر مهم مدیریت پول را به همراه دارد.

1. تجارت در جهت روند میانی.
2. در the uptrends، the را بخرید؛ در bounces، downtrends را به فروش برسانید.
3. اجازه دهید سودها اجرا شوند، تلفات کم شود.
4. از توقف‌های محافظ برای محدود کردن تلفات استفاده کنید.
5. Don't با گزینه تجارت می‌کند، نقشه‌ای داشته باشد.
6. برای کار خود برنامه‌ریزی کنید و برنامه خود را به کار ببرید.
7. از اصول مدیریت پول استفاده کنید.
8. diversify، اما بیش از حد افراط می‌کنند.
9. حداقل یک نسبت ۳ به ۱ نسبت به ریسک را به خدمت بگیرید.
10. وقتی pyramiding (اضافه کردن پست‌ها)، این خطوط راهنما را دنبال کنید.
 - a. هر لایه متوالی باید کوچک‌تر از قبل باشد.
 - b. فقط برای برنده شدن اضافه کنید.
 - c. هرگز به موقعیت بازنده اضافه نکنید.
 - d. میزان حفاظت از نقطه breakeven را تنظیم کنید.
11. هرگز با حاشیه تماس نگیرید؛ پول خوبی پس از بد نگیرید.

مدیریت پول و تاکتیک‌های تجاری

12. از دست دادن موقعیت قبل از برنده شدن.
13. به جز برای معاملات کوتاه‌مدت، تصمیماتی را دور از بازار بگیرید، ترجیحاً وقتی که بازارها بسته شوند.
14. از دراز مدت تا کوتاه‌مدت کار کنید.
15. از چارت روزانه برای ورود و خروج از آهنگ استفاده کنید.
16. استاد interday قبل از این که بخواد تجارت کنه
17. سعی کنید حکمت متعارف را نادیده بگیرید؛ don't هر چیزی در رسانه‌های مالی را بسیار جدی می‌گیرند.
18. یاد بگیرید که در اقلیت بودن راحت باشید. اگر شما در بازار حق دارید، اغلب مردم با شما مخالفت خواهند کرد.
19. تحلیل تکنیکال مهارتی است که با تجربه و مطالعه بهبود می‌یابد. همیشه دانش‌آموز باشید و به یادگیری ادامه دهید.
20. ساده است، ساده‌تر است، همیشه بهتر است.

کاربرد در سهام

تاکتیک‌های تجاری که ما در این فصل پوشش دادیم (و ابزارهای تحلیلی در فصل‌های قبل) نیز در بازار سهام با کمی تنظیمات جزئی اعمال می‌شوند. در حالی که دلالتان پیش‌خرید کننده بر روی روندهای intermediate تمرکز می‌کنند، سرمایه‌گذاران سهام نسبت به روند متوسط به روند متوسط بیشتر نگران هستند. معاملات سهام کمتر بر روی کوتاه‌مدت تاکید می‌کند و استفاده کمتر از نمودارهای روزانه را به ارمغان می‌آورد. اما اصول کلی برای تحلیل و بازار معاملات یک‌سان باقی می‌ماند - آیا آن‌ها در بازارهای آتی شیکاگو یا در بازار بورس نیویورک هستند.

تخصیص تلفات

دستورالعمل‌های مدیریت پول ارائه‌شده در این فصل عمدتاً به معاملات آتی اشاره دارد. با این حال، بسیاری از اصول مندرج در این بحث مربوط به نیاز به تنوع مناسب در سبد سرمایه‌گذاری یک فرد و لمس کردن موضوع تخصیص دارایی‌ها است. تخصیص دارایی به نحوه تقسیم پرتفوی به سهام، اوراق قرضه و وجوه نقد اشاره دارد.

(معمولاً به شکل یک صندوق پس‌انداز پول یا لویج خزانه‌داری). همچنین می‌تواند به این موضوع اشاره کند که چه مقدار از سهام one's باید به بازارهای خارجی اختصاص داده شود. تخصیص دارایی همچنین به این موضوع اشاره دارد که stockholdings one's در میان بخش‌های مختلف بازار و گروه‌های صنعتی گسترش می‌یابند. و اخیراً، معامله با این که چه مقدار از سهام one's باید به بازارهای کالاهای سنتی اختصاص داده شود، سر و کار دارد.

واریز حساب‌های قابل وصول و واریز وجوه نقد

حساب‌های مدیریت‌شده برای چندین سال در بازارهای آتی موجود بوده‌اند و یک وسیله نقلیه برای افرادی فراهم کرده‌اند که مایل به ارائه مقداری پول به آتی هستند اما فاقد تخصص لازم برای انجام این کار هستند. مدیریت مدیریت‌شده، یک نوع رویکرد سرمایه‌گذاری دوجانبه به آتی را تأمین کرده‌است. حتی با وجود اینکه سهام futures موفق در تمامی بازارهای آتی، از جمله پول، کالا، اوراق قرضه و آتی شاخص سهام سرمایه‌گذاری می‌کند - آن‌ها هنوز مقداری از تنوع را از اوراق قرضه و سهام تأمین می‌کنند. بخشی از این تنوع به دلیل عملکرد آن‌ها از تجارت از هر دو طرف است. بخش دیگر خود بخش کالا است. با این حال، توانایی تخصیص بخشی از دارایی‌های one's به کالا در طول سال ۱۹۹۷ حتی آسان‌تر شد.

Oppenheimer واقعی، که در مارس ۱۹۹۷ آغاز شد، اولین صندوق مشترک است که منحصراً به سرمایه‌گذاری کالا اختصاص دارد. با سرمایه‌گذاری در یادداشت‌های مرتبط با کالا، این صندوق قادر است یک پورتفولیوی کالا را مد نظر قرار دهد که شاخص کالا گلدمن ساکس را پی‌گیری می‌کند که ۲۲ بازار کالا را در بر می‌گیرد. از آنجا که کالاها اغلب در جهت مخالف با اوراق قرضه و سهام روند دارند، یک وسیله متغیر متنوع فراهم می‌کنند. تنوع مناسب مستلزم گسترش دارایی‌های one's بین گروه‌های بازار یا کلاس‌هایی است که همبستگی پایینی با یکدیگر دارند - به عبارت دیگر، آن‌ها همیشه در جهت یک‌سان روند دارند. کالاها قطعاً با این معیارها هماهنگ هستند.

ما به دو دلیل به این مسائل اشاره می‌کنیم. یکی نشان می‌دهد که حوزه‌های مدیریت پول و تخصیص دارایی بسیار درهم‌تنیده‌اند. دوم این است که نشان دهیم که بازارها

selves بسیار درهم‌تنیده اند. در دو فصل بعدی، شما خواهید دید که چقدر با آتی و بازارهای سهام مرتبط است، و چرا مهم است که سرمایه گذاران سهام از what's که در بازارهای آتی جریان دارند مطلع باشند. فصل ۱۷ شما را به تحلیل تکنیکال بین بازار معرفی می‌کند.

PROFILE بازار

ما بدون معرفی یکی از the رویکردهای تجاری روزانه به نام پروفایل بازار، موضوع جداول روزانه را رها می‌کنیم. این تکنیک تجاری توسط جی. پیتر Steidlmayer، تاجر سابق زمین در انجمن تجارت شیکاگو. رویکرد آقای Steidlmayer's نسبت به دهه گذشته، به خصوص در بازارهای آتی، شور و شوق زیادی به دست آورده‌است. با این حال، پروفایل بازار می‌تواند برای سهام عام نیز اعمال شود. این یک رویکرد آسان برای درک آن نیست. اما آن تاجران که این کار را کرده‌اند نمره بسیار بالایی به آن داده‌اند. دنیس هینز، کارشناس تجارت پروفایل بازار، رویکرد ضمیمه B را توضیح می‌دهد.

فصل ۱۷ - پیوند بین سهام و آتی: تحلیل بین بازار

هنگامی که اولین نسخه این کتاب در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، aration - sep از دنیای آتی کالا از دنیای سنتی سهام و اوراق قرضه در حال حاضر شروع به تجزیه و تحلیل کرده‌است. بیست سال پیش، کالاهایی مانند ذرت، سویا، porkbellies، طلا و نفت به این چیزها اشاره داشتند. این com سنتی بودند که ممکن بود رشد، استخراج و یا پالایش شوند. تغییرات هیجانی در سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ با معرفی قراردادهای آتی معاملات ارزی، اوراق قرضه خزانه‌داری و آتی شاخص سهام صورت گرفت. عبارت "کالا" به "آتی" رسید، زیرا اوراق قرضه و سهام به ندرت کالا محسوب می‌شدند. اما آن‌ها قراردادهای آتی بودند. از آن زمان، دنیای معاملات آتی با سهام و اوراق قرضه سنتی درهم می‌آمیزد که به سختی می‌توانند از یکدیگر جدا شوند. در نتیجه، روش‌های تجزیه و تحلیل تکنیکال مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل بازارهای مالی مختلف به طور جهانی مورد استفاده قرار گرفته‌است.

در هر روز، قیمت به آسانی برای آتی دلار، آتی اوراق قرضه و آتی شاخص سهام در دسترس است و آن‌ها اغلب همگام با یکدیگر حرکت می‌کنند. مسیری که این سه بازار حرکت می‌کنند اغلب تحت‌تاثیر آنچه در حفره‌های موجود رخ می‌دهد قرار می‌گیرد. معاملات برنامه که زمانی رخ می‌دهد که قیمت قرارداد ۵۰۰ P S futures با شاخص ۵۰۰ P S out خط خارج شود، یک واقعیت روزمره است. به این دلایل، به نظر می‌رسد که درک بیشتری در مورد دنیای معاملات آتی، به همان نسبت که در کل بازار مالی به دست می‌آورد، بیشتر است.

روشن شده‌است که اقدام در بازارهای آتی می‌تواند تاثیر مهمی بر خود بازار سهام داشته باشد. نشانه‌های هشدار اولیه تورم و روند نرخ سود معمولاً در حفره‌های آتی دیده می‌شوند، که اغلب تعیین می‌کنند که قیمت سهام در هر زمانی در نظر گرفته می‌شود. روندها در دلار چیزهای زیادی در مورد قدرت یا ضعف اقتصاد آمریکا به ما می‌گوید، که تاثیر عمده‌ای بر درآمد شرکت‌ها و ارزش‌گذاری قیمت‌های سهام دارد. اما این پیوند بیشتر از این عمیق‌تر است. بازار سهام به بخش‌ها و گروه‌های صنعتی تقسیم شده‌است. چرخش به داخل و خارج از آن گروه‌ها اغلب با عمل در آتی دیکته می‌شود. با رشد شگرف در وجوه متقابل، و سرمایه‌های بخش به طور خاص، توانایی سرمایه‌گذاری روی چرخش بخش به سمت گروه‌های پیروز و خارج کردن از دست دادن، بسیار ساده‌تر شده‌است.

در این بخش، ما با موضوع گسترده‌تری از تحلیل بین بازار سروکار داریم، چرا که با اثر متقابل بین ارز، کالا، اوراق قرضه و سهام سروکار دارد. پیام اولیه ما این است که چهار بازار با یکدیگر مرتبط هستند. ما نشان خواهیم داد که چگونه از بازارهای آتی در روند چرخش بخش صنعت و صنعت در خود بازار سهام استفاده کنیم.

تحلیل بین بازار

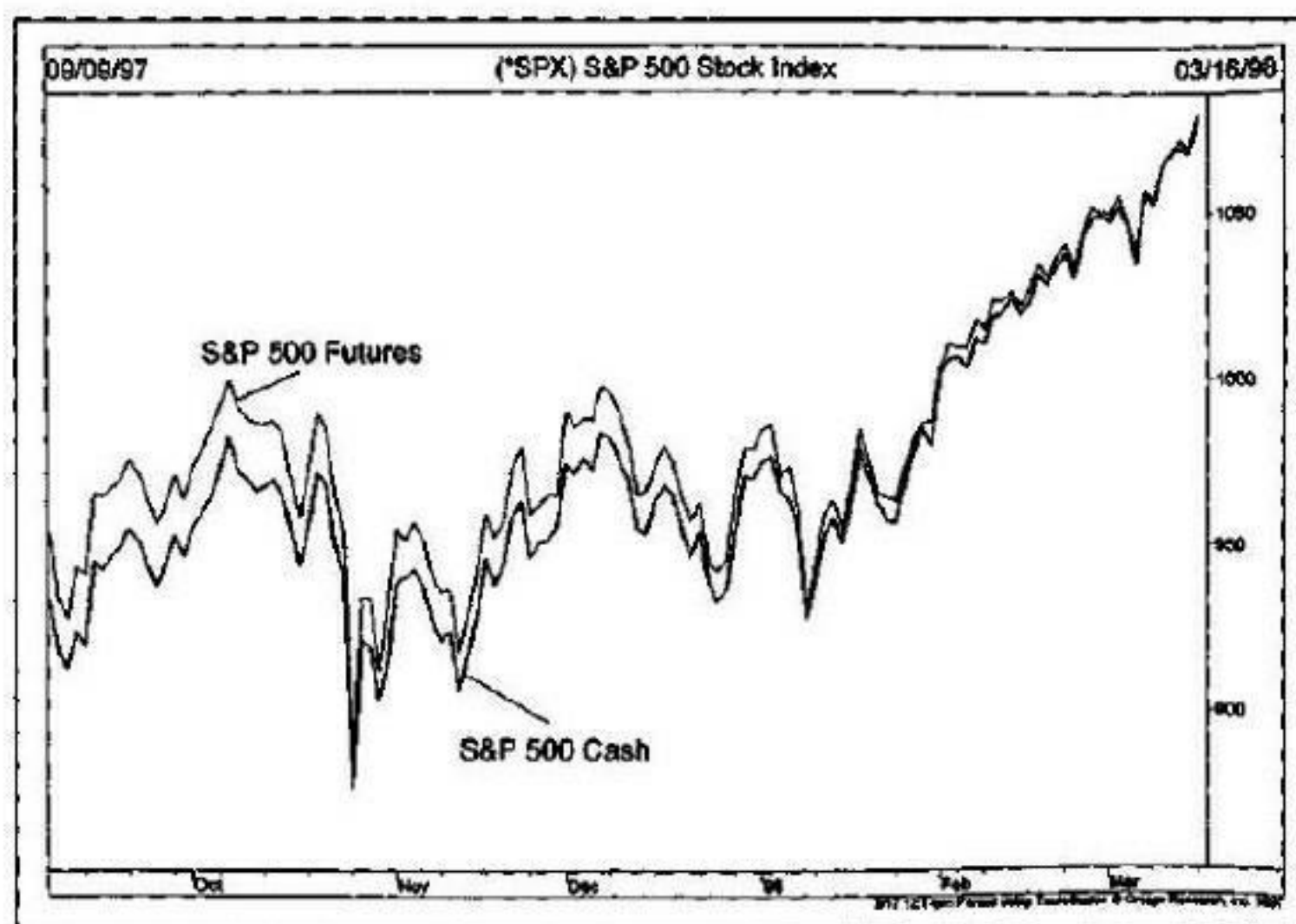
در سال ۱۹۹۱ من کتابی به نام بین بازار تحلیل تکنیکال نوشتم. این کتاب رابطه متقابل بین بازارهای مالی مختلف را توصیف می‌کند که به طور جهانی امروز پذیرفته می‌شوند. این کتاب راهنما، یا طرح کلی، برای کمک به توضیح توالی ایست که در بین بازارهای مختلف رشد می‌کند و نشان می‌دهد که آن‌ها واقعاً چقدر به یکدیگر وابسته هستند. فرضیه اصلی تحلیل بین بازار این است که همه بازارهای مالی به نوعی به هم متصل شده‌اند. که شامل

بازارهای بین‌المللی همانند بازارهای داخلی. این روابط ممکن است به موقع تغییر کند، اما آن‌ها همیشه به یک شکل و یا به صورت دیگر ارائه می‌شوند. در نتیجه، درک کاملی از what's در یک بازار مثل بازار سهام بدون درک of که در بازارهای دیگر رخ می‌دهند ممکن است. از آنجا که بازارها در حال حاضر درهم‌تنیده شده‌اند، تحلیلگر تکنیکال یک مزیت بزرگ دارد. ابزارهای تکنیکال توصیف‌شده در این کتاب را میتوان به همه بازارها اعمال کرد، که کاربرد آنالیز بین بازار را به شدت تسهیل می‌کند. همچنین خواهید دید که چرا توانایی دنبال کردن نمودار این همه بازارها یک مزیت فوق‌العاده در بازار پیچیده today's است.

برنامه TRADING: پیوند ULTIMATE

در هیچ کجا رابطه نزدیکی بین سهام و آتی واضح‌تر از رابطه بین شاخص P S ۵۰۰ و P & S نیست.

قرارداد ۵۰۰ آتی. به طور معمول، معاملات آتی در یک حق ویژه به شاخص پول پرداخت می‌شود. اندازه این حق بیمه با چنین چیزهایی به عنوان سطح نرخ بهره کوتاه‌مدت، بازده در خود شاخص ۵۰۰ P 500 تعیین می‌شود، و تعداد روزهایی که قرارداد آتی منقضی می‌شود. حق بیمه (یا گسترش) بین P & S ۵۰۰ نسبت به شاخص نقدینگی از زمانی که قرارداد آتی منقضی می‌شود، کاهش می‌یابد. (مراجعه به شکل ۱۷.۱). هر روز، موسسات محاسبه می‌کنند که صرف واقعی باید چه مقدار منصفانه نامیده شود. این مقدار عادلانه در طول روز تجاری ثابت باقی می‌ماند، اما به تدریج با هر روز جدید تغییر می‌کند. هنگامی که حق بیمه آتی بالاتر از ارزش منصفانه خود به شاخص نقدی با مقداری از پیش تعیین‌شده حرکت می‌کند، یک تجارت داوری به طور خودکار فعال می‌شود - به نام خرید برنامه. هنگامی که آتی نسبت به شاخص نقدینگی بیش از حد گران است، تجار برنامه معاملات آتی را به فروش می‌رسانند و یک سبد سهام را در فروشگاه P & S ۵۰۰ برای بازگرداندن این دو نهاد به صف خریداری می‌کنند. نتیجه خرید برنامه برای بازار سهام مثبت است چون شاخص سهام P S ۵۰۰ را بالاتر هل می‌دهد. فروش برنامه تنها نقطه مقابل است و زمانی اتفاق می‌افتد که حق بیمه عمر نسبت به نقدینگی بسیار پایین‌تر از مقدار عادلانه آن است. در این حالت، فروش برنامه فعال می‌شود که منجر به خرید سهام P & S ۵۰۰ futures می‌شود.



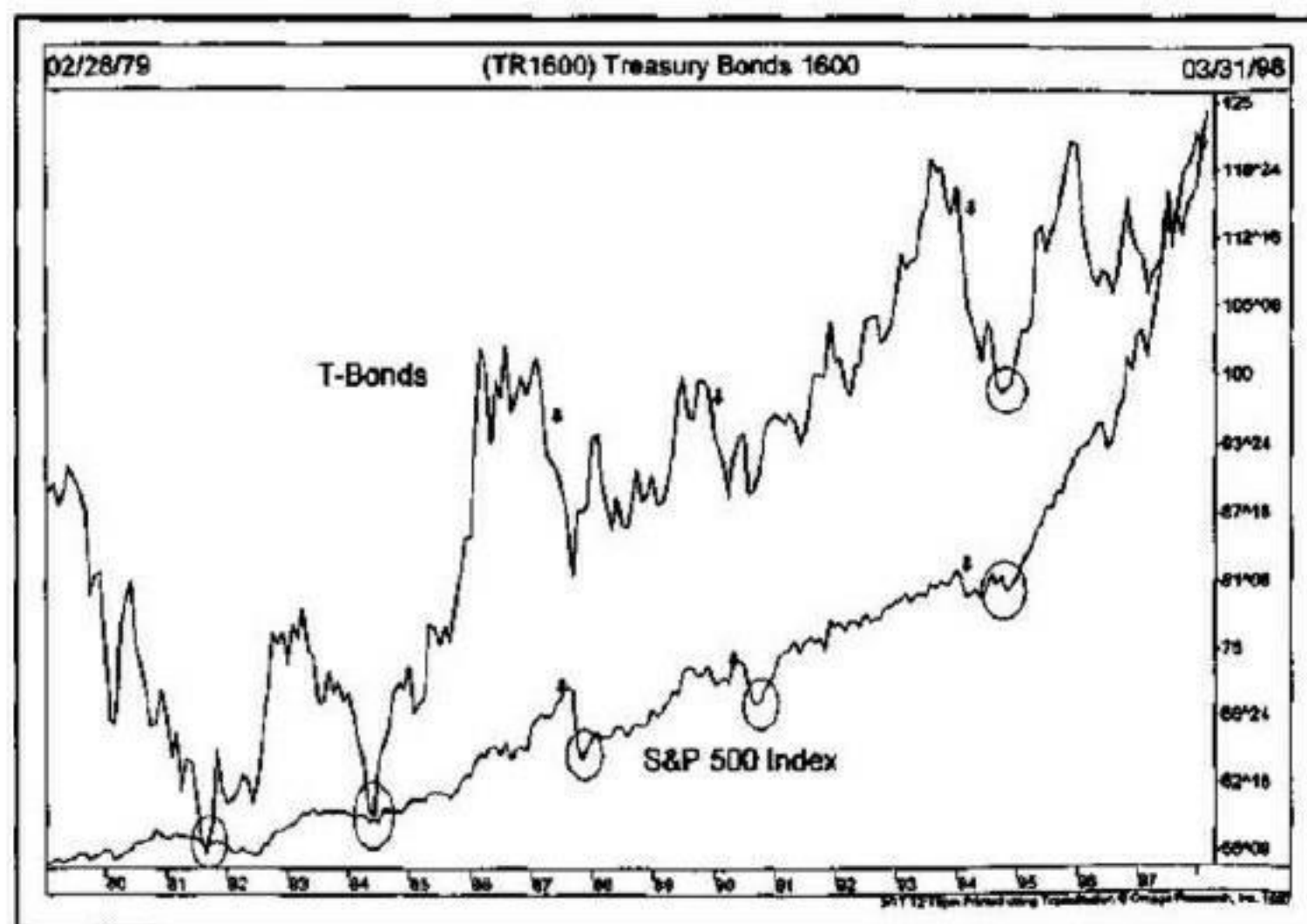
شکل ۱.۱۷ - ۱.۱۷ به طور معمول دارای حق بیمه به شاخص نقدی است که در این نمودار نشان داده شده است. توجه داشته باشید که حق ویژه هنگامی که قرارداد مارس منقضی می شود، محدود می شود.

در حالی که سبد سهام را می فروخت. فروش برنامه منفی است. اکثر تجار این رابطه را بین دو بازار مرتبط می دانند. چیزی که آن ها همیشه درک می کنند این است که حرکت ناگهانی در قرارداد P S ۵۰۰، که تجارت برنامه را فعال می کند، اغلب با حرکت های ناگهانی در سایر بازارهای آتی شکل می گیرد - مانند اوراق قرضه.

ارتباط بین اوراق قرضه و سهام

بازار سهام تحت تاثیر مسیر نرخ بهره قرار دارد. جهت نرخ بهره (یا محصول) را میتوان در یک مبنای دقیقه به دقیقه با ردیابی حرکت در قراردادهای سلف اوراق بهادار کنترل کرد. قیمت های باند در جهت مخالف حرکت می کنند.

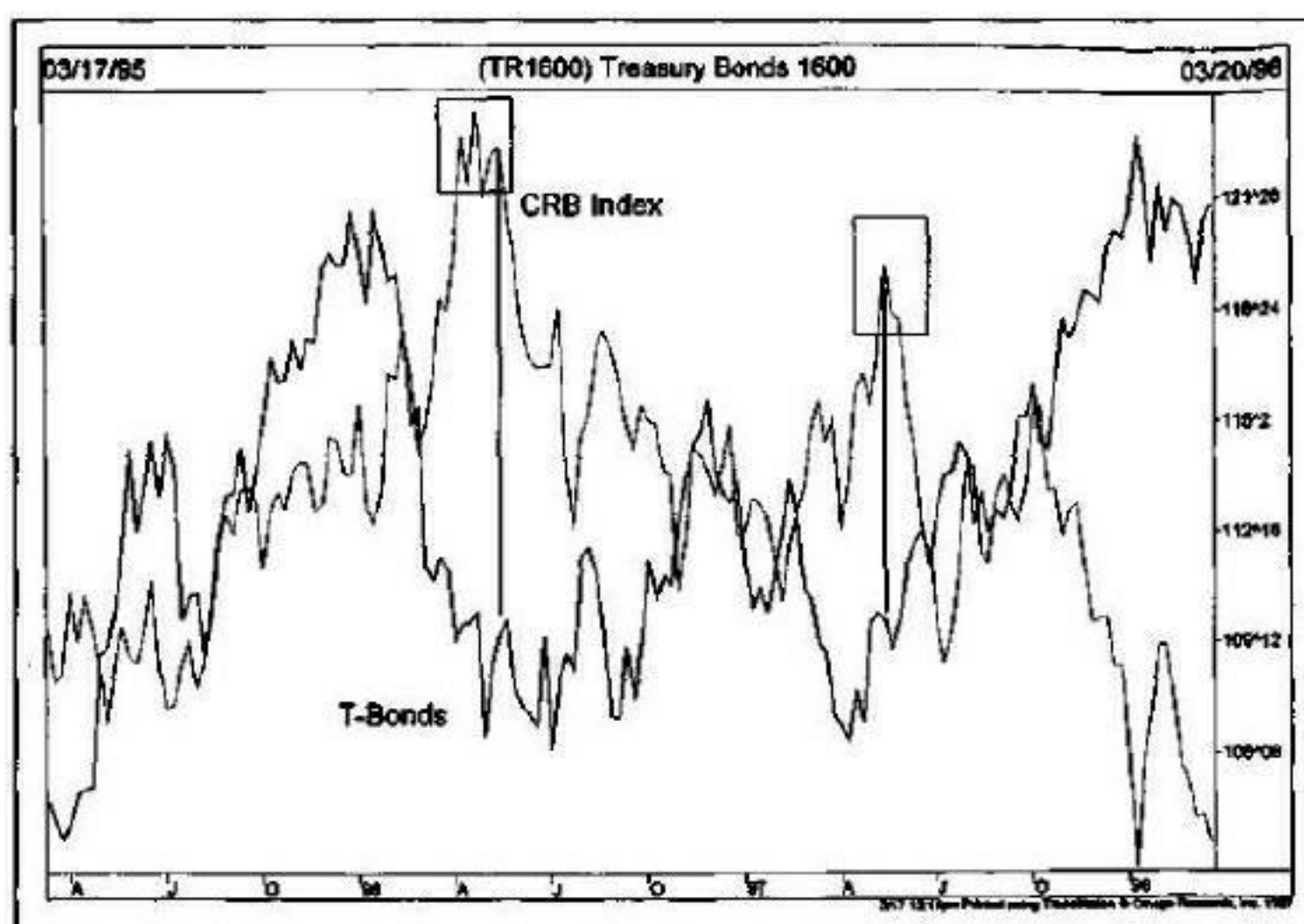
نرخ بهره و یا بازده، بنابراین، زمانی که قیمت‌های اوراق قرضه در حال افزایش است، بازده حاصل می‌شود. این به طور معمول برای سهام مثبت در نظر گرفته می‌شود. کاهش قیمت اوراق قرضه، یا افزایش بازده، برای سهام منفی در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه technician's، مقایسه جدول‌های مربوط به آتی اوراق خزانه با نقشه‌های یا شاخص نقدی و یا قراردادهای مربوط به آن، بسیار آسان است. خواهید دید که آن‌ها به طور کلی در جهت یک‌سان روند پیدا کرده‌اند. (مراجعه به شکل ۱۷.۲). در کوتاه‌مدت، تغییرات ناگهانی در روند در قراردادهای آتی P & S اغلب تحت‌تاثیر تغییرات ناگهانی در قراردادهای آتی اسناد خزانه‌داری قرار دارند. در بازه زمانی طولانی‌تر، تغییرات در روند قرارداد اوراق قرضه خزانه‌داری اغلب به نوبه خود از تغییرات مشابه در خود شاخص P cash ۵۰۰ هشار می‌دهد. به این معنا، آتی اوراق قرضه را میتوان به عنوان یک شاخص پیش‌تاز برای بازار بورس در نظر گرفت. آتی باند، به نوبه خود، معمولاً تحت‌تاثیر روندها در بازارهای کالا قرار دارند. در یک محیط deflationary، اوراق قرضه و سهام معمولاً decouple هستند. افزایش قیمت سهام در حالی که قیمت سهام کاهش یافت.



شکل ۲.۱۷ قیمت اوراق قرضه معمولاً برای قیمت سهام خوب است. بازار اوراق قرضه در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ به upturns اصلی سهام رسید. قله‌های باند در ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، و ۱۹۹۴ نسبت به سال‌های بازار سهام بد نسبت داده شدند.

ارتباط بین اوراق قرضه و کالاهای

قیمت‌های اوراق قرضه خزانه‌داری تحت‌تأثیر انتظارات از تورم قرار دارند. قیمت کالاها در نظر گرفته می‌شود که شاخص اصلی روندهای inflationary - باشد. در نتیجه، قیمت کالاها معمولاً در جهت مخالف قیمت‌های اوراق قرضه روند دارد. اگر شما تاریخچه market's را از دهه ۱۹۷۰ مطالعه کنید، می‌بینید که upturns ناگهانی در بازارهای کالا (که تورم قیمت بالاتر) معمولاً با کاهش متناظر در قیمت اوراق قرضه خزانه‌داری همراه بوده‌است. جنبه دیگر این رابطه این است که سود اوراق قرضه خزانه‌داری قوی به طور معمول با کاهش قیمت کالاها مکاتبه دارد. (شکل ۳.۱۷ را ببینید). قیمت کالاها به نوبه خود تحت‌تأثیر مسیر دلار آمریکا قرار دارد.



شکل ۳.۱۷ قیمت کالا و قیمت‌های اوراق قرضه به طور معمول در جهت مخالف در اینجا نشان داده شده‌است. کف اوراق قرضه در بهار ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ با قله‌های اصلی در قیمت کالاها همزمان شده بود.

پیوند بین سهام و آتی: تحلیل بین بازار

ارتباط بین کالا و دلار

یک دلار در حال افزایش به طور معمول تاثیر depressing بر بیشتر قیمت‌های COM دارد. به عبارت دیگر، یک دلار رو به افزایش معمولاً در نظر گرفته می‌شود. (مراجعه به شکل ۱۷.۴) یکی از کالاهایی که بیشتر تحت تاثیر دلار قرار گرفته است، بازار طلا است. اگر در طول زمان رابطه آن‌ها را مطالعه کنید متوجه خواهید شد که قیمت طلا و دلار آمریکا معمولاً در جهت مخالف روند دارند. (مراجعه به شکل ۱۷.۵) بازار طلا به نوبه خود معمولاً به عنوان یک شاخص پیش‌تاز برای سایر بازارهای کالا عمل می‌کند. بنابراین، اگر بازار طلا را تحلیل می‌کنید، لازم است بدانید که دلار چه کار می‌کند. اگر شما روند قیمت کالا را به طور کلی مطالعه می‌کنید (استفاده کنید)



شکل ۴.۱۷ یک دلار رو به افزایش معمولاً تاثیر depressing بر بازارهای کالا دارد. در سال ۱۹۸۰، کف دلار با یک قله بزرگ در com همزمان شد. پایین دلار در سال ۱۹۹۵ منجر به کاهش شدید در یک سال بعد شد.



شکل ۵.۱۷: قیمت دلار و طلا معمولاً در جهت مخالف روند دارند همانطور که در این مثال نشان داده شده است. قیمت طلا به نوبه خود معمولاً منجر به کالاهای دیگر می شود.

یکی از شاخص های شناخته شده قیمت کالا، ضروری است تا بدانیم که بازار طلا چه کار می کند. واقعیت این است که هر چهار بازار مرتبط هستند - دلار بر کالاها تاثیر می گذارد، که بر اوراق قرضه تاثیر می گذارد، که سهام را تحت تاثیر قرار می دهد. برای درک کامل what's که در هر کلاس دارایی رخ می دهد، باید بدانیم که در سه مورد دیگر چه اتفاقی می افتد. خوشبختانه، that's به راحتی با نگاه کردن به جدول های قیمت مربوطه خود انجام می شود.

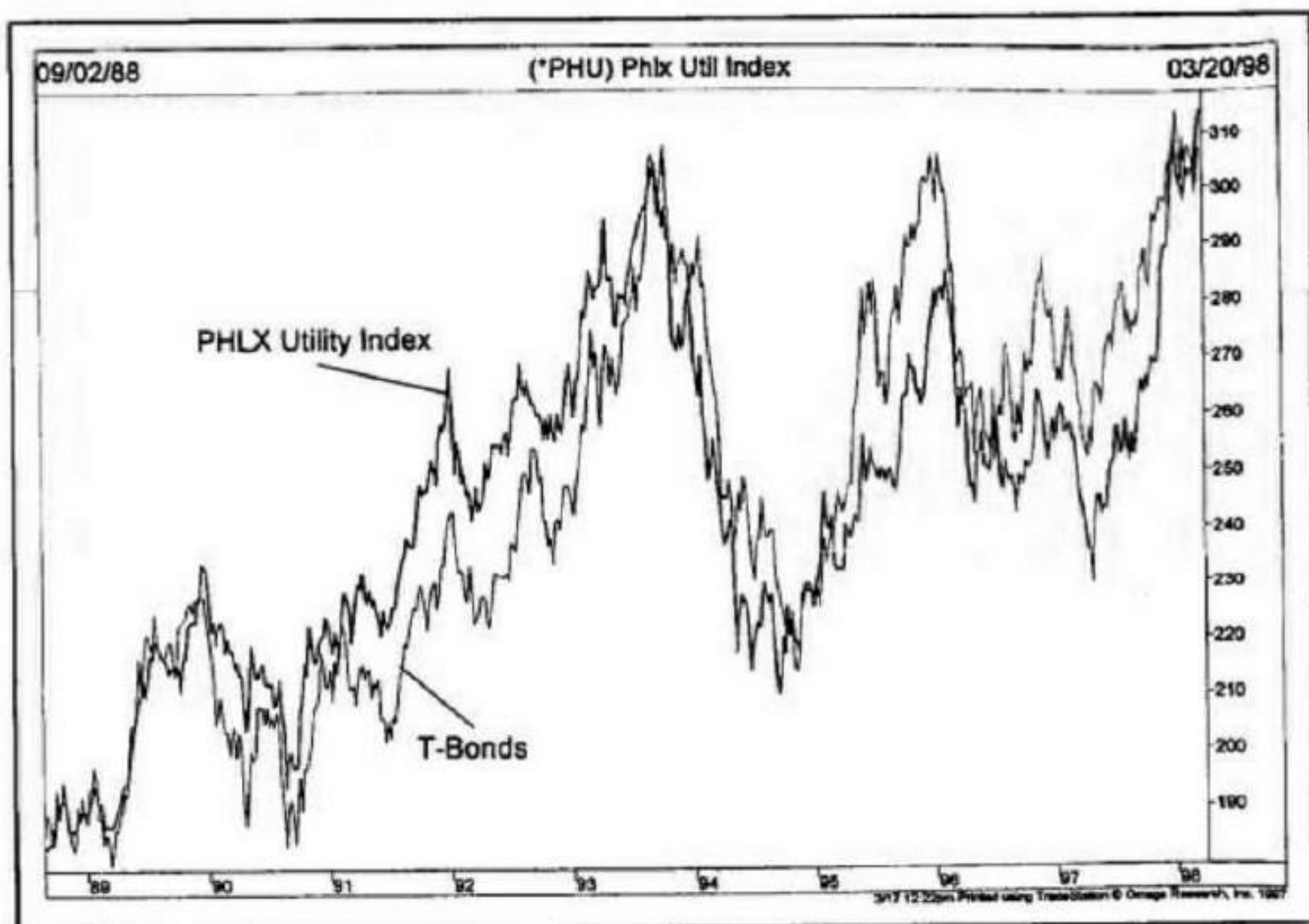
بخش های سهام و گروه های صنعتی

درک این روابط بین بازار نیز باعث می شود که تعامل بین بخش های مختلف بازار سهام و گروه های صنعتی روشن شود. بازار سهام به بخش بازار تقسیم شده است -

پیوند بین سهام و آتی: تحلیل بین بازار ۴۲۱

که به گروه‌های صنعتی تقسیم می‌شوند. این مقولات بازار تحت‌تاثیر چیزی است که در صحنه نمایش روی می‌دهد. برای مثال، زمانی که اوراق قرضه قوی و کالاهای ضعیف هستند، گروه‌های سهام حساس به نرخ بهره - مانند تسهیلات، سهام مالی و کالاهای مصرفی - معمولاً نسبت به بقیه بازار بورس به خوبی عمل می‌کنند. در همان زمان، گروه‌های ذخیره حساس به تورم - مانند ذخایر طلا، انرژی و چرخه‌ای - معمولاً دارای تورم هستند. زمانی که بازارهای کالا نسبت به پیوندها قوی هستند، عکس این است. با نظارت بر رابطه بین قیمت اوراق قرضه خزانه و قیمت کالا، شما می‌توانید تعیین کنید که کدام بخش‌ها یا گروه‌های صنعتی در هر زمانی بهتر عمل خواهند کرد.

از آنجا که رابطه نزدیکی بین بخش‌های بازار سهام و بازارهای آتی مربوط به آن‌ها وجود دارد، آن‌ها می‌توانند در ارتباط با یکدیگر به کار روند. برای مثال، ذخایر سودمندی به قیمت اوراق قرضه خزانه‌داری ارتباط نزدیکی دارند. (مراجعه به شکل ۱۷.۶). طلا



شکل ۱ - ۱۷ ارتباط بسیار نزدیکی بین قیمت اوراق قرضه و آب و برق وجود دارد. به علاوه، آب و برق اغلب آن‌ها را کمی قبل از پیوند تبدیل می‌کند.

سهام معدن کاری با قیمت طلا ارتباط نزدیکی دارند. به عبارت دیگر، گروه‌های سهام مربوطه اغلب تمایل به هدایت بازارهای آتی خود دارند. در نتیجه، ذخایر سودمندی را میتوان به عنوان شاخص اصلی اوراق قرضه خزانه‌داری بکار برد. از سهام استخراج طلا میتوان به عنوان شاخص‌های اصلی برای قیمت طلا استفاده کرد. مثالی دیگر از تاثیر بین بازار، تاثیر روند قیمت نفت بر ذخایر انرژی و خطوط هوایی است. افزایش قیمت نفت به سهام انرژی و خطوط هوایی آسیب می‌رساند. پایین افتادن قیمت نفت اثر مخالف دارد.

دلار و کپ‌ها بزرگ

یک رابطه بین بازار دیگر شامل این است که چگونه دلار بر سهام بزرگ و کوچک تاثیر می‌گذارد. سهام چند ملیتی بزرگ را میتوان با یک دلار بسیار قوی تحت تاثیر قرار داد، که ممکن است محصولات آنها را در بازارهای خارجی بیش از حد گران کند. در مقابل، سهام سرمایه‌های کوچک در داخل کشور کمتر تحت تاثیر جنبش‌های دلار قرار دارد و ممکن است در واقع بهتر از سهام بزرگ‌تر در یک محیط دلار قوی باشد. در نتیجه یک دلار قوی‌تر ممکن است به سود سهام کوچک‌تر باشد (مانند آن‌هایی که در راسل ۲۰۰۰)، در حالی که یک دلار ضعیف‌تر ممکن است به شرکت‌های چند ملیتی بزرگ (مانند آن‌هایی که در میانگین صنعتی داو) هستند، سود ببرد.

تجزیه و تحلیل و بررسی وجوه نقد

باید واضح باشد که درک این روابط بین بازار می‌تواند راه درازی در سرمایه‌گذاری وجوه مشترک داشته باشد. برای مثال، جهت دلار آمریکا ممکن است بر تعهد شما نسبت به سرمایه کوچک سرپوش بگذارد. همچنین ممکن است به مشخص کردن میزان پولی که ممکن است به پول یا منابع طبیعی منابع طبیعی بپردازید، کمک کند. در دسترس بودن بسیاری از وجوه متقابل بخش محور، در واقع تصمیم آن‌ها برای تاکید بر هر زمان معین را پیچیده می‌کند. این وظیفه با مقایسه عملکرد نسبی بازارهای آتی و بخش‌های مختلف بازار سهام و گروه‌های صنعتی آسان‌تر شده است. این کار به راحتی توسط یک رویکرد ترسیم ساده شده به نام تجزیه و تحلیل قدرت نسبی انجام می‌شود.

سهام معدن کاری با قیمت طلا ارتباط نزدیکی دارند. به عبارت دیگر، گروه های سهام مربوطه اغلب تمایل به هدایت بازارهای آتی خود دارند. در نتیجه، ذخایر سودمندی را میتوان به عنوان شاخص اصلی اوراق قرضه خزانه داری بکار برد. از سهام استخراج طلا میتوان به عنوان شاخص های اصلی برای قیمت طلا استفاده کرد. مثالی دیگر از تاثیر بین بازار، تاثیر روند قیمت نفت بر ذخایر انرژی و خطوط هوایی است. افزایش قیمت نفت به سهام انرژی و خطوط هوایی آسیب می رساند. پایین افتادن قیمت نفت اثر مخالف دارد.

دلار و کپ ها بزرگ

یک رابطه بین بازار دیگر شامل این است که چگونه دلار بر سهام بزرگ و کوچک تاثیر می گذارد. سهام چند ملیتی بزرگ می تواند به طور منفی تحت تاثیر یک دلار بسیار قوی باشد که ممکن است محصولات آنها را بیش از حد در بازارهای خارجی گران کند. در مقابل، سهام سرمایه های کوچک در داخل کشور کم تر تحت تاثیر جنبش های دلار قرار دارد و ممکن است در واقع بهتر از سهام بزرگ تر در یک محیط دلار قوی باشد. در نتیجه یک دلار قوی تر ممکن است به سود سهام کوچک تر باشد (مانند آن هایی که در راسل ۲۰۰۰)، در حالی که یک دلار ضعیف تر ممکن است به شرکت های چند ملیتی بزرگ (مانند آن هایی که در میانگین صنعتی داو) هستند، سود ببرد.

تجزیه و تحلیل و بررسی وجوه نقد

باید واضح باشد که درک این روابط بین بازار می تواند راه درازی در سرمایه گذاری وجوه مشترک داشته باشد. برای مثال، جهت دلار آمریکا ممکن است بر تعهد شما نسبت به سرمایه کوچک سرپوش بگذارد. همچنین ممکن است به مشخص کردن میزان پولی که ممکن است به پول یا منابع طبیعی منابع طبیعی بپردازید، کمک کند. در دسترس بودن بسیاری از وجوه متقابل بخش محور، در واقع تصمیم آنها برای تاکید بر هر زمان معین را پیچیده می کند. این وظیفه با مقایسه عملکرد نسبی بازارهای آتی و بخش های مختلف بازار سهام و گروه های صنعتی آسان تر شده است. این کار به راحتی توسط یک رویکرد ترسیم ساده شده به نام تجزیه و تحلیل قدرت نسبی انجام می شود.

سهام معدن کاری با قیمت طلا ارتباط نزدیکی دارند. به عبارت دیگر، گروه‌های سهام مربوطه اغلب تمایل به هدایت بازارهای آتی خود دارند. در نتیجه، ذخایر سودمندی را میتوان به عنوان شاخص اصلی اوراق قرضه خزانه‌داری بکار برد. از سهام استخراج طلا میتوان به عنوان شاخص‌های اصلی برای قیمت طلا استفاده کرد. مثالی دیگر از تاثیر بین بازار، تاثیر روند قیمت نفت بر ذخایر انرژی و خطوط هوایی است. افزایش قیمت نفت به سهام انرژی و خطوط هوایی آسیب می‌رساند. پایین افتادن قیمت نفت اثر مخالف دارد.

دلار و کلاه‌های بزرگ

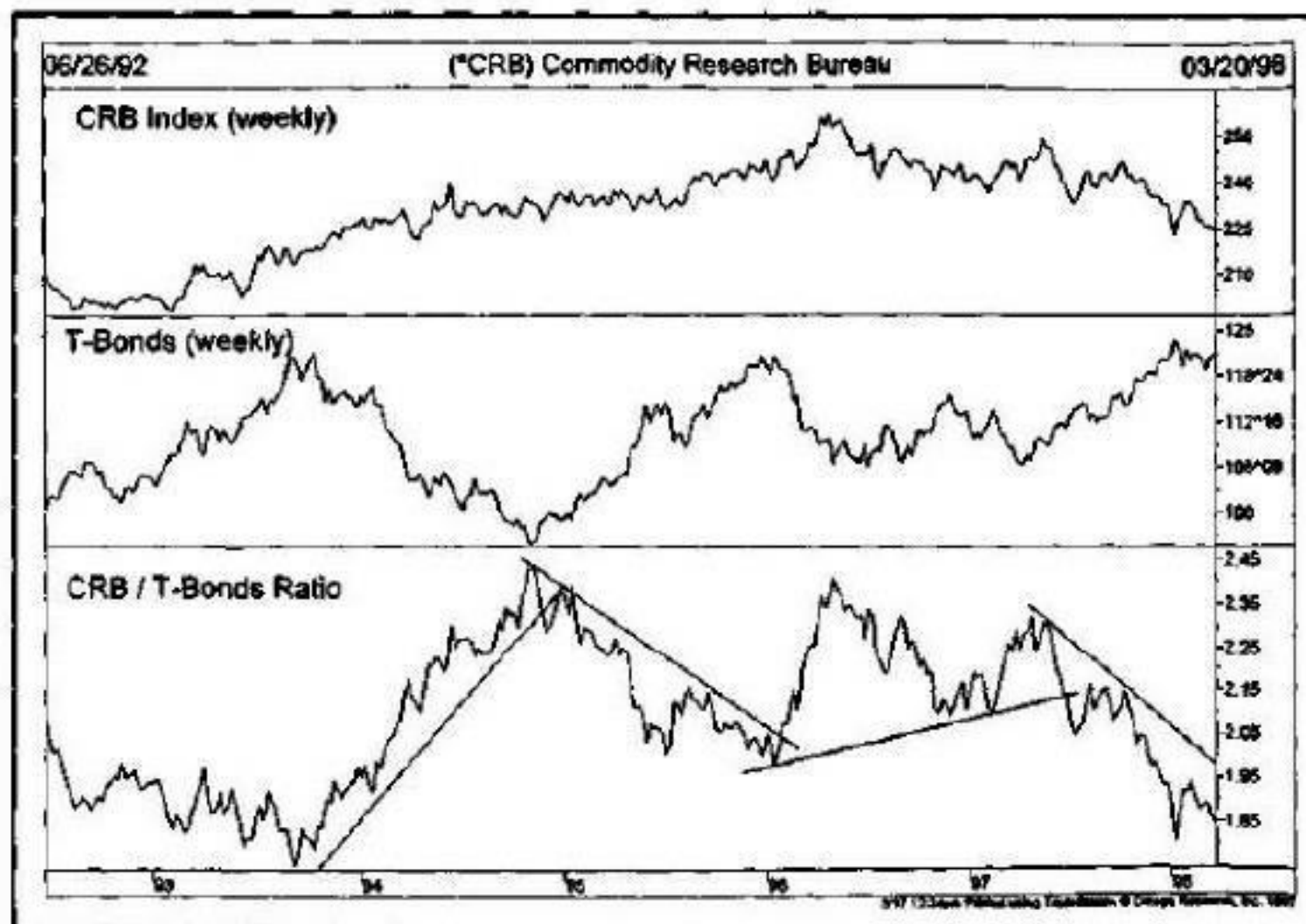
یک رابطه بین بازار دیگر شامل این است که چگونه دلار بر سهام بزرگ و کوچک تاثیر می‌گذارد. سهام چند ملیتی بزرگ را میتوان با یک دلار بسیار قوی تحت تاثیر قرار داد، که ممکن است محصولات آنها را در بازارهای خارجی بیش از حد گران کند. در مقابل، سهام سرمایه‌های کوچک در داخل کشور کمتر تحت تاثیر جنبش‌های دلار قرار دارد و ممکن است در واقع بهتر از سهام بزرگ‌تر در یک محیط دلار قوی باشد. در نتیجه یک دلار قوی‌تر ممکن است به سود سهام کوچک‌تر باشد (مانند آن‌هایی که در راسل ۲۰۰۰)، در حالی که یک دلار ضعیف‌تر ممکن است به شرکت‌های چند ملیتی بزرگ (مانند آن‌هایی که در میانگین صنعتی داو) هستند، سود ببرد.

تجزیه و تحلیل و بررسی وجوه نقد

باید واضح باشد که درک این روابط بین بازار می‌تواند راه درازی در سرمایه‌گذاری وجوه مشترک داشته باشد. برای مثال، جهت دلار آمریکا ممکن است بر تعهد شما نسبت به سرمایه کوچک سرپوش بگذارد. همچنین ممکن است به مشخص کردن میزان پولی که ممکن است به پول یا منابع طبیعی منابع طبیعی بپردازید، کمک کند. در دسترس بودن بسیاری از وجوه متقابل بخش محور، در واقع تصمیم آن‌ها برای تاکید بر هر زمان معین را پیچیده می‌کند. این وظیفه با مقایسه عملکرد نسبی بازارهای آتی و بخش‌های مختلف بازار سهام و گروه‌های صنعتی آسان‌تر شده است. این کار به راحتی توسط یک رویکرد ترسیم ساده شده به نام تجزیه و تحلیل قدرت نسبی انجام می‌شود.

توانایی (تجزیه و تحلیل قدرت)

این یک ابزار بسیار ساده اما موثر است. تنها کاری که می‌کنید این است که یک واحد بازار را به عبارت دیگر تقسیم کنید - به عبارت دیگر، یک نسبت دو قیمت بازار را نمودار کنید. هنگامی که خط نسبت در حال افزایش است، قیمت این صورت قوی‌تر از مخرج کسر است. هنگامی که خط نسبت رو به کاهش است، بازار مشترک قوی‌تر است. چند مثال از آنچه می‌توانید با این شاخص ساده انجام دهید را در نظر بگیرید. تقسیم یک شاخص کالا (مانند شاخص قیمت CRB Futures) توسط قیمت‌های پیش‌خرید اوراق بهادار. (مراجعه به شکل ۷.۷). وقتی که خط نسبت در حال بالا رفتن است، قیمت کالاها outperforming است. در این سناریو، دلالتان پیش‌خرید کننده، بازارهای کالا و اوراق قرضه را می‌خرند. در عین حال، تاجران بازار سهام حساس تورم و فروش سهام حساس به نرخ بهره را خریداری می‌کنند. زمانی که خط نسبت



شکل ۷.۱۷ - نسبت Bond / دارایی CRB به ما می‌گوید که کدام کلاس دارایی قوی‌تر است. ۱۹۹۴ کالاهای مورد علاقه ۱۹۹۴، در حالی که سال ۱۹۹۵ به نفع اوراق قرضه بود. این نسبت در میانه سال ۱۹۹۷ به دلیل بحران آسیایی و ترس از کاهش قیمت، افت شدیدی داشته‌است.

سهام معدن کاری با قیمت طلا ارتباط نزدیکی دارند. به عبارت دیگر، گروه‌های سهام مربوطه اغلب تمایل به هدایت بازارهای آتی خود دارند. در نتیجه، ذخایر سودمندی را میتوان به عنوان شاخص اصلی اوراق قرضه خزانه‌داری بکار برد. از سهام استخراج طلا میتوان به عنوان شاخص‌های اصلی برای قیمت طلا استفاده کرد. مثالی دیگر از تاثیر بین بازار، تاثیر روند قیمت نفت بر ذخایر انرژی و خطوط هوایی است. افزایش قیمت نفت به سهام انرژی و خطوط هوایی آسیب می‌رساند. پایین افتادن قیمت نفت اثر مخالف دارد.

دلار و کپ‌ها بزرگ

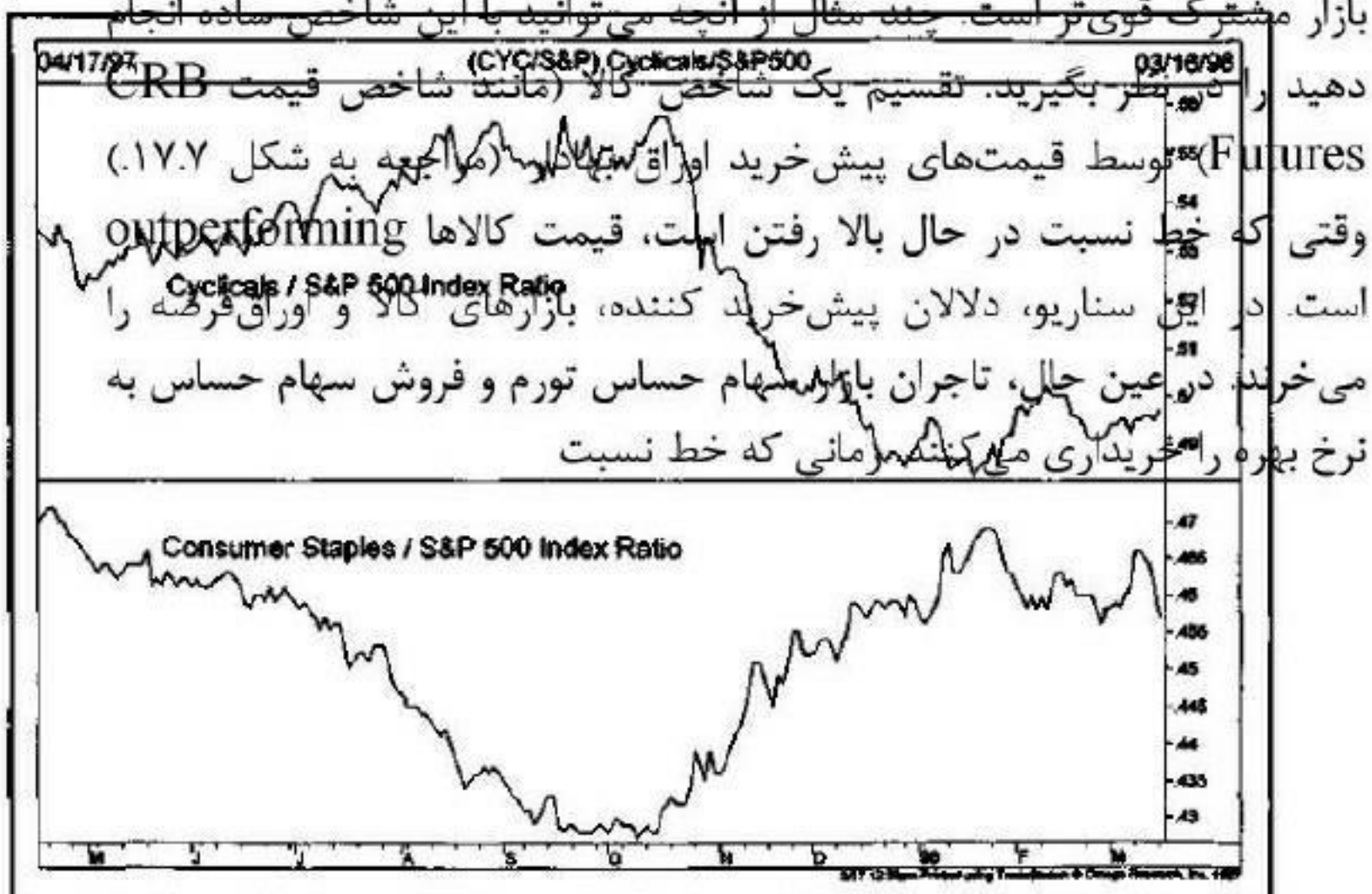
یک رابطه بین بازار دیگر شامل این است که چگونه دلار بر سهام بزرگ و کوچک تاثیر می‌گذارد. سهام چند ملیتی بزرگ را میتوان با یک دلار بسیار قوی تحت تاثیر قرار داد، که ممکن است محصولات آن‌ها را در بازارهای خارجی بیش از حد گران کند. در مقابل، سهام سرمایه‌های کوچک در داخل کشور کم‌تر تحت تاثیر جنبش‌های دلار قرار دارد و ممکن است در واقع بهتر از سهام بزرگ‌تر در یک محیط دلار قوی باشد. در نتیجه یک دلار قوی‌تر ممکن است به سود سهام کوچک‌تر باشد (مانند آن‌هایی که در راسل ۲۰۰۰)، در حالی که یک دلار ضعیف‌تر ممکن است به شرکت‌های چندملیتی بزرگ (مانند آن‌هایی که در میانگین صنعتی داو) هستند، سود ببرد.

تجزیه و تحلیل و بررسی وجوه نقد

باید واضح باشد که درک این روابط بین بازار می‌تواند راه درازی در سرمایه‌گذاری وجوه مشترک داشته باشد. برای مثال، جهت دلار آمریکا ممکن است بر تعهد شما نسبت به سرمایه کوچک سرپوش بگذارد. همچنین ممکن است به مشخص کردن میزان پولی که ممکن است به پول یا منابع طبیعی منابع طبیعی بپردازید، کمک کند. در دسترس بودن بسیاری از وجوه متقابل بخش محور، در واقع تصمیم آن‌ها برای تاکید بر هر زمان معین را پیچیده می‌کند. این وظیفه با مقایسه عملکرد نسبی بازارهای آتی و بخش‌های مختلف بازار سهام و گروه‌های صنعتی آسان‌تر شده است. این کار به راحتی توسط یک رویکرد ترسیم ساده شده به نام تجزیه و تحلیل قدرت نسبی انجام می‌شود.

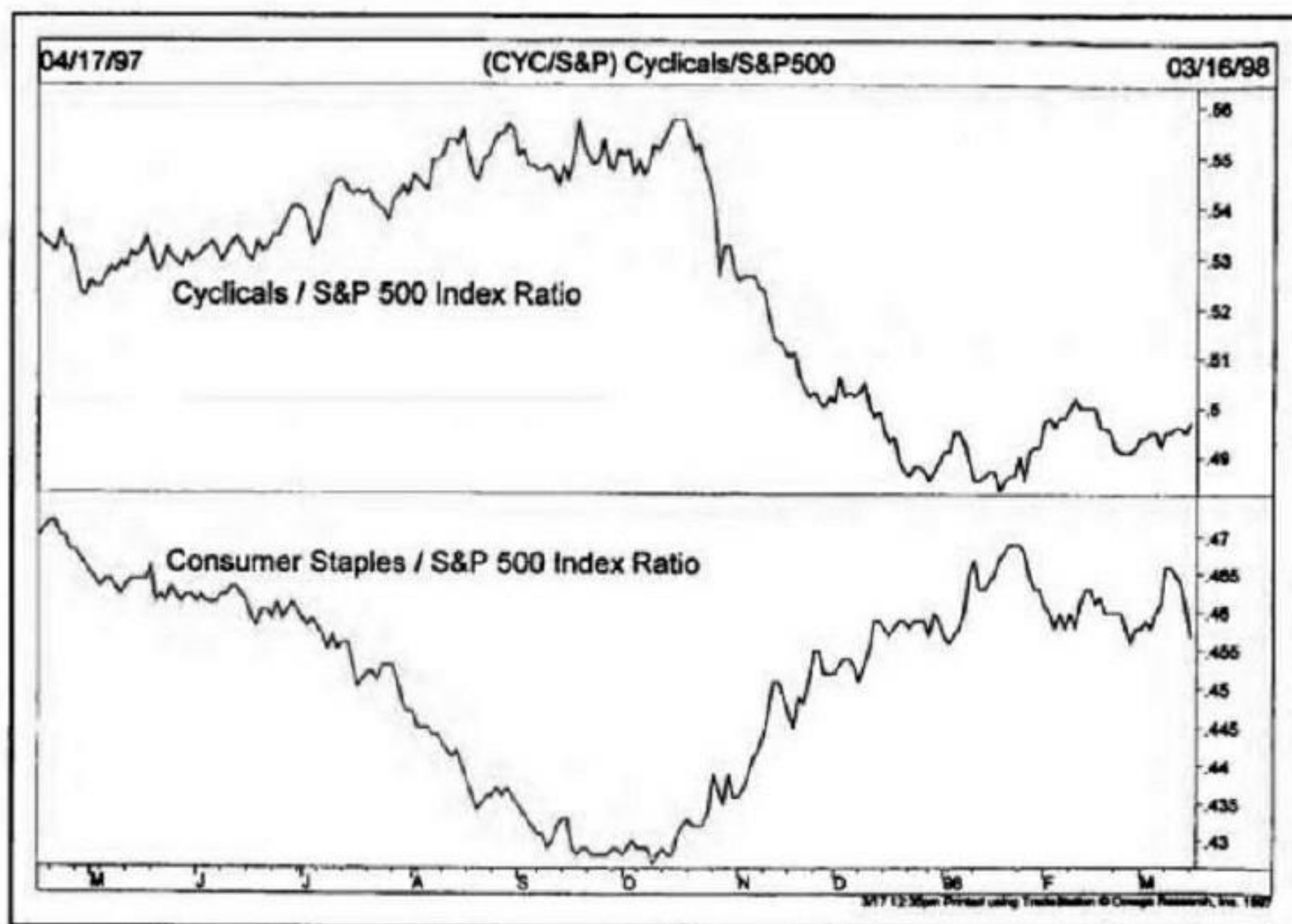
توانایی (تجزیه و تحلیل قدرت)

این یک ابزار بسیار ساده اما موثر است. تنها کاری که می‌کنید این است که یک واحد بازار را به عبارت دیگر تقسیم کنید - به عبارت دیگر، یک نسبت دو قیمت بازار را نمودار کنید. هنگامی که خط نسبت در حال افزایش است، قیمت این صورت قوی‌تر از مخرج کسر است. هنگامی که خط نسبت رو به کاهش است، بازار مشترک قوی‌تر است. چند مثال از آنچه می‌توانید با این شاخص ساده انجام



دهید را به نظر بگیرید. تقسیم یک شاخص کالا (مانند شاخص قیمت CRB) توسط قیمت‌های پیش‌خرید اوراق استیبل (مواجهه به شکل ۱۷.۷).
 Futures
 وقتی که خط نسبت در حال بالا رفتن است، قیمت کالاها outperforming است.
 در این سناریو، دلالتان پیش‌خرید کننده، بازارهای کالا و اوراق قرضه را
 می‌خرند. در عین حال، تاجران با سهام حساس تورم و فروش سهام حساس به
 نرخ بهره را خریداری می‌کنند. زمانی که خط نسبت

در حال افتادن است، آن‌ها برعکس عمل می‌کنند. به این معنا که آن‌ها کالاها را به فروش خواهند فروخت و اوراق قرضه خریداری خواهند کرد. در همان زمان، سرمایه‌گذاران سهام طلا، روغن و the را می‌فروشند، در حالی که اقلام مصرفی، the و کالاهای مصرفی را می‌خرند. (مراجعه به شکل ۸.۱۷)

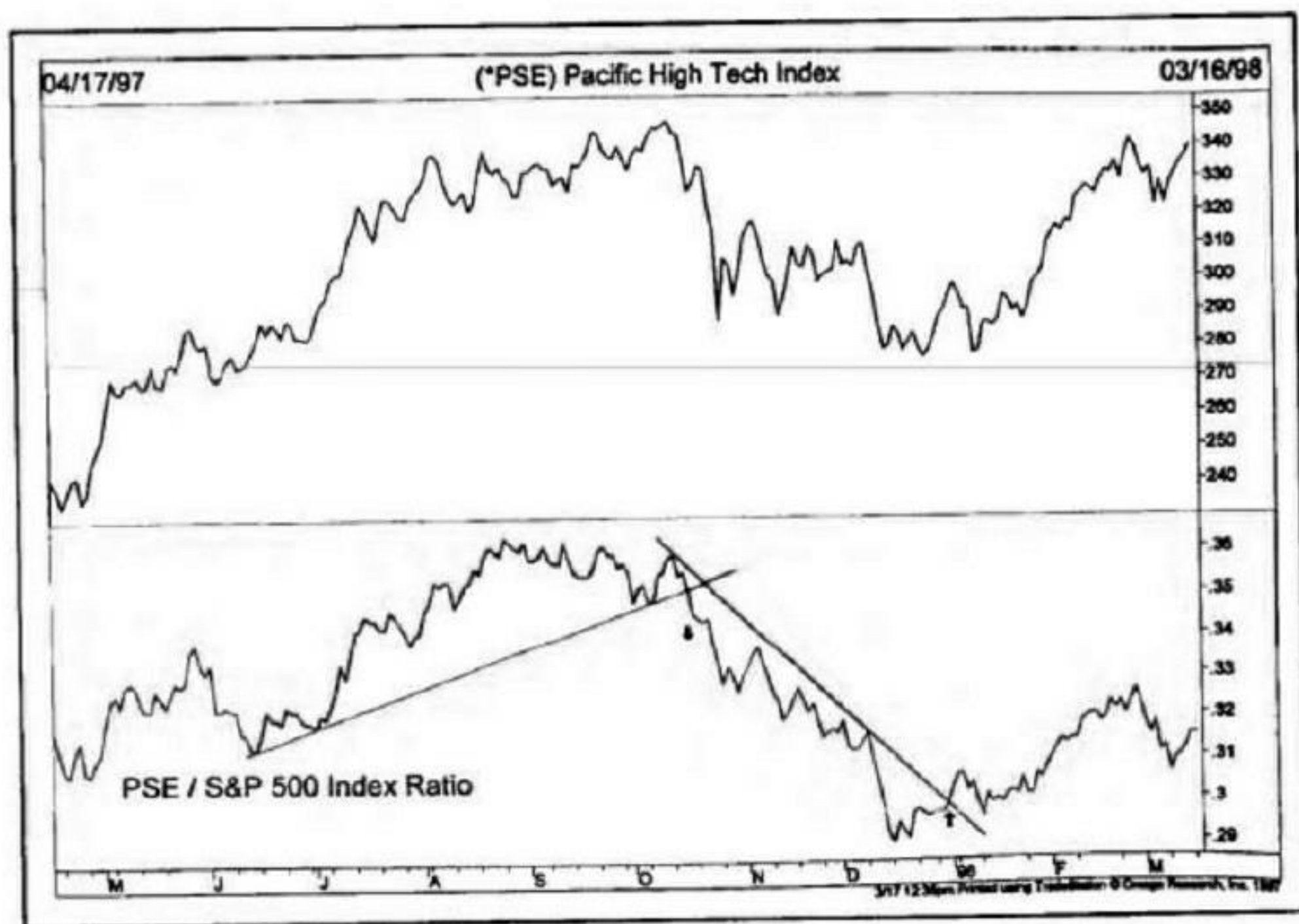


شکل ۱۷ - ۸ در طول اکتبر ۱۹۹۷، بحران آسیا باعث شد که سرمایه‌گذاران از cyclicals و کالاهای مصرفی خارج شوند، که با کاهش نسبت CRB / باند در شکل ۲.۱۷ همزمان شده‌است.

توانایی‌ها و بخش‌های (اختیارات) نسبی:

بسیاری از مبادلات در حال حاضر اختیار معاملهی شاخص تجارت در بخش‌های مختلف بازار سهام هستند. بورس اوراق بهادار شیکاگو بزرگ‌ترین انتخاب را دارد و شامل گروه‌های متنوعی همچون خودروسازی، نرم‌افزار کامپیوتری، بازی، املاک، املاک، خرده‌فروشی، خرده‌فروشی، و حمل و نقل است. بازارهای بورس آمریکا و فیلادلفیا اختیار معاملهی شاخص عمومی را در بانک‌ها، طلا، نفت، phar پیشنهاد می‌دهند.

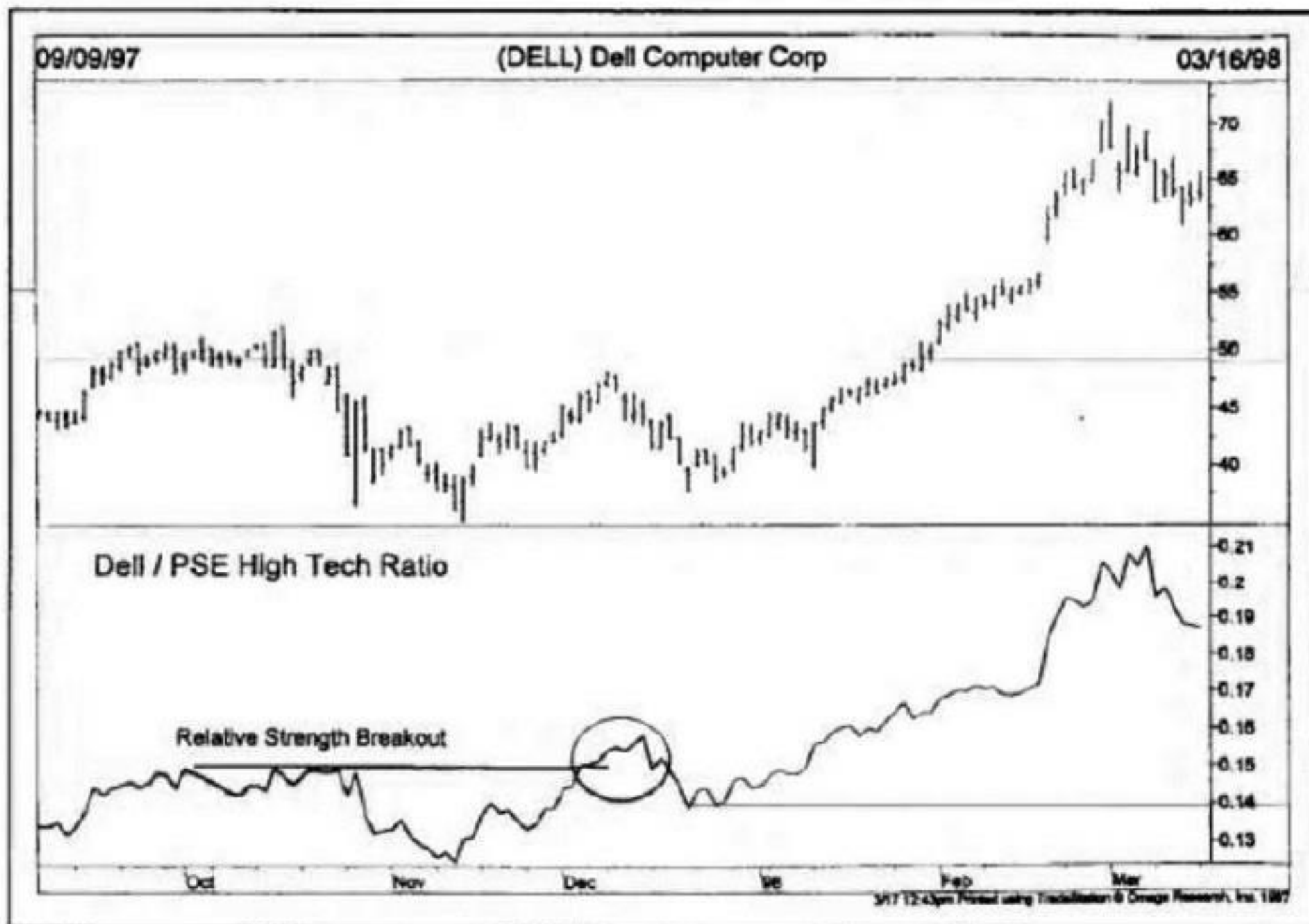
pharmaceuticals، نیمه‌رساناها، تکنولوژی و تاسیسات. همه این اختیار معاملی شاخص را میتوان مانند هر بازار دیگری مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بهترین راه برای استفاده از آنالیز مقاومت نسبی در آنها " تقسیم قیمت خود توسط برخی از معیار صنعتی مانند P & S ۵۰۰ است. سپس می‌توانید مشخص کنید که کدام یک از آنها بازار کلی (یک خط RS در حال افزایش) یا underperforming (یک خط RS در حال سقوط) هستند. با کارگیری کدهای ساده مثل trendlines و میانگین متحرک در خطوط قدرت نسبی خودشان به شما کمک خواهند کرد تا تغییرات مهم در روند خود را تشخیص دهید. (مراجعه به شکل ۹.۱۷). ایده کلی این است که وجوه خود را به بخش‌های بازار جابجا کنید که خطوط قدرت نسبی آنها فقط در حال تبدیل شدن است و خارج کردن آن دسته از گروه‌های بازار که خطوط قدرت نسبی آنها در حال پایین آمدن است. این حرکات را می‌توان با اختیار معاملی شاخص یا از طریق صندوق‌های دو طرفه اجرا کرد که با بخش‌های مختلف بازار و گروه‌های صنعتی تطبیق دارند.



شکل ۹.۱۷ یک مقایسه قدرت نسبی نسبت به شاخص فن‌آوری بالا PSE تا S & P ۵۰۰ است. تحلیل خط روند ساده به کاهش رکود سهام فن‌آوری در طول اکتبر ۱۹۹۷ و تبدیل به احسن در پایان سال کمک کرد.

توانایی (توانایی) و سهام تکی

سرمایه گذاران دو راه برای رفتن به این نقطه دارند. آن‌ها می‌توانند به سادگی سرمایه خود را از یک گروه بازار به دیگری تبدیل کنند و در آنجا متوقف شوند. یا، اگر آن‌ها بخواهند، می‌توانند به انتخاب سهام فردی درون این گروه‌ها ادامه دهند. تحلیل قدرت نسبی نقش مهمی در اینجا ایفا می‌کند. هنگامی که شاخص مورد نظر انتخاب شد، گام بعدی تقسیم هر یک از سهام منفرد درون شاخص توسط خود شاخص است. به این ترتیب، می‌توانید به راحتی سهام‌هایی را که بیش‌ترین قدرت نسبی را نشان می‌دهند، تشخیص دهید. (مراجعه به شکل ۱۰.۱۷). شما می‌توانید سهام را بخرید که قوی‌ترین خطوط نسبت را نشان می‌دهند، یا می‌توانید یک سهام ارزان‌تر خریداری کنید که خط نسبت آن‌ها ممکن است تنها باشد. با این حال، این ایده، اجتناب از موجودی است که خطوط قدرت نسبی (نسبت) آن‌ها هنوز در حال سقوط است.



شکل ۴ - ۱ - تجزیه و تحلیل نسبیتی از رایانه دل در مقابل مقدار حمایت حمایت. شاخص فن‌آوری در پایان سال ۱۹۹۷ نشان داد که دل یکی از بهترین انتخاب‌های سهام در بخش فن‌آوری است.

رویکرد بازار پایین

آنچه که در اینجا توصیف کردیم یک رویکرد بازار پایین به پایین است. شما با مطالعه میانگین بازار اصلی برای مشخص کردن روند کلی بازار شروع می‌کنید. سپس آن بخش‌های بازار یا گروه‌های صنعتی را که بهترین قدرت نسبی را نشان می‌دهند انتخاب می‌کنید. سپس شما سهام فردی را در آن دسته انتخاب می‌کنید که بهترین قدرت نسبی را نشان می‌دهند. با گنجاندن اصول بین بازار در فرآیند تصمیم‌گیری، می‌توانید مشخص کنید که شرایط بازار فعلی به نفع اوراق قرضه، کالا، یا سهام است که می‌تواند در تصمیمات تخصیص دارایی شما نقش داشته باشد. همین اصول را می‌توان برای سرمایه‌گذاری بین‌المللی با مقایسه قدرت نسبی بازارهای سهام جهانی مختلف اعمال کرد. و در نهایت، تمام این ابزارهای تکنیکال توصیف‌شده در اینجا را می‌توان برای نمودارهای هزینه متقابل به عنوان یک بررسی نهایی در مورد آنالیز خود اعمال کرد. تمام این کارها به راحتی با جداول قیمت و یک کامپیوتر انجام می‌شود. تصور کنید که سعی دارید یک آنالیز بنیادی برای بسیاری از بازارها در همان زمان اعمال کنید.

سناریو deflation

اصول بین بازار توصیف‌شده در اینجا مبتنی بر روندها بازار از سال ۱۹۷۰ هستند. دهه ۱۹۷۰ شاهد تورم فراری بود که طرفدار دارایی‌های کالایی بود. دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با سقوط کالا (disinflation) و بازارهای قوی گاو در اوراق قرضه و سهام مشخص شده‌اند. در نیمه دوم سال ۱۹۹۷، رکود شدید در واحد پول و بازار سهام آسیایی به ویژه به بازارها مانند مس، طلا و نفت خسارت وارد کرد. برای اولین بار در چند دهه، برخی ناظران بازار ابراز نگرانی کردند که افزایش سود (قیمت‌ها در سطح آهسته‌تر) ممکن است منجر به کاهش قیمت مضر (کاهش قیمت) شود. برای افزودن به نگرانی‌ها، قیمت تولید کننده برای اولین بار در بیش از یک دهه به طور سالانه کاهش یافته است. در نتیجه، بازار سهام و سهام شروع به decouple کرد. برای اولین بار در طی چهار سال، سرمایه‌گذاران از سهام خارج شدند و پول بیشتری را به اوراق قرضه و گروه‌های موجودی حساس مانند خدمات مصرفی تبدیل کردند. The

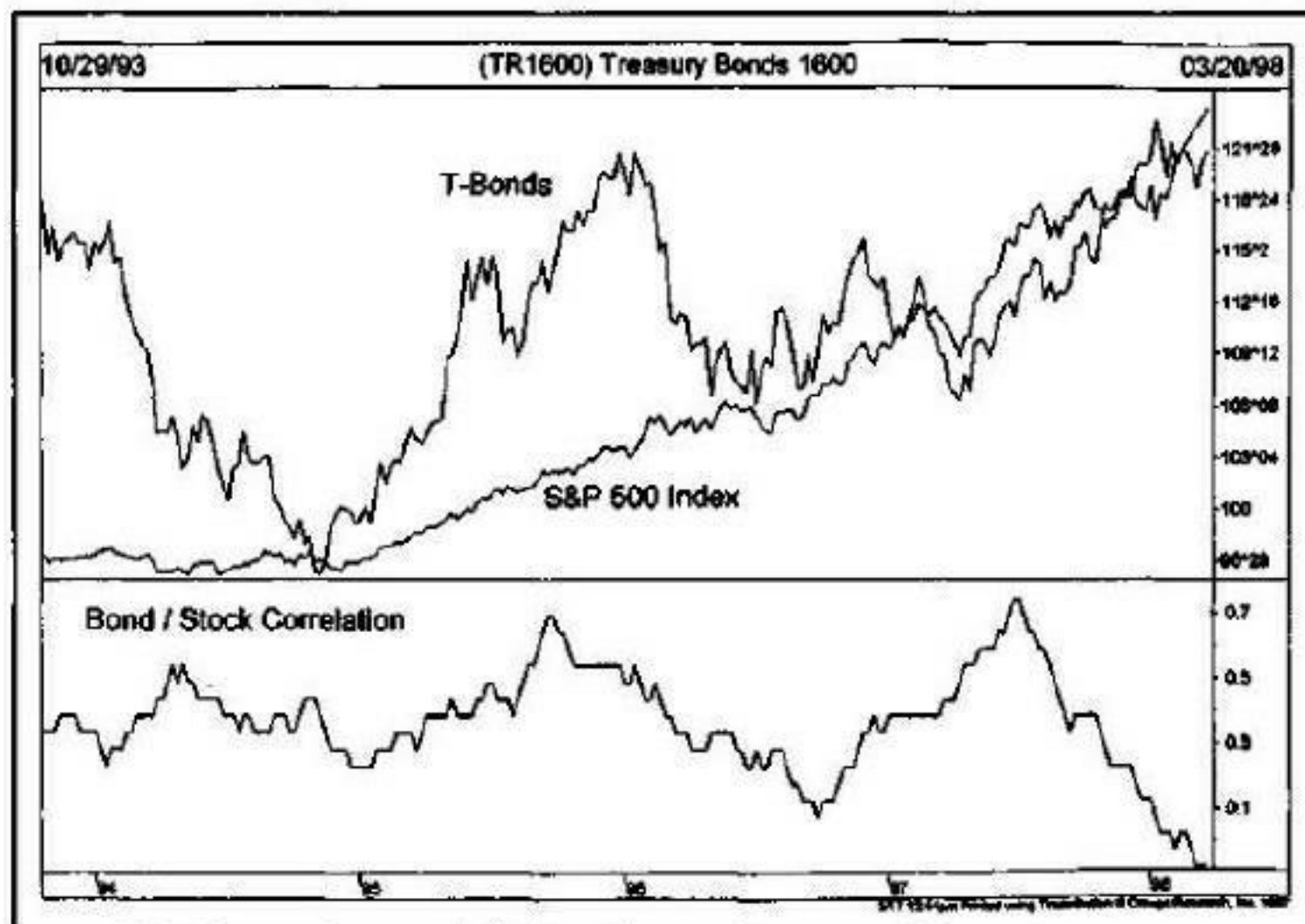
پسر برای این تعدیل تخصیص دارایی این است که کاهش قیمت سناریو بین بازار را تغییر می‌دهد. رابطه معکوس بین قیمت اوراق قرضه و کالاها حفظ می‌شود. کاهش قیمت کالاها در حالی که قیمت اوراق قرضه افزایش یافت. تفاوت این است که بازار سهام می‌تواند به طور منفی در آن محیط واکنش نشان دهد. ما این مساله را به این دلیل ذکر می‌کنیم که مدت زمان زیادی است که بازارهای مالی باید با مشکل کاهش قیمت مواجه شوند. اگر و زمانی که کاهش قیمت‌ها رخ می‌دهد، روابط بین بازار همچنان در یک روش متفاوت وجود خواهند داشت. Disinflation برای کالاها بد است، اما برای اوراق قرضه و سهام خوب است. Deflation برای اوراق قرضه خوب است و برای کالاها بد است، اما ممکن است برای سهام بد باشد.

روند deflationary که در میانه سال ۱۹۹۷ در آسیا آغاز شد تا اواسط سال ۱۹۹۸ به روسیه و آمریکای لاتین گسترش یافت و شروع به آسیب رساندن به همه بازارهای سهام جهانی نمود. کاهش قیمت کالاها بخصوص تاثیر مخربی بر صادرکنندگان کالا مانند استرالیا، کانادا، مکزیک و روسیه داشت. تاثیر deflationary بر کاهش قیمت کالاها و قیمت سهام، تاثیر مثبتی بر قیمت اوراق قرضه خزانه‌داری داشت که به بالاترین میزان خود رسید. رویدادهای بازار سال ۱۹۹۸ نمونه‌ای بارز از وجود پیوندهای بین بازار جهانی بودند و نشان دادند که چگونه اوراق قرضه و سهام می‌توانند در یک جهان deflationary decouple شوند.

"بین بازار correlation"

دو بازار که به طور معمول در جهت یکسان روند دارند مانند اوراق قرضه و سهام، به طور مثبت هم‌بسته هستند. بازارها که در جهت مخالف روند دارند، مانند اوراق قرضه و کالاها، به طور منفی هم‌بسته هستند. تعیین میزان همبستگی بین بازارهای مختلف به شما این امکان را می‌دهد. یک خوانش مثبت بالا - gests یک همبستگی مثبت قوی را نشان می‌دهد. مطالعه منفی بالا، یک همبستگی منفی قوی را نشان می‌دهد. مطالعه نزدیک صفر نشان‌دهنده هیچ همبستگی، اندک یا بدون هیچ همبستگی بین دو بازار است. با اندازه‌گیری درجه همبستگی، تاجر قادر است مشخص کند که چگونه بر روی یک رابطه بین بازار خاص تاکید دارد. وزن بیشتری باید بر روی افراد با همبستگی بالاتر قرار داده شود، و فشار کمتری روی آن‌هایی که به صفر نزدیک‌تر هستند. (مراجعه به شکل ۱۱.۱۷).

ارتباط بین سهام و آتی



شکل ۱۱.۱۷ خط در امتداد پایین همبستگی مثبت بین قیمت اوراق قرضه T - اوراق قرضه و S & P ۵۰۰ را نشان می‌دهد. در نیمه دوم سال ۱۹۹۷، بحران آسیایی موجب یک جداسازی غیر معمول شد. سرمایه گذاران اوراق قرضه بخرند و سهام بفروشند.

در کتاب او، استراتژی‌های بازرگانی cybernetic، موری Ruggiero، آر. کار خلاقانه ای در زمینه همبستگی بین بازار ارائه می‌دهد. او همچنین نحوه استفاده از فیلتر بین بازار روی سیستم‌های تجاری را نشان می‌دهد. برای مثال او نشان می‌دهد که چگونه یک سیستم تقاطع متوسط در بازار اوراق قرضه می‌تواند به عنوان یک فیلتر برای تجارت شاخص سهام استفاده شود. Ruggiero کاربرد روش‌های هوش مصنوعی مدرن مانند تیوری هرج و مرج، منطق فازی و شبکه‌های عصبی را به توسعه سیستم‌های تجاری تکنیکال مورد بررسی قرار می‌دهد. او همچنین کاربرد شبکه‌های عصبی در زمینه آنالیز بین بازار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نرم افزار شبکه بین بازار NEURAL

یکی از مشکلات عمده در مطالعه روابط بین بازار این است که بسیاری از آن‌ها وجود دارند - و همگی در حال تعامل با یکدیگر هستند.

همان زمان That's که شبکه‌های عصبی به آن وارد می‌شوند. شبکه‌های عصبی چارچوب کمی تری را برای شناسایی و ردیابی روابط پیچیده که در بین بازارهای مالی وجود دارد، فراهم می‌کنند. لوئیس mendelsohn، رئیس شرکت فن‌آوری تک - (۲۵۹۴۱ Apple لین، و سلی چاپل، FL ۳۳۵۴۴؛ آدرس پست الکترونیکی: اولین فردی بود که نرم‌افزار آنالیز بین بازار را در صنعت مالی در طول دهه ۱۹۸۰ توسعه داد. mendelsohn پیشگام پیشرو در کاربرد نرم‌افزار میکرو کامپیوتر و شبکه‌های عصبی به تحلیل بین بازار است. نرم‌افزار VantagePoint که اولین بار در سال ۱۹۹۱ معرفی شد، از اصول بین بازار برای بازارهای نرخ بهره، شاخص سهام، بازارهای ارز و آتی انرژی استفاده می‌کند. VantagePoint از فن‌آوری شبکه al برای شناسایی الگوهای پنهان و correla هایی استفاده می‌کند که بین بازارهای مرتبط وجود دارند. www.ProfitTaker.com/45141 45141@ProfitTaker.com

نتیجه‌گیری

این فصل نکات اصلی در کتاب من را خلاصه می‌کند. در این مقاله اثر موج ناشی از دلار به کالاها و اوراق قرضه به سهام مورد بحث قرار می‌گیرد. این کار همچنین وجود پیوندهای جهانی را تشخیص می‌دهد. آنچه در آسیا، اروپا و آمریکای لاتین روی می‌دهد بر بازارهای در حال ظهور و بالعکس تاثیر دارد. تحلیل عاملی تاییدی بر گردش بخش در بازار بورس می‌باشد. تجزیه و تحلیل قدرت نسبی برای جستجوی طبقات دارایی، بخش‌های بازار، و یا سهامی که به احتمال زیاد بهتر از بازار عمومی عمل می‌کند، مفید است. جفری جفری مور در کتابش با عنوان شاخص‌های پیشرو در این کتاب، نشان می‌دهد که چگونه تعامل بین قیمت کالاها، قیمت‌های اوراق قرضه و قیمت‌های سهام الگوی دنباله‌ای را دنبال می‌کند که چرخه تجاری را ردیابی می‌کند. ب. پی. در انجام این کار مایکل مور کارش را در حوزه پیش‌بینی اقتصادی بالا می‌برد. در نهایت می‌توان از تحلیل تکنیکی برای صندوق‌های مشترک مانند هر بازار دیگری استفاده کرد. در این صورت تمام تکنیک‌های مطرح‌شده در این کتاب می‌تواند اعمال شود

درست روی نقشه‌های صندوق سرمایه‌گذاری. حتی بهتر، درجه پایین نوسانات در نمودارهای هزینه متقابل، آن‌ها را به عنوان وسایل نقلیه عالی برای آنالیز نمودار نشان می‌دهد. آخرین کتاب من، سرمایه‌گذار دیداری، به طور گسترده‌تری با موضوع تجزیه و تحلیل بخش و تجارت، و نشان دادن این که چگونه وجوه مشترک می‌تواند تنظیم شود و سپس برای اجرای استراتژی‌های تجاری مختلف مورد استفاده قرار گیرد، سر و کار دارد. (مراجعه به شکل ۱۲.۱۷).



شکل ۱۲.۱۷ نمودار Data Exchange Chart می‌تواند روی نمودارهای هزینه متقابل انجام شود. شما نباید یک کارشناس نمودار باشید تا ببینید که آسیا با دنبال کردن این صندوق مشارکتی به دردمر افتاد.

شاخصه‌ای بازار بورس

MEASURING breadth بازار

در فصل قبل، رویکرد بالا به پایین را شرح دادیم که اغلب در تحلیل بازار سهام بکار گرفته می‌شود. با این رویکرد، شما تحلیل خود را با مطالعه سلامت کلی بازار شروع می‌کنید. سپس شما برای بخش‌های بازار و گروه‌های صنعتی کار می‌کنید. آخرین مرحله، مطالعه سهام‌های فردی است. هدف شما انتخاب بهترین سهام در بهترین گروه‌های *momentum* - *in* در زمانی است که بازار سهام از لحاظ تکنیکال سالم است. مطالعه بخش‌های بازار و سهام فردی را میتوان با ابزارهای تکنیکی مورد استفاده در سراسر این کتاب - از جمله الگوهای چارت، تحلیل حجم، میانگین متحرک، *oscillators* و غیره انجام داد. اما در کلاس دیگری از *indicators* بازار - که به طور گسترده در تحلیل بازار سهام به کار گرفته می‌شوند که هدف آن تعیین سلامت بازار سهام کلی با اندازه‌گیری پهنای بازار است. داده‌های استفاده‌شده در ساخت آن‌ها در مقابل کاهش مسایل، *highs* جدید در مقابل *lows* جدید، و بالا به پایین در برابر حجم، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نمونه نمونه

اگر بخش حساب‌های بازار بورس وال استریت ژورنال (بخش C، صفحه ۲) هر روز را بررسی کنید، داده‌های زیر را برای روز تجاری قبلی پیدا خواهید کرد. اعداد نشان داده‌شده بر مبنای نتایج معاملات day's واقعی هستند.

<i>Diaries NYSE</i>	<i>Monday</i>
Issues Traded	3,432
Advances	1,327
Declines	1,559
Unchanged	546
New highs	78
New lows	43
Adv vol (000)	248,215
Decl vol (000)	279,557
Total vol (000)	553,914
Closing tick	-135
Closing Arms (trin)	.96

ارقام بالا برگرفته از داده‌های بورس اوراق بهادار نیویورک (NYSE) است. تفکیک مشابهی نیز برای نزدک و بازار بورس آمریکا نشان داده شده است. ما روی the در این بحث تمرکز خواهیم کرد. اتفاقاً در آن روز خاص، میانگین صنعتی داو جونز به ۲۰۱۲ امتیاز رسیده بود. پس بازار به اندازه داو خود اندازه‌گیری شد. با این حال، سهام در حال کاهش (۵۵۹،۱) نسبت به پیشرفت سهام (۳۲۷،۱) وجود داشت، که نشان می‌دهد که قیمت گسترده‌تر بازار و نیز داو. همچنین حجم رو به کاهش بیشتر از افزایش حجم بود. این دو مجموعه از ارقام نشان می‌دهند که در واقع عرض بازار برای آن روز خاص منفی بوده است، حتی اگر خود داو بالاتر باشد. چهره‌های دیگر تصویر ترکیبی تری را نشان می‌دهند. تعداد موجودی که به ۵۲ highs هفته جدید می‌رسد (۷۸) بیشتر از تعداد افرادی است که به lows جدید ضربه می‌زنند (۴۳) که یک محیط بازار مثبت را پیشنهاد می‌کنند. با این حال، دهانه بسته (تعداد سهام‌هایی که در مقابل یک downtick بسته شدند) یک neg بود

active -۱۳۵. این بدان معنا بود که ۱۳۵ سهام بیشتر در یک downtick نسبت به افزایش، یک عامل منفی کوتاه مدت بسته شدند. با این حال، بسته شدن معکوس کننده، با خواندن بسته اسلحه (Trin) جبران می شود. که به مقدار کمی مثبت است. بعداً توضیح خواهیم داد که چرا بعداً در این فصل است. همه این مطالعات بازار داخلی هدف خاصی دارند - تا به ما یک مطالعه دقیق تر در مورد سلامت بازار کلی که همیشه در حرکت خود داو منعکس می شود، بدهد.

averages بازار COMPARING

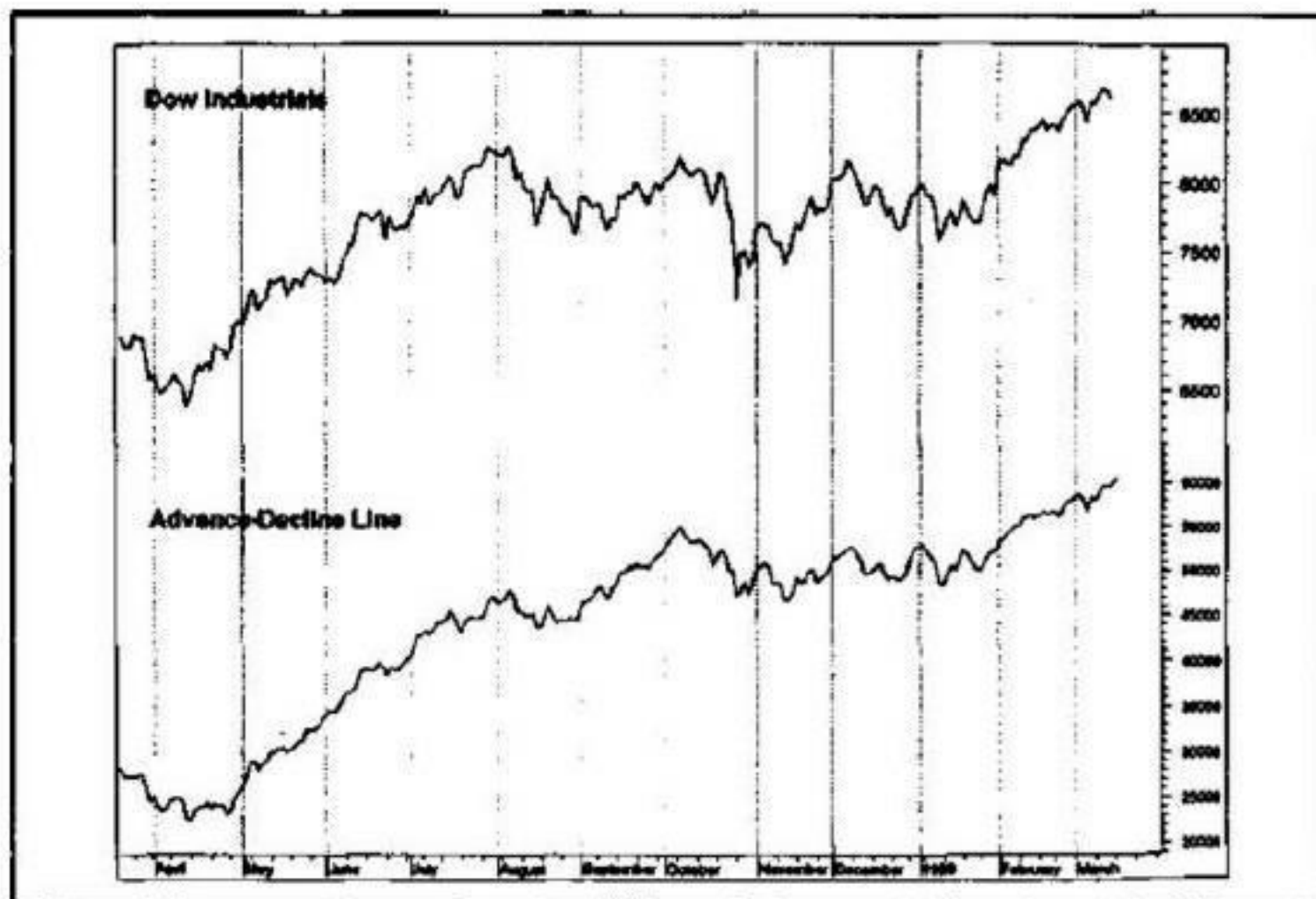
یک راه دیگر برای مطالعه وسعت بازار مقایسه عملکرد میانگین سهام است. با استفاده از همان تجارت day's به عنوان مثال، داده های زیر عملکرد نسبی میانگین سهام اصلی را لیست می کند:

Dow Industrials	+12.20 (+.16%)
S&P 500	-.64 (-.07%)
Nasdaq Composite	-14.47 (-.92%)
Russell 2000	-3.80 (-.89%)

اولین چیزی که واضح است این است که داو داو تنها میانگین بازار در روز است. در تمام برنامه های خبری تلویزیونی در آن شب به سرمایه گذاران گفته شد که بازار (به نمایندگی از سوی داو) برای روز تشکیل شده است. با این حال، تمام اقدامات دیگر در واقع پایین بود. همچنین توجه داشته باشید که هر چقدر هم تراز (سهام بیشتر باشد) بدتر است. درصد تغییرات را مقایسه کنید. هر ۳۰ سهام داو به دست آمد. ۱۶٪. اس. پی. تی. ۵۰۰ شکست خورد. ۰۷٪. The Nasdaq، که بیش از ۵۰۰۰ سهام را شامل می شود، بدترین فرد اجرا کننده بود و از دست رفته بود. ۹۲٪. تقریباً به همان اندازه که the، راسل ۲۰۰۰ بود (-). (۸۹٪)، که مقیاسی از ۲۰۰۰ سهام سرمایه های کوچک است. پیام در این مقایسه کوتاه این است که با وجود اینکه داو Dow در روز به دست آمد، بازار کلی به اندازه میانگین سهام بالاتر از بازار، زمین را از دست داد. ما ایده مقایسه میانگین بازار را دوباره بررسی خواهیم کرد. اما اول، let's روش های مختلفی را نشان می دهد که تکنسین های بازار می توانند تعداد کل market's را تجزیه و تحلیل کنند.

خط لوله کوتاه - انحطاط

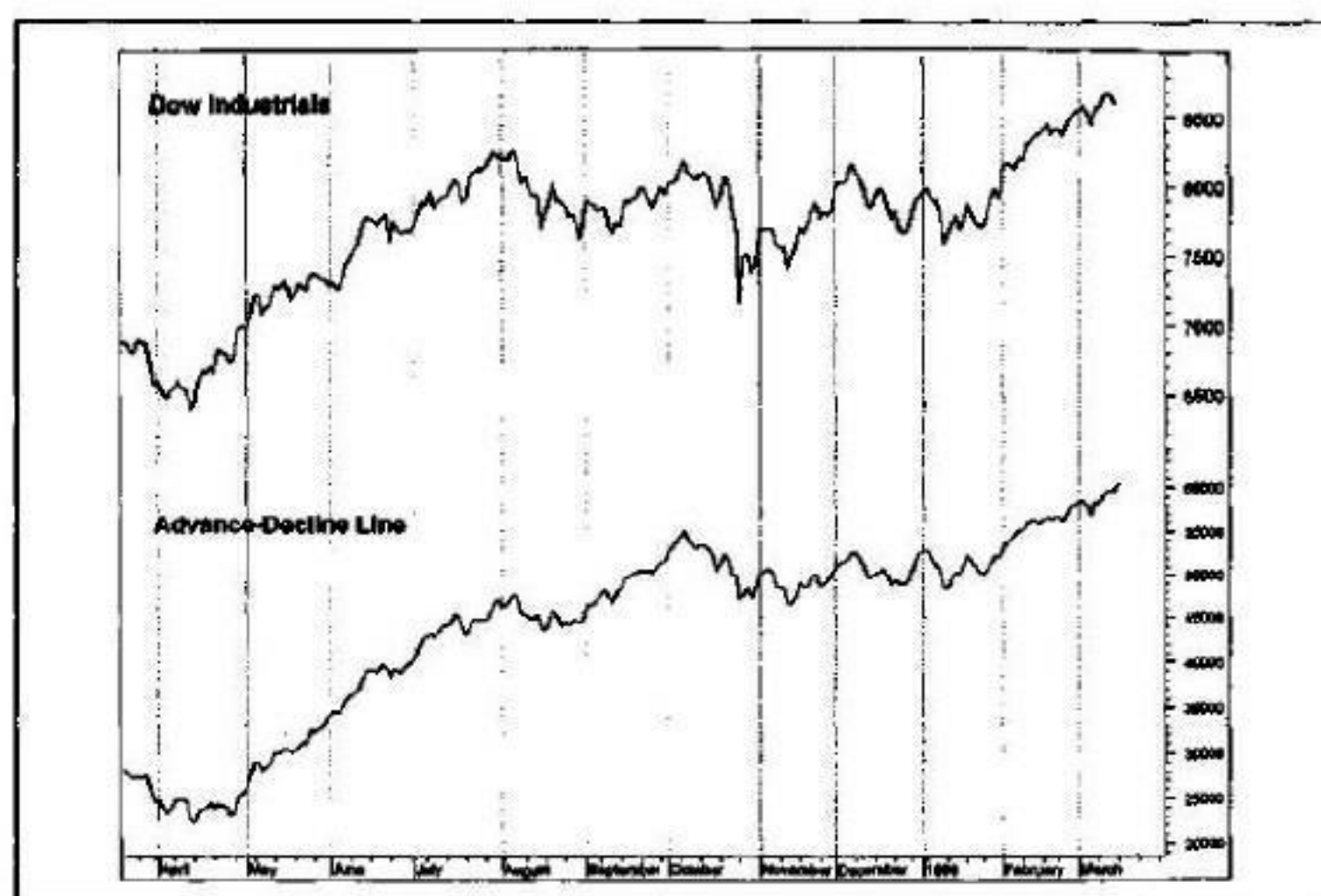
این بهترین نوع از شاخص‌های وسعت است. ساخت خط کاهش پیشروی به شدت ساده است. هر معامله day's در بازار بورس نیویورک تعداد معینی از سهام را تولید می‌کند که تعدادی کاهش یافت و عددی که بدون تغییر باقی ماند. این ارقام هر روز در ژورنال وال استریت و روزنامه تجاری Investor's گزارش می‌شوند و برای ساخت خط پیشرفت روزانه (AD) استفاده می‌شوند. رایج‌ترین روش برای محاسبه خط بعد از میلاد این است که تفاوت بین تعداد مسایل پیش رو و تعداد موارد رو به کاهش را در نظر بگیریم. اگر پیشرفت‌های بیشتری نسبت به کاهش وجود داشته باشد، عدد AD برای آن روز مثبت است. اگر کاهش بیشتری نسبت به پیشرفت وجود داشته باشد، خط بعد از میلاد برای آن روز منفی است. آن عدد روز مثبت یا منفی به خط پایان بعد از میلاد اضافه می‌شود. خط بعد از میلاد، روندی از خود را نشان می‌دهد. ایده این است که دقت کنید که خط بعد از میلاد و میانگین بازار روند مشابهی داشته باشند. (مراجعه به شکل ۱.۱۸).



شکل ۱.۱۸ خط مقدم - کاهشی را در مقابل the داو (داو industrials) نشان می‌دهد. در یک بازار سالم، هر دو خط باید به سمت بالا به سمت بالا باشند چون اینجا هستند.

خط لوله کوتاه - انحطاط

این بهترین نوع از شاخص‌های وسعت است. ساخت خط کاهش پیشروی به شدت ساده است. هر معامله day's در بازار بورس نیویورک تعداد معینی از سهام را تولید می‌کند که تعدادی کاهش یافت و عددی که بدون تغییر باقی ماند. این ارقام هر روز در ژورنال وال استریت و Investor's تجارت روزانه گزارش می‌شوند و برای کنترل یک خط پیشرفت روزانه (AD) استفاده می‌شوند. رایج‌ترین روش برای محاسبه خط بعد از میلاد این است که تفاوت بین تعداد مسایل پیش رو و تعداد موارد رو به کاهش را در نظر بگیریم. اگر پیشرفت‌های بیشتری نسبت به کاهش وجود داشته باشد، شماره AD برای آن روز posi است. اگر کاهش بیشتری نسبت به پیشرفت وجود داشته باشد، خط بعد از میلاد برای آن روز منفی است. آن عدد روز مثبت یا منفی به خط پایان بعد از میلاد اضافه می‌شود. خط بعد از میلاد، روندی از خود را نشان می‌دهد. ایده این است که اطمینان حاصل کنیم که خط بعد از میلاد و طول عمر بازار نیز در جهت یک‌سان روند دارند. (مراجعه به شکل ۱.۱۸).



شکل ۱.۱۸ خط مقدم - کاهشی را در مقابل the داو (داو industrials) نشان می‌دهد. در یک بازار سالم، هر دو خط باید به سمت بالا به سمت بالا باشند چون اینجا هستند.

خط پیشرفت

این بهترین نوع از شاخص‌های وسعت است. ساخت خط کاهش پیشروی به شدت ساده است. هر معامله day's در بازار بورس نیویورک تعداد معینی از سهام را تولید می‌کند که تعدادی کاهش یافت و عددی که بدون تغییر باقی ماند. این ارقام هر روز در ژورنال وال استریت و روزنامه تجاری Investor's گزارش می‌شوند و برای ساخت خط پیشرفت روزانه (AD استفاده می‌شوند. رایج‌ترین روش برای محاسبه خط بعد از میلاد این است که تفاوت بین تعداد مسایل پیش رو و تعداد موارد رو به کاهش را در نظر بگیریم. اگر پیشرفت‌های بیشتری نسبت به کاهش وجود داشته باشد، عدد AD برای آن روز مثبت است. اگر کاهش بیشتری نسبت به پیشرفت وجود داشته باشد، خط بعد از میلاد برای آن روز منفی است. آن عدد روز مثبت یا منفی به خط پایان بعد از میلاد اضافه می‌شود. خط بعد از میلاد، روندی از خود را نشان می‌دهد. ایده این است که دقت کنید که خط بعد از میلاد و میانگین بازار روند مشابهی داشته باشند. (مراجعه به شکل ۱.۱۸).

AD

معیار کاهش پیشروی چه چیزی را انجام می‌دهد؟ خط مقدم - کاهش به ما می‌گوید که آیا جهان وسیع‌تر از ۳۵۰۰ سهام NYSE به طور گسترده‌ای به طور گسترده‌ای به دنبال میانگین سهام، که تنها شامل ۳۰ industrials داو یا ۵۰۰ سهام در S & ۵۰۰ است، در حال پیشروی است. به نقل یک شعار استریت ژورنال: اگر نیروهای "سربازان" با "ژنرال‌ها" همگام باشند، همانطور که خط بعد از میلاد با the داو پیش می‌رود، به عنوان مثال، وسعت و یا سلامت بازار خوب است. این خطر زمانی رخ می‌دهد که خط بعد از میلاد از داو داو شروع به دور شدن می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی که شما وضعیتی دارید که در آن the داو به highs جدیدی برخورد می‌کند در حالی که بازار وسیع‌تر (اندازه‌گیری شده توسط خط بعد از میلاد) بعد از آن، تکنسین‌ها شروع به نگرانی در مورد "وسعت بازار بد" یا واگرایی بعد از میلاد دارند. به لحاظ تاریخی، قله‌های پیش از میلاد به خوبی از متوسط بازار بیرون زده است، به همین دلیل است که it's آن را با دقت تماشا می‌کند.

خطوط هفتگی VERSUS بر روی خط هفتگی

خط بعد از میلاد که در اینجا شرح دادیم، برای مقایسه کوتاه با میانگین اصلی سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کم‌تر مفید است که مقایسه‌ها به چند سال برگردد. یک خط پیشرفت هفتگی، تعداد پیشروی در برابر کاهش سهام برای کل هفته را اندازه‌گیری می‌کند. این ارقام هر هفته در Barron's منتشر می‌شوند. یک خط پیشرفت پیشرفت هفتگی برای مقایسه روندها در طول چندین سال، مفیدتر در نظر گرفته می‌شود. در حالی که یک واگرایی منفی در خط بعد از میلاد ممکن است در خصوص مشکلات متوسط در بازار هشدار دهد، ضروری است که واگرایی مشابه در خط بعد از میلاد را نشان دهد تا تایید کند که یک مشکل جدی‌تر در حال توسعه است.

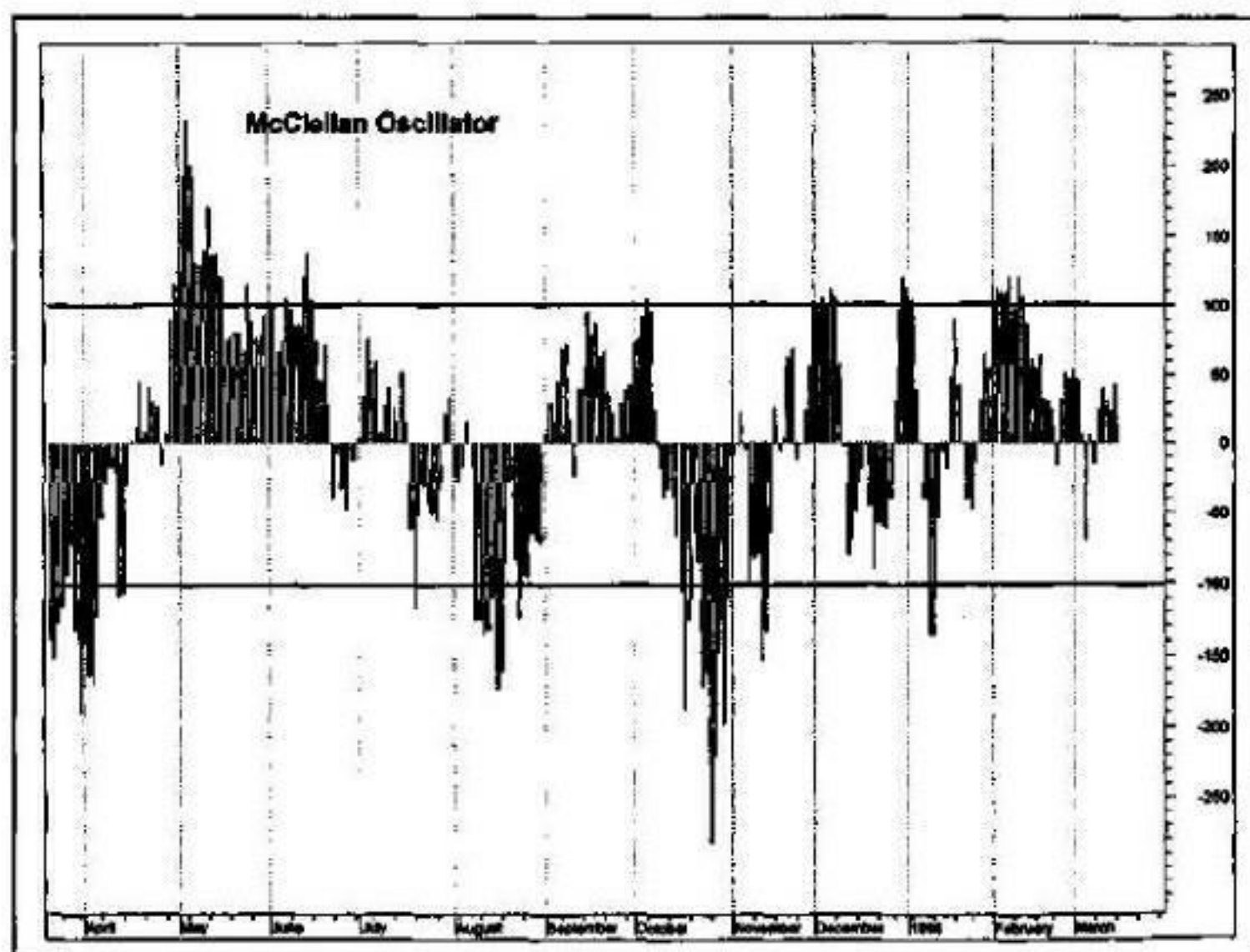
تغییرات در خط آگهی

از آنجا که تعداد سهام مبادله‌شده در the طی سال‌ها افزایش یافته است، برخی از تحلیلگران بازار بر این باورند که روش تفريق -

با توجه به تعداد موضوعات رو به کاهش از تعداد مسایل پیش رو به داده‌های اخیر بیشتر اهمیت بیشتری می‌دهد. برای مبارزه با این مشکل، بسیاری از متخصصان ترجیح می‌دهند از یک نسبت پیشرفت / کاهش استفاده کنند که تعداد مسایل پیش رو را با تعداد موارد رو به کاهش تقسیم می‌کند. برخی نیز بر این باورند که ارزش *there's* شامل تعداد موارد بدون تغییر در محاسبات است. هر کدام که خط بعد از میلاد محاسبه شود، استفاده از آن همیشه یکسان است - یعنی برای اندازه‌گیری جهت بازار وسیع‌تر و تضمین حرکت *it's* در جهت همان مسیری که به دقت ساخته شده‌است، اما میانگین بازار عمومی. خطوط کاهش پیش رو نیز می‌تواند برای بازار بورس آمریکا و بازار بورس Nasdaq ساخته شود. تکنسین‌های بازار علاقه‌مند به ساخت *oscillators* *oversold / overbought* در خطوط بعد از میلاد برای کمک به اندازه‌گیری کوتاهی در حد متوسط بازار در خود ارقام عرض خود هستند. یکی از نمونه‌های شناخته‌شده، *the* نوسان است.

"McClellan" oscillator

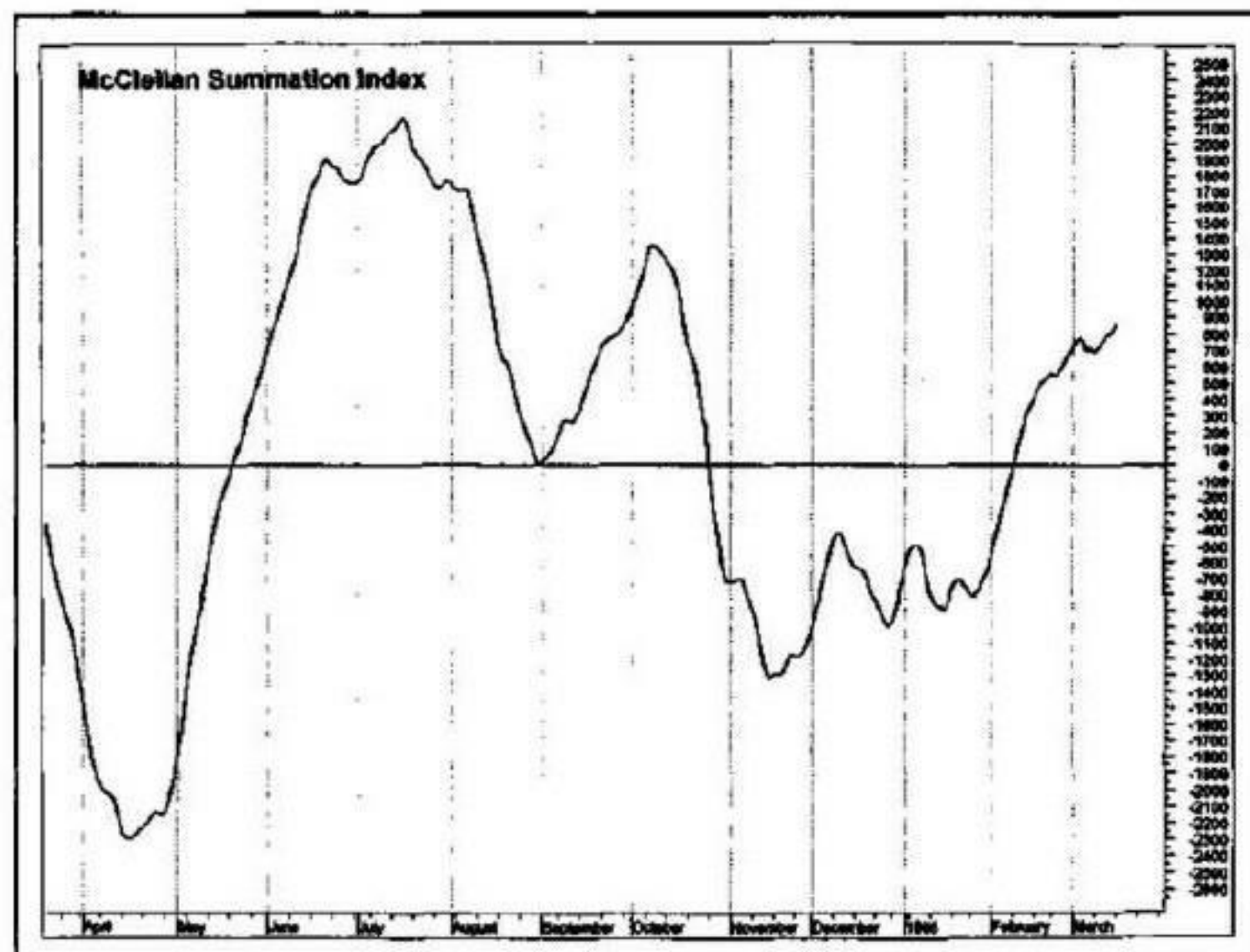
این نوسانگر که توسط شرمن McClellan توسعه یافته، با استفاده از تفاوت بین دو میانگین متحرک نمایی روزانه از ارقام کاهش پیشرفت روزانه ساخته شده‌است. *The* نوسان بین ۱۹ روز (۱۰٪) و میانگین متحرک ۳۹ روز (۵٪) میانگین متحرک ارقام کاهش خالص روزانه است. نوسان‌ساز حدود یک خط صفر با دامنه بالاتر و پایین خود از ۱۰۰+ و ۱۰۰- را نوسان می‌دهد. کتاب *Oscillator McClellan* در بالا *signal* علامت بازار سهام *overbought* است. مطالعه زیر ۱۰۰ یک بازار سهام *oversold* محسوب می‌شود. *Crossings* بالا و پایین خط صفر به ترتیب به عنوان کوتاه برای خرید و فروش سیگنال به ترتیب تفسیر می‌شوند. (مراجعه به شکل ۲.۱۸).



شکل ۲.۱۸ و ۲.۱۸ نوسان‌ساز McClellan به عنوان نمودار هیستوگرام نشان داده می‌شود. Crossings بالای خط صفر، سیگنال‌های مثبت هستند. مطالعات بالاتر از +۱۰۰، overbought هستند، در حالی که مطالعات زیر بر روی ۱۰۰ oversold هستند. توجه داشته باشید که oversold شدید در طول اکتبر ۱۹۹۷ قرائت شد.

ضمیمه McCLELLAN summation

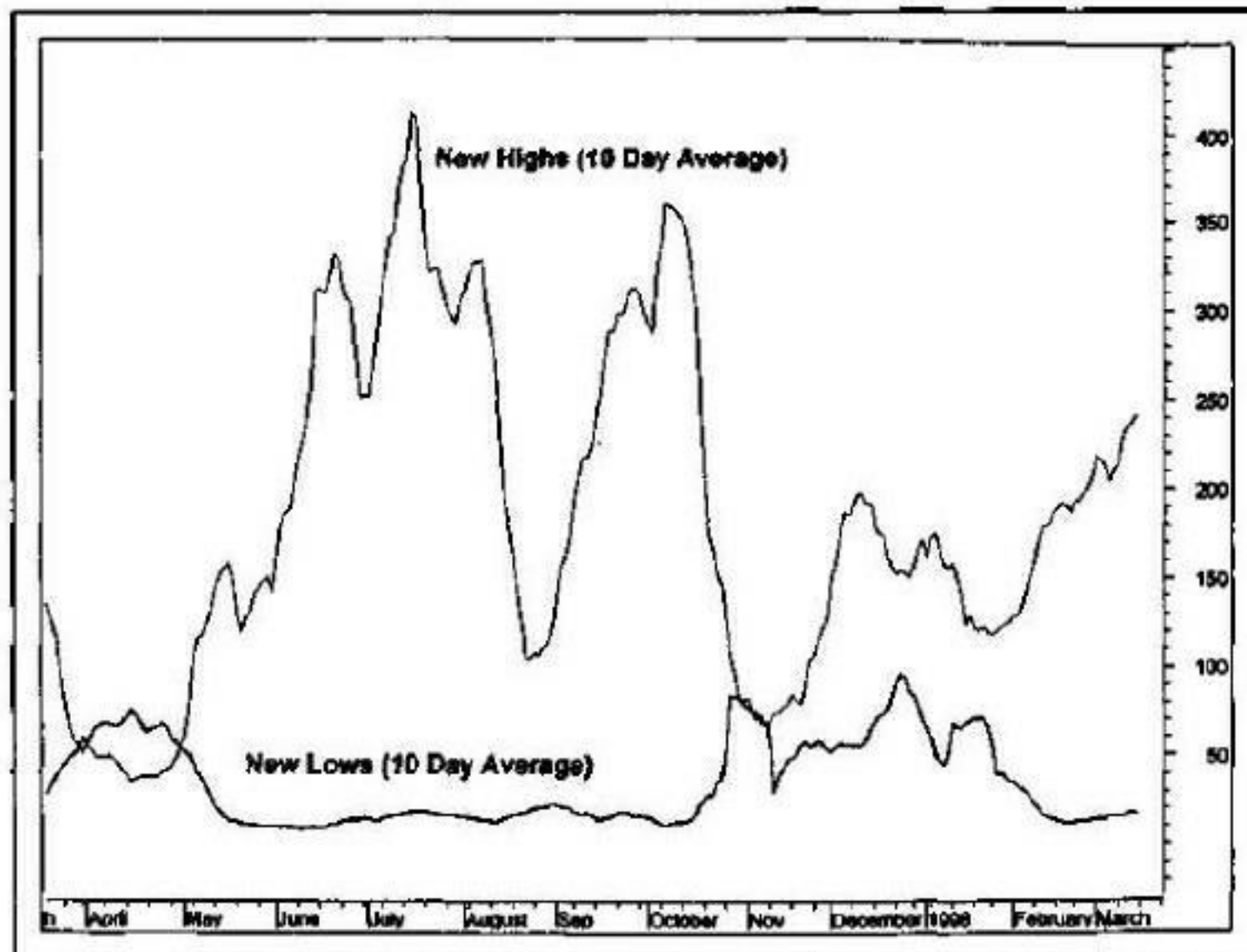
شاخص summation یک نسخه طولانی‌تر از the Oscillator است. شاخص summation McClellan یک مجموع cumulative - از هر عدد خوانش مثبت یا منفی در the Oscillator است. در حالی که نوسان McClellan برای اهداف تجاری متوسط مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص summation دامنه وسیعتری از وسعت بازار را ارائه می‌دهد و برای نقطه عطفی در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مراجعه به شکل ۳.۱۸).



شکل ۱۸-۳ - شاخص جمع مک کلان به سادگی یک نسخه برد کوتاه از نوسان ساز جدید می باشد. از شاخص جمع برای تحلیل روند اصلی استفاده شده است. گذر زیر صفر منفی است. علامت فوریه ۲۰۱۰ مثبت بود.

highs جدید در مقابل lows جدید

علاوه بر تعداد شرکت هایی که در حال پیشرفت و کاهش سهام هستند، مطبوعات مالی همچنین تعداد سهام هایی را که به میزان بالای ۵۲ هفته یا کم تر از ۵۲ هفته جدید کاهش یافته اند را منتشر می کند. این ارقام یک بار دیگر به صورت روزانه و هفتگی در دسترس هستند. دو راه برای نشان دادن این ارقام وجود دارد. یک راه ترسیم هر دو خط به صورت جداگانه است. از آنجا که مقادیر روزانه گاهی اوقات نامنظم، میانگین متحرک هستند (معمولاً ۱۰ روز) رسم می شود تا تصویری هموارتر از این دو خط ارائه دهند. (مراجعه به شکل ۱۸.۴). در یک بازار قوی، تعداد highs جدید باید بسیار بیشتر از تعداد lows جدید باشد. وقتی تعداد of جدید شروع به کاهش می کند، یا تعداد کاهش های جدید شروع به گسترش می کند، یک سیگنال هشدار داده می شود. یک سیگنال بازار منفی هنگامی فعال می شود که میانگین متحرک of جدید در بالا عبور می کند.

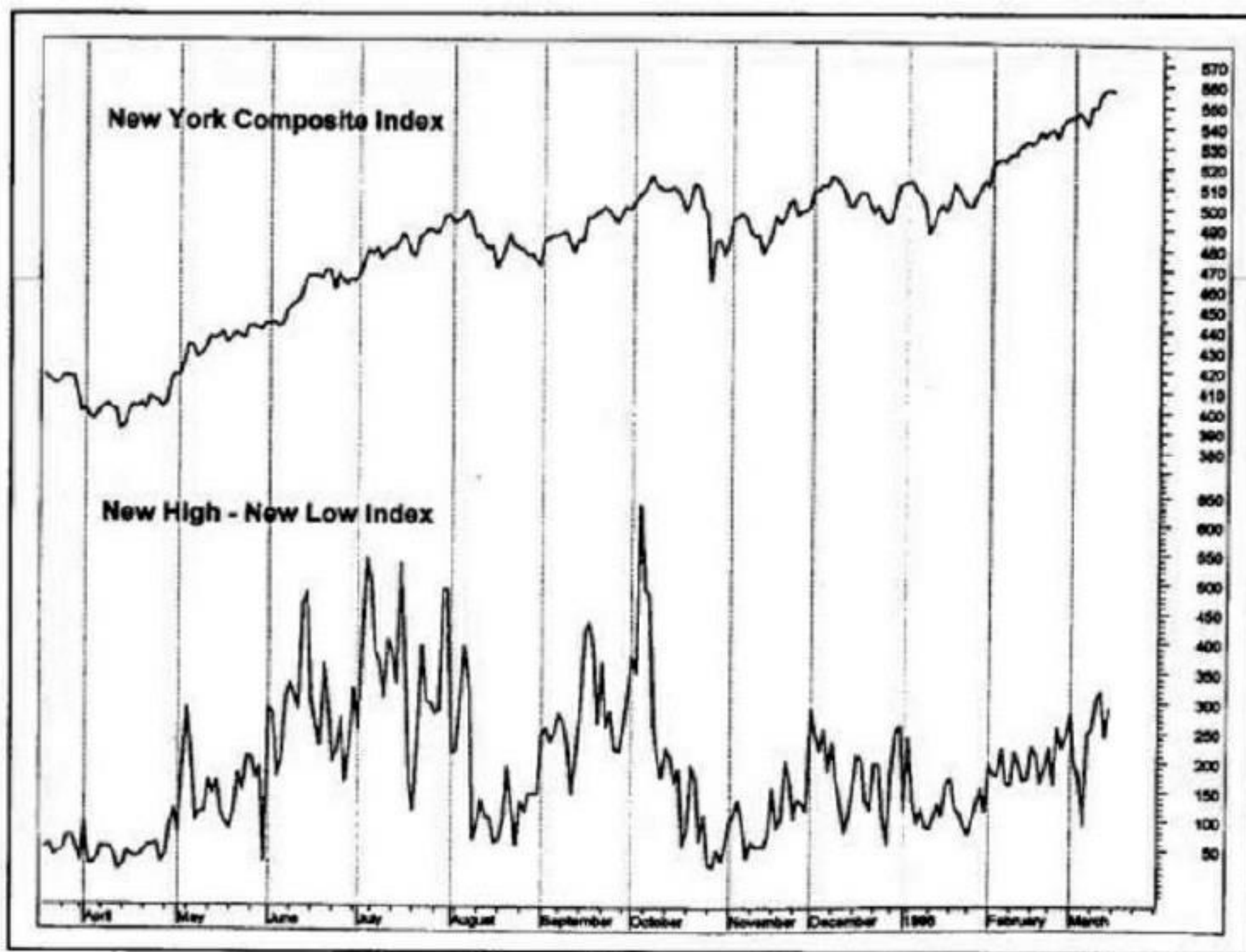


شکل ۱۸ - ۱۰ یک میانگین ۱۰ روز از highs جدید در مقابل میانگین ۱۰ روز. یک بازار سالم باید شاهد سهام بیشتری نسبت به highs جدید باشد. در طول اکتبر ۱۹۹۷، این دو خط تقریباً قبل از رسیدن به alignment صعودی از هم عبور کردند.

میانگین متحرک قله‌های جدید. همچنین می‌توان نشان داد که هر زمان که قله‌های جدید به یک حد نهایی می‌رسند، بازار تمایل بیشتری به رفتن دارد. به طور مشابه، هر زمان که سطح پایین به حد نهایی برسد، بازار نزدیک به یک پایین است. یکی دیگر از راه‌های استفاده از پستی جدید در برابر پایین‌ترین اعداد، ترسیم تفاوت بین این دو خط است.

ضمیمه پایین جدید - جدید

مزیت یک شاخص پایین جدید این است که می‌تواند به طور مستقیم با یکی از میانگین اصلی بازار مقایسه شود. به این ترتیب، خط پایین - پایین می‌تواند درست مانند خط مقدم - کاهش استفاده شود. (مراجعه به شکل ۱۸.۵). روند خط پایین - پایین را می‌توان نمودار - -



شکل ۱۸ - ۵ شاخص پایین جدید در مقابل شاخص ترکیبی NYSE. این خط تفاوت بین تعداد سهام‌هایی دارد که دارای بالاترین میزان پستی و بلندی‌های جدید هستند. یک خط در حال طلوع مثبت است. به افت شدید در طول اکتبر ۱۹۹۷ توجه کنید.

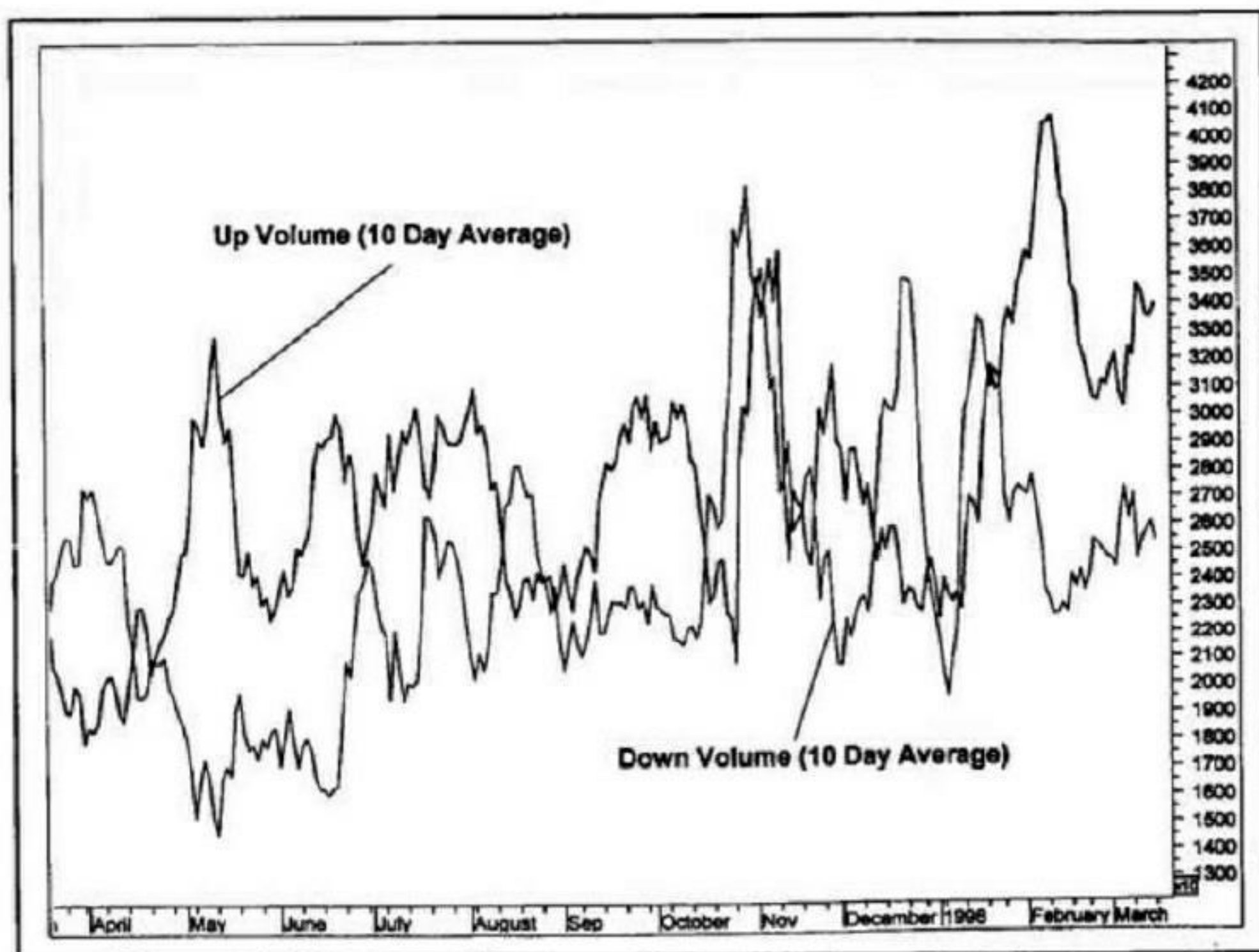
می‌توان از آن برای تشخیص واگرایی بازار استفاده کرد. برای مثال، یک شاخص جدید در داو، که با یک خط جدید متناظر در خط پایین همخوانی ندارد می‌تواند نشانه ضعف در بازار وسیع‌تر باشد. خط روند و تحلیل میانگین متحرک را می‌توان برای خود خط اعمال کرد. اما ارزش اصلی آن در تایید یا واگرایی از روندهای عمده سهام است و هشدار اولیه تغییرات پتانسیل در بازار کلی را می‌دهد. الکساندر بزرگ مقیاس جدید جدید را به عنوان "احتمالاً بهترین شاخص بازار سهام بازار سهام" توصیف می‌کند.

الدر پیشنهاد طراحی نشانه را به عنوان نمودار ستونی با یک نقطه مرجع افقی در خط صفر خود نشان می‌دهد و باعث می‌شود که divergences آسان‌تر شود. او اشاره می‌کند که تقاطع بالا و پایین خط صفر نیز نشان‌دهنده تغییرات صعودی و نزولی در روانشناسی بازار است.

شاخص بازار سهام ۴۴۳ نفر

بخش VERSUS downside

این سومین و آخرین قطعه از داده‌ها است که برای اندازه‌گیری عرض بازار بکار می‌رود. بورس سهام نیویورک هم سطح حجم در هر دو مساله رو به کاهش و رو به کاهش را فراهم می‌کند. این اطلاعات همچنین روز بعد در مطبوعات مالی نیز در دسترس است. سپس امکان مقایسه حجم وارونه در برابر حجم منفی اندازه‌گیری که در هر زمان معین غالب است، امکان پذیر است. (شکل ۶.۱۸ را ببینید) حجم و حجم نزولی را میتوان به صورت دو خط جداگانه نشان داد (درست همانطور که با the جدید و lows جدید روبرو شدیم) یا تفاوت می‌تواند به صورت یک خط ثابت نشان داده شود. در هر صورت، تفسیر همیشه یکسان است. وقتی که حجم آن وارونه است - -



شکل ۶.۱۸ - ۱۰ روز میانگین بازار سهام (خط تیره) در برابر حجم منفی. یک بازار قوی باید بیش از حد وارونه باشد

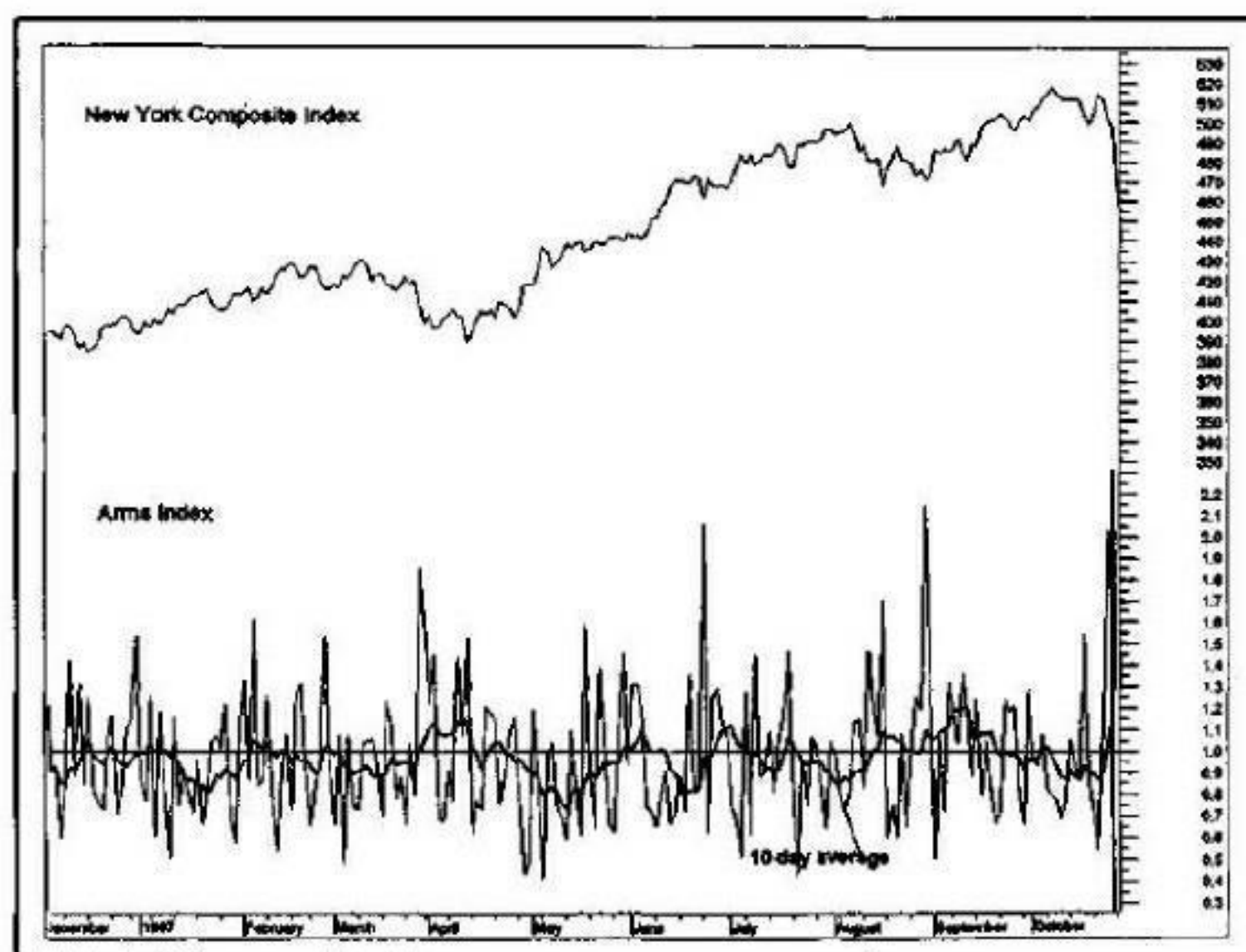
nant، بازار قوی است. وقتی حجم ضرر بیشتر باشد، بازار ضعیف است. It's ممکن است تعداد پیشرفت و رو به کاهش را با پیشرفت و کاهش حجم ترکیب کند. کاری که ریچارد Arms در ایجاد شاخص سلاح انجام داد.

ضمیمه ARMS

شاخص سلاح، که پس از سازنده آن ریچارد Arms نامگذاری شده است، نسبت نسبت به آن است. صورت کسر نسبت تعداد مسایل پیش رو تقسیم بر تعداد موضوعات رو به کاهش است. مخرج، حجم پیشروی تقسیم بر حجم رو به کاهش است. هدف شاخص سلاح سنجش این مساله است که آیا حجم بیشتری در افزایش یا کاهش سهام وجود دارد. مطالعه زیر ۰.۱ حجم بیشتری را در افزایش سهام نشان می دهد و مثبت است. خواندن بالای ۰.۱، حجم بیشتری را در کاهش مسایل منعکس می کند و منفی است. بر حسب روز، خواندن شاخص بسیار بالای سلاح مثبت است، در حالی که خواندن بسیار پایین منفی است. بنابراین شاخص سلاح یک نشانگر مخالف است که روندها در جهت مخالف بازار را نشان می دهد. این روش می تواند برای معاملات روزانه با ردیابی جهت آن و برای شناسایی نشانه های of بازار کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرد. (مراجعه به شکل ۷.۱۸)

تیک تاک، تیک تاک

شاخص سلاح (TRIN) می تواند در ارتباط با شاخص تیک تاک برای معاملات روزانه مورد استفاده قرار گیرد. تیک تاک، تفاوت بین شمار معاملات سهام در افزایش را در مقابل تعداد معاملات بر روی یک downtick اندازه گیری می کند. تیک تاک یک نسخه دقیقه ای از خط پیشرفت روزانه است و برای همین منظور استفاده می شود. هنگامی که ترکیب این دو در طول روز، یک شاخص تیک تاک کننده و یک شاخص کاهش سلاح مثبت (TRIN) ترکیب می شود، در حالی که یک شاخص تیک تاک (تیک تاک) و شاخص rising سلاح (TRIN) منفی هستند. با این حال، شاخص سلاح نیز می تواند برای تجزیه و تحلیل برد طولانی تر مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۷.۱۸ " شاخص سلاح (همچنین TRIN) روندها در جهت مخالف بازار را نشان می‌دهد. Exceptionally های بالا معمولاً به تازگی به بازار اشاره می‌کنند. میانگین متحرک بالای شاخص سلاح یک روش محبوب برای دیدن این شاخص عکس است.

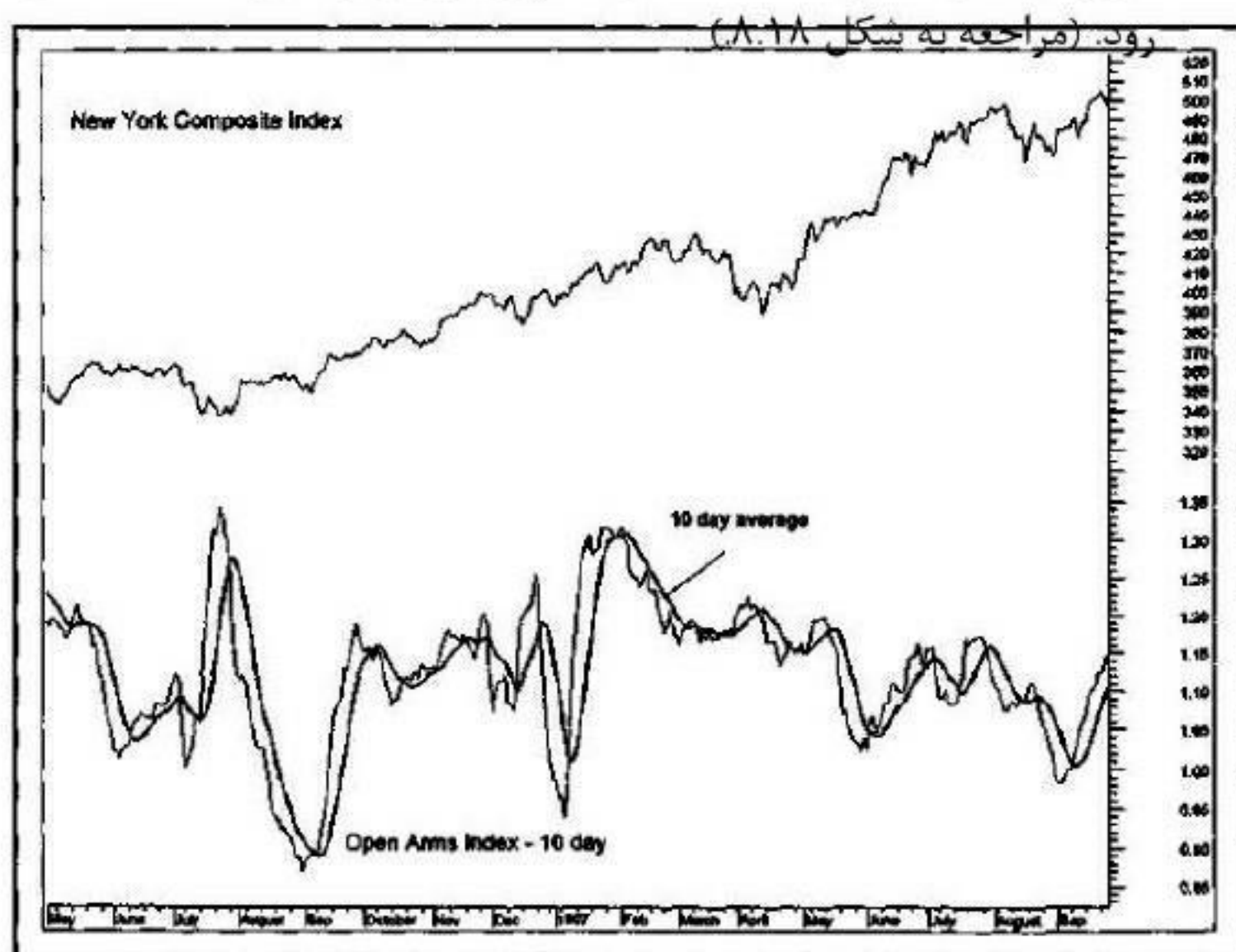
هموارسازی شاخص بازوها

در حالی که شاخص سلاح در طول روز تجاری نقل می‌شود و مقدار کمی پیش‌بینی کوتاه‌مدت دارد، اغلب تجار از میانگین حرکت روزانه ۱۰ روز استفاده می‌کنند. طبق گفته خود سلاح، یک میانگین روزانه ۱۰ روز بالای ۱:۲۰ در نظر گرفته می‌شود، در حالی که مقدار سلاح ۱۰ روز پایین‌تر است. اگر چه این اعداد ممکن است بسته به روند کلی بازار تغییر کنند ۷۰ برابر است. سلاح نشان‌دهنده اولویت اعداد فیبوناچی است. او پیشنهاد می‌کند که علاوه بر نسخه ۱۰ روز از شاخص سلاح ۲۱ روز استفاده شود. او همچنین از ۲۱ روز و ۵۵ روز حرکت می‌کند - متوسط CROSSOVERS از شاخص سلاح برای ایجاد دوره میانی مناسب.

معاملات. برای درمان عمق بیشتر، " شاخص سلاح " (TRIN) نوشته ریچارد دابلیو. آرمز، پسر.

آرمز باز

در محاسبه شاخص سلاح ۱۰ روز، هر مقدار بسته day's با استفاده از چهار ورودی تعیین می شود و مقدار نهایی با میانگین متحرک ۱۰ روز صاف می شود. در نسخه "باز" شاخص سلاح، هر یک از چهار جز در فرمول به طور جداگانه در مدت ۱۰ روز به طور جداگانه محاسبه می شود. سپس شاخص سلاح باز از چهار میانگین مختلف محاسبه می شود. بسیاری از تحلیلگران نسخه آزاد سلاح را به نسخه اصلی ترجیح می دهند. طول میانگین متحرک، مانند ۲۱ و ۵۵ روز نیز می تواند برای نسخه Open سلاح بکار

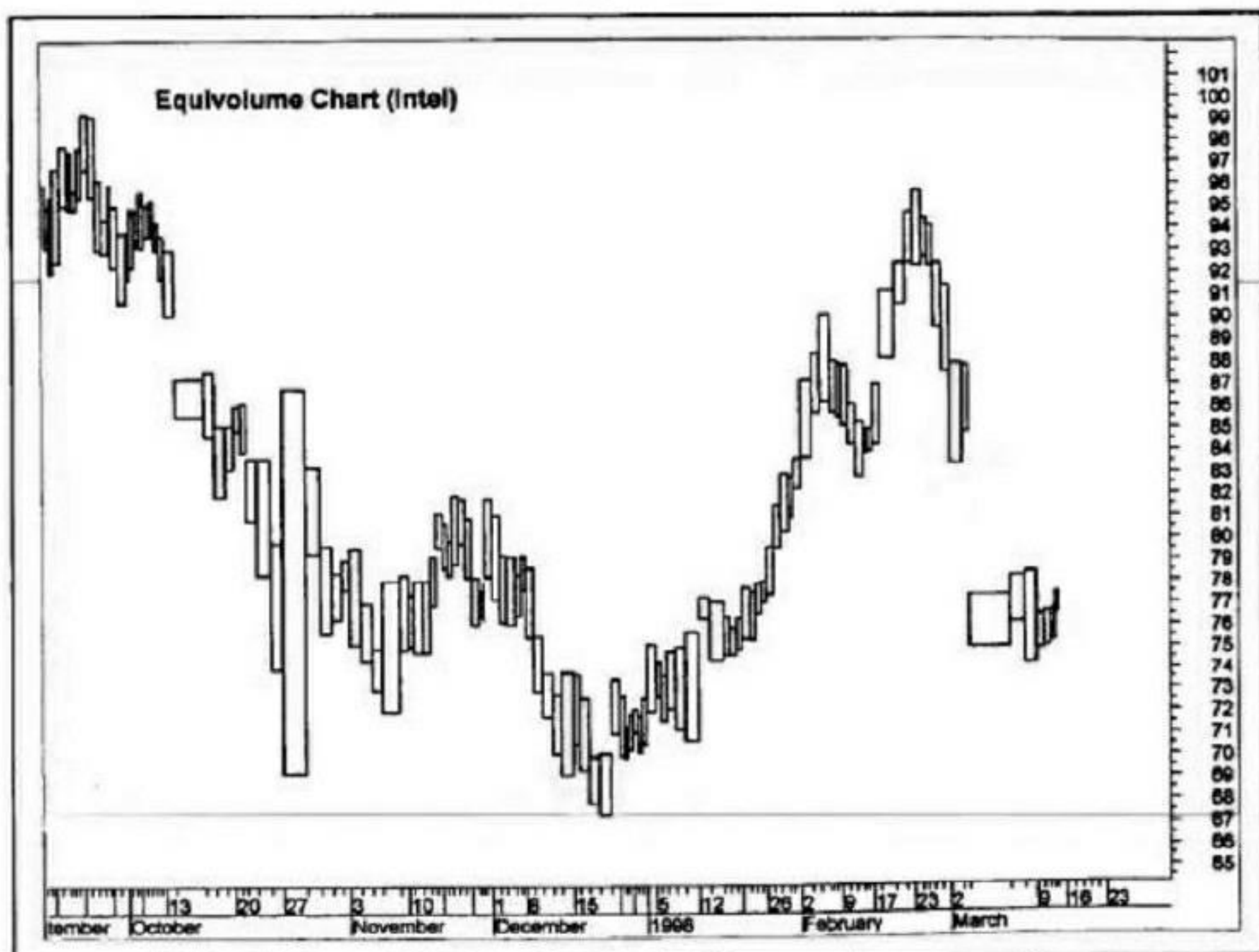


شکل ۸.۱۸ - ۱۰ روز آزاد سلاح نگاه much به این شاخص می دهد، اما هنوز روندها در جهت مخالف بازار وجود دارد. گذر کراس از میانگین متحرک ۱۰ روزه (خط تیره تر) اغلب سیگنال ها را نشان می دهد.

روز ۴۴۷ شاخص‌های بازار سهام ۴۴۷ به ثبت رسید.

charting" "EQUIVOLUME

اگرچه سلاح برای ایجاد شاخص سلاح معروف است، او همچنین پیشگام روش‌های ترکیبی از ترکیب قیمت و حجم است. در انجام این کار، او یک شکل کاملاً جدید از charting به نام Equivolume ایجاد کرد. در نمودار نوار سنتی، محدوده تجاری day's در بار قیمت با نوار حجمی که در انتهای چارت رسم شده، نشان داده شده است. از آنجا که تحلیلگران تکنیکال تحلیل قیمت و حجم را ترکیب می‌کنند، باید هر دو بخش چارت را همزمان نگاه کنند. در نمودار Equivolume، هر نوار قیمت به صورت مستطیل نشان داده می‌شود. ارتفاع مستطیل محدوده تجاری day's را اندازه‌گیری می‌کند. عرض مستطیل با این حجم day's تعیین می‌شود. روز حجم سنگین‌تر، مستطیل پهن‌تر را تولید می‌کند. days سبک‌تر در یک مستطیل باریک‌تر منعکس می‌شوند. (مراجعه به شکل ۹.۱۸)



شکل ۹.۱۸ نمودارهای Equivolume قیمت و حجم را ترکیب می‌کند. عرض هر مستطیل (نوار روزانه) با حجم مشخص می‌شود. بازتر کردن rectangles حجم سنگین‌تر را نشان می‌دهد. The در طول sell اخیر شروع به گشاد شدن کردند - یک نشانه منفی

به عنوان یک قاعده، شکست صعودی باید همیشه با یک انفجار از یک فعالیت تجاری همراه باشد. بنابراین در نمودار Equivolume، یک شکست قیمت صعودی باید با یک مستطیل پهن تر همراه باشد. Equivolume ترسیم نمودارهای قیمت و حجم را به یک نمودار ترکیب می کند و مقایسه ساده تر بین قیمت و حجم را انجام می دهد. به عنوان مثال، در یک uptrend، روزها باید مستطیل پهن تر را مشاهده کنید در حالیکه در روزهایی پایین باید مستطیل باریک تر را مشاهده کنید. نمودار Equivolume را میتوان در میانگین بازار و نیز سهام تکی اعمال کرد و میتوان آن ها را برای هر دو چارت روزانه و هفتگی ترسیم کرد. برای اطلاعات بیشتر، با چرخه های حجم در بازار بورس توسط ریچارد Arms (داو جونز - ابروین، ۱۹۸۳) مشورت کنید.

CANDLEPOWER

در فصل ۱۲، گرگ موریس نمودار شمعی را توضیح داد. در مقاله ای در سال ۱۹۹۰ منتشر شده در تحلیل تکنیکال سهام و مجله کالاهای با عنوان "شرق با غرب ملاقات می کند: candlepower تعیین هزینه"، موریس پیشنهاد کرد که نمودارهای شمعدانی با روش "Equivolume" ترکیب شود. نسخه موریس نمودار شمعی در قالب Equivolume را نشان می دهد. به عبارت دیگر، عرض شمعدان به وسیله حجم تعیین می شود. هر چه حجم بیشتر باشد، شمعدان گشادتر می شود. موریس این ترکیب را candlepower ترسیم کرد. به نقل از این مقاله: "نمودار candlepower مشابه آنچه که اطلاعات بهتری نسبت به Equivolume یا طرح های شمعدانی ارائه می دهد، ارائه می دهد و به صورت بصری برای هر کدام از آن ها جذاب است." ۷۰۰ شرق، سوئیت ۱۰۰، سالت لیک سیتی، UT ۸۴۱۰۷ [۸۰۰] ۸۸۲ - ۳۰۴۰). با این حال نام آن به Candlevolume تغییر کرده است. (مراجعه به شکل ۱۰.۱۸ www.equis.com)



شکل ۱۰.۱۸ یک نمودار candlepower (که Candlevolume نامیده می‌شود) ترکیبی از equivolume و شمعدان است. عرض هر شمع (نوار روزانه) با حجم استخراج می‌شود.

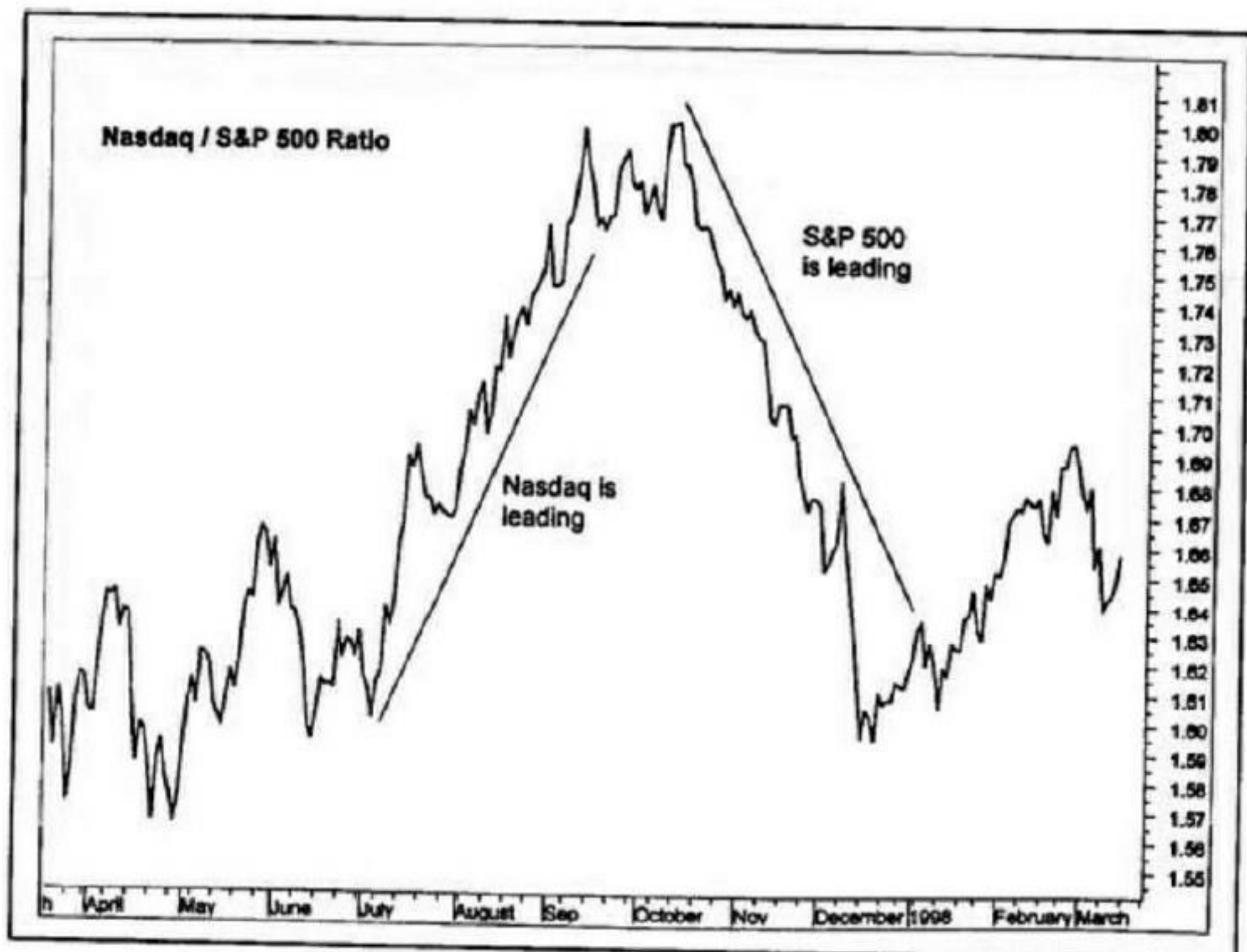
averages بازار COMPARING

در ابتدای این فصل به این نکته اشاره کردیم که راه دیگری برای اندازه‌گیری پهنای بازار مقایسه میانگین بازار مختلف است. ما در اینجا در درجه اول درباره the داو، شاخص بورس اوراق بهادار نیویورک، شاخص بورس اوراق بهادار نیویورک، و راسل ۲۰۰۰ صحبت می‌کنیم. هر کدام بخش کمی از این بازار را اندازه‌گیری می‌کنند. داو و P & S ۵۰۰ روند به تعداد نسبتاً کمی از سهام سرمایه‌گذاری بزرگ را ثبت می‌کنند. شاخص Composite ترکیبی شامل تمام

سهام مبادله شده در بورس اوراق بهادار نیویورک است و دیدگاه کمی گسترده تری را ارائه می دهد. breakouts در داو داو به عنوان یک قاعده باید با ظهور مشابه در هر دوی P S the ۵۰۰ و شاخص NYSE NYSE تایید شود اگر شکست قدرت باقی ماندن است.

مهم‌ترین divergences شامل the و راسل ۲۰۰۰ هستند. شاخص نزدک (۵۰۰۰) بیش‌ترین تعداد سهام را دارد (۵۰۰۰). با این حال، از آنجا که نزدک یک شاخص سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، معمولاً توسط یک صد شرکت بزرگ فن‌آوری مانند اینتل و مایکروسافت تحت سلطه است. به همین دلیل، نزدک اغلب یک معیار برای بخش فن‌آوری محسوب می‌شود. راسل ۲۰۰۰ یک معیار حقیقی‌تر از جهان سهام کوچک‌تر است. با این حال، هر دو شاخص باید به سمت بالا همراه با داو و the P ۵۰۰ باشد اگر روند بازار واقعاً سالم باشد.

تحلیل قدرت نسبی (RS) نقش مفیدی را در اینجا ایفا می‌کند. نسبت of the S P ۵۰۰ به ما می‌گوید که آیا سهام فن‌آوری بالا و جلو می‌رود یا خیر. It's معمولاً برای بازار بهتر است اگر پیش‌تاز باشند و خط نسبت در حال افزایش است. (شکل ۱۱.۱۸ را ببینید) A



شکل ۱۱.۱۸ / S & P ۵۰۰ به ما می‌گوید که آیا سهام تکنولوژی پیشرو است یا از بازار عقب‌مانده است. It's معمولاً برای بازار بهتر است وقتی که خط نسبت در حال رفتن است.

شاخصه‌ای بازار بورس ۴۵۱ تن

مقایسه راسل ۲۰۰۰ و اس اس پی ۵۰۰ به ما می‌گوید که آیا سربازان "ژنرال‌ها" را دنبال می‌کنند یا نه "وقتی سهام کوچک در حال نشان دادن قدرت نسبی ضعیف هستند، یا زیاد از سهام بزرگ عقب مانده‌اند، that's اغلب هشدار می‌دهد که عرض بازار ضعیف می‌شود. (مراجعه به شکل ۱۲.۱۸).



شکل ۱۲-۱۸ - مقایسه‌ای از کلاه کوچک راسل وان و کلاه بزرگ داو. معمولاً بهتر است که هر دو خط به هم برسند.

فصل هجدهم

نتیجه گیری

مثال دیگر مقایسه دو میانگین بازار برای نشانه های تایید یا واگرایی شامل نظریه داو می باشد. در فصل ۲ درباره اهمیت رابطه بین the داو و داو صحبت کردیم. یک تیوری شاخص داو زمانی وجود دارد که هر دو میانگین به بالاترین سطح خود برسند. وقتی یکی از دیگری واگرا می شود، یک سیگنال هشدار داده می شود. سپس می توان مشاهده کرد که مطالعه وسعت بازار و مسائل مربوط به تایید و واگرایی می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. قاعده کلی پیروی این است که تعداد میانگین بازار سهام که در جهت یکسان روند دارند، احتمال ادامه این روند بیشتر است. علاوه بر این، دقت کنید که خط پیشروی - افت جدید را چک کنید، خط highs جدید - - و خطوط حجم نزولی برای حصول اطمینان از اینکه آنها نیز در جهت یکسان روند دارند.

19

Pulling It All Together— A Checklist

همانطور که این کتاب نشان داده‌است، تحلیل تکنیکال ترکیبی از بسیاری از رویکردها است. هر رویکرد چیزی را به دانش analyst's از بازار می‌افزاید. تحلیل تکنیکال بسیار شبیه به کنار هم قرار دادن یک پازل بزرگ پازل است. هر ابزار تکنیکال یک قطعه از پازل را در دست دارد. رویکرد من برای تحلیل بازار این است که هر چه بیشتر تکنیک‌ها را با هم ترکیب کنید. هر کدام در شرایط خاص بازار بهتر عمل می‌کنند. کلید اصلی دانستن این است که کدام ابزار می‌تواند در وضعیت فعلی تاکید کند. این موضوع با دانش و تجربه همراه است. همه این رویکردها تا حدی همپوشانی دارند و با هم تداخل دارند. روزی که کاربر این روابط درونی را می‌بیند و می‌تواند تحلیل تکنیکال را به عنوان مجموع اجزای آن ببیند، روزی است که فرد شایسته عنوان تحلیلگر تکنیکال است. چک لیست زیر برای کمک به کاربر، حداقل در مراحل اولیه، ارائه شده‌است. بعدها، چک لیست به ماهیت دوم تبدیل می‌شود. این چک لیست کامل نیست، اما بیشتر عوامل مهم را در ذهن دارد. مارس

آنالیز ket به ندرت شامل انجام این کار بدیهی است. تکنسین به طور مداوم به دنبال سرنخ‌ها در مورد حرکت بازار آتی است. سرنخ نهایی که تاجر را به یک جهت خم می‌کند و یا طرف دیگر اغلب عامل کوچکی است که تا حد زیادی توسط دیگران نادیده گرفته شده‌است. هر چه که تحلیلگر در نظر داشته باشد، شانس پیدا کردن این سرنخ درست بهتر است.

دانش تکنیکال

۱. مسیر کلی بازار چیست؟
۲. مسیر بخش‌های مختلف بازار چیست؟
۳. نمودارهای ماهانه و هفتگی چه هستند؟
۴. آیا روندهای اصلی، متوسط و کوچک، پایین، پایین، و یا از پهلوی هستند؟
۵. سطوح مقاومت و مقاومت مهم کجا هستند؟
۶. کانال‌ها یا کانال‌های مهم کجا هستند؟
۷. آیا حجم و علاقه باز این اقدام قیمت را تایید می‌کنند؟
۸. در کجا؟ ~~~~~؟
۹. آیا هیچ گونه شکاف قیمت و نوع آن‌ها وجود دارد؟
۱۰. آیا الگوهای بازگشتی اصلی قابل مشاهده هستند؟
۱۱. آیا هیچ الگوی تداوم مرئی وجود دارد؟
۱۲. اهداف قیمت از این الگوها کدامند؟
۱۳. the که به طور متوسط نشان می‌دهند کدام طرف است؟
۱۴. the "oscillators" یا oversold ارزش دارند؟
۱۵. هیچ اثری از "oscillators" وجود ندارد؟
۱۶. نظرت در مورد شماره‌ها چیه؟
۱۷. الگوی "Wave" الیوت "چیه؟
۱۸. آیا هیچ الگوی موج واضحی ۳ یا ۵ وجود دارد؟
۱۹. در مورد فیبوناچی و projections چی؟
۲۰. آیا انتهای چرخه و یا bottoms وجود دارد؟
۲۱. آیا این بازار ترجمه صحیح یا چپ را نشان می‌دهد؟

مرتب کردن همه با هم - یک چک لیست ۴۵۵

۲۲. روند کامپیوتر به کدام سمت حرکت می‌کند: بالا، پایین، یا از پهلو؟

۲۳. این نمودارها و candlesticks که نشان می‌دهند چه هستند؟

بعد از این که به نتیجه‌ای صعودی یا نزولی رسیدید، سوالات زیر را از خود بپرسید.

1. این روند در طول چند ماه آتی به کدام سمت خواهد رفت؟

2. آیا من قصد خرید و فروش این بازار را دارم؟

3. چند تا واحد تجارت می‌کنه؟

4. اگه اشتباه نکنم چقدر میتونم ریسک کنم؟

5. هدف سود من چیست؟

6. به بازار وارد خواهم شد؟

7. چه نوع سفارش دارم؟

8. کجا می‌تونم جلوی protective رو بگیرم؟

از طریق چک لیست، نتایج درستی را تضمین می‌کند. تنها هدف این است که به شما کمک کند از سوالات درستی بپرسید. پرسش از پرسش‌های درست، مطمئن‌ترین راه یافتن پاسخ صحیح است. کلید تجارت موفق دانش، انضباط و صبر است. با فرض اینکه شما دانش دارید، بهترین راه برای رسیدن به انضباط و شکیبایی انجام تکالیف خود و داشتن یک برنامه عملی است. گام نهایی این است که طرح اقدام برای کار را در نظر بگیرید. حتی این won't تضمین موفقیت را تضمین می‌کند، اما شانس برد در بازارهای مالی را به شدت افزایش خواهد داد.

چگونه تجزیه و تحلیل تکنیکال و بنیادی را انجام دهیم؟

علی‌رغم این واقعیت که متخصصان و بنیادگرایان اغلب با یکدیگر اختلاف نظر دارند، راه‌هایی وجود دارد که آن‌ها می‌توانند با هم کار کنند.

منافع متقابل. تحلیل بازار می‌تواند از هر جهت نزدیک شود. در حالی که من بر این باورم که عوامل تکنیکال، اصول شناخته‌شده را هدایت می‌کنند، من همچنین بر این باور هستم که هر حرکت بازار مهم باید ناشی از عوامل بنیادی بنیادی باشد. بنابراین، به سادگی باعث می‌شود که یک تکنسین، کمی آگاهی از شرایط بنیادی یک بازار داشته باشد. اگر هیچ چیز دیگری وجود نداشته باشد، تکنولوژی - nician می‌تواند از همتای بنیادی خود بپرسد که چه چیزی باید به طور بنیادی برای توجیه یک حرکت بازار مهم که در چارت قیمت شناسایی شد، انجام دهد. علاوه بر این، مشاهده نحوه واکنش بازار به اخبار بنیادی را میتوان به عنوان یک نشانه تکنیکال برتر به کار برد.

تحلیلگر اصلی می‌تواند از عوامل تکنیکال برای کنترل یک تحلیل و یا به عنوان هشدار که ممکن است چیزی مهم در حال رخ دادن باشد، استفاده کند. بنیادگرایان می‌توانند با یک نمودار قیمت مشورت کنند و یا از یک سیستم با روند کامپیوتر به عنوان یک فیلتر برای جلوگیری از انتخاب موقعیت مقابل یک روند موجود استفاده کنند. برخی اقدام غیر معمول در نمودار قیمت می‌تواند به عنوان یک هشدار برای تحلیلگر ذهنی funda عمل کند و باعث شود که او یا او وضعیت بنیادی را کمی نزدیک‌تر کند. در طول سال‌ها در بخش تحلیل تکنیکال یک شرکت بزرگ کارگزاری، من اغلب به بخش بنیادی خود نزدیک می‌شدم تا درباره حرکت بازار که در نمودار قیمت حتمی به نظر می‌رسید، بحث و گفتگو کنم. اغلب چنین واکنش‌هایی را مانند "هرگز اتفاق نمی‌افتد" یا "نه"، دریافت کردم. در اغلب موارد، همان شخص چند هفته بعد در تلاش بود تا دلایل fundamen برای توضیح حرکت ناگهانی و غیر منتظره "بازار غیر منتظره" پیدا کند. کاملاً مشخص است که اتاق برای هماهنگی بیشتر و کوپر در این حوزه مناسب‌تر است.

تکنسین بازار اجاره‌ای (cmt)

بسیاری از مردم از تحلیل تکنیکال استفاده می‌کنند و نظرات خود را در مورد شرایط تکنیکال بازارهای مختلف ارائه می‌کنند. اما آیا آن‌ها واقعاً صلاحیت این کار را دارند؟ از کجا می‌دونی؟ به هر حال، شما باید به پزشک مراجعه کنید که didn't مدرک پزشکی روی دیوار داشته باشد. و نه ...

تحلیل جهانی تحلیل تکنیکال

در پاییز سال ۱۹۸۵، نشستی در ژاپن با نمایندگان تکنیکال چندین کشور مختلف برای تهیه پیش‌نویس یک قانون بنیادی برای فدراسیون بین‌المللی تحلیلگران تکنیکال (IFTA)، اداره پست، نیویورک، نیویورک (برگزار شد. از آن زمان به بعد سازمان، سازمان‌های تجزیه و تحلیل تکنیکال از بیش از بیست کشور را در بر می‌گیرد. یکی از چیزهای خوب در مورد عضو بودن این است که جلسات سالانه در مکان‌هایی مانند استرالیا، ژاپن، پاریس و رم برگزار می‌شوند چون یک سازمان ملی مختلف میزبان هر سمینار است. I'm افتخار می‌کند که بگوید در سال ۱۹۹۲ من اولین جایزه داده‌شده را در یک کنفرانس IFTA برای "هم‌کاری برجسته در تحلیل تکنیکال جهانی" دریافت کردم.

تجزیه و تحلیل تکنیکال با هر نام

بعد از یک قرن استفاده در این کشور (و ۳۰۰ سال در ژاپن)، تحلیل تکنیکال محبوب‌تر از همیشه است. البته، it's همیشه تحلیل تکنیکال خوانده نمی‌شوند. در کتاب من، سرمایه‌گذار دیداری، من آن را تحلیل دیداری می‌نامم. این تنها تلاشی بود برای بدست آوردن مردم فراتر از عنوان ترسناک تحلیل تکنیکال و گرفتن آن‌ها برای بررسی این رویکرد با ارزش بیشتر. هر چیزی که می‌خواهید آن را صدا کنید، تحلیل تکنیکال تحت بسیاری از نام‌ها انجام می‌شود. بسیاری از سازمان‌های مالی از تحلیلگران استفاده می‌کنند که کار آن‌ها کاهش قیمت بازار برای یافتن سهام یا گروه‌های سهامی است که گران هستند (overbought) یا ارزان (oversold). آن‌ها به تحلیل گران کمی می‌گویند، اما تعداد آن‌ها معمولاً همان‌هایی هستند که تکنسین‌ها در حال خرد شدن هستند. مطبوعات مالی در مورد یک طبقه "جدید" تاجر به نام "جنب و جوش" نوشته شده‌اند. این تاجر پول را از سهام و گروه‌های سهامی که حرکت ضعیفی را نشان می‌دهند و به آن‌هایی که حرکت خوبی نشان می‌دهند، منتقل می‌کنند. آن‌ها از تکنیکی به نام قدرت نسبی استفاده می‌کنند. البته، ما "قدرت نسبی" و "قدرت نسبی" را به عنوان واژه‌های تکنیکال به رسمیت می‌شناسیم.

پس از آن شرکت‌های کارگزاری "ارتقا بنیادی" و "firms) downgrades" وجود دارند. آیا توجه کرده‌اید که اغلب این‌ها

۱. تمام این موارد را به همراه داشته باشید - یک چک لیست

تغییرات بنیادی یک روز پس از شکست یا شکست نمودار "چارت" مهم رخ می‌دهند؟ اقتصاددانان، که قطعاً خود را تحلیلگران تکنیکال می‌دانند، از چارت برای اندازه‌گیری جهت تورم، نرخ بهره و همه انواع شاخص‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. و آن‌ها در مورد "روند" این نمودارها صحبت می‌کنند. حتی ابزارهای بنیادی مانند نسبت قیمت / درآمد یک جنبه تکنیکال برای آن‌ها دارند. هر زمانی که قیمت را وارد معادله می‌کنید، در حیطه تحلیل تکنیکال حرکت می‌کنید. یا زمانی که تحلیلگران امنیتی می‌گویند که بازده سود سهام بازار سهام بسیار پایین است، آیا آن‌ها می‌گویند قیمت‌ها خیلی بالا است؟ آیا این همان چیزی است که می‌گوید یک بازار *overbought* است؟

در نهایت، *academics* وجود دارند که تحلیل تکنیکال را تحت نام جدید مالی رفتاری اختراع کرده‌اند. برای سال‌ها، دانشگاهیان از فرضیه بازار کارا استفاده کردند تا ثابت کنند که تحلیل تکنیکال به سادگی کار می‌کند. کم‌تر از مقامات فدرال رزرو در مورد این ایده‌ها تردید دارند.

بانک مرکزی دریافت کمک مالی

در ماه اوت سال ۲۰۰۷، بانک مرکزی فدرال نیویورک گزارشی از کارکنان تحت عنوان: "سر و شانه‌ها" منتشر کرد؛ نه فقط یک الگوی پوسته‌پوسته. هدف از این گزارش بررسی اعتبار الگوی سر و شانه‌ها در تجارت ارز خارجی بود. ویرایش اول این کتاب به عنوان یکی از منابع اولیه در تحلیل تکنیکی یاد شده‌است. جمله آغازین در مقدمه:

تحلیل تکنیکال، پیش‌بینی جنبش‌های قیمت براساس جنبش‌های قیمت گذشته، به لحاظ آماری به لحاظ آماری سود قابل توجهی علی‌رغم *ability* آن با اکثر مفاهیم اقتصاددانان " *mar* کارا - *kets* " (بانک ذخیره فدرال نیویورک، C.I. *osier*) نشان داده‌است.

P.H. کوین چانگ، گزارش ستاد شماره ۴، اوت ۱۹۹۵

گزارش اخیر که در پاییز ۱۹۹۷ توسط بانک فدرال رزرو سنت لوییس منتشر شد نیز به کاربرد تکنولوژی می‌پردازد.

تحلیل nical و مزایای نسبی فرضیه بازار کارا. (تحلیل تکنیکال بازارهای آتی دوباره به عنوان منبع اولیه اطلاعات در مورد تجزیه و تحلیل تکنیکال به عنوان "بازاندیشی" فرضیه بازارهای کارا عنوان شد.

موفقیت قواعد تجارت تکنیکال نشان داده شده در بخش قبل از vious، نمونه‌ای از تعدادی مطالعات بعدی است که نشان می‌دهد فرضیه بازار کارآمد در راه‌های مهم برای توصیف چگونگی عملکرد بازار ارز خارجی ناموفق عمل می‌کند. در حالی که این نتایج متخصصان بازار را متعجب نکرد، آن‌ها به متقاعد کردن اقتصاددانان برای بررسی ویژگی‌های بازار کمک کردند ... که ممکن است سودآوری تحلیل تکنیکال را توضیح دهند. (Neely)

نتیجه‌گیری

اگر تقلید به sincerest شکل تملق باشد، تکنسین‌های بازار باید خیلی خوشحال باشند. تحلیل تکنیکال تحت بسیاری از نام‌های مختلف انجام می‌شود و اغلب توسط کسانی که ممکن است متوجه نشوند که از آن استفاده می‌کنند. اما در حال تمرین است. تحلیل تکنیکال نیز تکامل یافته است. برای مثال معرفی آنالیز بین بازار، تمرکز را از تحلیل "بازار واحد" به دیدگاه interdependent از بازارهای مالی تغییر داده است. این ایده که همه بازارهای جهانی به هم متصل هستند، بیشتر مورد سوال قرار گرفتند. به همین دلیل است که زبان جهانی تجزیه و تحلیل تکنیکال آن را به خصوص در جهانی که بازارهای مالی، در اینجا و خارج از کشور، بسیار درهم تنیده شده‌اند، مفید می‌سازد. در دنیایی که در آن تکنولوژی کامپیوتر و ارتباطات سریع نیاز به واکنش‌های سریع دارند، توانایی خواندن سیگنال‌های market's بسیار مهم‌تر از همیشه است. و خواندن سیگنال‌های بازاری آن چیزی است که تحلیل تکنیکال در مورد آن است. چارلز داو تحلیل تکنیکال را در آغاز قرن بیستم معرفی کرد. همانطور که قرن بیستم نزدیک می‌شود، آقای داو به آنچه که شروع کرده است افتخار می‌کند.

APPENDICES

ضمیمه A: شاخص‌های تکنیکال پیشرفته *



این ضمیمه چند meth تکنیکی پیشرفته‌تر را معرفی می‌کند که می‌تواند توسط خودشان و یا با دیگر مطالعات تکنیکال مورد استفاده قرار گیرد. همانند هر رویکرد تکنیکال، همیشه توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران قبل از سرمایه‌گذاری، آزمایش‌ها و تحقیقات مستقل خود را انجام دهند.

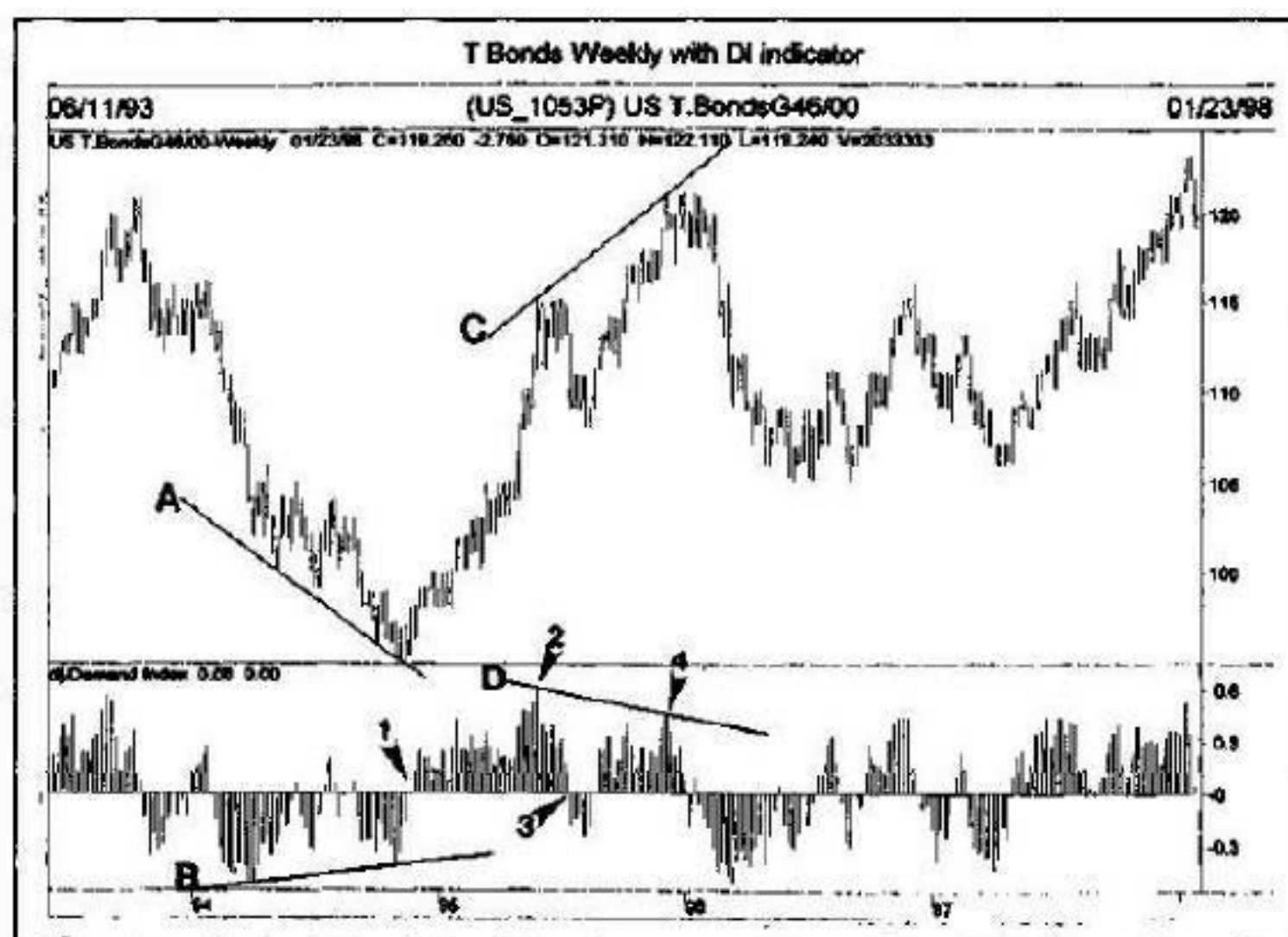
فهرست تقاضا (DI)

اکثر متخصصین بر این باورند که آنالیز حجم یک جز مهم در تعیین جهت market's است. شاخص تقاضا (DI) یکی از شاخص‌های اولیه حجم است که در دهه ۱۹۷۰ توسط جیمز Sibbett توسعه یافت. فرمول کاملاً پیچیده است (انتهای این ضمیمه را ببینید). شاخص تقاضا نسبت به خرید است.

این ضمیمه توسط توماس ای آماده شد. Aspray.

مطمئن شوید که فشار را می‌فروشید. وقتی فشار خرید بیشتر از فشار فروش باشد، DI بالای خط صفر است، که مثبت است. فشار فروش بیشتر به معنای دره اسماعیل خان زیر صفر است که به این معنی است که قیمت‌ها پایین خواهند رفت. اغلب تاجران هم به دنبال divergences بین DI و قیمت‌ها هستند.

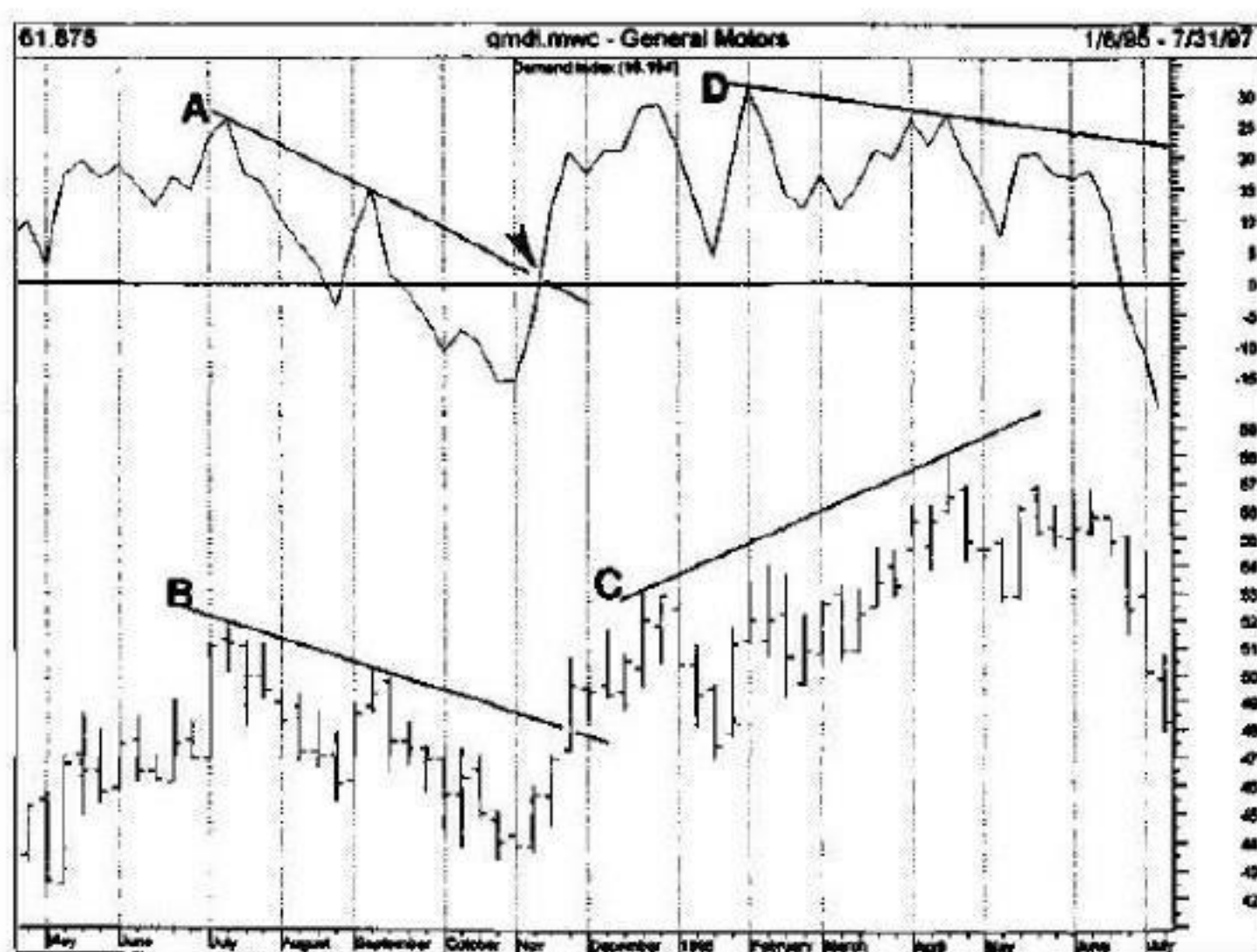
شکل الف. I یک نمودار هفتگی از T futures - باند از اوایل ۱۹۹۴ تا اواخر سال ۱۹۹۷ می‌باشد. از آوریل تا نوامبر ۱۹۹۴، دره اسماعیل خان بیشتر از خط صفر بود زیرا اوراق قرضه از ۱۰۴ تا به ۹۶ منطقه کاهش یافته بود. در حالی که قیمت‌ها پایین (خط A)، دره اسماعیل خان پایین (خط B) را شکل می‌دهد. این یک واگرایی مثبت یا صعودی است، که نشان می‌دهد قیمت اوراق قرضه bottoming است. این واگرایی زمانی تایید شد که دره اسماعیل خان در مرحله ۱ از خط صفر فراتر رفت. دره اسماعیل خان در اواخر ماه مه به بالاترین سطح خود رسید. این کار را برای شش هفته بعد ماکول کرد



شکل ۱A: شاخص تقاضا (DI) که شامل قیمت و حجم است، در اینجا به عنوان نمودار هیستوگرام نشان داده می‌شود. مقادیر بالای صفر مثبت هستند؛ زیر صفر آن‌ها منفی هستند. به واگرایی صعودی در اواخر سال ۱۹۹۴ و واگرایی نزولی در اواخر سال ۱۹۹۵ توجه کنید. (با کسب اجازه از MetaStock Equis اینترنشنال)

تقاطع زیر خط صفر در نقطه ۳. این موضوع پنج هفته طول کشید تا این که دوباره مثبت شد. در گردهمایی بعدی دره اسماعیل خان در اواخر نوامبر در ساعت ۴ به میزان قابل توجهی پایین آمد. در حالی که DI (خط D) پایین بود، قرارداد اتصال تقریباً شش امتیاز بالاتر (خط C) بود. این واگرایی نزولی یا نزولی نسبت به اوج قیمت هشدار داد.

این شاخص همچنین می تواند با سهام مورد استفاده قرار گیرد. نمودار هفتگی جنرال موتورز (شکل ۲A)، دره اسماعیل خان را به عنوان یک خط به جای هیستوگرام نشان می دهد. این به for اجازه می دهد که به راحتی به سمت شاخص کشیده شوند. من شخصاً تحلیل سلسله مراتبی از شاخص هایی را یافته ام که بسیار ارزشمند هستند. خطوط روند شاخص اغلب جلوتر از trendlines قیمت شکست می خورند. این مورد در اواخر سال ۱۹۹۵ به عنوان روند نزولی در DI (خط A) شکسته شد.



شکل ۲A: شاخص تقاضا (خط ممتد) در مقایسه با نمودار هفتگی of GM. شکست trendline در خط DI اغلب قبل از تجزیه خط روند بر روی نمودار قیمت مقدم است. به واگرایی منفی (خشن) در آوریل ۱۹۹۶ توجه کنید. (با کسب اجازه از Equis, MetaStock اینترنشنال)

یک هفته قبل از روند نزولی قیمت متناظر (خط B). همانطور که این نمودار نشان می‌دهد، خرید فقط یک هفته زودتر می‌تواند به طور قابل توجهی قیمت ورودی را بهبود بخشد. دره اسماعیل خان همچنین در اواسط آوریل ۱۹۹۶ به قیمت بالای قیمت هشدار داد. در حالی که GM یک قیمت جدید (خط C) داشت، دره اسماعیل خان highs پایینی (خط D) را شکل داده بود. این سیگنال هشدار قبل از کاهش شدید قیمت در ماه ژوئن و جولای به خوبی پیش رفت.

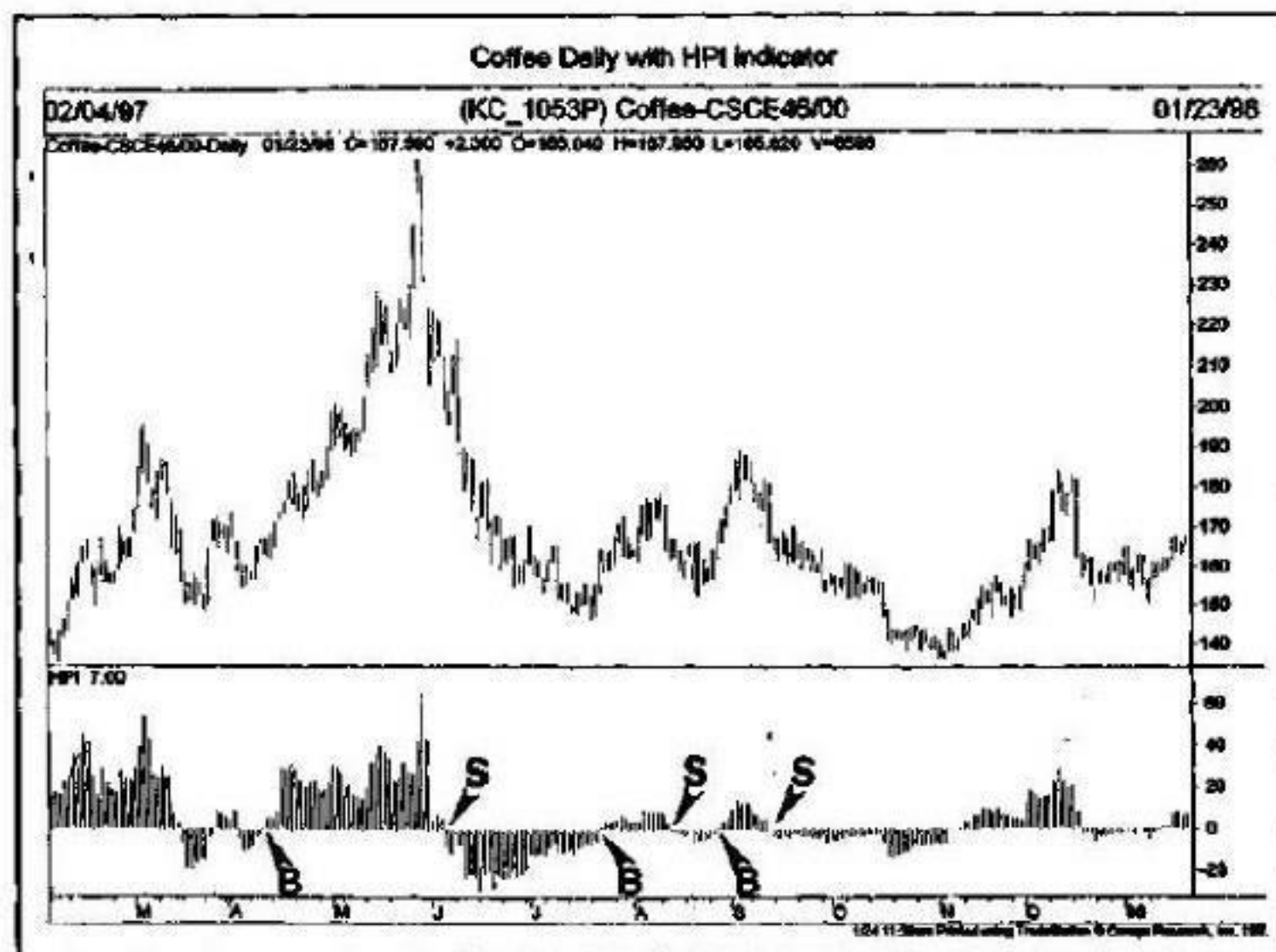
ضمیمه herrick payoff (HPI)

این شاخص توسط مرحوم Herrick به عنوان راهی برای تجزیه و تحلیل آتی کالا از طریق تغییرات در علاقه آشکار ساخته شد. همانطور که در فصل ۷ مورد بحث قرار گرفت، تغییرات در منافع باز می‌تواند به تجار نشان دهد که آیا روند بازار به خوبی پشتیبانی می‌شود یا خیر.

شاخص Payoff (Herrick Payoff) از قیمت، حجم، و فضای باز برای تعیین جریان پول در یک کالای خاص استفاده می‌کند. این کار به محل معامله گران کمک می‌کند تا بین اقدام قیمت و منافع باز جا به جا شود. این اغلب به اندازه خریدن یا فروش خواب‌آلودگی از طریق تجزیه و تحلیل علاقه آشکار توسط شاخص identified Herrick، بسیار مهم است.

The تفسیر basic این است که آیا بالا یا پایین‌تر از خط صفر است. یک ارزش مثبت به این معنی است که the قیمت‌های بالاتر را پیش‌بینی می‌کند و سود باز همراه با قیمت‌ها در حال افزایش است. در مقابل، مطالعات منفی حاکی از آن است که وجوه نقد از محصول مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

در طول ماه‌های مارس و آوریل سال ۱۹۹۷، the با آخرین سیگنال مثبت در اوایل ماه آوریل (B) که تا اوایل ماه ژوئن دوام یافت، چهار گذرگاه خط صفر با آخرین سیگنال مثبت داشت. The در ماه ژوئن کم‌تر از صفر سقوط کرد، و با اینکه قیمت پایین‌تر از حد بالایی بود، قهوه ۷۰ سنت دیگر کاهش یافت. بار دیگر the در اواخر ماه ژوئیه به پایین‌ترین حد خود رسید. در طول دو ماه بعد، دو علامت کوتاه‌مدت و سپس یک سیگنال فروش دیگر وجود داشت. این ویژگی the زمانی است که در داده‌های روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد چرا که در بالا و زیر خط صفر چندین بار قبل از خرید و یا فروش دوام یافت می‌شود.

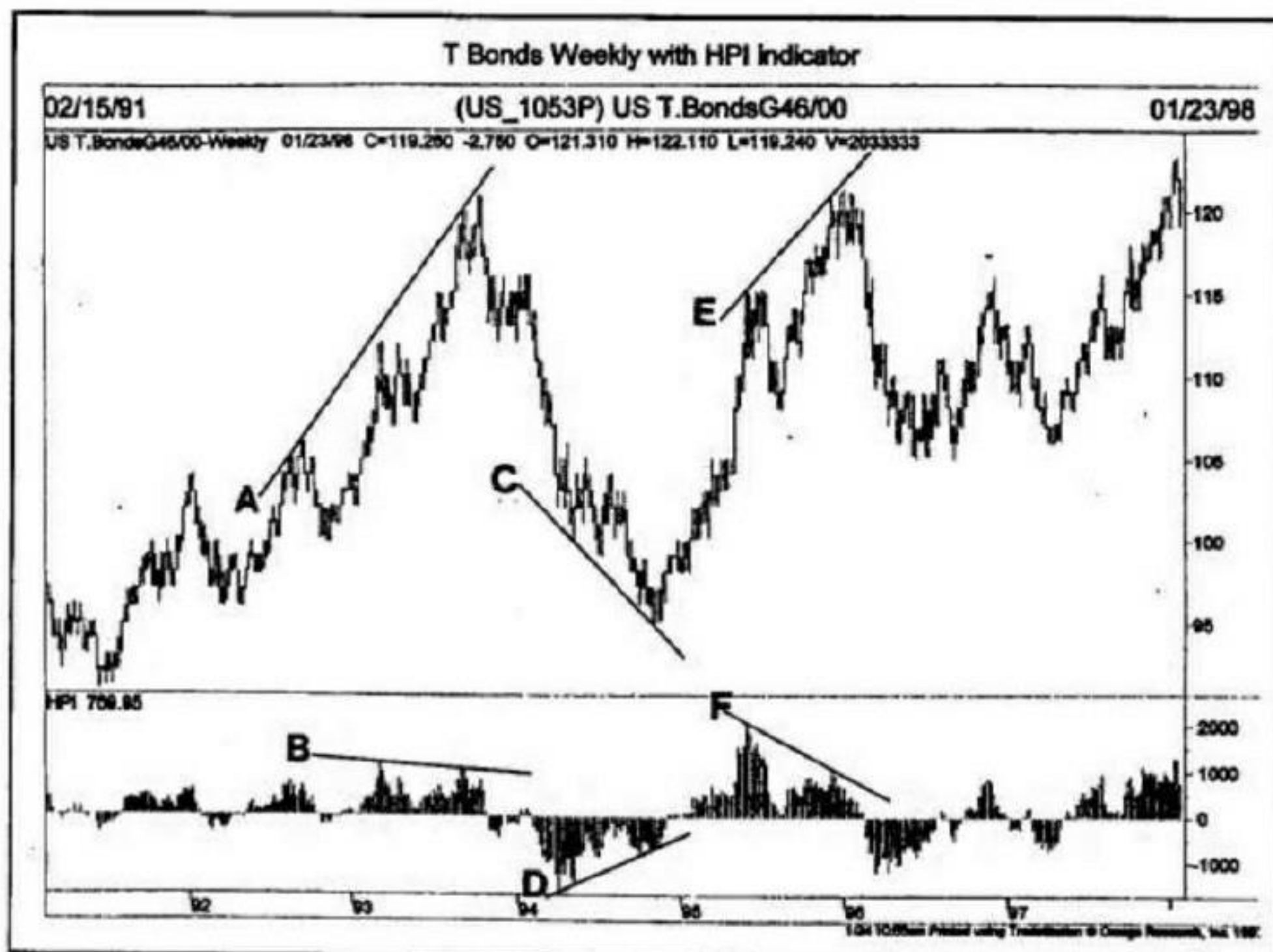


شکل ۱ - ۶ - شاخص بازدهی هریک به عنوان یک هیستوگرام با قیمت قهوه نشان داده شده است. بافت بینابینی کلیه، از قیمت، حجم و بهره باز در محاسبات خود بهره می‌برد و در بازارهای آتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گذر از صفر، خرید (b) است؛ گذرگاه زیر به فروش می‌رسد (S).

The مانند شاخص تقاضا، هنگامی که بر روی داده‌های هفتگی استفاده می‌شود، بسیار موثر است چون سیگنال‌های کاذب کمتری مشهود هستند. همچنین می‌توان از آنالیز Divergence برای هشدار دادن به تاجر تغییر از جریان مثبت به جریان پول منفی استفاده کرد. چندین نمونه خوب در نمودار T T weekly وجود دارد (شکل ۴A) که تقریباً ۶ سال معاملات را پوشش می‌دهد. The تا اواخر سال ۱۹۹۳ تا اواخر سال ۱۹۹۳ مثبت ماند. HPI در اوایل سال ۱۹۹۳ به اوج خود رسید و زمانی که اوراق قرضه تقریباً ۱۰ امتیاز بالاتر بود (خط A)، HPI در حال شکل دادن بالا (خط B) بود. این واگرایی منفی به تاجر اوراق قرضه در مورد کاهش قیمت‌هایی که در سال ۱۹۹۴ اتفاق افتاد، هشدار داد. The در اواخر اکتبر ۱۹۹۳ از خط صفر تجاوز کرد، اما در اوایل سال ۱۹۹۴، قبل از اینکه در زیر خط صفر حرکت کند، کمی مثبت شد. The به پایین‌ترین حد خود رسید

ضمیمه A

t - هفته‌نامه با شاخص بینابینی



شکل ۴A. یک نسخه هفتگی از شاخص Payoff را با اوراق قرضه خزانه‌داری نشان می‌دهد. به the نزولی در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ و واگرایی صعودی در سال ۱۹۹۴ توجه کنید.

در نیمه اول سال ۱۹۹۴ به خوبی از قیمت‌ها برخوردار بود. همانطور که قیمت‌ها پایین were (خط C)، HPI پایین‌ترین شیب را شکل داده و در نتیجه یک واگرایی مثبت (خط D) را نشان می‌دهد. The در دسامبر ۱۹۹۴ به منطقه‌ای مثبت بازگشت و اوراق قرضه به پایین‌ترین حد خود رسید. یک واگرایی منفی در اواخر سال ۱۹۹۵ (خط F) شکل گرفت، پس از اینکه اوراق قرضه در ۲۵ نقطه از اواخر ۱۹۹۴ برقرار شد. خط صفر از چندین بار در سال ۱۹۹۶ و اوایل سال

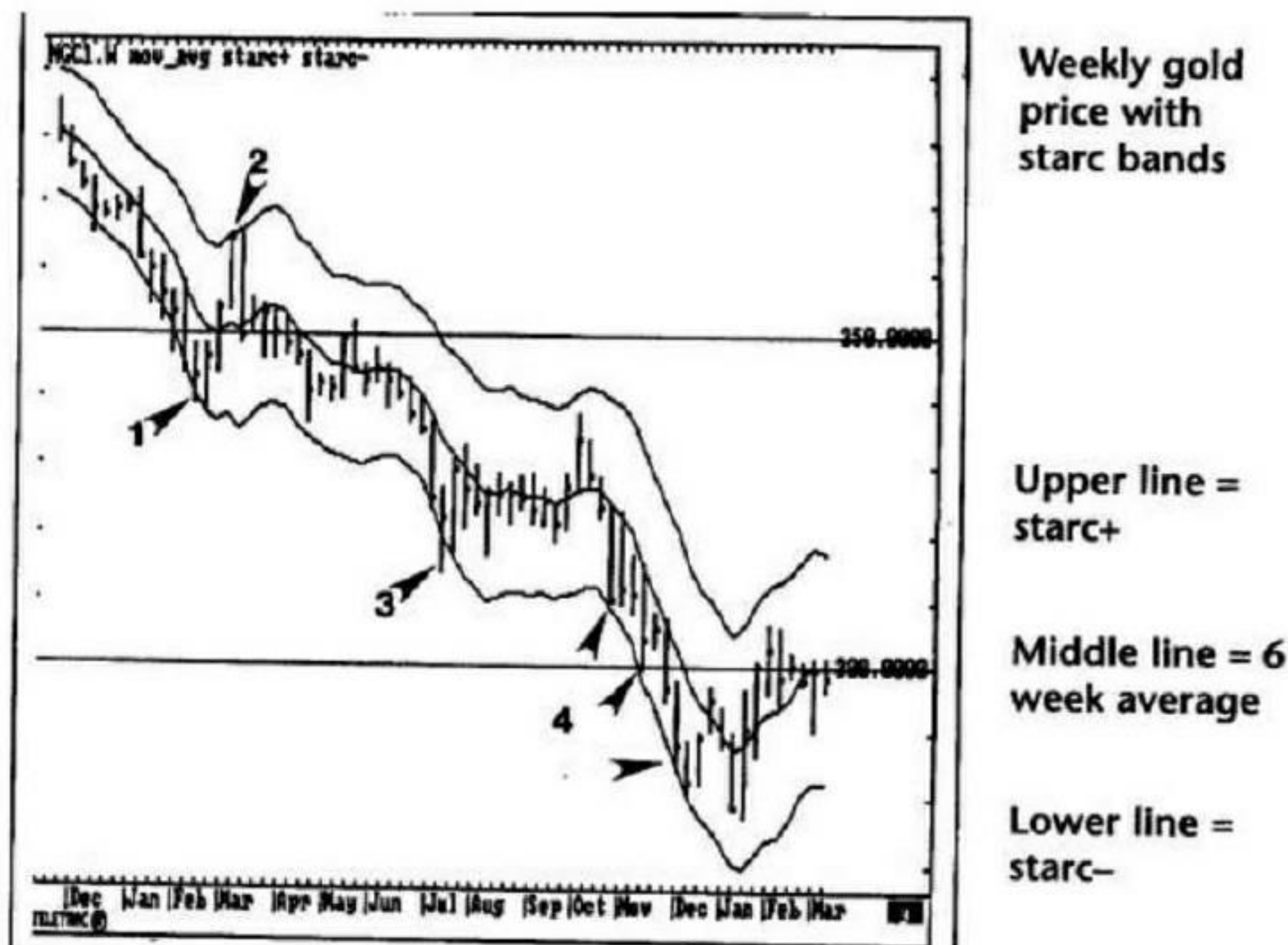
۱۹۹۷ قبل از اینکه the به طور جدی به خاک تبدیل شود، رد شد. این دو مثال باید نشان دهند که چرا the و تجزیه و تحلیل آن از منافع باز می‌تواند در تجزیه و تحلیل یک جهت market's کالا مفید باشد.

keltner و BANDS STARC CHANNELS

همانطور که در فصل ۹ مورد بحث قرار گرفت، تکنیک‌های banding برای سال‌های بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دو نوع که من ترجیح می‌دهم براساس میانگین واقعی است. با وجود این عامل رایج، این دو نوع باند به روش‌های بسیار متفاوتی استفاده می‌شوند. متوسط دامنه حقیقی میانگین قیمت واقعی در طول دوره X است. محدوده واقعی بیش‌ترین فاصله از today's تا yesterday's نزدیک به today's، یا بله - terday's نزدیک به today's است. به ولس Wilder's مفاهیم جدید در سیستم‌های تجاری تکنیکال مراجعه کنید.

مانینگ StoUer، یک متخصص شناخته‌شده در تجارت کالا، طیف متوسط StoUer کانال‌ها یا باندهای خیره را توسعه داد. در فرمول او، متوسط محدوده واقعی به طور متوسط دو برابر شده و از یک میانگین متحرک ۶ دوره کم یا کم می‌شود (MA). نوار بالایی starc + است؛ پایین خیره می‌شود. حرکت خارج از این باندها غیرمعمول است و نشان‌دهنده یک وضعیت فوق‌العاده است. به این روش می‌توانند به عنوان یک فیلتر تجاری به کار روند. زمانی که قیمت‌ها نزدیک یا بالاتر از باند starc + هستند، زمان زیادی برای خرید و زمان کم ریسک برای فروش وجود دارد. بالعکس، اگر قیمت‌ها در پایین یا پایین‌تر از باند خیره باشند، آن یک منطقه فروش ریسک بالا است و یک نقطه مطلوب برای خرید وجود دارد.

نمودار ادامه هفتگی آتی طلا شکل A. ۵) با هر دو باند starc + و stare ترسیم شده‌است. در فوریه ۱۹۹۷، قیمت طلا اندکی از باند خیره شد. با اینکه عمل قیمت ضعیف بود، باندهای خیره نشان دادند که این زمان مناسبی برای فروش نیست. با صبر و انتظار فرصت بهتری برای این کار وجود داشت. فقط سه هفته بعد طلا ۲۲ دلار بالاتر و در باند starc + بود (امتیاز ۲). نقطه ۲ یک ریسک فروش با ریسک پایین بود. در ماه ژوئیه (نکته ۳)، قیمت طلا در پایین باند stare کاهش یافت، اما به جای کاهش بیشتر، قیمت‌ها برای ۱۲ هفته آتی به یک سو رفتند. سپس قیمت طلا از نوامبر تا دسامبر ۱۹۹۷ کاهش یافت و سه بار به باند خیره شد (امتیاز ۴). در تمامی موارد قیمت‌ها به مدت ۱ تا ۲ هفته ثابت و یا جابجا می‌شوند. این باندها در تمامی فریم‌های زمانی حتی به اندازه ۵ تا ۱۰ نمودار میله‌ای کار می‌کنند. باندهای Stare می‌توانند به فروشنده کمک کنند تا از تعقیب بازار اجتناب کند، که تقریباً همیشه منجر به قیمت ورودی ضعیف می‌شود.



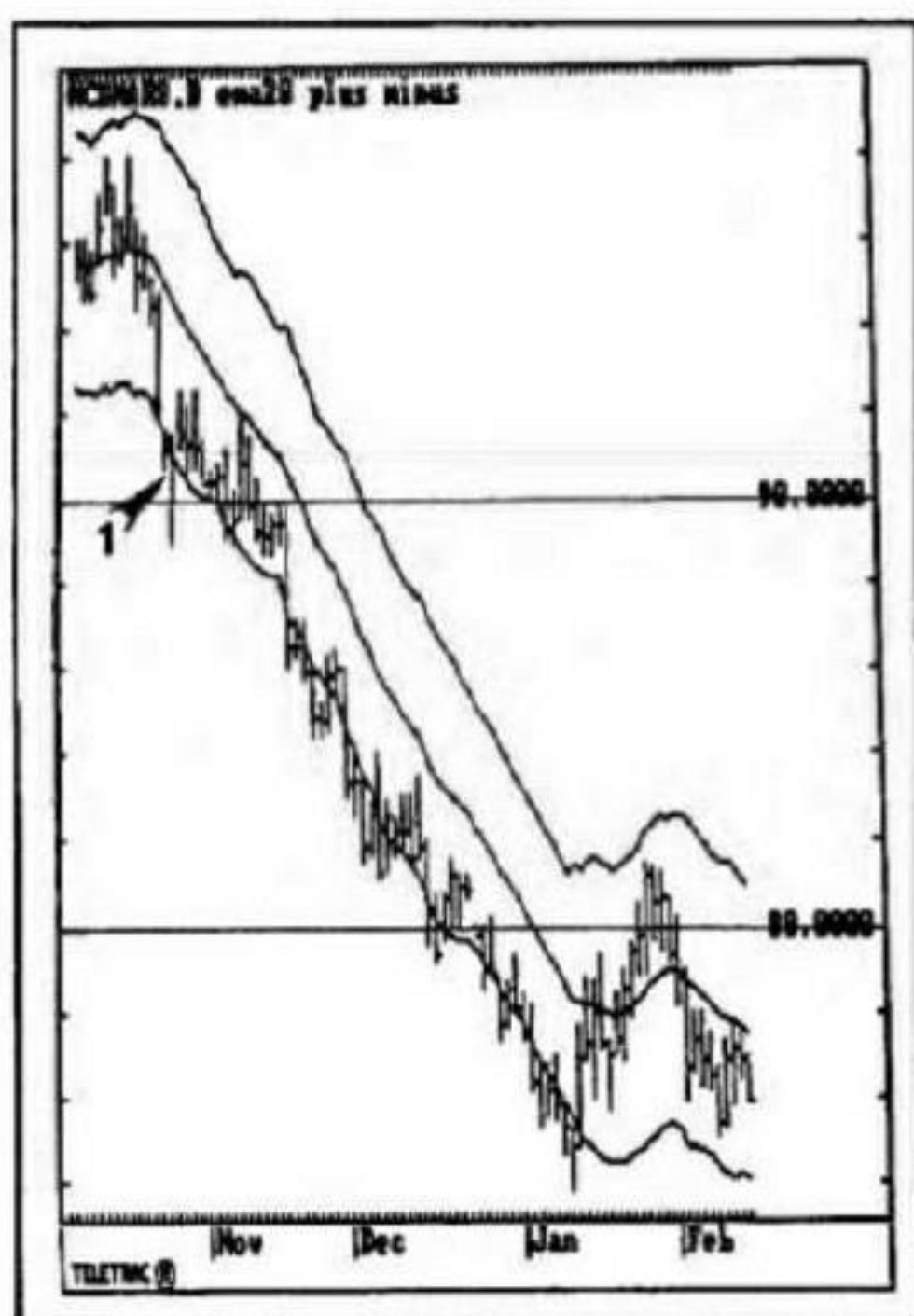
شکل A. Stare bands در حدود یک هفته ۶ هفته در حال حرکت در برابر میانگین قیمت طلا است. نکات ۱ و ۳ قیمت نشان می‌دهند که پس از فرو افتادن در پایین باند پایین، بالا و پایین می‌روند. نقطه ۲ نشان‌دهنده کاهش قیمت‌ها بعد از افزایش بالای باند بالاتر است.

کانال‌های keltner در اصل توسط چستر keltner در کتاب دهه ۱۹۶۰ خود ابداع شدند تا پولی در تامین کالاها ایجاد کنند. "لیندا raschke"، که تاجر بسیار موفق کالا است، آن‌ها را به technicians تبدیل کرده است. در تغییر او، باندها براساس محدوده میانگین واقعی (ATR) هستند، اما ATR در طی ۱۰ دوره محاسبه می‌شود. این مقدار ATR به طور متوسط دو برابر شده و به میانگین متحرک ۲۰ دوره برای گروه اضافه می‌شود و از آن برای باند من‌های کم می‌شود.

استفاده توصیه شده از کانال‌های keltner بسیار دشوار است. هنگامی که قیمت بالاتر از باند به اضافه باند باشد، یک سیگنال مثبت به آن داده می‌شود که نشانه شکست رو به بالا است. بالعکس، زمانی که قیمت پایین‌تر از باند پایین‌تر است، منفی است و نشان می‌دهد که قیمت‌ها پایین خواهند رفت. از بسیاری جهات، این تنها نمایش گرافیکی سیستم شکست کانال چهار هفته‌ای

است که در فصل ۹ مورد بحث قرار گرفت.

شکل ۶-۶ یک نمودار روزانه از آتی مس سال ۱۹۹۸ است. قیمت زیر باند من‌های در اواخر اکتبر ۱۹۹۷ در نقطه ۱ بسته شد. این نشان داد که قیمت‌ها باید یک روند نزولی جدید را آغاز کنند و قیمت مس در دو ماه آتی به ۱۶ سنت کاهش یافته است.



Daily copper prices with Keltner Channels

Upper line = plus channel

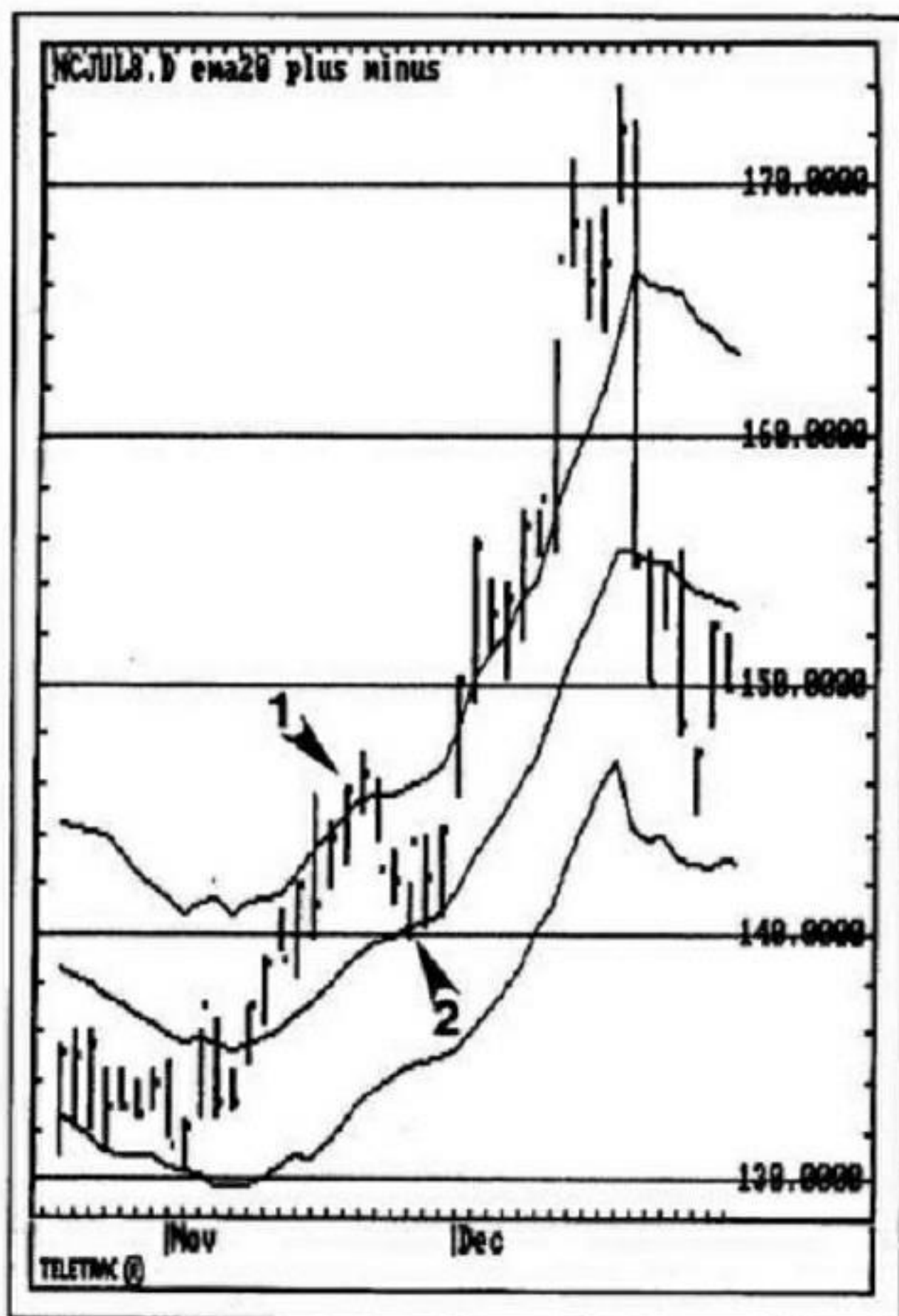
Middle line = 20 day exponential average

Lower line = minus channel

شکل ۶A Channels Channels در حدود یک روز ۲۰ روزه به صورت نمایی با میانگین قیمت مس روزانه، ترسیم شده‌اند. با این شاخص، حرکت زیر کانال پایین (مانند نقطه ۱) به عنوان نشانه ضعف تعبیر می‌شود.

در طول این دوره تعداد بسیار دیگری پایین‌تر از گروه من‌های وجود دارد. تا زمانی که قیمت بالاتر از باند اضافه شود، سیگنال منفی در عمل باقی خواهد ماند. نمودار دوم قیمت‌های قهوه در مارس ۱۹۹۸ است (شکل A). شکل ۷) و یک سیگنال مثبت را در نقطه ۱ نشان می‌دهد. پس از دو بسته متوالی بالاتر از گروه اضافه، قیمت‌ها تا زمان شروع به زمان یا EMA سر باز زدند. در یک بازار در حال ترقی، EMA باید به عنوان پشتیبان عمل کند. چند روز پس از لمس the (امتیاز ۲)، قیمت قهوه در عرض چند هفته ۳۰ درصد افزایش پیدا

کرد.



Daily coffee chart
with Keltner Bands

شکل آ-۷. کانال‌های Keitner با یک نمودار قهوه روزانه. نقطه ۱ قیمت کانال بالایی را نشان می‌دهد که نشانه قدرت است. توجه داشته باشید که بعد از آن سیگنال خرید، قیمت از میانگین حرکت نمایی ۲۰ روزه (خط میانی) در نقطه ۲ نشان داده شد.

هر دوی این روش‌ها یک روش جایگزین برای هر کدام از پاکت‌های درصد یا باند انحراف استاندارد (مانند Bollinger گروه‌ها) ارائه می‌دهند. هیچ یک از این دو به عنوان یک سیستم واحد تجاری به تنهایی معرفی نشده‌اند، بلکه باید به عنوان ابزارهای اضافی برای تجارت در نظر گرفته شوند.

شاخص‌های تکنیکال پیشرفته

درخواست برای ضمیمه درخواست:

شاخص تقاضا (DI) دو مقدار را محاسبه می‌کند، فشار خرید (BP) و فشار فروش (SP) را محاسبه می‌کند و سپس نسبت آن دو را می‌گیرد. SP / DI است. در این فرمول تغییرات کمی وجود دارد. ویرایش یک نسخه: اگر قیمت‌ها بالا بروند:

$$V = BP \text{ یا حجم}$$
$$P / V = SP \text{ که در آن } P \text{ درصد تغییر در قیمت}$$

است اگر قیمت کاهش یابد:

$$P / V = BP \text{ در جایی که } P \text{ درصد تغییر در قیمت } SP \text{ است}$$

حجم یا حجم

از آنجا که P یک دهمی (کمتر از ۱ است، P با ضرب و multiplying آن توسط K متغیر تصحیح می‌شود.

$$(K) P = P$$
$$VA / Q \times 3 = K$$

جایی که C قیمت بسته و VA (میانگین بی‌ثباتی متوسط) ۱۰ روز میانگین یک دامنه قیمت دو روزه (بالا ترین سطح پایین) است.

اگر شرکت بریتیش پترولیوم (BP) پس از آن به فرآیند $BP / SP - DI$ اضافه کرد

If prices rise:

$$BP = V \text{ or Volume}$$
$$SP = V/P \text{ where } P \text{ is the \% change in price}$$

If prices decline:

$$BP = V/P \text{ where } P \text{ is the \% change in price}$$
$$SP = V \text{ or Volume}$$

Because P is a decimal (less than 1), P is modified by multiplying it by the constant K .

$$P = P(K)$$
$$K = (3 \times C)/VA$$

Where C is the closing price and VA (Volatility Average) is the 10 day average of a two day price range (highest high – lowest low).

شاخص تقاضا در منوی کرکره‌ای MetaStock گنجانده شده است.



مقدمه

هدف از این نگارش این است که نشان دهیم پروفایل بازار چیست و اصول بنیادین آن را تعریف می‌کند. قبل از اوایل دهه ۱۹۸۰، تنها ابزار تکنیکال موجود، نمودار میله‌ای و نمودار نقطه‌ای و نمودار بود. از آن زمان به بعد پروفایل‌های بازار برای گسترش زرادخانه ابزارهای تکنیکال معرفی شد. پروفایل بازار اساساً یک رویکرد آماری برای تحلیل داده‌های قیمت است. ۲ برای آن‌هایی که سابقه آماری ندارند، یک مثال آشنا ممکن است مفید باشد. گروهی از دانش آموزان را در نظر بگیرید که امتحان می‌گیرند. به طور معمول بعضی امتیازها بسیار بالا هستند (مثلاً ۹۰ یا بالاتر)، برخی امتیازها بسیار پایین است (می‌گویند)

این ضمیمه توسط دنیس سی تهیه شده بود. هینز. پروفایل بازار نام تجاری ثبت شده هیات تجارت شیکاگو (CBOT) است که از این پس به پروفایل بازار یا پروفایل آن اشاره می‌شود. مفهوم به دست آمد جی. پیتز Steidlmayer، سابق of. برای اطلاعات بیشتر در مورد موضوع، با the تماس بگیرید یا آخرین کتاب آقای Steidlmayer's را بخوانید: ۱۴۱ وست Jackson - ۱۹۹۶.

۲ در اصل برای قیمت کالاهای آتی عرضه شد، فرمت می‌تواند برای هر سری داده‌های قیمت مورد استفاده قرار گیرد که در آن فعالیت معاملات مستمر در دسترس است.

ضمیمه B

۶۰ یا کم‌تر)، اما اکثر امتیازها در اطراف امتیاز میانگین جمع می‌شوند (مثلاً ۷۵). یک هیستوگرام را میتوان برای نشان دادن توزیع فرکانس این امتیازات آزمون در یک "تصویر آماری" (شکل B) به کار برد. آل.

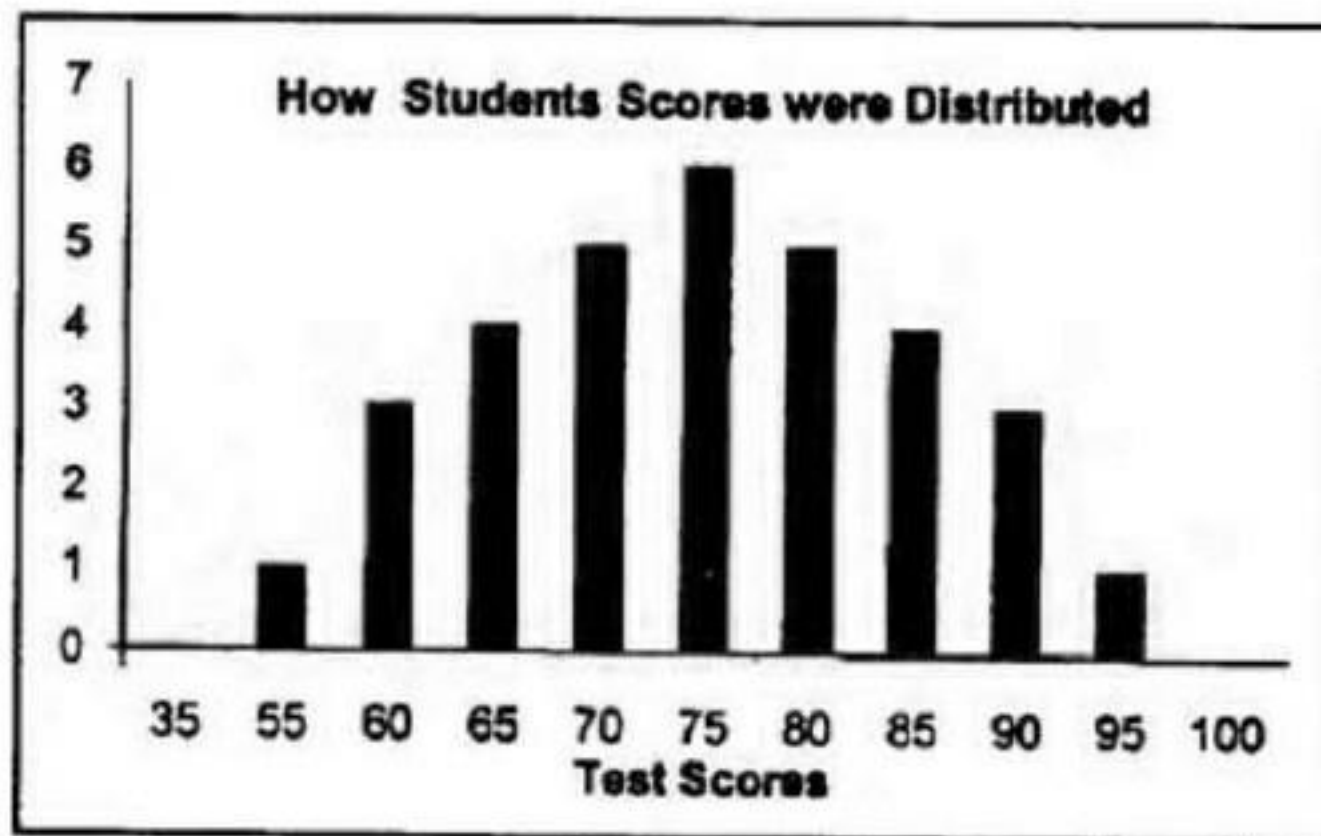


Figure B.1

همانطور که میتوان مشاهده کرد، بیش‌ترین امتیاز، یا امتیاز کیفی، ۷۵ (۶ دانشجو) است در حالی که دامنه امتیازات با پایین‌ترین و بالاترین نمرات تعریف می‌شود (۵۵ و ۹۵). توجه داشته باشید که چگونه امتیازها به طور مساوی در امتیاز کیفی توزیع می‌شوند. برای یک توزیع کاملاً متقارن، امتیاز مودال برابر با میانگین و یا امتیاز میانگین برابر خواهد بود. سپس مشاهده می‌کنیم که توزیع "زنگ - شکل" است، که نشانه آن یک توزیع نرمال است. برای یک توزیع نرمال کامل، فواصل انحراف استاندارد خاص با تعداد دقیق مشاهدات مرتبط هستند. به عنوان مثال، اگر امتیازات آزمون به طور معمول توزیع شده باشد، ۳.۶۸٪ از این امتیازها در عرض یک درجه کاهش می‌یابند. (۱) انحراف استاندارد میانگین. در حالی که بعید است داده‌های واقعی یک توزیع نرمال کامل را شکل دهند، اغلب به اندازه کافی نزدیک است که این روابط می‌تواند به کار گرفته شود.

قیمت‌ها همانند دیگر اندازه‌گیری‌های فیزیکی (به عنوان مثال، نمرات آزمون مدرسه، ارتفاع جمعیت و غیره)، در حدود یک سطح متوسط قیمت را توزیع می‌کنند. پروفایل بازار در بازار چیست؟ آن را به سادگی تصور کنید، توزیع فراوانی از قیمت‌ها که به عنوان نمودار هیستوگرام قیمت نمایش داده می‌شوند (شکل B را ببینید). a ۲ و B ۲ (b).

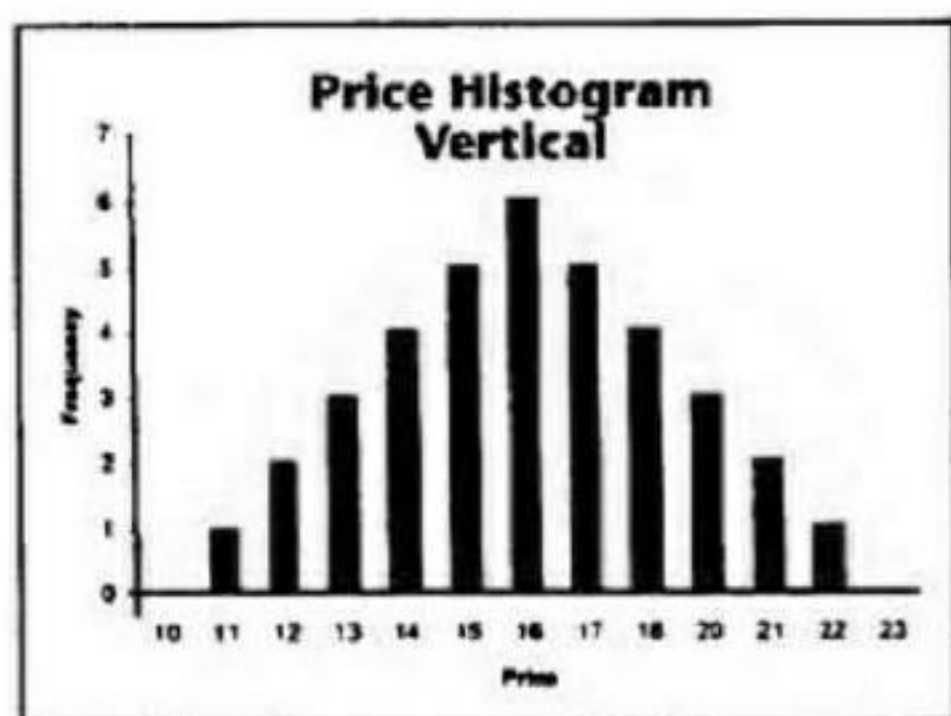


Figure B.2a Traditional.

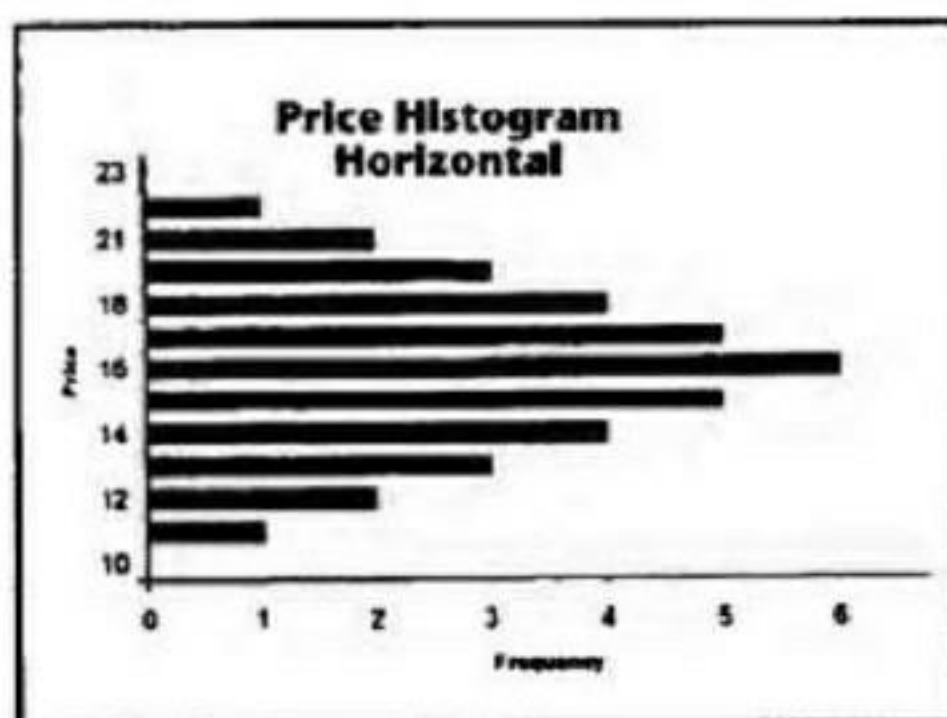


Figure B.2b Flipped on its side.

شکل B. ۲ یک سنت سنتی. شکل B. ۲ b در کنار آن قرار دارد.

تصویر گرافیکی پروفایل بازار نمودار (زنگ - شکل) نرمال است که برای نمایش توزیع قیمت در حال تحول به کار می‌رود. هنگامی که فرض منحنی نرمال مشخص شود، یک قیمت معین و یا متوسط را میتوان شناسایی کرد، پراکندگی قیمت (اشتقاق استاندارد) را میتوان محاسبه کرد و عبارات احتمالی را میتوان در رابطه با توزیع قیمت بدست آورد. به عنوان مثال، عملاً همه مقادیر در سه (۳) انحراف معیار میانگین سقوط می‌کنند در حالی که حدود ۷۰ درصد (۶۸.۳٪ تا دقیق باشد) در یک استاندارد (۱) سقوط می‌کند.

انحراف میانگین (شکل B. ۳ را ببینید). پروفایل بازار تصویری از what's که در اینجا و حالا در بازار اتفاق می‌افتد را فراهم می‌کند. بازار به دنبال ترویج تجارت، یا در تعادل است و یا به سمت آن حرکت می‌کند. روند طبیعی profile's به تقارن، به یک روش ساده، درجه تعادل (تعادل) و یا عدم تعادل (disequilibrium) را تعریف می‌کند که بین خریداران و فروشندگان وجود دارد. همانطور که بازار پویا است، این نمودار پروفایل تعادل را به صورت دوره‌ای از تعادل بازار نمایش می‌دهد - زمانی که قیمت

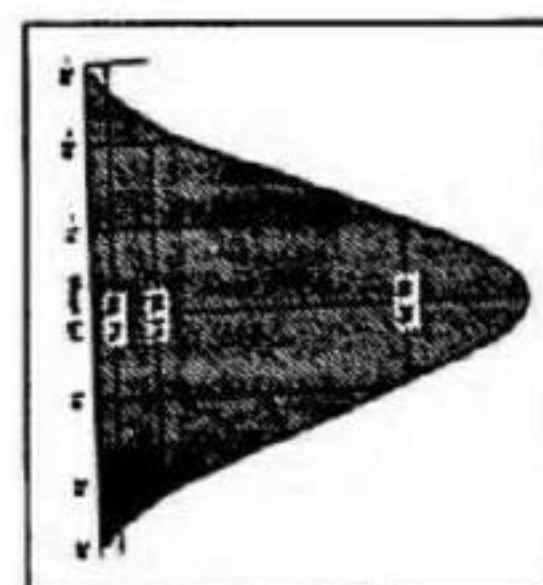


Figure B.3 The profile graphic reveals that market activity is regularly normally distributed.

شکل B. ۳ توزیع پروفایل متقارن هستند و بیانگر گرافیک آن را به عنوان دوره of در بازار نشان می‌دهد. فعالیت بازار به صورت منظم - زمانی که توزیع قیمت مناسب نیست.

به طور معمول توزیع متقارن یا مورب شد.

پروفایل بازار یک سیستم تجاری نیست و نه توصیه‌های تجاری را ارائه می‌دهد. هدف از گرافیک پروفایل این است که به کاربر اجازه دهد تا شاهد افزایش ارزش در حال توسعه بر روی قیمت reoccur در طول زمان باشد. به این ترتیب، پروفایل بازار ابزار حمایتی تصمیم است که به کاربر نیاز دارد تا در فرآیند تجارت قضاوت شخصی داشته باشد.

بازار GRAPHIC PROFILE

فرمت پروفایل بازار، قیمت و زمان را به یک نمایش بصری از آنچه در طول دوره انتقال یک فرد اتفاق می‌افتد، سازماندهی می‌کند. یک چارچوب منطقی برای مشاهده بازار در حال حاضر در حال نمایش توزیع قیمت در طول یک دوره زمانی ارائه می‌کند. دامنه قیمت هم به صورت عمودی و هم افقی در طول جلسه است. گرافیک پروفایل چگونه ساخته می‌شود؟

یک نمودار میله‌ای ۴ دوره را در نظر بگیرید (شکل B را ببینید). ۳a. این نمودار بار tradi را می‌توان به شکل زیر تبدیل کرد:

(۱) برای هر قیمت در محدوده قیمت هر قیمت، نامه‌ای A برای دوره اول، B برای دوم، و غیره تعیین کنید (شکل B را ببینید). ۳b و سپس (۲) هر قیمت را به سمت چپ‌ترین و یا اولین بار سقوط می‌کنند (شکل B را ببینید). ۳c. نمودار پروفایل تکمیل شده نشان‌دهنده قیمت‌ها در زمان چپ و دوره وقوع قیمت در سمت راست است، که توسط حروف A از طریق D نشان داده شده است.

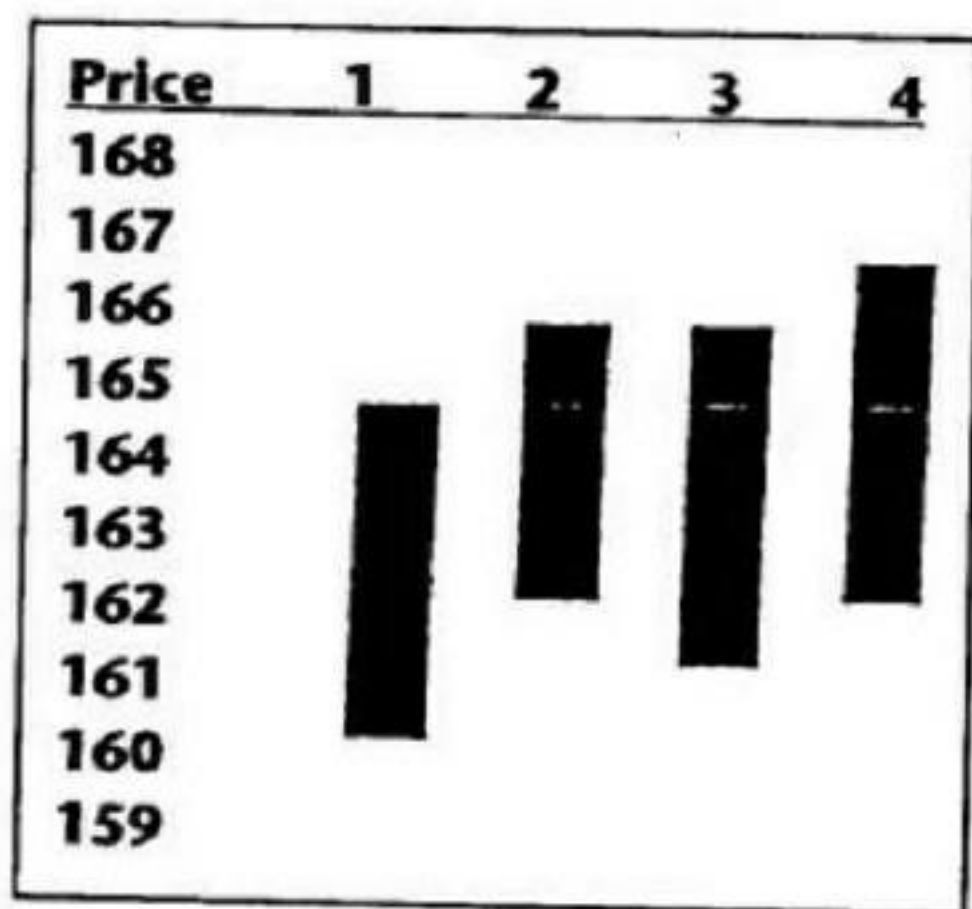


Figure B.3a

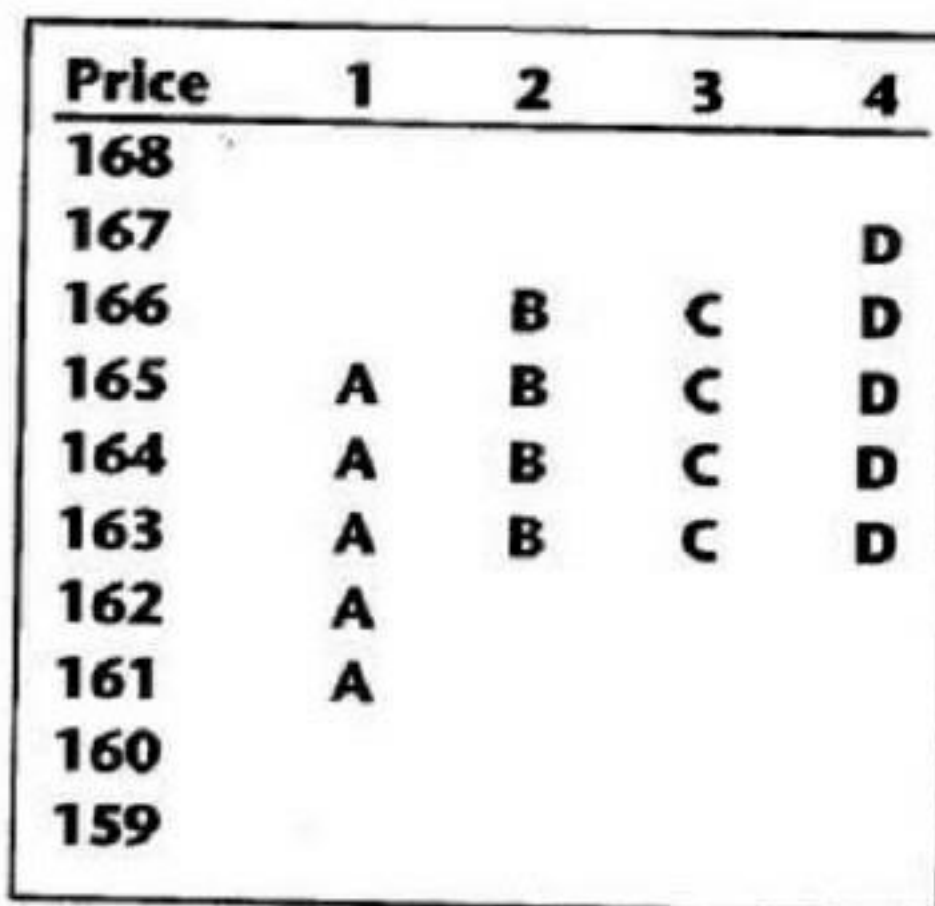


Figure B.3b

Price				
168				
167	D			
166	B	C	D	
165	A	B	C	D
164	A	B	C	D
163	A	B	C	D
162	A	C		
161	A			
160				
159				

Figure B.3c

هر حرف نشان‌دهنده فرصت قیمت‌گذاری زمانی یا TPO برای شناسایی یک قیمت خاص است که در آن بازار در طول دوره زمانی خاص معامله می‌شود (به عنوان مثال، در قیمت دوره ب بین ۱۶۳ و ۱۶۶). این TPOs واحدهای اصلی تجزیه و تحلیل برای فعالیت day's هستند. به عبارت دیگر، هر TPO یک فرصت ایجاد شده توسط the

در یک زمان مشخص و شکل b. ۱ قیمت معینی دارد. توزیع مشخصات بازار عبارتند از:

ساخته شده از TPOs. هیات‌مدیره شیکاگو (CBOT) یک نامه را به هر نیم ساعت به مدت ۲۴ ساعته اختصاص می‌دهد؛ حروف بزرگ A از طریق X نشان‌دهنده نیمه ساعت از نیمه شب تا ظهر هستند در حالی که حروف کوچک از طریق x repre - نیم ساعت را از ظهر تا نیمه شب ارسال می‌کنند. ۳

ساختار بازار

هنگامی که شما در یک روز پر مشغله از یک حفره تجاری کالا بازدید می‌کنید، مشاهده می‌کنید که بهترین چیزی که به عنوان "هرج و مرج کنترل شده" توصیف می‌شود، در زیر جیغ و اشاره محلی و دیگر تاجران، یک فرآیند describable وجود دارد. به بازار به عنوان مکانی فکر کنید که در آن شلوار - با نیازها و محدودیت‌های زمانی متفاوت با یکدیگر رقابت می‌کنند تا کسب‌وکار انجام شود. احساسات می‌توانند با اوج اضطراب بالا بروند.

نام مجموعه تنظیمات بازار توسط آقای Mr. معرفی شد. Steidlmyer در تلاش برای کمک به توصیف این فرآیند. به عنوان یک

تکالیف نوشتاری می‌توانند بین فروشندگان متفاوت باشند. با استفاده از نرم‌افزار suite studio cst، حروف کوچک از a تا z از طریق نوشته شده است.

او که تاجر طبقه CBOT (محلی) و دانشجوی رفتار بازار است، الگوهای مکرر فعالیت بازار را مشاهده کرد که در نهایت بنیان شناخت او از بازار را پیریزی کرد. از آنجا که کف تجاری CBOT تجارت را در یک حراجی انجام می‌دهد - پیرمرد، اصول پروفایل بازار را در شرایط مزایده تعریف کرد. به عنوان مثال، یک تاجر از طبقه پایین یک بازار پیشروی را به عنوان یکی از بازارهای پیشروی یا تجارت توصیف می‌کند، در حالی که آقای Steidlmayer به جای آن چیزی مانند "معامله بازار برای حراج، تبلیغات برای فروشندگان به منظور تعطیل کردن خرید" توصیف می‌کند.

او برای توضیح اینکه چرا یک فرآیند مزایده در راه فروش به شیوه‌ای که انجام می‌دهد عمل می‌کند، برخی واژه‌های جدید ناآشنا را برای تاجر طبقه پایین ابداع کرد. او با تعریف یک هدف market's شروع کرد که برای تسهیل تجارت است. سپس، او برخی فرآیندهای عملیاتی را تعریف کرد، یعنی اینکه بازار در حالت مزایده دوگانه عمل می‌کند چون قیمت‌ها حول یک منطقه قیمت عادلانه یا متوسط می‌چرخد (به عنوان مثال، براحتی - ilar به روشی که نمرات دبیرستان توزیع شده‌اند). در نهایت، او ویژگی‌های رفتاری شرکت کنندگان بازار را تعریف کرد، یعنی اینکه معامله گران با یک چارچوب زمانی کوتاه‌مدت به دنبال قیمت مناسب هستند، در حالی که معامله گران با یک چارچوب زمانی طولانی‌تر به دنبال یک قیمت سودمند هستند.

اصول ORGANIZING بازار

وضعیت حراج: هدف از بازار تسهیل یا ترویج تجارت است. تمام فعالیت‌های بازار در این مزایده رخ می‌دهد. در ابتدا، همانطور که قیمت بالاتر می‌رود، خرید بیشتر وارد می‌شود، همانطور که قیمت پایین‌تر می‌رود، فروش بیشتر وارد می‌شود. بازار بالا می‌رود تا خریدهای خود را قطع کند (مزایده، مزایده تا زمانی که آخرین خریدار خرید کند) و به فروش رفت تا فروش را قطع کند. بازار عملاً از طریق یک فرآیند حراج دوگانه عمل می‌کند. زمانی که قیمت بالا می‌رود و خرید بیشتری صورت می‌گیرد، حرکت رو به بالا برای یک واکنش متضاد، تبلیغ می‌کند تا حرکت جهت‌دار را متوقف کند. عکس آن زمانی درست است که قیمت پایین بیاید.

مذاکره پیوسته: هنگامی که بازار حرکت می‌کند، پارامترهای قیمت را تثبیت می‌کند، Parameters * Rang را منصفانه و غیرمنصفانه و سپس معامله می‌کنند. تا یک حوزه ارزشی عادلانه ایجاد کنند. همه ناحیه غیر منصفانه

تجارت از طریق این فرآیند مذاکره صورت می‌گیرد و در داخل این پارامترها باقی می‌ماند تا زمانی که یک طرف یا طرف دیگر در نهایت بیرون کشیده شود (به عنوان مثال، یک بالا یا جدید جدید شکل می‌گیرد)، (شکل ۴B). را ببینید).

موازنه بازار و Imbalance: بازار هم در تعادل است و یا برای تعادل بین خریداران و فروشندگان کار می‌کند. برای تسهیل تجارت، بازار از حالت تعادل (تعادل) به یک عدم تعادل (quilibrium - dise) و برگشت دوباره به تعادل حرکت می‌کند. این الگوی رفتار بازار در همه زمان‌ها اتفاق می‌افتد

از این رو، از فعالیت جلسات روزانه تا فعالیت یک جلسه به یک فعالیت واحد در یک جلسه واحد و یا واحد جلسات یکپارچه که دوره طولانی‌تر را تشکیل می‌دهند. چارچوب زمانی

رفتار تجاری: مفهوم چارچوب‌های زمانی مختلف شکل ۴B معرفی شده است تا به توضیح الگوهای رفتاری شرکت کنندگان بازار کمک کند. فعالیت بازار به دو بخش تقسیم می‌شود:

بازه زمانی کوتاه، کوتاه‌مدت و بلند مدت. فعالیت کوتاه‌مدت به عنوان فعالیت چارچوب زمانی تعریف می‌شود که در آن بازرگانان مجبور به تجارت می‌شوند (به عنوان مثال، افراد محلی، تجار، و بازرگانان در روز انقضا در این رده قرار دارند). با زمان محدود برای اقدام، تاجر کوتاه‌مدت به دنبال یک قیمت عادلانه است. خریداران و فروشندگان کوتاه‌مدت با یکدیگر در همان زمان و با قیمت یکسان تجارت می‌کنند. فعالیت طولانی‌مدت توسط تمام فعالیت‌های زمانی دیگر تعریف می‌شود (به عنوان مثال، تبلیغات، تاجر نوسان، و همه تاجران موقعیت دیگر در این مقوله قرار می‌گیرند). این تاجر مجبور نیستند امروز و با زمان به عنوان یک متحد به دنبال قیمت advantageous باشند. خریداران بلند مدت به دنبال منافع خود به دنبال قیمت‌های پایین‌تر هستند

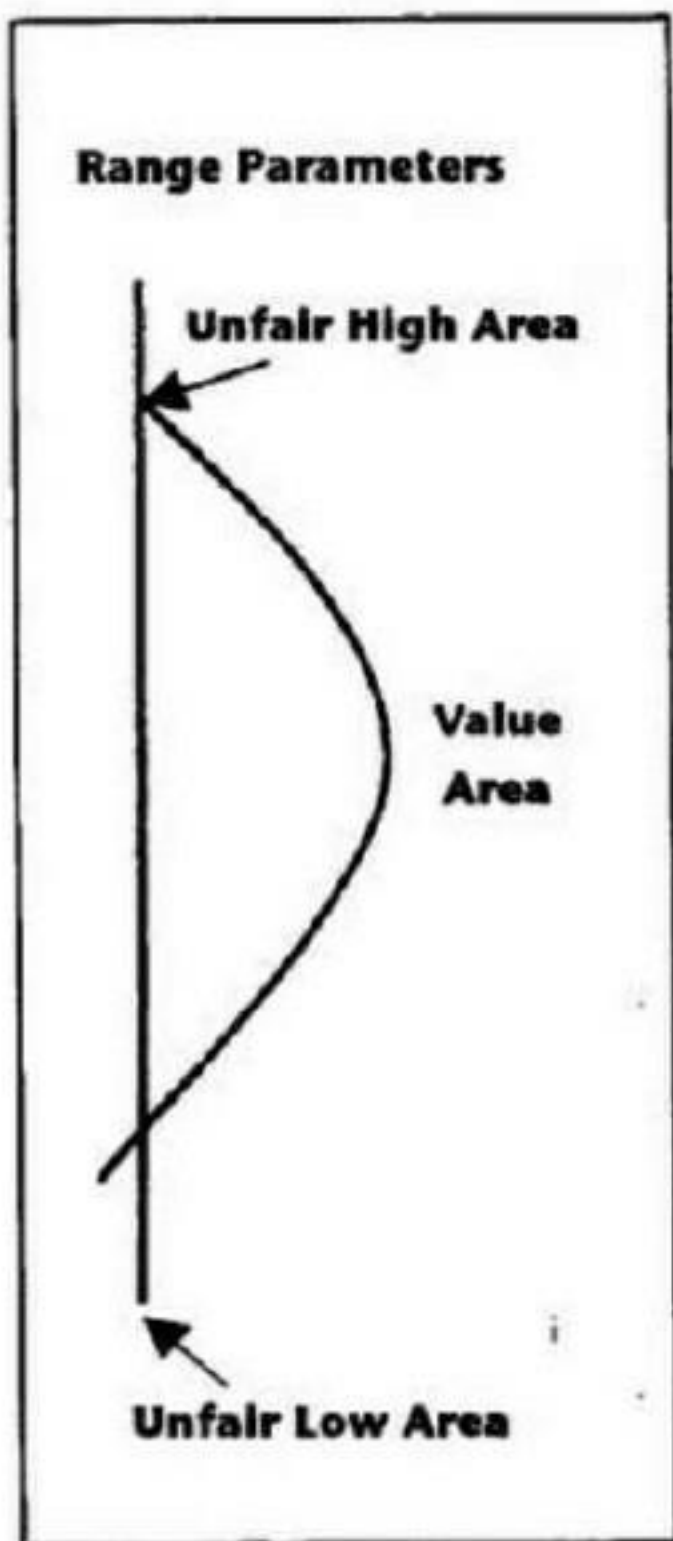


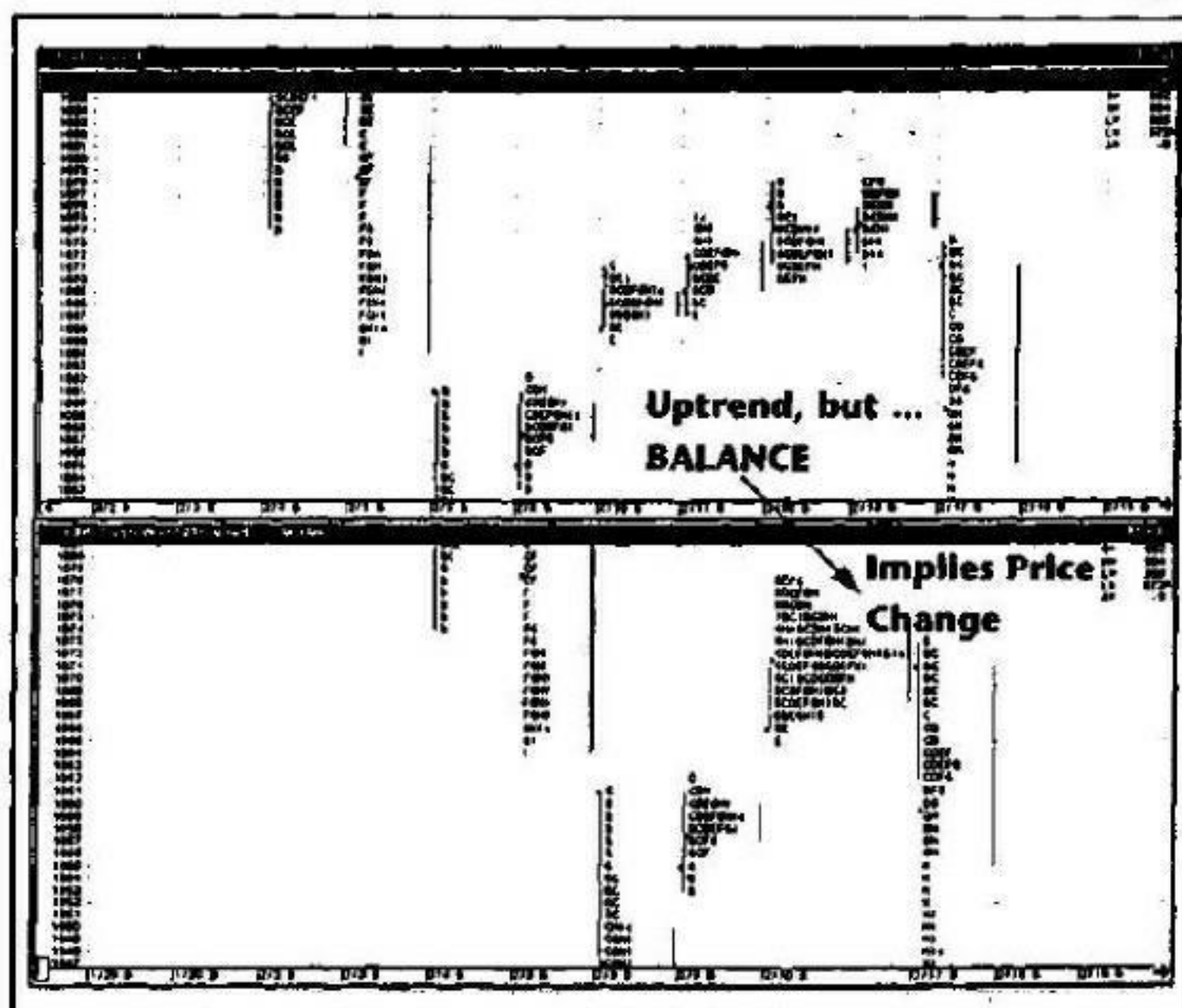
Figure B.4

ضمیمه B

در حالی که فروشندگان بلند مدت به دنبال قیمت‌های بالاتر هستند. همانطور که اهداف قیمت آن‌ها متفاوت است، خریداران دراز مدت و فروشندگان به طور کلی با هم در همان قیمت و در همان زمان معامله نمی‌کنند. این تعامل رفتاری بین این دو چارچوب زمانی مشخص فعالیت است که باعث ایجاد پروفایل برای توسعه آن می‌شود.

عبارت کوتاه: معامله تجاری کوتاه‌مدت و بلند مدت با نقش‌های مختلف بازی می‌کنند: کوتاه‌مدت و بلند مدت معامله کنندگان کلیدی هستند، اما نقش‌های متفاوتی در تسهیل تجارت دارند. یک تعادل اولیه market's (یعنی جایی که تجارت دو جانبه می‌تواند رخ دهد) معمولاً در اولین ساعت تجارت با خریداران کوتاه‌مدت و فروشندگان (روز زمانی) در پی‌گیری قیمت عادلانه ایجاد می‌شود. اغلب فعالیت day's در قیمت منصفانه یا حوزه ارزش رخ می‌دهد. قیمت بالا و پایین این حوزه بازار ارزش منصفانه ای را آرایه می‌دهد و برای تجارت بلند مدت سودمند است. با گذشت زمان در کنار آن‌ها، دیگر تاجران نمی‌توانند قیمت‌ها را از ارزش منصفانه قبول یا رد کنند. با ورود به بازار با حجم کافی بزرگ، خریداران و فروشندگان بلند مدت می‌توانند تعادل اولیه را مختل کنند در نتیجه دامنه قیمت بالاتر یا پایین‌تر است. این تاجر دراز مدت مسئول مسیری است که محدوده day's توسعه می‌یابد و برای مدت‌زمان دراز مدت مزایده، آن را توسعه می‌دهد. به عبارت دیگر، نقش یک تاجر دراز مدت حرکت بازار directionally است.

قیمت و ارزش: تمایز بین قیمت و ارزش یک فرصت تولید شده بازار را تعریف می‌کند. دو نوع قیمت وجود دارد: (۱) آن‌هایی که پذیرفته می‌شوند - به عنوان حوزه‌ای قیمت تعریف می‌شوند که در آن بازار در طول زمان و ۲ - به عنوان حوزه‌ای قیمت تعریف می‌شود که در آن بازار زمان بسیار کمی خرج می‌کند. قیمت رد شده در بازار بیش از حد در نظر گرفته می‌شود - که به عنوان یک معامله ناعادلانه یا غیر منصفانه تعریف شده است. قیمت و ارزش همه به جز برای تاجران کوتاه‌مدت مترادف هستند، چرا که آن‌ها به طور عادی در حوزه ارزشی عادلانه معامله می‌کنند. با این حال، برای تاجر بلند مدت، این مفهوم که قیمت برابر است اغلب نادرست است. قیمت قابل‌مشاهده و عینی است در حالی که ارزش درک شده و ذهنی است و بستگی به نیازهای خاص تاجران دوره طولانی‌تر دارد. به عنوان مثال، قیمت بالای محدوده today's، در حالی که امروزه بیش از حد و یا غیر منصفانه است، برای فروشنده دراز مدت ارزان است که معتقد است قیمت هفته آتی بسیار بالاتر خواهد بود (یعنی قیمت today's کم‌تر از مقدار پیش‌بینی شده بعدی است).



شکل ب-۵- با ترکیب گرافیک نمایه شده روزانه (بالا) به یک نمودار پروفایل
تجمعی بزرگ تر (پایین تر)، تصویری در حال تکامل از تعادل بلندمدت یا عدم
تعادل پدید می آید. توضیحات صفحه را ببینید.

معامله گر بلند مدت بین قیمت و ارزش با پذیرش یا رد قیمت های
جاری از درک ارزش منصفانه، تمایز قایل می شود. به یاد می آورید که قیمت رو
به افزایش برای فروشندگان تبلیغ می کند در حالی که قیمت ها برای خریداران
تبلیغ می کنند. زمانی که فروشنده بلند مدت به قیمت تبلیغ شده پاسخ می دهد،
انتظار می رود این رفتار پاسخگو باشد. از طرف دیگر، اگر فروشنده بلند مدت
خلاف را انجام دهد، پس از بالا رفتن قیمت ها یا فروش پس از کاهش قیمت ها،
این فعالیت غیرمنتظره آغاز می شود. طبقه بندی فعالیت های بلند مدت به عنوان
واکنش یا آغاز نسبت به منطقه ارزش در حال تکامل امروزی، شواهد حکایتی از
اعتماد تجار بلند مدت ارائه می دهد. هر چه اطمینان بیشتری داشته باشد،
احتمال بیشتری وجود دارد.

توسعه RANGE و PROFILE PATTERNS

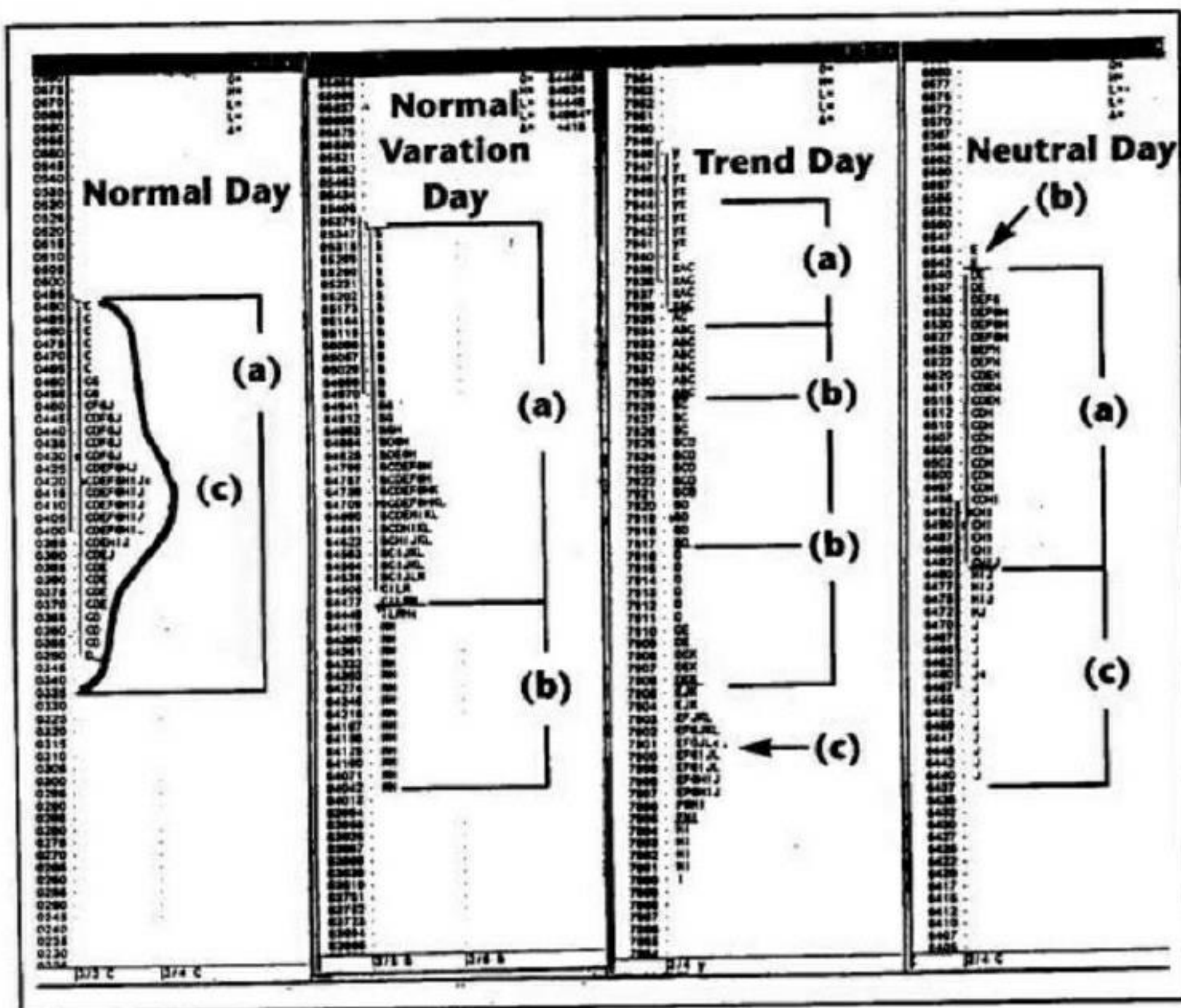
از آنجا که فعالیت بازار اختیاری نیست، تعجب‌آور نیست که در طول زمان الگوهای قیمت قابل تشخیص، خودشان را نشان می‌دهند. یک تاجر ماهر قادر به پیش‌بینی چنین توسعه الگویی در مراحل اولیه خود است که بتواند سرمایه‌گذاری کند. آقای Steidlmayer الگوهای توسعه دامنه روزانه زیر را تعریف می‌کند:

1. یک روز عادی زمانی رخ می‌دهد که یک تاجر بلند مدت نسبتاً غیر فعال است. محدوده day's در محدوده پیشگام (که به عنوان ستون اول قیمت‌ها تعریف شده است) طی نیمه اول نیم ساعت تجارت تعیین شده است. این تاجر کوتاه مدت تعادل اولیه، بالا و پایین ناعادلانه را ایجاد می‌کند، و سپس قیمت‌ها بین این پارامترها برای تعادل روز نوسان می‌کنند (شکل ۶B: بخش # ۱ - عصاره آرنج).

2. یک روز تغییر طبیعی زمانی رخ می‌دهد که یک تاجر بلند مدت فعال تر باشد و دامنه فراتر از تعادل اولیه را گسترش دهد. در این مثال، کوتاه مدت پارامترهای تعادل اولیه برقرار نمی‌شوند و یک حرکت هدایتی وجود دارد که دامنه را بسط داده و یک پارامتر جدید یا جدید را تعیین می‌کند. به عنوان یک قاعده، گستره وسیعی از تعادل اولیه می‌تواند در هر جایی از دو کنه کننده باشد تا تعادل اولیه را دو برابر کند. این نوع پروفایل احتمالاً متداول‌ترین نوع است (شکل ۶B: بخش # ۲ - داو جونز متوسط صنعتی).

3. یک روز روند زمانی رخ می‌دهد که یک تاجر دراز مدت این محدوده را بیشتر گسترش دهد. در این نمونه، این محدوده به طور قابل توجهی بیش از دو برابر تراز اولیه با اصطلاح کنترل کننده طولانی مدت نسبت به مسیر بازار در جستجوی قیمت عادلانه است. در اینجا بازار به یک جهت حرکت می‌کند و یا در نهایت به نهایت هدایتی نزدیک می‌شود (شکل ۶B: ببینید: بخش # ۳ - ژاپن (ین ژاپن)).

4. یک روز خنثی زمانی رخ می‌دهد که the بلند مدت پس از تعادل اولیه در یک جهت، دامنه را بسط داده و دامنه را در جهت مخالف گسترش می‌دهد. روزه‌ای خنثی عدم قطعیت را نشان می‌دهد و زمانی رخ می‌دهد که بازار تحقیق یا تست برای تداوم روند قیمت یا تغییر را انجام می‌دهد (شکل ۶B: ببینید: بخش # ۴ - گاو).



Panel #1
Orange Juice

NORMAL DAY

- (a) Initial Balance established by short term traders in the first two periods: C & D
- (b) Longer term traders are inactive
- (c) Symmetrical or balanced price distribution

Panel #2
Dow Jones
Industrials

NORMAL VARIATION DAY

- (a) Initial Balance established by short term traders in periods: B & C
- (b) Longer term traders extended the range down to almost double the initial balance

Panel #3
Japanese Yen

TREND DAY

- (a) Initial Balance established by short term traders in periods: y & z
- (b) Longer term traders extend range successively further.
- (c) Market closes near the directional low

Panel #4
Cattle

NEUTRAL DAY

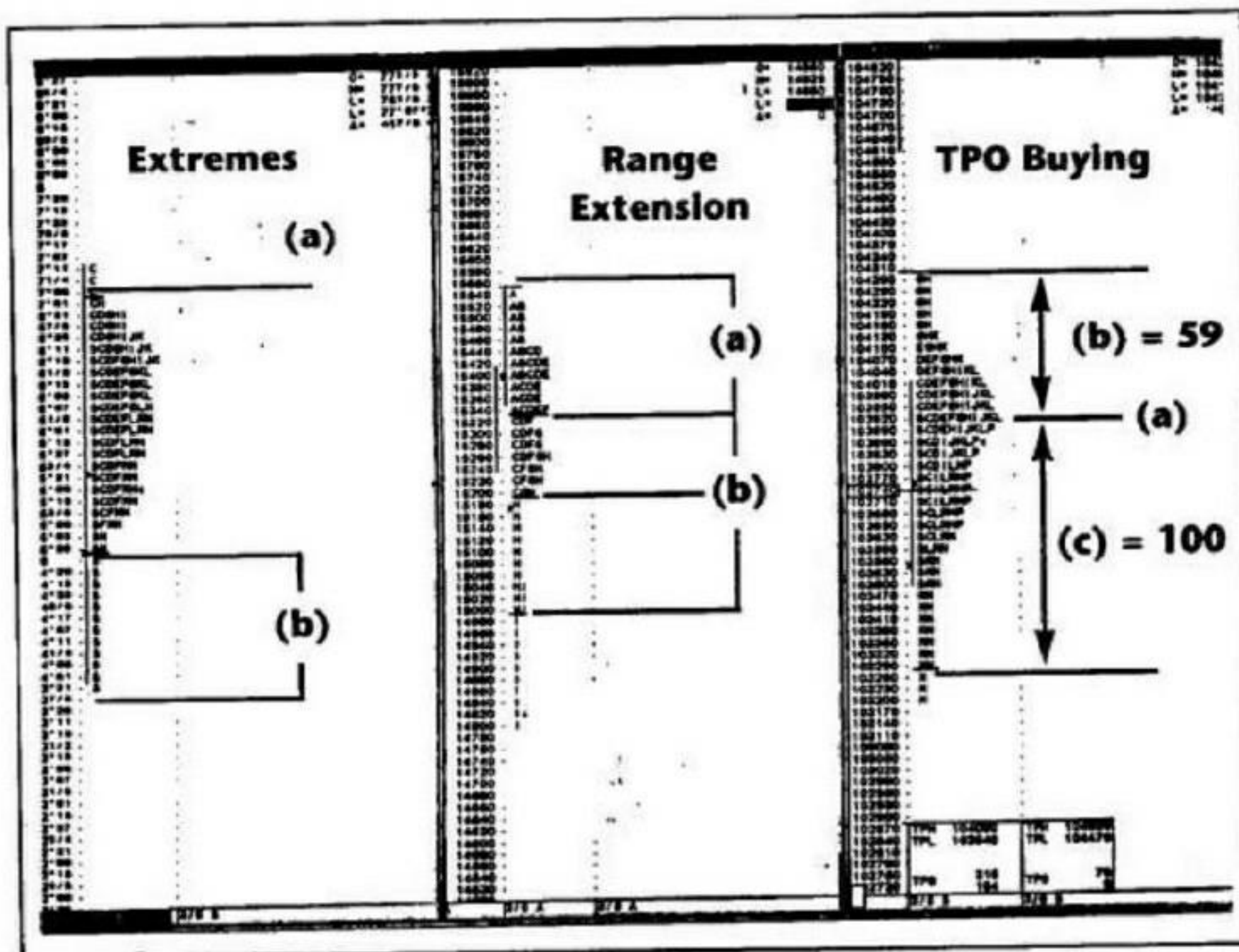
- (a) Initial Balance established by short term traders in periods: C & D
- (b) Longer term traders first extend up in E period, then down in H period
- (c) Longer term traders extend down in H period

فعالیت‌های مربوط به دوره کوتاه‌مدت در بازار

به استثنا فروشندگان گزینه که زمانی که قیمت‌ها ایستا باقی می‌مانند سود می‌برند، استراتژی سود بیشتر تجار نیاز به حرکت بیشتر قیمت دارد. این تاجر زمانی برنده می‌شود که حق را به دست آورد و وقتی اشتباه می‌کند از دست می‌دهد. از آنجا که تاجر دراز مدت مسئول تعیین حرکت جهت‌دار market's است، ما این فعالیت را زیر نظر داریم تا به شناسایی شواهد روند قیمت کمک کنیم. بعد از شناسایی و ارزیابی فعالیت طولانی‌تر تاجر، یک نتیجه‌گیری تحصیل‌کرده در رابطه با جهت قیمت را میتوان به دست آورد. ما فرآیند را با شناسایی تاثیر بلندمدت er's - trad در جلسه today's آغاز می‌کنیم و سپس بررسی می‌کنیم که چگونه این نفوذ در آتی گسترش می‌یابد.

• تاثیر در توسعه محدوده day's: نمودار پروفایل به شناسایی رفتار trader طولانی‌مدت در طول توسعه روزانه کمک می‌کند. با نظارت بر فعالیت طولانی‌تر در محدوده، به خصوص در حد افراط، در امتداد محدوده، و بعد از تکمیل بخش ارزش، ما می‌توانیم فعالیت در حد افراطی روشن‌ترین نشانه نفوذ فروشنده طولانی‌مدت را ارایه می‌دهد، پس از آن گستره وسیعی دارد و سپس به خرید و فروش بستگی دارد.

۱. Extremes زمانی شکل می‌گیرند که فروشندگان بلند مدت با یک تاجر کوتاه‌مدت برای فرصت‌ها در سطح قیمت par - petes رقابت می‌کنند (که بعداً یا جلسه بالا یا پایین می‌شود). حداقل دو تصویر واحد برای ایجاد یک هدف افراطی مورد نیاز است. هر چه مدت بیشتری در این رقابت قیمت داشته باشد، قیمت هر کدام بیشتر است و چاپ تک چاپی بیشتر است. هر چیزی کم‌تر از دو تصویر نشان می‌دهد که یک فروشنده بلند مدت بسیار علاقه‌مند به رقابت با آن قیمت نیست. یک بالا یا پایین زمانی شکل می‌گیرد که تنها یک چاپ منفرد، بالا یا پایین محدوده را تعریف می‌کند. این شرط حاکی از آن است که بازار یک فرصت قیمتی را پیشنهاد می‌کند که هیچ‌کس واقعاً آن را نمی‌خواهد (به عنوان مثال، هیچ مدرکی از رقابت وجود ندارد) شکل VB: بخش # ۱ - شرکت اینتل.



Panel #1
Intel Corporation

Panel #2
Coffee

Panel #3
S&P 500 Index

Extreme: formation requires at least two TPOs

- (a) Selling Extreme from 77 11/32 to 77 5/32
- (b) Buying Extreme from 73 31/32 to 75 reveals spirited competition between short term and longer term traders.

Range Extension: occurs when longer term traders upset the initial balance

- (a) Initial Balance established in periods: A & B.
- (b) Range extension down in periods C, H, and I

Value Area/TPO Buying or Selling: assessment of whether longer term buyers or sellers control the current session in the value area

- (a) Modal or Fairest Price at 1039.20
- (b) TPO selling count equals 59
- (c) TPO buying count equals 100
- (d) Imbalance to the buy side implies that prices need to go higher for market balance.

۲. گسترش دامنه زمانی رخ می‌دهد که فروشنده بلند مدت با حجم کافی وارد بازار می‌شود تا تراز اولیه را نوک بزند و دامنه را بالا یا پایین ببرد. افزایش محدوده نشان‌دهنده خرید بلند مدت است در حالی که تمديد دامنه کم‌تر از فروش بلندمدت است. با این حال، موقعیت‌هایی وجود دارد که هر دو خریدار و فروشنده در یک دامنه بسیار افراطی فعال هستند، اما نه در همان قیمت و زمان (به یاد داشته باشید که خریداران و فروشندگان دیگر به طور کلی با هم معامله نمی‌کنند). به عنوان مثال، اگر یک افراطی بعد از گسترش دامنه شکل می‌گیرد، بازار اول برای تعطیل کردن خرید انجام می‌شود و سپس به سمت پایین حرکت می‌کند تا فروش را قطع کند. این مثالی از هر دو خریدار بلند مدت و فروشندگان در همان منطقه قیمت است، اما در زمان‌های مختلف. هر دو نوع فعالیت در extremes برای ارزیابی تاثیر خرید و فروش مدت طولانی‌تر شناسایی می‌شوند (شکل ۷B: بخش # ۲ - قهوه).

۳. مساحت ارزش هر جلسه تجاری را با چرخش قیمت حول قیمت معین تعیین می‌کند (به عنوان مثال، قیمت با بالاترین شمارش TPO و یا the قیمت). مساحت ارزش با شمارش ۷۰٪ از کل TPOs که the را احاطه کرده‌اند محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، حوزه ارزشی یک برآورد ارزش منصفانه است که با یک انحراف استاندارد حجم تجارت session's تقریب زده می‌شود (مثال دانشجو را به یاد می‌آورد). زمانی که یک تاجر دراز مدت یک تجارت در حوزه ارزش انجام می‌دهد، او در حال خرید پایین یا فروش بالا در رابطه با یک دیدگاه بلند مدت است، نه در رابطه با ارزش today's. این رفتار باعث ایجاد عدم تعادل در حوزه ارزشی today's می‌شود. فعالیت trader بلند مدت با شمارش TPOs اندازه‌گیری می‌شود. روش زیر را می‌توان برای تعیین این که کدام سمت شامل عدم تعادل طولانی‌مدت است، (۱) یک خط از طریق fairest قیمت ترسیم می‌شود، و (۲) TPOs در هر دو طرف قیمت fairest تا زمانی که یک چاپ واحد با آن مواجه شود محاسبه می‌شود. عدم تعادل به یک طرف با تعداد کوچک‌تر of اختصاص داده می‌شود زیرا فعالیت trader طولانی‌تر درصد کمتری از کل تجارت در منطقه را نشان می‌دهد. برای مثال، اگر تعداد TPO ۲۲ بالاتر و ۱۲ بود

در زیر قیمت fairest، که نشانگر فروش TPO خالص با روند ملایم به قیمت‌های پایین‌تر است (شکل VB. را ببینید: بخش # ۳ - S & P ۵۰۰). توجه داشته باشید که TPO خرید و فروش در حوزه ارزشی در روزه‌ای آتی قابل اجرا نیست چون بازار هنوز در جستجوی یک حوزه ارزش منصفانه است.

پس از شناسایی و ارزیابی عملکرد تجاری بلندمدت در نمودار پروفایل today's، کاربر می‌تواند به آسانی مشخص کند که آیا خریداران یا فروشندگان دیگر کنترل جلسه تجاری فعلی را در دست دارند یا خیر.

- تاثیر آن فراتر از امروز: گرافیک پروفایل همچنین به شناسایی رفتار trader طولانی‌مدت فراتر از توسعه محدوده today's کمک می‌کند. هدف اصلی این تاجر مشخص کردن این مساله است که آیا روند قیمت بازار فعلی ادامه خواهد یافت یا احتمالاً تغییر خواهد کرد. تغییر جهت بازار معکوس روند قیمت فعلی است. رویکرد تکنیکال استاندارد برای ارزیابی روند، بدون پروفایل بازار، قرار دادن خط روند مناسب و نظارت بر اقدام بر قیمت بعدی در برابر آن است. اگر خط روند نقض شود، انتظار می‌رود که روند قیمت فعلی ادامه یابد. آنالیز trendline مهم‌ترین ابزار تکنیکال بنیادی است، به ویژه با توجه به کاربرد و کاربرد جهانی آن تا دوره‌های زمانی مختلف (به عنوان مثال، هر ساعت، روزانه، هفتگی، ماهانه و غیره).

از سوی دیگر پروفایل بازار یک روش جایگزین برای تحلیل روند سنتی با ارزیابی فعالیت بازار در دوره‌های زمانی مختلف ارائه می‌دهد. در ساده‌ترین شکل، ارزیابی گرافیک پروفایل در روزه‌ای متوالی می‌تواند به تعریف آغاز یا تداوم روند کوتاه‌مدت قیمت کمک کند. به عنوان مثال، اگر حوزه ارزشی today's از منطقه مقدار yesterday's بالاتر باشد، روند قیمت بازار فعلی بالا می‌رود. علاوه بر این، اگر حوزه ارزشی tomorrow's بالاتر از today's باشد، uptrend بازار فعلی ادامه پیدا کرده‌است. با نظارت بر فعالیت بازار در این مد، تاجر می‌تواند به آسانی تداوم یا تغییر روند را شناسایی کند. به طور مشابه با ترکیب گرافیکی روزانه متوالی به یک نمودار درجه‌بندی جمعی بزرگ‌تر، یک تصویر در حال تکامل از تعادل طولانی‌مدت یا عدم تعادل پدیدار می‌شود. تصویر پروفایل در شکل VB. (قند) در صفحه ۴۸۳ این را نشان می‌دهد.

ضمیمه ج

نکته. مرور کوتاهی از جلسات انفرادی (۲ / ۱۰ - ۲ / ۱۳) در پانل بالاتر نشان‌دهنده یک بازار uptrending بدون هیچ نشانه‌ای از برگشت است. هنگامی که این ۴ (۴) جلسات متوالی با هم ترکیب می‌شوند (پنل پایین)، یک تصویر متعادل تجمعی از جلو جریان می‌یابد. زمانی که متعادل شود، یک بازار به حالت عدم تعادل حرکت می‌کند که اغلب بعد از آزمایش نهایی در قیمت fairest شروع می‌شود.

نتیجه‌گیری

روش پروفیل بازار می‌تواند برای تجزیه و تحلیل هر سری داده‌های قیمت که فعالیت تراکنش مداوم در دسترس است، به کار رود. این امر شامل سهام فهرست‌شده و unlisted، دولت آمریکا و اوراق قرضه (قیمت‌ها یا بازدهی)، آتی کالا و اختیار معامله می‌باشد که در آن قابل اجرا می‌باشد. گرافیک پروفایل حرکت قیمت‌ها را در هر واحد زمان، در دو بعد - عمودی (یعنی، و به طور افقی (یعنی فرکانس وقوع) نشان می‌دهد. هنگامی که اقدام قیمت به این شکل مشاهده می‌شود، یک تصویر از کشف قیمت آشکار می‌شود که در نمودار میله‌ای یک بعدی سنتی موجود نیست.

گرافیک پروفایل مزیت‌های منحصر به فردی را نسبت به نمودار میله‌ای stan نشان می‌دهد:

- مشخصه تقارن این نمودار پروفایل به تاجر اجازه می‌دهد تا وضعیت market's تعادل (یا عدم تعادل) را در هر زمانی ارزیابی کند. هنگامی که یک بازار متقارن است، شرایط تعادل یا تعادل بین خریداران و فروشندگان وجود دارد. عدم تعادل بازار نشان‌دهنده روند قیمت است، چرا که بازار به سمت تعادل جدید کار می‌کند. با این حال، تراز بازار گذرا است و نشان می‌دهد که تغییر بازار یا حرکت جهت‌دار (یا بالا یا پایین) احتمالاً رخ می‌دهد، یک سیگنال برای بازرگانان جهت استفاده از روش‌های پیشرفته پیروی می‌کند.
- هر تغییر روند در یک لحظه در زمان رخ می‌دهد، نه به راحتی در پایان ساعت، روز، هفته یا ماه. از نمودار نیم‌رخ می‌توان برای تشخیص دقیق زمان خاصی استفاده کرد که در آن کنترل دست‌ها بین

ثبت مجموعه تنظیمات بازار

خریداران و فروشندگان، با مسدود کردن چنین تغییرات کنترل، گرافیک
نما به تاجر اجازه می‌دهد تا حمایت و مقاومت کلیدی را شناسایی کند.

به طور خلاصه، نمودار پروفایل مقدار قابل توجهی از اطلاعات قیمت را
در هر واحد زمان فراهم می‌کند، و به تاجر اجازه می‌دهد تا الگوهای tify و
پویایی را که با استفاده از روش‌های دیگر به راحتی آشکار نشود، فراهم کند.

ضمیمه ج: اصول ساختمان سیستم تجاری *

توسعه سیستم بازرگانی بخشی از هنر، بخشی از علم، و بخشی از عقل سلیم است. هدف ما ایجاد سیستمی نیست که با استفاده از داده‌های تاریخی به بالاترین بازده‌ها دست یابد، بلکه برای فرموله کردن یک مفهوم صدا که در گذشته به خوبی انجام شده‌باشد و میتوان انتظار داشت که به عملکرد معقول در آتی ادامه دهد.

در حالت ایده‌آل، ما یک رویکرد را ترجیح می‌دهیم که ۱۰۰٪ mechan - و افزایش شانس عملکرد گذشته را میتوان در آتی تکرار کرد. هدف مکانیکی هدف: اگر ۱۰ نفر از همان قواعد پیروی کنند و به نتایج مشابهی دست یابند، گفته می‌شود که این قواعد عینی هستند. مهم نیست که آیا یک سیستم مکانیکی روی کاغذ نوشته شده یا وارد کامپیوتر شده‌است.

این آپاندیس توسط فرد جی آماده شده‌بو Schutzman.

باینحال، در اینجا فرض می‌کنیم که ما از یک er - comput استفاده می‌کنیم و از عبارات "مکانیکی" و "کامپیوتری" به جای یکدیگر استفاده می‌کنیم. این بدان معنا نیست که یک کامپیوتر برای توسعه سیستم تجاری اجباری است، اگر چه این کامپیوتر به آن کمک می‌کند. رویکرد مکانیکی سه فایده اصلی را برای ما فراهم می‌کند:

- ما قبل از معامله می‌توانیم ایده‌های خود را آزمایش کنیم. یک کامپیوتر به ما اجازه می‌دهد تا ایده‌های مربوط به داده‌های تاریخی را به جای پول نقد بدست آوریم. با کمک به ما نشان می‌دهیم که چگونه یک سیستم در گذشته شکل خواهد گرفت، به ما این امکان را می‌دهد که در زمان حاضر تصمیمات بهتری بگیریم - در حال حاضر.
- ما می‌توانیم more و احساسات کمتری داشته باشیم. اکثر مردم به اعمال تجزیه و تحلیل هدفمند خود به موقعیت‌های تجاری واقعی دچار مشکل هستند. تحلیل (جایی که ما هیچ پولی در ریسک نداریم) آسان است، تجارت (جایی که ما در معرض خطر هستیم) استرس است. بنابراین، چرا اجازه ندهید کامپیوتر ماشه را بکشد؟ آن عاری از احساسات انسانی است و دقیقاً همان کاری را انجام می‌دهد که ما آن را در زمانی که سیستم خود را توسعه دادیم انجام دهیم.
- ما می‌توانیم کارهای بیشتری انجام دهیم، فرصت‌های ما را افزایش دهیم. یک رویکرد مکانیکی زمان کمتری برای درخواست از یک sub فرعی به کار می‌برد، که به ما این امکان را می‌دهد که بازارهای بیشتری را پوشش دهیم، سیستم‌های بیشتری را تجاری کنیم و هر روز فریم‌های زمانی بیشتری را آنالیز کنیم. این به ویژه برای آن‌هایی که از یک کامپیوتر استفاده می‌کنند صادق است چون می‌تواند سریع‌تر و طولانی‌تر از آنچه ما می‌توانیم کار کند، بدون از دست دادن غلظت آن.

* برنامه‌ریزی گام

1. با یک مفهوم آغاز کنید
2. آن را به مجموعه‌ای از قوانین عینی تبدیل کنید
3. از روی نمودارها به صورت Visually بررسی کنید.
4. به طور رسمی آن را با یک کامپیوتر آزمایش کنید
5. نتایج را ارزیابی کنید

اصول ساختمان یک سیستم تجاری ۴۹۵.

مرحله ۱: شروع با مفهوم (ایده)

مفاهیم خود را در مورد چگونگی کار بازارها تهیه کنید. شما می‌توانید با نگاه کردن به تعداد زیادی از نمودارها شروع کنید، و سعی کنید میانگین MOV ، پیکربندی نوسانگر، الگوهای قیمت و یا دیگر قطعات شواهد عینی را که پیش از حرکت بازار اصلی است، شناسایی کنید. همچنین تلاش برای شناسایی سرنخ‌ها که هشدار پیشرفته در مورد حرکات ممکن را ارایه می‌دهند که احتمالاً شکست می‌خورند. من نمودار را پس از نمودار در امید یافتن این پاسخ‌ها بررسی کردم. این رویکرد "دیداری" برای من کار کرده‌است، و من به شدت آن را توصیه می‌کنم.

علاوه بر مطالعه نمودار قیمت و مطالعه کتاب‌های مانند این یکی، پیشنهاد می‌کنم که درباره سیستم‌های تجاری مطالعه کرده و آنچه را که دیگران انجام داده‌اند مطالعه کنید. اگر چه کسی قصد ندارد "جام مقدس" را به شما فاش کند، اطلاعات بسیار زیادی در این مورد وجود دارد. از همه مهم‌تر، به خودتان فکر کنید. من متوجه شده‌ام که اغلب ایده‌های سودآور به ندرت اصیل هستند، اما اغلب متعلق به خودمان هستند.

اکثر سیستم‌های تجاری موفق به دنبال آن هستند. با این حال، سیستم‌های روند مقابله نباید نادیده گرفته شوند، زیرا آن‌ها یک درجه همبستگی منفی را به میز وارد می‌کنند. این به این معنی است که وقتی یک سیستم درآمد داشته باشد، دیگری در حال از دست دادن پول است، که منجر به منحنی $equity$ هموارتر برای دو سیستم با هم می‌شود، نه تنها برای یک واحد.

اصول طراحی مفهوم خوب

مفاهیم خوب معمولاً عقل خوبی دارند. اگر یک مفهوم به نظر می‌رسد که کار می‌کند، اما کمی عقل به دست می‌آورد، ممکن است در محدوده تصادف سر و کار داشته باشید، و شانس این مفهوم که به کار در آتی ادامه می‌دهد به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. مفاهیم شما باید با شخصیت شما متناسب باشند تا به شما انضباطی برای پیروی از آن‌ها حتی زمانی که در حال از دست دادن پول هستند (یعنی در طول دوره‌های کاهش). مفاهیم شما باید صریح و هدفمند باشند، و اگر تمایل به دنبال، باید با روند اصلی مبادله شود، اجازه دهید سودها اجرا شوند و زیان را کوتاه کنند. مهم‌تر از همه اینکه، مفاهیم شما باید در دراز مدت پول کسب کنند (به عنوان مثال آن‌ها باید انتظار مثبت داشته باشند).

ضمیمه ج ضمیمه ج

طراحی ورودی‌های دشوار است، اما طراحی خروجی سخت‌تر و مهم‌تر است. منطق ورودی نسبتاً ساده است، اما خارج از خروجی باید احتمالات مختلفی را در نظر بگیرید، مانند این که چگونه می‌توان خسارت‌های وارد شده را کاهش داد و یا با سود جمع کرد. من سیستم‌هایی را ترجیح می‌دهم که به طور خودکار معکوس نمی‌شوند - من دوست دارم اول از یک تجارت خارج شوم، قبل از اینکه تجارت دیگری در جهت مخالف انجام دهم. به سختی کار کنید تا خروجی خود را بهبود بخشید، و بازگشت شما نسبت به ریسک شما بهبود خواهد یافت.

یک پیشنهاد دیگر - سعی کنید تا جای ممکن کوچک بهینه‌سازی کنید. بهینه‌سازی با استفاده از داده‌های تاریخی اغلب منجر به بازده‌های صعودی - alistic می‌شود که نمی‌تواند در تجارت واقعی تکرار شود. سعی کنید از چند پارامتر استفاده کنید و یک تکنیک مشابه را در تعدادی از بازارهای مختلف اعمال کنید. این کار شانس شما را در طول عمر طولانی با کاهش مشکلات بهینه‌سازی بهبود خواهد بخشید.

سه دسته اصلی از سیستم‌های تجاری عبارتند از:

- روند زیر: این سیستم‌ها به سمت روند اصلی، خرید بعد از پایین و فروش بعد از بالا، تجارت می‌کنند. میانگین متحرک و قاعده هفتگی در میان مدیران پول رایج هستند.

- روند مقابله

- پشتیبانی / مقاومت کاهش حمایت؛ فروش یک تجمع در برابر مقاومت.

- retracements. در اینجا ما pullbacks را در بازار گاو می‌خریم و rallies را در بازار خرس می‌فروشیم. برای مثال، یک پیش‌پرداخت ۵۰٪ از آخرین پیشرفت را بخرید، اما تنها در صورتی که روند عمده باقی بماند. خطر این سیستم‌ها این است که شما هرگز نمی‌دانید تا چه حد یک retracement انجام خواهد شد و اجرای یک تکنیک خروجی قابل قبول دشوار می‌شود.

- Oscillators. این ایده خرید زمانی است که نوسان‌ساز oversold نامیده می‌شود و زمانی که آن overbought است، فروش آن را به فروش می‌رساند. اگر واگرایی بین سری قیمت و نوسان‌ساز نیز وجود داشته باشد، سیگنال بسیار قوی‌تر داده می‌شود. با این حال، معمولاً بهتر است که قبل از خرید یا فروش، نشانه‌ای از برگشت قیمت داشته باشید.

- تشخیص الگو (دیداری و آماری). مثال‌ها شامل سر بالا و تشکیل شانه‌ها (تصویر)، و الگوهای قیمت فصلی (آماري) می‌شوند.

مرحله ۲: این ایده را تبدیل به یک مجموعه قوانین OBJECTIVE کنید.

این سخت‌ترین گام در برنامه پنج مرحله‌ای ما است، بسیار بیشتر از آنچه ما در ابتدا انتظار داریم! برای تکمیل این مرحله با موفقیت، ما باید ایده خود را در چنین شرایطی بیان کنیم که ۱۰۰ نفر پیرو قوانین ما دقیقاً به همان نتیجه می‌رسند.

معین کنید که سیستم ما چگونه انجام خواهد شد و چگونه آن را انجام می‌دهد. با این مرحله است که ما جزئیات مورد نیاز برای انجام کار برنامه‌ریزی را تولید می‌کنیم. ما باید مشکل کلی را انتخاب کرده و آن را به جزئیات بیشتر و بیشتر تقسیم کنیم تا زمانی که تمام جزئیات را نهایی کنیم.

مرحله ۱: بررسی بصری روی نمودار

با پیروی از قوانین صریح که ما در مرحله ۲ مشخص کردیم، اجازه دهید سیگنال‌های تجاری را که بر روی یک نمودار قیمت تولید شده‌اند، بررسی کنیم. این یک فرآیند غیر رسمی است که به دو نتیجه می‌رسد: اول، ما می‌خواهیم ببینیم آیا ایده ما به درستی بیان شده است یا خیر؛ و دوم، قبل از نوشتن کد کامپیوتری پیچیده، ما شواهدی را می‌خواهیم که ایده یک ایده بالقوه سودآور است.

مرحله ۴: آزمایش formally با یک کامپیوتر

حالا زمان آن رسیده است که منطق خود را به کد کامپیوتری تبدیل کنیم. برای کار خودم، من از برنامه‌ای به نام TradeStation®، شرکت Research Omega، در میامی، FL استفاده می‌کنم. TradeStation یکی از compre ترین ها است - -

یک بسته نرم‌افزاری تحلیل تکنیکال موجود برای فرموله کردن و آزمایش سیستم‌های تجاری. این کار همه چیز را از تجسم ایده تان به ارمغان می‌آورد تا بتوانید در زمان واقعی به سیستم خود کمک کنید.

نوشتن کد در هر زبان رایانه کار آسانی نیست و TradeStation's EasyLanguage™ نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این حال، کار با EasyLanguage به دلیل وجود ویرایشگر دوست‌دار کاربر پسند و گنجاندن بسیاری از کدهای تعبیه‌شده در توابع و تعداد زیادی کد نمونه، به شدت ساده شده‌است. شکل C را ببینید. آل.

هنگامی که برنامه ما نوشته شد، سپس وارد مرحله آزمایش می‌شویم. برای شروع، باید یک یا چند مجموعه داده را برای آزمایش انتخاب کنیم. برای تجار ذخیره، این کار آسانی است. با این حال، معامله‌کنندگان آتی با قراردادهایی که پس از مدت‌زمان نسبتاً کوتاهی منقضی می‌شوند مواجه هستند. من دوست دارم آزمایش اولیه خود را با استفاده از یک سری قیمت مرتب (فراگیر) که توسط جک Schwager رایج شده‌است انجام دهم. (Schwager در آتی: تحلیل تکنیکال، ویلی، ۱۹۹۶) اگر آن نتایج امیدوار کننده به نظر برسند، من به سمت قراردادهای واقعی حرکت می‌کنم.

سپس، ما باید تصمیم بگیریم که زمانی که سیستم ما را می‌سازند چقدر از داده‌ها استفاده کنیم. من از کل مجموعه داده‌ها استفاده می‌کنم، بدون اینکه هیچ وسیله‌ای برای تست خارج از نمونه (ساختن سیستم شما بر روی بخشی از داده‌ها و سپس آزمایش آن بر روی داده‌های "ناپیدا") استفاده کنم. بسیاری از متخصصان با این روش موافق نیستند، اما من معتقدم که این بهترین روش من است که متکی بر مفاهیم قوی، عملاً هیچ بهینه‌سازی، و روش تست ای است که گستره وسیعی از مجموعه پارامترها و بازارها را پوشش می‌دهد. من با یک روش شروع می‌کنم که به آن اعتقاد دارم و بعد آن را امتحان می‌کنم تا بتوانم نظریه خود را ثابت یا رد کنم. من متوجه شده‌ام که اکثر افراد برعکس، یک سری داده را تست می‌کنند تا به یک سیستم تجاری برسند.

در هنگام آزمایش سیستم‌ها، هزینه‌های معامله (slippage و com) را در نظر ندارم، بلکه در عوض آن‌ها را در پایان فاکتور قرار می‌دهم. من معتقدم که این فرآیند ارزیابی را خالص نگه می‌دارد و اجازه می‌دهد که نتایج من در آتی مفید باقی بمانند.

من به سیستم‌های خودم نیاز دارم که با آن‌ها کار کنم:

• انواع مختلف پارامترها. اگر با استفاده از یک سیستم تقاطع میانگین ۵ / ۵

در نظر گرفته می‌شدم، پس از آن انتظار ۶ / ۱۸، ۶ / ۲۳، ۴ / ۲۱، و ۵ /

۱۹ را داشتم که به طور منطقی عملکرد خوبی داشته باشند.

به سرعت به نتایج ۵ / ۲۰ مشکوک شدم.


```

{*****
//fileName: JJMBook.Four%Model
//Written by Fred G. Schutzman, CMT
//Logic by Ned Davis
//see Zweig book: Martin Zweig's Winning with New IRAs, pages 117-128
//Model was designed to be applied to a weekly chart of the Value Line Composite Index (VLCI)
//Program uses the weekly (usually Friday) close of the VLCI to initiate trades
//buy if the weekly close of the VLCI rises 4% or more from its lowest close (since the last sell signal)
//sell if the weekly close of the VLCI falls 4% or more from its highest close (since the last buy signal)
//Date last changed: February 8, 1998

*****System Properties*****
Properties tab:
Pyramid Settings = Do not allow multiple entries in same direction
Entry Settings = default values
Max number of bars system will reference = 1

*****}

Inputs:          perOffLo(4.00),      { percent off lowest close }
                  perOffHi(4.00);     { percent off highest close }
Variables:        LC(0),              { lowest close }
                  HC(0),              { highest close }
                  trend(0);           { 0 = no trades yet, +1 = up, -1 down }

{ initialize variables }
If currentBar = 1 then begin
  LC = close;
  HC = close;
  trend = 0;
end;

{ update trend variable and place trading orders }
if trend = 0 then begin
  if ((close-LC) / LC) >= (perOffLo / 100) then trend = +1;
  if ((HC-close) / HC) >= (perOffHi / 100) then trend = -1;
end
else if trend = +1 and ((HC-close) / HC) >= (perOffHi / 100) then begin
  sell on close;
  trend = -1;
  LC = close;
end
else if trend = -1 and ((close-LC) / LC) >= (perOffLo / 100) then begin
  buy on close;
  trend = +1;
  HC = close;
end;

{ update LC & HC variables }
If close < LC then LC = close;
If close > HC then HC = close;

{ End of Code }

```

شکل C. 1 (کد EasyLanguage): این کد EasyLanguage با استفاده از EditorTM قدرت TradeStation's نوشته شده است. این یک زبان برنامه‌نویسی یک زبان برنامه‌نویسی شده کامل است. شکل‌های ۲C و ۳C را برای نتایج این روند بعد از سیستم توصیف‌شده توسط مارتین Zweig ببینید.

• دوره‌های مختلف زمان (به عنوان مثال ۱۹۹۰ - ۹۵ و ۱۹۸۱ - ۸۶). سیستمی که در طول پنج سال اخیر در ژاپن به خوبی انجام می‌شود، باید در هر دوره پنج ساله دیگری به خوبی تست شود. این منطقه دیگری است که به نظر می‌رسد در آن نقطه نظرات اقلیت را در نظر می‌گیرم.

• بسیاری از بازارهای مختلف. سیستمی که به خوبی در نفت خام کار کرده‌است نیز باید در گرم کردن روغن و بنزین بدون سرب در مدت مشابه کار کند. اگر نه، به دنبال توضیح خواهیم بود و معمولاً سیستم را دور می‌اندازیم. با این حال، من حتی از این هم فراتر می‌روم و آن سیستم را در سراسر پایگاه‌های خود در کل بازارها آزمایش می‌کنم، و انتظار دارم که در اکثر آن‌ها عملکرد خوبی داشته باشد.

هنگامی که آزمایش ما کامل شد، اجازه دهید از نظر بصری سیگنال‌های تجاری تولید شده را بر روی یک نمودار قیمت بررسی کنیم تا مطمئن شویم که این سیستم کاری را که ما قصد انجامش را داشتیم انجام می‌دهد. TradeStation این فرآیند را با قرار دادن arrows به طور مستقیم بر روی نمودار برای ما تسهیل می‌کند! اگر سیستم کاری را که قرار است انجام دهد، انجام ندهد، باید اصلاحات لازم را برای کد انجام دهیم و دوباره آزمایش کنیم. به خاطر داشته باشید که ایده‌های بسیار کمی به طور سودآوری انجام خواهند شد، معمولاً کمتر از ۵٪. و به هر دلیل، اغلب این ایده‌ها "موفق" قابل انتشار نخواهند بود.

مرحله ۵: نتایج EVALUATE

بیایید سعی کنیم مفهوم پشت سیستم تجاری مان را درک کنیم. آیا منطقی به نظر می‌رسد یا صرفاً یک تصادف است؟ تحلیل منحنی سهام. آیا ما می‌توانیم از طریق drawdowns زندگی کنیم؟ سیستم را به طور تجاری ارزیابی کنید. اگر علامت بد باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ سیستم چگونه از بازندگان خروج را به سرعت انجام می‌دهد؟ تا چه مدت با برندگان می‌ماند؟ اطمینان حاصل کنید که ما کاملاً با نتایج آزمون راحت هستیم، در غیر این صورت ما قادر به مبادله این سیستم در زمان واقعی نخواهیم بود.

سه آمار TradeStation کلیدی برای تجزیه و تحلیل این موارد عبارتند از:

• فاکتور سود. Equals گروس در کسب تجارت و تجارت از دست دادن معاملات سود ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد. این آمار به ما

نشان می‌دهد که سیستم ما چند دلار برای هر ۱ دلار از دست رفته و یک اندازه‌گیری است.

خطر. تجار بلند مدت باید به دنبال عوامل سود آور باشند
۳.۲ (۲) و یا بالاتر. تاجران عبارت کوتاه می‌توانند تعداد کمی پایین‌تر را
بپذیرند.

- تجارت Avg (برنده شدن &). این انتظار ریاضی system's ماست. حداقل باید به اندازه کافی بالا باشد تا هزینه‌های معامله (slippage و کمیسیون‌ها) را پوشش دهد؛ در غیر این صورت ما در حال از دست دادن پول هستیم.
- حداکثر خروج روزانه خود را نشان دهید. این بزرگ‌ترین افت است، در عبارات موازی، از یک پیک دارایی به یک آبشخور صاحبان سهام. من ترجیح می‌دهم این محاسبه را براساس درصد انجام دهم. من همچنین tiate - differen بین drawdowns را از یک نقطه شروع (جایی که من از جیب خودم در حال از دست دادن پول از جیب خودم هستم) را در مقابل drawdowns از یک پیک دارایی (که در آن سود خود را از بازارها برمی‌دارم) را از دست می‌دهم. من معمولاً نسبت به دومی lenient.

مدیریت پول

مدیریت پول، در حالی که خارج از محدوده این ضمیمه، موضوع بسیار مهمی است. این کلید تجارت سودآور است، هر ذره به اندازه یک سیستم تجاری خوب مهم است.

تکنیک‌های مدیریت پول باید خوب فکر شوند. این حقیقت را بپذیرید که زبان‌ها بخشی از بازی هستند. کنترل سود و سود شما از خودشان مراقبت خواهد کرد.

در این حوزه، تنوع در عمل تا حد ممکن. تنوع به شما این امکان را می‌دهد که بازده خود را افزایش دهید و ریسک خود را ثابت نگه دارید و یا ریسک خود را کاهش دهید در حالی که ثابت بازگشت خود را نگه دارید. diversify در بین بازارها، سیستم‌ها، پارامترها و چارچوب‌های زمانی.

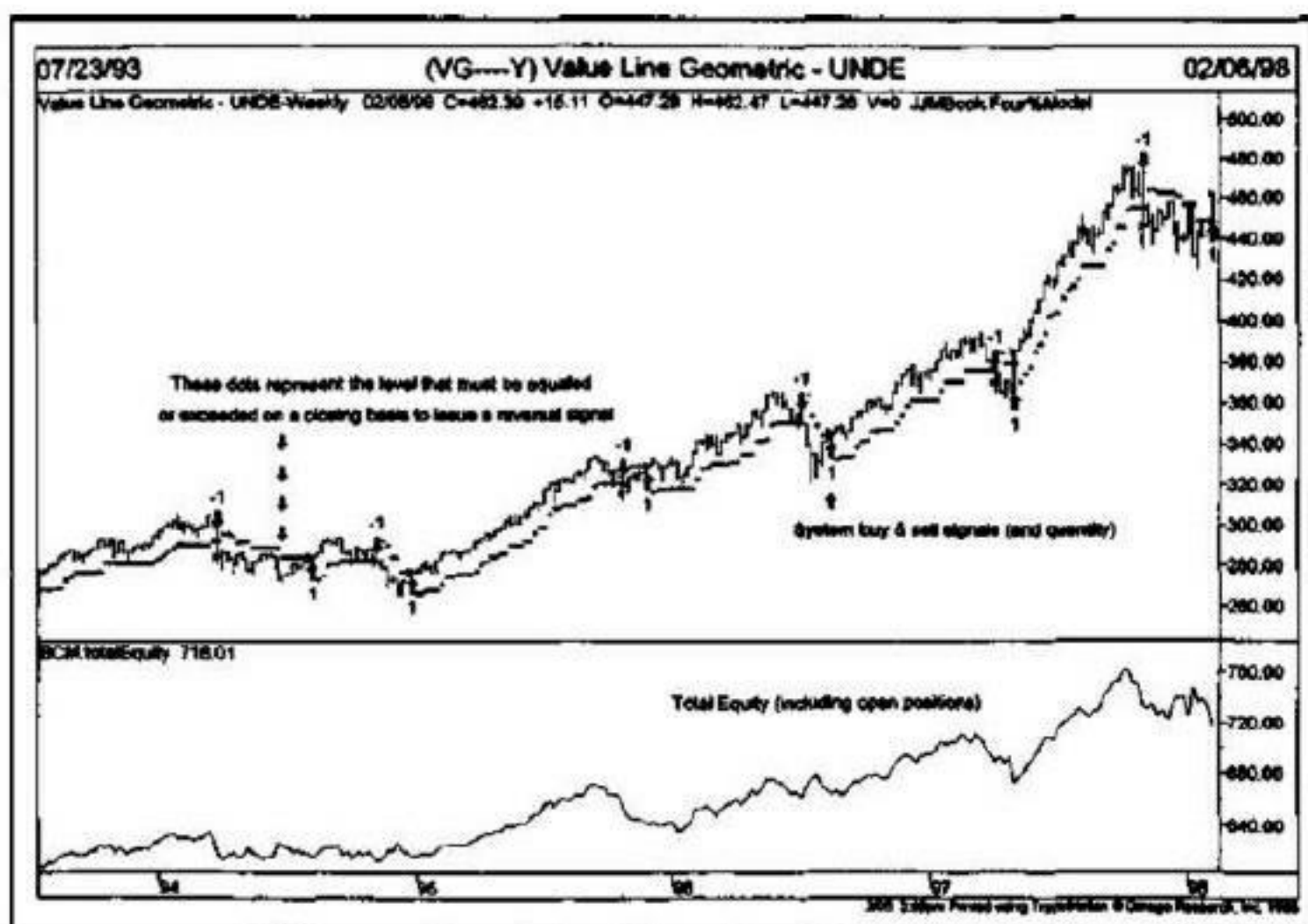
نتیجه‌گیری

ما در مورد فلسفه اصلی سیستم‌های تجاری بحث کرده‌ایم و چرا هدف بهتر از فردیت است. ما سه مزیت اصلی یک رویکرد کامپیوتری را پوشش دادیم و یک برنامه پنج مرحله‌ای برای ایجاد یک سیستم تجاری طراحی کردیم. و بالاخره، اما نه حداقل، اهمیت مدیریت پول و تنوع را تحت تأثیر قرار دادیم.

سیستم‌های تجاری می‌توانند عملکرد شما را بهبود بخشیده و به شما کمک کنند که یک تاجر موفق شوید. دلایل آن روشن است:

- آن‌ها شما را وادار می‌کنند تا قبل از انجام یک معامله تکالیف خود را انجام دهید
- آن‌ها یک چارچوب منظم را فراهم می‌کنند و این کار را برای شما آسان‌تر می‌کنند تا از قوانین پیروی کنید.
- به شما این امکان را می‌دهد که میزان تنوع خود را افزایش دهید

با تلاش زیاد و فداکاری، هر کس می‌تواند یک سیستم تجاری موفق بسازد. آسان نیست، اما قطعاً در دسترس است. در مورد اکثر چیزها در زندگی، چیزی که از این تلاش به دست می‌آورید به طور مستقیم به آنچه که در آن قرار می‌دهید، مربوط می‌شود. (به شکل‌های ۲C و ۳C. مراجعه کنید)



شکل ۲C (Exchange Data Chart): این سیستم تجاری برای استفاده در چارت هفتگی "شاخص Composite لاین" (VLCI) طراحی شد، اما همچنین در چارت روزانه of و هم در جدول‌های فروش هفتگی و هفتگی در سایر بازارها، رای اعتماد به مفهوم زیربنایی مورد آزمایش قرار گرفت. این سیستمی است که در شکل C توضیح داده شد. آل.

اصول ساخت یک سیستم تجاری

LJMBBook.Four%Model Value Line Geometric - UNDE-Weekly 06/30/81 - 02/06/98			
Performance Summary: All Trades			
Total net profit	\$ 718.01	Open position P/L	\$ 0.00
Gross profit	\$ 1118.15	Gross loss	\$ -400.14
Total # of trades	137	Percent profitable	49%
Number winning trades	67	Number losing trades	70
Largest winning trade	\$ 78.06	Largest losing trade	\$ -15.85
Average winning trade	\$ 18.88	Average losing trade	\$ -5.72
Ratio avg win/avg loss	2.92	Avg trade(win & loss)	\$ 5.24
Max consec. winners	7	Max consec. losers	5
Avg # bars in winners	21	Avg # bars in losers	7
Max intraday drawdown	\$ -45.01		
Profit factor	2.79	Max # contracts held	1
Account size required	\$ 45.01	Return on account	1595%

Created with TradeStation by Omega Research © 1998

شکل ۳C. (خلاصه عملکرد): در اینجا یک خلاصه ۳۶ ساله از سیستم نشان داده شده در شکل C وجود دارد. عملکرد ۳C. در طول ۱۲ سال گذشته با نتایج کلی سازگار بوده است. فاکتور سود، trade Avg (برد و زیان) و افت فشار بین روزی همگی عالی هستند.

ضمیمه D: قراردادهای آتی پیوسته

با یک پایگاه داده تمیز از داده‌های کالایی "خام"، انواع متعددی از قراردادها وجود دارند که می‌توانند از داده‌های خام، مانند: Nearest، قراردادهای آتی، قراردادهای فرعی، و قراردادهای پیوسته جمع‌آوری شوند. در ادامه ایده‌هایی برای ساخت این مشتقات قراردادهای آتی وجود دارد. نمادهای مورد استفاده فقط برای اهداف تصویرسازی هستند. این con پیوسته را میتوان از طریق سرویس اطلاعات شماره‌گیری (۵۶ خیابان پابن، نیویورک، نیویورک ۱۰۰۰۵، (۲۱۲) ۴۲۲ - ۱۶۰۰ ایجاد کرد).

این ضمیمه توسط گرگ موريس تهیه شد.

قرارداد nearest

نزدیک‌ترین قرارداد به طور عمده توسط بازرگانان مورد استفاده قرار می‌گیرد که فقط می‌خواهند یک فایل بزرگ از داده‌های پیوسته که از قیمت واقعی تجارت تشکیل شده‌اند را می‌خواهند. آن‌ها راضی هستند که داده‌ها منقضی شوند و سپس به طور خودکار غلت بزنند.

کاملاً محتمل است که هیچ‌کس نزدیک‌ترین قرارداد را ظرف ۱۵ تا ۳۰ روز انقضا به دست نیاورد. این امر به این دلیل است که نقدینگی در روزه‌ای اخیر یک قرارداد بسیار زود خشک می‌شود. تعداد روزه‌ای قبل از انقضای قرارداد بعدی، تابعی از کالایی است که در آن معامله می‌شود (تعداد ماه‌ها تا قرارداد بعدی) و سبک تجارت individual's. تقریباً قابل‌تصور است که یک فرد در زمان‌های مختلف برای کالاهای مختلف حرکت کند.

چرخش به قرارداد بعدی به احتمال زیاد براساس حجم contract's فعلی خواهد بود. زمانی که شروع به تضعیف شدن می‌کند، زمان آن است که به سمت جلو حرکت کنیم.

بنابراین، یک گزینه باید در اختیار داشته باشد که نزدیک‌ترین قرارداد خود را انتخاب کند. به خاطر داشته باشید که این قراردادهای واقعی ساخته شده‌اند. در اینجا چند مثال آمده‌است: مدیر پورتفولیو A به rollover در انقضا راضی است؛ بنابراین تمام چیزی که او می‌خواهد، "استاندارد" با نماد TRNE ۰۰ (اوراق قرضه خزانه‌داری) است. مدیر A احتمالاً در حال مدیریت پول و نیاز به محاسبات سرمایه است که می‌تواند از داده‌ها بدست آورد. "کولی ب" احساس می‌کند که تجارت در ماه انقضا به اندازه کافی برای او کافی نیست؛ بنابراین او از نزدیک‌ترین قرارداد خود می‌خواهد که بیش از ۱۵ روز قبل از منقضی شدن این نماد به پایان برسد. تحلیل گر C تمایل دارد تا تاریخ‌های متفاوتی را در طول زمان ارزیابی کند، بنابراین ممکن است مایل به دانلود Nearest های متعدد مانند: TRNEOO، ۰.۵TRNE، ۱۲TRNE و ۲۱TRNE (که در طول ۵، ۱۲ و ۲۱ روز قبل از انقضای منقضی شدن هستند) را دانلود کند.

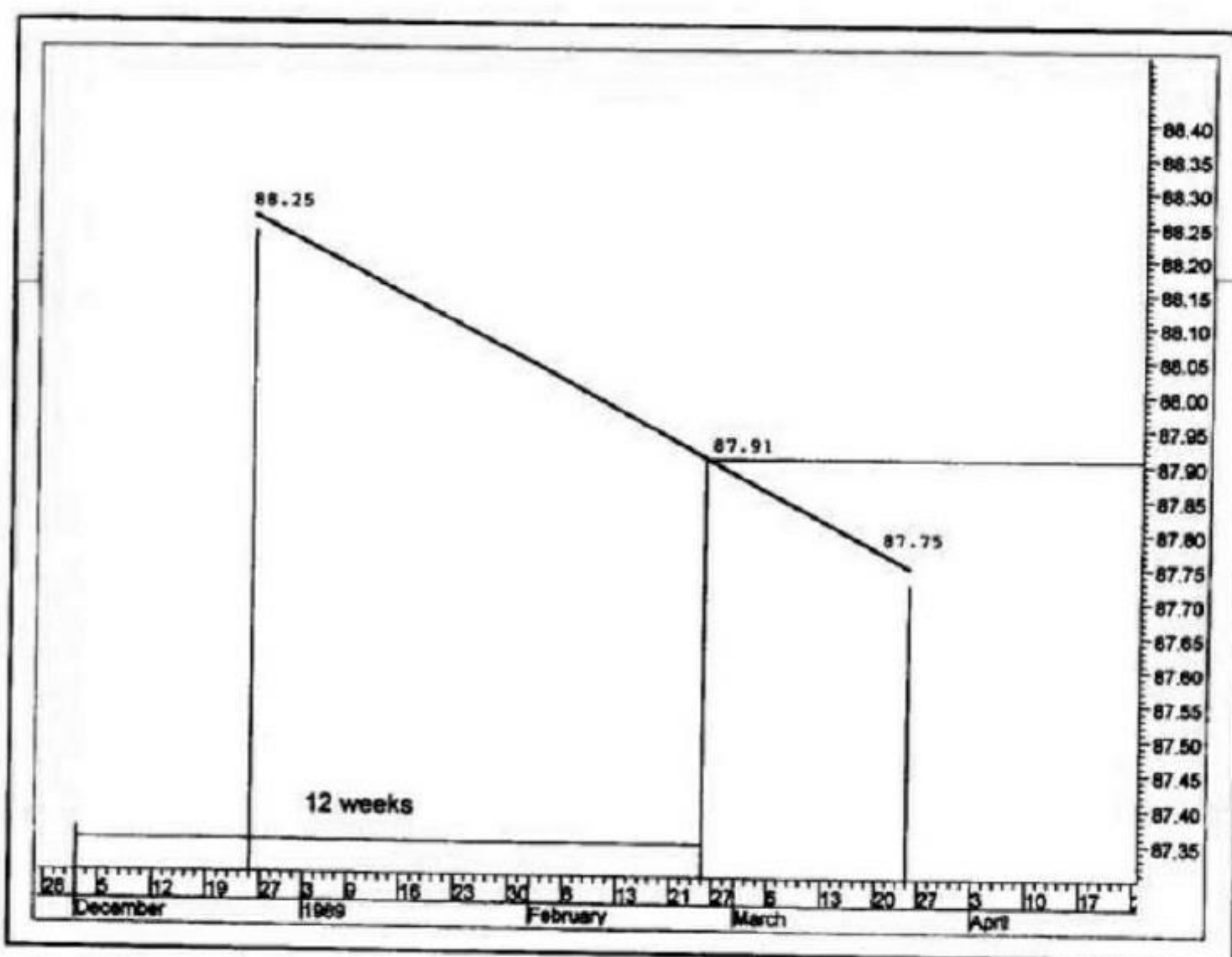
به خاطر داشته باشید که همه این قراردادهای به دور از قراردادهای بوده و حاوی داده‌های قرارداد واقعی هستند. تنها تفاوت این است که قرارداد واقعی داده‌ها از کجا می‌آید.

قرارداد بعدی

قرارداد بعدی فرزند منحصر به فرد از نزدیک‌ترین قرارداد است. دقیقاً یک‌سان است به جز این که همیشه هست

CONSTANT به دنبال قراردادهای CONTINUOUS هستند.

یک قرارداد پیوسته به جلو، مدت زمان ثابتی را در آتی به دنبال خواهد داشت. این کار از بیش از یک قرارداد برای انجام این کار استفاده می‌کند. یک روش رایج استفاده از نزدیک‌ترین دو قرارداد است و یک برون یابی خطی از داده‌ها را انجام می‌دهد. (مراجعه به شکل D. ۱)



شکل D. یک نمایش دیداری از یک قرارداد پیوسته.

یک احتمال این است که به تاجر آتی (همان طور که با نزدیک‌ترین قراردادهای) توانایی ساخت Constant پیوسته خود را پیش رو داشته باشد. سه چیز برای انجام این کار مورد نیاز است: نماد کالا، تعداد قراردادهای مورد استفاده در محاسبات، و تعداد هفته‌ها در آتی که او می‌خواهد به آن نگاه کند. به عنوان مثال، اگر او تی - اوراق قرضه را می‌خواست، با استفاده از ۳

نزدیکترین قراردادهای و پس از ۱۴ هفته به آتی، این نماد می‌تواند: TRCF314. TR یک نماد است، CF برای پیوسته (عطف) است، ۳ تعداد قراردادهای مورد استفاده است، و ۱۴ عدد هفته‌ها است که قیمت پیش‌بینی می‌شود.

مکانیک این کار نسبتاً ساده است. اول، تاریخ ثابت شدن برای هر کالا لازم است. روز خوبی بود که بتوان آن را به پایان رساند. آنچه مهم است این است که یک زمانی پیش از انقضا واقعی وجود دارد. دوم اینکه، تعداد قراردادهای استفاده‌شده هرگز کم‌تر از حد مجاز نخواهد بود و احتمالاً هرگز بزرگ‌تر از تعداد قراردادهای نخواهد بود. تعداد هفته‌های مورد استفاده احتمالاً همیشه بیشتر بوده و ممکن است در برخی موارد بالا رود.

مثال: این روش مورد استفاده توسط سیستم‌های کالا، شرکت (مراجعه به قرارداد ابدی در فصل ۸) است.

اوراق قرضه T - T بار دیگر مورد استفاده قرار خواهد گرفت، زیرا آن‌ها یک چرخه انقضا یکنواخت هر ۳ ماه دارند. Let's می‌گویند که یک تاجر از یک قرارداد پیوسته T - اوراق قرضه با استفاده از ۲ ماه اول و نگاه کردن به آتی (نماد = TRCF212) می‌خواهد. تاریخ Today's ۱ دسامبر است. نمایش گرافیکی این کار را آسان‌تر می‌کند (شکل D را ببینید). آل. محور عمودی قیمت و محور افقی زمان است. تاریخ انقضا مربوط به محور افقی و تاریخ انقضا این دو قرارداد است (دسامبر و مارس) نیز مشخص شده‌است. او می‌خواهد ۱۲ هفته آتی را به آتی نگاه کند تا یک علامت در ۱۲ هفته از امروز که در حدود ۲۵ فوریه است برسد. قیمت نزدیک قرارداد دسامبر ۲۵.۸۸ بود و قرارداد بستن قرارداد مارس به این ترتیب بود که این نقاط از تاریخ انقضا آن‌ها در قیمت‌های مربوطه بالاتر قرار می‌گیرند. سپس یک برون یابی خطی با کشیدن یک خط بین دو نقطه ایجاد می‌شود. شیب این خط بسته به چشم‌انداز نرخ سود بلند مدت (در این مثال T - باند) تغییر خواهد کرد. در این مثال خاص، چشم‌انداز برای نرخ‌های بالاتر است زیرا قیمت آتی ماه مارس کم‌تر از قیمت دسامبر است.

برای یافتن ارزش of نزدیک به امروز، نقطه‌ای را در محور افقی پیدا کنید که ۱۲ هفته از امروز (۲۵ فوریه) تا خط کشیده‌شده بر روی نمودار است. سپس از خط به سمت راست بروید و این قیمت نزدیک به این قرارداد پیوسته (در حدود ۹۱.۸۲) است. شما می‌توانید ...

ضمیمه D

همچنین از نظر بصری این نمودار نشان می‌دهد که قرارداد مارس وزن بیشتری نسبت به قرارداد دسامبر دارد چرا که نقطه رهگیری نزدیک به ماه مارس است. این روش می‌تواند در روش درست، بالا، پایین، و نزدیک به روش دقیق انجام شود. البته، یک کامپیوتر این کار را از لحاظ ریاضی انجام می‌دهد؛ این تنها توضیح بصری این است که یک قرارداد ابدی چگونه ساخته می‌شود.

خط پایین - کاهش: یکی از گسترده‌ترین شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری عرض یک بازار سهام یا کاهش. هر روز (یا هفته) تعداد مسایل پیش رو در مقایسه با تعداد موضوعات رو به کاهش است. اگر تعداد advances فزونی داشته باشد، مجموع خالص به مجموع تجمعی قبلی افزوده می‌شود. اگر از پیشرفت پیشی بگیرد، اختلاف خالص از مجموع cumula قبلی کم می‌شود. خط مقدم - کاهش معمولاً با میانگین سهامی عام، مانند میانگین صنعتی داو جونز مقایسه می‌شود. آن‌ها باید در جهت یک‌سان روند داشته باشند. هنگامی که خط سیر نزولی از میانگین سهام دور می‌شود، یک نشانه اولیه از یک روند احتمال برگشت داده می‌شود.

شاخص سلاح: که توسط ریچارد Arms توسعه یافت، این شاخص مخالف نسبت حجم متوسط سهام رو به کاهش تقسیم بر متوسط حجم سرمایه گذاران است. خواندن زیر ۰.۱

حجم بیشتری را در افزایش سهام نشان می‌دهد. یک مطالعه بالاتر از ۰.۱ منعکس‌کننده حجم بیشتر در کاهش مسایل است. یک میانگین ۱۰ روز از شاخص Arms بالای ۱ / ۱ oversold است در حالی که یک میانگین روزانه ۱۰ روز پایین‌تر است. ۷۰ is است.

مثلث صعودی: الگوی قیمت یک پهلوی بین دو لبه verging که در آن خط پایین در حال بالا رفتن است در حالی که خط بالایی صاف است. این به طور کلی یک الگوی صعودی است. (مراجعه به Triangles)

نمودار میله‌ای: در نمودار میله‌ای روزانه، هر بار یک فعالیت day's را نشان می‌دهد. نوار عمودی از بالاترین قیمت به پایین‌ترین قیمت (محدوده) کشیده می‌شود. پرش از سمت چپ میله، قیمت دهانه را نشان می‌دهد، در حالی که یک پرش به سمت راست بار قیمت بسته را نشان می‌دهد. نمودارهای میله‌ای می‌توانند برای هر دوره زمانی، شامل ماهانه، هفتگی، ساعتی و دقیقه ساخته شوند.

باندهای Bollinger: که توسط جان Bollinger توسعه یافت، این شاخص باند تجاری را دو انحراف استاندارد بالا و پایین‌تر از میانگین متحرک ۲۰ دوره نشان می‌دهد. قیمت‌ها اغلب با مقاومت در باند بالایی و حمایت در باند پایین مواجه خواهند شد.

شکاف دیجیتالی: شکاف قیمت که در تکمیل یک الگوی قیمت مهم شکل می‌گیرد. یک شکاف جدایی معمولاً نشان‌دهنده آغاز یک حرکت مهم قیمت است. (Gaps را ببینید)

خط کانال: خطوط مستقیم موازی با خط روند اولیه هستند. در یک uptrend، مسیر کانال به سمت راست منحرف می‌شود و بالاتر از قله‌ها است؛ در روند نزولی خط کانال زیر troughs قیمت کشیده می‌شود و به سمت راست متمایل می‌شود. قیمت اغلب با مقاومت در برابر افزایش خطوط کانال و حمایت از خطوط کانال در حال سقوط مواجه خواهد شد.

تایید: زمانی که بسیاری از عوامل بازار ممکن است با یکدیگر موافق باشند. به عنوان مثال، اگر قیمت‌ها و حجم با هم در حال افزایش هستند، حجم تایید اقدام قیمت را تایید می‌کند. نقطه مقابل تایید، واگرایی است.

الگوی "استمرار": اشکال پرایس که دلالت بر توقف یا تحکیم در روند غالب دارند. معمول‌ترین انواع مثلث‌ها، مثلث‌ها، پرچم‌ها و پرچم‌های دیگر هستند.

مثلث نزولی: یک الگوی قیمت جانبی بین دو لبه verging که در آن خط بالایی در حال کاهش است در حالی که خط پایین تخت است. این به طور کلی یک الگوی نزولی است. {مراجعه به Triangles}

Divergence: وضعیتی که در آن دو شاخص هویت یکدیگر را تایید نمی‌کنند. به عنوان مثال، در آنالیز نوسانگر، روند قیمت‌ها بالاتر می‌رود در حالی که یک نوسان‌ساز شروع به افت می‌کند. Divergence معمولاً در مورد برگشت روند هشدار می‌دهد. {مراجعه به تایید}

دو قله بلند: این الگوی قیمت دو قله برجسته را نشان می‌دهد. برگشت کامل است وقتی که آبشخور میانی شکسته شود. کف دو جداره یک تصویر آینه‌ای از بالا است.

خط روند پایین: یک خط مستقیم به سمت راست کشیده می‌شود و به سمت راست بالای قله‌های rally متوالی بالا کشیده می‌شود. تخطی از خط روند نزولی معمولاً سیگنال‌های نزولی روند نزولی را نشان می‌دهد. {مراجعه به trendlines}

نظریه داو: یکی از قدیمی‌ترین و most نظریه‌های تکنولوژی محور. زمانی که the صنعتی و داو داو به اوج خود رسید، یک نظریه داو به دست آمد. یک سیگنال فروش در زمانی داده می‌شود که هر دو به طور متوسط کم‌تر از یک واکنش قبلی باشند.

تحلیل موج الیوت: یک رویکرد برای تحلیل بازار که مبتنی بر الگوهای موج تکراری و توالی اعداد فیبوناچی است. الگوی موج Elliott ایده‌آل یک پیشروی موج را نشان می‌دهد که پس از آن یک کاهش موج ۳ موج دنبال می‌شود. {مراجعه به اعداد فیبوناچی}

envelopes: خطوط روی درصدهای ثابت بالا و پایین یک خط متوسط متحرک قرار داده می‌شوند. envelopes به تعیین زمانی کمک می‌کنند که یک - ket mar از میانگین متحرک بسیار دوری کرده و overextended است.

شکاف فرسودگی: شکاف قیمت که در پایان یک روند مهم رخ می‌دهد و سیگنال‌ها را نشان می‌دهد که این روند به پایان می‌رسد. (Gaps را ببینید)

هموارسازی نمایی: یک میانگین متحرک که از تمام نقاط داده استفاده می‌کند، اما به داده‌های قیمت جدید بیشتر اهمیت می‌دهد. (به طور میانگین متحرک را ببینید)

اعداد فیبوناچی: دنباله فیبوناچی (۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵، ۸۹، ۱۴۴...) با افزودن دو عدد اول به مرحله سوم ساخته شده است. نسبت هر عدد به عدد بزرگ‌تر بعدی ۶۲ درصد است که یک عدد محبوب دنباله فیبوناچی است. معکوس ۶۲ درصد که ۳۸ درصد است نیز به عنوان عدد retracement فیبوناچی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نسبت هر عددی به عدد کوچک‌تر بعدی، ۶۲.۱ درصد است که برای رسیدن به اهداف قیمت فیبوناچی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مراجعه به آنالیز موج الیوت).

پرچم: یک الگوی قیمت تداوم، به طور کلی کم‌تر از سه هفته طول می‌کشد، که شبیه یک متوازی‌الاضلاع است که در برابر روند رایج شیب دارد. این پرچم نشان‌دهنده یک مکث جزئی در روند قیمت پویا است. (مراجعه به Pennant)

تحلیل بنیادین: معکوس تجزیه و تحلیل تکنیکال. تجزیه و تحلیل بنیادین متکی بر تامین اقتصادی و اطلاعات تقاضا است، در حالی که با فعالیت بازار مخالف است.

شکاف‌ها: شکاف‌ها، فضاهای باقی مانده در نمودار میله‌ای هستند که در آن هیچ تجارت صورت نگرفته است. یک شکاف بزرگ زمانی شکل می‌گیرد که پایین‌ترین قیمت در روز تجاری بالاتر از بالاترین قیمت روز قبل است. یک فاصله پایین زمانی شکل می‌گیرد که بالاترین قیمت روز پایین‌تر از پایین‌ترین قیمت روز قبل است. یک شکاف بزرگ معمولاً نشانه قدرت بازار است در حالی که شکاف پایین نشانه ضعف بازار است. سه نوع شکاف عبارتند از جدایی، فراری (که اندازه‌گیری نامیده می‌شود) و فواصل خستگی.

سر و شانه: بهترین نوع از الگوهای برگشت. در راس بازار سه قله برجسته یا یک

میانی (یا سر) کمی بالاتر از دو نقطه دیگر تشکیل شده است.

واژه نامه ۵۱۵

peaks (شانه‌ها). هنگامی که خط روند (neckline) اتصال دو intervening را به هم متصل می‌کند، الگوی plete - com می‌باشد. یک الگوی پایین یک تصویر آینه‌ای از بالا است و یک سر و شانه معکوس نامیده می‌شود.

تحلیل بین بازار: یک جنبه دیگر از تحلیل بازار که عمل قیمت بخش‌های مربوط به ket را مورد توجه قرار می‌دهد. چهار بخش واحد پول، کالا، اوراق قرضه و سهام هستند. بازارهای بین‌المللی نیز شامل می‌شوند. این رویکرد مبتنی بر این فرض است که همه بازارها به هم مرتبط هستند و بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند.

برگشت جزیره: ترکیبی از یک شکاف فرسودگی در یک جهت و شکاف جدایی در جهت دیگر ظرف چند روز. برای مثال، برای مثال، قیمت رو به بالا و سپس به سمت پایین در چند روز کاهش می‌یابد. نتیجه معمولاً دو یا سه روز کاری است که با فاصله‌های دو طرف تنها ایستاده. برگشت جزیره معمولاً نشان‌دهنده برگشت روند است. (Gaps را ببینید)

روز برگشت کلید: در یک uptrend، این الگوی روز زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت‌ها در سطح بالایی جدید باز می‌شوند و سپس زیر قیمت بسته قبلی day's بسته می‌شوند. در روند نزولی قیمت پایین‌تر و سپس بالاتر است. هر چقدر محدوده قیمت در روز معکوس اصلی و حجم سنگین‌تر باشد، احتمال اینکه معکوس در حال رخ دادن باشد بیشتر است. (به مجله هفتگی مراجعه کنید).

نمودارهای سطر: نمودارهای قیمت که قیمت بسته یک بازار معین را طی یک بازه زمانی متصل می‌کنند. نتیجه یک خط منحنی بر روی نمودار است. این نوع نمودار با overlay و یا نمودارهای com که معمولاً در آنالیز بین بازار بکار گرفته می‌شوند، بسیار مفید است. همچنین برای تجزیه و تحلیل روند دیداری از وجوه مشترک باز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

MACD: ایجاد شده توسط جرال د اپل، میانگین متحرک سیستم واگرایی gence - conver دو خط را نشان می‌دهد. خط اول (MACD) تفاوت بین دو حرکت نمایی است - -

سنین (معمولاً ۱۲ و ۲۶ دوره) از بستن قیمت‌ها. خط دوم (سیگنال) معمولاً یا EMA خط اول (MACD) است. هنگامی که این دو خط عبور می‌کنند سیگنال‌های داده می‌شوند.

نمودار هیستوگرام تصویر: تغییر سیستم MACD که تفاوت بین خطوط سیگنال و MACD را مشخص می‌کند. تغییرات در گسترش بین دو خط را میتوان سریع‌تر تشخیص داد و منجر به سیگنال‌های تجاری قبلی شد.

oscillator McClellan: که توسط شرمن McClellan توسعه یافت، این oscillator تفاوتی بین ۱۹ روز (۱۰٪) و ۳۹ روز (۵٪) به صورت نمایی کلی از ارقام کاهش خالص روزانه خالص است. Crossings بالای خط صفر مثبت هستند و زیر صفر منفی هستند. مطالعات بالاتر از ۱۰۰+، overbought هستند در حالی که خوانش زیر ۱۰۰ oversold هستند.

summation index: مجموع تجمعی تمام oscillator daily oscillator McClellan که تجزیه و تحلیل محدوده وسیعی از وسعت بازار را فراهم می‌کند. به همین روش به عنوان خط مقدم - کاهش استفاده می‌شود.

نیروی حرکت: تکنیکی که برای ساخت یک نوسان‌ساز overbought - بیش از حد استفاده‌شده، بکار می‌رود. نیروی حرکت (Momentum) تفاوت‌های قیمت را در طول یک بازه زمانی انتخاب‌شده اندازه‌گیری می‌کند. برای ساخت یک خط انتقال ۱۰ روزه، قیمت پایانی ۱۰ روز زودتر از آخرین قیمت کم می‌شود. مقدار مثبت یا منفی ناشی از آن در بالا یا زیر یک خط صفر ترسیم می‌شود. (مراجعه به Oscillators)

میانگین متحرک: یک روند به دنبال شاخص که در یک محیط روند به بهترین نحو عمل می‌کند. میانگین متحرک حرکت قیمت را صاف می‌کند اما با تاخیر زمانی عمل می‌کند. به عنوان مثال، یک روز ۱۰ روز ساده در حال حرکت به عنوان مثال، قیمت بسته ۱۰ روز اخیر را اضافه کرده و کل را به ۱۰ تقسیم می‌کند. این روش هر روز تکرار می‌شود. هر عددی از میانگین متحرک می‌تواند با طول زمان مختلف برای تولید و فروش سیگنال مورد استفاده قرار گیرد. هنگامی که تنها یک میانگین به کار گرفته می‌شود، یک سیگنال خرید زمانی داده می‌شود که قیمت بالاتر از میانگین بسته شود. چه زمانی

دو میانگین به کار گرفته می‌شود، یک سیگنال خرید زمانی داده می‌شود که متوسط کوتاه‌تر برتر از میانگین طول عمر طولانی‌تر باشد. سه نوع وجود دارد: ساده، وزن دار، و میانگین مرتب شده.

در حجم تعادل: توسعه داده‌شده توسط جوزف Granville, OBV, مجموع تجمعی است که وارونه و نزولی دارد. حجم در طول روز افزوده می‌شود و در روز کم می‌شود. خط OBV با خط قیمت ترسیم شده‌است تا ببیند آیا این دو خط به یکدیگر تایید می‌کنند یا خیر. [حجم را ببینید].

منافع باز: تعداد اختیار معامله یا قراردادهای آتی که هنوز در پایان یک روز تجاری به کار گرفته می‌شوند. یک افزایش یا افت در علاقه آشکار نشان می‌دهد که پول به ترتیب به دست می‌آید یا خارج از قرارداد یا گزینه آتی است. در بازارهای آتی، افزایش نرخ بهره برای روند فعلی خوب در نظر گرفته می‌شود. سود باز نیز نقدینگی را اندازه‌گیری می‌کند.

Oscillators: شاخص‌هایی که زمانی که یک بازار در شرایط overbought یا oversold قرار دارد را تعیین می‌کنند. هنگامی که نوسانگر به حد بالایی می‌رسد، بازار overbought است. هنگامی که خط oscillator به حد پایین‌تر می‌رسد، بازار oversold است. (به نیروی حرکت، میزان تغییر، شاخص قدرت نسبی، و Stochastics مراجعه کنید).

Overbought: اصطلاحی که معمولاً در اشاره به نوسانگر استفاده می‌شود. هنگامی که یک نوسان‌ساز به حد بالایی می‌رسد، اعتقاد بر این است که یک بازار بیش از حد رشد کرده و نسبت به یک selloff آسیب‌پذیر است.

oversold: اصطلاحی که معمولاً در اشاره به نوسانگر استفاده می‌شود. هنگامی که یک نوسان‌ساز به حد پایین‌تر می‌رسد، اعتقاد بر این است که یک بازار بسیار دور افتاده‌است و به دلیل یک جهش است.

Pennant: این الگوی قیمت تداوم مشابه پرچم است، به جز اینکه آن بیشتر افقی است و شبیه به یک مثلث متقارن کوچک است. مانند پرچم، پرچم معمولاً از یک تا سه هفته طول می‌کشد و معمولاً با از سرگیری روند قبلی دنبال می‌شود.

درصد مشاوران سرمایه‌گذاری صعودی: این معیار از روند بازار سهام به طور هفتگی به وسیله اطلاعات Investor's در نیو یورک، نیویورک منتشر می‌شود. زمانی که تنها ۳۵٪ از حرفه‌ای‌ها صعودی هستند، بازار به عنوان oversold در نظر گرفته می‌شود. یک مطالعه ۵۵٪ در نظر گرفته می‌شود.

الگوهای قیمتی: الگوهایی که در نمودارهای قیمت ظاهر می‌شوند و ارزش پیشگویی دارند. الگوها به الگوهای معکوس و تکراری تقسیم می‌شوند.

میزان تغییر: تکنیکی که برای ساخت یک نوسان‌ساز overbought - oversold بکار می‌رود. نرخ تغییر، نسبت قیمت را در طول زمان انتخاب‌شده به کار می‌برد. برای ساخت یک نرخ ۱۰ روزه نوسان‌ساز تغییر، آخرین قیمت نهایی با قیمت بسته ۱۰ روز قبل تقسیم می‌شود. ارزش حاصله در بالا یا زیر مقدار ۱۰۰ ترسیم می‌شود.

تحلیل نسبت نرخ: استفاده از یک نسبت به مقایسه قدرت نسبی بین دو نهاد. یک شرکت سهامی خاص یا گروه صنعتی تقسیم‌شده توسط شاخص S & P ۵۰۰ می‌تواند مشخص کند که آیا این گروه صنعت یا صنعت به عنوان یک کل بازار سهام محسوب می‌شود یا نه. تحلیل نسبت را میتوان برای مقایسه هر دو نهاد مورد استفاده قرار داد. نسبت افزایش نشان می‌دهد که صورت صورت در نسبت مخرج کسر نامیده می‌شود. تحلیل روند می‌تواند به خود خط نسبت داده شود تا نقاط عطف مهم را مشخص کند.

شاخص مقاومت نسبی (RSI): A محبوب توسط ولس، جونیور توسعه یافت. و در کتاب خود منتشر شده در سال ۱۹۷۸، مفاهیم جدید در سیستم‌های بازرگانی تکنیکال توضیح داده شد. RSI روی یک مقیاس عمودی از ۰ تا ۱۰۰ رسم شده است. مقادیری که بیش از ۷۰ مورد نیاز است عبارتند از: overbought و مقادیر کم‌تر از ۳۰، oversold. زمانی که قیمت‌ها بیش از ۷۰ یا زیر ۳۰ سال باشند و از اقدام قیمت دور شوند، یک هشدار از یک روند احتمال برگشت داده می‌شود. RSI معمولاً از ۹ یا ۱۴ دوره زمانی استفاده می‌کنند.

مقاومت: نقطه مقابل پشتیبانی. مقاومت با پیک قبلی قیمت مشخص می‌شود و برای جلوگیری از افزایش قیمت مانع از مانعی بر روی بازار می‌شود. (پشتیبانی را ببینید)

retracements: قیمت‌ها معمولاً قبل از از سرگیری روند اصلی به مقدار ثابتی بر روند قبلی برمی گردند. بهترین نمونه شناخته شده، ۵۰٪ retracement است. حداقل و حداکثر - retracements imum به ترتیب یک سوم و دو سوم هستند. آنالیز موج الیوت از فیبوناچی ۳۸٪ و ۶۲٪ استفاده می‌کند.

الگوهای Reversal: الگوهای قیمت بر روی یک نمودار قیمت که معمولاً بیانگر آن است که برگشت روند در حال رخ دادن است. شناخته شده‌ترین این الگوهای معکوس، سر و شانه‌ها و tops و bottoms است.

شکاف فراری: شکاف قیمت که معمولاً حول نقطه میانی یک روند مهم بازار رخ می‌دهد. به همین دلیل، آن یک شکاف اندازه‌گیری نیز نامیده می‌شود. (Gaps را ببینید)

شاخص‌های احساسی: شاخص‌های روان‌شناختی که تلاش می‌کنند درجه یک یا چند درجه را در بازار اندازه‌گیری کنند. این شاخص‌ها، شاخص‌های متضاد هستند و به همین ترتیب، به همان شکلی استفاده می‌شوند که نوسان‌سازهای سینوسی یا نامتقارن. بزرگ‌ترین ارزش آن‌ها وقتی است که به حد بالایی یا پایینی برسند.

میانگین ساده: میانگین متحرک که وزن برابر را به هر داده قیمت day's می‌دهد. (به طور متوسط به هموارسازی و میانگین وزن گرا مراجعه کنید).

Stochastics: یک نوسان‌ساز oversold - overbought توسط جورج لین مشهور شد. یک دوره زمانی ۱۴ معمولاً در ساخت آن به کار می‌رود. Stochastics از دو خط - % K و میانگین متحرک آن ۳ D استفاده می‌کند. این دو خط در دامنه عمودی بین ۰ تا ۱۰۰ نوسان دارند. مطالعات بالاتر از ۸۰ overbought هستند، در حالی که خوانش زیر ۲۰ مورد oversold. هنگامی که خط لوله سریع‌تر K بالاتر از خط % slower D عبور می‌کند و خطوط زیر ۲۰ هستند، یک سیگنال خرید ارائه می‌شود. هنگامی که % K در زیر خط % D عبور می‌کند و خطوط بالای ۸۰ قرار می‌گیرند، سیگنال فروش داده می‌شود.

پشتیبانی: قیمت یا منطقه قیمت، زیر قیمت بازار فعلی، که در آن قدرت خرید برای توقف کاهش قیمت کافی است. یک واکنش قبلی معمولاً سطح پشتیبانی را شکل می‌دهد.

مثلث متساوی الساقین: یک الگوی قیمت از روی یک قیمت بین دو trendlines که در آن خط روند بالاتر رو به کاهش است و خط روند پایین در حال افزایش است. این الگو نشان دهنده تعادل میان خریداران و فروشندگان است، اگرچه روند قبلی معمولاً از سر گرفته می شود. شکست از طریق روند خط روند، جهت روند قیمت را نشان می دهد. (به مرتب سازی صعودی و نزولی کردن مثلث ها نگاه کنید).

تحلیل تکنیکال: مطالعه اقدام بازار، معمولاً با نمودارهای هزینه، که شامل حجم و الگوهای علاقه باز می باشد. همچنین آنالیز نمودار، تحلیل بازار و اخیراً تحلیل دیداری نیز نامیده می شود.

روند: به جهت قیمت ها اشاره دارد. قله های بالا و فرورفتگی یک حرکت نزولی را تشکیل می دهند. دامنه تجاری با قله های افقی و فرورفتگی مشخص می شود. روندهای عموماً به مازور (بیش از یک سال)، متوسط (یک تا شش ماه) یا جزئی (کمتر از یک ماه) طبقه بندی می شوند.

trendlines: خطوط مستقیم که در نمودار پایین تر از پایین واکنش در یک روند نزولی کشیده شده اند، و یا بالاتر از قله ها در روند نزولی، که the روند فعلی را مشخص می کنند. شکستن خط روند معمولاً سیگنال بازگشتی را نشان می دهد.

Triangles: الگوهای قیمت Sideways که در آن قیمت ها در نوسان converging نوسان می کنند. سه نوع مثلث متقارن، صعودی و نزولی هستند.

یک الگوی قیمتی با سه قله برجسته، مشابه سر و شانه ها، به جز اینکه هر سه قله در همان سطح رخ می دهند. کف سه گانه تصویر آینه از بالا است.

خط روند: یک خط مستقیم به سمت بالا و سمت راست پایین می رود. هر چه خط روند طولانی تر مورد آزمایش قرار گرفته باشد و زمان های بیشتری مورد آزمایش قرار گرفته، بیشتر -

هر چه باشد، می‌شود. تخطی از خط روند معمولاً سیگنال‌هایی را نشان می‌دهد که uptrend ممکن است جهت را تغییر دهند. (به خط روند پایین نگاه کنید)

تحلیل بصری: شکل تحلیلی که از چارت و شاخص‌های بازار برای تعیین جهت بازار استفاده می‌کند.

حجم فعالیت تجاری در سهام، گزینه، یا قرارداد آتی. توسعه حجم در جهت روند کنونی قیمت، روند قیمت را تایید می‌کند. (به حجم تعادل نگاه کنید)

برگشت هفتگی: یک برگشت هفتگی وارونه زمانی وجود دارد که قیمت‌ها در روز دوشنبه و سپس در جمعه نزدیک the قبلی بسته می‌شوند. یک برگشت منفی هفتگی، هفته بالاتر را باز می‌کند، اما تا جمعه بسته می‌شود. (روز برگشت کلید را ببینید)

میانگین وزن دار: یک میانگین متحرک که از یک بازه زمانی انتخابی استفاده می‌کند، اما وزن بیشتری به داده‌های اخیر قیمت می‌دهد. (به طور میانگین متحرک را ببینید)